[Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0717

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz

This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

شرح اشتراک

اقسام مقامات	قیمت شش ماهه	قیمت سالانه
داخل السلطنه کابل	۵	۹
داخل مملکت افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

قیمت یکشماره آن یکشاهی است
برای سادات و علما و طلبه مکاتب
مناصفه قیمت معاف است
کتب خانهای ملی و نامه نگاران
مفت و رایگان تقدیم میشود. تبادله
... اخبارات اسلامی قبول ...

حقیقت

قواعد و ضوابط

بدون از ایام تعطیل روزنامه بذات خود
دار السلطنه یکروز در هفته نشر و شایع، دیگر
حصص افغانستان و ممالک خارجه [illegible]
میگردد. مواد تحریریه آن با نام نگارنده حقیقت
در کابل ارسال مقالات و اصلاح آن [illegible]
واپس نمیشود. اخبار و اعلانات درج و عدم
آن آزاد است. وجه اشتراک توسط
خواهش و وقتی از جمله [illegible] گرفت
میشود.
نگارنده (برهان الدین کشککی)

کابل شنبه ۲۵ برج اسد ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۱۴ محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری شماره دوم

گزارشات مجمل نسبت بغاوت منگل

—(۲)—

با اینکه حالات مفصل و واقعات کامل جریانات و گذارشات بغاوت منگل از ابتدای آن در مجموعه عسکری و امان افغان نشر شده است
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اولین موجب این هنگامه و یگانه باعث برپا شدن این غائله
مسئله یا نمودن چند تن از مجوسین منگل است که حکومت عادلانه ما و
شان را بحسب فرمانات شرعی و قوانین دولتی محبوس داشته
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بیش کار و مامورین عدلیه [illegible]
واقعات محبوسین قطع شده بنای باوه گوئی [illegible] این مسئله نشود

شهر ارگون دوست نکار بخری خورش [illegible] موضوع آمدن شان
دار السلطنه و مذاکره نمودن آنها با علمای محترم در مسائل مذکوره
سفیر شان ارسال داشت لیکن آن هم سودی نبخشیده در شرارت انها
افزوده مواسات حکومتی اعلی انجام [illegible]
کارگر افتاده [illegible] حکومت [illegible]
نشان میدهند چون خیالات اعلیحضرت بر رهبران
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و تاوان [illegible] حال مجمل [illegible] خان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جدید باید عسکری [illegible] سلسله جاری بود و اجناس مذهبی و دینی [illegible]
[illegible] بوده بودند کرده شود

قدم اول اصلاح علما و بزرگان مرکزی | برای اصلاح [illegible]

[illegible] حضرات محترم و جناب مستطاب [illegible] محمد [illegible]
شوراء و [illegible] محمد ابراهیم خان وزیر عدلیه سابق و بعضی علما
مرکزی [illegible] شدند [illegible] با آنها [illegible] نمود
اگر چه مقصد [illegible] اصلاح بعضی مولوی [illegible]
و اعطا [illegible] مرکزی و عموم علمای اعلام و فضلای [illegible]
و وکلای افغانستان [illegible] حل و فصل [illegible]
چون مقصد [illegible] شرارت انگریزی و فساد [illegible]
بود [illegible] این ذوات کرام [illegible] اعتبار [illegible]
در [illegible] و [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] | [illegible] آقای محمد [illegible]

وزیر صاحب [illegible] قوه عسکری [illegible]
[illegible] تا آنها گفت و شنید کرده آنها را از حقائق
[illegible] حقیقت [illegible] شده
اصلاح آیند و ازین کردار ناهنجار خود تائب شوند.
[illegible]
این [illegible] حکومت [illegible]
کرده [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] عسکری [illegible]
[illegible] خان [illegible]
[illegible] اختیار کرده [illegible] برای آنها
[illegible] نمودند

[illegible] محمد [illegible] | [illegible]

[illegible] آنها [illegible] لازم [illegible] قوت [illegible]
[illegible] ترتیب [illegible] کرده شود لهذا
[illegible] محمد صدیق خان [illegible] عسکری [illegible]
شده [illegible] و [illegible] داده شد [illegible]
[illegible] و آنها را از هر طرف احاطه [illegible] نموده [illegible]
[illegible] تا اصلاح آیند و از شرارت خود [illegible]
[illegible] عسکری [illegible]
[illegible]

[illegible] کرده [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] خواب [illegible] نمودند [illegible]
[illegible] ملت [illegible] قطع [illegible] نمودند.

[illegible] | این [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کرده اند [illegible]
[illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قرآن شریف [illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کشیده اند.

(ورشتارزو آینده)

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دیگر خبرها [illegible]
[illegible]

رنجیدن سپتا زادهٔ امیر محمد یعقوب خان مرحوم از هندوستان و ملحق شدنش در جنگ با اجنبیان

[illegible]

عبدالکریم [illegible] امیر محمد یعقوب خان [illegible]

[illegible]

عبدالکریم [illegible]

[illegible]

اظهارات [illegible] افغانستان

[illegible]

[illegible] وحشیت

[illegible]

[illegible] افغانستان

[illegible]

[illegible] عبدالکریم

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 6 of 524

کوتی اکمال چند هزار روپیه دادم. و مزید معاونت جانی و مالی برایم از طرف
انگلیس وعده شده است که بعد از حصول بیعت بغاوت داده میشود.
بمجالی که ما نتوانیم تصدیق معاونت و طرفداری انگلیس را با عبدالکریم
مذکور قرار ثبوت داده نتوانیم. بمجالیکه تصور میکنیم کروی خدمتی با افغانستان
نماید بلکه محقق است که وجود این شخص در خاک سرحدات با ملت و برسر
آن یک منت عاجز بخود را که از خود حرکت و اراده نداشته حسب اظهار
دشمنان اسلام روا اعتقاد و دین اسلام کار خواهند خواهد گشت.

افغان و ملت افغانیت بعبدالکریم

در این موقع اگرچه لازم
نیست که نسبت بدین عبدالکریم.. نام و کار روا چنانچه زمان امیر
محمد یعقوب خان مرحوم. تمام افکار روا از اعزه و علما ندو وکلا شوند که در موضع
آن و عموم مملکت افغانی و بیان تاریخی را علم بند نمائیم. لکن بعض خصوصیات
طوالت ما بر بیانه خامه و مرد عاقل کرد در موقع اجتماع اعزه کابل و
در وزارت حربیه جنگ سردار اعلی آقا عبدالعزیز خان وکیل حربیه در
حالات [illegible] بعداً
[illegible] دفعه یک جدّت فوق العاده و
[illegible] را ایراد کرد (که از طرف عموم تماماً تاکید و
بر شخص عبدالکریم.. و برزنا امارت امیر مغفور عموماً تقیید نموده اظهار
امتنان و تشکر شان را از شاهان مابعد افغانستان نموده اند که.. ملت
افغانستان کدام یک فرزند رشید و صالح امیر محمد یعقوب خان. مرحوم را
بدین موقف سراغ ندارند. و در براشتی هیچکه در محیط کفر و زر
دیگران نشو و نما نموده اعتبار و اعتماد نمی خواهیم. سابقا اگر چه عبدالکریم
عبدالکریم در صالح وخلف الصدق رشید امیر محمد یعقوب.. با تجدد
حرکات و سکنات و عقاید و رفتار و کردار جنایات شان ما شایسته
سلطنت و بیدار بار آباست. چون خود امیر مغفور افغانستان بجز
از یکه اولاد دو چار تهلکه و مظلمه دشمنان داخله و خارجه کرده دیگر
خدمتی نموده است. که اولاد شان که در سرزمین [illegible]
افغانستان و زندگانی کرده امید داشته باشیم. [illegible] از خدمات
و مساعی جمیله اعلیحضرت ضیاء الملة والدین و اعلیحضرت شمس سعید
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حادثهٔ سمت جنوبی و دیگر جا منشاً ملت

در آغاز شدت ناگوار سمت جنوبی
با اینکه در ابتدا بلباس مذهبی و تاییدمسائل اسلامی جلوه افگن شده بود
ما یا بلکه عموم ملت افغانستان چون شریعت پرور که اسلام دوستی و مسلمان
و عقیده راسخ مذهبی اعلیحضرت غازی را علی الیقین می بنداشتیم. این حرکت
را بجز از دسیسه و مکر و خدعه دشمنان اسلام و افغانستان و یک چال بازی
و نفاق انگیزی معاندان دیگر چیزی گمان نمیکردیم. اما اکنون که رفته رفته
عموم در نظامنامه دولتی و تعدیل و تصویب بعض قوانین ضعیف شده خوانده
ما ندارج مسائل مذهبی به قوه تقیید گردیده چون دشمنان خود را در بین را
و مزید گفت و شنید خود را دیده اند از طرح دیگر و فتنه خود
در شما افگنده میخواهند که افغانستان را از شاهراه ترقی و تعالی گرداند
در بین ملت شان تفاوت و نفاق را بیفگنند.

بغاوت مکرر منگل و سرکوبی شان از طرف اهالی افغان

اما باید عموم ملت
و رعایا صادق افغانستان را بدینجهت بسوی فتنه خیز منگلی، و عدد
و الآخر با نمود سمت جنوبی قیاس باید کرد. چه اوراق تاریخ شان
مدعا است که در بین طوائف را انواع ذلت و اقسام خواری و
سگ ها مالک محمد ولی و مقهور نموده و حتی در [illegible]
در هر دو مرتبه که منگل علم بغاوت را بلند کرده بود از دست
بلبیار سهولت بشاهراه سلامت شتافتند. در زمانه امیر شهید
سراج الملة والدین نیز بهت بجوین ملت و حکومت بعد از آن موجود
بغاوت باز آمدند. اکنون هم اگر دفعات بها بی مزید
بطرفدار یی منگل و امید اصلاح شان دست تعرض ملت
نکنند. بجا که بسیار زود می دیده خواهد شد که [illegible]
و مسلط اورده مجدد حقوق اطاعت حکومت را [illegible]
شان خواهیم کرد و با بسیار رسوائی و تباه و بربادی آن تقیبا [illegible]
اسفل السافلین سوق خواهیم داد.

ورود نفقه ما الایه و شوق ملت اهمیت [illegible]

[illegible] بر تقدیر [illegible]
موجود و از هر نقطه گردیده شود و فی حد ذاته [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قواعد و ضوابط

بدون از ایام تعطیل روز ... در
دار السلطنه کابل ... شایع
...
... ارسال میگردد ... تحریرات
بنام نگارنده حقیقت در کابل ارسال
و مقالات ... اصلاح ...
...
آن آزاد است ... اشتراک بتوسط
...
نگارنده (برهان الدین کشککی)

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۹	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

قیمت یک شماره آن ... است
برای سادات و علما و طلبه مکاتب
نصف قیمت معاف است
...
...
خرق خصوصاً اخبار اسلامی افغانستان

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل چهارشنبه ۲۹ برج اسد ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۱۸) محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری | شماره (۳)

جوش و خروش طلبه کلان سال مکاتب دار السلطنه نسبت بکوبی جمعیت باغیه

عرض بحضور ملوکانه - جواب حضور، شمولیت طلبه در عسکری، آرزوی رفتن بجنگ، جواب وزارت حربیه

از چندیست که در طلبه مکاتب یک نوع جوش و خروش فوق العاده
نسبت بقلع و قمع جمعیت باغیه و حیثیت اشرار و فی الحقیقت بوی
... است ... طلبه نوجوان ... عسکری ... این کار ... علیه
دشمنان دین و دولت مملکت افغانستان خصوصاً ... بنظر آمده
نونهالان ... گوشمالی آنها در روح و طبیعت ایشان است — هر روز
جوق جوق بوزارت حربیه ... احضار شده بکمال عجز و نیاز خواهش
تعیین خدمات خود را با نهایت جدیت و فعالیت می نمایند — و خود ...
... و براهین ... نسبت بملت و عساکر در امثال این مواقع برای
... خدمات و امتثال اوامر اعلیحضرت غازی ... حق میدانند
درین ضمن ... ازان ... و اظهار فداکاری ... که طلبه وطن
عزیز ما بحضور قهرمان افغانستان الغازی امیر امان الله خان ابراز
نموده اند و در اثر آن در وزارت حربیه ... و مجموعاً آمده اظهار
آمادگی شان را بهمه گونه خدمات دین محمدی و سرزمین

و وطن خواهی ... عرق اسلامیت ... افغانیت
تمام افراد وطن عزیز ما بحرکت آورده یک گرمی و جنبش ...
در حیات ملت افغانی ازین وضعیت ... اسلامیت و ...
... ملت و مملکت و وطن خواهی موجود و ...
... نظر نموده ... اصلی ... حقیقی ...
واقعی ... را چنانچه لازم است قلم ... که از تذکار ...
و ... سرسری ... ملت عزیز ... بشارت ...
... روز شنبه (۲۵) اسد طلبه کلان سال
مکاتب شهر عزیز ما بواسطه جناب ... آقای
فیض محمد خان وزیر معارف بحضور اعلیحضرت غازی ...
بعد از ... تعظیم و تکریم شاهانه عموماً ...
عرض داشته ... خود شان را ... عموم ملت
در ... و ... رسانیدن آن اشرار ...
باغی ... محمد سرور نام طالب العلم ...

شمارهٔ (۴) جلد اول — جریدهٔ حقیقت کابل چهارشنبه ۲۹ اسد ...

جهاز های هوائی و طیاره های که خریداری حکومت متبوعهٔ ما توسط ضابطان افغانی روز جمعه (۳۱) ان‌شاءالله در فضای کابل نمودار شده مسرت افزای قلوب عموم خواهد گشت

یک بجه جدی بحضور انور پادشاهی بعرض رسانید...

چون مطلب او ازین کار سلطنت امانیه تا هنوز بجز گوشهٔ شفقت و نوازش خسروانه نایل بود، تمام مرام و مکارم شاهانه مخصوص همه برای آنکه انجام او و تأمین منافع اخروی و دنیوی ما شامل است که ما بصحیح زبان از ادای شکران آن برآمده نمیتوانیم ازآنجاکه درین اوان خبر سرکشی شرار سمت جنوبی و الحاق شدن عبدالکریم نام فراری با آنها متحتم و آوازهٔ مخالفت و سرکوبی آن جمعیت شرار از هر گوشه و کنار مملکت عزیز خویش از زبان عموم افراد ملت خویش شنیدیم و رزم چون اولاد و معارف تا آخر در فدائی اسلام و وطن و شخص اعلیحضرت می نگاریم بسیار مشتاق و آرزومندیم که خونهای پاک خود را نثار اعلیحضرت در خدمات اسلام و مملکت باخس و خاک بیالائیم ازین رو یگانه آرزو همین است که ذات شاهانه ما را هم بحر خدمتی که درین فرصت و همین موقع در خور ما خلاصی کشان در خود شمرده یا در اطراف دارالسلطنه و یا در مرکز بغاوت بلا امتناز و سرفراز بوده در بارهٔ انجام این مسئول در انجام این مقصود ما یک عزه و شرف و افتخارات تاریخی را ارزانی فرمایند!

سپس ازان جناب میر صاحب با غیرت مامورین وزارت معارف معروض داشت که من از طرف وزارت معارف وکلاء و از جانب خویش اصالتاً عرض میداریم که ما اولادهای که پرورش یافته دست معارف پرست اعلیحضرت هستیم و خدمت و مامورین دولت خود نائل بوده ایم یگانه آرزوی ما ایمان همین است که ما را نیز موقع خدمت فداکاری و سربازی را درین واقعه سرکشی سمت جنوبی عطا و ارزانی فرمایند اگر بسبب قطع و قمع طائفهٔ اشرار بجهت عساکر غیور دولت و سربازان ملت متفقاً و متحداً بر علیه آن دشمنان اسلامیت و ملت خویش داخل محاربه شویم تا که فداکاری و جانبازی که نتیجهٔ عالم خواهی وطن مقدس افغانی ما است از دست ما هم بمنصهٔ ظهور آید

در جواب شان اعلیحضرت بکلمات از حد حسین را ایراد فرمود که مطالب عمدهٔ آن اجمالاً اینست:—

ازین حسیات اسلامیانه و حضرات ... شما ... جشنان عزیزم تشکر میکنم و از خداوند همیشه برای شان [illegible]

و غیرت وارین را خواستارم معاملهٔ سمت جنوبی ... معلوم است که اولاً بصورت یک مسئلهٔ مذهبی و ... پروری و شریعت خواهی از طرف چند ملای جاهل ... اقوام افغانستان که منگل جدران است بمنصهٔ ظهور ... هر چند که آنها را آخر اظهار افکار شان معززانه خواستم انکار ... و در شرارت خود افزوده درین قدر مدت موجبات ... نمودن انقدر قوای عسکریه و آلات حربی ما را در سمت ... هزار مکر و فریب فراهم آورده باعث تضیع اوقات ... شدند بعد ازینکه آنچه مسائل ضعیفه و مروج شرعیه را ... بمخالفت خویش تمسک گرفته بودند از طرف علماء ... لویه جرگه از نظامات دولتی خارج و بجای آن مسائل قوی ... حنفی داخل شد فوراً چون قصد شان محض مسلمان کشی ... انگنی درین ملت افغانی بود و بنا بر تحریک دشمنان ... کارروائی میکردند و در مسئلهٔ طرفداری منافقانه ... و حمایت مخادعانهٔ شریعت که از آن آدم چنین و مقاصد ... تقویت افکار ناراضیه خویش در اول قرار داده بودند ... ماندند درین وقت حسرت و ندامت بر وقت آن ... عبدالکریم نامی که خود را پسر امیر محمد یعقوبخان مرحوم معرفی ... رسید فوراً این اشخاص نادان بدور وی او جمع ... مخالفت را با افغانستان نهاده نه تنها بر علیه حکومت ... ملت وحشت بیچارهٔ افغان نیز تشبثات مغیبانه و ... مرعی داشته دسته های متعدده را که قطعاً با آنها ... و قصبه ملحق شده میتوانند ملحق گشته اند. تشکیل داده ... اطراف دوره دست و دور تا دور که از عسکر دور ... آن اندک یا غیر مسلح میباشند حمله و اقدام کرده نه تنها ... بر اموال بیچاره اموال آنها را تاراج میکنند بلکه در هتک عزت ... آل و عیال آنها نیز کوتاهی نمیکنند ازانجاکه آن جماعهٔ اشرار ... بمقابلهٔ عساکر نامی آمده نمیتوانند و حفظ خود را در براه ... می انگارند از بین روند قصبات و قریه جات ... بازی را نهاده اند لهذا بر تمام اهالی اطراف قرب ... که آنها ... در حفاظت خود کوتاهی نکنند ... و مقابلهٔ اشرار ... سامان و آلات حربیه که بکار ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 9 of 524

شماره (۴) جلد اول — جریدهٔ حقیقت کابل چهارشنبه (۲۹ [illegible]

آدم و در سلام و قبولیت عروض التجای شما چون اگر گذارش شما او امر معارف که حکم گوشهای طلبه صدق و صواب خود یک می‌نهیم و بدین استدعای ایشان را خوبتر تلقین دارم که از صمیم قلب ایشان بر وزیر گردواز ... حاضرم که شما را برای فدای ضرورت آن گوهر دار السلطنه افتد قبول کنم (کفها یے شادمانی)

(زنده باد اعلیحضرت معارف پرور غازی)

بعد از آن عموم طلبه از حضور شما با غرض وقار کلاه نظامی آمده بکمال شوق و ذوق لباس نظامی را زیب تن نموده بیک جدیت و فعالیت فوق العاده بوزارت حربیه شتافتند و تجمع آمده پیشگاه وزارت حربیه را احترام گردیده و انتظار رسم تعظیم و امتثال او امر حضرت غازی و کیل صاحب وزارت حربیه جلیله می‌پروراندند تا اینکه وکیل صاحب در قلب صفوف این طلبه مکاتب آمده موقع خود را نام طلبه کرده فعلاً بصورت یک قطعهٔ عسکر منظم نظری آمدند رسم تعظیم شان را عسکران ایفا نموده و نیز یک یک از طلبه را معروض داشت که ما از این قدردانی و مراحم گسترده ذات اعلیحضرت غازی کمال تشکر و امتنان خودمان را اظهار میداریم که ما را بصنف جلیل عسکری شمول و بجهات مقدسه سربازی افتخار بخشیده لباس حربی را زیب تن ما فرموده‌اند و از برای نهایت عجز و انکسار عرض تسلیم و جناب عالی را تکلیف میدهیم که خدمت و تکلیف طلبهٔ مکاتب را که قلباً خواسته‌ایم که بیشتر از همه افراد عسکر و ملت خویش خود را در خدمات اسلامیت و ملت و مملکت خویش قربانی فدا کنیم متعین و تا ثابت نمائید تا برای تعمیل آن بسر و جان بکوشیم جناب عالی وکیل صاحب هم از حسیات و خواهان و خدمات اسلامیت کارانهٔ این طلبهٔ مکاتب کمال خرمی و خرسندی را اظهار کنان فرمودند که فعلاً شما بهمین خدمت داخله شهر که ذات شهریاری شما را بدان افتخار بخشیده است حاضر باشید متعاقباً اگر ضرورت افتد شما از نو شما این خواهشات فداکارانه و عرایض جمیلهٔ شما قبول میکنیم و شما را بهر کدام خدمتی که بدان رغبت نمائید شرف امتیاز میدهیم (کفهای شادمانی و دعاهای طول الستگی و دوام سلطنت اعلیحضرت غازی) بعد عموم طلبه رسم تعظیم و ادا کنان با جوش و خروش العاده مانند سربازان فدائی با طرف مکاتب ... نظامی بوضع جمیع و جمعیت فرما شدند.

تشکر

از تنها شاهقیقت و جمیع افراد عسکر و عموم ملت مشکور و مملکت از این حسیات اسلامیت پروری و وطنخواهی و ملت دوستی طلبهٔ مکاتب وزارت معارف اظهار امتنان و تشکر شان را بارکنان وزارت معارف و ذات معارف سمات آقای فیض محمدخان وزیر معارف و دیگر ارکین رؤسا و مدیران مکاتب و عموم طلبه و وزارت جلیلهٔ معارف بصیاد فرم و مشعوفیم که در یک آن واحد بیک جدیت ساعقه آسا تمام افراد از شهر ارتش از سر بازان فداکار امتثال او امر حقیقت ملی پروران افغانی و وطن پرستان صداقت اتحاد ایشان بهرکو نه خدمت حاضر و آماده شده موجبات سرور و شاکری و خرسندی دوستان افغانستان را فراهم نموده و دشمنان اسلام و افغانستان را در حیرت انگنده مشترح حیات اسلامیت و وطنیت و ملت را و دعوت و شرارت ملت و سکنهٔ مملکت را بحرکت هیجان آورده و دیگر مامورین و مستخدمین وزارت معارف هر روزه علاوه بر اجراآت ضروریه وزارت بلباس عسکریه در مقر نظامی جهادی عسکری بکمال شوق و مسرت و حربی و رفت بجهات مقدسه عسکری را دامت همی نمایند و طلبه صادق و وطنخواه این لائق مکاتب شبانه روزی بکمال خرسندی و دلچسپی ایفای وظایف عسکری شان را هی نمایند!

پسپایهای متواتر اشرار از دست عساکر جرار

جریده موصله ۲۹ حوت اسد خیلی بهجت آور و مسرت افزاست زیرا از تمام آن اطلاعات چنان معلوم میشود که در سراسر خط بغاوت عساکر با مظفر و را اشرارت پیشگان انقیاد و آت جانی و مالی بکثرت بهم رسیده است. تفصیلات ورا نیز اگر شود حاصل و دستیاب قلمبند میکنیم

تشکر و امتنان از حسیات شاهزاده فوق جرمنی

نامه نگار موقر ما از وزارت خارجیه را اطلاع بخشیده است که جناب شاهزاده فوق دولت متحابه جرمنی متعینهٔ پای تخت افغانی بحضور وکیل صاحب وزارت خارجیه آمده اظهار نموده که شخص خودم و تمام مستخدمین المانی که در خاک سلطنت افغانستان مقیم اند توسط شما بوزارت جلیلهٔ حربیه عرض میرسانیم که اگر در کدام وقتی برای حکومت لازم آید و ضرورت سربازان شده باشد تمام رعایای المانی مقیمه افغانستان حاضریم که

تفنگ را بدوش گرفته مانند یک فرد افغانی وطن خواه بجهاد و جنگ شامل شده تا دم آخرین محض جهت حفظ شان و شرف حکومت افغانستان بجنگیم».

بمجمان وزارت جلیله خارجیه ازین حسیات همدردانه و اطاعت وفاکارانه شاه دوست صاحب مزبور و دیگر مستخدمین المانی در خاک افغانی اظهار تشکر نموده هست و وزارت حربیه نیز از آنها اظهار امتنان میکند و وعده شان را که جدیداً کرده اند ان شاء الله بعد از انقطاع و انقلاع این شورش عادی و معمولی تمام عسکر و ملت افغانی بکمال جدیت و با افتخاری حاضر بوده ان شاء الله العزیز از حضرت ایشان متاثر خواهند شد [یادداشت: - از طرف سفارت عالیه ترکیه و اتاشه میر روسیه نیز همچنین ازین گونه تشکری با بعل آمده هست که تفصیلات آن بعد از وصول نشر خواهد شد]

همدردی اهل هنود سمت جنوبی با عساکر افغانی

نامه نگار موقر ما از ارگون که خوست راقم هست که نظر باین جمعیت سلطان اسلامیت و حسیات اهل هنود و مردمانی این اطراف و اکناف با عساکر جلالتمآب افغانی با نهایت همدردی و وفاکارانه هست - چنانچه در بعضی اوقات که موقتاً سلسله وصول ارزاق و معاشات و دیگر لوازمات عسکریه بواسطه قطع سلسله راه مجبوره مردمان از طرف شقیان منقطع و مسدود شده بود ضروریات و لوازمات قشون را مردمان اهل هنود آنجا بکمال حرمی و طیب خاطر برای قوتی با هم میرسانیدند و اگر از کی تعطیل و درنگ از طرف عسکر در ادای آن وجوه نقدی و حسابی بعضی بهم میرسید علی الفور بمنده باید آنجا بکمال جرعی و فرح نیز و منضبط از رنگ عسکری آمده مجدداً آنها را دعوت با اخذ ضروریات و تمام لوازمات شان داده همداخانه اظهار می نمودند و از اعلیحضرت معظم غازی ذره نوازی که وعده بر وری فرموده تمام احتیاجات و مصارفات عساکر سمت جنوبی تا زمان اختتام این واقعه از

اهل هنود مقیم سمت جنوبی قبول فرمایند به عز و شرف اگر به قواعد اعلیحضرت مشمول بر انگیزند که اهل هنود از روی وفاکیشی و رسمی خود به عساکر را برداخته اند با آنها از [illegible] بصورت حربیه قبول کرده ایم و وجه حسیات اخوت [illegible] و الیس بلا نهایت ما برسانیم. - لکن از جذبات شاه دوستی و حسیات که نسبت به عساکر افغانی و اعلیحضرت معظم [illegible] اهل هنود سمت جنوبی جنابیهٔ اظهار خوشنودی [illegible] «حقیقت» نیز از همدردی و وفاکیشی [illegible] ایشان آن اطراف مسرور بوده ازین جذبات ایشان اظهار امتنان نموده میگوید که دوران [illegible] و نزدیکان دور همین معنی دارد -

«تشکر و امتنان از جذبات و حسیات» «تمام ممالک افغانستان»

آن عواطف و همدردی و اظهارات مهبا بود دادا ده که از تمام ممالک افغانی مانند [illegible] قندهار و سمت مشرقی و ترکستان و قطغن [illegible] و فراه و غزنه و ولایت کابل و غیره نقاط افغانی [illegible] شمولیت شان و در سرکوبی طوائف اشرار [illegible] جنگل و حاضر بودن شان برای همه گونه امداد [illegible] در سلسله فرونشاندن شورش این اشرار و [illegible] فرمایشات اعلیحضرت معظم غازی [illegible] شان اگر را ما بحضور همایونی و یا وزارت جلیله [illegible] رسیده - تمام بنظر تشکر و امتنان [illegible] جذبات اسلامیت کارانه و حسیات شاه پرستانه محبت کارانه شان نه تنها وزارت حربیه اظهار خرمی و خرسندی دارد بلکه ذات [illegible] صفات شاهانه که از عموم شان مسرور است و [illegible] ارکین دولت و ملت و روح مملکت دعای مزید [illegible] را بجای آنها در راه خدمات اسلام و دین [illegible] و اولوالامر غازی شان خواستار است

[illegible] بمقاصد عالی [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 11 of 524

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابل ۶ ماهه	سالانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۳۰

قیمت یک شماره آن یک شاهی است برای سادات و علما و طلاب کاتب مساجد حقیقت معاف است
کرایه پوسته و اجرت فرستادن نامه نگاران مفت و در کابل تقسیم
تجار را اعلانات شرعی خصوصا اعلانات
اسلامی را قبول و آرزومند است.

حقیقت

۱۳۰۳

قواعد و ضوابط

بعد از ایام تعطیل هفته‌وار روزنامه بدار السلطنه کابل روز جمعه نشر و به سایر حصص افغانستان و ممالک خارجه
مطابق برلیست ارسال میگردد.
امور تحریریه تماما بنام نگارنده در کابل ارسال و مضامین و احوالات
از اداره و اپس نمیشود و اختیار درج
و عدم انتشار آن اداره است و چنده
بتوسط خزانه دولتی از هر جا جمع
و دریافت میشود
نگارنده (برهان‌الدین کشککی)

جلد اول | کابل شنبه (۱) برج سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۲۱) محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری | شماره (۵)

(خبرهای مختصره نسبت بمنطقه باغی)

بعضی قریه‌جات و قلعه‌جات که از ابتداء از جهالت بغاوت و سیاه‌روزی اشرار مستعد شده بودند اکنون چون دست یک اشرار در جنگ اهل و جان و ناموس‌شان بتاراج رفته و به نهب و غارت رسیده‌اند و بمخالفت بغاوت اشرار که ابی نظامی با آمده برای معاونت و ترویج حکومت عطف بسوی گرفته کامیابانه با آنها می‌جنگند.

افواهاتیکه نسبت بتاراج شدن بعضی قلاع و قریه‌جات و شاه مرز شنیده میشد از رپورتهای موثقه محدوده عسکری کاملا دروغ ثابت شده است.

اکثر از باغیان بکمال الحاح و زاری بحکومت عرایض معافی خواستن‌شان را از حکومت و بدل مراحم شفقت کارانه اعلیحضرت را نسبت بمال و جان و عزت‌شان خواستار شده‌اند زیرا که اکثر از آنان اشرار نقض عهد و توبه و عدم آینده قسم و سوگند دیده شده در این مراتب حکومت تدقیق و تحقیق بنموده بعد از اطمینان تحقیق توبه باغیان شان را می‌پذیرد.

عشر دسته‌ای معانده و جمعیت منتشره از

مساعیات آقای غلام نبی خان با حمیت و متقی و محترم ملت و حکومت افغانیه مجددا و آماده اندا اهالی التمور و و آنچکان زیاده‌تر از بیانات جناب معظم حضرت محمد اعظم صاحب آقای شاه ولیخان برای اصلاح خاطر و اصلاح پشتیبانی و مددگاری حکومت را انجکان زده اند.

یک دسته از اشرار مردم از رود و بندی و گرد و دیگر افاغنه شخیل تنگیل با فرقه چندی شب متفرق و شب بالای خوشی حمله کرده اند لکن مدافعه شان مجروحی شده ناکامیاب گردیده اند از طرف اشرار چهار تن مقتول و مجروح و از اهالی قریه یک تن مجروح شده است.

یک قسمتی از اهالی انجکان مردم بیدک و غیره از عقیدتا و رابطه آقای شاه ولیخان براه رسیت و مسلمانان گردیده مجددا آرزوی مراحمات و مواسات حکومت را خواستار شده اند.

از کوشش‌های جمیله آقای معظم غلام محمد خان وزیر دفاع و جناب محترم محمد عمر خان لوامشر و آقای عالی مدیر کل حربیه مدیر عمومی پولیس در سرتا سر غزنین و اطراف و نواحی حسیات مخالفانه نسبت به باغیان سمت جنوبی مزنی و کنها

بالاتفاق عماقریب جبههٔ کوه شمالی و سرکوبی این فتنه باغی عزیمت فرمای سمت جنوبی خواهند شد.

بکذا از انتظامات مراسل و مساعیات جمیلهٔ آقای اجل انجب فخر حضرت علی احمد خان المکنّی قاسمی ملکی رئیس در اطراف اکناف سمت شرقی تمام اقوام و طوایف جداً برای سرکوبی و گوشمالی اشقیای باغیه سمت جنوبی اظهار آمادگی و تیار داشته بعد از اجازهٔ همایونی بکمال چالاکی در انطفای این نائرهٔ فساد اندوزی موفق خواهند گشت.

پذیرائی و گرمجوشی عموم ملت و اراکین دولت بتقریب ورود نمایندگان عساکر فاتح باغیرت از سمت جنوبی

حکومت متبوعهٔ ما که در سرتاسر افغانستان لوای امن و امان برافراشته و از عدالت بفضل رسیده مخصوصاً از مساعی همت جهان قیمت پادشاه افضل اعظم ما اعلیحضرت امیر امان الله خان است که با همه گونه فداکاری در راه خیر و بهبود رعایای سکنهٔ مملکت افغانی مفتوح گردانیده علاوه بر محاسن حمیده و خصال مجیده که دارند جامعهٔ خادم نوازی و ترحم و دلی و انصاف شعاری شان باید که گفته آید و اکمل از بدیهیات و مسلّمات است. عساکر ظفر اثر افغانی ما چون از مدتی در سمت جنوبی در انتقامات شان اظهار فعالیت و جان نثاری را نموده و از حسیات اهالی و گذارشات عموم افراد مملکت افغانی نسبت بلشکر ظفر اثر و بغاوت سمت جنوبی اطلاع داشته و مجموعاً از افراد صالح حقیقی و حربا نا واقعی سرزمین باغی معلومات درستی را بدست نداشتند لهذا اعلیحضرت معظم غازی حسب مرجع این مجاهد دانی و داد و معلومات حقیقی و بیاد و افکار و حسیات واقعی در بین افراد ملکی و نظامی از مرکز و هر قطعه و هر نقطه سمت جنوبی یک عده از سربازان را بنام نمایندگان عساکر فاتح و شجاع افغانی بدارالسلطنه کابل طلب فرمودند که پذیرائی و قدرشناسی شان از طرف حکومت و اهالی بترتیب ذیل اجرا گردیده است:

در روز شنبه ۲۰ سنبله اهالی دارالسلطنه از هر گوشه و کنار برای استقبال این سربازان افغان در اطراف و نواحی وزارت حربیه افراد نظامی و صاحب منصبان تشریف گرد آمده بودند خصوصاً طلبه و مأمورین وزارت معارف با ورود درایت تکبیر خود با آقای فیض محمد خان طبیب بلخ باشی عسکری بر خاسته و منتظر بوده جمیل گلها از دست خود با بر اعاحل نمودن

بگردن نمایندگان عساکر موصوف گرفته بودند تا اینکه ۲ ½ آواز خوازدهٔ موتر با اخبار و اطلاع آمدن نمایندگان عرض و التقاکرده عموم بتواتر با آواز بهار کرا این ... و غیره گریه برکشیدند پس ع ح س ۱۰۱ آقا عبد وکیل صاحب حربیه احتراماً ملکی و نظامی در بدرقهٔ حضور تحت و وزارت حربیه از اندرون بر آمده نطق آتیه را ایراد

نطق وکیل صاحب حربیه:— برادران شهسوار دلاور فاتح من! این کامیابی و فتح شما را مبارک میگویم شجاعت و مظفریت شما امروز در وزارت حربیه خصوصاً تمام افغانستان و مردم کابل و نواحی آن که اکثر اینها باستقبال شما درینجا حاضر شده عموماً برخود میبالند و پیش شما اظهار تشکر می‌کنند

خدا را شکر میگوییم که الحمدلله بنده با شما مسلمان هستیم و بحرون مبدانیم که در قرآن عظیم ما خبر داده شده که اذا جاء اجلهم لایستاخرون ساعة ولا یستقدمون تا زمانیکه وقت مقرره و مدت معینه نرسد مرگ نیست و قتیکه آن مدت بسر رسید یک لحظه تغیر و تبدیل نشود ... بتعلق بزیر دیوار شدن یا آب غرق گشتن بهر ذریعه که باشد هر شخص اجلش مقرر باشد میمیرد. **لاکن** انجنین مردن که در راه خدمت اسلام و دین و مملکت باشد چنان مرگیست که شهیدان کردن رستگاری آخرت و نیکنامی دنیاست برادران مردن و سرداون درین راه موجبات خوشنودی خداوند و ... فراهم آورده بقرار آیهٔ قرآنی این شهیدان راه دین ... مرده گفته نشوند بلکه زنده جاوید اند لهذا بر شما عساکر ... ازین لازم است که در راه اعلای کلمة الله و محافظت مطهر و وطن مقدس و حفظ حقوق ملت و دولت ...

بسیار شوق فدا کنیم. دعا میکنیم که خداوند او شما و تمام اهل ملت را بچنین مرگ اشرف بمیراند. تا در آخرت بزیر لوای رسول الله بر افرازیم و درین جهان نام ما بصفحهٔ تاریخ سربازان یادگار باند. دار خدای خود چنان آرزو داریم که بما توفیق را رفیق کناد تا چیزی که خدای ما برای ملت و مملکت و اسلامیت خویش انجام دهیم که بواسطهٔ آن رضای خدا و رسول و خوشنودی اولی الامر غازی خود را حاصل کنیم. باقی ای عساکر فاتح این برادران عسکری و ملکی تان را که درینجا حاضر می بینید بخاطر استقبال شما ایستاده اند و بنابرین فیروزی تان از جبین هر کدام آثار فرحت و بشاشت ظاهر است حال بگوید با شما برادران عسکری تان حمایل گل را که قبلاً برای شما ترتیب داده اند می اندازند و این خدمت و سرباز تان را تقدیر و تحسین میکنند. دعا میکنیم که الهی فاتح و منصور عسکر و ملت افغانستان زنده باد قهرمان میر امان قصد تمام (نعره های عساکر) عمر دی دی وشه

امان الله خان بعد از آن جلیله معارف که بعباس شما عسکری طبق در قطار دیگر برادران عسکری خود ایستاده بودند و حمیل گلها را با خود داشتند از قطار بیرون شده گلها را در گردن برادران نو وارد عسکری خود آویختند درین اثنا آقای محمد اکرم خان مدیر انجمن معارف بیانات ذیل را ایراد نمودند.

عسکر غیور افغان! وکالتاً از طرف وزارت معارف و ملکو اصالتاً از طرف خویش برین فتح و فیروزی تان را مبارکباد میگویم. برادر بکمال افتخار و سرور مجوسی شما نماینده عساکر شجاعه پذیرائی ... کرده اند و نعره میزنم که خوشا بحال ملتی که چنین سرباز آمد نست. شرف استقرار جان گرامی فدای بر قدمت چه بازاین فتوحات بیکار... دوام ... که آن یکصد ازدواج ... شریعت گرفته و جان ... عبا ... و رسول ... ده و مادر وطن را خود شرف و سربلند نموده بعمل آورده اید. وزارت معارف ... مبارک میگوید و می بیند که امروز اهل علم دست بقبضه شمشیر ... عسکر ... ازدها از روز گار آن سرد بختان زده و ... عسکر ... گردانیده اند. خورسند باشید که تا یکجا قطرهٔ آخر خون خود ... بعلم و هنر و جوانان ... از دوش دنیا باخبر ... دره ...

اعلا کلمة الله و دوستی پادشاه شریعت پناه خود با الفاظ اعلیحضرت امیر امان الله بکمال ثبات و استقامت با شما گوش گوش کشف و بازو بیاد دیده و د استیصال خائنین دریغ دولت و ملت و خائنین زمان ... ترقی و تعالی این ... کثیر النعمت (یعنی خاک پاک وطن عزیز ما افغانستان) ... میکنند و ... باقی ... میگویم. زنده قهرمان غزا (فداء عموم) بر آن بادیع آمر ... عساکر افغانستان! بعد از آن جمله داخل قصر شده عموم منصبداران نظامی و از حضرت وکیل صاحب گرفته الی کمتران تمام سرباز موفقوهٔ تمام شما را در آغوش میگرفتند بعده سربازان موفق و دیگر حضار بر چوکیها نشستند ... گردیدند درین هنگام وزیر ... عالی ... بالعموم ... حضرت ... و دیگر اعزه از دروازه آمده ... جناب عالی میر محمد هاشم خان وزیر مالیه ... از اظهار جان ... و فداکاری شما برادران ... وزارت مالیه تمام ملت ممنون است ... برادران افغانستان حاصل شده به درگاه خدا شکر میکنیم و امید که شما برادران عسکری بهمراهی اعلیحضرت در حفظ ناموس اسلام و مملکت کوشیده ... افغانستان نمایند. رجا میکنیم که دیگر نفاق در بین اهالی افغانستان ... و آن برادر آ ... خدا ... شما و آبا ... کلمة الله کوشیم. پس از آن وکیل صاحب ... وزارت ... خدمتی نموده از ... شما برادران تشکر میکند. و امید دارد ... اعلیحضرت فتوحات نمایان برای عالم اسلام از دست عساکر افغانستان ... تا رضای خدا و رسول و پادشاه خود را حاصل کنیم. بساعت ... جناب جلیل وکیل صاحب ... حضار ... فرمودند: چون ... جانان ... میخواهند که این سربازان ... را ملاقات کنند ... غیور ... حضور می شتابیم ... سربازان موفق و حضرت وکیل ... قصر ... چون ذات ... از وصول ... علی الفور از قصر بیرون شده ... اسلامی ... بجا آورده سپس از آن ذات ملوکانه ... زدند:

جوابیهٔ اعلیحضرت غازی

بسربازان شجاع افغانی

الحمد لله که شما فرزندان ... سلامت بازآمدید. باز الحمد لله که ظفر و کامیابی از خداوند بجا آمده و در مقابل دشمنان ... خویش ... دشمنان ... بمقابل این ... آبادی ... خداوند ... کرده اید و ... بر ... و بمقابل دشمنان ... دعا ... ادعیه

سر عدوی وطن را بمشت باید کوفت

جواب خون عدو باید کشید بسر

بانتقام هما ناقیام باید کرد
قیام سخت پی این نظام باید کرد

بانتقام توان کرد تیره بخت عدو
برین مرام مقدس قیام باید کرد

سر عدوی وطن را بمشت باید کوفت
بخاک تیره تن آن لئام باید کرد

چو اجنبی و خودی هر دو دشمن وطن اند
نگوئیمت که شروع از کدام باید کرد

روان پاک نیاکان ز تیغ دشمن ملک
بانتقام کنون شادکام باید کرد

قسم بذات خدا بر عدوی شرع نبی
همه تعیش و عشرت حرام باید کرد

برای جمله ستوران تنگ بسته
بامر شرع خدا را الجام باید کرد

جواب خون علی بایدت کشید بسر
کدوی کلهٔ دشمن چو جام باید کرد

گروه زشت اجانب چه بیت خوبرا
بجملهٔ ز تعصب تمام باید کرد

هر آنکه سر بره ملک داده هست شهید
بر آن ذوات گرامی سلام باید کرد

براه دین و وطن ننگ و نام را چه مقام
ازین دو مرتبه برتر مقام باید کرد

برای رونق اسلام محو کردن کفر
قیام خون خور مالا کلام باید کرد

کجاست مهدی دجال کش امام مبین
که در رکاب خجالتش قیام باید کرد

هو المعز و هو الناصر

این اخبار بغیر از ایام تعطیل کابل
یک روز بعد نشر میشود و دیگر مقالات و تحریرات
منتظماً ارسال بگردد

امور تحریریه به نگارنده حقیقت

ارسال مقالات فی اصل در اداره مانده

جریده در اندراج و اصلاح
و عدم اخبارش مختار است
اشتراک توسط عریضه
و یا بحضور نقدی [illegible]
در یافت میشود [illegible]

شرح اشتراک		
تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابل	
	۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

مساجد و مکاتب . ازاده و علما [illegible]
مفت : - [illegible]
نادار : - [illegible]
قیمت یک نمره [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل پنجشنبه (۳) برج سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۲۳) محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری نمره (۶)

پرورش و احوال پرسی اعلیحضرت معظم غازی با عساکر سمت جنوبی

یکی از نامه نگاران محترم ما از محاذ جنگ اطلاع بخشیده است که این مرتبه دوم است که اعلیحضرت معظم غازی از فرط شفقت گستری و عسکر پروری خویش (۶ برج [illegible]) آقا شیراحمد خان رئیس شورای دولت و وکیل وزارت خارجه را مخصوص جهت احوال پرسی و اخذ معلومات صحیح و گذارشات واقعی لشکر و لوازمات محاذ جنگ روانه میکنند. اگرچه شخص میداند که کوائف گرم جوشیهای عسکر ظفر و نوازشات شهریار موقر خود مان را که در این هر دو مرتبه به وقوع پیوسته اند برای تفریح طبیعت ناظرین قلمبند نمائیم اما چون مقصد و مآل هر دو واقعه تقریباً یکسان است و نیز خوف از طوالت مضمون که موجب ملالت ناظرین است کرده میشود تنها بذکر اجمالی گذارشات احوال پرسی (۲) مرتبه دوم پرداخته میشود

روز چهارشنبه (۳۰) اسد آقای شیراحمد خان رئیس صاحب شورای دولت و وکیل وزارت خارجیه معیت جناب وزیر صاحب معارف و دوستی دیگر از وزارت معارف که کاملاً البسه عسکری رسالهٔ شاهی را زیب تن نموده مخصوصاً بحیثیت سرباز در موتر اخذ موقع نموده بودند وارد محاذ جنگ شدند. چون منصبداران نظامی و عساکر افغانی از ورود شان بواسطه تیلفون قبلاً مطلع بودند بمحض احترام پیام احوال پرسی شهریار غازی و پذیرائی حضرت رئیس صاحب چند دقیقه پیشتر از وصول ایشان صفوف احترامات را بیک صورت قابل دید بیک طول و عرض بحیث قابل دید استاده و در سرایا انتظار استماع پیام شفقت التیام همایونی و ورود رئیس صاحب را می نمودند تا اینکه حضرت رئیس صاحب بساعت (۹) بسواری موتر از کابل حرکت نموده بودند بعد از ساعت (۱۱) به قطعات عسکر قیام ورزیده اول آداب تعظیمیه بسیار فصیح و بلیغ پیام مرحمت التیام همایونی را و مطالب مهمه آنرا [illegible] بگوش همه ایشان بیانات اظهار رسانیدند

اعلیحضرت معظم غازی ما ان قدر از احوال و کدورات شما ورنجیدن محمود و عساکر حضور غافل نیست و همواره از خداوند کارساز کار شما اولاد با حمیت وطن در راه محافظت دین مقدس اسلام و نگهداشت نام و ناموس ملت و مملکت وجود در یکجا اورده اوامر اعلیحضرت غازی خاندان معظم خویش چنانچه باید بجا آورده خورسند بوده آرزوی موفقیات و کامیابیهای مزید شما را از درگاه رب العزت مسئلت دارد و این جاه خود را بمحض جهت احوال پرسی ورفع نمود شکایات با تلفن گردید. باشید از کابل بحضور شما فرستاده

(علما دعا گوی عموم)

بعد از انکه حضرت عالی رئیس صاحب از نطق خویش فراغت بافتند ... آن وار فوج اما رفت فراغت یافتند یک نفر عسکری از قطار سیاه ازان برآمده با الفاظ نهایت دلاورانه و عبارات جدیده یک مضمون شجاعت مشحون را منظوم داشت که خلاصه آن چنین است:—

ما عسکریان بهیچ یک زبان نمیتوانیم که ادای شکر از این اعلیحضرت معظم غازی خود را نمائیم زیرا که ما زیر بار احسان این شهریار محبوب القلوب افغانستان ... آمده و نامحو توانسته ایم که خدمتی را برای استقلال ملت و مملکت و دولت نموده صفات اعلیحضرت خویش را ... انجام داده ... او خود کم خدمتی و شرمساری که از خود داریم اشتغال این مراحم و مکارم شاهانه را مقابل این خدمات کارانه و خدمات اخلاص کیشانه خویش بیگر به تجاوز از نکرده ... عمر و شب ... کان سلطنت اعلیحضرت افزوده ... زمانی را ... اوامر و هدایات شاهانه ... معالت و حدیث ... شمه خطرات آخرین خون خود را در رکاب اعلیحضرت غازی خود برسانیم! (انشاءالله)

بعده از طرف منصبداران بزرگ عسکری توامانه ولوی سلامی اعطا شده. تماما با افغانسلامی کلان شهریار غازی برداخته از تشریف خوشنمای عسکری و محفل گذارنیدن شفقت واظهار نامحبت بکمال گرمجوشی و دعا گوئی اعلیحضرت معظم غازی خاتمه یدیرفت آقای رئیس صاحب هنگام عصر در میان منصبداران گرمجوشی و الحرف و ... نموده بالاخره بعد از ... و ... ولوازمات عسکری برای رسانیدن خدمات عسکری و اظهار اخلاص

... دعا گوئی عالم عسکری بحضور همایونی غرض ... روز دوشنبه حضرت رئیس صاحب وزارت ضروریات و لوازمات و نظریات خود تشریف ... بملکه حضرت عالی آقای عبدالعزیز خان وکیل حربیه ... تکمیل و ترتیب نقصانات و تصور نظریات آن ...

حقیقت:— تمام اوامر عسکری خاص ملکی ازین ... دوام گوناگون اعلیحضرت غازی خویش نسبت بعالم ... بمحض جهت خرمی و خوشنودی ... که نماینده شان اخوت ... چنانچه جهان بضمیر الانور خویش کیلی ... خواهشات و ... ازینست که ... بدعا بوده ... در همه حالت خدا آفرین رفیق و ... حمایت خدا

عیادت و احوال پرسی شاه خانم صاحبه

روز چهارشنبه (۳) ... علیحضرت ... عالیه شاه خانم صاحبه ... گرامی ... عسکری از طرف حکومت ... منظور ... علاج و دوا ... وشوی ... خویش تشریف ... از فرط شفقت و مرحمت ... مشغول ... سرباز افغانی ... در محاذ ... باانواع عطایا و اقسام نوازش ... و مسرور ... و ... اظهار ... افتادند ... رقت آورانه ... نموده ... دعوا ... که ... و مقربیت ... داده ... و ... حکایت رانده و ... بقدر ... و ... در جواب از طرف مجروحین ... و ... گرمجوشی ... اگر ... خون ... از ... نماند ... با اینکه ... ما ... این یاد ... خلاصه اینکه مجروحان از انجام این کلام شفقت ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 17 of 524

شاه خانم صاحبه که روح نامه و یکصد تن دوباره درین پیغام ابراز
و اعلان مجروح این مجروحین دیده شده یک تلغراف دعاگوئی و ابراز
سرور و خرمی شان از امتثال این همه سلسله عزاینهای و غمخوار یهای
اعلیحضرت معظم غازی و این مادر شفقت گستر معنوی خود
لیته نموده تماماً اظهار داشتند که ما بجز ازین امر که بعد از صحت
و اندمال جراحات خویش دوباره در خدمات اسلام و ملک
وشخص اعلیحضرت خویش جانهای خود را فدا کنیم و یا مکرر را مجروح
بعد از صحت باز سربازی نمائیم تم ختم دیگر هیچ مراد و مقصد
آرزوئی نداریم —

مجروحین قرار معلوم بعد از اختتام اینکار و اکرامیهای
حضرت شاه خانم برای عموم مجروحین و مریضان یک یک قطعه
روپیه و یک یک رومال شیرینی و تحفه کاغن برای بعضی شان
البسه و عده ای از آنها را دیگر اشیاء بطور یادگار عطا و مرحمت
نموده بعد از اظهار شفقت و مرحمت های مزیده و استماع دعاگوئیها
بیمارانه مجروحین و اپس عودت نموده اند —

حقیقت ازین همدردی و شفقت گستری و عسکر
پروری حضرت مخدره عصمت و عفت علیا حضرت شاه خانم صاحبه
نهایت مشکور و ممنون بوده از طرف عموم افراد عسکری و رعایای
مملکت بحضور والا معه الاتفاق شان دعاگو یانه چنین گذارش دارند
[illegible]
[illegible]

طیاره های افغانیه بکابل رسید!

چنانچه وعده شده بود در شماره (۳) خوشی بشارت ورود
طیاره های هوائی را بخدمت ناظرین محترم خود مان گفته بودیم بروز جمعه
ساعت ۱۰ بجه دو طیاره خریداری بطرف قندهار، خیبر، جلال آباد
در فضای کابل نمودار شده در چمن حرم سرا بنشستن شروع نمودند — بعده
از افراد عسکری و جمعیت کثیر از مردم تحفه تبریک گفتند و آنجا تماشا
داشتند جهت تماشا حاضر بوده ضمنا عده از کابرو ولت تعالی
نیز تماشای آن نظاره را داشته بعد از وقفه حضرت اجل آقای
عبدالعزیز خان وکیل حربیه بیک طیاره از چمن توجه دولت مراجعت نمودند

ازینجا به هوا پرواز نموده در فضای شهر و حوالی و چهار آسیاب چهار دهی
و پغمان دوره کنان در ظرف ۱۵ دقیقه باز مراجعت نموده در چمن
از طرف عوام بسیار اظهار خرمی و ممنونیت شاد باش پذیرانید
و گروهی شیبهای بیشمار به دعای سلطنت این خریداری حکومت متبوعه خویش
نموده به دعاگوئیهای مزید اعلیحضرت معظم غازی خویش مشغول داشتند —

امتنان از جذبات کارگران افغانستان

قارئین محترم از یاد شان رفته نیست که از ممنونیت وحدتیه اقوام غیور و متحد
تمام حکومتیها و علاقه داریها و ولایات و ایالات و حکومتیهای اعلی ما
و اکثر عرایض آنها به افغانیه اظهار مینمودند که در یکار بیکاری جانی و مالی نسبت
بر کوبی جمعیت باغی سمت جنوبی عرایض خواسته بودند و آنها را ناشکوه
هم رسیده که اخبار **حقیقت** بعد از دو شماره خود وقتیکه از آنها
نشان قبلا اظهار ممنونیت نموده است

امسال کارگران گروهی شیبها و فدا کاریهای مگوئیها از طرف کارگر و ادارات سلطنت
بخصوص از معلمین برادران کارکنان و شفاخانه ها خصوصیت حسین خیر پوده
را که معین به صفه داخلی محترم خود را اطلاع هم رسانیم
انشکیه ایجاد این گروهی شیبها که درین جمعیت معرفت شان
در سلطنت افغانستان شیبها احیاء احسان بوده در ذیل کارمی اخلاص نامه
و برخی از ضمن عرایض بیشمار روا نستند عام مسایل حقیقی آنها
در خدمات حقیقی گروهی شیبهای اسلامی شان مسرور میسازیم —
بجا که جواهر استاد شهر بار شریعت پرور عدالت گستر معظم غازی خویش
تمام کارگران این خطه افغانستان عرض میرسانند که چون اخیراً
بعضی جهال سمت جنوبی را اغوا کرده است که از حکومت
مملکت تا حال دولت خیر خواه است که گمراهان مذکور خود ما تحت
بلکه نصیحت بجا نه گوشش یاد کردند و مگر به راه آشوب و ناشد
از اعلام کارگرانیکه درین (۲۳) سال بزیر اداره حکومت خویش تسریع
کرد اقسام نیکوئی از حکومت خود دیده ایم و ما نیز حسب وفادارانه اعلان
کرده ایم حقوق دولت و ملت و وطن بیاد است که دولت
بحقوق در موقع آن جان فدا کردن است و بس ذات اعلیحضرت
غازی علاوه حسن اداره حکومت استقلال افغانستان را به نیز شمشیر
همت و غیرت خود بر آن گرفتند که یگانه کار ذاتی عالم خواهد بود

معارف و فعالیت انتحابی زیاد ترقی و وسعت داده چنانکه خود
و اطفال ما از نادانی و جهالت بعلم رفعت نائل شده ام چون
کرده ما [illegible] ترقی با وجود خود گرفته [illegible] زیاد بست
و حقوق شان بی شمار. چون بعضی برادران ما بخدمت [illegible]
اند و ما ازین چنان خدمت مقدس تا حال محروم مانده ام.
بکمال شوق التجا میکنیم که بخدمت ما نیز از حقوق وطن
و ملت و دولت خود سرافراز شویم تا در راه حفاظت
جانفشانی کرده وظیفه ملیت و اسلامیت بجا آریم.

شکست فاحش اشرار در رامک غزنین

از غزنی [illegible] مکتوب که ۲۲ سنبله تحریر شده مفصلاً
بزرگان ما اطلاع رسیده بود که یک جمعیت بزرگ اشرار [illegible]
[illegible] شان بوده [illegible] از طرف [illegible]
و کوه ها [illegible] جنگی کرده [illegible] جمع است در [illegible] فاصله
[illegible] جمع آورده اند. لهذا از طرف نفری جهت معلومات قوه
اشرار و نقطه تمرکز و محل [illegible] شان فرستاده شده و از طرف
دیگر در قوای اطلاعی و تشکیلات و ترتیبات عسکری کوشیده شد
در هجوم [illegible] بود که عده اشرار تماماً از چهار هزار تن بیشتر [illegible]
عسکری عده شان را سه هزار نفر کرده دو هزار شان به تفنگ مسلح و دیگر
شان [illegible] داشتند [illegible] ۲۷ سنبله [illegible]
فوق [illegible] غازی [illegible] قوه عسکری
غزنین حالی شده متعاقباً اگر خود را غالب [illegible] تا هجوم بر
شهر [illegible] لکن [illegible] داخل [illegible] و لوای شریف [illegible] خان
صاحب [illegible] الحکیم خان اولاً در ترتیبات و تقسیمات قوای عسکری [illegible]
بالاحصار و [illegible] متعاقباً در قلعه جنگی [illegible] زیارت بهلول
بهت کوشیده [illegible] هدایت داده [illegible] به مقابل اشرار [illegible]
قریب [illegible] توپ تفنگ بجواب [illegible] عمل [illegible]
[illegible] وقت خود را با اشرار [illegible]
تا دلاور شده [illegible] توپ عده و کوشش [illegible]
گردند. چنانچه درین روز قریب [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] داشت و از [illegible] عسکری [illegible]
چنانچه تا شام [illegible]

[illegible] دیگری مجروح شده و از اشرار [illegible] بسیار مجروح
۲۸ سنبله چون [illegible] گرفته شد [illegible] قلعه جنگی [illegible]
و دفعه سردار [illegible] علی الاطلاق [illegible]
و ورود [illegible] عسکری [illegible] اشرار [illegible]
است [illegible] باقی عساکر [illegible] چهار [illegible]
حصار و [illegible] محاربه [illegible]
[illegible] سواره و پیاده [illegible] عبدالرؤف خان [illegible]
و [illegible] محمد [illegible] احمد شاه خان [illegible]
[illegible] خارج شوند [illegible] عسکری [illegible]
[illegible] احمد شاه [illegible]
[illegible] شامل شده بود [illegible]
[illegible] در صف [illegible] الاحصار [illegible] نفری [illegible]
[illegible] از طرف جمعیت اشرار
فوق [illegible] عسکر [illegible] عمل آمد
از طرف عسکر [illegible] توپ تفنگ [illegible] شده [illegible]
[illegible] آن شجاعت و جرأت [illegible] عبدالرؤف خان
و احمد شاه خان [illegible] تصرف شده [illegible]
[illegible] حکم [illegible] داده [illegible]
[illegible] اشرار بود [illegible] توپ
نموده بالاخره [illegible] ساعت (۲) بود که [illegible]
[illegible] آمده [illegible] مقتول و جمعیت کثیر را مجروح
بسیار را داده فرار کردند. آن جمعیت بزرگ اشرار [illegible]
و [illegible] علی الاطلاق پناه برده بودند [illegible]
خان [illegible] عبدالکریم [illegible] توپ [illegible]
شده [illegible] خارج و [illegible] داخل و بعضی [illegible]
بدست آن فوجی [illegible] اسیر شده
[illegible] عسکر [illegible]
[illegible] اطراف [illegible]
[illegible] بالاحصار [illegible]
[illegible] عسکر و بعضی انعامات نقدی [illegible]
[illegible] که درین شب برای [illegible] ترتیب شده بود داده شد

[illegible] از طرف [illegible] که بجز اظهار فعالیت و لیاقت کرده انعام و اکرام مزید کرده شد. [illegible]

قواعد وضعیه

این جریده بعد از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در هر نسبت منظماً ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارندهٔ حقیقت

ارسال و مقالات واصله در اداره ماخذه جریده در اندراج و اصلاح و عدم [illegible] اختیار رسل آزاد است.

اشتراک بتوسط خزاین دولتی و بصورت نقدی به جا قبلاً داده میشود

نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل و مقامات قیمت به روپیه کابلی	۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۳۰

حقیقت مناظره: از سادات و علما و طلبه

صفت: [illegible]

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول	کابل چهارشنبه ۱۰ برج سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۵) محرم الحرام ۱۳۴۲ قمری	شماره ۷

باخدا باش و نگونسار خداوندان را

از طبع جناب میر ولی الله صاحب ایشک آقاسی [illegible]

مهربان است اگر یار ز اغیار مترس — چون کنی خدمت اسلام ز کفار مترس

در ره کعبهٔ مقصد چه نشیب و چه فراز — رو بمنزل کن و از وادی کهسار مترس

از غم خشک و تر شهر مرنجان خود را — میل گلشن بکن از سرزنش خار مترس

گر چو مردان خدا گام نهی در ره دین — از هلاکت مکن اندیشه و از دار مترس

امتحان تو ازین سیل حوادث غرض است — چشم بکشا و ازین فتنهٔ بیدار مترس

دشمن دین ترا جنت و دوزخ در کف — هان مشو غره بدین جنت و ز نار مترس

شمع دل است گر از نور هدایت روشن / هرگز از غول بیابان و شب تار مترس

حیله بگذار و بیا روی به میدان آور / تو که رو بینی از عرصهٔ پیکار مترس

آخر الامر ز کار تو گشایند گره / گرم تر باش و ازین سردی بازار مترس

با خدا باش و نگونسار خداوندان را / تکیه بر عرش زن از چرخ ستمگار مترس

جو کن جو که از جور کسان باز رهی / گر تلطف نکند سود ز اضرار مترس

این جهان می بینی طلسمیست گنج نهان / دامن خویش پر از در کن و از مار مترس

حرف عشق است دگر حرف مکرر دیگر / باز گو باز همی خوان و ز تکرار مترس

حق و باطل بهم آویختی و از هم اید دل / یار حق باش و ازین معرکه زنهار مترس

پرده از چهرهٔ مقصود بیفتد روزی / میر مشتاق ز آهستگی کار مترس

از کشاکش مشو آشفته و از جور زمان / وز جفا کاری این چرخ نگونسار مترس

تردید افواهات بی اصل و تفصیل واقعات در اطراف انقطاع موقتی سیم تیلفون از جاجی جنگ

دو سه روز پیشتر ازین بار افواهات پریشان کنجی عده از طبقهٔ خصوصی و عموم مردم بازاری چنین انداز بود تا جائیکه در صدد تحقیق آن از احتیف مدیر و حقیقت کرده تمام آن افواهات را [illegible] اساس [illegible] مخصوصاً اساس او را که انقطاع موقتی سلسلهٔ تیلفون میان [illegible] و کابل بود راست [illegible] در نتیجه آن افواهات بعضی از عموم وطن خواه صادق [illegible] لایق [illegible] مملکت در پریشانی انگنده بود [illegible] کرده [illegible] اطلاع حقیقی [illegible]

این واقعه که فی حد ذاته مهم بود هم علی الفور [illegible] حکایت [illegible] مردم از حقیقت بی برده [illegible] جبال در آنجا [illegible] تعلاد [illegible] اوقات نمایند [illegible] بر نتایج عموم [illegible] کنند.

روز [illegible] در سلسلهٔ مخابرات تیلفونی [illegible] [illegible] وزارت حربیه [illegible] از آنجا [illegible] دیگر [illegible] عسکری [illegible] [illegible] مخابرات [illegible] و درین [illegible]

سماقا سلسلهٔ مغلوب [illegible] کرده و بعضی اشرا را نیز [illegible] گرفته
اند. بلکه تحقیق [illegible] ابتدائی و انتهائی آن مخالف می بود
هر قدر بر تعداد و تفصیل [illegible] اعلیحضرت عبدالعزیز
از وزارت حربیه جناب محمد [illegible] کنند [illegible]
قریب بساعت ۳ ظهر جازم جنگی مذکور گردید تا سلسلهٔ مخابره
و سرانجام درست و مشوره واقعات و حالات بخوبی ارسال [illegible]
چنانچه انقطاع سلسلهٔ مخابره در کابل اثرات نا [illegible]
کرده بود هر چنین در محاذ جنگ لهوگرد [illegible] منصبداران
تشویش عائد گشته [illegible] کوشیده اند به دست آوردن کیفیت
درست موفق شده اند بنا برین از انطرف نیز [illegible]
[illegible] (ج) محمد غوث خان [illegible]
از [illegible] شده [illegible] از حسن اتفاق [illegible]
[illegible] بالغرض درست نمود [illegible]
در کابل و لهوگرد در صدد حرکت بودند، در [illegible]
هم وصل شده جانبین از وقوعات تازه طرفین مطلع شده اند
به هر دو مقام خبرت تام رسید. از همه [illegible] تحقیق [illegible]
مجاورین [illegible] بالغرض حفظ [illegible]
و [illegible] با جمعیت اشرار در جای حمله آورده [illegible]
جنگیدند [illegible] ذخیره حربیهٔ [illegible] آورده [illegible]
[illegible] خود تسلیم [illegible] حفاظت [illegible]
[illegible]
[illegible] دیده [illegible]
[illegible] آمده [illegible]
[illegible] شده اند.

[illegible] شده [illegible] از اشرار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] گلی [illegible] نجارت [illegible]
روز شنبه از طرف کابل یک موتر لاری [illegible]
[illegible] روشنی [illegible] بود [illegible]
[illegible] موتر [illegible]
موتر [illegible] بالاخره [illegible]
[illegible]
[illegible]
بدست [illegible] قطاع الطریق [illegible]
[illegible]
[illegible]
و کابل [illegible] اطلاع [illegible]
[illegible] اختیار [illegible]
و [illegible] نمودند. بعد از [illegible] معلوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 22 of 524

احترام طلبهٔ چینی بمملکت ترکیه

جریدهٔ [illegible] اردو نامه الاخبار [illegible] نقل نموده است که جریدهٔ موجوده [illegible] حکایت میکند که مسلمانان اتحاد [illegible] چین [illegible] طلبهٔ دینی [illegible] ارسال نموده اند این طلبه در جامعهٔ ترکیه بتحصیل [illegible] مسلمانان [illegible] طلبه [illegible] خیال دارند که تحصیل نمایند [illegible] مسلمانان [illegible] مقصد [illegible] مسلمانان چینی [illegible] حکومت ترکیه [illegible] برادرانه اساسی قایم گردد لکن حکومت [illegible] مسلمانان [illegible] نمی گردد.

(فتوحات مجاهدین طرابلس)

اخبارات [illegible] نگارند که [illegible] مقام [illegible] در [illegible] مجاهدین [illegible] افواج [illegible] وقعات [illegible] است. علاوه [illegible] (جنرال [illegible]) [illegible] هلاک گردیده است. میگویند که جنرال مزبور [illegible] در [illegible] باوجود که جنرال مزبور افواج [illegible] اعوان [illegible] و [illegible] را [illegible] نمود و خودش مقتول گردید (وحقا علینا نصر المؤمنین)

این محاربه [illegible] شجاعت [illegible] کرده است و از قتل جنرال مزبور [illegible] متاثر شده بالکل [illegible] که اظهار هلاکت [illegible] در حین استفسار بجواب گفته میشود که بسیاحت رفته است.

عدم تصدیق عهدنامهٔ لوزان

این [illegible] ارباب [illegible] وقتی [illegible] و [illegible] سیاسی [illegible] است که تا [illegible] تصدیق معاهدهٔ لوزان را بعضی از دول اتحاد اوروپا (مانند [illegible]) نموده است.

التفات [illegible] مواد معاهدهٔ مزبور [illegible] تاریخ [illegible] محرم الحرام در ممالک بریطانیا - ایطالیا - جاپان - امریکا (که معاهده را تصدیق کرده اند) خواهد شد.

(نظامنامهٔ اساسی عراق عرب)

جریدهٔ [illegible] مقالهٔ طولانی را در بعضی [illegible] عراق عرب [illegible] از مشکلات حکومت آنجا [illegible] قلم نموده ضمنا میفرماید که نظامنامهٔ اساسی عراق عرب [illegible] وزیر عراقی و دو مرد انگلیسی [illegible] مشتمل بر ۱۲۳ ماده ترتیب [illegible] در معرض قبول و تصویب مجلس [illegible] عراق آمده متعاقبا حکومت در عمل اجرا گذارده شده است. لکن عموم [illegible] نسبت به ترتیب این نظامنامهٔ اساسی هیچ یک نوع [illegible] دلچسپی شان را اظهار نکرده [illegible] نظامنامهٔ اساسی معاهدهٔ عراق و انگریز فقط اظهار مسرت نمودند. گمان میرود که جعفر پاشا صدر اعظم موجودهٔ عراق [illegible] ماندگی [illegible] خودش [illegible] مستعفی خواهد شد و [illegible] یسین پاشا [illegible] صدارت را گرفته کابینهٔ وزارت ترتیب [illegible] ساسون افندی [illegible] وزارت مالیه [illegible] خواهد ماند. نسبت یسین پاشا [illegible] مردم [illegible] [illegible] تعظیم [illegible] از [illegible] عراق [illegible] [illegible] افغانستان [illegible] بود [illegible] که کابینهٔ جدید عراق ترتیب [illegible] داشته است [illegible] خاتمه [illegible] و [illegible] خواهد [illegible] است

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 23 of 524

قواعد و ضوابط

این جریده بعد از ایام تعطیل کابل بکروز نشر میشود و بدیگر مقامات در هر هفته منتظم ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت. رسائل و مقالات واصله در اداره ما جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشار مختار است.

اشتراک بتوسط خزائن دولتی و بصورت نقدی از همه جا قبلاً دریافت میشود.

نگارنده (برهان الدین کشککی)

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت روپیه کابلی ۶ ماهه	قیمت روپیه کابلی سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

مخابره متشرک. اساتذه و علماء و طلبه

مفت. برای کسانیکه بنگارنده متعلق هستند

تبادل. با جراید اسلامی و شرقی

قیمت یکشماره ۶ پول از هر کس گرفته میشود

حقیقت
۱۳۰۳

جلد اول	کابل شنبه (۷) برج سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۲۸) محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری	شماره (۸)

مرقع حالات قرارگاه های عسکری خلاصه اطلاعات دار الحرب نظامی ما در سمت جنوبی

با اینکه از شرح دانی دوستان معظم و قدردان نگارنده تفصیل اکمل و گذارشات مفصل تمام قرارگاه های نظامی و دار الحرب های عسکر دولت متبوعه افغانی ما در سمت جنوبی نزد این داعی موجود است لیکن اگر بتحریر رشته فائده و اجرا آت و تحولات آن منصبداران غیور که شبانه روز در اطراف و جوانب تمام آنجا بفعالیت مصروف داشته و دارند عطف قلم نمایم تحواهم توانست کردید نمیکرد و بکمقر قنوتی را در یکجا یاد خود شی جانها لازم است. منتظر آنکه بسبیل حسن تفکر دو سه خود خواهشمند که یک بصری مختصره خود دانسته در قرارگاه با تزرگی خط خوشی تمام طلبها شده و معنویات ایشان در توقف گاه ها خوشی که تعمیل مرام با موردن فرمایشات اعلیحضرت غازی خود حاضر و مهیا و مستعد شده قلم بند نمایم:

افواج گردیز: — مکتوبیکه از حضرت غالمحمود ولیم صاحب جگرن عسکری سرلسکر غلام نبی خان رسیده است و نظر باز کرد از آن مکتوب و کگوری آثار اعتبار اعلاء تکمیل موعد آخرین علائم حقیقت افاده نصیحت اعتقاد خوشنویس

باطلاع آمریوه بود اینکه از اعتلاء و دولستان خوبیه شده و در این هجوم سرمقابله نواحی ظفرانجام افغانیه از صنف قومی پیاده و سوار و توپخانه باکمال رغایت نظام مرتب سلطانی افغانستان فرماندهی شهر غازی خوشی دارند و در اوقات قیام و مدافعه سرحدی که قشون ده جا و اطراف تو منظر تر مقابله میکنند.

قطعه خوست: — چند نفر معاصر انگلیسی با انگلیجی قوت شانرا بمعاملات سمت جنوبی شانیده تحریر کرده بودند که تردد قبائل وفادار ترسی سمت خوست را و معادر مقابل داده اند تا بتوانند بنمو گوشه درین کار اعتماد فرنه است از دنیا ساخته آن بختها شنید مشغول مقید نمود ن جاده و فادار آن اظهار مشتعل شده است و مردم خوست که در مخالفت افزوده اند حال اینکه برخلاف توهم ایشان خود خوست و اطراف و نواحی آن کاملاً طوق اطاعت حکومت امانیه را عموماً آنجا زیر گردن نموده اجابت آن مجرم محمد گل خان حرس و قطعه الحق شانرا ناخوش خبر رسیده بوده باشند که سرباز اطلاع رسانیده اورد و مجمع دار خبر غازی شانرا فغان اوداد و شروع بار علیحده بیعلی مانند بعده عسکر بر خلاف شانوقت شان حال حمله اورده بعد ها انجا دارند.

[illegible]

عساکر حاجی و چمکنی: حقیقت، نمی‌تواند احساسات مجاهدانه و حملات شجاعت کارانه و رفتار اسلامیانهٔ آقای محمد صدیق خان غندمشر و آقای سعادت خان و آقای علیشاه خان غندمشر و باقی منصبداران و سربازان متفقهٔ آنجا صرف نظر نماید و حاضر است که قدر آن مدافعه و مجاهدات این جمعیت صادق بعالی حملات متواتر و مجاهدات آنها که در گرمی جنگ و دیگر اسرار نموده ... دلچسپی ... بدست ... انتخاب ... و دیگر عموم منصبداران ... افغان ... صحت ... دولت ...

قشون لهوگرد: این سربازان فایق و منصبداران لایق چون بحکم قلب عسکری ... خبر ... شان اظهار دلچسپی می‌نمایند و ... اخبار ... از ... سربازان ... اجتماع ... جمله عموم منصبداران و دیگر رجال بزرگ که با اختیارات تامه جهت اصلاح ... افراد آن محل ... اطلاع ... مفصلی ... تا بحال ... تا اکنون ... از ... مقدار ... عموم شان لشکر دارد.

لشکر غزنین: با اینکه این عسکر ظفر پیکر که ... داره و دسته‌ها متعدده ... و فعلاً در آن اطراف که ... تعاقب نموده و بسیار ... کوشانی ... آن محاربه که از حسن ... آن حال ... که ... موظفند ... کامیابانه انجام یافته و در ... (۴) شمارهٔ (۶) مندرج شده خبر قابل تقدیر است. ... که از غزنین بواسطه تلفون ... رسیده است ... تعرضی و تدابیر ... عسکری ... ایشان ... در تکمیل بعضی نقصانات و ترسیل برخی از ضروریات ... و شنیده ... از طرف آقای عبدالعزیز خان وکیل وزارت حربیه فوری برای ... ارسال شده است.

عزائم اسلامیان سمت مشرقی: بعد از ورود ... اجل ... وزیر داخلیه ... در ... مشرقی ... هدایت ... تقریرات ... مرد ... پیش کرده ...

تازه نسبت به تحفظ ملک و ملت و ذات ستوده صفات اعلیحضرت دمیده شده اکثری از غیرت و حمایت جنگ‌ها چنانچه این خیرخواه صادق افغانستان که تا بحال نمانده اند و با مردم مناجرات و مناقشات خانگی شان از طرفین او شاید بگفته از طرف صلاحیت در رفاقت ... تا عرض التجا دارند به زود ... باشند باید ... موقع داده شود تا در تادیب ... گمراهان سمت جنوبی بکوشیم. قرار معلوم که دارم خبر ... مرد جنگی از اقوام و عشایر سمت مشرقی زیر لگام این مردار ... کلام ... اجتماع در سمت انتظار امر فرمان خسروانه داده ... نمودن از سمت مشرقی و حلقه نمودن سمت جنوبی دارند ... ساعیان و خدمات و عرق ریزی‌های این مردار ... ممنون بودن ... انتظار استماع مژده کارنامه‌های دلخوشی ... می‌باشیم.

سپاه ارگون: سپاه ظفر انتباه ارگون ... خدمات خود ... میکوشند و باشند دیگر اخوان عسکری ... انتظار امر و هدایت ... اعلیحضرت غازی خود را دارند.

وزارت حربیه و هیئت مرکزی دارالسلطنه: در ... از جدت و فعالیت و تدابیر ... آقای عبدالعزیز خان که ... امور حربیه و اصلاحات قشونیه و فراهم نمودن آلات ناریه و ادوات حربیه و تنظیم قطعات عسکریه و تجهیزات لشکری و تهیه قوا ... حربی برای تمام مراکز سمت جنوبی میفرمایند و از عرق ریزی‌های ... و شب کاری‌های سائر شعبات و مدیریت‌های وزارت حربیه ... و قول اردوی مرکزی کابل و سائر منصبداران نظامی ... مصروفیکه حضرت محمود خان یاور حضور والی موقتی کابل در جمع آوری سربازان می‌نمایند و از خدمات ... مستوفیت و عموم وزارات و دوائر ... دولت متبوعه ام که صورت تدویر و تسلسل ... درین موضوع اظهار لیاقت و فعالیت و همدردی ... می‌نمایند، مزید بر مزید ممنون و مسرور و تشکر باشیم. ... از خدا برای این هیئت ذی درایت بسلامتی ... مسعود اعلیحضرت موفقیات مزیدی را در خدمات ... و مملکت شان مسئلت داریم.

علت تعطیل در نشر جریدهٔ ...

تصور نشود که مقصد
از جریدهٔ اتحاد مشرقی است

... و وجه آنکه مزید تفرقی در موضوع کو تحالی سمت جنوبی ازین
فقط نظر بهست که آنها را سر ایشان قلیل بنابراه بدایت اوتر
میتوانند و یا کدام اهمیت مزید دارند که سرکوبی آنها موجب
انقیاد سوق الجیش و تجهیزات و ترتیبات میشود. بلکه این جرأت
ازین رهگذر بهست که شخصاً شهریار محبوب القلوب رحیم القلب ما
اعلیحضرت امیر امان الله خان وعده از وزرا دیانت اکتفاء
بدان اصحی فرستند حتی بعضی افغانها از جمله وصفی که باشد از میان
... ساز رود بلکه تقصی جانی و مالی طرفین اعلیحضرت غازی احتیاط فرموده
... بود و زنان با حقایق ترحم شان شنیده بهست (عفاالله) خساره خود
... نماید و ازین رو تا بنور هم با وجود جهالت و نادانی و تمرد
... تمرد و خیره سری نیاید همه آنها و الحاق شدن عده از وشا
... عبدالکریم قادری ایک موقعاً دست از ارسال نمودن
... ادعی حمایت انگیز و کلمات اصلاح آمیز نیک بگیرند و اولاد
... شاهانه نشان که بسراه رفطوع جهان بست بلاتنها کرد
... حمایت تا باشند که زخمی و حقانیت بیایند والا اگر از
... حال اشا است و رفتار که نهیب خود تائب نشدند حاجا که
... تباه و برباد خواهند شد و بدانها مزید بران چنان موقعی
... داده خواهند داد که دست بتفنگ بزنند و یا شمشیر را از غلاف
... برکشند (انشاالله العزیز)

مراسم روز عاشورا در کابل

معاصر عالیشان امان افغان در شماره اخیرین مجله خود تحت عنوان
... که بنابر عادت جاریه هر ساله از طرف برادران عزیز
... بعد از ده روز اول ماه محرم مجالس تعزیت برپا و عموم اهالی
... بدان محفل مقدس حاضر و اشتراک میورزند شب عاشورا
... اعلیحضرت خبر تشریف آوری خود را به اهالی اخبار نموده
... منزل آقا نورالدینخان معاون ریاست بلدیه که در سالهای
... با حضور اعلیحضرت در آنجا تشریف فرما میشدند ترتیب شده
... ساعت ½ ۱۰ انتظار تشریف آوری ذات شاهانه

را میکشیدند اجتماع مردم خیلی زیاد بود چند نفر روضه خوان تا وقت
تشریف آوری اعلیحضرت بروضه خوانی مشغول شدند با الحان
حزین غم افزای قلوب مستمعین گردیدند. بساعت مذکور اعلیحضرت
غازی با یک عده از رؤسای مملکت و وزرای عظام تشریف
فرمای محفل مقدس گردیدند. محفل از ورود ذات همایون با
صلوات و تکبیر بلند شد در منزل بالائی که برای تشریف ایشان
تعین شده بود نشستند. سفیر صاحب ایران و سفیر صاحب
ترکیه با معاونین خود نیز حضور داشتند.

آقای میرزا آقا خان بر منبر برآمده بعد از خطبه و دعا اتفاق
دول اسلامی خاصه دولت جمهوریهٔ ایران افغانستان ثمره از ثمرات
اتحاد و اتفاق و اینکه مملکت محافظه نشود مگر به اتحاد آنرا
آن از روی آیات قرآنیه و احادیث نبویه بیان فرموده و
ختم مقال را بر بقای سلطنت سنیه و شوکت و اتحاد آن افغانیه
اعلیحضرت غازی نمودند. آقای شیخ امیر محمد خان نیز
ایراد نموده ازین گونه اظهارات نمودند بخصوص ... محمد خان
هم درین زمینه مقوله بارقت و غرا را ایراد فرمودند.
روضه هم خوانده شد. بساعت یازده مجلس اختتام پذیرفت.
اعلیحضرت غازی ازین جمعیت غفیر مستمعین مرثیه خوانان
سید الشهداء حسین (علیه السلام) تشریف بردند و بعد از تشریف
بردن ایشان مجلس هم منحل گردید.

ورود وزیر صاحب تجارت

حضرت عالیجناب
درایت و صداقت مآب

عبدالهادی خان سابق وزیر مختار دولت علیه افغانستان مقیم
لندن که درین آخر سال رهوان از حضور شاهانه بوزارت
تجارت و زراعت مقرر گردیده بعد از حرکت لندن برای زیارت
بیت الله رفته بودند مع الخیر وارد کابل شده اند. ما این
ورود به دوستان و رفیقان شان تبریک از منصب جدید
برا شان مبارکباد میگوئیم. امید که این وزارت در سایه
جدیت و دیانت و معلومات تازهٔ عصری این جوان
با ... دیانت شاهانه صدقه که دارای عزم راسخ مزید وزیر صاحب موفقانه ... فایق
شوند از خداوند کریم برا وزیر صاحب موصوف درین آرزو موفقیت زیاده میکنیم

تعطیل جشن استقلال

برای عموم معلوم است که درین چند ماه غالب اشخاص صاحب منصبان نظامی و بعض حضرات بزرگ سمت جنوبی مشغول خدمت بودند نظر باحتیاج جشن استقلال که یک عید بزرگ عمومی است بالسبب تا وقت که آن برادران عسکری و صاحب منصبان نظامی تعطیل میشد ولی بعد از ختم او به جرگه و تعدیل نظامنامها که بسبب جنگ قضیه منگلی نا بود انتظار میرفت که منگلها تائب گشته حضرات موصوف و برادران نظامی با مع الخیر زود می خواهند رسید و از همین سبب ترتیبات و تنظیمات جشن زیر نظر گرفته شده بود مگر برخلاف انتظار مسئله طول کشیده و بر حضور شاهانه که خوشی و راحت شان در سرور و بهجت عموم ملت شان است گوارا نشد که بی حضور جمعی از اولاد های معنوی خود و بعض رجال بزرگ دیانت دار و فداکار که از فداکاری خواتیم ما لذا یذ جشن و فرحت و سرور آن حظ نگیرند لاجرم فعلاً اجرای جشن را تعطیل نمودند.

قتل قونسل امریکا در ایران

(میجرامبری) نام قونسل امریکا در ایران باعث (۱) روز جمعه ۲۶ سرطان بدین قسم واقع گردید که قونسل متوفی با یکی از امریکائیها (مستر سیمور) سوار کالسکه شده رفته بودند بمقامیکه خانه خیلی مقدس میدانند و شروع کردند بگرفتن عکس آن بنا برآنجا عوام بشاهرات برخاسته گفتند اینها بابی هستند و آن بنا را خراب کردند میجرامبری فوراً با رفیقش سوار کالسکه شده بپایتخت معاودت کردند مردمان بهوی عامه از هر طرف جمع شد عاقبت نزدیک قراقخانه شخصیکه سوار بر سائکل بود کالسکه را جلو گرفته هر دو را بیرون کشیدند طرفین بزد و خورد مشغول شدند میجرامبری هم با چوبیکه در دست داشت مدافعه میکرد عاقبت از شمشیر که بر سرش خورده افتاد بمجرد است که برخیزد که سنگی بر دند الغرض تصادم کرد. فوراً پولیس جمع آمده و آنها را در اتوموبیل گذارده بمنا

خانه بردند. و عوام با جوش هنگامه پولیس و غیره حمله برد وشش نفر پولیس مجروح شد.

باری قتل را از جوش مذهبی نمیدانیم و بلکه تصور میکنیم از طرف خارجیانیکه دوستی و تعلقات ایران و امریکا موجب رشک آنان شده بود (یعنی انگلیس) این هیجان را فراهم کرده و این قتل را باعث آمده اند و میخواهند بین امریکا و ایران که آب بند اختیار امتیاز نفط شمال را که ایران به امریکا داده باطل کنند و مساعدت مالی امریکا را از ایران باز دارند تا ایران دوباره محتاج شده دست دراز تر نماید (حبل المتین) —

معاودت جناب صدر اعظم صاحب بکابل

چون حضرت اجل فخر النجباء سردار عبدالقدوس خان صدر اعظم محض جهت بعضی هدایات و راهنمائی و نصیحت برادران جمعیت اثر رونق افزای اندار شده بودند مدد جمعیت او وظیفه ذمت خویش قرار معلوم کرده ایم کوتاهی نموده اند لکن بغوایت اهریمنی آنها نبود بل باره چرا که از شانع میدان که نصیحت و پند برای آن طوائف از جناب حضرت صاحب مفید واقع نگردید آن جماعت جاهل قدر و قیمت نصیحت کافی خود را میدانند مگر برای آن بود که حضرت بدین مقصد رفته بودند از آنان را نخواهند مگر بعد چندی معلوم شد که کلمات جواهر آیات شان برای آنها نمی بخشد هم در مجلس های وزرای جمعیت اعطای بعضی افکار را اتحاد آرا و چشمها وجود او شان از حد ضرور بود و ازین روا مجلس حضور جریده قدر ملکداری او ازین خدمت و کار روائی آنها اظهار تشکر و امتنان کنان جناب او شان را بکابل دعوت و مجلس عالی وزرا را تصدار فرمودی و شمولیت آنجناب صاحب بیت بر رونق و صاحب

تلفات جانی و مالی شرار :—

جنگیکه آخرین را که در بین افواج افغانی و جمعیت با آمده بود در یک مقام دو صد نفر باغی هلاک و بیشتر مجروح و باز دیگر جا پنجاه نفر شان دستگیر و از دست عسکر جان نثاری شده اند و

تا وقت را نشود چاپ و توزیع نگردید امیدوار است که در آینده امثال این اطلاعات را دل آویز تر و اطلاعات عمومی را بلحاظ عموم در شمارها خود بنویسیم —

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 27 of 524

شرح اشتراک		
تفصیل مقامات	قیمت بروپیهٔ کابل	
	ششماهه	سالیانه
داخل السلطنهٔ کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته وار ایام [illegible] در کابل [illegible] نشر میشود و دیگر مقالات در هر [illegible] انتظار رسال [illegible]

امور تحریریه بنگارندهٔ حقیقت ...
رسائل و مقالات واصله [illegible]
جریده [illegible] درج [illegible]
[illegible] اعاده نمیشود

اشتراک [illegible]
[illegible]

نگارنده [illegible]

حقیقت

ح ۱۳۰۳

[illegible] ارشاد و [illegible] و [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلامی و شرقی
قیمت یکشماره [illegible]

جلد اول | کابل دوشنبه (۹) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق غرهٔ صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره ۹

جوانمردی در مدافعه افواج افغانیه گردیز ـ بمقابل حمله و تهاجم شرافت انگیز

قوهٔ اشرار ـ مایوس از حملهٔ اطراف ـ مخالف باگردو ـ تخلیهٔ قلعجات اشغال کرده ـ تلفات اشرار زیر روز بروز [illegible]

نامه نگار [illegible] گردیز [illegible] گردید
وجا اول [illegible] دو روز [illegible]
[illegible] جمعیت [illegible]
[illegible]
[illegible] فتنه و فساد [illegible]
[illegible]
[illegible] سلطنت و حکومت [illegible]
[illegible] جمعیت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جمعیت [illegible]

[illegible] اطراف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رجعت [illegible]
[illegible] افغانیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بفضل خدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
بارود [illegible]

(۲) این مخابرات حملهٔ که اشرار جبراً از اهالی گرفته بر علیهٔ ما از آنجا اقدامات میکردند گویا از دست شان برآمد]
خود اهالی و سکنهٔ گرزن تا حال بخود سنگداری الفت بحکومت ما به ثبات داشته اما بمعاونت نظام و با طامع اشرار ساکت شدند و در فیصلت
وانتظام گرزن با عساکر بدست بوده درین ما تلفات مزید برای خود عائد کرده و میکنند.
تلفاتیکه درین حمله به اردوی ما و مهاجرات اشرار از طرف جنرال آمده از خوارج (۶) تن شهید و (۴) نفر مجروح و از اشرار (۲۵) نفر
است و عده آن اشراری که یک قلعه را با خود ساخته بودند و بر خلاف کارروائی داشتند. درین ایام بطوری زیر بمبارده مان آمده الا
کشته اشرار هلاک ملکان آن قلعه نیز بر جای گذاشته اند. گفته میشود که تعداد اشرار درین قلعه کمتر از (۱۵۰) نفر نبود.

شفقت پدرانه و نصیحت آخرین حضرت اعلیحضرت غازی برای اشرار جنوبی بواسطه جهاز هوائی

ای اولاد افغان! نادان! بذریعه دشمن اشرار جنوبی!
شمارا چه بدبختی پیش آمده که از همه محبت و مهربانیهای ما که نسبت شما
بعمل آورده ام فراموش کرده دیده و آرزوهای که در بارهٔ شما داشته ام سیرو
و شمارا بترویج آئین اسلامی و در مقابل دشمن دین و معاندین اسلام
که مقابل این دین هستیم بکار کشی شما رسیده باد و بالعکس برادران
اسلامی دولت جمهوریه خود را مقابله و مقاتله و اسناد جاهز رفته
خود انواع که من از همه قسم گرامی تر و محترم تر بود لفظ دولت و حکومت
خود دانسته اید از غیرت افغانی و محبت قومی چقدر دور رفته
که ذخیره دولت و در گرو بیع گوشش آنرا باد و جهت حفظ دین
و امور وطن خود شما از حملات اجانب جمع شده است خود آلا خود
خبر میکنید؟ آیا شما امید ندید که دشمنان دین و وطن و شما چقدر
خرسند و شاد کام میشوند و تشکرات در بین خود و نفاق میبینید؟
آیا امید ندارید که در عصر زمان که قوت و شوکت اسلامی در تمام کره دنیا
رو بتنزل گذاشته تنها همین یک دولت اسلامی خود افغانستان است
که با امید غازیان مسلمان گردیده شما بجای آنکه دولت خود را ترویج و
تعالی داده حفظ کنید با مخالفت آن کمر بسته اید؟ آیا نمیدانید که این
قتل و قتال ما بین برادران خود شما است؟ و دشمنان از زمین
کشتی با خوشی میشوند و در نتیجهٔ این ضعف قوهٔ اسلامی است و دشمنان
دین ملک و وطن شما را تصرف خواهند شد و شما را غلام و اسیر خود خواهند
ساخت! و ذلیلانه و شرمانه زندگی خواهید کرد! و در نزد خدا و حضرت
رسول صلی الله علیه وسلم مسئول و مقهور خواهید بود! اگر شما عقل دارید و فکر کنید
کسانیکه شما را تشویق و تحریک بمحاربه با حکومت تان میکنند کی ها و
اشخاص چه هست و چه خیر خواه دین هست؟ آیا آن اشخاص خیر خواه شما

است؟ نی هرگز نی. آن اشخاص دشمن شما و دشمن خدا و دشمن رسول
و دشمن دین اسلام. و دشمن دولت و سلطنت شما افغانها و دشمن
اولاد و اطفال، مال و ملک شما است! چرا که از یک طرف سلطنت
شما را که افغانستان است کم قوت میکنند تا بمقابل حملهٔ خارجی ضعیف
باشد. از دیگر طرف شما را بقتل و بهلاکت و تباهی میدهند.
شما بتصور دینی و بزور دنیا با دولت خود جنگ کرده دشمن
چرا که بتصور دینی تمام علمای شریعت خود نظامنامه
افغانستان را دیده و ترتیب داده میکنند و احکام
دین شریعت سید المرسلین تمام قلمرو مملکت
تان نافذ است لهذا کسی این حرکت شما را
درین قضیه گمان کرده میخوانند و تمام علمای افغانستان این حرکت
حرکت جاهلانه باغیانه گفته اعلان کرده اند
دنیائی شما نیز هیچ قسم کامیابی نمیتوانید مگر اینکه
حضرت محمدی صلی الله تعالی علیه
آله و اصحابه وسلم قتل تان را تمام علما و ملت
افغان روایت داده اند و این حرکت جاهلانه شما دولت
افغانستان حق بجا ساخته که شما مجبور گردانیده. دولت
الحمد لله قوت و اقتدار زیاد دارد تا اکنون با شما از روی
و قوت دولتی پیش نیامده چرا که شما رعیت بد عمل سرکش
تصور میکنند. شما بر قدر خیر و حسب که نزدیک باز از ما
برای آبادی و بهبود شما حکومت تان اراده دارد و فقط
حمله ها مدافعه کرده روا است. پس باز برای شما نصیحت
که شما را که تمام بدبختی پیش آمده که بحرف اشخاص صاحب غرض

فرزندان [illegible] خود را بصورت حرام [illegible] سید [illegible] ابن غیرت [illegible] شما را آخر خواهید شد و ... خدا و رسول الله و خیر دولت اسلام

ای اولاد نادان من این طیاره ها که در بالا سر شما پرواز کرده کاغذ های مهر و شفقت مرا [illegible] لا شما می اندازد گلوله های آتشین خود را نیز بالای شما ریخته میتواند مگر من شما را اولاد خود [illegible] میدانم با انهمه بی اعتدالی ها که کرده اید آغوش محبت من برای شما باز و صدای نصیحت دولت [illegible] بلند است که باز شما را اولاد صالح افغانستان بدانم.

حالا که شما [illegible] اغلاط دین و مشایخ علما مرد و اگر دانسته [illegible] بر خلاف حکم خدا و رسول الله مخالفت کنید و نزد خدا و شریعت مسئول شوید و حکومت هم تا شفقت و مرحمت [illegible] دریغ نداشته پس بر شماست که خود را [illegible] (بدنام دنیا و آخرت) نساخته [illegible] و فریب [illegible] را [illegible] تائب شوید تا از [illegible] دنیا و آخرت نجات یابید هنوز وقت هست که نزد خدا [illegible] در گرد [illegible] آمده تائب شوید تا از [illegible] شریعت و سلامت مستقیم شوید و اگر [illegible] خود [illegible] نصیحت [illegible] من را [illegible] نیابید و از [illegible] خود [illegible] بخود [illegible] شوید [illegible] خود را [illegible] ساخته [illegible] و [illegible] خرابه [illegible] و ویران [illegible] نتایج جهالت و نافرمانی [illegible] شما خواهد بود و من نزد خداوند تبارک و تعالی و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسئول نخواهم بود زیرا که [illegible] فقط با شما [illegible] اتمام حجت نمودم.

هجوم و دستبرد [illegible] کاریگر در [illegible] و کلنکار

[illegible] (۷) سنبله مخبر [illegible] است: [illegible] حقیقت [illegible] عادت شان [illegible] و [illegible] و انسداد حرکت درمیان [illegible]

در [illegible] کلنکار [illegible] حاصل نموده و هم در [illegible] [illegible] آب [illegible] نزدیک [illegible] کار آورده [illegible] منصور [illegible] آن اطراف [illegible] از [illegible] شاه ولیخان (نائب سالار) و از ساعیانه جمیله آقای محترم جناب محمد غوث خان [illegible] و دیگر [illegible] و عساکر [illegible] بطور [illegible] استعمال [illegible] مقتول [illegible] و مجروح و مفرور [illegible] دیگر [illegible] عساکر [illegible] بواسطه [illegible] طرف [illegible] کلنکار [illegible] دستاریکی [illegible] هجوم آورده بودند و طرفین [illegible] و دشمن [illegible] کرده [illegible] تلفات [illegible] آمده است تازه ترین خبر [illegible] موضوع مظهر است [illegible] آقا [illegible] فرد [illegible] درین روز ها [illegible] داشته آقای [illegible] معظم غلام [illegible] و آقای شاه ولیخان در امور انتظامی و حفاظت [illegible] و حرکت [illegible] اظهار [illegible] درین [illegible] اطراف [illegible] شوند.

ورود لوی نیخان با هزار و چند صد سرباز [illegible]

روز شنبه ۷ سنبله جناب [illegible] لوی [illegible] خود [illegible] خدا [illegible] و سرکوبی شرارت [illegible] با یکهزار و چند صد نفر سربازان فداکار [illegible] یک [illegible] و خروش [illegible] افغانی کابل شده از طرف وزارت حربیه پذیرائی [illegible] مورد [illegible] این فداکاران اسلامیت و مملکت [illegible] برای [illegible] گونه اوامر اعلیحضرت غازی شریعت [illegible] خود [illegible] و آماده گی خود را [illegible] (تفصیل [illegible])

[illegible] بر خبرهای خارجه: —

در جرائد خارجه [illegible] جالب توجه ناظرین شده میتواند بطور اجمال خبر ذیل است: —

بغاوت سوڈان [illegible] مظالم [illegible] [illegible] آن [illegible] موجب هنگامه [illegible] است. لکن [illegible] موثق [illegible] جرائد [illegible] رسانی [illegible]

دستگیری چپاول‌چی‌ها و شورش شهزاده در حدود کلنگار

یکی از دوستان محترم ما از واقعاتی که در این ایام در قریب‌جات گردونواح
افغانستان و بعضی جاهای متفرق پیوسته به سمت جنوبی و متعلق به ملک لوگر
اتفاق افتاده بود صورت ملعون شاه‌آقا و همراهان که در آنجا بودند مینویسد.
در دو ستون چهارم شماره دوم که در صفحهٔ دوم از جریده حقیقت
مندرج است ما اطلاع داده بودیم که چپاول‌چی‌ها و قطاع‌الطریق ملعون از دره
تنگی و اطراف جبال آمده از سپاهی و سرباز ما مقدار قلیلی را شهید نموده‌اند
لکن از قرار خبر ملعون مذکور به تعداد ... دیگر حوالی خدا بیامرز
حدود کلنگار بوده روز دوشنبه ملعون شهزاده را در بین شهزاده و تنها
بما که حفاظت آن منور بود اندر ... در هر جا محل واقع گردیده است.
جنگ در محاربات سکنه واقع شد بعد از آن دو قتیل خود را دیدیم
که شهزاده و عرض ملعون خراب کرده‌اند. چون در کابل به ما خبر رسید که
درین روز جنگ و چپاول و خرابی و غارت اسباب و اموال و اشیای همراه از
وراء سلطنه روان شده است لهذا علی الفور از طرف ما لشکر زیاده
اندرون اسباب مذکور روانه کردیم و ازجانب ما حرکت کردند تا آنکه
تمام خدمتگزار با اطلاعات متعلقه به حرکت دادیم و لشکر از فضل خدا
حامل جبه‌خانه و تجهیزات بود که تا در حدود بیل حصار بیشتر و بار گیرها
آمدند و بسیار چالاکی به قرار کار قشون رسانیده شد. همان آن لاری
که حامل کلولهٔ توپ‌ها و روشنی انداز بود از دست شهزاده با آتش در داده شد و
خود متوجه حصارک گردید. اتفاقاً تنگی و اغوای او رفت لکن تا
از خرابی که ملعون نمود تا آن وقت از شهزاده دیده شد توانست که
مقابل شد. از طرف کابل دیگر لشکر هم وارد رسید و مطلع شد که
شهزاده با همراهان خود آمده بودند همه بر دو خوره لشکر مقابل گردید که
ملعون خراب شده بود به تفتیش و تحقیق ... و شناخته شد که آن در
نظامی و غیر نظامی و قومی که به غرض حفاظت راه درین محل که داخل
حدود کلنگار است و املاک مالی که کار طور شخصی ... داشتند
و ازین جنگ بالاخر بعد شتاب منتظر مجبور شده‌اند. بر خورده
از آنها حقایق را دانسته شد و از شهزاده متعاقب برده آنها را در عقب
دانسته که هیچ یک جهت اشاره به سر کتاف خویش دیده آنها
تحت حمایه در آن ساحه گرفته عقاب ... بعد بجا عاید نموده شهزاده

و فرار اختیار کرده و اطفال ملعون همراه وارد و در عقب آنها افتاده و
(۱۰) سیلاب آنها داده اند و ادامه داده ضمناً اکثری را زخمی و ایشان را هلاک
بعد از تلاش تاریکی تمام عسکر ما جازه فرمودند که زیاده شود لکن
شاه‌آقا به قرار کار خویش عودت نمودند و قطع ستم قلیل از سرحد آمد
از عرض شان خطا شد. خیال اینکه در عقب این کوه
گاه بهتر به آن رسیده الا شد بر خلاف گمان خود در دشت ...
برای جمعیت دیگر آنها گرد آمده بودند شده بود بر خورده
شان بکار ما ... و شمشیر و کارد و بر جه ... بجای خود طرفین زد
و جریحه به کار ... دست دیگر با شدند لکن بقرار در جای جنگ
دو سه نفر سپاهی شهید مجروح شدند اشرار دیگر فرار نمودند.
بعد از تکیار مطلقیت برده اند علی الفور خود بر طرف ...
طور زیر آتش گرفته دو صد تن اشرار را دفعه جبراً
نمود چنانچه از آنها اکثر پس با خود گرفته اند و در عسکر ما تمام
مقابل ما صرف ۸ نفر شهید و ۹ نفر زخمی شده است
تقریباً ساعت ۴ شب بعد گشت و مردان عسکری به قرار کار
رفیق آقای محمد عوث خان مذکور ... در کلنگار ...
رسیدند و از طرف ... دیگر ... و برادران عسکری
بدر با خبر شدند. ... عسکری ... کردند که ...
بودیم که شهزاده در بعضی شکار مستور نمود ...
اندرون ... قلعه محکم ... شد علاوه ... جوانب
کشاده در دست نیز کرده شد ... جلد ...
رسانیده ... و شبید ... بود ... تمام
نیز ... سیاه و ... دیدیم ... شده
از عسکر ... قلعه ... آن ...
در آنجا ... داده ... عسکر ...
امر و قصد ... تا ... خود را ... فرار ...
تعاقب ... از طرف عسکر ... و ... زیر ...
واصل ... ما ... شده ... که از دست
نجات ... از ... قلعه ... کلنگار ... دروازه
... خود ... لکن ... گرفتار ... آنها ...
... شهزاده ... دستگیر شد ... قرار و قاعده ... عسکر ...

ازین مسئله ... و ... شهزاده ... کابل ... خبر ... و ... حوالی ... نمود

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز
بعد نشر میشود و بعد تحریر مطالب در هر بیست
شماره ارسال میگردد.
امور تحریریه بنگارنده حقیقت
ارسال و مقالات و امثله در اداره
جریده در اندراج و اصلاح و
عدم انتشار اختیار دارد. سهم
اشتراک توسط خزانه دولتی
بصورت نقدی از همه جا قبلاً
دریافت میشود
نگارنده (برهان الدین کشککی)

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی	
	۶ ماهه	سالانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

مشترکین: از سادات و علماء و طلبه
مفت: برای مطبوعات و کتابخانه های ملی
تبادله: با جراید داخله و خارجه
قیمت یک شماره عموماً از هر کس یک عباسی

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل چهارشنبه (۱۱) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۳) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری شماره (۱۰)

صورت تشرفیابی مجاهدین کرنی و میرزا یحیی خان یوسفزئی بحضور اعلیحضرت معظم غازی و متاثر شدن ایشان از حلم همایونی

نوازشات و الطاف یکه اعلیحضرت غازی تربیت پرور
نسبت به همه رعایای صادق خویش نموده و مجاهدین منگل تا
تاثیری بخشید که هر کدام شان این پادشاه مهربان خود را از جان
دوست تر دانسته برای انجام هرگونه خدمات و تعمیل اوامر شان حاضر هستند.
چنانچه نسبت به بغاوت سمت جنوبی که بحرکات دشمنان
اسلام بروز کرده کار آمده عده از این اقوام امروز بر علیه حکومت
حمله ور شده اند از هر گوشه و کنار افغانستان عریضه های جانبازانه
تقدیم حضور میگردد و هر افراد ملت بهمه تن خواهش همی نمایند
که این وفاداری خود را از جان و تن به اخلاص و دل سوزی ثابت کرده الطاف
آن شهنشاه و خلف صدق افغانستان باشند و ملت در کمک کردن آن
حصه گیرند. لهذا از رعایای صادق شاهانه که هر یک از خوانین اقوام مختلف
این پادشاه شنوده خصال فرخنده شان تمام و همواره مورد عواطف
و الطاف ملوکانه بوده اند مستدعی گردیدند تا امر و اجازه داده
شود که به سرعت حرکت کرده باشند و آن نابکاران را
وقتیکه نموده به پادشاه و راه هدایت برسانیم

لکن اعلیحضرت غازی از لطف و کرم و حلم و عطوفت که
بخصوص فطرت خویش دارند ابدا خواستار این امر از ابتدای این معامله
الی الآن که مدت (۷) ماه میشود نبوده که خونریزی و تکلیفی برای
جمعیت باغی برسد بلکه آنها را مثل فرزندان خود پدرانه و مادرانه
دانسته در نصیحت و هدایت شان آخرین درجه کوشیده اند.
اما بسیار جای افسوس است که در عوض این حلم و بردباری
اعلیحضرت غازی آن جمعیت باغی بجز از فکر شرارت و فساد هیچ
خویش را بیشتر افزوده در صدد رسانیدن ضرر عسکر و حکومت شده اند
مجبوراً بدیگر کارها نموده اند.

بعد از اینکه این نائره فساد و این واقعه منافقت و عناد
گوش زد عموم افغانستان گردید اولین شخصی که غیرت ارادتمندی
تربیت خواه ملت دوست از اطراف و نواحی افغانستان
بحضور حاضر شد و نسبت به سرکوبی شرارت و نفاق جوش و خروش
فوق العاده را ابراز داشتند آقای میرزا یحیی خان لوی
است که در موقع جهاد هم خدمات شایانی در نسبت به ملت

دلکت و جلادت خویش ابراز نموده بست [از طرف تعلقه مالیات
کابل با مجموع کلا انها از معنی برایجمگو نه خدمات حاضر و آماده شده اند]
این مرد مسلمان وطن دوست بعد از مطلع شدن از رو واقعه سمت
جنوبی تو سط رئیس صاحب تنظیمیه سمت مشرقی تقریباً یکصد نفر
سرباز فداکار مسلمان شجاع و وطن پرست را از اقوام و روستا های
خویش بزودی جمع نموده به یک سرعت حاضر نمود تا بحضور عالی حضرت
غازی حاضر آمده ادعای خدمت و جهاد فی سبیل الله نموده بر طرف
جبال جنوبی رانموده اند که با اشقیاء روبرو و شهر مقام منظم را از عملیات
ارشرکا ، آن معرکه زجوش بعد از اصلاح و تعدیل دلومر و مرحوم میدیدند
بروز شنبه ... مثل این جمعیت فدائی وطن دوست را
دارالسلطنه کرده بدانطرف وزارت حربیه بدیرا تا آن تقدیر و ستایش
مورد شده با امور عسکری دو دهل و سرنائی بلی خودشان
انها را به یک گرم جوشی مزید از تنظیم حضرت وکیل صاحب نموده اعانه
وزارت حربیه را از وجود خودها کما فی الا فرین و ممنون نمودند .

اطراف وزارت حربیه جدی محمود خان از نجا تحصیل سری و
افراد فی جهت استقبال این سرفروشان عموم منصب داران نظامی
یک شوق و شعف فوق العاده منظر عجبانه این عزیزان خویش را
منتظر ایستاده بعد از ملاقات حضرت وکیل صاحب به امور یکه
دهل و سرنائی ، و آواز الله اکبر و یا چهار یار این سربازان
فداکار یک حضور قابل دیدنی جمعوه طوری که از عوام شده ساحت
(۵) یک عالم شوق و یک جهان مسرت در حالیکه دهل و سرنا
و دیگر سازهای وطنی خود را به یک شور شگفت آور می سرائیدند
نوعی شوریای اضحوکه غازی معصوم دلکشا رغبت خاطر و جواب آن
مانند بحر زخار انتعود و آواز آیات تکبیر و یا چهار یار ، ... جع
افراد قلوب خطوط را ان جان بسا سوء طراف دشمنان خاسر
افغانستان گرویده می ... و سرکها و دلکشا از تعریف ... شهر مرتبه ...
استقلال و ثبات و نطق ... جهت ... از طرف جناب ...
و دیگر سربازان ... و عبدالکریم باغی ... آمد
سپس ... از آنجمله ... نوا زش و مراحم خویش ... ثبت
... نموده ... اظهار ... تا ... جنوبی و عموم
تعرض عساکر ... و جهاد ... اشرار ...

کاکا انظامی را در تاطره و آن ابراکنا فرمودند . که از جمله ...
افغانستان است از شما برادران سمت مشرقی خود و باز از مرز ها ...
اظهار ممنونیت مینمایم . و باز فرمودند که " از ابتدای جهالت ...
این قوم بدبخت بد طینت جنوبی همه وقته برای ...
عساکر و منصبداران شجاع خود امر فرموده ام که ...
جنگ نکنند ضرر برای شان نرسانند حتی ...
وکیل صاحب بیه گفتند و از ... هستند که ...
رفته بالا او نها هم ... از دیر آشنا ن کفتم عوض ...
کلمه محبت ... آیه چنانچه باز فرمانهای ...
آمیز و کلمات بدینت آنگیز را ... نوشتم اگر باز ...
از جهالت خود باز نیامدند تنها شما و عساکر ...
همه ملت حاضر است که بسیار درستی گوشمالی ...
کوبی آن اشرار را نمایند . باقی از خداوند خود ...
دارم که تیغ شما و از عساکر تا نرا ... و خود شما ...
و غالب میدان داشته باشد .

سپس ازان ... عسکرانه از طرف وکیل صاحب ...
و میر ... از طرف عموم ... در ضمن ...
از شجاعت و همت سمت مشرقی را نموده ...
و حدت ... انها که ... رو و در ...
سمت جنوبی ... در ین روز ...
و تا ... خدمت ... نمایند ... کونا ...
... تحت ...
از مراحم ... غازی ... ساعت بالآخر ...
... از وزارت حربیه ... معاونت ...
بود با صدای آیات تکبیر و یا چهار یار ... نمودند ...
خدمت ... آن ... معلوب و منکوب ...
عزت ... دارین ... خواهند گشت . والسلام

اعتراف و امتنان از خدمات آقای غلام نبی خان

اگر چه ... و ساعیانه عموم ... سمت
جنوبی ... تقدیر و تحسین ... اند
وسربازیها و ساعیانه ... شجاعت و ...

[illegible] بیست قبال [illegible] محفوظ از اقوام [illegible] شان موجود [illegible] آن حکم [illegible] درویش [illegible] در (۵) سنبله بوقوع پیوست
[illegible] حضرت [illegible] چند قدم [illegible] ممنون [illegible] بیچینی [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] افغان [illegible] محمد غوث خان [illegible]
[illegible] استرار [illegible] عرض افغان [illegible]

سلسلهٔ عجایب مصالحه و ادعای اطاعت نمودن بحکومت از طرف اشرار جنوبی و لغاوبچگان منگلی

[illegible] با اشرار جنوبی [illegible] و مختاران [illegible]
[illegible] جنوبی [illegible] عهد [illegible] عام [illegible]
[illegible] الآخر [illegible]
[illegible] اشرار [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] افغان [illegible] جهال [illegible] افغان [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] اسلامی [illegible] افغان [illegible]
[illegible] حکومت افغانستان [illegible]
[illegible] چشم [illegible]
[illegible] مواخذه [illegible]
[illegible] قبول [illegible]
[illegible] اشرار افغانستان بلکه جمهور علما و فضلا [illegible]
[illegible] افغان [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] نو [illegible]
[illegible] خان [illegible]
[illegible] مصالحت [illegible]
[illegible] مذاکرات [illegible]
[illegible] مصالحت [illegible] جنوبی [illegible]
[illegible] رحیم [illegible]
[illegible] و دوسه روز [illegible]
[illegible] تمام [illegible] اشرار [illegible]
[illegible] عسکری [illegible]
[illegible]
[illegible] افغانیه خویش [illegible]
[illegible] توسط [illegible]
[illegible] نظر [illegible]

والطاف شاهانه خویش واشته [illegible] بار دو باره
با عطا و الطاف [illegible]
[illegible] شفقت [illegible] کرم [illegible]
[illegible] منصب [illegible] عسکری [illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] هدایت [illegible]
[illegible] شفقت [illegible]
[illegible] تعالی [illegible] عدوان
[illegible] مقتضی [illegible]
خود [illegible] عملیات [illegible]
[illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] خطاب [illegible]
[illegible] مسلمانان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (در شماره (۹) ملاحظه شود)

حقیقت: — [illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible] مصالحت [illegible] انگلیسی [illegible]
[illegible] گفته‌اند [illegible]
[illegible] جنگ [illegible]
[illegible]
[illegible] (۱) [illegible] اصلاح [illegible] (۲)
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

به تشنگان ضلالت ز تیغ آب دهید

(از طبع روان کاتب محمد سرور خان ...)

ز هر طرف نظری گر بروی کار کنید　　سزد که بر دو گروه لطف بیشمار کنید

بجان عسکر خود آیهٔ ظفر خوانید　　بقوم عاقل خود نقد جان نثار کنید

رسید تا بفلک نعره‌های قوم شجیع　　که در رسید دم حرب و گیر و دار کنید

به تشنگان ضلالت ز تیغ آب دهید　　بعاصیان دغاپیشه کارزار کنید

که رفته اند ز جهل از ره شریعت و دین　　کنون بعزم متین حرب آشکار کنید

هم از محبت شاه و وطن حذر دارند　　باین سیاه دلان تیره روزگار کنید

ز تیغ عسکر خونخوار و جوش ملی خویش　　ز تن سر همه این ناکسان کنار کنید

بهر وسیله که این گمرهان درست شوند　　بعزم جزم همان شیوه اختیار کنید

مجال خود سری شان دگر نباید داد　　نه یک دقیقه تغافل بخود دچار کنید

ز بن کشید رگ و ریشهٔ گروه شریر　　که گفته اند نه بر خصم اعتبار کنید

بدوستان وطن قند و انگبین بخشید　　حوالهٔ سر دشمن ز زهر مار کنید

بعسکرانه روشهای قهرمانی حرب　　هجوم بر سر این قوم نابکار کنید

بجان فشانی خود ها و ضرب توپ و تفنگ　　به نیستی عدو کسب اقتدار کنید

براه دین و وطن جان خود فدا سازید　　ز خون خصم زمین را چو لاله زار کنید

بحکم خسرو غازی این ملت و دین　　به دشمنان سخن از تیغ آبدار کنید

حیات شان به ممات ابد بدل سازید　　نمی سزد که بآنها دگر مدار کنید

کنونکه خلعت مرگ است تحفهٔ تن شان　　باین قبا جسد شان ذلیل و زار کنید

چو خسرو سروری امروز در وطن ارشاد　　عدوی جان وطن را بغم دچار کنید

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 35 of 524

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی: ششماهه	سالیانه
دارالسلطنهٔ کابل	۵	۹
داخلهٔ افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

مفت:- ارسا و علماء و طلبه
نصف:- برای مامورین نگارا و محتاجان
تبادله:- با جراید بیگانه و شرقی
قیمت یکشماره: عموماً از یک حبه

فواید و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در پست منتظم ارسال میگردد

امور تحریریه بنگارنده «حقیقت» ارسال و مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم اندراج آن آزاد است. اشتراک توسط خزانه دولتی بتصور نقدی یا از همه جا قبلا دریافت میشود.

نگارنده: برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل | شنبه (۱۴) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۹) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۱)

مدار چشم مروت ز روزگار ضعیف

منقول از نوایح گرمه عصر فرخ نهاد «فرهاد» از هرات

بدهر اهل هنرزان سبب بفریاد است
که چشم اهل زمان یکقلم به ایراد است

مطیع شرع شوی میکنند جهل یا
ملامتی چو شوی گویدت که بدزاد است

اگر زخوف حوادث دلت بود آزاد
بگویدت که دلت سنگ بلکه فولاد است

اگر ز بیم مصائب شکسته دل گردی
بغیبتت همه گویند بزدل افتاد است

هزار خدمت و احسان اگر کنی بکسی
بوهم ذره قصوری تمام برباد است

اگر حلیم شوی از تو قطع بیم کنند
اگر شدید شوی گویدت که شداد است

سیاست ار نکنی از فسوس میگویند
بنای حکم درین عصر سست بنیاد است

اگر حدود سیاسات را کنی جاری
فغان کنند که یارب چه ظلم و بیداد است

مدار چشم مروت ز روزگار ضعیف
که شخص منصف و حق بین بدهر کم زاد است

مطلع در رنگ نمودن اشرار سمت جنوبی از چپاول اغواختن و یغماگری

(۱۱) سنبله — محرر موقر ادارهٔ حقیقت را از محاذ جنگ مطلع می نماید که بعدازان مصادمهٔ اشرار که فی مابین بکار ریز درویش و کلنگار بوقوع پیوست بتوجه سردار شاه ولیخان نائب سالار و از حسن مساعی آقای غلام نبی خان معین و محمد غوث خان غند مشر کامیابانه در دفعهٔ بغات کوشیده شد تا اینکه آنها مجبور بفرار شده عساکر افغانیه به تعاقب اوشان پرداخته و در ضمن شکست نیز از آنها تلفات شدیدی را وارد نموده تا زمانیکه از تعاقب خان بدست گردیده که جمعیت خان کاملاً سراسیمه و پراگنده و پریشان نظر رسید یک یک تن دو دو نفر خود را پنهان ساختند

بعدازان مصادمه فرار بدکردار از مقابله و مجادله دوده دانیدن لشکریان بلفانه مانده و کوفته و حواس باخته شده اند که بعدازان روزی الآن هیچ نام دزدی دوباره و چپاول و یغماگری اشرار را درین اطراف و نواحی نشنیده ایم و خبری را که قابل اندراج اخبار حقیقت شان باشد و ناظرین آن بدان اظهار دلچسپی داشته باشند بدست داریم

زمزمهٔ مصالحه

بعد از نمرهٔ (۱۰) خویش ذکر مصالحه جوئی بغاة سمت جنوبی را با حکومت متبوعهٔ خویش با نظریات خود و عدم موافقات آن جماعات به عهد مواثیق کلمات خود قلم بند نموده ایم و ناظرین محترم را بیوفائی و منافقت آنها اطلاع داده ایم

یک عده از عائله و اعزه و صاحب رسوخ از طوائف نیز و منصبدار بزرگ عسکری و از صاحبان اختیار حکومت افغانی ماهر روز حاضر شده در زمینهٔ مصالحت و توبه نمودن و تسهیلات می خواهند و از طرف حکومت معامله بالمقابله بوده است گویا تا هنوز گفت و شنید جاری است و بنتیجه واصل نشده

اعدام چهار تن از دزدان مشهور

(۱) غیاث الدین ولد قطب الدین (۲) امیر گل ولد ... (۳) احمد نور ولد صفدر (۴) خیرالله ولد محمد غنی که ... آن قوم تاجک ساکن بکاره منطقه ... نهایت شریر است به اتفاق چهار نفر مذکوره دزدان مشهور اندو در برده اموال و دزدی اتقال و نهب سرقه نقدی و جنسی اول جائز بوده خلق الله را سراسیمه و پریشان می نمودند درین اواخر در اطراف میدان راهزنی و قطاع الطریقی پیشهٔ خود نموده بودند تا اینکه چندی اموال نقدی و جنسی نعل ... نورگل غلام محمد ولد محمد زمان ... مساوی ... چهار ... هفتصد و یکروپیه دو دوهن ... بسبب بردند ... چون اشرار مذکور را می شناختند این مسئله را بقاضی ... گروه ... میدان بردند و بر اثبات این مدعا خود اقارب شهود ... خرعاه و اسارق قرار داده فلاذا محکمهٔ شرعیهٔ حکومتی میدان ... پیشگان نیز بود را بولایت کابل ارسال شده والی ... نیز در تحقیقات سری و علنی که درین مواد فرمودند ... مذکور را بدتر از آنچه گفته می شد و نوشته بود ند ... اصل واقعه را با تحقیقات سری و علنی خویش ... محکمهٔ ابتدائیهٔ شرعیهٔ میدان مسجل خط عموم اهالی ... حکومتی میدان شده بود محکمهٔ مرافعه فرستاده ... مرافعهٔ کابل نیز بعد از تحقیق و تدقیق حکم بصحت فیصله ... نزد ... جمعیت علیهٔ ... وزارت عدلیه ...

اسمال سنه حضرت معظم ملیت نیز (کثرالله امثاله الکرام) چون شرعاً وعقلاً وعرفاً آن هر چهار نفر را سارق و مجرم و شرارت پیشه مشهور و بدعمل معروف نگریسته فیصله جات محاکم عدلیهٔ کثیرها و رست و سجل خط عموم اهالی را ملاحظه کردند آنها نیز بهمان فیصلهٔ شرعیه و سجل خط عمومی آن هر چهار نفر را که کشته شوند بمقتضای غرای شان توشیح نموده در نتیجه بهمان اقرار بدار سیاست پادشاهی درین روزها بالاشده بهلاک رسیدند

یک شد دو شد!!

مخالفت علیه اشرار جنوبی یا عبدالکریم فراری

ابلاغ ما تراحیث نیشم! و دیگر اکه نفر عوض رفتن خود امیر سازیم!

گفته شود و افواه است که کدام کلان شونده منگلی (؟)

برخلاف اقدامات و تشبثات موجودهٔ عبدالکریم فراری اجراات مینماید و خیال حکمرانی جنوبی را بدماغ خود بر علیه خیالات فراری مذکور پرورانیده جداً به مخالفت و پافشاری و دعاوه کرده میگوید:—

درصورتیکه متحمل تلفات جانی و مالی و مسوده بنای دنیوی و اخروی در بغاوت موجوده سمت جنوبی بمقابل حکومت افغانی ما اقوام و طوایف منگل و جدران و احمدزی باشیم پس بکدام خیال خام تو میخواهی که زمام امور و عوام ما را گرفته بر ما فرمانفرمائی نمائی و کدام فائده را که ما در برانگیختن خون و برباد نمودن مال و ناموس و هستی خویش حاصل نمائیم آنرا تو بخود عاید نمائی آیا اموال تاراجی و غنایم آورده گی ما را از آن خود پنداری بی! ابلاغ ما تراحیث نیشم و نه برای مفاد تو کاری میکنیم. ما اگر در مقاصد خود کامیاب شویم هیچ فوائد آن از آن خود ماست وبس!

عبدالکریم فراری عروسی میکند

عیش و نعم بطیع کسی که [illegible] نمیشت. نبوده بار و در گرانی دست

لطیفه

میگویند که عبدالکریم فراری از مفارقت معشوقه های طناز و محبوبه های سراپا عشوه و ناز بنا رس بجان رسیده و بیشتر از این نتوانسته که تاب غربت و مجردی را بیاورد لهذا برای چند تن از اعزه منگلی و جدرانی و دیگر اقوام جنوبی پیام فرستاده است که:— برای خدا! شما یکه جهت دنیا دین خود را برباد داده اید بیائید! با این احیای سنت رسول الله که کدام دو دختر با بهره ی خود تا نزاد و حبالهٔ نکاح در آرید. ثواب دین و دنیا را حاصل کنید و مرا بیشتر ازین در بی درمان مجردی شفا دهید.

عبدالکریم خان مزبور میگوید که من کاملاً به مقررات قرآنی کار میکنم و درین چند روز زود خود در خاک جنوبی کمتر از چهار دختر را بیکبار نکاح نمیکنم؛ زیرا که من در عدالت نسوان امتحان داده ام و مقابله بیشتر از چهار زن کرات و مرات کامیاب آمده ام. و دیگر اوامر و نواهی شرعیهٔ ما که فرامین سمو و عموم جلیلهٔ عنهم با مضمون آنها موافق با احکامات شرعی می انجامد:— ـــ

لا تقربوا الصلاة [illegible] در مسجد [illegible] و امروزی کلوا [illegible] و اشربوا [illegible]

انگلیس مجلا و مرا اظهارات تاسف گرفتاری عبدالکریم بیگم

[illegible] مربوطان سرحدی [illegible] انگلیس [illegible] خوش نگار که در صوبه سرحد شمال غربی هندوستان اعلانات متعلقه [illegible] سرحدی انتشار و توزیع شده در آن اعلان عیناً همان مضمون [illegible] متعلقهٔ عبدالکریم تعهد نموده بود [illegible] [illegible] [illegible] مذکور را در خاک جنوبی و [illegible] سواد [illegible] سرحدی [illegible] جنوبی [illegible]

حقیقت:— بادارهٔ [illegible] اعلانات [illegible] با سابقهٔ موقف [illegible] حکومت [illegible] [illegible] وقت [illegible] احوال گرفتاری [illegible]

[illegible]

رجم گشتن و سنگسار شدن یکی از اتباع غلام احمد قادیانی

چندی قبل گرفتار شده بود یک نفر ملا نعمت الله قادیانی که از خلاف عقائد
اسلامیه و مقررات شرعیه غرا احمدیه بجانب مذهب حنفیه با علم علمای کرام
اظهارات مینمود و مردم را بسوی اتباع عقاید باطله قادیانیه خویش دعوت
می نمود . قرار فیصله علمای اعلام و فضلای کرام محکمه شرعیه ابتدائیه
و جزاء مرافعه مرکزی کابل و هیئت عالیه تمیز وزارت جلیله عدلیه
سنگسار گردید . در موقع رجم گشتن آن شخص روزگار بکردار که یک مجمع عظیم
و جمعیت کثیرالعده از صنف ملکی و عسکری موجود بود این بدبخت
تا دم آخرین از آن مرتد شده آواده گوئی با خویش کرده دست باز نیا
و دیگر چیزی خاطر نمیکرد حیات که آن معقول بود آخر نمیشود لکن این یک آئین
بزرگ را بر اقرار با اطلاع خویش بساده بود تا همین طرز کتاب مقدس
باشد در طرف چند نامه بطبق اوامر دینیه و قواعد شرعیه مذکوره
با آن حکم گردید که رجم گردید و در ضمن موجود میرزا و سوطرفی یک مجمع
از سنگ برای انقلیل با وقت ماده در ذیل صورت آن فیصله شرعیه
که در محاکم عدلیه خاتمه سنگسار شدن مرتد مذکور اصدار یافته
و هیئت عالیه تمیز وزارت عدلیه نیز آن فیصله را تصدیق کرده
آن نعمت الله مذکور بحکم عبارات گرفته شد بهیئت عینا نقل میشود .

تسوید فیصله محاکم عدلیه وزارت :

تاریخ ۲ اسد ۱۳۰۳
مطابق ۹ محرم الحرام ۱۳۴۳

حاضر آمده بمحکمه شرعیه ابتدائیه کابل اقرار ساکن قاضی کوتوالی کابل
قریبا اسم و نسب خود را ملا نعمت الله ولد میرزا ساکن
ده خدا حنفی شیخ بودم بعد از اتباع میرزا غلام احمد قادیانی گرویده
مذکور رسید شد . با اینکه معتقد خود از مذهب حنفی غریب میگفت
اقرار نمود که میرزا غلام احمد مذکور مسیح موعود و مجدد و مهدی موعود و نبی
ظلی است و حضرت عیسی روح الله علی نبینا و علیه الصلوة والسلام
بصورت جسمانی زنده نمانده در نزول ثانی او در جهان بصورت جسمانی
حق غیرت وی نمیتوان معتقد آنانیکه معتقد است که میرزا غلام
احمد قادیانی) و کتابهائی که او در حق است و خود من نیز بهمان
معتقدات مذکوره میرزا کتاب را در حق میدانم و میرزا غلام احمد
مذکور اگرچه نبی حقی نیست بلکه جدید نیست اما نبی ظلی یعنی تا

فی الرسول است و وحی برای او بلا واسطه جبرئیل علیه السلام نازل شده
الهام را از اسباب علم میدانم چنانچه این اقرار ملا نعمت الله مذکور
شد که نعمت الله از اتباع غلام احمد قادیانی است اگرچه کفر واضح
و بدعت میرزا غلام احمد مذکور ابتدائیه و محکمه مرافعه مرکزی
اوکه کتابهای عربی و فارسی دارد و تالیف کرده مملو از کلماتیست که خلاف
کفر است . الا همین کلماتی ذکر بزبان خود اقرار و قول
و نیز بقرار محکمه مذهب امام ابو حنیفه نعمان رحمة الله علیه و قواعد عقائد
سنت و جماعت ملا نعمت الله مذکور . ظاهر الفاظ و ادله
داشتن او بحقیقت کتابهای مذکور کافر و نسبت نبوت او در بعضی
دیگر گفته میشود چنانچه خود مذکور نیز اقرار بدعوت خود کرده
مذکور بقرار اصول مذهب ابو حنیفه کافر است چنانچه قبل ازین در وقت
حضرت امیر سعید شهید بر کفر عبدالاطیف تابع قادیانی
مذکور نیز بهمین حکم از طرف علما موقت شده و اجرا از قتل
بود لهذا قرار آن مسقط قتل او نمیشود .

امضاء آغا مرافعه مرکزی ولایت کابل اینکه چون فیصله
قاعده بندر قوماندانی محکمه شرعیه مرافعه فرستاده
خود نعمت الله مذکور نیز به محکمه هذا حاضر گشته بیان
بمندرجه فوق اقرار نموده و علاوه بر آن اقرار نمود
علما عقائد اهل سنت و جماعت را که مسئله نزول عیسی
روح الله بصورت جسمانی گفته اند تبار او را جواز خود نمیدانند
مسئله خطی میدانم کسانیکه از اهل تفاسیر بر طرف
برفع عیسی روح الله علی نبینا و علیه الصلوة والسلام
معتقدانه و قول کرده اند مخطی میدانم .
فلهذا این خادم شرع شریف حکم فیصله مذکور
صحیح دانسته امضاء بصحت آن کردیم فقط تحریر فقط
دو شنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۴۳ مطابق
اسد ۱۳۰۳ هجری شمسی

فیصله مذکور در هیئت عالیه تمیز به ملاحظه
رسیده علم آور سپه شد فیصله مذکوره با اصول دین
شرعیه مطابق حق است نعمت الله مذکور
غفر رجم و سنگسار کرده شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 39 of 524

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و دیگر مقالات در [illegible] منتظماً ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره ما از جریده در ادراج و اصلاح و عدم اعتبار آن [illegible] حق اشتراک [illegible] خرج پستی و تصور [illegible] همه جا قبلاً دریافت میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

فهرست اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی: ۶ ماهه	قیمت بروپیه کابلی: سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

[illegible] ارشاد و علماء و طلبه [illegible] برای نگارنده [illegible] باجرا [illegible] و شرقی [illegible] بعنوان [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول | کابل دوشنبه (۱۹) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۸) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۲)

حسیات عموم ملت افغانی نسبت بغاوت موجوده سمت جنوبی

بقسمیکه شما ناظرین مشاهده و در کتب مطالعه کرده [illegible] شجاعت شریعت پرور [illegible] ترقی خواه و وطن پرست [illegible] و دختران با جرئت [illegible] که خطری [illegible] حصه [illegible] حیات ملت و استقلال دولت و ترقیات مملکت وارد [illegible] از هر طرف گرد هم آمده برای مبارزه و مقابله آن خطر کوچک [illegible] اهمیت نسبت بدولت ندارد عموم ملت را باتفاق و [illegible] دعوت کرده باندازه با فداکاری و استقامت را بخرج [illegible] که خطر را رفع و مقصود مقدس اصلی خود را که عبارت از حفظ [illegible] عزت سیاسی و استقلال وطن عزیز است - [illegible] شاید موفقیت را در آغوش گرفتند. چنانچه همه شنیده [illegible] بلکه [illegible] صاحب عزم کامل و شخص مجرب عاقل و رجال [illegible] دولت و ملت افغانستان در عین [illegible] و آشتی [illegible] ملاحظه مخاطرات [illegible] نموده [illegible] اوقات [illegible] جمع آوری [illegible] جوانان [illegible]

عظیم که [illegible] بر روز [illegible] و ترقی [illegible] نموده صورت فتنه های عظیم و نتایج وخیم میگردد. و علاوه بران اگر اندکی از [illegible] تعرض [illegible] دشمنان خویش [illegible] نظر نماید. لامحاله دشمنان [illegible] مراتب [illegible] نموده بهر ذریعه ممکنه که توانند ضعف و خرابی رقیب خویش بکوشند! [illegible] ملت [illegible] وطن دوست ملت خواه ترقی پرور [illegible] بدست آورده استقلال و حفظ [illegible] استقلال [illegible] خود [illegible] خداکار [illegible] بهر ذریعه که توانند [illegible] مقصود اصلی نائل شوند. فروگذاشت نمیکنند. مثلاً امروز برادران عزیز [illegible] خشمناک [illegible] سلسله اسارت [illegible] مملکت [illegible] ذرایع ممکنه را در آن مورد استعمال [illegible] ای ملت افغان [illegible]

شرح اشتراک

		قیمت بروپیه
داخل کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
خارجی	۸	۱۵
دول اروپا و سفرا	۱۱	۲۰

شرایط

این اخبار ... درج ... و مقالات ... و اصلاح ... اشتراک بتوسط ...

حقیقت

۱۳۰۷

... چهارشنبه ... ۱۳۰۷ ش مطابق ۲ رمضان ۱۳۴۷ ... شماره ...

داد از غفلت ما آه ز کوتاهی ما

موج گمراهی ما رهزن آگاهی ما — مرگ ما دانی ما خواب سحرگاهی ما

کار از دست شد و دست بکاری نگشاد — داد از غفلت ما آه ز کوتاهی ما

پیش ما سوختگان زندگی و مرگ یکی است — غوطه در چشمه آتش بخورد ماهی ما

کمر ما ... راه — خط پیشانی ما سرخط گمراهی ما

غیرت ... گوهر ... — زهره آب شد از نعره اللهی ما

افسر خسروی ما ز کلاه نمد است — مسند فقر بود تخت شهنشاهی ما

نظم از ... ناظم تخلص چه ضرور

بان که از دیده رود ... ز دل آهی ما

مجلس مکافات و مجازات سمت جنوبی

در وزارت حربیه

دریکی از شماره های سبق خود از مسمعها که بنام شد ذکر انعقاد مجلس مکافات و مجازات سمت جنوبی به نهایت اختصار قلمبند داشته بودیم که متأسفانه از غرابی تحریر و عدم اختصار اطلاعات آن مکمل که بایستی ناظرین محترم او را خوانده خواهند بود مکرر بیان خبر انعقاد آن مجلس عالی را که از چندی بنظر بصدارت حضرت معظم نائب السلطنه در وزارت حربیه میگردد دوران برطرفات وجدیکه مساعی و مساعدت آن شخصانیکه در اطفای این غائله ابراز صداقت و خدمت نموده اند تقدیر و تحسین نموده و نتیجه برآن اقدام وافراد که مظهر اجراآت خارق العاده شده باشند مکافات و بآن افراد سرایا فسادی که بمدد تحریکات شعله افروزی این آتش جهالت با اذکار این نائره بغاوت شده اند علی حسب مراتبهم مجازات تعیین میشود.

اجراآت این محفل معظم تا بحال صورت تخنیکی دارد جریده حقیقت میخواهد که ناظرین محترم خود را ازعملیات آن مجالس عالیه را تحقیق سازد الیتان مسئله را که بالتحقیق از آن اطلاع داریم بهم ما سائر روساء تنظیمیه و قوماندانهای نظامیه افغانیه که در منطقه باغیه اطراف و جوانب و شعبه های آن مقرر بوده خدمات و اجراآت نموده اند نتایج خدمات شانرا که مشتمل بر اسماء اشخاص حاکم و تحصیل خدمات شان است با اسمای بعضی افراد نائل اجمال خدمات آنها ترتیب نموده هر روز که حاضر مجلس میشوند و پس از آنجا یکه ملاحظه و اوراق خاتمه این مجلس عبارت از دو ورقه است که مضمون آن ذیل است : ـ

(۱) اعلیحضرت معظم ... [illegible]

(۲) ع، ج معظم محمد سلیمان وزیر حربیه.

(۳) ع، ج مکرم عبدالعزیز خان ... [illegible]

(۴) ع، ج محترم نادر احمد خان رئیس ... [illegible]

(۵) ع، ج محترم غلام محمد خان وزیر ... [illegible]

(۶) ع، ج محترم محمود ... جنرال ... موتی کابل

(۷) ع، ج محترم شاه ولیخان ... [illegible]

(۸) ع، عبدالاحد خان رئیس تنظیمیه وردک

(۹) ع، س عبداللطیف خان معین حربیه

(۱۰) ع، ع، ش غلام نبی خان حاکم ... [illegible]

(۱۱) ع، ع، ش عبدالوکیل خان نائب سالار

(۱۲) ع، ع، ش محمد عمر خان نائب سالار

(۱۳) ع، ع، ش محمد نعیم خان نائب سالار

(۱۴) ع، ش محمد عمر خان فرقه مشر

(۱۵) ع، ش نیک محمد خان « «

(۱۶) ع، س شیر احمد خان « «

(۱۷) ع محمد گل خان ... [illegible]

(۱۸) ع محمد غوث خان ... عسکری ... [illegible]

بعد تحریر این مجلس عبارت از بهادوات محترم که خوانندگان را لیورت وارده سمت جنوبی ... مرکزی ... وجهه آنها چه در وزارت و چه تحقیقات ... موکول بوده است.

اعضای مجلس محترم موصوف قرار فوق میباشد لکن ... تحقیق کرده میشود که علاوه بر حضرت معظم له الا دیگر ذوات عالیه نیز درین شامل و ... خواهند بود!

در آتیه اگر موفق شدیم دوم دست داد بعداز انحلال این مجلس کوائف اجمالی آنرا جهت استحضار ناظرین کرام خویش نشر و تحفه خواهیم نمود.!

...یت فروتن شاه و ملانمایان باهم دیانت خیانتهایکه میکنند

درزمان محمد علی پاشا کبیر (مرسلسله سلاطین
مصر) در شهر (منهور) مصر زنی مدعی گردید که شیخی
... او جا گرفته و معجزات زیادے ازو بظهور میرسد
... که باعث ترویج تدلیسات او گردید این بود
... از اهل شکم و مدون واسطه علق و زبان
... بطور ے این آوازه سکش به خارج منکس گردید
... آنرا از ماوراء ماده تصور میکردند .
مندرجات صیت معجزاتش در منهور منتشر و غوغا
... اطراف او را گرفته و حلقه ارادتش را آویزه
... کردند .
... بیکه جد بعد اتش در اهالی منهور خوب کارگر شد
... دایره اش وسعت پیدا نموده و به قصد مسافرت
... بات تخت مصر افتاد .
چون دران اثناء محمد علی پادشاه با انگلیس جنگ
... وقشون زیادے براے فرستادن به محاذ
... در کار بود موجود بود . تدلیسات آن زن شیاد
... در میان لفافه‌هاے ساده لوح ترویج یافت
... زیادی پیرو معتقد او گشته و باین واسطه نفوذی
... در میان لشکر هم رسانید . نفوذ او منحصر در افراد
... لشکریان نبود بلکه بصاحب منصب ها عالی و ما مورین
... نیز سرایت کرده و بدرجه کار آن زن بالا
... که کسے قدرت نداشت که از کرامات
... بخشش منکر شود . و مخصوصاً که عده
... ازپیروانش مدعی بودند که صداے شیخ را
... شب بگوش خود شنیده و دست مبارکش !!!
... بوسیده اند .
... خلاصه این فتنه روز بروز وسعت پیدا کرده
... بروز بعده اتباع و پیروانش مے افزود

تا آنکه بالآخره قضیه بگوش محمد علی پاشا رسید .
پاشاے مزبور از شنیدن این قضیه
متوحش گردید و ترسید که مبادا در یک چنین
موقع باریک (جنگ با انگلیس) کسے از نفوذ او
استفاده کرده و فتنهٔ بزرگی در مملکت ایجاد شود که
تمام بافتهاے او را پنبه کند . لذا بفکر چاره
افتاده و تصمیم گرفت که ابتداء شخصا او را ملاقات
کرده و تزویر اتش را براے العین مشاهده
نماید .
براے اجرای این مقصد بدار الحکومه ۴ نفر از شیخ
دانشمند را با وعدهٔ پول زیادے تطمیع کرده او را به
دار الحکومه بیاورند . اشخاص مزبور به ملاقاتش رفته
و چون خواستند که او را با خود بحضور والی برند جمعیت
زیادی که اطرافش را گرفته بودند مانع از انجام ماموریت
آنها شده و لذا مایوسانه و بدون حصول نتیجه مراجعت
کردند .
این پیش آمد یک زمینه دیگری براے تبلیغ بدست مرید
هایش داد و زیرا اشاعه میدادند که والی خواست قبر او را
بدار الحکومه جلب نماید ولی شیخ (جنی) جلوگیری نموده
این را دلیل تفوق و مظفریت شیخ بر والی قرار میدادند .
این شاعات بی اندازه بر وحشت افزوده و کار شان
را بجائی رسانید که مکرراً تبرز بی برکت و تمهین او را ابسی مسوا
کرده و در میان چندین هزار جمعیت با سلام و صلوات در
خیابانهاے قاهره عبورش میدادند .
محمد علی پاشا مستنکی حال را بدین منوال دید شخصا ...
کرده بر قوماندان کوتوالی احکام اصدار نمود که حتما او را
بدار الحکومه احضار نماید . قوماندان کوتوالی همان روز نفرانی
غوث مذکور را بدار الحکومه آورده و بصورتیکه چندین هزار جمعیت در
همراه او آمده که به شنیدند ... کارش با قوماندان ... والی بچه ... کشید

محمد علی در سایه درختی نشسته سیگار میکشید که ناگاه شیخ
خود را در زیر درخت دید ... با جمعیت زیادی در روی دید
پس در تعاقب شیخ محمد علی باز داد و گفت برگشته نزد
سید میخواهم که قدری با شیخ گردش کرده در سر این زنگ شیخ
بگویند او در جواب گفت این امر در وقت شب ممکن
نیست .

زیرا شیخ برای ادای نماز مغرب به مسجد سیدنا الحسین
که مسجد بزرگی است در مصر رفت و بعد از ادای نماز عشا حتما بجا
خواهد بود . پس از شنیدن این حرف پاشا برای صرف
شام باندرون رفته و شیخ را با جمعی از متفضلین در یکی از اطاقها
بیرون عمارت توقف کردند .

و همینکه وقت موعود فرا رسید پاشا مراجعت کرده
و به شیخ تشریف آورده گفت آری . پاشا بر حسب تقاضا
شیخ فرمان داد که چراغها را خاموش کنند . ولی مخفیانه شیخ
یکی خود چراغ یدی دوکه بر اشارهٔ مخصوص چراغهای دیگر
را روشن نمایند . همینکه چراغها خاموش شد و پاشا نشست
گفت بر شدت رد و جوابش و شیخ فوری صدا از پاشا کرد
بلافاصله یک آواز که گویا از اعماق زمین بیرون می آید
در جوابش شنیده شد و آنا فانا در جواب پیجو القاب پاشا
این آواز در اوج تر و جلی تری شد .

و گاه گاهی طوری می نمود که گویا صدا از کانون گوش پیر
از حضار آهسته چیزی میگوید .

از این امر یک لرزه وار تعاشی بر حضار مستولی
گردید که فزونی بر آن منصور و حیرت پس پاشا با وجود این
معجزات با محمد علی اظهار داشت که بولایت شیخ اعتقاد آورده
و خواهد که دست مبارکش را ببوسد .

شیخ سر انگشتان دستش را بدست داده و ولی محمد علی قانع
نشده و درخواست نمود که دستش را کاملا بدستش بدهد .
همینکه تمام سر دستش بدست محمد علی رسید سخت آن را گرفته
و بر حسب دستور سابق اشارهٔ مخصوص بیاوردن چراغ
نموده یک دفعه تمام اطاق مانند روز روشن گردید و حضار

دیدند که محمد علی دست شیخ را سخت گرفته ... محکوما بر
زود یافتند .

شیخ همینکه بدستش بازشده خود را مربوط
محمد علی انداخت و طلب عفو و اغماض نمود . ولی
ساده لوح باز ملتفت حقه بازی او نشده و تصور کرد
پاشا نسبت بشیخ بی احترامی کرده لهذا فریاد و
جمعیت بلند گردید . پاشا یک مرتبه فریاد زد که
احمق فریبک چنین دروغ ظاهر را انکار نمود
سپس نوکری را با حضورش امر داد که
رود نیل غرق نمایند و چنین دریای بزرگ و مصر
مصر بمردم به مجرد شنیدن اسم غرق محمد
به هیجان آمده و نزدیک بود که فتنه بزرگی بر پا شود
ولی محمد علی پاشا با یک ثبات و قوت
خصایص نوابغ و اشخاص بزرگ است و
رو کرده و گفت . شورش و هیجان
این مسئله از دو صورت خارج نیست
زن و اطفال و اولاد شیخ و مرشد ... هست و از
از غرق و هلاکت نجات خواهد داد . و
و کتاب مبتذل این اعمال ...
مردم حرف ... و قصد ... کرده منتظر شد
شیخ چه خواهد کرد و ... فرمان پاشا را اجابت
داد و در نیل انداختند ... سیلاب ...
جلوگیری ... مرید ... تا مدت
منتظر بودند که شخص او را نجات داده
مشغول از ... مردم شود
ت . هر گاه محمد علی پاشا از ... فتنه
کشف حقه بازی او اکتفا کرده و از قتل
میکرد . و ... او حمی دانست که عوام
ظاهر بینند که اگر صد مرتبه حقه بازی او
در نتیجه یک شیاد دیگر ... او گرویدند
تازه ایجاد خواهد کرد . محمد علی ...

قواعد عمومی و ضوابط

این اخبار فعلاً در یک ماه شش بار مطبوع و در کابل ... شود و دیگر مقامات در هر یک شماره ...

... امور تحریریه ... حقیقت ...

... مقالات واصله در اداره با ... تحریر ...

... اندراج و اصلاح مقالات ... از اداره ...

... توسط ... قبول ...

... قیمت آن قبل از ... داده ...

میشود — (نگارنده)

برهان الدین کشککی

تفصیل مقامات	شش ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزراء و ...	۱۱	۲۰

... از سادات و علماء و طلبه ...

... مکاتب و ... کتب ...

... و اجزاء ... و شرق ...

... اندر ...

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل شنبه ۲۹ حمل ۱۳۰۴ ش مطابق ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۴۳ ق شماره (۱۰۵)

سیاست انگلستان در مشرقستان

(ترجمه از سرمقاله جریده رسمی «حاکمیت ملیه» منطبعه انقره)

در دوره شهنشاهان سابق عثمانی، دول سیاستمدار و تجارت پیشه انگلیس در مقابل ترکیه بازی میکرد، عبارت بود از دو سیاست ... انگلیس ... درو ... آن همیشه بودند: ... ارامنه، روسها، عربها، البانیها و غیره؛ در هر موقعیکه سیاست شان مقتضی میبود، هر یکی ازین عوامل ... اغتشاش و تشویش ... و لی ... مقصود ... آنها ... قرار میدادند مگر بعد از انقلاب ... و تبدیل ... خلافت (؟) با ... انگلیز با قوم ... کرد در اطراف موصل ... و اکنون در صحراء ... گمنامی ... حیات مینمودند، اکنون آلهٔ اعمال و اغراض سیاسی ... در مقابل جمهوریت جوان و مقتدر ترکیه ... قرار داده ... و میدان ... کشیدند چنانچه در مسئله موصل ... مقاصد ... مراجعت ... تجاوز ... آیا این نسطوریها کیستند؟ در کجا اقامت دارند؟ عده و شمار آنها چقدر است؟ — خلاصه ...

... عمومی اروپا و امریکا ... در مسائل ... آنها ... نسطوریها ... (۵) هزار نفر ... رسید. بلی! آنها ... نسطور ... عبارت است از یک طائفه ... طرز بربریت قدیم زندگی میکنند. فقط ... بودن نسطوریها ... عمومی ... قبول و ... آنها ... اصل ... در حق آنها ... کافی نیست؟ ... برای حفظ حقوق نسطوریها ... آزادی و استقلال ... در مقابل ترکها ... آنها ... دولت ... انگلستان ... در ... دوست ... مظلوم ... انگلیزها ... نسطوریها ... عالم ... جبال ... انگلستان ... روسیه ... ولغت ... ارامنه ... واعراف ...

حتی سیاسیون انگلیز این شیوهٔ حیله آمیز و [illegible]
[illegible] که تابع خودشان هم هستند از [illegible]
[illegible] احساس با همین طریقه قباحت و [illegible] کذب و
[illegible] می نمایند چنانچه می بینیم در عین آنکه [illegible] با شمالی
[illegible] نفاق و فساد را پاشیده اند و این دو دسته هموطن
را با هم دشمن و بدخواه نموده اند که هر روزه اخبار خونریزی
[illegible] خودشان گوش زد عالمیان میشود.
حالا هم قدری عطف نظر به هندوستان کنیم. این هندو و مسلمان
هند که چندی قبل می شنیدیم چگونه با هم دوست و متحد شده اند؟
اکنون نگاه کنید در نتیجه همین سیاست حیله و فساد سیاسیون انگریز
[illegible] و عداوتی که میان این دو دسته خود پاشیده اند، چه مرکز
[illegible] خونریزی [illegible] گشته که اتصال بین آنها واقع می شود و بالاخره هم
[illegible] واقع الیوم این قطعه وسیع هند میدان خون و آتش [illegible] - ولی
[illegible] حکام انگریز و پولیس انگریز و [illegible] منفعت انگریز [illegible]
این همه [illegible] در هندوستان حتی [illegible] تدبیری را هم اتخاذ
نموده با کمال خونسردی ظاهر و [illegible] باطنی به حال آنها گرفتار
[illegible] دست [illegible] بطور تماشا نگاه می کنند
فقط در [illegible] آن [illegible] ان اکابر هندو و مسلمان
[illegible] و خواندن کتابهای مذهبی [illegible]
دیگر [illegible] و شوکت [illegible] سیاه روزگار [illegible]
سیاست، تا شاید جلوگیری خونریزی آنها [illegible]
آقای لارد ریدنگ والی جدید [illegible]
[illegible] و سادگی آنها در [illegible] خویش بطور [illegible]
[illegible]

آری این جلیل [illegible] حکومت [illegible]
انگلستان است که به هر وسیله از وسایل، به وسیله
[illegible] به وسیلهٔ طیارات، به وسیلهٔ تبلیغات، به وسیلهٔ
[illegible] و دشمنی از زمان. به وسیلهٔ [illegible] نمودن
[illegible] به وسیلهٔ [illegible]
به وسیلهٔ توپهای مدهش برای تخویف

[illegible] استقلال [illegible]

خودش روز روشن شب تار است ولس! او با چنین
دولت است که بدون هیچ گونه علاقهٔ مادی و معنوی
در عراق بمقابل دولت جمهوریه ترکیه ما از حقوق
عربها و لستوریها مدافعه میکند.
اما این را هم باید دانست که ما ترکها نه کاذبی
و نه علی برادران هیا [illegible] حقوق خودمان
حیثیت خودمان را بیک صورت [illegible] و
مدافعه میکنیم بدون لزوم همراهی لاله یا دوایهٔ [illegible]
از ما در یعنی سیاسیون انگلیز منظر بین از حکومت
انگلستان تنها آرزومندیم که با ما درست و راست
و صاف و ساده بدون [illegible] دادن این سیاست
کهنه مندرس [illegible] حفظ حقوق [illegible]
بطور واضح آشکار دست دوستی دراز نموده
سیاست خالص [illegible] با ما پیش بگیرد!
[معاصر [illegible] منطبعهٔ مشهد
در شماره (۲۲) سال (۴) خود بعد از نقل [illegible]
فوق در ذیل چنین مینگارد. - ب. د.]
بلی! این آرزوی شما را شاید همه ملل دنیا
داشته باشند و از انگریز با همین تمنی را نمایند که از آنها
یک سیاست راست و دور از [illegible] پیش گیرند. - ولی [illegible]
در اینجاست که آیا در واقع سیاست با خلق انگلیزی هم
حاضرند که چنین خواهش را بپذیرند؟ و با دنیا بطور
ساده و بی آلایش معامله کنند؟ - بلی! اگر اینها حاضر
بودند و [illegible] از شما طالب هم
سیاست سهل و ساده و روشن بودیم! ولیکن
چنین رفتار از انگریزها بعید و بلکه [illegible]
هم حاضر باشند - او میخواهد ملل دنیا را محکوم
و مطیع خود بسازد - بازارهای عالم را بجا
تجارت خود اشتغال نماید - او چه غمی دارد
از اینکه ما فنا بشویم - و ما فقیر بشویم - ما خود مان
باید خود با [illegible] زندگانی بمقابل آنها بسازیم
[illegible]

قوانین خانوادهٔ شرقی

قواعد خانوادهٔ ویتهنگ

مملکت چاپان خانوادهٔ موجود است که محیطی و
مقام و مکنت و دولت مندترین خانواده‌های
... کامل دارد و چلده رکفلر و مورگان وغیره
... اینکه این خانواده امتیاز دارد از حیث
... ساخودگی بر تمام این خانواده‌های ثروتمند
... در امر تجارت و اعمال مالیه و اقتصاد و تجارت
... چنانچه امتیاز دارد، نیز مهم باشد که
... اش با اتحاد و ضمانت از هم دیگر از قرنی
... رئیس امروزهٔ این خانواده شخصاً مدیر
... این خانواده است بدون هیچ گونه مدعی
... باشند رئیس یک دولت و سائر اعضاء و افراد
... فرمان او معاونت می‌نمایند در کلیهٔ
... شرکه که این خانوادگیها و بحکم این خانواده
... شود، و جدا شده در رئیس امروزهٔ ...
... نسوی با شیرو بون) است و وی
... است دارای صلاحیت و خبریت در جمیع
... ای اقتصادی و مالی چیزی که اهمیت
... ها را بیمورد ساعت بر ترجمهٔ آن توافقت
... رئیس ثروت این خانواده بروی آن بنا
... است — این رقعه منامه را در قرن دو
... هاسی سابق آنها وضع نموده است
... است بر ۱۳ ماده و مرجع اول و آخر این
... باشد و احدی مقتدر بمخالفت آن
... آن نیست: —

(۱) واجب است بر افراد خانواده که
... نند با همدیگر بروح راستی و محبت، و هنوز
... ا مخالفت با همدیگر که آنکلام مستی عایله
... باشند.

(۲) برکثرت عدد عایله هاسی منسوبه بخانوادهٔ
منسوی بیفزایند چه اینکه کثرت زیاد موجب تولید
اختلاف می‌شود.

(۳) صرفه جوئی برثروت مے افزاید چنانچه
اسراف موجب فقر میشود — از دومی اجتناب ور
اولی عادت بکنید.

(۴) در حالیکه ازدواج موجب فرحتی یا فاحش
اخراج میشود عمل برائے مجلس شورای خانواده بکنید
(۵) یک قسمتی از منافع بر حاصلهٔ این افراد
عائله بحسب مراتب آنها تقسیم کنید، وعلیه و بسید باین
افراد که طالب عروسی یا دامادی باشند.

(۶) بر هر فرد از افراد عائله واجب است
که از کسالت دوری کند و باندازهٔ مسئولیت خود
داخل کار باشد.

(۷) مدیت و وقت تمام در تصحیح حسابها نمایند عمل
مالیه بدون دفتر دولت درست نمیشود (۸) اقوام هیچ
در استخدام کارکنان ماهر است — و باید همیشه مستخدمین
پیر را بدل بعاطلبائے جوان نمایند (۹) در مجاری
و تجارتی باید خود را بکار مصرف نمایند بدون خاتمه دادن
و تکمیل نمودن یکی داخل عملیات دیگر نشوید (۱۰) در عضو
بر رئیس عائله بباید باشد که لیاقت ریاست را نداشته باشد لازم است
اعضائے درجه دوم او را تنبیه و یا و کمک بدهند (۱۱) امانت
با فداکاری و ثبات و عزم لازم ترین خصایلی است در تجارت
و فدا یک مبلغی کم امروز بهتر از آن است که گرفتار خسارات
عظیم فردا بشوید (۱۲) اگر در خانواده یک فرد مغشوشی
پیدا بشود بر تمام اعضائے عایله لازم است اول در اصلاح او
بکوشند و اگر نشد با مر مجلس شورای خانواده او را از خانواده خود
طرد نمایند (۱۳) و شمای اعضائے خانواده منسوبه شده را بعد در
زمین با ... دارای آثار ... [illegible]
احترام و خبرت داشته باشید [illegible]
بدون توقف [illegible]

شکایت از جهالت!

(معاصر عذب البیان با طلوع افغان قندهار)

بعد از نقل داشتن مکتوب محمود بیگ نفر از شرکای جریدهٔ

اتحاد که سابق برآن عضو محکمهٔ اصلاحیه بوده و بالفعل

منفک و مشغول خواهش انسداد اخبار شان را داده و

بواسطهٔ موقوفی خود شان از ملازمت و متعاقباً بعلت

بی سوادی و ناخوانی خویش نموده است ، حقیقتی که

خاطر عزیز خوانندگان معظم خود را به این نکته

غور معطوف میداریم که احمد علی خان فوق الذکر یکی

از اعضای محکمهٔ شهر غزنین بوده در مکتوبی که خودش

مهر کرده ، نوشته من ناخوان میباشم ! اکنون

وقت بفرمایند که عضو یک مجلس چون اصلاحیه که نا

خوان و بی سواد باشد چطور در کیفیت دعوی دو نفر

علم آورد که حق را از باطل و باطل را از حق تمیز کند؟

خیر اینچ نمیتواند فرق آن کند ! ولی باید حالت موجوده

بی سوادی و ناخوانی خود را بچشم عبرت نگریسته فرصت

تعلیمی خود را اگر از دست داده باشیم باری باعث باشد

اوقات عزیز تعلیم اطفال و اولاد خود با شوق و رغبت

بی علمی را بوجود خود با خاتمه داده نگذاریم این مرض

جهالت و بی سوادی با اطفال ما سرایت کند ! آیا جای

کمال افسوس نیست ؟ که ظلمت بی سوادی و بی علمی

محلات ما را چنان مظلم و تاریک نموده که تنها یک محکمه

اصلاحیه نی ! بلکه بعضی از وکلای مجلس عالی مشوره

مرکز قندهار نیز که تمام قسمت یک جامع بزرگ را

مشوره کرده بی سواد بلکه ناخوان محض اند که در حقیقت

در عقیده منکسفتی نسبت بعموم مقام عالی را دارند و

باشند نمیتوانند و در مقابل عضو مخالف خویش

رأی خود را ابراز بالمکس آن باشد ! بدلائل

و دلایل منطقیه پایهٔ ثبوت برسانند بلکه بر شکل آن چاره و حیله

مخالف خویش با اقبالی ... را استعمال کرده چاره جویی مأمول

اصلاح رضا مندانه مستحکم نمایند ... ! (طلوع افغان قندهار)

(رئیس صاحب مجلس شوری ملکی قندهار عطف توجه خود را

دیگر موضوع مبذول داشته در خاتمه این دوره موقع انتخاب

دیگر توجه داشته باشند که اشخاص بی سواد و ناخوان را

از طرف ملت نامزد و مقرر نشوند. (طلوع افغان)

تبدیل و تقرر

(ص) آقای رحیم الله خان که

امور خارجیه ایالت مزار شریف که شخص جوان

و فعال و جوان دانشمند بید ار مغز بوده

و بدوره مأموریت خدمات درست و قابل

تحسین نسبت بدولت و وطن متبوع خود از

نموده بودند ! از وزارت جلیله خارجیه نسبت

به حسن خدمات شان برتبهٔ سکرتر دوم

سفارت مختاری افغانیه در ماسکو منصوب

و عازم مأموریت خود گردیدند.

عوض شان (ص) آقای

میرزا عبد الغفور خان که جوان فعال

با لیاقت و کفایت اند و در وزارت

جلیله خارجیه بسرکاتبی شعبهٔ دول

اسلامی خدمات پسندیده نموده بودند

امور خارجیه مزار شریف معین و مصروف کار

خود شده اند.

ما از الله تعالی برای ذوات

موصوف و باقی مأمورین توفیق خدمات

شایسته را تمنا و نیاز مندیم. (بیدار مزار)

وفد هلال احمر ترکی در مشهد

(درس روزنامهٔ وقت ایران)

هلال احمر ترکیه که مستقبل اشخاص را نشر و منصوب

بعد از اوقات حاصل و با زدید نموده ایجاد و اعزام شده اند

تا به شهر مشهد برای قابل تقدیری بوده از فرستاده یا

آنجا مأمور شده اند ابن وفد مجمع انجمنی افغانی تشکر داده

---

۲ [illegible] زر اعانه را نیز جمع آوری میکنند ! (جرائد هندی)

نرخ اشتراک		
تفصیل مقامات	شش ماهه	سالانه
داخل کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزارت و شخص	۱۱	۲۰

خواهش اداره و شرایط

این اخبار تلغرافها یا خطبات و مکاتیب دیگر ... میشود و دیگر مقالات ... میگردد ... حقیقت ... و مقالات واصله در اداره ... جریده ... اشتراک ... و بصورت ... قبلا ...

میشود ... نگارنده

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

... از سادات و علما و طلبه ... اسلام ...

روز اول کابل چهارشنبه ۲ ثور ۱۳۰۴ مطابق ۲۹ رمضان ۱۳۴۳ شماره ۱۰۶

تلغراف اعلیحضرت معظم غازی بجواب تبریکات ... فتح ... جنوبی ... حضور ...

... !

الحمد لله که بمحض ... عافیت ...

... عموم شما ... دعا و ... میکنم !

... اعتماد ... مملکت ... افراز ...

... در دنیا و آخرت ... سرافراز باشید !

این خدمت ... افغانستانی که در راه خدمت ... مملکت خود و آبادی ... افغانستان ... شده اید ... رضامندی ... آن حق ... پادشاهی ... تحمل کردم !

اگرچه درین معامله ... خساره کشیدیم لکن در حقیقت ... و منفعتی ... خود ... دو ... عالم و جاهل مملکت خود را شناختیم و محسوس کردیم ... که ... عاصر کرده ... این ... بخیال ... نفسانیهای خود ... در راه جهالت ... بعضی اقوام سمت جنوبی ... خود ... دولت خود ... شده ... الطاف ... فراموش ... از طرفی و تباهی خویش ، چنانچه همه شما ...

بعضی ... شده ... خبری ... میشد ... و شنیده ام ... دیده ... شنیده ... !

... ترقیات مملکت ... بر خلاف حکومت ... دست شما ... خواهد بود .

... دشمنان ... افغانستان را ... گردانیدید !

... خداوند ... و باز ... و ... نسبت بوطن ... یقین ... جایکه اقدام نمایم او را خداوند ... کار ... !

چه جایکه در عالم ... شما ... دلیر و فدائی ... دارم .

امروز ازین خدمات شما خداوند و روح مبارک حضرت رسول الله ... و ... افغانستان ... خوشنود ... از خداوند خود ... جهال سمت جنوبی از دست شما ...

وبرباد گردیدند. بهمین قسم دشمنان داخلی وخارجی که
اعلای ترقی و تعالی مملکت افغانستان را نخواستند ذلیل
گردانیده چنانچه بدخواهان افغانستان، مانند این قوم نجس
در پیش شما خجل و شرمسار بوده سر خود را بالا کرده نمیتوانند
اگرچه یکسال میشود که شما عسکر دلیر من در سمت جنوبی
رفته تمام این موعد را بانتظار گذرانیدید! پس از آنکه لشکر
امر ادب آن جهال رسید، آفرین بشما که در ظرف
چند روز این معامله را فیصله گردید.

آری طوالت این معامله بسبب آن بود
که درین مدت من جلو شما را گرفته بودم و نمیگذاشتم
که آن بدبختان ملک را تباه گردانند چنانچه فرمان بسر
قرآن برای جناب وزیر صاحب حربیه میفرستادم
که دست خود را نگیرید، شاید که این غداران وحشی
[illegible] هرچند که بدو نشان نصیحت نمودم
و انهار الخطای شان دانانیدم، نفهمیدند و در نتیجه
دیدند از دست جهالت خویش خیر را که ندیدند!

بازوهای عسکر شما چنانکه از شما درین راه
مقدس شهید شده اند خداوند آخرت شان را
خوب داشته از دیدار خود و شفاعت رسول الله
محروم شان نگرداند. اگرچه حاجت بدین دعای
من نیست وانها اجر خود را از درگاه ایزدی یافته
اند. بعضی از شما که درین مقابلهٔ علم و جهل زخم
خورده اند خدا امیدوارم که هر یک ازان زخمها را
بدل خود قبول دارم چرا که این زخم یک داغی است
که بر مسلمان بسیار فخر می باشد سینه خود گرفته
از شرف آن در بین مسلمانان صاحب امتیاز
میگردد!

اگر در مقابل این خدمت بانکه شما درین
مقابلهٔ "علم و جهل" نموده اید، چیزی از طرف
حکومت شما احسان شود ابدا آنرا شما مقابله
خدمات خود ندانید، که آن محض یک یادگار
حمیت و شجاعت شما است و بس!

منجمله اعمال چند چیز را که حکومت بطور یادگار
این خدمت برای تان تقدیم میکند بشما بیان میکنم

مفصل آن را وزارت حربیه بشما بیان نموده
اجرا میکنند!

(۱) آن ضابطان و منصبدارانیکه خدمت
کرده اند اگرچه من آنها را خوب میشناسم
باز هم جناب وزیر صاحب حربیه در ان [illegible]
که من ریاست آنرا ایفا میکنم تصدیق [illegible]
شان را نماید مکافات داده میشوند [illegible]
دارے وخدمتیکه از شما عسکر دیده ام
خیالم یک برده یک بر صد بلند تر [illegible]
و همیشه از خداوند رجا دارم که جانفشانی [illegible]
شما عسکر از خیال روساء و یاد شاهان شما [illegible]
باشد. این خدمت مقدس را که شما [illegible]
حفظ ناموس و بهبودی وطن خود
کرده اید، مکافات آن را خداوند لطف
در دین و دنیا برای شما عطا میکند.

(۲) عساکریکه درین محاربه [illegible]
خدمت کرده باشند برای آنها از
حکومت یک یک نشان "عزت" [illegible]

(۳) هر قدر [illegible] که شما درین محاربه [illegible]
باشید اینکه وزارت حربیه قاعده [illegible]
قیمت آن است که حسب معمول از تنخواه تان
نگرداند. اما من کاملا آن را بشما بخشیدم
زیرا که مال دولت از شما ست و مال شما از [illegible]

(۴) علاوه برین جهته گرفتن [illegible]
شما فوت کرده برای اولاد و ورثهٔ شان
[illegible] تنخواه دوماهه شما
بخشش از طرف دولت برای تان عطا [illegible]

(۵) افراد دیگر از شما در خدمت عسکری [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] خوشی قبول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
(۶) [illegible] ضابطان [illegible]

[illegible] عسکر راضی باشند، برای آنها ترفیع نیز داده میشود و... بودن شما از عسکر و یا زخمی شدن شما را باور ... به هر حال منحیث هم وزارت حربیه بقرار خواهش شما ... را ادا میکنند.

(۷) من عاجز شما وعده میکنم اشخاصیکه از ... شهید شده اند، وارثان آنها، اولادهای مانند پسر ودختر ... بیان شان که برادر و پدر و ماما و کاکا وغیره اقارب ... نزدیک آنها میباشند همهٔ شان را اولاد میخوانم، ومثل ... اولاد شهیدانیکه در محاربهٔ استقلال شهید شده اند ... تعلیم و تربیهٔ آنها میکوشم و اگر دیگر وسیله داشته باشند ... اقارب شان راضی نباشند، من هم چیزی ... میکنم، و اگر خوش باشند من آنها را بفرزندی خود ... گرفته بعد از تعلیم و تربیه شان اینهم هر کدام شان یک ... کار خواهند شد، و ... برای شان (۶) ... وعده که کرده است اداره خواهد کرد.

(۸) و هم برای ورثهٔ شهدا از طرف حکومت معین ... تنخواه داده میشود تا آرام و آسوده باشند.

(۹) اشخاصیکه در راه مقدس زخم خورده و ... از کار مانده باشند ... از حکومت برده ... یا زمین یا غله برای امید ... این طور ... باشند که آنها برای ترقی و بهبودی افغانستان ... دست گرفته باشند و باز محتاج نفقه خود نمانند.

این یادگار های [illegible] حکومت شما امید ... و قبل از روی حکمی باشد، تو سط وزارت حربیه شما ... بسیار افغانستان در این نزدیکی شما داده خواهد شد، ... و وزارت حربیه یک منصب دار را مقرر ... میسازد تا در قریه های شما آمده نشانی را که از طرف ... حکومت کرام شما عطا شده تقسیم کند تا باعث عزت ... اولاد شما ... من از همین ... یادگار باشد ... زیاده از حسن و زیبائی دارد و زیارا گفته اند: ... [illegible] ... خدمات و جان فشانی را که در راه ... کرده و امید از خداوند خود ... سرفرود اسلام ... ساختن مودان او و در راه خدمت دین و وطن ...

حتمی و لازمی است، و باید همیشه شما در راه دین و وطن خود، فدا کار باشید!

حقیقتاً خدمتی را که شما دین را کرده اید قدر و تحسین نمودن من عاجز بلند تر از آرزو ... هستم چنانچه شما این بدبختان غدار را بعد از ... یک جانور حقیقی کشتن، نیز از فرزندان جاهلم کردن آنها نسبت بجاهل بودن شان بهتر بود، دست بسته بنزدم از همت و شجاعت خود آورده یاد از خداوند خواستم اینها را روی دنیا ... که بر خلاف حکومت تان استاده شوند ... گردن بسته بیاورید!

یگانه توصیهٔ من عاجز برای شما و عموم عسکر این است باید همت شما بلند باشد و در راه خدمت دین تان بسیار جدی باشید، و جانفشانی های زیاد کشیده ... شما کامیاب و سرافراز هستید. اگر بعد از سرباز خوشی حیات باشید باعث فخر و امتیاز شماست. و اگر در این راه مقدس شهید شدید البته کامیابی ... روحی هر دو جهان را حاصل میکنید، مرتبه ... که بعد از مرتبهٔ انبیا بعد از پیغمبران درجهٔ شهدا است. هر قدر روحیکه بزرگ باشد از وی ... در آخرت پرسان نمیشود مگر کسیکه در راه اسلام و دین خود کشته شود از وی سوال و جوابی نخواهد شد!

معلوم است که ما مسلمانها به هر دو جهان سرفراز و کامیاب هستیم، علاوه بر آن چون مسلمانان اعتقاد داریم که اجل با رسد مرگ نیست اذا جاء اجلهم لایستاخرون ساعة ولا یستقدمون ... بلی!

وقتیکه اجل رسد به یک لحظه پس ... نمیشود ... پیش ... اگر با ... استاده باشیم ...

[illegible] (۱)

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 51 of 524

مسلمانها تنگه ترقی کرده بودند بنابر همین معنویات پاک بود که چه شد که بدبختانه این معنویات از میان عالم اسلام گم شده رفت و اسلام روز بروز رو به پستی آورد و الحمدلله که اکنون آن خیالات در دماغ ما مسلمانها سراز نو پیدا شده میرود!

بازبه آن خدائی که دشمن های عالم اسلام را با چه بیکسی مسلمانان خوار و زبون گردانیده و اسلام را بیک ترقی فوق العاده رسانیده بود، رجا میکنم که بهمان ترقیاتی را که اسلام داشت باز برای شان اعطا نماید و دشمنان ترقی شان را ذلیل و ابتر بگرداند و کسانیکه در ترقیات افغانستان کوشش کرده اند آنها را در دنیا و آخرت سرفراز داشته باشد باز معاملهٔ سمت جنوبی را اگر [illegible]

[illegible]

رسانیده اند.

[illegible] جنوبی [illegible] افغانستان را قادیانی نامبرده بمقابلهٔ و مجادلهٔ اینچنین را تحریص کرده اند افسوس میکنیم حالانکه قادیانی های مردود ملعون در افغانستان اول بتوسط همین ملا نمایانی سمت جنوبی پاشیده شده است چنانچه همه شما معلوم است اول قادیانی که در افغانستان ظاهر شده از خوست بود!

آیا یک سپاهی یا یک رعیتی یا یک تاجر یا یک آمر یا یک مأموری را شما در سرتاسر افغانستان شنیده اید که مذهب قادیانی های ملعون را داشته باشد خداوند از افضال کرم که تمام ملت افغانستان را بدین مبین سید المرسلین و بمذهب حنفیه الهم [illegible]

اعظم کوفی مشرف گردانیده و در زبان های شان کلمهٔ طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله [illegible]

ظاهر است که این همه تحریکات از طرف دشمنان شرف و ترقی افغانستان روی کار آمده و الا اگر بواقعی بنام مذهب این اقدام ملا نماهای سمت جنوبی [illegible] بایستی که چند نفر از آن ملاهای که موجب قتل [illegible] این قدر فرزندان نیک بخت و بدبخت من [illegible] اسلحه و جبه خانه و ثروت شدند نیز کشته [illegible] میشدند حالانکه از اول الی الآن هیچ کس [illegible] یان شنیده باشد که کدام از آن ملاهای [illegible] را از نماها است کشته و زخمی شده باشند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(لعنت برین دغا)

[illegible]

[illegible]

ختم کلام خود را بدعا برای ترقی افغانستان [illegible] عالم اسلام [illegible] امروز [illegible]

و شادان و کامیاب میبینیم از خدای نیاز میکنم که همیشه خوش و سرفراز و خندان باشند.

آرزو دارم روی شما همه اولاد های را بوسم چونکه ماه رمضان است و الحمدلله هم بسیار دیده و از خداوند شما را بسیار ترقی [illegible] و کلانهای از طرف شما روی وزیر صاحب می بوسم (معانقه و دیده [illegible] وزیر حربیه [illegible]) [عریضهٔ جوابیه حضرت عالی آقای محمود [illegible] وزیر حربیه را که در ختام این نطق شاهانه معروض [illegible] است در شماره (۱۰۸) ملاحظه [illegible]

(قواعد اعلانات و ضوابط)
این اخبار ... کابل ... بنگارند ...
... ارسال ... بنگارند حقیقت ...
... از ... ومقالات ...
و احتلاط ... ذکر ...
... توسط ... و بصورت
قدری از همه جا قبلاً در ...
منشور (نگارنده)
برهان الدین کشککی

قیمت اشتراک	سالانه	شش ماهه
... مقامات	...	...
اطراف کابل	۹	۵
ولایات	۱۱	۷
خارجه	۱۵	۸
...	۲۰	۱۱

... از سادات و علماء و طلبه ...
... مجاناً ...

حقیقت

۱۳۰۴

اداره کابل چهارشنبه ۹ ثور ۱۳۰۴ ش مطابق ۵ شوال المکرم ۱۳۴۳ ق شماره (۱۰۹)

فرمان شفقت توامان حضرت مقدس معظم ملکهٔ افغانستان بحضور آقای شاه صاحب ... خانم

[این فرمان در موقع ورود دعاگو خارج سمت جنوبی
... و لا ... از حضور شاه خانم صاحب ... صادر ...
... قرائت شده بهمت ... این فرمان
این موقع در شماره ... خود ... بوده ...
... انتقال آن مجدداً در تحت عین جریده خود
... ب . ف .]

اولادهای با همت و حمیم صاحبزاده ...
... مظفر آمدگی سمت جنوبی!

الحمد لله که بخیریت خارج و کامیاب مدید
خدمت خود را بخوبی انجام داده رضای خداوند
... و خوشنودی اولی الامر خود را حاصل نمودید
... بدانید که اگر فرزندم رحمت الله (جان) کلان
... درین خدمت با شما شریک ... میبود
... مباهات میکنم و خوش بخت ...

شما که شما را شیر حلال داده و به آغوش محبت خود تربیت
کرده اند تا که بهمت با شرف عسکری دولت مقدس
داخل و مشرف شده اید حقا این طوائف جهال
سمت جنوبی دشمن آسایش خود بودند و نوازش
و مهربانی های اعلیحضرت غازی را در باره آنها
دانستند و نعمت ها بعوض آن بیوفائی کرده و بار شما
کردات ... تا ... گذشت و تحمل کرده ...
حال این ها ... گوش شدند که شاید از کردار خود ...
... خود ... ندامت ... شوند و از فریب شیطان
... او بدبختی ... و عاطل کرده بود که
... نصیحت ایشان سود نداشت بهمت شجاعانه
و ... اولاد ها ... نقصان جان و
برباد شدن خانمان خود نادم و پشیمان شده اطاعت
نمودند و حالا در بین اقوام افغانستان از خجالت

سر خود را بلند نمی توانند.

من بمقابل این خدمات شما که از پهلوی وطن خواهی محض خوشنودی حضرت الهی است از خداوند همیشه نیکنامی و سعادت برای شما نیاز میکنم و کسانیکه با خدمت زخمی شده نام نیکو حاصل داشته اند الحمد لله کلیه صحت یافته چند نفری که هنوز خوب صحت نشده خداوند برای شان شفای کامل نصیب کند. آنهائیکه بشهادت فائز گردیده اند فی الحقیقت حیات جاوید یافته اند و نام شان به شجاعت و سعادت یاد میشود خداوند تعالی همهٔ آنها را مغفرت کند و ببخشاید.

دختر های شهدا مثل اولاد های من میباشند و بشرط رضای اولیای شان همه را مانند اولاد خود زیر خود گرفته به تعلیم شان سعی میکنم که با کمال شوند.

فرزندان رشید من این مادر تان از خدمات شما خورسند و مسرور بوده حق مادری که بالای شما دارم بشما می بخشم.

بسیار آرزو داشتم که خود من بدیدن و احوال پرسی شما اولاد های مظفرم حسب الوعدهٔ خود به ولایتی بیایم متاسفانه کسالت و ناخوشی برایم عارض شده از استقبال شما باز ماندم لهذا بوسیله این فرمان سلام مشفقانهٔ خود را بشما ایصال و احوال سلامتی شما را استفسار میکنم. باقی از خداوند برای شما توفیق خدمت و صداقت بدولت متبوع تان خواسته دعا میکنم که الهی همیشه بر دشمنان افغانستان فاتح و غالب باشید ای فرزندان دلاورم عسکر.

امضاء شاه خانم صاحبه

تشکر با اخلاص خیاع...

(در مقابل فرمان شفقت توامان فخریه که از حضور مهر ظهور ملکهٔ معظمهٔ افغانیان، مادر گرامی ...

ارد وی افغانی! زمانیکه مژدهٔ روح افزای آن ملکهٔ زمان مادر کرم گستر محبت پرور ... ...

برتیهای صداقت پروری حرکت متقابلین عقیدت ...

فرزندی ما چون قبلهٔ ما توجه قبلهٔ ما گردید مادر ...

این همه مباهات افتخار را فقط نوازش ...

در حالیکه حضرت ... که یک روز ... و ... عهده نیک ...

مدیر و عسکر حضرت گرخویش منفی ...

بلی! مشاید نوازش ملکه مانند ذات ...

در مقابل زحمات و مشقات عسکر وفادار باید چنین ...

شخصی مطلبید - زحمات و بنا را متحمل شده ...

فردی خدا ... ابد بحر ... امر وزیر فرو ...

که فرد ... ی در سایهٔ عطوفت در آسایش ...

الظهر است شخصی اگر بحکم او امر روزی ...

عمر را از دوام و محن آسایش ... ابد بوده ...

عسکر و فادار چنان اوامر که از اولی الامر ...

بطور خاطر خواه اولی الامر مهربان ...

کامیاب آمده جان امید ... فرو اگر نوازش ...

مادر مهربانما ست نائل و مفتخر و اصل است

از دست ما بر آمده که مباهات کنیم ... ...

شاکریم که ... واقعهٔ سمت جنوبی بکمال ...

عالم قدس اول ... خاطر و اشتند ... استعمال

برای چنین ایام داده شده بود ... اگر داشت ...

و به فرزندان خویش ... نطق آمده ... افتخار ...

مباهات ما اگر در این ... چنین است. مادر مهر پرور ...

عسکری در عالم بیشتر ... ترین معنا ...

چیز نیست غیر از ... فتح و ظفر ... است ...

(باقی بر حاشیهٔ صفحهٔ بدا ملاحظه شود)

[illegible]

تصحیح ضروری

بکمال تاسف مرقوم میگردد که حلاوت آیتیه ازاخیر ستون دوم

صفحه (۳) داول ستون یاول صفحه ۴ شماره (۱۰۷) سهواً غلطه از قلم کاتب نویس مانده صحیح سطر دهم صحیح صفحه ۳ اندراج مضمون بالصفحه ۴ دور وقت وسط صفحه تحریر را اور امعت نوجه تصور کرده است وشکر تقدیر بود شده اگر سپاس بر جهانی که هنگر نمود [illegible] از دین عقاید پاک بست که [illegible] مسلمان [illegible] جانفروشی [illegible] [illegible] [illegible] خداوند قدم [illegible] [illegible] خوف [illegible] [illegible] مسلمان مقابله دشمنی کرده میتوانند.

عید سعید الفطر در کابل

امسال نیز استدعای بعضی از عیاد باستانی شریف مبارک رمضان اسم عید سعید فطر بصورت رسمی بجناده اهالی عالی ازساعت ۷ در جامع عیدگاه اجتماع در زندنت اشرف ملوکانه نیز مقارن بساعت ۹ رونق افزای عیدگاه گردیده در خلف امام عیدگاه دوگانه عید را نماز خداوند یگانه بجا گذارده بخطبه با نوره گوش نهاده بعداز ختم دعاو بجا آوردن مصافحه و معانقه بحضور با اصحابین و حواشی شاهانه خویش بنماز ارگ شاهی آمده جهانی با پاده وپس بارگ رفتند.

دراثنای تبریک حاجوه وزراء و اکابردولت و بعلاوه عید رسمی که قبلاً از طرف تاغاس حضور جهانبانی اطلاع رسیده بود شرفیاب حضور مرحمت ملوکانه خود بقصر جهان ستون بعداز ساعت (۱۰) الی ظهر فرمودند

ما بیدیدیم واز عموم شنیدیم که شهریار مراسم شعار غازی دین خیر بر خلاف عیاد باستانی اندکی گرفته خاطر آمده اکثر مسرت وخرمی از ناحیه مبارکشان محسوس نمیشد

ان عرض [illegible] ذات خسروانه داد در بین [illegible] [illegible] [illegible] که براتلاف تاو مال [illegible] [illegible] [illegible] جنگ بحث مجاهد بودواولاد [illegible] یکجبهت مجاهد خود که حقیقت اولی الامرانه و مرحمت [illegible] [illegible] [illegible] مرید بوده است (۳۰) ودرین واقعیت جنوبی از دست جهادی بوت بجان بجا و بیگناهان نادان بی دعلان جنوبی گشته وشهید و جسته و مجروح و بیرون خال شده اند ازنها رنج و ملال [illegible] [illegible] انها در عید ابراز [illegible] سوگواری فرمودند.

زیرا بعد از [illegible] بنیاد ملکت را [illegible] دولت تودول [illegible]

یک [illegible] برست کابل

[illegible] یا بلطانیه

مکتوبی با مضامین (هرد) بادار

حقیقت رسیده درآن براتقراریا مجدده ریاست جلیله عظمی گشتگاه منعقد امیکار و کرنهال شاهی سابقه ریاست جلیله کاظم مطلوبه حقیقت عالیه اهالی پرست کابل مسرت خود را ست نماید که بعداز تقصور چنده منعقد فوراً این فرحت [illegible] تحریر تبدیل مینمید بعامه خاطر تحریر [illegible] خاطر یا بود مطبوعه [illegible] درفشانده این نهالستان خود اعظم ازده شاهی خریداری شده ا، لهذا اغنیا ابن نهالات را مقدم وانستهام که سرسبز شوند برائیکه : - (۱) اولا نهالها آبیاری بوعد نهال شانی رکز نشده است (۲) اکثر نهالها نیشکنه شده و پشت بدندکه شکسته شده و موارد و خورد و آب سیرابی انها بواسطه بیگانه آمده اند زمین مگشن نیست (۳) نهال اکثر جبهه خارجی نغیر شده اند که کار رکیون دعقب بیانه بعد اندکر آبیاری منظم آن سعی نموده ادا بیاید.

(۴) نهال بطور مطلوب زمین گورشده از بین رو مگشن نیست که اولا نحود چی خود الا بوز یدن باد از شاخه (۵) برای محافظت آن از دسته و صدمه عابرین شنیده بعض پایه کرد بواسطه کتا آمنی یا چوبی باین طور دیوار اندک کرخوردنی هرگز احتیاج مامون بوده [illegible]

[illegible]

رحلت مولانا الحاج المحاج عبدالرزاق از بین رفقا شوق لقاء به خالق

موت العالم موت العالم

از حوادث بسیار مولمه که در این اخیر باز کر خاطر عموم میشود اینکه علاوه بر عالم اسلام و عالم اسلامی افغانستان محروم ساخته سبب تأثرات علماء فاضل بسیار دیگری که کامل با علم اسلام گشته و جایشان خالی ماند به جناب عالیجناب حاجی عبدالرزاق صاحب که در روز جمعه (۲۱) حمل سال رواج ساعت (۷) بعد از ظهر حکم پروردگار «یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة» روح مطهر شان از قالب عنصری شان انتشار عالم بقا پرواز کرده برحمت حق پیوست «انا لله وانا الیه راجعون».

جناب صاحب مرحوم آخرین فرد از علمای بزرگ وطن بوده بدرجه‌ای که خوشبختانه اکثر علمای دانشمند و علمای موجوده شاگرد وی یا شاگرد شاگرد شان میباشند. جناب حاجی صاحب مرحوم از خانوادهٔ علم دوستی بوده علوم مروجه اسلامی و ترقی را تماماً تحصیل کرده تقریباً از (۴۰) سال با آخر حیات مشغول درس بوده طالبان علوم دینی اسلامیه از ایشان استفاده میشودند. اگرچه در همه رشته‌ها علوم مروجه استاد بوده طلبه را درس میدادند ولی در ریاضی هیئت و فن حدیث متخصص بودند از تاریخ حقوق و تاریخ اسلامی و جغرافیا و اطلاع وافی داشتند. با این همه جناب حاجی صاحب مرحوم فکر سیاسی هم داشتند و سیاست داخلی خوب میدانستند از مقتضیات عصر و تمدن جدید که از اکثر فقها و مسلمین اکتساب آن لازم است بوده و ترویج آنرا و درس علوم حاضره را ضروری میدانستند. به کورس‌های جدید به مکاتب زیاده داخل نموده و اراده داشتند او را که در خارج افغانستان چندی تحصیل نموده ...

دولتی نگاه جانشین علوم آنقدر ازدیاد که تحصیلات عالی دینی را در آنجا تعمیم کرده اند تقسیم گردیده که بجامع از صرف ونحو با سایر فنون علوم و تحصیلات آنجا را تحصیل اعاده نمایند ولی با این ارادهٔ خویش بنا بر موانع سیاسی جانب موفق نگشتند.

جناب حاجی صاحب خیلی یک عالم متقی پرهیزگار و حق گوی بودند. فوق العاده در ترویج اسلام و اشاعت دین مبین علاوه مندی مخصوصی داشته مساعی زیادی درین راه کرده اند و علما و آلام بسیاری در این طریق متحمل شده اند.

جناب حاجی صاحب در سالها اخیر علیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم در دورهٔ پادشاهی علیحضرت شهید مستخدم دولت بوده در دورهٔ امیر مرحوم مدرسهٔ شاهی مدرس بودند در عصر امیر شهید مقرر شدند علاوه طلبه درس میدادند و کتاب سراج الاحکام ذی دخل بوده بالآخر در محفل میزان تحقیقات مقرر گردیدند که سابق محکمهٔ مرافعهٔ عمومی را داشت. در عصر اعلیحضرت غازی خدمات رسمی را ترک گفته از حیث علم دینی و ملی به افاضهٔ طالبین علم و خدمت در راه تا ساعت آخرین حیات بذل مجهودات نمودند

«جزاهم الله خیر الجزاء»

یک هفته قبل از وفات یک نوع مرض که بالآخر منجر به ذات الجنب گردید برایشان عارض گردید در نتیجه جهان فانی و عالم عرفان را با نام نیک پدرود گفته و مرگ خویش اهالی وطن را حزین و غمگین ساختند (۲۲) حمل به ساعت ده و نیم جنازه شان با احترام تمام بزرگان و اهل عرفان اعضای وزارت معارف و شاگردان بزرگ مکاتب و جمهور مردم در مسجد پل خشتی برده نماز شان با یک ازدحام بزرگ خوانده شد. بعد نعش شان بر دوش مردم تا مسجد شاه دو شمشیره آورده در آنجا در موتر گذارده به غزنی که جای مکرر اصلی شان است ...

شرح اشتراک آن

جهت	قیمت سکه کابلی ۶ ماهه	سالانه
تنصیف قیمت مقامات	۶ ماهه	سالانه
اعلیٰ السلطنت کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

تخفیف [illegible] از [illegible] و علما و طلبه
[illegible] مکاتب [illegible]
[illegible] و شرقی
[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

شرائط و ضوابط آن

این اخبار فعلاً از اداره مطبعهٔ کابل [illegible]
شود و بدیگر مقالات در مرتب [illegible]
هر گاه مکتوب تحریریه بکار نده حقیقت
رسالات و مقالات واصل [illegible] اداره [illegible]
[illegible]
اشتراک بتوسط خزانه [illegible] بصورت
نقدی از هر جا قبول [illegible]

مدیر (نگارنده)
برهان الدین کشککی

سال اول کابل دوشنبه ۱۴ ثور ۱۳۰۳ ش مطابق ۱۰ شوال المکرم ۱۳۴۲ ق شماره (۱۱)

وظیفهٔ مأمورین و [illegible] لیست تنظیم [illegible]

درین اواخر هر مجلس و محفلیکه متصادف
شده ایم بالفاظ متعدد و بیانات مختلفه این گونه
حکایت عدم انتظامات لازمهٔ امورات
اداره دولت بتوسط خود مامورین استماع نموده
به تحقیق و تدقیق در اطراف آن با هم [illegible]
[illegible] بی غرضانه خود ما نیز در آنمورد [illegible]
[illegible] گله و شکایات را [illegible] شنیده [illegible]
[illegible] انکار [illegible]

ذوات سالخورده و مسن حکایت میکنند
[illegible] از ملاحظه تاریخ التواریخ تصدیق [illegible]
[illegible] در سرتاسر [illegible]
حسب اقتضای طبیعت [illegible] در دوران
[illegible] جنت مکان علیحضرت امیر عبدالرحمن خان
[illegible] تنظیم و تشکیل یافت [illegible]
[illegible] مملکتی [illegible] سلسله [illegible]

قطع و مسافه [illegible] صفر و موانع فطری
عوائق الطبیعی دران بدرجه [illegible]
بجلال آباد [illegible] خطوط [illegible]
[illegible] در [illegible] استمرار [illegible]
مسافه ۱۰۰ کروه کابل را در ظرف [illegible]
[illegible] بخوبی باوجود مشکلات [illegible]
[illegible] ساعت [illegible]
[illegible] بجلال آباد [illegible]
[illegible] الصباح بعد از ساعت ۱۲ [illegible]
عصر فردا بجلال آباد رسیده مکاتیب [illegible]
درمیان موزع [illegible] توزیع [illegible]
[illegible] فردای آن [illegible]
[illegible] مکاتیب [illegible]
کابل بجلال آباد و از ظرف ۲۱ [illegible] ساعت
بدون قید وقت [illegible] موصول میگشت.

در عصر سراجیه چون زمام [illegible] امور
بدست [illegible] نظارت حضرت عالی عین الدوله [illegible]
آمد علاوه بر [illegible] در تشکیلات اداری و تنظیمات

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 57 of 524

پستی یک نظم و نسق نمایانی روی کار آمده، عزت
حرکت پسته نیز نسبت بدان از منه جد آقای افغانیه
بود، با وجود مساعی جمیلهٔ آن شهزادهٔ قوی اراده
بدان سرعت نمایان و تسهیلات شایان آن
اکتفا نموده در یک حصهٔ افغانستان حمل و نقل
پسته و ارسال و امانات را بوسیلهٔ اسپان صاحبان
اختیار داشته قبلاً از نکه پسته سواره دوره می‌یافت
خود را تکمیل از خودغرضی و عناد پسند سردار
نصرالله خان (نائب السلطنه) اسبق معاش سواران
تعطیل و حمل و نقل پست باز بر پشت همان
پیاده‌های بیرادی تحویل یافت.

در اوائل دورهٔ سعیدهٔ امانیه هنوز هیچ
اجراآت نائلی وجه کار روانی قسمی هست که
بوقوعه آورد وسائل حمل و نقل پست و تسریع
مخابرات بعمل نیامده است؛ بوجه هنگفتی
برلاش منظور و توانین بزرگ چه آن منظور نشد
است حصول لاقش باز منه حق تنقیحی نداده و
ترقیات‌شان بحسب فخریی و مسرت تا چندی حمل
و نقل یک حصهٔ امانات در ۱۳۰۰ ... ۱۳۰۱
بتوسط موتر سایکل بود، و امتا سفاً در مدت
یک ... بتوسط خرابی سرکها و عدم اتفاق
موتر درائیورها تمام موتر سایکل‌های بالاخره در
زاویهٔ نسیان گذاشته شده، عوض یک تشفیر
اوزان سرعت برای تسریع مخابرات تحت
نظر بود، خسارهٔ بزرگی بود حرکت نسبت ...
در اثر آن حرکت پست بتوسط گادی قسمیه ...
با وجود ...
گادی هم کارهای را ... برده نتوانست و
برخلاف توقع بجای سرعت حرکت یک
عطلت نمایانی دران مشهود گشت و تقریباً
از نقطهٔ نظر حرکت و سرعت جلال آباد را از

کابل باندازهٔ مزارهٔ بعض آثار و قدریا رشرف
الامصار دور گردانید که مکتوب‌های رسمی
از جلال آباد تا کابل در ظرف چند روز وصول
میگردد تا چه رسد بعامهٔ اهالی.

ازین هست که چندی قبل برین شده‌است
از طرف هیئت مخابرات افغانی نسبت بحرکت
دادن پسته بتوسط موترهای تیز رفتار
انتشار یافته و اغلباً آن ذوات محترم نیز
حتماً ازین بی نظمی و بی نسقی امورات مخابرهٔ
مملکت خود متأثر خواهند بود و بهمین دلیل
مساعی جمیلهٔ شان را مصروف به تسریع امور
آن پستی خواهند کرد.

بعقیدهٔ ما اگر ما را اجازت کنند
و کنند بر ... خواهند و از هیئت جغرافیه
مملکت خود خبر باشند و مشکلات موجوده
و قلت وسائل حاضره و نا ... و خرابی و ...
کارهای سرک‌ها آن موانعی را که قبلاً در اجرای
موتر سایکل و گادی منظر تجربه نگریسته‌اند
... اند و ...
پست را بتوسط پیاده، یک بر دوی که دو ...
شان نسبتاً افزوده نموده و مزید سرعت
از وشان مطالبه فرمایند بهتر است و الا
تا زمانیکه یک جادهٔ پخته و ساختمان ...
مالک نشویم ابداً بتوسط گادی و موتر توقعاً
یک پستهٔ منظم را که تکمیل دوره یکساله ...
حرکت و وصول بخود را قرار اطمینان تکنند ...
نخواهیم کرد!

تقریظ بر جریدهٔ ملیهٔ ثروت

عصر فرخنده حصار امانیه ...
عصر سلسله و عرفان و زمان ترقی توامانیست

... دوره جلیله علی قدر امکان گوهر گران
... دولت ... سرگرم منفعت ... است
... اخبار خوانی و اخبار نویسی در مذاق اهالی
... افغانی جاگیر گردیده است : از آن جمله است
... یک اخبار کثیر المنفعت مشحون بمضامین
... دارد و صحافت ادیب فاضل و
... کامل قاضی صلاح الدین خان ترقی از
... سوجلوه گر عالم مطبوعات گردیده
... حقیقت چند شماره آنرا با کمال جمعیت
... با یک جهت شوق المزار استقبال کرده مشکور
...
...
... حالات ما را نسبت بدین جریده شریفه
... ماند ... ترقی این ثروت از
... ضرور آنست با اهم ثروت
... مشکلات ... نطاق
... است : حضرت احدیت
... که در دل دارم عرضیت
...
... خود نماید : زیرا که ...
... و از دیاد مواد تجارتی است که
... علی سبیل الاستقلال ...
... وضع و مقرر
... است حالانکه درد ما مواد تجارتی در
... است و ممکن نیست
... پانزده روز
... این نو باوه ...
... از اخبار ... اول ...
... ناظرین خود ...
... بالاخراق
...

و ثبات کامله در میدان مراد اقلام ... کار فرماست
و بمقابل موانع روزگار ... دیگر ...
...
کامیابی و موفقیات او را باز و ناظرین ...
بدست آوردن و ... آن توجه میدهیم

دعوت عالیه و دعوت حضرت

(در هوتل ...)

از طرف حضرت عالی ... عبد ... وزیر تجارت

شب ... ثور ...
ورود مسعود ... حضرت ...
وزیر جریده ... صاحب ... افغانی از طرف
حضرت ... عبد ... خان وزیر تجارت
باصول ممالک ... عموم اعزه و
اراکین دولتی و ملی داده شده بود و سایر
مدعوین محترم بذریعه ... مطبوع ... جانب
از پیش ... مطلع شده بودند .
بساعت ... عموم مدعوین وارد هوتل شده
... پس از
پذیرائی ... خود ...
گردانیده ... در خیابان ...
هوتل ... شده بود ...
...
... مدعوین ...
...
...
... بودند ...
فرمودند ... در اثر آن حضرت ... وزیر تجارت ...
... مطبوعی را در مجلس ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 59 of 524

بغاوت کردستان در ترکیه

اخبار وطن از قطر ازاست که در کردستان
بسیاری اشخاص را که در پرده مذهبی حماسه را بر
خلاف جمهوریت مشتعل مینمودند گرفتار شده
اند ونیز جراید ترکیه عقیده دارند که در بغاوت
کردستان با شیخ سعید دست تحریک
برطانیه بکار رفته و دولا امسای خود به اورفه
جنوبی کردستان بطرف سے نمود ولی پروگرام
مذکور ناکام ودر پالیسی تحریکانه خود در سمت شمالی
آن کامیاب بر آمد. ... در مجلس ملیه ترکیه
سازش بغاوت کردستان را راجع به برطانیه
دانسته حاضر قرائت کرد ... مخصوصا جماعت مخالف
نا گفته گردید که به تعقیب ... حکومت
اصرار نمود.

قسطنطنیه

خبر ایضا — نامه نگار تایمز از
مشعر است که بقول گزارشات قشون ترکیه بر چهار
جانب با ایران سرحد و احاطه کرده است تا
باغیان را به اطاعت مجبور گردانند.

مجروحین و مقتولین سربازان جرمنی

دفتر نفوس شماری برلین تفصیل ...
مجروحین و مقتولین سربازان جرمنی در وقت
جنگ بین الملل را شائع کرده عدد مقتولین
اهالی جرمنی و مستعمرات اوراز (۲۰۵۵۰۰۰) نفر
وعده مجروحین قشون باشنده گان جرمنی را
(۴۲۴۸۰۰۰) نفر نشان داده است از آنکه
(۱۸۲۴۰۰۰) در سنه ۱۹۲۰ مستحق مستمری
گردیده و در آغاز سنه ۱۹۲۴ عدد شان
(۵۵۰۰۰۰) نفر تنزل کرده است.

(طلوع افغان)

نجد و حجاز

اخبار ام القرای مکه
مینویسد که از راه ...
بار مشتری آذوقه (بیشتر خوراکه) وارد مکه گردید.

دیندار ترکیه

نامه نگار رابطه ...
از قسطنطنیه ...
که حکومت ترکیه کوشش مینماید که برای ...
تفاسیر کلام مقدس الهی که بزبان ترکی
تالیف شده بیشتر بیفزاید ونیز
فرموده که معلمین مدارس ... در مساجد ...
جدا شده تعلیم علوم مذهبی را حاصل
کنند و در بودجه سال ... در وظائف ...
زیادت کرده است.

جرائد روس و انگلیس

هر قدر انگلیس در اروپا برای ...
اثر خویش جدیت بکار میبرد بهمان قدر
بر اضطراب روس می افزاید درین موقع
نامه نگار تایمز از ریگا مینویسد که جرائد
روس چون اخیرا در سوء روز افزون
در ... ربیع خطرناک ...
مقالات ... جرائد روس را بر ...
جرائد روس اعلان میکنند که ...
مخاصمت برطانیه و فرانس جرمنی ...
ضرور است ورنه انگلیس از مسائل اروپا
فارغ یافته در احوالات مشرقی روس
زیاد تر در کار خواهد آورد.

مراجعت وایسرای هند

وایسرای هند در (۱۰) اپریل از هند
عازم انگلستان و غالبا بتاریخ ۲۴ اپریل وارد
و بتاریخ (۱۰) آگست بطرف هند رجوع خواهد شد.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 60 of 524

[illegible]	قیمت بروپیه کابلی	
	۶ ماهه	ساله
[illegible] کابل	۵	۱۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible] خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

جزئیات و ضوابط نخ...

[illegible] اخبار یعنی [illegible] تعطیل [illegible] کابل [illegible]

[illegible] منشور [illegible] مطالب [illegible]

میگردد امور تحریریه بنگارنده حقیقت [illegible]

[illegible] امور اداره [illegible] جریده [illegible]

واصلاح و عدم اعتبار [illegible]

[illegible] توسط [illegible]

نقدی [illegible] بیچا در [illegible]

میشود (نگارنده)

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

[illegible] کابل شنبه ۲۶ ثور ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۲۲ شوال المکرم ۱۳۴۳ قمری شماره ۱۱۹

تو کیبل صاحا خیه

[illegible]

[illegible] حضرات [illegible] و دانشکر [illegible] سعادت [illegible]

[illegible] سعادت [illegible]

[illegible] و روش است که دین مبین [illegible]

برای اصلاح و فلاح امور مهمات دنیوی

[illegible] در عالم کائنات شرف نزول فرموده و علم

[illegible] تایید دین [illegible] وسیله تحصیل علوم و فنون و [illegible]

[illegible] علم و عرفان، عالم دنیا را منور ساخته و بکامیابی

[illegible] اکثر قطعات آسیا و اروپا را متصرف

[illegible] دین بود نتیجه تحصیل علوم و فنون مکارم اخلاق

[illegible] کرد تعلیم حق برای ملت نجیب اسلام

[illegible] ضیای حقیقت انتمای این تعلیم [illegible]

[illegible] در عالم و عالمیان بخشید. پس تحقیقت علم

[illegible] اشرف علامات انسان است.

علم است که انسان را از رتبه بطالت حیوانیت

[illegible] علمای علمیت می رساند!

علم است که انسان را از حضیض خاک [illegible]

دیگران آورده امور معادیه و معاشیه [illegible] را بوجه

احسن مهیا می سازد!

آن ترقی و تعالی که در عالم اسلام داشت [illegible]

کسب علوم دینی و دنیوی و فعالیت و جدیت او شان [illegible]

[illegible] که باین شاهراه سعادت رهسپار بود [illegible]

و مال ترقی و اقبال بر عالم تفوق [illegible] داشتند [illegible]

بدبختانه تنبلی و کاهلی را شعار خود ساخته بعیش و عشرت

و راحت و استراحت گرفتار آمده از تحصیل علوم و فنون

بی بهره ماندند، رو بتنزل و انحطاط گذاشته، و بالمقابل

دیگران بکمال فعالیت شب و روز در حصول علوم

و فنون صرف مساعی نموده از حضیض ذلت و بالا [illegible] اوج

عزت و جلال صعود نموده از قید عسرت و فقر و مسکنت

و خشار ساحه ذلت براحت استراحت و ترقیات

فوق العاده رسیده ممالک قطعات بریه و بحریه [illegible]

دنیا دارای طیارات هوائیه و جهازات تحت البحر

و توپهای دوربرد و سائر آلات و ادوات حربی و فابریکها

[illegible] و تجارتها، و زراعتها، و صناعتها شدند......

و ما مسلمانان در نتیجه آن کاهلی و غفلت آنهمه

سیادت و سعادت خود را از دست داده، امروز [illegible]

بحران پریشانی پاور آگند گیها و بی اتفاقیها بنگی و تحقیق
احوال ما رقت آور و قابل ترحم است گردیدیم!

درهمین زمان خدای متعال را شکر گذاریم که ما
ملت افغان را مظهر الطاف خود ساخته یک پادشاه
خیرخواه و با دیانت اعنی اعلیحضرت امیر امان الله خان
غازی را برای احیای ما ملت افغان و مملکت افغانستان
نمود که ذات مقدس شان درد و الم عالم اسلام را
بر عیش و راحت و استراحت خویش مقدم دانسته
حیات عزیز خود را صرف ترقیات ملک و ملت افغانستان
و اتحاد و اتفاق عالم اسلام فرمودند چون ترقی و تعالی
مملکت عزیز شان منوط به تحصیل استقلال و
آزادی تامه آن از حمایت و اسارت خارجه بوده
این است که در بدو جلوس شاهانه خویش اولین
اقدامی که فرمودند بدست آوردن گوهر استقلال
بود که بتائید حضرت باری و روحانیت حضرت نبوی
صلی الله علیه وسلم بهمت والا نهمت ذات شاهانه
شان ما ملت افغان بآن نائل کامیاب گردیدیم!

پس از تحصیل استقلال که شوارع عالم ترقی
مفتوح گردید برای تحصیل رسیدن بسعادت ترقیات
امروزه عالم دنیا که باعث علویت و افتخار آنها گردیده —
اعلیحضرت پادشاه غازی معظم باهمت گماشتن این
است که مراودات و مناسبات خود را با ممالک عالم
قائم کرده در صدد تحصیل و تکمیل علوم و فنون ملت
و ترقی مملکت خویش اند چنانچه مناسبات سیاسی
و اقتصادی با عالم و غیب برقرار گردیده سفرا و نمایندگان
ما در پای تخت های ممالک متمدنه و نمایندهای
ایشان بدربار شاهی افغانستان قائم شده
است محصلین افغانی در خارج بکمال اغراض پذیرفته
شده و معلمین و مستخدمین خارجیه برای تعلیمات و هر
گونه خدمات افغانستان در پیچیا حاضر اند که
با تفصیلات یکان یکان آنها را برای استحضار
حاضرین کرام … خاطرنشان نمی نمایم!

[سپس از زمین عهدنامه های افغا…
و ایطالیه و انگلیز، ایران و فرانسه و المان …
با ترکیه به تفصیلی که از صفحه ۵۹ سالنامه …
روئیداد لویه جرگه ۳ . ۱۳۰ مرقوم است قرائ…
در ختام معامله خارجیه باز رئیس صاحب …

وکلا و محترم! و مشائخ و علما و معتـ…
ورئوسای محترم کل نقطه افغانستان …
لویه جرگه من بحضور شما عرض کرده …
خیمه و بارگاه یکهزار یا دوهزار نفر از افغا…
اند. بلکه غرض میدارم که جمیع ملت …
اعلیحضرت شرف حضور دارند …
یک حصه از خدمتهای دولت متبوعه …
و بهمت و تدبیر اعلیحضرت غازی در وزارت …
برای افغانستان شده است …
میخواهم واضح تر عرض کنم یکوقت همین افغا…
بود که سوداگرهای آن از هندوستان …
خود را از سیاحین بزرگ شمرده و کس …
با آخرین نقطه هندوستان …
دیگری هم است که ما یافته ایم که همین افغا…
که از معاهده ۱۹۰۵ دولت انگلیس …
ولی اما نه … دست … لات …
دارد که بلی! افغانستان از مدت …
که خود را با دول عالم شناسانده نام خود …
نشر نماید چنانچه سلاطین ماضی مملکت افغا…
کوشش ها کرده اند و تشبثات را بکار برده …
که بعزم خود کامیاب نشده اند الحمد لله …
سعادت عصر اعلیحضرت غازی …
عزت خود را حاصل کرد چنانچه عموم سفرا …
او در روی جهان قبول و پرچم های اسلا…
با در فضای عالم متموج است ملت …
از کتاب … تمام کره دنیا رفته …
عزت بطرف شان …

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 62 of 524

ملت خود بیا شم چندے پیشتر ازین در گمرن افغانے
امور هم باکثری از حصص دنیا سیاحت کردم و هر مجلس
که میرفتم مورد عزت ذری زیاد میگردیدم و چنان پذیرا
شده میشدم که در داخل مملکت خودم آن قدر عزت ندیده
بودم اینکه نام افغانستان بر سر زبان بود (عموماً زنده باد
اعلیحضرت پادشاه ترقی خواه ما)

امروز شما خیال نکنید تنها شما وزارت خارجه
پیدا کرده اید فی! بلکه افغانستان دارای وزارتهای دیگر
و در تمام امور تمام حکومتها و دیگر تشکیلات مفیده
ترقی است که مزید بر آن نموده دارای عزت و شرف عظیم
گردیده که شایان اوست. باشد امروز افغانستان بوجود
این پادشاه ترقیخواه و شریعت پرور خود افتخار میکند
که بنظر دول معظم دنیا توجهات این شهنشاه ذیشان
خود را معرفی کرده است (زنده باد شهریار ترقیخواه معارف
پرور ما)

امروز جای بسیار مسرت و شکران است که
افغانستان یک پادشاه با غیرت پیدا کرده که
زندگی، راحت، عیش خود را فدای آبادی ملک
و ملت و وطن خود نماید، امروز افغانستان نه تنها
با دول خارجه بزرگ دنیا نوشتی (والحمدلله) امروز
افغانستان بسیار فائدها از دول اجانب گرفته است
شما به سفید فائدهای که امروز از دول اروپا
گرفته ایم یکی اسلحه موجوده است که یک تعداد کلی
داخل مملکت شده میشود و دیگر اسلحه جات لیلیاسیا و فا
بر کیها و ضروریات نیز برای افغانستان آماده
و موجود و صرف بامر وزارت حربیه و حکومت معطل است
اگر وزارت حربیه امر نمایند در مدت قلیل بسیار
اسلحه علی الفور برای ما هم میرسد، امروز دولت روس
جرمنی، دولت فرانس، دولت ایطالیه، دولت
انگلیس، هر کدام شان علیحده علیحده خواهش دارد
که اسلحه بخرید باشما اسلحه میدهیم یکی میگوید طیاره
میدهیم یکی میگوید توپ میدهیم دیگری میگوید

فابریک سفر ستیم، دیگری خواهش ارسال
مستخدمین میخواهد مطلب هر کدام ازین دولت ها
خواهش دوستی افغانستان را که یک قوم شجاع
دلاور جیا شده اند (کف زدنهای شادمانی)
کدام دولت است که اسلحه و قوت خود را کم
کردن بخواهد اما از ما اینکه اسلحه میدهند بخش
جهت دوستی با افغانستان است لاابه روپیه
افغانستان محتاج نخواهند بود، فقط امروز دولتهای
معظم دنیا آرزو دارند که با دولت افغانستان
دوستی و مناسبات داشته باشند و این دوستی شان
ضرور برای یکروز با مفید خواهد بود، همین افغانستان
است که از لاعلم پیشتر رانمیدانست همین افغانستان
در نقشه جات زمان سابق یک حصه از متعلقات
هند است [illegible] انگلستان ادارا زیر اسارت خود
میدانستند همین افغانستان که در دنیا نام و نشان
نداشت همین افغانستان که عموماً تصور مینمودند
و یک مملکتی زیر حمایه انگلیس شمرده میشد امروز دنیا
جاندر جات پادشاه رفیع بارگاه خویش خود را در جهان
معرفی کرده و بجمیع دول خود را نشان داده گفت
هر کس دوستی افغانستان را آرزو داشته باشد
افغانستان حاضر است و هر که دشمن او باشد
افغانستان نیز مردانه وار بمقابله او حاضر است که
مشت در دهن شان زده خاک گلوی شان شود
(کف زدنهای شادمانی)

ما را باید که شکرانه بدرگاه خالق یگانه نمایم که امروز
بموجود هده (۵) ساله [illegible] خود را زیر سایه او لوای مرحمت
خویش بسیار کامیابی کردیم وزارت خارجه خدمت (۵)
ساله خود را مخصوص شما عرض کرده بر جمع شنود که تشکرات
و حوصله افزائی شما همه ما را خوش میکنند و امیدواریم که در آینده
نیز بعنایات [illegible] اوندی و توجهات اعلیحضرت غازی ترقی خواهانه خود را نیز
به بسیار کوشش و سعی کامیابانه انجام برسانیم و در آینده
خدمات [illegible]

بخارا | از قرار خبر و اصله در بالا حصار بخارا قبل از تقسیمات ترکستان خزینه مشتمل بر چهل شش پود، طلاے غیر مسکوک بیست و هفت پود جواهر قسم و شش قداق برلیانت یک خرابه، و یک صندوق نه پود روپیه و چه مسکوک کشف شده که روسها بجهت حصص ترکستان و ازبکستان، تاجکستان، تقسیم کرده و یک قسمت آنرا برای اکتشاف بعضی مسائل غیر معلوم گذاشته اند [پود ۴۰ آثار و یک چهارک کابل است]

ترکیه | عصیانے که از مدتے بانیطرف در ترکیه در زیر اراده شیخ سعید نام بروز یافته بود تماما التفا گردیده و مراکز او اربه که بدست بغات افتاده بودند بالکل استرداد و شیخ مرقوم با اعوان عمده اش گرفتار و حکم اعدام او داده شده است.

ایران | در قطعهٔ کردستان که تعلق به ایران دارد شیخ غزانے نام بنائے شورش را گذارده و حکومت ایران یک دسته فوج برائے سرکوبی او فرستاده میگویند منطقهٔ شورش او متصل به سرحد موصل است.

جاپان | در جاپان یک حریق مدهش بوقوع آمده قریب (۳) هزار خانه سوخته و ۲۰ هزار نفر بے خانمان شده اند.

روسیه | برائے تجارت عمده متوقع مرا تاباسیا و تخفیف محصولات داده شده هست. اگر تجارت در رونق افزائی تجارت داخله کوشش نموده برائیشان اجازه داده خواهد شد که منافع معقولے را تحصیل نمایند. جاپان حصت شمالی سخالین را از اردوی خود تخلیه نمود. قرار اعلان حکومت روسیه در نواحی دریاچه بیکال یک معدن طلا که طول آن شش میل است کشف شده است.

هند | مزدوران کارخانه فابریکه باور اکثر جاها اعتصاب نموده از کار دست کشیده اند و بعض لیدران شان حبس اند در رونگون اند هندوستان معلوم میشود که اعتصاب دوران رو به تزاید است.

فرانسه | کابینه جدید فرانسه از اشخاص ذیل تشکیل یافته رئیس الوزرا و وزیر جنگ مسیو پانلوه، وزیر خارجه بریان، وزیر مالیه کایو، وزیر معارف مسیو ... وزیر داخله شرنگ، وزیر عدلیه استینگ، وزیر تجارت ... شوری مستعمرات آندری حس، بحریه بوایل، زراعت ... دیوران، فوائد عامه لول، کارگران دورافو ...

المان | مارشال هندنبرگ که سالار بزرگ قشون المان که در جنگ عمومی کارنامه‌هاے او امیر کس شیخ ظهور دار و به ریاست جمهوری المان انتخاب شده اند.

چین | خبار بر روز نامه شده تمیس و میخوید که عدم امنیت در سرتاسر چین حکم فرما و زمام امور بدست قشون است. اگر چین ... ترتیب تجزیه شده ... در وحدت تشکیلی ممالک ... مستقل تقسیم خواهد شد. این مسئله برائے سیاست اللملی بسیار خطرناک است. چین مانند یک ... دول نجات آن افتاده است که برائے مصالح خویش ... داخل چین حرکت خواهند نمود.

ایطالیا | چونکه یک قطعه ... متصل ... ایطالی بعض اوقات ... درین حکومت مصری بر بنای ... رجوع تجدید بحدید ... حکومت مصری ارسال شده است ... حکومت انگلیس ... میگویند که این حرکت ... به تحریک انگلیس است ... مراجعت کنند.

انگلستان | در بودجه وزارت ... (۲۰) هزار پوند ... برای مصارفات در عربستان منظور شده ...

[illegible]

پاره‌ای ضوابط

این جریده بقرار ماه سه دفعه طبع و بکابل و ولایات نشر میشود [illegible] و از هر جهت [illegible] دیگر در امور تحریریه بنگارنده حقیقت [illegible] و مقالات و اصول در اداره جریده در اندراج و اصلاح و عدم [illegible] اشتراک بتوسط خوانین [illegible] نقدی از جریده [illegible] میشود (نگارنده)

برهان الدین کشککی

شرح قیمت اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت اشتراک ۶ ماهه	سالانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

[illegible] از سادات و علماء و طلبه [illegible] مکاتب [illegible]

حقیقت

سال اول کابل پنجشنبه ۲۰ ثور ۱۳۰۴ ش مطابق ۱۵ شوال ۱۳۴۳ ق شماره (۱۱۳)

[illegible] لویه جرگه

فاما بنعمة ربک فحدث

مملکت پر فیض و برکت افغانستان بحساب آب و هوا و موقعیت خویش در جهان ممتاز و [illegible] و تجدید [illegible] ملت افغان نیز از حیث [illegible] اخلاق و شجاعت از بهترین ملت‌های روی زمین محسوب و بشمار میرود اما از حیثیت مسائل سیاسی اقتصادی و اداری طوریکه همه دشمنان آنرا تصدیق نمایند فقط در همین عهد فرخ عهد اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان [illegible] شهود [illegible] است چنانکه بچشم سر می بینیم که در هر بلاد و امصار و در هر شهر و دیار از همین سمت جهان [illegible] این [illegible] انعقاد مجالس متعدده مشوره جهت انجاح و فلاح اهالی از مضیق انواع

مشقت و دشواری برکشوده است که این مجالس در امورات نافعه و مسائل اقتصادیه و حاجات سیاسیه اسباب ترقی و تعالی این مملکت افغانیه [illegible] تحت نظارت و هدایت حکومت متبوعه خود اجراآت نمایند و در این مدت (۷) سال [illegible] مراحل [illegible] مملکت و ملت و دولت تا بسیار جای موفق و کامیاب نیز آمده اند.

حتی این افکار عالیه و نظریات سامی بدرجه در خور تقدیر حکومت افغانیه گردیده است که علاوه بر مجالس مشوره که در علاقه داری‌ها و ولایات افغانی و در دار السلطنه اثبات وجود دارند از ارباب فکر سلیم و وکلای دانشور فهیم و علما و سادات و خوانین تبعه افغانی را جهت مشوره‌های لازمه [illegible] و حل و فصل معاملات داخلیه و خارجیه و [illegible] افکار عالیه آنها در مسائل [illegible] ترقی و تعالی این خطه سعادت وسیله یک اجتماع بزرگی بنام (لویه جرگه) دو مراتبه دعوت فرمودند تا در آن خلال آن ذوات محترم [illegible] افکار [illegible] فرمایند.

فاتا این مجلس بزرگ از هر حیثیت و از هر جهت
از ان چنان یادگارهای تاریخی و شاهکاری های
ترقی و تعالی افغانستان است که تواریخ افغانی
آنرا بخط نور بخش جلی در قلب خویش جا میدهد اما
چیزیکه شان این جرگه را بر مزیت انداخته و دلبارا
در صحبت در آورده است آزادی افکار و خیالات
مشترکین کرام آنست که بجواب نطق شوکت
پیرای اعلیحضرت آزادی بخش که در صفحه (۲۳ — ۵۲۹
رویداد لویه جرگه) مندرج است عموم مشترکین آن
عرصه بیست (۲۰) روز با کمال آزادی تامهٔ افکار و
خیالات خویش بوده چیزیکه در دل داشتند
و آن تمنیات را که از سالهای دراز در قلب
خود میپرورانیدند گفتن آنرا بحضور پادشاه ان
بلکه بالمقابل ادنی ترین ملازمین حکومت یکجا
بزرگ و خطاهای سترگ میداشتند بحضور شفقت
ظهور این پادشاه و اولی الامر خویش تند کار روبیا
نمودند هر تنقیدی را که بدل داشتند آنرا داد
بعرض رسانیدند و مسائلی را که حکومت پیشگاه
آنها طرح مذاکره نمود مدققانه در ان اعطاء افکار
نمودند.

بسا مسائلی را که ابتداءً حکومت خواستند
مداخله در مذاکره آن نمود شرکاء محترم از فرط عشق
و اطاعت و اخلاص تحفه مشق مذاکرات خود
نمودند که دلیل قاطع و برهان ساطع بدست
برین مدعا عیان او در ان مسئله سرکوبی سمت جنوبی
است که آن ذوات منظمه در سرکوبی اشرار بغاوت
شعار سمت جنوبی داوطلبی و مسابقه باهم کرد اما
گوشمالی این اشقاوت پیشگان علیحده علیحده
ذمه وار و متعهد گردیدند در موقعیکه مسئله بغاوت
و شرارت این طایفه بدقت بنظر اعلیحضرت و ارباب
رتق و فتق حکومت در ان فرصت چندان اهمیت
نداشت که باعث صرف اوقات مشترکین جرگه

گردد اما چون آزادی افکار یکی از شرائط اولین
جرگه بود لهذا مشترکین بخلوصیت قرین نسبت
محبت و دوستی که با صاحب دولت و پیشوای
مملکت خود داشتند این مسئله را خود سرانه مورد
بحث و تمحیص ساختند [ملاحظه شود سطر ۱۳ صفحه و
صف ۱ الی صفحه ۴۰ ۴۲ (۴۰۳) رویداد لویه جرگه) در مجموع
سائره داخلیه و خارجیه هر یک ازین ذوات بحث
باندازه که شاید و بدرجه که باید تکلمات تمجیدانه
و تغوریات موشگافانه خود را جلوه گر عرصه شهود
اند که کتاب لویه جرگه رویداد آنرا با تشریحات
عرض انظار اولوالابصار مینماید اما از تفصیل
تذکار بحث های خارجه با ثر طوالت
کتاب و هم چون در بحث های خارجه بحر از
خارجه عامه ملت و مامورین دولت دخلی کار
و گرفتاری وافی نداشتند با اینکه زیاده تر مورد
بحث و تمحیص جرگه گردیده بود از اندراج آن
در این کتاب صرف نظر گفته شده است.
بلی افکار و آزادی عموم مشترکین جرگه
تحسین بوده است اما آن فکر سلیم که باعث
و افکار عموم را در جریان می آورد تنها رای صائب
پیرای اعلیحضرت همایونی بود که مانند یک
رفیق و معلم شفیق اولاد های معنوی خود را
سعادت از افکار سرا با بدایت خود رهنمائی
این مجلس بزرگ اغلب متجاوز از دو هزار
شخص صورت تشکیل را بجهت یک بارگاه
پیرا گرفت. بود که متاسفانه در آخر کتاب اسمای
ساعی شان پوره داخل شده و تا آن جا
اسمای آن ذوات اداره را بدست آورده
توانست ضمیمه و ملحق کتاب گردید.
این کتاب فوائد انتساب با مرا با مخصوص
و معنوی الصرف مساعی سردار عالی جناب
رئیس عمومی شورای دولت متعلق نزد

این کتاب خوش سلیقه اولین جرگه عمومی
افغانستان را بهر کس نقل و حکایه میکند چنانچه اهل
مذاق از مطالعه اش علناً خود را در آن مجلس و
داخل مذاکرات مییابد.
این کتاب خوش بیان افکار را برای جرگه
های آینده مستعد ساخته و بحث های فراموش
شده افکار را بر ارباب آن یاددهانی میکند.
این کتاب فوائد انتساب خیلی مزه آور بیانات
شیرین را نمکدار و صورت مجلس بحث دانشان
مینماید.
این کتاب تبرک احتساب برای [illegible]
خیلی منفعت بخش و ضرور بوده شائقین محترم
آن او را به یک قیمت قلیلی بدست آورده میتوانند.
این کتاب خوب و این صنعت مرغوب فن
(ستاره هند) مختصر نویسی را نیز در محل امتحان
آورده است زیرا که قبل ازین جرگه معظمه زیاده
از ده ساعت فن مذکور در اخذ منظومات
درازمائی نکرده بود چون درین مجلس پرشکوه
اعلی سطوت انبوه با توأم و تسلسل مذاکرات
بیست روزهٔ آن، قلم های جدیدت پیرای
برادران عزیزم (میرزا عبدالسلام خان)، و میرزا
محمد اکبر خان مرحوم و میرزا رحمت الله خان
و این عبدهٔ احقر محمد سرور) در اخذ منظومات
آن فن قوت ها و یادداشت مبحوثات بطوری
که مقدرت ورزیده که ماخذ صلیه و منبع
اساسیه کتاب لویه جرگه شده است.
اما چیزیکه ما را دچار تاسف و تلهف گردانید
این کار و ناکامی را بما نشان میداد همانا
ندانستن زبان ملی افغانی و عربی و نحو اصطلاحات
شرعی و دقائق نظامات دولتی و مسائل پر پیچ
سیاسی بود، الحمدلله که آن هم از دست همه اول
بر مساعی برادر محترم و رفیق معظم ام مولوی

(برهان الدین خان کشککی) غازهٔ ابجاد در اینجا
مرام خود چنان برکشیده است که تا ابد از بین نرود
برغم آن نکته چینان جسود که همواره در طنبور رعنا و
خویش نغمهٔ عدم تکمیل فن مختصر نویسی جهراً میسرایید
و بر اختصار نویسی ما انتقاد میکنند، یک مشت و
دست آویز بزرگی بدست ما افتاده است.
[و هم از معاونت برادران محترم خود میرزا
محمد دلاور خان و سلطان محمد خان که در
صاف نویسی آن یک فعالیت فوق العاده نشان
داده اند تشکر داریم. ب. د]
این گلستان معانی گلهای گلاب زبان
فارسی و نسرین زبان عربی و یاسمن افغانی را طوری
در خود جلوه گر ساخته که هر کسی از شمیدن آنها دماغ
خود را معطر و بر عالم عالم نکات و اسرار خود را
باخبر و مستحضر می پندارد.
چیزیکه موجب مسرت و خوشی و سبب یگانه
کامیابی و فرحت اندوزی ما ازین تالیف
عالی شده است و ما را دچار جهان جهان
مسرت کرده در موفقیات ما افزوده است
همانا دست بدست گرفتن و بمصرف رسیدن
هزار مجلد طبع اول این کتاب است که در مطبع
وزارت حربیه جلیله طباعت را در برکشیده بود که
شوق و شعف و جدیت تمام او را در تمام گوشه های
دور و نزدیک مملکت روی میز مطالعه خود برگذاشته
از مضامین عالی آن محظوظ میشوند.
چون تکثر مشترکین و قلت تعداد طبع بار اول موجب
تلاش و سرگردانی ناظرین این نسخه مبارکه گردید
مجدداً حضرت نجیب اجل الفخر جناب شیر احمد خان
رئیس عمومی شورای دولت بطبع ثانی آن در مطبع
دائرهٔ تحریرات حضور توجه خود را مبذول داشته
قارئین محترم را یادآوری کرده میگوئیم که این
بار این کتاب فوائد شعار از هر حیثیت و از هر

...ت بار اول خوبتر و خوش خط تر و واضح تر مبرا از آن اغلاط لفظی و تنقیدات صوری ...
کرد در طبع بار اول آن بواسطهٔ گرفتاری حضرت ادیب فاضل جناب ... صاحب ... امور ...
و امورات اخباریه بوقوع پیوسته بود میباشند.

کمی انتظار کشیده نخواهید بود که بحضور هریک از ذوات صاحب حس و ذو ...
عرض دیدار نماید و در یکی از دکاکین مشهور و از اسطهٔ مشهور بازار خریداری خواهید شد
میباید از این دم تر صدد وقت و فرصت باشید تا از حرمان ... آوردن آن ...

زبسکه دیدن گل آرزوی بلبل شد | بهار آمد و دوران شاخ سنبل شد
زهی بملت افغان که یافتند بدل | شهنشهی که از و حل جمله مشکل شد
زمین همت او فخر و عزت عالم | هوا و نور اگر بود خاک کابل شد
زمانه یار شد و بخت سازگار آمد | که یار و آینه هر دو بهم مقابل شد
نگهت آینهٔ الاجمال حسن نگار | نگار نیز به مطلوب خویش اصل شد
نبود جرگه مگر ماه و مشتری دیدند | هزار شکر خدا را که رفع حائل شد
بهیئت روزه بیانات همچنین محفل | مراد ملت و شاهنشه هر دو حاصل شد
خدا بسرور ما باد حافظ و ناصر | که شمس معدلتش در جهان مجلل شد

میله بیگم در سلطانپور

چند هفته از این یکی از دوستان ما مکتوبی ...

در موسم خوانف میلهٔ بیگم اهل هنود در جلال آباد فرستاده در آن ... نوشته بود که امسال میلهٔ مذکور نسبت به سال های ماضی بیک مجموعهٔ غیر معمولی انعقاد یافته اکثر ... از مملکت خارج علاوه ... افغانیه در آن میله شمولیت داشتند. درین سال هم از طرف حکومت ... برای حفاظت ... و امنیت آن میله از طرف ... مقرر ... حضرت ... نیز ... ابلاغ ... علی احمد خان ... که نطق موثری راجع به ... و مسلم ... ریاست ... حمیت مجاهد ... روز نطق موثری ایراد نموده است

اعلان حج از طرف امیر ابن سعود

(محمد سرور ... درین ... جریدهٔ ...)

و دیگر اعلان ... امیر عبدالعزیز ابن سعود بنام حجاج بیت ... کرده ... افتتاح راه آن ... رضی ... حرمین ... آب ... سال ... جزیره ... حکومت ... حکم ... مرقوم است ... راه حجاز ... مسدود ... و عدم فوات حج ... بکمال زحمت ... شده ... و جنوب و اطراف ... آنها را نه تنها تحت تصرف خود ... بلکه تمام اسباب و لوازم حجاج ... تسهیلات لازمه آنها را فراهم آورده ...

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از بیان مطلب و مقاصد ... مشمول در مقالات ... هر گونه تحریرات ... حقیقت

از نشر مقالات و اصلاح ... و اداره ... از اندراج و اصلاح ... اشتراک توسط خزانه ... بصورت نقدی از مرکز ... حاضر

(نگارنده)

برهان الدین کشککی

قیمت اشتراک

	قیمت بروپیه	
قیمت مقامات	۶ ماهه	سالانه
در داخل کابل	۵	۹
در ولایات افغانستان	۷	۱۱
در خارجه	۸	۱۵
در ذوات و سفرا	۱۱	۲۰

نشر مقالات سیاسی و علمی ... بیانات ... عمومی ... مشرقی ...

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل یکشنبه ۲۱ ثور ۱۳۰۴ ش مطابق ۱۷ شوال ۱۳۴۳ ق شماره (۱۴)

کوائف ورود پر میمنت وزیر حضور معظم له جناب علی احمد خان صاحب رئیس تنظیمیه سمت مشرقی با مجمل الطوع ایران و دنیا

بروز فرحت اندوز چهار شنبه ۱۹ ثور حضرت عالی جناب علی احمد خان رئیس صاحب تنظیمیه مشرقی با بعض از قوای عسکری و صاحب منصبان قشونی که برای قلع غائله سمت جنوبی اعزام شده بودند الحمد لله بانیک مظفریت عیان و چهره های نصرت نشان وارد کابل گردیدند.

نسبت تشریف آوری این اردوے ظفر نشان یک روز قبل جارچی از طرف ریاست بلدیه ورود فتوحات آمود شان را بگوش هاے اهالی شهر اطلاع نموده در ین روز مسرت اندوز از اهالی شهری و باشندگان شش کروهی اطراف کابل از حد سیاه سنگ الی شهر پور و د و بلکه احاطه نموده علاوه بران چمن مسجد شریف عیدگاه و سر کوچه هاے پیاده روے و سرکها و چمن حضوری از کثرت ازدحام عوام و خواص مملو بود.

یک حصه از نفری اشراف ملکی و منصبداران عسکری و چندی از مستخدمین خارجی که از طرف ریاست بلدیه تجویز و تعیین شده بود در دروازه مقابل چمن حضوری اخذ مقام فرموده انتظار ورود سعادت مورود حضرت عالی و باقی عسکر افغانی را داشتند.

طلبات مکتب حربی ... طلاب معارف در وسط صفها من یک ترتیب نهایت موزون صفوف آراسته بودند قریب بساعت ۹ بجه بود که سفید سته الجیش عسکری باوضاع فرحان و چهره هاے مظفر نمایان غزل خوانان رسید. بعد از طرفی یک قطعه عسکری که موکل و مقرر نفری بر قتل ... واسیران منگلی و انتقال اموال بغات بود وارد گردیدند.

عقب آن بیماران ریش سفیدان ناتوان و مستورات شان بیک صورت شفقت ...

بالای یک عراده تا کادی سوار و یک دسته از سپاهیان قطغن
سوارهٔ نظامی با اوشان همراه بوده اند.

بعد از مرور یک ربع ساعت مقارن ساعت (۱۱) بود که
حضرت رئیس صاحب تنظیمیهٔ مشرقی با عساکر جنود و منصبداران
دلاور عسکر افغانی یک اصول درست عسکری در حالیکه
موزیک عسکری به هر فرقه بود با آهنگ خوش آینده و صدای
مرغوب نگارنگ نواخته مظفر و منصور بخیر و خوبی شان را
بر مسامع منتظرگان و تماشاچیان القا و اصغا نمود
از دور نمودار گشته نفری تماشاچیان که در دو طرف
سرکها اخذ مقام داشتند حضرت رئیس صاحب را فی
عساکر ظفر موثر را با الفاظ علیکم و ماندو نباشید
و نعرهٔ مبارکباد فتح و نصرت و غیره کلمات دعائیه و
تبریکیه خیر مقدم گفته کلاهها و دستمالهای خود را بالای شان باز نمودند
حضرت رئیس صاحب ایشان را بکلمات مشفقانه
الحمد لله که ... مخصوص طبع شریف شان است مسرور
و ممنون داشته سلامات شان را و علیک خیر مودند.
جنگیان رئیس صاحب و حضرت ... جمع حضوری شدند
متصلاً توپهای غلدو کوب عسکری خیر مقدم و مژدهٔ
ظفر اوشان را بصدا و غلغله درآورد حضرت رئیس صاحب اولاً
عسکر رفقا از تکبیر با همه عسکر احوالپرسی کرده از طرف
قشون حضرت شوکت شعار بالمقابل رسوم تعظیم و تکریم
بجا آورده شده نفری عسکری از اولادان معارف
با آواز مبارکباد فتح و تبریک و تهنیت ها بگفتند.

بعد از تکمیل نفری عسکری را ملاحظه فرموده
قوه جمعیه منتظر گشته خود حضرت رئیس صاحب قوماندهٔ
لوی سلامی شاهی داده موزیک عسکری به نهایت
سرور و طرب با رسم تعظیم مقرره علیحضرت غازی را
اداکرده بعد از ادای لوی سلامی معاینهٔ عسکری
به رسم (تحیت) باز بهمان اصول خوب طریقه با
مرغوب نغمهٔ عساکر ظفر موثر در حالیکه موزیک آواز
با نغمهٔ مسرت پرداز خود را با یک طرز شیرین و
طرز فرح افزای می نواخت بمقامات معینه ... رفتند

مقر خود با منتظمانهٔ خود نمودند!

اخیر حضرت رئیس صاحب بمعیت جناب منصبداران
نظامی و جنود عسکری که در مرکز خود در یک جمعیت کابل دیده
وارد قصر پاکیزه وزارت حربیه گردیدند.

درینجا تمام عموم وزراء و وکلاء و اعیان و ارکان تبریک
که قبلاً از ورود حضرت رئیس صاحب اطلاع یافته بودند
و تماماً در وزارت حربیه ثبات وجود داشتند نظار
دیدار ایشان را داشتند در میدان حربی وزارت
حربیه بر آمده حضرت رئیس صاحب و باقی منصبداران
شجاع افغانی را که با اوشان همراه بودند بدیدار
نموده بعد از ختم مصافحه و معانقه داخل کوتی
آنجا حربیه گردیدند درینجا از کسانیکه از دور
مصافحه دست داده بودند دوباره یک یک
با خوشی شفقت و محبت میکردند بعد از آن
هر چو کیهای مناسب و جای بالای آن خود ...
نجوردن شیرینیها و صرف سگرت و ...
همین روز مسرت اندوز تهنیه و اماده
بود مشغول شدند.

درین موقع حضرت عالی جناب اعلیحضرت غازی
وزیر و کیل حربیه یک خیر مقدم مختصری
بورود ریاست تنظیمی و سائر صاحب منصبان
عسکری که معانی آتی را حاوی بود ایراد
بحضور حضرت رئیس صاحب ... فرمودند.

از طرف خود اصالتاً و از طرف وزارت
و کالتاً عرض میکنم!

خدا را که جناب ... با قوه ... کامیابی
درین خاتمه نموده اید الله که از وظیفهٔ ...
وظیفهٔ منصبی خود ها را ایفا کرده اید علاوه
بر آنکه خداوند اجر شما را بدهد بر آن است که
ذات علیحضرت غازی هم چون یک یک
هر واحد شما باختند بدرباره نموئی
خواهد داد ....

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 70 of 524

بعد از آن حضرت رئیس صاحب کنفرانس خطاب نموده فرمودند که اگر ما در حدود تشویقات آن برادران خود را امتنان و لب ریزی بیشتر از ده شماره‌ها اکتفا میکنند. الحق احساس تشویق رعایا شاهی را الفاظ آن حکایه میکنند.

• جناب وکیل صاحب حضار محترم را بطرف شفقت و مرحمت شان از طرف خود و دیگر متعلقان همرکاب خود اظهار تشکر نموده؛ فرمودند که از آن وجود ذی جود که ذات ستوده اعلیحضرت معظم غازی ما است و دو برخود ما باعطا احسان کرده بجا آورده بدین نعمت بزرگ افتخار مینمایم و افتخار میکنیم که ما را از طور یک سبب با مرحمت فرموده اند که تنها — خود تحت رعایت را بهم بو استغنا و شان در عالم بلند کرده است، الحمد لله که ما را نعمت اعلیحضرتی چنین که پادشاه اعجب بنیا رعیت پرور و ترقی پرور سرافراز داشته است که مانند وجود مسعود شان کسی ندیده و نشنیده است اگرچه وا ازمنه ماضی ممکن است که چنین شاهی گذشته باشد ولی درین زمان و این آوان قریب ابداً دیده و شنیده نشده است!

بعد ازین هم بر معامله سمت جنوبی اشاره فرموده گفتند که بدین طرف اهالی سمت جنوبی خوب مانده بود و کسی که او را از اطاعت کشید تقوا است خدای رئیس کریم که بکمال از آب دم شمشیر آبدار عساکر جرار شهنشاهی جنابت بر آمدند.

این معامله اگرچه تا چندی موجب نقص و تضییع اوقات باعث خسارات و سوق لشکر گشت باید دانست که نتیجه این خساره و زحمت ما بسیار فایده مند بود و فی الحقیقه زیرا که میگویند «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» چنانچه برادران باشند از برو در این معامله نه تنها حکومت بلکه ملت افغان نیز هوشیار و بیدار شده دوست و دشمن خود را بخوبی شناختند و بعضی از اقوام نادان و احسان فراموش سمت جنوبی را مانند منگل و جدران وغیره که حقوق احسان حکومت را فراموش داشتند و آن قبایل و عشایر و اقوام و طوایف که از حکومت امانیه را فتح و تمام خدمات عرق ریزیهای اعلیحضرت غازی را بنظر تقدیر می‌نگرند و در اطفای این نائره یک صداقت و محبت و اطاعت و اسلامیت خود را بخوبی شناختیم و علاوه هم درین واقعه یک اتحاد مخصوص ملت افغانی بر دشمنان شرف و مجد وطن مایه ظاهر و هویدا شد.

لطف این است که از خود رعایا سمت جنوبی از روی صداقت و اخلاصی که بحکومت امانیه داشتند داوطلب برای اطفای این نائره حاضر شده بودند میگفتند که ما برای هرگونه خدمات اسلامی و سرفروشی این خاک خود بیرون می آییم و رضاکار شده با اعلیحضرت غازی تیار و آماده هستیم چنانچه در میان چند روز هزارها نفر از اقوام افریدی، توری، بلوچ وغیره سرحد حاضر شده و تمام اقوام مذکور عسکر با خدمت کرد علاوه بر آن از کوهستان و غیره تا ۳۰-۴۰ هزار نفر از نقاط مختلف مانند تگابی، شنواری، مهمند، صافی، کرزی، اسماری، نورستانی، و وقفان و سرخ رود و چهار دکاسه و بسود وغیره در ظرف چند روز سلاح بجز حاضر شده اند تا تمام این معامله بار نظامی خود و دشمن بدون آنکه قلت دستگیر را بسبب اعتقاد مسلکی عسکری بوده خدمات بسیار خوبی کرده اند اشخاصی که درین خدمت شریک بودند چه از نفری عسکری و چه از اشخاص ملکی همه شان یک نظر از طرف حکومت دیده می شدند الحمدلله انقدر مدت یک روز هم این طور نشده خواهد بود که یکی از آنها شکایت گرسنگی و یا برهنگی و بی سامانی خود را نموده باشند بحمد الله برای شان

سلان پخته با گوشت نخی و میوهٔ خشک فرستاده میشد
اجناس و خوراکه برای این قوای ملکی و نظامی من
عوضاً متمادی از طرف حکومت ... خریداری
شده و با نبار رسانیده شده بیست ... بالغ بیشت
هزار خروار میباشد

برای تدفین و تکفین شان هر سر رشته
بسیار خوبی وضع شده بود. اکثر زخمی
میشدند در شفاخانه فرستاده میشدند و اشخاصیکه
بشهادت میرسیدند پیشتر برآنان مقابر مستعد
بالوازمات تجهیز و تکفین حاضر و مهیا بوده
و این مسئله را بالای خود حتمی نموده بودم که جنازه
شانرا خودم بخوانم و اگر روی شانرا بوسه
داده بیک وضعیت احترام کارانه بهلا میان انها
دفن میکردم و در حق شان دعا مینمودم.

درین اثنا نطق حضرت ریاست پناهی
بسیار طول داده ذکر تعرض پیشرفت و محاسن
حربی قطعات هرکابی و محصولات و نتایج
حربی آنها یکان یکان داده در خاتمه اسمای
آن منصبداران غیوری را که درین خاطره
داد صداقت و شجاعت و حمیت را داده اند
و در معرکه بزدلی پای ثبات را قائم کرده
خدمت نموده بودند یک یک با خدمات
جنگی و محظوظات و تلفات حربی و مقامات
و نقاطیکه بدانها متعلق و مفوض شده بود
گرفته از و شان اظهار خرسندی و خرمی
نموده گفتند معلوم نیست که یک شخص از عهده
انقدر خدمت برآمده میتوانند و نه از روی
یک شخص این معامله انجام پذیر بوده هر چه که
کرده اند همین صاحب منصبان غیور ما و قوه
هرکابی کرده اند. مجلس که تا اینجا منظم تحسین ...
در اخر آن مجلس صورت طبیعی خود را گرفته
عموماً معروف مصاحبهای دوستانه و مکالمه

مجاز شده در ختام محفل حضرت ...
و منصبداران هرکابی شان تا مدرسه
غند مشر از وزارت حربیه عازم ارگ
شده بلقای فرحت انتمای ...
فائز المرام شدند. (اقتصار حمیت افغان)

رحمت باران

شب و روز پنجشنبه
نور بدار السلطنه
و اطراف آن یک باران متوالی ...
بخش فائده رسانی باریده، در ازدیاد
میاه و اعتدال هوا فوائد عظیم الشان
ازان بعمل آمده است.

امیر علی و انگلستان

در جریدهٔ یک جریده ...
جدیده وارد شده ...
امیر علی پسر شریف حسین غدار آنرا از انگلستان
سامان حربی و یک هزار میل تفنگ ...
سلح جنگی که هر کدام حامل سه دانه ...
و بر آخر و ذ ... آت جنگ جبلی موزون ...
خریداری نموده است.

شورش کردستان ترکیه

قسطنطنیه
حکومت ...
ترکیه اشخاص سر برآورده و سرغنه و آن ...
هنگامه کدامهای کردستان را ازدیاد ...
بر خلاف حکومت تحریک میکردند یکجا ...
دستگیر نموده به سپاه گرفتاران اینها قرار ذیل ...
رسول خواجه صالح پاشا ... عبدالرحیم افندی
شکری او غوز عطا چلبی سلیمان ...
بگنی صادق ضیا افندی ثاقب ...
سلیم افندی مصطفی کیا مصطفی آغا ...
بیگ) علاوه بر اسامی فوق در ...
زیادی بعمل آمده و فی الحال تحت ...
و استنطاق محکمه استقلال میباشند.
و نیز از انگوره منویه که بر کنار ...

نرخ اعلانات و شرائط

[illegible]

(نکاره مدیر)

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

شرح اشتراک

[illegible]	شش ماهه	سالانه
کابل	۵	۱۴
افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

[illegible]

سال اول کابل چهارشنبه ۲۲ ثور ۱۳۰۳ ش مطابق ۱۹ شوال ۱۳۴۲ ق شماره (۱۵)

خطابهٔ عالیهٔ اعلیحضرت غازی در آخر لویه جرگه یوم شنبه ۱۳ سرطان (۱۳۰۳)

(منقول از صفحه (۵۰) الی (۵۱) روئیداد لویه جرگه)

بسم الله الرحمن الرحیم ـ بنام خدای بزرگ
[illegible] مجلس عالی را آغاز [illegible]
پایتخت مملکت عزیز تان خوش آمدید تقدیم
می نمایم!

در مباحثات این مجلس همه شما حقوق دارید
و هر چیزی که شما درست و سودمند و مفید پنداشته [illegible]
[illegible] بکمال آزادی بگوئید و در اظهار رای
[illegible] هیچ کوتاهی ننمائید اگر رای شما
[illegible] زبان معقول باشد بجان مقبول [illegible] گردد
[illegible] مستند اصواب شده در اظهار آن شما
مسئول نخواهید بود، فقط منظور نخواهد گشت.
اشخاص فهمیده و دانشمند بخوبی میدانند که
[illegible] ترقیات مادی و معنوی و مسائل داخلی [illegible]

و اقتصادی افغانستان احتیاج [illegible] بحال ملت و مملکت
و دولت باشد [illegible] بعضی از ذوات
محترم چنان خیال دارند که مقصد از اجتماع این قدر
اشخاص معزز و جماعت بزرگ از اطراف و
ولایات و حکومتی ها در پایتخت افغانستان چیست؟
آیا کدام مشکل عظیمی بحکومت لاحق شده که در این
[illegible] از این حضرات [illegible] امداد [illegible] خواهد [illegible]
در این موضوع مذاکره نماید؟
عرض مینمایم که نه تنها [illegible] امروز در تمام کارها
شما بکار مشاورت [illegible] هیچ گونه [illegible]
بخیال دارم موجب انعقاد این مجلس [illegible]
فقط امروز از این [illegible]
بهبودی مملکت و رفاه ملت [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 73 of 524

مشوره میخواهد چراکه جناب شما عزت شما، شرف شما در ین مملکت [illegible]
چیزیکه درین موضوع بفکر ما آن بر سد اظهارات او را آزادانه
نمایید، زیرا در یکجا مجلس بنا بر دعوت دولت افغانستان جمع شده‌ایم [illegible]
اگرچه از اول جلوس خود این جانب مقام سلطنت افغانستان [illegible]
و امیر افغانستان بشورهٔ شما در هر حرف [illegible] کرده‌ام و وکلا [illegible]
و رئیس شوری دولت [illegible] در بعض اوقات در کار خویش
استشاره و مشوره باید خواسته‌ام و از افکار رجال آنجا بلکه
از ترقیات و مقاصد خویش [illegible] گرده [illegible] باز هم چون [illegible]
افغانستان اساسی [illegible] [illegible] در حکومت مخصوص
[illegible]
از طرف خود شوری [illegible]
بنابرین خواستم که [illegible] مشایخ کرام
[illegible] تمام ولایات [illegible]
افغانستان را از اجتماع شان [illegible] حکومت [illegible]
نسبت بدین مقاصد عالیه اقدام نمایم.
از خداوند [illegible] ذات [illegible]
[illegible] افغانی [illegible]
و کامیابی انجام یافته در آینده [illegible]
و از شما طلب ترقیات فوق العاده دیگر نائل گردیم.
اگر شما بحیث [illegible] درین مسائل بخوشی آزادانه
رائی [illegible] در [illegible] دولت [illegible]
بجا آورده [illegible] خدا و رسول [illegible] اولی الامر [illegible]
شما نمائید که [illegible] حقیقی آنجا [illegible] جواب خواهید
از [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible] تمام دنیا و آخرت خواهید بود [illegible]
[illegible] مشکلات [illegible]
که نسبت بترقیات ملت و مملکت خویش فکر دارید آزادانه
و بیباکانه از صاف و بلند بیان نمائید.
اگرچه خوبتر میدانم و کاملا یقین دارم که احدی از شما
وکلا و حضار مجلس باندازه من خیرخواه و خیراندیش ملت
نخواهید بود چراکه من طرفدار آسایش عموم ملت [illegible]

برتری و تعالی عموم ملت و تبعهٔ افغانستان بدل مشتاق [illegible]
ترقیات و آسوده حالی شخصی خود ابدا نمیباشم. اگر [illegible]
شنیدن بگویم هستم و طرفدار ترقیات شخصی خود هم [illegible]
خودسرانه، بجا برانه، کار نمیکنم!
فی الحقیقت [illegible] [illegible] مشوره ملت
و خواهش [illegible] اساسی بر خلاف شریعت [illegible]
احمدی در ممالک افغانی رایج باشد [illegible]
نظر [illegible] اصول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خواهد بود و خود را [illegible] شریعت [illegible]
و جلا [illegible] دارد - فی [illegible]
(انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون) [illegible]
و وعده [illegible] آن [illegible]
[illegible] اولین روز [illegible]
دادم - تا بطور اساسی [illegible]
شریعت [illegible] باشد آینده در آغاز مجلس فقط [illegible]
[illegible] آغاز [illegible] خواهم کرد [illegible]
[illegible] بحث رانده خواهد شد - الیوم فقط [illegible]
خارجه خویش بحث [illegible] مذاکرات [illegible]
[illegible] اول باید [illegible]
[illegible] خوب باشد [illegible] خود [illegible]
[illegible] ذات [illegible]
احتیاج [illegible] استقلال [illegible]
مناسبات خارجه را اولا در نظر گرفته [illegible]
سلطنت را بر سر سعادت [illegible] گذشته بود [illegible]
درین ابتداء دوره [illegible]
اولین [illegible] مسائل خارجه را تحت مذاکرات [illegible]
بعد از نطق [illegible] وزیر صاحب [illegible]
بپا ایستاده خطابه ذیل را ایراد نمود ندا!

نطق رئیس صاحب شورای دولت

حضرات محترم و حضار کرام!

به همه شمایان معلوم است که احکام عقیده الحنفیه دین مبین [illegible] انیست جامع احکامیکه تنها سعادت اخرویه [illegible] بلکه سعادت دنیویه را نیز تامین میکند، چنانچه حضرت [illegible] حکمت در کلام معجز نظام خود میفرماید [اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی] [illegible] این احکام دین منیف که موجب سعادت دارین است [illegible] یعنی وظیفه [illegible] [illegible] اولی الامر [illegible] مسلمانان [illegible] اطاعت اولی الامر [illegible] کما قال الله [illegible] (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم)

از دیگر طرف [illegible] جلیل فرقانی (وشاورهم فی الامر) مشورت [illegible] حضرات خلفا [illegible] در زمان خلافت خودشان [illegible] را با اصحاب شورا مذاکره [illegible] و استشاره میفرمودند. گویا اساس مشوره در اسلام یک قاعده بزرگ [illegible] پادشاه ذیشان ما اعلیحضرت غازی امیر امان الله [illegible] که شان [illegible] خیر و سعادت [illegible] مملکت معطوف و از روز جلوس همایون [illegible] اوقات شان باین امر خیر مصروف میباشند [illegible] [illegible] مستغنی [illegible] در امر حکومت طریق مشورت را قبول [illegible] مقصد [illegible] شان [illegible] شود و [illegible] سلطنت خودشان شورای دولت را [illegible] و حکومات مجالس مشاوره را تاسیس و تکمیل کردند [illegible] خط حرکت ما از طرف دین مبین تعین شده [illegible] حرکات ما شرع شریف است، و علم فقه یک دریای

بی پایان است، مسائل شرعیه را از کتب فقه پیدا کردن و تطبیق دادن کار فاضل علماست، و درین زمان [illegible] عالم فقیه لزوم وجود ندارد، و علاوه بران در بعض مسائل فقهاء مجتهدین حنفی خلاف زیاد آمده در مسائل اجتهادیه [illegible] حاصل شده است درین اقوال مختلفه [illegible] هر مسئله تعلق دارد و قول صحیح را تمیز [illegible] آن را تطبیق کردن [illegible] در مسائل مجتهد فیها [illegible] مصلحت شرعیه [illegible] در زمان در خصوص [illegible] ترجیح یکی از اقوال مختلفه که هر دو [illegible] مساوی [illegible] اولی الامر حق و اختیار دارد [illegible] تعلق بشرع شریف دارند [illegible] از علمای محکمه تمییز [illegible] این مجلس [illegible] مسائل [illegible] در خصوصات [illegible] [illegible] خودشان [illegible] [illegible] این مجلس که مرکب [illegible] و وکلای شمایان است [illegible] تنظیم رسیده است!

حضرات محترم! امیست که مجلس [illegible] تنظیم و تطبیق [illegible] درگذشت، امروز [illegible] افتتاح [illegible] امروز که تمام علمای کرام [illegible] مشایخ و [illegible] عظام [illegible] مجلس تشریف دارند [illegible] بخیال [illegible] [illegible] [illegible] درباره مسائل شرعیه [illegible] مذهب حنفی [illegible] علمای کرام [illegible] حکمتی و سیاسی وزراء و وکلای عظام میشوند.

[illegible] بخیال آزادی [illegible] رای [illegible] آزادانه [illegible] بنهایت خوشحالی و ممنونیت [illegible] عرض [illegible] حضار محترم [illegible] است که [illegible] تحقیق و تفکر زیاد کرده شود و [illegible] واقعیت خود [illegible] مسائل شرع و وکلا از [illegible] که در چنین یک مجلس بزرگ

سفیر روس

ماسکو (۷) اپریل ـ روزنامه ... که نماینده سویت در دنیا روما (پایتخت ایطالیا بود) سفیر طهران مقرر و عازم آنجا شده است.

اضطراب اهل حجاز بخلافت شیخ سنوسی

اروپا همه وقت اتحاد مسلمین را بیک نظر مضطربانه می نگرد چند روز پیشتر شایع شده بود که سلطان ابن سعود نجدی اراده دارد که شیخ سنوسی را بمنصب خلافت سرافراز نماید.

درین وقت «کورترادی آتالیین» جریده نشیوانیست ایطالیا مقاله سپرد قلم نموده و در آن خطرات خلافت شیخ سنوسی که بعضی دول اروپائی احتمال میداد بتفصیل نشان داده میگوید: در صورتیکه منصب خلافت بحق شیخ سنوسی شود بعضی مسائل مهمه که قابل توجه خصوصی میباشد تولید خواهد کرد و از همه پیشتر این مسئله خواهد بود که خلافت باز بحجاز ... خوب تحویل خواهد شد و نظام و اصول آن مطابق خواهش برطانیه نموده کاملا بر وفق خواهش عالم اسلام ختم و مرتب خواهد شد که ازین جهت در دنیای اسلام از سر نو یک جوشش زبردست اتحاد بین المللی بکار رفته و تهذیب (خود ساخته اروپا) در معرض خطر واقع خواهد شد (ای کاش خدا کند!!!) در متن دنیا علی العموم و در افریقای شمالی علی الخصوص برقرار نخواهد ماند اگرچه انگلیس نظریات خوف زائد نظر داشته میخواست خلیفه را بر وفق مراد و رضای خواهش مقرر نماید ... که مصطفی ... گردیده همه مقاصد و مرادات انگلیس را تباه و نابود ...

ساخته اند و خیال میشود که اهالی ... خلافت شیخ سنوسی را ... از حیثیت مذهب هم سلوک هم عقیده ... از زاویه نگاه سیاسی هم ... بسیار اهمیت و هم ازین سبب خلیفه شدن شیخ سنوسی در برابر دنیای ... یک خطرهٔ بزرگ و اشتباه ... ضرور پیدا نموده.

غازی اعظم و ... امریکی

محمود ندیم بیگ ... یمن ... گردیده و در نزد او چند خطوط بهست ... از غازی اعظم مصطفی کمال پاشا بدیگر نشان ... فهمیده و علاوه بران بیان نموده که ... از افراد یمن انگلیس را بنظر تنفر مینگرند ... جهت ... مستقبل این خبر ... میباشد ...

انتقال ...

مشهد مقدس ۲۷ ... پایه نیز ... مجتهد اعظم عراق آقای آیت الله ... امشب ابوقت ... دنیای فانی را ... و همه دکاکین و بازارها بسته ... و از وفات آیات آن عالم وطنخواه یگانه ... ماتم کرده و از مشهد به همه شهرها ... تلگراف داده شده که ... ماتم داری وفات این قائد بزرگ ... دکاکین و بازارها بسته ... او حضرت تعالی خالصی زاده درین وقت ... و ... او میر دارند.

حقیقت: ... خالصی یک بزرگوار وطنخواه و حامی و دشمن کفار بودند درین سوگواری ...

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت [illegible] ششماهه	سالانه
دارالخلافه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
[illegible] خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۳۰

قواعد و ضوابط

این اخبار [illegible] مطبوع [illegible] منشور [illegible] مقالات [illegible] حقیقت [illegible] درج و عدم [illegible] مشترک [illegible] ماهوار [illegible]

منشور (نگارنده)
برهان الدین کشککی

حقیقت

[illegible] علما و طلبه [illegible]

سال اول کابل دوشنبه ۲۹ ثور ۱۳۰۴ ش مطابق ۲۴ شوال ۱۳۴۳ ق شماره (۱۷)

[illegible] علیحضرت معظم غازی در آغاز [illegible] ملل داخله افغانستان

[ابعد از [illegible] مذاکرات [illegible] [illegible] ملاقات [illegible]

[illegible] ازصف ۱۰۲ الی ۱۰۶ سطر [illegible]

[illegible] شان و شادمانی خود [illegible]

[illegible] افغانستان عزت و شان و شرف [illegible]

[illegible] و دول رجحان الفاظ [illegible]

[illegible] نوبت [illegible]

[illegible] آمده ذات همایونی [illegible]

[illegible] ایراد [illegible] ازان مذاکرات

شروع گشت. ب. د]

نطق شاهانه

بنام خداوند [illegible] آغاز [illegible]
خدای [illegible] [illegible]

درین وقت [illegible] روز معاملات خارجه را بکمال خوبی حسب خاطر خواه عمومی شرف اختتام پذیرفت اکنون نوبت بمذاکرات در امورات داخله مملکتی رسیده درین مجلس ابتداءً بطور یادداشت

عرض مینمایم که شما [illegible] درگاه [illegible] مسائل [illegible] خواهش مذاکره و مباحثه را دارید [illegible] خواهش و مطالبه شما [illegible] سیاست [illegible] تماماً برطبق اوامر خداوندی و حضرت رسالتپناهی و شریعت غرای احمدی است و همه اجراآت و عملیات و کارروائی این مملکت اسلامی افغانی [illegible] شریعت [illegible] مرعی و معمول بوده و میباشد او [illegible] خواهش ندارم که درین سرزمین [illegible] از این اساس متین دیگر اساس [illegible] فکر نمایم [illegible] عقیده [illegible] تمام نظامات و قوانین و کارهای [illegible] مملکت عزیز را [illegible] بمدت (۵) سال برهمین اساس بنا گذارده ام [illegible] اکنون از [illegible] [illegible] که [illegible]

اساسی معلومات را خواهان و مطالب مذاکره در آن
میباشید. تا همان اساسی و همان فقرات پیشگاه
آن قرائت و مطرح مذاکرات گردد. - والا
اگر شما بخواهید که تمام نظامات و اساسهای
ادارهٔ حکومت خود را ملاحظه و تطبیق و تنقید
پس لطفاً کم از کم تا یکسال زحمت اقامت
خود را در اینجا بکشید تا بر تمام جزئیات و دقائق
حکومتی خویش که بهزاران خون جگر در مدت
مدید تدوین و تنظیم یافته است اطلاع
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بعمل آمده در نتیجه تعدیلات و تغیرات و
تبدلات در اساسی [illegible] کرده حکومت
کرده شود - اگرچه خیال خودم موضوعیکه در
مباحثه امروزه [illegible] حاضر نیست اما اولا
از شما استفسار و استجار خواهم که تدوین
در امر معروض خواهم داشت - بعضی در
مقررات حکومتی از قبیل مالیات و خدمت
عسکریه و محصول مواشی و امثال آن بخواهان
اساسهای لایتغیر حکومت است که هیچ سلطنت
بدون از تقرر و اتخاذ آن جریان پذیر نیست!
اگر شما خواهان تبدیل و تغیر درین محصولات باشید
پس لطفاً در تنخواه مامورین و تعداد عساکر و دیگر
تکالیف و اخراجات حکومت نیز تخفیفاتی را روا
دار شوید تا من نیز در تقلیل نمایم - باقیماند
امورات سیاسی عده از آنرا خود شارع مقرر
و معین داشته است که هیچ مسلما و عقلا وجدان
در آن مداخله کرده و زیاد را روا دار شده نمیتواند
و مجبور است که بر طبق اوامر خداوندی و فرمایشات
شریعت نبوی رفتار نماید بعضی از آن که تعزیرات
است در آن تنها حق مداخله را اولی الامر دارد

مثلاً از سه دره (۳۹۵) در ره را من عاجز
دارم که بر شخصها صحیح جانی اجرا نمایم که آن هم در حقیقت
تعمیل امر شارع است که بر حسب عادات و
اطوار قوم و اقتضای زمان و روش [illegible]
در معرض اجرا آورده شود و اشیائیکه از طرف
شریعت تعیین شده چنانچه کفارهٔ احدی
حق مداخله را ندارد - اگر شما بگوئید در [illegible]
بدست دیگری هم اختیار است انکه
بمن علما اختیار میدانند و برای مباحثه
در امورات تعزیری تصویبات [illegible]
شما بلحاظ زمان و عادت و رفتار [illegible]
وضع کرده [illegible] حالیه [illegible]
که آزادانه با شما مباحثه نمایم مقصد اینست
که شما اولا موضوع مذاکرات خود را [illegible]
کرده که کدام یک اساس نظام خواهش دارید
و بحث کنید ؟

در اثر آن مباحثات و نظریات
تعقیدات لویه جرگه در مسائل داخلیه شروع
شده هر کدام از شرکاء جرگه در مسائل [illegible]
فیما عطای افکار و اقامه دلائل نموده [illegible]
باتفاق آرای مواد مجوزه تصفیه [illegible]
جریدهٔ ما متحمل انتقال تمام آن مذاکرات
و دلائل و افکار یکه از صفحه (۱۰۹) الی
صحیفه (۳۰۲) روئیداد لویه جرگه منتشر
مفصلاً مسطور است، شده نمیتواند
از اقتباس بعضی نطقهای مهم ما حصل
آن مذاکرات مطوله لویه جرگه
که از صحیفه (۳۰۲) الی صحیفه
(۳۴۵) مرقوم است در شماره
آتیه خود انشاالله العزیز
انظار ناظرین اولوا الابصار خود [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 78 of 524

نظام دکن و حکومت برطانیه

بهمه معرز یاز زمیندار دنمبره مورخه ۲۳ ماه اپریل نوشته اعلیحضرت نظام دکن، در ایام جنگ عظیم، علاوه بر امداد عسکری مبلغ ده لک پوند طلائی و یکنیم کرور روپیه کلدار بصیغه قرض برای حکومت انگلیس اعانت نموده بود، حالا جریده تایمز مطبوعه انگلستان مظهر است که اعلیحضرت نظام دکن این مبلغ خطیر را بخش و عاشانه واگذار، و بر اختران آن جودت تجلید کرد و طلوع افغان. ح. ش

رشته بدگریزان انگلیسیه دوست ــ میکشد هر جا که خاطر خواه اوست

دور کن جرص و حسد از خود و آسوده باش

(از طبع جناب میرزا عبدالرحمن شاه صوفی محمد عظیم خان (ضیائی))

کشت را زلف بتی سیاه اسیر
صبح و شام او عمر و تیره گرد
دل بری دلبر برفت جان بر سر
بعد کشتن زنده بردم هجو وصل یار
زاهدا با انکه دو ز بساط عاشقان
نیست دنیا جز بلا با بر از خوف و خطر
همچو عیسی پا بر افلاک با روح پاک
دور کن جرص و حسد از خود و آسوده باش
کو دل خوش بهجران بر اجر آف فطرت

نیست بیش بجز ناصحی کامل چرا
بر سر خواب غفلت باشی چرا
همره خود جان وان بیقرار ول چرا
رحمت بود بر خود پی بدخل چرا
بیشمار خویش افزاینده و عاقل چرا
کار دوا مانده غافل تو از قرار
خویشتن را کرده پابست گل چرا
کار آسان هست بخود ساختن مشکل چرا
درمیانه جان و جانان تن بود حائل چرا

مراکو

احمد ابن محمد ابن رسولی معروف به (رسولی) یکی از شخص معروف غنا خود در مراکش بوده و در وقت امیر عبدالکریم مراکشی در ریف بر علیه اسپانیا برای محو و دوام کردن حقوق وطن خویش، برخلاف او اقدام کرده بالاخره از طرف بعضی امیر عبدالکریم دستگیر گردیده و درین وقت وفات یافت، رسولی تقریباً از (۳۵) یا (۳۹) قبل تا امیر عبدالکریم مجور سیاست و فرد مشهور و اول مراکش بود و چنانچه برخی از واقعات بزرگ هست، چیزیکه رسولی را مشهور ساخته بود این بود که سیاحین و مسافرین اروپا را دستگیر و در عوض آنها مبلغ زیاد بابت فدیه میگرفت چنانچه در (۱۹۰۷ م) سر (هیری میک لین) قائد قشون سلطانی در مراکش دستگیر و بعد از گرفتن (۲۰) هزار پوند رها نمود. یکبار مستر (هیریس) وقایع نگار روزنامه (تمس) لندن را در طنجه اسیر نموده و در عوض (۱۲) نفر

از دوستان خویش که محبوس بودند رها کرده (۱۰۰) در (۱۹۰۰ م) دو نفر امریکائی را در جریده ویلیس گرفتن (۱۱) هزار پوند از آنها گرفت، خود رسولی هر چند بار دستگیر و جمعیت اسپانیا گرفتار، بالاخره از محبس فرار کرده است.

هند

شورش هندوان روز بروز شدت میکند، باعث عتصاب بین بود که (لاله رام چند) از سیاسیون خاتمه که او و ليندی را مامور حکومت از جمع آوری اعانه باز داشتند، مشارالیه از جمیع مامورین که مخالف قانون بود برحی نمودند، خیلی از کار کشیدند هندوها و اول با اظهار حمایت از کار کردن استنکاف نمودند، حکام راه آهن را آنکه ابراز ملامت و مرعی کنند اظهار خشونت ده نمودند در روز امه که ظاهر که را بروز هندوان بسته اعلان دادند تا هندوان از زین کار خود نائب

عریضهٔ طلاب افغانی در برلن بحضور اعلیحضرت غازی

حضور مبارک پدر رحمت گستر و یگانه پادشاه قابل قدر خود با فدا شویم - فرمان عطوفت عنوان عزیز و خطی خود را که از فرط شفقت های پدرانه و نوازش های ملوکانه باحوال پرسی این خدمتگاران ذات شاهانه خود ارقام نموده بودند بکمال افتخار بوسیده بر روی دیده نهادیم و بر سلامتی وجود مسعود پادشاه محبوب القلوب خود بصد زبان عرض شکرانه بپارگاه خالق اکوان نمودیم ، اعلیحضرتا زبان خامه وقلم زبان این عاجزان برای اظهار تشکر و امتنان این همه الطاف بیکران شاهانه ذات سراسر حاجز و کوتاه است که با این همه جهات مملکت داری و معارف پروری و رعیت شماری و ترقی خواهی و رعیت پروری ، باز هم این یک مشت مهجوران ناچیز را بیاد داشته بتفقد حال و پرسش احوال این خلف خاطر عاطر فرموده اند ، شهریارا ملت افغان اگر امروز بوجود مبارک سراپا افتخار بسایر ملل بنازد سزاست و اگر تاریخ تجدد و تمدن افغانی ما بحیث یار صفحه اولین خود باب زر نویسد بجاست چرا که در عهد سلطنت اسباب راحت و اقبال و لوازم سعادت همه ما در انتهای کمال مهیاست توجه الطاف خسروانه مراحم ملوکانه و شفقت های پدرانه مر کل را از صغیر و کبیر فرمی و عشیرو و دور و نزدیک نائل و شامل از برکت مساعی پدرانه و شجاعت قهرمانه آن پادشاه استقلال پسند اکنون کار بجائی رسیده که روی صفحات جرائد معتبر اروپا اسم مملکت افغان و نام پادشاه جوان جوانبخت عالیشان دیده میشود تاریخ تمدن افغان عزیز اسم سامیت را بر صفحات خود ثبت مینویسد که همت عالی همت خط افغانستان را ملل متمدن دنیا شناسانیدند و از نوابغ دهیت و عرفان آن برده اهالی آن کشور برای عمران مملکت سرسبزی و نشو و نما

وطن به نیکی و شرف مساعی نمود که از طرف عرض ... افغانستان ... گلستان ... دو ... ازینجاست که دعای سلامت وجود مسعود ... افراد افغان در هر ساعت و آن فریضه لازم ... متخصصین اهالی معارف ... ازاولین ... منتابع و دولت انتساب ... عالی نهاد ... نتایج امتیاز از سر منزل عرفان ... به نسبت دیگران ما خورا نشتر ... مراحم اعلیحضرت بشماریم و ازین بزرگ نگاه ... ادا کرده خواهیم بود که ... نصایح پدرانه و الطاف از گوش جان شنیده و دقیقه از دقایق ... را بجز تحصیل علم و کمال صرف نکنیم و از دل و جان یک آن اولتر خود را به نقطه مقصود رسانیم تا ممکن باشد بیاری پدر معنوی خود مراجعت ... مادر وطن شروع کنیم و ... اعلیحضرت بود آباد نموده ... افراد ملت در ... کنیم - الحمد لله که تا این ... مراحم مبارک صحت ... تعلیم تحصیل ... مشغول ساخته ... عیش ... مطالعه کتب و ضبط اسباق ... ایم و ... ابرار ... وارد ... تا ساعت آخرین ... وجود مبارک اعلیحضرت ... در کنف حمایت ... ما ... خود را در این ... آرزو ... در ... و ... خدمت وطن و ... آبادی مملکت نایل گردیده باقی ... بیاد ... خواهد ... تو

نوازش نامهٔ شاهانه در جواب آن

نور چشمان من اولاد ان عزیز ... عزیزمه

محصلین افغانی در برلن !

من ... از ... ام ... آمال ... ام ملکه ... آن و در انجام تعلیم و تربیه متخصصه ...

۱۳۰۴ ۱۳۰۳ ۳۰۳ ۱۳۱ ۳۰۰ ۱۲۹۹

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 80 of 524

نمیکنیم که مملکت اصلاحیت استقلال و شرف و ناموس عزت تاریخی
معلوم است که حفاظت و نگهبانی آن بهادر مخ ملت او شماست که
باید بمقابل اثر یکه سیاست و شیطنت آن دشمنان عزت ملت و حکومت
که برای سلب استقلال مملکت عزیز شان با بزرگترین سیاست خود
داخل یک مبارزهٔ پنهان خونینی گردیده اند با کمال جدیت و
فعالیت با فشار می نمائیم!

ازین گذارش شاید بعضی رفقا متعرض شده بگویند
چون ملت افغانستان تماماً از صفات و مزایای استقلال مطلع هستند
وجهت حفاظت آن امانت حتی کمتر طفل افغانی سر خود را فدا
میکنند این احتیاج بدین توجه مزید چیست؟ مائیده بدان جهت
عرض میداریم که بلی من نیز قائلم که بلا ریب ملت افغان بسیار خوبی
قدر استقلال آن استقلالی را که بعد از جنگهای سالها و تلاش قربانیها
و فداکاریهای بسیار و بعد از دخول در یک مبارزهٔ دهشتناک خونینی
از حقوق مغصوب خود را از دست یکی از دول طماع بزور آورده
و با خون جوانان خود و دادن قربانیهای رنگین بوده و برای آزادی خود در
توجهات آتش بار اثر طیارهای مسلح انگلیس با خاک و خون آغشته بر خوش
شهادت شدند. لکن امروز هم باید بمیان مقصد که در راه حصول
استقلال جدیت و دلاوری و جوانمردی خود را بخرج رسانیده
اند که حتی خود را بسوی این که باید تا شقاق و نفاقیکه در بین ملت
خود او قوم خود او بعدین خود او همه با خود ما بار تحریک دشمنان
دین ما افگنده است مبذول نمائیم.

امروز از دسائس و شیطنت اعدای ما صحرا سمت جنوبی
با خون ملت شجیع ما عسکر و مفرور سمت جنوبی بست لاله گون است.
امروز آن افراد عسکری ما که بعضیه جان عزیز شان را نثار بگلوله
دشمنان اسلام و استقلال میداشتند بهدف تیر جهالت خود شان بجاه
مکر و فریب این دشمنان دیرین گردیده است.

امروز اگر اعلیحضرت ملت دوست ما دقت و باریک بینی
بر دو کار نباد در حفظ اخوت بیک عضو مهم دولت مظلوم نشدی بکار
درین موقع اگر هجوم ملت افغان نیز از روح قدر اتفاق و نفاق
گلوگیر جگر سوز را بسیار ناگوار می پندارد و اکثری از ملت حتی شعوبی عاجز
قبلا خواستار قطع و برید این عضو مهم ملت و مملکت شده و نیز اشده

ازانجا که این اندام خراب و زخمی شده است اگر دفعتاً قطع
و اصلاح و اندمال آن مزید برین سستی رود مثل سابق برای
سریم بجا ما از بدتر و از خراب خرابتر خواهد شد.

ازین است که ملت با حس و عاقبت اندیش جهت
آن خرار و فساد جنتگا مملکت خود در نتیجه رهنمائی شریعت
مقررات اسلامیت و اوامر و هدایا افغانیت و احساسات
اعلیحضرت بزرگترین قشون صلح را آماده و حاضر ساخته اند
آخرین مرحله وطن پرستی را بمفاد آیه مقدسه (واعدّوا لهم
ما استطعتم من قوة ومن رباط الخیل ترهبون
به عدو الله وعدوکم) حقیقتاً بجا آورد

عبدالکریم نام که خود را پسر میر محمد یعقوب خان معرفی
نموده کیا داخل سرحد جنوبی افغانستان گردیده و با اطاعت
بعد است فی الجمله دو لوا انگیزه و شورش افزا شان حکومت
خلاف حکومت افغانی ما کار رواینها میکنند با او در
که از سوء اعمال خود در محبوس خانه هندوستان آباد و فیض آباد و غیره
محبوس بود؟ و به شیطنت و منافقت خود را از محبوس
[illegible] انگلیسی برکرد [illegible] و با زاز کدام منطقه داخل
و بالآخر بر خلاف حکومت افغان کار میکند

ای عبدالکریم تو که خواهش میکنی و حقیقه سیاست
و خیالات حکمرانی را در دماغ فرسوده خویش میپرورانی
میدانیم که تو بمقصد خود کامیاب نخواهی شد لکن ملت
سرحدی ما را بواسطه جهالت و نادانی خود شان که بجانب
طرفدار تو گفته میشوند. بهدف گلوله ما ملت میسازی
بر چیز لازم است که تو اثبات شرافت و پاکی امنیتی
هندوستان ثابت کنی و مکنظری بران رسوا نگاهی
زندگانی خود ببینی! سبحان الله چه خیال باطل چه
آیا هجوم ملت افغانستان میتوانند که وجود بیچه شخص بی شرف
خیال محال را در تصور و تخیل خود جا بدهند بگذارند
هم گفتنی! آیا بار دیگر بیچاه اشخاص محبوس خانه
و مرادآباد است، نه در افغانستان اسلامیت نهاد با [illegible]
انواع مظالم و اقسام مرض جفا از [illegible]

بر آن اتا استماع بعضی مردم که این مردم آشنا باشد و شده است لیکن خورند هم کرآن توده بی سواد از ین ضعیفت رسانید دینی برده مینوانند ببالآخر خود بدنگوید و عبا کرده و دیگر بزرگان مجاهدین بگردد دارند و این مرده و دیگر و انصاف و برای حکومت متبوعهٔ خود را که شفقت و مرحمت بضعف تحمل میکنند.

و اسفا که این جاهلان باغی احوال از اصل مقصد غافل اند و بی باور و سائر دشمنان دین فنا شده برده و قدر حکومت متبوعه خویش ندانسته بالکل امکانات اکثر جاهلان بی سواد و بیکاره از منافع حقیقی خود و وجه دست نا اجانب بر آنجریب است و سائر عجیب کار گرفته است در حقیقهٔ شریعت بر دو حقوق خلق و وطن خواهی آن توده بی سواد کاملا واجب کاطاعت بحکومت و اظهار حقیقت به دولت است تخصیص داده بر ترمه و نفاق و شقاق دشمنان سلوم در بین افغانیا کاشت و بر قدر رسیده و تبلیغ وعظ و دعوی که خود ابدی احکام شریعت و پاس سلامت وحشت طرح این کرات گرفته ا یک عزم متین اراده ثابت و دلی شمولیهٔ بسا وطن وطن سازنی بی کوشیده و میکوشند. در خاتمه نظر این یک کته را شدکی مسموم کرده حضور وظیفه مقدس طرح داده مقابل افشار با بر اجنبی و بیگانه عزاد کمزار جان مطلب بکری بر از مقاومت و ایستادگی چیز دیگر نمیدید بود که اگر در تنیهٔ طفل معصوم و پاکیزه در مظلوم هم با اتحاد الذمه آخر مقاومت تا آخرین قطرهٔ خون خود در میدان ایستاده صحائف تواریخ افغانیانرا تعلم کل گون ثبت و رقم خواهیم کرد. (احمد راتب)

حقیقت — مقالهٔ فوق که تراوش قلم حضرت راتب است جناب شان بسبب تقریضی که در مقالهٔ شان نمود و ایم و محفوظ حقه ابتدائیهٔ آنرا که در صفت این بیکاره گمنام بود کاملا قلم انداز کرده ایم — خوانندگان معانی عبارتشم و عین این جنس ترشحات اقلام هم جوانان فهیم در ایقاظ و بیداری ابنای وطن تواناو جار خوانا بوده و دوستانه امثال این حضرت متذکر خصوص کیاستی در حین قلمبند نمودن مقالات احترام خط سیاسی حکومت و حیثیات ملت زیاده بر زیاد نمایند.

چند جملهٔ اجمالی نسبت منطقهٔ باغی

درین روزها از اطراف و قوتوا لوگر و غیره که طالب تحقیق حقایق مندرج نداده بست و بنا بر ان ازین گوشه و کنار خبر وار است —

البته آقا سردار شاه ولی خان و دیگر مجاهدین احیا باعث اصلاح چند قراد گردیده احساسات و اقوال و افعال آنها باعث اهمیت نسیم ممروان شکوه طاهر بر آنگستان شده مصالحان و نور احیاء دو واعد سابقه بلا انجا مجری حریلی ام را داخل کفه و شنیده میباشند و از طرف قرار رسائل لاطائل و کلکان ما الارضی به القائل شنید در اطراف خبرهای در دوکه بعضی جملهٔ جهاد اول پیرار که تکرار داشت را بورت تخریه و آزاده و زیر شما داخله آقا عبدالاحد خان و ذهر محمد صبح خان شد تا آنرا باعث فعالیت عساکرو مجاهدین طرف اتر اطلاع داده اند — **یک قوهٔ کمکی ملکی** و نظامی ! از طرف حصار نجلاب از راه (آدس) بجاجی و کلکی رسیده و این قوا را او آن قوا امتی که با آنرا دارین موضع سیاسی شرا کنا بند رفع تسبیلاد و اوند ترمذ و دا تسلیم این پیرود و او تعقیب وضع سخت است.

آیا در ایجا و سمت جنوبی حکومت انگریزی است

تا نجوا انکار با اثر شاهی جریدهٔ اتحاد مشرقی از خلال دستطرا رسیست که جدید ترین روزنامه زمیندار ، این اطلاع چند قبیل اخبار زمیندار ، این اطلاع از کدام ماخذی منقول بوده که در بغاوه موجوده خوست (سمت جنوبی) دا دالکووت انگلیس با به ارتباط این خبر تقیناً آن هم حاضر تعیاری امور علیه مقامی آنجا شده بحت بلکه آنها بر از اخبار نفطیه و اعتماد امثال اقوال نیز مدد ابدی شده — اما آنکه اکنون این خبر را تفصیل مزید بعد و شد مدیدی عموم مجرا در گرده بار از جهانی خبرساز برقی انگلیس یا خطو حابت خوانا و مجلا اختیار داده اند و مخصوصاً اخبار اردوست لوی بنا برظاهر غلط انشتاین دو فساد را در اطراف افغانستان اندرست کارگزار انگلیسی بر علیه منابع شود در مملکت شما می نمایند — بلد اخبار بدلائل بادبار حکومت مقامی خویش که علاوه جهاد و یک بواسطه اندراج آن خبر مجبور بود — ما بدانیم که این اخبار ، محافظه کاری چه کردار حراجات ممن کثیر مالا عمور ما کار ادارهٔ اخبار زمیندار کا ر برداران ادارهٔ خبرسان لندن هم بر پیشقدم باز رسی می آورید کا اینا خبر نامه زمیندار بخارا وسمت جنوبی افغانستان را در حرا الگریزی اطلاع داده و بشر اء جریدهٔ اکشور برده باغند و آنرا نقل داشته است — زمیندار ،

کند این دیو مشکل را ز زابرو دست در جنگل

نتیجه افکار آقا میر حسینی ... [illegible]

دلا گر بهره داری ز حب دین و ایمانی — تمسک کن ز روی صدق با آیات قرآنی
ببین کت خالق عالم چه فرموده است در قرآن — پی تنبیه نفس هر که او دارد مسلمانی
که هر کس ز اهل ایمان است باید جهد کرد او را — باموال و نفوس خویش اندر راه یزدانی
چه باشد طاعت شاه و پیروی شرع پیغمبر — بود با خود شرع احمدی از امر سبحانی
از آن رو هر که سر پیچد ز امر شاه دین پرور — یقین کافکنده دین خویشتن را او بویرانی
نموده اختلاف و ضدیتی با احمد مرسل — که افکنده بهت از نفی او خلل در حکم قرآنی
نمیدانم چه پیش آمد گروهی را که در طاعت — سر از اخلاص پیچیدند آخر و از نادانی
ز خاطرهایشان شد محو یکسر لطف شاهنشه — تو گوئی نیست اندر طینت شان غیر نسیانی
زبده و سلطنت شاه رعیت پرور عادل — باین احسان فراموش شان بکرده غیر حیرانی
مگر از حکم حق این ناخردمندان سنگیندل — تبرا جسته از نابخردی و جهل و نادانی
و یا ز اغوای دیو شوم نفس شان شده غافل — که از جا رفته و بگرفته راه جهل و شیطانی
مگر ابلیس اندر صورت انسی مجسم شد — که مشکل را ز جا برده است و افکنده بحیرانی
و یا در چشم شان آمد غبار نخوت و غفلت — که حب دین و ملت رفته از اوشان بیکطاقی
خدا ما را بسوی صلح و دعوت میکند هر دم — عجب تر آنکه میپویند ایشان راه طغیانی
نباشد رسم و آئین خردمندان با فطنت — که اندازند نفس خویشتن را در پریشانی
مگر عبد الکریم بیسر و پای خرد دشمن — دمیده روح باطل در تن این فرقه جانی
که چشم از دین و کیش خویش پوشیدند از غفلت — بسلطان رئوف خویش ورزیدند عصیانی
سزد هر قوم و ملت را که جانبازند در این راه — که تا نائل شود دولت بقلع شان بآسانی
خدایا قلع کن بنیان خصم دین و دولت را — که تا عالم بیاساید ز هر اندوه و خلجانی
کسی کز امر شه سر تافت واجب شد بر و آتش — بحکم نص مطلق گشت اندر خورد نیرانی
هر آنکو در خور دوزخ بود قتلش شود واجب — بحکم عقل و فرمان نبی و امر یزدانی
سزاوار عتاب حق بود آنکو بتابد رو — ز فرمان شهی کز وی نیاید غیر احسانی
شهی کز لطف و رأفت کرده تسخیر دل مردم — شهی کش دست بخشش برده گوی از نیسانی
امان دین و ملت بر وجود شاه فرخش قائم — ریاض جاه و دولت را ز عدلش ساخت نورانی
ز انشاره وفا و مرحمت ترکیب سرجوشش — باخلاق و مروت نیستش کس در جهان ثانی
خدایا سرفرازی ده عدویش را ولی بر نی — محبش را ز الطافت نگه کن از پریشانی
نشین در تحت فرمانش زمانه باد ز اخوانش — چو من دوران ثناخوانش علی رغم بداندیشانی
دل احباب ده خرم عدویش را بلا تو أم — چه نیکو گوی حزین عالم مرده باد و ثنا خوانی

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یک روز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در هر پست منتظماً ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارندهٔ حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره مانده و عریضه در اندراج و اصلاح و عدم انتشار حق اداره است. اشتراک توسط قرائتخانه تلقی و بصورت نقدی از همه جا قبلاً دریافت میشود.

نگارنده: برهان الدین کشککی

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالیانه
دارالسلطنهٔ کابل	۵	۹
داخلهٔ افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

مخصوص شرکت: به اداره و علما و طلبه
صفت: بمرام نامه نگارنده کشککی
تبادله: با جرائد اسلامی و شرقی
قیمت یکشماره: [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل چهارشنبه (۱۸) سنبله ۱۳۰۳ شمسی برابر (۱۰) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۳)

تشکر از مردم سمت شمالی و امتنان از جوانمردی آقای میرزا فقیر محمد خان

با اینکه قبلاً ابراز تشکرات خود را از مردم سمت شمالی که در این واقعهٔ ناگوار سمت جنوبی اظهار فعالیت و لیاقت و خدمت نموده اند بحیثیت مجموعی نموده ایم. لیکن فعلاً چون از خدمات برجسته و احساسات اسلامیت آقای میرزا فقیر محمد خان و دیگر اعزه و نفر سمت شمالی کسب اطلاعات تفصیلی نموده ایم که از آغاز این سانحه این مردانه وار یک شوق و شعف دیگر مخصوص خرق العاده بصد ها نفر بخط با شرف عسکری روانه داشته اند و فعلاً در اکثر حصص سمت جنوبی بهیچ جوانمردانه سمت شمالی سینهٔ اسلامیت و افغانیت و غیرت خود را سپر نموده بهمه گونه اقدام اجراآت دشمنان اسلامیت و افغانیت و وطن و مملکت خویش شتافته اند. حاضریم که یکبار دیگر بار تحسین این فرزندان رشید افغانستان ابراز داشته برای مزید موفقیات خدمات ملت و مملکت و اسلامیت تشکرات خود را تحفه و هدیه نمائیم.

ناکامیابی عبدالکریم فراری در بغاوت سمت جنوبی از نقطه نظر اخبارات انگلیسی

در یکی از جرائد تازهٔ انگلیسی بعنوان فوق برخوردیم چون تشخیص نموده ایم منتشر نمودیم دریافته بترجمه اش پرداختیم:—

…… از اطلاعات تازه که بعمده از اطراف و نواحی سمت جنوبی بهم میرسد چنان مفهوم میشود که عبدالکریم فراری در جمع آوری افراد جمعیت باغی بر علیه حکومت افغانی با وجود جد و جهد غیر مقابلی ناکامیاب بنظر می آید. بلکه علی الیقین و فکر عموم قبائل و عشائر و اقوام سمت جنوبی از غوغای ملا لنگ و ملا بابی گری و بدکرداری عبدالکریم مطلع شوند لا محاله در تحقیر و تذلیل وی کوشیده در معاونت و پشتیبانی او کمتر خواهند پرداخت.

علاوه بر این حکومت و ملت افغانی بکمال گرمجوشی و افتخار در انتظار این نائرهٔ بغاوت مصروفیت دارند

تفصیل مقامات	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

حقیقت

ج ۱۳۰۳

مدیر (نگارنده) برهان الدین کشککی

[illegible] ۱۳۰۳ [illegible] ۲۶ شوال ۱۳۴۲ [illegible] (۱۱۸)

نقد جان بر کف نهید از بهر ایثار وطن

خوش بهار آمد و مارا به گلزار وطن — از خزان آزاد [illegible] وطن

باغبانش را درین گلشن بطور دائمی — زنده دار از [illegible] چمن زار وطن

وه چه گلهای طراوت بخش [illegible] — [illegible] گلزار وطن

گشت [illegible] باغبان [illegible] — [illegible] یار و غمخوار وطن

خان شد [illegible] — شد [illegible] گلهای [illegible] وطن

[illegible] الحمد [illegible] — [illegible] و الطوار وطن

[illegible] سابق شکر آبادی حاصل — همت [illegible] معمار وطن

[illegible] داد رجان تازه را — بر و میده درین افسرده و زار وطن

زندگی بخش وجود دولت افغانیان — ذات این شاه مظفر شد در اقطار وطن

یعنی دین است دولت [illegible] — [illegible] اخبار وطن

از پی آسایش دولت [illegible] — [illegible] بار وطن

[illegible] ملک خود درست — گشت [illegible] افکار وطن

با مسلمانان عالم سلسله بندی نمود — ساخت [illegible] دیوار وطن

بین خود و اسلامیان [illegible] تالیف قلوب — [illegible] اسرار وطن

شد [illegible] در جهان با اجماع ارباب [illegible] — [illegible] اسرار وطن

کوس آزادی و مختاری [illegible] — [illegible] احرار وطن

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 85 of 524

بو بهاری از تمدن پیش ازین اوطان ما
نزد با از برای علم و عرفان نصیب کم بُد
شد در ایام قلیل از همت والای او
جلوه‌گر گشته دریای معارف موج زن
خار ناکامی برون آمد ز پای ملک ما
از صنایع و بدایع آنچه در آفاق بود
ملت خود را فراغ از احتیاج غیر داد
در رعیت پروری فرد شهان عالم است
فرق در فرزند خویش و ملت خود نبود کش
بر فدویان وطن دایم عطا پاشی وی است
ذات او از بسکه مجبول القلوب عالم است
مزرع آمال ملت خوش طراوت یافته
انتظام کل امور ملک را بسپرده است
مملکت را اعتلای بیش داد دست و هنوز
تلگراف و موتر و طیاره را با برق کرد
ای وطن داران افغانی خدا را بهر ...
صرف مال و زر برای ملک در موقع کنید
شاه چون ما را نمود آزاد از دیگر قیود
هر که از حب الوطن لافی زند باشد دروغ
کی دریغ مال و سر را میکند هر کس که او
دلبر با بود و کیش دلبری صد چند شد
مال و جان را گر نثار نیستیم در عالم بجا
هر که از ملک و وطن آواره باشد همچو من
نسبت شیر احمد مجب قسمت اندر ما

در تماشای کنون گرم است بازار وطن
کاندر و گشته صاعد خلق بسیار وطن
علم و عرفان و کمالات و هنر کار وطن
جهل و غفلت خواب گه دارد از بخت بیدار وطن
شد چو گلهای معارف زیب دستار وطن
جذب گردید خس و خاک در انهار وطن
محو گردید سراف دار از طبع حضار وطن
هر طبیعی را شماره گه چو اخیار وطن
بسکه دارد لطف بر هر فرد دیار وطن
جرم بخش است و خطا پوش گنهکار وطن
چون پدید انداز ... اغیار وطن
از کف جود و سخی کس هست ابر گهربار وطن
بر وزیران دیانت گشته معیار وطن
هست روز افزون ترقیهای انوار وطن
در فضا و در هوای ملک سیار وطن
گر دباید روز و شب از صدق در کار وطن
نقد جان بر کف نهید از بهر ایثار وطن
نا بقید دین شوید و هم گرفتار وطن
تا بمال و جان خود شوید طرفدار وطن
داده بخر چهرهٔ زیبای دلدار وطن
زانکه زیب از خال عرفان یافت رخسار وطن
نام ما شهرت پذیرد در رفع ادبار وطن
او همی داند بکیف قدر و مقدار وطن
بی نصیب است آنکه در گه شاه و ز دیدار وطن

خلاصهٔ مذاکرات و تعدیلات لویه جرگه در امورات داخلیه

علیحضرت

در خاتمهٔ بحث بر روزه از اظهارات شان چنان مفهوم گشت که مزید برین گفت و شنید دولتی ندارند بهمه آنرا بصحت و صواب قرین دیده ریاست شوری دولت را اجازه دادند که خلاصه مذاکرات و اصلاحات و جوالفض نارا مسوده نموده الیوم مکرراً بمخصوصان بخوانند تا بشنوید که جای فرمایش و آرای شان تحریر شده یا نی، در نتیجه و بیان خلاصه لویه جرگه را باتفاق آراء و افکار شان تعجیل مهر و امضا نمایند اینک ختم صاحب نموده شوری دولت بر آن شان چنان اشتیاق مطلوبه شمارا وحوم در بعضی مقامات برای شان اصطلاحات میدهیم —

علمای نخبهٔ لویه جرگهٔ افغانستان

لویه جرگه با علما و سادات و مشائخ و وکلا و عموم
اعضای لویه جرگه علمای اعلام و فضلای کرام دینی
فرامر و ارشاد همایونی بجهت تطبیق و تحقیق و بازدید
فروع و بعضی جزئیات نظامنامه‌ها از طرف
خود وکلا که مقرر و منظور شده‌اند تا این ذوات
محترم خدا عزوجل را بهر وقت حاضر و ناظر دیده
مزید بر مزید پایند و تنقید شریعت غرای
احمدی و تنویر احکامات ایزدی موافق و
مطابق مذهب مهذب امام اعظم صاحب کوفی
رحمت الله علیه بحرف معدلت و مساعی ورزیده
در تصفیه و فیصلهٔ همه گونه اوامر و اجراآتی که بدانها
معمول شود علاوه بر تألیف فتاوی امانیه [illegible]
تطبیق و تدقیق در نظامات عصر حاضره [illegible]
مسائل مفتی به و روایات قوی مذهب حنفی
اتفاق نمایند — (۱) مولوی عبدالحی پنجشیری
(۲) مولوی محمد ابراهیم خان (۳) ملا [illegible]
(۴) مولوی گلدست قطغنی (۵) مولوی محمد [illegible]
سمت شمالی (۶) مولوی [illegible] سمت مشرقی
(۷) مولوی عبدالخالق شرخ رودی —
علاوه برین نیز تصدیق میکنم که اگر برای
حکومت مزید برین حضرات معظم ضرورت دیگر
علمای متدین محقق و متبحر باشد پس بالیقین که مولانا
حاجی عبدالرحیم خان ساکن کنر و مولوی
صالح محمد خان ساکن قلعهٔ [illegible] فغلیانی را نیز
بخواهد منظور است —

اعلیحضرت من این علمای اعلام را که شما انتخاب
نموده‌اید نه تنها منظور میدارم بلکه محض
[illegible] شما و احترام شرع شریف و شعائر
بعضی [illegible] عالیه نیز سابق مقرر شده بودند
بیشتر [illegible] مقدم [illegible]

مقررات شرعیه و روایات قویه مفتی به حنفیه اجراآت
نموده خود ها را از حقیقت گوئی و حقائق و راست
بینی و صداقت نویسی خود ها اجر عند الله و شکور
عند الناس بفرمایند و تا میتوانند در تدقیق و تطبیق
جمیع فروع و جزئیات قانونیه با شرع احمدیه
بذل مساعی ورزند و در تألیف فتاوی امانیه نیز
کوتاهی ننمایند۔

لویه جرگه با وداع بآواز تکبیر و کف زدنهای شادمانی
و یک طور مسرت این کلمات همایونی را
تلقی نمودند و مخصوصاً بر فقرات این علماء
در محکمهٔ عالیهٔ تمیز اعلیحضرت غازی را بسیار تحسین
و آفرین نمودند.

تألیف فتاوی امانیه

لویه جرگه چون اعلیحضرت غازی با جمعیت
علما و اعیان دولت اسلام
ارکان شریعت پرور [illegible] در مجلس
عالی لویه جرگه شامل فرموده در
باب نظامات دولت متعلقه امور
شرعیه که در بین عوام سوء تفهیم پیدا
شده هدایت نموده اند که شما جمعیت
علمای حاضرهٔ لویه جرگه نظامات متعلقهٔ امور
شرعیه را از نظر گذرانیده بمسائل
متفق مفتی بهای مذهب مهذب
امام همام حضرت ابوحنیفه کوفی رحمت الله
تعالی علیه تطبیق بدهید که اگر بعضی
مواد آنها را علمای سابق تمیز اساس و
مسائل مختلف فیه و روایات ضعیف
اندراج داده باشند تعدیل شود.
لهذا علمای لویه جرگه نظامات متعلقه

امور شرعیه را از نظر گذرانیده بنابر
توصیه و هدایت حضور اعلیحضرت تمام
آنرا امسایل مفتی بهای حنفی تطبیق داد
فقرات آتیه که مسائل مختلفه و روایات
ضعیفه داخل شده بود و ذیلاً معروض
نگرديده و تعديل آنرا نيز از حضور اعليحضرت
اولی الامر خود باستمرار متمنيانیم. و اميد
مىكنيم که تاليف فتاوای امانیه جهت
قضات محاکم عدليه و مامورين دولت
عليه افغانيه بر طبق اصول مقبول بهمان
علمای متخبه لویه جرگه کار حضور اعليحضرت
غازی شرف نظر و منظوری را نایل
شده بکار روائی بعمل آید. و اگر کدام
مسئله و اساس موضوعه را باخذ امر بنابر
سهو و خطا ئيکه لازمه نوع بشریت گشت
تصحیح نیاورده باشیم بالیستی او را این علما
متخبه بر طبق روایات مفتی بها مذهب
حنفیه جمع و فیصله نمایند. البته این
فتاوی از حسن مساعی و عرق ریزی همان
علمای متخبه بحواله کتب معتبره مذهب امام
همام امام اعظم صاحب رحمت الله تعالی و
اقوال فتوی مفتی بها بزبان عربی و ترجمه
فارسی و افغانی که فتاوی بمواد نظامنامه
شرعیه باشد تصحیح شده بعد از امر حضور مبارک
طبع و نشر شود. تا که اختلاف دور خواهد شد

اعلیحضرت از بین مکلفه تان اظهار منت
میکنیم و یگانه تاکید خود ما نیز برین
حضرات محترم همین است که نقطه نظر شان در
ضمن تالیف فتاوای امانیه مسائل مفتی بها
و روایاتیکه مطابق مذهب امام همام صاحب است باشد

لویه جرگه این کلمات شه یار را با تعدیل جات
آن نیز با آوازهای تکبیر و تهلیل و کف زدنها

تعزیرات بالمال

لویه جرگه تا بان علما و مشایخ متخبه
لویه جرگه افغانستان در مسئله تعزیر بالمال
پادشاه اسلام این چنین فتوای میدهند
که تعزیر بالمال برای پادشاه اسلام بمذهب
حنیف امام اعظم صاحب علیه الرحمه جائز نیست
اما بروایت امام ابو یوسف صاحب
جائز است. و روایت امام ابو یوسف را اکثر علمای
متقدمین مصنفین ضعیف گفته و منسوخ
شمرده اند چنانچه از کتب معتبره مشهوره
در در مختار ظاهر میشود. بنابران فتوای
بحضور مبارک اعلیحضرت غازی
پرورش عرض کردیم. بصورت ضعف
ابو یوسف و تاویل اکثر علما بیان
ما ہر وقت تغییر. اما بعد از چندی روزی
منتشر گردیده و تو گشیده و الیس
ضرب حبس جاری فرع حادثه شده
وقتی برای پادشاه اسلام جائز است
روایت سابق ضعیف گفته میشود
قاضی مقلد بروایه ضعیفه عمل منست
بعض کتب روایت مذکوره را مشروع
مجتبی و فتح المعیب تصحیح گفته اصحاب

اعلیحضرت قبلاً از نظریه خود را در باره
المال برای همان تصریح نموده و تعزیر
قبلاً بدین مسئله بتیه عالم که بر اجرای آن
حقیقی و عدالت و انصاف اسلامی
که تعزیر بالمال موقوف گردد!

لویه جرگه بعد از اظهار رضا
مزید این بحث ما
و تهلیل و کفهای پر خروشی انصرام

قواعد و ضوابط

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

مدیر ... برهان الدین کشککی

سال اول کابل شنبه ۲ جوزا ۱۳۰۳ ... ۲۰ شوال ۱۳۴۲ ... شماره (۱۹)

واقعهٔ شغنان اهمیت نداشت

معاصر ما اخبار امان افغان در نمره (۱) خود ... قبل برین شنیدیم که در اطراف و نواحی شغنان ... واقعه بروز نموده است اما از تفصیلات کیفیت آن طوریکه ... محترم خود معلومات داده ... نتوانستیم اطلاعات موثقی بدست ... از تحقیق و تتبع انقدر درک نموده توانستیم که کدام ... از اقوام بدخشان عصیان نموده است ـ چون انتشار ... اینقدر مطلب خبر بدون از علل و اسباب بیان مجمل ... است که ما ... بدست آورده ... اطلاعات ... از منابع موثق ... اول ... واقعه ... آن را بطور اجمالی ... از آن ... از موقعیت و سرگذشت شغنان حکایت میرانیم

مبدأ واقعه

چهل روز پیشتر ازین ... نواحی شغنان در موضوع اعطای ... [illegible]

[illegible]

علاقهٔ جلس دار

[illegible]

هجوم اشرار

آن مفسدین که [illegible] ... [illegible] بعلاقه ... و امنیت [illegible] ... عملیات [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... تا [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... خوانین و [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... ازدحام [illegible] ... [illegible]

[illegible]

چهار نفر [illegible] ... (۷۰)

[illegible] ... [illegible] ... اعلی الفور ... [illegible] ... [illegible] ... حکومت ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... دولت روسیه ... [illegible]

... اطلاع را [illegible] ... [illegible] ... اطلاع داشت

اجرای منصب ارکان حرب

چنانکه این اطلاع [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... خدمت ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... فرستاده [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... شده است ... [illegible]

شاه محمود خان [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

چنانکه این اطلاع [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... مفسدین

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

حرکت قوهٔ [illegible] ... مفسدین

[illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... اطلاع داده [illegible]

بعد از شکر ... [illegible] ... رسید ... [illegible]

[illegible]

... نموده ... [illegible] ... اجتماعیه ... [illegible]

... [illegible] ... سلاح ... [illegible]

... [illegible] ... تیار ... [illegible]

... [illegible] ... سوختاندن ... [illegible]

... [illegible] ... اغراض ... [illegible]

[illegible] ... رسیده ... [illegible] ... سوختانده ... [illegible]

... رسید ، چنانکه از حرکت ... [illegible] ... اطلاع ...

... [illegible] ... اطراف و نواحی ... [illegible]

... نموده اند ، ... [illegible] ... خواهند کرد

مصادمهٔ مفسدین با عسکر

چنانچه این اطلاع ... [illegible]

... [illegible] ... ساعت ۴ ... [illegible]

[illegible]

نتیجهٔ ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] ... تحقیقات ... [illegible]

تبریک و تشکر

... [illegible] ...

محمد سلیمان خان ... [illegible]

... [illegible] ... تبریک ... [illegible]

... [illegible] ... عرض تشکر ... [illegible]

موقعیت شغنان

شغنان علاقه داری ... [illegible]

حکومت ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... شغنان ... [illegible] ... تعلق است ... [illegible]

... [illegible] ... شغنان ... [illegible]

... [illegible] ... باید شمرد -

زراعت شغنان جواری ... [illegible] ... است چون

زمینداری ... [illegible] ... خشک را

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

در یک حصه از رسال شما بند مردمان صاحب استطاعت شان لباس کرباسی یا صحنی دبسته و شامل پا لنگی بسر و چپن در بر و موزه را در پا میکنند و مردم بی استطاعت شان نعلین چوبی میپوشند، یکی از رسوم شغنان این است که در موقع ورود کلان خود همه ملی یا حکومتی یا مذهبی خویش بجای خود را الا ابها و [illegible] کنند بعضی برای آن [illegible] خود را بر آتش دف [illegible] و [illegible] بی [illegible] اند و بعض احرا [illegible] اند و از غمزه کشتی تریاک و چرس در حدود نفر شان فارغ هست و اکثریه دسته [illegible] در حالت [illegible] اند و خر [illegible] میکنند و زنان خواهر خود را اکثر در بدل تریاک و غمزه و غیره مصرف شده در بیماری بجز از آتش [illegible] دوا نمی شناسند و بر طبق اوامر سپه سالار [illegible] امراض معالجه میکنند. دوست معظم شیر احمد خان مضمون فوق را عرض ذیل در موقع ورود سپه سالار غازی در ۱۳ در آن اطراف [illegible] کشیده بست.

[illegible] مردم [illegible] را حقیقت [illegible] از [illegible] مردم [illegible] تا شورش پسند و مخالف تاریخ از [illegible] افغان [illegible] ضیاء الملة والدین و در علیحضرت [illegible] از عمر [illegible] بغاوت [illegible] بستند و اخیر به جماعت حکومت [illegible] و در نتیجه در هر مراتب بجز از خرابی و تباهی چیزی را ندیدند و در هر مراتب زنان شان [illegible] و بچه های شان بغلامی و اموال شان تاراج میرفت و در بن مراتب که از شفقت و رافت رجال فخام حکومت امانیه هیچ یک گونه ضرر و نقصانی و هتک عزت و ناموس برای شان عائد نیامده است، [illegible] و شکر [تفصیلات مزید به نقشه موقعیت و غیره معلومات مفیده شغنان ناظرین محترم گرامی باشند بجلو نمای قطغن و بدخشان مؤلفه محمد نادر خان سپه سالار و وزیر مختار حاله افغانیه در [illegible] مراجعت فرمایند. ج. د]

نکاح صغیره

(ملاحظه مذاکرات و نقد [illegible] لویه جرگه)

مطابق مسائل کتب شرعیه حنفیه و مذهب [illegible] حضرت امام اعظم رحمت الله علیه باتفاق [illegible] کرام نکاح صغار صحیح هست و شرعاً تصرف اولیاء صغار راست در نکاح صغیره. بنابران ما علماء در [illegible] فقره مذکوره چنین حکم و رائی [illegible] که نکاح حالت [illegible] جائز و صورت نکاح شان از طرف ولی جائز [illegible] نکاح کبار منزلت قرار گیرد و دعوا لاحقه و سائله [illegible]

علیحضرت امیحضر

در نیجا تقریباً بهمان نظریه [illegible] و افکار دیگر بار شاه [illegible] صحیفه (۱۸۰) الی صحیفه (۱۸۳) در ضمن [illegible] بر نظامنامه نکاح و عروسی و ختنه سوری مرعی شده هست ایراد داشته در خاتمه فرموده [illegible] بدین مضار و تکالیف و بی اتفاقیها [illegible] صغیره در بین ملت محبوب افغانیه [illegible] دست [illegible] خود را ازین نصیحت [illegible] نمیکنیم. تا [illegible] بموم [illegible] بلوغ دارید که حتی [illegible] از نکاح صغیر [illegible] و ازند. و هم از تقریر [illegible] اعلام یک بار [illegible] دیگر را نیز در شرح [illegible] کردم که حق نکاح صغیره و صغیره تنها از حقوق [illegible] وجه بست که هر کدام آنها منتهی در جه را [illegible] و شفقت را نسبت بفرزندان دارد!

لویه جرگه

اعلیحضرتا! ما ازین غمخواری [illegible] گستری تان از حد ممنون [illegible] تشکر میکنیم. و تا جان در بدن و روح در تن داریم انتشار افکار ابکار تان میکوشیم. و تا بتوانیم نکاح صغیره حتی از میکنیم. بالاخر این نیز بتکبیر و تهلیل و چک چک تمام شد.

حقیقت

۱۳۰۳

سال	[illegible]	
۹	۵	[illegible]
۱۱	۷	[illegible]
۱۵	۸	[illegible]
۲۰	۱۱	[illegible]

(نگارنده)
برهان الدین کشککی

کابل شنبه ۴ جوزا ۱۳۰۴ شمسی ۳ ذیقعده ۱۳۴۳ قمری نمره (۲۰)

مرا ز اهل وطن زخم به ز مرهم غیر!

بسکه در دل من کرده جا هوای وطن
همیشه می‌طلبم از خدا بقای وطن

حدیث اشرف حب الوطن من الایمان
چو ثابت است چرا نبود دم ولای وطن

[illegible] گل است وطن بلبل و همی گویم
که خار غم نخلد هیچگه به پای وطن

[illegible] وطن بس غنیمت ای یاران
فزون بود ز بها قیمت بهای وطن

[illegible] از وطن آوارگی عذاب الیم
مباد هیچ کسی در جهان جلای وطن

حفاظت ملک خود و وطن داران
ز اتفاق کنید آهنین بنای وطن

[illegible] وسع بکوشید تا خدا نکند
قدوم مردم بیگانه آشنای وطن

مرا ز اهل وطن زخم بر زمرهم غیر
کجا ز دامن او دست خویش کم کوتاه
گر اختیار دهندم بمنجنیق هنر
هزار خانه ارژنگ چین و ماچین را
برادران پی دفع گزند تیمان
اگر جسود کنید قصد ملک یارب
بخشم گوش شود کور هر که جانب ما
برانکه سر بسوی این وطن برافرازد
مدام دوخته باد از لطیف یزدانی
مرا ز هموطنان التماس آمین است

سمر اسیر است و فا بهر من
اگر شود سر و مالم همه فدای وطن
حریر ملک دگر را بسوی پای
نثار کنگره قصر دلکشا
و آن کجا و نجاتیه از برای
اسیر ساز خود ز القصد بلای
بگاه تیر کند کس باد عای
سرش چو آن شود زیر آسیا
بتار و سوزن تیغ و ظفر قبای
چو بشنوند ز شیر احمدی

امور تجاریه

(خلاصه مذاکرات هیئت و جرگه)

لویه جرگه از اینجا که در مواد نظامنامهٔ امور تجاریه در محکمهٔ شرعیه بحث و مباحثه زیاده میباشد، ثانیاً چون کتاب فتاوای مبارکه امانیه تدوین و تصنیف جمیع احکام شرعیه جزائیه و حقوقیه در آن مندرج خواهد شد کسی در آن کتاب تمام مسائل تجارت مطابق احکام شرعی مندرج شود که همه احکام تجارت تحت شرعیه باشد!

اعلیحضرت بسیار خوب است هر روز باید که نشود و پاس مراعات تجار و ارباب معامله بر طبق مقررات شرعیه بعمل آید!

تذکرهٔ نفوس

لویه جرگه تذکرهٔ نفوس که برای تبعهٔ افغانستان بجهت رعیتی و تابعیت شان بدولت و تسهیل مرور و عبور شان در نقاط مملکت مقدسه بوجه رفاه عمومی و پاسپورت ایجاد شده نهایت دیده میشود. اما بر اینکه تذکره شده که بدون وجود تذکره شاهدان و طلاق و وکالت و عقد نکاح درست نیست. این کلمات شرعاً خوب نیست. عرض حضور اعلیحضرت والا گردیده که مذکور از پشت تذکره محو شود!

اعلیحضرت خوب است دور کرده و بعوض آن دیگر قیود

(که در صفحه (۲۸۷) در ضمن مذاکرات لویه جرگه

ربطنامهٔ نفوس مندرج است. ب) ...
ایراد میشود. اگرچه وجود آن قیود شرعی در
تذکرهٔ نفوس برای بسیاری از مهمات
شرعی مفید بوده و بسا تسهیلاتی برای
محاکم عدلیه فراهم می آورد تا هم محض بمعاف
اصول نامه ازان صرف نظر میشود.

لویه جرگه یک عالم خوشی و مسرت و بجبر خواهی از مباحثه
پیرد گذشتند!

فصل تحدید جزا قبل از وقوع فعل

لویه جرگه تعریف تحدید جزا قبل از وقوع فعل
شرعاً محدود و مقید نیست
ومن حیث صغر و کبر جنایت و اشخاص فرق و
تفاوت قبول میکند. اولی الامر احیاناً بر
طبق دقایق کتب شرعیه منکرات که وقوع
یابد بلحاظ فعل شنیع و لحاظ اشخاص فاعلین آن
و وقت و محل وقوع آن قرار مراتب اربعه که
در کتب شرعیه فقهیه مذکور شده تحدید جزا
تعزیر را از روی آن نماید. از کلام خفیف
و درشت و چوب الی تا سب قطع اظهار قاضی
و ضرب و حبس و تشهیر و نفی و جلای وطن. و در
امور سیاستی که با ذکر در کتب فقهیه مشخص شده
از برای اولی الامر حسب مصلحت الوقت
حکومت که قتل کند. مثل تکرار سرقه و جو
[illegible] مفسده و باقی جرائم منکره که در کتب
مذکوره معین نیست و حد شرعی ندارد قاضی را
لازم که قرار امر و ارشاد اولی الامر که او خود
وسلطان [illegible] است جزا و اقامه نماید. مثلاً
در جرائم صغار [illegible] لحاظ مراتب اربعه
مذکوره نظر و [illegible] اما در کبائر مثل تکرار شر...

وغیره که در کتب فقهیه تعزیر با قطع عضو
جائز شده [illegible] ثبت شخص حیثیت
و در جنایات از جنس جرائت در ان زنده ها
بلکه مطلقاً اولی الامر آنها را از جزا از
برای مصلحت وقت قتل کرده میتواند
و در جنایات مذکوره بعد از ثبوت
تعیین جزای آن کرده میشود قاضی
شرع شریف حکم فیصله را بحد تعزیر
میکند و اقسام تعزیر را منوط
بوکیل و نائب حضرت خاقانی
نمودیم. بنیادش را جوان موزون و الشتر
سبب امتناع مجرم از ارتکاب
آن جنایت به عینه و متفکر کند!

علیحضرت امیر تحدید جزا قبل از وقوع
نیز یکی از اقوال معتبر
و متفقه بین علمای متبحر است
که حالا در مقابل شما ما چنین بدلالت
خیال و فکر من حاضر هم بنا بر مصالح
ذکر چند یکی ازان در ذیل تصریح
میشود با آنها شرکت داشت.
(۱) الشعبه از مجرمین راجع از مجازات
و خیالات حکومت که نسبت به
نوع افعال شنیعه دارد قبلاً
اطلاع برسد تا که بدان،
اقدام نخواهد کرد.
(ب) در صورت آنکه اولی الامر بتحدید
تعزیرات داخت معلوم نیست
که حکام و مامورین در ان دخالت
بازی و رشوت خوری
ولحاظ و خود غرضی نخواهند.
(ج) و هم سابق برین دیده و شنیده

شده است که اکثری از قضات و حکام بواسطه همین سنبایکه حکم آن ظاهراً تحدید نشده بود، وانها تعزیر مجرمین را مشمول [illegible] تحفات از طرف مجرمین دیده اند و بدیف اسهام حیال و ارباب غرض کرده بودند درصورتیکه تحدید تعزیرات از طرف پادشاهی مقرر شود معلوم است که این غلط فهمی و مغالطه نیز مرفوع و مدفوع میگردد و مجرمین بخوبی میدانند که قاضی و حاکم بجز ادای وظیفه و تعمیل احکام مقرره از خود در بالای آنها جزئی را اجرا کرده نمیتوانند.

اکنون که شما تحدید جزا را قبل از وقوع جرم نمی پسندید و میخواهید که تعزیرات بعد از وقوع واقعه نظر بوقت و زمان و فعل و فاعل و دیگر اشیاء بالسنجیده داده شود لهذا احیاناً [illegible] دیده میشود که تحدید جزا بعد از وقوع [illegible] و تقرر آنرا تنها قاضی (بنابر مضرات بسیاریکه بخیدی ازان درفوق تلمیح شد) بلکه حاکم و هیئت مجلس مشوره متفقاً نمایند. درینصورت معلوم است که هم در فیصله جات خود غرضی نمیشود و هم سدباب رشوت و لحاظ و دیگر اسباب میشود. و هم قاضی را از تهدید و تخویف نجات می بخشد. اگر این مذکوره ام نزد لویه جرگه ضمیمه این نظریه شان نمایند بخیالم که از مفاد خالی نخواهد بود!

لویه جرگه بسیار خوب البسیار خوب! ضرور باید بخیس شود. لهذا عموماً یک غلغله دعاگوئی و تحسین و آفرین برخیالات عالی اعلیحضرت غازی دوراندیش هایون و ملت پرورده عدالت گستری شان برپا شد این سخن نیز باواز های تکبیر و تصدیق و تحسین شان اختتام یافت!

حکم قاضی با امارات قویه

لویه جرگه اعلیحضرتا [illegible] باب جرائم و اقلاع فتنه و فساد و [illegible] رسید [illegible] علمای حنفیه [illegible] از کتب معتبره فقهیه روایاتی [illegible] تقدیم میکنیم و بهمراه آن التجا داریم تا منظور گردد. حدود و حقوق عباد با حکام محاکم عدالیه بعد از اقرار مقر و گواهی شهود جاری گردد و در تعزیرات فقط مملکت اسلامیه افغانیه حکام بدلائل قویه و امارات علم خود شان را قائم نموده احکام صادر نمایند.

علیحضرت ممکن از دین روایات و نظریات الفاضل [illegible] و اسلامیت [illegible] و تشکر دارم زیرا ما قبل ازین در مواقع وجود دلائل و قرائن و امارات [illegible] قاضی [illegible] در مسئله سارقان مجرمین از مدعیان گواه [illegible] چون مدعی مظلوم گواه آورده نمیتواند [illegible] استغاثه شود و بجز از پریشانی و یک شمشیر [illegible] شخص مدعی علیه دیگر ثمری [illegible] ایام سابق یکی از علمای شما گفته بود [illegible] و شما بر مانند اجماع [illegible] است و بران مسموعات و تجربیات و نظریات [illegible] رسیده است که باید ارباب جرائم [illegible] و نرمی کرده نشود و خود هم در اینده شفقت [illegible] کردیم [illegible] حکم کردیم [illegible] بالاخره آن ظلام از حرکات بد [illegible] بدین سخن مجبور کرده اند که حکم شود [illegible] دولت [illegible] پاهای شان انداخته شود!

لویه جرگه یکی از میان برخاسته [illegible] علمای کرام و اعلیحضرت [illegible] اظهار شاد [illegible] کنان کلماتی را [illegible]

[illegible]

[illegible]	شش ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
افغانستان	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل چهارشنبه ۶ جوزا ۱۳۰۴ ... ۳ ذیقعده ۱۳۴۳ ... شماره (۱۲۰)

مجلس مجازات خاینین سمت جنوبی در وزارت حربیه

در روز شنبه ۲ جوزا عموم مامورین بزرگ و کوچک ملکی و نظامی و عامهٔ اهالی شهر و لشکر و بی از طبقه [illegible] مجلس معاینهٔ نتیجه مقابله علم و جهل یک مجلس انعقاد یافت [illegible] در وزارت حربیه و اطراف و جوانب و سرکها و [illegible] در وزارت [illegible] از دحام [illegible] احضار یافته بود ذات اعلیحضرت غازی ساعت ۹½ تشریف فرما [illegible] از ابراز نطقی که مشتمل بر اظهار [illegible] کاذبه و قوع [illegible] و دیگر احسان نوازشات [illegible] این قوم احسان فراموش نموده اند با شخص [illegible] از حرکات [illegible] و اقدامات قبیحهٔ بغاوت پیشگان سمت جنوبی [illegible] از شفقت و رافت و حلم خسروانه بود برای حضار [illegible] مجلس متعدد [illegible] را از باب حضور [illegible] نموده برای حضار از حرکات ناصواب عملیات

[illegible] مانند [illegible] ایشان و صیحانی میداد [illegible] از اول [illegible] دور شدن از نقطهٔ نظر شفقت و رافت شخص [illegible] رعیت پرور شهریار غازی می بود [illegible] تعمیل احکام [illegible] امر داده [illegible] الجمله ملای لنگ و رفیق [illegible] با جمیع اعوان و انصار [illegible] از سرحد [illegible] سمت جنوبی [illegible] تعداد آنها بیش از پنجاه و چند نفر بود حکم باعدام [illegible] علی الفور جاری شوند لهذا [illegible] در موضعیکه جمعیتی از اهالی [illegible] بهیچ صورت کمتر از ۲۰ هزار نفر نبوده و اطراف [illegible] نموده بودند برده شده جاری شدند [illegible] و [illegible] آنها [illegible] بوزارت حربیه [illegible] جمعی از جوانان [illegible] بعد [illegible] در حق [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] مجلس [illegible] مجلس ناظرین [illegible] مفصل مجلسات را [illegible] جدول جنایتکاران و سواد نطق [illegible] حقیقت ملاحظه

حبس جانی زنان الی ما ظهر صلاح و آثار توبه

(مخصوص مذاکرات و تعلیقات [illegible])

علما توجه کنید — در تمام کتب فقهیه و مسائل فقهی حنفیه

حبس جانی الی زمان ظهور صلاح و آثار توبه و معلوم شدن سیمای صالحین در رنگ و چهره مجرمین مقرر است. از این رو آرزومندیم که تا بینیم بعد از وقوع فعل سوء که مجلس عالی جنحه و جنایت را مقرر کرده چه حکمی است. بعضی از مجرمین از عادت بد و خوی خرابی که در سرشت دارند تا مدتی موعظه براه صلاح نیایند و بر جاده نیک نپویند و متوقع هست که اکثری از اشخاص بعد از گذرانیدن چند وقت در محبس ابداً و صدقاً از [illegible] ناصواب و رفتار نکوهیده خود تائب و نادم شوند باقی شما مختارید!

ای حضرت [illegible] — حضار محترم به سند که شرع شریف تا کل ازمنهٔ آتیه از

برای اصلاح حال و مآل عالم انسانیت پیش بینی نموده است و بحکم ارحم مرتبه درجات عالیه رحم و راحت و شفقت را نسبت به عباد صالحین و تا حیه مقام تهدید و تادیب گوشمالی را برای مجرمین و گمراهان مقرر داشته است.

این نظریه شما را حاضرم که با چند قیود لازمه مقبول و منظور نمایم لکن قبل از آن با شما اعلان نمایم که حکومت شما به که کدام لحاظ زمان حبس جانی را تحدید

داشته است، بدیهی است که [illegible] و قمار باز و زانی و دیگر مجرمین [illegible] برای توبه کردن و سوگند خوردن حاضر شده تنها رجال حکومت بلکه تربیه یافته افراد ملت نیز سوگند خوردن و حلف کردن جنایت کار را [illegible] در حقیقت بمخالفت اوامر و نواهی همان قرآن پاک که بدان سوگند میخورند میپردازند [illegible] نمیدانند لهذا حکومت بعد از وقت [illegible] شنیده که فلان رقم مجرم بعد از حبس شدن اینقدر مدت [illegible] اصلاح شود از این رو [illegible]

اکنون که شما حبس جانی را الی زمان ظهور صلاح و آثار توبه خواهش [illegible] پس لطفاً علمای [illegible] کنند که برای ظهور صلاح و آثار [illegible] چنان [illegible] تا اگر حکومت حقیقتاً چنان اشخاصی را که واقعاً بصلاحیت آمده و سیمای صالحین و نیکوکاران در وجود ظاهر باشد رها کند و الا اگر [illegible] در روی و هیئت ظاهری باشد همینکه شما در روی را بر زندان [illegible] از یک طرف طعام را بالای خود بند میکنند و از جانب دیگر شروع میکنند تا گذاشتن ریش و هم یک تسبیح بزرگ و مسواک کلانی را با خود میگردانند. و به اوراد و وظائف نیز مشاغلت میورزند. پس اگر ما بر هیئت ظاهری اینها نظر کنیم از یک کامل

...نی آیت فریب خورده آنها را بگذاریم.
معلوم است که گرگ ... را خوب گرسنه
نموده و لشکر را در موقعیکه برای ...
نوبت اشتها دارد. رها کرده ایم. و
بجان رمه و دیگر مواشی مظلوم از دست
خود قصاب اجل را فرستاده ایم
عاقبت گرگزاده گرگ شود. گرچه با آدمی بزرگ شود

وکلای لویه جرگه — چیز یکه ذات خسروانه
نسبت بارباب
جرائم فرموده اند بسیار خوب است
... ضرور و لازم است
برای آنها هیچ یک نوع مواخذات
... عطا نشود.

اعلیحضرت — فی! ابدا ما خواهش نداریم
ازان حقوقی را که خداوند
برای آنها عطا کرده است حکومت
اسلامیه شان آنها را ازان اگرچه
... محروم داشته اعتبار ...
... بایستی که این اعتبار ...
... و خواهد مرغوب ... از طرف
... محروم گذارده شود!

لویه جرگه — برطبق مقررات شرعیه
و هدایات ذات
... ما علما برای امتیاز صالحین از
... چنان نمره الطبی را وضع ... تا مجرمین
... ازان استفاده کرده نتوانند و
... بران خود ذات پادشاهی
... تعزیری مختار مطلق اند
... که بران قیود و شروط
... صحیح است و درست.

اعلیحضرت — در صورتیکه اختیار جمیع
قیود و شروط و تحدید
تعزیرات از حقوق پادشاه اسلام
است مطمئن باشید که اصول خوبی
را برای امتیاز مجرم و غیر مجرم و شخص
با دیانت و مرد صاحب خیانت
مقرر خواهیم داشت.

قتل سارق بتکرار سرقه

لویه جرگه — اگر مرتکب ... [illegible]
در فوق مسطور و مذکور
گشت صرف برای ادامه
انضباط و امنیت عمومی و رفع
سرقات و دزدیهای عمومی
اوردوی مسائل فقهی به شرعیه
چنان فتوی را بحضور مبارک
تقدیم میکنیم که سارق ضرور
بار ثالث ... یکمرتبه ...
گرفته شود و یا بروی ثابت
گردد سیاستاً بقتل برسد!

اعلیحضرت و لویه جرگه

بکمال مسرت و کف
زدنهای شادمانی این
نظریه را قبول فرموده از این
گفت و شنید دلچسپ نیز
درگذشتند!

عوض نفوس و بدل عسکری

لویه جرگه

خدمت عسکری خوشی است تنها نیست
باشرف بار ای همه گونه
اوامر فرمایش همایونی که در عالم عسکری برای ما
بفرمایند بسمعنا و اطعنا حاضریم و آماده ایم فاما
برای آسایش اهالی و تسهیلات عمومی بر
طبق مقررات شرعی عرض میداریم که عموم افراد
افغانی بکمال شوق و شعف و رضا و رغبت خود با
یه عسکر می آیند. اشخاصیکه خودشان آمده نتوانند
و از دولت خواهش کنند از خودشان بدل نقدی
که حکومت مقرر دارد برای مصارف صد نفر
و استحکام سرحدات و دیگر تجهیزات نظامی داخل بیت المال
قبول کند بایستی که حکومت این خواهش شان را
قبول کند. و اگر خود آن مرد احساسات شامل عسکری
شده نتوانست. امیدواریم که حکومت بشرائط
ذیل از وی عوض را قبول کند. شرط اول [illegible]
عوض فرار که شخص اصل طلب شود که یا دیگر عوض و یا
بدل نقدی چهار صد روپیه بدهد یا خودش بالذات
خدمت عسکری را نماید. دوم هر تاریخیکه خود او
و یا شخص دیگر آن عازم خدمت شود از همان تاریخ
تا دو سال خدمت عسکری را اکمال نماید.
سوم اگر اسلحه دولت را عوضی مفقود کند و یا در حین
فرار شدن با خود ببرد تاوان آن بذمه شخص اصلی
است. چهارم سن عوضی قریب سن نفری که
بقرار نظامنامه طلب میشود خواهد بود. پنجم عوضی
اگر در حین داخل بودن ملازمت عسکری فوت
شود و تاریخ اکمال خدمت آن بسر نرسیده
باشد دیگر به شخص اصل تکلیف نیست.

شرط ششم: شخصیکه قبلاً دوره خدمت
عسکری را اکمال کرده باشد عوض شخص دیگر
منظور نمیگردد.
هفتم: بوقت اعلان حرب شخص عوضی
که تعلیم یافته فن حرب باشد حاضر شود.
هشتم: بعد از اعلان حرب بدل عوضی
منظور نیست.

اعلیحضرت بسیار خوب شد حکومت بشرائط
فوق هم از شما عوض را قبول میکند و هم بدل
عسکری را بمبلغ چهار صد روپیه از اشخاصیکه
نه شخصاً خودش شامل نظام شده میتواند
و نه عوض برایش دستگیری میکند. قبول [illegible]
دیگر تعدیلاتیکه در نظامنامه نفوس [illegible]
اید چون درین بحث بیان نمود [illegible]
میکنم که فراموش خاطرتان شده [illegible]
آن تعدیلات شما را اینجا اظهار دارم که
(۱) در آتیه جوازنامه نفوس بحضور مجلس [illegible]
به عمل آید (۲) عمر اشخاص در کتاب [illegible]
بعبارت فارسی تحریر شود (۳) محلات [illegible]
معفو در [illegible] را در صورتیکه [illegible]
درست باشد مامورین محلی نفوس [illegible]
برخواست بدهند.

لویه جرگه

بکمال گرمجوشی و یک عالم شادمانی [illegible]
همایونی را شنیده برین حق گوئی [illegible]
و انصاف شعاری و قوه حافظه پادشاه [illegible]
دعاگوئی با بسیار نموده تشکرات [illegible]
های تکبیر و کف زدنهای [illegible]
و آفرین نمودند.

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت ۶ ماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
...	۱۱	۲۰

مقالات ... که متضمن ... باشد ... اسلام و شرق ... درج می شود

شرایط قبول مضامین

این جریده ... مضامینی که ... نوشته شود ... در ... درج ...

(نگارنده)

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل شنبه ۹ جوزا ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۷ ذیقعده ۱۳۴۲ قمری شماره (۲۲)

سعی کن تا اهل دنیا را بهم الفت دهی

بهر رفع احتیاج از خصم از اهل نفاق
اجتماع و اتفاق از بهر کار ان تیشه ایست
الحذر الحذر از شر اهل نفاق ای دوستان
از منافق کن فرار از چه ز ... با چنین
فتنه جیا ... منافق روز و شب
ای ... وفق است ... صلح و ...
باید او ... تحصیل ... اهل فضل
از برای اجتماع خویش ... جهد کن
سعی کن تا اهل دنیا را بهم الفت دهی
گر ترا امر ... باشد ... کار خلق
روز و شب ... بود ... شوری
کار ... اگر جمع ... شود کوهی بزرگ
چونکه جمعی متفق گردند می باشد سود
گر نباشد اجتماع کار آسان ...
صاد و قاف ... دشمنی ... دوست ...

نیست ... خوب ... اجتماع و اتفاق
... با ... ز ... شه ... ز نفاق
هر کجا ... شود ... الوان ... رواق
گر ز اهل ... باشد ... عراق
روز و شب ... ز اهل نفاق ... حناق
آن ... بود ... جفت ... طاق
گر که میخواهی وصال یار را بعد از فراق
هر که ... باشد ... الحاق
هر خرابی را ... آباد از راه وفاق
خیز از جا کار ... شکستن ... وثاق
گر بود خورشید و ماه ... محاق
در بیابان ... فراق
پس ... قوم ... انشقاق
سخت ... انفرادی ... نزاق
دوستان را متفق کن با کمال اشتیاق

شکایت تسهیل وقضا در محاکم ماموریت

(خلاصهٔ مذاکرات و تعدیلات لویه جرگه)

لویه جرگه مخصوصاً بهت بارد بدین جمیع عمکلتی ومطلع بودن قضات وماموریت عدلیه از گذارشات حکومتی و مجلسهای مشوره مقامی چنان معروض میدارد که قضات ومفتیان در محاکم ماموریت نیز باید شامل شده حصه گیرند تا طرفین از این اختلاط دانسته و برخاسته برای خودشان استفاده بکنند!

اعلیحضرت سابق برین ما از محاکم ترغیب وقوهٔ عدلیه دست حکام وماموریت را کاملاً دور کرده وانها را ازهم علیحده وبکار های مفوضهٔ خودشان یکه و تنها گذارده بودیم. تا احدی نتواند که در امورات عدلیه مداخلت کند. حال شما چنین خواهش میکنید که باید قضات ومفتیها نیز در محاکم ماموریت حصه گیرند خوب است من شمارا ازین اظهار تابع مفهوم لکن اینقدر میگویم که باید و کلای منتخبهٔ شما از چنان اشخاص دیندار و صاحب کفایت منتخب ومعین شوند تا موجب تضییع اوقات و سرگردانی قاضی صاحبان و محاکم عدلیه نا شده کارهای اهالی در معرض تعویق نماند. همان وکیل منتخبهٔ شما که عالم است در محاکم ماموریت حصه بگیرد و مداخله بالا در برطبق منکورهٔ آن بنماید در صورتیکه وکلای منتخبهٔ محاکم ماموریت اشخاص عالم ودانسته وفهمیده باشند پس حاجت عنقطا قاضی ومفتی بودن چیست؟

لویه جرگه برین مسئله اظهار مسرت این جملات بجا بودن کف زدند برای مسرت تحسین کردند.

دار العلوم عربی اسلامیه وکتب خانهٔ

لویه جرگه چون خیالات جهاندارانه اعلیحضرت غازی ما به ترقی امورات دینی واسلامی و سیاسی واقتصادی واجتماعی ما ملت بوده ومست. لهذا برای ترقی عظمی وتعالیات الرحمت وسکنهٔ جمهور افغانستان عطف توجه شاهانه شان را اعلما ومشائخ وسادات وسرکال لویه جرگه سوئی این مسئله مبذول که یک دار العلوم عربی جامع علوم و تفاسیر وعقائد وفقه واصول و تاریخ وغیره در اعصار حضرت مثل قندهار وهرات ومزار شریف وغیره ولایات وحکومتی های اعلی بکفیل علمای فاضل متدین بمثل محفل دار العلوم اسلامیه دیوبند و جرگه تاسیس گردد. زیراکه اصل الاحکام مستنبط از زبان عربی دیده میشود و هر لفظ عربی است تا اینکه متعلمین این دار العلوم استخراج رسائل فارسیه را از برای تعلیم ... وتصنیف وتالیف و وعظ ونصیحت تبلیغ وارشاد والقاظ ذاهلین در هر محفل ومجلس عالی که ضرورت اجرا بنمایند. چون در دول اسلامیه

عربی بسبب تصرف غیر مسلم محو شده و دولت مستقلهٔ افغانستان از مساعیات حضور شهریاری الحمد لله از تصرف غیر خالی و خلاص میباشد. بی چاره گوزون و تاکید ام اندازه حاکس بیک مؤسسهٔ خیریه و دینیه درین سرزمین دیانت قرین اسلامیه مرغوب خواهد بود.

من فقیر بچشم سر به تجربه دیده ام کرور جذبات عمدهٔ اسلام مثل جهاد و قوت علمیهٔ طلبا و علمای عربی اثر زیاد بخشیده. نها مقیدی میشم اگر عرض بکنم مامایان منظور شود در فرصت قلیل بکمال قبول طلبا فارغ التحصیل شده بخدمت دین و دولت مشغول میشوند گویا اساس ترقی و احساس قوم دیده میشود و تکمیل استقلال علی وجه التمام حاصل میشود.

و نیز بنا بر خیالات شوق پابندی اسلام و شریعت پروری حضرت معارف گستر امتیاز کرشعب تحت الحفاظ از برای حفظ الفاظ قانون شرعی که قرآن عظیم الشان میباشد تاسیس شود با افراد لازم می بینیم تا سلسلهٔ حفظ قرآن مبارک نیز منقطع نشود.

علیحضرت لیت ایحضر
من از این تحریک عمده و دولت خیرخواهانهٔ شما که از مدتی مرکوز نظر حکومت شان بود، کمال مسرت و امتنان خودم را بعرض رسانیده شما را مطلع و خاطر جمع میکنم که شما تصور بکنید که وزارت معارف افغانستان هم یا این خادم حاضر شان تا هنوز درباره تاسیس دارالعلوم اسلامیه خیالی نداشته و فقط ازین یادآوری شما در صدد ترتیب آن میباشیم فی الحال از دیانت که این عاجز و وزارت معارف شان تا در چگونگی این دارالعلوم و پروگرام و نصاب تعلیم و طرز سابق بخیر

لوازم حالات است اما تا حال نیز کدام مکتب جامع او موفق شده ایم و در یک اصول آخر وفی افغان منظر بار رسیده است. و مزه معلم و تجوید بکه برای یک دارالعلوم اسلامیه در چه یک مملکت مقدس افغانیه لازم باشد سراغ نموده بعد الحمد که این ورود محمود شما علمای اعلام و فضلای کرام اهم مشکلات و موانع سد تاسیس آن مدرسه عرفانیه بود تقریبا مرتفع گشته و این یک بهانه نیز دیگر با اتفاق آراء علمای محترم شان و وزارت معارف به تکمیل این تحریک سرا پا خیر که این مجموعهٔ مقدسه شان بما عنایت پیر داخته و اولا با سعی این مأمول مسعود و النجاح این مسئول محمود شان که دارالعلوم و مکتب الحفاظ بهیئت با آلت کابل آغاز میشود و متعاقبا بر همان اصول اگر ضرورت خاود بدی باشد در ولایات و یا مرکزهای اهل افغانی نیز اجراآت بعمل می آید. گمان میکنم که برای تعلیم علوم عربیه و کتب اسلامیه طلبه کتاب تعمید و بعد از یک نصاب شده که تمام کنند داخل شوند مهم خواهد بود. و برای تکمیل او شان سهولت بهم خواهد رسید.

لویه جرگه
ازین مذکوره سراپا حسنهٔ ذات شاهانه اظهار مسرت مزید و فرحت بسیار نموده این بحث مقدس به غلغله

[illegible]

مسایل احتسابی

لویه جرگه
چون توجهات علیحضرت غازی بشریعت پروری بدرجه اقصی دیده میشود. لهذا یک فقره برای ضرورت اجرای فرعیات شریعت و

تعمیل جزئیات مقدسهٔ اسلامیه عرض میشود که نظامنامهٔ اساسی مرتب شود و قرار نوشتهٔ مسلک الفضائل الامانیه، بایستی یک نفر محتسب بتالید عالم در هر علاقه مقرر شود تا از نماز و ادا مهاو و مناسک واموالات شرعیه مطلع بوده تحقیقات نماید لازمهٔ مذهبی را خوب شرح بیان آورده جمیع امورات دینی را از قبیل امر بالمعروف و نهی عن المنکر و تبلیغ اعلانها ملت را با خبری داده باشد و تحسین توجه شاهانه را در بارهٔ مساجد و ائمه و مؤذنین خواستارم!

علیحضرت

اعلیحضرت: این مسئله را که نیز سابق بر این علمای کبیر و وزارت عدلیه با تحت تدقیق آورده و درین روزها در صدد ترتیب نظامنامهٔ احتساب و تقرر محتسبین بوده ایت بودیم، خوب شد از حسن معاونت شما علما نظامنامه مذکور بیک صورت جامع و نافع ترتیب خواهد کرد و اجراآت آن نیز حسب نخواه بعمل خواهد آمد و همچنان که تنظیم معاش مؤذنین و ائمه و لوازم مساجد دار السلطنه بعمل آمده است عنقریب از سائر نقاط مملکت افغانیه با اصول لازمه در شرف انتظام است، مطمئن باشید.

لویه جرگه ازین شریعت پروری و مذهب خواهی حکومت متبوعهٔ افغانی خود اظهار مسرت و تحسین و آفرین نمودند.

مجاز شخصی که سه زوج دارد

لویه جرگه اعلیحضرتا! با اینکه سابق بر این نیز تعداد ازدواج ممنوع نبوده و شخصاص عالیحضرت ... خواهند بشرط معدلت

چهار زن را در حبالهٔ نکاح خود می آورد و محصول آن را بحکومت می پردازند، چون استشهاد مصدق و محصول هم عدالت حقیقی بوجود نیامدی اما الویه جرگه چنان مناسب می انگارد که محصول و مصدق دور شود و هر مرد بعدالت و مساوات درمیان ازواج رفتار نکند مجازات لازمه مقرر شود و بر شخصیکه ازواج عارضات خود را با سند نمیگذارد، و این مسئله بحکومت متوجع عن الاول ظاهر شود و تقریر شرعیه مقرر شدند جای که مطلب جای گرگ کلی احکام بباقی و شریعا محمدی است خوب طریق مرغوب بعمل می آید

علیحضرت

اعلیحضرت: خوب است اصل این نظریهٔ هم ذریعهٔ فتم و تخلیع تا و ثالث الاّن که تمام تابع میشوم ازین مرد اعطا اختیار و درو امیکه بحکومت بسلاد در باب محرر گشته منظور نمرده داده که دو اتفاق شروط خود اقتضوا باشد بکمال اتفاق ظاهر کنان بر مصدق و محصول را القا نمودیم!

لویه جرگه ازین موقت نیز کمال مسرت درد گذشته عظمت توجه شاهانه را باستقبال

تعدیل و شرح ماده نظامنامه

لویه جرگه تعدیل ماده (۲) دین افغانستان اسلام و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب حنفی دیگر ادیان اهل هنود و یهود که در افغانستان مستند بتابعیت و علائم ممیزه تابع بوده و بشرطیکه آسایش و آداب عمومی را خلل نکنند نیز تحت حمایت این گردیده میشوند!

تعدیل ماده (۹) کافهٔ تبعهٔ افغانستان از امور دینی و مذهبی و نظامات سیاسی دولت علیهٔ خود پابند و مقید به ادای حقوق شخصی خود را مالک هستند!

شرح اشتراک ...

قیمت اشتراک	شش ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

جواب عبارات از جواید...

این جریده از طرف ... انجمن کابل ... منتشر و ... مقالات ... حقیقت ... در اداره ... جریده در ... استفاده ... و علم ... اشتراک توسط خزائن ... نقدی از ... قبول ...

حقیقت

منسوب (نگارنده) [illegible]

دارالعلوم کابل شنبه ۱۴ جوزا ۱۳۰۴ ش مطابق ۹ ذیقعده ۱۳۴۳ ق شماره (۱۲۳)

اعاده تقسیم معاد طلا و یاقوت

عالیقدر عبدالواحد ... منسوب ... امتیاز ... طلا و یاقوت ... مدت معینه قرارداد ... انقضاء مذکوره ... است — لهذا بموجب ... قرار داد ... وزارت تجارت ... داده ... در ... قرار داد جدید است .

... کشتی

کارخانه ... کشتی ... ارسال ... مطلوبه ... ارسال ... [illegible]

... که در سال ... تعلیم ... بعد ... ارسال ... شده ... تعلیم دوباره مقرر شده است .

نهر سراج ... بار

کار نهر سراج ... [illegible]

وزارت تجارت . از حضور اعلیحضرت دستور ... منظور ... یافته است ، و ... کشتی ساز ... اصلاحات ... مضافات ... شده است . (ثروت)

امتداد تلگراف

قرار اطلاع ... تلگراف ... از ... تا ...

نظم ... رسید . تا کنون از ... رسیده و ... موضوع مزبور باندازه (۳۰) پایه تمام شده و روزانه کار ... جاریست — حقیقت نیز ... نموده ، از خداوند توفیقات کامله ... خواهان ... اتمام ... و ... اطلاع ... است .

قطع یدِ سارق

... اداره ... که ... محمد ... بن محمد حسن ... ولایت ... محمود ... محمد ... بن ... قریه ... سرقت نموده بود — ... در ... محکمه ... اقرار ... داده ... ریاست ... مرکزی ... اعلیحضرت ... تنظیم شده ... بحکم ... محکمه ... در ... قطع ... شرعیت ... اقرار نمود ... مطابق ... محکمه ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 105 of 524

تاکید و توصیهٔ لویه جرگه برای حکومت متبوعهٔ خود

[مسائل آتی با آنکه درین سرزمین مقدس قرین افغانستان نه قبل برین بوده و نه بالفعل است و نه در آتیه بفضل خداوندی و روحانیت حضرت رسالت پناهی و حسن مساعی اعلیحضرت غازی دام سلطنته و دیگر سلاطین اسلامی افغانی بوجود خواهد آمد با وجود آن لویه جرگه فقرات ذیل را بطور توصیه و تاکید بحضور اعلیحضرت معظم غازی خویش عرض و پیش نهاد نموده اند تا در آتیه بنوع من الانواع در عمل وقوع و وجود نیابد]

لویه جرگه چنانچه الی الآن از حق شناسی و حقیقت پسندی اعلیحضرت معظم غازی انتخابات تقرری مامورین بطور حقیقی و صورت واقعی بعمل آمده در آتیه نیز بالبنیٰ در انتخاب و تقرر مامورین دولتی دقت و تعمق مزیدی بکار برده شود و هر کار باهل همان کار تفویض و تسلیم شود

اعلیحضرت بسیار خوب است الآن هم کمال انتخاب و تقرر مامورین را در افغانستان موقوف و منحصر باهلیت میدانیم.
(تشکر لویه جرگه)

لویه جرگه از تعلیمات طلبهٔ موجوده افغانی که بالسنهٔ اجنبی جهت اخذ فنون عالی و تعلیم علوم مروجهٔ حالی مشغولیت دارند محض غرض حصول ترقیات حاضره و فعالیات موجودهٔ دنیای امروزه که افغانستان ازان بسیار محتاج و مشایق هستیم بنظر استحسان نگریسته جائز میدانیم مشروط برینکه در عقیده های مذهبی و معمولات مقدسهٔ دینیهٔ این نوبادگان وطنیه اخلال و نقصانی وارد نگشته بیشتر از رفع احتیاجات خود … دران تعلیمات مشاغلت نورزند و هم از جمیع … اسلامیه و عقاید و روایات مذهبیهٔ خود قبلاً اطلاعات نموده باشند.

اعلیحضرت بسیار خوب. البته حکومت شما هم … و تعلیم السنهٔ غیر مسلم را محض برای رفع ضرورت و دفع احتیاجات ملت و دولت جائز میپندارد. و بیشتر مترقب و نگران هست که در عقاید و اصول دینیات این فرزندان افغانیهٔ اسلامیه با اطلاع نقصانی بوقوع نینجامد. برای طلبهٔ مکتب … که السنهٔ فرنسه و المانی را می آموزند در همان تعلیمات اسلامی نیز مانند قرائت، دینیات فارسی عقاید و حسن خط اسلامی نیز تعلیم … و نگران و مترقب حرکات و افعال شان و اخلاق وطنی شان میباشند و برای آن طلبهٔ افغانی که بخارج جهت تعلیم رفته اند بعهدهٔ شما هم که علاوه بر نگرانی وزرای مختار و سفرای … مفتش علمیه و نگران جداگانه و معلمین مذهب نیز مقرر است تا در اخلاق و عادات شان نقص و سوئی وارد نشود (مسرت لویه جرگه و غلغلهٔ تکبیر و آوازهای دعاگوئی عمومی)

لویه جرگه طوریکه از عهد سلاطین ماضیه … تا اینکه در عصر اسلامیت … حصرانه خرید و فروش و استعمال شراب … است درین مملکت افغانستان دیانتاً و قانوناً ممنوع و ادخال آن مسدود بوده و هست در آتیه نیز امیدواریم که این جرائم … در داخل مملکت با جرا خرید و فروش و استعمال کرده نشود.

اعلیحضرت شرابخانه و خود شراب و خرید و فروش آن نه قبل برین …

در افغانستان بوده و نه چنین حال پیدا شده و در آینده
دخول این حال و اتباع ... آن را اشغال ...
پاک ممانعت می‌کنیم.

دیدهٔ جرگه

بر انصاف پسندی شریعت پروری
و حقایق گوئی و حقیقت خواهی
حضرت غازی به اندازهٔ اظهار شادمانی و مسرت
... که تفصیل آن به تطویل می‌انجامد و چنان
... ادعیهٔ دعائیه را ایراد داشتند که گفته نمی‌توان
... کار را استعداد میدهد.

فصل بعد از اینکه تمام عرایض خلاصه اجراآت
اصلاحات و تعدیلات لویه جرگه قرار فوق ... خواندند
در تمام آن ذات جهانبانی اظهار موافقت ...
... عالم شرعی و شناخت و تحیات خوشنودی ...
... در سراسر این بارگاه عالی پایگاه از این طور
... پرورانه و اوضاع اسلامیت خواهانهٔ شان
... گشت ذات جهانبانی ... و کلا
... را نموده یک نطق مفصل و جلسی را برپا ...
... که اجمال آن عوارض ... حا

نطق مختصر

مقدمه بحر الخیر گوهر سخن خواهد است:
آخر آمد از پس پردهٔ تقدیر پدید
... شما که گرچه درین قدر مدت ...
... طول ... و اتحاد و افکار ...
... افغانستان که نقره یاد در تمام روی جهان
... آن دیده نشده است بیان رسید و
... به چهره‌های سفید و سیاه که حاضر کرده
... زیرا که مقصد همهٔ ما بلندی دین و بهبودی
... و آبادی مملکت بود.

دل دشمنان ترقی و تعالی افغانستان پر خون
... شان از این اجراآت ما و شما رو و چون
... روسیاه شده خسر الدنیا و الآخره گشتند
... که این مجلس برای مادیات و معنویات
و ترقیات آتیهٔ ما خواهد ... را افضل و مجرب
... و روحانیت ... آخر الزمان ...
... الحمد که ... علمای افغانستان در
خلاف تبلیغات ... دشمنان تان در
... نظامنامه ... دولت ... آن جرگه
تحقیق و تدقیق را بکار برده دید مسئله و فقره را که بر
خلاف شرع انور باشد. ملاحظه نموده دید و تمام
اساس ... نموده حکومت اسلامیه تا آخر اجرا
اول جرگه شما گفته بودم بر اساس التغیر و التخفیف
و شرع شریف ... نموده دید آن چند مسئله ای که
علما ... از مسائل ضعیف شرعیه و روایات
مروجهٔ فقهیه داخل نظامات نموده بودند نیز از
حسن مساعی شما بمسائل قویه و روایات مفتی بها تبدیل یافت.
بلی اگر بعد از اینکه شما علما و فضلا و وکلا و غیره
افغانستان تمام نظامات ما را ورق ورق زدید و بر تمام آن جمله
آورده ... مسئله ... او را بر خلاف
شرع بیضا احمدی ندیدید. اگر احدی بغرض فتنه ها
و القای شقاق و عناد بگوید که نظامنامه خلاف
شرع است چون من خودم را خادم شرع میدانم
و سوگند میخورم که بقدر یک سر موی تجاوز و تخالف
از مقررات شرعی نخواهم ... البته گفته او را حکومت
شما ... از گفته ... خواهد کرد.

شخصیکه بغرض اصلاح و دلسوزی و معاونت
با حکومت بعض لغزش و سهو و خطا را که لازم نوع
بشر است در قوانین حکومتی که مقتبس از کتب معتبرهٔ
شرعی است ... مجلس علمای شورا و یا ...
خود ... کرده ... شورا موجود است اطلاع بدهد
و رأی و نظریه و تنقید و تعدیل خود در هر مسئله و فقره
کرده باشد تقدیم کند. البته موجب ... و ممنونیت حکومت
(در اینجا با اینکه ذات شاهانه کلام خود را با تمام نرسانیده
بودند ما جوش و خروش لویه جرگه نطق شاهانه را قطع کرد.

لویه جرگه

اعلیحضرتا! سرو جان و مال ما مورد منتی قدر و عظمت
خون و خدمات غیرتکارانۀ احتسابی و ملتی باشیکه از بین
مشوره و مفاهمه و تبادلۀ افکار که درین روزها و در عالی آستان صادقانه
اشتراک به امام لویه جرگه به عالیحضرت تمام مردم را آماده داشته، و تمام حکایات
الا خیر دشمنان کور شد و زخم دل بدخواهان ناسور! امروز
مسعود به حضور شاهانه شاکریم که از ابتدای جرگه الی الآن دو دو ساعت
و سه ساعت جلسات از اول تا آخر به نگاه با افراد مستان ما مراجعه
خوشبختانه اسباب داده به ذات ملوکانه اعلیحضرت تنویر افکار و روشنی ابعاد
هدایات منظم و مدارا یکنواری که بر رسم تعظیم انداختیم و اجرای خود حرکت کنیم
و اوامر و هدایات و نظریات اولی الامر خود را بلفظ عرض
میکنیم با افراد مخاطبه میفرمایند!

کسیکه بعد ازین ارشادات از نظامات شما که تا الحال مطابق شرع
بیضای احمدی است شکایت کند معلوم است که آن جز دشمن اکراه
نفرت کرده و مکره معاند و دشمن افغانستان خواهد بود
اعلیحضرتا! این امر روشن و مبرهن است که سابق برین نشر
افواهات بی سرو پا که در سراسر افغانستان منتشر بود و با ابتدای
شود جاها که از طرف خائنین و مفسدین دیا بواسطه تحریک بیرون گشت
خارج هرگاه ازین دو ولی کرده با این طریق شوند و یا هرگاه
این کلمات ما در زبان ما ضرور واجب ضرور باید می
بکفر گردانیش به دار سیاست کشیده شود!

علما لویه جرگه

اعلیحضرتا! الحق که ادارات دولتی
به یک شرعی که خارج از دوائر شرع
انور باشد ما مسائل ضعیفه و روایات مرجوحه را که با اصلاح و تعدیل
نموده ایم بر از دوائر شرع شریف خارج نمی باشیم. و بالفعل تمام نظامات
دولتی را عینا مطابق مقررات شرعی می نگاریم لیکن کسیکه در حقیقت
شریعۀ اطهر نمیکند بر اعمال تا الآن خود شهر یا جهان ندیده از جمله الی
قتل سیاستا مجاز و مختار نمی دانیم چنانچه که ما اظهار و اقرار نمائیم
بر تمام امثال این جلال سر را و پا که مقصدین نفاق و نفاق درین
امت تا امروز دمی هست ذات جهانبانی را که تو بجا آورده ایم

علمیت اعلیحضرت

فی الحقیقت اعلیحضرت غازی که آنقدر جدیت نمودند که حرکت
نمود جلاء و تعلیم حضرت که نمودند و کامل تحقیق مسائل
شرعیه بر تو شور نما است صرف متفقه در حجره و مدرسه ما حاضر است
که آن نظریه اصلاحیه شرع بعمل آن اقتضای شود تا اگر نظر درست

قابل قبول با منظور شود و اگر در جهود و اوراد با دلائل قانع نماید
اما شخصیکه از فقط تعصب و نفاق انگلی عناد برود و اگر شعبه ای
حکومت و اوامر ایجاز اینکه شرع شریف باید دعوت میکند.

شیر جان صاحب جنرال و

چون از غلط فهمی انتریکه آن دشمنان
و نصوص فکار بعضی از رجال دولت
امان جنا العماس کرده بود که در مسائل فقهیی اقوال ضعیفه در
قانون شرعی موضوع گردیده و یک سو ظن نسبت علما
کابل بخاطر بعضی سید بود و آشنا نه از کمال محبت
کرده بود و عدم اعتماد شانا که جوش دل بزند حضرت علما عظام و
کرام سود و کلاه و رو سا قوم نجیبه افغانیه را در مجلس لویه جرگه
مسائل حقه بیلو سوالات تحریر را با سعی و حضرات امورین
دستور العمل پولاد و قانون محمدی قرار داده اند تمام اعلا که اجرا
منع شرعی و اختلاف منع مخالفی از داخل و خارج باقی نمانده در
لذا عالما قرآنی بطور آشکار گشت به مضمون آیه واقی هدایه
لحافظون که احکام قرآنی از تحریفات دشمنان
قرآن و احیا الله دعا محفوظ و مصون است هرگاه بعد ازین
دشمنان دین عیسوی شنیده شد که قوانین موضوعه محمدی دولت
اما در مسئله از مسائل شرعیه مطابقت نداشته است و رفته است
دین دولت تحدید است هجاجات شده و خود بالارم
جزاییه و دولت فساد و سخنان میکنند چنانچه حضرت علیم علی الاطلاق
شانه در قرآن کریم از لطف عمیم خود میفرمایند (لا فضل الله
بها اصلاح ها) خطاب با امت مرحومه ناجیه شده که نشانه
حقیقه لا شبهات بعضی شبهین در اجتماع علما بکلی مرفوع گشت
در سو ظنون خود استغفار نموده و غلط فهمی خود با معذرت
نمودند و اولی الامر اسلامیان را حامی دین و محی شرع
متین یقین دارند و نگو و اتفاقش پرداختند!

لویه جرگه

ضرورت باید انجمن اشخاص مفسد و مغرض
و شیطان عش و حکومت متبوعۀ افغانی ما بجا
کمتر از نفی بلد و حبس دوام و عدم اعدام باشد
یاد آورده نفر باشند!

نرخ اشتراک	قیمت برای ...	
تفصیل مقامات	۶ ماهه	سالیانه
داخلهٔ کابل	۵	۹
داخلهٔ افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۹	۱۵
...	۱۱	۲۰

طرز قبول مضامین

این اخبار بعد از امر فضل ... کابل ...
... مقالات ...
... حقیقت ...
...
...

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل پنجشنبه ۱۲ جوزا ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۱۱ ذیقعده ۱۳۴۲ قمری شماره (۴۲)

کجاست غیرت و همت چه شد شجاعت ما

(از طبع رسای جناب عبدالله خان ...)

... پیچ نگون آمد اتحاد کجاست — میان مردم اسلام آن وداد کجاست

... دوستان که نداریم پاس الفت — با دشمنان ز سر کین بگو عناد کجاست

... اجنبی که تعصب نمیتوان کردن — با آشنا و رفیق خود اعتماد کجاست

... طرز حال که امروز وحشتی دارد — بگو نتیجهٔ اجداد و اعتقاد کجاست

... ازین عجیب شویم ما را غضب — دگر بگوی که آن راه و اتحاد کجاست

... است غیرت و همت چه شد شجاعت ما — چه شد اخوت اسلام و اتحاد کجاست

... جوان سرآمد گیتا و نصرت مایان — چه شد غریزه من آن شیوه سداد کجاست

فدائی وطن و دین و دولتی ظاهر — بدل ز حب وطن باده فهم و داد کجاست

نقل عریضهٔ لویه جرگه بحضور شاهانه و [illegible]

بحضور اعلیحضرت شهریار غازی شریعت پرور خلد الله ملکه و سلطنته، [illegible] داعیان دین و خادمان دولت، علماء و مشایخ و سادات و رؤسا و وکلای تمام حصص مملکت محروسهٔ دولت علیهٔ اسلامیهٔ افغانستان صانها الله تعالی عن حوادث الزمان بکمال افتخار و امتنان اینکه:

اعلیحضرت شریعت پرورا (من لم یشکر الناس لم یشکر الله) ملت افغانستان شکریهٔ این مراحم ذات کثیر البرکات شهریاری را [illegible] ادا کرده معروض میداریم که محض برای غمخواری دین و تقویت شریعت مطهرهٔ حضرت خاتم النبیین و اصلاح و بهبودی ملت افغانستان انجمن بزرگ جمعیتی که در عالم اسلام نظیر آن در تواریخ کمتر دیده شده است بروی کار آورده در مرکز دولت بحضور مبارک شاهانه خواص جمع فرموده طلب استشاره فرموده‌اند.

(هذا من فضل ربی لیبلونی أأشکر أم أکفر) فی الحقیقت میتوانیم عرض نمائیم که این نتیجهٔ سعادت و اقبال ملت افغانستان است که ایزد متعال ذات همچو یک قوت و [illegible] در فضای عالم اسلام یک گونه نزاکتی پیدا شده بنابر آن ما ملت نجیب افغان بوجود مسعود شاهانه ملکانه [illegible] خصائل و سرافراز گردانید.

این سعادت بزرگ را [illegible] تا آنکه خداوند بخشنده توفیق [داد] ملت افغانستان بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاه غازی مشرف شده بچشم خود دیدیم و بگوش خود شنیدیم و در قلب جای گرفتیم. تمام احساسات پاک ذات اعلیحضرت شهریاری که محض برای تقویهٔ دین و فلاح و سعادت ملت افغانستان نتیجه شده در خاطر مبارک خطور نموده فوق از آن است که عقل ما [illegible] اصحاب غایهٔ ما بتوانیم بیان سعادت و [illegible] و مدارج ترقی و تعالی رسیدگی نمائیم. پس [illegible] مجموعات اعلیحضرت غازی است که لویه جرگه برای تصویبات نظامات احکامات شرعیه زمین خود با علمای کرام [illegible] جنابان فضیلت پناه [illegible] صاحب [illegible] استاد صاحب و حضرات شمس المشایخ و نور المشایخ صاحبان و آخندزاده صاحب [illegible] مجیده موصوف و در حقایق و دقایق علوم [illegible] و شرعیه معلومات کافی داشتند جمعیت [illegible] منعقد لویه جرگه [illegible] امور ملکیه و وکلای [illegible] وکلا و رؤسا [illegible] که در امور شرعیه صنف علما و در امور ملکیه صنف وکلا و رؤسا تحقیق و تدقیق نموده نتیجه [illegible] متفق بر شرعیه و مفید باشد علمای اعظام و [illegible] و بهبود مهمات ملکیه باشد وکلا و رؤسا [illegible] ساخته تصویبات بعرض حضور مبارک اعلیحضرت برسانند چنانچه به اوراق جداگانه تصویبات هر یک ازین دو شعبه تقدیم حضور مبارک [illegible] در نتیجهٔ حسن این خطابات بزرگ و خدمات بزرگ که ذات اعلیحضرت غازی معظم بیان فرموده [illegible] مقصد عالی آن را بحضور مبارک تقدیم [illegible] و امید قبول التماسات [illegible] بدرگاه خداوند [illegible] اعلیحضرت شهریار غازی [illegible] دارد.

ما اهل ملت [illegible] دعا است [illegible] از طرف [illegible] دین و دولت اسلامی که الهی بحضرت [illegible] وحدت [illegible] بر [illegible] حضرت خاتم النبیین

سلطنت اسلامیه متبوعه افغانستان را بزیر لوای شریعت غرای محمدیه (ص)، و امر اولی الامر اعلیحضرت امان المجاهد فی سبیل الله الغازی امان الله خان از جمیع دست برد و حوادث اجانب اغتشاشات و انقلابات داخلی مصئون و مأمون داشته همیشه مستقل و متحد پایدار دارد. آمین یارب العالمین

۲: ـ بیادگار انعقاد این مجلس اسلامیه عالیه لویه جرگه یک نشان فی نشان توثیق عهد بیعت عموم لویه جرگه و برای حسن خدمت در راه شریعت و مملکت که اولی الامر غازی ما ابراز فرموده اند از طرف ملت صادق شاهانه نشان قدیم تقدیم نمایند تا که ذات شاهانه در هر زمان که آنرا ملاحظه فرمایند بخاطر مبارک شان خوش تمام از کار خدمات مجاهدانه شاهانه شان در راه دولت و ملت تظهر اطاعت و صداقت و وفاداری جمهور ملت بذات شاهانه بوده سبب شرف و افتخار ما باشد. علاوه لویه جرگه یک میل تفنگ و یک قبضه شمشیر را نیز بحضور مبارک تقدیم نمایند تا ذات شاهانه برای حفظ دین و منافع مملکت متبوعه اسلامیه مقابل غاصبین حقوق بشریت و انسانیت استعمال آن شرف اسلامیت و شجاعت افغانیت را ابراز نمایند.

۳: ـ چون لفظ امیر در شریعت و در عرف گاه برای شخصیکه زیر حکم پادشاه باشد مثل امیر عسکر و امیر الجیش و امیر السریه و گاه درباره پادشاه کلان که زیر حکم دیگر نباشد مثل امیرالمؤمنین استعمال میشود، جهت دفع این توهم که آیا ذات شاهانه زیر حکم [illegible] است. خدا نخواسته الحمد لله سلطنت متبوعه [illegible] دارای استقلال داخلی و خارجی بوده یک دولت مستقل آزاد است. لهذا ملت افغانستان میخواهیم که لفظ امیر لفظ امیرالمؤمنین (تو ل [illegible]

که پادشاه گفته شود و تبدیل یافته عموم ملت افغانستان بعوض امیر غازی پادشاه اسعد الغازی امیرالمؤمنین دولت ملک امان الله بگویند. شعر

[illegible]

۴: ـ چونکه اعلیحضرت پدر شهید سعید و اعلیحضرت جد امجد مرحوم شما از طرف ملت بالقاب سراج الملة والدین و ضیاء الملة والدین ملقب بوده اند، "لویه جرگه" تمنی میکند که اعلیحضرت غازی ما بلقب سیف الملة والدین شوند و این لقب را از طرف لویه جرگه قبول فرمایند. شعر

[illegible]

اعلیحضرت شهریارا ـ دین مقدس اسلام [illegible] مأمور بالاطاعه ملت اسلام واجب الاطاعه است و اصول لامذهبی مذموم است که تمام اطاعت و دولتخواهی موافق شریعت غرای محمدی صلعم تحت امر اولی الامر شخص پادشاه بر هر فرد مسلمان واجب و نافذ باشد. (کما قال الله تبارک و تعالی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم الآیه و قال النبی صلی الله علیه وسلم من مات لیس فی عنقه بیعة الامام مات میتة الجاهلیة) لهذا ما اعیان لویه جرگه و کل ملت افغانستان عهد میکنیم که هر گاه شخص یا اشخاص بخواهند که اساس اولی الامر اسلامیه به تقلید سلطنتهای اروپائی مثل مشروطه یا جمهوریه وغیره انقلاب داده تبدیل نمایند ابدا راضی نبوده ما ملت افغانستان بسر و جان خود حاضر خواهیم بود که از ان تعرض [illegible]
[illegible]

شرق و انگلستان

(عقیده وزارت امور خارجهٔ انگلیس)

در محافل وزارت امور خارجهٔ انگلیس و همچنین در وزارت مستملکات عقیدهٔ عمومی این است که مطالعهٔ ملل شرقی تصور نمایند بر اعتبار و معاشی که به آنها داده می شود دلیل ضعف و سستی یا عدم اعتماد از طرف ما باشد. بدین مناسبت دولتی که سروکار با ملل شرقی دارند مخصوصاً در امور انگلستان که بیش از همه دارای اتباع و رعیت در قارهٔ شرق می باشند خیلی کمتر حاضر شوند در موردی که مایل به تسهیلات و اعتبارات بیش از حد لزوم معامله کنند. و معتقدات مأمورین ادارات کل اینگونه خود می باشند. این رویه و خط مشی شاید در نظر شخص پسندیده نیاید کسانیکه در شرق زندگانی کرده و تجارب سیاسی عملی تحصیل نموده اند لزوم و جواب این طرز رفتار را بخوبی ملتفت می شوند، بهمان طور که قبلاً گفتیم شرقی هر تسهیلات را دلیل ضعف میداند و به همین جهت اصرار دارد بیش از آنچه تحصیل نموده است حاصل کند. و همینکه مقصود خود را حاصل نمود آن وقت است که دولت اروپائی نا چاره که در قوه دارد نمایند تسهیلاتی به دهند مگر اینکه ملل شرقی خودشان قوت و اقتداری پیدا کرده و بر حیله خواستار شده ارباب رجوع خود گیرند.

ولی از چند سال به اینطرف چنین بنظر میرسد که ملل شرقی تولید گردیده است بدون حق و بیگانه ها دیگر اعتناء نمی گذارند. با این فرض خودداری و شاید بشود گفت این حس نا امیدی نیست زیرا در اثر جنگ ملل اروپائی تمام مشغول و سرگرم امور داخلی خود بوده و حتی نتوانستند چنانکه باید و شاید عطف توجه بنمایند به تمام آن اوضاع و موجبات و وسائل رفاه و سعادت ... اسکان ... از تحت تبعیت و رقیت خود داشتند ... بیرانه ... ضعیف ... ازشان ... ماندند ... وقتیکه ... حاجت ... می کردند ... میگرفتند و بعد از ... مثلاً اگر انگلستان ... قدرت ... خود را اعمال ... البته ...

اساس حکومت خود را در مفهوم و تفسیر با یکدیگر ... هم در ... ولی انگلستان حکم ... مجبور ... شد و اقتدار خود را ... برد ... و دیگر ... از ... حکومت ... خود ... که ... می بود. سائر ملل شرقی هم ... شاید ... بتوانند ... تحصیل ... بر ... آزادی ... اگر ... در ... داخلی ... در حقوقات ... که ... از ... حکومت ... استعمار ... و همینطور ... این ... امور ... شده و دارائی با ... ادارهٔ مملکت ... و ... حتی ... قبول کنی ... عمومی ... موجب ... که ... شده ... حقوق ... امتیازات ... شده ... از ... حقوق ... کرده ... ترسید ... مشکل ... شده ... کامل ... حقوق ... مشکل ... است که ... تحصیل ... استقلال ... قدرت ... ملل ... انگلیس ... است ... که ... بتواند ... عظمت خود ... خواب ... مشروطه ... انگلیسها ... دفع کرده ... مقرر ... شدند ... دادن ... شوند ... اهالی ... از ... جنگ ... خاطر ... فراهم ... که ... انتظارات ... از خود ... محاربات دولت انگلیس ... تحصیل امتیاز ... اسپانیولیها در شمال افریقا ... شکست ... خود ... مجبور ... چنین از جنگ ... داخلی خود استفاده کرده ... حقوق ...

خلاصهٔ ضوابط ...

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل هر روز بعد از ظهر نشر و دیگر مقالات در تربیت مطالب ارسال نگردد. تحریر نگاران حقیقت ارسال مقالات و مطالب را اداره ... تحریر مقالات و اصلاح ... و اشتراک توسط خوانندگان دولتی و ... نقداً از بیعانه قبلاً دریافت

منشور (نگارنده)

[برهان الدین کشککی]

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
در ممالک خارجی	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

مقالات از سادات و علما و طلبه ... نگارنده ... اعلانات ... دو خرقی ... شماره ... مسیار

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل شنبه ۱۶ جوزا ۱۳۰۳ ش مطابق ۴ ذیقعده شماره (۱۲۵)

جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا

مرقع دربار مجازات خائنین سمت جنوبی و اعطای علم اعلیحضرت معظم امانی

هر آنکه تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت ٭ خیال بیهوده پخت و گمان باطل بست

ترتیبات دربار

روز دو شنبه ۱۸ جوزا عموم مأمورین ملکی از درجه کاتب، و سائر منصبداران نظامی از رتبه تولیمشر و حسب اطلاع نامه‌های که قبلاً از وزارت حربیه و عموم نفری شهری و علم از اهالی شش کروهی قرار معلوماتیکه از ریاست بلدیه گرفته بودند خود وزارت حربیه و اطراف جانب آن بیک هجوم و ازدحام فوق العاده که تا حال نظیر و شبیه آن را ندیده بودیم تقریباً از ساعت (۸) شروع باجتماع نمودند.

جهة امرا و ارکین حربیه الی رتبه غند مشر جانب دست راست محل جلوس جهانبانی و برای وزرا و محترم الی درجه روسا طرف دست چپ شاهانه در برنده شمالی قصر و برای تمام مأمورین ملکی و منصبداران نظامی بداخل قصر برنده جنوبی آن و برای اعزه و تجار و معتبرین شهر و غیره جانب دست راست صحن شمالی و برای نفری وزیری و مسعود و غیره معتبرین اقوام فداکار باوفای افغانی طرف دست چپ صحن تحت سایبانهای عالی مقامات نشستن نهیه شده بود.

برای عامه اهالی از طرف پولیس دستور داده شده بود که بچمنهای خود وزارت و لب سرک‌های چهار گانه حوالی

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 113 of 524

وسرکهای دور و پیش اندر موقع نموده تماشا کنند علاوه بر قوهٔ پولیس بکعده از سربازان نظامی نیز جهت نگرانی این ترتیبات و مراقب اشخاصیکه سهواً یا قصداً از محل مخصوصه و معینهٔ خود تجاوز کرده بمقامات دیگر ان خیال آمدن را داشته باشند و همچنین اشخاصیکه محکوم به حبس در محل بودند بطریق

وزارت حربیه آنرا تعیین نموده بود می بایست که بر طبق همان پروگرام تماشا بحضور مرحمت انشور خسروانه تقدیم شوند و احکامی را که نسبت به جمعیت و فرق بکی بعد از دیگری

برای آنها و عامهٔ اهالی شنوانیده شود تا شنیده بدان جاده که از بند شمالی قصر وزارت حربیه سوی شیرپور محدود است مرتباً و منتظراً ایستاده بودند و همچنان اسباب حمل و نقل از دو نام یک کوتل حرکتی در میان صفوف دو طرفهٔ نظامی برای اخراج بعد الاحکام این خائنین نظام گذاشته شده بود الاهی رخی از این اشخاص باید طلائی لنگ ورنگهای دیگر علاوه رنگ یک پیرزاری که بر سر خود آنها نیست سرسان سفر بود بر سر قدرتی و جمعیت آن سر بهرهای دیگر که بدو و پیش شان ایستاده و باحرکت بیکرده نیز معین بودند تمام افراد این محافظین مسلح و تفنگهای ایشان برچهای سرخ خود را کشیده بودند و برخی از مجرمین شدید این محکومین فقط رولانهای عمومی نیز در پا داشتند.

ورود موکب همایونی

بعد از اینکه هجوم وازدحام اهالی بانتهاء رسید

وبجود قصور برندها و بیوت متعدده و اطراف و حوالی بصفاً و مناظر دور و نزدیک وزارت حربیه جای پای ماندن متعسر بود ذات شوکت سمات همایونی مقارن بساعت ۹½ مسرت افزای قلوب منتظرین و لرزه افگن اجساد خائنین گردیده موزیک عسکری و کندک نظامی سلام پادشاهی را زدند و رسم تعظیم ذات جهانبانی را چنانچه مقرر است ایفاء نمودند.

در اثر آن اشخاصیکه بر چوکی و فرش نشسته بودند جهت ادای تعظیم شهریار دوبند ار واجب التکریم خود ایستادند و ادعیهای عمر و اقبال و سلطنت نثار ابر وذات بزرگوار

شان نثار کردند!

بعد از یک چند دقیقه ذات جهانبانی را امر یاد فرمود رسامعین و تحت تأثیر عجیبی آوردند!

نطق افتتاحیه

اولاً بخواهم که کرام ...

سمت جنوبی که بعضی از خائنین آن امروز بدار اعمال خود را می بینند یک قدری بیان کنم ... حقیقتاً برای ملت و حکومت ...

یک قومی که افرادش را بچون جگر پرورش داده ... آنها چشم خدمت داشتیم بسیار جای ... لکن حکیم یکی از که بهیچ صورت علاج آن نشود تمام بدن نیز برینا نخچون ورم وجود پیدا شود ... مجبور است که آن قوا ندرا ببرد ــ گویا این ... سرطان بود که بوجود مملکت ما برآمده بود ... کرا دوا قطع نمایم ... بیجات وای خود پاینده بماند.

افسوس میکنم قومی را که من نهایت ... و آنها را برای خدمت اسلام و افغانستان ... امروز بعضی از آنها را بدست خود تلف می نمایم!

بسیار افسوس دارم بر قومیکه من ... بنظر محبت و شفقت میدیدم، و فخر ... می پوشیدم، و میگفتم که اینها قوم وفادار ... لکن آنها عوض تمام محبت و مهربانیهای ... ملاناماهای جاهل بر علیه رفاه و ترقیات خود ... و بمخالفت حکومت اسلامیه خود کوشیدند.

هزار لعنت بر تمام خائنین اقوام سمت ... و ملیون ملیون لعنت بعلما نماهای نادان شان ... ای کاش اینقدر تلفات را که اولادهای ... و دیگر اولادهای ملکی ام، و این فرزندان ... نادانم درین مقابله علم و جهل دادند، برای ... و آبادی ملت می بود ــ تا مسرور و خوشوقت ... بدبختان بانظر رفلاکت و تباهی مبتلا ...

ای کاش علما و خانها نیکه امروز در عوض
اینکه به دولت و ملت اسلامی خود نموده اند،
[illegible] سند - از خدمات خود که در راه شرف
و ترقی ملک و ملت خویش میکردند، موجب انعام
و اکرام میشدند!

باز هزار افسوس آن قومی را که دو سرت
[illegible] و وفادار میدانستم آن جهان و محبت
[illegible] نادانی و جهالت خود از خود جدا ساختند.

اگر چه درین معاطبه [illegible] حمله کرده [illegible]
[illegible] کار گرفتم، حتی جلو عساکر فدا کار خود را [illegible]
[illegible] بودم و بدوشان هدایت میفرستادم که
این بدبختان فریب خورده لطف و مدارا [illegible]
[illegible] - بدانها نیش نباید، شاید که از [illegible]
[illegible] بود بار امید و رضای فرزندان
[illegible] دلیر فروش ندان این نائره اغتشاش
[illegible] صداقت و شجاعت عسکری و علم و تدبیر
[illegible] افغانی اهمیتی ندارد، لکن این بدبختان
[illegible] روزگار طاقتم را طاق و حوصله ام اخلاص
[illegible] - حتی این تحمل و بردباری و شفقت [illegible]
[illegible] جهالت خویش حمل بر کمزوری و ناتوانی حکومت
و تفنگ حکومت کوهستانی فساد [illegible]
[illegible] تصمیم کردم تا بدانند که این مدارا و شفقت
بالمقابل نادانی و جهالت آنها از کمزوری نیست
[illegible] بود که عسکر فاتح ما و اقوام فدا کار سمت مشرقی
و برادران اسلامی ما مسعود و وزیری و سائر ملت
افغانی در ظرف یکماه بعد از انتظار یکسال و چند
[illegible] خائنین جنایت کار تکفیر کرده سزای شانرا رسانیدند
که چند تن حقیقی محاربه و کوشمالی قبائل باغی [illegible]
[illegible] بود و بعد از ختام این محاربه ده روزه
[illegible] چیزیرا که دیدند.

باز افسوس میکنم و حسرت میخورم که امروز از
جهالت خود آنها برای ایشان نه پول و نه ثروت

و نه خانه و نه حیات با وقاری مانده است.

آیا این ثروت و عزت را از کجا بدست آورده
بودند، معلوم است که از عقیدت و ارادتیکه با دولت
خود داشتند، و از وفاداری که با حکومت خود میکردند
پس چرا این نادانان حکومت خود را مجبور کردند که آنها را
خراب و برباد کند.

لب بار منا سخن که آرزو [illegible] بی قلبی مرا برای
[illegible] پیشوایان خود غرض شان بالعکس بر غلط
[illegible] کرده - و آنها را [illegible] خود بر علیه حکومت
[illegible] تف برین قسم پیشوائی و هزار لعنت و نفرین
بر [illegible]

ای کاش [illegible]
گفته این ملانماهای سود خواه این خود غرض خود [illegible]
[illegible] کرده [illegible] مخالفت از حکومت
چه فائده برای آنها [illegible] و چقدر را از [illegible]
خود در عقب میماندند و بالعکس برای دشمنان [illegible]
و ترقی شان چقدر فوائد بهم میرسید.

[illegible] این ملانماها [illegible]
[illegible] تباهی و بربادی [illegible] اولاد های بدبخت
و فرزندان نادان بدبخت من شدند حتی در [illegible]
این یکسال [illegible] - مصرع
ز هر طرف که شود کشته سود کفار است.

خیر هر کسیکه با عسکر دلیر مقابله کنید و سد راه
ترقیات اسلام و افغانستان گردد من بحکم ملکیکه [illegible]
اهل اسلام او را دشمن اسلامی پندارم - تحریفاتی
که ما برای افغانستان آرزو داریم برای شخص
ملک خان و ملا و مامور نیست فقط آسایش
و آرامی غریب ترین طبقات ملت خود را در نظر داریم
این خائنین منفعت پرست بر مفاد شخصی خود
دین و مذهب را ملکت کاری کرده آن ملت مظلوم
که ما برای رفاه و آسایش آنها جان میدهیم بجای اینکه
برای ما فدا کاری میکردند بر علیه ما برانگیختند و مرا و تمام مامورین

وقت افغانستان کاو یانی کرد. کاو یا نیاز اکا فرعی بندارد فرزا
داوند عجب است که من و ما مور و وقت افغانستان کار فرمایم
تنها این ملعون که ملک [illegible] و رفقای جنگش باشند سیمان برآمدند.
معلوم نیست که این خائن جنگی برای آبادی دشمنان و برای [illegible]
از رفقای از خود غرضی و منفعت پسندی خواهان [illegible] ملا آباد بخت ما
بوقوع آمده بود دور نیست که بفیوز فرزندان سلطنت والا جاه حاکم گی
نفوذ خائن کشته شد. این ملا ناکام جاهل در موقع [illegible]
[illegible] است [illegible] افغانی بدو شما بگفتند که افغانها تا [illegible]
[illegible] یاد و بدکه [illegible] تف بر شما تا با سلطان [illegible]
[illegible] خود کشته شد با [illegible] افغانها [illegible]
[illegible] بهتر بود که [illegible] افغانها [illegible] افغان [illegible]
آن [illegible] شده از [illegible] خارج [illegible] انقدر
اولاد های جاهل [illegible] . حال الحمد لله [illegible] تحقیق
[illegible] اسلام منظر دشمنان دین [illegible] زیرا که [illegible]
مبارک معتقد بود که [illegible] خود تمام کرده [illegible] شرف سلام
[illegible] و تمام کائنات [illegible] بود که [illegible]
بزرگوار [illegible] خود کار [illegible] غزوات [illegible]
[illegible] سعی علاج خدا کار [illegible] گفت. [illegible]
[illegible] کرد [illegible] صادق خود [illegible]
[illegible] فرموده اند. اما این ملا نما های مردود
[illegible] جاهل ما [illegible] نام نهاد و [illegible]
[illegible] خود [illegible] از [illegible]
[illegible] می نماییم. ای خائن [illegible] خودم و سلام [illegible]
مرتبه بسیار دور می نمایم. و بالفرض اگر [illegible]
[illegible] بود و باشد. پس چرا بمقابل افغانها [illegible] استقلال
[illegible] و انقدر [illegible] را کرده و طرف با سلام وارد [illegible]
نداری (عموم لعنت برین حرکات)

چاپلیا افسوس است که ملت جاهل بوده [illegible] کرده
مال و هستی خود را از دست خود تلف ساختند و اگر [illegible]
این شیاطین [illegible] خود را [illegible] خود [illegible]
باز خدا امیدوار است که هیچ آرزو ندارم [illegible] آن [illegible]
بسیار دوست داشتم و وفادار خویش [illegible] از دست خود

بلا گفتم. اگرچه چاره کار از شیطنت این [illegible] شو[illegible] از دست
جهالت خود شان مجازات میشوند. [illegible] با عنوان [illegible]
در خود [illegible] ایشان [illegible] یک [illegible] مجبور و [illegible]
[illegible] از طرف حکومت معین شده است [illegible]
[illegible] از [illegible] احکام [illegible] که من از جهالت [illegible]
و [illegible] حتی الامکان [illegible] نظر کرده تمام احکام [illegible]
از نقطه نظر محبت و مرحمت [illegible] چنانچه از [illegible]
[illegible] معلوم [illegible] اعلام میکنم.

[illegible] ملانان [illegible] مقطان [illegible] و [illegible]

خوش [illegible] گمان میکنم که بعضی از حاضرین [illegible] بود
شناخت [illegible] مختصر [illegible] اند.
(۱) این [illegible] ملعون [illegible] که [illegible]
[illegible] بگویم [illegible] لفظی [illegible] باسمی [illegible]
یافته [illegible] این ملعون [illegible] زندیق بود
[illegible] مردار شده [illegible] که [illegible]
[illegible] الرشید و [illegible] الغنی [illegible]
[illegible] شرف افغانستان [illegible] داد [illegible]
تقویت [illegible] افغانستانی [illegible] برای [illegible]
او جابر [illegible] امین خان (عبد الغنی) در [illegible]
خود هم بالذات تحت استنطاق بود [illegible] داشت [illegible]
نظر [illegible] برادر [illegible] داده [illegible]
گذشت [illegible] میدانم که با این مردود دست اخوت
نداده ام چرا —
ای [illegible] بس [illegible] دستی [illegible]
فرض کردم که من با تو ملعون دست برادری [illegible]
[illegible] خیانت [illegible] مثل تو یک [illegible]
او [illegible] که دشمن و بدخواه برادر خود [illegible]
بر علیه برادرت بر خاستی و مخالفت او [illegible]
[illegible] ملعونی که در عین مذاکرات [illegible]
علمای افغانستان [illegible] شرعیه با [illegible]
[illegible] مولوی [illegible] گرد [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 116 of 524

بحکومت شما [illegible] بپدا نمودن اعتبار و اعتماد
حکومت را بر خود ظاهر کردن کدام خدمت خوبی را به
دولت و مملکت نکرده ، و بجز حکومت باشد ، الیوم بعد وجود
اعتماد و ابراز کدام خدمت فوق العاده عمل آنها کرده و ابن بقابات
شان فرستاده خواهد شد .

زیاده برین برخلاف سابق برای شما هیچ یک تیاری نمیدیم
[illegible] بالآخره ولایت کابل و سایر نقاط افغانستان
جاری است بر شما بدون تفاوت جاری شود . اطفال شما را
در مکاتب جبرا داخل میکنیم . از جوانان شان طوریکه از دیگران
نیز عسکر نفرس میستانم . اگرچه از لحاظ انتقام جوئی باید
انتقام عذر و خیانت با شکستهائیکه دچار آن گشته اید کرده شما را
ملکتم [illegible] نظر بیان [illegible] و طریقه [illegible]
[illegible] دولتی [illegible] شما خوم [illegible] شما را
[illegible] اطمینان میدهم [illegible] میکنم .

چنین از جنگ شما نفوس شما دید میگفتید که ما
در وقت جنگ با افغانستان با دشمن بسر و مال خود کمک
نمودیم وقت جنگ حاضر و آماده ایم لکن برخلاف توقع در میدان
که در جنگ استقلال نمودیم تمام تلفات مارش از
(۳۰۰) نفر نبود و در مقابله ظلم و جهل از طرفین بیشتر
از دو هزار نفر شهید و کشته شده اند .

شما خونبها از تفنگ گرفتید و صاحب تعلیم
[illegible] شدید . و باز فرصت را غنیمت شمرده همان
تعلیمات و تفنگ را بر علیه حکومت خود استعمال
کردید بعد ازین هرگز برای شما چنین یک موقع
داده نخواهد شد که با یکدیگر فرصتی برخلاف حکومت
ایستاده شوید زیرا که این سرکشیها
کرده و خیانت کاریها غیره اعده شما
جنگهای جنگلی که از عصر امیر شیر علی خان مرحوم
الی الآن بار بار شده است بتجربه گرفتم
و بارگول شما خورده ایم پس ازین با شما حکومت
عسکری بادیت و اند اگر یک مرتبه دیگر هم افراد
[illegible] تحقیری [illegible] بود بار خواهد است

شدید نه تنها از زبان شخص جرم شما بلکه [illegible]
تا حال شما هر یک از مامورین و خدام دولت [illegible]
دو پن می انداختید . ومن بالمقابل از حوصله و فراخدلی
کار میگرفتم . اما پس ازین برای برداشت تحمل
ادنی ترین اشکال این افعال آن حاضر نیستم و در رسیدهای
بسیار خفیف از شما بازخواست شدید میکنم .

من بهمراه شما قاتل چقدر احسان و نوازش نمودم .
در آوان سلطنت خود بر قلها آنها را بخشیده وطن شان
فرستادم . بسبب آن خیانت دفینه شان را از شان
پر کردم . مالیات شمارا تا چند سال بخشیدم . ونذر
نفوس شما شما را مردم سمت جنوبی را انبار دادم . [illegible]
کابل می آمدید هزار ها روپیه شما را می بخشیدم . و در
عسکری خودم بالآخره لباس شما را می پوشیدم .
همیشه نشستن خودم را در جمعیت سمت جنوبی بر دیگران
ترجیح میدادم . هر گدائی که از مردم شما را از دور میدیدم
با احوال پرسی و دلجوئی او سبقت میکردم . حتی از لطف
و محبتیکه با شما چون سپاه داشتم نزدیک بود که دیگر اقوام
وفادارم ازین گلمندی کنند ، عوض اینهمه نوازش
و الطافم از شما خانه های احسان فراموش نه تنها
نقض نیوی دیدم بلکه بر دین و ایمان نیز
و انقلاب نمودید . و بر مطالب نا پاک خود رنگ
و روغن عجیب و غریبی را مالیده بر علیه ام
استعمال کردید .

خدای ذات کریم که از لطف و حرمت
خود این بهتان و افترا شما را که بواسطه
مطالب شخصی خود بر دین و مذهب و ماموریم
نهاده بودید و بنام حمایت دین این بغاوت
خود را کلیت کاری کرده بودید ـ از پیدایش
عبدالکریم برای عامه اهالی و مردم داخلی
و خارجی ظاهر و هویدا کرد و آن پرده خیانت را که بنام
شریعت بر اغراض قبیح [illegible] نموده بودید در [illegible]
[illegible] گرفتن مقام سلطنت [illegible]

التمیتومها

اینبار اتحادیهٔ شما التمیتوم به شما فرستاده‌اند که [illegible]
در آن [illegible] خان [illegible] که از خاندان [illegible] [illegible] عسکری [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] عسکر فراهم آورده
[illegible] ای [illegible] اگر [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
اگر شما [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] آمده بود
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] اقوام [illegible] رسید [illegible]
اگر شما بگوئید که [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
شما خود [illegible] تسلیم [illegible] اطاعت کردید.
نظر به [illegible] [illegible] افغان [illegible]
که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
شما گردید [illegible] شما [illegible] [illegible]
و انشا [illegible] [illegible] شما [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ولایات [illegible] افغانستان [illegible]
و در [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] گله کنند.

دستر [illegible] مشکل

آیا شما مشکل [illegible]
کدام [illegible] شما [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شما [illegible] [illegible]
شما [illegible] افغانستان [illegible] خدا و رسول [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] گردید — اگرچه حال [illegible] است
[illegible] [illegible] قوم [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] [illegible] کدام [illegible] خواهید کرد؟

خود شما فکر کنید که در کدام جنگ [illegible] امان الله [illegible] شده است
هر چه شدید شما شدید بیچاره نادانان [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] مأمورین [illegible]
[illegible] مسلمان [illegible] [illegible] ؟ آیا شما [illegible] مسائل [illegible]
احکام اسلامی [illegible] [illegible] [illegible]
بلکه [illegible] و عقیدهٔ پاک اسلامی [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] کابل [illegible]
[illegible] [illegible] است.

[illegible] [illegible] [illegible]
کابل آمده [illegible] [illegible] معلومات [illegible] این یک مطلب
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ؟

ای گول خورده‌ها نادان اینقدر فکر نمیکنید که [illegible]
قادیانی که در افغانستان [illegible] [illegible]
شما در دیگر جا‌ها [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] قادیانی [illegible] [illegible]
[illegible] آنهم از اثر [illegible] بود —

— شما بر غلها دو قسم میباشید، بعضی شما بر غل [illegible]
و بعضی بر غل حقیقی میباشید — بر غل [illegible]
گرفته‌اند و بنام بر غل [illegible] آمده‌اند [illegible]
بلکه [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] خودشان و یا اقوام [illegible] تحویل [illegible] حکومت
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] کابل [illegible] خواهند شد

برغلهای حقیقی را که [illegible] [illegible]
[illegible] میباشند که با حکومت خود خیانت کرده [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
یا برادرزاده خود را بعد از تصدیق حاکم محلی به کابل آورده
برغل [illegible] کابل [illegible] [illegible]
[illegible] — مطلب از [illegible] برغل [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 118 of 524

خود را از اوربا العداز تنگ و ..را از خواب بیدار کرده رسانیده بود تا کیفه فرار نمود [illegible] از شاه مزار نمود و تو بودی.

ای غیبت! آیا حکومت انقوتر دل و ترسید که از کشتن برکنار تو خود داری کرده ترا زنده بسیار اول چون ذات تنها بانه درین روز بلبس بلباس نظامی بود نه و بکر خود تفنگ خود را از شوخ تفنگی را کشیده دست خود را بجانب آن نهاده و متعهد فرمودند [illegible] اینک برای رفع این اشتباه تو اگر باس [illegible] واطاعت را محکم نگاه را به کلیات شما رجعت کنم.

[سکوت چند ثانیه جهت لحظه غیظ، بلند دعا کم ...]

خیر! اگرچه در اول خیانت سخت کردی اما طرز بدایت آخر وات ترا از کشتن معاف میکنم و با قوم و جمیع عاملات شما ایکابل محکم میدارم اما شرط بر اینکه خاندان اتباین است که از امر و نهی سو عاکنید.

والی و علما و اطاعت هم بخیر خود را که حکومت اساساً انها را بایست معین میکنند، حاضر عالی. اگر تا به همین حیثیت نفر هم از افواج رعیت حاضر کابل نشود، همه شما را حقش بدین و اسطه میکشم که نسبت بدیگران شما از حکومت بسیار احسان و بود و مرکب باشما دوستی و مرکز بنده را بیده از حالات و جریانات وائی خبر معلوماتی داشتید پس چه شده بود شما را که به منافع حکومت خدمت نکردید و بالعکس در خیانت بدرجهٔ اول پیش قدمی کردید.

جدرانی ها

شما جدرانی با خوب خبر دارید که من با شما تا چه اندازه محبت داشتم، بهر موقعی که شما بکابل می آمدید چقدر مورد نوازش حکومت می شدید، و شما اقوام میوخان لنگ رعیت وفادار و فدائی خود میدانستم آیا نتیجه آن احسان و نوازش من با شما همین خیانت بود که با من نمودید ــ

هر که با ناجنس سودا میکند پا میخورد

خیال داشتم که شما قوم بدجنس نظر بدین احسان و نوازش که با شما نموده ام در یک موقع مهمی برای افغانستان فداکاری خواهید کرد.

افسوس که آن هم نشد و هیر و سودای خام شد.

دی کاش اگر این فرقه مرد قوهٔ عسکری بالا شخاص لنگ و غیره دیگر اعزام حکومت تسلیم میکردید تا شما هم در جملهٔ اشخاصی که به اینها مکافات داده میشود شامل میبودید.

با اینکه شما در اول خیانت نکردید مگر بعد از ورود قوهٔ عسکری مادر جدرانی گرفتاری شده خود شما تنها معاونت کرده اید و هم کار دو کمپنی با خود گرفته سر اطاعت بحکومت نهادید از روزیکه شما را میکشتم و نه فراریان منحام و نه از شما باز خواست میکنم فقط به همین یک خدمت دی نظر به عهد و پیمان و صحیح توسط وزیر صاحب حربیه بخضور نمود و دعا ۹۹ نفر از افراد شما و نو (۹) نفر شما را که از دوستان اجتماعات غیره دار...کنه بر شخص آنها اعتماد مرا پیدا شده و زارت حربیه در حق ... نگاه میدارد هر وقت آنها اعتماد خود را بیده اگر بندار اعتبار برعمل گردید شما را رخصت میکنم و ۱۰ نفر دیگر را بعد از سپردن برعمل رخصت میکنم و همچنین این ... را هم بعد رسیده اند شما را بحکومت بیاید رخصت میکنم و در آینده هم ... اگر حکومت ... کابل شما را در ولایت [illegible] آن اشیا را که ... دیگر داده ... از قصه افغانستان ... از شخص محرم ... [illegible] ... شما را ... تسلیم حکومت ... عقلی ... نفاق ... [illegible] شما را [illegible] ... اگر شما حقیقتاً ... تا شما ... خودم را که با شما ... چون ... اعتبار شما ملک ... شما برای ... رقم رسانیده اند و در ... ملک خود را ... آینده ... باشند و شما را میکشم که ... سراز ... خود ... و حکومت محلی ... انتخاب ... و از احکام خود دیگر ... علمای سوء و ملک و خوانین خائن خود فریب نخورید.

سلیمانخیل

اعلیحضرت: ــ عبدالکریم تحصیلدار همین است وکیل حربیه: ــ بلی ..... ب اعلیحضرت عبدالکریم (تحصیلدار) اگر در ابتدا اتحادات شاه ... فرمائیم ... از اعتماد ... در حکومت ... بواسطه محمد سلیمان خان

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 119 of 524

چنانچه در بیان فرستیکه عبدالکریم در میان شما داخل شده بود
وزیر صاحب حربیه بما احوال داد که :- گویا از آمدن عبدالکریم
درین موقع شما مسرور باشید زیرا که واقعه رنگ دیگر و صورت
بهتر را اختیار کرده دعوی دیانت باز روی سلطنت و تبدیل
و تحویل یافت شخص عبدالکریم محتاج به معرفی علیحده و علت نیست
چراکه عموم از محیطی که در ان وی پرورش یافته است از عادات و اطوار
که دارد واز خیانتی که پدرش امیر محمد یعقوب خان با افغانستان
کرده واز شریک و انباز که با خود درین مفکوره دارد بخوبی شما مستحضر هستید.
رئیس صاحب تنظیمیه سمت شرقی :- بلی! اقربا و نسبت عبدالکریم
و پدرش مانند آفتاب روشن است، و در نجات عزیز و زیبا ذات ملوکانه
شاها در رفاه ملت و مملکت و کار روائی با اقبال قدر [illegible]
و جنابا در [illegible] مطلوب برقرار در ملت افغانستان ثبت
و منقوش است و تصدیق عموم [illegible]!

ذات شاها!- صد جا بدون هیچ یک گمان [illegible] میگویم که خودم
بالذات از شرکت عبدالکریم درین واقعه بسیار مسرورم و از
کسانیکه برادری [illegible] رسانیدند ندامت [illegible]
گویا آمدن عبدالکریم برای ما چندان فوائد مادی و معنوی فراهم
کرد [illegible] فائده برای ما از بودن عبدالکریم تقریبا با وجود داشتن [illegible]
افواج [illegible] بهم نرسید. اگر چه من از [illegible] که برای [illegible]
عالم اسلام افغانستان دارم بجز از یاری حضرت خداوندی [illegible]
نمیدارم. معتقدم که از لطف خداوند تمام مقاصد پاک خود
کامیاب میشوم. علاوه بر ان عالم اسباب نیز چون عسکر فداکار
و اقوام وفادار دارم - معلوم است باشمال [illegible] خائنان خدا
بیوفا احتیاجی ندارم. و یقین کامل دارم که بیاری حضرت باری
و روحانیت حضرت نبوی و همت شجاعت عسکر غیور و اقوام
جسور در هر میدان بمقابل خائنین [illegible] و دشمنان خارجه [illegible]
و فاتح و کامیاب هستیم. ای دوستان مهمان پرست فطرت!
گمان نکنید که با دین سرکوبی شما خساره بهی کشیده ایم و یا
عسکر ما برای دیگر گوشمالی شما [illegible] حاضری خود را نمی بینند
زیرا درین مرتبه تنها [illegible] عسکری خود را بسر شما یک نفر هم
گسیل نداده ام اگر [illegible] تغیر و تبدیل قلیلی [illegible] کرده ام
و یا بیک [illegible] زنده عسکرهم ضرر و تحقیری رسانیده بود [illegible]

در انوقت این با شما بیز جنگهای [illegible] با یک [illegible]
پر دهشت خونین از خود شما تشکیل فراهم [illegible]

جنت خان و برادرانش

از خیانت و تجاوزاتی که شما منگلی ها [illegible] نادان کرده [illegible]
کرده ام [illegible] شماری که نوکری این است که [illegible]
از کارهای بد پشیمان شدید [illegible] رئیس صاحب [illegible]
سمت مشرقی آمده اظهار انفعال و ندامت نمودید [illegible]
محل و قلل [illegible] زمانت قطعات عسکری کمک کردید [illegible]
و خصوص تو (جنت خان) در اول [illegible]
مبدا [illegible] از هم خلاف [illegible] شدی [illegible]
[illegible] همه [illegible] بصورت [illegible] در کابل [illegible]
حتی خود [illegible] در کابل [illegible]
حضار محترم چنانچه از خیانت [illegible] جنت خان [illegible]
[illegible] در میان [illegible] عبدالکریم [illegible]
خواسته بود. این بدبخت [illegible] سالار [illegible]
[illegible] عبدالکریم بود [illegible] سابق [illegible]
[illegible] افغانی [illegible]
[illegible] است، اما این نادان [illegible] بدبخت [illegible]
[illegible] سالار [illegible] شده [illegible]
خیال [illegible] بسیار [illegible] سالار [illegible]
[illegible] تشکیل [illegible] خود [illegible]
دو [illegible] اما [illegible] اطاعت [illegible] بغاوت [illegible]
این [illegible] گردید. ای بدبخت چه شد که کابل [illegible]
وزیر صاحب حربیه [illegible] حاضر شدی [illegible] کردی که [illegible]
و سینا [illegible] سمت جنوبی رفته خدمت کنم. اما چون [illegible]
از [illegible] استغراق کرده [illegible] مردم [illegible] تو رسید [illegible]
گفتی که [illegible] حکومت [illegible] است [illegible] خیانت [illegible]
عبدالکریم رسانیدی [illegible] خود [illegible] عبدالکریم [illegible]
[illegible] محبوب [illegible] محبت [illegible]
که [illegible] خواب [illegible] خود [illegible]
[illegible] غلطی [illegible]
خواب [illegible] و اولین [illegible]

شما را لازم است که مانند دیگر جماعتهای
... آرزوهای قلبی مرا بالعکس به نظر دقت ... این
... دشمن آن غداران موجبات غلط فهمی
... و مقدمات خیانت رعیت به حکومت
... نکنید. باید که شما بعد ازین گفته‌های
... که شما را تباه و برباد کردند نشنوید و از خواهش
... اشخاص صاحب غرض بی‌ناموس اندیشه‌ور
... پادشاه همیشه فکر کنید که خیر و بهبود ملت
... ملت در چیست و چه چیز را میباید
... کنیم که رضای خدا (ج) و رسول (ص)
... پادشاه خود را نائل شویم.
[illegible]
... که شما را بر علیه ترقیات و رفاه و آرام
... حکومت ... تان ایستاده کردند و خود
... در عین زمان کناره گیری نموده ...
... شما را تنها گذاشتند ...
... این مقابله علم و جهل ندیده
... نخواهید بود که کدام ملای بدبخت
... و هلاک گشته شده باشد فقط هرچه
[illegible]
[illegible]
... لکن در آینده ... گفتید و فکر نمائید
... که مدام فریب دیگران گرفتار
... هر کس بجان خود زندگی میکند
... بجان خود می‌میرد و بار کسی را کسی نمی‌بردارد.
مجازاتی را که برای خائنین سمت جنوبی
... بودیم همین بود که اجرا شد زیاده
... کسی را عرضه‌دار نخواهیم. واحدی را
... تعلق دارد و علاقه‌مندی سابقه با قاتلین
سمت جنوبی در آتیه تحت مجازات ...
... آوردیم. بعض ازان اولاد های بدبخت
... خود را که از سمت جنوبی فرار و بدر رفته‌اند

قرار گرفته‌اند نیز رعیت بی‌وفای خود می‌انگارم.
از طرف من زیاده برین اشخاصیکه مجازات
شده‌اند و یا زیر محاکمه هستند باستثنای سرکردگان
... باشند عبدالغفور و عبدالوهاب و کریم
سرکی که آنها را وزارت حربیه بشرط علیحده اجازه
آمدن اوطان شان را امید بدهد برای عموم
اشخاصیکه درین مقابله علم و جهل علاقه‌مندی
داشتند یا از دست آنها سهو و یا خطا کدام
کاری سرزده باشد، عفو عمومی میکنیم. با جدی
عرضه‌دار نیستیم!
فی الحال در سمت جنوبی حکومت عسکری
جاری است. هر قومیکه در پیدا نمودن اعتبار
و اعتماد خود نزد حکومت کوشید و با دولت
اظهار وفاداری کرد، شرائط آنها انتظام کرده
میشود. باقی از عموم شما در مقابله جرم بسیار خفیف
از یک نفرتان باز خواست بسیار شدید از قوم ...

نطق اخیر

[illegible]

ترتیب شد ... اندازه وقت و باریک ... بکار برده ...
... کشیده شده است. بالاخره امروز بجان این ...
بدبخت افسوس میکنم که امروز پنجاه و سه نفرشان کشته و قریباً
دو هزار نفرشان بی‌خانمان شدند
همه میدانند که از بدبختی تر جماعتهای شرمسار
شان که اینها را بآرزوهای دل من دعوت
نمودند و راه بهبودی و آسایش را برای
شان نشان ندادند.

... مفصل ... واقعات ... آینده ... خواهیم نگاشت. ف. د.

مهاجر نمودی برادر زاده خود را در قسمت برغول فرستادی حال از شما دیگر
[illegible] برغول [illegible] و [illegible] شما [illegible]
برغول ما شما را [illegible] خلافت میکنید و حینیکه [illegible] طرف اتحاد
حکومت تابع شده و با یک کار خیری نموده برغول [illegible] و علاوه
برغول [illegible] هم از شما [illegible] خزینه دولت
[illegible] از شما [illegible] ستانم — وقتیکه شما قسط اول را
تحویل نمودید [illegible] باشید [illegible] قسط دوم
از [illegible] تاریخ
کرده [illegible] شما را الی ده سال حکومت [illegible]
[illegible] اعتماد [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] شما [illegible] دولت [illegible]
[illegible] افغان [illegible]
[illegible]
[illegible]
بجان و مال ملت مظلوم اجرا میکردی حال چون دست سلطنت
کوتاه شده است [illegible] بهانه طلبی برآمده به اتفاق چند
علمای [illegible] ما را [illegible] حالانکه [illegible] اسلامیت و عقاید
پاک [illegible] از شما [illegible] نماز [illegible]
همچنین وقتیکه [illegible] رشوت [illegible] شما
از [illegible] که [illegible]
و رسم [illegible] اهل محله و قریه [illegible] خارج [illegible]
دست شان کوتاه است [illegible] بنام دین [illegible]
شما [illegible] است [illegible] میگویند که
دیگر [illegible]
[illegible] قرآن شریف و احادیث [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] علما را
از ملت مظلوم بوسیله آن کوتاه نموده ام کفر میگویند .

موسفیدان سمت جنوبی! از خیانت و گناهی که شما در عقب حکومت خود نموده
[illegible]
[illegible] شما را [illegible] اکنون [illegible]
[illegible] شما [illegible] موسفیدان

سمت جنوبی [illegible] افغان [illegible] باوطنان [illegible]
[illegible]
شده است [illegible]
باشید [illegible] افغان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کارهای [illegible]
[illegible]

وکلای سمت جنوبی! [illegible]

[illegible]

جواب عریضهٔ دعائیهٔ لویه جرگه از حضور ملوکانه

بعد از اختتام این عریضه اعلیحضرت یک صحبت
مخلصانه که تحت رقت و تاثیر عمیقی از شنیدن این
عریضه مدعوین بر پا خاسته فرمودند: ف. د

لیاقت ندارم
[ز دوستی محبوبی بیجا از جمع اوقات
جنون گر کنم ایصا اختیا (؟) خاطر حذرم]

الله بالله مطلبم بجز از ترقیات شما دیگر چیزی نیست
و تمنا ندارم بجز از یک حیات خود را زندگانی
ملت، سلطنت خود را خدای شما ملت اسلام بگردانم
که آرزوی ندارم، و این تمنای را که در پیش
سال خود دارم و میدانم. تنها برای افغانان ملک
نظر خدمت عالم بعموم خوشنودی خدا دوست
است که هیچ یک لحظه از خدمت آن باز نمانده ام
هرگز اگر بمانده و چند سکنم تا یک قطره خونیکه در شته
رگ من است بهبودی و رفاه شما اگر باید بگیر حاجی
بشرت این عهد های متواتر و موثقی را که کرده
اید میکنید و این قدر که بنظر لطف و محبت مرا
میبینید و این چهار چیز را که براعم عرض میکنیم
در جواب هر کدام آن تنها یک عرض میکنم:
دعائی را که برای آبادی ملت و مملکت
و عمر من عاجز کرده اید حق تعالی قبول بگرداند
و دولتها بطور عموم اند بلکه در آسایش شما
نفس بگذرم.

خدایا! مرا توفیق بطور خدمتها را بدهی که
بچشم خود ترقیات را حاصل کنم تا عالم اسلام و
وطن من در آسایش باشد اگر من زنده باشم
یا نباشم، شما ملت عزیزم که مرا بدین نظر لطف
و محبت می بینید، او بطور یک نشان ذیشان کردید
نام من را در دل تان یک قیمت بالای پادشاه خود بدهید
بار و شرف از آن همه زیب بشکر میکنم. ان شا الله

چکنم این بسیت نشان بهبودیها و ترقیات شما که برای
من است، نه تنها در حیات من بلکه در زیر خاک هم
بر سینهٔ من این نشان شما خواهد بود.

پیشتر عرض کردم. مصرع «جنون گر کنم ایصاً اختیا حذرم»

اگرچه از ادب دور است اما معهود نموده ام که
از شما خواهش کنم که نشان را از بی پروائی و بی
اعتنائی قبول میکنم ما این نشانی را که شما ملت
بخاندان ما از یک خوشی هم داده اید. و لما بیرون
اولاده همان خاندان سلطنت کرده اند برای فخر
میکنند فقط شرف عسکری خود میگویند ...
که برای شما آرزو دارم همواره یک ...
ام، هر وقت که خدمتی شما ملت و این مملکت
کردم باز خود من بگویم که مستحق فلان نشان هستم
حال محبت شما برای من نشان است. و لیکن
اگر این نشان از یک آفتاب محبت بود از قدر
خوش بختی دم که این جوش و خروش شما امروز خوش ...
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی. دیوانهٔ تو هر دو جهان را چکند
من دیوانهٔ ترقیات شما هستم، من مجنون تعالیات
آن میباشم. والله بذات اقدس الهی قسم است که
دیگر آرزوی ندارم مهربانی کرده مرا از گرفتن
نشان معاف کنید و بخشیدهاییکه به درجه عسکری
من منظور کرده اید اضافه بر این تکلیف گرفتن او را
بمن مکنید. اگرچه از ادب دور است لکن من
بشرف عسکری خویش که خود را بکفر و عسکر میدانم قسم
خورده ام که در این اظهارم ناز و تکلف نمی نمایم.

(امدیم طفلی که لویه جرگه بمن باز ... متقاعد)

آیا با من عاجز از حضرت الهی سائل باشد
خوب است بدان خورسند و ممنون باشیم
و پادشاه ... در وقتیکه من طفل بودم ... ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 123 of 524

و جزء افسوس که ترجمان خوبی ندارم که ترجمانی مقاصد قلبی ما را بقلم نماید و آنها را کاملاً از افکار و احساسات من که نسبت به ترقی و تعالی وطن دارم آگاه نمایند.

اگر انها از آرزو های دل من خبر میداشتند کاهی خواری و تباهی را حاصل نمیشدند.

آن ترجمان غدار که آنها را باعث تباهی و بربادی داده همه شما میدانید که ملا های بدبخت ملک را با خود و خوانین خائن شان است — خیر هر وقتیکه ملت ادراک نموده و ازین خیانتهای این ملاها و خوانین غدار خود بدانند فوراً این اشخاص را به آتش درخواهند داد اگرچه حاجت بدر دادن قرض نماند زیرا که در روز قیامت سزای اعمال آنها را خواهند دید — آرامی عموم ملت را خراب کرده و مملکت اسلامی خود را از ترقیات عقب مانده اند علاوه بر آن سزای که نزد خدا و رسول بدترین عذابها است جلال میکند.

خودم امید قوی دارم که عنقریب ملت ما از انوار ضیابار معارف راه را از چاه فرق میکنند و زیاده برین مردم فریب امثال اینها نخواهند افتاد.

من یقین کلی دارم که بعد ازین باز از ظلم و آزاری و خود غرضی ملاها و خوانین خائن طمعکار شکست یافته ملت من از حقوق خود کاملاً کسب استحصال نموده زیاده برین فریفته نخواهند شد.

من معتقدم که عنقریب ملت نادانم ازین خواب جهالت خود بیدار شده خوب را از خراب و نیک را از بد تفریق داده بر از واج این شیاطین و ... جز خجالت و شرمساری عالم اسلام منفعت ... کلام دیگر مقصدی ندارند و لعنت ... و ... افغانستان ... حکومت ...

از خدای خود رجا میکنم که از وجدان این بدبختان ... باید ... مملکت و ملت افغان ...

عداوت آنها این که جدائی و مخالفت را از خود دور از طرز تعلیمیکه امروز در افغانستان جاری ... بیکنم که بار سه حضرت ... میان شش سال ... جاهل و نادان وطن من ... اندک بنظر خواهد ... و تا آنها از حقوق و مفاد خود کسب اطلاعات خواهند ...

از خدای خود آرزو داریم که همیشه ملت افغانستان با ترقی و آرام باشند و خدا آن روز را دوباره با افغانستان نشان ندهد که ازخون جگر حرف بزنیم چنانچه که امروز بخون جگر ... خدا ایطور روز را دیگر بروی ما نیارد که نقص افغانستان و فائدهٔ دشمنان ... نسبت باساس تعلیمیکه امروز در افغانستان جاریست امید بخدا داریم که این بغاوت ... آخرین خواهد بود و خداوند ایطور روز را دوباره برای ما پیش نخواهد کرد که ما یک قوم ... بدست خود مجازات کنیم، باین اقوام ... تا حال من یک قسم کشیدگی داشته ... دقیقهٔ آنرا دور میکنم، بجز ازان اشخاصیکه در خارج فرار کرده اند با دیگران هیچیک کدورتی بدل ندارم فقط انها را رعیت نادان ... میدانم و برای بهبودی شان کوشش ... و زیاده ازین خرابی شان را نخواهم ... شانرا معاف کردم.

خدای ما مهربان است که در اتفاق افغانستان این دعای ما را قبول کند و انها را جنگیهای ... عالم اسلام ... مقاصد خراب و شانرا خراب سازد.

خدایا ما را از ... حرفهای دشمنان ... نگه ... نجات ... حدایا ملت افغان ... اراده ... خلافت ... اعلیحضرت ... بملت ... شوق ... اعلیحضرت ... اولاد ... تحت تعلیم ... اعلیحضرت ... افغانستان ...

تا تمیز باز هم اندک بهتر ایکاش اگر امکان پیدا
این نشانرا زیک اگر الماس بسیار زیبا پیدا و
خوبی تیار کرده تقدیم میکردیم.

علیاحضرت قبلاً بحضورتان عرض کردیم در دلائل
علم قبولیت نشانرا برای تان
تشریح دادم که گرفته و قبول کرده بخوانند و خودم
مادرین اظهار خود صادق و بسته باز و باز و تکلیف
درین سند بتکلیم و بزعادت دارم معاف فرمایند

لویه جرگه بالفاظ سوه بانه و دوستیت ...
باز تکلیف قبولیت نشانرا نمودند
درین مراتب باز ذات همایونی ...
بانکه شما احضار ... را فردا باشند روز

علیاحضرت اول بطور خصوصی نیز وداع خواهم کرد
باز هم امروز رسماً با همه شما حضار عالی خدا نگهبانی و
وداع میکنم بعضی از شما اگر درین جرگه چیزی گفته اند
و یا حصه در آن بصورت مذاکره و مباحثه گرفته
است مادری را نیز باندازهٔ شما حصه گفت و
شنید کرده اند میدانم زیرا که او را اشخاصی
باخوشی آمده تنها شنیدن را وظیفه خود دانسته
است. جرگه که منتهی موجب مسرت و خوشی مرا
تولید کرده است همانا مذاکرات آزاد از دلهای
حقانه و گفتار بیغرضانه شما اعضای لویه جرگه بود
که از ابتدا الی الآن خوب بحث نموده اید چیزی را
که دیدید و شنیدید بیباکانه اظهار نمودید و در پیشبرد مطلب
تان بود بسیار بحث کردید باز هم در جرگه های
آینده اگر شما نفری و شما وکلا و علما بهمین طور
بدولت و ملت خود صادق بوده و زنده مانید
که از خدا طول عمر شما را با سلامتیت و صداقت
خواستارم و درین مجلس شامل شده باید معلوم است
که فکرهای شما دران فرصت روشن تر و بحث
های شما قوی تر خواهد بود زیرا که قبل ازین [illegible]
از شما از سیاسیات و اقتصادیات مملکت ملت

و حکومت خویش چنانچه شاید و باید واقف
نبوده اید و هم حکومت ... سبق برای تان
تاسیس انجمن یک مجلس مذاکرات را نکرده
بود حتی شما را یک تحسین و آفرین نیز داده بود
بنابر یادگار این مسئله که شما نسبت به دیگران اولاً
درین جرگه حاضر و شامل شده اید و حقانه در
اظهار رأی نموده اید یک یک فرمان تحسین نشان
بطور یادگار لویه جرگه ۱۳۰۳ برای هر کدام تان
تقسیم اگر خدا بخواهد و سر زنده باشد اساس ترقیات
عالم اسلام و افغانستان شروع شود البته
اولاد شما این فرمان و نشان فخر
خواهند کرد که در اول جرگه افغانستان و
اساس ترقیات جدید عالم اسلام پدر ما
شامل بوده و این شرف نامه و [illegible]
مفخرت مال آنها است و [illegible]
آنکه شما بگوئید خود میگویم که من هم
بقدر طاقت خود درین جرگه برای
روشن کردن افکار شما خدمت کرده ام
باید از درین نشانها چیزی که فردا بر سینه
ای صداقت دفینه شما نصب خواهم کرد
خودم نیز یک نشان حق دارم!

لویه جرگه

اعلیحضرتا! محض بغرض امتیاز نظر بدین
زحمت و عرق ریزی و مرحمت و
شفقت همایونی که از ابتدا الی الآن
همراه ملت عاجزان مبذول
فرموده اید چه آرزومندیم
این نشان عاجزانه ما را که مظهر احساسات
ما موجب خوشنودی عمومی ملت
بر سینه مبارک خود منصوب فرمایند.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 125 of 524

و آنان بود نام محمد از زبان جد امجدم «امان الله» نهاده شده است دیگر لقبی را که خداوند از لطف و مرحمت خود به من مرحمت فرموده «غازی» است، در اول سلطنت من نیز قبول نمود شمس الملة والدین، «سیف الملة والدین» تکلیف شدم، گفتم که قبول کرده نمیتوانم خدمات شما هادقانه عرض میکنم که [illegible] امان الله، خدمتگذار شما و خادم اسلام هست و خیلی آرزو دارم که تا آخر عمر خود بنام «خادم» یاد شوم! و در خاکت الله الله، گفته بروم [illegible] این لقب غازی را که خدا بمن عطا و ارزانی فرموده بس است، کفایت میکند.

اگر [illegible] دیگر [illegible] امر [illegible] [illegible] القاب را قبول کرده بودند [illegible] عرض میکنم.

البته آنها او را لازم دیده باشند خود هیچ یک خدمتی نکرده ام که تقدیر کرده شود و یا سزاوار این نام باشم، باز اگر خدمتی کرده باشم بمقابل آن امروز این صدا های که از هر گوشه و کنار گوشم میرسد کفایت میکند اینکه میکنم، این بار گران گردنم خفه دارید.

جو هر مرد تقلید نگردد حاصل، مخترع شو که دگر ها بتو تقلید کنند

من نمیخواهم که در هر کار تقلید کنم! فقط در اسلامیت تقلید میکنم و بس! همین قدر که گفته کافی است. آنچه در باب امیرالمؤمنین غازی امان الله کول وا فرمودید! خوب میدانم که در افغانی کول واک کل اختیار را میگویند هر وقت که زبان افغانی همه نقاط مملکت افغانستان و در بین مأمورین مارواج یافت الحمد خودم نیز بقبول کردن آن حاضرم! امیرالمؤمنین:- آیا خلفای راشده (رض) امیر گفته نمیشوند! میشوند! آیا آنحضرات بزیر حمایه احدی بودند؟ نی!

خاندان ما همین لقب امیر یاد شده اند حالا شما مختارید که این خادم اسلام را امیر میگوئید یا امیرالمجاهدین یا امیر غازی یا خادم اسلام میخوانید، هر چه بگوئید خوب است هیچ پروا ندارم، سا [illegible] از محبت شما است، لکن چون خود را نسبت بشما خوب میشناسم بخیال من اگر مرا امیر امان الله بگوئید خوب است. تا زمانیکه یک خدمت شایان تقدیر و قابل تحسین برای شما ملت و عالم اسلام اجرا نکرده ام امید ندارم که عقبی [illegible] در [illegible].

چون خدمت خود را از بین بس کم میدانم فقط وقار و عزتم در آبادی و بهبودی شما است [illegible] [illegible] [illegible] قانوناً و شرعاً حقوق شما ملامت میکنم، و قبول کرده نمیتوانم [illegible] ملامت و بعضی [illegible] [illegible] فقط برای یاس خاطر و خوشنودی شما این تفنگ را قبول میکنم و با شما عهد میکنم که در [illegible] محاربه اگر سرم برود، در پهلوی این تفنگ خواهد بود تا و لا سر خود را در راه خدمات شما ملت [illegible] این تفنگ را بدشمنان نخواهم داد.

باقی چیزهای که شما را هم منظور میکنم لکن [illegible] دلائلی که عرض کردم قبول کرده نمیتوانم [illegible] کلام خود را بدعای ترقی و تعالی عالم اسلام و افغانستان نموده میگویم:

(الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد)

(لویه جرگه)

بعد از ختم تکبیر را عرض قبولیت نا [illegible] و انکار اظهار داشته تمام یک زبان به اعلیحضرت معظم غازی شان عرض نمودند که این خدمات و جانفشانیهای شما اگر [illegible] خون خود را بر کاب تان نثار کنیم [illegible] [illegible] بسی و ثروت و دنیا و طبقهای [illegible] [illegible]

رئیس صاحب شوری

(محض بغرض تصفیه کلام و تسکین خاطر راعی و رعیت این صحبت را بدین الفاظ خاتمه داده گفت. ت. د.)

اعلیحضرتا! چونکه در همین ساعت بحضور شما تو شوق عهد کردیم که امر اولی الامر خود را اطاعت بکنیم: — در باب برایای فوق که خود جذبات و اظهار شوق و محبت ملت بذات اعلیحضرت بوده آنها را بحضور مبارک اولی الامر خود تقدیم کردیم اگر ـــ را قبول کردند نهی عزت و شرف آنچه را هر مقصد ـــ که باشد قبول فرموده ما در این باب هیچ اصرار و گفتار و تکرار کرده نمیتوانیم بلا مزید برین گفت و شنید نمودن آنرا بجز ازین صواب ندیده آه نمیکنیم!

اعلیحضرت

عزیزان من از این حسیات شما خیلی ممنون و مشکورم لکن چنانچه معروض داشتم بر وقت که استحقاق پیدا کرد در خودم میگویم که اداوار فلان نشانم: — مهربانی کرده بمن عطا کنید.

رئیس صاحب شوری

اعلیحضرتا! اگر مسئله در استحقاق باشد علاوه بر مستحق بودن ذات ملوکانه مراین شیا بحضور شدهٔ این جمعیت عالیهٔ لویه جرگه را الفقدر حقوق و مراتب و عزت بر ما دارید که از شمردن زبانی آن قاصریم!

لویه جرگه نیز همین معانی معروضهٔ رئیس صاحب شورای دولت را بالفاظ

دیگر و بعبارات رنگین تر بعرض رسا...

اعلیحضرت

عزیزانم! اینکه گفتم اگرچه خلاف... ادب و خلاف التعظیم هیئت جمعیت... غرض میکنم که علاوه برین انجمن... مرا تکلیف دهید و یا چیزی بگو... من آرزوی بهبودی و ترقیات... که برای این خادم تان نشان... دارم، در این وقت همین حسیات... و کلمات اخلاص مندانهٔ شما برا... نشان است بلکه بالاتر از آن... زیاده تکلیف ندهید!

باقی همه کارها امروز رسماً وداع... و از خدای خود امیدوارم که در آینده... کنندهٔ افکار شوم افغانستان و عالم اسلام... باشید و از افکار عالی شما عموم عالم... علی الخصوص افغانستان ترقیات فوق... را که در آن رضا و خوشنودی حضرت... بدست بیاورد — غیر خوشنودی... الهی دیگر چیزی را نمیخواهم، شما را بخدا... تا بخیر و عافیت بخانهای خود برو...

لویه جرگه شما را هم بخدا سپردیم و شما... در هر دو جهان خوار و مغلوب... برب العباد! (غلغلهٔ دعا گویها)

(برای خاتمهٔ این روز بتقریب... وداع رسمی اگرچه تحریراً و تقریراً... و مقالات مدحیه قبلاً از طرف لویه جرگه... آماده شده بود لاکن بواسطهٔ عدم وجود وقت... موقع نشد تا از اول مجلس امروز تا آخر... و گوش و قابلیت نوشتن بسیار دیدار امیر... تا اینکه ساعت... بجه... بود اعلیحضرت همایونی بکلمات...

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل
درکابل هر روز بعد نشر میشود و
بدیگر مقامات بحیث [illegible]
ارسال میگردد امور تحریریه
بنگارنده «حقیقت»
ارسال مقالات بواسطه واک
مانده و جریده در درج و
اصلاح و عدم آن مختار است
اشتراک بتوسط خزانه و وجه
بتوسط نقدی از جریده قبلاً گرفته
میشود. (نگارنده)
برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۴

شرح اشتراک

قیمت اشتراک	شش ماهه	سالانه
[illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

از صرفه اشتراک —
از سادات علما و طلبه
و نامه نگاران کشی
و تبادله با جراید اسلامی
و قرائتخانه ها قیمت شماره
... از هر کس ...

جلد (۱) کابل چهارشنبه ۲۷ جوزا ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۲۴ ذیقعده ۱۳۴۳ قمری شماره (۱۲۷)

إِنْ تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

اجمال وقایع دربار کابل فاتحین علم و عرفان افغانی

در همت خوبی

ونطق عالی شهریار غازی

منم که خدمت عرفان میکنم منت شناس آنم و بخدمت بداشتیت

در اشاعت سابقهٔ خود کوائف دربار مجازات و نطق غرای ایراد ذات اقدس ملوکانه را مرقوم داشته این مژده را بگوش قارئین با تمکین خود رسانیده بودیم که اجداد ساعت بنیاد علاوه لیلک رفقای دبنک و ازار تکلوله‌های آتشین همسر و همنگ شراره‌های نارشده، خاک غم بر فرق امید و تمنا چندین برآ

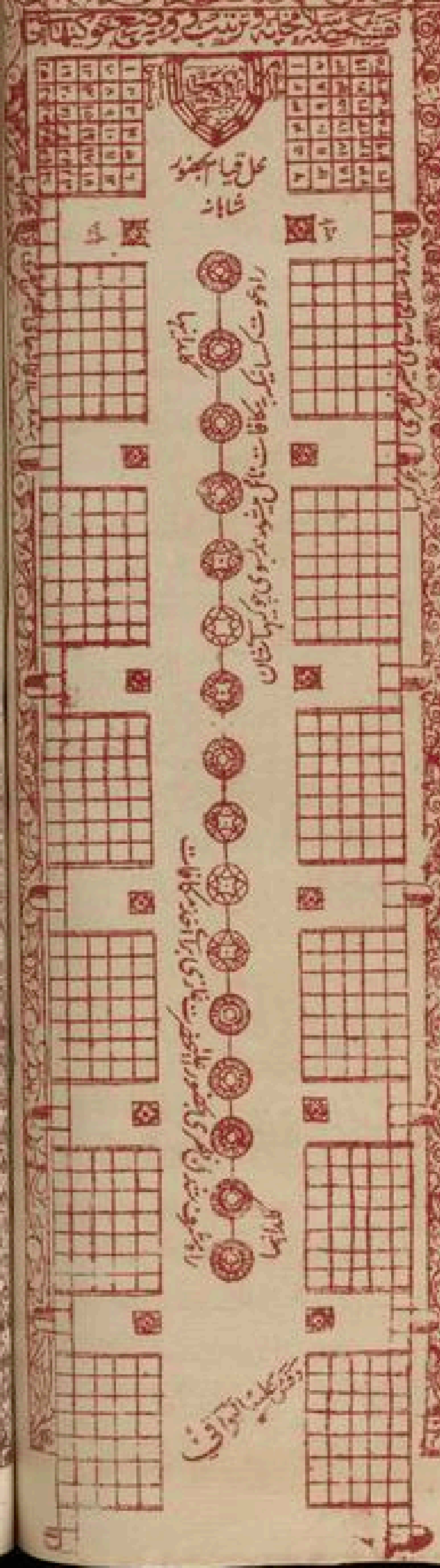

ارباب مکانده و حیل ریخته گردیده، اکنون بنابر
قدران بزمره خوانش بانظار عین خود نموده بودیم،
الحمدلله که موفق بتقدیم صورت حالات و مرجع واقعات
دربار عالی بار مکافات را، با یک جوش و خروش
قلبی خویش عرض انظار اولوالابصار نمائیم.

روز چهارشنبه ۲۰ جون برای صاحب
منصبان لشکری و ارباب مراتب سائره که نگذران
و سرفروشانیکه در حین بروز غائله سمت جنوبی داد
شجاعت و فعالیت و سلامت افغانیت
در تائید علم و عرفان داده بودند، نسبت انعقاد
دربار مکافات سراپا احسانات تکت های خبری
که بهمراه هرکدام آنها یک نقشه خوش اسلوب
مرغوبی که محل نشیمن اند موقع مدعوین در ان
داده شده بود، در رسیده بود.

بدین تقریب اهالی شهر شهیر کابل و اطراف
نواحی آن از انعقاد آن دربار شوکت مدار [illegible]
پر خروش، بورود روز شنبه ۲۳ جون با [illegible]
انتظار گردیده بودند.

در این روز فرحت اندوز سلام خانه و اطراف
و نواحی آن به نهایت صفائی متعلی به بیرقهای
ملون و تزئینات از حد زیاده حسن یک صورت
انتظام بسیار خوب گرفته دیده را از دور را خود
متوجه میساخت. اهالی شهر شهیر کابل و اطراف
آن از حد کو [illegible] بیش هزار یادگار استقلال
افغان که بالمواجه وزارت حربیه ست و از
نزدیک میدان طیاره تا خود سلام خانه باز [illegible]
عجیب و الفاظ [illegible]
[illegible]

بلکه گرخوتش از شجاعت عسکر غیور و خذلان و بدبختی
طائفهٔ جهالت بنیان سمت جنوبی حکایه میرانند
حتی اندرونی سلامخانه از پارچه‌های [illegible]
[illegible] بر قبه‌ها تکمیل، قوسهاے قزح سماویه را
کلهاے صفا پیرائے مرطوبش، بر عالم
گلستان بخندید و عطریات فرحت آثار
آب از چشم خندیدن هزار بوستان نرگس و شور
داد گل را آب و خاطر سنبل را در پریشانی و
انداخته بود، تخت عالی بخت سلطنتی را ز شوق
قدوم امیر مظفر غازے چون چهره لاله شگفته
لباس سرخ رنگی را در بر و نشان شوکت و
جلالت زرین را آن پرده شفق آسا بر سر کشیده
بود و را دوران نشان شوکت [illegible]
را بود از آیه کریمه (وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بیدک الخیر) مسند شوکت را احکام سلطان
جوان افغان اعلیحضرت امیر امان الله خان غازی
شان [illegible] و تحریر بود بالمواجهه این تخت
پرفیض و سعادت، گلدانهاے خوش رنگ
یک خط مستقیم طولانی قیام اندوز احترام
بود که از طرف راست آن معبر گرفتن مکافات
و همچنین آن از مراسم بازگشت اشخاص مکافات
شده تخصیص و تعیین گردیده بود کرسی با شوکت
پر از نقش و شکوه بمسافت بهشت قطاره بطرف
چپ سلامخانه بمسافت طولانی یکی بعد دیگرے
فرزده و چیده شده و دیده انتظار را با احترام
سکنا پذیر خوتش گماشته بود؟
زینها بطن سلامخانه با آن گنجان و وسعت
و فراخی که دارد برائے مدعوین کفتی نمیداشت
[illegible] چند براند هاے آن نیز جا بجای منتظم
[illegible] حصه اندرونی آن برائے مدعوین محترم
[illegible] گردیده بود [illegible]

از نقش که ستون هاے صفحه رسم گردیده است البته تجویی
دریافت خواهند نمود.
هر چند که هنگام دربار شوکت مدار حسب الفرمان
و تحریر کتبهاے موضوعه ساعت ۹ بود اما
عقربهاے ساعت چون چشم خمار دلدار بر
۸ ½ زاویه ساخت چشمهاے منتظرین بر سر
آب انتظار را باورده مردم جوق جوق در
لباس رسمی خود را به بر و آستند مسند شوق شان در
جولان درآمده با یک دل شوق گسترده بطرف
سلامخانه فرحت ختامه روان گردیده بودند
مدعوین قریب سلامخانه میرسیدند از جهت
ادارهٔ شناسی شناس متخصه بر پذیرائی هریک
این مدعوین کسب مفخرت ورزیده پس از
تعظیم و کورنش و ادخالهاے محبت کار از
اقرار تقف که به دست مهمانان عزیز معود
آنها را بر جوی که نشیمن شان شناسگر داننده
ذوات محترمیکه نائل به نشان و مکافات شده‌اند
اکثریه بطرف راست تخت و باقی شجاعان غیور
و متقبرین بجانب چپ بر اضافت [illegible]
زان حرمت و احترام شده بودند، میدان
سلامخانه از نفری عسکرے خنجان خنج و مملو گردیده
بود مردم در ضمن انتظار ورود شوکت مورود
شاهانه بر تزئین و تجملات سلامخانه نظرهاے
وقت را دوشتند تا انکه عقربهاے ساعت
ساعت ده را نشانه داده و مناره ساعت
زنگ عزت را نواخت، نوبت و [illegible]
آثار پادشاه با عز و وقار در رسیده است اعلام
وحت ختامه ابلاغ تشریف آوری ذات شاهانه
به ترنمات دلاویز و آواز هاے زیر و بم بعض
خبر در داده بیرق سرخ پادشاهی جلوه انداز
قبه سلامخانه شد در و دیوار رشک گلشن [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 130 of 524

از دیدار مسرت بار پادشاه جوانبخت گردید
چون افق چمن باند و ظلمات نور و ضیا شده
وضعیت گرم خویش دلها را یک مجمره شوق
و مشعله فرحت [illegible] تاجدار
جوان جوانبخت با کمال شوکت و اجلال
اندرون زینت و آرایش سلامخانه گردیدند
[illegible] (اذا جاء [illegible])
فاکوشی از نمایندگان والا رشاغاسی صاحب
حضور [illegible] بتشکیل سردستان
[illegible] نموده مجلس با احترام حضرت
[illegible] از جا برخاستند [illegible]
[illegible] دلال آسمان امارت افق بخت
[illegible] شاهانه شان را باستقبال
[illegible] نمودند گوشها از [illegible]
در [illegible] خویش لذت بخش کلام [illegible] گردانیدند
[illegible] کلام پادشاه کارداناں [illegible]

نطق ابتدائیه حضور [illegible] والا از طرف خود [illegible]

بحواهم: الحمد لله که ما را بصحت [illegible] کامیاب
گردید [illegible] باشد
آنچه [illegible] از ان [illegible] ذات [illegible]
[illegible] قبل از حضور [illegible]
شان باشد موقع نموده بس از [illegible]
ذات شان فرموده اند.]
بدربار خالق [illegible]
که امروز برمقاصد خود موفق آمده ایم
در [illegible] مکافات [illegible]
[illegible] عزت [illegible] نموده اند [illegible]
[illegible] احسان [illegible] که خداوند ما را
[illegible] عظمت [illegible]

امروز کامیاب هستیم، باید بسیار شکر گذاری کنیم
و براحتیش عظمت و قدرت خداوند بیچ شکل بخود
که ما امروز را کامیاب می بودیم لکن این
همه از مراحم ایزد متعال است که ما از اول
تا آخر فاتحانه و کامیابانه کار نموده و در تمام امور
حسب خواهش خود خویش موفق آمده ایم و
خوب [illegible] گردیدند با ما صحت [illegible]
و مقصد [illegible] ترقی و تعالی [illegible]
اسلامی و مخصوصاً که [illegible] خود را فدای [illegible]
[illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] این وطن مقدس خود و حیات
زندگانی [illegible] عزت خود را [illegible]
[illegible] مخالفت [illegible]
این کامیابی و مظفریت [illegible]
عظمت خداوند است [illegible]
[illegible] مخالفین [illegible]
[illegible] که تمام [illegible]
درین مقام [illegible] نموده اند [illegible]
[illegible] در این [illegible] حضرت [illegible]
هر جا [illegible] نمیشود
[illegible] خود را [illegible]
[illegible] گردیده خواهد شد
[illegible]
اندری [illegible] کرده اید و امروز [illegible]
[illegible] نائل [illegible] گردید [illegible]
[illegible]
نموده است و درین مجلس [illegible]
[illegible] را بحق داده [illegible]
[illegible] ملوکات [illegible]
[illegible] محمد گل خان [illegible]
و محمد [illegible] خان [illegible]

فضل‌شان بانشان خواهند گرفت و باقی‌ها
خواهند شد. خدمت احدی فراموش
نشده است.

اگرچه نخواستم که لفظ مجازات را اگر [illegible] برای
امروز روز مکافات است (یا) اصحابیکه [illegible]
باقی نفری که نسبت حکومت خود
صداقت و خدمت نموده اند اینک مکافات
آنها را برای شما تا داده احوال خدمات شان
بیان میکنم:

(پس از ابراز لطف فوق شاه غازی
حضور ملوکانه علی الترتیب فرداً فرداً بالاختصار
که لعطای مکافات برآنها استعداد حصه آ[illegible]
را آنها خاص چنانچه گرفته آورده حضور پادشاهی
ایستاده کرده و عرض منقبت و ابراز خدمت
و فعالیت آنها را اعتبار ذات شاهانه برسر
اظهار لاطفت و مرحمت کرده [illegible]
مکافات خدمت و غیرت شان نشان را
مراتب [illegible] سایه [illegible] مکافات
و اظهار و بیانات که حیات از ده [illegible]
مکافات غیرت [illegible] و آورده [illegible] شد
ساختن جانهای خویش برراه دریا [illegible]
سید [illegible] و ملت و مملکت
و پادشاه و اولی الامر خویش و وطن عزیزت
آمین موجود از مرور [illegible] حصه حیات انها
و الیس برجاییکه خود برکرسی تمجر و اجلال
و اکرمین [illegible] شدند)

(۱)

نشان عزت

حکومت شما از جمیع تان اظهار رضامندی
میکند. در اکثر در بین تان از علم و عمل فعالیت

و جدیت خوبی نموده اید.

شما یک رعایای جو خادار خوشبختم
چیزی را که آرزو داشتم الحمد لله که آن را شما
حسن گردیده و دانستید. و در روز خدمت با حکومت
خود ندامت و معاونت کردید. لهذا شما را
حکومت منظور عزت میفهمد و برای شما
نشان [illegible] داده میشود. برای دو دسته
این خود [illegible] نشان [illegible] باقی [illegible]
و ذوات [illegible] (ورداج) نشان [illegible]
[illegible] شده و یا [illegible]
[illegible] منظور گشته [illegible] و ورا[illegible]
حریه [illegible]

اسمای [illegible] نشان عزت [illegible] شده اند

داکتر حسن [illegible] خان [illegible] داکتر [illegible]

[illegible] خان [illegible]	حسین [illegible] خان [illegible]
میرزا محمد حسن [illegible]	ارباب محمد یوسف [illegible]
ارباب [illegible] الله [illegible]	امیر محمد خان "
نوروز علی خان "	ارباب [illegible] "
عبد [illegible] خان [illegible]	عبد [illegible] خان "
نور محمد خان [illegible]	محمد [illegible] خان "
میرزا محمد [illegible] خان [illegible]	محمد [illegible]
میرزا غلام [illegible] خان [illegible]	میرزا محمد [illegible]
[illegible]	[illegible]
محمد [illegible] خان [illegible]	[illegible] علی خان [illegible]
محمد [illegible] خان [illegible]	[illegible] خان [illegible]
ارباب [illegible] خان "	[illegible] محمد خان [illegible]
گل محمد خان " "	[illegible] خان " "
[illegible] خان "	گل محمد خان [illegible]
[illegible] خان [illegible]	[illegible] خان "
[illegible]	[illegible]

محمد گل خان گل بهاری — محمد اسلم خان باه میانی
فیض احمد خان « — عبدالرؤف خان «
عبدالستار خان « — محمد نسیم خان «
میر بابا صاحب خان چاریکاری — محمد جابر خان خواجه خضری
گدای محمد خان چاریکاری — غلام عثمان خان خواجه خضری
خواجه نجم الدین چاریکاری — محمد رفیق خان «
غلام حیدر خان « — محمد محسن خان «
ملک نعیم خان باغ علم — غلام حضرت خان خواجه باغی
محمد ابراهیم خان « — ملک محمد خان «
شاه نواز خان سنگروده — محمد کریم خان «
خواجه حیدر خان جبل السراجی
میرزا تاج محمد خان جبل السراجی
نجم الدین خان چاریکاری
سید محمد خان بامیانی — محمد صدیق خان کابلی
محمد علی خان بخشیری — دوست محمد خان بخشیری

(۲)

نشان خدمت

از خدمات نیکه شما تا نفرے نموده اید اظهار
ممنونیت مینمائیم و از بندگی شما خوشی میکنیم خداوند
و رسول الله از شما خوش باشد در بدل خدماتی
که شما کرده اید دعا میکنیم که در دین و دنیا نیک نام
و باعزت باشید و در آخرت خدا دستگیری شما
کند فقط بسبب یادگار خدمت شما برای تان
نشان خدمت حکومت میدهد و اینک اسما
چهار نشان را خود بسینه های تان نصب میکنیم
و ما بقی شما را چون بسیار اید و از خدا زیاده میرسین
شما را خواستار هم این ذوات محترم (اشاره بطرف
وزراء) نشان میزنند برای کسانیکه مامورت
و یا رتبه یا معاش و یا بخشش از طرف حکومت معین
شده است وزارت حربیه با شما دانسته کرده

احترام میکنم از خداوند میخواهم که در آینده هر کدام
شما را یک خدمتگار صادق مملکت و حکومت
امان گردانده و همیشه در مقابل دشمنان داخلی
و خارجی کامیاب و مظفر باشید.

اسمای حضراتیکه به نشان خدمت سرفراز شده اند

علی محمد خان معین وزارت معارف — محمد حسین خان
رئیس تمدنیات وزارت معارف — متین الله خان
حاکم اعلی سمت جنوبی — عطا محمد خان حاکم
محمد عثمان خان غند مشر چاوڼی — عبدالرشید خان
عبدالقادر خان غند مشر — محمد کریم خان کندک مشر
مدیر تعلیم و تربیه — میرزا اعظم شاه خان کندک مشر — محمد علی داد طبیب
کندک مشر تولیه ارکان فرقهٔ اول — محمد یوسف خان
کندک مشر مدیر فرقهٔ سوم — عبدالرحمن خان کندک مشر
شاهی اول — سلطان احمد خان کندک مشر
میرزا غلام نبی خان مدیر لوازم حربی — عبدالغفار
مدیر امین الله خان مدیر مامورین — میر غلام محمد
مدیر طبیه — محمد ابراهیم خان مدیر لوازم قوای
علی محمد خان مدیر لوازم فرقهٔ اول — عصمت الله
مدیر لوازم فرقهٔ دوم — احمد شاه خان رئیس
عرفانی — عبدالاحد خان مدیر تحریرات معارف
محمد اکرم خان مدیر دار المعلمین — محمد عیسی خان مدیر
تنظیمات — عبدالحکیم خان مفتش وزارت — شیخ محمد خان
مدیر مدرسه حبیبیه — محمد اسمعیل خان — محمد ناطق
مدیر کمیته ظلم ... میرزا عبدالکریم خان — محمد
معارف — عبدالله خان تولیمشر — عبدالرشید خان
محمد اعظم خان تولیمشر — سید احمد خان تولیمشر — احمد
تولیمشر — حمزه علی خان تولیمشر — سید منصور خان تولیمشر
میرزا رحم داد خان مامور تحریرات قومانده
میرزا محمد خان سر کاتب — لوازم حربی
میرزا محمد قاسم خان کاتب تحریرات حربی

میرزا امام الدین خان مامور محاسب وزارت حربیه
غلام رؤف خان سرکاتب نمره ۱ امورین
ملا عبدالرحمن خان [illegible] کابل ..
محمد رسول خان وکیل [illegible] شد . بار
مولوی منصور خان مهاجر سید اولیا خان
سید میر خان چارنکاری میر سید آقا خان
عبدالجلیل خان مزار شریف عبدالرحیم خان
حاجی عبدالرزاق ملازم سکندر خان صاحب
مولوی حبیب الرحمن صاحب .
مولوی منصور خان سر محمد خان تگابی
افضل خان مامور [illegible] خواجه محمد لطیف خان
غلام نبی خان [illegible] محمد قاسم خان میرزا افضل
[illegible] خان محمد [illegible] لوازم میرزا محمد حسین خان [illegible]
سید محمد خان [illegible] میر عبدالعزیز خان [illegible]
[illegible] خان معلم مکتب محمد سرور خان معلم مکتب
عبدالصمد خان معلم مکتب [illegible] محمد امین خان
معلم مکتب [illegible] محمد یوسف خان معلم مکتب
محمد نبی خان [illegible] دار المعلمین عبدالغفور خان
[illegible] چاریکار عبدالغفور خان حاکم غوربند
عبدالقادر خان ملا عبدالجلیل خان قاضی [illegible]
افضل خان [illegible] محمد یوسف خان
[illegible] عبدالغفور خان تگابی میرزا غلام [illegible]
[illegible] خان [illegible] سید آقا خان علاقه دار
غلام نبی خان [illegible] سرفراز خان میرزا عبدالکریم خان
سرکاتب تحریرات احمد علیخان [illegible]
عبدالرحیم خان علاقه دار [illegible] آقا محمد خان
علاقه دار [illegible] عبدالکبیر خان مسعود [illegible]
[illegible] خان و محمد [illegible] خان
[illegible] خان [illegible] محمد [illegible] خان عبداللطیف خان
محمد یوسف خان میرزا [illegible] محمد [illegible] میرزا [illegible] خان
[illegible] سرجامه احمد شاه خان سرجامه [illegible]

و محمد حسن خان خیاط عبدالقادر خان [illegible]
محمد ابراهیم خان احمدزائی محمد اعظم خان احمدزائی
عبدالصمد خان [illegible] غلام محی الدین خان [illegible]
احمد شاه خان [illegible] محمد صدیق خان [illegible]
محمد سرور خان حاکم سابقه [illegible] ملا عبدالله خان
خطیب خوست ملا عبدالحق خان مفتی خوست
صاحب زاده محمد صدیق خان خوستی [illegible]
[illegible] ملا خان محمد خان [illegible]
احمد [illegible] جان محمد خان [illegible] ملک لعلو خان
میرزا رحمت الله خان مامور مالیات [illegible] .
ملک [illegible] خان [illegible] خواجه مظفر الدین خان [illegible]
[illegible] محمد خان علی [illegible] عبدالرشید خان قندهاری
آقا محمد خان و محمد عمر خان [illegible] عبدالحمید خان
علاقه دار المره ملک نظر محمد خان [illegible]
ملک حسین خان ملک میر محمد خوستی [illegible] خان
وکیل حصارک [illegible] میر بدل حصارک [illegible] .
سید محمد میر خوستی سید کمال [illegible] محمد خان
جبار خیل لغمانی سید محمد بادشاه لغمانی
محمد افضل خان لغمانی میرزا محمد حسین خان سرکاتب
حکومتی [illegible] علی گوهر خان قندهاری رعایت الله خان
بابکرخیل عبدالقدوس خان بابکرخیل عبدالرزاق خان
محمدزائی غلام [illegible] خان حاکم حاجی عبدالخالق خان
محمدزائی میر حسام الدین خان حاکم سابقه [illegible]
[illegible] علی خان و [illegible] داد خان [illegible] محمد خان و
عبدالله خان و محمد حسن خان و محمد قسیم خان [illegible]
[illegible] سنگه [illegible] سنگه [illegible]
[illegible] سنگه [illegible] سنگه [illegible]
غلام محی الدین خان ملک رحمت الله ملک [illegible]
ملک محمد جعفر خان خواجه محمد افضل خان سید [illegible]
[illegible] میرزا محمد کریم خان سرکاتب ضبط اموالات
سید منور شاه خان [illegible] علیخان [illegible]

حاجی غلام قادر خان خواجه امیر محمد خان ملک
عبدالرشید خان ملک اختر محمد خان ملک محمد حسن خان
محمد سرور خان غلام جیلانی خان ... شجاع خان
شجاع خان کیل ملک عبدالسلام خان گل علم خان
و عبدالقادر خان و محمد اسلم خان ملک غلام جان خان
حفیظ الله خان سید احمد خان شیر جان خان ملک
محمود خان ملک لنگر خان ملک محراب خان و
ملک محمد جان غلام حسین خان سید غلام جان
وکیل عبدالرشید خان عبدالحکیم خان میرزا
رحمت الله خان ملک محمد حسین خان قره باغ
ملک محمد علم خان ... ملک غلام محی الدین خان
برات علی خان جاغوری نجات علی خان جاغوری
علی رضا خان ... محمد حسین خان کوهی قره باغ
کاظم علی خان شاه حسین خان ... ولی محمد خان
چاده ارباب سلطان علی خان ... میرزا افضل محمد
میرزا محمد محسن خان سید عبدالحسین خان قیاق
محمد علی خان ... محمد حسین خان جاغوری قره باغ
محمد ابراهیم خان ملک شیرداد خان اندری
محمد رضا خان اندری ... علی ... اندری
عبدالقیوم خان سلیمان زائی خواجه ... گل خان ...
... رحمت الله خان ... کلانتر سید الدین خان
لاغری میرزا عبدالحمید خان ... عبدالرشید
کلانتر میرزا عبدالقیوم خان سید کاظم خان ...
ملک نوروز خان رباط حاجی غلام محمد خان مقر
باز محمد خان علی خیل عبدالقادر خان مقری
سید عبدالکریم بدخشانی سید اشرف خان ...
... گل خان حصارک حیدر خان ...
قطب الدین خان نورستانی عبدالله خان ...
خواجه میر محمد خان نصرالله خان علاقه دار

سابقه مقام ...
سید حسین خان ساکن ...
میرزا بلال الدین خان
ملک جمعه خان
عبدالاحد خان پسر محمد عثمان خان
ملا شاه غلام خان
خان صاحب خواجه انگورک.

(۳)

نشان غیرت برای نفری ملکی

از همه نفری که شما درین مقابله عمده جلیل نموده اید اظهار رضامندی از همه شما میکنم از خداوند خواستارم که در دین و دنیا با عزت و در هر میدان کامیاب باشید و همیشه به پیش حکومت و کیک ریاست حکومت تا نزد شما باید سرفراز و نیکنام باشید بنا بر خدمات صادقانه و غیرتمندانهٔ شان حکومت نشان غیرت میدهد شما هیکه در اثنای محاربه زیاده تر فداکاری کرده اند و یا در جمع آوری نفری بیشتر کوشش نموده اند و یا احساسات عمومی را خوب ساخته اند علاوه بر نشان بخشش و یا تنخواه نیز از طرف حکومت داده میشود اما نشان شما را درین مجلس تقدیم میکنم و دیگر حیرانی شما را وزارت حربیه خواهد ... برای کسانیکه علاوه بر نشان تنخواه مقرر شده تا زنده باشند بموجب ظاطون آن ...

صورت موقوف نخواهد شد باقی همه شما را
اولادهای باغیرت و باوفای خود میدانم
و همیشه از خداوند غیرت و عزت تا شما برای
مملکت و حکومت تان خواستارم.

اسمای حضرات یکه بنشان غیرت فائز شده اند

محمد سرور خان غند مشر سابقه میر احمد خان
میر احمد خان عبد الغیاث خان مامور شعبهٔ
استخبارات محمد شریف خان مو ترران با
محمد کاظم خان معاون 〃 〃 〃
محمد اسحق خان حاکم حکمی سید محمد خان لغمانی
محمد انور خان لغمانی میرزا غلام محی الدین خان
جلال الدین خان وردکی ملک کریم خان وردک
محمد کریم خان بارکزائی میرزا محمد آصف خان با
تحریرات میرزا عطا محمد خان نویسندهٔ ریاست وردک
حسن خان وکیل احمدزائی دیوان گوپال خزانه دار
میرزا محمد علم خان سرکاتب تلفون محمد یعقوب خان
وکیل علاقه داری چرخ عبد الرحیم خان
نور شاه صاحب منگل خیل ملا قیام الدین خان
میر سبحان سفید سنگی قاضی سابقه عبد الاحد خان
برکی برک ملک میر عماد الدین خان یاد خواب
تاج گل خان برکی راجان محمد موسی خان
خیل غلام اکبر خان صاحبزاده عیسی خان منگل
خیل نور الله خان وردکی میر عالم خان
میرزا غلام محی الدین خان سرکاتب میرزا
سرکاتب میرزا محمد منصور خان سرکاتب
میرزا احمد جان خان سرکاتب محمد ابراهیم خان
خزانه دار میرزا رحمت الله خان کاتب خزانه
مؤمن خان مهماندار باشی محمد جان خان نائب
مهماندار باشی عبد العزیز منشی خدمت
باز محمد خان منشی خدمت محمد ابراهیم خان

جیب خدمت حضور ظفر خان یاد خواب
ملک شاه دوله خان یاد خواب روی
محمد رفیق خان 〃 〃
ملک میر لعل خان قلعن ملک
میرزا لاخان سیدان جلال الدین خان
معلم مکتب معارف فدا محمد برکی برک
جلاد خان برکی برک عبد الوهاب خان ده محمد
ملک عظیم خان علوزائی جمعه خان علو
خواجه محمد خان برکی راجان ملک خدا نور خیل
عبد الحمید خان باجوری محمد اعظم خان نائب
نائب جلال الدین خان معلم ملا عبد الوهاب خان معلم
اختر محمد خان معلم عبد الله خان معلم مکتب
حکام نور احمد خان و عبد الوهاب خان
غلام غوث خان عبد الله خان سید یعقوب خان
میر احمد خان معلم مکتب حکام محمد نجات خان
غلام نبی خان تلفونی غلام حیدر خان
محمد کریم خان ملک میرزا خان ملک شاه ولی
ملک زبیر و ملک نظام خان محمد رفیق خان
نیاز محمد خان حاجی دیوان ولعل محمد
عتیق الله خان مبلغی آغا محمد خان فارسی
محمد عمر خان فوفلزائی رضا خان
رمضان علی خان فارسی غلام حیدر خان
محمد زمان خان فارسی پیر محمد خان ملک محمد
لوگری برات خان استخباریه فوماندانی گردیز
محمد موسی خان 〃 〃 〃
محمد قاسم خان 〃 〃 〃
فرهاد خان 〃 〃 〃
ملک حیات خان وردک
ملک عبد الستار خان 〃
ملک سربلند خان 〃
پیر محمد خان ده باشی رکابی.

خداداد خان اندری عبدالغفار خان اندری
عبدالعزیز خان 〃 محمد کریم خان 〃
رحیم خان سیر ملازدهٔ 〃 محمد حسین طائفه بیرانه
محمد علی خان خواجه عمری علی عسکر خان وکیل
جاغوری میرزا محمد اسحق خان تاجک
سید لعل محمد خان شیر محمد خان مؤتر مان
عبدالعلیم خان ترکی خدایی میرخان تره کی
عاشق خان 〃 غلام جیلانی خان 〃
عبدالخالق خان اچکزایی صالح محمد خان اچکزایی
حاکل خان 〃 ملک سوا خان قریه بانی
ملک کمال الدین خان قریه ارزو عبدالحمید خان
قریه سفید محمد نور خان الکوزائی ازمرک خان
بیرک خان حیدرانی محمد علم خان فرمستی
محمد یوسف خان کلنگاری غلام حیدر خان کلنگاری
سکندر خان 〃 سید نور رحمان 〃
محمد موسی خان 〃 سید محسن خان 〃
عبدالله خان جرمی عبدالرشید خان 〃
شیخ نواز خان لوگری محمد هاشم خان لوگری
سید شاه خان جرمی دیوان بابل خوستی
شرف خان وزیری گل میر خان حیدرانی
امیر خان مسعودی محمد سرور خان کوتوال جاجی
گردیز زکی شاه خان وزیری ناصر خان حیدر
احمد خان حیدرانی محمد اعظم خان لوگری
شیر محمد خان طوری ولی محمد خان 〃
لعل محمد خان احمدزائی حمید خان احمدزائی
اودم خان خروتی بخت امیر خان خروتی
ملک تقی خان خان محمد خان گردیزی
شیر محمد خان گردیزی محمد غنی خان
غلام خان خوستی زند خان وزیری
ملک زند خان وزیری بت خان کند گمر جاجی
عسکر خان 〃

حضرت خان حیدرانی محراب الدین خان حسن خیل جاجی
شیر بند خان منگل خان عسکر خان حیدرانی
مهربان خان 〃 احمد خان دولت زائی
خواجه محمد خان دره دال

ثنای عسکر نظامی

از خدمات و جانفشانیهای که شما اولاد عسکر گمنموده اید رضامندی و خوشنودی میکنم فرزندان الحمدلله که شما را کامیاب می بینم اگرچه از زود دیدم که بینما بتمام اولاد های عزیز خود لشکرم نظر دارم ولیکن خیال داشتم که با غوش خود بگیرم چون بسیار روز دار خداوند شما را بسیار میخواهم که از شما تنها روز بکار بود خواستم که از هر قطعه چند نفر در بین مجلس بکافات آمده امروز انعام خدمات شما نا های خود را بگیرید تا نیک برای شماشان داده میشود و برای دیگر برادران شما از طرف دولت هم انعامهای آباد داده خواهد شد انا بطور گمان کنید که شما نسبت بدیگر برادران تان یک خدمت فوق العاده کرده اید که برای شما درین روز شان داده میشود نی بلکه شما هم مانند دیگر برادران عسکری خود خدمت حکومت و مملکت خود را نموده اید مطلب از خواستن شما از آن جمله فقط همین تمدیست که تعداد آن فرزندان عسکری من که درین جنوبی خدمت کرده اند قریب باین (۳۰) هزار میرسد و گنجایش آباد انجا ممکن نبود. از همه اولاد تا خود اظهار ممنونیت و مسرورت کرده براث ان از خداوند ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 137 of 524

دارم که در مقابل دشمنان داخلی و خارجی
کامیاب و مظفر باشند و در میدان
پیش دشمنان خود خجالت زده و شرمنده
نشوند خداوند نکند که پشت ما از موقع
نظر دشمن بگردد و از خداوند میخواهم که
نوک برچها و برق نیزه های خود چشم
دشمنان وطن و ناموس عزت و شرف
خود ها را کور بگردانید.

افسوس این فداکاری و جانبازی
شما که بمقابل منگل بصرف رسید! حیف
این جد و جهد و سعی و کوشش شما که در برابر
چند قوم جاهل سمت جنوبی ظاهر شد!!
خیر [illegible] سد راه ترقیات و ترقی تعالیات
مملکت و حکومت متعرضان گردد و او را
دشمن خود بدانند حیات ندبرای مقابله
شان با و شما حاضریم.

از خداوند میخواهم که شما را در مقابل
دشمنان ناموس و شرف و وطن کامیاب
و مظفر گرداند چنانچه پیشتر برای شما گفته
ام باز میگویم که مرکز اعلی ما بخدمت مجروحین
باشند وی را نگاه میکنم بلکه حسب لیاقت
شان بر ترفیع نیز نائل خواهند شد. خیالی
نکنید که ترفیع سلاح اندازان تا کدر رسته مخصوص
است و اضافه از آن برای شان ترفیع
منصب داده نمیشود نی! بلکه هر قدر لیاقت
داشته باشند و اظهار خدمت و حمیت
فعالیت خود را بنمایند بهمان درجه برای
او منصب داده میشود چنانچه بعضی از منصبداران
شما که در اینجا حاضرند از ساده ترین سلسله
مراتب بقدر فعالیت و لیاقت خود
[illegible] و ارکان کمتر و غند مشر ترقی نموده

دفتر وترو نائب سالار شده اند شمعی
که با شما وعده کرده بودم الحمد لله که وزارت حربیه
آنرا برای شما داده باشد اگر برای بعض
از شما نرسیده باشد فردا یا پس فردا برای شما
از وزارت حربیه خواهد رسید.

اشخاصیکه از شما درین راه مجروح شده اند
بر دو نوع هستند: - اول معیوب، دوم
معیوب آنست که مثلاً دست و پای یا عضوی
ناکاره شده باشد و برای معاش و گذاره
خود محتاج بمعاونت و امداد دیگری باشد
و خودش بالذات مقتدر به تحصیل وجه
معاش و گذاره خویش نباشد برای اینها
ماهواره (پانزده روپیه) بطور تقاعدی مادام
الحیات داده میشود تا از همان وجه اعاشه
زندگانی خود را بنمایند.

غیر معیوب: - کسی است که کمی زخم خورده
باشد و آن زخم موجب خرابی عضوی یا بیکاری
او نشده و میتوانند که وجه معاش خود را حاصل
کند برای آنها وزارت حربیه مبلغی
از وجه عسکری علاوه تر بخشش و انعام میدهد
اشخاصیکه درین راه مقدس بشهادت
رسیده اند بهمان طوریکه با شما وعده کرده بودم
بجهت یکه از آنها مانده باشد خودم و دختر
شما نزد انها نزم من اولاد خوانده اند و اولاد خود
پرورش میکنم مخارج و مصارف سالانه
اولاد شهدا آنها که یک نفر شخص تقریباً در
یک سال (۱۳۰۰) روپیه میشود گویا که
شهید شده هست اگر یک اولاد در شهادت
در سال (۱۳۰۰) روپیه بران طرف
خرج میرسد که چیزی از آن برای طعام
و لباس و مفروشات و [illegible] و دیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 138 of 524

ضروریات شان بصرف میرسد و باقی ماهانه بطور حسب خرج مکمل برای طفل تربیه داده میشود. همچنین اگر دو و یا سه اولاد داشته باشد اضافه تر ماهانه مینمایند. بشرطی آنها را فرزند میخوانم و تربیه مکمل کرده ولی و اختیار دار او رضا باشد در صورتیکه اولیای اطفال رضامند نباشند جبراً آنها را نمی آوریم. در صورت گناه بی تعلیمی آنها بذمه همان ولی و قریب شان است که او را از تعلیم و تربیه باز میدارد و گردن من خلاص است باید اولیای اولاد شهدا بماهانه اکتفا و حسب خرج آنها برایشان امداد داده میشود و اظهار مسرت نکنند بلکه از فوائد تعلیم معنوی و تربیه کردن برای اطفال شان نعمت و رایگان میدهیم و اولاد خود در تحصیلات شان کوشش بکنیم که هر کدام آنها بمعاونت خداوند یک منصبدار بزرگ نظامی و یا مامور کلان ملکی و یا متخصص یک فن میشوند اقلاً خرچی و معاش خود را پیدا کنند زیرا که غیر از حسن اگر خواست خداوند باشد که آنها صاحب علوم و فنون شوند هر کدام شان بدرجه اعلی برسند از معاش و تنخواه و کمالات خود شان خود و مادر و خاندان شان صاحب امتیاز میشوند علاوه برین ثلث تنخواه هر فردیکه بشهادت رسیده است و از بعضی مناصفه معاش و برای عیال و یا مادر و پدر او داده میشود. اما اول کسیکه حق دارد عیال او خواهد بود زیرا که نسبت بپدر و مادر حق نفقه و کسوت و سکنی او بالاتر بوده زیاده است و تا زمانیکه بنام همان اولاد عقد نکرده باشد او از معاش برای

او داده میشود. اگر عیال نداشته باشد برای مادر او تا زمان حیاتش داده میشود چرا که نسبت به پدر، مادر زیاده دل بستگی و محبت با فرزند دارد و در صورت عدم این هر دو برای پدرش تا زنده باشد داده خواهد شد. در خاتمه میگویم که این کلمات مرا که شنیدید به دیگر برادران عسکری خود تان برسانید و برایشان از طرف من بگوئید الحمد لله که شما را کامیاب و فاتح می بینم بنابر غیرت و همتی که شما نموده اید حکومت تان شما را شان غیرت میدهد و هر کدام تان که در عسکری خدمت نموده خواهش ملازمت را داشته باشید بسیار خوشی شما را قبول میکنم و بشرط اهلیت و قابلیت برای شما بسلک مراتب منصب دار ترقی میکنم و خواهش داشتم که همه شما را در بغل گرفته بجبین های شما را ببوسم چون الحمد لله بسیار هستید از خداوند شما را بسیار ترقی میخواهم برای تان تکلیف میشود.

اسمای حضراتیکه نشان غیرت عطا شده

فقیر محمد خان توکمشر شاهی اول.
محمد محسن خان تو پخانه قطغن.
علی حسین خان تولی نمبر قندهار ۱ رسی
محمد جعفر خان تولمشر شهبازخان تولی ۱
قندهاری گلباز خان امیر محمد خان تولی قندهار
عبدالغفور خان تولی ۲ شاهی ۲
محمد اله خان کندک دل عسکر ۲
حاجی گل خان
" " ۲ " "
فتح محمد خان از تولی قندهار
فیض محمد خان محمد رحیم خان عبدالله

محمد اعظم خان ابراهیم خان اسد الله بوبانی خان
محمد غفور خان کریم الله خان فیض احمد خان
عبد الخالق خان احمد علی خان محمد جان خان
غلام رضا خان محمد خان پیرداد خان
محمد خان آقا محمد خان محمد علی خان جیلانی خان
لعل محمد خان سبحان خان گل محمد خان کریم الله خان
عبد الغفور خان محمد علی خان محمد یعقوب خان محمد یوسف خان
احمد علی خان یار محمد خان نیاز محمد خان جمعه خان
عبد الرزاق خان گل محمد خان عبد الکریم خان میرزا محمد خان
عبد الله خان احمد گل خان عبد الغنی خان شیر سلطان
عبد السلام خان محمد احسان خان بسم الله خان عزیز خان
گلبدین خان قلندر خان غلام نقشبند خان سید امیر خان
غلام علی خان عبد الغنی خان غلام نبی خان
غلام محمد خان آقا محمد خان شکر خان
عبد الله جان نور محمد خان عباس خان
شهباز خان جبار خان
فیض محمد خان سلطان خان
محمد رحیم خان حبیب خان رستم خان
عرب شاه خان جمعه خان
خان محمد خان سلطان محمد خان
جهانگیر خان فقیر محمد خان محمد عمر خان
سلطان محمد خان صاحب داد خان
صالح محمد خان خواجه فیض محمد خان
غلام محمد خان محمد شاه خان جان محمد خان
صالح محمد خان گل محمد خان آقا محمد خان
شیرباز خان رحمت خان
قلندر خان نصر الله خان
محمد امین خان سعادتمند خان لعل محمد خان
عبد العزیز خان عبد الغیاث خان آقا جان

(۵)

نشانات استقلال خضری

درجهٔ چهارم

خدمت و جانفشانیهای که طلبه مکتب حربیه کرده اند و آن سعی و کوشش را که در تعلیم آن قطعات بی تعلیمی کرده در عین موقع از هر جا ابراز نموده اند نظر بقدردانی و مشکوری موجب وعدهٔ خود که با جنابهای که کتب نموده ام نشان درجهٔ چهارم استقلال خضری برای شان میدهم چون بسیار بیشتر و بسیار وقت بصرف میرسد فقط برای چند نفر شان خود هم نشان میزنم و دیگر نفریشان از طرف وزارت حربیه تقدیم میشود

اسمای طلبه که نشان درجهٔ ۴ استقلال خضری افتخار یافته اند

عبد الوکیل خان عزیز احمد خان ،
محمد اسمعیل خان عبد الکریم خان
محمد فاروق خان

(۶)

نشان حمیت

از خدمات شما که در دین مقابله ثلم و جهل نموده اید اظهار رضامندی ... جنابان ... که جنود جریده اوجه تشکر ...

خوش وخورسند باشند فی الحال نشان
حمیت را حکومت برای تان میدهد
که نیک خدمات فوق العاده کرده اند .
برای شان ترفیع هم داده شده که فردا
یا پس فردا حکمنامه های ترفیع مناصب
خود را از وزارت حربیه بگیرند برای چند
نفر شما خود م نشان را تقدیم میکنم بسینه های
حمیت دفینه باقی شما این فردا ت محرم
و وزارت حربیه نشان حمیت را میرسند

اسمای اندوامکرکه نشان حمیت
فائز شدند

عبدالجلیل خان توپچی علاوه از رفقای [illegible]

گل محمد خان «	خانجان خان «
محمد دین خان «	سید محمد خان «
خان آقا خان «	میر افضل خان «
در محمد خان «	محمد یعقوب خان «
رستم خان «	میر افغان «
عبدالقیوم خان «	محمد ناصر خان «
غلام حسن خان «	عبدالودود خان «
غلام خان «	عبدالوکیل خان «
جان محمد خان «	غلام محمد خان ...

(۷)

نشان استور درجه
سوم

از خدمات جهاد کارانه که شما ابست
مملکت حکومت متبوعه خود نموده اید اظهار
بسیار خوشی و خورسندی مینمایم و در مقابل
آن خدمات امروز حکومت برای تان
نشان ستور درجه سوم را عطا میدهد و شما [illegible]

سرافراز میداد و بعض از شما که خدمت
های زیاد کرده اند علاوه بر نشان
ترفیع ورتبه و بخشش نیز نائل شده اند
که از طرف وزارت حربیه برای شان
عطا میشود .

اسمای اشخاصیکه نشان استور
درجه سوم نائل شدند

میرزا محمد اکبر خان - میرزا محمد صمد خان
میرزا عبدالعلی خان - میرزا یوسف [illegible]
نظام الدین خان [illegible] ملک نور حاجی
ملک نور محمد - ملک بابا دین خان
ملا [illegible] - ملا شیرین کنری

(۸)

نشان استور درجه دوم

ازین حال شادمانی وخوشوقت کار [illegible]
شما در راه خدمت دین و وطن خود همراه
کرده اید از خداوند میخواهم که شما را سرفراز
دارین و شجاعت [illegible] سینه های پر از [illegible]
شما حکومت از شما بپاس بزرگ وطن گردد [illegible]
خدمات هر کدام شما علیحده علیحده بیان
[illegible] کفایت نمیکند فقط بدربار رضا [illegible]
دعا میکنم همچنین که امروز [illegible]
و قوم خود سرفراز هستید در حضرت [illegible]
و رسول سرخرو و سرفراز باشید [illegible]
خدمات شما حکومت برای تان نشان
درجه دوم را با اعتقاد نامه آن عطا [illegible]
و در [illegible]
[illegible] وزارت حربیه [illegible]

اسمای آنکه به نشان استقلال درجه دوم مرحمت اعطا یافته اند

حاجی شاه محمد خان - عمرا خان عضو محمد هاشم خان کتاف طایقه - ملا محمد یعقوب خان خلیلی - میر احمد خان حاجی عظیم خان ... مولوی امیر محمد خان - مولوی گل محمد مستغنا - مولوی عبدالخالق خان - مولوی محمد رفیق خان .

(۹)
نشان استقلال حضری
درجه سوم

خدمات لایقیکه شما کرده اید یکا یک از عاجز معلوم است و همه دیگر برادران که در آن جانفشانی های شما را در اخبار مطالعه کرده اند بنابران حاجت ندارد که باز تکرار آن گویم فقط اظهار رضامندی از همه شما کرده حکومت شما برای تان نشان استقلال حضری درجه سوم داده میشود.

اسمای حضرات نیکه به نشان استقلال حضری درجه سوم سرافراز گردیده اند

محمد عمر خان نائب سالار
غلام حیدر خان لویمشر
سلطان احمد خان ناظر محمد خان
محمد عمر خان رئیس ارکان حربیه
محمد اسلم خان معلم مکتب حربیه
غلام رسول خان ... مصطفی خان آقا محمد خان

(۱۰)
نشان شجاعت

شجاعت و مردانگی را که شما اولاد های عزیز من در راه ترقی و آبادی مملکت خود کرده اید از همه شما اظهار رضامندی و ممنونیت کرده از خداوند تبارک استدعا میکنم که همه شما را در دین و دنیا با عزت و نیک نام گرداند و خداوند شما را در مقابل دشمنان داخلی و خارجی کامیاب و مظفر داشته باشد در مقابل این شجاعت و مردانگی که شما نموده اید حکومت برای تان نشان شجاعت میدهد بعضی از شما که ترفیع کرده اند در لف اعتماد نامه هایی که به او نشان داده میشود و توجیه سند های خدمات شما خود منشی امیر نموده اند این ذوات محترم در رتبهٔ دیگر هم عطا یا از طرف وزارت حربیه آتیاً اعطا میشود.

اسمای ذواتیکه به نشان شجاعت مفتخر شده اند

زی تعکی هوا پیما - گویه هوا پیما - سی چی کوف هوا پیما - بالگوبیاسن هوا پیما - محمد احمد خان مدیر عمومی پولیس - استر اسکول سف هوا پیما - حریان وفچی هوا پیما - محمد یاسین خان مامور ... - عبد اللطیف خان حاکم ... - محمد طاهر خان ... - میرزا اسد ... خان مدیر ... - حاجی ... خان - میرزا حبیب الله خان ... وزارت داخله - میرزا عبد الغفار خان ... وزارت تجارت - عبد الرحیم خان ... - میرزا فخر الدین خان .

(۱۱)

تسلیات

حکومت شما شما را بسیار بنظر قدر و عزت
می بینند زیرا که جگرپاره های شما درین معارضه علاقه جنوبی
شهید شده اند حقیقتاً برای انسان در هر حالیکه
باشد مرگ حق است اگر فرزندان و اولاد های
شما در خانه و جای خود و به پیش شما می بودند هم می مردند
لاکن خوشا بحال آن اولاد های نیک بخت شما
و دیگر کسانیکه درین راه مقدس شهید شدند و زندگانی
ابدی را کمائی کردند لهذا برای شما یک بوستان
حیات تقدیم میکنیم که برای آنها آرزو شده که حیات جاودانی
آنهارا برای شما اطمینان میدهد منقوش است این
نشان دشتان که بسینه های شما نصب میگردد در رنج
مسرت علم کی از آنها برای شما خوانده میشود [illegible]
خود شما یک شرف و عزت ابدی است اگر از
اولاد های شما پسری مانده باشد آنهارا ایضاً
شما خود بچشم فرزندی نگاه میکنیم و دختران آنهارا
مانند دختران خود میدانیم و مانند فرزندان خود در تعلیم و تربیه
ایشان کوشش میکنیم و برای مخارج تعلیم و تربیه
و جیب خرچ هر یک طفلی که از آن فرزندان مانده
[illegible] سالیانه (۱۰۰۰) روپیه از طرف حکومت
شان به مصرف تعلیم و تربیه و لباس و خوراک و جیب
خرچ وغیره صرف میشود و ارزو مند هستیم که خرد سالی
اطفال را به سن بسیار زیاد و ثلث تنخواه پسران شما
برای عیال او حکومت میدهد و چون از تنخواه
منصب او [illegible] که درین راه شهید شده [illegible] برای
عیال های شان تا زمانیکه بنام همان فرزند
شهید شما تنخواه میدهیم و اگر عیال نداشته باشند
برای مادر او و اگر مادر و عیالی نداشته باشند برای
پدر شان داده میشود، دعا میکنیم که خداوند
آمرزگار فرزندان شما را در بهترین جنت با ارواح [illegible]
اگرچه میدانیم که آنها حاجت بدعای ما ندارند
زیرا که در راه خدمت دین و وطن خود شهید
شده اند.

قرائت فرمان حیات

[در ینجا ج. س. [illegible] میرزا محمد یعقوب خان [illegible]]

سر منشی معین وزارت مالیه رقم آتی حیات
بکمال فصاحت قرائت نموده و حاضرین [illegible] از
استماع آن بحت تاثر عمیقی آوردند [illegible]
بنابر تسلی و تشفی خاطر ..... که فرمان
الحیات. فرزند رشید شما ..... در
حادثه بغاوت سمت جنوبی [illegible] یک مقابل
جهول علاء بود در راه محافظه ناموس وطن
و فداکاری [illegible] دولت و ملت شربت
شهادت نوشیده، نشان با نشان [illegible]
از حضور پادشاهی با شاره الیه لطف
و مرحمت فرموده شد تا به مدلول آیه
شریفه (ولا تحسبن الذین قتلوا
فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند
ربهم یرزقون فرحین بما آتاهم الله
من فضله) بفوت با شرف [illegible] شهید
صابر و شاکر بوده و او را حیات جاودانی [illegible]
قدر شناسی و ذریعه امتیاز و سرافرازیش باشد.

اسمای ذواتیکه با تسلیات نائل شده
محمد یوسف خان - حاجی ولی محمد خان -
سید احمد خان - لاله میر خان - سرفراز [illegible]
[illegible] احمد خان - منصور خان - تاج محمد خان
عبدالواحد خان - دوست محمد خان - فیض محمد [illegible]
عبدالحمید خان - جامع [illegible] خان - محمد گل خان [illegible]
عزیز احمد خان - سردار خان - دین محمد خان - [illegible]

(۱۲)

نشان استور درجه

اول

از خدمات درخشانی که شما کرده اید
کاملاً بواسطهٔ رؤسای شما واقف شده ام در
مقابل آن ممنونیت خودم را بشما اظهار
میکنم من از شما خوش هستم خداوند و رسول
از شما خوش باشد. همین طور یکه امروز در این
مجلس عالی سرافراز هستید در دین و دنیا سرفراز
باشید از خدا خواسته ام که هیچ کدام از
دشمن های شما خواه از داخل باشند یا از
خارج بالای شما کامیاب نگردند. چنین
معاملهٔ مشکل و جدی ران اهمیت نداشت
الله خدماتی را که شما برای عرفان این (نادانان)
و معارف افغانستان نموده اید قابل قدردانی
این نشانی را که حکومت برای شما میدهد
فقط جهت تقدیر همان خدمت شما است
که برای علم و عرفان افغانستان نموده اید
بلی از شما شخصی هستید که برای بهبود و ترقی
افغانستان مخصوص اید بنابران برای شما این
نشان استور که یادگار خدمت شما است
داده میشود باقی از خداوند خود برای اولاد
اولاد شما سعادت و نیک بختی دین و دنیا
میخواهم الله در خدمات شما نظر نو خواهد بود
مثلاً یکی ترجیح آن از نظری و بعضی اظهار را علی جدا
میدهد نظر نو نیست بلکه یک بنا کرده میشود ترجیح رتبه
معاشر و کوشش که برای بعضی شما که تعدد نوی الحاق
نموده اند واقف شده ام در ... داده میشود نوشته است

اسمای اشخاصیکه نشان استور درجه

اول

عزّ افتخار یافته اند

(۵)

شیر احمد خان فرقه مشر
سید یاقوت شاه خان لوا مشر
محمد عظیم خان عبد الحکیم خان حاکم غزنین
محمد سمیع خان رئیس ...
محمد غوث خان حاکم ارگون
محمد حسان خان قوماندان ...
میرزا ... محمد خان
نصیر احمد خان غند مشر محمد امین خان غند مشر

عبد القیوم خان ،، عبد العزیز خان ،،
سید عبد الله خان ،، محمد ابراهیم خان ،،
محمد لطیف خان ،، عبد الکریم خان ،،
عطا محمد خان ،، محمد سرور خان ،،
سعادت خان ،، عبد الغنی خان ،،
عبد الغفور خان ،، نور محمد خان ،،
محمد امین خان ،، ندو خان ،،
علی شاه خان ،، محمد رحیم خان ،،
نادر شاه خان ،، عبد الرشید خان ،،
داود شاه خان ،، نور محمد خان ،،
محمد شمیم خان ،، محمد عثمان خان ،،
عبد القیوم خان ،، عبد العزیز خان ،،
غلام احمد خان ،،
الله داد خان ،،
محمد انور خان ،،
محمد ناظم خان ،،
عبد الکریم خان ،,

محمد اکبر خان غند مشر امیر جنید غند مشر
جانباز خان ،، عبدالرزاق خان ،،
شاه عبدالحمید خان ،، غلام قادر خان ،،
علی اکبر خان ،،
میر غوث الدین خان احمدزائی
بهجت بیگ داکتر
محمد ابراهیم خان غند مشر
ملا عبدالحق رئیس محکمهٔ تمیز
مولوی محمد ابراهیم خان
مولوی فضل ربی

(۱۳)

نشان استقلال حضری

درجهٔ دوم

از خدمات جناب های شما برای ترقیات افغانستان که عبارت از ترقی علم و رفع کلی جهل است نموده اید اظهار ممنونیت میکنم. در حمل و نقل لوازمات حربی شاغاسی صاحب (محمد یعقوب خان) خدمات زیاد کرده اند. خدمت قلمی را معین صاحب وزارت مالیه (میرزا محمد ایوب خان) درین ایام بسیار بخوبی و صداقت اجرا کرده اند گویا ترجمان دم قلم اینها بود. خدمتی را که [illegible] خود کرده اند وزیر صاحب معارف جناب (فیض محمد خان) میباشند زیرا که [illegible] سمت جنوبی [illegible] برخلاف علم و عرفان [illegible] علم [illegible] ازان جمله وظیفه جناب شان [illegible] شان [illegible] شما [illegible]

[illegible] که ترقی علم و عرفان در ضمن [illegible] که در شعبه های مختلف حربیه، خارجه، داخله، مالیه، عدلیه، تجاریه، وغیره دارم [illegible] بازهم جای بسیار مسرت است که وزیر صاحب [illegible] خدمت خوبی کرده و در طرفداری عرفان کوشش زیادی نموده اند و هم در [illegible] مکتب [illegible] فرستاده اند.

[illegible] محمد [illegible] احمد علی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مکافاتی [illegible] حکومت [illegible]
کرده [illegible] شما اعطای شود

(۱۴)

نشان استقلال حربی

درجهٔ دوم

خدمات و فداکاری که شما نموده اید از خیال دیگر من عاجز بلند تر است از خدا خواسته که همیشه خدمتی از شما ظاهر شود که بلند تر از خیال این عاجز و دیگر رؤسای مملکت تان باشد. میخواهم که شما را به این الفاظ خود خوش کنم حقیقه خوشی که کردم راست است و صحیح. همچنین که امروز شما سرفراز هستید خدا [illegible] شما را سرفراز داشته باشد شما از جان فدائیان ملت و مملکت خود میباشید که برای علم و عرفان افغانستان و [illegible] ستان بلکه برای سعادت و [illegible] فرزندان و عائله [illegible] ترکستان جنوبی، جان [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 145 of 524

وروان خود را بکف حمیت و شجاعت خود گرفته فدای ترقیات و تعالیات افغانستان نموده‌اند لهذا این نشان درجهٔ دوم استقلال حربی با مکافات آن که علیحده در فرامین شان مرقوم است به شما داده میشود

فهرست اشخاص که بنشان استقلال حربی درجهٔ دوم، افتخار یافته‌اند

(۵۱)

محمد صدیق خان فرقه مشر ثانی

گل احمد خان — حسن بیگ خان — فیض احمد خان

محمد عمر خان — نیک محمد خان — عبدالرحیم خان

محمد یعقوب خان رئیس شفاخانهٔ سابق

نور احمد خان غند مشر مدیر مکتب مستعجله حربیه

میرزا احمد الله خان مدیر سابق وزارت داخله

مصطفی خان اسلامپوری میرزا محمد خان فرقه مشر ثانی

(۱۵)

نشان استقلال حضرت اعلی درجهٔ اول

برای محمود سامی پاشا نائب سالار

[در اینجا بطبق پروگرام مخصوص مجلس چند نفر شاگردان مکتب حربیه که با احترام و محافظت علم مبارک حاضر بودند و محمود سامی پاشا از چوکی معینه، علم مبارک مکتب حربیه را آورده اولاً خود ذات شاهانه برای تعظیم علم مبارک استادند و باز تمام حضار بود بانه قیام کنان تعظیم علم مبارک نموده و شاهانه ذات ملوکانه نطق آتی را ایراد فرمودند:—

"از خدمات فهمیدار که شما استاد محترم من جناب ومعلم تمام اردوی افغانستان نموده‌اید و دقت و ممارست بعلم جلیل عسکری سفری و حضری را به بهترین و اعلی ترین درجهٔ تعلیم و تربیه تکمیل رسانیده و تمام منصبداران ما را در فن حرب تشویق و تعلیم داده که بجنب درجه در فدا کردن جان و هستی خود در راه خدا دین وعرفان وطن مقدس امتحان داده‌اند و در معرکه محاربات یکقدم پیشتر از عسکر خود بارها در خط آتش رسانیده‌اند از شما خیلی ممنون میباشم و به پاس این خدمات و تعلیمات شما خدمت شان نشان درجهٔ اول استقلال حضرت اعلی را با تو ماندانی قول اردوی مرکزی کابل تقدیم میکنم."

(۱۶)

نشان استقلال درجهٔ اول حربی

برای علم مکتب حربیه

این نشان بزرگ استقلال حربی را بدین علم مبارک مکتب حربیه تهدیه میکنم. زیرا که از برکت همین بیرق تمام منصبداران ما تعلیم یافته‌اند و در میدان جان بازی و فداکاری نموده‌اند

(بعده ذات ملوکانه علم مقدس را مخاطب ساخته بیک آواز رقت‌آور فرمودند)

امروز اگر منصبدار تعلیم یافته داریم از فیض و برکت تو است ای علم مبارک!

اگر اردوی ما تا یک درجه انتظام گرفته و عسکر ما در مقابل دشمن فاتح و کامیاب آمده از فیض و برکت تو

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 146 of 524

علم مبارک است.

قدرے تعلیمات عسکری کرس علم حاصل کرده ام

از سایهٔ تو علم مبارک و فیض برکت کتب حربیه و جناب

استاد معظم نایب سالار صاحب حبیب شده نیز ارشکر است

که خداوند بمن قدرت داد که امروز نشان استقلال

عزیز را بدست خود به تو علم مبارک تعلیق میکنم

من امروز فخر میکنم که یکی از شاگردان این مکتب هستم

و استقلالی را که خدا باعطا کرده است از اثر تعلیم

و تلقین همین مکتب بوده و کارهای را که درین مدت کم کرده

توانسته ایم تماما از برکت و فیض همین مکتب است.

مکتب باست جای استقلال

سرخود دل فدای استقلال

پس ازین نیز امیدواریم هر کسیکه بزیر این لوای

محترم داخل شود در تعلیم و تربیه صفات عالیهٔ خویش

بلند تر از خیال من علم باشند. این نشانیکه بر علم

مبارک تمدید یعنی رتبی را که شما میشنوید نیز رتبهٔ ایست

و رتبی است که برای تمام ضابطان منصبداران ذوات

این لوای مقدس تعلیم بر آیند اندازه داده میشود.

قرائت قسم علم مبارک

(بعد از این تحمل مضمون آتیه رتبهٔ مکتب حربیه جناب محمد اوبخان

صاحب منصب اجتماع قرائت کنان از درست و تشبیح

سامعین افزودند:—)

بنابر نتایج مفیده و ثمرات قیمت دار یکه صاحب منصبان عسکری و در تحت تربیت مکتب حمایت مکتب حربیه تحصیل علم و عرفان نموده از تحت سایهٔ لوای فرانشمای آن همواره بمقابل دشمنان شرف و عزت مملکت خائنین و بدخواهان حکومت سنیهٔ خود با مجاهده بظفر رسیده

فتوحات حاصل نموده اند و از تلقینات وطن خواهانهٔ این مکتب اولادان فارغ التحصیل افغان در محاربهٔ استقلال حصول عز و افتخار صبحی مملکت عزیز خود را نائل شده اند و بار دیگر در سال ششم در نشان استقلال مجدد در مقابله علم و جهالت در جنوبی نیز از اثر تعلیم و تربیهٔ اهل مکتب در اطفای نائرهٔ بغاوت فی برآوردن منحوس جهالت مقدرین آن در شرف قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا جهل مغلوب و مقهور و علم منصور و مظفر و نشان و نیشان استقلال وطن حضور اعلیحضرت پادشاهی ما تقدیر مکتب حربیه و تمجید مراتب علم و عرفان علم النصرت مرتسم مکتب حربیهٔ افغان اعطا و اهدا کرده شده تا اولاد وطن زیر این لوای مقدس تعلیم و تربیه همیشه بوطن عزیز و دولت متبوعهٔ فداکاری، و سربازی نموده حفاظت و احترام این لوای سعادت اعتلا شرف و ناموس عسکریت را نمایند خودم باین ورد افتخار دارم که یکی از تعلیم یافتگان این مکتب تعلیم و خدا تعالی موفق شده توانستم که این نشان و نیشان را باین لوای نصب نمایم

محمد سخط الحجر نقط اعلیحضرت

پس از ختم نطق شاهانه و قرائت علم فوق شاگردان و محمود سامی پاشا آن علم مبارک را در جای اورده نموده و گیهای خود قرار گرفتند.

(۱۷)

نشان سرداری اعلی

از خدمت‌های بلیغانه حقوقی [illegible] که [illegible]
سرفراز [illegible] و دنیاشان با نموده‌اند. از جمله شایانِ تقدیر [illegible]
صاحب داخله (غلام محمد خان) [illegible]
بلیغ عسکری در جمع آوری عسکر و حمل و نقل
لوازمات عسکری و دیگر امورات ملکی
نموده‌اند و شوق و شغف خود شان را که در اثنای
مشمولیت در میدان محاربه سفر نموده‌اند که
او شان را مانع شده‌ام و از رفتن شان در یک
موقع مهلکه و فرستادن قوه لطف شان حین
زمان باطراف وردک ممنونیتم را عرض میکنم.
هم چنین از فعالیت و فداکاری معین
صاحب حربیه (حبیب الله خان)
که درین معامله نموده‌اند و بصفات مختلفه
اداره مقام وزارت معینی [illegible]
تولیمتری، قاصد حربی، و سائر عسکری وغیره
امورات را فرموده بار ها جان خود را به مهلکه
انداخته‌اند مسرت زیاد دارم.
از خدمات فداکارانه و غیرت و دلاوری
جناب (عبد الوکیل خان) نائب سالار
در لوگر و شاه مزار و چرخ و خرواد [illegible]
میدان‌ها جنگ نموده و اشرار را در هر میدان
قفا قهای سخت زده ذلیل و مغلوب
ساخته‌اند اظهار رضامندی میکنم. و از خدا
سرافرازی و نیک نامی او را درین راه برای شان
میخواهم.
جناب (محمد غوث خان) در روزهای شدت
محاربه جون از کابل با قوه بسیار حرکت نموده

نموده در صدد بود که ناکامیابی او را محققین
میکرد مگر از شجاعت و دلیری خود با جان
و قبایل خویش اشرار را خورد و زار نموده
و مخوف و پریشان نموده‌اند و صاحب منصب مظفر آمد که
مرد وافد کاریز در ولیشی و حصار که
جابر را تنها سه تا با نموده‌اند بعد باز
میکنم. در امثال این مواقع با وجود موانع
و مشکلات که عسکر را مظفر و منصور شده‌اند
بجز اینکه آنرا از لطف خداوند و برکت
روحانیت رسول الله بدانم و به همت
و شجاعت این منصبداران خود افتخار میکنم
و تبریک خواهیم گفت.
بنابر صداقت و حقیقت و رشادت
شان این حضرات را به نشان سرداری عالی
امتیاز داده معین صاحب حربیه را
و جناب عبد الوکیل خان و محمد غوث خان را
به یک یک رتبه ترفیع افتخار دهیدم.

(۱۸)

نشان سرداری اعلی

از خدمت‌های [illegible] دوم [illegible]
درین معامله نموده‌اند [illegible]
افکار مسعود مند [illegible] حکومت [illegible]
کرده‌اند و علاوه بر آن خود شان [illegible]
در قطعات و محاذ جنگی خدمات نموده‌اند
اظهار ممنونیت میکنم [illegible] صاحب منصب [illegible]
بزرگ شده‌اند. اول مشوره داده
دوم بالذات در محاربه [illegible]
رفیق صاحب منصبان دولت [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 148 of 524

شعبه بین دو دولت و ملت من یک
صمیمیت صادقانه و یک صداقت مخلصانه
و راستبازی دارند و یک مشاور صادق من
هستند. در این وا شکرگذارم که اکثر مشوره
های این مشاور صادق من نتایج خیلی خوب
و بسیار مفید داده خصوصاً در این مقابله علم و
جهل یک مشاور حربی من بودند امید میکنم
در آینده هم علاوه بر مشوره که در وظیفه ریاست
شورا میدهند یک مشاور حربی من باشند.
وظیفه رئیس صاحب شورا در همان
وقت یکی ریاست شورا و دیگر وکیلی وزارت
خارجه و مهمتر از همه مشاور حربی من بود.
من از او شان خرسندم که بهر وظیفه خود
فداکاری صادقانه و ابراز فعالیت نموده
مرا از خود رضامند ساختند علاوه بران مجلس
وزرا قاعدی یک مفرزه میدان محاربه و ادعا
طلبی اطفای همین نائره یعنی مقابله علم و جهل
را آرزو به جدیت جستجو نمودند. اما من نظر بخیلی
که در انجام داشتند او شانرا نگذاشتم با آنهم چند
مراتبه خود را بخطر انداخته به موتر و طیاره در اجای
جنگ رفته بدایات مرا القا نمودند و قوماندان مفرزه
میرسانیدند و احوالات صحیح کافی را برایم
می آوردند و در تقویه حیات معنوی عسکری
خدمات شایان نموده اند و در خریداری
طیاره ها و سلاح در وزارت خارجه خیلی زحمت
بکار برده اند.
خدمتیکه جناب (عبدالاحد خان) نموده
بلندتر از خیال من است اگرچه یقین دارم که
محبت و صداقت جناب شان نسبت
خاندان ما و من خیلی زیاد میباشد [illegible]
[illegible]

کنند. و کاری را از پیش ببرد. بیاد میاید که شما
از محاذ جنگ میفرستادید بسیار صحیح و درست
بدون اغراض و مبالغه می بود. همیشه حیران
میشدم که چطور عبدالاحد خان این طور احوالات
صحیح را پیدا میکند. و باز در هر مقام شما در پیش
قدمی کامیاب می بودید. چنانچه آن یک
بدبخت را که بروی خود حیات [illegible]
خورده از لوگر طرف شاه مزار آمدند از شکست
سخت خود خوار و ذلیل و تباه شان کردید.
بمقابل این صداقت و همت و
شجاعت شما و ذوات محترم از شما اظهار
ممنونیت کرده شما را بنشان او [illegible]
اعلی امتیاز میدهم.
از خداوند نیک نامی و اعزاز دارین
برای تان مسئلت دارم البته کسیکه مصروف
خدمات دین و دولت اسلامی شود حتماً
آخرت شما ماجور و مشکور است. زیرا که دنیا
مزرعة الآخرت میگویند.
جناب عبدالاحد خان را میخواهم که
حضور من دور باشند بنابران شما را مصاحب
خواص می پذیریم.

(۱۹)

نشان تاج افغان

از خدمات بسیار شایان دارو از [illegible]
که شما و ذوات محترم کرده و نفر تان حاضر [illegible]
نفر شاه و [illegible] خان است. موجود [illegible]
[illegible]

تشکران و امتنان بی پایان خود مرا التماس ما و جمعیت تعبیر نمودن و اظهار ممنونیت خود مرا از شما لفظی را یافته نمیتوانم. فقط همین قدر میگویم که خداوند از خیال شما. از شمایان مسرور و ممنونم. و در مقابل این تکالیف و زحمات جنگ در اطفای این نائره گشته اید و از زحمت کشی و حوصله که بکار گرفته اید از خدای خود برای تان اجرهای جمیل را میخواهم. و از ترتیبات و تنظیمات نظامیکه درین مدت نموده اید نیکا یک اطلاع دارم و بر آن فعالیت و جدیت شما که جدا از ابادی اشاره و مرکز در سرکوبی و گوشمالی آن خائنین بکار نموده تقریباً در عرصه ده بیست روز آنها را اذیت و نابود کردید شجاعت افغانی و عالم عسکری بر شما تحسین و آفرین میخواند!

بعضی از حضرات گمان خواهند کرد که محاربه در سمت جنوبی از عرصه یکسال و چند ماه جریان داشت. نی بلکه خوب طوالت و وخامت این مسئله گردید. تنها لطف و مرحمت و فراخ دلی حکومت ما بود و الا بمجرد دیکه حکومت خیال تعقیب این معامله را بقوه عسکری کرد چرا این محاربه در ظرف ده روز تمام شد و تمام خائنین بدبخت تباه و برباد گشت

گویا در ابتدا حکومت شما اراده نداشت که یک اولاد جاهل بدبخت خود را بواسطه دیگر فرزند عاقل نیکبخت خود تباه کنند و میخواست بهر ذریعه ممکنه که باشد بدون جنگ و قتال این معامله تصفیه گشته نامعلومی در میان واقع نشود. الا بگویم هرچند که از ده

صلاح و شفقت با آنها پیش آمدیم، آن بدبختان بهمان اندازه در جهالت و سرتابی خود افزوده آن همه لطف و مدارای حکومت را حمل بر ضعف و ناتوانی نمودند و بالاخره در ظرف چند روز دیدند چه سزا

باز از خدمات شما سرداران محترم که درین معامله نموده اید و بدون محاربه و مداخله به ترتیب بسیار درست کار روائی فرموده اید و معنویات فرزندان عسکریه را در عین زمان بدرجه بسیار خوب نگهداشته اید و منصبداران خود مرا نظم درست نشان داده اید از حد زیاده ممنونم حتی جناب رئیس تنظیمیه مشرقی علی احمد خان ایشان اطراف و نواحی کرمن پوره خیال نداشتم که درین نزاع خانگی با ما معاونت و همدردی شما شند کرد. نفر جمع آوری کرده اند و در ترتیب و تنظیم سائر قوای متعلقه خویش بی اندازه صرف مساعی نموده اند. هر وقتیکه من در تلفون از و شان احوال میپرسیدم کاهی بخاطر ندارم که از کدام اشکال و موانعی که در کار شان بوقوع انجامیده باشد شکایه نموده باشند. بلکه همیشه اجراآت امیدوار شونده کارهای خود را بی کم و کاست میگفتند شما اند. انشاء الله تا که شما زنده باشید حکومت بنظر عزت و احترام بسوی شما خواهد دید. و پس از شما حاسس این خدمات تان اولاده شما مورد پرورش و مرحمت حکومت خواهد بود بلکه نظر بداران علم و عرفان و شنید شما تجدد و تعالی افغانستان قرنهای شمار اگر در کنار ان رشته های منحوس جهالت تباهی های تان را بکف نهاده این خیمه یک

خدمت تاریخی برای ملت و مملکت خویش
نموده اید، زیارت خواهند کرد.
بنابر پاس این خدمات و صداقت
برای وزیر صاحب حربیه (محمد ولیخان)
و جناب (شاه ولیخان) و رئیس صاحب
تنظیمیهٔ مشرقی نشان تاج افغان درجهٔ دوم
را تحفه میکنم. و این اولین نشانیست که بجا
محترم شما آنرا مجدداً در مجلس شوری تصویب
کرده اند و نشان درجهٔ دوم آن مخصوص
وزرا و امثال آنست که یک خدمت فوق
العاده نماید. و شما اولین ذوات محترم میباشید
که برای شما این نشان درجهٔ دوم تاج افغان
تقدیم کرده شد. شاه ولیخان حاضر نیست
نشان او را نگاه میدارم.

چون علیحضرتم از وزارت حربیه دیگر
رتبه نیست خود شما الآن کماکان مشغول
خدمات امور حرب در وزارت حربیه باشید
و به جناب رئیس صاحب تنظیمیه مشرقی والی گری
ولایت کابل را تبریک میگویم. زیرا که میان
والی کابل و دو وزرا محترم ما بجز از تفاوت اسم
در کار و رتبه و امتیازات فرق اندکی است
و علاوه بران مانند جناب شما یک اشتغال
جرار و دلشور را در مرکز کابل از حد زیاد بکار
داریم تا خودم و وزرایم در موقع سفر و غیابت خود
از مرکز برای بعضی اجراآت و تفتیشات
حکومت رفته باشیم خاطر جمع باشیم هیچ
یک گونه سکته و تعطیل در امور مرکزی بوقوع
نخواهد آمد. در خاتمه باز تمنای رضا و مسرت
خود را به شما تقدیم میکنم چنانچه امروز مرا از تقدیم
خدمت و صدق خود شما سه ذوات نامور مسرور داشته اید
خداوند تعالی نیز از شما خرم و شادان باشد

(۲۰)

نشان المعالی

خدمات درخشانی را که جناب شما
(عبدالعزیز خان وکیل حربیه) در
وزارت حربیه از زمان تجدد این واقعه
الی الآن برای تمام اردوی افغانستان
نموده اید. تقدیر کنان اظهار ممنونیت
بسیار محترمانه از شما می نمایم.
اگرچه فعالیت و جدیت و کار
کردن و دیگران را بسر کار آوردن یکی
از خواص و لوازم طبیعت تان است
لکن چیزی را که بلند تر از خیال خودم
بوجود شما ملاحظه کردم و اسباب مزید
خوشنودی مرا از شما فراهم آورده نیست
مجرد که جناب شما از ریاست تنظیمیهٔ قندهار
بعد از یک مسافرت طولانی وارد مرکز شدید
و از گذارشات و اجراآت تازهٔ مرکز
مخصوصاً از معاملهٔ سمت جنوبی طوریکه
شاید و باید اطلاعاتی هم نداشتید و
مناسبتاً در همان موقع بوکالت حربیه
گمارده شدید. مصدر چنان کار روائی
های مهم در تمام شعبه های عسکری گشتید
که پیشتر از ان هیچ یک از ان فعالیت
و رشادت کرده نمیتواند.
بنابرین بلند ترین همت و عالی
ترین شفقت و رضامندی خودم را
بحضور شما عرض میکنم. و امروز در نقطهٔ نظرم
اولین شخصیکه خدمت درجهٔ اعلی درین معا

نموده است جناب شما نیز الهی در آخرت
بدربار خداوند نیز اول باشید.
فعالیت و جراری و کارکنی و بیدار
مغزی که از شما دیده ام مرا از حد و اندازه
بیشتر از شما خوشنود و خرسند گردانیده است
خداوند از شما خوشنود باشد.
لهذا شما را بوزارت داخله مقرر داشتم
و هم کارهای وزارت عدلیه را تا زمان
صحت یابی وزیر صاحب عدلیه بحیثیت
وکالت بر دوش شما میگذارم و از جراری
و فعالیت شما آنقدر مطمئنم که کار هر دو وزارت
انجام یافته است شما گمترامیدارم. علاوه
بر آن در وقتیکه خودم از مرکز برای بعض
تفتیشات و خبرگیری برخی امورات باطراف
بروم جناب شما وظیفهٔ وکالتم را نیز ایفا
خواهید نمود. نظر بدین حذاقت و فعالیت
و بیدار مغزی و خدمات تان ترای نشان
المر عالی را به شما میدهم و از اعطای این
نشان خدمات شما را پیش تمام منصبداران
و اهالی و اقران شان قدر و عیان میکنم.
بعضی حضرات خیال خواهند کرد که جناب
صاحب داخلهٔ سابق چه شد؟ عرض میکنم
که جناب شان را بخارج بحیثیت وزیر مختار
سفیر ستم و همچنین یکی بعد دیگر نظر دارم
که تمام وزراء و سفیران بزرگ نظامی
خود را چنانچه محمد نادر خان سپه سالار را
فرستاده ام به ممالک متمدنه بفرستم تا در
آنجا رفته دنیای مترقی را ببینند سرسطح
کرده معلومات خوبی از آنها گرفته کارهای
درست شان را در مملکت خود اجرا کنند.

(۲۱)

نشان المر اعلی

در مجلسیکه بوزارت حربیه منعقد شده
بود یک نشان المراعلی را برای خانم من
نیز تصویب کرده اند زیراکه تا حال اینچنین
یکی در افغانستان دیده نشده است
که با عسکر امداد و معاونت در پول و تیمارداری
کرده باشد و بینقد داده دلجمعی و دلاسای
آنها را نموده باشد و یا خبرگیری و تسلی دهی
آنها را فرموده باشد گویا این اولین زنی
در افغانستان که با اولادهای عسکری خود
در عین زمان محاربه باز شفقت و مهربانی
نموده و در احوال پرسی و تیمارداری مجروحین
و بیماران آنها فروگذاشتی ننموده است
و همواره از نوازش و خوشنودی من و
حالات مرکز آنها را اطلاع داده و همچنین
فرزندان عسکری او نیز بیشتر از وشان اظهار
ممنونیت و رضا نموده اند و رضانامه ها
بهم و عرائض متعددی را از محاذهای
جنگ بنام او فرستاده اند.
بنابرین خود من نیز این تصویب وزارت
حربیه را منظور کنان یک نشان المراعلی
که اولین نشان افغانستان است را در این
مجلس عالی برای او میدهم و اعطای آن از طرف
حکومت افغانستان دولت افغانستان تقدیم میدارم
خود من لهذا دیگر فرزندان عسکری شان خود دیگر
از علاقه که در حاضر شده بود آمده نتوانست (آنانیکه
درینجا حاضر قوای عسکریان از طرف شاه خانم صاحب

عریضهٔ تبریکیهٔ عمومی ملت افغانیه بحضور اعلیحضرت

اعلیحضرتا روح دو جهان ما بتصدق عزم و همت عالی شما!

تاریخ دنیا روز نهم حوت ۱۲۹۷ را هرگز از صفحات رنگین خود فراموش کرده نمیتواند، که اعلیحضرت شما درین روز مسعود زائد از پانزده ملیون کتلهٔ جمعیت مسلمانرا ایک غیرت خدا الله بخشا [illegible] از بشارت کفر حیات تازه وا هلامیت بخشیده اند

این ذات شاهانهٔ شما بود که استقلال تام افغانستان را بالفعل کرده کار خود را در [illegible] حقیقت واصل نموده این خاک پاک را که محو طا و یکسان شده بود از عالم گمنامی بدنیای ترقی معرفی نمود و ابواب فنون و علوم جدیده کارآمد برای بهم رسانیدن اسباب ترقی و تعالی افغانستان برای اکشوده به ملیون ها کارطوس و هزارها تفنگ و توپ و عدهٔ طیاره جات از خارج مهیا و موجود نمودند. ذات شاهانهٔ شما بود که [illegible] تشکیلات اساسی مملکت را در الحکو[illegible]

[illegible]

امتیاز مجالس مشوره و شورای دولت عنایت فرمودید بلکه از نهایت رعیت پروری و شفقت خود [illegible] اشباعت حقوق انسانیت [illegible] آزاده نمودن و هدایت فرموده [illegible] لال [illegible]

[illegible]

ترقیات و بقای معارف و تعلیم و تربیه اولادهای ذکور و اناث ما بذل توجه فرمودید و این ترد یک ترین راهی است که ما را بمنزل مقصود امیر ساند. اعلیحضرتا شما بودید که خزینهٔ بیت المال را از دست بردو ظالمان حق ناشناس بیک عزم صادق تحفظ نموده نگذاشتید که بیجا صرف یا تلف شود. و امتحان برای کارهای بزرگ و اهم سلطنت و حکومت تشویق و اشخاص اهل و لائق را انتخاب و معین فرموده روا دار نشدید که برای اشخاص نا اهل بملاحظه و خاطر کارهای بزرگ و اهم حکومت داده شود. و این اولین واسطه و ذریعهٔ ترقیات یک قوم و ملت یک مملکت ثابت شده است.

ای دانا ترین فرد اولین با افغانیان! ذات خجسته صفات شما بود که نائرهٔ مشتعلهٔ جهل و علم ما که از دسیسه دشمنان دین و ترقی ما بتحریک شیطان ترساویران گمراه اشتعال یافته بود، بکمال علم و حلم خود اطفا و استمالت فرمودید و بیک زمان نازک فرمان دهی فنون و ریاست کل ارکان حرب محاذ را بنفس نفیس خود تان اداره نمود[illegible] پلان های حربی شما بود که شعله عسکر بمقابل ده هزار لشکر اشرار جبال در موضع لهوگرد مظفر و منصور شده کوتل سر [illegible] خود بخود باز گردیده، برای فنون [illegible] گرد بز، ارگون، خوست، چکنی، [illegible]

[illegible]

داده وقتاً فوقتاً تجهیزات ولوازمات عسکری را باعدهٔ عساکر در باین حرب فی وفرموده بلی!، تدابیر صائب وصحیح عاجل شما بود که در اقوام متحیره مبتلاء جهال تفرقه انداخته سرکردگان شان دستگیر و اسیر بکیفر کردار خود هر کدام حسب درجات مجازات شدند.

آیا کس ازین انکار کرده میتواند
آیا این ها مبالغه است؟
نی، نی! والله، نی!!

بهمهٔ اینصدق است وراست وحقیقت دارد وبچشمهای خود ملاحظه میکنیم وبصدای بلند هم تشکر شما ها را نان، چندانکه خدمات شما با افتخار وسرافرازی ما افغانیان، شما اید که این خدمات بزرگ شاندار را برای ملت صادقهٔ خود، برای ملک ووطن عزیز ما کرده اید.

افغانستان وافغانیان بر وجود مسعود شما می نازد، مفاخرت میورزد، تحسینها میگوید.

حقیقتاً نشانهای ذیشان، اعلای دینی ودنیوی مکلل ومرصع شایان سینهٔ ترقی خواه معارف پرور اعلیحضرت شماست وشما لائق سزد وبس - اینقدر شایان ذات شاهانه هیچیک فداکاری وخدمتی نکرده ایم، که امروز بمقابل ضمیر خویش در محاکمهٔ وجدان برای استحقاق این نشانهای ذیشان اثبات نمائیم، بلی کوشش نموده ایم که تنها ادای فریضهٔ ایفای وظیفهٔ خود را بصداقت وراستی کرده باشیم، عوض ایفای وظیفهٔ خود ما اینقدر شناسیها، این الطاف ونوازشهای شاهانه را ما زبان شکران ما هم از اظهار آن عاجز وملال است.

ممکن است که احساسات قلبی خود را باداهای این وسعت کلام کتاب ها بخوبی اظهار کرده تواینم و ... علمی کرداری لشکر، خود کرده ... وقت ... نام ... دوران امان ...

عرایض تشکرات مکافات شدگان

گرچه تمام عرایض تشکرات [illegible] را در موقع
نائل شدن بمکافات خدمات شان
بحضور اعلیحضرت معظم غازی مان العرض
رسانیده بودند - درج صفحات جریده
خود هم نموده ولی [illegible] مانع از نشر
آن عرایض عقیدتمندانه گردید (۱)
عریضه را که جناب عبدالعزیز خان وکیل
از طرف وزارت حربیه و تمام روسای
تنظیمیه و سائر صاحب منصبان عسکری
قرائت فرموده در بین [illegible] شد
و حقیقتاً [illegible] اظهارات خلاصه [illegible]
بیانات عقیدتمندانه حضراتیکه بمکافات [illegible]
یافته بودند [illegible] بشود (۲) اگر [illegible]
والتقدیر [illegible] تمام آن عرایض و التماسات
و حیات حضراتیکه در آن یوم مسعود [illegible]
[illegible] عطف [illegible] حقیقت [illegible]
طوالت کلام [illegible] ناظرین [illegible] گردید
ع مثنوی هفتاد من کاغذ شود (ب . د)

نطق افتخارآمیز شاهانه

از الفاظ جوهرآمیز و کلمات محبت [illegible]

و بیانات محبت آمیز [illegible] اولاد [illegible]
عسکری [illegible] اظهار [illegible]
خداوند شاهد است که [illegible] خود را
جانهای خود فدای ترقیات و تعالیات افغانستان و شاهانه
نموده ام (وکفی بالله شهیدا) [illegible]
[illegible]
لطف خدا [illegible] در این
مدت برای افغانستان حاصل شده و [illegible]
آنرا [illegible]

گفته نتوانم که این چیزها را من و شما
ایجاد کردیم بلکه لطف و مرحمت خدا بود که ما این
چیزها موفق آمده ایم
اگرچه میدانم که [illegible] امان الله
افغانستان دیگر یک فدائی پیدا نخواهد کرد
چرا که محبت و دوستی افغانستان چنان
بدل من جا گرفته است که نمیدانم خود را
عاشق او بگویم، فدائی او بگویم، چه بگویم
لفظی ندارم که بیان تعبیر آن خیالات و
احساسات خود را که نسبت بسرسبزی
آبادی افغانستان و ارتقای شاهانه افغانستان
دارم، بنمایم.
امروز باید که خودم تنها فدائی و عاشق
وطن مقدس باشم زیرا که در بین موقع
باشخاص فدائی و شیدای ترقی و تعالی
خود از حد زیاده محتاج است و [illegible]
در این فرصت چنین سراغ ندارم که یکبار
من عشق ترقی و محبت تعالی وطن را
بخاطر [illegible] پرورانید. الله در آتیه وطن
عزیز ما بسیار اشخاص فدائی و عاشق پیدا
خواهد کرد یا در آن فرصت (خدا نخواسته)
امان الله نخواهد بود.
من حیات خود فدای شاهانه و
دین و دولت کرده ام و آرزو دارم که
شاهانه افغانستان یک پایه بلندترین
ترقیات برسید تا در دنیا و آخرت
باعث سرخ روئی و سرفرازی من باشد.
این مکافاتیکه امروز نائل شده اند
خدمت [illegible] شما [illegible] یک [illegible]
[illegible] در تجارات و علاوه قطع و [illegible]
[illegible]

مارا این طور یک روزی نه رسانیدن
نه بود که بر گشتن و سوختاندن و تباه نمودن
یک قوم خود مکافات بدهیم و نشانها
نصب کنیم اگرچه این نشان امروز بعرض
بشما تقدیم شده است که شما خود قوم جنگ
واموش سلطنت جنوبی را گوشمالی داده اید
بلکه این مکافات محض بواسطه طرفداری
علم و عرفان و دور کردن ریشه‌های
نادانی و جهل خانه ویران خدمت
شما تقدیم کرده شده است.
این مخاطره سمت جنوبی گویا
مقابله بین یک دو خیال بوده یعنی علم و
جهل بود لیکن آن بدبختان خود را
تباه کردند و اکنون پشیمان شدند الله
از خداوند آرزو دارم که ملت
ما را به درجه بلند معارف برساند تا
در فیض علوم و فنون و تلقین مکتب
با دیگر برادران و پسران وطنی خود
محبت کنند و گاهی یک قوم
وحشی بر خلاف دیگری با افتخاری
و مقاومت نکنند و بالعکس با دشمنان
دین و وطن و ناموس خود از خدا
خواسته ام که سمت به جنوب و تا وقتیکه
قطره آخرین خون خود مقابله آنها
با افتخار کنند (اشداء
علی الکفار رحماء بینهم)
شما فکر خیال نکنید که ما چند
ملعون را پس پا نمودیم اکنون باید
استراحت کنیم! نی! باید شما هوشیار
و بیدار باشید تا دشمنان دین

و رحمت را غنیمت بدانند.
اگرچه بنده را احمد حیدر عسکر
دلیرم شجاع و دلاور بوده گاهی از
کس نترسند و همیشه حاضری
خود ها را برای همه گونه پیش آمد
های دیگر ند.
کسانیکه در مقابل حکومت
و ناموس ما و عزت ما و برای
خرابی وطن ما دست درازی
کنند من و عسکر دلیرم حاضریم
که دست خیانت شان را مقطوع
ساخته و خار های خیانت
شان را از این وطن گلزار خود بکشیم.
من و عسکرم حاضرستیم
که مثل این ملعونها اگرچه هزار
نفر دیگر هم باشند با آنها جنگ
او شان را پس پا سازیم.
بعضی خیال خواهند کرد که این
سخن را از غرور میگویید نی! خدا
با ماست و امید دارم که از
لطف خداوند بر همه جنگهای
خود کامیاب شویم. چنانچه در
موقعیکه باد سخت طوفانی
به دنیا جاری بود ایزد پاک مانند
یک چراغ روشن این مملکت عزیز
ما را بر افروخت و از لطف و
مرحمت خویش او را از همه
حوادث محفوظ داشت.
آرزو [illegible]
افغانستان و شما ملت غیور

حقیقت :-

بدل سے پرور … انشاالله به معاونت خداوند … آن اجرا شدنی است اگر من (خدا نخواسته) … مردم وتا آن زمان کر وطنم گل وگلزار شود نماندم ممکن است کرد یگر… پیدا شده در … این خیالات من بگو شد بنا بران این طور فکر … که باید … آسائش … و راحت … آسایش کردید … برحمات (خدا نخواسته) مبتلا شده … باقی برای شما ذوات محترم تکلیف شد از خدا و ند … و موافقت شما را … و همه شما را بخدا می سپارم

درین اظهارات … ادعیه فوق از صمیم دل … با … معظم غازی خود هم نوا بوده اندو … ابرد … که ملت ما را … علم و … [illegible]

الوداع

نه صبر ماند و نه دل قوت وداع کریست
مسافرم همگی پیش رفته اسبابم

خاداها … کرم … اجرا … ایام … ادرات … صحیح … اطلاعات … درست … دیده … الحمد … که … زمان … کراچی … رسانیدیم … مشکلات … متعدد … طرف من … اخبار … بصفحه … اشاعت داشت … بو … الحق … این … خود … عقیده … تقوی … که … از … جهد … این … کار … تن تنها بر آید لذا از ناظرین با تمکین خود وداع کرده ازین خدمت … معذرت می‌کنند

در خاتمه از … دریا … کابل … عبدالعزیز خان وزیر … وکالت … تجارت حربیه … و … دستی … خان … خوشنویس و دیگر … مطبوعه … اداره حقیقت … اظهار … جان … بنده … غلام محی‌الدین … لا … مهمان … گذشت …

بدل … [illegible]

حقیقت گشت بیشه و باشش
محبت و دوقت با خوش

حقیقت ای عزیز یار و اغیار
تو ای نوباوه ای طفل سخن گو
جدا افتاده ای خواهد عزیزت
زمین [illegible] قاطع با [illegible]
در آن موقع که وقت سرفروشی است
[illegible] مجاهدین
قلم را تیغ آسا بر گرفت
استقلال افغان سر و شید
[illegible] اتحاد مشرقی گوی
کنون در موقع طغیان [illegible] مشکل
[illegible] معلوم شد از [illegible] آتش
[illegible] عشق شود او
[illegible] سستی [illegible] حالی
[illegible] جود و همت
[illegible] نقطه های سرفروشی است
خدا یاد وطن بسیار سازی
[illegible] بر دل [illegible]
[illegible] محتاج اشخاص [illegible]
مددکاری بقدر شخص لازم
[illegible] خدمت [illegible] تو قیمت
[illegible] بهره لطفم
کسی کو با تو [illegible] خیانت

ترا [illegible] جهان [illegible] خریدار
[illegible] تو یک [illegible]
دیگر [illegible] ندارد با تو [illegible]
[illegible] جمعیت برملت فداکار
بمیدان می برآید [illegible]
[illegible] ملت و دین شاه غمخوار
بجان [illegible] ملت گشته سرشار
فداکاری کنون [illegible] فداکار
[illegible] سخن این شخص بیدار
حقیقت [illegible] عالم [illegible]
[illegible]
تعالی الله [illegible]
[illegible] کاروان [illegible]
[illegible]
[illegible]
چنین [illegible] صنع عالم کار
ز آسیب [illegible] غمخوار
که باشد ملک ملت [illegible]
سزاوار است [illegible]
ضعیفان را بقدر هوش افکار
ترا باید چنین اشخاص بسیار
خداوندش کند در [illegible]

[illegible] شوکت جلوه گر باد
[illegible] ترقی تو [illegible]
توئی محبوب من ای خاک افغان
با میدیکه داری [illegible] تو
[illegible] دلیر [illegible]
[illegible] توی [illegible]
[illegible] شاه [illegible] افغان عزیزی
نمی خواهد بغیر [illegible] قناعت
خداوندا [illegible] ذات پاکت
[illegible] دور داری
[illegible] گلشن
موفق ساز [illegible] مقصود [illegible]
[illegible] روشن [illegible]
[illegible] که از تاب [illegible] خود
اگر تو شاه این کشور نبودی
کنون [illegible]
[illegible]
حقیقت [illegible] گلشن را
[illegible] خود
ز رنج و محنت اندوه خوری
[illegible]
[illegible]

نجات [illegible] اغیار
[illegible]
[illegible] گلزار گلزار
[illegible]
[illegible] شاه ابرار
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مصطفی و آل اطهار
[illegible] این شاه غمخوار
[illegible] کشور [illegible] بیدار
[illegible]
تو خورشید [illegible]
بعالم ذره [illegible]
[illegible] اعتبار
[illegible] اخلاص اظهار
توئی جان معارف [illegible]
[illegible]
تو این شاه [illegible]
ز تشویش زمان [illegible]
بیک عالم [illegible]
[illegible]

ادای فرض وجدانی نموده
دلش زار است از داغ جدائی
وداع گر هست یک امر جهان سوز
وداع از قارئین با بصیرت
وداع دار و وداع دوستانه
گرفتار است بر کار بزرگی
نگارش مید هد نیکو کتابی
ندارد وقت [illegible] دیگر رشته با تو
وداع باد از توای اوج تفنن
وداع باد از رنگ و کاغذ تو
نباشد این وداع الا ضرورت
وداعش کی بود از سر فروشی
عزیزان یاد آرید آنزمانرا
کنون کی میروم وقت شما خوش
قلم در کش مگو حرف جدائی

شب و روزش همه مصروف کار
مبادا کس درین ماتم گرفتار
وداع گوید ز تو خسرو بنا چار
وداع از شاعران و بیت و اشعار
ز توای حاصل عمرش بیکبار
بخدمتگاری شاه جهاندار
زکار رستقان این شاه علمدار
گرفتار است ورا از دل ای یار
وداع باد از قلمهای تو دلدار
وداع از کاتبانت ای وفادار
ضرورت چون بود با تو شود یار
فروشد سر بهر وقتی شود کار
که در یک هفته میدیدیم سه بار
وداع باد از شما یاران تکرار
بهجران ساز خسرو چار ناچار

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 159 of 524

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz

و افواج بسیار منظم افغانی در نقاط لازمه سمت جنوبی موجود [illegible] مخصوصاً اطراف و نواحی لجوگر را از قشون با قاعده کاملاً آگاه مردان افغان محفوظ ساخت تا حال در عموم مصادمات و منازعات بالآخره کاملاً موفق و برگشته شده و کسان [illegible] که توسل این هنگامه را داشتند بعض شان از ترس منصبداران بزرگ افواج افغانی (آقا شاه ولی خان) در مقام لجوگر (؟) جمع گشته درز عنه معافی خواهی و معذرت طلبی و مصالحت گفت و شنید دارند. ازین رو ممکن است بسیار زود به تفاوت حاضر مرجوع و به وقوع خواهد شد.

زمزمهٔ مصالحت اشرار با حکومت افغانی

طوریکه از مخابرات دو شنبه معلوم شد اکثر از اشرار با موسفیدان خود [illegible] کرام [illegible] یکجا نزد حکومت اعتراف گناه [illegible] و حضرت حضرت شور بازار و ملا صاحب [illegible] و دیگر علمای اعلام و [illegible] [illegible] به حضور [illegible] رفته و خفت [illegible] معافی و طلب عفو و رحمت [illegible]

عسکر با کول نخورده

این اشرار بدکردار در زعنه [illegible] مصالحت خویش [illegible]

چنانچه حکومت رحیم العلیحضرت بار رفت دو دست باد را به اندازش کرده بود اگر بنظر دقت درک کرده شود اصل خشاء آن دیگر خود [illegible] معلوم گردد که این غرض [illegible] آساس ان خویش خواهند که از [illegible] حکومت افغانیه بخواهند. لهذا [illegible] تا آنکه درین رستهٔ [illegible] رجال [illegible] عاقبت اندیش حکومت [illegible] [illegible] فرصت [illegible] حکومت [illegible] [illegible] ناسازگاری [illegible] مگر [illegible] رجال [illegible] حکومت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مواضع و شهرا

از [illegible] [illegible] [illegible]

بعضی از اشرار [illegible] جمعیت باز [illegible] درین [illegible] حکومت افغانیه [illegible] [illegible] [illegible] افغانیه [illegible] اشرار تا چند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گردیدند [illegible] و شجاعت و حوصله افراد و ضمانت [illegible] حکومت انتقام [illegible] [illegible] [illegible] علما [illegible] حکومت [illegible] حکومت افغانیه [illegible] مسائل محوت [illegible] مرجع عنه و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علمای اعلام و فضلا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و فضلای افغانستان [illegible] [illegible] [illegible] اشرار [illegible] [illegible].

حکومت بکید الضعفت [illegible] اشرار برداخت

او [illegible] [illegible] حکومت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جبال [illegible] [illegible] [illegible]

حقیقت چه میگوید؟

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

آن مرد را که بر دوست خود [illegible] بد گویی سبب شرم [illegible]
آلوده است و با خانه گی از حقوق مظلوم حکومت بواسطه نیابت [illegible]
خود از دین و [illegible] خویش از یک [illegible] تاریخی را برای [illegible]
حاصل کرده و [illegible] غدر و جفا و نقض [illegible] نموده است امروز
با او مصالحه کنند زیرا که **آخر الحیل السیف** واین هم باید بگویم
که [illegible] و طلب اصلاحات پسند و ملت دوست هستم در
صورتیکه حکومت مشروعه از یک قوم [illegible] قبائل مطمئن باشد و در آنچه
به وفاکیشی خدمتگذاری آنها اعتبار نموده است [illegible] دلائل و فراین
آنها را براه اصلاحیت و هدایت نزدیکتر [illegible] پس زیبا تر ازین
و نیکوتر ازین طریقه دیگر چه خواهد بود که آنها را بذریعه تبلیغات لازمه
و ارشادات ضروریه براه راست بیاورد و برای آنها تسهیلات را فراهم کنند
از طرف حکومت با ایشان [illegible] دستی دهد.

اصلاحات علمای لویه جرگه در نظامات

اگرچه این اعلان [illegible] یک تعداد کثیر

[illegible] علمای افغانستان [illegible] نوشتیم در [illegible] اشتهار
نموده‌ایم با نظر به وضع [illegible] آن [illegible] نظامات [illegible] تحقیق
مزید [illegible] چون اراده [illegible]
به کمال [illegible] دشمنان [illegible] خارجی [illegible]
[illegible] ملت منتخب [illegible]
[illegible] کامل [illegible]
مملکت [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] شریعت [illegible]
[illegible] لویه جرگه از علما، سادات، مشایخ و
[illegible] افغانستان [illegible] تعالی [illegible] خارجی افغانستان [illegible]
برای تحقیق و تدقیق و تطبیق نظامات [illegible] مسائل شرعی [illegible]
[illegible] آن مسائل [illegible] داخل نظامات
افغانستان شده بود [illegible]
[illegible]
[illegible] نظامات دولت [illegible] شریف [illegible]
[illegible]
[illegible] لویه جرگه [illegible] نظامات دولت [illegible]

اخراج داده [illegible] مفتی معین [illegible] دخال
نموده‌ایم [illegible] خاطر [illegible] افغانستان باقی نمانده علاوه
بر آن [illegible] شریف عموم [illegible] دینی [illegible]
که در آتیه بر خلاف حکومت و نظامات [illegible] تبلیغات نمایند
یا اغراض شخصیه خویش [illegible] تحریکات [illegible]
در اجراء هرگونه مجازات [illegible] از حبس و ضرب و نفی [illegible]
[illegible] علمای [illegible] لویه جرگه [illegible]
[illegible]
فداکاری حاضر [illegible] حاضر هستیم و میباشیم
باوجود آن اگر [illegible]
[illegible] دولت است [illegible]
[illegible] خاطر [illegible]

مسائل مفتی به

(۱) تعزیر بالمال موقوف شد ۲ تعیین جزای مجرم قبل از وقوع [illegible]
۳ نکاح صغیر و صغیره جایز است ۴ تعلیم [illegible]
[illegible] ۵ حکم قاضی [illegible]
در حدود و حقوق [illegible]
بالفساد صحیح است ۶ قتل ساحر [illegible] صحیح است ۷ [illegible]
[illegible] اصلاح و توبه ۸ در محاکم مامورین قاضی [illegible]
۹ انتخاب مامورین [illegible] (۱۰) تحصیل [illegible]
[illegible]
[illegible] (۱۱)
[illegible] منکر جاری شود ۱۲ [illegible]
[illegible] دولت [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] ۱۳ [illegible]
[illegible] ۱۴ آزادی [illegible]
[illegible]
[illegible] آزادی [illegible] حقوق [illegible]
[illegible] ۱۵ [illegible]
[illegible]
۱۶ [illegible]

با بدان باش با نیکان نکو ٭ جای گل گل باش جای خار خار

(از طبع روان [illegible])

ای حقیقت آن زبانها کار ٭ وی افکار [illegible] گلی تو گاه

چشم دارم از تو اروشن خیال ٭ تا که سازد این دم آن کار

در حضور غازی فیروز بخت ٭ آن امان الله امیر نامدار

پادشاه هوشمند هوشیار ٭ وی وجودت باعث افتخار

ای که افغان از تو جان تازه یافت ٭ گلشن عزت از تو اندر شد شطار

عفو جان بخش تو آب زندگی ٭ آتش قهرت بلای روزگار

شمع بزم مردم افغان توی ٭ عسکر ملت ترا پروانه وار

میکنند از شوق دل جان را فدا ٭ بر رکابت همچو یک شهریار

دوستانت شاد باد دوام ٭ دشمنانت سرنگون و خوار

جهد باشد با صحبت عمل ٭ بر دعا بازانبا خوشگوار

دوستان از رحم و در خورا لطفت بست ٭ بر کش از دشمن دمار ای هوشیار

گر کنی اغماض از فعل بدان ٭ می بسوزد عالم و پرهیزگار

با بدان باش با نیکان نکو ٭ جای گل گل باش جای خار خار

صلح گر خواهی مکن آهنگ جنگ ٭ دست از شمشیر تیز بر مدار

چون ببیند ضربت تیغ تیز ٭ کی شوند اندر بغاوت برقرار

دیگر آن تحریک دشمن را عمل ٭ نی شوند از شر احمد در کنار

قدر را گر کسی زنده کند ٭ در غم و درد و الم گردد دچار

این همه بختا بود بهم از آنکه تو ٭ کاین زمان داری رسد عجز و انکسار

استواری نیست پیمان شان ٭ نی بپاشد دار عهد سست

هان مگر گاهی بگیری تا دغل ٭ مکر و کید بر انسان بخت

عهد قیفا در عمل کن تا ندید پیش ٭ دوستی شاد ملت ذات

ای تو چشم خویش نیمه آن جهان ٭ اخوت یاری شان افغانستان

آن زمان رندم عهد شان ثابت بیع ٭ زینهار ده بد شان

مردم بد امیر غاز یا ٭ تا نگیر خاطر خوبان

دیو با مردم نیامیزد بیش ٭ بل کسان از مرد بادیو

نیکخواهان را با احسان شاد کن ٭ تا کنند اندر دعا همت

ای که اندر خدمت اسلام قوم ٭ دار هر دم حب و بعض

مردم از عطا آن جبر قاصر ٭ در دو اجر ترا پرور

لیک گر کس رکاب ملت تو ٭ خون خود را می بریز

نشکند عهد تو الا سنگدل ٭ نشود قول تو الا آنکه

چون زبان رنجه در وصف گوشه ٭ میکنم اندر دعا ختم بیت

تیغ تو بر آن بفرق دشمنان ٭ بادیار تخت و بخت

سرو اقبال تو پاینده باد ٭ دشمنت سرگشته حیران و زار

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکبار بعد نشر میشود و به دیگر مقامات در هر هفت هفته ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم اختیار شرق آزاد هست. اشتراک بتوسط خزائن دولتی و مصرف نقد از بیه جات قبلا دریافت میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی	
	۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

اعلانات: از سادات و علما و طلبه
معلمین: براى نگارنده مجانی
مبادله: با جراید ملی و شرقی
مجانیت عمومی برای مکتب‌ها

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل شنبه (۲۱) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۱۷) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۴)

حیات عموم ملت افغانستان بسته بقا و موجودیت حقیقی

از روزیکه مسند بغاوت خود پیدا است حقیقی [illegible]
و ورزیدند هر کس ازین موضوع و ضرر آن آگاه و مردم
درین مورد کلمه حبانی و حامی هیجانی بعادتیه این روایت دهی
حقیقت که فرزند افغان خواهند دم که در زمینه آزادی حقائق
و در دنیا حیف دشمنان و فتنه انگیزان از نظر خود چیزی که در خلاف
خود و وطن خواهان تحفه خاین

بعضی جیب‌ها توهم داده خود که افغانستان از خود شرمساران
ضعف و نظریه آینده جهان جاه و جلالی که استقلال برقت
مانند شد چه خواهند کرد؟

و اعتبار از توهم دور از حقیقت و ادعا برین ضعیف
که شفقت و مرحمت و الطاف حکومت ذی محمد
و از نسبت عموما فداوقت خود داده و باید حق خدمت حقی
منفعتی از افراد ملت خود ضایع کند در صدد از دست
بل خود باید کور کورانه حمل بر ضعف حسن عدم [illegible]
باید کنند در بارگاه منصب کشتی و اغراض ریشی چیها نمایند

گرفته بعدت سه

گر زمینه بروز سبب بر چشم و چشم آفتاب را چگونه
راست خواهی برای چشم جهان چون کمر آفتاب سیاه
تاریکیها عجیب و ناکامیت خود آنها را تحمل و معطل او در آخر کرد
و نابود ساختن این برادران دانا و با شعور و بر قضیه و حقوق
مبتلا به مقاصد مرتب ساختند و دار خواستند با [illegible]
است درین لطائف الحیل خود خود ساختند و [illegible]
الا که اولاد خطا کاران خود و انگلیس [illegible]
مقابله و مقاومت کردن اگر اندونی شرکه در وطن [illegible]
وقت و شریف آزادی رسوم و رفتار و کردار با لا خره [illegible]
و کلیات با هم دیگر متعارف بسیار سهل هست و آسان ـ الله
کردن یک کشتی عاقبت اندیشی در سبیل اعلای دین
که عبارت از چشم دل و تحت و دیده و بازو و همت دیگر و جوارح
و جوارح است الطوری که آنند و دارد که مذکور هست و در دست
که این مشکل و صعب است البته در وطن تمامی قطع و برید

او را تقسیم یگانهٔ آمال و آرزوی دشمنان است، مگر اجرای این مسئله برای یک حکومت مقتدر باسطوت مانند حکومت حاضرهٔ افغانستان بلکه برای یک جمعیت اسلامیت پرست و قوم افغان نیز بسیار سهل است و آسان!

لکن چون حکومت آنها بجز شرکت و عیش خود [illegible] و آسودگی عموم ملت افغانستان (مخصوصاً برای این ملت جاهل) [illegible] کرده است همه وقت شب و روز بدون از رفاه و بهبود ملت [illegible] کار دیگری نمیکنند، و گاهی آرزو ندارند که ملتش پریشان [illegible] شود چنانچه یاد دارم که درین موضوع بغاوت سمت جنوبی روزی [illegible] اوشان اثبات آنکه ملت دوست و وطن خواه اند ازبان حقیقت بیان [illegible] گردیده ام که این یک عضو ملت خود [illegible] دشمنان اسلام و جهالت خود شان امروز با حکومت خود مقابله دارند [illegible] اعنانی ما [illegible] کرده یک سال است در افغانی [illegible] یاد [illegible] اگر [illegible] پریشان [illegible] دولت [illegible] و قتیکه [illegible] ازین [illegible] کرده [illegible] بجنگل [illegible] میدارم.

ظاهر است [illegible] کو [illegible] جاهل [illegible] علی العموم [illegible] بوده [illegible] جاهر [illegible] و [illegible] آتش [illegible] وطن [illegible] دادا [illegible] جنگل [illegible] مشهور [illegible] کلمات [illegible] ضرب المثل [illegible] مولانا روم قدس سره میفرماید:

گر رود وده مرد را احمق کند ٭ عقل را بی نور و بی رونق کند

هر گز **قارئین** کرام [illegible] که [illegible] کامل [illegible] بغاوت [illegible] جاهلین [illegible] طوائف جنگل نشین [illegible] **از اینجاست** که [illegible] غنی [illegible] مصنف [illegible] افغانستان در [illegible] میگویند (کلمه [illegible] علم [illegible] که [illegible] میفرمایند (الحمد لله الذی [illegible] یعنی [illegible] این [illegible]

[illegible] **بعد ازین** [illegible] **این بود** [illegible]

ای بدبختان بی فروش! و ای جاهلان بی خبر!

این [illegible] اسلام [illegible] دشمنان اسلام [illegible] اقدام [illegible] اسلام [illegible] قطعی [illegible] اسلامیت [illegible] حکومت [illegible] جاهل [illegible] حاضر

آیا این [illegible] دشمنان [illegible] اعتاف [illegible] خود [illegible] دیگر [illegible] نزدیده [illegible] ای جاهلان [illegible] حکومت [illegible] ودرجمع [illegible] اقوام [illegible]

رسیدن غازیان [illegible] از سمت شمالی

([illegible])

مزید بر سابق [illegible] عساکر صداقت [illegible] ساعت [illegible] از سمت شمالی [illegible]

[illegible]

[illegible] شمالی [illegible] حاضر [illegible]

ورود مجاهدین از سمت مشرق

[illegible]

[illegible]

[illegible] مشرقی [illegible]

امدن نیابان [illegible]

[illegible]

حرکت بکمال شوق و شعف [illegible]

[illegible] افغان [illegible]

[illegible]

و اگر حکومت [illegible] اسلامیه [illegible]

[illegible]

بدون [illegible] آیا انیقدر [illegible]

[illegible] حکومت [illegible]

[illegible] آیا باز [illegible] حکومت [illegible]

[illegible]

[illegible] حکومت [illegible]

[illegible]

ای منگلیان [illegible]

[illegible]

[illegible] ای منگلیان [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] حکومت [illegible]

[illegible] بالآخر [illegible]

[illegible] اطلاع [illegible]

حاضرین بیائید! وا انصافاً کنید! این جاهلان احمق

[illegible] مطلق [illegible]

[illegible] که علمای اعلام و فضلای کرام [illegible]

[illegible] افغانستان را از مقررات اسلامیه شان [illegible]

[illegible] خود شان را [illegible]

[illegible] فرض کرده [illegible]

[illegible] جهالت قرین خود [illegible]

سبحان الله !!! ماشاء الله !!!

[illegible] !!! وچه خیال محال !!!

[illegible] عبدالحمید

طیاره‌های افغانی در نظر جراید انگلیسی

معاصر محترم ما جریده «همدم» از صحافت مهم عصر انگریزی ما جریده «پاؤنیر» منتشره الٰه‌آباد در نمبر (۱۹۰) خود در ضمن سطری است که چند نفر از آن هوا پروازان که همراه طیاره‌های افغانی بکابل رفته بودند و اخیراً یکنفر سرافسر گروه قوه فضائیه (هند) بدهلی واپس آمده حکایت دلچسپ حظ و نظرهای خودش که در آنجا دیده است بیان میکند. این طیاره‌ها که از حکومت افغانستان خرید آورده شده رنگ روغن و [illegible] داده و [illegible] افغانی بکار رفته [illegible] محفوظ بود و کسان [illegible] در اطراف و جوانب [illegible] الله اکبر [illegible] نهایت [illegible] شدند [illegible] طیاره [illegible] صباح جمعه (۳۱) به کابل رسیده [illegible] این طیاره‌ها [illegible] منصور [illegible] افغانی [illegible] در کابل [illegible] طیاره‌ها [illegible] کابل رسیده بود [illegible] و [illegible] در این روز آقای [illegible] رئیس [illegible] دولت وکیل [illegible] وزارت [illegible] نهایت [illegible] خواهش داشت که او [illegible] بر طیاره سوار شود. اما چون سردار عبدالعزیز خان وکیل [illegible] وزارت حربیه [illegible] بالاشدن طیاره [illegible] حضرت [illegible] وکیل [illegible] وزارت [illegible] در طیاره [illegible] در فضا گشت و [illegible] فرمودند. در آخر [illegible] حضرت [illegible] خان نیز [illegible] بطیاره و دیگر پروازکنان [illegible] آن اعجاب [illegible] تماشا [illegible] شوق زیاد [illegible] بودند بحرکت [illegible] خویش [illegible] اسلام گفتند.

ذات [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible] و پروازهای طیاره [illegible] و [illegible] غفیری [illegible] تماشا [illegible] کمال شوق [illegible] یک روز دیگر ملاحظه فرمودند.

بعد از امتحان اعلیحضرت غازی خریداری طیاره‌های مذکور [illegible] منظور بخشیدند و هوا [illegible] بحضور شرف ملاقات خویش [illegible] بخشیده [illegible] گفت و شنید فرمودند که [illegible] برطانیا از ارسال

و ابتیاع این طیارات حق دوستی خود [illegible] کرد ....

واپسی شاه ایران از فرنگ

وفاداری علما و وزیر اعظم

وقایع نگار اخبار [illegible] از طهران تحریر [illegible] است که علمای ایران توسط یک [illegible] شاه که بکلاه ایران را دعوت [illegible] بمراجعت وطن و جلوس بتخت عالی تخت سلطنت داده‌اند. و [illegible] سردار سپاه (آقای رضاخان) وزیر اعظم نیز بهمین مضمون توسط زبان برقی بحضور شاهانه بیان داشته‌اند. و [illegible] پادشاهی را بدین مژده داده‌اند که [illegible] مملکت تشریف [illegible] مراعات جذبات مملکت و ملت را بفرمایند.

بجواب این عرضداشت اعلیحضرت شاه ایران بنام [illegible] رسانیده که گمان فرموده [illegible] صحت [illegible] ذات [illegible] عازم دیار خویش خواهد شد لکن در زمان اقامت [illegible] بار [illegible] باید وزرای عظمی را [illegible] بواسطه تلگراف [illegible] حضور [illegible] داده درزد.

ما در چه خیالیم و جهان در چه خیال

[illegible]

[illegible] خود [illegible] و تعالیات خود [illegible] ملت ایران با دشاه خود [illegible] بکار [illegible] ملت [illegible] در این موضوع [illegible] و ملت [illegible] جنگ [illegible] ترقی [illegible] او [illegible] خویش [illegible] مملکت [illegible] دولت [illegible] راحت و رفاه [illegible] نموده‌اند [illegible] مملکت [illegible] در ایام [illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بعزم ... ... در کابل ... نشر میشود ... مقالات ... ارسال ... شود

... مقالات و اصول ... اشتراک ... شود

نگارنده ... الدین ... شنگلی

قیمت اشتراک

قیمت ... سالیانه

...	۵	۹
...	۷	۱۱
...	۸	۱۵
...	۱۱	۳۰

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول | کابل | دوشنبه (۲۳) سنبله ۱۳۰۳ شمسی بمطابق (۱۵) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۵)

نقشه ...

مساعی جمیلهٔ مجلس عالی شورا و علمای بادیرهٔ اثر حبس جانی الی ظهور حسن صلاح و آثار توبه

بالنتیجه مجلس عالی شورای دولت و علمای اعلام مجلس [illegible] بعد از انعقاد این مجلس مبارک که الی الآن بهمین دو نزهم و اصلاح [illegible] و مواد مندرجه [illegible] بر طبق فیصلهٔ علمای اعلام [illegible] مقرر و داده شد [illegible] بر رسالهٔ ترتیب [illegible] مواد و شد [illegible] رسائل [illegible] شرعیه کو فی آمده [illegible] ایام [illegible] آن [illegible] از [illegible] و در [illegible] آن [illegible] اطلاع داده [illegible] ظهور [illegible] و فرار [illegible] خواهیم شود. فعلاً آن [illegible] [illegible] موقع ظهور آثار صلاح و توبه [illegible] اعلان نمره (۱۶) [illegible] مجلس عالی وزرا منظور است:—

[illegible] (توبه [illegible]) [illegible] شرح [illegible] الی زمان ظهور توبه و صلاح است (ملاحظه شود صفحهٔ نمبر (۳)) [illegible] دستور [illegible] منظور است:—

(۱):— مدت حبس مجرمین الی ظهور آثار صلاح و توبه

محکومین [illegible] حبس [illegible] کمال مدت حبس، توبه و صلاح [illegible] ذیل ظاهر [illegible] کنند مدت متباقی ایام حبس شان معاف میشود:—

الف:— مجرمیکه بموجب فیصلهٔ محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده باشند.

اول:— مجرمیکه غیر از واقعات قتل و سرقه [illegible] [illegible]

الف:— مجرمیکه [illegible] سال محکوم بحبس شده [illegible] حکومت حبس بتصدیق [illegible] اهل قریه و یا محلهٔ او.

ب:— مجرمیکه زاید از سه سال محکوم بحبس شده بتصدیق دو ثلث اهل قریه و یا محلهٔ او.

دوم:— مرتکبین قتل و سرقه [illegible] تمامی اهل قریه یا محلهٔ او. تصدیق اهل قریه و محله باید شرعی [illegible] و شروط [illegible] [illegible] باو [illegible] شده و تصدیق اهل قریه و محله [illegible] آثار توبه و صلاح مجرم حاصل [illegible] (۳) [illegible] حاصل کنند [illegible] [illegible] آن [illegible] مجالس [illegible] [illegible] علوم آورده منظور [illegible]

ب:— مجرمیکه بموجب فیصلهٔ مجالس [illegible] محاکم [illegible] محکوم بحبس گردیده باشند.

اول:— مجرمیکه [illegible] سال محکوم بحبس شده [illegible] تصدیق [illegible] مامورین ادارهٔ منسوبه آنها.

دوم:— مجرمیکه زیاده [illegible] سال محکوم بحبس [illegible] [illegible] شده تصدیق [illegible] دو ثلث [illegible] منسوبهٔ شان.

(۲):— در تصدیق آثار توبه و صلاح [illegible] مجالس مشوره

ادارهٔ [illegible] منسوبهٔ شان علی الترتیب [illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible] شود.

(۳):— تصدیقهای آثار توبه و صلاح [illegible] توضیح مادهٔ (۱) و (۲)

ترتیب [illegible] گردیده [illegible] عفو مجازات مدت متباقیهٔ حبس [illegible] اختیارات شان [illegible]:—

الف:— عفو مجازات متباقیهٔ حبس مامورین:—

اول:— مجرمین محکوم [illegible] حبس [illegible] از طرف مجالس [illegible] و حکومت‌های اعلی.

دوم:— مجرمین محکوم [illegible] از یکسال [illegible] سال از طرف [illegible] وزارت‌های منسوبهٔ شان یعنی مجلس انتخاب مامورین.

سوم:— مجرمین محکوم [illegible] از سال [illegible] منظوری حضور [illegible]

ب:— عفو مجازات متباقیهٔ حبس غیر مامورین:—

اول:— محکومین [illegible] حبس [illegible] مجالس [illegible] [illegible] در بارهٔ [illegible]

دوم:— مجرمین محکوم [illegible] از یکسال [illegible] سال از طرف مجالس [illegible] و حکومت‌های اعلی و حکومت‌های [illegible] منسوبهٔ شان.

سوم:— مجرمین محکوم [illegible] از [illegible] سال [illegible] منظوری [illegible]

چهارم:— مجرمیکه [illegible] [illegible] سال محکوم بحبس شده منظوری [illegible] بعد تصدیق وزارت عدلیه.

(۴):— تصدیق آثار توبه و صلاح [illegible] تا دو مراتبه

در بارهٔ [illegible] منظور میشود علاوه بران مرتکبین سرقه و [illegible] [illegible] اعتبار نیست.

(امضای علمای [illegible] مجلس [illegible])

[illegible] — مولوی [illegible] — مولوی [illegible] — مولوی محمد ابراهیم — مولوی محمد رفیق

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 170 of 524

هنگامه در چین

از ملاحظات جرائد متعدد چنان بعیان میرسد که افراد یک هنگامهٔ فوق العاده و مواد یک بغاوت و انقلاب زبردست در خطهٔ چین بنظر رسیده حکومت چین تدبیر حربی را اختیار نموده اند

زمزمهٔ مصالحت خواهی اشرار باغی با حکومت افغانی

درین روزها خبری که جالب توجه ناظرین خطام باشد از نگاه چنگ گذشت اطلاعی که در صفحه چهارم همین اخبار قوم است بهم رسیده. از آن گفته میشود که سازد درین روز مذاکرات بجهت تملک افغانیکه از مرکز انحرام خورده اند با افغانستان سر اشرار آغاز شده است اطلاع مفصل و گذارشات کلی از ان بیان تا هنوز بهم نپیوسته است خبریکه شمارهٔ مکاتیب صفحهٔ ... شده داغ تحریر شده توجهٔ خوانندگان ... میکند بامذاکرات کام ان ... تدریجاً ... میگوید ...

نمایندهٔ ترکیه و مسئلهٔ موصل

۳ صفحهٔ حکومت انقره اراده نموده است

کمیتهٔ استماع مسئلهٔ موصل سرحد عراق تحفظ حقوق ترکیه از جمعیت الاقوام آنجمعی بی دشکری بی دوکی بی نمایندهٔ ... نمایندهٔ ... خارجهٔ ترکیه که در مذاکرات لوزان ... داشت ... بصورت نمایندهٔ جمعیت الاقوام سال دارند (دوم)

بغاوت در مملکت بولشویک

(اخلاص و م) صفحه ...

در مقام جارجیا بر خلاف بولشویکها بغاوت شدیدی که از قرار گفته میشود که بجمعیت باغیان آن قریباً در ساحهٔ جارجیا در فساد و مخالفت بولشویک کامیاب آمده است اگر چه گویا خبر رسانان لندن بر خلاف آن ای نگار دیگر ...

بشنیده شد تو ... شویک که در جارجیا بر خلاف حکومت بولشویک مصروف سازش بود اما حکومت بجرد یکه از آنها مطلع علی الفور سرکش هایی آن باغیان را گرفته و افراد مهم شان را دستگیر نمود و فی الحال بولشویکها بکمال جد در انضباط و امنیت آن مقام میکوشند

معاهدهٔ ترکیه با یونان

گفته میشود که از طرف وزارت خارجه ترکیه آقای توفیق رشدی بیگ برای انعقاد معاهدهٔ ترکیه و یونان نامزد شده است و نام برده با نمایندهٔ یونانی درین ایام مصروف به مذاکرات بوده بر عقد مواد یک عهد نامهٔ که از روی آن حدود ۱۹۱۳ع در رک بود بجدداً والپس به ترکیه ... این معاهده عنقریب ... تصدیق میکونتهای طرفین را برناصیهٔ قبول خود خواهد کشید

خلافت

نقشهٔ سمت جنوبی

که در صفحهٔ اول است در اینجا یک حصه از آن است که از سمت مشرقی دیگر حصهٔ آن ... ناظرین تحریر شده است ... چون ... بعد از ... بیک مقام ... تعبیر ... تطبیق ... (دوم)

قتل یک جنرال جاپانی

برلن اول صفحه ... جنرال کوفوست جاپانی در ... بدست یک اشتراکی بهلاکت رسیده است و قاتلش دستگیر شده

یک جهاز هوائی جدید الاختراع فرانسه

در فرانسه کپتان ... حاد ... بر ساختن چنان یک جهاز هوائی موفق شده اند که بقوهٔ برقی حرکت میکنند و به هزار ها کرور راه را قطع کنان در نقطهٔ مقامیکه خواهشمند باشند کلی افکنده هر چند در خلاف او کارکنی مساعی مخالفانه کار برده شود دران موثر ثابت نمیشود

کابینهٔ ایران

کابینهٔ جدیدهٔ ایران که بدوم صفر ترتیب شده ...

پرواز جهازهای هوائی افغانی

طیاره‌ها که چند روزه در بعض ایام چند روز بعد بواسطهٔ موتر
[illegible] از طرف [illegible] دولت افغانی در فضای کابل
حوالی آن دوره کنان بعضاً سقف با اجزای [illegible] کرده می‌روند
[illegible] که داریم موجب [illegible] مردم شهر کابل گردیده است
ازین رو اخبار [illegible] که این طیاره‌ها افغانی [illegible] است
حرکت است [illegible] در بعض ایام [illegible] و [illegible]
[illegible] هوا [illegible] - و هم در بعض [illegible] منصبداران
[illegible] در کشف [illegible] شده [illegible] این مسئله [illegible]
[illegible] تشریح نموده‌ام - و [illegible] درست [illegible]
[illegible] شده است - اگر [illegible] قرین [illegible]
[illegible] گویند [illegible] که این آرزو
وامید [illegible] تکمیل خواهد شد -

چاودل در دردک

دردک ۲۲ سنبله درین روزها [illegible]
[illegible] مقام [illegible] (دردک) ناگهان حمله‌آور شده [illegible]
و خورده [illegible] از طرف [illegible] مقام [illegible] بیاچه [illegible]
[illegible] است - [illegible] خبر [illegible] اطلاع
رسیده است علی الفور از طرف [illegible] آقا محمد [illegible] و از جانب
[illegible] عبدالوکیل خان [illegible] کابل باندازه [illegible]
[illegible] و [illegible] محل گردیده [illegible]
[illegible] اداره [illegible] بنا [illegible]
[illegible] است [illegible] باشند.

محل توزیع شهادتنامهٔ پلیه کتی

روز [illegible] ۱۹ سنبله عموم [illegible] بعد از فراغ کار.
ساعت ۴ از طرف وزارت جلیلهٔ تجارت [illegible]
تقسیم شهادتنامه [illegible] پلیه کتی در وزارت جلیله
دعوت شده بودند حضرت نائب [illegible]
عبدالهادی خان وزیر تجارت [illegible]

تشریف آورده [illegible] و [illegible]
[illegible] مساعیات [illegible]
تمام [illegible] مملکت [illegible]
و [illegible] بیشتر [illegible] و تصور [illegible]
و متخصصین آن [illegible] طلبا [illegible]
کنان فرموده [illegible] در عالم [illegible]
افراد افغانی مشهور است امروز [illegible] کامیاب
طلبهٔ فن پیله کتی درین مدت قلیل [illegible]
دیگری [illegible] اثبات آن [illegible]
[illegible] طلبهٔ فن پیله در همین سال اول [illegible]
[illegible] و متخصصین خارجی [illegible]
اشتغال نموده‌اند - [illegible] آن طلبه [illegible]
[illegible] ازین [illegible] و [illegible]
تعلیمات علمی و عملی پیله کتی [illegible]
شده بودند شهادتنامه‌ها [illegible]
[illegible] یک [illegible] بود [illegible]
کلمات مسرت‌افزا [illegible]
بعد برای عموم طلبه شهادتنامه‌ها [illegible]
مفتخر نمودند.

بعد از توزیع [illegible] شهادتنامه [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] نصیحت [illegible]
[illegible] در تعلیم [illegible]
امور علمی و عملی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] موجود است و علاوه
[illegible]
[illegible] محمد [illegible]
[illegible]
[illegible]

قواعد وضوابط

این جریده در ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در پست قبطلماً ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد است

اشتراک بتوسط خزاین دولتی و بصورت نقدی از همه جا قبول و دریافت می شود.

نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابل	
	۶ ماهه	سالیانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

مناظرات [illegible] از رسائل علما و طلبه مفت [illegible] نگارندگان [illegible] بارها اسلامی و ترقی

قیمت یکشماره عمومی [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل چهارشنبه (۲۵) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۱۷) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۶)

هزیمت فاحش اشرار و غنیمت بسیار

نامه نگار رسمی ما [illegible] اطلاع [illegible] از [illegible] که [illegible] حضوری [illegible] [illegible] و [illegible] لکن [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرده [illegible] اند — [illegible] معلوم قرار کرده اند...

حقیقت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواستار است.

نمایش عسکری در جشن حضوری

عصر روز [illegible] سنبله [illegible] [illegible] [illegible] و موجب [illegible] [illegible] [illegible] نمایش علوم النظری [illegible] عسکری [illegible] [illegible] [illegible] محترم آقای عبدالعزیز خان وکیل حربیه [illegible] [illegible] تقدیر آقای احمد علیخان [illegible] با ایمان صاحب وجدان و [illegible] [illegible] [illegible] تکلفات [illegible] [illegible] لهذا از [illegible] [illegible] حضرت وکیل [illegible] عبدالعزیز خان [illegible] [illegible] ملت و بهی خواهان مملکت [illegible] [illegible] عاید جوان تعلیمات و تسبیقات و ترقیات عالیه را بکار برده [illegible] [illegible] معروفیت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مزید موفقیات ملت و دولت

و مملکت و سلامتی وجود

مسعود اعلیحضرت [illegible]

قدر و قیمت افغانستان عموماً شاهان سابق افغان خصوصاً و خیرخواهی ملت دوستی امیر امان الله خان

(یک ورق [illegible] که عهد محمد یعقوب خان [illegible] ... تذکر ... [illegible])

ای ملت محبوب افغانی ای برادران مرغوب دینی من !

ما و شما که برادران عزیز همدیگریم و در یک خاک مسعود یعنی خطهٔ مبارکهٔ مملکت عزیز ما افغانستان آزادانه در زیر سایهٔ دین اسلامی زندگانی کرده و میکنیم باید که قدر و قیمت و منزلت و راحتی [illegible] چون این وطن است را فرصت نیست که بتشریح آن [illegible] ... [illegible] ازین مرز و بوم افغانی پردازم ... [illegible] افغانستان [illegible] ... [illegible]

هر شخص خود دانسته عزت شناس است و موقعیت مهربانی ... او بوده و باشیم افغانستان آن سرزمین مبارکی است که [illegible] ... [illegible] ... [illegible] افغانستان [illegible] ... [illegible] افغانستان [illegible] ... [illegible]

تمام شده است ؛ افغانستان [illegible] ... [illegible] تاریخ افغانستان [illegible] ... فوت اعلیحضرت امیر شیر علی خان [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... دوستان عمل نیاوردند ؛

[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

ریختند امروز از ان خونهای مبارک لاله میروید !!!

[illegible] ... [illegible]

چون که دو سفید افغانستان [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... اعلیحضرت امیر شیر علی خان [illegible] ... [illegible] ... محمد یعقوب خان [illegible] ... [illegible] ... محمد یعقوب خان [illegible] ... [illegible] ... محمد یعقوب خان بدون [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن [illegible]

در جهان پادشاه محمود گوی نفاق را افغانستان رسید و چه خدمت بود که برای افغانستان نکرده باوجود خدمات ۲۰۰ ساله شاه زمان خود را ابگرو طرح غیرت تا دم مرگ. زوال و بربادی و خرابی که افغانستان یکباره دید و شنیده شد که باز آن اعلیحضرت جنت مکان سفر نمودند که از برکات مدبرانه هرچند سعی کوشش بجد جد حضور مرحوم جهتی که بسیار کار بواسطهٔ محمد یعقوب خان با افغانستان رسید اصلاح نتوانستند تا آنکه به سلطنت بلاشرکت اعلیحضرت شهید **امیر حبیب الله خان** نور الله مرقده و اسکنه جنت آرامگاه رسید که کدام خوشی و کدام خیر و سعادت بود که برای ملت افغانستان جمع و تمام نمودند در مدت ۲۰ سال سلطنت شان تمام خرابی که در افغانستان باقی مانده بود حل و اصلاح شد مگر بالاخره کابل را که لطف یاد کار بجایی کشید که ناخشت و گل در دیوار و کنگره تمام عمرات شان حال هست افغانستان در زمان وضع برتریها ادوار گذشته خرابی ذکر این دو دولت مراعات شان مرحوم اتفاق افغانستان کرده اند بر عزم و شجاعت معلوم و دنیا پیروی هست که حاجت تشریح و بیان نیست. بالعکس از آنکه سلطنت افغانستان بلاشرکت حضرت اعلیحضرت غازی **امیر امان الله خان** رسید این دو شاه از اول ملت شجاعت که دارد بقا یا بی ماند افغانستان دیدند و تحسین نمودند که حقیقت الحمدلله خدمت بزرگ و خدمت بزرگ مذکور که مراد از آزادی و استقلال افغانستان است به وجهی برسانید که تا روز قیامت ملت افغانستان از عهدهٔ شکر آن بیرون آمده نتوانیم گویا اعلیحضرت ضیاء الملة والدین تمام اینها بگذشته بجا کردند اعلیحضرت شهید تعمیر کردند اعلیحضرت غازی تعمیر را کاملاً بسر رسانیدند دست دزدان را از مراموس شان قطع کردند که افغانستان افغانستان شد اگرچه بعضی از زیادی به اتفاق و جمعیت بین خود مثل اعداء و اعدای جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه دین مسلمانان اعلم وعین خود سیدانند که هیچ مستند نیست سیدانند که اعلیحضرت امیر امان الله خان چه خدمت شایانی برای افغانستان کرده اند و چه خدمات ثابت گردیده برای رفاه و آرامی افغان بسر برسانند. **حال** باید گفته شود که **عبدالکریم نامیکه خود را بچه محمد یعقوب خان** معرفی میکند شوکت شخصی و حضرتنا بدنامی دارد. مسلما اگر پسر او هم باشد پسر حق بر حق هست، بار کدام غیرت و کدام خدمتها پدر او در افغانیت خود یا کرام یادگار تاریخی پدر خود در خاک افغانستان میگذارد حضرت کیانی آنچه هست که باز خدمت تمام شرم و حیا هیچ شده؟

اما افسوس این گمنام کسی هست که بعضی از رجالها نادان سمت جنوبی را گفته پسر جان پدر از طرف فرنگی نشده اند که افغانستان را خراب از دست او شده بود.

اگر ناظرین بپرسند که این شخص مرحوم چرا بنده طلب باز سالار رجوع نماید خواهیم دیگر ذات شاهانهٔ غازی برای امیر محمد یعقوب خان تقریب اعزام و عذاعقاید مقصود توسط وزیر خارجه اعلیحضرت و وزیر خارجه جنوبی فرستاده و فرمودند که باقعات انکسف الرأس خماست بیاید چونکه مرگ حق هست مردهٔ خود در خاک غیر دفن نکنید از زمینی که بقرار حکم شریعت غرا خدمت آن در یوم النشور بکشید برای اسلام خود را دفن کنید. اما محمد یعقوب خان قبول نشد. چرا قبول کند چرا از امر خدا جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه وسلم سرکشیده از خاک کفر بدار اسلام نیامد در خور که پادشاه اسلام او را دعوت کرد و آن دعوت بطبق امر و فرمان خداوند جل جلاله و شعر بر حق او بود ما باو قبول نکرد علما ایندو چه شرّا بیل بی براد با چه شرّا محمد الصافی کنید که اولاد او بچه خواهد بود. حدیث حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم هست که (الولد سرّ لابیه) یعنی پسر خوب نشده عاقلی فرموده است که

پسر کو ندارد نشان پدر	تو بیگانه خوانش مخوانش پسر
زنا اهل چشم نیکی مداشتن	بود خاک در دیده انباشتن
درختی که تلخ است او را سرشت	اگر بر نشانی بباغ بهشت
ور از جوی خلدش بهنگام آب	به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام گوهر بکار آورد	همان میوهٔ تلخ بار آورد

خواجه حافظ علیه الرحمه میفرماید که ـ من جرب المجرب حلت به الندامة

از وصایای افلاطون هست که فرزند شخص لالایق نالایق هست عجما شاید سعدی صاحب هم گفته ـ آزموده را آزمودن خطا است.

حضرت لقمان میفرمایند که اگرچه غریب دشمن مکار بحیوان دوستانه نظر را جلوه میکند اما آخر شش تلخی شنیده دارد که از تلخی اش که از سیاق برآید پس ای برادرهای سمت جنوبی ای خواهران منگلی ما سیده بگو ضعیف انگشت دشمن حال گفتن بشیمانی باز دارد اگر عوکنید حاضر هیچ نیز عبدالکریم امضا میکنید که عبدالکریم دشمن هیچ ملل افغانستان هست اند که دعوت کنید حاضر از عبدالکریم دشمن بیباش سستی و دشمنی را شما بدون آن است جنوبی یا تنیکه کرده شما وانا از دو حرکت خراب آن گردد است و جواب روز محشر گرد به هر قدر که از اتحاد شما گفته خود عبدالکریم چه فقط (خاکم بدهن) خانه از ما و شما خراب میشود (لاقدر الله)

اسلام و بلاد ما ضعیف میابد و افغانستان پریشان شد.

برادر و دشمن حاصل میگردد در آخر که شما برادران نادان ما تنها بر ده چاره و بر خود
آن دشمن علیه اسلام حضور شده اگر چه بهند کشمیر و در مشغول جنگی بازی و جگی
بای خود که قبلاً داشت خواهد شد . اما افسوس بر حال شما برادران نادان که تشنهٔ
کی آتش شیطانی کباب شوید و [illegible] برادران هم [illegible] جلالیه [illegible]
خون ریزی ناحق خود در [illegible] خداوند تعالی جل جلاله
و رسول [illegible] الله علیه و سلم بوده بعذاب ابدی گرفتار باشید .
[illegible]
و ناموس خود عمل کردن شیطانی با دارند . مباد اول آن فرمایشاد
که از هر دیار بدون بیاد (ه . م . ی . ع)

حقیقت مقاله سرایی فاذوقی که بحثه قلم ای ساخته دوست بی ربانم
آمده (ه . م . ی . ع) بست حقیقتا نگارش بست موزون و فرادقیق
بعد اقتضا حقیقت مقرون این دوست دار جناب شان از این جانب
عالیات تمنائی میکنم و تبریک [illegible] این علامه تعلیم و عموم ارباب قلم
حسن از این بحث تحریر بجی کلمات حقائق آیات را خواسته بوده
حقیقت [illegible] (اتحریک سنگین)

ورود رئیس تنظیمیه هرات

جناب [illegible] الکرام [illegible]
وزیر [illegible] سابق [illegible]

حضرت [illegible] در حال [illegible] در خدمت دولت
دو [illegible] بعنوان ریاست
هیئت تنظیمیه آن زمام اداره اصلاح و ترقی آن ولایت بکف کفایت
شان گذارده شده بود بعموم [illegible] واضح است ترقی معارف مطبوعا
[illegible] وقت .

آغا معظم که [illegible] از راه [illegible] و گذشته و از راه
[illegible] وارد کابل گردیدند
در [illegible] خاطر عالی شان اظهار مسرت [illegible]
[illegible] باشند

ورود آخندزاده صاحب [illegible]

جناب [illegible] آخندزاده صاحب [illegible]
[illegible]

[illegible] وارد کابل شدند
[illegible]

تبصره [illegible]
[illegible]

شده است و الله شنیده شده است که بکلی از جمعیة افغانیه بعضی [illegible]
بسته شده است . (امان افغان)

تذکرهٔ مصالحه خواهی شرارت اغیان با حکومت افغانستان

نامه نگار [illegible] که بسلسله مذاکره دین علما اعلام دار [illegible]
وجدیتی از علما و جمعی منگل ساکن زدست وجدران و احمدزایی [illegible]
واضح گردید در میان ملای لنگ نیز شامل است [illegible]
دارد و تا حال گفته شنیدگی حصول آمده که ملا منفعت افغانستان [illegible]
اطلاع کرد [illegible] بهم پیوسته چنین قرار است . الحمد لله [illegible]
شنیده شده که بیعت ملای لنگ منگلی عبدالکریم نام فراری [illegible]
شمولیت درین مجلس مصالحت خواهی با عفو و اعتماد [illegible]
دیگر علما و سادات افغانی حاضر است .

چون مخبرین و نامه نگاران ما تا حال تصدیق این
خیرخواهی را ننموده اند ازین رو ما هم نمی توانیم که [illegible]
نامی را بغیر مصالحت و معذرت خواهی [illegible]
قرار گاه نظامی خوست تائید نمائیم یا تردید کنیم .
چیزی آرزو مندیم که خداوند [illegible] اخوان
و فرزندان نادان افغانستان را که تمام تشنه [illegible]
شان بجز از تباهی اسلام و خونریزی مسلمانان [illegible]
[illegible] هدایت نصیب کناد .

تبریک ترفیع منصب حضرت محمود سامی [illegible]

چون ذات ستوده صفات اعلیحضرت غازی [illegible]
از خدمات فوق العاده و مساعیات جمیله حضرت جل [illegible]
لوا شر کتب حربیه که علاوه بر خدمت آشنائی که [illegible]
افغانی و تعلیم منصبداران عسکری نموده اند [illegible]
[illegible] تعلیم و تربیه افراد [illegible] و اشخاص نموده [illegible]
از [illegible] مسرور و خرم شده [illegible]
تا [illegible] شان از لواء [illegible] بمنصب [illegible]
ترجیح و ارتقا بخشوده اند ما بجناب شان این منصب
رفیع را تبریک گفته دعای موفقیات شان [illegible]
و وظائف مفوضه عالی . آرزومندیم .

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و دیگر مقالات در هر پست خط الارسال میگردد

امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصل را اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن صلاحیت دارد

اشتراک توسط حواله پولی بصورت نقدی از همه جا قبلاً دریافت میشود.

نگارنده: برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت در کابل شش ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
[illegible] سفرا	۱۱	۲۰

مقصد حقیقت: ازدیاد علم و طلب [...]

حقیقت: مرام نگارنده و تنها [...]

مسلک: باخبر اتحاد اسلامی و شرقی

قیمت یکشماره: [...] دو پیسه

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل شنبه (۲۸) سنبله ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۲۰) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۴)

صورت شرفیابی و گرمجوشی نفری غیرتمند سمت شمالی بحضور اعلیحضرت معظم غازی

عصر روز سه‌شنبه (۲۴) ماه سنبله که جهت شرفیابی نفری غیرتمند سمت شمالی از حضور اعلیحضرت غازی تخصیص شده بود عموم منصبداران ملکی و نظامی و دیگر منسوبین لقای [...] سرداران اطراف و جوانب باغ چهلستون قصر دلکشا را گرفته انتظار شرفیابی این جوانان را بحضور اعلیحضرت غازی بدل می پروراندند تا اینکه قبل از ساعت (۵) آواز [...] و صدای فرحت انتمای (دهل و سرنای) ملی آن سربازان [...] کار که زیاده از سه هزار نفر در تعداد بودند اطلاع مشرف شدن شان را بحضور اعلیحضرت نموده عموماً یک شوق و شعف فوق العاده را [...] و حاضرین [...] را از حد شیرپور الی دلکشا در تموج و تلاطم آورده بودند تا اینکه پوره بساعت (۵) از رواق شرقی قصر دلکشا [...] گردیده دیده منتظرین و قلوب مشتاقین را زینت و رونق اسلامیت و جذبات حمیت کارانه خود مسرور و فرحان گردانیده با صدای الله اکبر و خوانیدن [...] خوش وارد شده اطراف قصر عالی دلکشا را از سمت [...] که دارد از جمعیت ازدحام خود [...] ساختند.

این بار گویم که صورت اخذ موقع و ترتیبات صف بندی که طرز عسکرانه یک اصول نهایت مرغوب آقای احمد علیخان درین روز بکار برده بودند نیز قابل تقدیر است. بدین صورت: [...] صف طولانی از سادات و مشایخ و علماء و معتبرین و کلان شوندگان سمت شمالی تمهید و صف از طلبه کلان سال مکاتب سمت شمالی در عقب آن نهاده، صف جوانان سرباز سمت شمالی در (۳) صف از اشخاص میانه عمر (۳ یا ۴) صف از مردان کارآگاه و نبرد آزمای پخته عمر.

بعد از اینکه عموم شان بصورت فوق اخذ موقع نمودند یک جوش و خروش عسکرانه و یک ضعف شجیعت کارانه انتظار لقای فرحت انتمای شهریار محبوب القلوب خویش را بدل می پروراندند. ذات خجسته صفات اعلیحضرت غازی مقارن بساعت (۵ ½) بود که با یک ناصیه خندان از دروازه مرتفع مقابل جلوه افگن و نمایان شده روشنی افزای دیده منتظرین و جوانان سمت شمالی شدند.

علی الفور بقومانده حاکم صاحب آقای احمد علیخان دو سلامی گرفته شد. درینجا [...] که جدیت و فعالیت آقای احمد علیخان والی سرباز [...] که برخلاف معمول [...] درمیان [...] ملی [...] است یک [...] و یکصد [...]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 177 of 524

(نظم) شان شرا سرید. (۱) جشن شرف و شهرت ... شد ...

(۲) ... ...

بعد از آداء تعظیمات عریضه ذیل عموم اعزه و معتبرین سمت شمالی که زیاده از بیشتر چهارصد امضاء و مهر ثبت بود جناب شیرجان صاحب وزیر دربار قرائت نمود.

نقل عریضه:

حضور شفقت موفور اعلیحضرت شهریار غازی را صد قافله تسلیم ارادتمندانه که وجود مسعود شهریاری رو افزای اورنگ پادشاهی ملت افغانی بفضل خداوندی گردیده است از الحال الی الآن عموم ملت افغانستان یک حیات با شرف شان با هم آغوش گشته از حسن توجهات جهان در جهانبان نعمت عظمای استقلال موهبت کبرای حریت حقیقی و آزادی واقعی برخوردار و از مرحمت و تکالیف شاقه و ادیدیم و با نواع انواع مکرمت اقسام اقسام شفقت نائل و سرفراز گشته ایم حقیقتاً در دنیا این یک دوره با شان و شرف که بیان طاقت بیان و حیطه قلم و تحریر شکر آنرا ندارد. افسوس است که در این عالم عالم بهجت و جهان جهان مسرت حیثیت خبر و حشت اثر سرکشی و بغاوت جنگی ... و حرکت با خست تحمل بعضی دیگر از اقوام جهال سمت جنوبی سامعه خراش ما عقیده کیشان افغانستان شده و هریم از این حالات محرق آیات کردید. بطور صداقت و فداکاری و خلوص جانثاری که ما اقوام شمالی بحکومت معظمه خود داریم بمجرد استماع این خبر جوش آور در جمع آوری نفری قومی خود برای سرکوبی آن قوم ناسپاس حق ناشناس نزد سردار ... جناب حکمران صاحب اعلی خویش کوشیدیم و در جمع نفری قومی خود ما را بوزارت حربیه فرستاده هم اینک بعده اخلاص عقیدت تسلیم یک جمعیت کلی قومی خود را اضافه بر نفری خود که قبلاً فرستاده ایم حاضر آورده بکمال اخلاص بحضور اعلیحضرت پدر ناجدار محبوب القلوب بان عرض میتمائیم که ما سر ازین ملت وفدائیان حقیقی وجود و جبروت اعلیحضرت که فعلاً از صمیم قلب طیاریم که قطره خون خود را تحفه فدائیت و مملکت خود نموده بخصوصیت حاضریم امروز اجازه فرمائید که سرکوبی آن یاغیان گمراه که یک لکه بد نما شده در تاریخ با شان و شرف ملت وارد آورده اند بابرادران عسکری و دیگر متطوعان ملکی خویش دوش بدوش بنمائیم تا آنها را دست از تادیب و سرکوبی آنها بر نخواهیم داشت. تا بادی خلق عظیم حق نشاهراه حقانی اسلامیت که منوط بر اطاعت اولو الامر معظم افغانان است مطیع و منقاد شان نگردانیم یا صفوف افغانستان از وجود ناپاک این گروه ... پاک نسازیم باین مقصد آمده و آماده ایم و بکمال التماس از حضور اولو الامر مقدس خود بیآداریم که حضرت عالی آقای احمد علیخان حکمران ما علاوه بر اینکه از حضور ملوکانه حاکم و فرمانفرمای اقوام است نظر بحس صداقت و فداکاری او که نسبت بدولت علیه خود و ملت داشت و ما خیرخواهی و سلوک و حفظ شرف ما قوم را بجا میکند و الا جسد الرحمن اعلیحضرت غازی مرحمت داشته باشید تا عطوفت ایشان اعلیحضرت ... و مناقب ... شان ملت خود داشته ... وجه نمود خود قرار داده

آرزومندیم که ما با اراده سمت بر ای خدمت مقرره ما مورین خود گردیده و فائده ما شاراله را اعتماد فرمایند تا حسب هدایت تدابیر موصوف نخادمی و جانثاری خود را بجا آورده درین تقریب به تسلیل رضا خدای متعال حضرت رسول اکرم با کمال صلی الله علیه وسلم و خوشنودی اعلیحضرت شهریاری را حاصل نموده در اقران و امثال ممتاز و سرفراز گردیم.

زنده باد پادشاه شریعت پسند افغان، پاینده باد اقوام جنوبی ...

(این جمله دعائیه اخیره را بار عموم بیک صدای متفقاً خوانده یک عالم غلغله را بر پا نمودند)

جواب اعلیحضرت غازی:

همه شما خوش آمدید از ... شما برادران خود خیلی ... و شکور هم بحضور خالق بی نیاز خود عرض مینمایم که همیشه نه تنها شیر ... بلکه عموم عسکر و ملت افغان را به مقابل دشمنان دین و دولت ... و فاتح و کامیاب داشته باشد.

(بعد از ین ذکر حالات و افکاری را که نسبت به ترقی و ... عموم ملت و مملکت افغانستان دارند و از ابتدا جلوس الی الآن را از قوه بفعل آورده اند نموده ضمناً گفتند) حقیق را که شما ملت بالای من حاضر که اولو الامر و به امر خداوند امروز پادشاه شما میباشم داشته ایدا کثر از آن شکر میگویم که من ادا نکرده ام و باز تجدد و تا امید دارم که تا جان بدم باشد یک لحه از خدمت شما فروگذاشت نخواهم کرد. الحمدلله حقوق را که یک پادشاه و یک اولو الامر مثل من حاضر بالای رعایای صادق وفاکیش خود مثل شما دارد تا اکنون شما ملت ادا نموده اید و شکر میگویم که این اعتماد تا ... آن خدمات و رضا مندی من حاضرم عموم شما بلکه در تمام افغانستان یک شوق و شعف زیاد دیده میشود.

[باز عطف کلام شاهانه خود بسوی بغاوت منگل نموده از ابتدا الی الآن مجملاً بحث رانده فرمودند] اگر این بدبختان تقصیبکه کنند و خود را ... دائم براه صلاح و اسلامیت آمدند. و طوریکه فی الحال سلسله جنبان هستند و افغانرا براه راست بیایند گاهی آرزو نمیکنم و خیال ندارم که ... تکلیفی برسد چراکه اگر آنها را تباه و برباد سازیم. البته اولاد و احفاد را تیرکه افغان و تبعه افغانستان گفته میشوند برباد کرده ایم. اگر ... احیاناً چنان قهرم می آید که برکدام شان را گرفته برجبر بچگم. لکن خداوند شاهد است که چون قهرم فرو میرود و خوب در آن اطراف فکر ... میخواهم که برای احدی از و شان اذیت و نقصانی برسد ... تبسم کنان فرمودند که والله اگر آنها براه راست بیایند مانند سابق. حکومت عادله افغانستان و من صاحب ...

...وند از اصل فرزند دلبند خود می‌انگاریم ولی مختارید که برگوشان نگوییم
[illegible] فرموده‌اند که این شجاعان محب جانبازی [illegible] شنیدیم که عسکر غیور برادران
[illegible] خود را بعد از شهید شدن در [illegible] شما [illegible] برجنازه [illegible] تکلیف میرسانند
[illegible] عوض [illegible] و هم شما [illegible] خویش بوده و تمام [illegible]
[illegible] بعد از صحت واپس برای خود شما روانه میداریم تا باشد که آنها را اصلاح
[illegible] دوست را از دشمن تمیز بدهند باز فرمودند این جهالت خود را
[illegible] که مانند شما جوانان و برادران و مسلمانان از قتل میرسانند و اگر ما با ایشان
[illegible] معلوم هست که او شما انسانها را [illegible] بلکه خود
[illegible] و هم باز اذیت میرسانند. بعد از آن
[illegible] فرمودند که اگر اینها از اول با حکومت خویش صلح میکردند و با محمد گل خان
[illegible] در جریده [illegible] اسلامیت [illegible] عسکر [illegible]
[illegible] و تمام افغانستان [illegible]
[illegible] بر خلاف [illegible] فرمودند. من [illegible]
[illegible] شمالی خویش [illegible] محمود [illegible]
[illegible] جوق جوق نسبت بگوشمالی [illegible]
[illegible] تجارت [illegible]
[illegible] منفعت حاصل شود. جان و مال و اولاد
[illegible] حفظ خود [illegible]
[illegible] شما [illegible]
اعلیحضرت [illegible] طائفه [illegible]
[illegible] بدبرحال [illegible]
[illegible] حکومت خویش [illegible]
روز [illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible] اطاعت [illegible] طائفه
[illegible] اسلامیت و اطاعت پادشاه خود یاد [illegible]
[illegible] (عموم یکقطعه جواب الطفیل کابت) **بعد از**
[illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible] جنگ و [illegible] شمالی [illegible]
[illegible] فی الحال جواب [illegible]
[illegible] جواب [illegible] عموم [illegible]
[illegible] رخصت [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible] خدمت [illegible]
[illegible]

خوانین شما یاد شده [illegible] به توجه بودند بر کاربردهای اعلیحضرت معظم غازی [illegible]
بالا نموده از سرور [illegible] بکمال محبت [illegible] فرمودند که این [illegible]
[illegible] شما [illegible] آفرین [illegible]
[illegible] مخاطبه کنان فرمودند [illegible] جواب [illegible]
[illegible] خود [illegible] تعلیم نظامی [illegible]
چند روز [illegible] شما را روانه میدارم.
در آخر ذات [illegible] اشخاص معتبر [illegible] و سادات شما را
مخاطب کنان فرمودند که آرزو دارم شما را که برای دولت و ملت خویش
خدمت [illegible] کرده [illegible] احسان [illegible]
و [illegible] نگشت [illegible]
[illegible] شما [illegible] الاطاعت [illegible] حکومت [illegible]
باقی [illegible] **بعد از آن** [illegible] آمده بودند بعد از
[illegible] **عبدالسلام** [illegible]

معذرت خواهی دم احمدزائی

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible] کابل [illegible]
[illegible] معذرت خواهی
[illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]
[illegible]
[illegible] (تفصیل در آتیه)

دستگیر شدن [illegible] اشرار

[illegible]
[illegible]
[illegible] عبدالاحد [illegible]
[illegible]
گرفتار شده بکابل [illegible] ازمساعی [illegible]
[illegible] محمد [illegible] خان [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] گرفتار شده
[illegible]

مردانگی [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

افغانان دوست را از دشمن بشناسند

معاصر عالی‌شأن آن مجلهٔ شریفهٔ امان افغان در اشاعهٔ تازهٔ خود در یک تعداد خواجه‌گان تمامی وطن در نظم نموده اند که هر ناظر ان افکار و قرآئت آن منظومه برسامع ذی حس و دلی از مطالعهٔ آن فرحان و شادمان بگردد. چون نامهٔ محترم مقام تکرار کلام حکیمانهٔ خود است لهذا آن کلمات اصابت منقول نامهٔ امان افغان بر حضرت جناب آمر محترم آن اظهار و داد نموده میرسیم!

آقای محترم! امروز طبیعت زمانه عهد و دورهٔ موجودهٔ آن ساعتهای بلاغت کارانه امارت امیر امان الله غازی دوست دار وطن و افغانستان را فراهم داده. قرن خرد و انتهای اسیری ساخت عصر شاه بازی با و پادشاه گردشی آرا را فراهم نموده بجهت اعلی کرده اید و افکار و نظریات واجتماعی مردم انقلاب کلی داده است ابواب معرفت حیات ساشرف، اصول زندگانی با افتخار، او فضا کی جاه و ارتقا را بر وی نموده است.

امروز افغانستان هوشیار و بیدار روا ز اوضاع دنیا خبردار گشته ساعر و مدارک حساس که چابار و شن شده ملتفت شده اند باز کوشها شنوا شده، بیکبار از همه دوستی دوست را از دشمن، خیر خواه را از بدخواه تمیز میکنند حقیقت را از خرافات روز را از شب نیک را از ظلمت تشخیص میدهند. و اثر سیاست افغانان حقیقت شان را به فطنت به اینها از جانب زخوب می فهمند.

او و نحوه افغانان تماما با این افتخار با دوام بلندی که ملت افغان درین چند سال در تمام نقاط دنیا حاصل کرده و قیمت از دست بد نهند نخواهند شد و بهیچ باره زندگانی تلخ را قبول و جرأت و بیت رحمت جغرافی نمایند. نخواهند بار دیگر اجنبی و مطامع طامعانه آن را که صحبت شان در خاطرشان هرچه میخواستند میکردند قبول کنند نخواهند. درین عصر که حقوق معین دامور منظم گشته دیگر با خاطر وطن را فقط به الوکی ملوکانه کنند.

بس است دو بار مملکت را بواسطهٔ زمامداران ناخوش گذار ر و نهاد. بس است که خطهٔ مجید حاکمه سمت مشرقی و سمت راز پشاور تا کرمه واز کوه ات تا نواحی خوست که خود لاینفک بود به دست خیانت پرست امیر محمد یعقوب خان برده به فروختند. خیمازهٔ این قضایا بی نتیجه طی فروش که برای وقت این ملت بیچاره میکشند برای تنبیه و بصیرت دیگران و باز گول نخورد.

اولاد حقیقی افغان تا ابد رهین احسان افغانستان قهرمان

افغان اعلیحضرت امیر امان الله خان هستند که در نازک موضع که اشخاص بزرگ در چنین مواقع هرگونه ذلت را قبول کرده اند او برخلاف آن شمشیر حیات خود را بر کرده و تاج شاهی نجات وطن را در شرط استقلال افغانستان بر سر نهاده خود را بر دو شمشیر و قلعهٔ قبهٔ علمی ساخت وقت افغانستان و گریبان وطن را از جنگ اجنبی خلاص نموده افغانستان را از گمنامی و بقا کنید که اکثر مورخین جرأت و دلاوری او در جلد مستقل دنیا برای اولاد با حمیت و شجاعت افغانستان و افغانستان را مجد و بزرگی به خاطر داشت ازین بعد از هیچ طرف گول نخورند و این بیچاره چند نفر دزدان اجنبی نگذارند و عقیده دارند بیچاره که بیچاره افغانستان را بجا گذارند که افغانان اعلیحضرت امیر امان الله خان صاحب آن هم فقط و فقط خود دوست و خود و حکم الهی شریعت و مثل روز اول گرد دنیا حیثیت ملت دانسته که افغانستان بود و باغی طاغی ددیع او بر هر کس فرض و حتمی است. دعای روز بر ملت بگویند: برافغانستان نحسی است تخوا اید تا نگرد خود باطیب ما دوست و دشمن را بکنند فساد و اولاد حقیقی افغان کسی نمیشود.

افغانستان و مستعمرات انگلیسی

برای فرهاد روابط تجارتی بین هندوستان و افغانستان استرالیا و افریقا جنوبی انگلیسی دارد که تلگراف و تلفون دائر نمایند. دولت انگلیس در خصوص مستعمرات خود در دنیا بیست سال بیانیه از سر و بکار در سال تکمیل و انعقاد نموده رفت

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد
نشر شود و دیگر مقالات در بیت مقطعا ارسال میگردد
امور تحریریه به نگارنده حقیقت ارسال مقالات
واصله در اداره مائده جریده در اندراج
و اصلاح و عدم انتشارش آزاد
اشتراک توسط خزانه
دولتی بصورت نقدی
از همه جا قبلا دریافت میشود
نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

مجانا کرمت از سادات و علما و طلبه
نصف - برای نامه نگاران و مخابرها
مبادله - با جراید اسلامی و شرقی
قیمت یکشماره: ۶ پول کابلی

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل دوشنبه (۳۰) سنبله ۱۳۰۳ شمسی ق (۲۲) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری | شماره ۱۸

بیا تا ید او بدین ره جهالت نپویدا

یک نظر سرسری بمقررات اسلامی و بغاوت و جوه سمت جنوبی

ید الله مع الجماعه

هرگاه ارکان جامعه یک قوم اساسا بروابط ایمانیه و تمامی اخوت
رابطه و احساسات عمومیه آن در داخل حوزه جامعه کاملا منضبط بود هیچ یک
از افراد موجودیت و اتفاق و خلل در آن نخواهد توانست و بالعکس همانکه
یک فتوری در آن رخ نمون گردد و تواند که بحفظ ترکیب خود را
نماید مخاطرات در آن ثبوت ادامه یک حیات آن جامعه تکمیل
و با سی تفرعات شود سعی در حفظ نماید آن حیات در معرض بسی
تغیرات سوق بوده ابدا نتواند موجودیت خود را در دوره زندگانی استعمال
جامعه اسلام که در دوره اول تابندگی خود بمحیط تیره گیتی شعاع انوار تابیدن گرفت
تا از انحراف و دوری که بودند و در انحطاط و اخلاق اکثر افراد و دیانات
ناگوار مدنیت را خدمات دین و احکام شریعت بود و
از نتیجه همین تاملات و روابط بود که بخدام اسلام و دنیا و بیک دنیا را
بسیل شده بوده و دیگر هیچ یک غرض در آن وجود نداشت که عیسال تماما
در نیستان تیر خلی ساده و عاری از طمع و الا مال صفات حسنه

وعادات مرضیه بود تا بدین درسال که جهان بیک نظر بزرگی را از نصر و ترقی
کتا امور و صفحات تاریخ بمشت نظر و دست خویش وقت ایست بیا
ز ما ما نها بودند که روح جامعیت دشوار نما کرده وحدت بر اجتماع ترقی
مگر با یک نظری بتاریخ آن عصر السلف الماضی اندکی فکر و دقتی در اوضاع
ما بنظر نمائیم الساعه خود ما از اشرف الخلفاء عالی شان مگروب جامعه حس
خواهیم کرد چه بالعکس بجا ابیم در اجسام جامعه تولید افساد شود به حیثیت
نمائیم: دوئی و نفاق و عداوت و شقاق در آن بپدیدار آریم تا بدیع
این اساس مقدس را برهم زده روح انصاف و شریعت را از خود
ما منفور و خودمانرا در محیط بربریت و وحشت مشهور نمائیم.

حقیقت این حال مسلما از نفاس و خودی و کثافات و خوار
زندگی اثبات وجود میکند.

والحقیقه قوه آن جامعه که دم از سنگ خارا میزد گوئی
موسس و بانی اجتماع بشریت و برادر دیگر اسلام بادعوی بقوت مینمود
از حیث فقدان همین تاملات بود که خیرات تام موجودیت و تشبثات
خود را خبا کرده فاقد آن عظمت و شوکت شدند و تساوق آن
قوه خلافت اسلامیه و روح جامعه ما را منحل و منتقل به لاکوی
مغلی ساخت و اقتدارات ما را از اساس پایه و موا صد اقدام
عقب انداخت که از آن به بعد هیچ نتوانسته ایم قوامی اولیه خود را

تعلیق نمائیم. دائرهٔ جامعهٔ ما خیلی وسیع و تقدیر فرح بخش است با سلطنت
مترقیانهٔ اعلیٰحضرت غازی که ممکن و محتمل است او با الطبیعه مائل است که در دستگاه
جمعیت خود بکار و خدمت نموده تخم و داد و داد ثبات در دلها افراشته گردد
احساسات و تمائلات ذات از امرا و اشرافان و افغان رعایا و اطبقه ترتیب مرتبط با اتحاد دینی
و وحدت تمایه بوده باشد از سوء عادات و اخلاق و حب نخوت که تا هنوز باقی است
ملوث نساز زیرا این یک التیام تام آنقدر و مقاصد است که از آنکه جامعهٔ ما
متزلزل و مختل نموده منفعل و مختص خود را معترف بهلاکت ملت
و مملکت مترتب دانسته به بی‌راهان مستعد می‌سازد. محمد مراد رئیس
کلام ایکه عوامل یگانه حیات اجتماعی ذاتاً همین حقوق و مقدرات امور
شیرازه از هم گسیخته را ساز نوبهم آورده شاید مقصود را در آغوش کشیده فقط
مبالغات را منزجر نموده بهاملت ملت را مجدداً اعمار کرده پیش ببرد
بیروح نظر برده بهلاف انموده بیچیز که او بنا در دوره حیات ماندند
خودمانما عادات کو و مرا آیا بسند نمی‌داند تعقیب فرمود اند با هم شخص انکه
عظمت ملی و شوکت ملی خود موجود باید ما هم کامیاب شده بدانطریق
یک جولان عملی نمائیم - بنابرین برای حفظ مقام خود تا هم کوشید
و تخریبات استقبال کرده نفاق و قومیت و تعصبات جاهلانه
که ماده المواضعت و اضمحلال ماست از بیخ برانداز بم و بنام خدا
و اسلام با هم متحد و متفق شویم آغوش محبت و اتفاق برای هم دیگر
کشاده بر خلاف اصول دشمنان ما که از بیخ انگشت کلیت محکم تکمیل داده و
کلا از دوستانی تماییم بر تابت تام تحفظ و تمکن نمائی سیم در محیطی وطن
هستیم که باید بهیجان انتخاب و موجودیت خود را با نظر و قایه کرده در برابر
مازمان تمام قدرت و طاقت برابر و همسر شده باشیم تا ما هم مثل ملل مترقی
متمدن باشیم ما نیز اهم از بزرگترین امور کل محسوب شد در دنیا
موجود از ما اوضاع زمین و تمامیت نمائیم. **این است** که او را در تاکنون
خود ما را اینهمه بسمت جنوب آنکه بدبختانه کمی حس تقصیر شما کوره غفلت
جهالت دید. تا شما را بی نور گردانیده بر خلاف حکومت تا بحال ستاد
نموده اند مستمر گردید نگوییم. **که ما** از جهت روابط معنوی وطنیت و
ملیت اداره با هم مربوط گردانیده باید و مجاهدت با شمایان با حکومت
با کمال صبر و با اندازه تحمل ورزیده و در استقبال شما نموده مکلف هستیم
عرض اصلاح نموده ایم. **حکومت** عقد اداه بعد از خیر بدر ما معلوم
از حضرت غازی مانند پدر که مه بر اعمال زشت فرزند خود محض احتیاط

وصایا هم گوش نشاندند و منفعت از حکومت ضماید بحال عجز
گذرانیده و از راه اندرز و نصایح پدرانه شمارا دعوت اطاعت و
نجات نموده **اینچنین** بهمین وقت که شما نیز آواره
با دیگر دیدشان شده بدین رعیان افعال خود که سرایت
دیگران دشمنان بین شما ساست و گردانیده ایکه بین لفظ
شمارا تو شکل نمودیم **و اگر** باز هم شما را شیطان گذرانده
در حجرهٔ کار صبر و تحمل لبریز شده خرابی و انهدام شما تصمیم گرفته
مکروه با ما سعی دارد که ما مترقیانه است باید باز عاقبت خواهیم
دید یک تعمیر شما را زنده تر و خواهید گشت. **بیائید** باز
احمدزائی خود را از اعلان اطاعت بیدار و متابعت مطیع شوید
بر کرده شما نیز از مرحمت پدر مهربان اعلیٰحضرت غازی به پدر ملی
بیاموزید تا آنکه به ملاحظه برای شما کشاده و باز است
خاک بر سر و دنیا گردن آنها که رشید و قدر نشکردند و
و اتصال حاکم که از شما سر زده ان بملاحظه ما ملک

والله یختص برحمته من یشاء

آفرین ای مسلمانان احمدزائی

و آغوش رحمت باز است و دل مؤمن صاف
احمدزائی شدت معاصی دور و دیگر نه باید تا کجا خواهید
و ازانجا که رحمت عام تر باشد خصوصی و وقت عظمت اهل عصیان
جهالت سنگ اختلافات سنگلا انتفاوت حجیم و فهم ملی
شارع محتار از طرف آمده و مختلف برعلیه حقیقی ان کسی اوقتل (
فی صدور الناس من الجنة والناس) هستند که قبلاً دو
طلوع عطا فرمود و شتافتند از وجود شما بیدار گردید تا
تا تاریخ ما. **آنست** که بعض از ... احمدزائی
در زمره شرار بدکردار فریب خورده بسمت جنوبی که تحریک به
و مدعیان استقلال افغانستان کوچک کورکورانه شما نیز متوجه
کرده براه تنگ تاریک جهالت ره پیمائی بر علیه حکومت
حقه خود طغیان بر خلاف و سرکشی نمودند. جماعت از علماء و مؤمنین
بهم آمده جمعیات از نظر سلامت تشخیص امتیاز حق و باطل نموده
کراین حرکات و اوضاع جاهلانه شما بر خلاف قواعد مثلی و بر خلاف

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 182 of 524

لذا خیال اطاعت و انقیاد اولی الامر با جدار رحم و پدر ما را ظلم
خود ما را که بر کاشتهٔ انظار پیداند رسیده حال شاد و خسته اند کرده اند ز
جهانی بر خاک های پادشاه محبوب القلوب خود رانمودند. عده اند و ساو
شاه و رد کابل شده رشته در گردن انگنده و در هر جا که خاطر
خواه او ست. گفته تحسین تو بنده که معنوی آیهٔ شریفه تو بخا و بر
عدد و مجرو سعت بود که آیهٔ مبارکه حبل المتین و عروة الوثقی
یعنی قرآن عظیم البیان بحر افضا خود را الزا بعین (التائبون
العابدون الحامدون السائحون الراکعون الساجدون
الآمرون بالمعروف والناهون عن المنکر والحافظون
لحدود الله وبشر المؤمنین) محسوب گردیده حضور اعلیحضرت غازی
عاصی محمود آمده و معنوی خود با کمال اطاعت بحضور مبارک گناهکار
(من یهده الله فلا مضل له ومن یضلله
فلا هادی له) ذات شاهانه او را اعتراف فرموده بنام کریم
سایه آورده و عفو شاهانه شد (انه هو التواب الرحیم)
منظور نظر بخشش شده و توبه شان را پذیرفته بعد از آن امن و امان
و بر ایشان خسروانه پدرانه ممتاز گردانیده و مسئله با مصلی فرموده
ایشان را عفو نمودند. واه واه (در عفو لذتیست که در انتقام نیست)
بیش از حضور پادشاه دل دریا دل بادل خود شخص خادم وطن
بالوف خود نگردید تا صد ها امن و امان بکوشش های اقوام
حصاد مادهٔ نالف شده اند رسانیده از مراحم و شفقت اعلیحضرت
شاهانهٔ پیچیدگی گناه ها با علاوه احسانات دیگر کرده و کلمات تشکر و تمجید
مینمودند (زنده باد اعلیحضرت غازی پادشاه مهربان ما) — پاینده
و آباد و دشمنان پست و استقلال افغانستان ... سید محمد

اعدام شدن و تکفیر کردن رشید چند سر کشش

اگر اعدام شدن و تکفیر کردن رشید این چند تن از شرارت آنهای
... مرکز و در سلطنت کابل و اطراف آن از دو ماه ...
... و شرار شده است. و از علما و فضلا از ... چند
... پیهاده و کیسی تخواهند که ... اطلاع این ... بر اقارب ...
... و کیسی تخواهند بود که چند تن از ... بچگان مشهور گردند ...
... ظلوم افغانستان سر کرده ... انقلاب ...

سیکرد و دو دقیقه از دقائق ظلم و ستم و بیرحمی ... از فروگذار نشده
و چند نفر جبر بی اعدام بسیار کوشش و سعی ... بالآخر ...
آورده شده بودند چون تحقیقات ... علاوه بر ... جمعیت
شرارت پیشه نقض عهد و جنگ ... غازی بعضی دیگر مواعید
حکومت را هم نموده اند و موجب ... حیاء ...
... شده بودند از این رو قبل از غروب سنبله محکوم با اعدام
شده انفرتوپ علاوه کوب گردیدند.

طیارهٔ افغانی در گردیزاست

باز از چندیست که در شهر کابل زمزمه ... تنها و گفت و گو
بهمانسبت علاقهٔ طیارهٔ افغانی که چند روز پیشتر از فضای کابل به سوی
شمال غربت فرار کرده گردیز شده بود. و در دو ایمی آن ... تا بحال
... است. جریان دارد - لیکن ... آنچه که
این طیاره برای مقصدی که از کابل اعزام شده بود کامیاب ... نظر
طرف چند دقیقه رسیده ... و در ... المخصوص طیاره
دفعتاً ... و موجب ... شد طیاره ...
... گردید ... طیاره بر ... وارد ... طیارچی ... مخصوص
... کرده ساعت ... چهار بود ... شده است
... طیاره ... ریزه ریزه شده ... بپرواز ...
... گشته است و دیگر ... و نقصان ... افراد و ...
... گشته است. ... حضرت ... آقا محمد ...
... گردیز نقل داده ... طیاره چی افغان
... محمد ... از گردیز بکابل ... آن ...
... پرواز ... بکار است که بکابل فرستاده ...
به ۲۸ سنبله ... آمده ... و ... در ...
... بعد از ... طیاره ...
آمده قرار ... محمد ... ساختند.

تشکرات از در شاه مزار

درگروه ... سنبله ... از ... دولت ... اعلیحضرت ...
... کار شاه مزار ... بسیار ... از طرف ...
... محمد ... جناب ... محمد ... عبد ...
... بر ... و ...
... در ... گرد ... شاه مزار ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 183 of 524

مساعی جمیلهٔ تماماً قیمتدار حضرت شیر صاحب در سمت مشرقی

جلال آباد (۲۹) سنبله :- نامه نگار صاحب اخبار ما از طرف
از جوش و خروش مجاهدین اگرچه خبرهائی این جریده نسبت به سرکوبی و اعلام ...
هر چه بیشتر کم - وحقیقتاً نتوانسته‌ام به زبان قلم . لیک بطور اختصار برای
استحضار اولوالابصار و ناظرین و قارئین جریدهٔ شریفه حقیقت باید
آنی در طی تقدیم خدمت است ؛ گرچه از نیو و ورود مسعود حضرت اجل
افخم و امجد اکرم (ج ج) جناب شیر صاحب تشریف‌آوری آنها
بجز شنیدن خبر تأسف شاه نجوت - جوق جوق و گروه گروه ، از هر گوشه و کنار
و هر قریه و دیار جمعاً سرازیر شدند یک جهان اتحاد و اتفاق و احساسات و شوق
بکمال میل و رضا بحضور شان تقدیم و با صداقت تام عرض آمادگی خدمت
و عزیمت جهاد نمودند و از موقع آن بخود از جذبات عصبانیت ابراز
انکار و انکار شان از راجع و افتخار بی‌عزم بالجزم خود را بر تجانیدن
قلوب شان خواهش خدمت نمودند که موافق تعالی دولت متبوع
آخرین نموده حضرت اعظم اکرم شیر صاحب بکمال ملاطفت نموده شان
را به مژده و عنایات رجحانیه نواز و شان را مفتخر ساختند !!!

اکثر افراد صداقت نهاد مجاهدین با مکین و غیره نواحی این
سمت اسبقاً حاضر گردیده بودند - و از غیرت زیاد و امثال توجهات جناب
ریاست این سیل با اسلحه زمر جدید ترتیب یافته حضور با برالنور حضرت
جانبازی عازم و بعضی بجهت حصار و جلال آباد و غیره احساسات
شیر مردانه منظم اصدار احکام اند ، علاوهٔ از سه روز بیست که تقریباً
(۵۰۰۰) علماء اعلام و وکلای ملی شمولیت کرام و عموم احساس نموده
قوم مردانه شجاع افریدی علاقه‌های کثیری از مردم با مروت (مهمند)
با وجدان افغانیت و شوق و شغف اسلامیت - در علاقه باجور
حاضر و بحضور شان مثل آبائی شجاعانه خود بکمال عزم و جزم و جسارت
استیذان نمودند و اعلام اعداد این مذکورین شیر مردان قوم جهانی
جنانکه بیشتر آنها از قبائل خارج است .

حضرت شیر صاحب که در نظر احمد الله باعزاز و اکرام و تقدیر
نظر شان مذکوره و مجاهدین که در حقیقت تجدید تجدید
جنگ فاتحانه این اداره شده است اوجم بالیسیل جسارت ... کرده

جنابشان ان مواردین جمعیت مجهز سر گرم جهاد و عطفه توجهات حضرت
کسب اشغال دارند که تماماً مشهور و خبر تحمید و تمجید است .
بنده در پی ایضاح مختصر آن جریده نگار ...
تا اگر لزوم انگارند درج یکی از صحائف جریده غرهٔ خود
درآینده انشاء الله المتین اطلاعات موثق وارده از مجاهدات
خدمت تان تقدیم خواهم نمود - در خاتمه حتماً علاقه از تقدیم مراتب
اعلای دولت و زنده باد شهنشاه عدالت اکتناه غازی المعظم
اعلیحضرت غازی محکم کنا ساختیان والا از این حضرت سعادت غازی
ذمه‌واری افغاد و افغانیان با خود الرکان ایشان حکمی سرسلطنت
امثال حضرت ریاست مآب عظمت ... در نگار ...

تفصیل مصاف شمشیر زن در جبر اجاجان

نسبت ببرین جبا شیر در شماره (۱۷) خود تحت عنوان مرزی
لوگرکه جنرگی تحریر رفته بودیم یک مختصر بود تفصیل آن جهاد در
برادران فرستاده بهت :- شیر دار دا المنصور ۲۳ سنبله بحرج رفته ۴
آمده خیال جهاد وانداختن در ریگی راجان دشمن بهمراه این جمعیت
در پی مرزبان مطلع شمشیر رسیله شد آمده بودند الله وغیره علما
باغیها بر مجتمع بودند از طرف آقا شاه وسخاوت ملابار در جنگ غلو
معین انگار زیر دولتی (ص ش) مرزبان اجاج شیر افغان
برای حفظ جنا جامعه گشت بعد از یکی که آنها بالکار رسید شیر الکردی
طلوع آفتاب با شیر افغاد لکنا محاربه شدید آغاز نمودند شیرا
بر اجاد و تفریباد جهاد روغنی و ... کثیر دیگر مقاما که اخذ
لکن بعضاً ولیتی پسپائی خود تخابده ، به ۲۵ سنبله خود
مخند شیرو جانبازخان مخند شیرها یک معرکه جدید اشغال کردند
بر که کرده شیرواله معتزینا این قطعه شیر و غرض با تصرف
در مخود شمشیر بسیار انهدام اولا با متصرف شد به ۲۶ بر تعاقب
قلعه جانبازها و شاکل آنها مزید بر سر چند عزود که بامحمد عزیز خان
بوقو کرده شده و در بسیار شده با مقاتله با تا اکثر شهر وارد
جنا جمعیت آنها جاده شاخصه بعضی را گرفته جانبازشد که
جا مهران قلعه ها را در شب جانبازه نموده و لهذا شهرها در شب
با معلوم باشان شده اند . درین محاربه تلفات بسیار زیاد

[illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بعد از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در مرتبت [illegible] ارسال میکردد.

امور تحریریه بنگارنده «حقیقت» ارسال و مقالات واصله در اداره با نام جریده درج و اصلاح و عدم اقتباس آن راجع است.

اشتراک بتوسط خواهش ولی و بصورت تقدیمی [illegible] قبول و دریافت میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابل ۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

[illegible] از اساتذه علماء و طلبه
[illegible] بنام نگارنده [illegible]
[illegible] با جرائد اسلامی و شرقی
قیمت یکشماره عموماً [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل چهارشنبه (۲) میزان ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۲۴) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری شماره (۱۹)

الدعوت الی الحق

اجسام متحرکه تنها بسبب وجود حیات [illegible] یا [illegible] و [illegible] هستند [illegible] نطق و حرکت صحیح و تربیت ممنون مساعی (مدرک یا غیر مدرک) یعنی فکر [illegible] حادثی «آنها» است. [illegible] همه معانی [illegible] اجرا اشتعال [illegible] و صحّ [illegible] است، [illegible] ادوات حیات [illegible] بالمقابل لازم [illegible] تنها [illegible] شود. [illegible] گفتیم [illegible] آیا تاریخ خود [illegible] ماضی بی علاقه بود، اجزای ترکیبی خود را فراموش کرده [illegible] خود [illegible] بنسبت [illegible] خود را در اجسام غیر [illegible] خواهد بود [illegible] آیا داغ [illegible] بی بدیده. از [illegible] گرد [illegible] خصوص تربیت [illegible] بر اجتماعات [illegible] مقالات [illegible] حرکت [illegible] و عوام سعی خود [illegible] توضیح [illegible] سوال [illegible] کریم [illegible] تاریخ و ماضی خود را در استقبال خود [illegible] دخل و [illegible] چون [illegible] قانون فطرت [illegible] امکان [illegible] تاریخ [illegible] خود [illegible] تمام مفهوم [illegible] فوق العاده [illegible] مقید [illegible] کلمات [illegible] سیاه [illegible] جنبش عادی [illegible] در حد [illegible] حقیقت [illegible]

لا تو میتوان تنها خواب، و تنها خورد، با هم [illegible] و [illegible] اجتماع حیوی [illegible] اهمیت [illegible] کرام رضی الله عنهم از [illegible] بجهان [illegible] با [illegible] منفعت [illegible] آرام [illegible] خود را آزاد کردند و عقائد خود را [illegible] خود در [illegible] زمانه الکن کردند! باز از مردمی خود [illegible] گفت [illegible] از کار بمانند حتی در عقائد یعنی مقررات خود [illegible] صحیح باشد. . . فی الفصل کردند عقیده [illegible] خواندند **راه حقیقی** نجات را شناختند، و در [illegible] کردند اول شناختن راه درست، دوم ثبات [illegible] سوم حسن نهایت فضیلت کار از تعمیم آن را اراده کردن [illegible] خالی [illegible] حیات خود [illegible] تعمیم نمودن و [illegible] کامیاب شدن [illegible] امروز [illegible] از مساعی [illegible] باک [illegible] مجموعه سعادت! بهمان [illegible] حکمت یعنی دین [illegible] اسلام [illegible] این روزگار را [illegible] عادی [illegible] (سبحان الله) [illegible] کلمات مجموعه سعادت [illegible] حکمت [illegible] [illegible] و [illegible] نوشته و بس! [illegible] این کلمات [illegible] فوق العاده [illegible] اهمیت [illegible] حقیقت [illegible]

...داد کرده نمیتوانستند) با همین روح در مقابل این نظام مقدس در
دست، بر تاریکی جاهلیت مثل آفتاب جلوه بردند، و قسمی از
افغانات وحشی تربیت، کور را بینائی، تاریکی را بروشنی و
عالم جهل را به علم منقلب ساختند. این ها هستند بزرگان
اسلاف ما که این صفات و اخلاق عظیمه یک یک نمودند، ده نمونه
نده، ده صد، هزارها، این هم شود نیست، علم رجال که از حرز
اسلاف محترم است این ثابت میکند، یک قسمت یک عصر
یک تعلیم ما از همین رقم که اگر عذر اخلاقی یکی از ایشان در یکی
از افراد عالم موجود پیدا شود، برای تبدیل قهرمان پرور [illegible]
زیاد از کافی است این بودند بزرگان دانا و اجداد
ما که در یک از صد سال از این تاریخ قلم سلطنت شان قائم شدند
و سلطنت شان مثل جهانگیران امروزه برای مقاصد [illegible]
بسیار انسانها و ساقط [illegible] و اساس فلسفه شان مساوات
[illegible] خوردگی نبود بلکه کمال استعداد درس
حرب صحیح دادند که ان الحکم الا لله، و بکمال حرص بر دی
مقاصد امر نمودند که بهترین چاره اضطرابات شان [illegible]
خیریه شان محض مقبول و نعمات علیه شان نهایت مقبول، اول
از همه زیاده قابل قدر این خدمت [illegible] بود که به محمدی علیه الصلوة
والسلام را از هجوم گرد باد های افکار اجنبیه و تسلطات تا موقع
ورق داخلیه حفظ نمودند از دیگر طرف بجاد علوم نهایت مهمه
کرده حتی در ترقیات [illegible] مروجه اروپا وساطت [illegible]
شان را اروپائی ها هم فراموش نموده اند و صنایع و آثار و
ارث شان حیرت افزای اهرین مدنیت امروزه است
این خیرالامم و این امت وسط که [illegible] با خالق
[illegible] هستند تاریخ ما را فقط آغاز ما را تکمیل نمودند
و ما را افتخار میکنیم، زیرا افتخار یگانه حیات مسلمان مؤمن بود
لی این افتخار مسلکی است، نه افتخار نسلی و نسبی چون هر دو یکجا واقع شدند
[illegible] با افتخار میکنیم
[illegible] یک تاریخ در جای اول دنیا [illegible] حقیقی
[illegible] تاریخ امروز محض یافت [illegible]
[illegible]! (باقی آینده)

[illegible]

تعدیل افکار نسبت به تعطیل و شهدا و تلفات [illegible]

اگرچه معلوم که بعضی از اشخاص نسبت بعلت تعداد شهدای
افغانی و کثرت تلفات ها نفری چپاولچی و باد اطراف [illegible]
جریده ما اعتراضاً کرده میگویند که ظهور میتوانند شد که همه
شهدا و مجاربات ما مزید تلفات عسکر نسبت باشخاص [illegible]
هیچ مگر بر میشود، حتی چند ذوات محترم را این چنین [illegible]
که شخصاً این نگارنده گفت و شنید طولانی در این موضوع
تصحیح او آنها گردید بالاخره چون این اصل مسئله دانسته [illegible]
ما را در تحریر آنها صادق و حقیقی [illegible] قایع شده اند
معلوم است که اصول مجاربه عسکری ما افغانها در جنگهای واقع
امروز آنها اصول حربی بوده است و در جنگها سوق و [illegible]
اولا [illegible]
[illegible] بوده تعداد اکثر اوقات از هزار [illegible]
عسکر [illegible] آغاز میکنند [illegible]
در بعضی مواقع که عسکر ما [illegible]
میتوانند علی الفور مقامی را باصول حربی برای خود [illegible]
[illegible]
[illegible]
شروع بآتش نمودند مقابل نفری مقدم الذکر شروع [illegible]
[illegible] علاوه بر این [illegible]
قلعه ها و مقامات حاکم و محفوظ نشیمن داشته [illegible]
[illegible] و دیگر ترتیبات نظامی خویش [illegible]
میباشند همینکه از ورود غنیم مطلع شدند قرار [illegible]
قائد شان شروع بدافعه و تعرض [illegible]
[illegible] از ورود [illegible]
خودها را بطائف الحیل در اطراف و [illegible]
و کنار پنهان نموده منتظر دقت و فرصت [illegible]
بر دشمن میشوند همینکه دشمن زیر آتش پیدا شدند [illegible]
متفقاً و متحداً بیک آن قرار اشارات و کنایا[ت]
و غیره مصطلحاتی که دارند فیرها یکبار [illegible]

شماره (۱۹) جلد اول — جریدهٔ حقیقت کابل (۳) — چهارشنبه (۲) میزان

انگریزها آن زمان وست [illegible] عسکر [illegible] و [illegible] از
نمیکنند تا که آنها اموال و اثقالی را که بطور دزدی و دوباره [illegible]
خود بر میدارند و با شغول دست اندازی و جمع آوری اموال رعایا
رعایای مظلوم افغانی را میباشند بدین روی فرصت یکبارگی دشمن را زیر
آتش آورده فرار و از نهاد آن بد نهادان میکشند !
بعضی از عسکریان که شرف شهادت میرسند آنهم بواسطه رسیدن
اجل مقرره و یا بواسطه غفلت خود آنها و یا بواسطه عدم پابندی آنها
تعلیمات نظامی و یا از سوء مهربانی [illegible] آنها و یا از مسائل اتفاقی بوده است
زیرا که عسکر ما تا آن زمان دست تعرض [illegible] از علیه یاغیات دراز
نمیکنند تا که آنها [illegible] تعرض [illegible] موقع [illegible]
[illegible] راکه [illegible] بوقوع [illegible]
[illegible] از [illegible] خونریز [illegible]

بر [illegible] نکنند !! **امید** که حالا [illegible]
[illegible] بجانب انگارند (یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون)

ورود آقای دوست محمد خان حکمران کلان

جوش و خروش تفری تقند هار و وزیرکان

خبر نامه [illegible] اطلاع میرسد که [illegible] آقای محترم
دوست محمد خان صاحب حکمران کلان مقام ارکان [illegible]
[illegible] سرداران [illegible] دین [illegible] سرکوبی اشرار یاغی و بغاوت
پیشگان [illegible]
موجود [illegible] حقیقت [illegible] که از وزارت [illegible]
[illegible]
[illegible]

رجعت علمای اعلام و سادات عظام از مذاکرات با بدنام کنندگان اسلام !

ابر اگر آب زندگی بارد

[illegible] در [illegible] هیئت اصلاحیه علما و فضلا و مشایخ و سادات
[illegible] مذاکرات اصلاحیه با فریق [illegible] سرکشان کلی اظهار ای [illegible]
[illegible] ارشادات و توضیحات [illegible] حد زیادی [illegible]
[illegible] فضلا و روحانیت کرام محترم کثر الله امثالهم
[illegible] آن شورش [illegible] از راه نمائی [illegible]
مسلمانی آوردن آنها را کار [illegible] کابل [illegible] خود ستان بالفاظ
[illegible] تنگ [illegible] حالت بغاوت آن
[illegible] حکومت و مملکت [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] فساد و سرکوبی [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] مقام [illegible] مجاهدین آن [illegible]
[illegible] قتل [illegible]
[illegible] داده و [illegible] فتوی دادند .
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] قرآنی یا احادیث نبوی یا ارشادات خلفای راشده
[illegible] علیهم اجمعین [illegible]

هرگز از شاخ بید بر نخوری

[illegible]
[illegible]
[illegible] سادات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] افغانی [illegible] اسلامی [illegible]
[illegible] عموم [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] مجاهد [illegible]
حقیقت [illegible] پادشاه [illegible] معظم غازی [illegible]
[illegible] مملکت خود [illegible]
[illegible] شرارت پسندیدیم .

انک لا تهدی من احببت	[illegible]
ولکن الله یهدی من یشاء وهو	[illegible]
اعلم بالمهتدین	[illegible] خواهد ماند .

وازین مساعیات جمیله و مواعظ و نصایح حسنه این علما و فضلا

دوستی وطن ز ایمان هست

(از طبع علامه امجد آقای میرزا شیر احمد خان جلال آبادی متعلم امتحانستی)

خوش بهشتی است بوستان وطن / بهتر از جسم ماست جان وطن
جان او چیست ذات امجد ما / جسم او کیست ساکنان وطن
هست غازی امیر امان الله / باعث امن هم امان وطن
از بهار وجود مسعودش / رفع شد یکقلم خزان وطن
نظری کن بعهد او ایدل / زین کران تا بآن کران وطن
رشک گلزار کرده هر جا را / اثر دست باغبان وطن
در زمانش بعهد عشرت و ناز / تکیه دارند مردمان وطن
از پدر بیشتر بملت خویش / اوست دلسوز مهربان وطن
برسائی فکر و دانش او / رفعت بیش یافت جان وطن
گنجهای علوم و حکمت را / کرد امروز رایگان وطن
ساخت صد مدارس و کتب / بهر تعلیم طالبان وطن
طالبانند صد هزاران کس / مشتغل پیش عالمان وطن
صنعت و حرفت و تجارت را / داد ترویج در میان وطن
در هنر از جهانیان برده / گوی سبقت هنروران وطن
حسن تدبیر او سلاطین را / هر طرف ساخت مدح خوان وطن
سر نهادند ملکیان دول / بحضورش در آستان وطن
نصب شد رایتش بهر دولت / عزم او گشت کامران وطن
ثبت گردید در صحایف دهر / از وی این نام جاودان وطن
جان فدای چنین شهی کز او / تازه شد روح و هم روان وطن
بادیا رب وجود امجد او / قطب و اقطاب آسمان وطن
پایمال عساکرش گردد / سر بدخواه و حاسدان وطن
سایه این همای فرخ بال / کم مباد از آشیان وطن
شکر کن این نعیم چندین را / هر که گردیده خوان وطن
همت اوست روز و شب مصروف / ابدی رفعت نشان وطن
دوستی وطن ز ایمان هست / مژده باد ابد دوستان وطن
هر کرا کامل است ایمانش / اوست البته جانفشان وطن
مقتضای حمیت است که ما / همه باشیم حامیان وطن
بکمال وفاق و همدردی / کف فشانیم در غمان وطن

با اظهار خدمت و تشکر از صداقت

سربازان افغانی مقصریم باید آنها ما را معاف فرمایند

با عموم وطنخواهان صادق و شریعت پروران لائق مملکت عز... که همه ما را از دوار بکمال صداقت و خلوصیت در خدمات بلا... وطنیت و ملت و مملکت و دولت خود شان فوق العاد... لیاقت و ابراز فعالیت همی نمایند (عام از یکر از صنف... باشند و یا از جمیع با شرف لشکری) استذکر و یاد آوری... بایستی در طی ایفای وظائف و خدمات خود شان... تعمیل او امر خدا وند و امتثال اقوال رسالت پناه... واقف منصبی اسلامی و ذمه داریهای عالم انسانی و افغا... مدح و صفت و تمجید و تملق و چاپلوسی خوش آمد او از... وقت و ابتغی نمیشد هر کار حمایت باید محضا لله برای... دیر آوری خود او برای ملت خود او برای مملکت خود او برای دو... پاینده و اجر حقی از از درگاه ایزدی خواستار باشند که ان اج[ری] الا علی الله — با آنکه خود این نگارنده... مدحت و صفت هیاتم باهم چون از خدمات و جانفشانی... اما دلم مطلقم جسته و خواستار بهت (وکفی بالله شهیدا) که همیشه آن حقیقت پرداز هم دیدار از ...ها خود... لکن علاوه برآن در اسنا موقع مشکلات او ادامه... مترددو غیر موثق و بالاخر تجربی بار این امر و یا میکند که... آن سربازان شجیع و منصبداران رفیع افغانستان... و تشکر از صداقت خدمت... امور... که فرصت و موقع مساعدان تا ذخیره نام... آنحضرت موفرة صداقت کیشان منتخر با ما درین پرورش... معذرت در سستی گذشته از آن اعتراف به معذور و مخو...

وطن خان را از دست نگذاریم / ...ست ...
از ره صدق دوستی گردیم / همه غمخوار او باش...
تا شود نام ما بعالم فاش / از غلامان وطن...
هست شیر احمد وطن گلزار / تو هی انجـ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 188 of 524

— { قواعد نشر و ربط } —

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یک روز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در بریت سلطنت ارسال میگردد

امور تحریر بنگارندۀ حقیقت

ارسال مقالات و اصلاح و رد او [illegible] و درج و اصلاح و عدم [illegible] آنانیکه مشترک توسط [illegible] دولتی بصورت نقدی [illegible] قبلاً دریافت میشود

نگارنده برهان الدین کشککی

— { شرح اشتراک } —

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ششماهه	سالیانه
دار السلطنۀ کابل	۵	۹
داخلۀ افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

[illegible] از سادات و علما و طلبه [illegible] [illegible] اسلامی [illegible] قیمت یک شماره [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل شنبه (۵) میزان ۱۳۰۴ شمسی مطابق (۲۷) صفر المظفر ۱۳۴۴ قمری | شماره (۲۰)

بقوم عاقل خود تو حکم قتل منگل را

([illegible])

[illegible]گر اکنون بکی نظر افغانستان تا جنت سارا
بعبرت بار کن یکلحظه اینها چشم بینا را

[illegible]بس مشاطۀ قدرت جمالش در فزون کرده
سلامت بی کجا باشد بگو عشاق شیدا را

[illegible]مادم می بریزد هر طرف از اشک خونی
صیانت میکنند چون لاله پیرامون صحرا را

[illegible]ش از گلشن فردوس مو رونست میدام
کنند تشبیه سروش قامت شیخ خان بی عنا

[illegible]ش آبروی ما ز خاکش تار و پود ما
هوایش میبرد از جا دل اهل تمنا را

[illegible]کم وصف همچون خطۀ پرشان و شوکت را
که از خوبی ربوده هست دل [illegible] قلب سیلا را

[illegible]غ و درد بر احوال ماضی چنین کشور
که خورد اندر جگر چندین هزاران تیر اعدا را

[illegible]م سفید و صفحۀ تاریخ میگوید
که همچون بلبل بیچاره این گل دید غوغا را

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 189 of 524

بکُرا حمقی در دام دشمن رفته بود اما
چو گویم چو یعقوب ستمگر را که با او کرد
خجالت میکشد از نام او تاریخ افغانی
نه ننگ از شان فغان داشت نی پاس مسلمانی
تظلمهای گوناگون ستمهای زحد افزون
زپیران میشنیدی اندر اندام آه جانسوزے
بسا طفل یتیم و مادر خود چشم گریان داشت
عمارتها بها ویران عموما خوار و سرگردان
درین هنگام مایوسی که زهر سو نا امیدی بود
امیر خلد مسکن شیر غران مملکت پرور
بتعمیر چنین ویرانه بنیاد دیگر بادے
نجات از ظلم و زمی کرد و صادر جشن قهر و بیم
ولی حیف زمان اندکی عین بود و بدانستم
زمام سلطنت چون در کف شاه شهید آمد
چو از کوس بشارت نعرهٔ من وانی یار بر خواست
قدر قدرت امان الله شهٔ غازیان بادا
چه بهبودی که با ملت بکرد این عادل فاضل
گر از شبهای کارش سرگذشت تذکار میشاید
الامی جهل و یاد شت وحشت مشکل جاهل
برای خواهشات عاق ابن عاق میکوشید
کسی کو عادت کفار را سازد شعار خود
بگفت پیغمبر برحق که از صحبت بود تأثیر
وگرنه حال تان مانند کفار لعین گردد
مگو سرور دگر حرفی با یشان از رهٔ نخوت

مقطع بباخت حق از دامش امر سبب بدبخت
بهم بر میزنم صد غصه یوسف زلیخا
گل و خار است با او نسبت اجداد و
بدشمن خواست تا بسپارد این محبوب دلها
بقوم و ملت خود کرد و بشنید حرف بدخواه
زخون نوجوانان می بدیدی غرقه دریا
که دل میسوخت بر احوال شان گبر و نصارا
نه ستری بود و نی عصمت بیا بنگر تماشا را
چو نرگس چشم در راه بود ملت شاه والا را
ضیاء الملة والدین عم افزا قلب اعدا را
اساسی از سیاست ماند و بنگر فکر اعلی
بسنگ همت خود در شکست مینای اعدا
قلم خونبار میگردد چو گویم فوت آن شا
منور کرد چون خور خانهٔ ویرانهٔ ما
افق با خط زر بنوشت این مضمون یکتا
سر فکرش دمید با مردگان نفخ مسیحا
بصورت افتخاری داد ملک چون جوا
که قربانش نمایم این سر پیچیده سودا
که یاور گشته اید عبد الکریم بیسر و پا
بتحریکات دشمن میدمید بر باد جانها
زاسلامش بباید قطع کرد چشم تمنا
باین کفار باید برکشید آن فتنه بر پا
خلل انداز میگردید دین پاک العدا
بقوم عاقل خود ده تو حکم قتل ایمها

حقیقت

ای احمد سرور اهل قلم تو ئی ۞ از نظم خویش در نظر محترم تو ئی ۞ فکر رسات با نکته سنجان فرو اخت ۞ در عهد خویش بر سر ...
۞ فکر من در خیال تو هر دو یک سر اند ۞ یعنی که هم نوا و دل پر الم تو ئی ۞

تشکر از خدمات اسلامیت کارانهٔ قائدین افغانیه در نقاط باغیه و امتنان از معنویات حمیت مندانهٔ رجال عسکریه

بعد از این مصادمهٔ مجاهدانه که در بین باغیان خانه و در بین شیر مردان اسلامیت نشان افغانستان در مواضع برکی و کتب برکی پیش آمده بود مراد بوقوع پیوسته است در تمام آن ظفریات حضرت مخصوصاً بسبب آمده که کوشش‌ها و جانبازی و تلفات که فی برابر آن [illegible] است که گویا تمامآ از روی عقیدهٔ اسلامی که داریم اولاً بیاد حضرت باری برکت روحانی حضرت رسالتپناهی بوده و بعد در عالم اسباب از حسن تصمیمات و تدبیرات جنابان آقای شاه ولیخان سپه سالار و حضرت غلام نبی خان معین سردار بی شجاعت مندی آقای عبدالوکیل خان فرقه مشر و آقای عبدالاحد خان رئیس و آقای محمد صبیح خان معاون و آقای میرزا خان لواءمشر و آقایی محمد غوث خان و محمد امین خان غند مشران و محمد عظیم خان و دیگر منصبداران ضابطوی عسکری [که تذکر اسمای سامی آنها بطوالت می انجامد] و الطحضرت معظم غازی و مقام وزارت حربیهٔ افغانی از خدمات و ترقی زیر سایهٔ و با اتفاق آنها کاملاً تشکر و امتنان دارد [illegible] جنگ بحضور قلوب و بیشتر بخشش [illegible] افغانستان و دو جنگ فائده [illegible] و شجاعت اسلام [illegible] الحمد [illegible]

فتح کوتل تیره و معنویات عسکر گرو و دک

راپور عسکری مورخه ۳ میزان بشارت میدهد که دوساعت بجمله و نجات جنابان آقای شاه ولیخان سپه سالار و حضرت سردار غلام نبی خان و دیگر منصبداران نظامی الیوم کوتل تیره بدون هیچ یک خونریزی بر تیره کوه صعب المرور که ایستگاه بدست باغیان بود دفعتاً هجوم آورده و از تصرف شده اند. خلاصه [illegible] نظام افواج افغانی بشمس [illegible] گردیده و گرو [illegible] بهم پیوسته اند الحمد لله و الشکر.

اگرچه این شرف [illegible] تیره بحمایت و مددگاری خدا و رسول از حسن تدبیر [illegible] سپه سالار صاحب [illegible] [illegible] منصبداران نظامی [illegible] [illegible] منصبداران عسکری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وزارت حربیه [illegible] [illegible] [illegible] اطراف [illegible] [illegible] الله که در آن صورت [illegible]

گردیز خوست، ارگون

جناب عالی وزیر صاحب حربیه محمد ولیخان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حیات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] افغانیه مقیم خوست و ارگون [illegible] آورده [illegible] [illegible]

جاجی چمکنی و منگل

قوای ملکی و نظامی و دو [illegible] معاینه [illegible] بیک تعداد [illegible] نیابت عالی عالیجناب محترم آقا علی احمد خان [illegible] ملکی (رئیس تنظیمیهٔ مشرقی) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جاجی و چمکنی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] محمد صدیق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جاجی و چمکنی [illegible] [illegible] [illegible]

غزنین و قندهار

بمجنین خدمات و جانفشانی [illegible] آقای غلام محمد خان وزیر داخله [illegible] محمد عمر خان لواءمشر و آقای عبدالحکیم خان حاکم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

قوای اردهٔ وزیر آباد قطغن

بکمال خوشوقتی کمال [illegible] افراد [illegible] دار النصر [illegible] [illegible] قطغن [illegible] حرکت [illegible]

خلص مقالات وارده

بهر اغوای اهل منگل بود
این همه شور و غلغل بی سود

تحت عنوان فوق برادرم میرزا محمد اکبر خان م . ن
مقاله طولانی را در چند صفحه قلمبند کنان بر حالات سمت جنوبی
نظریات خود ش را قائم کرده بر اسباب و موجبات شورش
منگل و دنیا طلبی و شهرت پسندی ملا عبد الرشید و عبد الله تبصره
کنان چنین نگارد : — ملایان جهالت بنیان عبد الله و عبد الرشید
امان که بزبان دیگر انها را میتوانیم مجسمه کذب و جهل و ریا و
اغواء معرفی کنیم و بعبارهٔ دیگر میتوانیم نوشت که فن شیطانی و تلبیس
باقی را محض جهت اغواء و گمراهی منگلیان بغاوت پیشگان ازاستاد
بد نهاد خود که شیطان علیهم اللعنة است آموخته اند — در ابتداء
محض بغرض اجراء مقاصد شخصی و اشغال کدام یک مقام عالی
حکومتی این زهر قاتل را در قند پیچانیده و بشکل منحوس دیو بغاوت را
در جبهه پر لطیفه مجری و مسائل مذهبی پوشانیده بغاوت منگلی را
بسوی خود بصد اکبر و شیپد جلب نمود و باز درین مورد عطف
قلم نموده که اعلیحضرت غازی در اول مرحله بدین حقایق پی برده
مطلع شده بود فاما چون برین واقعه صورت مذهبی و دینی را
پوشانیده بودند ازین رو نخواستند که بدون آفتابی نمودن
این مسئله و ظاهر نمودن حقائق را بدانها که ظاهراً سنگ شریعت را
بسینه میکوفتند و در حقیقت دلداده ریاست و حکومت بودند
اذیت و ضررے را عائد کنند — و بعد ازانکه نه تنها افغانستان
بلکه عالم و عالمیان از منافقت و شیطنت و بغاوت آنها اطلاع
یافتند نیز دست سیاست و گوشمالی آن فرقهٔ باغی را از نموده اند
ناداده روز بروز بیشتر ازین هم مید استیم که لطف و مرحمت و شفقت
اعلیحضرت بازهٔ خرابی و زبونی آنها را قید بر نامه الله العبین الغرامی اعمیان

شوریده سر بدون نوشته اند که ... شمشیر و خنجر براه اسلام ...
برابر نخواهند شد ضرر و ... رساید که حکومت وقت به نتیجه ...

ای بسا ابلیس آدم صورتے !

همچنین اخوی ملا محمد دلاور خان یک مقاله را در چهار صفحه طولانی
موضوع بغاوت منگل قلم بند کرده اند که مطالب عمده آن فیلاً منقول ...
ای ارکان اعظم بغاوت ای ملا آنگ قاتلان که توئی ملت افغانی ...
شرم ننگ و ای پیرزن باغی جنگل نشین و ای منگل اے جنگلی ...
قرآن اسلام شوید ! اسلام و افغانستان از وجود شما باغیان ...
شما این حدیث را چه میگوئید مَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ ...
يَغْضَبُ لِعَصَبَةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ أَوْ ...
فَقُتِلَ فَقِتْلَةٌ جَاهِلِيَّةٌ الحديث این باغیان شورش ...
دعوت میکنید ! دا اسفا که ملت نادان سمت جنوبی ...
هدایت احمدیه و مسائل شرعیه نماندند ورنه در مقابل ...
شیطنت آیات عبد الصمد عدو الصمد و عبد الرشید ...
گردن خم میکردند و حقیقت در آنگان مطلع ای ...
افغانان اسلام نمیکردند که این بیهوده شیطان مدعی ...
آیا در کدام دین و آئین است که و باره دیگر که دولت اسلامیه ...
طلبیان مقصد جمع نمود بود که مخصا ... الله ترویج ...
انداد و ستگی اعادی دین متین است الله علیهم بند ! امروز ...
حیات افغانیه که بنام سار الی خود شان تحریک تهیج شیطان ...
الملعنة ولوالامر خویش گشته به خود صرف میکنند . در آخر ...
خود را نموده است : — الحمد لله ملت افغان چنان ملت ذاتی ...
شائق احمدی اند که مکر و فریب بیهوده انها داشتند و یقین دارند که ...
اولا خود خداوند و باز در عالم اسباب جان و وجود عصر اسلامیه ...
درین خطه افغانستان وجهه راه اسلامیت ...
شما شخصا باغی را صفحه تاریخ افغانی را از اعمال سر اپا الال ...
همتش حاضر و آماده اند حتی اگر یک نفر طفل افغانی باقی باشد ...

نرخ اشتراک

قیمت	سالیانه	ششماهه
دارالسلطنه کابل	۹	۵
داخله افغانستان	۱۱	۷
ممالک خارجیه	۱۵	۸
[illegible]	۳۰	۱۱

این جریده بعد از ایام تعطیل در کابل یک روز بعد نشر شده و در دیگر مقامات در پست ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت ...

رسایل و مقالات ... در درج و اصلاح و عدم ... اداره ...

... رسیدگی ...

مدیر و نگارنده برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل دوشنبه (۷) میزان ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۲۹) صفر المظفر ۱۳۴۳ قمری شماره ۲۱

نمایش عنده مزار فیض آثار بمقابل وزارت حربیه

... عنده سے پیشتر جناب عالی آقاے عبدالعزیز خان ... مقابل وزارت حربیه بهیئت آن عنده که از مزار شریف آمد رسیده اند و ما در شماره های سابق خود از خبر ... آن ... قارئین کرام خود را مستحضر نموده ایم ملاحظه کنان ... نمایش بعد ادای نطق اسلامی حضرت وکیل صاحب عنده مزبور ... طلب کنان کوائف اجمالی بغاوت ... بصورت ... جات ... که نسبت آن افراد باغی از ابتدا این ... الی الآن فرموده اند بیان داشتند و آخر گفت ... اعلیحضرت معظم غازی ما ... استند که در سرکوبی و گوشمالی آن ... دست جنگان تنها از قوای مرکزی و نظامیان دارالسلطنه ... کار گرفته درین معامله مذهبی و ملی خودی که تمام افراد ... عسکر ... خویش را در ولایت ... بجد ... اسلامیت ... حاضر و آماده ... ساکن ... معنوی ... اطراف و نواحی ... خواستند که ...

خورش و روش ... شده ... اسلامیت و ... مجاهد ... عسکری ... رسیده اید، عنقریب دیگر برادران عسکری شما که از علاقه خود حرکت کرده ... و در عرض راه ... بصورت قاطع این معامله اخیر که ... و شاه مزار همراه باغیان خیانت کار ... بوده در نتیجه مظفریت و غالبیت نصیب عساکر ظفر مآثر افغانی بود یک تفصیل ... ایراد فرمودند ... از عطف کلام خود شان را با عطاء تهنیت و تبریک افتتاح کوه تیر ... نمود این مسئله را ... عسکری یک ... احراز نموده و قبلاً دست باغیان بوده ... نواحی ... کوه و ... قطع نموده ... بوقوع ... انجامید ... ساختند ... یک ...

عملیات [illegible] و نظریهٔ وفد حضرات علمای افغانستان

اتحاد و اتفاق مسلمانان بحکم آیهٔ کریمه (واعتصموا بحبل الله جمیعاً) فرض عین است. و اختلاف و نزاع شان مطابق حکم (ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم) حرام قطعی [illegible] و حرمت نزاع مسلمانان با همدیگر از اظهر [illegible] اگر در مسلمانان بوجه [illegible] اختلاف [illegible] اصلاح شان خیلی ضرور است که حق تعالی شانه را در وقت اصلاح هر که [illegible] (وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا الآیة) بازل فرموده است و مرتبهٔ [illegible] بوده ظاهر و آشکار گردد. — **اعلیحضرت** غازی امیر [illegible] سمت جنوبی [illegible] حرکات [illegible] دولت اسلامیه بوجود آمده و دو بیا افغانستان و عالم اسلام [illegible] بر همین فرمان [illegible] فرموده‌اند. یعنی [illegible] شرار سمت جنوبی و در [illegible] اصلاح [illegible] اعلیحضرت [illegible] اصلاحیه [illegible] عظام و علمای اعلام و مشایخ کرام — بوده بر [illegible] فرستادند. — **وفد** مذکور [illegible] وکیل [illegible] بمقصد [illegible] روانه شدند. — **یک موتر از آن** [illegible] علمای [illegible] بجانب [illegible] شده [illegible] و [illegible] محمد آغا [illegible] تعلقون [illegible] در [illegible] شاه و [illegible] اطلاع نموده‌اند.

ماحصل [illegible] شاه ولی [illegible] تکلیف اعضای وفد [illegible] نموده [illegible] موتر [illegible] فرستاده [illegible] و علی الفور [illegible] عالیجاه [illegible] محمد آغا [illegible] مستقل [illegible] باشند. — و [illegible] موتر [illegible] اعضای وفد [illegible] رسانیده در مرکز [illegible] جناب [illegible] غلام نبی خان [illegible] بزرگ [illegible] اخلاص [illegible] عالمین بوده [illegible] جان [illegible] حق تعالی [illegible] افغانستان [illegible] بنماید آمین. — **اعضای** [illegible] روز [illegible] نموده [illegible] مرکز [illegible]

[illegible] — **وفد** [illegible] قائم نموده [illegible] (۱) علمای وفد در [illegible] نمود در مسائل [illegible] تدقیق [illegible] (۲) [illegible] (۳) دلیل [illegible] مناظره [illegible] بوقت [illegible] گفتگو کنند. — **در** [illegible] مظفر [illegible] دولت [illegible] خسروانه [illegible] اعلیحضرت [illegible] حرکت [illegible] بوده [illegible] و [illegible] دولت [illegible] شریعت [illegible] باشند. — **حکومت** [illegible] حالت [illegible] مقصد [illegible] من [illegible] سمت [illegible] بموافق [illegible] رسول کریم [illegible] شان [illegible] بوده [illegible] — **وفد** مبارک [illegible] در خدمت [illegible] **پدرانه** بر [illegible] رئیس [illegible] سمت جنوبی [illegible] — **سردار** [illegible] خدمت [illegible] افتادند. — [illegible] خورسند نمودند. — **علاوه** [illegible] منظور [illegible]

قدوة السالکین زبدة العارفین حضرت صاحبزاده شاه آغا، شیر آغا صاحب [illegible]
و استاذ العلما و سند الفضلا حضرت حاجی عبدالرزاق خان صدر [illegible]
عمدة الطالبین حضرت آخندزاده صاحب موسی جان جامع معقول و منقول [illegible]
[illegible] عبدالرحمن خان قاضی مرافعه کابل — سبب حضور جمع وفد علما و سادات و
[illegible] مشایخ افغانستان تحریک حاجی الحرمین الشریفین حاجی عبدالرزاق خان باتفاق آرا
[illegible] تجویز شده که — بحیث الحاج مولوی محمد ابراهیم خان [illegible]
[illegible] دولت مناظر مقرر شده — علمای ذیل معاون مقرر شده‌اند — مولوی [illegible]
[illegible] و مولوی عبدالرب [illegible] اعضا [illegible] مولوی فضل [illegible]
[illegible] و مولوی عبدالقدیر [illegible] و مولوی [illegible]
[illegible] (مهمند) و مولوی حبیب الرحمن [illegible] و آخندزاده [illegible]
[illegible] و مولوی محمد [illegible] و مولوی [illegible]
[illegible] مقرر گردید که [illegible] مناظره و مجادله [illegible] گفتگو و سوال و جواب علما [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علما مقابل هم [illegible]
[illegible] احقاق حق [illegible]
[illegible] در وفد اصلاحیه یک جا [illegible] علما و مشایخ [illegible]
[illegible] زبدة الکاملین [illegible] حضرت آخندزاده صاحب [illegible]
[illegible] فخر المحققین [illegible]
[illegible] بزرگ) شرکت داشت — آخندزاده صاحب [illegible]
[illegible] علما و مشایخ و معتبرین سمت جنوبی داده بودند که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حاجی عبدالرزاق [illegible] شده — اول مکتوب مبارک آخندزاده صاحب
[illegible]
[illegible] سمت جنوبی داده [illegible]
و وفد [illegible] (فاصلحوا بینهما)
[illegible] اصلاح [illegible] اختیار [illegible]
[illegible] فتنه و فساد است [illegible] المسلمین [illegible]
[illegible] سوم — اگر در بیان جنوبی دعوت اصلاح را قبول نکنند مجبوراً علما

وفد هم محض بغرض احقاق حق با این ضوابط تجویز شده [illegible]
میان حق [illegible] بند سوم — اگر از مناظره هم [illegible]
[illegible]
[illegible] (وقاتلوا التی تبغی الآیه) [illegible]
[illegible] (السیف ابلغ وعاظ) [illegible]
گفته اند — چون وفد اصلاحیه ترتیبات حق جویانه خود
مکمل کرد [illegible] اطلاع داده تقاضا نمود که [illegible]
[illegible] اجتماع کنند که وقت [illegible]
علمای سمت جنوبی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فتح میدان خوله و تلفات باغیان

قوای ملکی و نظامی که از طرف رئیس صاحب تنظیمیه
مشرقی بمعیت [illegible] داود شاه خان غند مشر باردوگاه
حاجی [illegible] اعزام شده بود با نظامی مقیم آنجا بسرکردگی
آقای معظم محمد صدیق خان قائد فرقه [illegible] و آقایان
علیشان [illegible] خان و سعادت خان بسوم میزان بطرف میدان
خوله حمله برده بعد از انجار با شدید یک شبانه روز [illegible]
میدان خوله [illegible] تمام [illegible]
[illegible] بتصرف آورده قلعه جات اشخاص بغاوت
پیشه و متعرض را آتش داده علاوه بر مقتول و مجروح [illegible]
اشخاص [illegible] دستگیر نموده اند [illegible]
[illegible]
[illegible] اقوام اسیر شده است — مزید بر آن [illegible]
[illegible] مشرقی قوای [illegible] میدان خوله [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 195 of 524

علاقهٔ محبتکارانهٔ افغانستان و ایران

اگر چه تحفهٔ محبت از تحفه فرستادن آقای سفیر ایران بحضور اعلیحضرت امان الله خان از دیگر روزنامه شریفهٔ دار السلطنه هرات و دیگر جرائد و مکتب نشر نموده است و همگنان از علائق دوستانه و روابط محبتکارانه که این دو دولت همکیش و همدین و همزبان با همدیگر دارند کاملاً مطلع و مسبوق اند لکن درین مورد بعض چیزهای مزید و اطلاع ناظرین محترم با این نظریه معاصر شهیر خود ما جریدهٔ شریفهٔ منیره خراسان ما که درین مورد قلم کرده آن را به ناظرین با کمال خوشی تقدیم می نمائیم :-

آقای آقاسی سالار جنگ که از طرف دولت متبوعه ما حضرت اشرف ادبی فخر الوزرا حامل نامهٔ دوستانه و هجرا اسپ عربی ممتاز هدیه برای اعلیحضرت امیر افغانستان بوده مراجعت نموده است.

این نامهٔ دوستانه در نزد اعلیحضرت امیر مقام خاص را حائز شده و شخص سالار جنگ نیز توسط آقای اعلاء الملک سفیر کبیر ما بحضور اعلیحضرت معرفی شده بود محل نهایت رافت واقع شده و از طرف قبولی امیر اعلیحضرت به تجلیل اظهار رضامندی و امیدواری نموده اند. **و مشار الیه** بعلاوه یکهزار تومان انعام نشان مخصوص خدمت عطا فرموده اند و پنجه سوار نظامی که بمعیت او بوده اند بهر کدام دویست تومان و به نفر مهتر ها هر نفرے یکصد تومان انعام مرحمت فرموده اند.

و اقتضای مهربانی حاملین اسپ ها را مرخص فرموده اند.

واقعاً از و الطاف طبیعی است همین روابط بین دولت ما و دولت افغانستان میباشند.

چون از حیث جغرافی و نژاد و دین بدست قدرت ما را بهمدیگر منظم و متعلق قرار داده است که فعل دوزیست مخصوصاً از اکثر مسافرین طرز یگانگی و مراقبت اعلیحضرت امیر را کوفت که آقای اعتلاء الملک سفیر ما یند بدربار کابل می شنویم.

این عقیده و رای ما طبیعی بودن این اتفاق

کامل تر می شود.

یک عمارت ممتاز چهار صد هزار تومانی که با میز و مبل و اساسیه که متعلق بشخص شجاع اعلیحضرت امیر است و در کابل اول عمارت بحساب می رود به آقای اعتلاء الملک بخشیده اند.

بعلاوه یک اتومبیل خاصه را هم برای ایشان مختص فرموده بعلاوهٔ نوازش مهربانی های دیگر که دلیل برین عقیده و رای محکم میباشد که تجلیل شایسته بین دولت متبوعهٔ ما و دولت اعلیحضرت امیر یک معاهده دوستانه دیگری هم اگر صورت میگرفت چقدر ما ازین اتحاد دو دولت خادم خوشنود می شدیم و امیدواریم حالا که آقای سردار علی محمود خان طرزی دوباره بدست وزارت خارجیهٔ افغانستان اشتغال فرموده و از این طرف هم یک نامور مقتدری مثل آقای سردار سپهدار ... ایران موجود است.

این معاهدهٔ خدا پسند را که نقطهٔ آمال و منتهای مطلوب سلطنت از قوه بفعل درآورده روح مطهر حضرت پیغمبر خاتم و رسول اکرم را از خود راضی و شاد فرمایند.

کوائف محاذ جنگ

بیدک ۵ میزان :- نامه نگار ما می نویسد که سلسلهٔ تیلیفون از ... افتتاح کوتل تیره ابی گردیز درست گردیده است چندی قبل ... شاه ولیخان نائب سالار و حضرت غلام نبی خان حین عرض ... عسکری عرض راه دریای گردیز و لوگر به تیره تشریف برده قوای ... عالیات کافی داده اند نفری زرمت و سلیمانخیل و بعض نفری ... چه بصورت خدمت خواهی بنزد نائب سالار صاحب حاضر آمده ... مصالحت و امان طلبی میباشند. درین روزها از عبد الکریم ... و دیگر نفری باغی بمقامات مختلف شان نام و نشانی نموده ... که کدام نقطه و جائے جابجا شده اند (ف. م)

حقیقت: باستی که مفسدان مطالبی با شتابانه ... باطراف تخلیهٔ این بیابانی باغیان ...

صرف کرده محض بضعف ناتوانی موجوده شمن فریفته شده ...

(قواعد مخصوص اداره)

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یک روز
بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در پسته مخصوص
ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت محول
رسائل و مقالات اصلاح اداره [illegible]
در اندراج و اصلاح و عدم انتشارش
آزاد است. [illegible]

[illegible]
[illegible]
نگارنده محمد برهان الدین کشککی

نرخ اشتراک

قیمت بروپیه کابلی		مقامات
سالیانه	۶ ماهه	
۹	۵	سلطنت کابل
۱۱	۷	داخله افغانستان
۱۵	۸	ممالک خارجیه
۲۰	۱۱	[illegible]

[illegible] استادان و علما و طلبه
[illegible] نگاران [illegible]
[illegible] عالم اسلامی - [illegible] شرقی
[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳ ع

سال اول | کابل چهارشنبه (۹) میزان ۱۳۰۳ شمسی مطابق (غره) ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری | شماره (۲۲)

باید گفت حقیقت را نباید نهفت

(عبدالوهاب) و دیگران حساس که نظر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
امروز عمومی مسئله که اوضاع محیط را تهدید میکند امروز [illegible]
[illegible] افکار عمومی [illegible] و مربوط خود داشته است ! امروز [illegible]
[illegible] سلسله انتظام [illegible] ساکت [illegible]
[illegible] روبداد [illegible] سالهای سابق [illegible]
[illegible] پارتی [illegible] خواهی [illegible] !!
[illegible] جبال و [illegible] سمت جنوبیت [illegible]
[illegible] دشمنان [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] استعمال میکنند !!!...
[illegible] تاریخ شاهد است ! [illegible]
[illegible] تشجیع افغانان است . تا آنوقت [illegible]
[illegible] شروع خود [illegible] جبران
[illegible] بیان [illegible] آگاه
[illegible] افغان [illegible] عظمت افغانستان
[illegible]

[illegible] تحریک [illegible] دست میکشند !
در مقابل [illegible] تحریک [illegible] طرف [illegible]
[illegible] مسلمان [illegible]
علی التوالی جان و مال [illegible]
[illegible] شان نماید ؟!! ...
البته از مادی النظر وجدان سلیم و عقل فهم [illegible] تجربه [illegible]
[illegible] ناحق [illegible] سلطنت [illegible]
راه جنگجوئی را بازداشته هست تحمل برداشت نمائیم !
خوب ، آن نادان عاری از عقل [illegible]
[illegible] حقیقت بینی را بچشم انصاف و [illegible] سیاسی
شکل را از نقطه تشخیص بنگرند ، آیا : [illegible]
و این [illegible]
داشته است ؟ آیا : [illegible]
ضلالت [illegible]
[illegible] آورده است ؟ آیا : عبدالکریم نام این [illegible]
[illegible] سیاست دشمن ، [illegible] شیر علیخان [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] شده است !!
آیا : این مبالغ [illegible]

هدر... بگفتی ببازی عبدالکریم لعنت چرخ میرسد بکدام میراثیه
بکدام تجارت مشغول، از کدام سرمایه شروع او وست؟
رسو شکه یک ناظاری رانی، وشرانحور بوده از برزه گردی،
فساد: جو و التکرار و مراتب محسوس شده باشد و کافی اعتبارات خود
بدست اجنبی سقوط گردیده باشد آیا، بکدام پهلو، بکدام استعداد
طبیعی درمقابل یکرو پریم مقتدر بوده، چگونه میتواند یکباره جه لطفات
مظفرترین باید ستیکاه ترین، مشهورترین رابستی خواهی خود دفاع نخود
درمیدان انتحار میاندازد؟
آیا: افغانستان اتحاد بالیها، این شعبده خوابها، واین مشوش
خصلتها، واین جنایت علوم را میداند، نه خیر؟! افغانستان
بخوبی میداند؟ اکدام این فلوت بازیها چیست و مابه القوم این
شورش کیست؟ وجبر اساس اعداد و باقی چندین اولات
در این مشروع این مطلب درپیشگاه جامعه ستیاره روشن ثبوت ساز!!
افغانستان این قدمهای لرزنده و این سارق تر سیاره از پیش
بیشناسد و میتواند بهای پای خیانت آنرا اصاحش ختمی بدارد؟
افغانستان این سیاست چند خورده و این ابلهی فریبها را از تحسیر چهلم
محسوس نموده، و میشناسد سلسله جنبان این مسئله سرچ و این نما
مفتضح که امروز در اثران مشت خداناحیالش گرد نمایی مسر کشیده
دست شیطنت پیوست مواعید و تحریک دشمن ترک کشته وست؟!
هنگامیکه خوانان آگاه باشند که افغانستان! این عبدالکریم زندیق
این عبدالکریم حیوان معلم این دست خونین دشمن این کتاخواهم
سکن را خوب میشناسد و بمجرد شنیدن نام آن طلبان وجدان
درس روحانی جامعه بجوش انتقام، بهوای معنویات شرم صاعقه
بنلاین بابارات لعنت بر این تجارت وسلامت میسازد که:—
ای عبدالکریم خبیث گمان مکن که بدون از جهان یک پرچه
خاموش بحیرت بون بیک برخنه قسمی الغلیان دیگری ترا قبول بدارد،
چه امروز ملت مجموعی ترا تکفیر میکند، تو آنی که از روی بی ایمانی ننگ
سیادت و حمایت دشمن دین را بر خود گوارا گفته از طفلی الغرض خدمتی
در عروق و شرائین تو دار تو منفود و دیه جریانست؟!
ای مسوخ الایمان، تو آنی که صدها تجاوزان کاباغ تفتنه داری با
بخیمی ها و بنهای ترا دیده در سوابهات شیطنت تکفیر تخییم اقرار کرده اند؟!

ای مجرم جهول وای مجهول النسب فضول! تو آنی که ازکجا...
وناسروری در مسند ستانگی خاندان حقیقی بوده، عمر...
گذشته ومیدی مطرف نفرت بودی که وجود منحوس نجاست...
باطراف دیده دون انگیز داشتند!
ای شاطر ابلیس وای مجمل پر تلبیس! اگرچه حقایق این...
امروز وطن مسروقی اسلامی تو افغانستانیم ترا عاق...
خاک معلوک مسروک دشمن پرده دوات قف می اندازد!
ای خائن غدار، ای معاون کفار! تو آنی که...
کشتهای پدر و جد دست... لیت را تاریخ افغان تحت...
بخط انگلیس و حروف خونین یادگار جهالت افغان گذاشت...
ای خام طمع گول خورده! زود ترا این خیال کینه...
جهان افروز را از مغز خیال دیگر بیرون خواهد...
در وقت گرگ کشتن پدر نامرد تو حق بجانب یکنفر بوده دو طفلیان...
امروز همان کرکهای خونین کارا از پشت گرداندن پدر بکرد...
شی منفعت بجالی خون... طلبیده در حرکت و... آتش آید؟!! امروز...
حیدر اشنیده اند که... بدم آتش طلوع تفنگ دشمن...
از خود حالی بر ترشید خاندانی تو نفرین میکنند؟!! بس است...
توهم باید بدانی که تشکیل این نهضت خونین و برخی... خوابهای...
ابدی را کافی گری؟! بس است! ای... را که از شیطان...
بیهوده نامردت را بگا چندین... اسلام را منحرف ساخته...
تفنگ جهالت داری؟...
آخ! ای ملت مجموع افغان! ای اگر از شما بکارهای...
بخیالی که آن... است، چگونه...
عبدالکریم ولد... بردوش کرده میتواند؟! بکدام چشم...
خونخوار این قصاب اسلام...
دشمن بنماید؟! اگرچه روزگار... این ملک...
... افغانستان را بخاک و خون نشانده...
خود بنماید؟! بکدام وجدان اسلامیت قبول...
این مجهول الهویه، این فاسد العقیده...
صفائی... اولادان و...
... آتش شعار...

وطن ... [illegible] ... احوال گوهران ... [illegible]
... ای قوم [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ... ای عسکر
... [illegible] ... خود ... [illegible]
... [illegible] ... غیرت ... [illegible]
... [illegible] ... ای [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... !!!!
... [illegible] ...
... [illegible] ... امروز ... [illegible]
... [illegible] ... قرآن عظیم ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ... علما ... [illegible]
... [illegible] ... اگرچه ... [illegible]
... [illegible] ... نصیحت ... [illegible]
... [illegible] ... نصایح ... [illegible]
... [illegible] ... نصایح ... [illegible]
... [illegible] ... نصیحت ... [illegible]
... ای زمامداران افغانی ... [illegible] ... اکنون
... [illegible] ... (۱۲۹۸) ... [illegible]
... [illegible] ... امروز ... [illegible]
... [illegible] ...
... آخر ... نصیحت ... [illegible]
... [illegible] ... وقتیست ... [illegible]
... [illegible] ... وزارت جنگ ... [illegible]
... [illegible] ... وقتیست ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ... وقتیست ... [illegible]

برنا ... [illegible] ... احکام و اقدامات ... خیالات دشمن
... [illegible] ... والسلام (ح. ن. م)

حقیقت ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...

عینا رپورت و نظریه وفد جمعیت علمای افغانستان

(مابعد از ستون (۲) صفحه (۳) شماره (۲۱))

... [illegible] ... مجلس ... [illegible] ... یا ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... عبدالرزاق خان ... [illegible]
... [illegible] ... چنانچه ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... مولوی ... [illegible]
... [illegible] ... مولوی ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... شاهبزار ... [illegible] ... وفد ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ... وفد ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... لشکر ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...

به مسیر آبادوات آمده اند. **بجواب** گفته شد: بلی الحمدلله ما در صدد هستیم و بجز از مقصد اعلای کلمهٔ حق و دفع فساد برای شما چیزی نیاورده ایم علی هذا بوقت شب که عبدالرشید هم رسید بجمعیت یاد هم مکالمه وقتی **ملا** خیل شاهنواز (یکی از اعضای وفد) صلح و ختم پذیرا و وعدها کرده بود. ملا عبدالرشید خوش رفته با تعهد اضافه ... نفر از لشکر خود را بنام خدمت آورده و همراه جمعیت ساکت آخر شب از سی نفر هم اضافه شده بود امیرالجیش محافظ ناظر بود که ... **بوقت** صبح شنیدیم که مدیر و ... حرکت عصیان (ملا عبدالشکور) هم رسیده است. وفد ... جمعیت علمای (نام نهاد خود) که الی (۸) نفر بودند در مسجد ... رسیدند ... اعلاء ... جمعیت خود ... روش خود و ... از حق بعوامل **چون** مجلس ... ترتیب یافت. ف. محترم ... مکتوب ... کتاب بعضاً مقابل رسیده و علما و وفد بعضاً اظهار کردند که غرض ... محض اصلاح ... **لکن** ادعا بجواب گفتند که چون ... صلح و ... قبول نداریم ... خیال شما ... جهال باشند دروازهٔ تحقیق و مناظره را باز کنیم. چون بحث را درین موقع گفتند که بحث مسائل اصول ندارد و کلامی ... برای خود ... ایم و حرب با ... و طرفدار ... **در** ذیل گفتگو از علماء وفد تحبیح. ف. الحاج مولوی محمد ابراهیم خان مولف ... دولت و ... ف. مولوی عبدالحی خان ... نیز. ف. مولوی فضل ربی خان و مولوی عبدالخالق خان اعضای تمیز بجواب بعضی ... خرافه و مسائل ... علم کلام ... جهال شان را ثابت نمودند. **علی هذا** ف. مولوی عبدالقدیر خان و ف. ... کامه و ف. مولوی جمال الدین ... و مولوی عبدالله ... و ف. مولوی محمد ... در گفتگو ... نموده جوابها ... **یکی** واقف ... کرده ... بعضی معترضین ... ف. مولوی محمد ابراهیم خان حاکم جنگ جنوبی ... این جنگ ... برادران شما مطلع ... حرام است و مرگ شما ... مرگ جاهلیت ... گفتند که ... **جواب** ... ف. مولوی محمد ... درست ...

که حالا برای صلح آمده ایم اگر صلح باو ... از کشتار آگاه شما کوشش ... **در** بین گفتگو اکثر واقع شده که بعضی جهال که لباس علما را ... کرده بودند گفتند ... علما ... دیگر علما ... قتل شدن برای آسان ترست از یکه حق را ... هوا داد ... آتش فساد را ... ایم.

علاوه ازین بعض علما که باغیه ... جنوبی ... داشتند ... کرامکان صلح قطعاً نیست.

لیل زان مردم جنوبی وفد ... را رخصت دادند دعوت دادند که فردا باز ... مناظره در باب مسائل فرق ... همراه خود ... صاحب جناب جرنیل غلام ... خان و حضرت ... شور بازار و حضرت حاجی عبدالرازق خان و صاحب ... موسی و ... محمد غوث خان ... میرزا ... کرده هم آورند.

لکن بعد از حرکت نمودن وفد ... جنوبی بر لشکری میرزا ... خان حمله بردند و بعد از جنگ شکست فاحش یافته باطراف پراگنده شدند.

وفد ... از بین ... گفتگو چند روز ... دوام سلسلهٔ جنگ چون گفتگو ... آخرا بالکل فضول و عبث ساخت ... عموماً ... وفد و ... بزرگان ... شور بازار و حضرت حاجی عبدالرازق خان صاحب ... صاحب موسی ... را والپس خواستند.

علمای وفد حالا مجبوراً فتوای ... داده در صدد ... می باشند.

ما دعا میکنیم که حق تعالی این فتنه ... و دولت ... زود از زود دور فرموده ... کفر ... و محزون ... اسلام ... انسانیت را مسرور سازد آمین ثم آمین.

(نامه نگار ... مولانا ...)

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالیانه
داخل السلطنه کابل	۵	۹
داخل مملکت افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
[illegible] وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

نرخ اشتراک

قواعد و ضوابط

این اخبار بعد از ایام تعطیل در کابل یکبار در هفته نشر شود و دیگر [illegible] مقالات [illegible] بمدیر جریده نگارنده حقیقت [illegible] اندراج [illegible] اصلاح [illegible] است — اشعار [illegible] دولتی [illegible] جات قبول [illegible] میشود.

حقیقت

۱۳۰۳

[illegible]: از ساده دلان و طلبه

[illegible]: برای آگاهی افکار [illegible]

تبادله: با جراید [illegible] شرق

قیمت شماره: [illegible]

مدیر: [illegible]

جلد اول | کابل شنبه (۱۲) میزان ۱۳۰۳ شمسی و (۵) ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری | شماره (۲۲)

نقل آن لوایح [illegible] از طرف [illegible] دار السلطنه [illegible] گردیده است

۱ — [illegible] فتح و ظفر [illegible] گرفت [illegible] مملکت عزیز ما [illegible] اعلیحضرت محبوب القلوب [illegible] شده [illegible] شوکت و شان اعلیحضرت غازی.

۲ — [illegible] صبح [illegible] فتح [illegible] اعلیحضرت غازی.

۳ — [illegible] اعلیحضرتا! [illegible]

۴ — ای قهرمان عظیم عسکر افغان! نسبت [illegible]

[illegible] افغان [illegible] پادشاه!!

۵ — [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]

۶ — [illegible]

۷ — [illegible]

۸ — [illegible] اعلیحضرت غازی!!

۹ — [illegible]

سنگ خارا نشود ز باران نیها

من یهدی الله فلا مضل له
ومن یضلله فلا هادی له

ظاهر است کسانیکه خداوند جل ایشانرا [illegible] و الاخره [illegible]
و قرعهٔ دیدهٔ بصیرت ایشان را [illegible] مثل [illegible]
آئین خواهد بود که در ظاهر و باطن ضلالت و گمراهی و زیغ
هلاکت و نابساز جدهٔ وعلاوت پیشه که خود را به جهل و
واهل الله جلوه میدهند و حقیقتاً لعین یافته شیطان رجیم
و پرورده دست کفر پرست اعدای دین مبین حضرت
سید المرسلین اند گشته است تا وقتیکه برای کفر
ظاهر و باطن ایشان ظاهر و هویدا نشده بود - بغاوت شانرا
حمل بنادانی و جهالت میکردیم - امروز خود گفته مقصد و
کیسه اسلام خواهند آمد و زیاده برین شنیدست و شقاوت
تجاهد هیچ نوع و بلاداد بجای و نظامی خونخوار خود را
و ترغیب لنکو [illegible] شان میکردیم ورنه شانرا معدوم کرده
بیحرمتیم - از نصایح و هدایات معمولی و نمود الشرکت
عداوت و گمراه ساخته باشد نصیحت اندر زد را که کارگر نیست
تیغ برای هدایت در هر حالت شان تر بهتر است
من یهدی الله فلا مضل له ومن یضلله
فلا هادی له — کلیم بخت کسی را که بافتند سیاه
به زمزم و کوثر سفید نتوان کرد - امروز برای ملت
[illegible] حضرت شان بر دیم و بدیدیم و بچشم خود
باطل و دوای غافل را در بی هر [illegible]
مقاصد و مطالب شمیان رسیدن از زمین بغاوت و سرکشی
جنگی خود رفت و رنگ برمی زنند و خود را بیش خود رسول
معقول شمرده و محروم میسازند زیرا اگر مقصد شان
چنانچه در اول جلوه داده بود تایید دین و حمایت از دولت
شریعت پرور اسلام و دست خود سرکشی نمیکردند و علاوه
بر وقف شعرا اقلیم جهت تسلیت خاطر آنها بیشتر بود
حمایت را هم میکردند ولی بانی این اشرار

خوانین محمدی نظر بهان در افغانستان میکرد و عام [illegible]
دیده نموده و نظر عزت و وقعت بر هدایات [illegible]
آیات و نصایح شفقت آمیز از گوش دل شنیده و [illegible]
حکومت را گرامی میکنند تا اجرا و احکام [illegible]
و اندرز تا شفقت پدرانه شانرا کسی بجا میتواند [illegible]
احمدی و احکامات خداوندی بود نشنیده و الان [illegible]
در زمرهٔ جاده و بلیان ضلالت ادامه نموده تا [illegible]
از اطاعت و محبت عاق ابن العاق (کرفی الحال [illegible]
که کدام پیشه و گونه حاضر نشده اند حقیقت [illegible]
شیر بن خود را چه نگه زنها خود را بشوهر و دختران [illegible]
و مادر شانرا به پیشانی براه کمیل کرد از دو [illegible]
تحریک نفس شیطان مجسم بدفکر توپ تفنگ [illegible]
حکومت را مسانند و این همه الطاف و مراحمات [illegible]
عارضه دین پرور از بس چهر تا خود را که درین [illegible]
نسبت بد بغاوت بیگانان چیده مرعی فرموده [illegible]
و به عصیان و طغیان جواب میدهند و خواهش [illegible]
آبا و اجداد را یا از این شیطنت خود [illegible] دیگران [illegible]
و دین مبین حضرت سید المرسلین (خاکم بدهن [illegible]
کمزور گردانند پس ای سربازان دین و دولت
و فداییان ملک و ملت و جوانان برای سلامت
شقیان آسوده هدایه (وقاتلوهم حتی لا تکون
فتنة ویکون الدین لله فان انتهوا [illegible]
عدوان الا علی الظالمین) تجدید [illegible]
تجدید این جهال سر با عصیان و بال [illegible]
جاده نمایان و بمکر و وساوس شیطانی خود [illegible]
تا نرا که پرورش کننده آبا و اجداد شان است [illegible]
اجابت دیگران بازند بر این جرگوی و کوشش [illegible]
این طائفه بد بخت با گریزنده از احکام و اوامر [illegible]
اطاعت اعلیحضرت معظم غازی تا جان مدتی روان [illegible]
دارند بحوالهٔ آیه شریفه (وقاتلوا فی سبیل الله [illegible]
یقاتلونکم) مقاومت و ایستادگی را بجمع [illegible]

باید تسلیم و تمکین کنا را ترنده و بجا کنید — (امضا محمد ولادی)

صورت شرفیابی سربازان هزاره بحضور شاهانه

بتاریخ ۷ میزان نفری جمیع سربازان هزاره کرام
نظامیات ع ع بحضور آقا محمد نعیم خان جناب لاحفا یک شغل
و شعف خوق العاده درین روز ها قریه خصوص دیک برین
هزاره محض بغرض سکونت و کوهخالی سرکشان بعاد مین جنوبی
وارد دارالسلطنه افغانی گردیده بودند بعد فرحت افزای
ملوکانه و سماع کلمات جواهر آیات شاهانه بقصد گلستان اندر قصر
لواشبر مرزا خان آقا لواشبر احمد علیخان شرفیاب شده
یکی ترحم و خوش قابل دیده حسب اسلامیت کابل شنید
یک سمت میدان قصر موصوف این سربازان موصوف
که به دو هزار نوجوان میرسید استماع استماع نموده سرا پا حسن خطاب
و کنون دیدار و رضا اعلیحضرت پادشاه و پایت نگاه خود دره
ذات جهانبانی قرار سابق از یک جانب قصر موصوف کرده
عامل قلب مشفقانه این سربازان هزاره بود دیره آمده از عموم
با صول عسکرانه سلام تعظیم شاهانه بجا آورده شده در اثر آن
عریضه خلاص عریضه ذیل را که بامضای آقا میر احمد خان و دیگر
و دیگر و عمائد و کلان شوندگان هزاره و منصبداران نظامی آن
طائفه جمعه (که گزارش صدور و امضا بود) مزین شده بود
ذیل قرات شد

نقل عریضهٔ سربازان هزاره

حضور اقدس اعلیحضرت
ظل اللهی غمخوار ملت رحمت داریکه شما از بدو سلطنت خویش
الی حال برای ملت خود و امانت ها بیات و مساعی جمیله
ما را از حضیض ذلت باوج رفعت رسانیده تمام ملل عالم
به بهترین نیکنامی و سعادت معرفی کرده اید اطعهٔ تنی النفس آ
در دخول مملکت جهد سیاست و معاهدات و ظلم و تکدر رفع
و بیحد اندازه ابواب اقبال و انصاف و مروت و محبت
برای ملت گشوده اید که اگر تمام وجود ما ملت زبان گشته شب
و روز شکر این نعمت عظمی و موهبت کبری نمائیم هنوز از شکر
یک لطف و مرحمت و اکرام شما شاه را بجا آورده نتوانیم بخصوص

رضامندی آن سرور ذیشان تسلیم نموده بر ما منظور نظر که بار رضا فقط
استقلال زمان گذشته و سعادت و ترقیات فوق العاده حاصل نموده
نه کسیم از روی بیوقوفی و بیامانیت که از هم جدا شده بودیم
که ساعتی و دقیقه از شکر ما باز نمانیم — تا آنچه اقدامات این
ظل سبحانی شاهانه با نوار معارف ما عاجزان گرد دیده
تا ما آنها دراز پاینده و همچنان گنج آرزو و خاطر مبارک
در باب سعادت و فلاح و ترقی ملت است نائل گردیم
اقوام مثل قوم بدبخت جاهل مختل از غایت جهالت
و نادانی و معلی خویش کفران نعمت نموده بدخود در مرتبه
خود ما بر شد اقتدار نموده خود را خسر الدنیا و الآخره ساخته
و تنها بجا از خسر الابد دیگر جاهلی خواهد بود بهشت حقیقتاً
آنچه رحمت و شفقت که درین باب اعلیحضرت معظم غازیان
برای ما بر خود قرار داده شب و روز و دقیقه از خود در حفظ
اصلاح احوال ملت نموده شما از خدمت و غمخواری قوم
باز نمانده اند برای این بود که کسی خوشنود مطلوب نبود
بلکه با بوده میدانیم که غمخواری شاهانه فقط در فی الحقیقه محض
خوشنودی روحانیت حضرت رسول الله بوده و کمال
و حسن شفقت و مرحمت ملوکانه از حیات خود ثبت
کتب تاریخ و اخبار دیگران با صفت مرحمت و الطاف
و بذل توجهات فوق العاده بما بود بجا اجرات و علما
است که امروز علانیه پسند نمود در شهر و در مجلس و در جمعی و
دو دوست که صاحب معرفت و شعور باشد از آن انکار
نخواهند — بالاخره اینقدر عرض کرده میتوانیم که ما ملت را
حق تعالی از فضل خود بچنین عطای بزرگ سرفرازی بخشید که بجای
زیاده بر آنچه از آن توجهات و غمخواری این ذات مقدس
متصور است اگر هر ساعت شکر را بجا بیاوریم باز بخت
ترقی که فخر بر تمام ملل عالم خواهیم بود این مشت
عاجزان اقوام هزاره نظر مرحمت آمیز اعلیحضرت با اعتبار
به تعلق الخصوص بما عاجزان از طرف حکومت معظمه
مبذول شده اگر هزاران جان در تن داشتیم دادم آن را فدای
شهزاده ها و اجداد خویش قربان سازیم هنوز کم است اگرچه

تمام اقوام آنها از خورد و بزرگ برای همگونه خدمتی که اعلیحضرت معظم غازی بفرمایند مستعد و آماده اند و کلوخص سر بکف برای امتثال اوامر خوش ایستاده اند لکن فدایان اعلیحضرت چون حدود و ثغور [illegible] دیگر برادران خود شرفیاب حضور شده ایم و از مواضع بعیده هزاره نیز عنقریب اعلیحضرت میشوند هر خدمتی را که لایق باشیم امر فرمایند که ما برای برباد دادن و فدا کردن جان خود با صدق تمام مستعد و آماده ایم که با دشمنان پادشاه و وطن خود را بود و با جان خود و اقوام خدمت پدر مهربان خود را نمائیم — زنده باد اعلیحضرت غازی! کور باد چشم دشمنان اسلام

جواب اعلیحضرت معظم غازی

اعلیحضرت معظم غازی بعد از احوال پرسی

این اخلاص کیشان دولت بذکر مجملی از فواید و بهبود و عظم اهتمامهای بانضمام محبت و دلسوزی و شفقت حکومت افغانی و عرض خود در [illegible] جیاولی گردان آن نقاط [illegible] افغانی و مطالبه [illegible] افغانی [illegible] کمطالب بل ازتحکم [illegible] اسلامیت کارداد و وحدت او اقوام هزاره [illegible] افغانی اند اول [illegible] که فلان هزاره و فلان افغان است [illegible] افغانستان بلا عموم افراد [illegible] در خدمتگذاری [illegible] افغان و هزاره در راه اسلام و افغانستان [illegible] و مصیبت مملکت [illegible] افغان هزاره و عموم [illegible] تمام [illegible] مانند فرزند [illegible] اسلامیه [illegible] و مملکت و حکومت خود [illegible] اظهار خوشنودی [illegible] کلام [illegible] خویش و [illegible] در کابل [illegible] خویش کوشش نمایند و [illegible] بکابل [illegible] هر نقطه [illegible] استفاده [illegible] حکومت

گرجوشی اهالی پروره و طیاره های افغان

[illegible]

یک طیاره [illegible]

[illegible]

نمایش طیاره های افغانی در حضور جمعیت

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 204 of 524

قواعد و ضوابط

این جریده بروز یاد تعطیل در کابل بکروز نشر میشود — دیگر معلومات در مطلب بغلطی ها میکوده — امور تحریریه بنگارنده حقیقت.

ارسال و مقالات داخل در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آزاد است.

اشتراک توسط خزانه دولتی و صول قدری از همجا قبول در یافت

مدیر
نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

	قیمت به روپیه کابلی	
	۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۹	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

مقاصد گزیده . ارشاد و تعلیم ملت — برای افکار و تحیی اهالی بیداری و احیای اسلامی و شرق — تحکیم مودت و اخوت دو

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل دوشنبه (۱۴) میزان ۱۳۰۳ شمسی مطابق (۶) ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری | شماره (۴۴)

تشکرات وزارت حربیه از الطاف حضور معین السلطنه

وزارت حربیه بوکالت دادست که در نظر عسکر طفره بر و قارمین خویش بخدمت ذی حرمت جلیل جناب اجرا کاسردار عنایت الله خان (معین السلطنه) تقدیم نامه که تا کنونها یکطاقه دوربین نهایت اعلی قسم (گرز) جرمنی را که برای صنف توپچی بسیار مفید و کارآمد است ارسال فرموده‌اند این دوربین بالاکه دو پایه تعبیه شده بست دور و مقام مرتفع خود داشته دوجیکه گویا حقیقت دارد که مقصد توپچی از میان سنگر گذارده بدون انکه بالسر است [illegible] بالا آورد لطرف موضع مطلوب بالاتر سنگر بگذارید خوب حکما را تحت کل ترصد کرد معلومات موقع مطلوب مفید ساخته و ارتفاع و زوایا و انحراف حوادث دیگر معلوما مفیده توپچی را ارائه کرده توپچی حکم میدهد که آتش کند بجه و آتش خود را تراخی کرد موضع مرور نگاه توپچی بوجود می آید بدانند و سنگر برای تو مادران مرصد خود این دوربین حالی بیکند که در هیجر بکار آید ازلطف مطلوب وی

حکم آتش میدهد فقط ختم

عده از باشندگان سمت جنوبی اسلحه حکومت را واپس میدهند؟

نامه نگار ما از لوگر قطراز است که چند تن از کلان شوندگان التمور حجری تفنگها غور دار و تفنگ سه تاره بر لوده و چند سرچ زرنج جنبه اسل رسپتی باردوگاه نظامی مرکز منصبداران بزرگ عسکری با حاضر داشته عرض بردار شده که این اشیا را در موقع فتور از عسکر با خویش گرفته بغرض نگهداشت بخانه برده بودیم اکنون چنان شرعی میدیم که این امانت حکومت را بشما و انرس تسلیم کنیم

منصبداران نظامی با تبر یا ممدوح الذکرا ذوات . . . تسلیم شده تصدیق و ترديد انها چیزیکه گفت بست

حقیقت . . . سیر دین بو ده ماحمد جان نا مداران علوی خود چیز یکه گفتن را لازم نمی بیند سرا که ناظرین کرام خود شان چون را بجا بیت ظهور دارد نتیجه با عطا خود را بطور فوری بخیر بر آورده میتوانند

نصرفا بیجای اخبار پا ونیر

محاظر گلکو انگرین اخبار بیجا با ونیر ختر و دا باد و

اخبار مطبوعهٔ ۱۹ سنبلهٔ وجیف شئون اطلاعات را بنام جریدهٔ حقیقت قلمبند کرده در آن از نصرت و تجلیات استرجاع داده است که در جریدهٔ حقیقت، هر چند تجسس نمودیم اثری از آن نمی‌یابیم. بخیال ما که مدیر دانشور اخبار یا خودش در آن [illegible] کرده بنام جریدهٔ ما در اخبار خود انتشار داده معذور است. اغلباً خود شان زبان فارسی نخواهند دانست ترجمان او [illegible] مجرای خدمت خود وسیله تمویه انداختن روزنامهٔ مذکور ضمناً بعضی جملات را از خود در آن افزوده است و یا اینکه [illegible] و همچنین ما سعی خود شان را بند تر از [illegible] الاعلی دقیق تر از کرام الکاتبین می‌پندارند و این جملات را برای [illegible] جای در ساله داشته است. نظر بعبارت [illegible] خاطر ارباب جرائد است این مقطار خود از اشاعه قصدا در اینجا درج گردید که با حقیقت و صحیح خواهش [illegible] که جرائد علمی باز در بین بر این موجبات تصحیح دقایق طرفداری تکمیل آورده شود.

بیک نظر سرسری بر قرارگاه انتظام قوت جنوبی

درین روزها خبری که جالب توجه ناظرین کرام و قارئین ذوالاحترام باشد در سمت جنوبی تازه بوقوع پیوسته است الله برحمی ازار اطلاعاتی که بما درین نزدیکی ها رسیده [illegible] تا حد جمعیت افتتاح کوتل [illegible] و فتح میدان خود خداوند متعال شده است درسرتاسر آن و همگی آرام و امن امان بوده تمام قوای نظامی بجا قرار دارند و ولایت که وزارت حربیه آقای شاه ولی خان حضرت غلام نبی خان و دیگر منصبداران شجاعت تمکین عطا نموده است که همه اقدامات بجا شدند.

در دو روزی اطراف آن نیز از مساعیات آقای عبدالاحد خان و آقای عبدالوکیل خان ناظر و حضرت محمد سمیع خان و دیگر منصبداران نظامی کاملاً امنیت بوده درین ایام واردات [illegible]

و دیگر جاها عدالت آوری ابتدا در آن اطراف و [illegible] بنظر می‌آید و آنها نیز بر طبق هدایاتیکه در مرکز [illegible] دارند مصروف است تحدیدات مفوضه خویش می‌باشند. در غزنین و ملحقات آن نیز از انتظامات حضرت عالی وزیر صاحب جلیله و اهتمامات [illegible] صاحب محمد عمر خان و آقای عبدالحکیم خان حکمران غزنین و آقای دوست محمد خان [illegible] ناظر و آقای گل احمد خان بعد خوشی و خرمی اطلاعاتیکه موجب شگفتی دوستان باشد در آن منطقه درین ایام رخ نداده است و قوای نظامی آنجا نیز بر طبق اطلاع و مسرت که از مفعولین بگوش داریم مصروف تعمیل و اجرای آن هدایات و پروگرام آنکهان از دو ارتباط بهم پیوسته است.

در گردیز نیز حضرت عالی وزیر صاحب و باعسکر مقیمهٔ آنجا در شهد بجا آوردن آن هدایات و احکام نظر می‌آیند که اعلیحضرت محی ملت افغان بدو شان امر فرموده اند و چندی قبل برین بر دو خوار [illegible] نسبت بقوهٔ آنجا آقای محترم حبیب الله خان معین وزارت حربیه از کابل با خود بحضور وزارت پناهی برده است و از اطلاعات تازهٔ مفعول در گردیز و ملحقاتش نیز خبر تا حال اثری (بفضل تعالی) مسموع نیست.

بجاجی و جگنی نیز از حسن انتظامات آقای اجل علی احمد خان رئیس تنظیمیهٔ شرقی و حسن مساعی حضرت محمد صدیق خان قوماندان و دیگر منصبداران نظامی آنجا خیریت و امنیت کلی بوده بعد از فتح میدان خولہ بیچ یک پیش آمد ناگوار [illegible] عائد نشده است و تماماً با یک معنویات سلامت و احساسات و تحول [illegible] در تعمیل و بجا آوردن آن هدایات امر و پروگرامیکه با آنها نیز بدین

اعلان وزارت تجارت: برخاطر عموم افراد مقیم افغانستان و دوائر حکومتی [illegible]

...دیگر از مرکز هم رسیده است مصروفیت دارند.

قوای خوست وارگون با نیز بیکار
...نبوده در صدد پیکار و حمله بردن بر باغیان نابکار متحق
...ات اوامر خبرآورده مندرجه خود میباشند.

اطاعت سلسله جنبانان غدر و معذرت اهل البغاوت

اعطای برغمل و تقدیم توبه نامه

خبرهای تازه واطلاع مجدده میرسند که عدهٔ از بغاوت
...ی نکات سلسله جنبانان معاصیت جنبان در صدد اعطای برغمل و
...ن بحکومت تقدیم نمودن توبه نامه بحکومت عادلهٔ خویش بوده با جرگه
...ت و بر زیده و کفن های در دیده و کمان های حمیده حاضر شده
نوده از بدست حقانیت پرست حکومت تسلیم.
...ذریعهٔ جرگه راضی هستند که حکومت باطاعت حیات
...ایات ... سلطنت انب شان اطاعت پذیرفته و براصلاح
...شان بدو شان آمده ان بدو شان ارزانی فرماید بعضاً
...بغرامه مقصر کردار شان برساند زیرا درین مورد حکومت
...عامه را بر طرف تقربات شرعیه توجهیم کرنسبت
...روزه از بغاوت و ضرورت پیشه ما مقرر هست تعمیل داد
...نازهٔ عفو القیقت.

...قصد تا چنانچه بعضی از نفری الحمو آغاز کرده اند باعطای
بعضی بنیاسی که آنها را از اموال حکومت
...ات آورده بودند از آنهاست حضرت اجل تحت غرحاجب
...وحسن مرام مشرقی بمضمون پیام داده اند که در اطراف جای
...دیگر منصب است بعضی شقاوت پیشگان بیبیار عذرو
...بوده بعد ملت بلیه و ساقی را که برده بودند حاضر میکنند.

...ات سابقه و در بیان شنیده میشود که عدهٔ از بغاوت
...و بعد او در هر مکلی که جمعیت از برغمل با شاخرا النفوذ حیثیت
...آنها تیر رئد و خیانت از افعال و اعمال اتیه خویش بخرد

قوماندان معظم آقای محمد صدیق خان اقدام نموده
و مفرزی الیه ان مسئله را موقوف بتصویب و تیلیفون
تنظیمیهٔ مشرقی و وزارت جلیلهٔ افغانی نموده است.

و هم یکی از نامه نگاران ما منسوبیدکه آقای
شاه ولیخان و غلام نبی خان و عدهٔ از منصبداران
منظم و قوای منظم لوگر بنزد ماقامه و اراده کرده
گاه نزخواه امروز رفت و نفاذ احضرت عالی وزیر صاحب
حربیه بصورتیکه با تحقیقاً از نام ان اطلاع نداریم با قوای
منظم چند سرکوبی و گوشمالی یک عدهٔ از بغاوت پیشگان
سمت جنوبی اعزام شدنی میباشند و حضرت محترم
آقای محمد عمرخان لوامشر از غزنین در صدد تشریف
آوردن باطراف و نواحی لوگر برای ایفای
بعضی از خدمات میباشند.

وهکذا مسموع هست که آقای (۴) فضل احمد
غند مشر با یک قوه کفید از گردیز بصوب میدان خود
بصورت قوة الظهر افواج ظفر امواج مقیمهٔ آن نظام
اعزام شده و در عرض راه در هر موضوع و هر محل از طرف
ملت نجات مورد تعظیم و تکریم گردیده تمام از سپاه پرستان
اسلامیت بنیان حکومت امانیهٔ خویش گذارده
با نواع معذرت و اقسام ندامت خواهشمند معافی
و مسلوضیابی باطاعت و انقیاد حکومت افغانستان اظهار آمده
شنیده میشود از اسمای بسا کسی زرمت کاملو بعت نامه ها
نجابت رفت آورده و معذرت نامه حضرت خادم شانبرده رجال
اعتبار حکومت تقدیم نموده قلباً خواهشمند شده اند که طریق اطاعت
و انقیاد حکومت را زیب گردن روان خود ساخته
اطاعات موصوله تمام ادر تحت نام از عبدالله عمر از
... لکه و رفیق و بنگ آن ... اثر و خبری نداده نموده اند
آنها باکید مقام محمد جان ... بسته اند بدارا ه مقربین حفیار کرده اند
(والله اعلم بالصواب)

...وود وامرک های جلیلهٔ افغانستان واضح باد. هنوز شرکت اسلامی وشرق که بنام شرکت اسلامی همراه

همیخواهیم از درگاه حق تخریب اعدا را

(از احساسات اسلامیان سمت مشرقی)

الا ای قوم جاهل تا بکی عصیان و نادانی
همه مغضوبیان تحریک شاه خود واقف شد
بلی هر کس بقدر خود سزا کرده می باید
چو از طاعات شه طغیان نمود مسکل باغی
چو نخچیران صحرا از دمان خون بجوش آید
اگر چه شاه ما یک قطره خون از گردن ملت
ولیکن غیرت افغانی و ننگ مسلمانی
چو کیکان قهقهه زن در کوهساران ان بخاید
به قانون وفاداری عمل شهرهٔ خود
طرفداران سمت مشرق و اعیان سمت
ز اطراف کنرها و جلال آباد و شنواری
همه یکسر باخلاص کلی باسلحه آید
عموم ملت و هم قایدان عسکر شرقی
ز سر تا پای هر یک را سلاح جنگ می شاید
اگر آن شور بختان از سعادت روی بنماید
شود ملبوس الطافات و خوشنود انور شها
اگر از کوه اغوا و ضلالت سر برون نارد
همیخواهیم زدرگاه خدا تخریب شیطان را
بلی تحریک شیطان است عالم همگی داننده
گر استیذان شه آید به تخریبات نمردم
مرا از غصهٔ هر لحظه خون اندر گلو بندد
اگر صد جان مرا باشد بصد بارش فدا سازم
خدایا دیر تر داری بقا حضرت خاقان
مظفر باد این دولت چو بستان ارم هر دم

که آمد در تموج بحر خشم پاک یزدانی
که مورا ن و باطل این شورپشت طغیانی
قدح بی کو فتن یابد که تا تقریب سلطانی
بود واجب که یابد سرزنش فرقهٔ طغیانی
کند قصد قتال شیر غرا نراید انانی
به غرت دوست تر دار در صد لعل بدخشانی
کنندش مستعد از بهر توبیخ سلیمانی
برای طعنه باران کند او سینه بریانی
نموده هر کسی خوان یمن ننگ مسلمانی
بمیدان برو آورد اخلاصات پنهانی
مومند و کامه و لغمان و آفریدی و خوگیانی
که بیاز دجان فدا سازیم با امر و نهی خاقانی
بیک تنظیم خوب آراسته است عسکر قانی
معین ساخته هر یک برای جنگ میدانی
رسن در گردن که در دهن آرد نشیمانی
کا یزد عفو میسازد خطا و سهو انسانی
در آید زیر شمشیر سیاست گاه خاقانی
کا اندازد درین ملت بحر کهای شیطانی
که از عبدالکریم آید چنین افعال حیوانی
بیک دم می نهد تعمیر او شان رو بویرانی
ولی پابند تعلیم ندارم وقت چندانی
چه حاصل جان همیخوی درین نقش هیولانی
بحرمت مصطفی و غوث اعظم قطب جیلانی
ز شاهنشه حکمرانی ز محمد گل اشنا خوانی

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و بدیگر مقامات در هر پست متعاقباً ارسال میگردد.

امور تحریریه بنگارنده حقیقت ... رسائل و مقالات واصله در اداره ملاحظه جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد است.

اشتراک بتوسط خزانه دولتی و قیمت نقدی از جمله [illegible] میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل صفحات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	[illegible]
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

حقیقت: ناشر افکار سادات و علماء و طلبه
مقصد: [illegible]
تبادله: با جراید [illegible] و شرق
قیمت یک نمره [illegible]

حقیقت
۱۳۰۳

جلد اول کابل چهارشنبه (۱۶) میزان ۱۳۰۳ شمسی (۸) ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری شماره (۵)

تهنیت مقدم جلیله حضرت محمود بیگ خان وزیر جلیله خارجه افغانستان بدار السلطنه

افغانستان سعادتمند است که امروز روزنامه جریده برکت بلند ... بر عزت در نظر یار و اغیار جلوه انداخته است. از بس جریده و جدید شماره زیبا اختصاص یافته است که در اعلاء قدر و حیثیت این خاک فرحت انگیز و این سرزمین ... از سرجان و مال و اولاد خویش در گذشته اند.

بلی عزیمت او و لوالعزم آخر کار مانند شاه بود که اسباب تزیین یک برتر خوشتر او را کشیده و غازه ترقیات عصر حاضر تزئین آمیخته بسیار مزایا انداخته است.

برادران با کاوت و صاحب اجرت نهایت واضح و روشن است که این سرزمین گلشن قرین با یکدست قدرت در طبیعت او را بنظر سلوک ورزیده ... حرکت جنان خویش ... در افتخار یعنی در اعظم قطعه حسینه بر اعظم آسیا و برای راحت ... موضوع و مقرر گردانیده است ... عصر حریت ... قطعه ...

چنانکه ... در دول عالم ... یادداشت در هر طرف جوانب آن ... داعیه سیاسی نداشته نبود با انواع ... گوناگون مصائب و تالمات ... گرفتار بود.

الحاصل این مرض ... محتاج طبیب دانشور و حکیمان فضل و هنری بود که از مضیق گمنامی دو چار بدها و دورا بساحل ... رسانند تا آنکه از فضل عمیم خدا کارساز و علیم ... در دوره ... عهد علیحضرت غازی الجنان ... متور الفکر که اکثر ... فقید العصر و وحید الدهر جناب عالی محمود بیگ خان طرزی را ... نجم سیاست ... و داد ... عزت خود بالله و خاک ... علاوت خیانان و دشمنان ... از خیالات عالیات و افکار ... خویش باشند.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 209 of 524

اگر با ترقیات موجوده افغانستان نظر اندازیم
بی تکلف و ریب صد در صد (۵۰) حصهٔ آنرا از یمن همت این
عالم فاضل دانسته باقی اثر بر سایر کارآگاهان که
امروزه روز با آنها از خواه و خادم افغانستان می نگارد
تقسیم خواهد رسید. این ذات مجسمه صفات همان
ذات مبارکیست که در هنگام مسافرت و شباب خویش
افغانستان را نامبرده خواهش دُر برداشت انواع صدمات
و آلام آنرا صاحب عزم جزم شان همه روزها باب
اشخاص بیگانه قدر و حیثیت افغانستان بحث را نمی نمودند
از دو مفارقت مهاجرتش در باران سیل آه و افغان
بر بستر خواب خویش آرام خود میراند بتسویدات مفیده و
تالیفات مجبه و تصنیفات برجسته شان که در موقع
مسافرت ارقام سعادت رقم شان اثرات حمیده آنجمله
جنونند در وطن اصلی شان (کابل فرحت شمائل)
طبع را در برکشیده در عالم مطبوعات افغانیه دارای
چهار فوق العاده میباشد هیچ فراموش شدنی نیست
آن خدمات شاندار شان که در راه بیداری قوم و ملت
از مفاکت جهل و غوایت بر در یافته و مدت (۸) سال
مهام با لطف تام بر کارانی مرغوب نی اول سراج الاخبار
افغانی را نشر داده اند چنانکه تمام مهام وزارت
خارجه در کوتاه مدت انقاد شالوده و اساس امور خارجه
حسب تصویبات و نظریات و حسن حکام حضرت غازی
نظم و نسق متین گذشته بیک عرصهٔ قلیلی بسرعت حالیه
نامی افغانستان را با دول عالیه عالم رابط و مربوط
ساخته و در راه استقلال و حریت افغانستان و عقد
معاهدات و معاهدات و مذاکرات بمنفعت ملت
و حکومت خود خدمات شاندار را ابراز داده اند
با تقدیم این شماره از خدمات جانب آنحضرت تا بجهان کرده
را انتخاب نماید بکار آنجه در هنگام امور مهام
خارجه را تکلف کفایت خویش گرفته بودند
بصفت سفیر السفراء در دربار دولت فرانسه
و طرز شان شرف مرا با صورت و معنوی افغانستان

در حیز تحریر در آورده با مجمعه عطف نظر خوانندگان
آورده شان که مجید انجمن انتظام مهام وزرا و خارجه
قارئین محترم خود را از زیب ربت سرا یا سعادت و
هنگام چاشت روز یکشنبه ۱۳ میزان بن جعفر
جناب ماعت الدبیر بکمال فرحت و سرور وارد قصر سعادت
بگرامی گردیده با شفقت چون آنجناب آن منتظرین
دوستان خویش را بمجمع نرگس برای استقبال وجه برای
ایستاده چشم انتظار داشتند یک یک را و شطارت لطف
کارانه را خویش با ابراز مصافحه و معانقه و خوش طبعی
بمروزه عازم کابل مینو شاکل شدند و عموم درز
و مصنفان و مدیران و اعزه و خامه صاحبان نظامی افراد
رفقات و اطلاع تامکه قبلاً از مدیریت تشریفات
برایشان رسیده بود بساعت (۳) در قصر سرور
استقبال را قبلا نمودند ستاره سحر چشم برطلوع آن آفتاب
سما علم و دانش بودند تا اینکه حضرت ممدوح رونق افزای
آن مقام گردیده فوراً الطاف حضور شدند و کلمات
علاوه که از دور شان آمده خیال شان بدیدار گشته
زائل و مقبول ساخته و از صحت مندی حضار تشکر کنان
حضرت بر نشسته اند هنگام حضور محترم کیل خارجه
غیراحمد خاص موضوع شورت دوات نطق بیان
در موضوع تشریف آوردند و خیر مقدم حضار اعلی و نسطر
داخله و مسائل خارجیت را که در وزارت خارجه
سوخته حرج یک بحث گفته ابراز تشکر از حسن
مدیران عاقبت وزارت که در زمان وکالت با وفاداری
و تقدیم خبر بسط کار روائی خوب تان خلاصه نظر انداز
و زارت خارجه بر روی گوشی اعلیحضرت غازی ختم
در اخیر آن جناب علی یک نطق زیاده از حد مسرور
ایراد وقت حیات محبت کارانه حضار عالی و
غازی خواستش مرا احکامات خفائی باشد علوم
گرد گلها بوستان نغمه سرائی میکند کلمات ایراد
خوانده گردد در عهد افغانستان چه در هنگام بودن
و چه در موقعیکه در پاریس قامت داشتم کوتاهی

[illegible] وزیر [illegible] بخانان [illegible] مفوضه خود و وزارت
[illegible] اظهار صداقت و رزم . بعد [illegible] این خلق را
[illegible] اعلیحضرت [illegible] خطة [illegible] شما را [illegible]
[illegible] باصرف [illegible] و جای [illegible] بجلالت [illegible] گفت
[illegible] معموره [illegible] الاقرب ساعت [illegible] حضور [illegible]
[illegible] بسرعت [illegible] اعلیحضرت [illegible] و آقای [illegible]
[illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]
سعادت حضور کشا گردیدند .

حقیقت

یا اینکه در ابتدای مقال خویش نظریات خود را نسبت بتشریف [illegible]

[illegible] محمود [illegible] باشد
[illegible] میگویم . [illegible]
[illegible] باشد
[illegible] باشد
[illegible] باشد
[illegible] باشد
[illegible] باشد

درختِ عمرِ عدو را بریز برگ و ثمر

بهار رفت خزان رسید بر سر کار
بانعدام عدو مشتعل برق مایه نور
بضرب تیغ بفشرد گلوی اعدا را
درخت عمر عدو را بریز برگ و ثمر
به نزد آنکه شوی سرخ رو بنزد خدا
به نور خور خود بر فروز کشور خویش
بقتل منکر باغی بعزم راسخ باش
رفیق و رهبر طغیان کفر و عصیان نه
چو آتش غضب و قهر را کنند محسوس
بامر شرع خداوند خویش منقادم
ولی چو امن ببیند و سرفراز شوند
گهی بلوگر و گاهی بغزنی و وردک
بجاهلانه خیالات خویش مستغرق
هزار چال و هنر را از آن برانگیزند

بگیر همچو خزان عمر باغیان بحصار
که برق تیغ همین حرف میکند اقرار
مده بدشمن دین نبی مجی زنهار
وجود ناکس شان ز السو بتر مر او
زخون خصم ره بر را چو لاله غرقه بساز
بصبح تیغ بهم دوز آن لب شب کفار
که نیست بود ازین قوم نابکار بکار
بلو ملکت خود وجود شان بچه کار
بآب دیده فغان میکنند استغفار
کمینه خادم شاه جوان برخوردار
بلفظ خویش برنگی کنند تکرار
برای داره دزدی چو مار پر آزار
بهر نوائی یک پیسه بدرند آزار
که برحکومت ما نیست غیر عدل شعار

[illegible]

درین زمان که چو موش امیان غار روند / بجان میر شان آب تیغ بین عنا

قبای هستی شان را ز کفن نما بکنید / که در میانه دوزخ مگر شوند اخیار

انار نار جهنم نصیب شان سازید / که بوقت فصل بهار و نخورده اند انار

چو سیب سرخ نمائید گله را از خون / چو شمس نقره زده همیشه دین احمد مختار

زکار راز نبوت مآب یاد کنید / و یا ز همت مردی چار یار کبار

بدور امن و امان لحظه نیاسائید / که نیست امن مسلمان ز قاتل هشیار

بغیر جنگ با عدای دین پیغمبر ق / برهزنان ترقی خاک عشر تبار

دمی امان نه دهید این گروه باغی را / که به بود سر جاهل عزیز من به دار

زتیغ تیره و میدان جوله بهر جناب / رسید تا بفلک نعره های گیر و دار

بجان عسکر جرار قائد ابن غیور / چه شکرها که نگفت ملت نکوکردار

بفکر شاه دگر قائدان روشن فکر / هزار تبریک و تحسین همی کنند نثار

چنین دلیر و شجاع باد در وطن دائم / برای روز وغا همچو شیر نر سرشار

خموش سرور ازین حرف باد گر اسرار / که نیست در خور توصیح عسکر جرار

(حقیقت)

سرو! این شعر روشن نخواهد ماند / شام هجران به سر نخواهد ماند / زین خیالات تو منعم سرور / ما لدات بی اثر نخواهد

آفتاب امان دمید و دیگر / ظلمت شب دگر نخواهد ماند / دیدم جوش ملت و عسکر / بنخل ابی ثمر نخواهد

ملت آگاه یاغی شان گردید / جان شان بجز خطر نخواهد ماند / با غیان یاغی بعمل داوند / همه گر خیره سر نخواهد

جمعی از عفو خلعتی پوشید / جهل شان کارگر نخواهد ماند / خبر منگل نبوده حیثیتی / زین بغاوت ثمر نخواهد

دست عبدالکریم باد خبیث / مکر شان بیش و در نخواهد ماند / در دگر بر چه های مانگر / کر خم و بیخ اثر نخواهد

فکر یاران وطن اگر خبر / هم صفت بی خبر نخواهد ماند / غیر تاثیر کی کنکاری / دو شب تا سحر نخواهد

(در شماره های آینده ما)

خبر رود دیگر قطعه از افواج ظفر امواج ولایت قطغن و بدخشان که الیوم مع الخیر والعافیه رسیده اند ....

درج از خبرهای دلخوش زرمت را که قرارگاه حضرت عالی وزیر صاحب حربیه است با صورت فتح مفصل میدان خواد ...

... از مردم منگل و حوالی زرمت خواهی بعضی از اقوام مطیعه ساکنه میدان را ملاحظه و انتظار کشند که بعد الوصول ...

درج و انتشار می یابد

قواعد و ضوابط

این اخبار اعلان را آمد تحصیل در کابل گرد بعد
نشر میشود و دیگر مقالات در هر سه ماه
ارسال میگردد.

امور تحریریه نگارنده حقیقت
ارسال مقالات و اصول در اداره
جریده در اندراج و حک و اصلاح و عدم [illegible]
آزاد هست. اشتراک توسط خزانه
[illegible] قصور نقد علی [illegible]
قبلا دریافت میشود.
نگارنده برهان الدین کشککی

نرخ اشتراک

تعیین اماکن	قیمت به روپیه کابل	
	۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

مناظر حقیقت از سادات و علما و طلبه
مفتا. برای کتابها و مجله‌ها
تبادله. با جراید و شرق
قیمت یک نمره [illegible]

حقیقت
۱۳۰۳

جلد اول کابل شنبه (۲۱) میزان ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری شماره (۹)

ای قوم اگرچه سنگ جفا بر دلم زدید — این شیشه شکست هنوز از وفا پرست

غیظ و غضب وزارت حربیه افغانی و رحم و شفقت اعلیحضرت امیر معظم غازی

بازطیاره‌های مسلح بعوض گله‌های آتشین، فرامین ملاطفت و شفقت آگین میبارند

یکی از کرم فرمایان محترم بما حکایت میکند که دو سه روز بعد
ازین وزارت حربیه تصمیم نموده بود که چند دسته طیاره‌های
مسلح افغانی را بهمراه دیگر آتشین تباه کن علیه از اقوام سرشور
بطرف سمت جنوبی مخصوصا بر اقوام منگل ریزد
درین خبر اثر کرد با عیان و شرارت پیشگان حرفی [illegible] ارسال
نمایند و هر یک از ایشان نگذارند که آنها جاده بغاوت و مخالفت
بوده بعنوان (الاسلام تحت السیف) [illegible]
تباه ان دسته بگردند از جوه نظامی و حمله عسکری بر او روی
آنها از راه صلاح و سداد آورند. این اطلاع رسول
بحضور شفقت ظهور پدر معنوی افغانان اعلیحضرت غازی

امیر امان الله خان سایه فگن مهربان ملت
اسلامیت افغان جدا ازین اقدام وزارت حربیه آشفته
بسیار شدند و وزارت ازین تصمیم آن باز داشته اند که هر
دلیل خاطر سیلاب شواهد عرض کنایه از جهالت و اغوا
بیگناهی آنها بعضی طور که در عموم ظاهر و عیان است رنجانیدن
مخصوص بود و بیاد داشته رطب (الخلق عیال الله). آخر کار
حکم دوام دادن است به وزارت حربیه تصمیم و حکم
که اعلیحضرت غازی (الا ای کوفات علی ساحت تباه [illegible])
در مصر [illegible] جهالت و اغوا و شیطنت آن دسته اصحاب
[illegible] (الا الاضلاع و المقدر) این فرامین قطع نموده اند.

بالآخره زیر طیاره‌ها آنها خسارت دیگر مثل آتش‌پاشی که به جانهٔ بسیار عالی در طیارهای افغانی محمول شده بود ... (۲) داده هم را به آنها با اجازهٔ وزارت حربیه ... گذارده بعوض دیگر بمبها و مواد آتشین شفقت‌نامهٔ مرحمت اعلیحضرت غازی را در حالیکه ذات همایونی بزبان حال آن شعری را که بارها مضمون از طرف خود نوشته‌اند بحضار حالی نموده بر طیارها داده‌اند که برسانند کاین جهان از کلکم.

نقل شفقت‌نامهٔ آخرین همایونی

خطاب بافراد یاغی و سرکش و اشرار غداوت شعار

ای قوم فریب‌خورده بدبخت، ای گروه جاهل غافل که بعضیت مدتی باصلاح حال شما چه سعی کردم و کوشش نمودم که شاید پردهٔ ضلالت و گمراهی که دیدهٔ بصیرت شما را کور ساخته از نصایح پدرانهٔ من زایل و بر طرف و آتش قتل و قتال که از دود آتش فتنه و فساد و تحریک دشمنان دین و دولت تیره و تار گردیده بصیقل علاج و مواسات انشقاق و زدوده گردد. بدبختانه اغراض مغرضین و تحریکات دشمنان دین مقدس اسلامی و دشمنان دولت و آسایش و راحت تان بر شما اثر کاری کرده این همه سعی و کوشش من را بی‌اثر نموده دیده و بچشمان خود حالات مخالفت کارانهٔ خود تان را و قیام نمودید و برادر و مملکت تان دیگر صبر و تحمل نمانده بایستی او را رسانیده که همین بودی چاره ناچار در قطع و القطع یک عضو فاسد شده خود اقدام کنم و از سر قوه عسکری افواج قومی نظر بر استیصال و اضمحلال اطراف شما حرکت کرده‌اند. اما چونکه دفاع از دشمنان حاجی خود اند و هنوز بیست در مقابل شما صرف نماید بلکه طیاره‌ها را آتش‌بار که چندی اثری فرا راین [illegible] مرحمت مرا بشما بود امروز با نداختن کاغذ الآخره پرواز آمد.

آخر شما هم از قوم من هستید که به نظر محبت و عزت شما را می‌بینم و نسبت بدیگر اقوام افغانستان شما را در مقابل دشمنان دین یک سد آهنین می‌پنداشتم، وای بر حال فلاکت اشتمال شما قوم نادان !!!

این آخرین نصیحت و تنبیهی است که بدر بانی اعلان بر شما ختم و اتمام حجت نموده و اخطار نایب و سرزنش شما است که این طیاره با جنگ بمب آتشین خود را بالای شما برتاب نکنند چون روز ... در ۱۱۱۰ در پر جریده ... از معنی قوانین براه شرایعت عذر خود بت نمائید و طریق سعادت اولی الامر خود تان را اختیار کرده بر آنکه دست کلان خود مثل مردم احمدزائی و غیره هدایت یافته‌گان تبعیت که پیرو سلسلهٔ تنفیذ شان آنها و دیگر اقوام تا بحال ... نمائید و بسخنان بی اصل و اساس مغرضین و خائنین گوش ندهید تا از پامالی عسکر ظفر اثر ... اگر با این هم بحالات خود پایدار بوده و از کردار تان تائب نگوید بعد از این بامداد خدا و ندا ... مذاکره و مکالمه با شما بزبان تیغ و ادوات گلوله توپ تفنگ بمبهای طیاره‌ها آتش بار خواهد شد که به هر خساره و زیانیکه بشما وارد گردد از جهالت و اعوای خود شما است و من نزد حضرت باری تعالی و عز شانه و رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم مسئول نخواهم بود در هیچ صورت اولاد و اطفال تان از بمبهای خود تاکی از صدمه بمبهای طیاره که آینده نسبت بحالات و افعال تان بالای شما خواهد آمد محفوظ بوده و آنها ضرر و نقصان نرسد زیرا از رحمات حضرت رب العزت حق تعالی و آسایش شما اسبدم شما اطفال شرکت تان چشم است تقدیر خدمات من بسر کشی و مخالفت مقابل من اقدام نمودید من از اولاد شما بخدا و ند تعالی امید قوی دارم که صاحب عقل گردیده تمام گرسنه‌گی اینها از برکت علم حسن و دیانت ... و دفت فتواحدیت کنند و مثل شما جاهل و ظالم نباشند از جهالتی که دارید آنها را بکنار بکشید تا آن معصومان بیگناه از هر هیچ مقدمه‌ای با بمبهای طیاره تلف نشوند دنیا و آخرت مسئول خون آنها خود شما هستید.

حیات عسکری قطغن و بدخشان

روز چهارشنبه (۲۹) میزان در تیرپور حقیقت از قطغن و بدخشان بعمل آمده آقای معظم عبدالعزیزخان بعداز سرپرستی معظم شانرا مجمل وقایع سمت جنوبی در سرکشی و شرارت جنگلی اعیان و مراحم گستری و شفقت پرور اعلحضرت معظم غازی بحث کنان در اخیراز موفقیات مجدده دفعه حاضره برای عساکر ناصره در حرج و خروار و شانک ووردوک و لوگر وغزنی وتیره وزرمت و مناطق خوست و دیگر مقامات بعمل آمده است (وتفصیلات آن در جرائد ما مرقوم گردیده) با دری اعضاء و شمولیت ، بروقت رسیدن قطعه مجاهدت دولت علیه بعد و شانرا تبریک فرموده گفتند که فی الحال تماجند در کابل نه بعد از رفع خستگی راه بمرتبه یکبار لازم شده فرستاده خواهید شد .

دراثر آن یا قادر ، محمد اکبرخان عضو شرا حساسات خود را برستش اظهار کنان عرض کرد که ما برین قوماندان اعلحضرت غازی فرقه (۵) بدخشان از دین خدمت مملکت وسلامت داده اند اظهار تشکر و امتنان نموده خود را برمیدان کمبود موقع خدمت رسیدیم و کمال و آرزو منتظر ما آنست که یک لحظه اوله بخدمت مقرر گردیم انگلیز که بعداز رفع ماندگی خدمتی برای ما مختص میشود ، کلاوه وجانثاران مان که طبعاً در حفاظت و دولت سلامت برای سرکشی رفع ماندگی با در موقعی خواهد شد که با دیگر برادران خویش و دوش بدوش در میدان مجاهدت ورزیده در تکمیل مقاصد حقه اعلحضرت غازی خود را معظم خود کاملاً مثمر بعده بازار آقای عبدالعزیزخان کمالا نصیحت آمیز وشفقت انگیز ایراد فرمودند . مقصد ما که بعداز دعا گوئی با مزید اعلحضرت غازی و دعای ترقیات دین و دولت اسلامی افغان و کل شمع عساکر رسیم (جبیب) و تو سلام علیکم گفته در کمال بجا عمل نموده اجرا نمودند این نمایش تمام شد حقیقت از این احساسات این نوجوانان صاحب خاوران با تمام شیرین مسیح کمال الاسباب تعلیم یافته در بخشش اظهار بشارت کرده و ما موفقیات را برایشان میکنیم .

محاربه در زرمت و شکست اعداء

اطلاعی که از تنظیم زرمت در چهارشنبه و در آن ترس انسانی بر جمع آوری یک گروپ بزرگی از شرار و عام شاه و کوت و عیسی برای مسیله انتظامی و زرمت و منگل بمقصد حمله در آوردن آقا محمد محمود و آقا میرزا خان بن علی خان شفیقی خویش برای الله سخن برای با اعیان اشرار داد و در جبهت شاه کوت بعد از زد و خورد و مجادله طولانی برعلیه شان مغلوب گردیده و جنوبی یک از لشکریان شهادت و در هر دو جانب بقرار ناجزا و وارد آمد علاوه بر کشته و خسته بسیار با عاجلا جمعی زد و خورد و ملحقات شاه تیز زده و دستگیر نموده اند که مسئولیتان با وضعیت سلامت و طرفی با موسکار اند و الی ترو شاه و حمایه طبع شاه تسلیم شده است و دو گور ستاد در عار سکه جنگی قطعه شد .

پیشرفت و موفقیت عساکر دولت در میدان خوست

میدان خوست ۱۹ میزان ان خبر با آقای قوماندان انتظامی خوست مقرب عالی منگلی و موفقیت عساکر سلامت کارانه حضرت احمدخان حاجی سپاه اعلحضرت غازی از میدان خوست اشاره کرده بود در سنجه تمام خوا آمده تا یک یک مرحی زد و خورد و مدافعه با ما و غلیچ بر تمام (ژبیر) که از خوست ۵ میل طرف پیش است رسیده اند . این خبر آنرا به ۱۹ رسید بعد منگلی است که فی الحال به زد خورد با در خوست ملحق شده باشند . حقیقت در خود میدان خوست که یک نقطه لیسا مهم است نیز توپ جنگی ملای ننگ علاوه بر اجرا تنظیمات حکام و دیگر تشکیلات لازمه در خوست مقامات لازم بعمل آورده است .

تشکر از احساسات کاکمیرخان تاجر

بار دیگر را اطلاع ما کرده که حقیقت منزلت آقای کمیرخان تاجر کابلی تقریباً مواد و لوازم برای دستگی های روی جبهه از جنگ ما به طور تحفه برای عسکر ظفر موثر افغانیه خویش را بانام تقدیم داشته است و از نظر حمیه احساسات سلامت کارانه مزبور از روی اظهار معاش حقیقت ، این احساس همدردی و همدردی آقای کمیرخان ....

افواج دار النصرت

در روز یکشنبه عسکری مکمل الاسباب ، از مرات تیموی الحمد و العافیه وارد مرکز گردید و از کمال تفصیل در آتیه قلمبند میشود . نیز اظهار امتنان دارد و از تجار دیگر افواج ما شنیده ایم که آنها نیز همدستی و معاونت با وزارت حربیه خویش نموده مصارف بخواهیم کرد تا اکنون تفصیل تقدیمات شان در ذیل اسم ذیل نوشته است الا از تشکرات او شان در نخود داریم .

بیعت مومنان نفری گر منگل

بجلسهٔ ۱۵ میزان مجرموده باقرائت ساعت نقل بیعت نامه
که عمائد و مشاهیر گر منگل در قرآن کریم تحریر نموده بودند از عدم
تعرض ناطلبی و معذرت خواهی برای منصب از اعضا اخبار نظر
تقدیم نموده اند برای آگاه ارسال داشته است که آن بیعت نامه
مجلهٔ حکومت نامیه در ذیل نشر جهت تسلیت طبیعت [illegible]
دیگر [illegible] خود تحریر [illegible] از خدا و ملا امیدواریم که بسیار زود [illegible]
دیگر [illegible] خورده ایم از هدایت نصیحت [illegible] بدگردید [illegible]
شمشیر عساکر کا مجبوراً راه صلاح و سداد را اختیار خواهیم
واطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم
بحکم آیهٔ شریف طاعت پادشاه اسلام امیران [illegible]
مطابق شرع شریف قبول داریم و [illegible] افعال و اقوال که
از دست [illegible] شده است از آن خجالت داریم و باز
گشتیم [illegible] پادشاه اسلام و دین رسول الله صلی الله علیه
وسلم دشمنی [illegible] هرگاه بعد از این خیال بد پیدا شد تمام
همین قرآن خصم ما گردد [illegible]
سرکاری [illegible] باشد [illegible] هرگاه [illegible]
و با ایمان [illegible] همین قرآن خصم ما [illegible]
حاکم والیات و دیگر مقررات حکومت دولت را هرجا که [illegible]
بجسم و جان قبول داریم و خود را خدمتگار دولت اسلامیه [illegible]
و هرجا که خدمت دولت اسلام و دین شد [illegible]
و کلان [illegible]
ملک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صلاحیت از تمام سمت جنوبی [illegible]
بعضی [illegible] ... ایم که [illegible]
مطیع [illegible] پادشاه اسلام قبول دار [illegible] چهارشنبه (۱۵) میزان ۱۳۰۳

معذرت خواهی و ناطلبی علما از مردم [illegible]

بروز [illegible] (۱۵) میزان [illegible] محترم [illegible]
المعروفه [illegible] قیادت آقا محمد عمر خان [illegible]
این سمت قرار امر [illegible] جریده گردیده بود الیوم
العاقبه [illegible] آقا [illegible]
صاحب [illegible] محمد [illegible] متقابل [illegible]
و بدایام [illegible] معذرت [illegible]
عمائد و مشاهیر [illegible] مقام [illegible]
و [illegible] دولت [illegible] حضرت وزیر صاحب
معذرت و معافی خواهی حاضر شده خواستار عفو و مرحمت حکومت [illegible]
و تشبثات که [illegible] حکومت اسلامیه [illegible]
اظهار خجالت و ابراز ندامت نموده بعوض خیانت [illegible]
آینده خود و تسلیت رجال حکومت [illegible]
و [illegible] خود را [illegible] بیعت نامه [illegible]
با حضرت عالی وزیر صاحب حربیه جناب [illegible] خان [illegible]
مذاکرات در رفع غلط فهمی [illegible] نموده و [illegible]
بجلوه [illegible] امر و بیعت [illegible] معافی خواهی [illegible]
حکومت [illegible] و [illegible] بوده [illegible]
آورده اند [illegible] شفقت [illegible]
نفری [illegible] خیل و صالح خیل [illegible]
بحد [illegible] عساکر [illegible] افغانیه [illegible]
کور [illegible] و اطفال [illegible]
و اطفال [illegible]
حکومت [illegible] شفقت اسلامیه خود را انتقام [illegible]
اینک [illegible] صاحب [illegible] تسلیت [illegible]
قوم [illegible] عقب شان بوده عنقریب [illegible]
[illegible] حکومت اسلامیه شان [illegible]
آورده باز آغاز [illegible] پیشرفت [illegible]
[illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز
نشر میشود و دیگر مقالات در مربوط منتظم
ارسال میگردد، امور تحریریه بنگارنده
حقیقت ارسال و مقالات واصله
اداره جریده درج و اصلاح و عدم
نشر آن آزاد است، تنبیک توسط
خزائن دولتی و مقصود نقدی
از مرجع قیمت دریافت میشود

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت ۶ ماه	قیمت سالانه
کارکنان کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجی	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

مقام نگارش، از سادات و علماء و
معتمدین و کارکنان عمومیه
نصف، به محصلین مکاتب اسلامیه و شرقی
قیمت تعیین شده از سر کرسی برده

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

۲۷

سال اول کابل چهارشنبه ۲۳ میزان ۱۳۰۳ شمسی (۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۳) قمری شماره ۵

امتنان اعلیحضرت محبی ملت افغان از کارروائیهای آقای احمد شیر خان

حضور موفور السرور اعلیحضرت معظم غازی علاوه از صفا عهد و وفا
وفرزانگی متعدده که دارند مخصوصاً تقدیر فدکاریهای زیردستان
خود به درجه عالی العال میفرمایند و بمقابل هر ولایتی که خدمت
و زحمت کشی کرده از طرف یکی از خدام واخلاص کیشان صادق و قهرمند
در راه وطن و مملکت و دولت در راه رشادت و نجابت بعمل شود آید
به تنظیمات سرحدی آن تاجدار محبوب که دارای این صفات است
اظهار قدردانی و رقت و صداقت در تقدیر مخصوص خود بجای میکنند بیشتر
وافزون دارای اعزاز و افتخار فوق العاده عالی اعلیحضرت همایونی است
چنانچه درین ایام فرحت توام قرار اطلاع عالی که به نشر
رسیده مواجه بود (ج ۰ س ۰ ج) آقا شیر احمد خان
رئیس شورای دولت را نظر بکارنامه های برجسته اجرا
فرموده این که فعلاً بموقع ریاست شوری مورد تحسین گردید
تفتیش و تعدیل نظامات دولتی و اساسات قانونی در
تحقیقی امر مقام اعظم که فی حیثیت الله علیه و در دیگر بقا
و نسخ و لوازم آن ذات عالی فرموده اند بهم در پیگان
جلالتمآب معظم مستشار المالک به موقع وکالت وزارت
خارجه علاوه بر القاب مخصوص خویش به برادر شده اند بشان
وشان سرداری عالی اعزاز با فصاحت اعتبار کرده اند شیر
از خیر و روکاری و صداقت کیش اعلیحضرت معظم غازی خوش
اظهار رعایات داشته - بار دیگر بر این مرحمت اعلیحضرت
امیر معظم خود که بهم شان بوده مخصوصاً شاعطا و عنایت
فرموده اند تحریرکنان تبریکات جانفزا خود را که این
مرد بحضرت سپاهیان ثبوت و وفا ادا میکند تقدیم مینماییم!

نقل فرمان

نشان فخر نشان سرداری عالی از حضور
اعلیحضرت پادشاهانه بتاریخ جشن استقلال
وخیرخواهی گریج، ج شیر احمد خان رئیس شورای دولت که
وکالت وزارت خارجه را بکمال نیکوئی و بر حال جدید محبت یاد
مزید دولت خود ابرانمود عطا و احسان فرموده ام که الی آن
و الاولاد نماید و سرفراز بوده دارای القاب حسن نیاد اعاده گی و موجود
اعزاز و تحریر شود بتاریخ ۱۵ میزان ۱۳۰۳ دستخط همایونی مبارک

از حرف خویش دریغ نکردیم چون قلم ❊ هر چند دل دو نیم بود حرف ما یکی است

[این قربان شفقت توامان را تیر محرر حقیقی بخانان اعلیحضرت امیر امان الله خان بمقابل آنچه جوش و خروش [illegible] گرفته [illegible] اقوام [illegible] دولت علیه [illegible] در ماه [illegible] سال [illegible] [illegible] بخانان [illegible] نصیحت [illegible] که [illegible] که ماده [illegible] اعلیحضرت غازی چنانچه عادت [illegible] است [illegible] خلاصه [illegible] که بنقطه نظر شان تنحیر [illegible] و تالیف قلوب و توافق روحیات ملت است درج می [illegible] - حقیقت]

نصیحت نامهٔ آخرین قهرمان افغان بر قبائل جدران

اقوام نادان شقاوت شعار جدران!

تا این زمان هر قدر با شما از در سرور و مدارا پیش آمدم خواستم بشما [illegible] و صلاح سود مند شمارا بحرکات نا [illegible] کرده [illegible] [illegible] خود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اصل و اساس اشخاص مغرض و دشمنان دین و دولت [illegible] دولت [illegible] شما [illegible] خارج کرده شما را [illegible] بحرکات جاهلانه [illegible] برباد [illegible] منال [illegible] روزگار [illegible] عالم اسلام و [illegible] اقوام [illegible] افغان [illegible] خساره خود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و افواج قومی افغانستان [illegible] [illegible] و جلد [illegible] افغانیت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رحمت [illegible] دشمنان دین افغانستان [illegible] کرده ام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] افغانیت [illegible] [illegible] [illegible] شما [illegible] [illegible]

[illegible] آبا و اجداد [illegible] و امید [illegible] محافظ ناموس ملکت [illegible] دشمنان دین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرده [illegible] بتحریکات بغاوت [illegible] شما [illegible] [illegible] [illegible] اصلاح [illegible] [illegible] شما امر داده ام [illegible] [illegible] [illegible] بغاوت [illegible] خود شما [illegible] حرکات مخالفت [illegible] در مقابل حکومت حقه خود [illegible] و از اطاعت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] افغانستان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] متأسفانه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اولاد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از شما [illegible] [illegible] [illegible] امید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جهالت تعقیب بدهد آنها را حتی بود و تقدیر رسانید و حقوق تمام
آخرین فصل اصلاح حال اولاد وطن را جاهل عزیزی که خود کوشیدن
با یوقت آخر هم شما را بهدایت و رستگاری رجعت [illegible]
کرده حکم قبول خورده اولاد وطن را تحت گرفته خود را
و خود را بجا صلاحیت میگفتید و از کردار نا مشروع خود با قوم
شوید و بحکومت حقه شان تجدید بیعت اطاعت نماید
و دولت دولت اسلامی که رحمت مردانگی نه کنید و از
جهالت و نه سندگی و بدنامی دنیا و آخرت رهائی بید.

این چند نفر ملا که افغان دشمن خان ها و ملک ها شما
خائن و دشمن ترقی دولت و آرامی شما بجز اغراض شخصی
خود مدعا ندارند و از مال و منال و خون شما معیشت
و زندگانی کرده آنها باید و رخطرات کفر شما [illegible]
دنیا بدعت کلوله توپ و تفنگ مکنید مال اولاد و جمیع
زندگانی نام و ننگ افغانیت شما را برباد میکنند. گفتار شما
چند نفر ملا نادر مقابل تمامی علما افغانستان چه اعتبار دارد
من هم افراد ملت را مثل اولاد خود دوست دارم و نسبت
بهبود آنها اضافه در ترقی و آسایش شما کوشش میکرد
و شما هم اوتی خانها و ملک ها و ملا های افغان را مقصد خود ساختید
بنام وحدت و به دین اعتبار کرده که یک امر مسلم است که قوام
جمیع افغان بحیات خود ثابت و قائم است
آیا شما از همین ملاها و خانها و ملکهای افغان که [illegible]
ما عقیده شما در بدو سلطنت از همه پیشتر بمن بیعت
داده بودند و حال نقض عهد نموده از حکم آیه کریمه
(اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم)
خارج و باغی شده اند، سنگ بدروازه دیگر هستید
دیده باشند بیگدار به جانها و حیات شما مرا این خائنین
از خاطر شما فراموش کردند.

الحمد لله تا امروز حکومت حقه شان بحکم شرع
شریف موافق مذهب حنفی (رح) کار فرما است
و تمام اجرآت دولت بفتوای علمای علام
افغانستان اجرا شده و آینده هم بر اجرا آن که

شود موافق احکام آلهی شرع شریف حضرت
نبوی (ص) خواهد بود.

زنهار عقب هر ملک و هر خان که دشمن دین
و دولت شما باشند نگردید خانی و کلانی اعتبار
حکومت و پادشاهی است آنها که حکومت نه
کرده اند خانها شان بیزار است حرمت اعتبار شان
نیز ساقط شود کسانیکه از خوانین و ملکان و شما رعایا
زود تر از خواب خود باز گشته بحکومت متبوع خود
صداقت اطاعت و بدولت خود خدمت کنند
از طرف حکومت مورد بخشش و عزت و اعتبار
و به جان شما خانی و کلانی خواهند بود، من از روی
خیر خواهی شما از نصیحت آخرین خود به تر خود دار نگردید
اگر بعد از بیان جهالت خود مستحکم و پایدار
هستید، پس خساره و نقصانیکه بر شما وارد
میشود از جهالت بینه خود شما است و من در دنیا و
آخرت نزد خلائق و حضرت خالق جل علی
شانه مسئول نخواهم بود. ۱۰ میزان ۱۳۰۷ (صحیح بحیثیت)

یک نظر سرقرارگاه انتظامی منطقه جنوبی

الحمد لله و بحمد الله خبرت مظفریت

اطلاعات محدوده موصوله است خبر از تمام قراء علاقه
قطعی مسرت فرا است بلکه مدهم که تمام افراد نظامی
جنگیان شرارت پیشه گرداند و خبری نیست و منصب داران
لشکری در تمام مقامات مصروف نظم و تسلیت اهالی
آن علاقه عشایر گرد و نزدیک کوه و ناحیه حکومت
نسبت بحکومت اعتماد خواهند و جبار بجنگل و جبال فرار شده
بودند از حسن تحقیقات دلاوری فخر علی خان صاحب
جرنیل بسیار خود تحت شان طوق اطاعت حکومت
زیب گردن خود نموده بیعت نامه آنها خود را با تحمیل
خویش تقدیم داشته از تقاضات ناحق بر حکام خود خواهند شد.

یارب از فضلت هدایت ده باقوام جهان

([illegible])

شکر لله موسم غم رفت و وقت عشرت است
دشمنان غمگین و یاران صد هزاران فرحت است

طائر فرخنده پی طیاره فتح و ظفر
بر سر اردوی شاهی چون همای نصرت است

از مساعی امیر غازی این میمون هما
بر فراز ملک افغان چتر اوج رفعت است

آخر از عطاف شاهنشاه گردون قهر را
منگل و جدران آن حمد از ایشان راحت است

بغی و عصیان کی روا باشد باهل شرع و دین
بی چنین گم گشته در خورد قوم از رمت است

از برای آنکه از افعال خود تایب شوند
اینقدر تعطیل بهر چه از روی شفقت است

استمالت هرقدر شد صرف از شاه و وزیر
لیک این بدخصلتان از شر و فتن ... است

قائدان غزنی و وردک با لطف دلبری
باغیان از گفت ما را با شمایان حجت است

همچنان گردیز و جاجی و جگنی خوست نیز
گفت او شاز اله العلی این سر همه بدعت است

راه حق پوئیده و ترک معصیت باید کنند
لطف شاه و دوام شمار انشهر عزت است

سعی کردند که تا این قوم وحشت کم کنند
انقیاد شا نمایند که اکنون فرصت است

لیک از بدبختی بسیار این قوم شریر
پند نشنیدند اگر این خبر از وحشت است

دوستان بشنیدند رحم و لطف داران غیور
با وجود آنکه با ایشان تمام قوت است

جاهلان از اشتری از لطف خود نامید شد
زانکه زهر دشمنان در کام شان در ... است

یارب از فضلت هدایت ساز این اقوام را
گر جهالت تهاتشان غمگین تمام ملت است

تیغ شاه نامداران غرق دشمنان
مضمحل کن کفر و شرک کی ... با غیرت است

شاه و فتنار ادرین آخر زمان تائید کن
کز هجوم کفر در اسلام هیجان کثرت است

اختر شرار و در سمار شرع و دین تابنده دار
تا که تابان در جهان انوار شمس دولت است

شرح اشتراک		
تفصیل مقامات	قیمت روپیه کابلی	
	۶ ماهه	سالانه
در کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

در جریده و شرائط

اوراق اخبار و مقاله و امثال آن که بکابل مرکز اداره فرستاده شود و یا دیگر مقالات در جریده منتشر ارسال میگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت. ارسال و مقالات و اصلاح اداره یا نشر در جریده در اندراج و در صحت و عدم انتشار آن آزاد است.

اشتراک بتوسط ضرب الوقتی و بصورت نقدی از هر جا قبلاً دریافت میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

جلد (۱) کابل شنبه ۲۶ میزان ۱۳۰۳ ش (۱۹) ربیع الاول ۱۳۴۳ ق شماره ۲۸

اظهار مسیو واسکولینکوف در بر تحقیقات سیاسیه در افغانستان

در دوره گذشته که افغانستان یکی از مستعمرات امپراطوری انگلیسها بود. در (۱۹۱۹ م) افغانستان آزادی خود را بقوت بازوی خود حاصل کرد. افغانستان موجوده مثل سلطنت ترکیه یک حکومت مستقل است که سیاست داخلی و خارجی آن از اثرات خارج آزاد است. این یگانه حکومت اسلامی غیر عرب است که هندوستان و تمام ... آورده گردن حکومت ... مثل ... که میخواهند. افغانستان تمام مصر و هندوستان و عراق عرب اسارت انگلیس شدند. بر خلاف این مقصد انگلیسها از هیچ قسم سعی فروگذاشت نخواهند کرد. آنها کوشش کردند که نمایندگان سوویت را از کابل خارج کنند و بذریعه اعلان جنگ حرکت افواج بر سرحد و دیگر طریق خواستند که اعلیحضرت غازی را مرعوب کنند لکن هیچ فائده نبخشید.

برخلاف این اقوام آزاد شده شرق سعی بلیغ دارند که خلاف مستعمرات برخود قوت بگیرند و افغانستان نمونه خلاقی این چنین ممالک میباشد. افغانستان بخوبی فهمیده که خودمختاری خود را بدون تعلیم اهالی مملکت تنظیم افواج خود و اخیراً بلکه ضرورتر بر مراسم اتحاد با حکومت سوویت (؟) نگاه داشته میتواند. بنابرین بر عزم را در نگهبانی استقلال خود به پابندی تمام اختیار کرده. در نشر تعلیم مدارس بسیاری جاری کرده در کابل چندین مدارس میباشد که در آنجا تعلیم بطرز خوب داده میشود و دو صد و یکصد نوجوان افغانی برای تحصیل علم باروپا فرستاده اند. این همه بیداری بخصوص بزرگترین یادآوری میکند که از آن شخص معظم اعلیحضرت شهریار غازی تعبیر کرده میشود اعلیحضرت خیلی جفاکش خیرخواه ملک خود و دوست سوویت حکمران بیدار میباشند. این بدیهی است که شهریاران این چنین اوصاف بنظر اهل انگلیس ناپسند میباشند. آنها حکمرانی مثل امیر فیصل عراق و حسین حجازی خوش میکنند

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 221 of 524

که در حقیقت در مقابله اعلیحضرت امیر افغان مثل اطفال
و چونکه پادشاه غازی مثل شان عزیمت لهذا انگلیسها کاهی
دست از چالبازیها بر علاوه ایشان بکشند.

چالبازیهای انگلیس در زمانیکه آنها با افغان جنگ
(دسمبر) کلشاروبه یگوی نداده بود تلغراف ناشکنند طاق
کرد که بغاوت در خوست و دیگر مقامات رو داده.
این امر اول بود که انگلیسها کوشش کردند برای حکومت افغانستان
مشکلات پیدا کنند. سال گذشته اینها سلیمانخیل را برای
بغاوت آماده کردند و حالا هم همین کار مشغول اند
اهل ایشان مطالبات دارند که قوانین جدید اعلیحضرت
منسوخ کرده شوند بدرستیکه نه ناکرده شود و سیاست
ملکی موافق خواهشات انگلیس باشد خیلی خنده آور است
که از مکاریهای انگلیسها در مخالفت افغانها و مخالفت
سیاست و خواهشات مصالح و بهبودی و تعلیم اهل ملک
که اعلیحضرت میورزند نه صرف احمقی گرزن بلکه او مگلاند
هم که خیرخواه حکومت مزدوران جمعیت بین الملل دوم هست
در جمهوریها باید با این عملیات خود میگذارند میخواهد
ثابت کنند که سیاست استبدادی بر مشرق از تبدیل
کامیابی تغیر نخواهد کرد و اقوام مشرق تعلق داشته باشند که
سنین گذشته و حالا هم در هر جنگ که مخالف استبداد
جهانگیران بکنند سوویت را پشت و پناه قومی خود
یافته بودند و خواهند یافت. حکومت شوروی
احوال مذکور را مراقبت خواهد داشت و اگر
بجهت مراسم اتحاد در میان انگلیس و روس
چند نفر دهشتان سیاسی خیال پیدا دارند که
حالا وقت رسیده که اقتدار خود را در
ممالک مشرق قائم کنند خیلی نا امید خواهند شد
حکومت سوویت هر کوشش را که برای
استبداد و عالم شمول و تباه کردن آزادی اقوام کرده
کرده شود از هر موضع که باشد مراقبت خواهد داشت که
نتیجه اش برای کوشش کنندگان تباه کن باشد. — [illegible]

دار العلوم اسلامیه کابل

از چندی قبل بدین الی الآن انجمن معارف با حضور
علمای تمیز و بعض علمای بزرگ کابل تمام علماء و مشایخ
و سادات حاضر و به جرگه مباحثه انعقاد مییافت به جهت
برای ترتیب پروگرام (دار العلوم عربیه) و
تأسیس آن هر دو جرگه از طرف علماء و وکلای [illegible]
معارف سمات امیر معظم غازی و وزارت معارف
از مدتی در صدد از تحولات آن بوده، فقط اقتضا شده و فرمان
پروگرام و تخصیص مصارف آن بجرین تقریب [illegible]
معارف از حضور شاهانه رسیده در نتیجه باتفاق
بتکمیل این دار العلوم عربیه بطور مرتب و جواز
خوبی موفق گردیده اند و بکمال کامیابی و اتفاق
نظریات و آرا در تعیین موضوع و مشروح در کار
تعلیم و سنین تحصیل و انتخاب کتب احادیث و تفاسیر
فقه و صرف و نحو و عقاید و امثال آن کامیاب [illegible]
این دار العلوم برای محصلین علوم عربیه [illegible]
در وطن رواج دارد و علماء در کنج مساجد [illegible]
بدون یک نظام و ترتیب امتحان نخوانده
تحصیل آن تمام عمر خود را بحرکت و سفر میگذرانند
[illegible] که حضور از مساعی اعلیحضرت اسلامیت کار انداخته
غازی و توجه حضرت جلال فیض محمد خان زیر [illegible]
اعلام و انجمن معارف افغانستان تعلیم و پروگرام
تکمیل یافته برای طلاب افغانیه تسهیلات معتدد [illegible]
آمده علماء را از آن خدمات و تکالیف [illegible]
"حقیقت"، معاصر حالیه و [illegible]
جلالتمآبان افغان ما بعد از قلم بند نمودن این خبر
اثر یک [illegible] برای وزارت
تقدیم داشته است که آن مکتوبها اساساً بعقیده ما
خیلی موافق و موزون است لکن سر دست
تعمیل نمودن و از قوه بفعل آوردن نظریات آن

ادارهٔ ... و تکالیفی که وزارت معارف دچار آنست، غیر ممکن بنظر می آید البته بعد از یکی دو ماه علوم عربی ... آغاز بکار کرده و در پروگرام آن ابتدا ... خود کامیابی حاصل کرده این ... ادا ... انتظار ...

خرسندی اعلیحضرت غازی از اشخاص ملکی و نظامی افغانستان

در وقتیکه خبر واقعه سمت جنوبی بگوش صداقت نیوش ملکی و نظامی اطراف و اکناف مملکت افغانی بهم رسید از طرف عموم جوش و خروش فوق گرمجوشی فداکاری های فوق العاده مالی و جانی نسبت بسرکوبی و گوشمالی و براه مسلمانی آوردن این فرقه باغی بعمل آمده عده از اطراف قریب بند سمت مشرقی و سمت شمالیه هزاره و امثال آن بکمال جمعیت قوه با تنظیم ملکی خود ها را بحالیکه ملوکانه حاضر و تقدیم نموده رضا داده نیز بکمال جمع ... بنظار امر و اجازه اعلیحضرت غازی نسبت قبولیت شان و دیگر برادران عسکری ملکی و نظامی خود در واقعه سمت جنوبی کرده برای هرگونه امداد و معاونت مالی و جانی خود با عرائض گوناگون خرسندی اعلیحضرت غازی خود بخصوص شان بار سال فرستاده اند که اگر با نقل نمودن تمام عرائض چه مضامین رعایا اخلاص و نظام اعلیحضرت همایونی ولایات و حکومتهای افغانستان و شفقت اعلیحضرت افغانستان بپردازیم سودات آن برای تمام نومرهای یکساله اخبار ما کفایت نخواهد کرد. لهذا از نوشتن آنها صرف نظر کنان بطور نمونه چند نقل آن چند فرامین جوابیه شهریار را به مدار مملکت افغانیه که در جواب عرائض خود ها بنام نظامی عساکر افغانی و حکام و مامورین ملکی و رعایا صادقه این مملکت اسلامی شرف اصدار یافته بنشر می پردازیم.

نقل چند فرامین

(اول) بجواب جنرال صاحب ارزش ... جم آغوی ... و همدردی را نسبت معاملات سمت جنوبی با برادران عسکری خود داشته از وزارت حربیه درخواست نموده اید که بکمال معاش خود را بطور اعانت به برادران عسکری صرف ... مینمایید (از روی قانون عسکریه وزارت بخصوص تقدیم گشته) حضور والاتی از همچو شیوه سلامت بروری ... شما از عسکریان مشعوف و رضامند گردیده خواهان اتحاد و اتفاق که یکی از خصایل اسلامی است برای عموم ملت نجیبه افغانیه و خصوصاً برادران عسکر غیور ملت وجیه ارشاد مینمایم که تمام ملت افغانستان مالی و جانی سعی خود در راه خدمات سلامت مملکت خود وقف فی سبیل الله داشته و میدار ند با افعال و ... آنچه اخلاص ... معارف و خسارات که در ... بوقوع انجامد مستعد و آماده هستند. لازم دیده شد این التجا و عرض داشت شما نیز غازیه قبولیت را برایت ... محترمه خود خواهد گشت. (امضا همایونی)

(۲) حضور والا ... در مقابل این جهت ... افغانیه شما که نسبت خدمت دین و دولت خود اظهار داشته درخواست عسکری ... نموده اید اظهار خرسندی مینماید چونکه در جریده که بنظر رسیده بخوبی رسیده بحضور ... شما پسند ... گردید ... خرسندی میفرمایند که وضعیت شما نیز همچو شکوه و وظیفه ... نمود که شاهان ترتیب خانخانان غیرت و برادران عسکری مجاهد مشغول بر ... احوال ... حضور والا ارشاد عسکری ... لازم ... محترم ... امر ... (امضا همایونی)

(۳) از ... اسلام ... اظهارات ... نظر ... وقوع ... سمت جنوبی نسبت دولت متبوعه و اطاعت اولی الامری ابراز داده و ضمناً ... معاشات ... خواهش ... در عسکری ... حضور والا از عموم شما اظهار خرسندی نموده و از درگاه رب العزت زیاده از خلوص نیت و حسن عقیدت شما نسبت دولت متبوعه ...

ای ملت غیور وطن سعی و جد و جهد

ـ از طبع رسای وطندار شیرین گفتار آقای میرزا محمد حسن خان ... الجلال آبادی ـ

ای دل کمر ببند به غمخواری وطن
فرض است بر من و تو نگهداری وطن

حب وطن نشان ایمان کامل است
تحسین آن نما به هواداری وطن

برخیز و در مقابلهٔ دشمنان ملک
خود را رسان چو شیر بیاری وطن

لاف وفا و حب وطن گر همی زنی
جان را نثار کن بوفاداری وطن

دشمن علم کشیده بمیدان کارزار
قصدی نموده بهر نگونساری وطن

ای ملت غیور وطن تیغ برکشید
در دفع مفسدین و هم اشراری وطن

ناموس و دین ما همه برباد میرود
غافل شویم گر ز مددگاری وطن

باید که در حفاظت ناموس و دین خویش
گردیم متفق پی دلداری وطن

مرد و زن و صغیر و کبیر وطن همه
غیرت کنیم بهر نگهداری وطن

بیگانه گر بکشور ما پای برنهند
قصدش نبوده جز بجفاکاری وطن

نه دید فرصتش که عدو پای خویش را
بگذارد این طرف بدل آزاری وطن

از بار سر که تا نشود دوش او سبک
کی دست میکشد ز هواداری وطن

شیراحمد او دو دست دعا را بلند کن
بهر فتوح و نصرت انصاری وطن

{قواعد و ضوابط}

این اخبار بغیر از ایام تعطیل هر هفته یکروز نشر میشود و به جمیع نقاط در بیرون خطها ارسال میگردد. مضمون تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره آن جریده در انداج و قاعده انتشارش آزاد هست.

اشتراک توسط خزانه دولتی بصورت نقدی از جمله قبلاً دریافت میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

{شرح اشتراک}

تفصیل مقامات	قیمت کابلی ۶ ماهه	ساله
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۳۰

منافع ... از سادات و علما ... مفت ... بادل ... اسلامی شرقی ... قیمت یکشماره ...

حقیقت

۱۳۰۳

جلد ۱ | کابل دوشنبه ۲۸ میزان ۱۳۰۳ ش ۲۱ ربیع الاول ۱۳۴۳ ق | شماره ۲۹

جنرال عزیز و پدر روحانی ما عالی جناب خادم صادق اعلیحضرت همایونی
سردار عالی محمد نادر خان غازی

دیروز گذشته که معاصر عزیز الافغان تان مجله شریفه امان افغان موضوع تبدیل کابینه وزرای افغانستان و تقرر سردار محمد نادر خان بسفارت مختاری افغانیه در فرانسه و موجبات آن را مندرج و به دوستی و اتحاد شرقی ... بطور عادی ... نگاشت ... و هموطنان ما از افغان در نوشته خویش صورت آن خبر ... و بد ... کار ... در موقع حرکت آن جلالتمآب از افغانستان بصورت ... علاوه ... افغانستان از کابل ... از طرف ... مندان شان در محل ... از ... اے بو ... از طرف برادران اسلامی ... [illegible]

هندوستان جابجا بکمال احترام و محبت ... محض تقدیر ... حقیقت لطف و محبت برادرانه ... از ... اجتماعی ... این ... از همه جا ... الحق ... عاقل ... مستدین ... صادق ... افغان ... خیرخواه ... خادم ... ذی عاطفه ... وطن دوست ... نتیجه ... خوش ... محترم و عزیز ... دل ... چنین شخص قدردانی ... هر کس ... احترام ... هر شخص ملاقات صحبت ... آرزو ... عاطفه میل و محبت دارد.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 225 of 524

ما قبلاً مائل بودیم که از صورت آن پذیرائی آگاه شانند
و خیر مقدم جهانی قیمتدار یرا که حضرت معظم له از دارالسلطنه
کابل آمده اند از لوا رک الحرف زطرف عموم و خصوص
نسبت بحسن مردمانه اداره و شخص بنیاد بعمل آمده است
زینت افزای صفحات جریدهٔ خود را ابمی نمودیم لکن
دو مسئله مانع اول قلت محل اندراج (۲) چون
صورت پذیرائی آن امر بود بکمال تفصیل و وضاحت در جرائد وطنیه
و اخبارات خارجیه مرقوم گشته ما از انتقال آن مستغنی بودیم
خوشبختانه درین ایام صورت پذیرائی و خیرمقدم
محبت کارانهٔ آن دانشوریکانه را در پای تخت غزنه
بنزیک اصول مرغوب طریقهٔ از حد خوب یافته نظریات
جرائد اروپائی را در صفات و مزایا و خصال حمیدهٔ این
مرد کار آگاه عدیل بمنو آنچه مد وطنی خویش دیدیم
چون نمیتوانیم که بر تمام آن مندرجات تبصره نمائیم و
اعادهٔ از انها را اقتباس کنیم درین صفحه تنها بر نقل و ترجمه
نمودن نظریهٔ "مجلهٔ سیاسی" پیرس که نسبت بعموم اخبارات
غربی او را جامع و مانع درین موضوع دریافتیم میپردازیم
این مجلهٔ سیاسی در صحائف نمرهٔ (۲۱) ماه دوست
۱۹۲۳ که مطابق ۸ سنبلهٔ ۱۳۰۲ میباشد یک سر مقالهٔ اساسا
غرابی را که دارای بسیار کنایات و اشارات مسرت افزا است
خاصه قلم فرسوده است نسبت بحضرت جلال مآب محمد نادرخان
غازی بعد از تکرار آغاز آن بتصویر شجاعت و تحسین محمد نادرخان
زنگوگرافی نموده در آخر آن عکس منار یادگار استقلال را که
بنام شان تعمیر یافته است گرفته کلیشه نموده که ما در ذیل
عیناً ترجمهٔ آن مقاله را [illegible] افغانها [illegible]
خود را [illegible] محمد نادرخان [illegible]
خوانا بود [illegible] دوران [illegible] افغانستان [illegible]

جناب جلالتمآب محمد نادرخان غازی [illegible]

در نمرهٔ خیر خود [illegible] جناب جلال مآب محمود طرزی را بجانب کابل گفت که
ده سال نمایندهٔ فوق العاده و وزیر مختار [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible]

امور خارجه را که قبل از روز وزیر مختار [illegible] دار [illegible]
جناب جلال مآب محمود طرزی [illegible] شناسا شده [illegible]
از خود با آنکه [illegible] افغانستان [illegible]
نزدیک کرده و شناسا باشد. شخصیکه بجای او
فوق العاده بزرگ و نعمت [illegible] از عمال استقلال [illegible]
جناب جلال مآب محمد نادرخان است وزیر حربیهٔ افغانستان [illegible]
دربار فرانسه چند روز است که به پاریس [illegible]
مغضّلی است که شهامتش نمایان است از سرحد [illegible]
عبور کرده. از خانوادهٔ بسیار نجیب خاندانش [illegible]
در آسیای وسطی دارند. از خانوادهٔ معتبر [illegible]
مشهور [illegible] بیرون آمده که در اعظمت افغانستان کار [illegible]
فعلاً چند برادرش [illegible] و جد [illegible]
که [illegible] بزرگ مستقبل [illegible] از برادران مارشال که [illegible]
زنرال [illegible] (محمد هاشم خان) امروز وزیر [illegible]
دربار مسکو میباشد. برادر دیگرش (محمد عزیز خان) [illegible]
کل طلبهٔ افغانی است که در اروپا مشغول تحصیل [illegible]
و سابق [illegible] حکومت بوده است
سومین برادرش (شاه محمود خان) [illegible]
دیگر که سابقاً حاکم نظامی کابل بوده (شاه ولیخان) [illegible]
نائب سالار و مصاحب اعلیحضرت امیر [illegible]
(محمد نادرخان) چهل سال است معروف [illegible]
[illegible] افغانی است که [illegible] برای [illegible] کرده
با یک قیافهٔ باهوش و زیرک [illegible] اعمال [illegible]
ولی ساده. علاوه در اولین نظر از مارشال [illegible]
شجاعت [illegible]
[illegible] نزدیک بوده [illegible]
[illegible] سال (۱۹۰۳) [illegible] (۱۹۰۶) [illegible]
فوج مقرر گردید در (۱۹۰۶) بحضرت [illegible]
[illegible] (۱۹۰۳) [illegible]
[illegible] در موقع قابل سمت جنوبی افغانستان [illegible]
[illegible]
و چند سال بعد منصب مارشالی (سپه سالاری) نائل شد

در (۱۹۱۹) خدا نکرده در جنگ استقلال بوجه خطوه رسانید
فوق العاده معنوی ایراد طرف تقدیر و تحسین وطن پرستان افغانستان شد
امیر جوان نائب السلطنه بعد ازان خود او کابینه ملکش را
خارجی خویش را اداره خواهد نمود. نائب السلطنه جوانی فعر ستاولی
دستجات فنون انگلیسی را استقبال نمود و نفت مخاصمت طرف
افغانستان هم شروع شد. فنون کشتی جهار با نموا... حکومت متبوع
او بر بکلاد و ... اعزام داشت. در ماه (۱۹۱۹)
مقابل صلح در راول پندی باعث ... معاهده قطعی چند بعد در کابل
امضا شد بموجب آن استقلال کامل افغانستان شناخته شده و هر گونه
قیود ازان مرتفع گردید. — نادرخان در نبو اهمیت فوق العاده
وقدمتی کرده است. الغرض اگر سوال کنیم از خود او جواب خواهیم شنید
(زیرا که وی شخص خود پسند نبوده و مداح گوئی خود را هیچ دوست ندارد)
ولی در (۱۹۲۴) باعتبار روادگی استقلال افغانستان (مساعی)
در کابل ساخته شد و در روی آن این لوحه (بد شغلی) نصب
گردیده است — باعتبار وطن پرستی محمد نادرخان فرمانده کل و
سپاه (قشونی) که بقوه تدبیر او استقلال ملکش را از انگلیس
گرفته. از سنه ۱۹۱۹ نادرخان در جنگ بواسطه زحمات او
اکثر افغانستان از حیث عده بهترین قوای آسیا و سطوت اقل
از حیث تعلیم و انتظام عسکری این رتبه را دارا است.
پس از تکمیل این تشکیلات محمد نادرخان بحیث ... طرف حضور
گردید در موقع ورود بپاریس اظهار داشته است که من
بکمال افتخار این ماموریت را قبول کردم. ما برادران ملل
اروپا معتقد و محبت فرانسه را در دل داریم. فرانسه بزرگترین
و بهترین شاخص ... آزادی بوده و ما هم برای آزادی
خود جنگ کرده ایم — وما عظیم ... پیش خود در افغانستان
نزدیک ... عملیات و رفتار اعلیحضرت امیر و ملت افغان
بهترین دلیل ثبات این کلمات است؟
لیکن زانکه ترتیب ... خود و اطفال منسوب ایشان
... طرف ... اعلیحضرت امیر مکرر گفته است که مملکت
افغانستان با مملکت فرانسه ... ازدواج تجدید گردد.
هیئت نماینده خود را در پارلمان تاکید کرده است که
هیئت معلمین برای تکمیل کتب متعدد ... در کابل

بعد ازین ... هیئت علمیه شناسی ... بریاست ... (مو...)
بکابل رسید. اعلیحضرت امیر ... اعلیحضرت ملکش را برآمدت
سی سال به دولت فرانسه واگذار نمود.
بالآخره امیر ... اهمیت ... است که فرانسه در
افغانستان ترویج ... شروع یابد. برای تحصیل ... فرانسه ...
و ... مکتب ... است که ... فرانسه ...
تحصیل طبیب ... و مردان ... صنعتی ... تجارت
با این تفصیل است کار ماموریت افغان ... معلوم است
تا چه اندازه ... و ... این ماموریت ... معلوم است
با چه قیمتی بوده است؟ وظیفه و خیال نادرخان
فقط این نیست که افکار فرانسوی مملکت خود را ...
بلکه توسعه روابط اقتصادی بین این ... ملت ...
محمد نادرخان اظهار داشت ... با خبر ... بیست
که نفوذ اقتصادی فرانسه در مملکت ما زیاد شود ...
مملکتی ... از زراعت ... التجاره ... بر دو ... کرسی شده
باید ... کرده در افغانستان معادن نفط ... و غالب
سائر معدنیات فراوان ... دست نخورده است ... نفط
زراعتی منابع ثروت افغانستان ... است. تجارت میوه
خیلی ترقی کرده. تربیت حیوانات ... خوب است
... زراعت و کرم ... ابریشم (در بعضی ...) افغانستان خیلی
طرف توجه میشود. — وضعیت ... افغانستان ... وضعیت
(۱۸۶۰) ... است و ... با آن ... یک ملت مثل
ملل (۱۹۲۶) شود. الغرض وضعیت جغرافیائی ملت
جوان آسیا و سطحی ... وضعیت مملکت ... و لی
در موقع استقلال افغانستان از حکومت ... جمع ... التجاره ...
از خارج ... تحصیل کرده ... گردد
این ... که افغانستان از فرانسه ...
... از ... وسائل ...
... آن ... حکومت ... است. بنابرین برای ... روابط تجاری
افغان و فرانسه ... محمد نادرخان ... میشود ...
... که ... و نماینده ... وطن ...
کرد ... معتقد ...

اسیران ویرغل فرار ... بدارالسلطنه کابل دیروز تحت الحفظ وارد گردیده از طرف قائد اعظم عبدالعزیز خان فرقه عسکری مورد تحسین ... گردید اساری ... ملامت و خجالت داده شده با یرغل ماعزبور اظهار ملاطفت نمودند.

خیالات ابوالکلام در باب مناقشهٔ امیر نجد و شریف مکه

خبرهائیکه از انگلستان با ماه صفر آمده و می‌آید مشعر است که امیر نجد سلطان ابن سعود بر طائف قبضه کرده و عنقریب بعد صحت و نیز سعی خواهد نمود که سرزمین مقدس حرم و مکهٔ معظمه را از فساد و ظلم شریف حسین پاک و آزاد نماید.

فی الحقیقت این بشارت بکری است جانفزا و نوید حیات بخش است برای تمامی مسلمانان عالم هیچ مسلم این مژده را از صمیم دل خوش آمد نگوید دیگر خبر نخواهد بود.

من می‌خواهم که بعرض کافی عموم بعضی حقایق را توضیح اندازد به قابل و وثوق معلوم شد که ازین پیشقدمی مقصد امیر نجد این نیست که بر حجاز مقدس قبضه کند بلکه منشایش همنوائی و مطابقت مطالبهٔ کل عالم اسلامی فقط اینست که سرزمین حجاز را از قبضهٔ مفسدانهٔ شریف مکه برآورده سپرد عموم عالم اسلام نماید.

چنانچه امیر ممدوح در یک اعلان خود مطبوع تحریر رفته که هرگاه سرزمین حجاز از شر فساد و شر پاک گردید کار من تمام خواهد شد. من بهمان وقت تمامی مسلمانان دنیا را دعوت خواهم داد که نمایندهٔ خود را روانه کرده در مکهٔ معظمه مجلس اسلامی منعقد نمایند در باب انتظامات آینده هر فیصله که مجلس مذکور طی نمود بهمان نافذ بوده اجرا خواهد شد.

باز علامهٔ موصوف میفرمایند که بخیال من منشاء این است که سرزمین حجاز چون مرکز اتحاد مقدس مسلمانان ربع مسکون است شایان تخت گاهی پادشاه و سلاطین نیست. پس لازم است که از نمایندگان مسلمانان عالم یک مجلس بین الاقوامی در آنجا تشکیل داده شود که باختیار خود مصالح را هم خود مطالعه کرده بتوانند و مسلمانان روی زمین معاونت او را نموده زمام حکومت حجاز مقدس نیز بدست همان مجلس باشد اگر قرار مجوزهٔ من مسلمانها عمل پیرا شدند در حجاز یک حکومت آزاد و منتظم و کامیاب تشکیل خواهد [illegible] مقصد موجودهٔ امیر نجد عین مقصد کافهٔ اهل اسلام است.

شما مسلمانها را ازین امر باخبر و متنبه ساختن لازم میدانم که طبعاً و لازماً شریف مکه کوشش خواهد که خبرهای اختلاف و دروغهای بی‌فروغ را نشر و شایع [illegible] عوام را از امیر نجد بدگمان بسازد.

گفته خواهد شد که اینها جمعیت وهابی هستند اگر بر مکهٔ معظمه قابض شدند ظلم و ستم گوناگون بعمل آورده. اما مسلمانها را بکار است که بر دشمن [illegible] فهمیده واقعات حال و ماضی را فکر و درک نموده از سخنهای بیسر و پا متاثر نشوند.

پیر روز خبری از قاهره رسیده بود که امیر نجد گنبدها و مزارات طائف را منهدم [illegible] بقتل عام [illegible] که خبرها قطعاً بی بنیاد است و محض [illegible] غرض شایع کرده شده که عموم مسلمین از طرف [illegible] خلاف خواسته بدگمان شوند. رای حقیقت [illegible] ما منفعت اتحاد شرقی بیوقه بیان صداقت بنیاد [illegible] ممدوح را تائید کرده صاف قادیان کرام خود [illegible] دارد که محض سخنها غلط و دروغ اعداء [illegible] نخورده اقدام و تجاوز امیر نجد سلطان عبدالعزیز ابن سعود را بطرف حجاز مقدس بر بدبینی محمول نکرده بدبین نشوند.

و بارگاه خالق مجیب الدعوات [illegible] کرده باشند که آخر عموم اهل اسلام و [illegible] و عزت دین متین حضرت سید المرسلین علیه الصلوة والسلام را محکم و مضبوط و جملهٔ خطه‌های مبارک اسلامیه که مکهٔ معظمه مدینهٔ منوره و بیت المقدس و [illegible] و نجف اشرف و کربلا [illegible] را از شر اجانب و اغیار محفوظ دارد ثم آمین.

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	۶ ماهه	سالانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یک روز بعد نشر میشود بدیگر مقامات در مرتب مطبعه ارسال میگردد. اعلانات و تحریرات به نگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصل در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد هست. اشتراک توسط خزائن دولتی و قیمت آن در روز اجرا اخذ میشود.

سفر ... بامضای ... ادرسال ... مفت ... تبادله ... بجرائد اسلامی و شرقی ...

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد (۱) کابل چهارشنبه ۳۰ میزان ۱۳۰۳ ش ۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۳ ق شماره ۳۰

دا الله نعمات دی مونږ قدر کړو

(از طبع جناب ... زبان ...)

بیا ... واحد ... رحیم ... بیا ... محمد آخر زمان

... برکت ... سبحان

... دین اسلام ... شجاع ... افغان

... دولت او ملت ... سلطنت ... امان

... برابر ... که امان افغانستان

... تابعت ... ثبات ... استقلال ...

... هندوستان

... محمد ... روبیان

... موجود ...

... امیر شیر علیخان او یعقوبخان

... افغانستان

... بیا ... هات

... شیرستان

... حیران

... میدان

دکابل خلق ... خطا ... داماد ... امان

داوه ده استقامت و شجاعت ... قدم ... آن

شوعالی همت ... معلوم ... ما

بیا نظر کړی یعقوبخان ... افغان

... دی ... کافران

پاالله ... غافل ... دشمنان

... کول ... سوری زبان

... غفلت ... مستی ... نمایان

بیا وصلت شو ... الله ... غافل ... خان

... میدان

پایان ... استقبال ... خان

شو ... آل عیال ... خان

لوی ملت ... ده ... خوان

... کابل ... افغانستان

... بهادران

... شهیدان

... ده

... خبر ... الرحمن

چه امیر عبدالرحمن شو له دا ازل | پاتی شول خارج کړه دشمنان
داوران کور ئې بیا آباد کړه په جلال | کم شو مونږ نه اسباب حسن سامان
یا سعید حبیب الله امیر شهید | په رونق کړه دوباره افغانستان
تعمیرات و اصلاحات انسابات | جوړ و سیل ئې اسباب بوند فراوان
استحکام حبیب الله افغان کړه | استقلال امان الله ده حکمران
خدای کړه ده پاره او انصاف و شریعت | چه خوږ ګڼی دا دین ده پاره شاهان
ده میر شیر علی خان او یعقوب | ډیر فرق ئې دی ورکی او ورسمان
په شجاعت ئې حمت ده خدای حرمت شه | آفرین ئې دی چه ده پښتانه دان
خاینسته کوم دی پښتنو افغانیه | خنګ آباد شو آباد ده جاودان
ده الله امان داین نو ځکه قائم وی | نو تعمیر ئې دی شکر فرمائی افغان
خو افسوس په حالت ده بعض خلقو | چه بهادر دی شکر کاندی ورکی قرآن
نه کړه ده خوتنګو ورته نی منګل | سخت فریب ئې خوړلی د فرنګیا
چه شیطان مجسم عبدالکریم | خلافی یا نسبت وی یعقوب خان
دی څرګند دوستی احمد انګلیسی | نو واپس ئې خوړ پو شیمانه شان
چه پو نګه خاینسته ورته ده منګلی | په فریب ئې ور کړه سوکړدان
خدای دی ده پاره خاو دیر و منګلیان | لګی نره ئې کړی د ده منګیان
په ده نګر نظر و کړی ئې سرپته | دی مجلله پلار ئې کو خو غفران
پښتنو ته تفصیلات د ده هغو کړه | تواریخ ئې پر فارسی یا پښتان
چه پلار ئې چه پدا نګه ئې خوی سغی | دا شوی ئې نګه غر حیثی جوان
ول ئې کړه ده چه ئې چه کاری | چه په دین ئې په کوم دین ئې پښتان
ده شو او ده انسانی ئې چه سی | دا سی ست کله ئې پښتو فرخان
او کړه دی خو لایق ده خیال نګی | ولی ولی ئې غوږ موږ ئې اولوغان
غرض د حلقو وینی ئې یې بوی | عاقبت به شو مند ئې پښیمان
خدای به پاره دا نه لی ده بازنګرو | ده خپل خانه ئې په زوره کړی ګرزان
پښتنو له ئې پیری اسپ ده پنجاب | دیر ده بیر پاره دی کرو کړی دا زمان
چه تیره ئې کاسه ئې سیس انګریز او | چه تیره ئې شا غازی ده خدای امان
چه تیره ئې پو نیز وده بازنګرو | چه تیره ئې شو نګ شا اوغزنیان
چه تیره ئې غره کړی ده مشتخنه | چه تیره ئې شو نګ لعل ئې بدخشان
شکر شکر مونږ ګوله ر ... | دی ئې شو نګ مونږ نګ ده ... ویان
داسی شاړ ئې شو ... پرده شی | نه شو او ده ته پس لدی عیان
ده موږ په ده ... ده شو نادانی وه | پس لدی ئې خو شی ال ... ئې ئې

شاغازی لتا سو ئې نه خجه | وا دا قول آفرین ده شیطان
چه چه خو مونږ طاقت ئې چو په تو | دا منګل ئې تم عذر فرزندان
دشمنان ئې حرص کړی چه باهی | خو صلاح نه شته اوخپل وطن
چه په فوړ دشی افغان ئې پښتانه | او په هر که شی خو خپل الدین
ده انصاف او په دوم نه نظر وکړی | دا دم و کړی چه ئې په خپل هم افغان
داوقت نه کړه ده نفاق و تفرقی | جمعیت او اتحاد ده مسلمان
انګړ وای خپل الله نسبه و دم | خدای ساعت ئې ئې شکر شکور
پو مو قوم بو ولس بو ده پادشا | ... مال او وی ئې نظر
ده کوران نه شی ... او کړی | ده فخار قوم غالب ئې لامان
کړه ده شا الله په خپه ... دستی | زوره کړی جمعه پلار انتو ...
ده نعمت شکر لا نعمت ده یاک | و ئې وکوری آبادی ده ...
ده بلبل غو مر ... پښتو | ده قبول کړی اته وی ...

اند ... ده ئې جنوبی تمامی منطقه و کامیابی

منطقه بغلاد محمود آباد جبران

اطلاعات اخیره موصوله سمت جنوبی تماماً شعر ... بفضل خداوند و از مساعیات جمیله سپه سالار ... عسکر و یات حسن ورقاد ... غازی ... سمت جنوبی در کمال امنیت ... و انتظام بوده ... از طرف فتنه ... اخیره در اطراف ... و در سمت ... تمام باغیان ... ضعیت برانشان بطرف دره ... متواری ... عقب گیری ... بواسطه ... و بعد ... تحت کامل ... افغانی برایشان ... علاوه بر ... نصیحت نامه ... بعضی از ... بغات ... تر نموده ... وارد ... بالفعل ترتیبات عسکری ... منظم ... منطقه ... گرفته شده است، از ... شاه ... کرده ... بعضی ... بعضی ... ... استقلال ... معلوم شود ... تا دین ... از بغات ... و ... حکومت ...

انعقاد جشن استقلال افغانستان میلهٔ عمومی افغانان یا اولین روز آزادی در پغمان

(شمولیت اعلیحضرت و کابینه‌ات انتظامات و تفصیلات سرایا بهجت)

قارئین کرام از تعطیل و از وقت پس از انعقاد جشن استقلال در شمارهٔ گذشته مطبوعه حقیقت بنا بر ایام فرحت اقتضا [illegible] حکومت از [illegible] و مؤسسات [illegible] دیده [illegible] و راهنمائی [illegible] بفضل [illegible] استقلال [illegible] تمثال [illegible] موفق آمده و تقاضاو اصرار ملت [illegible] افغانان [illegible] یادگار حریت [illegible] را اختیار کرده بود [illegible] در واقع [illegible] انعقاد این جشن [illegible] تمام ملت افغانی و [illegible] حریت [illegible] مملکت افغانی اعلیحضرت امیر معظم غازی [illegible] حضرت [illegible] بود [illegible] دست [illegible] آزاد [illegible] افسرده [illegible] (۱) عقرب [illegible] این جشن فرحت [illegible] میلهٔ حریت [illegible] پغمان جنت [illegible] دست طبیعت [illegible] قدرت [illegible] انواع محاسن [illegible] آراسته و ساحه [illegible] جمیع [illegible] افغانیه [illegible] اقسام [illegible] و انواع [illegible] بهشت [illegible] شرف انعقاد [illegible] عموم [illegible] ملاحظه کردن [illegible] ایام [illegible] ما در ذیل [illegible] برای [illegible] این جشن [illegible] تحریر میکنیم.

اعلان سکرتری

تاریخ انعقاد [illegible] جشن [illegible] استقلال [illegible] تقسیم [illegible] واقعات [illegible] قبلاً [illegible] اعلان [illegible] حکومت [illegible] اغاز جشن [illegible]

ایام	تاریخ	نوع نمایشات	مدت نمایش از ساعت	محل نمایش
جمعه	اول عقرب	افتتاح جشن [illegible] نطق اعلیحضرت غازی [illegible]	[illegible]	میدان [illegible]
		[illegible]	[illegible]	[illegible]
شنبه	۲ 〃	تفنگ زدن بر نشان	۱۰ بجه ۱۱ ½	میدان [illegible]
		اسپ دوانی	۲ بجه ۴	〃 〃 〃
یکشنبه	۳ 〃	[illegible] عسکری [illegible] بازی [illegible] طیاره [illegible]	۱۰ بجه ۱۱ ½	〃 〃 〃
		[illegible] دوانی، مسابقه [illegible]	۲ بجه ۴	[illegible]
دوشنبه	۴ 〃	فراغت	.	.
سه‌شنبه	۵ 〃	صنعت، حرفت، زراعت، [illegible] [illegible]	۱۰ بجه ۱۱ ½	[illegible]
		[illegible]	۲ بجه ۴	میدان [illegible]
چهارشنبه	۶ 〃	[illegible] دوانی [illegible] دوانی	۲ بجه ۱۲	میدان [illegible]
		[illegible]	۲ بجه ۴	〃 〃 〃
پنجشنبه	۷ 〃	پهلوانی، چوب بازی	۱۰ الی ۱۲	[illegible] پهلوانی

اخطار

تفنگ [illegible] زدن [illegible] موضع متصل میدان پهلوانی [illegible] هر روز اجرا میشود.
هر شب [illegible] از ساعت (۷) شروع و الی ساعت (۹) ختم میشود [illegible] از ساعت (۱۰) الی ۱۲.
[illegible] شب پنجشنبه [illegible] از ساعت ۷ ½ شروع میشود در میدان اسپ دوانی.
[illegible] هر شب [illegible] (۱۵۰) عدد گلوله هوائی آتش بازی در داده میشود از ساعت
بجه ۱۰ در موضع باغ عمومی. [illegible] [illegible]

مسرت از حسیات اسلامانهٔ قطغن و بدخشان

وزارت حربیه با اطلاع میدهد که درین ایام اعلی‌الفضل جلیل وشجاعت‌اشتمال عموم اعزه و روسا و مشاهیر و صاحب‌منصبان ولایت قطغن و بدخشان توسط آغا محمد سلیمان‌خان نائب‌الحکومهٔ آنجا عالم جوش و خروش بحضور اعلیحضرت معظم غازی مملکت غفانیه توسط وزارت حربیه ارسال داشته اند در ینست.

درین عریضه صداقت فرمود مرقوم اند که تفرقه فوجی افواج منتظم قطغن و بدخشان ایکه عاید ایشان ملکی بطور یکه خارج سفر و زاد و جلد و بلحاظ نیز خود بهمین حسیات صادقانه اولاد تبعه خود و آماده حاضر بوده ادعا نامه داده و طلبیده اند که شان علی‌العموم برگزیده شده الحکومت اهل اهمیت یکنیم ستاره سه هزار (۳۰۰۰) نوجوانان سپاه از اهالی قطغن و بدخشان در نائب‌الحکومه بدرجه تا یکمیام شجاعت کارانه وبنیادی الایش خدا کار از سزو خیال احوال نائب‌الحکومه نحسنیه از اجازهٔ حرکت بحضور اعلیحضرت خوش آمدند که بعد از شرف مقام حضور بهر جاییکه مرخص نمایند با جانبازانه خود فدا کنند.

لکن چنانچه آقای محمد سلیمان‌خان در عریضه خویش اظهار داشته است بعد اظهار احساسات این نوجوانان و تحسین و آفرین گفته هم و شان انها را اسرای چند در شان آنها معطل داشته بعد از منظم باشند. دیگر برادران وهم وطنان نیز با شما اهم توقف عازم دارالسلطنه کابل شویده و بعد اطلاع رفته عمل ضمن بتوسط حضور اعلیحضرت غازی خواهش عرض کرده حریهٔ حقیقت کابل خبر افتتاح کوتل بزرگ و فتح مرکز تند خود و فرار شاه را ایکه رضا حضرت ثروت کرم و دانسته بفضل غازی جلالت حکومت حقه بمقابل این جمعیت غیر فاتح و ناصر و هیبت این منتظر عالیه عساکر افغانیه کاسته و بهمت جهانی جمعیت عساکر فاتح اعلیحضرت غازی فتح عمومی بهمت پیشنهاد جمال والامانی عموم ملت فنا گشته خواهد شد و انکیزه امروز اجازه بجای اعراق این منظم ملکی فتح شده بدین منظور ارسال میشوند در جواب این عریضه وزارت حربیه مسرت از حسیات اسلامانه قطغن و بدخشان با شما عموم سکنهٔ افغانستان که در تمنای اعلیحضرت و سر شار فاحسه که بر اعلیحضرت غازی و شما را از حرکت فیع آمادهٔ مدد بخشید جانکه شده وزارت حربیه خدمت و شفقت بحضور اعلیحضرت غازی خود جوش

در گوشمالی و شماتت و تنبیه و مملکت تخریب موفق گردد.

حقیقت: سزاوار زنده باد اقوام با محبت و صادقانه قطغن و بدخشان که جهان اسلامیت ایشان نموده اند.

امتنان از جذبات اقوام وجدان افراد چخانسور

مکتوب لطف الالقاب

از تومیت و اهمیت نائب‌الحکومه ایالت چخانسور مکتوب و اسید بود که بحوضهٔ مشروح گردیده و ناهار اسلوبا کافی در محصولات و مسکن نائب‌الحکومه اقوام با خبر نورزائی و خصمانه قبیله قوم محترم غازی سراه و جوج و چند نفر بزرگ که قبیلهٔ سکنه اند نسبت قرابت و روابطیکه بهم رسانیده اند سلسلهٔ اقوام علیزائی نیز بجا در نورزائی خصمی نمیگردد لهذا فکر قوم نورزائی و علیزائی نسبت بدیگر اقوام اهمیت تحسین شود و مشار الیهم بحسیات صداقت منشانه بمقابل غدر و طرح جمعیت با دشاه محبوب القلوب خود اعتبار ازاد الیست که درین روز ها مجموعه شان آماده و ملا شوند که داربار غیوره آقا محمد نور خان نیز جهت مکلف و طلب سمت منتخب حیات اظهار با افتخار متعهد دار الحکومت اعلیحضرت غازی حرکت بسمت های هرخوش و اسل گردیده از حضور اعلیحضرت غازی ذرهٔ در هر باره سرکشی جریدهٔ حقیقت رقم آن (تقریباً) اینجا بعرض اختتام رسیده مشتهر شود لهذا حرکت و بنا باستیلای خسرو از خوب است.

حقیقت | این نامهٔ نگار محترم ملاحظه تا نوشته اند داد و تعلق ارادات اخلاص کیشان اعلیحضرت معظم افغانستان نیز قلمبند شده که مملکت و تحویل باندراج آن نیز پرداخته از عموم ایشان اظهار شادی و رضاداری موفقیات مزید بر مزید ایشان.

تذکر | با اینکه قراراً اعلان نمود داریم چنانچه ایام تعطیل جشن استقلال جریدهٔ خود را افتتاح نمود هیچ تحریری تقدیری نگرد محترم به لیکن اخبار نشر است که اخبار در تعطیل کنیم. و من الله التوفیق

اهم قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر ایام تعطیل کابل [illegible]
نشر میشود و به دیگر مقالات مرتب منظم
ارسال میگردد. امتیاز [illegible] نگارنده
حقیقت [illegible] ارسال مقالات واصله و عدم
مانده جریده [illegible] درج و اصلاح و عدم [illegible]
آزاد است. [illegible] توسط
خوانندگان [illegible]
نگارنده برهان الدین کشککی

نرخ اشتراک		
تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
اهالی داخل کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

باب ۱ کابل شنبه ۲ عقرب ۱۳۰۲ ش ۲۶ ربیع الاول ۱۳۴۲ ق شماره ۳۱

بادیار جشن استقلال [illegible]

امروز که روز دوم [illegible] جشن استقلال [illegible]
وقت [illegible] روز [illegible] گذشته است و ظلمت شب
[illegible] فضای [illegible]
[illegible]
دوره حیات ششمین سال [illegible]
[illegible]
[illegible]
استقلال [illegible]
کاین لفظ استقلال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
استقلال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
السبیل اما شاکرا و اما کفورا) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خود را بدیگران نداده حیات آینده خود را سپرده [illegible] خود باشند و ال
بدین واسطه حقوق ذاتیت مختاری بشری معدوم گشته در تشکیلات سلطنت [illegible]
قدرت کیلک [illegible] بعمل آمده که ضمناً ترقیات انسانی را از حیثیت [illegible]
دینیه و اجتماعیه [illegible] مسلمانان را از روی امور اسلامی [illegible]
فاعل مختاری کرده [illegible] رهسپار [illegible]
اصلیه حریت حقیقی را [illegible] آزادی ملیه و حسبیه رای خود حاصل [illegible]
بینید و متفکرانه ملاحظه کنید که بغیر [illegible] اجرا آت این قوی [illegible]
صدمه های مهلکه در میان آورده میشود که باعث بربادی ما میگردد
بهمین واسطه گفته اند که انسانیت بانسان شدن و دولت بحریت
شهره است همین بود که اعلیحضرت همایونی با افکار و انظار دیگر [illegible]
خویش بهمه حیات حقوقیه اسلامیت [illegible] را عموماً و از عالم
اسلامی و دنیای افغانی را خصوصاً در این جهانگیر دوره آزادی [illegible]
در ممالک محروسه عالم منشاء اول بست مقابحه ملاحظه فرموده بتصدیق
(الحریت فی الاسلام) [illegible] مجاهده [illegible] را بالا نموده [illegible]
[illegible] اعلان حریت آزادی عطا فرموده
چه دانستند که بدون یک ملت [illegible] دولت [illegible] بحصول استقلال
نامیده شده [illegible] در تمام عالم و عالمیان [illegible] داشتن ملکیت
استقلال دادای وظائف [illegible] ملت [illegible] بودن خود
مختاری یعنی [illegible] که [illegible] مختاری خود را در داخل
و خارج نداشته باشند [illegible] را بدرجه کامل مالک [illegible]
بازهم [illegible] دول [illegible] عالم خارج بوده [illegible]
[illegible] آتیه [illegible]

محدود بوده خارج مسکن و وطن خود را رفته دو دیده شوند گویا غفر
[illegible] فی الارض در حالیکه [illegible]
باشند و انسته از لطائف قدرت لطائف حریت خود را [illegible]
وز امثال و اقران خویش سر افراز و بزبان گفته [illegible]
[illegible] و خواهش آورده کم زدن از ترقی عالم و عالمیان [illegible]
[illegible] تاریک میسازد [illegible] که عالم [illegible]
چه اجراآت چه افعالات معرض تحصیل میآید که باعث ترقیات [illegible]
شان گردیده صرف نظر از یک نقص بزرگی را که در وداد [illegible]
عالم عزت [illegible] و شرف ملی را ضایع کردن و اقتدار و اعتبار دولتی [illegible]
نمودن است نیز بوده مساوره و کذا [illegible] حقوق حیات [illegible]

[illegible]

صورت اجمالی محاربات عساکر افغانی با باغیان سمت جنوبی و اطراف

در شماره سابق خود اطلاع ورود حضرت اجل آقای شاه ولیخان نائب سالار به مرکز بغرض اعطای بعضی معلومات [illegible] وگذرانیدن ایام جشن تحریر داشته بودیم این نگارنده در موقعیکه بملاقات شان فائز شدم ضمناً آرزومند شدم که یک راپور مختصر [illegible] بغرض اطلاع قارئین [illegible] عطا فرمایند [illegible] آن کرم فرمای محترم اجمال ذیل را با این مکتوب ارسال داشته اند [illegible] یک روپورت [illegible] اجراآت [illegible] که [illegible] حقایق [illegible] ارسال داشتم [illegible]

(ش. و. ل)

راپورت محاربه لوگر که از شروع الی ختم آن بقرار ذیل است واقع شده اند
علم کل ... ردوهای نشانستان اعلیحضرت امیرامان الله خان که بذریعه
... بمنزل ... فرستادن جهانخانه داسلامیه ... که خارج ...
... آدی عبدالعزیز خان قرار ... آتش ... و در وردی ... ملاحظات
زارت حربیه ... آن فتح و کامیابی حاصل شده بقرار ذیل است.
... یوم ... که نفری باغیان بمحبت خوبی تعداد اکثر ...
... بیست ... از نفر ... بالای لوگر آمده بودند که کوه نورابدال صاحب
... های حصارک را اشغال کرده بودند محاربه جاری شد الی عصر ۳۶
... مذکور محاربه شدت داوم یافت بعد از آن اشرار قرار را اختیار
... کرده ... کثیر و کالت پریشانی ... یافتند تلفات ...
... بتاریخ ۲۹ ... از کلنگار و حصارک حرکت کرده
... کاریز درویش ... الیاس خان ... مقیم شدند خیال ... رفت ...
... تمام قوتها ... رسد برای دولت لازمی بود که تنگی ...
... درست ... در لوگر قوای کابل موجود داشت
... یاغیان از اطراف بسوی مرکز ... نمایند
... کاریز درویش ... ملاحظات ... کاریز درویش
... موقع ... ساختیم ... بماند ... اشرار ...
... هزار نفر ... مرکز لوگر ... شده بتاریخ
... حسب ... شان ... بیست ... نفری ...
... تعداد چهار صد نفر ... عقب ... لوگر ...
... خیال ... بطرف مرکز نموده ... شان ... کوه
... نورابدال صاحب موضع گرفته و باقی نفری شان ... پاد خواب ...
... الیاس خان بالای کاریز درویش حمله آورده ...
... که دارد ... تنگی ... عبور کرده بطرف دارالسلطنه ...
... گی ... محمد غوث خان ... از قلعه الیاس خان
... تنگی ... چاو ... عقب ...
... انتظام تنگی ... جان را ... که ...
... صدنفر ملکی که قبل از آن مقرر بودند ...
... بطرف کلنگار معاودت نموده با باغیان
... کلنگار ... نورابدال سرگرم محاربه گردیده باغیان
... پاد خواب و ... الیاس خان و تنگی ...

... های حصارک موضع گرفته بودند بعضی شان بیک نقطه که از داور
کاریز درویش باشد محاربه را جاری کردند و ما هر روز بار قلعه را ...
میکردیم بلکه از تپه ها ... شده بعد ازین ... جواری
... اطراف کاریز مذکور موضع گرفته ... نمود و تپه کاریز
مذکور را بالای ما مسدود نموده ... آب ...
مذکور که متصل شده بود گذاره نموده دو نفر ... را بدست آورد
که از راه ... آب ... کلنگار ... درویش واقع شده بود در آمده
زیر زمین ... آب را که باغیان بند کرده بودند جاری نمودند ...
یکهزار روپیه کابلی برای شان تادیه مکافات کرده شد.
بتاریخ یوم پنجشنبه ۲ برج سنبله ... ع. ص. برادر عزیزم
غلام نبی خان معین صاحب وزارت خارجیه نیز بمحاربه
داخل شده فوجی را بر ... تشویق داده ... داری
می نمودند و فوجی با کمال جان فشانی بالای دشمن هجوم نموده
الی عصر یوم مذکور بشدت محاربه را جاری کرده باغیانیکه
در کلنگار و ... کوه نورابدال را اشغال داشتند موضعات
مذکور را ... یوم چهارشنبه ... پاد خواب شانه ...
و قطع فوجی توقف کاریز درویش آمده مشغول محاربه گردیدند از
عصر این یوم خاص به معاونت خداوندی جل جلاله باغیان
فرار را برقرار اختیار کرده سراسیمه و از شکست فاحش
یافتند مرده های بسیار شان که برده نتوانستند در میدان
محاربه افتاده بود و درین محاربه شش روزه از نفری ما
۲۶ نفر شهید و ۸۰ نفر مجروح و مفقود الخبر ۷ نفر تلفات
داده ایم. ... این شش روزه هر روزه نفری نظامی از قلعه
برای محاربه کرده دشمن را از ... پیش ... میکردند که ...
شکست فاحش خورده بعد ازان باغیان ... یوم ...
در ... خیال ... آمدن ... نموده ۱۸ روزه خواهش
متارکه نمودند که علمای طرفین آمده ... مذاکره نمایند تا آنچه از حق
بوده باشد رفتار نموده شود. چون بنابر مرحمت و نوازش که بالای رعایا
خود دارند اعلیحضرت غازی متارکه را منظور فرموده علماء سمت مشرقی و ...
... به لوگر فرستادند. چون باغیان ... شقاوت ... از این
متارکه ... جمع آوری ... نفری ... نموده ... تعداد کثیر ...
فراری ... عبدالله ... گان ... موضع گرفتند.

چون برانها یکهزار دو صد نفر نظری [illegible] بخاطر [illegible]
میرزا لعل خان [illegible] رسیده بود [illegible] شد که [illegible] مذکور [illegible]
[illegible] مقدار [illegible] بود [illegible]
شود و علاوه [illegible] نفری [illegible]
نفری میرزا [illegible]
شروع چون [illegible] عسکری [illegible] میرزا لعل خان [illegible]
[illegible] عسکری [illegible]
و محمد [illegible] نفری [illegible]
[illegible]
[illegible] شروع کرده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مقرر [illegible]
[illegible] نفری [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
این [illegible] گردید.

کوتل تیره چون از رحمت الهیه به تعقیب [illegible] بود
چهار [illegible] واقع شده [illegible] تا فاتح [illegible]
[illegible] منسوبان [illegible] از سابق [illegible]
[illegible] کوتل تیره مفتوح شود [illegible]
[illegible] محمد غوث خان [illegible]
[illegible] مقرر [illegible]
در انجا آمده و فردا وقت صبح نفری مذکور [illegible]
فرستاد کوتل مذکور را متصرف [illegible] تا از رفت آمد [illegible]
[illegible] که بفضل خداوند جل شانه [illegible]
کرده باز گردید [illegible] لطف خداوند [illegible] کوتل تیره [illegible]
برای [illegible]
[illegible]
انتظام کارات خود [illegible]
حفاظت تیره [illegible]
[illegible] مفتوح شد [illegible]
[illegible] شده بود بتاریخ ۱۱ برج میزان [illegible]
حرکت کرد بتاریخ ۱۲ برج مذکور مع الخیر وارد [illegible]
جناب ع، ج، [illegible] نشان وزیر صاحب حربیه [illegible]
جهانی و تلطف یک توپ سواره را در قلعه [illegible]
تیره به استقبال برای ادای رسم تعظیم [illegible]
پیاده را از رباط گردیز، بالاتر و برخی از [illegible]
زیر الاحصار برای رسم تعظیم مقرر [illegible]
بودند. ع، ع، ص معین حربیه ع، ع، [illegible]
فرقه مشر [illegible] مشران و خوا[illegible]
استقبال تا قلعهٔ نیاز [illegible] فرستاده [illegible]
[illegible] وارد گردیز شدیم [illegible] توپ [illegible]
تعظیم را ادا نمودند.

فردا یوم مذکور یعنی ۱۳ برج میزان [illegible]
وزارت پناهی با فوجی معیت خود [illegible]
که علاوه [illegible] سرگرم کارروائی خود [illegible]
[illegible] حربیه [illegible] وزارت پناه در گردیز [illegible]

{ قواعد و ضوابط }

این اخبار هفته‌وار بلا تعطیل در کابل بزرگ و بعد نشر خود به مدیر گرامی حسب ضبط ارسال میگردد. اسودهٔ تحریر به جای رسد ذریعهٔ حقیقت، ارسال مقالات واضح داده باشد جریده در اندراج و اصلاح و عدم نشر آن آزاد است. اشتراک توسط خزانهٔ ولایتی بقصد نقدی از هرجا قبول میشود.

{ شرح اشتراک }

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه جدید	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳ ـ ۳ ـ ۳۰

مدیر مسئول

نگارنده: برهان الدین کشککی

مشترین: از سادات و علماء و طلبه

مفت: برای مأمورین و کمیسیونهای ملی

تبادل: با جرائد اسلامی و شرقی

قیمت یک شماره: هفت پول کابلی

جلد (۱) کابل دوشنبه ۴ عقرب ۱۳۰۳ ش (۸ ربیع الاول ۱۳۴۳ ق) شماره ۳۲

درین جشن ملت خزان هم چون بهار است

مراسم قهرمانانه جشن استقلال بروز جمعه یکم عقرب ۱۳۰۳

بر طبق پروگرام جشن که قبلاً بمقامات لازمه تقسیم و توزیع شده بود در جمعه یکم عقرب بستان سرای‌ها و قصور و عمارات آن و منازل شهری و تمشی کرده‌ای دوائر کشوری و لشکری استقلال یافته اطراف سرک‌ها از حد طاق ظفر تا منتهای باغ عمومی و جوانب و نواحی باغ عمومی بچراغهای گوناگون برقی پیراسته و بعلم‌های رنگارنگ و تزئینات بوقلمون آراسته شده بود تقریباً از ساعت ده الی ساعت اشخاص بعجلت جهت اخذ موقع و ادای صلوة جمعه و استماع نطق اعلیحضرت معظم غازی جوق جوق و دسته دسته آغاز گشته ساعت ۱۱½ عموم افواج ظفر امواج تیز رفتار با بهای جامع امانی و میدان مقابل آن بصفوف جنگ خویش ترتیب داده ازدحام و اتم کثرت خاص و عام باندازه بود که در میدانها و سر کها و درون مسجد جا باقی نماند مجلس بود. ذات ستوده صفات اعلیحضرت با روشنی بخش دیده مشتاقین و منتظرین گردید بعد از ادای نماز جمعه فرزند خطیب در صحن مسجد موضوع بود بر آمده نطق را گوش صداقت نیوش حضار فرموده ضمناً اظهارات شاهانه بسلسله دعاگوئی و کف زدنها قطع شده بعد از سکنات عموم بار دیگر با خویش دوام مبذول فرمودند.

نطق اعلیحضرت معظم غازی امیر امان الله خان

ای اولاد های غیور و محترم! و ای ملت جسور و محترم!

امروز بهر ملت این جشن سال ششم استقلال افغانستان را تبریک میگویم. عموم بر شما مبارک باد و سایهٔ آن از شما و ملت افغانستان از بیان و خود شما را آباد داراز بلکه تا ابدالاباد آزادی و استقلال کامل! ای بسیار برابر برای شما حاضرین و برای عموم ملت افغانستان آرزو و نیاز دارم. [عموم آمین آمین، کف زدنها بی شادمانی]

اگر برای بعضی نفری بواسطهٔ تنگ تکلیفی عائد شود
از دوستان سابق میخواهم زیرا بهمه شما معلوم است که موقع
انعقاد جشن هر ساله در بهترین موسمهای کابل و
بزمان معین مقرر بود و فقط درین سال بنا بر یک واقعه
از موقع خود پس افتاده در ینوقت انعقاد یافت.
میخواهم بگویم که ازین جهالت بدبختان جنوبی
[illegible] برای آن معلومات [illegible]
از [illegible] یک [illegible] تکلیفی برای دولت [illegible]
[illegible] است (کف زدنهای شادمانی)
اگرچه [illegible] این بدبختان [illegible] اندیشی [illegible]
[illegible] دشمنان ترقی خود مقابل دولت خود
[illegible] از تباهی و بربادی [illegible]
در [illegible] مقابل عسکر شجاع و دلیر [illegible] بسنگ فرار کرده
[illegible] عموم مظفر باد عسکر افغانی. کف زدنهای شادمانی)
لکن [illegible] که بدل من عاجز ازین واقعه [illegible]
است که نقص و خسارهٔ طرفین برای ملت محبوب من
برای اسلام عائد آمده است! از خداوند بدخواهان و
دشمنان ترقی افغانستان را نیست و نابود خواستارم (عموم
آمین آمین کف زدنهای شادمانی)
تصور نکنید که این جشن مسرت **استقلال** در موسم خزان
است زیرا [illegible] این جشن ملت خزان هم بهار است —
بلی برای ما هر وقتیکه مسرت و خوشی بدست آید و بعموم
و مقصد خود کامیاب قائم باشیم بهار است [الحمد لله]
از انجا که این استقلال را خداوند کریم به افغانستان از
همت و شمشیر ان عسکر عطا کرده است! و آزادی خود از و
سرپرسته گرفته ایم از تمام عسکر اظهار مسرت و ممنونیت دارم
(عموم ما از شما رضا هستیم. کف زدنهای شادمانی)
از طرف خود اصالتاً و از جانب عسکر وکالتاً [illegible]
عرض میکنم چون برای ترقیات دین و ملت و مملکت خوشی
[illegible]
[illegible]

نسبت به ترقیات افغانستان و مسلمانان [illegible] دارم و
تا امروز [illegible] کامیابی پیش برده ام و بعد ازین نیز
به توفیق خداوندی [illegible] پیش برده [illegible] ازین دور کنند
(عموم ما از خدا کامیابی شما را میخواهیم. کف زدنهای شادمانی)
اگر بعضی از جاهلان سد راه ترقیات ما خود ها را [illegible]
و گفته شود که دشمنان دین و دولت و مملکت ما بسیار اند
لکن بدانید [illegible] اگر بدخواهان ما بسیار است
الحمد لله دوستان و طرفداران ما نیز بسیار است و ما [illegible]
[illegible] قصد کرده ایم [illegible] مطلق [illegible] خداوند [illegible]
کرده ایم (کف زدنهای شادمانی) **حضور والا**
نظر رحمت خداوند هم برای ما است. زیرا که ما برای آبادانی
و روشنی شریعت [illegible] و ترقی ملت و مملکت خود کوشش
داریم و جانهای خود را بکمال صداقت درین راه فدا میکنیم
و ما [illegible] هیچگاه برای [illegible] مقاصد شخصی خود نام
برده [illegible] کاری نکنیم [illegible] مطلب و مقصد
خود را برای خداوند [illegible] در مقابل تمام دشمنان [illegible]
از داخل باشد یا از خارج [illegible]
باقی از درگاه خداوندی آرزو دارم که [illegible]
[illegible] را از خیال [illegible] من عاجز [illegible]
افغانستان نصیب کند! (عموم آمین)
هر کس وطن خود را [illegible] دوست [illegible]
ملت خود را [illegible] از همه دوست دارم و [illegible]
نسبت بدین عشق و محبتی که با شما دارم عاشق [illegible]
زیرا [illegible] من با آنها [illegible] از مرتبه [illegible]
(عموم زنده باد شهریار محبوب القلوب. کف زدنهای شادمانی)
الهی العالمینا عموم [illegible] در دنیا و آخرت کامیاب
داشته باشی! (عموم آمین)
الهی العالمینا! هیچ وقت ما را [illegible] دشمنان [illegible]
و شرمسار نگردانی که ما [illegible] ترقیات افغانستان [illegible]
بجان [illegible] خود [illegible] (عموم آمین کف زدنهای
شادمانی)

الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر ولله الحمد ولا اله الا الله محمد رسول الله [غلغلهٔ عموم ایضاً]
باقی بهمه تماشاچی خوشی و خرمی ایام جشن را گذرانیده و بکمال شادمانی ساعت تبریک کنید و باهم برشتهٔ محبت و شفقت
[illegible] را مرتع داده با دیده مباش در پی آزار هرچه خواهی کن که در طریقت ما غیر ازین گناهی نیست :
بعد از اختتام این نطق ذات ملوکانه حضرت اجل افخم آقای عبدالعزیز خان از یک مرتبهٔ متقابل که قبلاً جزو این مجمع عظیم
[illegible] عرایضه را از جانب عسکر بحضور اعلیحضرت شریعت بکمال سلاست و طلاقت بفرحت ساینده نطق و کنار جابجا بکف
زدنها و فریادهای تحسین و تقدیر مشد .

عریضهٔ عسکریه بحضور امیر معظم عسکر پرور غازی

بحضور اعلیحضرت شهریار قهرمان معظم غازی!

خدای کریم که گاهی بیک مملکت و دولت و بشر و جمعیت [illegible] ترقی و نجات خاصیتی در خلق و تقدیر کند، ارادهٔ الهی بان مرحمت افراد و ذات بحضور گزیده مقدرات ملت و دولت را که یکباره مخارش داده و بتوسط عقل کامل و فکر رسا که در آن نجوای نظر اعلا نموده افراد ملت را چون یک روح عمارت شان و شوکت تجهیز را اصول اتفاق تجهیز ساخته، بملت احساسات دیانت، امانت، فداکاری، سربازی، جانسپاری، و تجربهٔ عسکریت — از روانی در رشتهٔ رزمگاه حیات آنرا بهر اسباب تجهیز و وسایط محفظه، و بمحکم تعلیم و مسائل تعلیمیه جمایه، و ملت سعادت دیده را از حضیض ذلت باوج عزت و رفعت میرساند.

خدای ما هم بعد ازین قهرمانان میدان معرکه [illegible] آن سلسلهٔ ترقی و مواقع تعالی را گشتانده — از روی [illegible] سعادت محفوظ محافظان بجهت قواعد عسکری — زمام حکومت و جهان از اراده را در دست گرفته اند شرط عظیم [illegible] و حفظ خویش بمکتب [illegible] شهرها [illegible] در راه استقلال خویش و استحصال آن بکمال رشادت و بهادری، و انتهای شجاعت داد و در حق که قاعدان عسکر میدان جنایه بحضور [illegible] علاوه بجا کرده [illegible] ارتقاء عسکری افغانستان را فقط این دنیای عسکری دلیشان از صاحب امتیاز فرموده اند بل عسکر [illegible]

عسکری افغانی را بکار راجهای مجید را بخوشی که ...... «افتخار بر دوش ما آینده است» (مطلوبه) — و ازین بعد عسکرش را از رنگ محلات افتخار فرموده اند.

پس از استحصال استقلال در بین شش سال که از یک سلطنت بفرحت عسکر از ذات اعلیحضرت شما در این باره مساعی جمیله و اهتمام جلیله، در راه اعتلاء سعادت و ترقی اردو، و تنظیم و تنسیق امور عسکری با الالزمه، تجهیزات، و دیگر لوازم آن مانند تاسیس مکتب حربیه، مکاتب عسکریه، تصور اساسی، «طبیب معاون»، فنون حربیه عسکریه، تدارک طیاره، [illegible] وضع قوانین نظامیه، انتظام تشکیلات، مطبوعات عسکری، باصول جدید عسکر عالم عسکری افغانی را درخشان در میدانگاه قیام تمرین و ترقی [illegible] ذات نامور شما [illegible] عالم عسکری افغانی گردید و بکار ملت و محافظ حقوق و وطن مملکت بکمالات خدمات برگزید، مساعی جمیله اهتمام [illegible] کوشش جلیلهٔ [illegible] افغان اعلیحضرت شهریار شهریار و شاه دنیا [illegible] نمودند که به المجاهدین [illegible] فرنسی را در دو منظر افغانستان در راه استحصال استقلال اعلا و ترقی نظم و نسق امور عسکری ابراز، و لیاقت عقل و اعلی تحسین ان کمال موفقیت کرده اند، [illegible] ما عسکر با احساسات فداکاری و جانسپاری خود را در جامهٔ این برنان [illegible] گونه مقاصد عالی حضور مبارک همایونت تقدیر میداریم.

[illegible] بنده آقای عبدالعزیز خان [illegible]

مبارک است باحباب جشن استقلال

(از طبع لطیف جناب آقای محمد شریف ...)

بهار آمد و زد خیمه در گلشن و چمن
زخون دختر رز ساقیان سیمین تن
بعهد سلطنت خسرو خجسته خصال

بنال بلبل بیدل رسید فصل بهار
بانتظار تو کی کشیم رنج و خمار
بعهد سلطنت خسرو خجسته خصال

بدل نه فکر زمانه نه غم ز ایام است
نشاط باده کشان در صراحی و جام است
بعهد سلطنت خسرو خجسته خصال

شنیده ام بگلستان حدیث وصف الحال
رسیده دولت افغان برتبه اقبال
بعهد سلطنت خسرو خجسته خصال

گلی که تازه از آن گشت نوبهار وطن
بدوش همت خود تا بداده بار وطن

شده کربسته میان بهر خدمت ملت
شجاعتش شده دارای غیرت ملت

ترقی وطن از علم میشود پیدا
شرافت سخن از علم میشود پیدا

خداپرست وطن دوست خسرو دانا
ز سرزمین یوروپ تا بخطه آشیا

خلیفه حامی دین پیرو رسول الله
قلم گرد رقم نسخه کلام الله

نخست با قلم صنع صانع تقدیر
خدا که داده وجود ترا چنین تاثیر

زمانه چون تو ... [illegible]
مقصد همت بوصف خوشت بنان قلم

فروغ کوکب بختت چو مهر تابان باد
که بدسگالان دشمنت پریشان باد

قلم گرد رقم این مقاله عالی
چه باد از دل ملت محبت خالی

بسیر لاله و ریحان سنبل و سوسن
قدح قدح می گلگون کشید در گلشن
مبارک است باحباب جشن استقلال

بجو بساقی گلرخ که جام باده بیار
زبان شمع بهر انجمن کند تکرار
مبارک است باحباب جشن استقلال

ز سیر رشته الفت رها ز بر دام است
بیار باده که امروز جشن اسلام است
مبارک است باحباب جشن استقلال

ز بلبلان خوش الحان بدین ترانه مقال
زگرد و خاک مذلت بآسمان جلال
مبارک است باحباب جشن استقلال

شهنشهی که بود یار و غمگسار وطن
دمی نیافت فراغت ز فکر کار وطن

فروغ چهره او شمع عزت ملت
بآسمان رسید امروز رفعت ملت

کمال حسن فن از علم میشود پیدا
هدایت یمن از علم میشود پیدا

بحسن خلق جهان را گرفته تنها
بهر بلاد لوای محبت بالا

شجاع و عادل و غازی امیر امان الله
رقم بتیغ تو زد جد فی سبیل الله

بلوح نسخه هستی ترا نوشت امیر
اطاعت تو بود واجب صغیر و کبیر

بپرده باری و علم و حیا و جود و کرم
که کلک صنع باوصاف تو نوشت رقم

بهر زمین که رسد مقدمت گلستان باد
زحادثات زمان ... تو نگهبان باد

... [illegible] ... حالی
خوشست جشن ... امروز ... عالی

جذبات فتح ظفر موج ...

جشنی تقریب ...
آقای عبدالعزیز خان ...
شیرپور معاشه آن غنده ...
ماشری که از دور السفره ...
واصل شده الله پرده فرمود ...
... از حضرت ممدوح ...
عسکری غند براه آقای ...
رد و بدل شده که اگر ...
آن عطف قلم نا ...
حاصل ... از مندرجات ...
حکایه ... رانده ایم
باعمومی آقای عبدالعزیز خان ...
سمت جنوبی ... [illegible]

قرارگاه های نظامی در سمت ...

[illegible]
... دیگر خبریکه جالب توجه ...
... رسیده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 240 of 524

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ششماهه	سالانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۳۰

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل نشر میشود بدیگر مقامات در هر بیست و چهار ساعت ... در سال ... میگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت ... مقالات واصله در اداره ... جریده در اندراج و اصلاح و عدم ... آزاد است.

اشتراک توسط ... لیسه ... مجله ...

نگارنده برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

مسلک: ترجمه و ارشاد ... و ... مطالعه ... انسانیت ... مسلمانان و ... شرقی ... بنوشته های ... دوستانه ...

جلد ۱ | کابل چهارشنبه ۶ عقرب ۱۳۰۳ ش ۳ ربیع الاول ۱۳۴۳ ق | شماره ۳۳

صورت شرفیابی ... ظفر موج ... افغانی بحضور حضرت اعلیحضرت غازی

خبر ورود آن عساکر ظفر مآثر افغانیه که از اطراف ولایات افغانستان اند عموم ملت وطن دوست و شاه پسند افغان را بسبب کمال خرسندی و انبساط این ... الجلال اخوت ... و شمال سمت جنوبی از چندی است که اطلاع قارئین محترم حسب الموقع در روزنامه ما خوانده اند و اخبارات و نظریات و جذبات آن سرداران شیر افگن قبلاً کسب اطلاعات کرده اند.

اینک خواهشمندیم که صورت شرفیابی این سرداران افغانی بحضور مقدس همایونی و شمه از کلمات شفقت آیات ذات جهانبانی و بندگی از اظهارات اخلاص کیشی و عقیدتمندی این عسکر افغانی را نیز شنیده و صحیفه اطلاعات سابقه خود را قارئین محترم را از آن مطلع و مستحضر دارم.

برادرم عبد السلام (...) ... موضوع تقریبا ... حقیقت ... بالعرض شناخته ... اقبال

دانسته که ما از آن ... ذیل را اقتباس میدارد ... روز چهارشنبه ... ماه ... نظام ... حضرات ... افغانی ... نظر ... موقع نقل و حرکت صنف جلیله عسکری لازم است بغرض شرفیابی والا ... تعالی ... و سرافرازی ... همایونی از جهاد ... شیر ... دلکشا گردیدند. مردم ... و اشخاص ... در عقب ... متصلا داخل ... و ... و دیگر ... گردیدند صفوف نظامی جانب ... کاملاً ترتیب ... نظام ... سواره و پیاده و غیره مقرر ... سراپا انتظار استماع کلمات همایونی و تماشای دیدار فرحت آثار ذات شاهانه بودند تا اینکه حضور ... شریعت ... ساعت ۱۰ ... ۱/۲ ... نظامیان مقابل بود ... آفتاب جهانتاب ... انتظار گردید

عالی اعلیحضرت قوی شوکت مفخرهٔ بزرگ مراسم تعظیم و تکریم بجا آورده عقود کلمات دعائیه اطراف و جوانب گرفت بعده ذات جهانبانی کلمات جواهر آیات و بیانات از روی فضل و شیرینی ادا فرمودند که ما در ذیل با ایراد مطالب عمدهٔ بعضی از کلمات دُرر بار شاهانه مضمون زینت افزائی روزنامهٔ خویش را سعی نمائیم

مطالب عمدهٔ نطق همایونی

الحمد لله که بسیار خوشحالم بصحت دیدم

با محبت افغانستانم خانهٔ شما هست بخیر شما بخانهٔ خود آمدید! ماندنه باشید! [عسکر: سلامت ....]

انسان بعضی امور یا اشکالاتی را که دیده و عاید شود اگر طبعاً بنظر اکراه ببیند و دوا و ابجو و شر و ضرر می پندارد مگر در حقیقت از آن برای وی فوائد بدست آمده بخیر او خواهد بود و برایش حاصل شود! [حقیقت این کلام شاهانه در حقیقت ترجمهٔ آیهٔ کریمه که مؤمنین را مسلمانان آمده است: عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم] **واقعه** سمت جنوبی اگرچه در اول خلاف افغانستان بداشت عشیره ما در واقع بسیار مفاد کلی بر دولت بوعه شان هم رسانند که از جمله آن **اول** دیدن و ملاقات نمودن بسیار شما عسکر با شهیم فرزندان غیور و با وفا معین بیا شید. اگرچه بسیار آرزو داشتم که شما را ببینم لکن فرصت وقت و کثرت مصروفیت مرا اجازت نمیداد. زیرا خداوند شاهد است درین ۶ سال که سلطنت بیدقیقه وکیلا عت رفاه شما ملت و دین مملکت بالا و شما بسیار در ادای حقوق دارم فارغ نبوده ام و جهت سبات ترقی و تعالی شما را جستجو نموده و برو آورده ام! [عسکر: عمرو دولت زیاد شاه]

دوم علاوه برین مساعیای که دولت تا در ترقیات عالم عسکری بکار برده است این تشکیلات تعلیماً و تنسیقاً که بروی کار آورده است و این اسلحه و اتواب و مشین گن های ترقی جدید اعلی و طیارات و دیگر لوازمات عسکری را که مهیا ساخته است خواهش دارم که بیشتر و خوبتر در ترقیات و تنظیمات ترقیات

عسکر تجهیزات آن که سعی و اجتهاد و زراعت خود در صدد خریداری شما بوده بود لکن بیش از شروع این بعضور و فور و درین ترتیب عجیباً این طیاره را که چه اگر این مسئله در میان نمی‌آمد ما تا سال دیگر خودی درباره طیاره بعمل نمی آمد!

سوم: تا حال ما از داخله خویش که شما را در شان شما علت دارم و آنها را از خدا و مدد خویش ترقیات و اعلی ترین کامیابیها آخر و ود دیگر این امید داشتم که بر خلاف توقع بر علیه حکومت خواست و تحت رات خویش خواهند گشت و کاملاً متقنم که لطف خداوند و روحانیت رسول خموم ملت و همت شما عسکر باعث گردید این رفع آن کوشش ما را بسیار دوست داشتم و با نها بسیار لطف کرده بودم چنان گمان میبرد که بعضی از اقوام ما را دشمنان باز بروی السیاده خواهند کرد و از آن آنکه باید قوای عسکری ما نه تنها برای رفع دشمنان خارجی و داخلی با سنی یک بیانه کافی آماده و موجود اگرچه نظر به صداقت و راستی که در خدمت دولت و ملک

وا ازین جنین قوم شجاع و همدرد و غمشریک و دلاور که بار ها داد و مردانگی و اسلام خواهی و وطن پروری خود را وا نزد ورم و اقعه مردانه وار بکمال گرمجوشی و وفا داد و صداقت و محبت و اطاعت را بهمت و فعالیت خویش این واقعه را الله امید وارم که در هر جا و در هر وقت خویش کامیاب و فاتح خواهیم بود [عسکر: همیشه شما را مظفر و منصور دارد]

[باز عطف کلام حقیقت التیام]

از وقایع سمت جنوبی نموده بعد از حکایه و جهالت بیجگی و نادانی و غدر و خیانت آنها و رحم و شفقت که دولت بدانها فرمود افسوس میکنم بر حال آن قوم جاهل و

خود را هم بکرور فریب شمس بازگ میکشند و فرزند
و اطفال و عائله خود را نیز برباد و تباه می نمایند
معلوم است که این قوم جاهل نه تنها ملت و عسکر را
بقتل میرسانند بلکه بقتل و تباهی و بربادی خویشتن
نیز از دست خود برخود وارد میکنند، امروز
فرزندان و زنان و عائله شان در کوهها بحالت
سخت و سرد از دست جهالت خودشان باد
و برودت گرفتار اند.

ای بدبختان چرا برادر عسکری خود را هم میکشید
و خودتان را هم بقتل میرسانید بگذار تا این قوت
را ما و شما استفاده را به اسلام جهت ترقیات افغانستان
صرف کنیم! بگذار تا این گلوله باروت و جبخانه را
که افغانستان از سه پشت باینطرف الغرض حیات
این خط اسلامیه از شر اعدا اندوده است
بمحل اصلی آن بصرف برسد و این پنج انگشت
یک مشتی را تشکیل داده طپانچه رخسار دشمنان
افغانستان گردد!

افسوس بدو خبر می آید (۱) با این طائفه
نادان بسیار نیکی ها و احسانهای از حد مزید نمودم
لکن ولی ترا این قوم احسان فراموش بر ویم برگشتند
شخصی که با یک سگ احسان میکند، سگ احسانش
فراموش نمیکند، بهتر یک نسبتاً با یک اسپ
ملاطفت میکند و یا او را خدمت می نماید
و پرورشش میدهد احسانش میداند (۲)
از هر طرف که نقص گردد و کشته شود نقصان افغانستان
و مسلمانان است یک مثل بود «ز هر طرف که شود کشته سود اسلام
است» اما و اسفا فی الحال آن مثل برعکس افتاده است «
ز هر طرف که شود کشته نقص اسلام است»
(در اخر این دیگر کلمات رقت آوری را
نیز برادرکان بهمین موضوع ختم کلام فرمودند.

اجمال عریضه تشکر فتح ابنا معارف

اعلیحضرتا! احمد و امثال نسبت بمعنا که زحمت
از اطراف و اکناف افغانستان بخبار و معارف
بشمار میم که شرف القاء و اعزاز ملاقات ذات شاهانه حضرت
با افتخار ملاقات تان بحضیبات غرای دیده ها نور
و از بیانات شاهانه رخصت کنید تا سرو درود دست
الحق علو و نگرد ذات ملوکانه ارشاد داشتند
که این واقعه در آغاز تصور شر تلقی شده ما رفته رفت
بعیان پیوست که از امثال این وقائع برای
آتیه افغانستان و تجربات و ترقیات و ثبات
حکومت آن فوائد عالیشانی بهم پیوست نیز از این
واقعه باید ممنون باشیم که موجب خیابانی اعلیحضرت و دربار
و خصوصاً ظل الهی گردید بهشت حوض شهری بزرگ که خیر دوران
و اینکه فرمودند که ما بعد ازین خواهشمندیم که بخیر تر
در ترقیات و تعالیات عالم عسکری قبل مساعی بخرج دهیم
اعلیحضرتا اگر بدیده حقیقت نگریسته شود نظر لطف و مرحمت
اعلیحضرت بر عالم عسکری و اردوی افغانی تا حال نیز باندازه ای
و بپایه نهایت رسیده است چه نوازشی بهتر ازان
و معاوضتی بهتر ازین فراز نموده علاوه بر تجهیزات و تنظیمات
و ضبط و آماده فنون عسکری داشته در این مدت قلیل بطور
داده و اقوام تفنگهای ماشین گن های جدید و توپها و طیارات
والبته دیگر لوازم از برجهان شرف و نعمت بخشیده اعطا فرمودند
و فتوحات داده از تمام فرزندان وطن مشکلات ما را حل فرمودند
و همچنین صحت و ضبطی عطا فرمودند که بر طبق هدایت شریعت
اسلام کار روا نمود مصداق آیه کریمه (جاهدوا باموالکم
وانفسکم فی سبیل الله) گردید ای شریعت پرور
و تمام اردوی افغان بمقابل همه اعطا یا او علاوه عسکر
باز نگر نظر اخوت خود ما بر نابر نام و نسال حتمی میکنیم و افرا
فرما در ترقی و سید السلطین تعالی لطف و احسان باقرین خود و
سرکوبی دیگو تمام اعداء داخله و خارجه ملت و مملکت و شخص اعلیحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 243 of 524

قربان و فدا نمایم و گرچه کرده خواهم توانست —
احوال آن شاه چه محتاج گفتن است ... ترجیع حالات ... نیست
اعلیحضرت ما هم بسیار متأسف و متحیریم بر حال جهالت اشتغال
آن برادران احسان فراموش سمت جنوبی خویش که از امر و اطاعت
مانند شما یک اولی الامر زاهد مهربان خود چندی قبل برین طغیان
نموده کفران نعمت کرده بودند و ده رتبه از حسن کلام و نیات
بی آلایش پاک آن وجود محبت و فعالیت خدام صداقت پناه
اسلام شناختند و حق را از باطل شناختند!

خوشا بحال آن بیطرفان و برادران ...
فاجر مردانه وار داد اسلامیت و افغانیت خود شان را
داده براه اسلامیت آوردن آن برادران گمراه و آن باغیان
ضلالت پیما نموده که اسباب خنده نیکنامی دنیا و آخرت و رضای
خدا و رسول و اعلیحضرت را اکتساب کردند

اعلیحضرتا! عشق و محبت و خلوص ما که عموم ملت و سکنهٔ
افغانستان نسبت بذات شاهانه دارند و در هر مواقع
اظهار همدردی و هم شریکی نموده و می نمایند تا ما از نیات حقانیت
و رفتار حسنه اعلیحضرت شما است مطمئن باشید که خدا
و رسول و دنیا و ما فیها معاون و مددگار شان است
چو خسرو بفرمان داور بود   خدایش نگهبان و یاور بود
ایکاش اگر ما فدائیان و سربازان حقیقی اعلیحضرت غازی
نیز درین محضرت و احراز افتخار تاریخی با دیگر برادران ملکی و نظامی
خویش در راه ... و گوشمالی دادن باغیان سمت جنوبی
شامل می بودیم

ای پدر شفقت گستر و ای تاجدار عدالت گستر!
مطمئن و شادمان باشید عموم ملت و کافهٔ رعایای صادق ...
برخلاف باغیان سمت جنوبی و دیگر اهالی و کافهٔ افغانستان جدا
در کلی مساعیات جمیلات شما در راه ترقی و تعالی مملکت
افغانی و اعلای کلمة الله و حمایت آیین و دین اسلامی نظر حیرت
و تشکر و امتنان می نگرند - اینک ... احترام و قبول
قوای متحد ملکی و افواج ... قوای قومی از تمام اطراف و اکناف افغانی
بکمال گرمجوشی و پافشاری است برای سرکوبی و گوشمالی دفعتاً نمودن
و برباد نمودن این اقوام جهالت اقتیام که بمنافع و ترقی
وطن پافشاری دارند

بعد از رد و بدل گذارشات ذوق که ما مضمون
از تحریر آن فراغ یافتیم باز مراسم تعظیم و آداب و تکریم
اعلیحضرت معظم غازی شان از طرف عسکر بجا آمده ...
جماعوی رخصت شدند

کامیابی عسکر افغانی در سمت جنوبی

مزید معذرت خواهی و بیعت نمودن طغری باغی

اطلاعات ... که بنابر ... اداره ما رسیده ...
کامیابی نظامی در سمت جنوبی بهم رسیده اند تا کا منصور و مظفر
عساکر ما مانند سابق در مقابل بغات ...
عده از عسکری ... سپاه ...
محافظ و بیرودار با اسیران و ... باغیان بکابل ...
بطور ... سمت جنوبی فرستاده شده اند
نقل چند قطعه بیعت نامه و معذرت خواهی علما و فضلا
و ... باغیان سمت جنوبی (که چند قبل ازین ...
باغیان بودند) ... اداره ما رسیده است که در آن ...
رفتار و گفتار ... خود نادم و پشیمان و برآینده خواستار ...
شده مذکور ... حکومت متبوع خود وعظ و نصیحت
خواهند کرد و در آتیه اگر ممکن شد عیناً با نقل آن معذرت نامه
خواهیم نوشت

یادآوری

چون برای تحریر و ابلاغ ... گذارشات و مخاطبات
مخصوصاً که روزنامه ... هر روزه طبع میگردد ...
و ... تنظیم ... پیدا ... ازین رو
چنان مناسب انگاریم که ... اهتمام (بجز از ...)
اعلیحضرت غازی و هیئت عسکر افغانی را که بروز ...
ایراد شده ... در شمارهٔ ۳۳ خود ...
کوائف باقیه ... نوشته ... در یک اخبار ...
... تفریح مطلوب ناظرین اطراف و ولایات و حکومت ...

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود دیگر مقالات در مورد [illegible] ارسال میگردد و امور تحریریه به نگارنده حقیقت [illegible] ارسال و مقالات [illegible] در اداره مانند جریده در اندراج و عدم انتشار آن آزاد است. اشتراک بتوسط خزانه دولتی و بصورت نقدی از همه جا قبلا دریافت میشود

نگارنده برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابلی ۶ ماهه	سالیانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

[illegible] نمره از سابقه و حال [illegible]

منفعت: برای کامه نگاران و کتابخانه [illegible]

مبادله: با جرائد اسلامی و ترقی

قیمت یک شماره [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد ۱ | کابل شنبه ۹ عقرب ۱۳۰۳ ش ۳ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق | شماره ۳۲

نقل بیعت نامه علما و فضلای سمت جنوبی

(باغیها عنقریب مطیع خواهند شد)

نامه نگار موقر ما از زرمت رقم طراز است که بیعت نامه ذیل را جمهور علما و فضلا و روحانیت مآبان این اطراف و نواحی [illegible] [illegible] باغی [illegible] در جواب آن فرمان شفقت توامان اعلیحضرت معظم غازی افغانستان عرض و تحریر و تقدیم نموده اند که بتوسط منصبداران بزرگ عسکری اینجا بحضور شان رسانیده شده است.

درین ایام چون چاره از هر طرف بر آنها حصر شده [illegible] [illegible] این [illegible] باغی [illegible] معلوم است که هر کدام آنها از طبقه علما یا عوام بخوبی دانسته که این اقدام باغیانه شان خلاف دین و شریعت است ازین رو بفحوای اذا ادرکه الغرق قال آمنت زمانیکه فرعون غرق شد گفت [illegible] ایمان آوردم مجبور [illegible] هر کدام از راه فلاح و نجات خود [illegible] رسیدن [illegible] [illegible] تجدید بیعت نموده اند وبس

رجال دانشمند حکومت نیز [illegible] مقصد [illegible] در بربادی این اخوان نادان باغی خود باز اندارند با اینکه [illegible] ازین مکر و فریب و خدعه آنها افغانان پاکنفس [illegible] برده تکمیل [illegible] بکار برده تا جنوبیان با اصلاح و تالیف قلوب آنها میپردازند.

بالجمله [illegible] شنیدیم که [illegible] نقل بیعتنامه علمای جنوبی که [illegible] از آنها [illegible] نامه نگار ما از آن [illegible] رسوخ آنها قرار ذیل درج نموده است، بتوسیم

شروع

فدای حضور مبارک پادشاه اسلام غازی دام اقباله

عرض خادمان دین و دولت اسلام بحضور مبارک اینکه [illegible] فرمان مبارک از مورخه ۲۱ برج اسد که بنام ما خادمان مرقوم شده بود مورخه ۲۰ سنبله بما خادمان اسلام بزیارت فرمان مبارک مشرف گردیدیم مضمون [illegible] فرمان مبارک

اینکه ... بعضی مواد نظامنامه که علمای سابق بر
اساس مسائل ضعیفه شرعیه گرفته بودند همه را اصلاح
کرده از نظامنامه‌ها کشیده شده چنانچه اعلان سو هفتم
برای دانستگی شما فرستاده شده علی هذا استماع اطلاع
میداریم که دولت علیه‌ام افغانستان یک دولت اسلامی
است و هرگز آرزو نداریم که هیچگاه خلاف اوامر شریعت نبوی
صلی الله علیه وآله وسلم بکام و مامورین دولت افغانستان
رفتار داشته باشند. بهمه اساس حکومت برطبق شریعت
غرای احمدی بوده از روی اسلامیت خواهانه هست
شکرگذارم که الله تبارک و تعالی این عاجز را که پادشاه
افغانستان ساخته و برای خدمت اسلام خلق کرده باشند
دین حنیف محمدی فرموده است و عهد کرده ام تا زنده باشم
برای اعلای کلمة الله خدمت دین محمد رسول الله کوشش
ورزیده و در راه اسلام و روشنی شریعت مبرکه اسلامی سرباز
نمایم.

رعیت پرورا! الحمد لله رب العلمین وجود مانند شما یک
پادشاه اسلام از نعمت های عظمی هست ما همه احکام اعلیحضرت
معظم غازی خود را که مطابق شرع شریف است بسر و
چشم قبول داریم و همواره بدعاگوئی و ترقی دین و دولت
اسلام و دوام سلطنت شما پادشاه اسلام اشتغال مینمائیم
دراین ایام که دیگر خدام دین و دولت بتالیف قلوب
و اطاعت عموم میکوشند ما نیز با وشان همنوائی
داشته درصداوت شان کوتاهی نکنیم و ما علما
و سادات منتظر برای هدایت و رهنمائی اهالی وعظ و نصیحت
میکنیم چنانچه اکثریه مردم براه حق و حقانیت شناخته اند
آنانیکه تا هنوز در جهالت خود مانده اند نیز امید داریم که
عنقریب براه اصلاح خواهند آمد ۲۸ سنبله ۱۳۰۳

امضا

ملا محب الله   ملا شیرین گل   ملا محمد الدین
ملا عبدالوهاب   مولوی محمد اکبر شاه مهاجر   ملا عزی
ملا تمیم الدین   ملا عبدالمجید   ملا محب الله نفر   ملا عبدالنعیم   ملا مصطفی
وغیره علما و رؤسا و سادات.

فتوی علماء سمت جنوبی

[نقل فتوی است که ملاهای سمت جنوبی دراین ایام وراشعه او کثیر تحریر کرده در سرتاسر سمت جنوبی تقسیم نموده اند. حقیقت]

هزاران شکر و سپاس مر خدای را
که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت
معظم غازی مهربان ما اعلیحضرت امیر امان الله
خان خلد الله ملکه و ابده و احسانه اخبار
و اشتهارات با فرمان مبارک ایشان
درحین تردد خفتن و انتظار شرف ورود نمود
غبار شک و ارتیاب را از دلهای
ساده عوام مسلمین زدود و از لجه بحر عمیق
طغیان و بغی بر ساحل اطاعت
آوردند و صالحین عدول دولت علیه
افغانیه را که در یک عالم شقاق و نفاق
و محصوری بودند تقویت و فرصت بخشید
و مسائل حق اندیشانه خیالات شریعت

پرورانه ذهن نشین قلوب گردیده از
جمله عنایات خسروانه که دران محسوب
بود ممنون شدیم پس بر همهٔ مایان کافهٔ
انام از خواص و عوام لازم بوده که پادشاه
مطاع ذی اقتدار خود را مطیعان بجان و دل
و جان خود با بوده و میباشیم و بیعت
ثانی میکنیم و هم اول باوشان بیعت
کرده بودیم عبدالکریم فراری که بمقابل
اعلیحضرت معظم غازی طالب بیعت
... رما اهالی سمت جنوبی بود بحکم کتاب
شیطان و منافق بوده مستحق گردن زدن
... ست و ما علینا الا البلاغ

امضا

ملا محب الله ملا شیرین گل ملا احمد الدین ملا عبد الرحمن
مولوی محمد اکبر شاه صاحب ملا لاعزی ملا حمیم الدین ملا عبد المجید
ملا محب الله فقیر باک ملا عبد الصمد ملا سلام

مصاف باغیان در باک اطراف (خوست)

خوست ۳۰ میزان: درین ایام معلوم است
که یگانه مرکز بغاوت چیتگان عدر باسے صعب المرور
و جنگلهاے دشوار گذار جدران احتفاظ این دره از
اطراف و جوانب تحت مراقبت و تحفظ عموم قواى بوده تا مانع
از هجوم و اقدامات شانه اینها باغیان دارند قاما از طرف
منصبداران فرقه عسکری نظر بدینکه تعرض عسکری بسوے
جدران بالفعل چندان مفید نیست تا یک رمانی ...
تقادم معطل است لکن در بعض هنگام که از تیغ آوری
باغیان دو دسته بندی شان اطلاع می یابند عملی نفوذ
بر آنها حمله آورده جمعیت شانه پریشان ...
درین ایام در اطراف باک خبر اجتماع باغیها در قرارگاه نظامی
بهم رسیده در نتیجه یک قوهٔ نظامی و ملکی براے سرکوبی آنها
اعزام یافت بعد از محاربهٔ قلیل اعداے ملعون ...
یک شکست سرا با هزیمت بنصیب باغیان آمده در
مصادمه متاسفانه ارع ، برگ خان که یک اخلاص
کیش دولت متبوعهٔ ما و فدائی اعلیحضرت غازی بوده در
جهاد سابق بمعیت سردار علی محمد نادر خان خدمات شایانی
انجام داده بود برتبهٔ رفیعهٔ شهادت پیوسته دو نفر سلطان ...
اندکی مجروح گردیده است انا لله و انا الیه راجعون
مابراے برگ خان خلد آشیان دعاے مغفرت
و براے بازماندگان شان صبر و تسلیت را مسئلت داریم

قرارگاهای نظامی در سمت جنوبی

درین ایام جناب مستطاب علی احمد خان شاغاسی
رئیس تنظیمیه سمت مشرقی اقامت گزین جاجی و جگنی ...
و در اصلاحات این مقام کامیابانه کارروائی دارند جناب
محمد صدیق قوماندان بمقام زبرکه در میان خوست و میدان
یک مقام مهم است مصروف اقدامات مفید بوده آقاے
فضل احمد خان که قبلاً خبر حرکت او را از گردیز براه زرمت
اقامت داشته بود هم در میان خوله و محمد گل خان ...
در خوست اقامت گزین بوده حضرت عالی وزیر صاحب و جناب
معظم عبدالوکیل خان ... عبدالاحد خان و محمد سمیع خان با قواے
تکمیله در ارگون ... صاحب محمد عمر خان در زرمت ...

انقلاب در مکهٔ معظمه

بباعث شکست و هزیمت افواج حجاز و عدم قدرت
و طاقت حکومت شریف حسین در حفظ مال و جان اهالی
در سرتاسر حجاز یک انقلاب و پریشانی پیدا شده است چون
زیر خطر بودن مقامات مقدسه جلگاه عالم اسلام و حجاز
اهمیت و تقدس خصوصی را مالک است، بنابرین
اعراب چنان فیصله کرده اند که شریف حسین را از حکومت
معزول، و از مکهٔ معظمه خارج نمایند تا انقلاب در تمام
مملکت سرایت نکند.
بعد از فکر زیاد قوم برین نتیجه رسیده اند که پسر شریف معزول
(امیر علی) نام را مجدداً پادشاه مقرر کنند و لقب او
پادشاه حجاز بگذارند (یعنی مثل شریف حسین لفظ خلیفه
اختیار نخواهد کرد) و طرز سلطنت او قرار رفتار یک
حکومت آئینی بوده در باب مقامات مقدسه و حقوق شان
پابند فیصلهٔ جمیع عالم اسلام خواهد بود. اعراب سلطان
ابن سعود را قبل ازین اطلاع داده اند که برای گفتگوی صلح نمایندهٔ
خود را روانه کند (اتحاد مشرق میگوید که سرکردگان چند نفر
پسر شریف حسین را هم بحکومت حجاز پسند و منظور نکرده اند)

تردید سلطان نجد

بدوران محاربات شمال اردن و ملحقات
نجد، بعض جرائد عراقی و شامی پروپاگند کرده اند که عساکر
نجد بغرض جوش انتقام، زن و فرزند را بقتل رسانده اند".
این خبر سر کذب و افترا است مقصد ازین اتهامات
این است که تحریک "الاخوان" و عساکر شان در دنیای
اسلام بدنام گردد (سلطان نجد برای وحدت و یگانگی کل
عرب تحریک اخوت و برادری را جاری کرده و هر که در ین
سلسله داخل میشود یک دیگر را الاخ یعنی ای برادر
میگوید و میدانند که بهمین سبب عموم عرب آنها را بنام الاخوان …

بحمدالله مذهب مقدس اسلام در قلوب و دلهای اخوان
جا گرفته است و اسلام اینچنین اعمال و افعال شنیع …
حرام قرار داده است.
الاخوان مطابق فیصلهٔ اسلام و ضمیر خود هیچ حال
طفل را تیغ کشیده نمیتوانند.
و محض بخیال ازالهٔ همین نوع غلط فهمی این اعلان …

جواب صدر مجلس خلافت

سلطان عبدالعزیز ابن سعود بنام جناب عالی مولانا …
صاحب صدر مجلس خلافت مرکزیهٔ هند پیغام ذیل …
تلگرام روانه کرده: — بجواب تلگرام شما در باب …
وحدت جدید که شما متعلق عموم اهل اسلام خصوصاً عرب …
شکریه ادا میکنم، از جناب شما بار این ترقی …
لکن و تعجبانیکه شما ذکر کرده اید محض سخن آرائی و …
بعض اخبار ها است جهل الزام مادی و اخلاقی …
خرابی و پراگنش باید نگردد.
تاهم برای عساکر خود حکم داده ام که هیچ نوع تخریب
و بکسی تکلیف و اذیت نرسانند. (زمیندار)

تزلزل در کابینهٔ انگلستان

نظر باختلافاتیکه در بین وزارت موجوده وقوع یافت …
در بعض امورات خصوصاً در شرایط معاهدهٔ روس …
و قبولیت ذمه داری قرضهٔ جدید روس …
شدیدی بظهور رسیده است پالیمنت
(مجلس شوری) شکستانده شده و در ۲۹ …
باز انتخابات عمومی روی کار آمده و در نتیجه …
که باز کرر همین جمعیت مزدوران بر سر کار …
و یا کدام جمعیت دیگر این افتخار را بدست …

[illegible]

[illegible]

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابلی ششماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل هر ده روز بعد نشر میشود و بدیگر مقالات در مرتبه ملحوظ نظر اداره میگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره. اداره جریده در اندراج و اصلاح و عدم استنشار آزاد است. اشتراک بتوسط خزانه دولتی و مصور اعداد از هر جا قبول و پذیرفته میشود.

برهان الدین کشککی

ناشر: ارشادات و علما علیه
مقصد: برای ... افکار و ... ملی
تبادل: با جراید اسلامیه و شرق
قیمت یک نسخه عموماً ...

حقیقت

۱۳۰۳ ع

جلد (۱) کابل دوشنبه ۱۱ عقرب ۱۳۰۳ ش ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۳۵

گذارشات اجمالی جشن استقلال ۱۳۰۳ از ابتدا تا آخر

قارئین کرام از تعطیل و از وقت بسیار قلیل در جشن استقلال شماره‌های گذشته ما نشر شده نتوانست، اینک درین ایام فرحت التیام بعد از اینکه نسبتاً حکومت از این مشاغل و معاملات خود فارغ دیده بسر کوچ گزارشات اجمالی آنرا به بیت آ... بفضل ایزد متعال و همت جهان قیمت جلال شجاعت تمثال تقریباً موفق شد، در مقابل اعضای ملت نسبت بانعقاد این عید یوم آزادی یادگار حریت افغانی ... تاریخ ... اختیار کرده بود و هم در ... تمام علاقه‌ها ... انعقاد این جشن تاریخی برای تمام ملت افغانی و علاقه‌مندان حریت ... مملکت افغانی اعلیحضرت معظم غازی ... سرتاسر اطراف و اکناف ... طبایع جهان و جهانیان ... که یوم جمعه ۱۱ عقرب ... جشن فرحت ... و عید حریت و سرور در چمن جنت نشان ... طبیعت وضع قدرت ... در زیبا آراسته و ساحات جمیله شهر ... اقسام خوبی و شکلی انواع ... عمارات ... خصوصیت ...

پروگرام

روز جمعه ... در میدان ... ساعت ۲

الی چهار روز باغ عمومی

شنبه ۶ عقرب ... جشن ... ساعت ۶ الی ...

واسپ دوانی از ساعت ۲ الی ۴ در میدان اسپ دوانی.

یکشنبه ۷ عقرب ... عسکری ...
طیاره ... در میدان اسپ دوانی از ساعت ۹ الی ۱۱ ...
تقسیم ... الی ۴.

دوشنبه ۸ — فراغت

سه شنبه ۹ — نمایش صنعت، حرفت ...
تصنیف ... از ساعت ده الی ... تشهیر حیوانات از ۲ الی ... و در اطراف ... وزارت تجارت

چهارشنبه ۱۰ — فیل دوانی و ... از ساعت ... الی ۲
فتبال از ساعت ۲ الی ۴ در میدان اسپ دوانی.

پنجشنبه ۱۱ — پهلوانی ...
پهلوانی، **تفنگ و تفنگچه زدن**، نیزه، تیر ...
میدان پهلوانی با تقسیم انعام هر روزه اجرا میشد ...
ساعت ... شروع و ساعت ... ختم شود
و سینما از ساعت ... الی ... آتش بازی شب پنجشنبه ...

عقرب ساعت ۲ ½ مانشر شروع میشود در میدان اسپ دوانی، افغانی
بران بترتیب (نقره ۱۵) بعد گودی پوانی آتش بازی در دارالحکومه
از ساعت (۹) الی ۱۰ در موضع باغ عمومی. امضا کمیتهٔ داوطلب

مراسم افتتاحیه

برطبق پروگرام روز جمعه ۲۲ عقرب سالجاری بجامع تصویر عمارات آن از نقری وتزئین گردیده

دعوت کشوری وقشونی استقلال یافته اطراف سکوها اصطلاق خیمه های باغ عمومی جوانب نواحی باغ عمومی بحر اغهای گوناگون پیراسته وعلم های رنگارنگ و تزئینات بوقلمون آراسته شده بود ودرای اشخاصیکه از خود جا نشین نه شستند از طرف دولت علی حسب المراتب کوتی بی الی وسقالات ساخته بجایهای عالی تهیا شده حتی سر رشته طعام وحمام دروبار وغیره لوازمات نیز تعجیل آمده بود با لجمله تقریباً از ساعت ۲ مامدا اشخاص محض جهت اخذ موقع واداری صلوة جمعه واستماع نطق اعلیحضرت معظم غازی جوق جوق ودسته دسته آمدن گرفته بساعت ½ ۱۱ عموم افواج تیر تربیه یافته جامع امانی ومیدان مقابل را از صفوف فشنگ خویش تزئین داده از دحام انام وکثرت خاص وعام باندازهٔ بود که در میدانها ودر بامها ودر وپیش مسجد جای پایماندن ممکن نبود ذات ستوده صفات اعلیحضرت تا نماز آمدند روشنی بخش دیدهٔ مشتاقین ومنتظرین گردیده بعد از ادای نماز فوراً چنکه پیش صحن مسجد موضوع بود بر آمده نطق دلیل آموزی گوش صدا بخوش حضار فرموده سمعاً کلمات شاهانه بغلغله دعاگوئیها وکف زدنهای شادمانی قطع شده بعد از سکات عموم بانیه با خوشی دوام سفر فرمودند.

نطق اعلیحضرت غازی

ای اولاد وای عموم عسکر!
وای ملت جسور یکان برادرم!

امروز بجشن سالیهٔ جشن سال ششم استقلال افغانستان تبریک میگویم (عموم برشما مبارکباد وسالهای از سالهم مبارکباد کف زدنهای شادمانی)

انعاتی بر یاخود تا سالها دراز بلکه ابدالاباد آزادی استقلال وطن عزیز برای شما حاضرین وبرای عموم ملت افغانستان آرزو دارم (عموم آمین آمین: کف زدنهای شادمانی)

اگر برای جشن نفری بواسطهٔ تنگ تکلیفی عائد شود از و شان معافی بخواهم زیرا چه شما معلوم است که موعد انعقاد جشن همساله در ترتیب موسمهای کابل وافغان جشن مقرر بود فقط درین سال بالا کی قرع از توقع خود دلیل افاده دروقت انعقادیات.

بحکم قضا اری ازین جهالت بیچاره جنون انقلاب داخلی بر آنها ن معلوم آنچه اهمیه ... بحیثیت صحیح وتکلیفی برای دولت قبوحان ... [illegible]

اگرچه در ابتدا این بیچارگان بانجام وعاقبت اندیش حمیت جنون بلند شده بودند ودشمنان ترقی خود وبقابل دولت خویش برخاسته کردند وبیشاق خیرات نابند این دو نیچاره تقابل عسکر شجاع و دلیر امنیت ... سیگر بخشیده عموم مظفریا وعسکر احسان: کف زدنهای شادمانی)

نکن الم وصدمه شنگ بلکن برای حاضرین خیر اقدم رسیده ورنج وخسارهٔ وتلفی برای ملت محبوب من وبرای اسلام عائد آمد از خداوند طلب خواهان ودشمنان ترقی افغانستان را نیست خواستارم (عموم آمین آمین: کف زدنهای شادمانی)

تصور نکنید که این جشن مسرت استقلال در موسم خزان رواج یابد جشن ملت خزان یعنی بهار است ـ بلی ایراد بهار خوشی بدست آید عزم ومقصد خود کامیاب و ناتمام بهار است

ازنجاکه این استقلال خداوند کریم افغانستان را بجنت شمشیر بدون کرده است وآزادی خود را در شمشیر گرفته ام. ازنام عسکر الله ... مفسوبیت دارم (عموم الا ارشما حضامندیم: کف زدنهای شادمانی)

از طرف خود امحال وانزجاب عسکر وکال اینقدر عرض میکنم ترقیات در ملت ومملکت خوش آمدیدهای بسیار بلند بر ابلاغ و بیگمنبس نخواهدکه این آرزو ونیز ... بشکست لذا بد ورنباید کوشش نصیحت میکنم نا قضاه افغانستان وسلا ابلاغ خواهم وامروز ازین مجلس دوام وبعد ازین نیز توفیق از خداوند برای حسن سعی تمنا دارم (عموم از خدا کامیابی ما را می خواهیم: کف زدنهای شادمانی)

اگرچه بعضی ناجابلان سلیاه ترقیات خود را اینشکل کوششنا درپی دولت ومملکت میاختم کنن ولیها سیانم والکابستیم بسیار است الحمد وسپاه وجوانان تیر تربیت بایسته افراد ... وقصدیکه دارم با تمام بوده مطلب خود اعانت خداوند کریم (کف زدنهای شادمانی)

ضرور وطن وفرط بر رحمت خداوندی نیز بالاست، زیراکه آن روشنی شرح صیت بیرون ترقی ملت ومملکت خود کوشش دارم وبر آورده خود را بکار بعد اقتدرین را ... ندروبار برای تشهیر ومقاصد شخصی خود نام اسلام را بیرده بکار مکنند. غیاث ... مطلب ومقصد خود را خداوندی در معرض ... ونام دشمنان ترقی با خود دارند ... از خارج ... (۲)

کف زدنهای شادمانی)

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 250 of 524

[illegible] خانوادهٔ [illegible] نمودارم که این ترقیات [illegible] ارکان جهان [illegible]
[illegible] است برآنکه افغانستان نصیب گردید! (عموم آمین)
[illegible] اعتقاد درست دارد و لکن [illegible] که من ملت خود را بلند تر از همه
[illegible] دوست دارم و میخواهم که خود را نسبت بدین عشق و محبتی که بملت دارم
[illegible] شان گویم زیاده ازین چه علاقه مندی آنها بلند تر از حرز عشق است
[illegible] شهریار محبوب القلوب [illegible] گفت زنده باشاد مانی) والعالمینا
[illegible] دنیا و آخرت کامیاب و شاد باشی! (عموم آمین)
[illegible] علینا بجمیع وقت [illegible] اجتماع [illegible] سرسار گردانی که ما برای
ترقیات افغانستان و اسلامیان بکمال دل و دستی خود حاضریم (عموم
[illegible] گفت زنده باشاد مانی)

الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد
لا اله الا الله محمد رسول الله (خلایق عموم ایضاً)

[illegible] بشمار [illegible] جوشی [illegible] ایام جشن [illegible] بکمال خوشی و شادمانی ساعت
[illegible] که محبت و شفقت [illegible] برادر [illegible] دارید
[illegible] ترقی آزادی [illegible] خواهی [illegible] بطرف [illegible]
[illegible] انتظام [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] عسکری [illegible] داشت [illegible] از [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible] ! بکمال [illegible]
[illegible] زنده [illegible] شاد مانی [illegible]

عریضهٔ عسکر

حضور [illegible] اعلیحضرت [illegible]

خدا کریم که تخواهد یک مملکت را
از دست برد حملات دشمنان خارجی و خیانت خائنین داخلی [illegible]
[illegible] که از افراد ملت سوق برگزیده و مقدرات ملت و دولت
[illegible] کفایت [illegible] بتوسط عقل کامل و کار [illegible] که [illegible] اعظم
[illegible] افراد ملت [illegible] شان شوکت [illegible] اسلامیه
[illegible] ساخته [illegible] صداقت ، دیانت ، امانت ،
فداکاری ، سربازی ، جانسپاری که خواص فطریه عسکریت
[illegible] زندگاه حیات آنرا [illegible] اسباب [illegible] وسائط محافظ
[illegible] استحکام [illegible] وسائل تعمیر نماید ، و ملت [illegible] دیده را از
[illegible] باوج عزت و رفعت میرساند .
[illegible] بذریعهٔ این قوماندان بیدار مغز عالی دماغ [illegible]
[illegible] تعالی [illegible] ذات [illegible]
[illegible] عسکری [illegible] حکومت [illegible]

در دست گرفتند ، خرط القلم قانونی و وظیفهٔ خویش را بکشیدن شمشیر
فتح و غیرت ، در راه استقلال ملت خویش و استحصال آن ،
بکمال رشادت و بهادری و انتهای شجاعت و دلاوری که قانون
عسکری را [illegible] بکار برده ، [illegible] عالم عسکری
افغانستان [illegible] عسکری [illegible] امتیاز فرموده ، [illegible]
تاریخ عسکری افغانی [illegible] دار خویش که افتخار
[illegible] است ، [illegible] و بنابرین شمشیر عسکری را ازینکه
مجلا فرموده اند پس از استحصال استقلال درین شش سال که
[illegible] سلطنت بعزم عسکرانه ذات اعلیحضرت [illegible] مساعی جمیله و
اهتمام جلیله ، در راه اعتلاء — سعادت و ترقی اردو و تنظیم و
تنسیق امور عسکری [illegible] تجهیزات و حوائج آن مانند تاسیس مکتب
و مکاتب [illegible] بصورت اساسی ، جلب معلمین فنون حربیه و عسکریه مانند
طیاره [illegible] و وضع قوانین نظامیه و نظام تشکیلات مطبوعات عسکری
اصول اخذ عسکر [illegible] عسکری افغانی [illegible] ترقی را
توجهات جهاندار [illegible] ذات [illegible] نمایان میکند ، بنابرین
اردوی [illegible] عسکری افغانی که روح روان پیکر ملت و محافظ حقوق
وطن و مملکت است بمکافات خدمات برگزیده و مساعی حمیده و اهتمام
حمیده و کوشش جلیله که قهرمان افغان اعلیحضرت [illegible] پادشاه
ذیجاه [illegible] المجاهد فی سبیل الله الغازی امیر امان الله خان
موسس اردوی منظم افغانستان در راه استحصال ، استقلال ،
اعتلاء ، ترقی و نظم و نسق امور عسکری ابراز ، و نسبت عصیان [illegible] سمت جنوبی
[illegible] موفقیت کرده اند [illegible] احساسات فداکاری و جانبازی
خود را در همه آن و هر زمان برای هر گونه مقاصد عالی [illegible]
تقدیم میداریم .
بعدهٔ آقای عبدالعزیز خان [illegible] عسکر [illegible] سلامی کلان پادشاهی
[illegible] در میان غلغلهٔ عمومی برپا شده بعدهٔ این محفل
اختتام یافت .

آتن ملی

[illegible] ساعت یک
اختتام یافت تا ساعت ۳ [illegible]
[illegible] تفریح و گردش در باغ عمومی و حظ برداشتن از گل و ریحان و
[illegible] طبیعت [illegible] بعدهٔ در باغ عمومی
[illegible] نوجوانان [illegible] نظامی [illegible] شان [illegible]
[illegible]
[illegible] وقت [illegible]

این مساعت [illegible] دوام داشت بالاخر بکمال بهجت و شادمانی وقت
روز با خیر و خوبی خاتمه یافت

تینس بازی

در هر شان آن در یک رتبه باغ عمومی که جهة تینس مخصوص است به مسابقه
تینس آغاز گشت آن هجوم واژدحام یکه اطراف میدان آن تینس بازی را
حلقه واحاطه نموده بود با اطراف و نواحی میدان تینس بازی استقلال
این منظرهٔ قابل دید بکمال فرحت و شادمانی نیز تا وقت موعودهٔ
آن دوام یافت آن ذوات محترم که درین مسابقه بازی را از
حریف خود برده بودند انعام مقرره را نایل گشت بالاخر این منظرهٔ
بشاشت آور نیز خاتمه یافت.

صحنهٔ تمثیل و سینما

بر طبق پروگرام جشن [illegible] جشن استقلال در عمارت [illegible]
تماشاییان صحنهٔ تمثیل که در تماشای عمارات [illegible] جامع امانیه
اول این عمارت بهمت [illegible] مخصوص که در آن شاقابل دید به صحنهٔ تمثیل و هم
سینما های [illegible] [illegible] موضوعات که درخصوص آن نمایات
اخلاق و ادبی علمی [illegible] که اگر اجمالاً که در انشا
کشید صحنهٔ تمثیل و یا سینما [illegible] که بعد از استقلال کتاب بجه
بزرگی با نام خواهد رسید — بالجمله میخواهم صرف بر تحریر بر
عنوان صحنهٔ تمثیل اکتفا و زیاده از نمایشات تمثیل و ذکر سینما
کرده چندین مخصوص نمایشاتی از [illegible] به تمثیل و طبعیت
و مسرت الطرین نشان میداد محض بواسطهٔ طوالت تحریر اطرح
شب اول [illegible]
[illegible]
[illegible] سینما تماشا ۱۲ [illegible]
روز دوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

انعامات گرفتند گفته شد که درین مسابقه [illegible]
شب دوم در صحنهٔ تمثیل [illegible] [illegible]
پسر خود [illegible] [illegible]
میخواهم [illegible] [illegible]
بعضاً یه دیده [illegible] [illegible]
است [illegible] [illegible]
خود را [illegible] [illegible]
خود میگردد پردهٔ سوم — دختر [illegible] معارف [illegible]
[illegible] [illegible]
شامل شود — پردهٔ چهارم — [illegible]
تعیین شده مشغول [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
در [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
در عقب آن سینما [illegible] روز سوم | درین
[illegible] [illegible]
بعد [illegible] [illegible]
انواع [illegible] [illegible] استقلال
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
در [illegible] [illegible]
جمعیت [illegible] [illegible]
جامع [illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] میدان [illegible]
می بود [illegible] میدان مسابقه [illegible]
گلکشان [illegible] [illegible]

نقل محض ورقهای که از طیاره‌ها افتاد

(۱) طیاره بهوای استقلال افغانستان
پرواز نموده [illegible] افغانیان را از [illegible] ساعت تبریک میگوید. با این طیاره [illegible]
[illegible] این [illegible] تبریک [illegible] تماشا کنند
[illegible] استقلال [illegible] افغانستان [illegible] میکنند. طیاره در
فضا [illegible] سلطنت [illegible] استعداد [illegible] تقدیر میکنند. خوش
باشید که امروز طیاره‌های افغان در [illegible]
بهوای استقلال بگوش عموم میرساند. منصور و مظفر افغانستان! [illegible]
بجنگ استقلال [illegible] پرداز [illegible] درین ایام [illegible]
[illegible] ای افغانستان [illegible]
اولاد [illegible] در هر سال [illegible] شرف [illegible] افزاید [illegible]
[illegible] تبریک و تحسین میخواهیم. این طیاره [illegible] خوش [illegible]
[illegible] شرف [illegible] جشن استقلال
شده [illegible] این روز [illegible] تماشا [illegible]
آزادی [illegible] افغان [illegible]
ای ملت [illegible] شرف [illegible] این روز [illegible]
[illegible] افغانیان [illegible] تبریک میگویم. ای افغان [illegible]
[illegible] افغان [illegible]
[illegible] تبریک [illegible] این جشن [illegible] افغان
[illegible] طیاره [illegible] استقلال [illegible]
[illegible] سعادت [illegible]
[illegible] زمین [illegible]
[illegible] تبریک میگوید. ای قوم نجیب هوشیار [illegible]
[illegible] استقلال [illegible] جان [illegible]
[illegible] طیاره [illegible]
[illegible] استقلال [illegible] استقلال در [illegible] این مملکت [illegible]
[illegible] تهنیت میگوید ای ملت [illegible] این سلطان [illegible]
[illegible] افغانیت [illegible] آن [illegible]
[illegible] تقدیر [illegible]
روز [illegible] که افغانستان بنابه حصول استقلال تام خود [illegible] جشن [illegible]
[illegible] طیاره [illegible] مسرت [illegible]
استقلال [illegible] تبریک میگوید ای ملت [illegible] افغانستان
[illegible] طیاره [illegible]

[illegible] طیاره [illegible] درین روز [illegible]
[illegible] طیاره [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] این جشن [illegible] تبریک میگوید
چه خوش روزی است که طیاره‌های افغانی [illegible] این جشن
استقلال [illegible] مبارکباد [illegible] افغانان [illegible]

شب سوم | درین شب [illegible] تمثیل [illegible] عدل [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] حسن [illegible] خصوصی [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] قرار [illegible]

روز چهارم | درین روز [illegible] جشن [illegible]
[illegible] فارغ [illegible] عموم [illegible]
[illegible] خصوصی [illegible]
[illegible] عمومی [illegible]

شب چهارم | درین [illegible] تمثیل [illegible]
[illegible] اخلاقی [illegible]
[illegible] روز پنجم [illegible]
[illegible] تجارت [illegible]
ارباب صنعت و حرفت [illegible]
[illegible] انعام [illegible]
[illegible] روز [illegible]
[illegible] انعام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

روز ششم

در سه روز عموم نظری در اطراف میدان اسپ‌دوانی احاطه و حلقه بسته، به تماشای مسابقه فیل و مرکب‌دوانی انتظار داشتند. از ساعت (۱۰) مسابقه [illegible] آغاز یافته [illegible] در دوام [illegible] [illegible] اختتام یافت.

شب ششم

درین شب علاوه بر آتش‌بازی [illegible] که هر شب در باغ عمومی [illegible] در داده [illegible]

ناظرین [illegible] از ساعت (۱۰) [illegible]

اقسام [illegible]

[illegible] میدان [illegible] مسرور و خرم گردانید.

روز هفتم

درین روز [illegible] اشخاص [illegible] آمده [illegible] منظر تماشا بود. از ساعت (۱۰) [illegible]

آغاز شده [illegible] دوام [illegible] با کمال [illegible] به انجام [illegible] شد.

تبریکنامه‌های جشن استقلال

اگرچه بروز اختتام جشن فرحت‌انجام تبریکنامه‌های متعدد از جانب قوم و ملت [illegible] تحریر شده [illegible] نظر به تنگی موقع و فرصت [illegible] [illegible] اختتام [illegible] [illegible] شد [illegible] بالفاظ [illegible] [illegible] ذیل [illegible] [illegible]

عریضه فدویت [illegible]

اعلیحضرت متبوع مقدس افغانیان [illegible]

امروز که از فضائل و مراحم خداوندی [illegible] [illegible] دعا [illegible] جشن سال ششم استقلال [illegible] [illegible] مبارکباد [illegible] ملت افغانستان [illegible] استقلال گردیده [illegible]

این جشن استقلال مخصوصاً [illegible] افغانستان [illegible] استقلال [illegible] [illegible] [illegible] سال [illegible] استقلال [illegible] افغانستان [illegible] استقلال [illegible] در تاریخ [illegible] افغانستان [illegible]

جوابیه [illegible]

ذات ستوده صفات حضرت شهریار [illegible] [illegible] بالفاظ [illegible] [illegible] افغانستان [illegible] [illegible] افغانستان [illegible]

تبریکنامه عساکر افغانی [illegible] جنوبی

حضور باهرالنور [illegible] استقلال افغانستان [illegible] امروز [illegible] افغان [illegible] امروز [illegible] [illegible] امروز [illegible] عالم اسلام [illegible] امروز [illegible] (لیدر) اسلام اعلیحضرت غازی [illegible] ملت افغان امروز روز [illegible] استقلال [illegible] امروز [illegible] [illegible] [illegible] شده.

امروز روز [illegible] امروز [illegible]

بوجود خجسته خود دلیل نعمت آبادی خود مباهات و اظهار مسرت تبریک میکنیم
اعلیحضرت رئوف خصلت این جشن مسرت بخش که میباید دو ماه
قبل بقرار تعین حضور شاهانه انعقاد مییافت از نجابت ذاتی و الطاف اعلیحضرت
که مخصوص ذات اقدس بوده و جهت ازانجا که دران موقع عساکر شاهانه
باعلای نامهٔ الوف افغانت سمت جنوبی بودند و بازماندگان آنها نکو این
احوال و شان نخواستی که از حظ مسرت این جشن عمومی آنها بهره و حصهٔ خود
کامل گرفته نتوانند مخصوص برای اینکه عموم ملت شرکت در ابتهاج این
جشن داشته باشند موقوف باتمام و انجام معاملهٔ سمت جنوبی گذشته
و حالا منعقد فرمودی همانا یگانه دلیلیست واضح و برهانیست لایح برای
رعیت پروری و عسکر نوازی حضور شاهانه ات —
پس در صورتیکه شفقت و عنایت و الطاف حضور انور نسبت برعایا
و خدام دربار خسروانه ات باین درجه وسعت دارد اگر تمام ملت افغانستان
عموماً و این جان نثاران خصوصاً هزار هزار جان داشته باشیم و آنرا
برای یک ساعت رضاجوئی و خرمی حضور ملوکانه ات فدا کنیم هنوز
کم است و ادای حقوق نوازش و مرحمت پرورش ما باقی بوده و خواهد
حضور مبارک حقوق مرحمت نه امریست که ملت ما بدادن جان
و مال در راه رضایت از ان سبکدوش شود بلکه امریست که نثار مال و جان
در راه آن خیلی سهل و آسان است! چون ما مقصر ادای حقوق قت
میباشیم از حضرت ایزد متعال جل مجده و قادر ذوالجلال عز شانه برای
خود و تمام ملت افغانستان توفیق خدمت و صداقت در راه رضاجوئی
خواستار و برای حضور انور ابحر ادارین و اقتدار کونین را طلبگار
گردیده تبریک جشن سعید را با هزاران جشن دیگر بجواین جشن بزیر سایه
جهانبانی برای ملت نجیب خود خوبان بوده از خالق قادر توانا آرزو داریم که وجود
مسعود که امروز فخر ملت افغان بسبب مفاخرت تمام اهل اسلام
دانسته خوبی های هر دو جهان را نصیب گرداناد اعلیحضرت — ذات
اقدس شهریاریست که خرمی خود را بسته بمسرت خود میدانند پس چگونه
ملت ما از دادن جان و مال در راه خدمت مضایقه خواهد نمود. مجد و ما —
وجود مبارکت آن ذاتیست که استراحت خود را برای راحت ملت خود
صرف میکند پس ملت چگونه در جان نثاری بحضور اقدس غفلت خواهد
[illegible] النعما — تو آن پادشاهی که برخلاف شاهان ماضی خود را برحمت
و [illegible] آسایش رعیت خود را فراهم میکنی رعیت چگونه از عهده
شکر [illegible] مرحمت [illegible] تواند شد! پادشاها — تو آن پدر [illegible]
[illegible] عسکر [illegible] فرزند خود دانسته [illegible] مهربان تر [illegible]
[illegible] جان و [illegible] خدمت و رضا [illegible] مصروف [illegible]

خدمت خواهد بود. شهریارا — برای فخر افغان و افغانستان [illegible]
از تو یادگاری های بزرگ در صفحهٔ تواریخ دنیا باقی خواهد بود که نام یک
شاهان گذشته این شرف و شان را دارا نشده باشد [illegible] تو اول [illegible]
تو حامی اسلام هستی خدا [illegible] جل جلاله در همه امور معین و مددگار تو باشد
چگونه اعدای دین و دولت مغلوب و منکوب نخواهند بود [illegible]
میگوئیم [illegible] پادشاه [illegible] دشمن [illegible]

فدائی جان نثار، فدائی شهریار غازی، محمد ابراهیم غندمشر رئیس ارکان حربیه،
غلام نبی، عبدالرزاق غندمشر، غندمشر مفرزهٔ فرقهٔ ۳، محمد اکرم کندکمشر
توپچی شاه، غلام حسین، وکالتاً امضا شده، وکالتاً امضا شده، غلام سعید کندکمشر
کندکمشر، کندکمشر، عبداللطیف غندمشر، محمد غوث غندمشر پیاده
امیرجند، وکالتاً امضا شده، شیرجان،
کندکمشر، اعظم گل کندکمشر، کندکمشر، باقی (۵۵) نفر منصبداران

سرگی ملای لنگ و رفیق بهنگ او

میگویند که درین ایام وضعیت ملای لنگ و رفیق [illegible] آن خیلی
پریشان و احوال شان متزلزل است گاهی بخوست [illegible] و گاهی
به [illegible] استمداد ها مینمایند و جنگلی [illegible] توسل [illegible]
[illegible] پرداز میشوند فرصتی به ارکان خود [illegible]
میکنند و از هر جا استمداد ها [illegible] امان جان [illegible]
آرزومند معافی میباشند، حتی میشنویم که هر کس [illegible]
خواه اقدام دارند بفهمیم که حکومت ما باین دو شاگرد شیطان چه [illegible]
را مرعی بهمی فرماید.

جدائی زن مفت و خزانه غیب
از عبدالکریم فراری

بچنین مسموع شده ایم که بالفعل عبدالکریم فراری در بعض مقامات
صعب المرور [illegible] چادر [illegible] یک عده از یاغیان که [illegible]
برخود با مرگ و قتل [illegible] و لازم می پندا [illegible]
قبل برین [illegible] فرار نمودن از مملکت افغانستان بود [illegible]
[illegible]
[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 255 of 524

[illegible] ورش ندارم، چه جدے بکار خیبر خود بود آنهم [illegible]
از وی کشیده او را از خانه خود بیرون و دختر خود را
از وی گرفته است!!!
اخوان افغان [illegible] نیز در این ایام چون [illegible]
[illegible] از وی می آید زبان شتم و سب بروی [illegible]
[illegible] دراز نموده و غارت میکند و هر جا که زبان
شان می آید بد و دشنام از جانب [illegible]
[illegible] خود بنا حق بالنفس برای
وی جهان نتیجه بخشیده است که با مسال [illegible]
مبتلا بوده نشانه و [illegible] رفقای خود از یک
کوه به کوه و از یک دره بدیگر دره نقل
وحرکت [illegible] میشود.

تشکرات از احساسات مردانه اهالی غزنین

ما نمی توانیم که از ابراز سپاسگزاری اهالی غزنی
که درین واقعهٔ ناجعهٔ سمت جنوبی مردانه داد داد
صداقت و شجاعت و مردانگی شانرا داده در
قبیل هر گونه او امر و فرمایشات رجال معظم حکومت
خود کوتاهی ننموده اند حتی درین موقع که ایام سرد
وخنک بسر رسیده تا یک جدیت و فعالیت
فوق العاده در فراهم آوردن پوستین [illegible]
برای برادران عسکری خود بذل مقدرات
کرده اند و هم از اول این مرحله الی الآن در
اعطای غله و فراهم آوردن ارزاق [illegible]
اخوان عسکری خویش در سمت جنوبی صرف
مساعی داشته اند، و در [illegible] که درسته های
بزرگ و جمعیت های سترگ [illegible] در اطراف
و نواحی غزنی [illegible] رشد و دست [illegible]
[illegible] بود و نیز [illegible] قوای [illegible] دولت
متبوع افغانی خود داد صداقت فی سبیل [illegible]

و افغانیت را داده اند، کوتاهی ننموده [illegible]
درین ضمن [illegible] از خدمات قابل [illegible]
حضرت غلام محمد خان وزیر داخلیه و [illegible]
و ملوکی جمیله جناب عبدالحکیم خان حکمران [illegible]
غزنی و آقای [illegible] احمد خان و عموم اعزه و [illegible]
و کلان شوندگان آن اطراف و نواحی [illegible]
مسرت عظیم و برای عموم شان مزید [illegible]
خدمت و صداقت را خواهانیم.

شاباش و آفرین بر قوم الاسلام [illegible]

خبرهای مسرت افزا و اطلاعات [illegible]
و عقیدت انتمای [illegible] از جانب [illegible]
مند و جوانان صداقت کیش جدید الاسلام [illegible]
یکی بعد از دیگری می شنویم ما برین امر [illegible]
[illegible] ساخته برای این [illegible]
شاباشی ها و آفرین گوئی ها خود را تقدیم کنیم
این قوم که نهال دست شان [illegible]
گفته میشوند که [illegible] دولت متبوعه خود داد
و [illegible] را داده اکثری از و شان [illegible]
بزرگ در افغانستان گردیده اند [illegible]
مسلمان در موقع [illegible] واقعه جنوبی [illegible]
عالیجناب [illegible] صاحب [illegible]
و صداقت [illegible] مواقع داده و [illegible]
[illegible]
[illegible] محترم [illegible]
و اعزه [illegible] این قوم [illegible] موقع [illegible]
و [illegible] فوق العاده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 256 of 524

قواعد و ضوابط

[illegible] کابل [illegible]

[illegible] رسائل [illegible] امور [illegible]

رسائل و مقالات واصله در اداره [illegible]

[illegible] و اصلاح [illegible]

[illegible]

برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

[illegible]	۶ ماهه	سالانه
[illegible] کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزراء و شرفاء	۱۱	۲

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۲

۱ کابل چهار شنبه ۱۳ عقرب ۱۳۰۲ ش ۷ ربیع الثانی ۱۳۴۲ ق نمبر ۲۶

عالم عسکری

ضرورت جغرافیا و طبوغرافیا برای منصبداران عسکر

ظاهر است که ترقی و تعالی امور و صحت [illegible]
خود و حیات ملت [illegible] مساعدت [illegible]
[illegible] مقصد [illegible] مبسوط است اگر [illegible]
[illegible] اراده [illegible] خالی از [illegible]
[illegible] مقصد [illegible]
[illegible]
[illegible] خواهد رسید.

[illegible] مقصد و کامیابی
[illegible] و خاطرات [illegible] نموده و تصور [illegible]
[illegible] مقصد کامیاب
[illegible]

[illegible] و برای چه مقصد است؟
[illegible] جمعیت اجتماعیه افراد ملت است که بصورت
[illegible] بوده [illegible] بدست آوردن و حاصل کردن

حقوق سیاسی و اقتصادی و سایر منافع ملی و دولتی
خود از ابتلای اجانب و دشمنان بکار برده حقوق
و خاک پاک وطن به توسط اردو حمایه و محافظه [illegible]
بعد از تکمیل احتیاج و لوازم آن گویا اینکه اردو مکمل است
است برای حاصل کردن مقصد عالی که [illegible]
[illegible] دشمن [illegible] بدافعه [illegible] یا بر دشمن تعرض و هجوم
بردن [illegible] تحصیل [illegible]
سوق کردن اردو است [illegible]
[illegible] ترتیبات سوق
[illegible]
[illegible]
[illegible] اراضی [illegible]
حاصل [illegible]
سطح [illegible]

احوال مستملکهٔ دشمن خبر رسد آیا سوق الجیش کدام تعبیه
اجرا خواهد شد و دار الحرکات کجا خواهد بود و برای آن الحرکات کدام
منطقه و بچه صفت منتخب باید شد، و خطوط الحرکات بکدام [illegible]
و تقطیع کردن چگونه راه‌ها بجهت خطوط داخله و مواصله بکدام موضع
واقع شده فی است و سوقیات اردو را بکدام نقاط موانع صعود
دشمن، دچار مشکلات خواهد شد، و یکی موانع طبیعیه پیش خواهد آمد
و برای آن چگونه تعبیه لازم است و تجمع سوق الجیشیه بکدام زمین
خواهد شد، و کدام اراضی برایش مناسب است و از کدام
اراضی استفاده میشود و بیان حرب را بچه صورت ترتیب باید کرد
پس اگر چنین باشد تا اول شدن مقصد مشکل بل محال است و نیز
میشود که اردو بشب‌ها راه‌ها گم نموده و نادیده سوق کرده میشود و این
سوقیات مواضع و منزل‌ها تا آنجا که معلومات بدست نیاید
با چقدر مشکلات بهم میرساند.- این اطلاع و معلومات از چه حاصل
میشود از فن تعبیه و دانستن جغرافیا و طبوغرافیای مفصل ملک خود
و خصم خود، و موجود بودن نقشه‌های مکمل وطن خود و دشمن......
و برسم کردن هر قسم کروکی‌ها و موجود بودن نقشه‌های طبوغرافیای عمومی
چون هر جغرافیای مکمل و طبوغرافیای واضح مملکت‌ها حاصل بود-
قوماندان اردو بسهولت میتواند که اردوی خود را [illegible]
آهنین مقابل یک خصم قوی سوق و اداره کند، زیرا اطلاع دارد
که برای اردو کدام راه و چه قسم اراضی مخاطره دارد و کدام موقع
و کدام اراضی برای اردو سهولت بهم میرساند و از کدام راه چقدر
عسکر را [illegible] میتواند و کدام اندازه آذوقه میسر میشود و کدام
اراضی قابل تعرض است و کدام اراضی برای تدافع مناسب.
پس معلوم شد که جغرافیه عموماً و طبوغرافیه خصوصاً برای
اردو اهمیت و قیمت زیاد دارد و بدون دانستن جغرافیا و طبوغرافیا
کاری مطابق مقصد از پیش برده نمیشود. بل مثال یک [illegible]
که [illegible] قاعده باشد و نیز معلوم است که توپچیان عالم
بدون معلومات جغرافیا و نقشه‌ها تا که بدست دارند از حرفت
و ضربت لحظه نمیگیرند و بسا اوقات به یک دانستن [illegible] جغرافیا
و سنجیدن و دانستن نقشه‌ها یک گرد عالم را [illegible].....
از [illegible] واقعات بسیار است اگر برای آن [illegible]
سفیدهٔ کاغذ گنجایش نشود بطوالت می‌انجامد.

خوب یک اصطلاح دیگر هم یک نقص و خسارت عمل کرده [illegible]
اردو میشود و نیز باید گفته شود تا صحیح امور ملک یک [illegible]
[illegible] شده باشد و خطوط حصار و موجودیت یک [illegible]
یک [illegible] سلطنت یک تشکیل قابل مقصد دارد [illegible] تا اردو [illegible]
تشکیل اردو و آلات حربیه اردو چه میشود و [illegible]
حیثیت و قوت دشمن چه خواهد شد تا باید [illegible]
داخلی مملکت اردو چه منظور باد و اراضی‌ها و تعریفات [illegible]
سطح و طول خود خوب قوت مقابل حیثیت دشمن [illegible]
صرف اگر برای امنیت داخلی یک قطعه و مجموعه یک اردو تشکیل [illegible]
باید سنجیده شود که آیا مملکت چگونه اراضی دارد و کدام [illegible]
قوت شان چه مقدار و ثروت شان چیست [illegible]
وجاهیت شان بکدام درجه سطح شان کدام [illegible]
پیدا وار ملک چه چیز است فلان قطعه یا فلان قوم [illegible]
برای تدافع فوری چقدر قوت لازم است و برای [illegible]
قوا امدادیه و رسانیدن ذخائر و سلسله مخابره [illegible]
و چه کار آمد و آیا کم از کم چقدر قوت و خود را [illegible]
از اول باید بود و علی هذا...... قوماندانها یک [illegible]
حالت اختلال و غیره امنیت ملک یک قطعه [illegible]
داده میشود، بداند که کدام راه برود و بکدام [illegible]
خود را سوق و اداره می نماید و با احتیاج [illegible]
از کجا حصول میکند و باید بداند که عادت این قوم [illegible]
رویه و چه زبان مدعا خود را اظهار دارد و [illegible]
عادات و [illegible]
خود با خبر بوده از روی مکشوفات تاریخیه خود و معلومات [illegible]
که بکدام اندازه قوت برای آنجا لازم و عسکر [illegible]
برای سرزمین شرح شده و مقصد اردوی سابق [illegible]
با آنها چه رویه کرده‌اند و کدام چیز سبب غیرت و [illegible]
و کدام مسئله با برادران و نیز [illegible] شان افزوده [illegible]
گردانیده و کدام کار بر یک نیکو و اعتبار دارد [illegible]
دولت و کدام خیر الطبع و خائن گفته میشود [illegible]
چیره دستی و تعرض [illegible]
[illegible]

باز سهو! در شماره (۳۴) تحت عنوان نقل بیعت نامهٔ علمای سمت جنوبی لفظ زرمت غلط است زیرا که آن علاقه را مخبرین خصوصی از خوست ارسال داشته اند.

تشکر و امتنان حقیقت از حسن نظریات و محمدت گوئی ارباب جرائد

حینکه قلم حاجرانه ما در بیاض عشرت انبساط مجلس نگار ترجمان احساسات ملت در معالی عظم دولت گردیده جذبات خواهشات قلبی ملت و دولت را آئینه آسا باهمدیگر شان عیان کنان قدم زن شاهراه صداقت و اخلاص میگردید از همه اطراف و جوانب بلند [illegible] شیرین بیان و زبان احباب در محمدت ما نغمه سرائیها و شکر شاریها میپروردند که ما نمیتوانیم بجواب شان تشکرات و امتنان و گلستان ممنونیت تو امان حدایق جداگانه جداگانه را نامزد شان گردانیده بمقابل تمام احساسات خیرخواهانهٔ آنها یکجا تقدیم میداریم .

نهاد درین نگارش این احقر از حسن فرحت تضمین این نیکو خواهان انوار مسرت و فرحت احساس اندازاست . بلی در هنگامیکه دل قلم از دست ما قلم شود و نیر بیهمان اندازه که آفتاب بصیرت شان بر گرم منشا آماده وری بوده ذره پروری کرده ابرهای یاس محزونیت چهره را از انوار سعادت و بشاشت شان رامیرباید و در خطوط ناصیه شان قوس قزحی را پدید میکشند ـ

خوش نصیبی بهمت حال عزیزان درین دو دوم ؛ یا غنچه آرزو شگفت و در خزان رسید چنانچه در موقعیکه بنده پروانه آسا با اشتیاق دیدار شمع ضیابار ملت افغان اعلیحضرت «امیر امان الله خان» از جلال آباد بکابل آمده «اتحاد مشرقی» را فروگذاشتم دفعة بر مزرع امید و امانی بیداردلان ملی و ارباب جرائد حقوقی درونی داخل و خارج یک برق یاس و حرمان طاری گردیده نسبت بحال زار قلم از صفات قلبی همقطاران شان عزم شان اظهار ملالت کنان در صحایف قیمتدار خویش کلمات بهمدردانه را بسیرهٔ قلم حسرت رقم شان خود

اکنون که نگارش این معاصر حاضر خود ما را در روزنامهٔ حقیقت می بینند بایک جهان مسرت در کمال بهجت خیر مقدم ما را در اخبارات گهربار خود ها تحریر داشته بر محسنات ما افزودند ـ لهذا حقیقت دست ادب را بسینهٔ ممنونیت گذاشته تشکرات صمیمانه و امتنانات مخلصانهٔ خود را بخیرخواهان خویش عموماً و ارباب جرائد داخلی و خارجی خصوصاً به همقطاران وطنیش مانند طلوع افغان قندهار و فریاد هرات و اتحاد مشرقی جلال آباد و امان افغان کابل و بیدار مزار شریف و المجاهد [illegible] و غیر جرائدیکه هر یکی از ایشان در اخبارهای قیمتدار خود ها بتمام شوق و ذوق تبریک و خیر مقدم باگفته اند و صفائی را که خود شان در خود می بینند باین نگارنده عاجز بذره نثار گردیده اند خاصتاً تقدیم نموده میگوید ـ کاسهٔ چینی که صدا میکند ؛ خود صفت خویش ادا میکند . بلی این تحریرات گهر آسا و این جمله مضامین فرحت افزای را که معاصرین عالیشان در دیگر قدردانان ما شفاهاً و تحریراً نسبت باین خادم ملی و دولت لطف و عنایت کرده و میکنند بنده منصفانه خویش را سزاوار آن ندانسته آنرا حمل بر حسن ظن شان نموده توفیق خدمت و صداقت را نسبت بملت و حکومت خود خواستار بوده میگوید ـ [illegible] در قلم حرف خار است ؛ رنگ گل حقیقت من داغ [illegible] [illegible] دوستدار ؛ زیرا که ظن شان [illegible] رغبت [illegible] شمع جوانم معالی ؛ [illegible]
در مجلسم نظیر [illegible] ؛ [illegible]

المنتقم ـ برهان الدین کشککی

عزیمت فوجی قندهار بغزنی

روز پنجشنبه ۲۲ [illegible] دو ولنگک فوج پیاده قومی منتظر بر اصول [illegible] بصبح [illegible] جا خورده در پانزده تیر ومع دو ضرب توپ ۹ فیل که عدد عبارت از ۱۰۲۶ نفر بوده و ۲۴ سوار خوانین اقوام درانی قندهار با ۹۱ نفر سوار و پیاده ملازمان خود شان بسرکردگی یک نفر صاحب منصب فوجی از قندهار عازم غزنی شده و عنقریب [illegible] دیگر نیز رسیده شدنی است [illegible] مجموع قریباً از غزنی [illegible] [illegible] العافیة [illegible]

چه می بایست

ترا تسلیم بدل عزم کشود کار بایستی — ثبات عزم هم با ثبات و بسیار بایستی
تو رشک وقت پیدا نیستی تو جان انس و فتنی — تو مقصود جهانستی خوش کیسه دار بایستی
بیاران بنیه همت قاهر با عدا در اسکون جابر — ترا دامان دل طاهر ز هر بهتان اقتدار بایستی
چدر اتحاد از پا فتاده وی پنه گشتی — پی دفع عدو و تعمیر این دیوار بایستی
خدا کرده است مامور از ازل بر امر معروفت — بشرق و غرب قومیت و در نشر دار بایستی
ترا الطاف بیان نو با خویشان و با اخوان — نه با خویشان و اخوان بلکه با اغیار بایستی
دل عاصی ز عصیان وقف استغفار می بایست — لب جان بد ز نخوت محو استغفار بایستی
بیان غفلت تا چند در دیر و حرم شوم — ثنای همت در کوچه و بازار بایستی
تو فارغ از ملال و سوز برقت حاصل عمرت — دریغا چشم تو چون ابر گوهر بار بایستی
ز خندلا که بهر تو پسندیدند اعدایت — بدل اکرا بالیستی بلیت نهار بایستی
بانیشی بچم تو چرا در خاست امین — ز ضرب تیشه‌ها بیت الخانه‌اش مسمار بایستی
ز رد مرد و شام چین بهر تو بارو ... — خرد و حریت تا گنبد دوار بایستی
شاد زخو اسکون کون ... خو ... — وفاق کز خیره و غم ... زار بایستی
... غم فروغ خورشت بیم — ترا در جوش یار بس از بند استبدار بایستی
نظم دل فروغ من انشا با خشیم نشید — سوادش سرمه چشم اولو الابصار بایستی

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته [illegible] در کابل یکروز نشر میشود و بدیگر مقالات [illegible] ارسال بگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات و اصلاحات باید [illegible] جریده در اندران واصل [illegible] و علامت [illegible] از او بهت. اشتراک توسط خزائن دولتی بصورت نقدی از جریده قبلاً دریافت میشود.

نگارنده. برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

	قیمت بروپیه	
تفصیل مقامات	۶ ماه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

مقصد جریده [illegible] از سادات و علماء [illegible] حقیقت [illegible] نگار [illegible] بجهاد اسلامی و شرقی [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد ۱ کابل شنبه ۶ عقرب ۱۳۰۳ ش ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۳۷

جذبات همدردانه اهالی فراه با حکومت

۲۰ میزان — نامه نگار مخصوص ما از فراه مینگارد که چند [illegible] قبل از این کما فی [illegible] نسبت بحیات [illegible] الی این جا [illegible] جمع نموده [illegible] بیان مخصوص اطلاع [illegible] خود را بگذارشات سابق یکجا نمائیم — از [illegible] فراه [illegible] و جوانان [illegible] که [illegible] شده [illegible] و دوبار [illegible] یک [illegible] و شرف [illegible] فوق العاده [illegible] سمت جنوبی [illegible] و حرکات [illegible] درخواست کرده [illegible] بجهاد [illegible] اخبارات اسلامیت [illegible] دراین [illegible] اسلامیت [illegible] شریف [illegible] دیگر برادران خود [illegible] آرامی [illegible] و شوکت [illegible]

با فضل و عرفان خود [illegible] با فراهم است [illegible] میدانیم [illegible] ذات شریف [illegible] جمیع [illegible] فراه [illegible] ذات [illegible] المحمد لله [illegible] راحت [illegible] امروز [illegible] ماهی [illegible] خود [illegible] عالیه [illegible] حیات [illegible] ذات [illegible] راه حیات [illegible] سرحال و شرف [illegible] ترقی و تعالی [illegible] فرموده [illegible] عاطفت و آغوش پر رحمت پدرانه [illegible] جان نثاری [illegible] ذات عالی [illegible] مستعد حرکت [illegible] عصر حکیم [illegible]

پارلمان افغانستان

[illegible]

لهذا اگرچه از حضور ذات شوکت سمات همایونی در
موزرامور داخلی صادر گشته بود نظر به بیانات اقوام محترم
با وجدان ع ع ع ص . محمد سرور خان حاکم اعلی فراه
از جوانان مشهور گندک مزاری سبقه و هم از ارکان شوری کنند
پولیس و توجهات فراه دولت کا منطقی وجود آورد کی را مستحق
امنیت فری حق عبدالقیوم خان و دیگر شرکای موسوم آمانی کابل
افغان عبدالرشید خان قوم نورزائی تشکیل داد

درین مورد ص میرزا نظام الدین خان سررشته دار
و ع . . . محمد موسی خان حکم خواند ص میرزا غلام محمد خان
مدیر تحریرات حکومتی علی برابا خاسته از خلوص نیت ...
بعرض تبریک پرداخت . **بنده** عاجز از طرف خود و
از طرف تمامی قوم و ملت عرض میکنم . از سالها باد
که بدولت مقدسه خود مستخدم و نیز از شخص ذات شریف
پادشاهی نائم و ستایش خود بخدمتی بر ساحه اعمال در
خواستیم تا از حقوق دولت گردد و با من بهره ور اقوام
متکلم علم جادوت بر علیه حکومت بگیرد تا عالم سلامت تشریف
شمولیت من بنده را به خدمتی و لازمست ما انظر به
و هم مستید از حکومت شفا بسو تعمیرکار برادران خود
معاونت نائیم . **لاجرم** از معاونت مالی خود در
توانسته رواج معاش خرج بهره ورد کند که از منابع مقرر
خود صحیح بیرون بی کوتری برسد و ما حالا حاضر
نظر بحق ..... ملی بموجب مخرج کما به معاش بپرد کند
بپذیرند که جهت بی ای مجلس مشهوره تدارک انجام مراد
... خدمت خلق الله تعالی بروز رسانید که ...
کند که ای بی لطف حضرت اعلی عز شأن با ... نا ...

مسرت از احساسات مردم غوری و بغلان

مشهور شده ایم ایک جمعیت از بخت خوانان غوری و بغلان
هر چند که بعضی بعضی برکوی بعضا سمت جنوبی و اعدد ادا الساعة
گردیده از ورود از جریده ... خدمت ... بلیا خوش و خروش
و شنیده اند از احساسات اینان غوری ... عموم ... شوند

اظهار تنفر بر بغاوت سمت جنوبی

کی از نامه نگاران بما اطلاع داده مسرت کردند
فیض آباد که جلسه بسیار بزرگی از علما و اعیان حاضر بود
و نواحی انعقاد یافته بر بغاوت موجوده سمت جنوبی اظهار
نموده و از حضور اعلیحضرت غازی شاه از سر گرفتی و ملاک مدد
بسیار عالی نموده و معذرت ترغیب نمایند تا ... عطا خود ...
و مالی که بحال کرده شخص اختیار آمادگی نموده اجازه جشن و
خود را خوشحال شده اند درین خصوص حضرت شاه محمود خان
و تمام حکام در جمعیت و بعضی از علما اندک الفغانی
ابراز داشته اند که درین جشن شادی عام خود ساختر ...
عبا ادارهٔ ارسال داشته اند که تمنا از خوف ...
طالب خادمین و از الفرقه نظر داشته ... کاکتار
خرمی و سرور داشته موفقیت مزید را ...

واپسی شاه ایران

جراید ... مظهر ... شاه ایران ... خبر ...

شیخ محمره

بعد از اینکه خیالات جمهور ... ترکی ... ملک ... برادر و منزل
بکمک از افواج ایرانی از اطراف
محصور شده اند اگر ...
احتجاج انکار و رد ... عسکری اقدام علی الفور ... قوم
مر بود فعلا بر خلاف ... سرداران به اظهار ... جلب
کابینه حاضره و دیگر مطالبات ... مرضیه امیدوارد .

شریف مکه

تا به مقاومت ...
یا ورده بالاخره ... جنا

برای ... گریبان ... خود را و انکار ...
یک طرف نامعلوم سفر نموده لکن اکنون گفته میشود که
اقامت را در بصره خواهد افگند مشروط بر ...
گذاره نموده و در هیچ گونه تشبثات سیاسی دست
نکند - پسرش امیر علی بعد از غیابت ... اگر بید ...
تمام کند خواست تا زمام ... سلطنت حجاز را ...
بگیرد لکن در راه خود موانع بسیار ... انگلیسه خیالات ...

[illegible]

کامیابی [illegible]

[illegible]

فتوحات ملت خواهان [illegible]

[illegible]

عزم ترکیه

[illegible]

هیجان مصر

[illegible]

[illegible]

بخویش راه قدم مردمان جاسن را

ایا ندیده بگیتی حریم امن و امان | بروزگار جهان اندرین رگ شهان
باحترام گذر کن بخطۀ کابل | باعتبار نظر کن بکشور افغان
ببین اهالی کشور چسان غنی و دستند | بزیر سایۀ چتر خدایگان جهان
مهین خسرو اعظم امیر امان الله | که صیت معدلتش برگذشته از کیهان
امیر عالم و عادل شهنشه غازی | که دست دین نبی را یگانه پشتیبان
قضا نشان و قدر قدرت و فلک رفعت | سکندر ابهت و جم سیر و دارا شان
غلام درگه او چون صد نیکلا و پتر | کمینه چاکر او صد چو قیصر و خاقان
بگاه بزم بود ماه برفراز سریر | بگاه رزم بود شیر شرزه غران
بسال گرچه جوانست شاه لیکن | برای پیر کند کارهای صعب آسان

چنانکه کرده و خواهد کند بیاری حق | مظفرانه فتوحات عالی و شایان
شها مها ملکا خسروا جهاندارا | بسیط روی زمین باد زیر تست امن و امان
کنونکه کرد خدا بر تو ملک ارزانی | تبارک تو فروهشت افسر شاهان
رجال دولت تو مردمان دانشمند | مقربان در تو کاردان با ایمان
بخویش راه مده مردمان خائن را | حذر نمای ز مکر فلان و زرق فلان
عدوی ملک تو هر چند دوست بنماید | چو مار دان که چکد زهر از سر و بن [?] […]
اگر که راه بیابد بملک دشمن دین | شود اساس تو یا نشیخ [?] و بن […]
شها عدوی تو و ملک آن نگون بخت است | که هست دشمن اسلام و کعبه و قرآن
شها دو چیز بود باعث ترقی ملک | یکی عدالت و دیگر سیاست شاهان
مراین دو نکته بود شرح واضح کافی | که داد خواهد تو توضیح آن بغیر بیان
اگر که در پی شکی در عرائضش [?] چاکر | رجوع کن تو بتاریخ دولت افغان
رعیت تو را دوستان از دل و جان | بقای ذات تو خواستار خورد و کلان
زحضرت تو شها معذرت همی جویم | که نیست در خور من پند دادن […]
همیشه تا که بود ماه و مهر و خورشید | بهاره [?] تا که بود روز و شب فلک گردان
عنایت تو یمین و جهابت [?] زیبا | بماند تو این تاج و تخت جاو[…]
بحضرت تو مقرب هر آنکه دوست بود | نصیب دشمن تو باد خواری و خذلان [?]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 264 of 524

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته یک بار بعد از تعطیل در کابل طبع گردیده نشر میشود و بدیگر مقامات [illegible] ارسال میگردد. امور تحریریه [illegible] حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم اندراج آن آزاد است. اشتراک [illegible] دولتی [illegible] نقدی از محیط قلمرو دریافت میشود.

برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
دار السلطنه	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد (۱) | کابل دوشنبه ۱۸ عقرب ۱۳۰۳ ش ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق | شماره ۳۸

راپورت خلاصه قرارگاه های نظامی و دوایر تحرکات عسکری در سمت جنوبی

در همه مقامات خبر خیریت و مظفریت است

مرکز بغاوت پیشگان [illegible]ان؟

اطلاعات اخیره که باداره [illegible] است تمام افراد قوای ظفر منصور [illegible] سمت جنوبی [illegible] بغاوت پیشگان [illegible] [illegible] واز حاجت [illegible] میکنند.

اگرچه بعضی [illegible] خواهند [illegible]

درین موسم سردی دران جبال [illegible] خواهند بود.

[illegible] آقای عبدالعزیز خان [illegible]

است که شماره [illegible] بوده مقامات [illegible] و [illegible] مقامات [illegible] علاوه [illegible] [illegible] مقامات عسکری [illegible] [illegible] [illegible] جنرال [illegible] شعبه [illegible] [illegible] آمده است.

خوست

[illegible] خوست [illegible] [illegible] بغاوت [illegible]

مقامات [illegible] اطاعت [illegible]

چنین اعلان شد مقابلهٔ باغیان شقاوت کرده بود و دسته برآورده [illegible] سوی [illegible] از جان [illegible] با بغاوت [illegible] در مقام [illegible] خدمت [illegible] نموده است.

زنبر

این قطعه عسکریه که تحت قیادت آغا محمد [illegible] در مقام زنبر که [illegible] تقرر یافته [illegible] دو نفر [illegible] و (۸) [illegible] از [illegible] بوده و درین ایام اطاعت کرده [illegible] جواب [illegible] آورده [illegible] قبول بیعت [illegible] الی [illegible] قریب [illegible] اظهار [illegible] را دارند.

[illegible]

چنانچه [illegible] بوده ایم درین [illegible] جناب [illegible] محمد [illegible] از مقام [illegible] در [illegible] آمده بود [illegible] بیعت خود [illegible] ظفر و نصرت [illegible] مفوضه خود [illegible] حاصل [illegible] روان [illegible] و فعالیت خود را [illegible].

جاجی و چمکنی

[illegible] این مسئله [illegible] بوده [illegible] اجل [illegible] قاضی احمد [illegible] [illegible] شده است [illegible] خدمات [illegible] و وظایف خود [illegible] مقامات بوده تمام [illegible] [illegible] خواه [illegible] دسته [illegible] و [illegible] میدان [illegible]

حصارک غلزائی

درین مقام جناب [illegible] [illegible] [illegible] داشته است [illegible] [illegible] سمت [illegible] [illegible] ریاست [illegible]

ارگون

درین قطعه حضرت [illegible] محمد [illegible] و [illegible] آغا [illegible] و آغا محمد [illegible] و دیگر [illegible] دلاور و درین [illegible] گزین بوده [illegible] دارند [illegible] مرکز [illegible] دارند [illegible] امورات [illegible] مرکز [illegible] گرگاه

درین ایام مرکز بغاوت چکنان است [illegible] قوه [illegible] و [illegible] حسب [illegible] [illegible] شده است و [illegible] بجان [illegible] دلاوری و مردانگی [illegible] باقی نیست [illegible] و میدیم که یک [illegible] تعرض خود [illegible] مردان [illegible] دلاوری [illegible] شان [illegible] بغاوت چکنان [illegible] ضلالت جاده [illegible] و هم [illegible] از مسئله [illegible] قطعیت و جبر [illegible] این [illegible] مسلک [illegible] هدیه [illegible] که [illegible] القلوب [illegible] درین [illegible] از اول الی الآن [illegible] باهتمام [illegible] عذر و معذرت [illegible]

زرمت

درین خطه حضرت محمد [illegible] با قوه [illegible] خود [illegible] دلاوری [illegible] بوده [illegible] دقایق [illegible]

گردیز

در [illegible] حضرت [illegible] و دیگر [illegible] بوده [illegible] برای [illegible] کار روائی دارند.

غزنی

حضرت [illegible] محمد [illegible] [illegible] [illegible] محمد [illegible] بنا [illegible] و [illegible] سرگرمی [illegible] [illegible] رسیده است.

وردک

از قطعهٔ [illegible] وردک [illegible] تازه [illegible] فارغ از خدمت [illegible] کار [illegible] شدند.

لوگر

درینجا جناب محمد [illegible] [illegible] و امر [illegible] از مرکز [illegible] اجراآت [illegible]

۳

اظهارات مسرت محمدی شیر احمد خان تاجر

[illegible]

از آقای شیر احمد خان تاجر [illegible]

[illegible]

حقیقت: [illegible]

[illegible]

ای غازی شاه ده علم و فنه ولای مشی

(از طبع [illegible] افغان)

چه حیثی ئی دا حیا و دیره رمان
سوال ئی کړ او ئی لخدایه الامان

انقلاب، انقلاب وه پریشان [illegible]
عاقبت ئی سوال قبول کړ پاک رحمن

جبل امان ئی کړ سلطان په ملك کی
شکر حق په قول دنیا خاص مسلمان

مبارك شه زمانی دا کامیابی
مبارك صد مبارك هر مسلمان

په وجود د ده وحید فرید العصر
امن خواهد ه قول عالم ده خدای امان

خاص تریك دی [illegible] اسلامیانو
د اقبال ستوری [illegible] ده د وی [illegible] رخشان

[illegible] چه تخت ده پاسه وخوت
اساس [illegible] خلاص افغانیان

[illegible] د هندوستان کړ ظاهر
[illegible] نه هم خبر دی قول جهان

[illegible] شمس و شمشیر سبب محراب شو
هم ئی [illegible]

[illegible] د اسلام
با خبر دی [illegible]

[illegible] امان الله خیر خواه ده [illegible]
ای مصلحه ای نیکخواه ده کل افغان

[illegible] روشن چراغه
خالی مه شه [illegible]

تشدد دپیرو خلکو تر رفعه   نن روان په تجدد افغانستان
ای عاشق د علم و فن نه و تری مشی   عاقبت بجوشت یا شی ستا قدر
نیک نیت او لوی همت ند را نه خکاری   چه خدای کا ناده تول اسلام سل
سوك به وی داسی بی فکره او نا شکره   چه جدا خوبش وی د خدای لخ
او که بعضی نادان وی لکه منکل   په آخر هغه هم خدای کړه پښیما
هدایت لی خدای نصیب کو شکر اغله   په تحریك دی نجالت شو د شمنان
مبارك د دا فتحه شه پادشاه   مبارك د شه بهادر خه افسران
د سردار عبد العزیز خه تصویبونه   چه کول بی وزارت خنی ر
په تعمیل به د دی قول فرمان بوده   د لا کړه دیز اوده لهو کرکل سیال
آفرین دی په حکمت حشا وولی شی   چه تیره کړه خالی له د شمن
ل بخای کړه شرایط د خدمتونه   بی ریا خدمتگذار علی احمد
وریسی عبد الوکیل عبد الحکیم   صداقت کښی دی رښتیا
هم اظهار خدمت په حق وکړه   عبد الواحد او سمیع خان قول نظامی
غلام نبی غلام محمد محمد عمر هم   کړل اظهار د شجاعت په لوی میدا
هم خدمت محمد ولی کړل اخلاص   آفرین صد آفرینې په وجدا
خلاصه مبارك وی ورکوم شی داهغه   په خدمت او صداقت چه دی کړی
مبارك د شه صادق محمد صدیق   د میدان خوله فاتحه قومان
مبارك د شه غازی هر د لعزیزه !   همه رحی دخپل تمام افغان
مبارك د شه د جشن استقلال   حریت د نصیب او سر جاودان
کامیاب شی کامیاب بلند خیاله   بیریادی دعا کوی بلبل افغ

قیمت اشتراک		
مقامات	ششماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

مأمورین ... ادارات ... مجانی
... اهل ... مجانی
... باطلبه ... شرقی
... شماره ... ده

قواعد و ضوابط

این اخبار ماهانه ... در کابل طبع گردد و
نشر شود و ... مقالات ... تحت نظر ... ارسال
میگردد. امور تحریریه نگارنده حقیقت
ارسال مقالات و اصلاح ... اداره باید ...
در ... اصلاح و عدم ... آزاد است
اشتراک توسط ... دولتی و بصورت
نقدی ... دریافت
شود.

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده: برهان الدین کشککی

جلد (۱) کابل چهارشنبه ۲ عقرب ۱۳۰۳ ش ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۳۹

اهمیت مملکت افغانی و خدمات اعلیحضرت معظم غازی و نظر تحیر وطنخواهانی

اعلیحضرت ... جریده ... که ...
و ... آلمان ... مشهور و معروف است ... و ...
... اوضاع ... و ... بیداری و ترقی
... ملت ... شماره (۱۶) سال (۳۳)
... افغانستان ... یک ... افغانستان
... اعلیحضرت ... حقیقت ...
افغانستان ... که ... پا بر ... گذارد ...
... و ... ترقی ... که ... افغان ...
... و ... ظاهری ...
... کتابت ... مملکت ... کرده ... خاطرات
... قرار کرده که ... امروزه افغانستان
... و اطلاعات ... افغانستان
... سال ... افغانستان ... امروزه افغانستان
ده سال ... نیست.

امروزه ... افغانستان ... و ...

او ... توجه ... دولت و مملکتی ... از حیثیت ... شده ...
احساسات ... سرنوشت ... با ... خصوص ...
... تصدیق ... داشتن یک ... ترقی
چگونه ... طرف ... حیثیت ... رتبه و مقام ... گشته
و ... تمام عالم ظاهر نماید.

افغانستان ... سال ... و ... خود ...
... نموده ... امروز ... خود ...
... نموده ... خود ...
... سال ... زندگانی ... شروع
... توجهات ... اعلیحضرت ... و ...
... جانب تمدن و ترقی ... میرود.

در ... خود ... از ...
... اعلیحضرت غازی ... امان الله خان ... خود
شروع ... مرد ... سلاطین عظیم ...
... استقلال افغانستان ... حقیقت ...

دور تاریخ افغانی ایشان بیرق شاهد مقصود در بر گرفت.

وقتیکه بیرق شجاعت افغان در این موقع تمام عالم را بجنبانید که دوره تسلط بیرونی شده در افغانستان [illegible] خود را ثابت کرده، افغانستان مستقل شده ولی این سلطان روشن فکر بدانست که افغانستان با چنان ثابت [illegible] مستقل در اجتماعی دول عضو خارج خود باید [illegible] امر اجتماعی نبوده [illegible] انتقالات جدیده و جدی در آن برقرار نماید.

قانون [illegible] افغانستان نموده [illegible] مبارک [illegible]

در شهر کابل [illegible] اسمی بود [illegible] نظام آن ابتدائی اصول [illegible] از تشکیلات [illegible] تجارتی و اداری [illegible] چیزی بنظر نرسید.

این روز هم افغانستان [illegible] داشت لیکن امروز که مستقل شده [illegible] دول [illegible] بدوام [illegible] اعلیحضرت [illegible] تحصیل استقلال [illegible] باصلاح این امور حیاتی معطوف ساخت، پس از وضع [illegible] یک رشته [illegible] نظامنامه [illegible] خارجی [illegible] استخدام [illegible] نمود، [illegible] مقصد [illegible] روح مملکت معارف و نظام است، بیشتر اوقات [illegible] به سرپرستی و نظارت امور معارف و عسکری میگذارند، گذشته از آن که در تمام شهرهای افغانستان مدارس با اصول جدیده تأسیس شده و مکاتب دهات و قراء و مکاتبی [illegible] افغانی [illegible] زیادی [illegible] از ایران، فرانسه، آلمان [illegible] تعلیم [illegible] و اکنون در کابل [illegible] مشغول [illegible] مدارس [illegible] دولت [illegible]

تحصیل [illegible] ممالک مختلف اروپا از شش صد متجاوز است، عده آنها در برلن عده بپاریس، مشغول تحصیل [illegible] مختلف علوم و صنایع [illegible] ایطالی تحصیل [illegible] استقلال [illegible]

در [illegible] شماره [illegible] روز [illegible] آزادی [illegible] این [illegible] تصویر [illegible] [illegible] نظام [illegible] ملی [illegible] [illegible] اعلیحضرت امیر [illegible] عشق [illegible] [illegible]

در جریده سابق افغانستان [illegible] اعلیحضرت [illegible] سپهسالاری نائل گردید ولی [illegible]

روزنامه وقت [illegible] تصویر [illegible] صورت جدیدی [illegible] این [illegible] بزرگ افغانی [illegible] است، هرچند که [illegible] مجری [illegible] انتصاب [illegible] نیست و آنچه را که سابقه داریم [illegible] تصویر [illegible] روزنامه وقت

جناب سردار [illegible] خان [illegible] از اقربای اعلیحضرت غازی
امیر امان الله خان فرزند ارجمند سردار محمد یوسف خان
[illegible] سردار سلطان محمد خان [illegible] سردار
[illegible] اعلیحضرت امیر شهید [illegible] در کابل
[illegible] ۱۳۳۰ [illegible]
[illegible] کرده است ،

این [illegible] خدمات شایان [illegible] دولت و ملت افغانستان
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] اعلیحضرت شهید بوده است [illegible]
[illegible] سمت جنوبی افغانستان

[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] افغانی [illegible]
[illegible] (۱۳۲۹) [illegible]
[illegible] عسکری [illegible] نظام [illegible]
[illegible] استقلال [illegible] —
[illegible]
[illegible] عسکر و دولت [illegible]
این [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]
[illegible] اعلیحضرت امیر [illegible] کابل [illegible]
[illegible] خدمات عسکری [illegible] خدمات کشوری
[illegible] انتظام [illegible]
[illegible] بدخشان [illegible]
[illegible] انجام داده [illegible]
[illegible] این شخص بزرگ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اعلیحضرت امیر
[illegible]
[illegible] جلیل القدر [illegible]
[illegible]
[illegible] وزارت [illegible]

[illegible] اعلیحضرت کابل از [illegible]
[illegible] سردار بزرگ [illegible]
[illegible] خاندان [illegible]
[illegible] الطاف شاهی بوده [illegible]
[illegible] افغانی [illegible]
[illegible] اعلیحضرت امیر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] افغانی [illegible]
[illegible] احمد شاه خان [illegible]

[illegible] عسکری [illegible]
از الطاف و توجهات مخصوصهٔ اعلیحضرت غازی کامیاب و برخوردار
میباشد این است قدردانی اعلیحضرت امیر امان الله خان [illegible]
روح [illegible] ملت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
لازم [illegible] حوادث و اتفاقات بزرگ [illegible]
[illegible]
ای ملت افغان و ای افغانستان [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] احساسات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اسلامیه [illegible]
[illegible] اسلامی [illegible]
[illegible] افغان [illegible] آزادی [illegible]
[illegible] محمد خان [illegible] افغانی [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible]

واتفاقاً در حضور چندین هزار نفر از ملت خود ایراد فرموده و احساسات که نسبت به ایران
در ایران ظاهر ساخته قلب هر ایرانی واقعی را مستغرق تحسین و تمجید اعلیحضرت [illegible]
خطاب به ملت ایران کرده میفرماید: به ایران عرض میکنم [حیف است نصیب
دشمنان گردیم ، زیرا دو توأمان دوستان باهم] نویسنده [illegible] کابل [illegible]
که در لوی جرگه یا مجلس بزرگی که در ده ماه قبل از نمایندگان ملت در [illegible]
شخص اعلیحضرت تشکیل گردیده بود [illegible] سلطنت [illegible] تصویب
نمایندگان ملت رسیده [illegible] معاهده منعقده افغان
و ایران عمل آید. اعلیحضرت امیر نطق مفصلی ایراد کرده [illegible] مجلس [illegible]
نفر بودند، اظهار فرموده: قبل ازین که داخل در قرائت معاهده [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] ایران [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شفقت شاهانه و جواب عرض تبریک

[این فرمان شفقت مرحمت توامان را اعلیحضرت [illegible]
بجواب آن عریضه [illegible] عساکر [illegible]
[illegible] جشن استقلال [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] جشن استقلال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جذبات مجاهدین [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حقیقت ازین احساسات مردانه [illegible]
اظهار مسرت میکند.

قواعد و ضوابط

[illegible]

	قیمت اشتراک	
	۶ ماهه	سالانه
[illegible] کابل	۵	۹
[illegible] افغانستان	۷	۱۱
[illegible] خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

[illegible]

جلد (۱) کابل شنبه ۲۳ عقرب ۱۳۰۳ ش ۱۴ ربیع الثانی ۳۴۳ ق شماره (۲۰)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 273 of 524

دستیاری بخلی داده خود را به تفنگ و توپ و تفنگ حکومت جنگ
ورزش این بیداری نموده در مقابل برادران دینی خود جنگیده دل جمعیت
شاد دوستان را شاد و دشمنان را ... میکنند دمی دانند که ... از
که شوکت نفس اسلام است از بین رده ... از امر اطیعوا الله
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم پیچیده از راه سلامت و
اسلامیت منحرف گشته راه ضلالت شیطان را تعقیب نموده خود را
خسر الدنیا والآخرة گردانیده در دنیا نزد دولت علیه و در
آخرت نزد خدا ... علی ... ورسول مقبول ... خود ... میسازند
فاعتبروا یا اولی الابصار) برادران گول خورده ما
نمیدانند که عموم ملت اسلام درین ایام ... بکدام اندازه
در میان کفار ... یک قوم و ملت ضعیف و نحیف است
زیرا از جغرافیه ... بگذرید این بحث در آنجا ... جمعاً
[illegible] ا اگر ... البته خود شان فکر نموده ... چون ملت
اسلامی بدین اندازه خوار و زار و ضعیف و نحیف اند پس
نباید بیشتر ازین تحریکات دشمنان دین و خائنان ملک
وملت و برهم زنان ترقی خویش فریب بخورند ... و مقاصد فاسد
شان را ... انجام بدهند که ... دین مبین سید المرسلین
تلف کردن و برباد دادن حقوق بدست آورده ... است
در رایگان بجا بیاورند (اللهم اهدنا الصراط المستقیم)
لذا از حضرت ... نیاز خویش ... دارم که تمام ملت اسلامی
عموماً و اهالی عزیز افغانستان که یک خطهٔ اسلامی است
خصوصاً مزید بر مزید اتفاق و اتحاد و همدردی را تولید کنند تا
بتوجهات جهانی و ... این پادشاه دیانت ... اعلیحضرت
پرور حامی اسلام محبوب القلوب خویش بترقیات ... و ...
عالم ... کامیاب گردیم ، و برای این برادران ... گول
خورده هدایت نصیب کنند تا دست را از دشمن ... کرده
که ... و برتری ... مارشنگ ... خوانین ... خود
باستقلال خاک ... کنند تا بقیة العمر نیز ... استقلال
و آزادی ... که یک نعمت عظمی الهی است ... مغفرت
جهان ... شرف ... زندگی ... و ...
... عالیانهٔ اعلیحضرت ... غازی ...

ترقی و تعالی ملت نجیب افغان مید ارم ...

مصالحه با غیان جدران باعث افتخار و تحسین

چنانچه قبلاً مذکور شده که با شمول تمام باغیان سمت جنوبی
در عفو و معذرت و سلسلهٔ ... اطاعت نزد حکومت آمدند
طوق ... اطاعت حکومت را زیب گردن خود شان نموده
اهالی جدران ... سر ... بعد ... نمودند
حکومت ... لازم بود ... آنها ... عالی
عالی آقای محمد ولی خان وزیر ... بایام ... خود
... تا آنجا ... از دستان ... کابل
وزیر صاحب حربیه حسب ذیل ... ترتیبات ...
(۱) عزیزه آقای عبد الاحد خان و جناب عبد الوکیل خان
فرقه مشر ... خود ... حرکت نمودند که ... را
نماید (ب) عزتماب آقای شیر احمد خان فرقه مشر ...
و قسمی قوای خود و ... سردار ... که در ... تجمع داشتند و به تعاون اهالی زرنیک ... بالعموم ... بقیه قوای خود را از جانب ... (زنیکه) باعزت میرزا ... لوا مشر ... (۵) جناب ... خان لوا مشر از ... تخت ... شاهی کوت ... به (زنیکه) ... (۶) عزت مآب ... عبد الاحد خان و جناب عبد الوکیل خان از جانب ... و آقای شیر احمد خان ... قوای خود را از جانب ... با عزت ... ابراهیم خان ... میرزا ... خان لوا مشر ...
دوادخود ... یک ... ورزنیکه ... بعض ...
... باقی ... زنیکه اقامت نموده ... خان
لوا مشر ... از جانب شاهی کوت ... تخت ... کرده
... عزت ... مذکور ... طرف ... و ...
شروع کرده ... از ... طرف ...
مجاهدین ... بدون ... دوام داشته ...
از ... که ... اشتغال نموده بودند متفرق
گردیده ... موضع زنیکه ... اشتغال ...

لاجمعه راه داران بکار برده شده درین محاربه تلفات مرحوم جنگ بشتر و این مغرزه شاه نهایت اغر شهید چهار نفر مجروح گردیده است به ۱۳ عقرب مغرزهٔ آقای عبدالاحدخان در نیکه و حوالی نیر احمدخان فرقه مشر و میرزا محمدخان لوا مشر بندیگ خود نموده به ۱۴ عقرب مغرزهٔ عبدالاحدخان آقا در چینه رفت در حینکه مغرزهٔ محمد گل خان لوا مشر به (۱۵) عقرب برفش خوش برد نیکه (از راه ارغه) رسیده و در حدود (ارغه) با جمعیت بزرگی تصادف کنان طرفین بجهاد آغاز نمادند باغیان در مقابله که صعب المرور و منتظم بود بسیار زیاد دل ورکمین بودند و بعد از قریباً طرفین دیگر بعد هم معاونت شان شناخته الحمد بحلال این اقدام کب شده وقت و نزدیکی شود از ین برو راه مرد عسکر لوا مشر صاحب مشکلات بزرگی تولید شد اینکه بسیار زحمت باغیان مغلوب شده فرار را بر قرار اختیار کردند صاحب جوان الطرف نیکه به ۱۶ عقرب رسیده و حرکت شان از با جمعیت دیگر باغیان دست گریبان شده محاربه آغاز نهاد

این اطلاع چه وقتیکه بجناب وزیر صاحب حربیه جلیل القدر حکم بفرستادن قوهٔ الظهر نموده چنانچه از مغرزهٔ عبدالاحدخان آقا از طرف خود نیکه و از حوالی بر قرار نیز از مقام زیرک قوهٔ الظهر برای مغرزهٔ لوا مشر صاحب از چینه با این طرف متوالیاً داخل محاربه جیاشنده فرستاده شد

شائقین بشتابند و فرصت را غنیمت شمارند

دارالانشا قطغن و بدخشان تمام میشود

قیمت فی نسخه با ۲۵ الفقشه شش روپیه کابلی

نام این کتاب ... متصدی ارکانی و خصوصاً از مفاد و محاسن طبع رسیده که قطغن و بدخشان از مجموعه عسکری قبلاً اطلاع یافته اند ایک شعبهٔ تعلیم و تربیه وزارت حربیه قیمت این کتاب را که (۵۰) نسخه و (۲۵) الفقشه است ... شش روپیه کابلی مقرر داشته است شائقین ... خزانه و افغان کتب ... صحت بازیافت دارند (مضافات معارف کرکس)

چرا بحب وطن جان خود فدا نکنیم؟

چنین که تازه و سر سبز باغ عرفان است
ز آب یاری شاه جوان افغان است

ز لطف خسرو غازی بهر کنار وطن
فروغ علم و هنر همچو شمس تابان است

زبان خامه و فکر رسا در دوران
هزار مرتبه بهتر ز تیغ بران است

چه لطیفه ایست که هر کس بقدر طاقت خود
پی کمال و هنر همچو برق پویان است

گل مراد ز گلزار علم و فضل بچین
که بی هنر همه جا خار راه انسان است

چرا بحب وطن جان خود فدا نکنیم
که این نشانهٔ اجداد و مدفن شان است

زمان علم و کمال است وقت سعی و عمل　　بکوش تا که ز اول وقت شروع دوران است

بخط و خال نکویان چه میدهی دل خویش　　که خط و نقطهٔ تحریر بهتر از آن است

بگلستان معانی درای غنچه جبین　　که گل ز شرم سخن بسته گریبان است

نگو همیشه سخن کاغذ و کتاب بشوی　　هر او کاغذ و مکتوب معنی آن است

بصرف سرف نگاه نور دیده و قوت ذهن　　که آنچه صرف باین صرف گشته یا باست

نظر نما بجهان و ببین تو فرق کمال　　که هم سران همه در آسمان طیران است

ز آتش عجم طیاره در گرفت چمن　　ازین قضیه دل عندلیب بریان است

ز جهل دور گریزید و علم آموزید　　که هیچ حکم ز نفس منیف قرآن است

معارف است که جان بخشد و دهد حیات　　معارف است که محی نام انسان است

بدرس خانهٔ عرفان بیا و علم آموز　　که بی هنر نخد اننگ نوع انسان است

بخط و خال ریاضی و می شو مشغول　　که هر ورق ز ریاضی ریاض رضوان است

ز ساینس چاره گر احتیاج ملت شو　　که این وظیفهٔ اصحاب عقل و اذهان است

بکن ز جیوگرافی تو پرسش جو می زمین　　که فن جیوگرافی محد عرفان است

تر از دوره ماضی خبر دهد تاریخ　　جوان ماهر این علم جان پیران است

دلا ثمر ز معارف خوری بدان امید　　کنون که فیض نمود و ز ریر عرفان است

ازین کلام تو سرور بهی شود معلوم　　که از جدائی مکتب دلت پریشان است

قواعد و ضوابط

این اخبار فعلاً ایام پنجشنبه از کابل یکمرتبه در هفته
نشر میشود و بدیگر مقالات اخبار حسب منظوری شایع
میگردد مامور تحریر و نگارنده حقیقت ارسال
مقالات و احتمال دادن آنرا مانند جریده دور
از اخلاق و اصلاح و عدم احتیاج ارشاد آزاد است

اشتراک بتوسط جراید دولتی
و بصورت نقدی از مدیر
قبلاً دریافت میشود.
(برهان الدین کشککی) —

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابلی	
	ششماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	٥	٩
داخله افغانستان	٦	١١
ممالک خارجه	٨	١٥
وزرا و مستوفیان	١١	٢٠

ناصحو حرکت —
از سادات و علماء طلبه مفت —
از مستمندان و کتبخانه‌ها نیم قیمت
تبادله — با جراید اسلامی و
قیمت یک شماره بعوض اجرت
دو پیسه .

حقیقت

١٣٠٣

جلد (١) کابل دوشنبه (٢٥) عقرب ١٣٠٣ شمسی ١٩ ربیع الثانی ١٣٤٣ قمری شماره (٢١)

(از مقالات وارده)

عسکر کیست وظیفه اش چیست

عسکر یک فرد وطن دوست ملت پرور است که بجان عزیز خود
برای حفظ کردن ناموس و شان و شرف وطن محبوب خویش فداکاری
خودرا مهیا و آماده اجابت میسازد ۔

وظیفه اش جانفدا دادن و سرنهادن است که در مقابل ارجمند
مقصد خویش حیات قیمتدار و ریختن خون الاگون خود را
عسکریت کرده هیچگونه تکالیف و صعوبات را اهمیت نبوده و ادا
کرده و در حصول مطلب بریختن آخرین قطره خون خود قدم
در میدان ثبات و مقاومت میگذارد. و برای هر نوع سختی کوتاهی
نمی‌کند بخوشی امور وظیفه خویش انقیاد و اطاعت اولوالامر خود
ضرور داشته باشد وظیفه مقدسی که از خالق جهان خود خواستار
است تکمیل نمودن وظیفه خود میگردد چنانچه عسکر اگر فرمانبردار
نظام افغانی باشد و فداکار شده بیدن آنرا فساد و دو فاع از افغان ناراده
سمت خوبی از طرف دولت متبوعه شان اعزاز شده و اند .
اگر چیز یکه نظر گرفته و تحمل و تکمیل آن میکوشند با محافظه
وطن خود مرغوب و اطاعت مردم اندر محبوب شمارد ۔

گر کپتان جدیت و فعالیت ابراز خدمات نموده هیچ نوع صعاب
و الامی اهمیت نمیدهند که حقا شایان خطاب عسکر حقیقی میشود.
و همچنین میگویند که تا ظهور توب و صلاح برگزیده است از سر کوبی
و گوشمالی شان باز نخواهیم داشت و در ایفای وظائف
و اطاعت امر اولوالامر خویش تا جان در تن و روان در بدن داریم
مقاومت و ایستادگی خواهیم ورزید. تا باشد که بجزای این صعوبات
و تکالیف و مشکلاتیکه در راه اعلای کلمة الله با مر اولی الامر
خویش دیده و کشیده ایم از رگ‌های حیات خود نائل خواهیم . لهذا
بالاخره بابشارت سعید میگوئیم که او تعالی کلام پاک خود
بمکان خویش باعطای این آیه وافی بایه سرافرازی بخشیده که (والذین
جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله والله
غفور رحیم) و ترجمه گفته اند تا هیچ زحمت بی سهولت و هیچ صعوبت
فی راحت ممکن نیست تا باین مقوله حقانی قرآن را بخاطر آورده داریم
(ان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا) زیرا هیچ —
نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود — پس معلوم است که زحمات بیحد و
خویش راحت ابدی را که عبارت از رضای الهی و خشنودی
حضرت رسالت پناه و رضامندی حضور پادشاه اسلام است خاطر
نائل شوید . پس خوشا بحال کسیکه زحمت هر روزه و ریاضات
این نعمت عظمی را بپیرایه نائل شود — اللهم اعطنا هذه النعمت
لکل امة رسول الله — ٣ (فقیر ... حامد)

پیام سلطان نجد شام بجمعیت خلافت بمبئی

بمبئی ۲۵ — اکتوبر جمعیت خلافت بمبئی پیامی که
از طرف سلطان نجد موصول گردیده است:
حیات اسلامیت مجاهدانه آن بود سلطان ترکی
موصول یوسف متوهم گردیده از ان عنایات اسلامیه
و همدردی آنان که از عالم اسلام نسبت بمقامات مقدسه
نموده اند اظهار دوستی کنیم؛ اعلان خدمت شریفه
آن استحضار مید هیم که موقع کنونی شام ناگهی
گردیدن سرزمین مقدسه قبل از تعرض اجانب ومابعد
از داخل شدن افواج نجدی بخاک مجاز وارد گشته
باشد باشند عالما بشریف حسین (مغرور) و پسرش
(امیر علی) است از زیرا نامبرده از دست خیانت
رست آنها از حکومت و ریاست این سرزمین شرافت
قرین دور شود با مجال عاجزانه ام امن و سکون در
مکه معظمه و اطراف و نواحی آن قابل تصور نیست:
سکنه مکه معظمه بواسطه خوف و هراس ولی حسی
حقیقت نمی تو شد که ـ الا بحقائق ـ بپردازند ـ
مکانه خیال و آرزوی من در ریاست خلافت و خدمت گذاری
مقامات مقدسه تابع و تائید افکار عمومی عالم
اسلامی است.

جده شریفه زیر خطر است

بیروت شوران ۲۹ اکتوبر ـ جریده [illegible]
[illegible] مصاحبت و مقابله درین امیر [illegible]
[illegible] امیر علی بعمل می آید و تعجیل و
حسب خاطر خواهی دیده عساکر نجدی عزم اراده دارند
تسخیر نموده اند که درین نزدیکها جده تحت هجوم وفشار
نخواهد گرفت چنانچه اهالی ازین وضعیت نجدی سراسیمه
بهراس انگلیسیها کنان باطراف و جوانب حاضر شده اند در
ناصر شهر یک انقلاب و پریشانی پیدا شده نمی باشد

محاربات قفقاز

اوده نگار دیگه ملت خواهان قفقاز بسبب جنبش بر علیه
حکومت بولشویکی مصروف اقدامات جستند تا [illegible]
جانب در مقابله خود با کامیابی نائل و در نتیجه دیده اند چنانچه
گفته میشود که شهر تفلیس و مقام موشبار تحت تصرف
خود آورده اند و مزید بر آن مسموع است که از انقلابیون [illegible]
نیز جهت امداد و معاونت ملت خواهان قفقاز تقریباً
بخیر خواهی رسیده حرکت و اعزام شدند.

مخالفت مصریان با انگلستان

چنانچه قبلاً بسوی نا کامیابی سعید زغلول پاشا
در مذاکرات که مابین وی و مستر میکدانلد [illegible]
بوقوع پیوسته بود اشاره نموده و گویا یوسی [illegible]
جرائد قوی و ملت خواهان مصری را مخصوصاً [illegible]
از ملاحظه اخبارات تازه چنان معیان میشود
که مصریان بجز از اعلان جهاد دیگر راه [illegible]
دیگری هیچ صورت نمی توانند شاید هم عا [illegible]
خود بکشند.

مسئله موصل و مجلس ثالث

بیگویند که دو باره موصل نوع میرود که [illegible]
مصالحه بعمل خواهد آمد چنانچه درین ایام [illegible]
را خود را ثالث بالخیر در باره انجام [illegible]
فهرام جهانی طرفین معین داشته خواهش [illegible]
که جلسات مذاکرات طرفین بکدام موقع ثالث [illegible]
فر بوراز مسئله را مذکور نموده تا مقصد [illegible]
دران باب اظهار رای نمایند!

مجاهدین ریف

مجاهدین ریف در ترتیبات عسکری خود [illegible]

برف داشته‌اند. مناقص ناموس وطن و بلوایان مشهور
باقی با خود سرگردی در انتظار مجازات و مجادله بزرگتر
با این مرد یکجا دارند. (جریده ...)

تشکر از اجراآت و مساعی جناب غلام نبی خان معین

(قبضه به مقام اتمانی)

با آنکه تفصیل این اقدام عالیانه و قبضه شجاعت‌کارانه
که عساکر مقیمه گردیز درین ایام به مقام (اتمانی) که
مسقط الرأس و مسکن و نشیمن ملای لنگ و رفیق دیگر
وی و دار البغاوت اهالی سمت جنوبی و تا چندی دار القرار
عبدالکریم فراری بوده نموده‌اند تا حال باداره نامه ...
است چنانکه حصول شده تحفه اظهار ...
شده و ما رسانیدن این خبر را بالطور اجمالی این نگارش
لازم دیده تحریر کرده شد.

انتخابات پارلمانی انگلستان

۲۹ اکتوبر انتخابات انگلستان خاتمه پذیرفت روز
نامه آب رور می‌نویسد که فرقه محافظه‌کاری و ... عظیمی
انگلستان همیشه در موقع انتخابات برور می‌یافت، لی
درین مرتبه به انداز ... کاری با اکثریت بزرگی ...
افزوده رسید و شاید تاریخ انگلستان تا الی این زیاد نه‌ دیده
حزب کارگر محروم و حزب محافظه‌کار کامیاب آمده و کوشش
کرکیب پارلمان را حزب محافظه‌کار اشغال خواهد
مستر مکدانلد وزیر مستعمرات انگلستان اظهار
داشته بود که وقتیکه حکومت در انتخابات
شکست یافته باز هم از کار کناره نخواهد گرفت
تا آخرین ساعت کابینه استعفا نخواهد داد.

(حبل المتین)

ظفر نیکه و مظفریت عسکر افغانیه

مابعد از محاربه و مجادله طولانی که درمین افغانیان شجاع
افغانی و باغیان جدرانی در حدود (ارگن) و اطراف (نیکه)
بوقوع پیوسته برای عساکر ظفر مآثر ما فتح و ظفر نصیب
ده پیوسته جناب محترم محمد جان لوا مشر و غیره
ماننده حضرات آقای عبدالوکیل خان و غیره
... و ... محمد خان و جمع خان کاکا یا بانه داخل نیکه
گردیده باغات و ... باغیان احمدزی فتح
و نصرت گردیده‌اند، دیگر کدام خبر جالب توجهی از آن مقام
بحضرت با دارالعلم نرسیده است حقیقت:—
از جناب عالی وزیر صاحب حربیه و باقی رجال
معظم افغانیه را که به گوشمالی و تنبیه بغاوت منگلان و جدرانی
مظفر شده‌اند بمقام عالی وزارت حربیه را تبریک و تسلی این
توجه میکنیم (که بار بار تبلیغ و تقرآت و ما در ین صفحات
خویش بحضور این حضرت نموده ایم) تا چه توانند
بسرعت و عجلت در اصلاح این ماده فساد و اقلاع
و انقطاع این ریشه بغاوت و عناد که آن بیشتر
صرف مساعی ورزند و اگر بالفرض والتقدیر عائد
و مانعی را که در راه تسهیلات و اجراآت خود بنگرند
علی الفور بالتی اورا بحضور اعلیحضرت غازی و الا
مجلس معظم وزرا مطرح مذاکرات فرموده و باطلاعات
و جواب این مسئله که وقت و توجه خود شان را
بصرف رسانند که آفتها است ورنه تاخیر و طالت زیان دارد
و که وجه سیمگی بلایه و رنگی و ما علینا الا البلاغ

پریشانی روس از شرکت المان در مجمع الملل

تا شیوه با ما امید داری نشان داده بود بر یار آلمان بود که
که دولت متفقه المان در مجمع الملل بخواهد شامل شد ... ولی
پریشانی بلشویک ... المان را اجبار ... که شرکت
مجمع الملل با ... که از کار ... داشته باشند و ... یا
بگوید که اگر الالکانی شامل مجمع الملل شد احکام مجمع ... را

ادبیات

فلک پرند سیه چون ز روی روز کشید
نقاب تیرهٔ شب از فروغ صبح درید

هوا ز رخت لطافت لباس نو پوشید
زمین ز سبزه و گلها چمن چمن خندید

نسیم با همه فیض سحر ز طرف چمن
چو حرف مهر لب یار بر مراد وزید

ز جوش آب طراوت گرفت ابر بهار
چه گرد کلفت واندوه کز جهان ز[illegible]

غبار رشک شد آن گرد کز زمین برخاست
غذای روح شهیدان نغمه که گوش شنید

حواس طبع من از قید قبض هم رستند
دل از نشاط ز ماتم بسوی بسط دوید

ولی چو نسبت این جمله بود در ابهام
هوس به محض تمیزش بجان فی‌الحال کشید

که یارب از چه زمان غیرت جنان گشته
ز خار و خاره چرا غنچه‌های گل خندید

چه کیمیای سعادت ظهور کرد امروز
ز کیست این همه آثار شد و بخت سعید

زمین ز عیش و طرب از چه رو نگار است
که چیره حسن و [illegible] اتباع کس بخرید

خرد بگوش دلم گفت بر زبان ادب
که نیست نور مقدس ز اصل جوی [illegible]

موضح است که سلطان عدل فضل اله
ز عدل و داد شب دیر و روز بخشید

شهی که پرتو روشن ز ملت و دین است
شهی که شمس عدالت فی ذات او تابید

شهی که یافت شریعت ز جهد او تعظیم
شهی که داد خدا [illegible] مشیش تائید

امیر امت و محبوب حق فهیم زمان
که عقل مرتبت او دار می‌توان فهمید

بیاوج معدلتش مرغ فهم و عقل بصیر
شمار پایه چو [illegible] نشست [illegible]

کمال شوکت او برتر از قیاس و خیال
جلال حشمت او شد ز قید ضبط بعید

ز بس که لطف عمیمش بکار دین پرداخت
که مانده است که عالم ز شید او [illegible]

خرد چو داد بشارت بدین خبرت دل
بحمد هر سر موی تسم زبان گردید

زبان ز مخزن دل شد در نثار دعا
که یا حکیم و قدیم ای خدای پاک مجید

ز فرق ما نکنی ظل رحمتش کوتاه
کنفار غم ز [illegible] نش سایهٔ [illegible]

جهان بگاه چه نشان از شهان دهند ولی
چنین [illegible] عدالت احمد [illegible]

کمینه بنده کجا و مدیح شه بکجا
بلطف رحمت و [illegible] ظرف [illegible]

هزار شکر که متن سخن بشرح رسید
به اتفاق زبان و دلم چو [illegible]

زمین بمدحت او شد آب گوهر شد
درین قصیده بهران [illegible]

وظیفهٔ الکه بصبح و شام این است
که باد عمر شهم از حد حساب [illegible]

(از طبع جناب محمد اکبر خان کتب ماتحتی جلال آباد)

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز بعد نشر میشود و دیگر مقالات در تربیت ... ارسال میگردد. امور تحریریه بیگانه ... حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم آن مختار اداره است. اخراک توسط خریداران ولی بعضو نقداً از حوالهٔ دریافت میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی.

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابل ششماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

منافع شرکت: — از سادات و علماء و طلبه ملت — برای نگاران و کتبخانها ...
قیمت تبادله: — با جرائد اسلامی.
قیمت یکشماره: — ... دو پیسه

حقیقت

۱۳۰۳

جلد (۱) کابل چهارشنبه ۲۷ عقرب (۱۳۰۳) شمسی (۲۱) ربیع الثانی ۱۳۴۳ قمری شماره (۴۲)

تعالی و ترقی افغانستان

وقتیکه باوضاع حاضره و ترقیات موجوده مطالعه ولی نظر اندازیم دیده خواهد شد که افغانستان در میدان ترقی تعالی و دارای ترقیات است ... دول جدیدالتأسیس از حیث درج ارتقا گرفته بود. جبرگس تاریخ افغانستان راجع کند خود دید که در عصر امیر ... افغانستان با همسایگان خود داشتند و ایران، ترکستان، روابط سیاسی و اقتصادی نداشت اگرچه که بعضی افغانان ترقیات عمده در هند و غیره نموده ولی آن ترقیات اساسی نبود و اما درین دوره از نیروی سیاست کامله حکمرانی کنونی امیر جوان بخت خود اعلیحضرت امان الله خان غازی درج ترقی را با اساس و پایه محکم نهاد امروز و دیگر مملکت که سفارت افغان موجود نباشد و داخل عقد معاهدات سیاسی و اقتصادی نشده باشد اگر مقابله شود وضع حالیهٔ افغانستان با دورهٔ مرحوم امیر عبدالرحمن خان که بهترین دورهٔ صد سالهٔ اخیرهٔ افغانستان گفته میشود باز هم خواهیم دید با دورهٔ حالیه قرین قیاس نتواند گردید امیر عبدالرحمن خان مرحوم فرزند خود سردار نصرالله خان را بدربار ملکه و کتوریا فرستاده و کمال جهد و کوشش نمود که خط در انگلستان یک نماینده افغان قبول شود ولی انگلیسها زیر بار نرفته قبول نکردند اما امروز رقبای انگلستان هم در افغانستان نماینده دارند الحق ... افغانستان ... بوجود و ... کنونی خود افتخار نمایند کم است، جهان قسمیکه غازی مصطفی کمال پاشا را باید مؤسس دولت ترکیهٔ کنونی خواند اعلیحضرت امان الله خان غازی را هم باید موجد آزادی سلطنت افغانستان شناخت، این دو حکمران بزرگ اسلامی آنچه یافته اند در سایهٔ شمشیر بوده. لهذا با نظر بخیرخواهی جنسی که با این دولت همسایهٔ اسلامی خود داریم لازم دانسته که بمشکلاتیکه با خود دچار شده ایم خبردار سازیم، باید دانست ورود و وارسی بلاد افغانستان را چون با هیچ دولت و ملت رابطه نبود حکم یک قلعه را داشت که در وازهٔ آن بسته بود، ولی امروز افغانستان با دول سایره رابطه حاصل و ابواب مراودات بروی همه اقوام باز نموده ازین رو موقع و سیع کاری برای اجانب خیلی فراهم توانند آمد مگر اینکه افغانستان حدود مخصوصی برای واردین خارجی معین کرده نگذارند که سر خود بهر جا رفته با هر کس ملاقات نموده موقع وسیع کاری بدست آرند و نیز باید

وزیر باید افغانستان از همین ابتدا حق قضاوت نمایندگان
خارجه در داخل افغانستان هیچ وجه نه دهند تا مخبر ایشان بعد از ۳۰ سال
اخیر و ایران و عثمانی که مولداً آزادی خارجه بود و نتیجه همین دو امر بوده است
و چون افغانستان تازه میخواهد با دول و ملل سائره روابط اختیار نماید
تا کنون هم رعایای خارجه در افغانستان زیاد نیستند باسانی میتواند
جلوگیری این دو امر نماید بعد از این اول قدم که افغانستان در ترقی
و تعالی باید بردارد همانا تنظیم قوانین ... از سیاست
چون ما درین موضوع مقالات بسیار نگاشته و خواهیم نگاشت
چندان محتاج نمی بینیم که مضرات و منافع این مسئله را شرح و بسط
مخصوصی بدهیم امروزه تمام خرابی ایران و ترکیه در قضاوت اتباع خارجه
و از دیگر با متعددین ... همانا زد خالت .... در سیاست
همین که از این رو دیگر هم افغانستان آسوده اول قدم که باید برداشته شود
در ترقی این مملکت ... تکمیل ادارات ملکی و مدنی و دولتی است چه درد دیگر
قانون بی نظم هم که شود عدل و داد گفته میآید ... ولی احکام مستبد
که خارج از دائره قانون باشد و اگر ... از روی عدالت رفتار
شود باز هم ظلم جلوه تواند کرد افغانستان باید تصور کند که این
مواد امروز چندان محتاج کار نیست ولی چون خیر از زمان و اوضاع
تازه افغانستان با خارجه بسرعت باد و برق این احتیاج را
با افغانستان نشان خواهد داد آن وقت که ضرورت ... احساس
اجراآت این مواد مشکل تر خواهد گردید ولی قبل از وقت که در ...
جلوگیری باشند صورت هیچ گونه اشکالی نخواهد گردید و دولت
جلیله خداداد افغان باید در تشکیلات دیگر از ... عثمانی و ایران درس
عبرت بگیرند ... علاج واقعه را قبل از وقوع
نماید گفته اند

سرچشمه شاید گرفتن به بیل * چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

افتتاح موزیم افغان در کوتی باغچه

روز دوشنبه (۲۵) عقرب ساعت (۳) بعد ظهر حضرت
معظم غازی عالیقدر ... وزرا و وکلاء و عالی شأن
صداقت مآب معین صاحبان وزارات و صداقت همراه

عده از مدیران معزز و اعزه داخله و خارجه بتقریب افتتاح موزیم
افغانیه در باغچه ... در یک جای اجتماع ورزیده ... ملاحظه
بازدید آن اشیاء نفیسی و یادگار های تاریخی که مخصوصاً همین روز
افتتاح از طرف آن حضرت ... تبریکات و دعائیات
مملکت افغانی دارند تحفه ... جناب
... همراه هر کدام آن ... تعریف وی
... نموده ...
نمود و در ... حضرت عالی محترم آقا فیض محمد خان وزیر معارف با نطق
... افتتاح موزیم و خدمات ... نظر ... جلیله
...

نطق وزیر صاحب معارف

عرفان پرور — و حضار محترم: حقیقتاً امروز ...
لزوم شاهانه درین محفل عرفانی با صاحب ...
سعادت ... افتخار تازه ...
عاطفت و حسن ... شاهانه ... افغانستان ...
شان ... ازدیاد ... حضار محترم:
وزارت معارف نسبت بتشریف آوری حضرت
اظهار امتنان نماید ... توجهات ...
می نماید که حضرات ... ترقیات
و اصلاحات معارف وطن را از ... میخواهند ...
القای این آرزو توقع بمقابل آن خواهش است که ...
اظهار کرده ام که باید حضرات محترم نسبت به تربیت
اولاد خویش متوجه و مساعی شوند تا اولاد ...
وطن از این سرمایه ... سعادت و منافع عرفانی که ...
در وطن عزیز فراهم شده استفاده کرده بتوانند
حضرات عالی: علاوه از آن همه منابع عرفانی ...
امروز تاسیس مؤسسه نافع ... که بنام موزیم افتتاح
موزیم یعنی خزینه ... حقیقت و ... یک ...
اقلیم تا تمام قطعات ... زمین ...

...و اجداد او دارا تاریخی اقوام هست که تاریخ احوال
...شهود و ثبوت ساخت چنانچه اعلیحضرت غازی متبوع
...عالم قبل از اسلام بیشتر موزیم های گوناگون دولت ها ...
...بود که کسی بخوبی آن دولت ها اعتبار کند
...حاضر کردن تمام آثار مذهبی، سیاسی، مدنی
...تمام مسائل تاریخی را مشهود گردانیده ...
...از مباحث بزرگ آن مباحث تاریخی است
...بلند پایه برگزیده کردند، موزیم مشهوده ...
...تکمیل شده در حال یک موزیم جوان ...
...توجه اعلیحضرت غازی و ...

[illegible]

...وزیر جناب حضرت ... خانه

[illegible]

...مجلس مربیان و ...

[illegible]

چون ... [illegible]

[illegible]

اسلام ضعف ... مسلمانان مغرب

ای معشر منظم اسلام ... حال | ما را چرا رسیده یکبارگی زوال
... | ... بر کشند مجال
... | ... کوشش ...
... | ... دشمن دین ...
... | ... بر مجال
... | ...
ما را کدام دشمن ... کار | ... میدان ...
... | ... دشمن ...
... | ... دشمن دین حق ...
... | ... رفت

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 283 of 524

از ملت منور مان آبروی بریخت   وز سطوت و تهور ما اعتبا درفت…

دشمن برای کشتن ما قد فراز کرد   از خون مان بطرق نهر بار کر…

ای گریه زان منارهٔ پرنور ساز یاد   گر ضرب توپ دشمن دین سرنگو…

رهبان گرفت جای بسجادهٔ امام   قسیس پا بصفحهٔ قرآن فرو نه…

ناقوس در صدا است بجای اذان ما   ای خاک دهر بر سر و چشم و دهان…

بتخانه گشت مسجد و منبر خراب شد   سجاده سوخت زین غم قندیل آب ش…

آتش گرفت صومعه افتاده خانقاه   محراب جای خواب گروه دواب ش…

اسلام ضعف دید مسلمان غریب ماند   ناموس ما بصورت موضع غریب…

ای آفتاب بر سر دنیائیان متاب   بکش ای قمر ز ظلمت شب جبین…

ای کوه پاره پاره شو ای آسمان بدر   ای ابر جنب ای همه عالم شو خرا…

ای آتش جهنم بیرون بیا بسوز   این کهنه دیر را که نه شب ماند نی…

ای آب باز ایست الا ابر مبار   ای سبزه خشک گرد تو ای دانه بری…

ای رعد نعره بر زن ای برق خیز کن   مستی کن ای سموم جنون ساز ای…

بر هم زن این زمانهٔ بی اعتبار را   رحمی میار خسته و پیر و نزار را…

با قامت خمیده بزن نعرهٔ عظیم   رو با خدای عرض دل دردناک کن…

بر خاک غلط کوی که ای داور کبیر   ما را مکن به پنجهٔ بیگانگان اسیر…

قواعد وضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل ... نشر میشود ...

حقیقت

۱۳۰۳

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	شش ماهه	سالانه
دار السلطنهٔ کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۶	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

نگارنده (برهان الدین کشککی)

جلد (۱) کابل شنبه ۳ عقرب ۱۳۰۳ ش ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۳۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

افغانستانیکه [illegible] شاد باد [illegible]

[illegible]

افتتاح جریان آب نهر امیر غازی

به (۲۶) عقرب [illegible] ملکی و [illegible] مدیر [illegible] افتتاح جریان آب نهر امیر غازی [illegible]

[illegible]

نطق وزیر صاحب تجارت

بتیانهٔ بزرگ [illegible]
دارهٔ [illegible]

[illegible] افتتاح بنای [illegible] عالیه [illegible] جهانیان خبر
روشن [illegible] انظار ناگردیده اند اگر در تاریخ افغانی دیده شود معلوم
خواهد شد که [illegible] استقلال افغانستان از [illegible] التحصیل
بود [illegible] قرار داده [illegible] استقلال ترقیات اقتصادی افغانستان
[illegible] امور سیاسی بود اما [illegible]
نوع [illegible] و مشکلات خارجی موانعی [illegible]
[illegible] بدل می پرورد [illegible]
موانعی که در رفع [illegible] اطراف کابل
[illegible] دیگر سلاطین [illegible]
وقت [illegible] که [illegible] اصلاحات و [illegible]
[illegible] مملکت و ترقی اقتصاد [illegible] مقدرت [illegible]
[illegible] این کار [illegible] جناب
سلطان محمود غزنوی در [illegible] اساختن [illegible]
[illegible] آمدا [illegible] در جهان [illegible]
افغانستان [illegible] در تاریخ افغانستان [illegible]
[illegible] امیر [illegible] شجاعت آن همه
موانع و مشکلات را [illegible] در نظر حقیقت
ترقیات و تقابلات افغانستان را رقم فرمود.
[illegible] استقلال [illegible]
[illegible] مملکت و اقتصاد [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible]

و ملک [illegible] سرزمین [illegible] محصولات [illegible] سرزمین است
اگر به صورت [illegible] تجارت [illegible] معلوم است
که [illegible] خود موفق نشده اند و کار بجائی نمیرسد — تو
[illegible] مساعی [illegible] در این امورات اجتماعی و [illegible]
و [illegible] مملکت و عمران آن بکار بردن کار حکومت است.
چنانچه اعلیحضرت [illegible] ملت افغان اهتمام این مسائل [illegible]
دقیقه از دقائق [illegible] امور [illegible]
صرف [illegible] بزرگترین ثروت طبیعی یک مملکت آب است
که در سرسبزی و آب پاشی [illegible] آن [illegible]
[illegible] به صرف [illegible] آب این [illegible]
[illegible] و زمین [illegible] افتاده بود [illegible]
[illegible] این [illegible] بعد [illegible]
[illegible] افتتاح آن [illegible]
[illegible]
[illegible] کار [illegible] مملکت [illegible]
[illegible] کار [illegible] این [illegible]
[illegible] خویش [illegible] جهانیان [illegible] شناسند ......
بعد از اتمام نطق وزارت [illegible] ایراد [illegible]
[illegible] اول [illegible] حضرت [illegible]
نائب الحکومه [illegible] عارفی
از طرف [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] در مقام [illegible] از طرف حضار [illegible]
[illegible] تحسین و [illegible] شد [illegible]
مذکور و [illegible] مذکور
افتاده [illegible] تمام قرائت [illegible]
[illegible] خویش [illegible] بعده حضار
[illegible] تماشا [illegible] و [illegible] شنیدن [illegible]
[illegible] دیدن [illegible]
[illegible] و قلم [illegible] تحفه [illegible]
[illegible] الاخوان [illegible] و [illegible]
خاتمه یافت [illegible] مراجعت کردند.

بمناسبت افتتاح مکتب نو

(مقاله وارده عنا از قلم (م.م.ع.س.) زاغلامی)

سالی بسکه درین مملکت ماهی پرسود که در افغانستان اعلیحضرت شاه ولا
عاقبت اندیش جبین ما خوب است عمر روز به روز مجیدشان برونده در خود ساختند
سر زمین افغانستان شاهد آن گردیده باشد آن سوسه که بحوائج قوم نیازمند
دلدادن است دو افغانستان به شرف وصنعت داده بهم ها
اجرا در برده میرود در روح جاری جریده نوهم باعث اشاعه اخبار انعکاسی
نموده غالب ازو افراد او لوالعزم جهان است که جامع کمالات
بوده همه شان سوخته و موظف به ما داده اند شریفه که شب و روز بکار خود
اهتمام میکنند که اشاره همین طرف است (ان الله
اصطفاه علیکم وزاده بسطة فی العلم والجسم)
واضح است که هر کسیکه جسم آن حضرت غازی الله نواز حسب و
ودیعت مذهب بوده و آنکه کجا نفس شایسته جسم یعنی عقل و دانا
هوش تا جمع نظر سوز حضرت علی گرد انجمن ادب ذوقی
آهنگ های که شمشیر و همت کرم بود دارد و بر تنگی است
فضل آورده شود. بدر و جسید آن مجاهد بیدار که الفطری
عالم هست و اندازه که عظمت افغانستان بجا و برده
بعلاوت همت جوانی اسلوب دانش کیمیاییست باز افتتاح نیاوردی
ولایات است و در وطن افغان گذشته بهیچ حالی آن...
و بهره در تاروپود و بعیت پدید آمده است. حکمت کمال که جا
اگر دو حجاده آن و کل فرزند شود در و دست افغانستان جان
نیابک تو و... کلام که پیشتر وزیر که روانه به فرستند
بافرا و رای او مایند باید حقایق آنرا انجام داده اند
نجات از جهان انسانی وساطت جوانی وطن پرست خود
سلطنت افغانستان است. و دست مجاور و آنکه برجی حیا
امادل و دماغ شان بعونه باعث این روز افغانستان
نمی باید علی بذالقیاس جوانی علما و من بیانات
مدنیت کنند و غاز که بمطالعات رها و اخبار درج
دوران بیاساید و ولایت را باید گفته و آنکه ظاهراً و الکاف
نموده انوار و حواس خدمت وطن و ملت بنماید.

اگر کسی آن پرسی که پادشاه شخصی که هم موجد دا وجود
استادان و دبستان بهر کدامین یک پیکار صحبت آموخته و روح ما
ازانکه نه جاهلین بیش بردند مشغول مخلوط در بعضی کار ها نکنی
یعنی بعدها حسب امور مهمه آنها بر داخت شود بعوض
در درون تاج شخص برادر بر بیرون از آنها علمی قرار داده اند
آنها بمورا بود که هرچه میکند شخص دانسته میکرد. شغل
و مورد علم برجهای تمامی هاست مقرر موجود است. سوالی که
کردند که بجز از جمع بنیانها و اطفال شان نیز بجا نبردند
(وعلم آدم الاسماء کلها) فضیلت آدمی را
مترتب شد که بر هر عالم آورده. چون تمام بنیاد کردند
خود حجت به دولت را آنکه انسانی اینکه بحکم تفصیل
بیاید. طفل مکاتب برد و بدست شده و تحفه گردد
رخصت داده نمی در اینجا حاضر شده در بینایی و ادام
خود از تاریخ و جغرافیه و علم الاشیا و تاریخ طبیعی و ...
معلوم گردید که در اینکه از روی کتب مثل خیالی
دشوار است و در اینجا باید حکمت نیز بیفزایند
آسمان چون ولی که برای امور دین و دنیا بقاء
وقت بود قریب عجبی جانشد که فکر کرده گفتند بجز
حاجتمندان تا عشق ... بعد از ... مگر
برده شوم و وقت در آن میکوشیم و آنکه ...
کرد شریف ... خواهند کرد ... جهت
محفوظ و بیرون گشت ... ادکار نیایند ...
و آنکه ... بیا جوانان فرصت قلبی است
و علت ... اتفاق اورده و جمیع معلومات را جمع
برده در وقت ... گشوده شد. از خدا و وسیع الرحمت
و علاوه که میدان تعالی و ترقی باد در ...
... ساخته است برای ذات ...
... و آنکه ... برای خود
... در ...
... و وسیع ... روز
... ترقی یابند

قواعد و ضوابط

[illegible] نظر تحصیل [illegible] کرده [illegible] مقالات [illegible] رسال بگردد. امور تحریریه نگارنده حقیقت رسال و مقالات و اصلاح [illegible] جریده [illegible] درج و عدم [illegible] مشترک [illegible] از [illegible] دریافت شود.

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت اشتراک کابلی ۶ ماهه	سالانه
داخل الملک [illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible] سفرا	۱۱	۲۰

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد [illegible] کابل دوشنبه ۲ قوس ۱۳۰۳ ش ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق | شماره ۴۴

اجمال احوال سمت جنوبی

[illegible] بعض [illegible] سمت جنوبی [illegible] چنانچه [illegible] سمت جنوبی [illegible] شکست [illegible]

از طرف ارکون [illegible] زرمت

[illegible] متعرضین بعد از رسیدن [illegible] جزو عسکر افغانی و عطای [illegible] تا منگفت [illegible] عساکر افغانیه ما تحت تصرف ورود اند

در بین [illegible] جنگ [illegible] شد.

حقیقت: [illegible] محمد آصف خان [illegible] حضرت محمد عمر [illegible]

بجهان از طرف خوست بر عساکر ما برده عده را ما محو [illegible]
[illegible] گرفتار جندی به طرف شروع حرکت به تقدم نموده
[illegible] جمعیت اجتماع کرده [illegible]
[illegible] موضع نموده [illegible]
[illegible] بوقوع [illegible]
[illegible] در تمام [illegible]
[illegible] از طرف خوست [illegible]
[illegible] حکومت ما
[illegible] نسبت ندارده
حتی [illegible] یک موضع عسکر را قصد نموده از
کمال فراغت تصرف سپاه دوره از نزد ما [illegible]
جمعیت بغات مقابله نموده اند تا اینکه آخرها
بشکست سراپا مصیبت و یک هزیمت سرتاپا
نکبت سرو چار نموده باشند (زنده باد عسکر افغانی)

حقیقت: از راپورها [illegible]
[illegible] از طرف خوست [illegible]
از طرف [illegible] در محاربه مقام [illegible]
(۸) [illegible] خوست [illegible] جمعیت [illegible]
آب [illegible] عساکر مقامی سمت جنوبی [illegible]
[illegible]
[illegible] غازی [illegible]
[illegible] (انا لله و انا الیه راجعون) [illegible]
[illegible] صداقت [illegible]
[illegible] فارغ التحصیل [illegible] جریده [illegible]
[illegible] قیادت [illegible]
در سمت [illegible]
[illegible] محمد [illegible]
[illegible] حاکم
[illegible] ۱۳۰۲ [illegible]
کامیابی [illegible] از امور ملکی و نظامی
در [illegible] عسکری سمت جنوبی [illegible]

در هنگام [illegible]
در سعادت [illegible] صداقت و [illegible]
در [illegible]
و [illegible]
[illegible] خواستارم

از طرف [illegible]
اطلاعاتی [illegible]
شایسته حرکات [illegible] مقامات [illegible]
[illegible]
[illegible] حرکات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از حسن [illegible]
[illegible]

حاکم که پناه گزینان جدرانی و [illegible]
مکروب ها و سرغنه ها و سرکرده های
باغیان سمت جنوبی که بالفعل
در جدران میباشند تماما خو[illegible]
باخته سراسیمه و پریشان بو[illegible]
مغلوب و منکوب بنظر میرسند
وعنقریب اگر تائب نشده و براصلاح [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] که علا سمت جنوبی در شطلت [illegible] منافقت [illegible]
مکتی عبدالکریم وزاری اشاعه داده بودند گردن زدن کشتنی را
غرض خواهش معاونین و طرفداران او را ملعون [illegible]
جناب [illegible] داشته بودند اطلاعات مختلفه را از عبدالکریم وزاری
[illegible] در مرض بستری و گرفتار اسهال که بدون حکایه
[illegible] شدند که آن بدبخت بکدام طرف اعلام [illegible]
نموده عاجز شده و چند [illegible] گردد از رعیان [illegible] سمت جنوبی
[illegible] خود مردم بغاوت چشیده جدیدا [illegible] رسیده است
هر قدر [illegible] شده و نسبت بدین خبر مختلفه هیچ نخواندند که اول
[illegible] جنرل عامر [illegible] نسبت بدین [illegible]
عبدالکریم وزاری گفته میتوانیم که [illegible] جولاد نیست
[illegible] چون نسبتا [illegible] غزنی با تمام رسیده و [illegible]
[illegible] از حسن فعالیت کارروائی آقای عبدالحکیم خان [illegible]
[illegible] اجرا شده [illegible] و حضرت آقا غلام محمد خان [illegible]
[illegible] مرکز خواهند شد والله اعلم بالصواب

بمناسبت افتتاح بند امیر غازی

عریضهٔ شکریهٔ اهالی تنگاک

([illegible])

اعلیحضرت شهریار محبوب غازی رعیت پرورا ! که
کمترین خادم زاده و تمامی رعایا علاقه‌داری [illegible] اولا
[illegible] جشن افتتاح آبیاری بند مبارک امیر غازی را
[illegible] با آستان مبارک عرض [illegible] که سالها
سال از آبا و اجداد اهالی قریهٔ تنگاک یک قطره آب
احتیاج سرگردان بودند که بجز از یک حوض ذخیره کرده
آب باران ذخیره جمع آوری میشد دیگر دسترس
نداشتند ! امروز توجهات جهانداری اعلیحضرت
همایون رعیت پرور چه نهر آب جاری و آبهای شیرین و صفاء
دوشگوار از زمین تفرجات شان شب و روز روان است
که تمام اهالی سیر آب و شاداب اند الهی بروز محشر از دست
ساقی کوثر از شراب طهور سیر آب گردی

از دست و زبان که بر آید ٭ کز عهدهٔ شکرش بدر آید
پس بهیچ زبان شکریهٔ این نعمت عظمی را ادا کرده نمیتوانیم
بدون اینکه گوییم الهی افغان ناتوان ما عاجزان را فدای
پادشاه غازی و پدر تاجدار ملت نجیب افغان گردانی
والا العالی جمیع مامورین و رعایا و دولت افغانستان را
عموما و ما رعایا صادقانه را خصوصا توفیق خدمتگزاری
بصداقت عطا کنی تا همگی خود را برکاب چنین پادشاه
محبوب القلوب در مقابل دشمن یگانه سرهای خود را
فدا سازیم الا العالی کسیکه بد [illegible] پادشاه
غازی و اخلال [illegible] افغانستان است بقهر و غضب
خود گرفتار کنی در خاتمه ختم کلام را با سلامتی وجود
مبارک ست [illegible] که الهی زنده باد اعلیحضرت امان الله خان
غازی پاینده باد دولت با استقلال افغانستان —
کامیاب و فاتح و مظفر باد بهمه حال عساکر نجیب افغانستان
نایاب و منعدم باد دشمنان دین و دولت افغانستان

لوحهٔ تاریخچهٔ بند امیر غازی

این لوحهٔ تاریخچه مرکب [illegible] سنگ سفید [illegible]
طولانی [illegible] سرخ [illegible]
و در [illegible] این سر بند [illegible]

این بنا [illegible] موسوم [illegible] بند امیر غازی
حسب الاراده [illegible] اعلیحضرت امان الله خان غازی پادشاه
دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان [illegible]
تاریخ اول ثور ۱۲۹۹ شمسی [illegible]
و [illegible] در تاریخ اول [illegible] ۱۳۰۳ [illegible]
شاد گردانید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۳۰۳ [illegible]

حقیقت: بالاخره این اقدامات همایونی و شاهانهٔ کامیابیهای اعلیحضرت معظم غازی که در راه ترقی و تعالی ملت عزیز [illegible] مملکت بعمل آمده [illegible] شکر [illegible] نموده بر افغانستان توفیقات مزید بر مزید را در شمالی [illegible] تاریخی [illegible] وزارت جلیلهٔ تجارت را که کفیل رفاه عامهٔ ملت افغانیه شمرده میشود با مثال این اقدامات عالیه [illegible] [illegible] آبیاری و آب باشیان مقامات [illegible] ناظر بحاصلات [illegible] و آن [illegible] و سرسبزی ولایات کابل [illegible] [illegible] درین موسم [illegible] هزار [illegible] که تمام آبهای [illegible] سفید کوه شرقی در ایام [illegible] بسیار در [illegible] بوده [illegible] و [illegible] آب [illegible] [illegible] سرسبز [illegible] کابل [illegible] شمرده میشود [illegible] هزار جریب اراضی نهایت عالی سرسبز و شاداب میشود [illegible] [illegible] فوت [illegible] حاصلات [illegible] [illegible] [illegible]

إِنَّ اللهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِين

اعلان وزارت حربیه

برای ورثهٔ شهدا و اشخاصیکه در سمت جنوبی خدمت کرده اند

چون اعلیحضرت معظم غازی پدر شفقت گستر تمام سکنهٔ مملکت افغانستان خدمات و اقدامات که وطنخواهان صادق، دولت دوستان لایق این سرزمین خرافت قرین، قرار فرمایشات دینی و اوامر اسلامی و وجدانی خویش در راه خدمت های ملت و دولت و مملکت جنابشان بنظر تحسین و تقدیر می نگرند و درین ایام مراحم پدرانه و نوازش رعیت نوازانه شاهانه شان چنین تقاضا فرموده با هدایت داده است تا اشخاصیکه در رفع این غائلهٔ سمت جنوبی مظهر خدمات شایسته شده اند و تصدیق یکی از روسای تنظیمیه آن اطراف و نواحی را بدست داشته به ثبت وزارت حربیه رسانیده باشند بالیستی که بتمام این معامله بعد از ورود در [illegible] وزیر صاحب حربیه با بعد از غور و بازدید بمکافات نعم البدل خدمات خویش نائل و سرافراز شوند.

و نیز برای ورثه و بازماندگان آن سربازان غیوری که درین واقعه شربت شهادت را مردانگی و شجاعت نوشیده اند اطلاع داده می شود که بکمال تسلیت و اطمینان صورت احوال و کوائف خود ها را به وزارت حربیه تقدیم دارند تا وزارت عرض احوال شان را قاعدةً بحضور شفقت ظهور رسانیده مورد صدقات در تحت نوازش شاهانه و مراحم ملوکانه مشمول و مطمئن شوند (امضاء [illegible])

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 292 of 524

نرخ اشتراک

تفصیل ماهانه	قیمت شش ماهه	قیمت سالانه
از داخل کابل	۵	۹
از خارج افغانستان	۷	۱۱
از اهالی خیریه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۳۰

قواعد درج مطالب

این اخبار هفته وار ماه اول در کابل بحروف طبع نشر میشود و دیگر مقالات که مربوط بمطالب ادبیه نگردد، امور تجاریه بنگارنده حقیقت ارسال شود مقالات واصله در اداره مانده بمرد داده نمیشود موضوع و عدم انتشارش اداره مختار است. اشتراک توسط مطبوعات ریاست ... طلب کرده جات فقط ... دریافت

حقیقت

۱۳۰۳

هفته

نگارنده برهان الدین کشککی

مشترکین ... برای علما و طلاب ... برای ... و نجبای ملی ... باجرای مصالح ملی و مشرق ... توسط نگارنده حقیقت ...

جلد ۱ کابل چهارشنبه ۴ قوس ۱۳۰۳ ش ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۵۴

فرزندان خدمات اسلامیه عسکری شاهی

قرار اطلاعاتی که کسب نموده ایم اخیراً درین موقع خدمت رساله شاهی بمقام رسیده بود و می بایست که اعلان آن بعموم داده شود؛ تا قرار قاعده مقرره با وطن افغانستان در قلمرو و اطراف و نواحی آن حرف الامصار جمعیت میکردند ازین رو از وزارت جلیله حربیه تلگرامانه نسبت به خصوص ... درین باره گردیده تا اصدار یافت که از ملت برای افراد آن عسکری بدها و خدمات ... موصوف شده اند که بر طبق این احکام وزارت ... مرتفع بیک خدمت سراپا شرافت که نه تنها با نام عسکری بلکه تمام افراد که جوق جوق و دسته دسته ازین گونه که مردم ... نائل شدن بدین شرف و مباهات ... افغانیه و اطاعت و اظهار ... نموده اند بدین پادشاه اسلامی و سرکوبی بغاوت ... جمعیت ... ملک منحوس ... آشفته ... دلیل این ... گرفت ... نموده شد تا الآن ...

تمجید نماید که درین موقع که جشن خدمت با شرف عسکری که موجب افتخار ما میباشد موجب ننگ و عاری و باعث خجالت و شرمساری ماست بر عموم ملت افغانیه ابتداء تمام شان ... منقطع گردید برای آقای محترم عبدالرحمن خان فرقه مشر ... مهر و امضاء و نشان گشته باداره عرض رسانیده شده ... والیکه عقب این امر نامه از وزارت حربیه توسط ... خواستار شده بود چنانچه معزی الیه این معروضه شانرا بمقام عالی وزارت تبلیغ داشته در نتیجه جناب وکیل صاحب حربیه این احکام خود را بر طبق هدایت ... گفته رفتن این نفری را که ... خواسته شده بود ... جلا ... ایام خدمت ... عرض ... نفری ... خود ... چنانچه فرقه مشر موصوف این تفصیل را بر آن نفری ... تبریک ... گردانیده اطلاع این کیفیت ... از ... تشنیدن ... وزارت ... جلیله ... اداره ... وکیل صاحب حربیه مشرف شده ... این ... تمام ...

جاهای نظامی عسکری شاهی برای پیشگاه وزارت حربیه عظمی ترتیب
عسکر عضا با فتحه بعدا اتفاق را مرتبه حکومت علیه ذیل حضور دولت
پیلاقی قرائت کرده در حصه آن تا اما بر خلاف طبع ما افتاده
و مساکن خود در بین موقع خدمت ما را تا ما تنزل اظهارات داده
بکمال عجز و معذرت آرزو داشتیم که تا الآن که تا کمان
بجهان خدمت باشرف عسکری ما تا فیصله شدن معاملات
سمت جنوبی عجز و تمنا از فرمانند -

عریضه عسکر شاهی

ما نفری منسوبین صنف شاهی اول در جواب تگمنامه که از مقام
وزارت جلیله حربیه درباره دعوتی چهل نفر از ما امر صادر
یافته بود بواسطه صاحب منصبان اطلاع داده ایم گردید
در حصه دعوتی ایشان همه فرد فرد علیحده علیحده و قت حکومت
واطراف و جوانب شان را خوب تر سنجیده ایم در نتیجه چنان التماس
میکنیم که چون درین ایام موقع خدمت حضور رسته عسکری است
و اظهار خدمت ما این یا دولت مملکت برای اعلی ما از ما
نگران پادشاه و سرداران صداقت کیش مملکت افغانی
سزاوار زیبا نیست که خدمت مهم یک پادشاه غیور
غازی خود را که نسبت به سایر منسوبین دولتی درباره
ما او از شفقت و مهربانی مزید دارند گذارده بخانه ها خود برویم.
لهذا ما از همه بکمال عجز و انکسار عرض مینماییم که این فعل را نامناسب
و نمک بحرامی دانسته خود را نگاه داشته در همچو یک موقع مهم گذاشتن
یک علامت با شرف که مرگ بی غیرتی وارد بر خواهیش عقیده
داریم لهذا از سپهسالار حرمت جناب عالی جانیم ایمان و عقیده ما بیشتر
را بدل جمع کرده ما تا این التماس و عرض خالص را قبول فرمانید
سرآمده کمال تحکم و زارت جلیله حربیه باشید و قبول فرمایند که تا اعلی ما را
بر حقوق خدمت گرفته رخصت بخانه ها خود نشستن را در همچو یک موقع نازک
کرده است و ما که خون غیرت و شجاعت و اطاعت و
عقیدت خود را با اعلی حضرت پادشاه ولی نعمت خود که سالها سال پرورش
نموده عاجزانه التماس مینمایم و عرض میکنیم که اگر تجربه خوبتر بین
برای همچو نازک وقت یکساعه را بدهیم و اگر دیگر معنی ندارد
در دفاع و صیانت از آقایی و مملکت شخصی خود نشستن

خود را خود بزرگی پادشاه و حضور اعلیحضرت غازی گرفته اند که خدمت
مقرره خود را از قطعه رفته خود گذارده بروند.

اینکه از مقام وزارت جلیله حربیه دعوتی چهل چهل نفر
بطور رخصتی در تگمنامه توضیح وامر شده ما بیچ نمیدانیم که چه طور
بر کدام واسطه بوده افراد صداقت نهاد عسکری که از سالها
دراز پرورده دست سخاوت و مرحمت پیوست اعلیحضرت غازی
سلاطین افغانی هستیم که با اجداد ما نیز از این خوان نعمت
پادشاهی متمتع و مستفیض شده اند در همچو موقع که دیگر برادران و امثال ما
به نهایت ای بار ملک از گوشه و کنار افغانستان برای آمدن
در حضور اعلیحضرت غازی شتوان بطور جمعی شده اند که تا ما و خانه ها
مساکن خود رجعت کنیم و در همچو وقتیکه بهمراه دیگر برادران
خود که در صدد حرکت در عرض راه رو به رو بوده اند نیز
ما کجا میرویم و در بدر چه دلچسپی داریم؟!!
لهذا بکمال عجز و انکسار و معروض میداریم که
حربیه این تگمنامه خود را واپس گرفته ما را در همچو موقع اولوالعزم
موقع از این خدمت سراپا عزت محروم نفرمایند.
عموم ما دیدن نظم و پست قطعی شناسا شده -
ذات پادشاهی خدمت ما را انتخاب و اراده فرموده اند
معاش بقرار ما را قطع فرمایند در این هیچ گفته نمیشود
صداقت و خلوصیت و حسن عقیدت که با ذات
داریم همواره ایم که تا فیصله این معامله سمت جنوبی بطور حق
و ظروف و مضبوط ساخته خود که فیصله شود از الطاف پادشاهی
همچو خود ضرر نیارد کرده ایم چرا دست خود را محروم
نامیم و اگر ما تیم را روبه تمام گذشته حاضریم که از سوال
گذار خود را محروم این خدمت سراپا عزت را دلیل
گذاریم - تا نبرد افراز ما اهل خود و خبر سپارده و
دشمنان و ارباب غرض از زین گذشتن محدود کرده کنیم.

جواب وکیل صاحب حاضر

بعدا تا تمام این عریضه
دیدن این عرض
که اینها همه را تا طولانی را نمودند که بفهمان قرار
صاحب منصبان گفته اند که از دعوتی شما را ... که

خدمت ثابت کمال صداقت حالت جبری گفته بود تنها منصب داخلی نا بلکه وزارت حربیه نیز از خالیت و رشادتهای شما که خوانا از شما بروز کرده است اظهار امتنان دارد و خوب بیاد دارم که کسی از مینا شما جو بنظم بیرون خواهند و شما در این معامله یکی از جملهٔ آنها است که هیچ رفته است از فرط خلاص عقیدت با دولت و مملکت خویش با اینکه موظف بخدمت مقامی آنجا بود ... وخالت نموده بجید ... خود عرضه پرداخته است که آمدم هرگز از میدان خدمت ننگ فرار ندیده ام.

مقصد کار این جملهٔ مختصر حربیه برای آنشان گفته شد و بلااقل تنها ... که این خدمت شما با وطنان بچ از کمال ایام خدمت ... نیز بجلایت گرفته ... تعلیم دیگر هیچ یک مقصد ما از خدمت ما از طرف شما جوانات کافیه و عرفی غیرت ... خلاف ... حضرت وکیل صاحب ... مسئله برین قرار گرفت که این عرض خصوصاً تقدیم شود تا ...

مرحوم ملوکا

... خود با آستان ملوکانه شان معروض داریم. جناب حضرت عبدالعزیز خان وکیل ... دستگاه ... برده شد این کیفیت ... در حضور تحقیق ... کمال ... حضور ... بحضور ... قرائت کرده شد — ذات پادشاه ... اظهار ... ملازمان ... دستگاه ... اجداد و ... فرزندان عزیز ... که مقصد برده ... حضرت وکیل صاحب ... مقابل صفوف عسکری ... کلمات فرمایشات ... عسکر ... اخلاص ... عقیدت ... معروض حضور ... بحضور ... رسانیده ... این نگارنده آنرا بخاطر دارد حسب ذیل است.

ذات شاهانه:— شما ... که شما مقصد ... اعلیحضرت بخاطر ... الا از رفقی خود ... با و ... مطلب ... ذات ...

حضرت ... بکمال عز ... حکومت ... بحضور ... تکمیل ... و این معالات خود حضرت ... خوش ... دیگر ... شده ... و ... اقوام نان گمان ... سمت جنوبی چقدر کسب خامت کرده است که علاوه بر عسکری که ... داده ایم و در مرکز حاضر است خوانین و اعزه و عموم رعایا ایجا نیز ... تعداد دیگری ... ملوچ ... احوال آنجا معلوم نبود انگوان که شما برو بد ... دولت ... خود و فا کرده و هم موجب مسرت خاندانی و اهل وطن ... بجا ... نظر ... مسائل ... همین تعداد ... وزارت حربیه ... نموده است برده ... خواهد بود.

عسکر شاهی

وکیل صاحب مخاطب ... بادشاهی معروض ... در موقع ... فرد ... واز راه ... دولت و مملکت و حکومت ... اقوام و ... رسانیدند ... نظامی ... انقطاع ... بغاوت حاضر ... در موقع ... اعلیحضرت ... پادشاه ... از این ننگ عار را ... ثابت ... اوطان خود ... اگر ... با ... استفسار ... که شما ... آمده ... حا ... خواهیم گفت.

ذات شاهانه:— برای رفع این گمان تصدیق خالیت و رشادت ... وزارت حربیه شما بالقصد ... و خود شما ... فرزندان ... معزز شما با وطنان ... سلطان باشید.

عسکر شاهی: ... تصدیق و ... خود ... و ... خدمت ... الا ... خود در موقع خدمت ... حرف ... کلام ... در حضرت ... خود ... جواب

[illegible] ذات شاهانه [illegible]

در گردن [illegible]

[illegible] نایب [illegible] والسلام.

ذات شاهانه :- از این گزارش و جذبات [illegible]

خود اظهار مسرت [illegible]

[illegible]

عسکر شاهی :- [illegible]

[illegible]

[illegible] سلامی کلان پادشاهی)

اعلیحضرت معظم غازی [illegible]

[illegible] وکیل صاحب حربیه [illegible]

[illegible]

تشکر از حکومت اعلی فراه

[illegible] آقا محمد سرور خان [illegible]

حاکم اعلی فراه [illegible]

[illegible]

تبریکات و تهانی بحضور ذات شاهانه

[illegible]

حقیقت [illegible]

[illegible]

حقیقت :- از طرف خود و [illegible]

[illegible]

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت ۶ ماهه	یک ساله
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۳۰

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته دو بار ... از مطبعه ... کابل ... نشر می شود ... مطالب ... امور تحریریه به نگارنده جریده حقیقت ارسال ... مقالات ... اداره ... جریده ... اصلاح و عدم ... مختار است.
اشتراک توسط ... و بصورت نقدی از ... دریافت میشود

حقیقت ... ماهانه ... مجله ... بنام ... نگارنده ... اسلامی ... وطنی ...

حقیقت

۱۳۰۳ از

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد (۱) کابل شنبه ۷ قوس ۱۳۰۳ ش ۲ جمادی الاولی ۱۳۴۳ ق شماره ۴۶

از رسمیت و کمک های فرانسه به حکومت افغانستان

(جریده معتبره (تان) طبع پاریس در اشاعه (۱۸) اکتوبر مطابق (۲۶) برج میزان ۱۳۰۳ مقاله ذیل را از قلم موسیو (مارسل لیوت) که یکی از مخبرین ... جمهوری فرانسه ... [illegible] ... از اخبار ... [illegible] ... (اداره ح)

مارشل محمد نادر خان وزیر جنگ افغانستان بسمت وزیر مختاری از طرف دولت متبوعه خود بپاریس ورود نموده، ... آقای جناب محمود خان طرزی که مدت ۲ سال ... در مملکت ما بوده و بعد بافتخار امور وزارت خارجه را بایشان سپرده.

مارشل یک شخص است بلند قامت، باریک، بسیار خوش قیافه دارای یک ریش کوتاه ... نیم سفیدی آورده، در چشم های ... مرد، وزیر مختار جدید یک ... افغانی را دارا میباشد دارای یک ... باوقار و ... ذخایر ... بوده است. ... تحصیلات ...

در ملاقات و مذاکره با او دیده میشود که عبارات طویل و بی فائده را دوست ندارد و تمام اظهارات و اشارات صاف و بی آلایش و با درک میباشد.

چون این شخص محترم تعارف شنیده بودم ایل ملاقاتش شدم، در ضمن ملاقات به من چنین اظهار داشت که وطن ما در خط سیاسی مرکزی بین هندوستان، روسیه، چین و ایران است. در چهار سوی تمام راه ها یکه از عهد بسیار قدیم راه عبور از روسیه، هندوستان و واسطه رابطه ما به سواحل "مدیترانه" و شرق اقصی میباشد.

غذا مآب اعلیحضرت پادشاه معظم کنونی ما که شخصی دارای خیالات افکار روشن مایل است که مملکت خود را طرفی که مملکت جدید نموده و از تمام ترقیات که باعث سعادت سائر ممالک شده است از آنها استفاده کرده ملت خود را به شاهراه ترقی هدایت نماید.

پایه و اساس تمام این ترقیات را امور معارف دانسته این دلیل پادشاه محبوب من قبل از هر چیز به دولت فرانسه رجوع کرده و از حکومت شما امداد برای تشکیلات معارف خود طلب نموده، یک عده زیاد از جوانان افغانی را که تمام

آنها از خاک خود حفریات نموده و حتی بمملکت شما ارسال داشت. که احوال دریچه مسئله مشغول امور خارج عموم ترویج اینگونه باعث خوشنودی مملکتین بهتر نموده و خواهند.

موشیو بجناب برو فیسور فوشه فاضل معروف بکابل وارد شد رایج بامور تعلیمیه مشورت های مفید برآماده و یک کمیته فرانسوی بایتخت تاسیس شد که عده از اطفال عزیز مطابق عرصه دراین مکتب مشغول تعلیم و تربیه میباشند. حکومت افغانستان انحصار اجازه آثار عتیقه را برای مدت سی سال به هیئت علمیه فرانسوی عطا فرموده که در تمام خاک افغانستان تجسس نموده و آثار تاریخی قدیمه مملکت ما را کشفیات نمایند، این یک پایه و اساس است که تاکنون ایجاد شده و فی الحال امروز لازم است برای تاسیس و ادارات اقتصادی و ترقیات آن فکر و خیال عمده بنمائیم.

در خاک مملکت من معادن زغال سنگ فراوان موجود میباشد که تاکنون در چند نقطه معین در اطراف ولایت کابل کشف و پیدا شده است. **و یک** معدن آهن که چندی قبل فرانسوی تجسس کرده است یافت شده از قرار گفته آنها این آهن از نقطه نهایت عالی میباشد. **معدن** مس هم در چند نقطه مملکت یافت شده است که لیبارتوار کابل استفاده خواهد بود طلا هم در چند جا به کار افتاده است و در چندین نقاط دیگر هم یافت میشود. **معادن نفت** ایران از قرار که حدس زده شده دامنه آن معادن تا خاک افغانستان میرسد و امتداد میکند از طرف دیگر مملکت برای تجارت ابریشم یکی از بهترین ممالک است و حاصل ابریشم عموم ـ چنانچه در نهایت علاقه میباشد. آبشار های زیاد در مملکت ما هست که توسط آن ازین آبشارها برای قوه برق کار اندا خته ایم. **بازین** حالت بطور کلی میتوانند مملکت از حیثیت ثروت یک مملکت ممتاز از نقطه نظر جغرافیائی دیده میشود که در آتیه نقطه یک مرکز مملکت حاصلخیز تجارت یک مرکز تجارت در بین اول خواهد شد. و مرکز عمده تجارت ممالک آسیا دیگر مرکز خواهد شد و معاهده که با انگلستان بسته ایم بما اجازه میدهد که مال التجاره ما آزادانه از راه کراچی و بمبئی عبور و بخارج فرستاده خواهد شد.

در این راه امور تبت خود نهایت شعف و خورسندی دارد که با سرعت توین اصول و حتی الامکان نقشه جدید تشکیلات بجهت صنعتی و اقتصادی افغانستان را که باکمک و شرکت با فرانسه منفعت و تهیه نمایم قبل از هر کس ایجاد و اول میل و آرزومی با آن است که فرانسه دست مودت بما داده و در آن امتزاج مملکتین با اساس مجرد و دوام انجام و قراری این کار با شرکت ورزد که فائده دو مملکت از روی دوستی بالاتر بغیر خالص و صادقانه در بین خواهد بود در خاتمه اجازه بدهید که آرزو و منظور صمیم دل امید که در خواست پادشاه معظم محبوب حامی مملکت خود دارم این بهتر در مملکت دوست که من آنرا فی انداز عزیز دارم.

قابل توجه محرر جریده حبل المتین

بمطالعه اداره محترم حبل المتین کلکته در شماره .... از ستون اول و ستون دوم صفحه مقاله را از قلم یکی از فضلای محض از نقطه نظر محبت و سلامت خلاقمندی بود و دلسوزی و حکومت افغانستان داده، قلمبند نموده است. منقدر زنها موجب حیرت و تاسف این نگارنده که از دو عزیز گردیده است. لهذا لازم دانستم حقیقت دلفریب روایت تحریر محرر موصوف یاد دهانی نمایم که از این گونه مقالات که باعث حیرت و مراق ناظرین آن جریده در افغانستان باشد، مبادرت نورزند، و آنچه در آن مورد اطلاعات موثقه را بدست داشته و آنرا که درست نوشتن صاحب مقاله اطلاعات نداشته و مقال این مقالات رطب و یابس و درج شخص این نگارنده گمان میکنم که نویسنده از اتباع و یبر و ان جهان لاهی ننگ خواهد بود که در یک حصه عمر افغانی آتش رقابت را شعله ور نموده و موجبات برتری فی عالم اسلامی را شعله ور افغانی راحصو حاضر با نموده است. بهتر است آنها فقه مینست بدانیم چاه مقاله شان را بدانیم

ورود غلهای ... بجانب مرکز

علاوه برادر خان جمعیت ... بزرگ ... باغی ... [illegible]
... منطقهای باغیه سمت جنوبی ... وارد مرکز شده
... بعضی از اینها را ... اخبار و اطلاع آمدن
... انداز نموده ایم درین ایام باز ...
... با حصار ... راجع باب ... مطلب
آقای علی احمد خان رئیس تنظیمیه سمت مشرقی
از ... اطراف ... و ...
... غیره ارسال داشته اند درین
... فعل ... مزبور برادر یک باغی مشهور که
... طبع شده هست ... نام وارده ... هست.

ورود معین صاحب حضرت نائب السلطنه

دو سه روز قبل برین مع جمعی آقای حبیب‌الله خان و آقای محترم محمد سمیع خان مع آقای محمد عظیم خان و چند ذوات محترم دیگر از سمت جنوبی برای اعطای بعض معلومات و اخذ سر رشته های لازمه از سمت جنوبی وارد مرکز شده اند — با اینکه این نگارنده از بعض ذوات محترم این هیئت لائحه و مستقبل خلاصه نظریات شان باشد خواستار شده ام اما هنوز آن هم نرسیده چنانکه موصول دست ممنونیت گشت در انتشار آن مضایقه نخواهد شد.

بجز صاحب کمالی عیب در عالم نمیدانم

(اشعاریست که حسب طبع ... [illegible] ... سرور ... هست)

دو صد ناله زنان بانگ جهان شور و فغانم
چنان فریاد بخیزد ز دم از رگ جانم

بحال یاس می غلطم خود گشته حیرانم
ز دست موج مغزان گریه دارد موج طوفانم

بچشم احولان گل خار می آید درین گلشن
بیا آئینه با ما باش ای من هم سخت حیرانم

سپند آتش عشقم مرا جز ناله کاری نیست
ز این و آن خود گر سوختند اغیار و جدانم

بخندیدن زرنگ میگردد زبان اهل هنر امروز
الهی از کرم پر نور کن خورشید تابانم

چو ظلمی نیست در قید ارباب هنر یاران
بجز صاحب کمالی عیب در عالم نمیدانم

ز تنها دل بخون از دست جاهل میشود ما را
بجا اینهای عارف تیر از غم ساخته بریانم

خزف چون بشکند بازار گوهر را نمی شاید
که جای آب خون از دیده بارد ابر نیسانم

درون تیرهٔ اهل جهالت مائل آفت
که تا روز ابد خاموش سازد شمع عرفانم

بداغ سینهٔ خود ساختن بهتر از آن باید
که هر شام و صبا باشد نشان من ز دود نالم

برنگ گوهر اگر دیدم باشد هوس ایدل
اگر برق تجلی بر جهد از جسم سوزانم

طلبها از چه اندر کار با افتاده هست یارب
که چون بلبل بیچاره اندر شور و افغانم

ز حرف دوستی هرکس نگوید چون ما ای بچه
کمانها بشکند از جستن یک تیر پرانم

بجای در رسیده جهل را افراط نادانی
که معنی هم ندارد این زبان حرفی و بحدانم

دگر شایع شود از پردهٔ حق پرچه اخبار
بگوید سود کی دارد ببخشد عقل و ادغانم

اگر گوئی با لسان رشته احوال داخل را ؛
چو از احوال خارج حرف خود بر ابیان سازی
اگر از نثر بنویسی بایشان دفتر معنی ؛
دگر بر جسته گوئی حرف را گویند سعلق گفت
دلی کاغذ پر از درغ و قلم از دیده خون بارد
بچون آغشته دل را در بر خود زار می بینم ؛
چو عقرب قصد آن دارد که نیشش کار گر افتد
بسنگ نا امیدی بر شکستن کار آسان نیست
نجات اهل دانش کار دشوار است دانستم
چو گل خواهم گریبان چاک سازم از غم گردون
با حوال جهان چشم بصیرت بر کشا یکدم
ز ظاهر در گذر اندر حقیقت صرف فکرت کن
بو پهسا صرف خدمت کن که تا فیض ابد یابی ؛
نشیخ و زاهد و صوفی نباشد الضم چندان
بنیک و زشت گفتن کی دهم سر خیالم را
فلک ایست ملک سیرت قمر قدرت امان الله
دمیکه سر او اندر عبادت حلقه میگردد
کجا کام دل بیچاره گردد از لبش حاصل
بپاس کعبه دلها را بدست خویش میگیرد
زکوة جسم او شد دور بینی های کار ما
سراسر چون وجودش وقف راه دین احمد شد
بجا یی سنن از لسکه میکوشد بروز و شب
کفش جود سخا و گردنش طوق الطاعت شد
لباس طاعت اندر جسم او چون جلوه افروز است
بیا شو خوشه چین خرمن اخلاق شاه خود
مطیع این چنین خسرو شدن لازم بود سرور
هزاران توبه از کاری که گرده منگل جائل
کلام حق همه آیات نصرت را باو بخشید
نهما ا روشن دلا ا فیروز بختا ا ملکیت پیرا
قدت تا جلوه افروز سریر سلطنت گردید
هر چیز یکه خیر ملتت دیدے بهان گردی
اگر هر تار موے ملت ما چون زبان گردد
با همه دفتر شکر وجود ت کی شود کامل ؛

بگو بیند حال داخل چیست خارج را نمید ا
بگویند لقبها از زبان بهم ندارد سود چندا
بسوی نظم می پیچید چون یک رشته در جا
بسیط و ساده باشد در نظرها کار آسا
چو معنی سر تنقید بجنبانید اخوا
ازین معنی چو گل افسرده و خاطر پریشا
بموی خم شدن معنی دیگر داد میر ا
فلاخن‌ها درد از جبه سایه‌های گرگا
زگردابی که باشد جاهلان ملاح طوفا
سر تقلید ما دارد زبس هوش پرنشا
بی آباد ے ملت بکوشید ای عزیزا
تشبث ما نما از بهر نفع جمله اخوا
چه حاجت اینکه گوئی طرز فیضش یک میدا
که آنها در غم خود مانده لی در فکر یا
چو ماه از چهره خورشید شاه آئینه گر
وجودش را روا باشد که فخر آسیا خوا
ز محراب خم گردد که ابروی ترا
زشادے روزه می بالد که من شکر ستا
باین معنی بود در کعبه رفتن کار آسا
زکوة دست او را قبضه شمشیر خوا
من او را سایه حق حامی اسلام مید
هزار اجر شهادت را بر تیغ یک گو
بامر واجب التعظیم ذات پاک یزدا
وجودش را منزه از همه آلام خوا
نشدن را چو میخوانی که گیرے در بیت
خدایا ! دور دار از ره طغیان و عصیا
الهی شکر آن دارم که فی از اهل جه
دمیکه تیغش اندر قهرمانی گفت
تو آن ذاتی که داد ے رونق دیگر با فغا
بعالم صاحب عزّ و شرف گردید
بکثرت مرحبا صد آفرین ای شیر
عطا رد گر نهد القاس و عرض اخوا
همان بهتر که باشد همچو داغ سینه

قواعد و ضوابط

این اخبار فعلاً از ادارهٔ [illegible] در کابل گردیده.
نشر خود و دیگر مقالات به ترتیب [illegible]
ارسال [illegible] امور تحریریه بنگارندهٔ حقیقت
ارسال وجه اشتراک و اعلانات بادارهٔ [illegible]
در اندراج و اصلاح و عدم انتشار [illegible]
اشتراک توسط [illegible] ولی و [illegible]
نقدی از وجه [illegible] دریافت
شود.

نگارنده: [illegible] کشکی

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت روپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
داخل کابل	۵	۹
[illegible] افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
[illegible] و سفرا	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

(۱) کابل دوشنبه ۹ قوس ۱۳۰۳ ش ۴ جمادی الاولی ۱۳۴۳ ق شماره ۴

[illegible] حقیقت [illegible] عسکر افغان [illegible] سمت جنوبی [illegible] افغانستان

مقابلهٔ جهل و علم حیات تاریخی عسکر افغان

من بظاهر گرچه دور از گلشن کوهی توام — هر کجا باشم بجان و دل خریدار توام

(ادارهٔ [illegible]) [illegible] اعلیحضرت [illegible] تاجدار محبوب القلوب افغانستان اعلیحضرت امیر امان الله خان [illegible] پادشاه [illegible] تحریر شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خوست [illegible] صاحب منصبان و افراد عسکری [illegible]

[illegible] خوست [illegible]

[illegible] و مردانگی که در راه حفظ وطن و ناموس و شرف افغانیت ابراز [illegible] بغاوت سمت جنوبی که فی الواقع (مقابلهٔ جهل و علم است) با کمال

[illegible] شهادت و [illegible] انسان [illegible]
اولاد [illegible] شما بوده [illegible]
در خدمات [illegible] اظهار کنم
شما را [illegible] اولاد [illegible]
[illegible] رسانده [illegible] تاریخی شما و دلیری شما
[illegible] کمال [illegible] اعلیحضرت [illegible]
کامیابی شما [illegible] شما را بخدا [illegible] ای فرزندان عزیزم!

افواج زمیر

اولاد [illegible] منصبداران و افراد عسکری
[illegible] ملی [illegible] زمیر!

از من [illegible] و [illegible] حقیقت در نظر
[illegible] اطلاع [illegible]
زیاده [illegible] دست [illegible]
[illegible] مطلع [illegible] شما [illegible]
[illegible] از شما [illegible] خود [illegible]
فرزندان [illegible] تاریخ افغانستان [illegible]
[illegible] افغانی [illegible] افتخار [illegible]
[illegible] این آرزو [illegible] دارم
[illegible] دولت و مواظبت [illegible]
شما [illegible]

سپاه امید الخوله

اولاد [illegible] منصبداران و افراد عسکری
و افواج قومی [illegible] خوله!

[illegible] افغان [illegible]
مملکت [illegible] وطن [illegible]
[illegible] شما [illegible]
[illegible] شما [illegible] و مسرورم!
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] تاریخ افغانستان [illegible]
[illegible] دولت
[illegible] غیرت [illegible] شما [illegible]
[illegible] ای فرزندان عزیزم!

قشون منگل

اولاد [illegible] منصبداران و افراد [illegible]

افواج قومی [illegible] سپاه [illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] شما [illegible]
[illegible] جنوبی [illegible] بسیار [illegible]
نظر [illegible] و [illegible] وطن [illegible]
شما تاریخ افغانستان زیب صفحات خود نموده است
زیاده از حضرت [illegible]
مسلت دارم و شما را بخدا [illegible] ای فرزندان عزیزم!

عسکر گردیز

اولاد [illegible] منصبداران و افراد
و افواج قومی [illegible]!

از [illegible] شما در [illegible]
سمت جنوبی [illegible] (مقابل [illegible]) [illegible]
از خود [illegible] کرده اید و [illegible]
اسلامیت [illegible] وطن [illegible]
[illegible]
[illegible] تاریخ افغانستان [illegible]
[illegible] مواظبت [illegible]
[illegible] شما [illegible]
[illegible] شما را بخدا [illegible]

فوج میرزکه

اولاد [illegible] منصبداران و افراد
قومی [illegible] میرزکه! [illegible]
[illegible] شما [illegible]
[illegible] شما [illegible]
از [illegible]
[illegible] شما [illegible] و احوال [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
افغانستان [illegible] گردیده است.
این [illegible] تعالی [illegible] دارم.
احوال شما [illegible] دولت [illegible] است!
[illegible] احوال [illegible]
مددگار شما باد. ای فرزندان عزیزم.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 302 of 524

لشکر زنگل

اولاد و برادران ... دلاور و صاحب منصبان و افراد عسکری افواج قومی

لشکر زنگل! بمناسبت خدمتکاری و جدیتیکه در دفع غائله سمت جنوبی که از جمع مقابله جهل و علم است ابراز داشت ... کامل ترفیه خاطر ما را فراهم کرده و ما رابحق دلدار داشت اید ... شد آنها اقوال و جستجو کنند که آن شما هم حقیقتاً در این مرحله بپایه ثبوت رسانیده اید ... و تقدیر ... در افغانستان ثبت نمودن کارنامه های دلیرانه تان تزئین صفحات ... است. این بنده الحمد لله تعالی صحت دارم و دوستانه ... دولت و تربیت احوال شما مصروفیت دارم.

... شما را بمظفریت سرخرو شیبا... و در ین ... وطن و شما را بخدای سپارم. ای فرزندان نیکو درم.

... احمدزایی

اولاد و برادر دلاور و صاحب منصبان و افراد عسکری و افواج قومی ... احمدزایی!

... کمال مسرت ترفیه خاطر دلیرانه و کارنامه شما را در دفع غائله سمت جنوبی که با مقابله جهل و علم است تقدیر و تحسین میکنم. ... این سرفروشی ها و جدیت ها ... و تحفظ شان و شوکت ... بعرصه ظهور رسانیده اید رضا و خوشنودیم را با سلام ... محبت ... شما ایصال میدارم. و شما را ... الطاف ... شما را بجستگی در صفحات تاریخ و دلاوری ... یادگار خواهد بود.

... الحمد لله با کمال صحت مصروف امورات دولت ... شما ... از خدا خود شما را فاتح و مظفر خواسته ام.

... تاجیک ... ... سلیمان خیل

اولاد و برادر دلاور و صاحب منصبان و افراد عسکری افواج قومی

... سلیمان خیل! از اقدامات دلیرانه و خدمات ... که در راه ... ناموس وطن و قدر ... شرارت بغاوت ... که مقابله (جهل و علم است) ابراز نموده اید ... تحسین می کرده و ... خرسند و رضا شده ام. ... غیرت ... شما در صفحات تاریخ افغانستان ... نقش گردیده ابداً فراموش شدنی نیست. ... ایام ...

... بعد الفحص ... صحت ... خدمات ... شما ... مظفریت شما را ... بخدای سپارم. ای فرزندان نیکو درم.

سربازان ... وزیر ... مشده

اولاد و برادر دلاور و صاحب منصبان و افراد عسکری افواج قومی

قوم ... مشده! خدمات شایان و مظفریات نمایان شما که در مقابله بغاوت منگل ها سمت جنوبی که همان مقابله جهل و علم است. سرایان ... دادرسا ... ساخته که احوال ... آن شما را بذریعه این فرمان الطاف ... شما را ... مسرور و شما را ... نیدیدم بپاداش این خدمات صادقانه ... مردانه شان که ملت افغانستان بنظر تمجید و استحقاق شما نگرانند و من مسرور و ... هستم. ... کنید که الفاظ غیرت و حمیت شما در صفحات تاریخ افغانستان بیادگار نوشته شد. و این خواستار ... مظفریت ... الحمد لله صحت دارم و هیچ گاه از خدمات دولت ... امورات شما بیاد ... ام. در خاتمه از خداوند بی نیاز ... شما را فاتح و منصور ... بحافظ حقیقی می سپارم.

نظامیان منگل ... وزیر ...

اولاد و برادر دلاور و صاحب منصبان و افراد عسکری و افواج قومی ... منگل و زدرانی! اگر چه از ... حال و ... آن شما ... اجمالی ... نموده ... در تقدیر ... در رفع حوائج شما ... ثبت ... ام ... این ... پایه ... و اقدام مظفرانه تان که در برابر ... و منگلان ... که فی الواقع (مقابله جهل و علم است) ابراز ... اید این ... از رضای ... تجاعت ... شما را ... آگاه ... پیام ... ختم رضا ... ایصال میدارم. و شما ... تاریخ افغانستان از شجاعت فطری ... صفحات ... گردانیده است. ... سلام ... صحت ... و از ... دولت ... ... اگر از خدا ... استقلال ... ای فرزندان نیکو درم.

منت نامه جدید امرا و حیات شجاعت کارانه منصبداران نظامی در سمت جنوبی

[تشکرنامه ایست که جدیدی قبلاً بر عموم منصبداران نظامی و امراء اردوی اعلیحضرت غازی مقیمه سمت جنوبی از طرف اعلیحضرت اجل افخم (المتوکل علی الله محمود سامی) امضاً فرستاده اند و در ذیل آن وزیر صاحب حربیه و معاون شان نیز تصدیق آنرا تحریر داشته عموم صاحب منصبان که شرف تحریر حضرت ممدوح افتخار دارند نسبت الی نهایت موثر امضاء داشته که عده امضا کنندگان آن تشکرنامه کم از (۵۰) امضا نیست

آن تشکرنامه دیگر عرائض اخلاص مندانه و عقیده کیشانه آنها بحضور اعلیحضرت غازی و وکلا صاحب مملکت افغانی نیز عرض و تقدیم شده است. ف. د]

مجلساً احساسات شادی [illegible] روح روان بخش شجاعت

بیگل بجور و ملاوت حضرت استاد معظم محمود سامی پاشا! شاگردان مکتب حربیه امروز افتخار میکنند که [illegible] حقیقی مشغول عملیات [illegible] اند که امروز نتایج مساعی [illegible] شده در میدان عملی [illegible] میدارند و اظهار اطاعت شان [illegible] که کوشش یک استاد [illegible] مقدر [illegible] منزلت دارد و [illegible] افراد [illegible] آن استاد [illegible] معلم فرزانه [illegible] استاد [illegible] تعلیمات حقیقی [illegible] استاد محترم را در [illegible] عسکری [illegible] حقیقت [illegible] شاگردان [illegible] استاد [illegible] تعلیم [illegible] نظام [illegible] استاد معظم شاگردان مکتب نامی [illegible] سامی

شما یاد خواهید داشت که [illegible] فداکاری [illegible] محمود پاشا در باره [illegible] موفقیت [illegible] اختتام [illegible] حقیقتاً همه موفقیتها مساعی جمیله آن استاد [illegible] در موضوع موفقیتها [illegible] شخصی [illegible] ارسطو [illegible] شخصی ارسطو [illegible] ارسطاطالیس [illegible] دوست داریم ارسطو گفت پدر حقیقی من [illegible] مکان علوی بمقام عقلی رسانیده و این علم و دانشمند [illegible] و معلم روحانی من است [illegible] مکان [illegible] بمقام علوی رسانیده [illegible] شاگردان [illegible] حقیقی [illegible] ادا [illegible] میدانند.

[illegible] محمود سامی پاشا!

فداکار [illegible] شاگردان رشید [illegible] کابل [illegible] حقیقت [illegible] تصدیق [illegible] موفقیت [illegible]

وزیر صاحب حربیه در خوست

درین ایام حضرت والی وزیر صاحب حربیه [illegible] منصبداران [illegible] موضع [illegible] جنگل و دشوار گذار [illegible] قوت شده [illegible] مقام [illegible] ساحه [illegible] عسکری [illegible] علاوه [illegible] وارکون [illegible] شده [illegible] در مقام [illegible] ذیل [illegible] شده است: [illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته وار ... تعطیل ... گردد و بعد
نشر شود و بعد گر مقالات در مدیریت محفوظ
رسال نگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت
رسال و مقالات و اعلان در اداره آمده
مربوط نماند ... و اصلاح و عدم نشر
...است. اشتراک بتوسط ...
و بطور نقدی از وجه ...
قبلا دریافت میشود.

برهان الدین کشککی

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی	
	۶ ماهه	سالانه
در داخل کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
دوایر و سفرا	۱۱	۲۲

...مقالات و ...
...
...اسلامی مشرقی
...

حقیقت

سنه ۱۳۰۳ ...

جلد ۱ | کابل چهارشنبه ۱۱ قوس ۱۳۰۳ ش ۶ جمادی الاولی ۱۳۴۳ ق | شماره ۴۸

وجود صلح حقیقی در بسیط عالم خام اعتقاد است

اهمیت نظام

ادامیکه اهل عالم برای تحصیل زندگانی مرتب و
منظم و بدست آوردن شوکت و اقتدار و تامین آتیه
خود به تکثیر قوای تعرضیه جدیت نموده و منابع
افکار جنگ (یا صلح) عموم بسبب تبدیل نخواهد شد
...
...آری و ... در عالم ظاهر است.
... در عالم وجود خارجی پیدا نخواهد کرد ...
(یا صلح) است ... انجواهد
... تحصیل ... از ... اقتدار
... بقوای دفاعیه ... منتظر
وقت باشد و در ... اقتدار خود را ترقی و
تکمیل نماید زیرا با وجود فنون ... ممکن

خود بخود ترقی و یا تکمیل خواهد شد چنانچه در دنیا آرد و با
ایجاد خوارق شوشه تلغراف و راه آهن و استخراج معادن
و اختراع تلگرافات شعبه ... بحری و هوایی
و زیر زمینی و تکمیل کشتی‌های بری بحری و هوایی
و. و. و. الخ جهت تنظیمات و ترقی نظام ...
بواسطه سرباز و عسکر تکمیل گردیده است.
در جنگ‌های سابق ... بواسطه
سوارهای ... فرستاده ... این سوارها
... نیز ...
... زیادتر
... کار ... گردید
... اختراع کردند ... بسرعت ...

نقشه‌ها و میدانهای جنگ، انقطاع سیم باد و صحت جدید در ایجادیکه
فرمان احکام فرماندهان را بلاتوجه و تمرکز گذشت. آنوقت
مجبور شدند که تلگرافات و تلفونهای بیسیم اختراع نمایند تا
ببینیم حوائج نظام و سوق الجیش بعد ازینچه چیزهای دیگر ایجاد
خواهد نمود. و همچنین از لوازم احتیه فنون تشکیل کارخانه
های بلوه سازی و توپ ریزی و موتورسازی و پارچه بافی
البته شرکتهای اینگونه کارخانهای و فابریکهای دیگر که از ضمنه
یک ملت بهم مجبوا نند دائر کنند رفته رفته بر ثبوت
میرسد که اغلب اختراعات بواسطهٔ نظام ایجاد و برای
گردانیدن چرخهای ماشین سربازی و فنون تکمیل گرد.
در سایهٔ ساداخلی تعلیم اجباری و تعمیم معارف عمومی
و تکثیر عایدات مملکتی ترویج خواهد شد که در سایهٔ شمشیر
سربازان فداکار، رفاهیت عموم، فلاحت، تجارت
وغیره بدون وجود قوای نظامی رونقی نخواهد گرفت
بلکه غالب‌ترین ثمرات سرمایه بزرع و قتها و میاه جاریه
سد راه تجارت و عابرین خواهد بود.

بالغرض که همسایه‌ای ما ابداً مداخله در امورات مملکت
نکنند (در صورتیکه امری بهت محال) ما با بر پرستی شئونات
مملکت خود واگذار نمایند آیا اقلاً احتیاج یک قوهٔ تامینیه
نخواهیم بود آیا یاغیان مملکتی و دسته‌ها دزد و کسانیکه بتحریک
اجنبی مسلح مشغول اند و فتنه برپا، خود غرضا نسبتاً ما را بخود خواهند

مکتوب

القاب: —
هیئت شرکت تجارت المان
که باداره تجارت افغانستان

آمده و قرارداد موقتی شان ابصحت رسید — سواد قرارداد
موقته هیئت مذکور را یک ورق درلف مکتوب هذا بادارهٔ
جریدهٔ حقیقت تبلیغ نمودیم تا از غرض اخطار اهالی و مراکز
دوائر حکومتی درج نمایند زیاده موقع را غنیمت شمرده

اعلان از وزارت تجارت

سواد قرارداد موقتی شرکت تجارت المانی افغانستان
۱ — شرکت باپنج کس تبعه دائره در افغانستان تبعه معاملگی

اتمام آن از تاریخ ۱۷ دلو ۱۳۰۲ ده از رخصت نخواهد بود
۲ — شرکت برای زود شروع شدن کار مبلغ ... پول
بوند در خزانه تحویل خواهد فرمود این پطور امانت
تاوان تادیه دین خواهد بود که بموجب فیصلهٔ محاکم
واجب الادا باشد!

۳ — وزارت تجارت متعهد است که مساعی تجاری
که شرکت مذکور تنها با آنجا کار کرده میتواند بزودی
امضاء این قرارداد تسلیم شرکت نماید!

۴ — تمام معاملات شرکت بذوات و اشخاص متعلق
تابع قوانین داخلهٔ افغانستان خواهد بود!

۵ — شرکت درخواست نامه در باب آغاز کار
بوزارت تجارت می نویسد، و در آن قبول فرمایند
(تا بوقت رسیدن تصدیق قرارداد اصلی از جرمنی
تاریخ ۱۷ دلو ۱۳۰۲ خواهد گذشت قرارداد فوق
درخواست نامه خواهد بود) دستور العمل ...
با افغانستان در تعیین آنجا خواهد بود!

۶ — شرکت علاوه تجار مذکوره (۳) با حکومت
بواسطه هر دائره حکومتی که باشد ...

۷ — این قرارداد پس از تاریخ وصول تصدیق
قرارداد اصلی از مرکز شرکت المان و شروع
خواه تصدیق مذکور برسد یا نرسد!

۲۹ برات ۱۳۰۲ مطابق صفحه ۱۷۱ کتاب اول مراسلات

مسرت تبریک و شکر و فیا از جوانان مانده ... (?)

عزیزم آقای امین التعقان مدیر شعبه
وجغرافیای وزارت حربیه مکتوبی در ...
مسرت از آقای جمعیت مند محمد افضل خان
نظامی حکومتی اعلی چخانسور و فراه با ادارهٔ ما
اشاعه فرستاده مظهر است.
ازانجا که حسن وطن پروری ...

تونی و صاحب منصبان موقر افراد جلیله عسکری خدمت و حکمت یگانه نقطه نظر و مرکوز نظر صداقت از شان است چنان تقاضا دارد تا بیرون ز ریعه و برو [illegible] باشد وطن و صفا امن و ملت با کفایت خود شان کمالات عالیه خود مستفید و از معلومات نافعه خود مستفیض داشته ابنای جنس و سائر هم قطاران با شرف خود را از نظریات عالیه و کشفیات نادره خود اطلاعات بهم رسانند لهذا جناب (۵) محمد افضل خان غند مشر قوماندان لوای فراه و مجالس و رئیس معاون نت دیگر منصبداران لشکر را تحت خویش یک نقشه مکمل آن ولا را با یک لایحه مرتبه معلومات خود شانرا بدائره شعبه ارکان حربیه ارسال داشته اند و در ترتیب و تدوین آن ظاهر است که زحمات و عرقریزیهای زیادی را کشیده خواهند بود.

وزارت حربیه مخصوصا این شعبه تاریخ و جغرافیه این مساعی او شان ممنون و مشکور بوده این سطور را محض جهت اظهار خدمت و رضامندی از معزی الیه تشویق و ترغیب دیگر قوماندانهای معظم تحریر داشتند و السلام علی من اتبع الهدی.

مجلس توزیع نشانهای شهریه

در وزارت مالیه

بروز [illegible] درو وزارت مالیه منعقد شده عموم مامورین و اعزه دران مدعو بوده مراسم توزیع نشانهای مالیه شهریه برای اشخاصیکه از حسن خدمت و مساعی خویش رپورهای شهریه را ترتیب نموده و کامیاب شده موفقانه بمقام عالی وزارت جلیله مالیه تقدیم نموده بودند از حضور اعلیحضرت ترقی خواه خدمت شناس توسط مقام عالی وزیر صاحب مالیه اعطا و مرحمت

شده و آن حضرات که در ماه ساختن حسابات ماهواره خود متحمل زحمات شده بودند از اخذ این نشانهای عالیه شان در بین امثال و اقران خود معزز و سرافراز شدند.

خود این نگارنده بنا بر بعض معذوریت های خویش نتوانست که درین حفله عالیه حصه بگیرد و از گذارشات و جریانات و منظوقهای که درین محفل عالیه بوقوع پیوسته بهتر معلوماتی را برای خوانندگان کتاب میکرد و در نتیجه برای ناظرین محترم خویش تحفه میکرد. مستر صید هم که صدر این مجلس بود خلاصه وقایع و عمده مطالب آن حفله مبارکه را عنقریب بغرض اشاعه اداره ما خواهد فرستاد تا برای استفاده اولادهای [illegible]

مجمل وقایع سمت جنوبی

در همه نقاط خیریت

وقت قطغن محمد و بند در خیل حجاب و سیخیل منگل

درین ایام اخیره بطلوع که بجالب [illegible] [illegible] از ظفر [illegible] بجهت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و دره [illegible] از شرار گذر [illegible] [illegible] خیال [illegible] و مجاورا با حکومت عاد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و چند دسته دیگر با غیان هست که عنقریب مژده اطاعت و سرکوبی و بکوشمالی رسیدن آنها را برای حضرت بادشاه و رضائیت حضرت رسالت پناهی علیه الصلواة والتسلیم و خشنودی ملت نزدیکان [illegible] خود [illegible] [illegible] [illegible] خواهیم رسانید

چه داند کور نابینا شعاع و نور مشعل را

الهی کن عطا عقل و دانش قوم جاهل را
بکلی همی چنان کم دیده خود را شهره در عالم
اگر دیگر همی ماند آخر حکم خواهد شد
تو از شهنشاه غازی خود را [illegible] شد
نه از شرع است یک شیطان با ایشان بود
سر گروه است [illegible] گاه ایشان و نمیداند شد
اگر حشمت سکم بر طیاره و توپ و چشم بدهد
بنازم همت شیعه را که او هرگز نمیخواهد
وگرنه تیغهای عسکری لب تشنه خون شد
بان سید افغانیا یارب کم کن [illegible] از دوش
اطاعت [illegible] آسایش کام [illegible]
نفاق انداخته ابلیس چون در بین ملت
ده جانب [illegible] اسلام [illegible]
افسوس است [illegible] احمد [illegible]

هدایت ده برادرهای [illegible]
که از کردار [illegible]
پی تخریب ایشان از شاه افواج [illegible]
چه داند کور نابینا شعاع و نور مشعل را
بلی حاد بود هر دو [illegible]
که پیش [illegible] طوفان [illegible] طاقت [illegible]
برایشان بحر آتش میکند اعلی و اسفل را
بال و جان [illegible]
بیکدم میکند [illegible]
که یابند آگهی خیر و شر انجام و اول را
بغاوت [illegible] اسلام [illegible]
خدایا صورت اصلاح ده [illegible]
تو [illegible]
اگر در گوش خود [illegible]

نرخ اشتراک		
تفصیل مقامات	قیمت شش ماهه	سالانه
داخل مملکت	۵	۹
... افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

اداره ... و خطوط

مراسلات و مکاتیب ... کابل ...
... منتشر ... در سرلست مطبوعه
... امور تحریریه به نگارندهٔ حقیقت
رسالات و مقالات و ... اداره ...
... اندراج و اصلاح و ... استعداد ...
... اشتراک ... متوسط ...
... بعدی ...
... مقبول

حقیقت
۱۳۰۳

نگارنده: برهان الدین کشککی

... ارشادات و ...
... منحصر ... افغانی
... اسلامی و شرقی
... نگارنده ...

جلد ۱ کابل شنبه ۱۳ قوس ۱۳۰۳ ش ۹ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق | شماره ۴۹

... مولوی ظفر علیخان

مولوی ظفر علیخان صاحب که اینحال در کابل وارد اند از مشهورترین نامداران هندوستان میباشند. مشارالیه که به کارش مدیری روزنامهٔ شریف زمیندار که شهرت دارد اقدام نموده‌اند ذاتاً یک مرد بزرگ و جوان صاحب فضل و عرفان میباشند. بعض کتابهای مفید که اکثر آنها ناول است نوشته‌اند و بعض کتابهای عمده ترجمه نموده‌اند ترجمه‌شان کتاب (تنازع دین و علم) ... در هند نامه (معرکهٔ مذهب و سائنس) ... بر کمال فضل‌شان دلالت میکند.

درین روزنامه نگاری خدمات قلمی بزرگ عالم اسلام و هندوستان نموده‌اند و به جرم گوئی حقیقت نویسی تکالیف شاقه را متحمل گردیده‌اند چه جریده‌شان توقیف شد نظربندی کشیدند حبس گردیدند انواع مصائبیکه بر سر شان آورده شد با کمال متانت و همت تحمل نمودند. درین وقت نظربندی شان طولانی گشت

بزرگی ... در ... اینکار ... جریده ...
اخبار حقیقت ... کارهای ...
گردیدند و ... آزادی وطن و ... طرف ...
... بعمل آورده اند.

علاوه زحمات و تکالیف که از ابتدای ... سال قبل ازین کشیده‌اند در (۱۹۲۰م) بجرم وطنخواهی ... به حبس پنج ساله محکوم گردیدند. ... مال و جایداد شان ضبط گردید تکالیف حبس ... شد. پسر شان مولوی اختر علی خان ... جهت آزادی خواه و وطن پرور است حبس شده ... از مدیرهای زمیندار ... جرم ... حبس گردید بالآخره روزنامهٔ زمیندار ...

چونکه ...

با راحت ... جناب مولوی ظفر علی خان ... پس ... این مرد ... اسلامیت و حب وطن هرگونه تکلفات و تضییقات را قبول نموده دار تقسیم خود برگشتند باعث خرسندی ...

... جریدهٔ حقیقت ... درسایهٔ ... تنقید نمیکند.

۱ حقیقت — نیز امثال امان افغان را باین برادر اسلامی و همکار محترم خویش تبریکات و احترامات درسایهٔ خود باقلب شاد و مسرت خاطر و ترجمان تقدیم، و بقارئین دوستان و سائر علاقه مندان شان عرض تمنای خدمت به اسلام و نیل مرام ... آرزو میکند.

تنقید بر اراد امان افغان

مجلهٔ عالیشان امان افغان در صفحهٔ شمارهٔ ۱۴۰۷

خود راجع باموراتِ سمتِ جنوبی نظریهٔ را تحت غور تنقید ... آورده است که آن بمظنون غالب بعضی از اشخاص دوست افغانی مربوط نوشته، لاکن دو لغی خاصتاً شخصیکه ازکوائف مفصل و مفاد سابقه و لاحقهٔ جنوبی کاملاً مطلع و مستحضر میباشند گردیده، چون این ذوات محترم و منتقدین معظم در تنقید خود حق بجانب پنداشته میشوند، و هم اگر به تردید و تعدیل بعضی حصص مهم آن تحریر پرداخته نشود تقریباً فی الجمله کاملاً اکثری از مندرجات حقیقت که از اخبار و واقعات صحیح سمت جنوبی و ظیفه نگار بی کم و کاست مطابق حقیقت اطلاع داده است نسبت به ناظرین کوتاه نظر که این معاندین را اخبار کرده کلمات اطراف جهان افغانستان بجز از خار و خس دیگر چیزی جلب توجه شان نمودند میشوند، غلطی مبنی بر اساس نیکو آمده اگر گفتار غلط فهمیده و دیده میشوند. لهذا حقیقت تنها به تعدیل نکات افغان مجبور گردیده که دریں مورد چیزانی ... را برچین ... آینکی بر ... خوانندگان ...

(۱) الحمد لله خیریت و امنیت کلی بهر طرف حکمفرماست.

امان افغان

غرار دستگیر نمودن و معدوم کردن چند نفر ضعیف نفراز جرید گریز و تحقیر عالی وزیر صاحب حربیه نه غیاب تدابیر کلی بخیه اند که عنقریب برام خوبی موفق خواهند شد.

[بعداز چند سطر دیگر در اثنای تحریر کلمات ذیل که با مضمون فوق تضاد کلی و تخالف ظاهری دارد مرقوم شده است.]

(۳) و با این قضیه زود تر تصفیه شده کمیداد ... واحت گشتند و باتی مراجعت نمایند (۱۴) اهالی نیز از رد ... حقیقت ... تجارات وغیره برآمده خاطر آسان شاغل ... مشغول کسب و کار ... این چاخود شوند که تا شان از کار ناسده بود بواسطهٔ اشتغال بکار فراغت یافته کسب آرام میکنند.

حقیقت :-

از جمله اقرار واقع و معلوم میشود که خیریت امنیت و انضباط حقیقی در عرصهٔ سمت جنوبی حکمفرماست، او از مفهوم تحریرات ... که عدم اطمینان نارامی و پریشانی ... سمت جنوبی از خواب بیدار ... وسراسر غلط و بی حقیقت بوده مفهوم و مدلول حقیقی خود شرح نشان نمیدهد، واما از اهالی آن تا الآن از کمال رأفت و شفقت و مهربانی کرم غازی باین فرزندان جاهل گول خورده و فریب خورده دارند با وجود تحمل زحمات کثیره و تکالیف شاقه و مخارج و ... غفات و برداشت نقصانات حکومت ... و دشمنیه و مکر تجارات وغیره آن اقوام نادان که اکثر ... تا چندی قبل برین بدفعات ... جهالت ایشان و متوحش باغیان شقاوت کار از خود دانسته و تاکنون بعضی ... که تا ... نادانی جهالت بیگی خود پی برده توبه نموده اند خود گشته باعساکر ... برداشته و گریبان بوده ... گریز مقابله دارند ... رو گذار نیادوده ... بهبت ... نام نهاده اند ... باعساکر ... نسبت برادری و تسلیت ... جمع نو آورده و مراجع باسائر ... سمت جنوبی ... وبدایات کافی تحریر شده و مخصوصاً در باب ... وا وضاع ... زیاد ... والیف قلوب ... وخطرات سائره تاکیدات مزید شده علاوه بران ... وبر خواهیا ... از خود مرکز برای ... تسلیت ... رأفت شفقت ... تر سیل شده ... دو کراین ... در حقیقت گشته و مکرر دو ... مجدداً دریں مورد جهت اطلاع اهالی الضمیر و انقطاع خاطر ... تحریر حضرت سردار ... افغان جبری مرقوم آورده شوی ...

[illegible] عرض شود که حکومت [illegible]
[illegible]
[illegible] حفظ [illegible]
[illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رسید

[illegible] طرفیت کاملاً [illegible]

امان افغان

مفسدین [illegible]
بزرگ [illegible]

[illegible]

حقیقت

[illegible]

[illegible]

[illegible] در صفحات حقیقت این حقیقت [illegible]
[illegible] در امثال این [illegible]
[illegible] جریدهٔ [illegible]
خارج [illegible]
تصریح شده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بزرگ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قریب بد بند

[illegible] نظر [illegible]

امان افغان

لازم است که [illegible]
بزرگ [illegible]

[illegible]

حقیقت

با حیرت [illegible]
امان افغان [illegible]

[illegible]
[illegible] امان افغان [illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible] گردد
[illegible] امور مملکت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گردد
[illegible]

حمله یک دهاتی بر یک مغرور

[illegible] اطلاع کرد و بروز رسید مشهور است [illegible]
[illegible] نظامی [illegible]

شد بپایان عمر اندر خیال بیش و کم

ای بدنیا بسته دل کارت ز سرتا پا غلط — افتخارت بی اساس و عزتت یکجا غلط
بهر مال و جاه ات فکرت دنیا غلط — فکرت دنیا غلط اندیشهٔ عقبی غلط

کار ما بیچارگان اینجا غلط آنجا غلط

حاصل ما زین دو دستی باد دل بدنیا بستن است — راه مردی در جهان از قید بستی رستن است [illegible]
چون ... دوستی ... با ... شکستن است — دل بصورت بستن از معنی تغافل جستن است [illegible]

دوستی با مردم بی [illegible] باصورت زیبا غلط

عارفان را حب و بغضی با کسی در کار نیست — دل شکستن ... خود را عادت احرار نیست
زمرهٔ ابرار را با کس سر آزار نیست — دشمنی هر چند با کس شیوهٔ احرار نیست

دوستی هم با منافق مردم دنیا غلط

شد بپایان عمر اندر خیال بیش و کم — گه بود کمی صحبت غیر از صحبت بخل و کرم [illegible]
هست این شبهه مرتب بر وجود ما عدم — چون نباشد زندگی را حاصلی جز رنج و غم [illegible]

دل نهادن در مرگ یاران چشم [illegible] غلط

با وجود اینکه پیدا نیست راه خیر و شر — آدم از یک ترک اولی زد بجان ما شرر
ملتفت گشته براولاد از افعال پدر — شد معذب از خطای بوالبشر نوع بشر

جرم فرزند از خطای باب [illegible] با غلط

کار ... یکدیگر استاده اند — وز برای حفظ هم با جد و جهد آماده اند
ای بسا ... با عهد و ان داده اند — هر دو تن از معنی دین بی خبر دور افتاده اند

بهر لفظ جنگ مسلم ترسا غلط

چون بنا شد ملتی را همسایه سود مند — ... از ... شان ... دنیا ... [illegible]
پایمال ظلم گردد هر ضعیف مستمند — ای ستمکش شکوه از جور ستمگر تا چند [illegible]

نکته سنجی آن نیست در کشور [illegible] شکوه غلط

چیز ... شد ... اگر بد و دانت نصیب — عادت دیرینه ... [illegible]
چاره بیچارگان را نیست جز صبر و شکیب — گر چه باشد آتش ... نقش ... [illegible]

بشنو ناصح که این نقش است تا پا غلط

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 312 of 524

قیمت اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت روپیه ۶ ماهه	سالانه
داخل کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۳۰

شرایط و ضوابط

این جریده بعد از ... هفته یک بار در کابل طبع و نشر
میشود ... مکاتیب از جانب مشترکین ارسال میگردد
مضامین محرره به نگارنده حقیقت ارسال و
... اداره ... جریده درج
اصلاح و عدم انتشار آن مختار است.
اشتراک توسط خزانه دولتی و بصورت
نقدی از جریده ... دریافت
میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

حقیقت ناشر ارشادات علما و طلبه
... بهترین ...
... اسلامی و شرقی
...

حقیقت

۱۳۰۳

جلد (۱) کابل دوشنبه ۱۶ قوس ۱۳۰۳ ش ۱۱ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق | شماره (۵)

اهمیت و لزوم تعلیمات نظامی در تمام ملت افغانی

باید همیشه برای حفظ شرف و ناموس وطن آماده باشیم

بدیهی است اساس سیاست هر دولت و مملکت روی فنون نظامی و ملکی است و هر دولتیکه از دو قوی و منظم ندارد حقوقش ممنوع و حقوقش محفوظ نمیماند.

در معروف اطرزیتش میگویند برای اینکه یاد داشت وزیر خارجه یک دولت محل توجه و اعتنا گردیده و قابل ملاحظه و مطالعه باشد بیرق سیصد هزار سرنیزه در عقب سر آن وزیر لازم است.

وقتی اکلمه (ضعف) میگوئیم و فلان دولت ضعیف و ناتوان میشماریم چه در نظر از اوضاع آن دولت مجسم میشود؟ فقدان یا قلت قشون. این دولت ضعیف است یعنی تعداد لزوم و باندازه حفظ حقوق خود عساکر و سرباز ندارد و دیگر ثروت آن مملکت در نظر می آید و جمعیت و درجه تمدن و

ترقی و خیره مملکت آباد و معمور و پر ثروت دنیا است و از مملکت آباد ترین ممالک روپا است چین ... زده برابر جمعیت دارد و لیکن چون سرباز ندارد ضعیف چین با چهار صد میلیون اهالی و پنج میلیون اراضی ضعیف است چرا که بقدر حفظ خود قوه نظامی ندارد. آلمان حاضر با شصت میلیون نفوس آن درجه عالی در علوم و اختراع و تمدن چون خلع سلاح شده ضعیف است بر عکس یک دولت و مملکت هر قدر خراب و غیر منظم و اهالی فقیر و اوضاعش مختل باشد تا وقتی قشون کافی دارد صاحب اقتدار و اعتبار و در نظر دول مقامی اشغال مینماید چنانکه دولت ... باآن مفاسد و مظالم داخله و قروض خارجه و اختلال احوال بواسطه ... قشونی که داشت محبوب دول غرب گردیده و دوست

ایراد بدو ... داده حتی از شنایع و فضایح نیز دریغ نکرد.
برای کشف اهمیت قوای نظامی بهترین درس عبرت
ملاحظهٔ حال دولت عثمانی است که بعد از جنگ عمومی
متفقین ابتدا قشون آنها را خلع سلاح و متفرق کرده او را به کلی
ضعیف نمودند و پس شروع تحکمات بلکه تجزیه اش
کرده چنانکه ملت ترک ... نموده حتی زنها
احتجاج و ... اصول انسانیت را تشنیع کردند ...
تجدید ... شده و تغییر طرف افزوده بود ... تصرف قطعه
... از ... و غیره تشجیع کرده در شهر اسلامبول ...
... قیام مصطفی کمال و ... ترک
و غلبه بر یونان بود که ... دول را ... علاوه بر ...
کرامت ... لارد کرزن مجبور ساخت.

تشکر نامه‌های اسلامی و علمای بزرگ

(دهلی ... هند)

نعمت الله ... قادیانی ... از باعث دست
زدن او در مسائل سیاسی و تحریک فتنه بر علیه دولت
... و شعب ساختن عقاید مردم ... تبلیغ
عقیدهٔ قادیانی ... اسلام
سیاستاً و شرعاً محکوم به اعدام گردیده و از طرف مسلمین ...
شد. قادیانیها ازین واقعه هیجان ... بر علیه دولت ...
در قدرت شان بود عمل آوردند. به هر طرف دنیا ... و
در جرائد مقالات نوشتند ... نسبت ...
دادند ... شکایت کردند ...
جریده ... عملیات و اقدامات شان مؤثر ...
و فائده بخشید ... قادیانیها ...
بعیرت ... .

... هندوستان ...
چنانکه ... اطلاع میدانند ...
... عقائد و افکار ...

پس ... جریدهٔ ... اسلام ... جریدهٔ شریفه ...
که اهمیت شان ... ثابت است ...
از حق ... طرفداری ... جواب ...
قادیانیها داده ... مقالات متین ...
و از جمعیت ... نعمت الله ...
ذکر ... در مورد حق اعتراض ...
... قادیانیها ... اسلام ...
... جمعیت ... شهر ...
... عقد نموده ... افغانستان ...
... اقوال قادیانیها ...
... روزنامهٔ شریفه ...
و دیگر روزنامه‌های اسلامی ...
علمای بزرگ ... قرآن و حدیث و اجماع
و اقوال ائمه مجتهدین نعمت الله ...
اثبات نموده ...
... روزنامه‌های اسلامی ...
از ... واقعه ...
... سیاست ...
دیده ... .

... جمعیت اسلامی ... جرائد مذکور ...
اسلامی ... علمای حقیقی مسلمین هند ...
و ممنون بوده از خداوند برای شان ...
و تائیدات در احقاق حق و طرفداری از اسلام ...
و ... شان ... .

اتحاد روسیه با ترکیه

بیانات ...
...
... حاصل ... است.
...
... جنگ شروع شود ...

احوال سرحد موصل

بکارستان احمد و لد محمود استطعته رجال موصل حرکت داختیار کرده و ترکیه چند قطعه لشکر خود را برشید اوقات و جواب سوق داده عموم امرا شدی بعد از مذاکرات خصوصی خود فیصله کرده اند که زمام اختیارات قوه

حاضر بدست مصطفی کمال پاشا و رافت پاشا و نورالدین پاشا از حدث قوتی مستعفی شده بود. علی الفور در اردو آمده بیک کی اداره و قوا اطلاق نمایند حضرت پاشا در جنگ باشد اگر جنگ بدین اندازه که رسم از آنها رفت تیاری ودوام در مقصد باشد اخبر جنان که ... سند موصل بطریق صلح ... الیام خواهد یافت و بر آن نوبت جنگ جدال نخواهد رسید

آخر کشیدیم بر شاهد منظور

رفت آنکه بسی خون دل از غصه مکیدیم — بگذشت هزاران بار بلائی که کشیدیم

چون گوی بچوگان اجانب بدویدیم — المنة لله که نمردیم و شنیدیم

تجویز نجات و به مقصد برسیدیم

بیدار نشستیم بسی در شب دیجور — در حسرت روزیکه شود کشور معمور

آخر بکشیدیم بسی شاهد منظور — از بهر بر افراشتن بیرق منصور

پس فاتحه خواندیم باخلاص و دمیدیم

بازو بگشادند چو دزدان پی غارت — تعطیل زراعت شد و تقلیل تجارت

با همت شهنشهٔ غازی ذکیاست — زد بار دگر دبدبهٔ کوس بشارت

آواز درای شتران باز شنیدیم

دیروز گذشتیم بسی کلبهٔ دهقان — دیدم پدری پیر که مسکفت بطفلان

با عزم متین شه غازی ظل سبحان — تا رئیس عدالت شده در صفحهٔ افغان

بیخ ستمکاری دزدان ببریدیم

از بین طوایف شده نایاب عداوت — از فضل اله آمده که شد رفع غباوت

در حد سپاس آمده ارباب فکاوت — فکر شکر عافیت از کام حلاوت

امروز بگفتیم که حنظل نچشیدیم

اندر کف اجنبیان بضیعه شکستیم — بر دزد وطن سخت در حیله ببستیم
امروز توان گفت که از سلسله رستیم — در سایهٔ ایوان سلامت بنشستیم
چون کوه و بیابان بمشقت ببریدیم

باید پس ازین پردهٔ اوهام دریدن — سررشتهٔ کار از کف نااهل بریدن
از اهل خرد موعظه و پند شنیدن — وقت است بدندان لب مقصود گزیدن
کان شد که بحسرت سر انگشت گزیدیم

هر چیز شنیدی نبود درخور تصدیق — بایست در اقوال کنی دقت و تحقیق
ابناء وطن را هنری ساز ز تشویق — دست فلک آن روز چنان آتش تفریق
در خرمن ما زد که چو گندم بطپیدیم

بردیم بسی رنج و کشیدیم مرارت — یکدم ندیدیم مگر رنج و خسارت
امروز اثر نیست ز آشوب و شرارت — دشمن که نمیخواست چنین کوس بشارت
ما همچون دلش پوست بچوگان بدریدیم

از یأس برون آی و بنه پای در امید — هر شام سیه را بعقب صبح شد اسپید
از جور فلک مرد خردمند نرنجید — سعدی ادب آنست که در حضرت خورشید
گوئیم که ما خود شب تاریک ندیدیم

نرخ اشتراک		
تفصیل مقامات	قیمت روپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
از اهالی کابل	۵	۹
از اهالی افغانستان	۷	۱۱
از ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

شرائط [illegible]

این اخبار هفته وار [illegible] کابل [illegible] نشر میشود و به دیگر مقالات [illegible] ارسال [illegible] اخبار تحریریه نگارنده حقیقت ارسال مقالات وارده در اداره [illegible] درج و اصلاح و عدم [illegible] اشتراک توسط [illegible] دولتی و بصورت [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

[illegible]

نگارنده: برهان الدین کشککی

جلد (۱) کابل چهارشنبه ۱۸ قوس ۱۳۰۳ ش ۳ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق شماره (۵۱)

اهمیت نویسندگی و مسئولیت روزنامه نگاری

در بین تجارت است از تألیف مقالات و کتاب [illegible] یا [illegible] مشغل نقاشی [illegible] است که [illegible] [illegible]

روزنامه نگاری کار بزرگ و پر زحمتی است و [illegible] رفیع و دارای مقامی عالیست [illegible] روزنامه نگاری چه قدر افکار عامه [illegible] [illegible]

روزنامه نگار [illegible] تنها آن کس است که [illegible] و با عبارات سلسل بنویسد بلکه روزنامه نگار حقیقی کسی است که آداب نویسندگی و آداب اجتماعی را بخوبی آموخته [illegible] کرده نویسنده روزنامه دو چیز جمع باشد یکی معرفت [illegible] و دیگر بساطت و سادگی در نویسندگی [illegible] [illegible]

روزنامه نگاری محتاج با عمالیست که

جز [illegible] که [illegible] زیرا [illegible] شده جزو فضا میشود آنچه که روزنامه نگار می نویسد [illegible] و افکار [illegible] مراجعه میکنند و از آن مطالب استنباط میشود و قابل تقریظ یا انتقاد میباشد.

همچنان روزنامه نویس محتاج [illegible] است که نویسنده لازم ندارد زیرا [illegible] میتوانند مراجعه نموده و وقت دارند که فکر کنند اما روزنامه نویس نمیتواند [illegible] کند و نه وقت دارد که [illegible] مراجعه [illegible] هر چیز داخل شده و از هر چیز بنویسد و از تمام علوم و فنون بهره ور [illegible] زیاده [illegible] تحصیل حکمت و فلسفه لازم دارد که رضایت جمهور و [illegible] عموم مردم را تواند جلب کند [illegible] [illegible]

روزنامه نویس [illegible]

دعا لم هر یازده سیاسی روزنامه باشد واز اغراض شخصی دور و بعید بوده [illegible]

حقایق را نصب العین نظر قرار دهد، نویسندگی یک صنعت نظری است روزنامه‌نگار

در کتب اجتماعی خادم شمرده شده بلکه می‌بایست بر افکار و آراء عمومی اگر یک وقت

بهادر حزبی را برگی ترجیح دهد و اغراض را بر جوهر منزیت دهد [illegible] حقیقت

ساز دو حتی انکار کند و برابر افکار عمومی است که برای تکذیب [illegible] خواهد بود

و لذا اهم اهداف وقت مسئولیت بزرگ خود را خواهد ساخت نویسندگی

بزرگ است اما برای کسی که بزرگ است کلام نویسنده یک ناموس است که بعد

اراده آن زایل کردن جایز و روا نخواهد بود و نیست که روزنامه که بعمل عامه

مفید شمرده شود اصول نویسندگی بجای است که هر یک نویسندگان روزنامه

نویسنده یک وقتی یک کسی عقیده مرا راجع بروزنامه نویسی که افکار او مفید باشد

درخواست کرد در جواب روزنامه‌نگار مفید کسی است که نتیجه اغراض [illegible]

و معنی استقلال را بخوبی بفهمد و مسئولیت خود را بشناسد ... (فرباد [illegible])

تشکر از جناب مستغنی

یک قصیدهٔ نهایت غرای طویل الخطر [illegible]

اخبار حقیقت واین سروده است که این

حقیقتاً در خودش نگرد، از اندراج آن [illegible]

آتیه به تشکر آن علامه می‌پردازد (ا ب ، د)

ولاکن بلطف نمایان مسرت	ز مستغنی [illegible]
بوصف حقیقت حقیقت سرود	این طبع دلکش [illegible]
بیانکه کردست این فخر گفتار	بوصف [illegible]
خدایا باحسان و لطف عطا کن	[illegible]

تفصیل توزیع انعامات و نشانهای شهریه

نقل بعد تو که بقصد [illegible] بتاریخ برج قوس بعد از آن حضرت افخم وزرا

مستقل و رؤسا و سائر مدیران وزارت جلیله از وزارت مالیه تحریر و تقدیم حضور

گردیده بارادهٔ اعلیحضرت متبوع مقدس مان بمکافات خدمات صادقانه که مامورین

محاسبات شهریه دولت متبوع خودمان ابراز نموده‌اند بساعت ۳ روز (۹)

قوس بوزارت جلیله مالیه احکام انعام نقدی و نشان و نشان [illegible] اعطا

وزارت مالیه از حضور جناب شما خواهش مینماید که در ساعت [illegible]

تشریف حضور داشته باشند قبل از ساعت [illegible] که یک عده عسکری [illegible]

به وزارت مالیه حاضر آمده بودند بعد از ادای تعظیم وزارت معظم که بوزارت مالیه

تشریف فرما گردیده بودند از طرف وزارت مالیه فقرات ذیل بحضور [illegible] قرائت شد

خدمت محترم [illegible] وزارت مالیه تشریف آوری [illegible] حضرات [illegible]

محاسبین دولت علیه متبوعهٔ خودمان که [illegible] غازی [illegible]

[illegible] از عرض تشکرات صمیمانه خود [illegible]

[illegible]

خودمان [illegible] تشکرات خود را تقدیم مینمایم.

نطق وزیر مالیه [illegible] تعریف و توصیف [illegible]

هر قدر گفت [illegible]

[illegible]

بوده [illegible] دانشگاه‌های آن بر هر علوم است [illegible]

افغانیا [illegible] اول تجدد و ترقی [illegible]

افکار [illegible] دفاتر دولتی [illegible] اصول

[illegible] افغان [illegible]

این افکار [illegible] غیرت و حمیت [illegible]

اصول [illegible] اصول [illegible]

[illegible]

[illegible] وزارت [illegible]

و شعبات [illegible] کارخانه‌جات [illegible]

و کوشش [illegible] اصول [illegible]

[illegible] افغانی [illegible] وزارت

[illegible] ترقی [illegible]

[illegible]

بلکه [illegible] خارج بوزارت مالیه [illegible]

در آن وقت [illegible]

تعلیم [illegible]

[illegible] افغانستان [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 318 of 524

بعد از آنکه حسابات گذشته را اکمال نموده بودند بوزارت مالیه
سپردند از نمودن چونکه گزارش یافت، اولاً در جه ترقیات
وزارت مالیه فرمایش داده بودند که حدود و مواد اتکای وزارت مالیه
بوده و موصوف یک مکر اساسی بوزارت مالیه بنیاد نموده
و با یک سجل و حل رونما یا اصول مالیه تطبیق و انفصال شود
ماسبات عایده که اکثر اجراآت قطع و فیصله حساب از جمله
بوده که وزارت مالیه تعقیب نموده چون در فو اعد و غیره
حاصل نموده مشمول مفاد عرض نمود که خصوص نتایج آن
را در حضور مبارک حسب الارشاد حضرت اکرم میشود.
در باب حساب ممالک محروسه شاهانه که بنیاد قطع و انفصال نمودند
و بحساب ها مالی که تشخیص اوقات از ممالک بعید جلب و برای
ملاحظه ممالکت شاهانه مامور و موظف نمودند.
و بحساب تنظیم و تکمیل محاسب بوده بنا بر تحریر خیالات عالیه
تحریری مالیه خود وزارت مالیه دفتر حسابات بمواد تقدیم
و مشمول انجام برده امر حضرات در آینده و رجاء خود.
از آنکه حضور مبارک امور را بنظر وقت رسیده نموده اساس
کمیسیون جمعی آن در دار نظام و اداره نمود نموده در
ولایت سمت مشرقی و بعضی دوائر مستقل
معلوم شود و دوائر احتیاج در بین کار رسید و
نموده ده هزار روپیه کابلی تقدیم و بنا در ماه نصرت
در تاریخ حمل ۱۳۰۳ شروع این کار شده در وزارت
دائره محاسبه وزارت حربیه، دائره محاسبه
وزارت تجارت، دائره محاسبه وزارت عدلیه
دائره محاسبه وزارت معارف، دائره محاسبه وزارت
داخله، دائره مرکزیه وزارت مالیه، دائره مالیات حضور
دائره محاسبه ضبطیه، دائره تنظیمیه، بنا بر امر غازی
در دائره کارخانجات مرکزی بوت دوزی
ولایت سمت مشرقی اساس و مواد شعبه عسکری که
در بار آورده شد همه دوائر مذکوره حسابات وارده
و خرید و فروش نقود و غیره حسابیه
تنظیم و ترتیب داده بوزارت مالیه

تسلیم و سپرد نمودند که بوزارت مالیه تدقیق و تفتیش حسابات
گردیده از بیخ نور اکثر به دوائر مذکوره بترتیب انتظام و نسبت
بجا محل با ر بار بعبیر رسیده که بعد از تطبیق بیخ نور حساب
محل تسلیم ریاست تفتیش میشود.
لهذا وزارت مالیه این همه کامیابی های امورات مذکوره
از نتیجه حسن نیت خیر مرحمت و افکار شاهانه دانسته بکمال
تشکر و ممنونیت از امورات مذکور تصدیق بجناب عالی
شاهانه عرض مینماید که گرچه وزارت مالیه اگرچه کامیابی و
اجرا و اصلاح کار مذکور را شش ماه خیال کرده بود
مگر نتیجه کار بکمال امید قوی داریم که بعضی جزوی اصلاحات
که باقیمانده تا ادا اجراآت روز کار درست شود خصوصاً
دو شعبه کار کر بسبب کثرت کار و اجراآت حسابات نسبت بدیگر
دوائر تشکیل معلوم میشد بطریق خوبی و درستی انتظام یافت.
کاره لاحسابات که بکار بیکار لاست کار و ادار الامالک و وجود زیاد
کار در سال اولی نوبت نه سالانه بتکمیل جاری شده کار
موقع تام شد از خاطر اعتماد تصدیق خود دارا کرده نمیتوانم.

احکام دستخطی حضور مبارک

بعد از نظر مکرر ملاحظه حساب قبر یک نموده از حضور اجراآت آن
مخصوص معروض شده اند بعین حد و دست مجلس که دو امر مرداد که
حساب نجر خود رسانیده اند نسبت به رد و تاریخ رسانیدن حسابات
کار اول نرحساب را اتمام کرده بودند تعطیل کرده با سخن در جات اتمام تقدیر
و نشاندار جسد رجه که مجلس کور لازم باشند تفریق کرده معروض
دارند نظام نامه اجرا کار مجلس آخر انیز ترتیب داده حاضر داد
که بعد از ملاحظه حضور ام در موضع اجرا گذارند. (امضا مبارک)
تشکرات اداره پادشاه امروز توزیع نشان های افتخار و انعامات برای
محاسبان مذکور بشود اول باول وزارت مالیه بجهت ارد و بجود خود
بحضور اعلا اتمام از وزرا، معین ها، رؤسا، مدیرها و دیگر آمرین
خواه اداره باید دولتی که محاسبین شان در تحت
توجه شان باین درجه کوشش نموده سزاوار انعام الطاف
پادشاهی گردیده اند تشکر یاد نموده امیدوارم که اجازه
توزیع مکافات خدمات آن ها بوزارت مالیه داده شود.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 319 of 524

جوائز رضای تجار

بعد از نطق وزارت جلیله [illegible] وزیر تجارت

برخلاف تقریرات [illegible] بحکم اعلیحضرت غازی محترم از موضوع [illegible]
موضوعیکه کاملاً درست است از اینکه قبل از [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]
سیاست کاملی نبود چنانچه [illegible] دولت [illegible] سال
قطع نمی شد حالا [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]
اصول [illegible] اصول جدید تاسیس
گردیده امید است که در آینده [illegible] حقیقتاً [illegible]
دولت [illegible] سعی [illegible]
در [illegible] دولت [illegible] خرچ [illegible] اداره [illegible]
[illegible] خرچ [illegible] چنانچه [illegible]
با حوال [illegible] خرچ
حالا [illegible] خرچ [illegible] با اصول [illegible]
ترتیب و تنظیم [illegible] چنانچه در حال [illegible]
[illegible] قرار داده اند و با اصول [illegible]
حالا [illegible] اصول [illegible]
[illegible] تنظیم [illegible] بعد از [illegible]
در [illegible]
[illegible] تنظیم [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible]

توزیع نشانات

[illegible] نشانات [illegible]

[illegible] اصول [illegible] سعادت نموده اند
میرزا محمد [illegible] میرزا عبدالرحیم [illegible]
میرزا [illegible] میرزا محمد [illegible]
[illegible] اصول [illegible] نموده اند -
میرزا [illegible] میرزا غلام محمد خان [illegible]
میرزا محمد [illegible] میرزا غلام [illegible]
میرزا [illegible] میرزا محمد [illegible] میرزا امیر
[illegible] میرزا عبدالکریم [illegible]
[illegible] میرزا محمد [illegible]
[illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا سلطان [illegible]
میرزا عبدالرحیم خان [illegible] میرزا محمد [illegible]

میرزا غلام محمد خان [illegible] میرزا [illegible]
میرزا [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا محمد [illegible]
[illegible] میرزا غلام [illegible]
[illegible] میرزا غلام [illegible] میرزا [illegible]
میرزا [illegible] میرزا محمد [illegible]
میرزا [illegible]
میرزا [illegible] میرزا محمد [illegible]
میرزا [illegible] میرزا [illegible]
کتاب [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا محمد [illegible]
[illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا محمد [illegible]
[illegible] میرزا [illegible]
میرزا محمد [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا [illegible]
[illegible] میرزا محمد [illegible]
میرزا [illegible] میرزا [illegible]
قلعه بیگی، میرزا عبدالحمید [illegible]
[illegible] میرزا عبدالواحد [illegible]
میرزا محمد اسمعیل خان [illegible] وزارت تجارت
[illegible]
[illegible] وزارت [illegible]
[illegible] گردیده بود [illegible]
[illegible] گردید.
بعد از [illegible]
و تمام [illegible] دعاگوئی [illegible]

مواد اعلان و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل هر جمعه نشر میشود و بدیگر مقالات در باب خطاء ارسال نگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم اشاعت آن مختار است. اشتراک بتوسط خزائن دولتی و بصورت نقدی از مدیر جریده دریافت میشود.

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماه	سالانه
داخل مملکت کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
دوائر و سفراء	۱۱	۲۰

[illegible]

حقیقت

سال ۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

بلده کابل پنجشنبه ۲۲ قوس ۱۳۰۳ ش ۱۹ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق شماره (۵۲)

یک لحۀ عبرت از زمان قدیم یا نمونه از مدنیت عصر حاضره

انکشاف یک مقبرۀ قدیم و جسد توت عنخ آمون در مصر

اگر ساعتی از قیل و قال زمانه رسته
فدای دوری بی مهری ایام و بیوفائی عمر
فکر نمائیم و زمانی از جهان هوی جهان گذشته
روزها بسکه چون آب روان گذران است
... اختیار رشتهٔ دست داده خواهیم
دانست که سالها متمادی و روزهای
بیشمار خواهد گذشت که ما در زیر زمین خاک
گل شده و خفته و هر ذرهٔ خاک ما بباد رفته
... [illegible]

صبح از شرق سر زده خندهٔ خوش برغرور
کامکاران خواهد زد! آری چه روزها که
خورشید در عالم تابان، آب در گلزارها روان
و چه شبها که ماه در آسمان سرگردان
و ستارگان در فضای بی انتها بی
درخشان خواهند بود در حالیکه ما جام
مرگ را سر کشیده بیخبر از این و
غافل از آن در وادی بی خاموشان
بی یار و مونس بی رفیق و شفیق بسر
خواهیم برد گذشتگان عبرت آیندگان
اگر عبرت نگیرند و ... افسوس که

شرح اشتراک	قیمت در کابل	
[illegible]	ششماهه	سالانه
[illegible] کابل	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

[illegible] مقالات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حقیقت

سنه ۱۳۰۳

قواعد و ضوابط

این اخبار غیر از ایام تعطیل در کابل [illegible] طبع
نشر میشود و [illegible] در باب خط و رسا[illegible]
[illegible] امور تحریریه بنگارنده حقیقت
ارسال و مقالات واصله در اداره ماند و جریده
در اندراج و اصلاح و عدم اختیار [illegible]
اشتراک توسط خزائن دولتی و یا بصورت
نقدی از [illegible] دریافت
میشود.

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد ۱ کابل پنجشنبه ۲۲ قوس ۱۳۰۳ ش ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۴۳ ق شماره (۵۲)

یک لوحه عبرت نمای زمان قدیمه یا نمونه مدنیت عصر حاضر

انکشافات یک شهر قدیم و جسد توت عنخ آمون در مصر

اگر ساعتی از قیل و قال زمانه رسته
فکری در بی مهری ایام و بیوفائی عمر
نمائیم و زمانی از بهار عمر جهان گذشته
بروزنامیکه چون آب روان گذران است
نظر افگنیم و [illegible] دست داده خواهیم
دانست که سالها [illegible] ماه و روزها
شمار خواهد گذشت که [illegible] زمین جا
[illegible] شده و خفته و هر ذره خاک [illegible]
[illegible] است [illegible] گل
[illegible] جهان [illegible]
[illegible] خورشید [illegible] آفتاب مهر [illegible]

صبح از شرق سر زده خنده خوش بر غرور
کامگاران خواهد زد! آری چه روزها که
خورشید در عالم تابان، آب در گلزارها روان
و چه شبها که ماه در آسمان سرگردان
و ستارگان در فضای بی انتها بی
درخشان خواهند بود و در حالتیکه با جام
مرگ را سر کشیده بیخبر از این و
غافل از آن در وادی خاموشان
بی یار و مونس و بی رفیق و شفیق بسر
[illegible] گذشتگان [illegible] آینده گان
اگر [illegible] بیخبر [illegible] افسوس که

چشمها کور و گوشها کر است و بر کس تصور نکرده بود که افغانستان جامعهٔ
متمدن و تهذیب اخلاق و در دیگر دست [illegible] تحمل نموده آن
پایدار باشد لکن بر عکس بسر بردن آن یا جاهائیکه خود بخود انکار [illegible]
خواهد داشت شب و روز در صدد تحصیل مال بهر وسیله زشت
یا زیبا بکوشیم خواه دنیا از دست رود و خواه عقبی [illegible] تا دم آخر حیات
این پر زوال دنیا را جمع کرده و بعقبی [illegible] به کوچک
بزرگ جهر باقی نموده است. دستش [illegible] عزیزان و نگین
و خیالش مجموعه از خون بادشاهان گلگون است.
هر گل نو گل رعنی [illegible] نشان ولیه گوش [illegible] اعتبار کو
چه سلاطین عظیم الشان جهان [illegible] باشان و شوکت
چه [illegible] بجا آمدند و کامرانی نمودند و آخر غریب وار
در گور بخواب ابدی رفتند چون [illegible] مصر که تمدنش از بزرگترین و
قدیم‌ترین تمدن عالم محسوب میشود [illegible] پادشاهان [illegible]
بوده که صیت جهانداری و آوازهٔ کشورکشائی شان در فضای عالم [illegible]
است امروز جسد مومیائی همین پادشاهان بازیچهٔ اطفال زمان
شده امروز اجساد ایشان دست آویز [illegible] گشته [illegible] خریده و با
[illegible] میبرند تا [illegible] بیکی [illegible] شان [illegible]
و [illegible] ایشان [illegible] حیوانات [illegible] اندازه
بچارگان [illegible] اگر [illegible] از [illegible]
کنند [illegible] انواع را
بجانب خود [illegible] حیوانات [illegible] اند [illegible]
حیوان [illegible] خود [illegible] مخلوق
[illegible] یعنی [illegible] در مصر ایجاد
شده [illegible] و اسرار [illegible] نمودند
آیا [illegible] جواهرات [illegible] و [illegible]
اکتفا کردند [illegible] آن ابدان [illegible] بیرون آورده
[illegible] بردند و از [illegible] دریا و کوه [illegible]
[illegible] نام مقدس [illegible]
[illegible] آه اگر روزی
دست [illegible] بیرون آمد [illegible] آه اگر
[illegible] امروز [illegible] فردا [illegible]

در ماه نومبر ۱۹۲۲ یکی از مهمترین آثار مصر [illegible]
کشف گردید این اکتشاف در [illegible]
کارتر و [illegible] لرد کارنارون [illegible] کرده است
تمام در ساحل غربی نیل در محلی که وقتی شهر طیبه
[illegible] طول زمان [illegible]
داده [illegible] شدند و در [illegible]
طیبه زیر [illegible] گنج عظیمی [illegible]
که در مصر بود [illegible] لرد کارنارون [illegible] انگلستان
[illegible]
[illegible] خارجی [illegible]
مقبره [illegible] تقریباً ۵۰ قدم است [illegible]
اگرچه [illegible] یافتند [illegible] آثار
[illegible] باز شده [illegible] است [illegible]
شدن [illegible] خبر [illegible]
جواهرات و اثاثیه، تخت [illegible]
و سائر عتیقه جات نفیسه [illegible] یافتند [illegible]
[illegible] از شرح آن در میگذریم.
اهمیت توت عنخ آمون [illegible]
[illegible] علم و صنعت است [illegible]
نمودن مذهب (آتن) یا آفتاب است [illegible]
آتن) در مصر جاری نموده [illegible]
آمون و امان [illegible] مصریان قدیم بوده است [illegible]
آتن) پدر زن توت عنخ آمون [illegible]
[illegible] بوده است. [illegible]
[illegible]
[illegible] گذشت [illegible]
[illegible] قرص خورشید [illegible] است [illegible]
[illegible] بوده [illegible] شوهرش [illegible] است
[illegible] پایتخت [illegible] طیبه
[illegible] رواج یافت [illegible]
[illegible] صناعت بود [illegible] اهمیت

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 323 of 524

پیا لتوی شمس بود جبری کم شد چون مجسمهٔ مصریان بعضی … گرفته
… خودم خورشید را «اتن» بجا میدهند «اخن اتن» دعوی
نمود که اتن یاد و می کرده است که مردم را از پرستش خورشید
مادی منصرف نماید و بعبادت قوهٔ فیاض با حرارت یگانه ان
میل برساند و باعث حیات موجودات است بیرون …
مید بنور قرص شمس که با شعاعات خود جلوه داد

دران اوقات امپراطوری مصر از سودان تا شام و
عراق امتداد داشت و لازم بود پادشاهی لایق در خارجا

نظام امور را بدست گرفته بتواند مملکت داری کند ولیکن
«اخن اتن» بجز مسائل دینی و عشقی بهیچ قسم دیگر و بهیچ
خود را بکار گماشته بود که توحید دین و باطل نمودن عبادت
«ارباب انواع» و محو کردن … آنها خصوصاً اسم «امون»
را از بنیاد کلی محو کرد و چون مجبور شد که محو نمودن اسم «اخن اتون»
اسم پدر خود را هم که با ان توام بود محو نماید و چنین عشق
نموده بود که از بنای آن معابد در شهرهای مختلف مصر
آسیا و نوبه بر پا کند تا الکه غیر از آتن معبودی نباشد چنانچه

(۱)

(۱)
(تمثال توت عنخ امون که در مقبره اش یافت گردیده)

(۲)

(۲)
(ابریکه … که در نهایت ظرافت است و در مقبره توت عنخ آمون یافت گردید)

در مصر بین قاهره و طیبه در مکانیکه امروز موسوم به تل العمرنه و … قندیل بیست … بنا نمود که طول آن (۵) و عرض
(۱) میل بوده و آنرا وقف «اتن» کرده هیکل دران بنا نمود که برای خود … برای مادر … نیز خود مسکن
رهائش را هم در درون … بنا کرد .

دو سرود که در مدح شمس ازو باقی است و از … عبارت است که از حیث معنی نهایت شفیقه … عبارات
… و بهیچ وجه … معلوم میشود که برخلاف اسلاف خود که معبود خود را بحیث … جباری و قهاری میپرستیدند …
… خود … «اخن اتن» معبود خود را خدای عالم و بخشنده حیات بجمیع موجودات و پدر مشفق و رحیم میدانند
ابتدا این مرتبه است که در تاریخ عالم مشاهده میشود پادشاهی خدای رحیم خود را خدای همه عالم دانسته … پادشاه

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 324 of 524

در برخت نمودن اوهام و تمسک بحقایق و حقیقی فوق العاده گذشته
و اینهم عوام که بموهومات عادت کرده حقایق فلسفی را
نمی فهمیدند با او دشمن گشتند که چرا معبودهای قدیم را ترک
گفته و معبود جدیدی برای خود اختیار نموده است.

بدبختی این پادشاه از دو سه جا بود: اول اهتمامش
با موردی غلط و از کارهای مملکت بازو پشت جنانچه در گزشتن
ضد در بازگشت تا تاریخهای کاهنه کهنه معبود «آمن»
نسبت باو فوق العاده کینه و دشمنانک شده بودند تا ثانیاً
بسرقابلی نداشت که تواند جای او را بگیرد و مجبور شد یکی
از داماد موسوم به ساکری را ولیعهد خود نماید.

پس از او ساکری مدت قلیلی در پایتخت جدید
سلطنت نموده و چون دار فانی را پدرود گفت داماد
تخم آمن) چنانکه مقبرهٔ او بتازگی کشف گردیده داماد
«اخن آتن» بهت جانشین وی گردید لکن کهنه «آمن»
او را هم قدرت وقوی یافته با او مجبور بجلوس نموده او را
پایتخت خود را در طبیت نماید و تا با تغییر عقیده داده هم
خود را توت تخم آمن» نماید که معنیش نایب زندهٔ آمن
است دیگر سلطنت او طولی نکشید و کابینی سوم هم
«آی» شوهر «تی» دایهٔ «اخن آتن» جای او نشست و
خواست مجدداً عبادت آتن را معمول دارد مگر کشتی
ترویج مجدد آن کاری از پیش نبرد و پس از اندک زمانی
سلسلهٔ مجدد هم قرامطه مصر که شش صد سال از مصر رانده
ابراطوری مصر را از سودان تا فرات امتداد داده
بودند منقرض شد. (مجله رستاخیز مصر)

محفل اعطای نشان افغانی کالوریه

برای مامورین دولت

روز پنجشنبه ۲۷ ثور ساعت ۶ حضرات محترم و آتن
مورین منظم ... جلیل دولت و جریده ... حضور ...
و مذاکرات آن ... بعد یک کتاب شایع نموده کرده ام

شان در شعبات کار خود جواب سوال یا و...
زیباین را ایراد نموده و ایجابات لازمه اتخاذ
نموده بودند در مجلس شورای دولت از طرف
خارجه ... آقای فقیر احمد خان رئیس عمومی
شورای دولت بمقام بعث ثنای ماثور
بعد از نطق مفصلی که رئیس صاحب ممدوح از
اهمیت مشوره و خوبی مذاکرات و تبادل
افکار که یکی از شعائر اسلامی و سنن حضرت
نبویست (ص) ایراد داشته ضمناً فرمودند که از
شهنشاهی اعلیحضرت غازی اول این رادار
در احیای این سنت مترو که احمدی صلی الله علیه
وسلم بذل مساعی نموده و تا سیر مملکت
عزیز را متعهد قائم داشته علاوه بران برای انتقال
از جهات بعض مجالس فوق العاده مشوره را نیز
لویه جرگه قائم داشته از آن برای علت و ...
کسب استفاده نمایند — و برای پادشاه
این خدمات طلب فرامین نشانهای ...
عطایای نامه ... چنانچه برای شرکای ...
وکلای معظم آن مجلس عالی در جان و ...
نشانهای مذکور عطا و کرامت شده و برای
تمام مامورین درین فرصت بنابر خواهش و کلای
خودمان لازم دیدند که آن نشانهای غازی ...
کار عطا شود.

در اختتام آن نشانهای مزبوره و فرامین ...
منشور برای شرکای محترم اعطا شد
خاتمهٔ مجلس، حضرت عالی وکیل صاحب
حربیه ج ، ... ، ۱ ، آقای عبد العزیز
وکیل حربیه تحریر نطق و خیری در معاد ...
و صفات و مزایای اعلیحضرت معظم غازی
مملکت ... ایراد داشته ... که ...
... اعلیحضرت غازی ... :

(قواعد عمومی اعلانات)

این اخبار بغیر ایام تعطیل در کابل طبع ...
نشر میشود ... مقالات در مرتب ...
دیگر در امور تحریریه نگارنده حقیقت
ارسال مقالات داخل و دارای ماده ...
درج ... اصلاح و حق اختصاص ...
اشتراک توسط خزانه دولتی ...
تقدیم ... قبلاً ...

قیمت اشتراک

	شش ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۳۰

مسلک: ارشاد و علم و وطن

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد ۱ کابل دوشنبه ۲۳ قوس ۱۳۰۳ شمسی ۱۸ جمادی الاول ۱۳۴۳ قمری نمبر (۵۳)

اعلان ادای قضای روزه

برضا و اخلاص مظاهر رعایای اسلامی مکتوم نماند که

پوشیده نماناد: (وقال الله تبارک و تعالی
فی القرآن الکریم و فی حکم کتابه العظیم) فمن کان منکم
مریضا او علی سفر فعدة من ایام اخر یرید الله
بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ولتکملوا العدة ولتکبروا
الله علی ما هداکم ولعلکم تشکرون! خداوند متعال
درین آیه وافی هدایه خطاب میکند مر بندگان خود را و میفرماید
که هر یکی از شما مریض یا در سفر باشد و خورده باشد روزه
ماه رمضان را پس لازم است که بجا آرد قضای آن
روزه ها را مطابق تعداد آن روزه ها که خورده است
اراده دارد خداوند تعالی بشما آسانی را بسبب مباح گردانیدن
خوردن روزه در سفر و حال مرض و اراده ندارد
بشما سختی و تکلیف دادن مر شما را (الخ)
حضرت کریم مطلق و قادر توانا جلت عظمته و عمت
... نوازش در ناموال و آسانی تکالیف بندگان خود

خوردن روزه را در سفر و مرض جائز فرموده تا عسر و تعب
و محنت و رنجی برای بندگانش رو ندهد و بجا آوردن
قضای آنرا وضع و حتم قرار داده تا در حال اقامت و صحت
باداء آن بپردازند و شکرانه این مراحم و مساعد حضرت
کبریائیش قیام ورزند. پس بخوانی آیه مبارکه مذکوره
ایفای قضای روزه بر هر فرد مسلمان لازم و فرض عین است
و مستحب است که متصل اختتام و گذشتن ماه رمضان و
حصول صحت و اقامت، قضای روزه بجا آورده شود
که اگر تا ماه رمضان آینده در ادای قضا تاخیر شود در فعل
کراهت واقع میگردد، بناءً علیه برای آسانی متصل انقضای
ماه صیام روزه قضائی خود را بنابر اجمال اغفال
ادا نکرده باشند در امسال و سال آینده (۱۳۰۲)
و سر تا آخر ماه مذکور حتماً و قرار قضای این ادای اوقات اخف
و آسانی کرده شده نظر باینکه عده کثیری
از مسلمین و مسلمات درین آوان بحسب اعلان ... ابقا

روزه‌های قضائی خود را موفق میشوند، باین روزها
ازطرف صبح وشام مثل ماه مبارک رمضان یک یک
فیر توپ کرده میشود، این ده روز که برای ادای
روزه‌های قضائی تعیین یافته در روزهای مذکور
مثل ایام ماه مبارک صیام فیر توپ میشود، مخفی نماند که
است برای مسلمین اسلام که روزهٔ قضائی داشته باشند
[illegible] اگر دیگر اوقات ادای روزهٔ قضائی
خود را نتوانند باختیار خودشان هست، واز اینکه درحیات
[illegible] باید باین روزهای معینه
ادای روزهٔ قضائی خود را مستطیل کرده بهر قدر [illegible]
روزهٔ قضای خود را [illegible] (مدیر [illegible])

مصاف اخوان نجد و قتل

بدین روزها خبر [illegible] از [illegible]
[illegible] ازجانب [illegible] جاده اول [illegible]
[illegible] بدست‌های خویش [illegible]
[illegible] فرصت توقع ورود [illegible] کرده [illegible]
دیده شدند [illegible] ازطرف عساکر مقامی آنجا تحت [illegible]
گرفته شدند [illegible] ازده وخورد [illegible]
جانی آنجا [illegible] از ۳۰۰ مقتول [illegible]
مالی [illegible] چند [illegible] و [illegible]
داستان آورده است

شمهٔ از جرائد و خبرهای افغان در فرانسه

[illegible] اکتوبر مطابق [illegible]
[illegible] ([illegible])
[illegible] رئیس [illegible]
[illegible] رئیس مجلس اعیان فرانسویان [illegible]
[illegible] سفرای دول [illegible]
[illegible] احترام [illegible]
[illegible]

اعلیحضرت ما زنده است [و تمام دول متمدنه بنا]
بادکار عمارات تاریخی مقبرهٔ سربازان گمنام
را در مقامیکه جالب توجه عام باشد میسازند
وعموم بحقیقت احترام را نسبت بدان اظهار
داشته خصوصاً سفراء ونمایندگان خارجیه بران
گل نثار میکنند. حقیقت]

صورت ملاقات وزیر مختار افغانیه با رئیس جمهور

[illegible]
[illegible] محمد نادر خان غازی
[illegible] رئیس جمهوریه [illegible] رئیس تشریفات [illegible]
[illegible] ریاست پناهی [illegible]
جناب جلیل محمد نادر خان وزیر مختار
افغانیه در بار [illegible] برای تقدیم نمودن [illegible]
از خویش بریاست جمهوریه فرانسه [illegible]
تشریف فرما شده‌اند (الیزه عمارتیست [illegible]
که ریاست جمهور فرانسه در آنجا مسکن دارد) [illegible]
روز [illegible] (اب [illegible]) تشریفات
بسفارت خانهٔ افغانی واقع نمبر (۵۷) خیابان
[illegible] رفته [illegible] جلیل [illegible]
جناب جلیل مارشل محمد نادر خان وسائر اعضای سفارت
حاضر گردیده [illegible] سوار نظام هم تحت فرمان یک
صاحب منصب [illegible] ادای شایعت کرده است
در موقع ورود به الیزه [illegible] جمهوری
احترامات نظامی را بعمل آوردند [illegible]
[illegible] بمقام ریاست جمهور وهیئات افغانی را به
رئیس دولت [illegible] کردند وچند لحظه بعد جناب جلیل
مارشل محمد نادر خان نطق ذیل را ایراد نمود:—

نطق آقای محمد نادر خان	[illegible] دانای رئیس جمهور امروز خوش [illegible]

جناب جلیل [illegible] رئیس جمهور وصدر دولت برافتخار [illegible]

[illegible] بسند اشرف حاصل کرده و اعتماد نامهٔ را که توسط آن
[illegible] دوستی [illegible] جناب جنرال محمود طرزی تربیت
[illegible] در بار فرانسهٔ محترم و [illegible] نموده اند تقدیم [illegible]
[illegible] محترم که عموم احساسات دوستی واقعی
[illegible] عموم ملت افغانستان بحکومت سرفراز [illegible]
[illegible] حکومت جمهوری فرانسه بوجود [illegible]
[illegible] افغانستان دیده احساس [illegible] امید
[illegible] آرزو [illegible] ترقی [illegible]
[illegible] دل [illegible] منور [illegible] موفق
[illegible] دو حکومت [illegible] مستحکم تر سازم
[illegible] خود [illegible] مقصود [illegible]
[illegible] جناب [illegible] موفق [illegible]
[illegible] گستان [illegible]
[illegible] بیانات [illegible] را [illegible] —

نطق رئیس جمهوری فرانسه

آقای وزیر! در موقع تقدیم نامهٔ [illegible]

فوق العاده وزارت مختاری شما را بکمال [illegible] جمهوری فرانسه نسبت باین انتخاب اعلیحضرت شاهی ابراز و ارمعان [illegible] شخص از اشخاص افغانستان برای نمایندگی [illegible] ملت فرانسه [illegible] الصاقاً برای جانشین [illegible] جناب جنرال محمود خان طرزی که روابط [illegible] افغانستان برقرار نموده امیدوارم موفقیت و شان در وزارت مختار شما [illegible] سردار [illegible] بوده [illegible] حکومت [illegible] تبعیت [illegible].

این حسن انتخاب [illegible] اعلیحضرت [illegible] دوستی موجود بین فرانسه و افغانستان [illegible] معارف [illegible] [illegible] دارم [illegible] در مدت [illegible] شما [illegible] کرده [illegible]

بادهٔ حمیت انگیز وطن مقدس

از طبع آقای میرزا [illegible] خان [illegible]

[illegible] زکسب دانش و علم و هنر — ای وطن داران بعالم نیست در چیز دگر
[illegible] از نشر معارف در همه روی زمین — هیچ شغلی را نخواهد یافت کس فرخنده تر
[illegible] با آن چیز باده که مارا دو قیمت — پیش ما قدری ندارد آنهمه گنج و گهر
[illegible] گیتی است سرتاسر منور این زمان — از شعاع آفتاب حکمت و علم ای پسر
شرق تا غرب جهان را داده نور و روشنی — اهل صحرا و بوادی گشته از وی بهره ور
[illegible] سان کلا مادرزاد زان نور و ضیا — مانده محروم و از تفتیش هم بی خبر
بلکه پس کوران مادرزاد از چندین ملل — در مدارس یافته از علم نوری در بصر
[illegible] تعلیمات شان موجود مکتبها کثیر — در چه باید نام شان هرجا بعالم مشتهر
[illegible] اکثر شهرها بی خود بتحصیل علوم — از مدارس نی اثر داریم و نی از خود خبر
حیف بر حال بزرگان دیار ما که نیست — هیچ ایشان را سوی علم و هنر فکری بسر

ای برادر ای مرد ای زنان مسلم هست فرض
بگفتهٔ محموده که پیغمبر سیر علم
مردم دیگر ملل از علم و دین با طلش
ما ز علم و دین جفای خود واحسرتا
رتبه عالی خدا علم و هنر را داده است
غیرت اسلامی ما خود کجا رفت و چه شد
یاد میباید گرفتن غیرت از شاه غیور
یعنی از بهر حصول دانش و علم و کمال
باز جهد او غفلت خود کودکان خویش را
این چه غیرت این چه انصاف است کان فرزند ها
ما نمی باید بپیرها را کنیم ای دوستان
زینهار ای ملت افغان نمی شاید که ما
پیش ازین گر غفلتی کردیم در تحصیل علم
چاره جهدی گر نبود ما را بوضع اتفاق
چون ز فرط مرحمت شاه معارف خواه ما
بخت یار ماست کز لطف خدا و فیض او
کلفت و رنج سفر را رفع کرد از پیش ما
پس بفرمان اولی الامر بر آئیم خویش
کودکان را از مغاک جهل بیرون آوریم
در مکاتب از پی تحصیل شان ساعی شویم
نونهالان را به بستان دبستان جا دهیم
دولت و دین را ترقی نیست غیر از علم و فن
اینهمه گفتهٔ اخی شیر احمد از دلسوزی است

این سخن خود واضح است از گفته خیر البشر
از مدینه تا بچین کردن بهر باید سفر
مرد و زن مستحضر اند و نیست ناخوان یکنفر
نیستیم از یک هزاری ده نفر هم با خبر
در حقیقت شخص بی علم است بچون گاو خر
جهل بر ما گشت غالب زانکه این زنگبند
کز پی علم و هنر بگذشت از لخت جگر
گوشه دل را بخیر دی داد تکلیف سفر
از مدارس باز میماندیم در عین حضر
در سفر جا باشد ما را از و صرف نظر
یک بیک قربان آن شهنشه ده و والاگهر
از خجالت دائما باشیم سر افکنده هم
بهر اصلاحش کنون بندیم میباید کمر
غفلت بگذشته میباید تلافی زود تر
شکرسار ماست در کسب کمالات و هنر
شد مکاتب ساخته ما را بهر جا بیشتر
نیست در جمع مکاتب نیز با نقص زر
نیز از بهر رضای خالق جن و بشر
بر بساط علم و دین بدهیم خوش جای و مقر
بعد ازین از جهل نگذاریم فرزند و پسر
تا خوریم از نخل شان این انواع و اقسام ثمر
علم و فن است سرمایهٔ هست سامان ظفر
گر کنید ای دوستان فکری بسی نفع و ضرر

قواعد و ضوابط

این اخبار بعد از امر تعطیل در کابل کرده جرید ... نشر میشود ... مضامین که ... مقالات ادبی ...

... امور تحریریه بنگارنده حقیقت ...

در رسالت مقالات اصلاحیه اداره ماند جریده

در اندراج و اصلاح و عدم اختیار ...

اشتراک توسط ... در دولتی ...

تقدیمی ... قبلاً دریافت ...

اجرت اشتراک

	ششماهه	سالانه
داخل کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
... خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۳۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

... و علما و طلبه ...

... بزرگان ... ملت ...

... اصلاحی و ترقی ...

مطبعه کابل چهارشنبه ۲۵ قوس ۱۳۰۳ ش ۲۰ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق شماره (۵۴)

قابل توجه ریاست محترم شخصیه

قرار دادیکه تا حال بران تعمیل نشده فسخ شود

در موقع بروز فاجعه سمت جنوبی خدا را شکر کرده ام که وقت عبور و سکونت جمهوریت افغانیه یک کوششی گرانبها از ان تصور نشود و یک رشادت و ولایت ... در خیال دو هم ... داده ... رشادت و صداقت و فعالیت و اطاعت ورشادت خود شانرا دادند.

اکثر خود شان ... کفیه بوزارت حربیه حاضر شده با سر افراز ... عسکری ... نموده ... سلاح آمد ... نموده ... که اسرا ... و اولاد خود شامل ... شده داد شجاعت و حمیت شانرا داده مردانه در گوشمالی و سرکوبی ... اشقیا ... شقاوت پیشه حصه گرفتند.

وعده از اعزه و اکابر ملت بیک قلبی پر شجاعت و جبینه مملو از حمیت و اسلامیت و افغانیت بوزارت حربیه حاضر آمده علی حسب الاعتبار و شخصیت خود با اظهار آمادگی و مردانگی نموده بریاست شخصیه متعهد شدند که ما از اقوام و عشائر و دوستان و روشناسان خویش بصورت داوطلبی سرباز و عسکری تعلیم یافته کار آگاه را حاضر میکنیم تا آنها داخل سلک عسکر نظام گردیده حسب قابلیت و لیاقت منصبداران عسکری هم مقابله امر فرمایند خدمت کرده موجبات خوشنودی خدا و رسول و اولو الامر معظم غازی و وزارت حربیه افغانی را کوشش میکنیم که فراهم آوریم.

چنانچه از وزارت عظمی حربیه برای این شخصیت ...

داوطلب شجره ... با کمال اعتنا بجواز اعطای حقیقت
و حکومیت ادولت ... یک مقصدی ... مجلس
... لسان شاهجهان الطاف و عنایت شده.
بهمراه این اشخاص داوطلب بصورت عهد براے
قرارداد آن از ریاست محترم شخصیه منعقد گردد تا شخصیکه
بکلیه از سربازان خوش برضا و رغبت را بوزارت
حربیه بدون هیچ گونه تکلیف و زحمت حاضر کنند
نظر بتعداد نفری حاضر آورده براش منصب از کنترز
گرفته براے لوا شری اعطا و عنایت شود!

در اثر این اعلامنامه و تصویب براصل و حکومت

آقاے اجل عبدالعزیز خان وکیل حربیه چنانچه بعموم
ظاهر گردیده است کریک جمعیت نفری از داوطلبان که
بتصور و طریقه مزبور نفری مطلوبه متعلقه خود شان را
حسب الموقع بیک سرعت ها عقد تمانی احضار نموده
اند مناصب دیگرے مامورت تا اعالی از کندک نفری
گرفته تا مناصب سالار عالی اعطا و کرامت شده تماماً
بمقامات و مواقع لازمه حسب ... وزارت حربیه
مصروف خدمات و اقدامات اند که تحریر نمودن
اسما اسامی و ناموهاے گرامی و تعداد نفری آنها را
اگر ما خواسته باشیم که بنویسیم بسبب طوالت الجامیه
موجب ملالت ناظرین خواهد شد.

بالجمله درین بین تحتاً حیکه بنا بر خدعه و فریب اقوام
موجب تضیع اوقات مامورین ریاست محترم شخصیه
و بعض رجال معظم وزارت حربیه گردیده هست
و قرارداد احضا نمودن یک هزار سواره را از ولایت
قطغن و بدخشان نفری خوش برضا بیک طریق فوق العاده
نموده و در تحت قرار بهمان صورت مقرره از ریاست شخصیه
امیدوار گردانیده شده اند میر ... ساکن ...
ساکن الندر و محمد قاسم خان ساکن گرامی و میرزا ... خان
ساکن کابل و عبدالله خان بوده اند که از ... قرارداد ...
قرار حلوانیکه اکتساب نموده ایم الی الان تقریباً چهار ماه

درگذشته و تا هنوز نتوانسته اند که بایفاے وعده و تعهد
قرارداد خود موفق شده نه دمی بنیم ... دانسته
آمده بسبب تضیع اوقات مامورین و وزارت را و ...
می آورد و منبوم که ... بیت و ... شان
بدین تقریب کمان ... که اول خود ...
قرارداد آنها را باطل نموده خواهد بود اگر بالفرض
و تقدیر قرارداد آنها را اگر بیشتر از یک ...
طلا کاغذ اهمیت ندارد و باطل نموده ...
اینک جریده حقیقت ریاست محترم شخصیه
توجه میدهد که قرارداد مزبور را که ...
جانب تعلیل را در بر کشیده و از توجه تعطیل ...
و امید که وزارت حربیه هم از مزید جمع آوری
سربازان مستغنی شده حتی اعلان تعطیل ...
آمدن نفری انجام بی را نیز از زمانی هست
شایع نموده هست فسخ نماید و مدانها بدانان
که قصور درین مسئله انقطاع قرارداد از طرف
خود شان بوده هست نه از طرف ریاست
شخصیه و هم اعلانی را بنام اقوام و عشایر
و مقامات لازمه توسط حکومتی و علاقه داری
مربوطه شان شایع نمایند که قرارداد
وزارت حربیه بهمراه فلان فلان ...
منقطع شده هست بایستی که نفری ...
قرار گفته آنها خود ها را سرگردان نکنند و
مشغول امور غریبی خود بوده بدعا ...
ترقی دین و دولت اسلامیه ...
مشاغلت ورزند.
تا در آینده کسانیکه ...
... مسائل ...
اقدام نحیا نگفته و ... داد
و اوقات خود ها را عبث ...
وما علینا الا البلاغ.

اختلاف مابین جماعت عالیهٔ ترکیه

استانه (۱۰) نومبر – از روز یکه تحریک کمال پاشا ... این اختلاف واقع شده است که در مجلس ملی روز گذشته ... نموده تحت کارروائی ۱۰ نفر لیدران ... که اخیر ایشان رؤف بیگ صدر اعظم ... و عدنان بیگ و رفعت پاشا نائب الحکومهٔ سابق ... پیدا باشند مخالف بعضی اجراآت جماعت عالیه ... پارتی و جماعت علیحده شده اند – و ... ایشان دیگر بر حمایت اختلافیون کرده کاظم ... پاشا و علی فواد پاشا با ایشان شامل باشند ... مذکور مطالبه میکنند که رئیس جمهور حق ... نداشته اصلی (مجلس ملیهٔ موجوده) ... انتخابات بالواسطه رفع معاملات ملیه ... برگذاشته در امور ملکی کارروائی ها ... که بدون کدام فایده روا جاری است ... و حکام مطلق العنان نباشند.

قانون جدید بنگال و قاید بمبئی

بمبئی (۱۸) نومبر – امروز شام جماعات سوراجیه ... یک مجلس را منعقد نموده تا بر صورت حالات ... قانون جدید بنگال غور و خوض نماید – چنانچه ... ساعت ... داد و دلیل را منظور نمودند – (۱) این مجلس بحیث نماینده گی ... اظهار ... که از سبب شورش و بغاوت ... سو طرح حاصل نمیشود – و اگر ... وجود و بسته باشد ... گورنر جنرل بنگال ... جبر تدابیر جرائم فوجداری بابت ۱۹۲۴ ... شدید ... این قانون ... راه راست بر آزادی و انفرادی حمله نمودن هست بدون منظوری مجلس ... ناقص نباید شد.

(ب) مجلس بلا برابر این سخن تاکید میکند که قانون جدید مذکور فوراً رفع و گرفتاران ... آن رها کرده شود.

(ج) این مجلس تصمیم گرفته که قانون نمبر ۳ بابت ۱۹۱۸ که از روی آن حکومت میتواند اشخاصیکه بر ایشان شبههٔ جرائم عام باشد بلا ورانت و محاکمه بیان وجوه گرفتار نماید فی الفور ... موقوف کند.

این مجلس یقین میکند که صورتها ... کرده ... روا داشته ... که حکومت از حقوق ایشان انکار کرده است و علاج و مؤثر آن ... که بنهایت زودی سوراج قائم کرده شود.

فتوحات احمد آمر اگشن

تینجر (۱۷) نومبر – رهنمایان شده که تعداد کشته افواج هسپانیا که بالغ بر ده هزار نفر بوده اند بیک ترتیب عملی از شیشوان بدار العقوبه که ... کیلومتر از شیشوان واقع و آباد هست بر هسپانی ... و زیاده از ... نفر مقتول شده اند.

از روز یکه جنرال پریمو دی ریورا اختیار ... در این جنگ بدست گرفته ... موجب احکام ... افواج هسپانیه ... مجاهدین سرفروش ... افواج هسپانیا ... اسیر ... مظلومه ... افواج هسپانیا ... ظاهر ... ...

اخیرین خبر از سمت جنوبی

قلا ... شده بود که فقط ... جنوبی ... بود ... مستقیل ... در ... جیل ... اکنون ... کابل ... اطلاع ... وطن و کلان

با دل روشن نباشد حاجت شمع و چراغ

(از طبع آقای ابوالقاسم ذوقی، [illegible])

صرف غفلت گه بنسیان روزگارت میشود — عقل کی در علم عشق آموزگارت میشود

گر شوی در غفلت و لذت چو نی و مو و شیر — وای اگر این حاصل لیل و نهارت میشود

از علایق دل ببر ورنه به بستان مرغ حق — اندرین بستان سر هر شاخ دارت میشود

تا نه بندی رشته چون نی سر آزادی بجوی — گر تعلق عقده هر دم بکارت میشود

گر ز لوح سینه ات نقش علایق بستری — سر پنهان حقایق آشکارت میشود

تا بچشم دل به بینی آنچه آن نادیدنی است — لوح خاطر گاه فکر آئینه دارت میشود

خویشتن را گر برون زین چار دیوار افگنی — جای آسایش برون زین نه حصارت میشود

لیس للانسان الا ما سعی گر خوانده — شیر گردون فی از گوش شکارت میشود

از حمایت زیردستان سر دهی گر زینهار — بار بر دستی فلک در زینهارت میشود

دستیار ناتوانان باش تا داری توان — کاین نگاه ناتوانی دستیارت میشود

با دل روشن نباشد حاجت شمع و چراغ — تا دل روشن چراغ شام تارت میشود

در جوانی گر نیاموزی ز پیران معرفت — سخت وقت شست روزگار آموزگارت میشود

آنچه از بعد تو میماند بجا باشد سخن — کان بمردن زینت سنگ مزارت میشود

گر بیابی چو ذوقی ذوق علم و معرفت — صرف در تحصیل دانش روزگارت میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 333 of 524

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته وار بامقالات جمیل در کابل منتشر میشود و دیگر مقالات در مرتب منظم ادبیات نمیشود. امور تحریریه نگارنده حقیقت و مقالات فارسی در اداره اخبار جریده در اندراج و اصلاح و اعلام مختار است ارادت اشتراک توسط خوانان دوستی و تصویر نقدی از وجه قبلا ارادت میشود

شرح اشتراکات

تفصیل ممالک	قیمت ۶ ماهه	سالانه
داخل مملکت کابل	۵	۹
داخل ولایات	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

برای طلاب مدارس و علما و طلبه ... نصف قیمت ... ادارات ... با خریداران ... مجانی

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده: برهان الدین کشککی

جلد ۱ کابل شنبه ۲۸ قوس ۱۳۰۳ ش ۲۲ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق | شماره (۵۴)

یک یادآور مقدس و مهم

اتحاد کلمه ایست که موضوع هزاران مقالات درخشان نگارندگان دنیا واقع و ناطقین شهیر هر قوم خطابه ها بخشا در اطراف آن ایراد نموده، و نویسندگان هر ملت مقالات درین باب نوشته اند صفحات جرائد نیز تحت عناوین مختلف اتحاد و اتفاق را گوشزد عالمیان نموده اند. ما درینجا قصد در بسط این معنی، و تشریح خاص این کلمه نداشته، صرف ثمرات اتحاد را بحدی واضح و روشن میدانیم که فرصت بیان نمی بینیم، مگر حین جنگ بین الملل اروپا که پیدا نمودیم، در نتیجه اتفاق چند مملکت، مقابل اتحاد چند دولت دیگر بظهور آمد عالمی را آتش زده یک حصه طعمه ویران بیکار معمور بشری وارد نموده آبادی ها را خراب و ویران کرده هموطنان بیگناه را بچنگال هلاک انداخت، و باز بعضی از جهان دول دست از اتحاد خود برداشته (غرض ما از اتحاد یگانگی است) به چه مقصود و غرض یا دولت را گویند که معاملات و مراودات شان با یکدیگر برادرانه بوده، از روی قلب، یکدیگر را دوست دارند، در غم و شیرینی یکی در شادی هم شاد بوده، از حقوق حقه یکدیگر دفاع و در حوائج یکدیگر از جان و دل حاضر باشند و در آسایش و راحت یکدیگر کوشش نمایند، بالآخره دست بدست داده برای ترقی و تعالی خود کار کنند. بنابرین تمهید این مقدمه برای آنکه از راه منطق مدعای خود یعنی لزوم اتحاد ایران و افغانستان را برای یک اتحاد نظامی در شرق که دول اروپا برای محو قدرت آسیا کمر بسته اند ثابت کنیم.

بالیستی یادآور شویم که اتحاد و یگانگی خصوصاً بین جامعه دو مملکت وقتی مصداق و حاجت دارد که آن دو در نتیجه احتیاجات یک جهات با بها الاشتراک و ... باشند و در نتیجه اتحاد همیشه مناسب جهت باشد و منفعت مشترک یعنی فقط احتیاجات خیره و قوی تر باشند، اتحاد برای آنها ضروری ترتیب ناهانی میرسد که مقتضیات وقت بگوید سررشته

جمع و حیات این دو ملت با مذهب و ملیت با اتحاد و یگانگی با
[illegible] رسانی ابرهای تیره و تسلط و نفوذ دشمن
[illegible] مانع بود که با جبل [illegible] و تداوم بین دو همسایه و
دو برادر شجاع برای برداشتن بار خود جدائی
تا آنکه بعد از جنگ عالم سوز که این دو ملت بهوش
آمده و همت مردان کاردان افغانستان مخصوصاً یگانه
مرد بزرگ دوره حاضره اسلام اعلیحضرت امیر
امان الله خان دولت افغانستان استقلال
تام خود را دوباره از چنگ [illegible] آمد و روزگار و انقلاب [illegible] اسباب
عالم این مانع را برطرف کرده ایران و افغانستان با ایجاد ارکان
اتحاد و یگانگی کوشیده دو دست یگانگی بیکدیگر داده
بین دو جامعه [illegible] کرده میان ملل مظلوم شرق اتحاد و یگانگی
هستند که فعلاً صاحب استقلال تام سیاسی و مختار در امور
داخلی و خارجی میباشند جلوه میتوانند یگانه باشند و دو یگانگی
که اتحاد دینی بینها موجود است - چه هر دو ساکن یک بر و بوم
جغرافیائی یعنی دشت واسع مرکز آسیا، هر دو همسایه و آزاد
نژاد محسوب شده - در سابق که اجانب تخم نفاق را کاشته بود
دو دولت دقیقاً بین این دو مملکت اسلامی آبیاری مینمودند
تا شاید بدین وسیله این دو برادر را ابدی از هم جدا نگاه
دارند و هنوز میخواهند از آن آبیاری استفاده کنند، این
[illegible] اسلام گذاشت و یقین دانستند که هر دو مسلمان
و برادر دینی هستند و بساعی وطن خواهانه اعلیحضرت
امیر امان الله خان این اراده تعصبات عنصر
جاهلیت که از [illegible] درخت آنرا آبیاری کرده بودند از بنیاد
برداشته شد تا این دو ملت [illegible] غالباً اتباع آن دو دولت مستقل
[illegible] ممالک محروسه از هر جهت در حقوق مدنی مساوی و مخصوصاً
محترم هستند [illegible] که از هر جهت نزدیک تر از سایرین
میباشند یعنی [illegible] زبان رسمی آنها همان زبان
شیرین [illegible] فارسی است بیش جامعه ملل افغان و ایران که از
سالهای دیرین هر دو ملت یک رفتار ستم دیده از یک
خصم گذشته با یک قوه جابره و جابرانه خصم بیداد کردند.

بدیهی است که چنین دو ملت و مملکت همجوار
وحدت منافع دارند، و در مقدرات اجتماعی و سیاسی
همدوش و شریک اند چنانچه گذشته در فوق اشاره نمودیم
بحکم حقیقت نگریم افغانی، ایرانی و ایرانی افغانی است
بنابر این در سابق دشمنان این دو مملکت یکی بوده، و [illegible]
هم یکی هست چنانکه بعد از جنگ اروپا این دو
مملکت قدری از خواب غفلت بیدار شده، و [illegible]
کرد و [illegible] از میان برداشتند بلکه پس از رفع موانع [illegible]
اتحاد از طرفین بجنبش درآمده، روابط دوستی [illegible]
است، سفرا به یکدیگر مقام مأموریت خود مستقر [illegible]
گذارند، پاره قرار دادها و معاهدات مختصری [illegible]
مراوده و رفت و آمد بین طرفین زیاد گردیده و [illegible]
حمل و نقل و روابط تجارتی تسهیل شده.
[illegible] برای عملی شدن این یگانگی
از اینجا شروع شود، که اولاً هر چه زود تر ایران و افغانستان
برای آزادی وطن مقدس، و آسایش در [illegible]
یک اتحاد نظامی بایستی باهم به بندند تا بتوانند [illegible]
[illegible] مستملکات طلبان دول اروپائی [illegible]
خود جلوگیری از تجاوزات دشمن اسلام نمایند.
ثانیاً دولتین بمشورت و معیت هم در مقام
سیاست خارجی با سایر ملل مظلوم شرق [illegible]
و عقد معاهدات نمایند، تا شاید با این [illegible]
تمام ملل آسیا، که در وسط آسیا یعنی آسیا [illegible]
ایران، ترکستان، [illegible] افغانستان، هندوستان [illegible]
چین، جزائر [illegible] یعنی جاوه، بر اعظم [illegible]
افریقا، تا برسد بمصر و مراکش که دست اروپا [illegible]
گرفتار اند زنجیر اسیری بسته اند [illegible]
و دفاع حقوق مشروع خود عملاً حاضر باشند.
درین موقع خطرناک، که پولتیک دشمن
تمام فضای ممالک اسلامی را تیره و تار نموده
غفلت، و نفاق خود خاتمه داده [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 335 of 524

[illegible] ستان و وقت را منتشر شمرده جا بجا به مسلمانان گوشش
[illegible] نموده و جنگ دشمن اسلام مشغول کنند [illegible]
[illegible] این حضرت خیر الانام میباشند، بعقیدهٔ ما برای
[illegible] گیری از سیلاب فتون دشمنان، اگر مسلمانان بخواهند
[illegible] سلامت باید بسر برند، و شئونات خود را در مقابل
[illegible] با سر نیزه حفظ کنند، ناچار برای حفظ وحدت
[illegible] استقلال مملکت اسلامی خود با برادران دولت معظمه
[illegible] با هم عقد یک اتحاد نظامی برقرار نمایند
[illegible] خواهند در موقع خود، در دفع سیلاب اهل اروپا [illegible]
[illegible] اسلامی خود باایستند، اگر ایران، افغانستان،
[illegible] آسیا را از آسیائیان شمرده، آنوقت هندوستان
[illegible] با ایشان بر پدست و پا زدن آغاز نهند
[illegible] اروپا را بلرزه در آورند، و همانطور که آسیا را
[illegible] اروپا [illegible] ندارند، دست اروپائیان را از آنجا کوتاه
[illegible] امروزه سیاسات دول اروپا را بنظر دقت
[illegible] بنظر خواهد گردید که نتیجه این همه کشتی ها
[illegible] هوائی و بیلیونها فشون، طیاره ها
[illegible] در راه انهدام دول آسیائی هست [illegible]
[illegible] تنها سیاست، بر جمیع اهالی آسیا لازم است
[illegible] از دست اتحاد را نداده ملیت، و قومیت و
استقلال مملکت خویش را در تحت لوای یک اتحاد محکم نگاه دارند که
[illegible] عبارت از چین، ایران، ژاپن، ترکیه، افغان میباشد
[illegible] و بدون فوت وقت مامورین بصیر خود را
[illegible] فرستاده عقد یک اتحاد محکم آسیائی را در
[illegible] دشمنان اروپائی خود نمایند تا این قطعهٔ بزرگ
[illegible] آسیا [illegible] اروپ محفوظ مانند.

این قطعهٔ بزرگ تنها از طرف غرب بقطعهٔ اروپا چسپیده
[illegible] و اطراف دیگر این با بحرها احاطه شده [illegible]
[illegible] شکل [illegible] غیر منظمی [illegible]
[illegible]
[illegible]

جنوبی آن با بحر محیط منجمد و [illegible] آن بسمت غرب [illegible]
با کوه های اورال و قفقاز بقطعهٔ اروپا و بسمت شرقی
آن با بحر محیط [illegible] در ازای این قطعه از ساحل غربی
[illegible] تا [illegible] که [illegible] و از آن داخل [illegible]
[illegible] (۱۱.....) کیلومتر [illegible] است که تقریباً
[illegible] و اگر [illegible] آن [illegible] داخل [illegible]
[illegible] ماه [illegible]
تا [illegible]
(۵۳.....) [illegible]
که چهار [illegible] برابر قطعهٔ اروپا است در این قطعهٔ بزرگ [illegible]
(.....) ملیون نفوس [illegible] تقریباً [illegible]

قرارداد [illegible] قابل التعمیل نیست و فسخ شد

مکتوب وزارت [illegible] تحریر [illegible]

قرارداد [illegible]
[illegible] میرزا محمد هاشم [illegible] ریاست [illegible]
وزارت جلیلهٔ حربیه منعقد نموده بود [illegible]
که بعد [illegible] قرارداد خود موفق نشوند [illegible]
از نظریه جریدهٔ حقیقت که درباره انقطاع قرارداد [illegible]
مذکور که فایده [illegible]
مرتب نشده بود ریاست تحریرات [illegible]
نظریه خود را آن جریده [illegible]
مشعر از فسخ شدن قرارداد [illegible]
ادارهٔ حقیقت مرقوم شده [illegible]

اعلان [illegible] دکاکین [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] (۱۱۱) [illegible]

اطاعت شیخ محمره

طهران (۲۰) نومبر ـ امروز از دائره ارکان حرب ایران بذریعهٔ اعلان اشاعه یافته که شیخ خزعل (محمره) بحضور صدر اعظم ایران عفو تقصیرات گذشته خود را خواسته برای آینده اظهار وفاداری نموده است. کاشرفیابی حضور ایشان کرده است. سردار سپه ایران بتفصیلات او [illegible] کاملاً مطیع و منقاد شود عفو فرموده است.

مطالبات برطانیه از حکومت مصر

حکومت برطانیه نسبت بقتل سردار عسکر مصر و جنرل سودان مطالبات ذیل را نموده است:

اول ـ حکومت مصر درباره قتل مقتول بمکتوب مناسب معافی بخواهد.

دوم ـ برای کشف حقیقت این جرم تحقیقات و تفتیشات کامل بعمل آورده در تحقیق و تفتیش بکسی هیچ لحاظ نکند ـ و مجرمین این جرم را اگرچه دارای یک حیثیت باشند مجازات درست داده شود.

سوم ـ هم از حال الی مظاهرات عامه را سد و منع کنند.

چهارم ـ برای حکومت برطانیه نیم لک پوند بطور جرمانه تادیه نماید.

پنجم ـ در ۲۴ ساعت حکم اخراج ملازمان و افواج [illegible] مصری را از سودان صادر نموده مذاکرات نظریات این معامله را در آتیه انتظار کشد.

ششم ـ اعلان کنند که حکومت سودان رقبه اراضی [illegible] را اضافه از [illegible] فیدان حسب ضرورت نامحدود و غیر محدود وسعت داده میتوانند

هفتم ـ در داخل مصر حکومت محلی آنجا در مسئله حفظ [illegible]

مالک [illegible] جهت تسدید هرگونه مزاحمت که در داخل مصر بعمل آورده میشوند بنماید.

هشتم ـ اگر حکومت مصر برای تعمیل و قبول مطالبات فوق الذکر تسلیم خم نمود ـ حکومت بر[illegible] برای تحفظ مفاد خویش در مصر و سودان [illegible] مناسب اقتضا خواهد کرد [illegible]

نظریهٔ جرائد نسبت بمسئلهٔ حجاز

[illegible] مینویسد که اگر حکومت برطانیه در بزور اسلحه داخل حوادث میشد یک خطای [illegible] او بوده که از آن اقتدار و اعتبار شریف در عالم بالکلیه زائل میشد. جریده [illegible] مینویسد که شکست [illegible] شکست استعمار انگلیس است. انگلیسها او را از [illegible] خارج نموده حال در عراق بهر حالت او خطرناک [illegible] انگلیسها او را بر اطول گماشت [illegible] امداد کافی نکرد. آخر الامر ترکی او را با یک [illegible] شرمناک از اطول خارج نمود. مختصر اینکه [illegible] سازشهای انگلیس معلوم میشود [illegible] و لارد کرزن [illegible] ناکام ثابت میشود.

غلطی بزرگی که از شریف حسین سرزده [illegible] که قبل از شوره عالم اسلام بر قبول آن اقدام نمود [illegible] ظاهر میشود [illegible] انگلیز بر ضد خلافت شدید [illegible] سخت کمزور و ناتوان بود ـ و سقوط حکومت شریف [illegible] سیاست برطانیه [illegible] جریدهٔ دیگر [illegible] انگلیس در حوادث حجاز از الفت که [illegible] سیاستی که لاید جارج و مسٹر بالدون [illegible] بود و سقوط شریف حجاز عنقریب در [illegible] اثر پیدا کرده [illegible] مصر [illegible] خواهد رسید [illegible]

رابع [illegible] مینویسد که برطانیا امروز [illegible] اتحادیه عرب [illegible] گرد [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 337 of 524

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده: برهان الدین کشککی

جلد (۱) کابل دوشنبه اول جدی ۱۳۰۳ ش ۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق شماره (۵۶)

ورود سرکردگان بغات سمت جنوبی بکابل

چنانچه در شماره سابق خود گفته بودیم اینک تمام سران و سرکرده گان بغات پیشه با زنگهای بربد و کفن دریده و بچشمهای ملامت کشیده بریاست آقای عبدالاحد خان [illegible] وارد مرکز گردیده عنقریب بشرفیابی اعلیحضرت معظم غازی نائل شده خلعت امن و امان را در بر و کلاه مراحم و شفقت پدرانه شهریار افغان را بسر خواهند کشید. و هم حضرت آقای نور محمد خان وزیر داخله حسب الامر شاهانه از غزنین عازم مرکز شده که دو سه روزی در وردک مانده تا جمعهٔ آینده وارد کابل خواهند شد.

جناب غلام نبی خان معین تیراز گردیز خواسته شده اند تا در وزارت جلیله خارجه مصروف خدمات خود بوده، عوض ممدوح آقای محمد غوث خان غند مشر قبول اند تا انجا اعزام یافته است.

نفری لویخان میرزا مانخان بوا مشر با یک قطعهٔ دیگر از عسکری آنجا فاتحانه و کامیابانه از فتوحات شاندار سمت جنوبی و گوشمالی بغات منگل و جدران وارد مرکز دارالسلطنه افغانی گردیده اند که بعد از [illegible] و ملاقات اعلیحضرت غازی مسرورانه عازم مقامات خود میشوند.

حضرت اجل افخم وزیر صاحب حربیه نیز در صدد اخذ یرغل و ضمانت از باغیان بوده موجبات تسلیت و دلدهی اهالی و [illegible] مقامی انجا فراهم می آورند.

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 338 of 524

همه اغراض خود رای پرستیم ز رند باده کش تا شیخ و زاهد
این درد را علاج بجز اتحاد نیست

تشکیل احزاب متعدد، و تأسیس افراد غیر واحد، و دسته دسته شدن اشراف، و طبقه
طبقه گردیدن اعیان، اگر برای تعالی و تقدم و پیشرفت و انجام مرام جبرگ...
متعدد شده باشد، که آزادی حقیقی، و استقلال واقعی، سیادت اصلی، و سعادت...
مملکت افغانی ما را متضمن و مشتمل — پس بعقیدهٔ عاجزانهٔ ما نی! بلکه در وضع این...
است نهایت عالی و افکاریست زیبا و قابل همه گونه تفخر و تبانی —

زیرا بدیهی است که این مقصود محمود بدون اکثریت پارلمانی، و داشتن دست...
غیر ممکن خواهد بود — احزابیکه در مجلس وکیل ندارند و جمعیت ها پی که مقتدر...
که یک حصهٔ مهمهٔ پارلمانی از هم خیالان صاحب مسلکان و رفقای خود تشکیل...
کامیابی در کنار حتمی نخواهند توانست که یک قدمی رو بموفقیت در پیش گذا...
بایستی که اولاً در سرتاسر مملکت از طبقهٔ ادنی تا دستهٔ اعلی یک اتحاد...
و اتفاق برادری و دوستی صمیمی و محبت و یکرنگی حکمفرما شده، والا اگر برخی...
حضرات خیلی متمایل و دلداده رقابت و فرقه بندی و احزاب پروری با...
پس این رقابت و احزاب راست و چپ و کند و تند همه باید تنها...
تنها در امورات پارلمانی باشد و همه باید روی اصول و زمینه ترقیات...
اتحاد چنان اصول و طرق و اسباب و وسائلی باشد که تحفظ استقلال و پرورش...
آزادی ابنای وطن را بتوانند بعهده بگیرند.

متاسفانه در مملکت عزیز ما کلمه حزب و جمعیت هم مبتذل گردیده و مانند...
مقتبسات در اکثری از موارد سوء استعمال شده است — در عوض جد و جهد...
برای مملکت دست خیانت بدست دشمنان ملت و...
بجای فداکاری و جان سپاری، در راه اسلام و آزادی در بدل...

در اموراتیکه تعلق به ترقی و تعالی و مصالح مملکتی است عوض دست بکار شدن با خائنین و مسببین تیره بختی - بجای بذل مساعی در قطع نفوذ و مداخلهٔ دشمنان ترقی و تعالی مملکت افغانی و ایجاد روح شهامت و جسارت در عموم طبقات بگوشت و پوست یکدیگر افتاده ایم -

این دستهائیکه میباید بخون جنایت کاران آلوده شود، این ناخنهائیکه بایستی در خون کسانیکه ما را سالها از ترقیات بعقب نشانده اند فرو رود، این حربه های که فقط و فقط در جگر و گلوی سیه کاران خلانیده شود این ضربها و لطمه ها که باید به پیکر ستمگاران و سیاه روزی این مملکت اسلامی وارد آید - بدبختانه تماماً صرف خودمان شده، و این قوائیکه دست طبیعت برای انتقام از گناه کاران جامعه گذاشته تماماً بخرج خودمان رفته، عملیات و اقدامات مجربه خود را از دست خود عقیم و خنثی گذاشته بدست اعدای استقلال و آزادی و دشمنان ترقی و تعالی خویش موقع میدهیم -

بلی! این دست بیرحمی است که بتوسط دستهای خیانت رشته های اتحاد و حبل المتین اتفاق ما را بریده و آن مظلومین که جان و مال و ناموس همه شان می افگنند تا وی از حملات و دستبرد شان محفوظ و مامون ماند - آری این همان اجنبی خیره سر و این همان سیاست شعله ور او ست که یگانگی و اخوت ما را بر علیه سیاست خویش پنداشته و بر آراستی و فروتنی ملت ملوث و عقیم ساختن عملیات دولت و دور کردن اجراآت آزادی خواهانه بطریق معروف و غیر معروف از بازیچه و لعبه چال باز و حرام زادگی و انتریک و فریب خود قرار داده در ظاهر لاحول میخوانند و در باطن در موفقیت نقشه سیاست و کامیابی انتریک منافقت خویش که بصورت تشتت و اختلاف و کشمکش و غیره در بین ما در تموج و تلاطم است مسرور و رندگی با وجود مشغول بوده عاجز که با آلات و تابستگان او شاید بر دامنه حیطهٔ تحقیق و تطبیق سلامت و اخوت از تجاوزات مهیجت کار دانه و تعدیات ظالمانه آنان جلوگیری کنیم. بلی دشمنان بخلاف ما با کمال شعف و انبساط تقی کرده کف زنان های کوبان بخود بدین کامیابی خود مبارک باد میگویند و لی عده از ما تا هنوز در خواب غفلت بوده و تا حال که شده نداد و دست است که ما را با نیطرف و الطرف هیچ خانند - هنوز حس نکرده ایم که امثال این اختلاف و غیره

چه خطر بزرگی را ممکن است (حاکم بودن) متوجه ملت. مملکت کی [illegible] اسباب بازی سید [illegible]
و ما زی [illegible] امر [illegible] و دورا مجبور به روزی و صاحب [illegible] ببیداری [illegible] تمام مواقع [illegible]
که این اختلاف و اختصاف موجودیت مملکت شده [illegible] و ولیاقی که این [illegible] گیر [illegible]
روز گار سیاه [illegible] گرفتن [illegible] راجع بترقی مملکتی [illegible]

آه حمایت الله ابن خان نریالی

وریغا که شاخ گل نو شگفته — **فرو ریخت از تندباد زمانه**

این نگارنده مسکین، برهان الدین، در مقام تجدید اندوه و ادار سرگردانی دو مطلب فکر نقد مثال پا بلا احسان است. کرشته این واقعه اندوه [illegible] کیفیت حادثه [illegible] سوزیکه [illegible] اعلام نماید. دیکوقت در قید کتابت آرد. تقریبا ساعت ۱۲ بجه شب جمعه ۹ قوس ۱۳۰۲ اقبال برو [illegible] چمن امانیه، غنچه دلپسند شاه اعظم، صاحب صیت جلوت زبان گرفتار تطاول خزان گردیده، از شاخسار گل [illegible] (خالق الملوک) بمجموعه ساکنان قدس برین مستوطنان (اعلی علیین) پیوست —

سرو ناز بود از باغ شاه رسته [illegible] بسی [illegible]
[illegible] فروردین [illegible] جانشین گرفته [illegible]
تقریبا ساعت [illegible] روز جمعه قوس بود که عموم و زراء و اعاظم ملکی و نظامی برای ادای نماز جنازه آن نوباوه گلزار امانیه مکرر بار سلام در باغ [illegible] اعلیحضرت جمع گرفته بودند. با خبر صاحب [illegible] گردید شاه زاده از ابرا حاضر گشته بعد از جنازه ذات شاهانه نطق موثر نهایت رقت آور طاقت فرسائی را ایراد و در خاتمه آن مطالبی را فرموده که ما حصل آن تقریبا چنین است:

کمانان، کمیدکه این خادم ملت افغانستان از وقتیکه این فرزند معصوم خود تولد و متاثر است. زیرا که در تخم ایشان [illegible] بیاد واولاد وطن شما افغانستان در تربیت [illegible] و ازخواهیدی [illegible] زیارت شما را خواستارم، یک [illegible] معصوم از من بحق پیوست که از آن از شما گرفته باکه احتی فرزند سرور ابد خلاصی یافته است. و اینهم از روی عقیده اسلامی که دارم از منفعت دینی و اجر اخروی من نیست. من از همه شما حضار محترم که با من در اظهار [illegible] غم شریک گشتید ممنونیت میکنم و از فدای خود، شما و عموم ملت افغانرا باعز

وشروع [illegible]
خوا [illegible]
[illegible]
[illegible]

فرو ریخت از تندباد زمانه

و حضرت [illegible] در آن [illegible] بجلوت [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] معصوم [illegible]
تعزیه داری انعقاد داده خود هم را با امور [illegible]
دولتی یاد کرده ام. زیرا که خاطره داری بنا بر دو سه [illegible]
(۱) احترام حقوقی (۲) تسلیت بازماندگان. و الا
این طفل خورد سن معصوم است [illegible] امید [illegible]
و سن [illegible] واقعه [illegible] بوده [illegible]
در خدمت شما ملت و این مملکت [illegible] و [illegible]
آقای [illegible] رئیس [illegible] نطق [illegible]
بعد رواند تسلیت بتائید کلمات [illegible] و اظهار حزن و ملال
عمومی را بر روی حسرت آیات این شهزاده [illegible]
خاتمه آن را بدعا ترقی عالم اسلام خصوصا افغانستان و سلامتی وجود
مسعود این پدر تاجدار غازی یا کرد. قائد عظیم ترقی
مملکت افغانی است، با عموم حضار خاتمه نمود. پس از ان
تدفین این شهزاده معصوم در [illegible]
حقیقت و تمام قارئین آن با تمام افراد [illegible]
بر حسرت این شهزاده از عمیق دل ملول و محزون بوده
[illegible] فرمائیکه اعلیحضرت در این [illegible] فرموده اند چیز [illegible]
رسانیده لازم ندیده [illegible] ارشادات [illegible]
[illegible] ترقی اسلامیه و افغانستان [illegible]
اعلیحضرت امیر امان الله خان [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] و دیگر بازماندگان آن [illegible]
صبر و تسلیت را از رب العزت مسئلت داشته [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 341 of 524

قواعد درج مضامین

این اخبار هفته از بار تعطیل در کابل طبع گردیده نشر میشود. دیگر مقالات و مکاتیب مطالع رسال بگردد. مسئولیت تحریر به نگارندهٔ حقیقت. ارسال مقالات و اداره ... در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد است. اشتراک توسط خزانهٔ دولتی و ... تعدی از هر جا قبلا دریافت میشود.

شرح اشتراک

مقامات	قیمت ۶ ماهه	قیمت سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخلهٔ افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

مقام ... ارسال و ... اداره ... ادارهٔ مطبوعات ... دارالسلطنه ... امور ...

جلد (۱) کابل چهارشنبه ۳ جدی ۱۳۰۳ ش ۲۷ جمادی الاول ۱۳۴۳ ق شمارهٔ (۵۷)

کامیابی امان افغان بر مشکلات روزنامه نویسی

روزنامه نویسی پر صعوبت کاری است

معاصر عالیشان مجلهٔ امان افغان در سر مقالهٔ شمارهٔ (۹) خود می نگارد. قبل از اقدام بروزنامه نگاری عقیده داشتیم که کار روزنامه نویسی مشکل ترین کارها است و این عقیدهٔ ما درین ۲ سال بحکم تجربه راسخ تر گردید مشکلات بسیار که سابق تصور نکرده بودیم ... از روی تجربه تصدیق نمودیم. تصور روزنامه نگاران تنها عقیدهٔ ما است بلکه همه روزنامه نویسان معتقد باین عقیده اند و میگویند روزنامه نویسی صعب کاری است. صعوبت های روزنامه نگاری حسب قسمت عمده منقسم میشود. اول صعوبت جوهری که [illegible] روزنامه تمام صفات و ممیزات مخصوص نویسندگی و قدرت قلم و تیزی هوش وغیره را مالک باشند تا انظار جمهور را بخود جلب نمایند چنانچه تمام این صفات و ممیزات و کفایت روزنامه نویسی را دارا باشند خیلی نادر است. دوم صعوبت محیطی برای روزنامه نگاری یک محیط آزاد و عرفانی یک محیط سخن شنو و سخن شناس میباید تا برای جولان فکر و سیر خیال روزنامه نویس میدان وسیع و زمینهٔ انتخاب هرگونه موضوعات و مضامین مهیا باشد اما وجود چنین یک محیط مناسب در مشرق زمین هنوز در عالم خیال است و چنین است علت عملی انحطاط و تأخر آن. سوم صعوبت احتیاجی؛ وجود حاجات زیاد از قبیل [illegible] مطبع مستقل اداره خانهٔ موزون کتابخانهٔ کامل و امثال آن برای روزنامه نویس حتمی است که بدون یکی از این مادیات هیچگاه از پیش نمیرود. فقدان معنویات و مادیات فوق الذکر هر قدر بیشتر باشد صعوبت روزنامه نگاری هم افزوده و این صعوبات را روزنامه نویسان شرق

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 342 of 524

وسطی بخیر حس میکنند. ذکر صعوبت آنکه در راه بوقت
نویسی با موجود بهت مناسب نیست زیرا تا صعوبات فوق الذکر
را در اول وهله حس و تقدیر کرده بعد شخص آنرا حل تواند تعمیم
گرفته بودیم چیز یکه مناسب می نماید ذکر از میان رفتن
صعوبات مزبور بهت که معارف تقدان آن بهوا خواهان ترقی
عرفانی وطن اطلاع بدهیم. اینک در نتیجهٔ دو سال زحمات
و جانکنی ها یک مطبع متوسط فوق العاده ما امان افغان
و یکمقدار حروف جدید (۸، ۱۲، ۱۶، ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۴۰)
نبط و حروف رقم خط ترکی و حروف انگریزی را که گرید و
داشتیم خود دستی آن بکار افتاده واین نومرهٔ اولین
آن بهت که در مطبع خود ماش طبع شده و انشاءالله بعد از
بوعد مقرره پیش از نشر خواهد یافت و دیگر داشتین ها نیز آن
هم عنقریب دایر خواهد گشت. مطبع امان افغان هیچ زبان
شرقی عربی، افغانی، فارسی، ترکی، و اردو، و سه زبان
اوروپائی: فرانسه، انگلیسی، المانی را طبع میتواند. از حضرات یکه
درباب مطبع با ما مساعدت نموده اند در آینه تشکر میکنیم خصوصاً
از برادر عزیز خود آقای سید هاشم خان مفتش محصلین افغان
در المان که مطبع و حروف را با قیمت خیلی ارزان خریداری
نموده و دین و داد چندماه زحمت کشیده اند تشکر فوق العاده مینمائیم

حقیقت: — ما در اظهارات فوق که این ذکر برای
اهل قلم و اهل علم افغانی عقلا و اذهان شکا دارند و آن
عرفان ضمیر را حق بجانب دانسته برین موفقیت وکامیابی
و مجدد دادن جریدهٔ زیبا بیک آن عملداران نمایان تبریک میدهیم
در راه تنظیم و تنقیح و بر محور اصلی آمدن و بر موقع شائع
شدن اخبار نامدار خود کشیده اند او شان خواستار تبریک
و تهنیت گفته موفقیات مزید شان در خوبی و قشنگی و
زیبائی و صفات صوری و معنوی و بر اوقات مقرره
شائع شدن آن جریدهٔ عالی را خواستاریم

کابینهٔ جدید ترکیه

عصمت پاشا از باعث کسالت از ریاست
وزرا استعفا داده. کابینهٔ جدید ترکی در تحت ریاست
فتحی بیگ تشکیل و شکری بیگ پست وزارت ...
اشغال نموده پست فتحی بیگ دستور کابینهٔ خود را در
مجلس خوانده و مختصر آن اینست. (۱) الغای ...
تماکو (۲) تهیهٔ وسائل تامین و تسهیل برای اسرا ...
های خارجی (۳) تادیهٔ قروض داخلی و خارجی
(۴) نگاه داری یک قشون محکم (۵) اصلاح ...
و ترقی سرمایهٔ ملی (۶) محترم شمردن تعهدات ...
سیاست خارجی و انتظار تصفیهٔ منصفانهٔ ...
در مجمع ملل (۷) ایجاد رشته های دوستی ...
و تحکیم روابط قلبی با غرب. دستور جلسه که در ...
بکابینه بود باتفاق آرا مجلس تصویب گردید.

خطوط تلگرافی در ایران

مملکت ایران تا آخر سنه ۱۳۰۱
۱۹۵ $\frac{1}{12}$ فرسخ خط تلگرافی که ...
فرسخ امتداد دسیم آن بوده بهت تقریباً
۶۶۷۳۸ جلهٔ تیر آهنی و ۷۸۲۸۹
تیر چوبی نصب شده بهت و اغلب ...
خطوط از ۳.. الی ۶ میلیمتری است ...
و آنها ۳۲۲۱۷۴ نقره مصرف ...

نفری ایرانی توقیف شده در بنگال

۲۸ نفر ایرانی کلکته که بجنب ...
جاهد بنگال گرفتار شده بودند در ...
ها بی مخفیانه حکومتی و در مقابل ...
... پولیس هر اے ایشان ...
... بوده که در ...
شان بی اجازهٔ حکومت محلی ...
بدون استیذان حکومت از ...
مخفیه خارج تبعید شده اند.

کابینه جدید وزرای مصر

قاهره ۲۴ نومبر وزارت مصر بطور نمایان اعتدال پسند واقع شده فهرست اسمای شان حسب ذیل است :- زوار پاشا صدر اعظم و وزیر داخله محمد ذو الفقار پاشا وزیر خارجه ابو السعود، وزیر عدلیه صدیقی پاشا وزیر اوقاف . صادق یحیی پاشا وزیر جنگ . یوسف قطنی، وزیر مالیه عثمان محرم، وزیر تعمیرات عامه سید ابو الیقظی وزیر زراعت . محمد توفیق (?) وزیر مواصلات کاشی پا، وزیر معارف .

برطانیه و روس

لندن ۲۱ نومبر . رویتر حکایت کرد مستر آستین چمبرلین وزیر خارجه انگلستان حکومت روس را بیک مکتوبی آگاهی داده نوشته است که چون متحقق است مکتوب زینوویف "، اصلی است برطانیه از تسلیم نمودن و منظور کردن معاهده روس و برطانیه که بتاریخ ۸ اگست امضا شده بود، انکار مینماید، و نیز تحریر داشته که حکومت شاهنشاهی انگلستان صرف باشاعت مکتوب زینوویف از منظوری معاهده انکار نمیورزد، و بلی از اینرو انکار مینماید که جماعت لیونست علناً و حقیقتاً سعی نماینده حکایت میکنند و مکتوب مذکور مؤید آنست که برطانیه در اصلیت آن بقدر یک ذره هم اشتباه ندارد و نه درین باره ایشان شک بی افتد که پروپاگاند بالشویک جاری نیست . حکومت سابق . حکومت روس را متنبه نموده بود که هیچ حکومت این را متحمل نخواهد شد که در بربادی او حکومت غیر پروپاگاند جاری داشته باشد . لهذا حکومت روس متنبه باید شد که از چنین پروپاگاند اسباب خرابی کن سرمایه داری برطانوی دست بردار شود، ورنه نتایج آن خوب نخواهد بود.

حکومت روس در جواب مکتوبیکه وزیر خارجه انگلستان نسبت بعدم منظوری معاهده روس و برطانیه ارسال داشته بود، اظهار افسوس کرده احساس اضطرابی با اطمینان نمیکند در نتیجه آن منظور راجع بحکومت برطانیه داشته . جعلیت مکتوب (زینوویف) بلا دلیل و امارت نموده قرار داده بر جعلیت و عدم جعلیت آن فیصله و تصدیق و فای حکومت برطانیه را که تاحال برای تحقیقات مکتوب مذکور در ماسکو جدا شد برهان و دلیل خویشتن ظاهر نموده است .

عزیمت کابل

جناب عالی آقای غلام حیدر خان لوی ... (?)

بعد از دو نیم ماه توقف در قندهار و حیثیت و فعالیت بسیار، با توجه (و . ح) آقا محمد سرور خان نائب الحکومه جهار کندک عسکری قومی از جوانان بیدار و طرح جریا جمع آورده نمود و جانب قلات اغزی محترم دستخط نموده بودیم، که دو منظم ویلیا باسم جدید تکمیل و تحول کابل ... بسیار رشته و فرهنگ ... دو کندک منظم و یک دیگر تکمیل یافته حضر تب بکابل افراز خواهند شد و امنیک روز یکشنبه (۵) قوس مرده

افتتاح مکتب صنایع

صنایع نفیسه اندر ساحه وجاهت و عزاز خود
بسیار جهد و مساعی بعصر حاضره بحیث یک کار رسامی کرده
کار و صنعت و علم بدون آن چیزی نمیبود. در اهمیت
صنایع نفیسه در ساحه [illegible] امان افغانستان
انشاالله نشر خواهد شد لهذا ازین دو کلمه بیشتر [illegible]
جناب پروفیسر غلام محمد خان در فن رسامی و
شعبه های مربوطه بآن، و فن لیتوگرافی و دیگر شعبه
جهان شهرت های را حائز گردیده اند که موجب افتخار
افغانستان است و در اروپا هم از رجال درجه اول این فن
بشمار میرود چنانچه دو سال قبل ازین در اروپا رفته در دار
صنایع نفیسه برلن فن رسامی و لیتوگرافی و چاپ رنگه
امتحان داده در ظرف چند ماه رتبت کشی بنمره اول
برآمد شد و نام افغان را بلند و افغانستان را با افتخار ساخت
پروفیسر غلام محمد خان بعد از ورود به کابل به تشکیل مکتب
صنایع نفیسه عطف توجه نموده و به بار [illegible]
چند ۱۲ این وقت شاگردان برای مکتب تهیه
شده درین مدت بهمان دو سه ماشین خود دستی لیتوگرافی
که برای تعلیم شاگردان و بطور نمونه از برلن آورده بود
بعض اشیا از قبیل نقشه رنگه تاریخی فتوحات اسلام و [illegible]
رنگه و قطعه بازی و دستکاری رنگه و غیره طبع می کردند
بعد گذشته روز دو شنبه حضور شاهانه بجهت کار
پروفیسر صاحب اجمال شده از کار و مکتب وجود یافته
بالحق تا روز چهارشنبه شاگردان و لوازم ضروریه ولی
مکتب از طرف وزارت معارف تهیه و احضار گردیده بروز
چهارشنبه حضور شاهانه به مکتب صنایع نفیسه تشریف
آورده با حضور حضرت علای آقای فیض محمد خان
وزیر معارف، مکتب را افتتاح نمودند.
کار رسامی مکتب بحالت حاضره هم تا یک حدی
[illegible] رفته و [illegible] کار لیتوگرافی [illegible]

تعلیمی و ترقی مکتب برای آن ماشین [illegible]
[illegible] گردیده (۲۰) الی صد کرور [illegible]
طبع میگشت و همچنین عملیات متوسط ماشین اجرا [illegible]
لازم است. شنیدیم که حضور شاهانه خواستن [illegible]
ماشین ها و جمیع لوازم را منظور فرموده وزارت [illegible]
امر داده اند که غور نموده از اروپا جلب نماید.
از اجرای این مکتب که ترقیات عرفانی
عمران مملکت وابسته بترقی آن است نتیجه [illegible]
گردیده از خداوند تبارک و تعالی وجود مسعود
غازی ترقی پرور را که تمام امور را بنفس نفیس خود
درست و اجرا میفرمایند تا سالهای دراز [illegible]
الکمال زمان در امان خواسته توفیقات و تائیدات
ایزدی را بجهت برای شان نیاز میداریم.

رفتن وزیر صاحب معارف [illegible]
بسمت مشرقی

حضرت والا آقای فیض محمد خان روز شنبه [illegible]
برای تعمیم تفریح بسمت مشرقی رفتند. روز پنجشنبه [illegible]
وزارت معارف و مدیران مکاتب بزرگ مربوط بوزارت
وداع او شان بموتر تجمع کرده بودند. جناب وزیر صاحب
[illegible] وزارت، و توصیه های امور [illegible]
صاحب معارف نطقی مفصل نمود و در ضمن [illegible]
اعضای وزارت [illegible] اظهار عقیده و تشکر نمودند
[illegible] شروع کرد و چون تمام [illegible]
یک پیرایه [illegible] اظهار میداشتند. حقیقتاً
جناب وزیر صاحب بکلی مطابق حقیقت بوده
[illegible] و اعمال تمام با امور [illegible]

عزیمت مصطفی کمال پاشا

از خبرات [illegible] که مصطفی کمال پاشا بسمت [illegible]
[illegible] جرائد [illegible] حرکت اظهار [illegible]

تفصیل مقامات	قیمت [illegible] ۶ ماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

این اخبار و جریده ایام تعطیل در کابل [illegible] شرح مسوده [illegible] مقالات و [illegible] [illegible] [illegible] در امور تحریریه نگارنده حقیقت [illegible] [illegible] [illegible] اشتراک [illegible] [illegible]

حقیقت

۱۳۰۲

نگارنده برهان‌الدین [illegible]

جلد (۱) کابل پنجشنبه ۲ [illegible] ۱۳۰۲ ش [illegible] جمادی الاول ۱۳۴۲ ق شماره (۸ ه)

نوباوۀ اگر تخته اگر خام عزیز است

(اشعاریست که از مجموعۀ اشعار [illegible] شمرده [illegible])

[illegible] مستغنی موصول دست ممنونیت اداره حقیقت [illegible] است. از انجا که طبعا این نگارنده با امثال این [illegible] [illegible] مقصودی بجز از خدمت بملت و [illegible] [illegible] بدولت ندارد محض اسعاف مامول آن [illegible] نسبت بشعرای افغانیه درین شعار [illegible] شده است و [illegible] خلاف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عطف خیالات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] (م. ح. د)

گلدسته بود زین [illegible] بیجا [illegible]
مستغنی [illegible] [illegible]
از [illegible] [illegible] [illegible]
نوباوه اگر تخته اگر خام عزیز است
شاید [illegible] [illegible] [illegible]
دانا [illegible] [illegible] [illegible]
برهان [illegible] [illegible]
دانی [illegible] افغان [illegible]
از [illegible] [illegible] [illegible]
از فیض حقیقت [illegible]
از [illegible] [illegible]
از [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
از [illegible] شهنشاه معظم
[illegible] [illegible] [illegible] ترقی
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
مستغنی [illegible] حقیقت [illegible]

باشد [illegible] گلستان [illegible] حقیقت
باشد [illegible] حقیقت [illegible] حقیقت
چون [illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
دانی [illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
روشن [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible]
[illegible] حقیقت [illegible]

گر [illegible] حقیقت
[illegible] خریدار حقیقت
[illegible] خریدار حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible] حقیقت

[illegible] [illegible] حقیقت
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 346 of 524

صورت شرفیابی نصر میر زمان خان بحضور شهریار غازی
نوازشات و [illegible] بخش ملوکانه

روز دوشنبه (۲) جدی در قصر دلکشا اعلیحضرت غازی
شهامتی که تحت قیادت عالیجناب مظفریت همراه میر زمان خان لوی لوی
درین غائله سمت جنوبی در اطراف لوگر و شاه مزار و پیوار خدمت
وزحمت و نام‌آوری بسیار کشیده و مخصوصاً بجهه اظهار فعالیت
و شجاعت نموده داد مردانگی و حماست را در بهم جاداده بسباب
خوشنودی مخصوص اعلیحضرت آنجا و وسایل مزید غرمی و خوشنودی
اعلیحضرت محبوب القلوب غازی را فراهم آورده، در تمام معارک
بزرگ و حملات مدهش تلفات بسیار جزوی و معمولی داده
عدهٔ شهدا و مجروحین شان کمتر همه شان بوده است،
با دل و سرتاپا عزم خود بطور یک روز اول شرفیابی خود
بحضور اعلیحضرت غازی بیک جوش و خروش بالاعتنائی مشرف
شده بودند - اثبات وجود نموده بعد از وقفه قلیل ذات
جهانبانی رونق افزای دیدهٔ این سربازان با حمیت
که سراپا دیدهٔ انتظار شده شرفیابی ملوکانه را داعی
همایونی را بادل پیرورانیدند، گردیده مراسم تعظیم و تکریم
ملوکانه بطوریکه مقرر است از طرف عموم این اخلاص کیشان
و فدائیان بعمل آمد تمام جمعیت از زبان شان بطور یکسان آوازه
آواز ایه دعاگوئی و حمد و ثنای پادشاه گردیده تا
رسانیده تماماً سراپا گوش شده بکلمات ارادهٔ ملوکانه
توجه برگماردند [درین موقع نطق ارادهٔ ذات شاهانه
جوابیه حضرت والا عبدالعزیز خان وکیل حربیه نیابت
بعد و جلالت بود که قرار آتی را خلاصه مطالب عمده آن است]

خلص نطق شاهانه

فرزندان غیور دلاورم!
بهمه شما زنده باشید!

الحمدلله که شما را بصحت و سلامت ملاقات میکنم و برین
کامیابی و مظفریت شما درین غائله سمت جنوبی که مقابل
بعلم و تحمل بوده شما را تبریک میگویم.
خدای را شکر کرم کرد که آن دعیه و خیال الاتعم که نسبت
بشما فرزندان شجاعم در موقع ملاقات و لین خویش شما
حرکت نمودن تان بطرف سمت جنوبی نموده بودم اجرا
کرد، و شما کامیاب و مظفر باز نیز درین مقام سلامت
دعا میکنم که خداوند آن فرزندان با حمیت مرا که در
راه شرف شهادت پیوسته اند مزید بر مزید عزم و مقام
خود قرین داشته در ریاض رضوان از لقای ایزد تعالی
خرم و شادمان باشند - و بازماندگان شان را اجر
نسبت عطا فرموده مجروحین غیرتمند را شفای عاجل
نصیب کناد و شما را الی ماادام الحیات معزز و نامور
نیکنام داشته باشد! میخواهم که محض اعتبار و رشادت
ماندگان و تقدیر این سربازانی که درین غائله جانبازی
نموده سراپای خود را در راه خدمات بلامیت و افغانیت
وملت و مملکت خود وقف نموده اند چیزی مکافات نقد
وزمین و دیگر برای مجروحین شما مکافات نقدی بحیث
برای عموم شما انعامی عطا و کرامت بشود. [بلوازمات
جریدهٔ عیحدّه درین موضوع سرشته و هدایت لیاقت مند
فیصله داده شده است] و برای مستعید دارای عائله
هر کار یکه در خور حال شان در نظام یا در ملک باشد
خواهش کنند داده میشود. و اگر مائل بخدمات ملکی و
نبوده باد وطان خود حکومت را خوشنود باشند مستمری و
داده میشود. - این قدر است که شما و دیگر سربازان
افغانی در دفع این غائله ابراز داشته اید و مایان
که این خادم افغانستان و بلا شبهه نسبت بشما اظهار میکنم
که هر کدام از شما افراد و شما آنرا وظیفه بلامیت و افغانیت

بوده علاوه بران کاری نموده ایم لهذا بایستی که من بر شما منت گذارده و نه شما بر کسی احسان گذارید (در ینجا حضرت ... عبدالعزیز خان وکیل چرخ قطع کلام موکل نموده عرض رسانید)

عرض وکیل چرخ

اعلیحضرتا جبر الله که ذات شاهانه در بین مورد نسبت بذات شاهانه خویش فرمودند الحق که بجهان بسبب ... و در بین جا نمودیا بوده ایم که بر طبق فرمایشات موکلان کار ... کرده بوده ایم چنانکه ایفای وظیفه سلامتی افغانی نموده ... از اعتبار آن خدمات خود را که ملت و دولت شخص اعلیحضرت با خلوص کرده شیا و عقیدتمندی داریم نموده ایم. **والا فاضیکه** ذات جهانبانی نسبت ملت و مملکت ... خواهش شاهانه خویش کرده ... مملکت و سرسبزی و آبیاری ملت فرموده ... و معلوم شاهانه کرده من بر شما خدمت نمیگذارید — تنها احسان ملت افغانستان از صنف ملکی و کشوری تمام ممنون شاه میدانیم و این خدمه پادشاهانه نمیرود ... تا جان در بدن و روح در تن ما باشد ... محبت و عقیدت اولی الامر ... بایا ... اعتبار و تعالی عزاز خود خواهیم پنداشت ... که سالهای دراز سایه بهمایونی شما ... بر سر افغانستان و سایر سکنه افغانستان که ... فرمانفرمائی و قیادت پادشاهی شما ... و خیال ... افغانستان و افغانیا ... **وا افغانی** یک مثل هست که ... (... صد تن یک سر دو) ... اگر تمام ملت و دولت ... جلالت ... حضرت جانشان ... خود را قربان نمودیا خوش ... شخص اول ... کامیاب ... که ... است ... این ...

دیگر خانوادهء خالص ... گیستان ... از طرف شما بر خود فخر ... بواسطه وجود مسعود اعلیحضرت شما ... (در ینجا ... ذات شاهانه ... تبسم ... خود را ... نموده ...)

علیحضرت من از لوا مشر میرزا محمد ... و تمام ... القرآن ... نیکبا آوازین خواستارم چون ... تمام ... مسعود ... روحت ... کرده بوده است و هم مدنی ... و ... بعید هم اشید ... از وزارت حربیه ... تا ...

عرض میرزا محمد ...

لوامشر محمد ... عرضیه طولانی ... منتدی خدا که از خود و قوم ... چون در سمت جنوبی ... و با اختصاص ... از ... شاهانه ... از وضع ... که ... بشرف ... دین مملکت اسلامی ... اوامر پادشاهی بوده ... و حضرت رسالت پناهی در ... علاقه ... بوطن ... خود ... دولت و ملت ... خود ...

علیحضرت جبر الله که من شما ... قبول کنید که او ... شما ... والعاقبه ... کرده ... رجعت کنید.

لوی ... بار ... کلمات ... و عقیدهء خود را ... آرزوی خدمت ... با آخر ... عرض ... عرض ... شاهانه ... ما ... پدر ... مع ... خدمت ... ملت ...

علیحضرت بسیار خوب بسیار خوب است من از شما ... و شما ... خواهید ... شما هست ... در ... که ... شما ... باشید.

پذیرائی آقا علام محیی الدین خان ...

روز دو شنبه اول ... حضرت علامه محیی الدین خان نائب خارجه بعد از ایفاء خدمات قابل تقدیر اسلامیت و افغانیت درین موضوع اطراف لوگر گردیز بمحصال ... حضرت کبریا و خوشنودی روح پر فتوح سید الانبیاء (ص) و مسرت خاطر ... اعزازانه وارد وزارت حربیه گشت.

مراسم پذیرائی و احترام توسط گدسته عسکری و ... لشکری بعمل آمده چون از طرف وزارت حربیه بر آمدن معزی الیه قبلاً محفل پذیرائی و چای و شیرینی تهیه شده بود و عموم ضابطان و مدیران معظم و اعضای محترم وزارت حربیه انتظار ورود شانرا داشتند حضرت ممدوح بعد از احوال پرسی و ... و ادای مراسم مصافحه و معانقه با حضار و تبادل کلمات ... برای پذیرائی او حضور بهم رسانیده بودند و اعطای ... از حکایات و گذارشات سمت جنوبی ... شهر ... مشرف گردیده ... خادم محفل خود گردیده ... در وزارت جلیله خارجه الآن کماکان ...

حقیقت: ورود این نوجوان ... را تبریک گوئیم برین موفقیات براتش ... خود ... نیز در خدمات دولت و ملت و مملکت برایشان توفیقات حسنه را خواستار است.

ورود قوه نشانه کابل

روز چهارشنبه (۳) ... ازینکه آنجا برای رفع فائله سمت جنوبی از مدتی در اطراف ولایت لوگر و گردیز اقامت گزین بوده قرار فرمایش ... خود ... داخل ... گردید.

بعد ایفای مراسم تعظیم حضرت ... و ... تقریری مؤثر ... از احوال ... سیر ... از موفقیت ...

و ماده نیاشتی این سر بازان بسیر بیکبر بود. از طرف آنان تجربه اظهار سزید خلوصیت و عصبیت و فداکاری برای خدمات دولت و ملت و وطن و شخص اعلیحضرت معروض گردیده بعد اخذ لوی سلامی پادشاهی و نعلهٔ دعائیه (عمر دولت پادشاه) کامکارانه بمقامات خود عودت نمودند!

... قونسول افغانیه کراچی

اداره محترم محکمه ... که باد اورد ارسال داشته هست منبوله که حضرت عبدالغفور قونسول دولت متبوعه افغانیه متعینه کراچی از روی وطن خواهی و ملت دوستی که دارد یول تنخواه شش ماهه خود شرا بطور اعانه بغرض مصارف آن عساکر افغانیه مردانه که در اندفاع غائله سمت جنوبی داد شجاعت و حماسیت خود ها را داده اند، بوزارت جلیله حربیه با مراسله خویش که نسبت قبولیت آن وجه بوده هست ارسال داشته هست. ازان رو وزارت حربیه معزی الیه را بدین اقدام وطن خواهانه و جذبه اسلامیت کارانه او تبریک ...

حقیقت: نیز ازین همدردی آقای عبدالغفور خان مسرور و برایشان اجر جمیل و توفیق جمیل را خواستار هست.

شرفیابی سرگردگان ... بحضور اعلیحضرت همایونی

...

...

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

فوائد ... و ضوابط

این اخبار ... در کابل ... بر ...
... مقالات ... خطوط و رسائل
... امور تحریریه بنگارنده حقیقت
ارسال ... و مقالات ...
... اصلاح و عدم انتشار ...
... توسط قوانین دولتی ...

شرح اشتراک

نقاط	شش ماهه	سال
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزرا و شرفا	۱۱	۲۰

جلد (۱) کابل دوشنبه ۸ جدی ۱۳۰۳ ش ۲ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق شماره (۵۹)

هوای کابل

کابل زیر باران برف

... ... [illegible]
... دست ... بود ... و اولین برف
... بارید روز جمعه (۱۹) قوس بود که ...
... ادای صلوة صبح یک ... و لطافت
... اطراف و جوانب ...
... لباس سفید قبا پوشانیده ... دو دست
... کتاب ... مانند گردیده بود
... و آفتاب ... بود - این برف ...
... روز ... مقامات ...
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... آثار ...

بیاری بارید ... کوهسار ... و اطراف جوانب
چادر سفید پوشانیده ... برف ... (۶) انچ بود
در اثر ... سرد ... آغاز ...
... آسمان ... آفتاب ... آغاز ... روز
... آسمان صاف ... ابر ...
بود تا ... روز یکشنبه ... ساعت ... باز باریدن ...
... برف باریده شب دوشنبه اول ...
از ساعت (۱۱) الی هنگام عصر روز سه‌شنبه ...
بعد از ... در سرتاسر کابل ...
... برف باریده ... ساعت
... برف از باریدن باز ماند - ...
... کابل و فضای آسمان ابر ...
... بود بعد از ساعت (۱۲) شب مذکور ...
... آسمان صاف ... پرده سحاب را
... بود ... شب ...
روز چهارشنبه ...
رو به تنزل ... روز گذشته ...
... (۹) ... روز ... ساعت

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 350 of 524

برف توقف تا ساعت (۱۰) مانند بهار باران آغاز شده متعاقباً برف و باران با هم مخلوط که عوام آنرا ...
تا ساعت ۴ بباریدو اثری از آن بجز از گل و لای در کوچه های کابل پیدا نبود، بعد تا شنبه شبانه هوا صاف بود
و روز ... آفتاب جهانتاب ... غبار بود عصر شنبه باز برف باری آغاز نهاده تا ساعت ۹ شب ... برف بارید باز ...
... دوشنبه ... کابل برف بکمال شدت بارید باز آغاز نهاده فضا اخبار آلوده بسردی بکمال شدت حکمفرمائی میکند
بمناسبت این موسم راقم الحروف اشعاری را که در زمان طالب العلمی خویش در صفت سرما و شدت شتا از کتب
شعرا آنا مور در بیاض خود جمع آوری نموده است محض تفریح ناظرین کرام ذخیرهٔ مقدمهٔ این سرد مصیبت التیام مینویسم

موسم سردی شد و سر گرم بخندید آب — بط بسر بیضهٔ فولاد گردید از حباب
حلقه ها ... دام ها ... عنکبی گشته زیخ — کاش بیند چشم او خط شعاع آفتاب
تا نه بیند از نگاه دور آسیبی ز برف — هر زمان خورشید گیرد پرده بر چشم از سحاب
پیش ازین تعبیر نتوان کرد از بیداد دی — چشم میگردد سفید از برف را بیند بخواب
زین ریاضتها که در ایام سردی میکشند — جای دارد گر روند اهل زمین بر روی آب
دود هنگام و داغ شعله از بیم هوا — بر سر آتش فتد مانند موج پیچ و تاب
از زبان تیشه یخ را سرزنشها میکنند — گر نبودی سخت مرد از شرم میگردید آب
کس درین شبها نیابد نشان روشنی — آسمان تیر بی تاریکی فگنده از شهاب

فصل سرما شد که دیگر دستها افتد ز کار — همچو ایام خزان چو برگ ریزان بهار
بوستان کز لاله پوشیدی قبای یک تهی — این زمان از برف در برکرده رخت ...
قطره های خون که باشد رزق طفلان دیه را — شیر نا گردیده می بندد بپستان ...
نغمهٔ رنگین و تر کز لب برون آید بگوش — آشنا ناگشته می بندد چو لعل گوشوار
موج بحر بسته کار تیغ و نشتر میکند — گشته مانند دکان سر تراشی آبشار
سینه چاک است اکثر منقل ز دست انداز دی — چون جگر گر سوده الماس گرد زخم دار
نی همین عضو جدا از پوستین افگند پوست — گر بر آید چوب زاتش پوست انداز ...
جای گرم از بسکه مطلوب است در فصل چنین — بر نخیزد دود آتش همچو زلف از روی یار
این زمان از تاب سرما بجز گرم شب چراغ — سر کشد ... جز و ... خود کرد ...
لرزه سرما از بس بیتاب دارد شعله را — گر نباشد گنبده بر پائش ... میگردد ...

فوت مادر [illegible] نائب الحکومه هرات

یک نوع تواردات دار[illegible]
چنانچه برادر درد [illegible]
آقا یار [illegible]

جنت [illegible]
[illegible] بوت [illegible]
[illegible] حرف

[illegible] ناگهانی فوت کرده . مشار الیه یک شخص [illegible] و [illegible] خدمتگار صادق دولت بود . وعمر خود را از صداقت [illegible] بخدمت حکومت گذرانیده ، از اوضاع حاضره با معلومات و واقفیت داشت . زبان انگلیسی را [illegible] میدانست خاطرش بترقی وطن [illegible] مایل بود . گویا مرگ مفاجات در خانواده [illegible]

خلی دانسته و یک شخص فاضل و صاحب اخلاق ستوده بود . در موقع حرکت با حضرت عالی آقای محمد ولیخان در زمره هیئت سفارت فوق العاده افغانی باروپا و امریکا شرکت گفتند . از وفات همچه یک خدمتگار صادق و مرد لایق حقیقت هم با تمام افغان اظهار تاسف نموده برای آن مغفور و بازماندگان او اجر و صبر را نیاز مینماید .

پذیرائی وزیر صاحب داخله

روز پنجشنبه ۲۴ جدی عموم اراکین معظم وزارت جلیله داخله بحضور ... حضرت والا غلام محمد خان وزیر داخله ... اعضا ... ریاست تنظیمیه شان ... اطراف و نواحی غزنین مظفر ... شان ... کار ... حضرت ... شرف حضور بهم رسانیده ... مرتبه ... امور کلیه عسکری ... وزارت جلیله ... مراسم تعظیم ... ادای ... مراتب ... و ضوابط ... وزارت ... بوسیله مرحمت ... الی ... گردیده عقب آن عموم مدیران و منصبداران وزارت با حضرت وزارت پناهی مراسم مصافحه و معانقه را بجا آوردند .

سپس از آن بصرف شیرینی و چای ... شده بود و بعد ... کلمات ... گذارش ... حضرت ... وزیر صاحب ... و عموم حاضرین ... دولت ... حضرت ... شد ... حقیقت ...

تبریک آقای محمد سلیمان خان نائب الحکومه

شنیدیم که از حضور والا ... حضرت معظم غازی نظر شیوه خادم نوازی که دارند چندی قبل برین (د . ج . س . ا) آقای محمد سلیمان خان نائب الحکومه ولایت قطغن و بدخشان سابق وزیر صاحب معارف افغانستان نظر بخدمات فوق العاده شاندارے که در وزارت جلیله معارف در موقع وزارت خویش نموده که به عکمان روشن و هویدا ست نموده اند و هم در اوان نائب الحکومگی خویش در ولایت قطغن و بدخشان چنانچه شاید و باید خدمات مفوضه و وظائف محوله خود را بیک صورت بلاغت کارانه مدبرانه انجام و ایفا نموده موجبات خوشنودی خدا و رسول و دادگاه ... معظم غازی و عموم ساکنه آن اطراف ... حاصل ... بنشان عالی ... سردار اعلی ... امتثال و اقران سرفراز و ممتاز فرموده اند .

حقیقت : — بحضرت غازی ... خادم صادق تهنیت و ... آقای محمد سلیمان خان ... دانی و خادم نوازی پادشاه ... خدمت و ... از ... خواستار است .

خورشید سان ز مشرق دانش طلوع کن

خواهی اگر بجمع اهل صفا شوی — باید بعهد کردن خود باوفا شوی

بر عهد خویش چونکه وفا کردی ای جوان — نوری رسد بدل که بسی باصفا شوی

راهی برو که جمله نکویان برفته اند — تا شمع جمع گردی و خود رهنما شوی

شب تا بصبح منتظر نور آفتاب — حاجت نه بنور غیر چو خود باضیا شوی

خورشید سان ز مشرق دانش طلوع کن — تا برتر از کواکب و شمس و سما شوی

صنع خدا نظر کن و در او نمای فکر — تا آنکه خویش مظهر صنع خدا شوی

بیگانه شو ز هر چه بجز او وجود یافت — وانگاه در وجود با او آشنا شوی

دام از برای کس مفگن بهر دانه — تا از مقام دام خلائق رها شوی

بر بینوا ترحم و بر عاجزان کرم — بنما که خویشتن با شرف با نوا شوی

چاهی اگر ز راه ستم بر کسی براه — البته خود بچاه ستم مبتلا شوی

پیوسته در جهان اثری در طبیعت است — کردی اگر جفا تو اسیر جفا شوی

درد کسی اگر نمائی دوا بدهر — از بهر درد خویش یقین با دوا شوی

حقارت ار کنی تو شاهی بهر گدا — شاهی اگر فقیر و حقیر و گدا شوی

از بهر بندگان خداوند منتقم — انکار را مجو که بر خود رضا شوی

صادق اگر که سعی کنی در امور خلق — فرخنده و ستوده و فرخ لقا شوی

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل ... نشر میشود ... مقالات در ترتیب ... آزاد است ... و تنقید ... حقیقت ... رسال و مقالات واصله ... درج ... و عدم ... آزاد است ... بعضی ... و در صورت عدم ... مضامین آن

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
داخل مملکت کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۳۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

... از سادات و علما ... هر ... اخبار ... اسلامی و ...

جلد اول کابل چهارشنبه ۱ جدی ۱۳۰۳ ش ۲ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق | شماره (۶۰)

خلاصه اجراآت ریاست تنظیمیه غزنین

(اجمالی است که) ... حضرت محترم آقای غلام محمد خان ... رئیس تنظیمیه غزنین بغرض ... باداره ارسال داشته است ... روز ... (۲۰) بعد از کابل عازم غزنی شدم ... آباد ... ... از ولایات ... بغرض ورود ... مطلع نموده ... مردم ... وردک هدایت دادم که چون ... بغرض نجات ... بر حمیت اسلامی خویش محافظت ... و دولت ... خود را ... نموده ... از حکومت خواستار باشند ... شوند ... اطلاع دادم که ... آمده ... بر سابق ... نظام بوده اند ... و دیگر ... مذاکرات ... بعد از ... غزنی رسیده ... و ... حکمران ... منصبداران ملکی و نظامی و ... غزنی ... داده ... دست داده ... مراتب حقیقت ... افغان ... غازی ... ظاهرا ... بسبب ... حکومت ... اطلاع ... است ... در ... جمع ... رسیده ... احتیاط ... از قوه غزنی ... پیاده ... سوار ... محمد ... فرستاده است ... آن خبر رسید ... شد ... آقای محمد ... مامور ... شد ...

... و ... ضرب توپ ... حرکت داده شده و ... تعقیب ... بالاخره ... عقب نشاندند.

... واسطه ... نزد علی ... آقای محمد ... سفر ... ملک ... و ... اخبار ... گرفتار ... فقط در موقع ... شده ... صلح ... دیگر ... شجاعت ... با وجود ... بصورت جنگ ... خود را ... الحاق ... در ... عبدالودود ... بکابل فرستاده شد ... گشته ... داده ... بعد ... سرقت و ... عبدالحی ... و ... بوده ... باغیرت ... از حکومت ... بوده ... این ... کمال ... در شجاعت ... با کمال ... خود ... شدید ... پریشان ... حتی ... حضرت ... اتفاقا ... بر درخت ... مقتول ... و ... انقلاب ... (۳۰) نفر رسیده ... بود ... از این ... انقلابات ... مخصوصا ... کارطوس ... اعلان شده ... کادر ... باغیان باشند.

در موقعیکه ملا عبد الاحد نام سرغنهٔ مشهور باغیان
خیال تاراج نمودن مسافرین را که پول و اموال وافر
داشتند، نموده بود، و کمک عبد القادر خان برخلاف
او ایستاده مسافرین را از ورطه رهانیده به قلعهٔ خود پناه داد
و نیز آن مفسدان چون پل شیخ آباد را سوختانده برای
حمل و نقل اشیا مشکلاتی را تولید کرده بودند عبد القادر
بکمال سرعت سر از نو او را تعمیر کرد، قوه های دولت
را برای محافظت راه و تعقیب باغیان تاکید کرده چند چیز
انعام نقدی علاوه بر تفنگ کارطوس بخشیدیم.

شب ۲۴ حمل اطلاع رسید که ملا عبد الاحد و
دوست محمد مفسدین با یک جمع بزرگی از اشرار در گرگان
مسجد بر محمد حسن خان حاکم وردک حمله برده حالا در رسانید
تاراج نمودن خزانهٔ دولتی که در شیخ یاسین است حیات شدند
علی الفور خبر محمد توکیل با یکعده از سواران شیخ یاسین
فرستاده شده و برای اهالی آنجا نیز حکمنامه های تاکیدی در
بارهٔ تعاقب این جمعیت باغیان و تحفظ خزینهٔ دولت
تحریر نمودم اما این جمعیت تبعات اهالی سود رفته بقاعدهٔ
تاراج و دست تطاول خود را بالای اموال و خانهای
اهالی دراز کرده، بالآخره این جمعیت فساد پیشه از تحقیر
و شجاعت ملک شیر خان و باقی لغزی و کرتانها منفعلین
و اقوام آنجا مغلوب شدند سرسیمه و پراگنده شده در حوالی
سواران با رود گرد رسیدند خوش نخانه آقا عبد الاحد
رئیس تنظیمیه وردک و آقای محمد سمیع خان کمکعودهٔ بزرگ
عسکری رسید از حسن مساعیات او شان ملا عبد الاحد
شیطان دستگیر شد.

سابق برین بر (۲۰) اسد … خزانه شده
بود چون در آن مرتبه چنانچه شاید و باید ترتیبات در دست
نبود و هیچ تحریری بوده و خوب گمان داشتیم که آن سعادت
جنگیان تا هنوز تکفیر کرده خود را بدستی رسیده خبر ما
… از بین رو قوه های دولت باتفاق آقای
عبد الکریم خان کمک … غزنی و آقا محمد شریف خان لواء مشر تحقیق
و نظم … مقررات کرده …

خوانین گفت شنیده شد … انگریز (۲۶) اسد
… بر اطراف و نواحی غزنی منتشر از (۳) …
خود آورده اند در اخر آن دیده شد که قلعه …
و قلعه سردار اکبر محمد خان … که …
تحت تصرف آنها بهت … در نزاع … چنان …
بالیستی اولا بر باغیان حمله آورده شد که …
آوردن ضروریات لازمه باید پرداخت …
دانا ند که با ضعیفی … آنها … خوشتر …
ما شوند در … حکم قلعه شهری … شهر داده …
شده که خراب و غلطیده بود و مهر … در دست …
اهالی غزنی شهر … صحیح کرده …
بالآخره (۲۸) اسد باتفاق …
نمودیم چون … تحت … آمده اند …
مبادا که غلط فهمی تولید شود از بین رو ضرور …
بالاخره ها چیکل احمد خان و میرزا فتح محمد خان و جنید …
ضرب توپ به قلعهٔ … محمد … زیر … گرفتند …
از قلعه … بیاید جا از … رو …
بر سنگر بالا حصار بالا … خبر شود …
عبد الرؤف … غند مشر با دیگر منصبداران قوه …
مفسدان قلعه حمله برده محاربه بکمال شدت …
شروع شده در … تمام …
استحکام گرفته بودند بغرض معاونت رفقا …
آمده تمام دشت از او شان مملو شده در بین …
محمد عمر خان لواء مشر و عبد الکریم خان غند مشر از …
باغیان چنان زیر … گرفتند که …
اکثری از او شان مقتول و عده مجروح و باقی …
مبارک … پناه گزین شدند و بالآخره …
زیارت بالای آنها طوری بمباری آغاز شد …
با مجروح و برخی از آنها جابر شده تا عصر …
… شهر داخل شد … اشرار …
… سرغنه که … کرده …
که با عیان بوده باشند ازین رو لواء مشر …

قلعه را محاصره نمودند لذا افواج دولت ورا لیا بطرف کشا
نه حمله کرده با جرگه رسیده رو مانع شده گفتند که افواج ابتدا
خود شان بغات بیرون میکشند و القوسر از افواج تربیات درست
ایشان تعمیر را آماده نشود بر قلعه مذکور حمله آور
شویم. چنانچه افواج دولت که درین قلعه پناه گزین شده
خود بود فرار برقرار اختیار کرده بنا دادند این فتح نظامی
و حکومتی را برباد داد افواج دولت برای محو جمعیت افغانی
ترتیب داده بودند آنها افراد عسکری بقدر لازمه قطاعی تیر داده
در دفعه یکبارم منسوخ خود را قلعه بند نموده بودند

یکاول بغات که اطراف نواحی غزنی خوب بلاز شاه عشقی
بود و مروه مالی نیز مسدود شده بود چنانچه باد مفاد
و اسباب لازمه فدوه دولت که از کابل بغزنی می آمد
همراه آن چند تن رساله شاهی چیزی نفری قومی ملکی
و زرخان وردکی بود در عرض راه از طرف بغات محصور
شده آنچه مردانه وار با آنها جنگیده اند چون قوه بغات
بیشتر دیده اند و اپس بود که رخته یکی از قلعه جات پناه برده
بعد دو سه روز که بغات بعقب کشتی مجبور شدند
راه خلاص و تردد جریان یافت . وارد غزنی شدند .
هم چنین در دفعه جاجانه از مقر بر آمر قیات
غزنی خواسته بود نیز شنیدم که دسته از بغات جال جاجی
بودن را بران وارد داز ... گرفته اند
جاجا بود گفتم و دیگر برای غزنی با شنبو از خان و
وحید الله خان فرستادم بغات چون تاب مقاومت
ندیدند مایوسانه برگشتند .

بعد از انکه از طرف بغات نسبتا ... جمعی حاصل شده از
حسن ... عبد الحکیم خان حکمران شروع بجمع آوری نفری
قومی خریداری ... و تهیه ... آورده گندم و علی
شروع بسیار خوب جوش برضا تبلیغات نموده نفری قومی نیز
یک اصول مرغوب جمع آوری شده اولین قوه قومی که
بغزنی آمده و وزیری شاد جوی در تحت آن طائفه محمد خواجه
و چهار دسته ... بوده و مدله که ... سرداران شان نیز
از ... نفری قومی مقرر گردید .

بعد از ... یوس بغات ناکامیابی خود را ...
اطراف نواحی غزنی مشاهده کرده درین روزها شرارت بغات
گری را در اطراف و نواحی ورک بکمال شدت و حدت گذرانید
او لیه اندازه سه هزار باغی مسلح از جبال دره شیر سر گرد کی
دست بغات بر حمله گروه چه ملکهای آورده شده ...
اندری و خالداری ملکان و کلانان آنجا را قسم رحمل یا و
برده بالاخره قریه دارو یا ای حسن بیگ مشهور افغان ملک ورک
با نفری زیاد قومی خود بتعاقب اشرار که هزار از قوه اساسی
و شجاعت افغانی نه تنها بار رحمل های رحلاص بلکه برای
اشرار تلفات زیاد رسانیده و اینده همچنین یک دسته بسیار دیگر
اشرار از شرارت عبد الکریم خان تحصیلدار ... در قریه کسد
گزین بوده خیال حمله در علیه حکومت و رعیت داشت
برای قریه داران اندر و تا جکیه اطلاع و کمک معاونت داده
شد تا بمقاومت و مدافعه ثابت قدم باشند بیک جواب
نظامی ... از غزنی میرسد چنانچه از رسیدن این مکتوب
و مطلع شدن بغات از این کیفیت خود بخود پاشان شدند .
به ۱۴ سنبله اطلاعی از جناب عبد الاحد خان رئیس تنظیمیه
ورک رسید که بغات احمدزائی و منگل و جدران ...
تنگی شده و ملک بار او غره آنجا را قسم رحمل برده بجا ایستاده
که برده ... ایران نمود اندرین حیله سفر استاده ...
... از جانب ... لازم است و همچنین ...
و ... بلند ... است درازی ... و ...
رسانی بغات ... گو ناگون نموده اند ازین رو شب
۱۹ سنبله آقای محمد عمر خان لوا مشر و عبد الرؤف خان
و عبد الکریم خان غند مشران و باقی منصبداران نظامی
و غیره ملکی با دو کندک و چند ضرب توپ و غلّه خود و
و خزانه دار و و بازار کل و پرو غرام کافی بدان طرف حرکت
نموده ساعت ۵ صبح چون بقریه کمال خیل رسیدند با
بغات سر دو چار شده تا ده بجه روز آتشبار شکست
و اذونیک عده از بغات شکست خورده ... قلعه الدو داد
اخترخیل پناه گزین شده و از آنجا بر عسکر فیر می نموده اند
قلعه مذکور زیر آتش توپ گرفته شد و با سطحیره

وقت جنگیدن تحت کوهی تقسیم شده ومن کاملاً افراد اشتوی
شناگر گرام کو تقسیم اسلحه واخ نموده گر تحقیق نمودم
تعاقب شد اکثری از آنها بود تعلق پرو به فوی آنها
لوامشر محمود صبری تنظیمیه ورود کی تا عبدالاحد خان
نوشته بفرمایند اگر اکثری از شرار ودمان دیار باشند
تا خود از نزود برسانیم در جواب تحریر شد که بفضل تعالی
گویند و کنار هیچ خبر و اثری از بغات نیست و افغانی
قوی (۲۰۰) سوار ازشش کادر برای امن در تفوی این ملک
داده اند و شاه زاده والی بغزنی خواستم و درین فتح و منظر
شاد ما نی کرده و مهمانی را ترتیب داده عموم منصبدارها
شاه زاده از خورد و بزرگ یک یک پوستین اعلی وسلاح افغان
شاه زاده فرا خور حال شان روپیه نقد نیز بخشیدم
در اوائل میزان با سطوح وجبا خانه را که فدائی
دولت از قلات خواسته بودم بانفری مسلح قوی
وتعالی بمعیت هیچ ... شش دو سه محمد خان ناظم
حکمران ازکان لغزنی رسیده و تا چند
درغزنی قرار داده امر گرد تقسیمات فرمایی
دولت اجراآت نموده چون لنستانا کا
نی مقامی آنجا رو بکمی گذارده بود و هم نفری
بتعداد کافی در آنجا موجود، لهذا زین روحسب
الاحکام وزارت حربیه از هر قوم و قبیله وعشیره
چیزی چیزی نفری بار خوشی وتسلیت خاطر آنجا
تفریق نگهداشته شده ومابقیه آنجا بمعیت ناظم
صاحب برای انجام مهام انتظام مقامی آنجا
عودت کرده اند.

در لیل (۱۹) میزان عمل ۲ بجهٔ شب
بر وفق امر که بدستخط انجم نقطه جناب والی
بحرکت قوای نظامی مقیم غزنی بقیادت
آقای محمد عمر خان لوامشر بصوب خدمت و دیگر
علیات لازمه بود رسیده بافتند به دولت
خدا خواستار بودم که با قدر یک ساعت مصلحه و

گرفته بجای بعد و فرمان حضرت خاقانی
مفتون برای ادرهن مانع شدن تهیه نمودن غله و
پوستین و دیگر ضروریات عسکری را برایشان
فرموده زیرا کجا اراذل بیان اعلی الاکثر
برقرارهم آوردن غله و چوب وکاه و پوستین
ضروریات عسکریه باتفاق حکمران صاحب
تقریباً جمل کنندکی سربازان قومی را فراهم
نموده ام که عده از آنها در خود غزنی و بعضی
از ونشان در خدمت واکثری از آنها
اعزام شده اند.

[در نتیجه حضرت وزیر صاحب ...
اصلاحات جدید و تشکیلات عالیه شاه زاده
امورات ستاره و امورات حربیه
الآن ولا فرموده اند با صورت ...
... اختیارات شان کم است ...
طرز عمل و حیثیت ...
نموده اند و با عملی از گذارشات ...
وانعام واکرام با اعلی نموده اند و صورت
نوای قومی را یک گرمجوشی فوق العاده ...
متابعت خود شاه زاده از غزنی در عرض ...
اند. که اندرج ... بواسطه طوالت کلام ...

شکایت از کل ولایت

تکلیف و زحمت ...
ما از موقع ...

کابل ... مدرسه ... محتاج نیایم. چیزیکه موجب حیرت ...
انتظام و نگرانی بلدیه است که با وجود مصارف ...
درستی کوچه و سال ... نام افراج کل ...
از آنها ... بلدی ...
با اکثر ... دو سال ...
بیشتر ... بخواهد بود ... آیا ...
بیک اصول درست ... نموده آبروی ...

... اشته شده و بلدیه مایل است که جوابی بنویسد اداره حقیقت برای انتشار حاضر است!

قواعد تحریر و اداری

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز نشر میشود و بدیگر مقامات در پسته ارسال میگردد. امور تحریریه بنگارندهٔ حقیقت ارسال و مراسلات واصله در اداره بتحریر و در اندراج و اصلاح و عدم اندراج آن آزاد است. اشتراک بتوسط حواله دولتی و بصورت نقدی از همه جا قبلاً دریافت میشود. نگارنده برهان الدین کشککی

قیمت اشتراک

تفصیل مقامات	۶ ماهه	سالانه
در دار السلطنه کابل	۵	
در ولایات افغانستان		۱۱
در ممالک خارجیه		۱۵
	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل شنبه ۱۳ جدی ۱۳۰۳ ش ۷ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق | شماره (۶۱)

بغاوت بسمت جنوبی از نقطه نظر عموم

از طبع نقاد میرزا محمد ...

فلک چه شور و شر افگند در جهان امسال | که از جفا و ستم ساخت عالمی پامال
ز تیر و تیغ چرخ و از جفای سپهر | بیان او نتوانم بصد هزار مثال
به هیچ وقت چنین واقعات کس نشنید | نه در زمانهٔ ماضی نه حال و استقبال
بدینه گشت ز دلها رگ ترحم و مهر | ز خوف مانده و نه اندیشهٔ ثواب و بال
کدام سر که نشد سرنگون به تیغ اجل | کجا دلیست که از خون نگشت مالامال
کدام تن که درو خنجر جفا نخلید | کدام جان که ز بار الم نگشت ملال
بجای اشک نه هر دیده ریخت خون جگر | فضای سینه ز اندوه گشت چون غربال
ارادهٔ ازلی را درین چه حکمت بود | که در میان همه افتاد جنگ و قیل و قال
جهانیان بجهان هول روز محشر دید | رمیدن از همه کس دل بمیدان ...
ز دیده شرم و حیا رفت لطف و مهر از دل | ازان گروه که ندانسته اند حرام و حلال

دفعتا اگر یابد چه عجب گر کند
فسادی که شد مستمر در طریقه اسلام
به عقل تا بماند فرق اهل عقل و حق
خیال باطل شان بر همه هویدا گشت
ز هر طرف گرشد هی گروه هم یکجا
زاده نبی خدا و بدین چنین حافظ
خیال باطل ایشان که زین دروغ و دغا
جناب خسرو غازی امان ملت و دین
شد از دیانت خوب و فکر همت خویش
نمود عسکر را ایجاد بهر خدمت دین
امیر دولت افغان و شهریار جهان
چراغ سلطنتش چو کرد کار افروخت
لسان مردم نامرد هر که از جهل
چه مهربانی و لطف بگفت تا امروز
چو گشت چند کس از ناکسان هم یکجا
چو شهریار رعیت نواز دید همه
برای صحبت ایشان آن جفا کیشان
ز راه حکمت و نصیحت صلحا
صلاح خیر همی شد ز رنگ شان
بگفت کسی را که باشند سیاه
هر آنکه ضایع کند حق لطف جهانرا
غرض چو خسرو غازی و شهریار دلیر
بگفت این همه فرزند ناخلف مار است
اگرچه بعد ازین ابجار ز هر گناه رسید
چو بی دیانتی مفسدان نیز گذشت
ز رای عالی و فکر بلند شاهانه
ز هیچگاه حضورش دو افسر دانا
چه مدعی همه را هم خرابی دین
بماند دعوی دین بود کذب این دعوا
فساد طائفه مفسد از کجا یکجا
ز هر کناره بنا گرفته چون یاجوج

زده بست مردم [illegible]
نکرده و نکند مجلس بدین منوال
ز علم تا که بخوف شود ندامت بال
که بود قتل مسلمان و بردن اموال
بهای و توبه شدی [illegible]
بهیچ طائفه هرگز نمیرسد یکجا ل
خلل به سلطنت خود نگشت استقلال
که ذات دولت و دین را ترقی و اقبال
امان ملت و دولت امیر بیت المال
شد از دیانت او دولتش با استقلال
که داشت [illegible] جاه و جلال
هر آنکه گرد باد [illegible] بیعت [illegible]
حقوق دین با ولی الامر گردد اند [illegible]
نگرد در حق این مردمان خیال
مزاج ها همه فاسد دماغ ها اختلال
مزاج طائفه ناقصان بی اطلال
نمود پند حکیمانه چند بار ارسال
بهیچ گونه نداشت مرام جهال
بجز فریب و دغابازی و خواب سوال
سفید کی شود هرگز [illegible]
سزای او بدو عالم نصیحت نکال
هزار گونه ز بدخواه شنید قال و مقال
که هر کسی ز بد [illegible] استعمال
نکرد [illegible] ترحم نمود امر [illegible]
مزاج ها بی شانانه را نمود [illegible]
پرچش خواست [illegible]
برای تنبیه بی نمود ارسال
ز خون ناحق و تاراج و سرقت اموال
نکند مردم شرار را براه ضلال
رسید تا به کلنگار کوه نورا [illegible]
دوان دوان برسید [illegible]

ز تو پیش بخبر آنها که سر داشتند   ستاده بر رخ باعوج میشود دجال
دو شیر بیشه میدان هر بگاه بر خواست   بدان گروه مخالف نمود استقبال
سر جماعه سردار شاه ولی خان بود   دگر غلام نبی خان معین فرخ فال
ز اتفاق بجسم پیر دو چون برادر شد   بهم چو روح تن آمیخته فکر و خیال
چو بر مدافعه دشمنان کمر بستند   رسید مردم بدخواه از زمین شمال
گرفت قوم مخالف بیابان و رخ   چار جانب درویش را باستعجال
ز جنگ بیشه درویش شد تنگ بارش   چنان محاصره هرگز نشد به هیچ محال
سر و بار دو هر جا بعرصه بو گرد   محاربه چهل روز و شب کشید طوال
دران محاربه غند مشر خان محمد غوث   بدو ز مرکز درویش بود چون پرگال
ز فرقه مشر که عبد الوکیل خان نامست   ببین که تا بکجا رفته کرد جنگ جدال
دگر محاربه بسیار گشته آخر کار   بجز فرار ز اشرار دور نماند مجال
اگر ز اربعه بسیار ند پیشه مکر و فریب   به شیر کی شود همروی روبه محتال
زمین بهمت و شمشیر افسران بزرگ   زجمله گر سقر شده اهل خیال
جناب حضرت سردار والاستطاب معین   چو گشت یک [illegible]
یکی تربیت کار عسکری پرداخت   یکی نظام رعیت نمود استکمال
بفرسپس تیغ زده بی شجاعت از بو گرد   ز بهر طرف کشیدند مردم ارذال
بقتل عام به پرد گرفت خنجر کین   یکی بسنگر جنگی شده از دنبال
گرفت در عقب دشمن از پیه افسر   بجز معین که متین نمود تیغ و کمال
نهاد سر که بجز همت سر فداکاری   لوای نصرت و فتحش برنگ ظلال
چو گشت پرده شجاعت نقش هم یکسف   بپرده مقصد دل [illegible]
ز اتفاق بسی کام دل بدست آید   عروس بخت نماید ز اتفاق جمال
باتفاق ز ابو گرشد متا گریز   قلاء خوف رجا در دل نساء و رجال
ز روی عالی خیر کار دولت و دین   بیک توجه گرفتند بوان ارغال
ز حسن نیت اقبال و شهریار عبود   نهاد گردن تسلیم مردم جهال
بروی آتش این فتنه آب لطف فشاند   نکو دیانت پادشاه نیک خصال
خدای عزوجل پادشاه حافظ و نا   همیشه سلطنت او و نقش [illegible] استقلال
مباد جمله امورش بجز نکو نامی   [illegible] ترقی و اقبال ترفته اجلال
همیشه تا که سپهر است در بنا برپا   مباد طالع خورشید عمر شاه زوال
بشنا از سعدی بیاد نیم شبی   چنین بحضرت بیچون همی است سوال
امید هست برایم که مستجاب شود   دعای من لطف محمد جلال
اگر قرین اجابت شود عجب نبود   دعای صحیح بیاد بیضاء جمال

تعلیق نشان خدمت

روز شنبه ۱۹ جدی حضرت فتاح آغا محمد جان خان ولیمین
میرزا محمد جان خان ... نشان خدمت ... از حضور باهر النور
محمد جعفر خان ... برای ... فاتح و با همت ... نواختر
میرزا محمد خان ... همراه رقم های ... آن کرنیل
با کار آن اظهار علاوت و نجابتیکه صداقتمندان
موصوف درین کار به سمت جنوبی که حقیقت مقابله
ظلم و جهل بود ... صداقت دفینه آن
سربازان صداقت کیش ... فرموده رقمهای
مزبوره را در آن جلالتمآب ... از جانب عالیحضرت
حامی ملت افغان و کانّا عطا و احسان میفرمودند
درین روز نطق های ... رحمت و دعا
... از طرفین ردّ و بدل شده تمنای دعا طوالت
عمر علیحضرت غازی و ترقی و تعالی مملکت افغانیه
و سرسبزی این ملت ... ازین تاریخ ...
... موصول ...

میدان طیاره در جلال آباد

میشنویم که چند تنی از هوا پروازان افغانی
درین نزدیکیها ... برای احسن البلاد جلال
آباد شده میخواهند تا در آنجا مقام که دام میدانی
که ... طیاره های افغانی
باشد، بدایت بدهند که ساخته شود.
درین موضوع برای ریاست تنظیمیه
سمت مشرقی و قومندانی ... آنجا بدایاتی
نسبت بفراهم آوردن تسهیلات نهایت نیز
مرقوم گردیده است.
اگر این مسموعات درست باشد پس ... بعقیده
... میدان طیاره ... در ... اراضی جنوب شرقی جلال آباد ...

قرارداد تجارتی المان و انگلیس

مخبر رویتر خبر میدهد که قرارداد تجارتی انگلیس ...
در لندن با مضاء طرفین رسیده اخبارات انگلیس
باین قرارداد ... خوش ... میگویند تا کنون قرارداد
بین انگلیس و المان البته زیاده ... جزئیات مسائل
و اهم حاوی باشد دولت انگلیس در تجارت المان
برتری بر ملل سائره خواهد داشت و نیز دولت المان
قانونی وضع خواهد نمود که تمام قوانین سابقه را که ...
جنگ برای اهالی المان وضع شده بود باطل
... دولت انگلیس ... جمیع محافل ...
و غیر تجارتی ... قبول خواهند نمود ...

در تجارت انگلیس بر سائرین تفوق خواهد داشت.
...
تجار ... تمام ... خصوصیت بین ...
انگلیز ... گرده اند ... وقت ...
المان و انگلیز ... قرارداد ... امروز ...
قرارداد تجارتی ... خط ...
شود و این ... خواهد ...

مدافعه مسعود وزیریها با حکومت انگلیس

اطلاعات تازه نشان میدهد ...
جوانمرده ... مسعود ...
حمله برده ... جنگ ...
خود ... شوکت ... منصب ...
چند نفر زخمی شده ... ساعت مقابله ...
ساعت بساعت ... مسعود ... افزوده ...
چون این خبر ... رسید ... منصب ...
سپاهیان ... سابقه ... تمام ...
نسبت ... سپس ... فوج مزید ...
... رسید ... تمام ... خلاص سپاهیان ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 361 of 524

تفصیل مقامات	۶ ماهه	سالانه
ادارات ملکی کابل	۵	۹
... افغانستان	۷	۱۱
... حکومت	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۳۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد اول | یکشنبه ۱۵ جدی ۱۳۰۳ ش ۹ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق | شماره (۶۲)

مکتب بود که باز کند چشم فکر و گوش

مکتب بود که باعث فیض و سعادت است | مکتب بود که ماحی جهل و بلادت است

مکتب بود که کرده فتح جهان دل | مکتب بود که فیض بود زان محل

علم است جان و جسم بود ملت و وطن | بیجان چسان تو زنده شماری تن و بدن

مکتب بود که منبع علم است و جان جسم | مکتب بود که زندگی آید ازو به آب

مکتب بود که هست روان بهر جان جسم | مکتب بود که دور کند غافلی و نوم

عقل و ذکا و هوش بانسان چو فرع علم | با آن نشد فرق و حیوانات جدا

علم است نخل عقل و ذکا صیقل جلا | بی علم و عقل ما ند چو کسی ...

مکتب بود که وجه علیم است و عقل و هوش | مکتب بود که باز کند چشم و فکر و هوش

مکتب بود که تربیه و عقل ازو بود | مکتب بود که برتری و فضل ازو بود

صورت فرمایشات وداعیهٔ اعلیحضرت معظم غازی با بعضی از قوای نظامی افغانی

قاریان محترم از درج [illegible] ذکر مختصری [illegible] اعلیحضرت [illegible]

و [illegible] افواج [illegible] تشریح [illegible] این [illegible]

محصل [illegible] و وظائف اسلامیت [illegible] افغانیت [illegible] سرکوبی [illegible]

و [illegible] که [illegible] در [illegible] افغانی [illegible] اعلیحضرت معظم

[illegible] حضور اعلیحضرت [illegible] تا [illegible] آرزو [illegible]

و در [illegible] اعلیحضرت [illegible] الملوک [illegible] و [illegible]

[illegible] کابل [illegible] و [illegible] شده بود [illegible]

و [illegible] اعلیحضرت [illegible] به [illegible] خوش [illegible]

و در [illegible] بغاوت [illegible] سمت جنوبی [illegible] و [illegible] طرف

[illegible] رجعت نمودند [illegible] وزارت حربیه [illegible]

[illegible] اجازه و رخصت عطا نماید [illegible] خوش [illegible]

[illegible] جهت [illegible] رخصت [illegible]

[illegible] در جامع عیدگاه [illegible] بالخصوص نموده رخصت دهد.

روز [illegible] جامع [illegible] تعظیم [illegible] اعلی

[illegible] محبت [illegible] آمده [illegible] ذات [illegible]

[illegible] فرمودند که [illegible] عیناً [illegible] است.

مفهوم نطق اعلیحضرت غازی

اولا [illegible] خداوند متعال [illegible] صحت و عافیت [illegible]

[illegible] الخصوص [illegible] افغانستان [illegible] عسکر [illegible]

[illegible] حرکات [illegible] آرامی [illegible]

افغانستان [illegible] و [illegible] عزت [illegible] دارم

[illegible] خود [illegible] حضور [illegible]

[illegible] جلالتمآب [illegible] بلوچ [illegible]

[illegible] میدارند [illegible] اینها [illegible]

خواهش [illegible] هدایت شما دارم.

[illegible] افغانستان [illegible]

و [illegible] عسکر [illegible]

[illegible] ترا [illegible]

[illegible] این [illegible] آورده [illegible] خود را

[illegible] عسکر [illegible] آورده [illegible] آرزو [illegible]

خود [illegible] حقیقت افغان [illegible]

[illegible] شما [illegible] که [illegible] آرزو [illegible]

[illegible] و باز [illegible] سمت [illegible] و [illegible]

زیرا که اگر خداوند [illegible] اولاد افغان [illegible] شوند.

چون [illegible] شجاعت و دوستی و صداقت [illegible]

عسکری [illegible] این [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] سمت جنوبی [illegible] بغاوت [illegible]

[illegible] از [illegible] شما [illegible]

من [illegible] شما [illegible] وطن [illegible] شما [illegible]

سمت [illegible] هزاره [illegible] حقیقتاً [illegible]

[illegible] بوده [illegible] در [illegible]

[illegible] شما [illegible]

[illegible] برای شما [illegible] که شما [illegible]

بوده از اخلاق و عادات [illegible]

کرده اید [illegible] رجعت با وطن خویش [illegible]

[illegible] آنها [illegible]

[illegible] عادات [illegible] اخلاق [illegible]

[illegible] کابل بودند [illegible]

[illegible] خیال [illegible] خواهد [illegible]

خدمت [illegible] کابل [illegible]

اطمینان میدهم که [illegible] در سمت جنوبی [illegible]

اسلامیت [illegible] کوشش [illegible]

[illegible] سمت جنوبی کرده اند [illegible]

و [illegible] آنها بوده [illegible] از طرف مرکز [illegible]

[illegible] خود [illegible]

[illegible] شما [illegible] است.

[illegible]

... تعلیم عسکری ... [illegible]

[illegible]

عرض احمد علیخان لوانشر

[illegible]

وکیل صاحب جرنیل

[illegible]

بقیه جواب صاحب اجرائیات سپه‌سالار غازی

بعد از مقدمه‌ تجلی عبارت است که یک فوج ملکی را
ع ع، وزیر صاحب ... را از ... رخصت نمودم و ...
... خدمت ... داده لغوی و ...
فرستاده اند و ... دولت ... تسلی و دلجوئی داده ...
خود ... تصدیق ... امضا کرده ... بر قوم تو ...
داده ... نمودم که از هر قوم ... نفر ... و ... که ...
صاحب ... بیابان رسید ... احسانات و نوازشات پادشاه ...
قومی ... شامل خدمت سمت جنوبی بوده ...
... تمام قوم ... در سمت جنوبی خدمت ...
آماده خدمت بود ... رسانی کرده باشید ...
و احسانات پادشاه سرفراز شوید، بعد از آن ... که
حاضر ... بودند نفری که از سمت جنوبی آمده بودند
همراه دلجوئی کرده واپس بجاهای شان رخصت کردم و برای
دیگر ... که بریاست این ... متعلق بود مکتوبات
جا بجا جهت حکام خبر دادم که معاملهٔ سمت جنوبی ...
و کامیابی انجام و فیصله شد تمام خاطر جمع بوده ...
از هر قوم ... نفر و ... نفر ...
و ... که در معاملهٔ سمت جنوبی خدمت کرده اند
بقرار لازم ... انعام دادم و نوازش نمودم که در بین الاقران
والامثال امتیاز داشته خدمت شان ضایع نشود.
در حین آمدن خود ... عبدالحکیم خان حاکم
کلان غزنی ... کابل تعیین نمودم که بعد از ...
اجراآت معاملات سمت جنوبی ... روانه کردن غله
و ... که در غزنی ... آماده
آماده ساخته ام برای عساکر الازم شود و ...
... که بخزانهٔ دولت موجود و اضافه ...
مانده بمصرف برساند تا در هیچ کار معطلی واقع نشود.

فداکاری دولت از روی حقانیت و
و ... از کار روائی ... فرزانه

دنبالهٔ اصلاح کاران ع ع عبدالحکیم
حکمران که در چهار و نیم ماه شب و روز
جمیله را ابراز داشته در همه امورات
مشاورت و معاونت می‌نمود، اظهار
دارم و از کمال غیرت و شجاعت
دانی فعالیت ... محمد
نوازشی و ع ع عبدالرؤف خان و ...
غندمشران و ع ع گل احمد خان رئیس
و باقی صاحب منصبان نظامی ...
سپاهی که بجدیت خدمات ...
نیلی ... متشکرم و از افواج ملکی که در
شوق و ذوق ... ایفای وظائف ...
خود را بجا آورده جوق جوق بکمال ...
و ... برای خدمت ...
شامل عسکری شده اند و بدرجات ...
خوشنودی دارم
(۱) مردم هزاره جاغوری و ماقان و ...
و جغتو (۲) ... و ... (۳) تاجکیه (۴)
(۵) قلات (۶) مقر ... مردم ...
و جان نثار دین و دولت و ...
... و مباغی ... باشند
که نظر بدیگر طوائف ... تر بوده ...
بعضی ... خود ... خدمت ...
... سمت جنوبی ... خدمت ...
بعوض ... روپیه نقد ... اعانه ...
کرده اند از همه افراد رعایا و برای ...
... این ... سمت جنوبی
خدمت کرده اند ... حضرت ...
حقیقت ... حضرت ...
وزیر ... عموم ...
... افغانستان ...

قیمت مقامات	قیمت بوجه [illegible] ماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۳۰

[illegible] اعلان و ضوابط [illegible]

این اخبار [illegible] تعطیل در کابل [illegible]
[illegible] مقالات [illegible] درج [illegible]
ارسال [illegible] امور تحریریه [illegible]
ارسال و مقالات [illegible] و اصل [illegible]
[illegible]
[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده: برهان الدین کشککی

جلد اول [illegible] ۱۳۰۳ ش ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق شماره (۹۲)

دسته های دو جمعیت های غیر واحد بر عمل بغات کابل

[illegible] از [illegible] منصبداران
بودن کار روائی کارکنان جهود دولتی [illegible]
مسعود جمعیت های غیر واحد بر عمل های بغات
[illegible] شده و شنیده وعموم شان از طرف
[illegible] شان بیک اصول درست عادلانه و
[illegible] کارانه برداخته شود و محلات [illegible]
[illegible] شان عطا و کرامت شده بست کرو [illegible] حقیقت
[illegible] دسته های بر عمل محض [illegible]
[illegible] آنها مطلع و تمام اخبار را بالاسف
[illegible] کرده [illegible] حرف [illegible]
[illegible] آنها [illegible] نموده بودیم [illegible]
[illegible] قارئین محترم دو درست
[illegible] مختصر [illegible] کنیم؛

میرزا [illegible] در کابل شده بودند [illegible]
دیگر از شماره های گذشته خود مرقوم داشته بودیم [illegible]
یک طرف انسانیت کارانه و اصول درست [illegible]
در کابل بوده معارف بومیه آنها را حکومت عادله
می پردازد البته چند [illegible] از و شان در عقب [illegible]
خصوصی اعلیحضرت معظم غازی ما با آنها [illegible] خصوص
فرموده بودند [illegible] موثر [illegible] فرستاده شده

نمایندگان درز

[illegible]
[illegible]

بواسطه حضرت جناب محمد گل خان [illegible]
و [illegible] خفیه [illegible] فرزند ارشد [illegible]
جناب [illegible] خان مرحوم [illegible]
و نظریات حکومت [illegible]
و اظهار رضامندی [illegible]
و خدمات آنها با وشان [illegible] احوال شان [illegible]

پادشاهی

[illegible] تحت ریاست
[illegible] صفری شجاع

وهراجعه نموده بعد از اقامت قلیل ابنا را ملاقات شان فرستاده اند. ازین سرگردگان حضرت عالی وزیر صاحب حربیه و باقی منصبداران نظامی با حتی وزارت جلیلهٔ حربیه بواسطهٔ اینکه از ابتدا الی حال الی الآن تمام نفری و اقوام آنها رعیت حکومت و صداقت با دولت متبوعهٔ خود داشتند اظهار رضامندی و مسرت نموده اند.

ورثهٔ میر خان مرحوم

و هم مطلع شده ایم که اعلیحضرت معظم غازی ما از فرط شفقت و رأفت و مراحمی که نسبت بعموم رعایای صادق خویش دارند و مخصوصاً صادق و محبت کیشان لایق خود را همواره منظر لطف و مرحمت میگردانند علاوه بر نوازش و عطایای ملوکانه که برای پسران و بازماندگان ورثهٔ میر خان مرحوم نموده اند امر و ارشاد فرموده اند که فرزندان وبازماندهای آن فقید با هم نشسته فیصله نمایند که کدام یکی از پسران آن مرحوم را مستحق و قابل آن می دانند که بعوض پدر صداقت پرور خویش بجای منصب مرحوم او و اعزازیکه از طرف حکومت متبوعه داشت معزز و سرافراز گردد.

پسرگان مرحوم با متعلقین خود چنانچه سابق برین تحریر نموده ایم یکی از طرفداران صادق و خادم جدی این دورهٔ سنیهٔ امانیه بست و در محاربهٔ استقلال چنانچه بعموم مبرهن بست بمعیت حضرت اجل اعلی محمد نادر خان مظهر خدمات عالی شده و هم در بغاوت اسبق منگل کردوران حکومت سراجیه بوقوع پیوسته بود نیز داد صداقت و شجاعت را بیک اصول شیار صادقانه ابراز داشته در بغاوت حاضره نیز از ابتدا الی الآن بجمیع اقوام ...

و طرفداران خود وقفه از دوائر صداقت ... داری حکومت امانی را فروگذار نشده تا این ... علاوه بر وظائف اسلامی و ایرانی ... رفیق و بالاشتراک منصبداران نظامی ... بجان آفرین سپردند انا لله و انا الیه ...

موسی خیل منگل

ناظرین مستحضر ند که درین او اخر نقطهٔ ... هم چنانکه در اوائل از موسی خیل منگل ... آغاز شده بود، محدود گشته بست ... خبر موقرا اطلاع میدهد که از حسن ... حضرت اجل آقای علی احمد خان رئیس ... سمت مشرقی که درجگی توقف دارند ... جگیان موسی خیل نیز طوق اطاعت حکومت متبوعه را زیب گردن خود کرده ... با لشکریان ازین عمل ها ... صاحب موصوف حاضر آورده اند.

جاجی خیل باک

بجاجین بکدستهٔ ازین عمل ها ... جاجی خیل باک که در آن قطعه ... بزرگی در میان باغیان و ... بوقوع انجامیده بود و قارئین ... سابقه ما از صورت آن حقائق اطلاع دارند نیز بتوسط حضرت علی احمد خان ... سابق رئیس تنظیمیهٔ مشرقی تحت ... عبد الرشید خان عند منزوا ... اند که بدا نها نیز از طرف حکومت ... بر عمل ها ... سکونت و خارج ... شده و ناحیت می در کابل ... توقف

[illegible]

[illegible]

قوای عامیه قندهار

قرار مسطور آمده که یک قوه نظامی مسلح مکمل از اسباب نظامی از اشرف البلاد قندهار بمعیت [illegible] آقای غلام حیدر خان [illegible] که از قندهار عازم دار السلطنه شده اند [illegible] از دوستان معظم از وزارت حربیه با معلومات داده است که آن [illegible] داده گردیده از طرف وزارت حربیه مأمور شده اند تا در [illegible] و اجلالیه شده حسب تصویبات وزارت حربیه [illegible] باشد

نائب الحکومه و [illegible] دار النصرت هرات
تبریک

از ذرایع موثوق مطلع شده ایم که از حضور باهر النور اعلیحضرت معظم غازی بعد از تصویب مجلس عالی وزرا حضرت مخدوم آقای محمد ابراهیم رئیس تنظیمیه سابق ترکستان و وزیر عدلیه اسبق افغانستان بنیابت الحکومگی دار النصرت هرات جناب عبد الرحمن خان فرقه مشر فرقه سواری عوض [illegible] محمد اسمعیل خان قوماندان [illegible] هرات که برای ایفای خدمات جدیده وزارت حربیه خواسته شده اند بقوماندانی قوای عسکری آنجا عز افتخار و شرف امتیاز نائل شده اند حقیقت: — برین قدردانی و مراحم اعلیحضرت غازی که نسبت بخدام مملکت افغانی دارند حضرت محمد ابراهیم خان نائب الحکومه و آقای عبد الرحمن خان

خود شمرده از تبریک و تهنیت گویان از درگاه خداوند برای ایشان توفیق خدمات درست و اجراآت جسته در راه رفاه ملت و مملکت و ترقی دولت خواستاریست.

مراحم شهریاری با خوانین [illegible]

در موقع بروز [illegible] سمت جنوبی [illegible] که عموم اهالی افغانستان اظهار آزادگی و خیرخواهی و وفاداری [illegible] قندهار [illegible] جذبات مردانه [illegible] [illegible] مرحوم بفضله تعالی [illegible] و مسرت شان [illegible] اقامت داده شده و درین فرصت که آن معاملات رو باختتام گذارده وقت [illegible] نوازش و مراحم [illegible] روز [illegible] سفر [illegible] بدو شان عطای کرامت فرمودند [illegible] عبد العزیز خان [illegible] موصوف [illegible] از طرف [illegible] نطق [illegible] مزید [illegible] بعد [illegible] قندهار [illegible]

[illegible]

ترانهٔ جامعهٔ افغان ملی

افسوس افسوس خما عزیز دولته
افسوس افسوس خما اذل دولته
د خدای د یاره اګر بیکار شه
رب ته وګوره اوس اګر بینا شه
وصف د خورشو له د دنیا کس
هندوستان لا فی کاستا پسی
تمام اسلام دی په انتظار
مذاقی ندکا اوس ستا کار دی
همت پیدا کا غیرت پیدا کا
ده امید و نوا و انتظار
قدر [illegible] کا
شخصی اغراضو نه فارغ خانته شه
د خدای د یاره نمک حلال شه
حاکم باید کیچه وی حکیم
قاضی باید وی خادم شرع
د خدای د یاره [illegible] دی رشوت
دلخه غیرت [illegible] بالا د سنت
[illegible] په موسو په د ګفتن
افسوس افسوس وطن ارمان
همت په کار دی غیرت بکار دی
د کوشش وقت دی مسلمانانو

(از طرف [illegible])

افسوس افسوس خما امر ...
افسوس افسوس خما اهل ملـ...
د رب د یاره اوس اګر هنیا...
رسول ته ګوره اوس اګر شو...
داخیل صفت باید [illegible] بینیا کر...
بجاره ګوره حال نخ ...
افغانستان ته نن امید وا...
طاقت دکمه دی سنګین دبار...
په خپل همت اوس ان بابالا ...
قدر [illegible] د ناله بک...
عمومی غم له خان چا بید...
خیر خواه د کل شه و...
لغل و غش ته اوس فارغ ...
د رعیت په غم کوی سبد...
ندا [illegible] شی دی ...
په حرام خوړو د خدای لعنـ...
اخلی مال له خلق زیر دست...
په زره م حال دی ...
د حالت عوا ری بینلچه...
کاروان [illegible] ...
خبر ورا [illegible] په بلبلا...

شرایط درج ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز ... بر خود ویا بکبر مقالات در صورت ... حظاظ ... بزد و امور تحریریه بکار ... حقیقت ... مقالات و اعلان ... درج ... و اخبار ... بزرگ ... ترجمه ... دوستی و نفع ... یا قبلا دریافت ... شود.

تفصیل مقامات	۶ ماه	سالانه
داخل مملکت کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۲

نگارنده برهان الدین کشککی

پنجشنبه ۲۰ ... ۱۳۰۲ ش ... جمادی الثانی ۱۳۴۲ ق شماره ۶۷

حکام و علاقه داران افغانیه تعهد و خدمت ... اهمیت

... خوشبختی هر مملکت و توانائی ترقی ... امکان پذیر ... بدان ... حقیقی احترام ... قوانین مملکتی ... از ... مکلوم ... دست ... زور ... دست ... از فرمان ... منظور نظر ... یک ... دقت ... و ... و قرآن ... و آن ... مقاصد و ... حقایق و فواید آن ... ساعی ... و ... تعمیر ... و ... و تطبیق اعمال ... کلیات ... مقررات و فرامین ... وقوانین ... مملکتی ... نماید.

... حکام و علاقه داران ... اصول ... آنانکه ... مقتضیات حقیقی قوانین ... با ... اعمال و ... تا ... آن مملکت ... بزرگ ... و تقریر نموده زندگانی با شرف وحیات ناموس کارانه ... آزاد ... در ... مملکت تولید شود ... زوایای ... کرانه ... آن مملکت روح عدل ... مساوات و خوشبختی ... گرفته ایران رحمت ... مسرت در ... فرحت ... تجلیات ... و اسباب ... ثروت حقیقی ... آبادانی عمران کشور ... فراهم می آورد.

زیرا در این صورت جمیع اعمال ... متضرر ... بواسطه ... قانون حقیقی ... وآزادی ... محدود ... ناکام ... گرییان ... صورت ... نقطه ... مرکز ... واحدی ... از ... عمومی ... ترقی و ... مملکت ... رحمت ... قوانین ... در ... قسمت ... مملکت ... رسانده و طرق ... فرحت ... در ... صورت ... وظایف ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 370 of 524

مساعی آنها خوش بختی و بهره وری شان خود حضرات حکام
و مامورین و علاقه داران به هیئت ادارهٔ خائنست
چرا آنها هستند که مصدر و مجرای این قوانین
و مقررات آئینه ملت و مملکت را در نحو اقتدار
آنها گذاشته شده و بهمت مناسب شایستگی و لیاقت
هر کدام آنها نظام ملت، و قوام مملکت را در کف
کفایت خود ها گرفته اجراآت عمده و بار رفتار نیکو بعد
را اختیار میکنند!

اما آنها وضع قوانین و تأسیس نظامات و تشخیص
آنها بر صفحات کاغذ و گذاردن آن از تصویب
مجلس عالی شورای معظم دولت و رسانیدن
آن به تعقیبگاه مجلس عالی وزرا و ترئین و توشیح نمودنش،
با امضای بیضا اعلیحضرت همایونی در صورتیکه حسب
مطلوب یک اصول مرغوب و سرتاسر مملکت از
تساهل و گران جانی و فرو گذاشت و اغراض
نفسی برخی از مامورین یا علاقه دارها یا حکام [illegible]
که آنها مجرای حقیقی قانون و منبع واقعی تعمیل نظامات
میباشند صورت جریان و جامه عملی را در بر نشده و
از طرف جریان قانون محل اعتبار واقع نشود و آنها بنگاه
اتواه لغو بی فوائد معظم مملکتی خواهش نگرند معلوم است
که ازین چنین قانون ثمر حاصل و نتیجه واصل نخواهد شد
و موجب رفاه و آسایش رعایا شده نمیتواند! ازین
تقدیر گذشتن قانون گذشتن آن حکم واحد را دارد.

پس بایستی آن شخصیکه محل اجرای قانون و منبع
تعمیل نظامات شمرده میشوند حتی از جنان اشخاص [illegible]
دیانت و رجال صاحب کفایت تکمیل و تصویب گردد
که آنها در واقع دارای صفات حمیده و خصال ستوده باشند.
چنانچه بایستی در تقرر و انتخاب علاقه دارها و حکام
سکانه حدت و دقت مزید بکار برده شود چه آنها
هستند که بار رعایا [illegible] دارند.
آنها هستند که رفاه و بهبود حالی حقیقی مملکت تامین

کرده میتوانند.
آنها هستند که از رفاه و آسوده حالی و از سراسیمگی و پریشانی
و عادات و رفتار و کردار عادت چنانچه شاید و باید معلومات
برای خود اکتساب کرده میتوانند؟
آنها هستند که بر زرع آساده لیاقت ملت و حکومت
اجراآت مینمایند؟
آنها هستند که فلسفه و دقائق و محاسن قوانین
و نظامات را به هر طوریکه خواسته باشند در افکار و قلوب
رعایا تزریق و تحکیم مینمایند؟
آنها هستند که رشته امن و امان را در میان
کشوریان محکم میکنند؟
آنها هستند که اوامر و احکامات بالادست [illegible]
بحسن انتظام و کمال اهتمام انجام داده میتوانند؟
آنها هستند که در اصلاح اماکن و مساجد و معابر
و کوچه های صعب المرور و در تاسیس راه ها و [illegible]
و محافظت طرق عمومیه بذل مساعی میورزند؟
آنها هستند که مکاتب و مدارس را افتتاح و [illegible]
جزئیه را در بین رعایا اجرا میکنند؟
آنها هستند که در احداث جنگل زارها و جلوگیری
حریق و غریق و تکمیل طریق شب و روز فکرهای عمیق
محفوظ خوار رعایا شده؟
اینها هستند که مجرمین و ظلومین و اشخاص [illegible]
دارو باش را تعقیب و در اصلاح و نیکو کاری آنها کوشش
میورزند؟
آنها هستند که از وفیات و تولیدات و خروج
و مرور مسافرین و محل اقامت گریزیان مجدد [illegible]
حکومت کسب اطلاعات میکنند؟
آنها هستند که امورات اشخاصی را که نقل مکان
و تاسیس بنیان میکنند و حرفت و زندگی اسواق و قرا و
قصبات و خرمن ها و آمدن سیلاب ها و سایر وقوعات
حقه را علی الوقوع اطلاعات [illegible]

[illegible] اخبار و انتشار نمایند !
بالاخره نابا ستند که مسئول و مشرف همچو گونه
[illegible] عمده و کار در شعبهای عالیه بوده میتوانند
[illegible] موجبات سعادت و سیادت ملت و دولت و
[illegible] را از هر نوع و از هر قبیل بهم کنند .
[illegible] خوش نجیم و بر خود میبالیم که حکومت و ملت
[illegible] مجلس مقننه ایست . مجلس وزرا داریم و
[illegible] وکلا داریم و برای حل و عقد مقاصد ملت
[illegible] وزارات مطلوبه خویش افغان وزرا و ارکین
[illegible] داریم که آنها شب و روز خود را صرف طرح
[illegible] قوانین زندگانی و انتظام و انضباط امور
[illegible] و کلی ما رعایای صادق و دوره امانیه میدارند
[illegible] این آوازه ها در اطراف و جوانب بداخل و
[illegible] منعکس شده علی العموم مسیلا انند و منعکس
[illegible] احتفاظ ازین حیثیت در نهایت راحت و در
[illegible] مملکت قانونی بادرایت شده ایست .
ولی اگر زعمای مملکت و رجال بادرایت
[illegible] اطال الله بقا که درین مورد هم توجه نشا فرمایند و
[illegible] را از وقت مزید و دوربینی های مفید کار
[illegible] عملیات جزوی و رفتار های عادیه عموم
[illegible] مامورین متعلقه و زیر دستان خود را .
[illegible] مطلوب یگانه اعلیحضرت معظم غازی ماست .
[illegible] و مراقبت بگمارند چقدر خوب خواهد شد .
[illegible] زعمای مملکتی ما درست واقف شوند که
[illegible] قوانین عادله و نظامات شرعیه را که حکومت معظم
[illegible] برای سیادت ملت و سعادت رعیت
[illegible] طرح و وضع نموده است ، از خود غرضی و
[illegible] خود پسندی و تخصیصات و منافع ذاتی بر کنار
[illegible] منفعت [illegible] پسند [illegible] نمود [illegible]
[illegible] باشد .

[illegible] دولت [illegible]

و قرض [illegible] زعمای [illegible] شد قدری توجه خود را در اجرای قوانین
موضوعه و مصوبه مجلس عالی شورا و مجلس [illegible] و در سر
انجام ولایات و حکومتی اعلی خویش معطوف داشته و
در تأیید حریت [illegible] بقوانین مملکتی و در رفع [illegible] های
بدبختی و ابطال هر گونه امر که بهوای نفس [illegible]
منافع بر خلاف قانون داده شود جدیت فرمایند
تا بدین وسیله [illegible] از مأمورین بر [illegible]
رعایا داری هیچگونه تسلطی نباشد مگر در امور یکه قانون
اجازه داده است چنانچه شان عدل و حقیقت نظم
است و درین مراتب را در همه جا حتی در گوشه های
دور افتاده از مرکز بالاصرار نشر و اعلان نمایند
تا حاکم و محکوم متعاکس اطاعت را در حضور قدرت
قانون ختم نموده بکار با اتفاق با اجرای آن موافق باشند
تا بدین وسیله مملکت آباد و رعایا آسوده و حکام
و عمال راحت و دولت قوی و مقتدر گردد
و مصداق آیه شریفه (یقولون ما لا یفعلون) [illegible]

شرکت تنویر

شرکتی برای تنویر شهر [illegible] برقی داشر گردیده شرکت
مذکور را اعلان نموده که [illegible] منتظر اهالی اطراف
در [illegible] اندرابی و ده افغانان و نو آباد باشد بخانه
چراغ برقی و [illegible] برقی و بخاری برقی نصب و جاری
نماید قیمت چراغ [illegible] ارزان گفته است که
از تیل خاک و شمع ارزان تر تمام میشود .

اختتام جمع معارف معلمین

[illegible]

بوزارت مذکور رجوع نمایند

تبریکات دولت جلیله افغانیه بدولت بریطانیا بتشکیل کابینه جدید لندن

قطعه مراسلات تبریکیه بین دولت علیه افغانیه و دولت بریطانیه

بمراتب حسن ... وزارت خارجه بریطانیا تبریکات خود را
بتقرر رئیس الوزرا و کابینه جدیده دولت بهیه بریطانیا بتوسط سفارت
افغانیه بوزارت خارجه دولت بهیه بریطانیا ابلاغ نموده سفارت
افغانیه تبریکات وزارت خارجه دولت متبوعه خود را قرار آتی بجا آورد

ترجمه مکتوب نمبر (۹۸۰) مورخه ۲۶ نومبر (۱۹۲۴)

سفارت افغانی در لندن بوزارت خارجه دولت بریطانیه
من شرف فرستادن مضمون پیغام ذیل را که از حکومت
متبوعه ام برایم رسیده هست بخدمت جناب ایکسلانسی دارم
که ایشان در باب استحکام رشته دوستی ارادات صمیمانه خود را
اظهار داشته اند و نیز درین موقع که جناب ایکسلانسی وزیر اعظم
و کابینه جدید عنان حکومت بریطانیا عظمی را بدست
خود گرفته اند تبریک میگویند: ـ

وطلقا بوزارت خارجه لندن تبریکات صمیمانه
مارا بتقرر وزیر اعظم جدید و وزیر خارجه و کابینه تقدیم نمائید
و اظهار دارید که این آرزوی قلبی ما است که بواسطه
کوشش های جانبین مناسبات فی ما بین افغانستان
و بریطانیا عظمی بیش از پیش مستحکم و خوشتر شوند.
با احترامات فائقه (امضا) [illegible]

ترجمه مکتوب نمبر (۴...) مورخه اول دسمبر ۱۹۲۴

وزارت خارجه لندن بسفارت افغانیه

جناب عالی ... [illegible]
پیغامیکه شما بمراسله مکتوب مورخه ۲۶ نومبر ۱۹۲۴ نمبر (۹۸۰)
از طرف ... فرستاده بودید گرفتم. و من ... [illegible]
... از امتنان قلبی ... [illegible] ... از طرف
حکومت افغانستان ... [illegible] ... اظهار مینمایم.
من ازین موقع استفاده کرده ... حکومت ... [illegible]

نسبت به دولت افغانستان ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

تعزیه داری ... حمایت الله بریالی

ترجمه تلگرام (۲۳) دسمبر (۱۹۲۴) ...
... (۳۰۳) از جانب اعلیحضرت (جارج) پادشاه ...
از لندن بعنوان اعلیحضرت امیر امان الله خان غازی
بکمال تأسف از خبر اندوه ناک ...
... شهزاده حمایت الله ...
حالی شده و درین دریغ ... با آن اعلیحضرت اظهار
همدردی صمیمانه خود را مینمایم (جارج آر آی)

از طرف اعلیحضرت همایونی بجواب تلگرام فوق
توسط سفارت افغانی در لندن: ـ
از اظهار تسلیت و همدردی که آن اعلیحضرت نسبت
فوت فرزندم (حمایت الله بریالی) فرموده اند با
احترام ممنونیت قلبی خود را با آن اعلیحضرت اظهار مینمایم

ترجمه تلگرام (۲۳) ماه دسمبر ۱۹۲۴ ...
... (۳۰۳) من جانب حضرت مستطاب (ارل آف
ریدنگ وایسرای هند) بعنوان اعلیحضرت امیر امان الله
بکمال تأسف از واقعه اندوه ناکیکه ...
پیش آمده خبر یافته به آن اعلیحضرت درین موقع
ضیاع المناک اظهار همدردی قلبی تقدیم مینمایم. (ریدنگ)

از طرف اعلیحضرت همایونی

بجواب تلگرام فوق توسط قونسل جنرال افغانی
... اظهار تأسف و همدردی که
نسبت به فوت فرزندم (حمایت الله بریالی)
فرموده اند ازین ... و همدردی
آن جلالتمآب کمال ممنونیت ... [illegible]

[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفرا	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳[illegible]

برهان الدین کشککی

جلد اول ... شنبه ۲۲ جدی ۱۳۰۳ ش ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۶۵

[illegible] فریاد [illegible]

[illegible] ... اخبار [illegible] ... حقیقت [illegible] ... [illegible]

اظهار همدردی ... آن فاضل جلیل از خداوند جلیل

[illegible]

اتحاد مشرقی و ابنای افغان

[illegible]

از این شماره مستقلاً اصلاحات بمطبوعه [illegible] نشر شده و در نمره [illegible] از اقتباسات [illegible] قرار میدهیم.

اصلاحات بلدیهٔ کابل

از آنجا که جریدهٔ حقیقت یک تعقیب خاصه را نسبت
به عدم انتظامات و نگرانی بلدیه تحت عنوان شکایات وکلای
[illegible] داده بود و ضمناً از جهالتیکه در تعقیب موضوع انکار [illegible]
داشت مذکوره شانزده نیز خواستار شده بود. و از امر [illegible]
[illegible] درین موضوع اداره رسید اما [illegible]
[illegible] بلدیه [illegible] محتاج تشریح و [illegible]
مقصد از [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حقیقت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
(۱) اگر بلدیه معتقد باشد که [illegible]
شهر [illegible] شود [illegible]
غلط [illegible] خیال [illegible] باید که انتظام [illegible]
تنظیم [illegible] تحت [illegible]
بدل [illegible] (۲) [illegible] ! باید که
[illegible] شهر [illegible] سال [illegible]
برفش پاک کرده شود. (۳) جاهای [illegible]
[illegible] باشند [illegible] و یک اصول منظم [illegible]
آنچه ساخته شود درین موضوع [illegible]
[illegible] باشد [illegible] (۴) [illegible]
[illegible] آن [illegible] باشد.

باید [illegible] درست [illegible] یک اصول منظم [illegible]
دو طرف [illegible] آن [illegible]
[illegible] شود [illegible] این کوچه‌ها [illegible]
[illegible] آن [illegible]
شود [illegible] کوچه [illegible]
کوچه‌ها [illegible] آن [illegible]
[illegible] نقصان [illegible]
[illegible]
(۶) [illegible]
هنگام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (۷) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ساخته [illegible] یک اصول [illegible]
(۸) [illegible] بلدیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شود باید [illegible]
شهر [illegible] بلدیه [illegible]
[illegible]
[illegible] شود [illegible] آن [illegible]
[illegible] (۱۰) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باشند [illegible]
[illegible]

[illegible] بلدیه باطلاع دهند! (اگرچه که خود این قدر
[illegible] بجمعیت شان زیاد هست اما از باعث
[illegible] در تحت زمستان را متحمل میشوند و از طرف بلدیه
[illegible] ایشان از مناطق مفوضهٔ خود مسئول میباشند بعضاً
[illegible] تحت این تجویز میباشند (۱۱) برای برف انداختن
[illegible] برف [illegible] از فضا جبری مسافت داشته
[illegible] از محل خود بشهر ترتیب داده شود
[illegible] و کاکاف آن در جستجو بجای منتظم علو اغراض
[illegible] آن برف انداختن تخصیص میداده
[illegible] شود و باید که صورت یک با [illegible]
[illegible] و بلدیه عموم در ایام تابستان از سایه
[illegible] شود و بر موجبات حفظ الصحه [illegible]
(۱۱) در اطراف و جوانب شهر [illegible] دور کردن [illegible]
[illegible] از کوچه و بازار [illegible] شهر [illegible]
[illegible] در جریان [illegible]
[illegible] از [illegible] شهر [illegible] و [illegible]
[illegible] شود! علاوه از این [illegible]
[illegible] خوب [illegible] را باید که بلدیه داده باشد [illegible]
[illegible] اگر ضرورت [illegible]
[illegible] گشتانده شود و یا اگر کدام جای آتش افتد
[illegible] بجای [illegible] جبهٔ اطفائیه آن [illegible]
بسرعت فوق العاده حاضر شود و در دیگر مواقع [illegible]
[illegible] (۱۰ دقیقه بجهت امتحان)

مانور افواج حربیه

[illegible] مانوره (حرکات حربیه)
[illegible] افواج [illegible] تحت قوماندانی
[illegible] کماندار [illegible] بمقام
[illegible] از ۱۵ حوت سنه ۱۳۰۱ انعقاد
[illegible] در آن صاحب منصبان [illegible]

اکثری از ممالک دعوت نموده اند و در
ضمن مکتوبی باسم سامی وزارت
آقای عبدالعزیز خان وکیل وزارت
حربیه را نیز موصول شده در آن تجویز
کرده از صاحب منصبان عسکری افغانی زیر
تحت ریاست آن علاقه‌داری در آن مانوره
اعزام شده اند ... فقط حضرت [illegible]
بواسطه کثرت [illegible] منصبی خویش
از [illegible] شود [illegible] معذرت
خواست یک هیئت از صاحب منصبان
عسکری تحت ریاست حضرت محترم
آقای محمد [illegible] خان [illegible]
حربیه [illegible] فرستادند.

تشکر قوماندان اعلیٰ قطغن و بدخشان

مکتوبی در اظهار مسرت از مساعدات
[illegible] قوماندان صاحب [illegible]
آقای [illegible] شاه محمود خان [illegible] قوماندان
[illegible] آقای عبدالقیوم خان [illegible]
و آقای عبدالغیاث خان [illegible]
از ریاست ارکان حربیه عمومی
اداره موصول آمده در آن [illegible]
وظایف و فرستادن [illegible] نظر
حضرات موصوف اظهار [illegible]
شده برای ایشان توفیقات [illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] قوماندان [illegible]
[illegible] این [illegible] تکمیل [illegible]
که [illegible] عموم [illegible] نسبت [illegible]
از وزارت جلیلهٔ حربیه [illegible] توجه داده اند

جریدهٔ حقیقت کابل
شماره (۲۵) جلد اول
چهارشنبه ۲۲

خدای دپاره!

ای په خوب کړو د غفلت ټولي یاران … ولې نکورې عالم ته د جا…
چه په کمې اندازې قدمه کړنا شوه … چه هر یکه ترقي په نړدې…
لا تراوسه دې په مخه او په کوشش کښ … ورځ په ورځ پرتري کښ…
تاسې ناست یاست په عیش و په عشرت کښ … نور عالم دی د وطن خپل په…
مناسب دی چه بر باد کړې هغه وقت … چه اسلام په ترقي کښ دا کو…
لګ نظر د انصاف وکړې اجانب ته … چه دی څرنګه مصروف په کار…
یو ساعت بې کاره فانه کړ مهلت خپل … نه دي دوې دا مې … کورې
تاسې واخلې نصیحت لو قوار یخه … ای حماد دین مذهب…
زه غوړلم وایمه اخلاصه … چه پرو دو شپې…
هغه کس چه موظف وی په خدمت کښې … پا کحام د کړې کوشش پلیغ…
رکه واړه رعیت د دوی همت له … پا تمام کړې د هغې د…
خدای دپاره ای کسانو چه مامور یئ … رب دپاره همګی واړه اعیا…
خدای دپاره حاضرې د تولي وکړي … حاضري کښې خان داخل کړی…
تاسې پریدې عیش عشرت په دې ایام کښ … تاسې لرې کړې اغراض نفس…
صداقت سره خدمت د ملت وکړي … خان سهیم په ترقي کړې د…
رعیت له مې دا رنګ نصیحت دی … چه په غوږ کې … پند…
سر هسې توری د الله تپ تیارې شي … شکر د لر د شې د دې نعمت…
چه ور کړې یې د خلو د دې خادم … په رښتیا سره د دین او د…
په نامه سره امان الله یاد یکی … خدای د دې لرې محفوظ…
په رښتیا سره حافظ دی د ناموس … د همه واړه اسلام خصوص…
نظر وکړي دی پادشاه مهربان ته … شپه او ورځ دې په خدمت…
دلاور نصیحت ګوره خپلو یارانو ته … چه دا وقت غنیمت وګڼي…
ترڅو الله تعالی ګوخان کامیاب کړي … خدای د دوی کامیاب…

قواعد اختصاصیه

این اخبار هفته وار یکبار [illegible]
[illegible] مطابق مسلک جریده [illegible]
[illegible] امور تحریریه بکارکنان حقیقت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حقیقت

۱۳۰۲

عبدالله [illegible]

قیمت اشتراک		
قیمت برای	۶ ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
[illegible]		

[illegible] ارشادات و علما و طلبه
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible]

جلد اول چهارشنبه ۲۴ جدی ۱۳۰۲ ش ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق نمبر ۶۶

ریاست بلدیه بجواب حقیقت نوشته

ریاست محترم بلدیه در جواب سطوریکه در [illegible] حقیقت راجع به شکایات گل و لای [illegible] و دیگر شکایات اهالی مرقوم شده بود، یک جوابیه طولانی را بعد از [illegible] فرستاده درین ایام بغرض تردید و انتشار باداره ارسال داشته است حسب وعده که درین موضوع نموده ایم، بخطر آن جوابیه طویل یک جمله یک جمله [illegible] اختصارا گرفته، از آن صفحات بلدیه که خود [illegible] در صفحه خود تحریر داشته [illegible] آن کلماتی که از شرافت ذاتی آن [illegible] محترم نسبت باداره حقیقت [illegible] آمده است، چون خارج از مطلب است [illegible] صرف نظر میکنیم.

اگر [illegible] کرده بدیده انصاف نظر کنند از سالها [illegible] گل و لای [illegible] بلدیه [illegible] کرده [illegible] اگر [illegible] بلدیه [illegible] کار روائی های بلدیه [illegible] ملاحظه فرمایند [illegible]

اگر ریاست بلدیه [illegible] مرحوم [illegible] بعوض [illegible] بلدیه [illegible] [illegible] [illegible] سابق [illegible] گذشته [illegible] کابل [illegible] قدیم [illegible] تغییر و تخریب کرده جدید [illegible] [illegible] جدید [illegible] عمومی را [illegible] و مسدود کرده [illegible] درین [illegible] از طرف حکومت متبوعه [illegible] بلدیه [illegible] اگر [illegible] باشند که بلدیه کابل [illegible] جدید [illegible] تشکیل [illegible] [illegible] تشکیل [illegible] و [illegible] کاری [illegible] کنند، [illegible] دور است.

در سال [illegible] پخته کاری بازار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وقت [illegible] [illegible] [illegible]

… بنابر آن بلدیه در عدم پخته کاری معابر
و بازارها بلدیه … در این معالی … و ر
و شهر از حق … بجانب … انتخاب … در سال آینده
تجربه حاصل کرده امید …
در باب لاری و برف کشی کوچه ها و گذرها …
آن نسبت بواردات بلدیه سالیانه ده هزار روپیه …
تعیین شده اگر … تمام گذرها پاک شود …
هم از عهده آن برآمده نتوانند قبلاً نظامنامه بلدیه …
طبع و نشر نشده بود اقربای بلدیه سابقه و پولیس برف
بازارها را بوجه دکانداران و از گذرها اهالی با وجود
…
از قوای انشاآت و … از معابر … لاری کشی …
شده بود. حالا بموجب نظامنامه بلدیه …
داشته برف … خانها خود را در کوچه ها و گذرها انداخته …
چنین خانها بسیار است که از چهار … ده روپیه وجه
جمع شد و بقرار نظامنامه … پنجاه روپیه …
مصارف برف کشی آن میشود و تا این زمان …
… موضوع بولایت …
در حال ریاست بلدیه با اضافه ده هزار روپیه اجوره
لاری و برف کشی را متحمل گردیده …
ریاست بلدیه خود را در … وظائف خود مشغول

… بیلداران … هر کدام از … تنقیص و اجراآت …
بلدیه و کلا … خود … انجمن بلدیه مذاکره و …
بوده … اند … ریاست … گذاشت …
رخنه آن، و اگر معترض … دانسته بود مستحق …
در دوران هم ریاست بلدیه … خود را ضایع …
تزئین مساجد … از چند سال نشده بود …
و سراهای زیاده … بلدیه بود ترمیم …
جاهای … آب را رسانده اگر …
در سال روان که نسبت بگذشته …
قلت ارزاق را بواسطه … سمت …

تشکر از روزنامه طلوع افغان قندهار

بجواب … عبدالعزیز … جریده حقیقت شماره … سال … خود …

نوازشهایا … غرق … | قلم را کی … بود در وقت تحریرم
… | بود … عاجز است تحریرم
بمصرع … نظم … | ز محضر … تعبیرم
خدایا … | مبادا … آرزو … تصویرم

(۲) اسباب حمل و نقل ارزاق و …
… مرکب جنسیت. اکثر …
عسکری بود. (۳) نسبت بسابق …
عسکری و نظامی در شهر … بود که …
داشتند (۴) بارگیر … گرفته …
تشهیر … بیکار …
و غیره ظاهر است.
باوجود این همه … قلت …
شهر … بلدیه …
بسال گذشته اگر مقابله شود معلوم میشود

اعطای نشان صدیق به پیلوت آن طیاره هوائی که از مسکو آمده بود

روز دوشنبه ۲۲ عقرب بعد از ظهر حفظاً از تشویق مدیران
ترقی داعضای گروه وزارت حربیه حضرت غیبت پناه و رحم با غیرت
را از حضور معلی حضرت معظم غازی مرحمت نامی آن پیلو تهای
دولت دوست دار روسیه که در این موقع بمرو نقاط
سمت جنوبی پنج فروند طیاره افغانی را از ترمذ
ظرف سه ساعت و چند دقیقه بتفصیلی که حسب الموقع
آن مرقوم گردیده بست آورده بودند و در آن اقراق
آن زمان الی الآن حسب الامر وزارت جلیله حربیه
خدمات هوائی را نموده اند انعقاد یافته حضرت
سفیر مختار روسیه با ترجمان خویش نیز بوزارت حربیه
دیدن یوم حاضر بودند - بعد از صرف چای و شیرینی
ورود بدل برخی از کلمات شطحی و محاورات مهربانی
حضرت عالی وزیر صاحب وکیل وزارت حربیه آقا
عبدالعزیز خان از خدمات پیلوتهای مذکور بشنو
جلالتمآب سفیر روسیه اظهار مسرت کنان فرمودند
که از حضور جلالتمآب در بدل این خدمات هوائی
آن حکومت دوست دار که بجهت فرمایش وزارت حربیه
خدمات نموده اند یک یک قطعه نشان
ذی شأن قدرت که با افاخر مخصوص صنف جلیله عسکری
اند اهمیت بیمدانم و بنظر تقدیر مینگرم - اعطا و مرحمت
شده است - از طرف سفیر صاحب موصوف از این
قدر دانی وزارت حربیه و امتیاز حکومت افغانیه
نسبت بدان پیلو تهای روسیه فرموده اند با اظهار
مسرت اظهار تشکر و ممنونیت بعمل آمده از طرفین -
تمنای مزید استحکام روابط مناسبات دوستانه و دوام
و امتناع محبت کارانه دولتین معظمتین اظهار و آرزو
نموده شد - بالآخر حضرت وکیل صاحب نشانها را مرحمت و بسینه های
پیلوتان مذکور رفت و رفقیهای آنها را ترتیب اعطا شده حفظ نموده

عوائد ترکیه

از ۱ اپریل ۱۹۲۶ لغایت ۲۹ مارچ سال
حکومت ترکیه باقرار ذیل
داده است - آغاز ۱۳۰ کرور و ۵۳ لک و ۶ هزار و
۹ صد و ۸۸ پوند ترکی (۱۳۰۵۳۰۶۹۸۸) پوند

زلزله

در جاوه - زلزله بار زیاد و سود و قهر
در وریدی واقع و صوبه گیرد بالکلیه
برباد و تباه گردیده قریباً ۹۰ نفر با نشان ملک انجا بلاک شده اند

سیاحت

بر لندن و برلن شرکت شراف کشتی
بتاریخ ۳ دسمبر جهاز هوائی
(کالیه و) نام از لندن بطرف هندوستان عزم
و ایام سه روزی را در افغانستان خواهند برد.

قوای بحری جاپان

نامه نگار تایمز از
برو سلز اطلاع
میدهد که وزیر بحری عامه جاپان با ضابطه حکومت جاپان
شمار کرده کرور شرکت عده شان ۳۰۰ و ۳ هزار خواهد شد.

امداد انگلستان

در انگلستان امداد جلاوطنان
یونان در یکساعت زیاده
از ۷ پنج میلیون پوند بطور قرض فراهم آورده شد -

زنان کاسبه

در انگلستان عده زنان کاسبه
و کارگر ۱۶ لک و ۷۰ هزار است
که قرار ذیل بکسب و کار مشغول اند -
۶ لک نفر در کارخانه های منسوجات کار
میکنند و ۴ لک و ۳۰ هزار در دفاتر -
مشغول تحریر اند و ۳ لک و ۶۰ هزار
پیشه ور میباشند که اکثر شان معلمات
موسیقی و کلاه نرس میباشند ۲ هزار شان
در مطابع جبرا نه کار میکنند ۲۰۰۰ نفر
داکتر و ۴۰۰۰ نفر شان سازی مشغول وداع
زنانیکه عمر شان زیاده از ۱۲ سال ست ۵۱ فیصد
اند که از جمله آنها فیصد ۷۰ - ۱۸ بیادب اند که فیصد
۱۴ از ایشان شوهر دار و باقی آن دوشیزه میباشند (طلوع افغان)

مردان کنند کوشش توپ و تفنگ و جنگ

کاری مکن که دیدهٔ مسکین شود پرآب　　کز سیل اشک گشته بسی خانها خراب
از ظلم قلب تیره و تار و سیه شود　　روشن شود ز عدل بمانند آفتاب
پایندگی مملکت ار آرزو تراست　　بر عدل و داد کوش و بکن لطف بیحساب
بر زیر دست خویش مسلط مکن کسی　　کز حق نترسد و نکند خوف از عقاب
خدمتگذار را بفزا قدر و منزلت　　برپا و دست دزد و بر تندان بند [illegible]
آباد ملک گردد و ثروت شود فزون　　دهقان چو دید رافت و لطف از ملوک [illegible]
امنیت از کجا و رفاه رانشان زچه؟　　سرکرده که شب همه شب هست مست خواب
مردان کنند کوشش توپ و تفنگ جنگ　　نی بر صدای تار و نوای دف و رباب
جائی که نیست پرسش و زجر و سیاستی　　هرگز نمی کنند ز مظالم کس اجتناب
خدمت نهند اسم خیانت ز بی حیا　　نام گنه ثواب گذارند ز بی حجاب
هردم بیک وسیله ربایند کلاه ما　　گاهی باعتدال و زمانی بانقلاب
در باطن اند گرگ ولی در لباس میش　　کردند استفاده مجید و حباب
تا چند حق کشی کنند از بهر سیم و زر　　بالکل گمان مبر شود اندوده [illegible]
از کرده‌های زشت تو خواهند کنند سوال　　در پیشگاه عدل چه گوئی بود جواب
با آشنا مگوی که بازادگان خاک　　بیگانگی مکن منما عیبه اجتناب
آنرا که علم و عقل شعار است در جهان　　بر آرزوی خویش شود زود کامیاب
گوی سعادت از دو جهان برد بیشبه　　هرکس که علم و فضل و هنر کرد اکتساب
باشد شرافت بنی آدم بعلم و فضل　　نی آنکه بر زیادی مال است انتساب

از طبع آگاه صفات [illegible] آبادی [illegible]

صدق و صفا و مهر بیاموز ای جوان
دوران چرخ عاقبتت میکند عذاب

قیمت اشتراک مقامات	قیمت بروپیه	
کابل و اطراف کابل	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۵
[illegible]	۱۱	

قواعد و ضوابط

این اخبار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل شنبه ۲۶ اسد ۱۳۰۳ ش ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۶۷

[illegible] حقیقت [illegible]

سلطنت [illegible]
آنانیکه بعضی افراد [illegible] شده [illegible]
[illegible] از خواص [illegible]
[illegible] داشته از انوار عظمت حقیقی [illegible]
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث وارد است [illegible]
است در زمین [illegible]
[illegible] نعمت [illegible]
[illegible] رعایت [illegible] میان [illegible]
[illegible]
[illegible] فاحکم بین الناس بالحق [illegible]
[illegible] سیادت ملک [illegible]
[illegible] قسمت قرار داده اند
[illegible] امامت خواسته [illegible]

آنروز [illegible]
و معاد [illegible]
و [illegible] سعادت [illegible]
این سیاست بحقیقت [illegible]
و در تکمیل سیاست [illegible]
دوم سیاست [illegible]
[illegible] عباد الله و تخریب بلاد الله
باشد [illegible] این سیاست [illegible]
[illegible]
جدید [illegible]
[illegible] مقالات و [illegible]
[illegible] مشکلات دیار و [illegible]
خسارت [illegible]
کار دست [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] —

[illegible] ... از حالت [illegible]

[illegible] ... از [illegible]

[illegible] بمحض آزادی [illegible]

امروز [illegible]

[illegible] امیر امان الله خان [illegible]
حالت [illegible] بوده [illegible]
[illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]

(۱) [illegible] به تهذیب اخلاق حاصل شود (۲)
[illegible] فطرت [illegible]
(۳) [illegible]
[illegible]

[illegible] (۵) [illegible]
[illegible] (۶) [illegible] موافق (۷) [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت پادشاه [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] ..... و چون پادشاه [illegible]
[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 383 of 524

[illegible] درحوزه [illegible] سعادت است [illegible]
[illegible] مولف [illegible] از مولفین [illegible]
[illegible] که [illegible] بسته قیام [illegible]
[illegible] باز [illegible] و کرامات [illegible]
[illegible] رسیده [illegible] عدید [illegible] اعتدال باشد
[illegible] نظام موسوم - پس از آن بدرست
[illegible] محوار ملت [illegible] حقوق [illegible]
[illegible] سلام و [illegible] منتو [illegible]
[illegible] و کلاه [illegible] قوم [illegible]
[illegible] سلطنتی و حکومت [illegible]
[illegible] نا از امر [illegible] ما [illegible] بست
[illegible] اخوت [illegible] نمایند [illegible] انصاف
[illegible] حقوق [illegible] و نیز [illegible]
[illegible] الاتفاق [illegible] است که [illegible]
[illegible] تقدیر [illegible] رسالت پیدا شده
[illegible] شجاعت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] میشوند [illegible] بیدار [illegible]
[illegible] نموده [illegible] میان [illegible]
[illegible] باشند که قوت [illegible]
[illegible] کثرت [illegible] وحدت [illegible]
[illegible] عدالت است که [illegible]
[illegible] حاصل است این مواد بر عدالت
[illegible] ملت [illegible]
[illegible] روز [illegible] اقوام [illegible]
[illegible] خود را [illegible] آوردن [illegible]
[illegible] ملت خود [illegible] و آرام [illegible]
[illegible] مقصد [illegible]
[illegible] و نظم [illegible] دولت و مملکت [illegible]
[illegible] که [illegible] ملت اراده [illegible]
[illegible] محافظت خود [illegible]
[illegible] دین [illegible] خلفاء راشدین است

[illegible] است که [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] چون [illegible] دو
[illegible] دو [illegible]
[illegible] از [illegible] و [illegible]
[illegible] انتظام [illegible]
[illegible] این [illegible] قوانین [illegible]
[illegible] که هر دولت [illegible]
[illegible] سیرت [illegible]
[illegible] اتحاد [illegible]
[illegible] انصاف [illegible] و [illegible]
[illegible] الملک یبقی
مع الکفر ولا یبقی مع الظلم) و دولت [illegible]
[illegible] موافقان و دیگر
[illegible] و اختلاف میان دشمنان [illegible]
آن یگانه زبان [illegible] افغان [illegible]
[illegible] آورده اند [illegible] صاحب
[illegible] نماید [illegible] آن
[illegible] است و [illegible]
رفاهیت و عدالت و انصاف [illegible] خود [illegible]
[illegible] زبان [illegible]
ساخت. -

[illegible] زبان [illegible] بدر آید
[illegible] افغانستان لازم است که خود [illegible]
[illegible] حبل المتین [illegible]
و اتحاد [illegible] شهنشاه [illegible]
ترقی [illegible] و روز [illegible] است [illegible]
داخلی و خارجی خود [illegible] اتفاق و اتحاد [illegible]
[illegible] اتحاد و اتفاق و اطاعت اولی الامر خود
از جانب [illegible] خود [illegible] و محافظت دین مبارک
مقدس اسلام و ملک [illegible] وطن عزیز [illegible]

[illegible]

[illegible] و رفیق [illegible]

بنزد وزیر صاحب حربیه در المره است

عنقریب وارد کابل میشود

عبدالکریم فراری فرار کرد

خبرهایی که مخبرین سمت جنوبی کرده بودند از [illegible] جلد [illegible] اخبار شماره (۲۰) [illegible] اند [illegible] چند تن از عائله عبدالکریم که [illegible] خصوصی [illegible] منتظر [illegible] عبدالکریم شده بودند علی الفور در پیچ دیگر نمودن حرکات رفیق درنگ [illegible] و عقبا بر آمده و از قلل جبال دشوارگذار آن [illegible] که بغیر هیئت و لباس بودند و دیگر نموده [illegible] که بنزد رجال منظم حکومت عادل [illegible] نموده بودند آن خوانین [illegible] را باید [illegible] از طرف دارالسلطنه بحضرت وزیر صاحب حربیه در المره تسلیم نموده اند.

گفته میشود که آن سرغنه [illegible] در سرگله [illegible] وارد [illegible] کرده خواهند شد. عبدالکریم [illegible] در سرتاسر سمت جنوبی خود را ناکامیاب دید [illegible] تشبثات معاندانه و دسائس و وسائط [illegible] کار از خود را بلا ثمر و نتیجه دید قبل از [illegible] در حالیکه ریش و بروت و ابرو و موی سر خود را کاملا تراشیده ملبس [illegible] بوده با چند تن از پیروان و راهنمایان خویش [illegible] تیر [illegible] برقرار [illegible] اختیار کرده [illegible] بعضی [illegible] که آن [illegible] [illegible] بشماره [illegible]

اعطای [illegible] امتیاز

[illegible] توسط [illegible] بعد وقت [illegible] [illegible] گردید که [illegible] [illegible] تصویب [illegible] [illegible] دیده [illegible] مساعی [illegible] [illegible] امتیاز [illegible] [illegible] گردید [illegible]

نشان [illegible] اول

[illegible] علیه [illegible] در [illegible] معارف [illegible] [illegible] سمت مشرقی [illegible] [illegible] (۳) آقای [illegible] [illegible] سمت جنوبی [illegible] [illegible] نموده اند (۴) [illegible] [illegible] معارف [illegible] [illegible] ترجمه شده [illegible] (۵) [illegible] [illegible] تنظیم و ترتیب [illegible] افغانی [illegible] نموده اند (۶) [illegible] سید محمد [illegible]

نشان درجه دوم

[illegible]

[illegible]

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه کابلی — شش ماهه	قیمت بروپیه کابلی — سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و شرفا	۱۱	۳۰

[illegible]

حقیقت
۱۳۰۳

مدیر برهان الدین کشککی

جلد اول کابل دوشنبه ۲۹ جدی ۱۳۰۳ ش ۲ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق شماره ۹۰

مقام مقدس قلم

قلم به پیش قلمزن عزیز و محترم است — بجز عصمت و عفت وظیفهٔ قلم است
بصاحب قلم حق نویس حرمت کن — بنزد خلق وجود خوش شریف و محترم است
مقام لوح بدان زانکه او صاحب فضل — قلم امان خدا همچو آهوی حرم است
سخن که گفته شود هست بهر کس سندی — ولی نوشته چو گردد سند بهر رقم است
کلام سخت کند روح و جسم را آزار — سخن که نیک بود همچو گلشن ارم است
قلم محرر حیات است مظهر حسنات — بهر کسی اثر فکر او ز بیش و کم است
قلم چو دست گرفتی شدی معرف خویش — گناه شر بد و نیک عدالت و ستم است
بهر که فضل بدان از قلم کند مکتوم — بود وجود پلیدی که بدتر از عدم است
ولی برای متنبه اشاره کن تو صریح — که در عفاف همین راه اولین قدم است
ز حق نویسی خود صادق است برخوردار — که نزد اهل حقیقت صدیق محترم است

اسپانیا و احرار ریف

طنجه ۱۷ دسمبر – در جبهت عساکر اسپانوی از طیطوان دلاوریه بجنوب پوست دو هزار نفر از قوای اسپانوی بعقب مکوز خویش عودت نموده و بآنها در دمیدرو شده اند.

اسپانیا کوشش میکند که شورش علاقهٔ جبره را فرو نماید ولی آنها بر فرستش بسیار کرده میشود و چنانچه در روز نام گذشته و به علاوه مذکوره چند تن از آدم های سه طیاره کشانده است.

لندن ۱۶ دسمبر – از خبرهای حالیه ظاهر است که قبایل علاقه های طیطوان، و طنجه، نیز بر خلاف اسپانیا علم جهاد را بلند نموده از انگلیزی مجله اعتماد به اسپانیا کنسبت بخبرهای وقایع که گرد میشود صاف ظاهر میگردد که حالت بسیار خطرناک است و از این واقعه مدبرین فرانس نیز تا اندازه مشوش میباشند که مبادا احرار بر طنجه حمله آوری شروع نمایند.

امیر نجد و حجاز

در کنفرانسیکه در مکهٔ معظمه دائر شده بود دعوت ابن مسعود امیر نجد منعقد میشود حجاز و مرتبه تقدیم خواهد شد. (۱) حکومت امیر علی پسر شریف حسین برسمیت شناخته نشود (۲) بطور یکه در اروپا مجلس بین الاقوام قایم دارد در جهان طور یک مجلس بین الاقوامی اسلامیه قیام یافته که مرکز آن مکهٔ معظمه بوده و (۲۵) نفر از نمایندگان اقوام مختلفه اسلام در آن شرکت داشته باشند (۳) حکومت مکه و مدینه و بسا دیگر از طرف جهانه وزارت آن از روسا شام و مصر و دیگر علاقه تا عربستان تشکیل بیابد (۴) حکومت حجاز را جهان دول اسلامی که بحال آزاد و مستقل اند بیابند و هر یک از دول مذکوره تجارتخانه در آن دانسته سفرای مذکور در معاملات حجاز مداخلت نمایند و انتظام حج را سفرای دول اسلامی فی الله کرخواهند نمود.

ایران

طهران ۱۷ دسمبر – از هوائی شرکت (جنکر) بار اول بیست کیلیه از طهران گرفته و روانهٔ انزلی گردید که مذکوره را تا انزلی بیک نیم ساعت بجهت بادکوبه رسانیده و این مسافت دور و دراز را در ده و نیم ساعت طی خواهد کرد.

حضرت اجل آقای سردار سپاه از مقام [illegible] بذریعهٔ تلغراف خبر داده که بفضل الله تعالی جنرال [illegible] عربستان مقرر نموده و افواج عربستان را بطور [illegible] تعیین فرموده از عزیمت آباد والی عربستان [illegible] تمامی نجات از قضیهٔ عربستان خاتمه یافته [illegible] عتبات عالیات بطور زیارت رسمی بسوی عراق عرب و از راه خانقین وارد خاک ایران خواهم شد.

طهران ۱۷ – دسمبر حکومت علیهٔ ایران [illegible] کرور و ده لک دالر تجویز امریکه را منظور نموده [illegible]

وفد هندی

بتاریخ ۱۸ دسمبر – وفد هندی [illegible] جهازه جهانگیر نام از بمبئی [illegible] حجاز عزیمت نموده قبل از عزیمت اراکین وفد [illegible] جلسهٔ بسیار با رونقی بسرکردگی مولانا [illegible] محمد علی [illegible] وداع شان انعقاد یافته بود بعد از بیانیه مولانا [illegible] مولانا عبد الماجد صاحب که یکی از ارکان وفد [illegible] بیان نمود که ما بحجاز برای آن میرویم که برادران عرب را مجبور نمائیم که ایشان در حجاز حکومت [illegible] قایم نموده و مداخلهٔ اقوام دیگر را در [illegible]

ورود

بمبئی ۱۹ دسمبر – امروز صبح [illegible] کنگ صاحب پرنس [illegible] وارد [illegible] بطرف برما روانه خواهد شد.

شریف حسین

پاریس ۱۷ دسمبر [illegible] پاریس [illegible] که شریف حسین مخلوع حجاز بعض قبایل عرب [illegible] با او در بر خلاف امیر نجد معاونت نمایند و بعض شمولیت نیز ورزیده اند.

علاوه بر این از حکومت ایطالیا [illegible] موتر و سلاح و جهاز هوائی هم بسند [illegible]

اکالی

امرتسر ۱۰ دسمبر در مقام [illegible] نفر گرفتار شده اند [illegible] یک زره پوش صف دیده [illegible]

بخاطر میرسد، حاضر شود که یا گرفتار شود و یا فرار

البانیا و ایطالیا

لندن ۱۸ دسمبر جریده حالا آثار جنگ در البانیا
نمودیلی درست نیست چنانچه یک نفر مسئول لندن خبر
که البانیا از طرف افواج بیقاعده حمله کرده اند
در ضلع قواده احتمال جنگ با رسیست و ایطالیا
دو جهاز جنگی را برای معاونت حکومت البانیا
بسواحل بحری البانیا فرستاده است.

امیر نجد و مدینهٔ منوره

جریدهٔ فتح العرب چاپ مکه گفته که اهالی مدینهٔ منوره یک
وفدی را که عبارت از شش نفر اعزه و اشراف آنجا
میباشند بحضور ابن سعود امیر نجد فرستاده درخواست
نموده اند که انتظام مدینهٔ منوره کرده شود.
و او امیر حایل عبدالعزیز ابن جلوی را برای
انتظام شهر با صفای مدینه مامور فرموده است.

قتل قونسل

از یک پیغام برقی شیراز معلوم شده
که یکی از ارکان سفارت برطانوی
در محله های شیراز مقتول شده و حکومت برطانیا
بحکومت علیهٔ ایران احتجاج نموده است.

کابینهٔ جدید ترکی

فتحی بیگ صدر اعظم جمهوری
ترکیه کابینهٔ جدید را
حسب ذیل ترتیب داده است:-
(۱) فتحی بیگ، صدر اعظم و وزیر حربیه – (۲) رجب بیگ وزیر داخله
(۳) عبدالخالق بیگ، وزیر مالیه (۴) فیض بیگ
وزیر امور عامه (۵) شکری بیگ وزیر خارجه (۶) –
محمود اسعد بیگ وزیر قانون (۷) سراج زاده بیگ
وزیر معارف (۸) داکتر مظهر بیگ وزیر صحت (۹)
علی رضا بیگ وزیر تجارت (۱۰) حسن فهمی بیگ

روس و فرانس

مطلع اتحاد روس و فرانس
کمی غبارآلود گردیده وقتی
آن رفت که بتاریخ (۹) دسمبر مذاکرات نسبت معاهدهٔ
تجارتی روس و فرانس شروع شده بود التوا یافته،
که باعث آن هیچ بیان نشده است. مگر مسیو کریسین
سفیر روس خود را اسکو نموده البته با حکومت خود
مشوره خواسته شود.

تنظیم جدید ترکیه

سلسلهٔ استعفای علیحدگی در حال
ترکی از جمعیت خلق جاری است
چهار نفر رفیق بیگ و قاره حسن و رحمی بیگ و ...
مستعفی و ۳۹ نفر دیگر نیز برای استعفا آماده میباشند
حتی میگویند که خود مصطفی کمال پاشا نیز از این مخالفت
بستوه آمده مایل است که استعفا کند.
پروگرام جماعت جدید که مبنی بر (۱۰) ماده است
شایع شده در مادهٔ اول اصول اساسی را طرح نموده
و در باقی مواد بر سیاست داخلیه اقتصادیه، مالیه،
معارف، مقاصد جماعت جدید را اظهار نموده اند
در مادهٔ ششم پروگرام مذکور جماعت جدید وعدهٔ احترام
افکار و اعتقادات دینیه را کرده و هیچ اعتراض
عمومی بران وارد نشده است.
کاظم قره بکر پاشا تا حال در مباحثات مجلس ملی
ازین جهت حصه گرفته نمیتوانست که او محاسبات
سابق خود را بوره و تمام نداده بود و حال از محاسبات
ریاست سابق بری الذمه بر آمده در ترقی مقاصد
جماعت جدید جد و جهد بلیغ مینماید.

ظلمت انگلستان

لیغلند (۱۰) دسمبر
یک پیغام برقی
رسمی مظهر است که تنها بر لندن نه بلکه
بر همهٔ انگلستان یک ظلمت فوق العاده
طاری و از آن جهت همه دوائر و
شعبه تیاتر و ... مسدود است. نسبت به حصص
انگلستان بر لندن ظلمت زیاتر و در تیرگی و تاریکی به حد تمام
رسیده بر سرکها علاوه بر چراغهای مقرری از مشعلها کار میگیرند
و در آمد و رفت ... و موترها نیز خلاف اقتضا واقع شده است.

تعزیت شهزاده حمایت الله خان بریالی

رئیس جمهور دولت علیه ترکیه غازی مصطفی کمال پاشا تلگرام ذیل را بحضور اعلیحضرت غازی مخابره نموده است.

خبر موحش و فجیع ارتحال شهزاده حمایت الله خان بریالی را با یک یاس بزرگی گرفتم باوفات اعلیحضرت غازی و خاندان شاهی شان درین ماتم اشتراک نموده و خاندان شان را از روی صمیم قلب تعزیت داده و با مصیبت و محزونیت شان ادارم.

ایران تبلیغ تسلیت از طرف والاحضرت ولیعهد دولت علیه ایران بحضور شاهانه

مورخهٔ ۸ جدی (۱۳۰۳) نمره ۸۸

جناب مستطاب اجل اشرف محترم مهربان آقای محمود بیگ خان سردار عالی وزیر خارجه دولت علیه افغانستان با کمال احترام به استحضار خاطر مودت ذخائر آن جناب مستطاب میرساند بموجب تلگرافی که از وزارت جلیله خارجه ایران بجوهر خود دریافت نموده ام و دستور العمل داده شده که از طرف قبله مفخمی که برادر اعلیحضرت اقدس غازی دست داده است از طرف والاحضرت اقدس اعظم ولیعهد دولت علیه ایران بحضور اعلیحضرت اقدس همایونی تبلیغ تسلیت نمایم چون کسالت دست داده تشرف یابی حضور همایونی میسر نشده است تسلیت یافتن والاحضرت معظم له را و کلیه دولت علیه ایران را بوسیله آن جناب مستطاب بحضور باهر النور همایونی تقدیم نموده و از جانب مستطاب عالی از طرف اعلیحضرت تقاضا دارم مراتب تعزیت شهزاده مرحوم را فاتحهٔ مجدد جدید بنماید. (ربیع الملک)

جوابیه وزارت خارجه، آقای شارژدافر.

مراسله مودت نگار آن عالیقدر که مشعر تبلیغ احساسات والاحضرت ولیعهد دولت علیه ایران به فقدان شهزاده حمایت الله خان بحضور اعلیحضرت شریع معظم بوده واصل و مسرت و امتنان گردید مراتب بحضور همایون مراتب تقدیم رسانیده شد علی ید اشرف دارم که با ارادهٔ شاهانه شان

مراتب امتنان کمال رزرابت والا همایونی بدست ... والاحضرت ولیعهد دولت علیه ایران توسط آن ... بحضور همایونی ابلاغ نمایم **خاتمه** مخابرات تسلیت ... که موقع شرفیابی شان بحضور اعلیحضرت گردیده بود کمال ... است که حکمت آن علیحضرت در ساعد باشد و دوستی ... تاکدام وقتی جهت باریابی شان بحضور اعلیحضرت موقع ... آن مشفق محترم اطلاع داده شود. بدین مناسبت ... فاتحه خود داری نتوانم.

ع، ص آقای رفیع الملک شارژدافر دولت ...

فرانسه تبلیغ تسلیت از طرف رئیس جمهور ... بحضور همایون اعلیحضرت شهریاری ...

سفارت فرانسه در کابل ۲۹ دسامبر ۱۹۲۴ ...

آقای وزیر.

بحضور اطلاع ارجمند آن مولی الفقدان حضرت اقدس ... حمایت الله خان بریالی بحکومت خویش ... دیروز از رئیس جمهور رأساً تلگرافی گرفتم که ... تقاضا شده بود که تسلیت ... الصادقانه رئیس ... و حکومت فرانسه را بحضور اعلیحضرت ... از جناب اجل عالی تشکر خصوصی گرفتما احساسات ... بحضور اعلیحضرت تبلیغ نموده و این اطلاعات ... برعلاوه شخص اعلیحضرت ... مملکت ... (ادا و رد شود) جناب اجل محمود طرزی وزیر ...

جواب وزارت خارجه، آقای شارژدافر.

از حضور اعلیحضرت معظم مفهوم ... مورد ... بتلگرام تسلیت آمیز که جناب جلالتمآب ... دولت جمهوریه فرانسه از جانب جناب حشمت ... جمهوریه و سائر ارکان حکومت جمهوری نسبت ... حمایت الله خان بریالی مخابره نموده ... و امتنان اعلیحضرت معظم را ابراز نمایم ... را جواباً بحکومت معظمه خودتان تبلیغ داشته ... فاتحه اطمینانیه را ... احترامات ... شود

تفصیل مقامات	قیمت یکساله	قیمت ششماهه
دار السلطنه کابل	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۳۰

این اخبار [illegible] کابل [illegible] نشر شود [illegible] نظام [illegible] ارسال [illegible] حقیقت [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد اول کابل چهارشنبه اول دلو ۱۳۰۳ ش ۵ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ق شماره (۶۹)

کلمات فی الاستقلال

[illegible]

عربی

(۱) الاستقلال حق طبیعی للشعوب والامم والحریة حق طبیعی للافراد فلا یحق لاحد [illegible] علی الطبیعة الظاهرة

(۲) الاستقلال اطیب الامانی الانسانیة التی تشعر بها [illegible] عظمة فی شخصیتها.

(۳) الاستقلال صفة من صفات الانسان [illegible]

(۴) الاستقلال تطبیق قواعد المساواة بین افراد الجنس البشری

(۵) الاستقلال مسئولیة الحکومة امام الامة فی اصلاح شؤونها وترقیة احوالها.

(۶) الاستقلال سلامة الامم من التلاشی او اندماجها فی امم اخری

فارسی مضمون

(۱) استقلال حق طبیعی تمام قبائل و ملل است و حریت حق طبیعی افراد [illegible]

(۲) [illegible]

(۳) [illegible]

(۴) استقلال تطبیق نمودن قواعد مساوات است در بین اقسام جنس بشر

(۵) استقلال عبارت از مسئولیت حکومت است نزد ملت درباره اصلاح حال و مآل آن مملکت.

(۶) استقلال سلامت ماندن ملل است از [illegible] یا سبب انقراض [illegible]

(۷) الاستقلال وحده للحیوان الطیور الذی
ان یناریه طیر اخر فی وکره بل الوحش
لا یرضی ان یقاسمه وحش غیره فی
جحره. فمن لم یسع للاستقلال فهو
اقل من هذا الحیوان.

(۸) الاستقلال شفاء الامم من امراضها
الاقتصادیة والاجتماعیة والاخلاقیة.

(۹) الاستقلال لتهذیب لوحدة القومیة
الامم والشعوب.

(۱۰) ایها الانسان علیک بالاستقلال
وقد کتب للناس ان یکونوا احرارا فی اولادهم.

(۱۱) ایها المصری الاستقلال الاستقلال
فلا تغتر بحطام زائل فالمال یزول
ویبقی لک ولابنائک وخیر لک
سوء الذکر.

(۱۲) ایها المصری لا تطلب الاستعباد بدل
الاستقلال والرق بدل الحریة فتکون
قد اسأت لنفسک ولوطنک وذریتک
معا.

(۱۳) ایها المصری لا تهمل تعلیم ابنائک فنائک
منافع الاستقلال وفوائد الحریة
فتکون ادیت واجبا علیک.

(۱۴) ایها المصری لا تفرح بحدیث لا تهنأ
بلذید مادمت فی قیود الاستعباد
بعیدا عن الاستقلال.

(۱۵) ایها المصری لا تحتقر نفسک مهما کنت
صغیرا و حقیرا فان الجبل العظیم انما الف
من فتلات ضعیفة

(۷) حیوانات نیز از خیال و تمنای استقلا[ل]
نمیباشند زیرا که یک پرنده ابدا ار[...]
در آشیانه او دیگر پرنده با او شرکت کند [...]
یکی دیگر حیوان استقلال خود ضبط نکند [...]
پست تر است.

(۸) استقلال شفای علت پست از [...]
واجتماعی و اخلاقی.

(۹) استقلال سبب تهذیب عیب [...]
وحدت قومیت است.

(۱۰) ای انسان واجب بر تو حفظ استقلا[ل]
است کر انسانها حر و آزاد باشند در [...]

(۱۱) ای مصری کوشش کن بر تحصیل استقلا[ل]
مشو بر حطام زائل زیرا که مال زا[ئل]
و برای تو و فرزندانت کلمات طعن [...]
باقی بگذارد.

(۱۲) ای مصری نخواه بهبود بیت در بدل [...]
در برابر آزادی زیرا در صورت [...]
نموده به خود و وطن [...]
ات

(۱۳) ای مصری اهمال مکن در تعلیم دادن فرز[ند]
وابنای خویش در منافع استقلال [...]
خود کرده بصورت تمام از حقوق واجبه [...]

(۱۴) ای مصری سرخوش مشو بر نعمتها جدیده [...]
لذیذتا زمانیکه در حلقه اسیری [...]
خودت را خود حاصل نمائی [...]

(۱۵) ای مصری حقیر مشمر خودت را گر [...]
جنگال اند بر سنیا بزرگ اتفاق و [...]
و ائتلاف تمام [...] میکند از [...]

تصحیح

حقیقت از اغلاط لفظی با وجود صرف مساعی این همه تا هنوز نتوانسته است که خود را [...]
یکطرف سهو کاتب [...] دیگر خرابی اصول [...] طباعی از جانب دیگر تنهائی [...]
دیگر در پشتگاه این اشکال [...] نموده است که مع الاسف در بعضی احیان [...]
[...] وليلي = وليلى . خوانده و دیده شود . تا اداره [...] بعد از طباعت از تصحیح آن [...]

[illegible]

غریق

از شماره ۵۰ اتحاد مشرقی معلوم میشود که جناب عبدالغنی خان
کاموس مدیر ... مشرقی ... برای تحفه
... و ارتفاع تعلیمیه مکتب ... از
آن ... بجانب صوب ... داده و دو ماشاء
عبور از ... میان ... جلال آباد چون وسایل عبور
در دریای این ... منطقه بزرگ ... از جاله بود ...
نیست و آن جاله که ... در ... بجانب ... سکان
رجیده شده تمام رجال ... اتحاد ... معروف
شده ... این واقعه ... ملاقات ...
اطلاع داشته ... سعادت ... تفتیش ... بعض ...
آب را برده و ... نموده اند [انا لله و انا الیه راجعون]
متوفی مذکور ... حال بود ...
در اتحاد مشرقی ... [illegible]
... معارف مشرقی ...
گردیده ... آن ... اصول ... تشویق
... خدمات ... برای ... اتحاد
مشرقی ... نمود.

در ساختن پل و تعمیر جسر با وریگی از شماره های سال
سوم اتحاد مشرقی نظریات خود را نسبت ... حکومت جلیل
... مقامی سمت مشرقی که ...
... نظریات خود را تحفه نموده
... پل و ساختن جسر ...
... که ... عمل آن شده
... بودیم — ... آن نظریه ...
... توجه ...
این ... برای آن غریق مغفور ...
رحمت و برای بازماندگان شان دعای صبر ...
از درگاه رب العزت ...

ملای لنگ و رفیق بنگ به کابل رسید

میکروب فتنه و شر مرتفع و تشنگی ما رفع شد

روز سه شنبه (۲۰) جدی ملا عبدالرشید
و عبدالقدیر نامان که ۱۱ از اتباع ملای لنگ و رفیق بنگ
او ... با چهره برهنه کابل ... کفن در ...
در تحت نگرانی حضرت محترم آقای محمد سمیع خان ...
از سوار شاهی در موقعی داخل وزارت حربیه شدند
که تا ... از طرف ... از صغیر و کبیر ... تماشا
گرفته ... انتظار ... و داد ... غضب ... از طرف
آن شیاطین ... و ضد ... جهالت ...
... ایستاده. این حالت ازدحام و تکرار ام در میدان
وسیع مقابل وزارت حربیه از ساعت ۱۲ الی ۲ —
دوام داشت بالاخر حضرت ... وکیل حربیه آقای
عبدالعزیز خان ... وزارت حربیه بیرون شده
بعد از ... تنظیم شان از طرف عسکر سواره و ...
با آنها یک اصول درست ... مجمع را در شرف ...
عسکری و سعادت و نیک ... اشخاصی که با طاعت
اولی الامر معظم ... خود داد صداقت و رشادت ...
داده اند ... در برین حالت گمراهی و بغاوت ...
ملای لنگ رفیق ... آن ... اظهار ... آن ...
الشیاطین را با الفاظ رقت ... والفعال داده
ضمناً فرمودند که از ... عالم ... مخصوصاً ملت
افغانستان امروز ... مسرت و خرسندی ...
بوده و دشمنان اسلام و افغانستان را مانند
امروز ... طول و مجهول و شرمسار خواسته ایم
(... نمود). بالاخره ... آن ... نمی
بغاوت ... ارگ شاهی برده تحویل قلعه بیگی نمایند.

حذر کن از خیانت صاحب صدق و صفا میباش

نه در فکر ستم فی در پی نفس و هوا میباش ‌‌ خدا را جهد کن یک لحظه در راه خدا

بمرفت تاج کرمناست آخر قدر خود بشناس ‌‌ موظف بر همه احکام شرع مصطفی

هوی گاه گاهی گهی نور هست گه ظلمت ‌‌ برای درد بینیها بیک ... سایه

نبایند از مروت بر شکستن هیچ دل را ‌‌ بسنگ یاس گر بشکسته از هوی میا

هنر آموز از بهر وطن کسب سیادت کن ‌‌ بفتح عقدها از همت مشکل کشا

بکف برگیر از روی نکو لطفهای مسکین را ‌‌ بزر بخشی چو خود در طارم نیلی

گذر از انتفاع خویشتن گر صاحب عقلی ‌‌ پی سود عمومی نور چشم برق

نگردان چهره از ارباب حاجت در همه هنگام ‌‌ عصای عمر ... پیر دست

تواضع با تواضع پیشگان بنگر بهر حالت ‌‌ چو در محراب آتی بچه ...

حیات جاودان خواهی اثرهای نکو دار ‌‌ به نزد تشنگان کوثر آب بقا

بمرهم مرهم سینه چاکان غم ملت ‌‌ قلم آسا باهل علم و دانش آشنا

بزن بر جسم جسد خویشتن چون صبح خنجر را ‌‌ نه کم از آفتابی سایه بال هما

بوقت بازگشت هیچ و تابی تشنه بار خود ‌‌ دوی بر دیده ارباب حاجت توتیا

مکن رشوت ستانی کن حذر از آه مظلومان ‌‌ فراچین دامنت زین گرد و گلشن

حکومت چون بهانهٔ کار را اندر کفت بنهاد ‌‌ حذر کن از خیانت صاحب صدق

تو ای سرور مکن بر چهره ات داغ خجالت را ‌‌ تمیز حق و باطل کرده ...

قواعد و ضوابط

این اخبار هفته وار ... در کابل ... [illegible]
... اوراق ... در برابر مسئول ...
نگردد، امور تحریریه بنگارنده حقیقت
در سال ... [illegible]
در اندراج و اصلاح ... [illegible]
بتوسط ... [illegible]
از هر جا ... دریافت میشود

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	۶ ماه	سالانه
کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
...	۱۱	۳۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده
برهان الدین کشککی

جلد اول کابل شنبه ۴ دلو ۱۳۰۳ ش ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۴۳ ق شماره (۷)

سور تبریک و شادمانی عساکر فاتح بحضور اعلیحضرت غازی کیفیت مجلس بمناسبت جنگ و شکست و فرار ملای لنگ

احساسات عمومی ضیع ... ملای لنگ ... بر القای ... معاصرت

محبت ... دشمنی شیطان ... نوازش سرزنش عریضه

روز چهارشنبه اول دلو بنابر عرض استدعا و زارت حربیه جشن شادمانی آن عساکر فاتح غیور افغانی که در غائله سمت جنوبی داد شجاعت و رشادت و جلادت را داده و دو ... اصحاب ... بسرور ... تحت قیادت آقای ... محمد ... ... تحفظ و بهره داری ... ملای لنگ و ... و دیگر اعوان و انصار ... کابل ... اعلیحضرت معظم غازی ... یافته بود.

احساسات عمومی

مقارن بساعت (۱۱) بود که صفوف نظامی ... ... و اطراف جوانب ... ... داخل ... عسکر ...

... بخصوصیت وحالت مخصوص، به ترنمات دل انگیز در حرکت آمیزی ... اهالی دقیقه از دقائق را فرو گذار نمیشد، سپس هر چند موزیک نغمات دلکش رامی نواخت ولی بابک آهنگ مخصوص کلمات تهدید آمیز و مجازات ... اعدام ... مرگ درد ... را بگوش خائنین و جنایت کاران میرسانید تماشاچیان با وجود ممانعت بایک حس انتقام غضب کارانه از اطراف و جوانب مانند مور و ملخ از خرد تا بزرگ دور این عسکر غیور را در حلقه ازدحام گرفته، و علی العموم دور هم ایستاده، گرد تماشای شان از هر گوشه ... نشان کرده، [با اصطلاح مردم کابل ... ...] ...

باعث این منظره را استفسار میکردند. آنانیکه از اصل مسئله مطلع بودند خیلی مشعوف و مائل بودند تا خبر این منظره را بیان نمایند. در همین زمان از این مجمع عالیشان، صدای عمومی همه بالاوه در عوام و خواص زمزمه تحکم و افشاء شده بالبعه شادیانه و عبارات مسرت آمیزانه و اوضاع انتقام جویانه صدائی بلند شد:-

این است میکروب شرارت، این است تخم بغاوت!!!

و شخص دیگری با صدای بلندتر که مملو و مشحون از شعف بود گفت:- این است ملای لنگ و آنست شخص دیگر:- جمعیت دیگر فریاد نمود که:-

این است آن شخص الفضولی که سبب ثروت و شادی خرف سمت جنوبی را بباد فنا داده، عسکر دلیر ما را خون آلود ساخت.

وضعیت ملای لنگ

بالجمله از این قبیل سخنان برای انسان نمود و از هر زبان و هر دهن شنیده میشد که تحریر آن بطوالت میکشید. در این اثنا هر دو مرد که سیه چرده ولش ایشان بایدیماهی نقش و مجموعه زرد و خونبهای سرد مثنک است در صفوف نظامی دسته لی دسته موزیک چنان باجنان بی که ظاهرا آثار خیانت و غلامی شرارت و ماده بغاوت و عمده شقاوت از آنها ظاهر و هویدا بود و چشم ناظرین را بخود متوجه نمود.

عسکر فعال و محبوب ما که رفتار خود را بن قدم برطبق اداره موزیک که زمان فرصت نغمه سرائی میکرد و در رفتار بود و تاثیر این اوضاع و ترانه های موزیک در قلوب ملای لنگ و رفیق و تنگ آن چنان تاثیرات تهدید آمیزی را تولید میکرد که گویی چوب دار را در برابر خود دیده و این ساعت را که آخرین دقائق زندگانی خود تصور میکرد با یک عالم اندوه و الم میگذرانید. تغیر رنگ، حالت اضطراب آثار روحی از رخسار شان مشهود بوده، همانا ندامت و خجالت شان از اعمال سراپا وبال و افعال سراپا ضلال سابقه شان حکایت میکرد!- بیم مجازات و اعدام، برق چشم و افروختگی چهره شان را اسلاب و نابود کرده از فرط وحشت هیچ نمانده بود که از روح قالب تهی کنند.

آهنگ یاد دلکش موزیک خاطره ایام کامرانی و دستگاری و اذیت و مردم آزاری و ظلم و اعتساف و دوباره بازه و دهشت و شقاوت و ادبار اعلام و عیان از ابرو ...

ترتیبات گلپاشم

تا اینکه بصورت و هیئت مزبور آن ملا نماهای جاهلت دستگیر ...

بدربار قصر گلخانه در یک تیاره شدند و قوانین سطح ترتیبات که حضرت شاهانه حضور ملوکانه خود نموده بودند و امر کرده بودند که خاک را دور ...

عده از اعیان و شاهزاده ... و مصاحبین ... این چیز بعد است شاهزاده ... که موقع برو و این ... بدبخت ادبار از مرکز اعدام شده ... سمت جنوبی و اطراف ... خیانت شان تا ... بعد از تحمل رنج و تعب مزید در ... تفتیش و تحفظ و بهره دور این دو سیه روز ... و طرف داران شان خائنانه هرگز خواسته شده ...

بعد از ورود بدخول گلخانه یاد شاهی شده ...

حضرت تعالی عبدالعزیز خان وکیل حربیه منفرد ... آن سیاه طالع کفتار نفوس متعددی ترتیب ... شده ملای لنگ و رفیق و تنگ آن از مصاحبین ... فرحت الیام شاهانه تخصیص شده بود که ... حیث شد مو شبها مرده با ... پریده و ... انجک بدست مشک بسته ایستاده کرده شده ...

اشرف ملوکانه

بسیار زنگ ترتیبات ... بجا برده شد ... تمام ...

فاتحین شجاعت مکین و سپاه ... بقابل اعلیحضرت غازی پادشاه آفتاب ... از یک مرتبه ... که خوبی ... در گلخانه شاهی شده پاس ... شان چنان مینداشته ... که اندکی گرفته ... بمجرد مشعوریت انظار عسکر ظفر ... و خدا ... رتبه پادشاه ... پاشقانه و اوضاع ... بباد ...

... خوش ... موزیک ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 395 of 524

[illegible] اعلیحضرت معظم غازی با عسکر خیرخواه [illegible] را ابراز کردند که باعث ابتهاج عموم افراد اردوی [illegible] مخفف نویسان حضور بعالی سپرده اند در ذیل [illegible]

بیانیهٔ ذات شاهانه

اولاد با عزیز من! الحمد لله که شما را مظفر و کامیاب صحت و عافیت می بینم (عسکر ما که [illegible]) [illegible] الحاکم سکنه واقع شود، مهربانی کرده معافم فرمائید! [illegible] از این واقعه سمت جنوبی بدل من [illegible] بتوانم که یک بیان خوبی کرده بتوانم (عموم عساکر [illegible] کامیاب و مسرور دارد)

خدمات و فداکاری هایی که شما عسکر اولاد من در [illegible] نموده اید و داد صداقت و اسلامیت و افغانیت [illegible] را در راه خدمات ملت و مملکت و دولت خود داده اید [illegible] اظهار رضا بکنم! در واقع شما اولاد هائی [illegible] داشتم [illegible] خداوند [illegible] شما را سرفراز دارین و شهدا و شما را در آخرت بهترین مکافات نائل گرداند [illegible] (عموم الهی آمین)

اگرچه کسانیکه در راه خدمت اسلام سربازی نموده شهادت را کمائی کرده اند خداوند آنها را [illegible] معنوی شان [illegible] مزید آمرزش [illegible] شاهد است که هر فرد عسکر غیور را [illegible] (عسکر زنده باد [illegible] افغانستان) [illegible] این واقعه از فرزندان [illegible] اولاد [illegible] از دست این ملعون [illegible] (بسوی ملا لنگ [illegible]) شهید و تباه شده اند [illegible] نقص اسلام و افغانستان است

در طرف [illegible] کشته شود کفار است

الحمد لله شکر میکنم که شما عسکر غیور [illegible] بچشم حاضر [illegible] در [illegible] تا خیر [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] این پدر عاجز تان گردن بسته بیاورید (عسکر الهی آمین عمر و دولت پادشاه)

بغل کشی و دیده بوسی

الحال آرزومندم که با همه شما معانقه کنم و بر [illegible] در روی شما فرزندان عزیزم را ببوسم (در [illegible] خسروانه فرود آمده بداخل صفوف عسکری داخل شده با هر فرد سپاهی علیحده علیحده بغلکشی نموده سر و روی آنها را می بوسیدند و از طرف هر کدام آنها بالمقابله ادعیهٔ [illegible] و اظهار فداکاری ها عقیده مندانه و بوسیدن دست و پای ملوکانه بعمل می آمد این رازو نیاز [illegible] معاشقانه تقریباً (۲) [illegible] دوام ورزید)

محبت یزدان و دشمنی شیطان

بعد از رنگ [illegible]

انجاالان سرباز فدائی علیحده علیحده بغلکشی و دیده بوسی نمودند بکلام اولین خویش عودت کنان از [illegible] نطق بنهایت رقت آور [illegible] را ایراد و داده برین حالت [illegible] سمت جنوبی که دیگر [illegible] را بجز از خرابی [illegible] و عالم اسلام و فراهم آوردن موجبات پریشانی حکومت اسلامیه افغانستان [illegible] از خیالات عالیات و ترقیات و تعالیات که نسبت بعالم اسلام و مملکت افغانستان و این ملت جاهل افغان که بعضی از آنها [illegible] بقول این ملا لنگ فریفته شده [illegible] خود [illegible] ضمناً [illegible] که از اول عقیده دارم چون من خدمت ملت و مملکت افغانستان و اسلام را بصداقت [illegible] حتی آرزومندم که یک بوته و گیاه افغانستان بغرض ترقی و افزونی آن [illegible] بخون گردن خود آبیاری کنم والله که ضروریست [illegible] که ترقی اسلام و افغانستان [illegible] هستم [illegible] نخواهد بود — خداوند [illegible] که امان الله هیچ یک مقصد بجز از ترقی و تعالی دین مبین [illegible] سربری شاهی این ملت [illegible] [illegible] حتی این شیاطین [illegible] [illegible] کرده ام

یارب [illegible] (عموم: زنده باد شهریار ترقی خواه افغان! سرنگون باد دشمنان افغانستان)

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 396 of 524

قهر خدا بجان ملا

و بر شمع ملا فرسوده ملا که از افراط غیظ و غضب شخوف و حرص رحمانیکه عسکر
مجبور و مجبور درباره فرونشاندن این آتش بغاوت که
برافروزنده بودن آن این دو ملعون غدار بوده، و نظر بعهد نامه ملا
برهان الدین [illegible] این خادم حاضر تا که برای ترقی و تعالی
شما ملت و این مملکت داخل و وارد آمده، در تمام بردن این مقام
حسنه باکه معطل و سکته در عین زمان بوقوع انجامیده است
خودم بالذات بجای جنگلان جای و انتقام جوئیها که از فرق سر
تا ناخن پا این دو ملا تمام شیطنت بناها بانواع مجازات واقعی
سرزنش سرد چار نموده که گاه و پارچه پارچه و پاره پاره شان کنم
کار بار چون دقت میکنم می بینم که بچه اندازه فرزندان بدبخت و
بدبختم از دست این دو ملعون غدار درین کارزار کشته و تباه
شده اند! و بچه مرتبه از طرف این اشخاص معیوب مجروح گشته
و چقدر خسارات فوق العاده بآنها وارد آمده است که اگر ما
بر هر یک و سر گشته یک یک کارد از فرق تا پای این دو ملعون
طوری گذارده شود که باندازه یک سر موی در وجود مردود شان
جائی خالی گذارده نشود، باز هم گمان میکنم که تعداد کارد با کرقطعل
و اضافه از جسد نحوس شان مانده است. بسیار خواهد ماند و علاوه
بران از جوانا [illegible] که بالمقابل بدین شیاطین داده شود [illegible]
منفعتی لابراهیم عائد نمیکند زیرا بر خسارهٔ که بملت و حکومت
عائد شده است، تلافی جسو دیا وفتة آن فرزندان که از طرفین کشته
و تباه شده اند باز بدست می آید و نه موجب رفاع این [illegible]
و خجالتی که ازین واقعه بوجود آمده است، میگردد! لهذا این
ملعون غدار که جمیع اخوان و انصاره و طرفدارانش را بهر جائیکه باشند
[illegible] باشند بایشان بانکال عقیر بروردگار و غضب جبار
گرفتار ترین مجازات سخت کی بیاید [فعلقنا نخوم آمین]
از خداوند خود مسئلت دارم بحیثیکه در دنیا این غداران ملعون
مورد تعزیر گردانیده است در آخرت نیز شرمنده و خجالت زده
و رسوا باشند [فعلقنا نخوم الیهی آمین]

این حصه آخری یکدو طو کاتب [illegible] از حضور جناب [illegible]
[illegible] خان محمود [illegible] شاه [illegible]
[illegible]

الحکبار ی بود ندازین دو راقم الحروف بزر شوربت
باد دشتی بیگرفت

باشما نوازش میکنیم و با این دو ملعون کاری رها

بالاخره موقت شاد میشوند
کلانخود وعده شود که باید
کساییکه از شما مردی
غدار و خدمت برای
و دانیکه الذین مینهٔ شمارد میدان امتیاز و افتخاری النعف
زیاد و بزرباد و رضا شود من از شما راضیم و خداوند
برجا و در هر میدان سرخرو و سرفراز و مظفر و شمار از [illegible]
غداکار رضا را که از شما [illegible] شاه و نو بها لاسعاد
عسکر محبوب و قوای ملکی چون در فرونشاندن این نائره بغاوت
باندازهٔ قابل تقدیر و تحسین است که از هیچ نقطه
و نظر آن دیده و شنیده نشده است. طوری امروز
سرفراز و مظفر و نیکنام هستید از خدای خود امیدوار
که ابدالآباد همچنین صادق و فداکار و سرفراز و ممتاز
این دو ملعون در جا گذارد بلکه من با ایشان
فی الحال بخیر یا رم و ما آنها را از شما می بینم و با ندازه
نوازش و مکافات باشید و مملکت شان محل آن شما
بانظروم کسانیکه در نو واقعه خدمت کرده اند با شما نوازش

عریضه عسکر

بعد از اختتام کلام رفقت تسلیم خود که خرچه
تعلیم خزمرند کیا [illegible] تحداد لی [illegible]
الحیطه، نیز کرد ترقیات اتبا، پادشاهم سربستان سیدبود
فلاذ شما هست، از خدا وند [illegible] داریم که شما را در تمام مقاصد
تیعی برما ملت و تعالی این مملکت ما داری موفق و کامیاب گرداند
(عموم آمین) دیجته امشالکر در نو شما ترقی و تعالی را در دنیا
طول و طویل [illegible] الارغالیق استقلال را متقدم و مکون [illegible]
الحیطه که امجا یاد داریم کرد در سلطنت یا فیض باتمام
دیجا و شد یبا بوقوع پیوست [illegible] این مسئله آنقدر یاد دادند
کلا هم یک و شاهی در تمت شهید اکبری نمودن [illegible]
مجروح مرضیان آن قوه می گاردیا و ایرا [illegible]
کلمات و نوازش شما مرهم و مرض [illegible] عسکر
عسکر نوازیها تحفه خود [illegible]
خود [illegible] بر کات [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 397 of 524

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل ... نشر میشود ... مقالات ... مستقیماً به اداره ... مراسلات ...

نرخ اشتراک سالیانه

	ششماهه	سالیانه
داخل کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
...	۸	۱۵
...	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

نگارنده

برهان الدین ...

جلد اول کابل دو شنبه ۲۶ دلو ۱۳۰۳ ش غره ۵ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره (۷۱)

یک لحظه سرسری بزندگانی خویش و غور فیما بعد آغیا

بخت! طالع! ادبار! = سعی! عمل! جد! جهد! غور! ثبات!

بدینجا بهتر کرینج یک مقدمه و تمهید و دلائل ... و تائید برتری و تفوق و تقدم ملت های غربی خصوصاً اهل فرنگ، در امورات دنیاوی و مسائل اقتصادی ... لازم نیست! واحتیاج ... انتصاب ... و شواهد ... دلیل ... دادن برهانی ... نخواهیم داشت!

آنها هم میدانند و برخی از ما نیز خوانده و شنیده ... یا دیگر و محیط غربی یک عالم و محیط دیگر است!

بلی! سرزمین ارتقاء، دنیای تکامل، عالم بزرگ، جهان ترقی ... تجمل، مقام ... جهان خود غرض ... عالم ... محیط ... که تماماً پستی و انحطاط ...

عدم سیر ... شاهراه اصلاح و تعالی برای ... نشان میدهد بشباهت نخواهد داشت!

بما عقیده داریم و خوبتر میدانیم و ... غرب ساکنین ... عبارت از گروه بنی آدم و نوع ... تمامی ... از یک ... از یک ... اصل ... چرا یک تن آقا ... و فرد دیگر خادم است؟

چرا یک فاصل ... داده ...!

برای چه یک ملت متفوق و برتر، و ملت دیگر خوار و زبون و به نکبت مقرون است؟

و علاوه بران بار ذلت را بدوش خویش کشیده تحمل هم میکند؟

بلی! آری! وجوهات و سبباب پستی و ادبار و تنزل و تعالی را علل خیلی روشن و سبباب بسیار

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 398 of 524

عالمیان مبرهن را به حضرات ..... نشان داده، که
بدبخت؟ طالع؟ اقبال؟ ادبار؟ گردش چرخ؟
در فقر و غنا، و پستی و اعتلاء مداخله می‌دهند؟
اما چنانچه مشهور است معروف این معانی مسمی
و این الفاظ بی معنی را در ترقی و تنزل و تعالی و تسفل
هیچ غرض و مداخلتی نیست.
اینها همه اوهام و تخیلاتی است که بعضی افراد دنی و کم
استعداد پست فطرت آنها را برای اسکات سائل و تسلی جاهل
و تسکین قلوب غافل وضع و برای تسلیت خود با تراشیده اند
و برای بدبختی و فرومایگی خویش این الفاظ را علت قرار داده‌اند!!!
اما این نگارنده معتقد است و بارها برین موضوع بیاناتی
را ایراد و مقالهایی را انتشار داده که بر انسان نیک‌بخت
و هر فردی نصیب از افراد دنیا بر رفتار و کردار خود دش معقول
و همچنین یک ملت و یک مملکت و یک عالم و یک قبیله و جامعه
دیگر که از دیگران برای ازاله این اوهام و تاکید به جد و جهد
و سعی و عمل ترقی را به سام بندگان خاص خود بسی از چنین
اوامر اعطا و ارشاد هم نماید که:
لیس للانسان الا ما سعی یعنی
تا بر رنج گنج میسر نمی شود ❊ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم یعنی
که کیفیت کنند روزی که بدبخت شده عمر و دیار یکی که
از مکافات عمل غافل مشو ❊ گندم از گندم بروید جو ز جو
یا ارض لا تتوفی جاودی الاکبا الجمیع یعنی
تا تو کوشش نکنی در نیابی اندام تو ❊ جامه را که بتو ساخته خیاط ازل
و پیغمبر رسول اکرم درین مورد امر شدید که آکید فرموده الذکر
الناس مجزیون باعمالهم یعنی
جو از ردی دلی را، وز مکافات مشو ایمن.
من جد وجد فقد وجد یعنی
هر که شد جد و کوشش بهر خاک باب ❊ که گفت از جد و جهد به عیش آماده باد
ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها یعنی
هر سبب حاصل کرد مقصود تو ❊ در سبب هیچ نگر که بی خود مشکل

بقدر الکد تکتسب المعالی یعنی
به قدر در رنج و بار گر گنج جسته بهار ❊ هر که هم یکی قصر جست
مزید برین آیات صریحه و احادیث نبویه
مضامین حدیث قرین در دیگر احادیث و آیات
قرآنی و دستورهای اجتماعی و اسلامی که بزرگترین
دینی و عقلی است درین باب در کتب اسلامی
و غیره مسطور و مذکور است. و بالاترین شواهد
در مورد همین ارتقای ملل غربی است.
سعی و عمل، جد و جهد، عزم و ثبات، کار،
خسته نشدن از کار. بعد ازین خوامل ترقی و تعالی
ماسلف اکثری از افراد الطویل فوق کرد
و تغییر دینی است معتقد گشتیم، و شاید تا یک
معتقد نخواهیم بود. از اعتقاد و انحطاط خود دانسته
بعمل و سعی و ثبات مدنیت. و شاید این انحطاط
هم حس نکرده خواهیم بود ــ و این سیه‌بختی و حالا
غدالت و پستی نخواهیم شمرد ــ
فی علمی و ندانستن معلومات حالی این
بدبخت را بدبخت نموده و که بی بدبخت
ساخته که بر بدبختی خود هم معتقد نیست و نمی داند
که بدبخت هست یا نیست؟
ندانستن معارف ملک نبودن به وسائل ترقی
و انتشار آن ندانستن فهم برای کسب معارف این
بدبخت ساخته و بحالت بدبختی نگهداشته است
بدبخت نموده است که نمیداند بدبخت هست یا نه
بکار من آخرین وسیله برای سرگردانی
و خواری همان توسل بقوای روحی یعنی کسب معلومات
ترویج فنون است.
این اعاد نوعی و افراد معلوم الحال ما بدبختی
هیچ وقت پی نبرده بیچاره تا کسی آنها را فهماند
فهمیده که در دنیای متمدن افراد هستند که
آسایش آنها بهتر و بیشتر است. و با وجود آنهم آنها را

انسانی و امورات شخصی صرف نظر نموده در ترقی و آسوده حالی ملت و خیراندیشی های دولت کوشش نمایند بس بایستی در مراتب اولیه ملت و دولت کما فقط مدبرین اقدام به توسعه معارف کنند و علاوه بر علاوه مدارس عالی و ابتدائی برای تعلیم اجباری مخصوص بها برای قطع مراحل ابتدائی و تمرین مشغول دارالتألیف که اداره ایست ضمنی وزارت معارف است بنا نماید.

البته مملکتی که در آن سالیانه (۳۵۰۷۸) کتاب علمی و فنی یا زیاده و کمتر تازه تألیف و نشر میشود با مملکتی که برای افراد آن حتی کتاب تألیف را بجز از قرآن شریف و معارف دینیه و خوردن پلاو و سایر قورمه نمیدانند معلوم است چه قدر فرق خواهد داشت مملکتی که در میان افراد کارگر و عامل او یک تن که حاجی از علومات اولیه باشد نمانده کمال برای او در میان آنها غیر ممکن است. با مملکتی که در میان افراد یک دهاتی ده بهر کاه یک تن قادر نوشتن و خواندن باشد چه جواب مردمان او هست تا چه اندازه فرق داده خواهد و اجماعی چون همه معتقد شده که از عاقبت بدست توانائی جهان ملت است و بایستی انتظام قطعات دولت را داشت بلکه ملت بایستی دولت خود را بدرجه ارتقا و تعالی برساند. ان فی ذلک لعبرة لاولی الابصار و ما للظالمین من انصار.

روس و فرانس

لندن ۲۳ دسمبر ـ تیمز ذریعه اطلاع داده است. که تعلقات روس و فرانس بنظر می آید و فی الحال بهبود آن متصور است. دواجلاس کانفرنس مجوزه فرانس قبل از انعقاد منعقد خواهد و هرگاه حکومت روس به آن نیز رضاداده حتماً دراجلاس کانفرنس در مسئله التوای قضایا تحقیق خواهند.

تعمیر جسری در علاقه چوند

بقرار اطلاع یکی از احباب بمورد روز (چهارطاق) علاقه (چوند که و پیره و الرود) از ابتدا گذشته در ولایت سرحاب سرحد دیار بلا کار بنیاد جسری بود که در خو وقت زمان و در بی حسابی آن اکالی بحکام روبخرابی نهاده و اهالی از آن بسبب خرابی در تحت بودند چنانکه ع آقای شهنوازخان علاقه داری منصوب چوند و آنجا گردیده اولین مرتبه که با اهالی اقدام به تعمیر جسر نمودند جسر مزبور تعمیر و از مساعی قابل ستایش موصوف جسر مذکور بکلی روبه آبادی گذاشته و اهالی از آن مذکوره چگونه استراحت و آزادی شده اند. (فریاد)

طوفان در انگلستان

علاوه بر طوفان سابقه یک طوفان شدید دیگرے در انگلستان بوقوع پیوست که از آن برای کشتی جهازات در دریا ایسا اشکالی پیش آمده و هم آمدورفت ریلها که در بسیار کنده و دایر قایم است تیز سرعت شده است. این طوفان چهار دین کرسمس که ناوردی... خبر از آن در یکجا حالت بسیار پریشانی کرفتار اندو عاید از عرض و طول دریا تا سیلها و سیع در آب وموج است و بعضی ازینها آب بسیار شدند بیشتر شهرها را غرق کرده است. (زمیندار)

مصر و ایران

حکومت مصر برای شهزاده ارفع الدوله سفیر ایران معینه در لیگ اقوام اشاره دوک شما سلطان مصر و برطانیه در لیگ اقوام پیش کنید. و این خبر هم سابق برین تو امده که حکومت ایران نماینده دیگر خود را اجازه داده است که قضیه بحرین را در مجلس لیگ اقوام تقدیم نماید.

ترقیات ترکیه

حکومت ترکیه از حکومت ایطالیه زیاده از چهل فروند جهاز هوائی خریداری نموده و خیال دارد، دیگر سامان حربی هواها هم خریداری نماید. و عنقریب یک سطر جهازها هوائی از جرمنی

[illegible]

عارف از خواب خوش خود زچه بیدار نشد

(قند مکرر)

هرکه از ذلت اسلام خبردار نشد — عارف و واقف یک نکته ز اسرار نشد

گر خبردار بود نیز خموش است حکیم — حکمت و علمش اگر صرف درین کار نشد

نیست این جا دشه آسان و ا با اثر کل — چه عشاء باخبر داین همه دشوار نشد

زنده شد مرده صد ساله ازین نفحه — عارف از خواب خوش خود زچه بیدار نشد

پیچ و تاب خم دستار نشان علم است — لیک یکعقده ما باز ز دستار نشد

غیر لیلی اگر دیده بگیرد همه راست — گویمت فاش که او عاشق غمخوار نشد

از پس پرده خبر بود حریفان که فلان — بی سبب این همه آشوب گرمی بازار نشد

قیمت یکسر موئی ز سر یوسف ما — نبود هند و بریطانش خریدار نشد

قسمت ... شری فاسد باطل آمد — زانکه وارث گراز هیچ خبردار نشد

اسف انیست ندیدیم یکی خائن را — که به پاداش عمل سوز و سزاوار نشد

دیده ها دید که لباس حیل و مکر و دروغ — هیچگه ساتر عورات ریاکار نشد

نیست او زنده جاوید بدنیا مخزون — که باسلام و وطن یار و مددگار نشد

حقیقت ۱۳۰۳

قیمت اشتراک	۶ ماه	سالیانه
داخل [illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

اجمالی عقائد و ضوابط

این اخبار تعلیمی [illegible] کوي
[illegible] ترقیات [illegible] ارسال
[illegible] حقیقت ..
ارسال مقالات [illegible] جریده
[illegible] ارسال
اشتراک [illegible]
[illegible] دریافت میشود

کاتب برهان الدین کشککی

جلد اول | کابل چهار شنبه ۲ لوی ۱۳۰۳ ش ۳ رجب المرجب ۱۳۴۲ ق | شماره (۷۱)

دیانت فطانه دیر اسلام

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ أَتْقٰكُمْ

کله چې مونږ په سترګو د بینائي او د دوربینې
اطراف د عالم ته وګورو نو ښکاره ظاهر
شي چې ترقي د هر ملت او استقلال
د هر مملکت په هره زمانه کښې په واسطه
د ترویج د خوبو ولو د علوم او فنون
او مسائلو قوانینو او احکام مقدسه [illegible]
[illegible]
[illegible] خلاف کښې
مسلمانان وګړي و خان په اسلام کښې
غریب بولي تاثیر پیدا کولی نشي او نه
خلاف له افعالو بدو ونه کړي ولې شي
دیانت د څه خالق له افعالو قبیحه
ونه مانع او افعال حسنه ته متوجه کړي دي
که په کتابونو د تواریخ کښې دقت د کړه شي

په دیر اسلامي به ښکاره شي چه واسطه
د ترقي او برتري د تول اهل اسلامی دیانت
او سبب د خواري او ذلیلي د هغې قوم
چا بت نه کول د هغې دي نه که چه مطلق
دین د اسلام سبب د نیکبختی او شرافت
او انتظام د معیشت او قوام د مدنیت
دي هو اساسات د دین د اسلام او شریعت
د محمد علیه السلام چه فضیلت او
شرافت د هغې هر صاحب لره د عقل او حکمت
ظاهر او روښانه دي. او احکام مقدس
د هغې یو ښکلی وسیله او ذریعه دي
بهارلا د وسیل جنتي ته د خلاص
له که اهونه او سا تونکي دي له د جهنم
او ګمراهۍ ژرني.
عرب په زمانه کښې د جاهلیت
په سبب د هغه مذي عقائد و حقا
د خیل او پابندی د قانون اسمانی

خپل په خوږه ژبه کښې لنه ملت
اوخوار دی نه خلاصی او په کښې دوجه
د برتری قدم کښېږده شول چه شرق
او غرب د عالم کښې مشهور او نو لیکنی
خان ته تخریب کړه.

او س دادم ځه بدبختی او خوار ذلت او
چه له هر طرفه په مسلمانانو خکاره شوی
سبب دهغی به غیر له دینه چه مقدس شریف
دا قوانین دینیه او په شان پابندی ونکړل
په احکام مقدسه وی باځه ننه دی هوا او
په رشتیا سره چه یوځه بی له همدغی نه بل
نکته اسلامیه خپل ذات کښې هیڅ عیب.
هر عیب چه دی په مسلمانانو کښې دی.
تاسو هم انصاف وکوی چه کم یو خو تکی
په مقرراتو د مسلمانانو او وظائفو د مذهبی
خپل په هغه شان سره چه شائستگی او لازم دی
عمل او رفتار کوی کم یو خو تکی دی چه لا
په بدی یا امورو او هغه ونکوی او همیشه
پابندی د اوامر شریعت خپل ولری هغه
د دین دین دار وی لا د ے حال داوی
چه مسلمانان، اسلام بیکس او ضعیف گڼی
او مقررات دهغی له هیڅ اهمیت نه ورکوی
لوله څه نه په ترقی وکوی. او په نیټه برتری
په قهقرا کښې اړوی.
لکه چه بعضی مسلمانان په خپل ذات کښې
چه په جمع کول داسباب ترقی او برتری د ملت
خپل کښې سعی او کوشش وکوی په خلاف
دهغی مدام فکرونه په ساز و لوبو کوی
کافرخانه او باغونه غو ندو او پیدا کو
د اسباب عیش لکه کف او کا لوا و لخستل
او ګټمو نه او ملتوو نه لری.
بعضی په عیش او عشرت خپل مشغول او

بخت او بی پیښو او رشوت او آزار د ملت
کښې سرګرم او په عشق بازی کښې تحمیل او
ارخانه خانه بېغلو او خوبرو که خوبرو
خبری سست او بی هوښه دی تر دی چه د
یو ری چه د هغوی خیال هم نه دی کا له هغه
چه پای دی او پیښه صفائی ته د ایلی دی
خان خلک په دوو کښې ناست او په
سپیره په خوږ اک د اپین او غکول د چی
انیک او قمار بازی او نو د کار ونه ناما
مشغول دی او لا هغی کما لو او هنر ورا
چه لازم د دینی نوع انسانی دی محروم او بی
باقی تو چه په نامه سره او خوند
یاد یکی په حقیقت کښې تحیر د او عیاشه
مظلوم آزار وی لکه د اکثر دا و د قاضی
عقلونه په نامه سره دیرا و سلوک تکار کوی
کوی ګندم نمای او جو فروش هیل خیل
لدی وجه نه چه په اوړته ذکر شول
او ولت او ترقی او برتری د اسلام غیر
څه فقری دی چه د ځو د تعلیم یافته
او مجلد کوی له تاثیر او هغی ښی دی
کاروته څه نه بولی او دوی کښې مستل یا تخیل
کوی او نا کس نه اجتناب کوی او د هغه
او خطیب د هغوی څخه د پاره ترویج
او اوامر د څخه ا هغوی خپل لره په
چه لازم دی فرمانبردار ی وکوی او په
څخه او فنا کار وکښې دغه عادتونه خپل
جمله د اخلاق حسنه او کار و نه خپل
دغه قسم خلک په ظهر د لورو کښې
کلاو نکا د او څه خوان بولی. آفرین د
خولی او پیدی نادین توب !!!
په خاتمه کښې هیڅ دی کلام
دعا د ځه دی پادشاه اسلام پناه او

ملت ددی زمکی اسلامیه د افغانیه چه په حقیقت کښی یو زمکه باشرفه ... ټاکند اسلامی دی او خای دفخر د نور د اسلامیا هم دی او گویا په تمام عالم کښی د اسلام ... دی خاوند مقدس متبرکه گنړی او په رشتیا سره اهالی ددی سا تونکی ددین ... او ایمان خیل دی. گوم او او ایم چه خدای پاک دا زمکه د افغانستان تر دی وقته ... پوری په او عالم خلته لښکرو په خپل حفظ کښی ساتلی دی اینده دی هم خپل امان ... او دا حیات ددی سا ... اموس او شرف د ملت د افغان اعلیحضرت امیر امان الله ... شده و ... دی او وکړه او گرز دی اودی چه خپلو مقاصد و عالیه کښی چه ... ترقیات د اسلام کښی لری گامیاب وکړی. آمین. ثم آمین (محمد زمان)

ترفیع کهتر عالی آقا عبدالعزیز خان

... قوماندان و ... آقا عبدالعزیز خان ... اعلیحضرت ... سلطان محمد ... نموده بود و آن ... کرده ... تحسین نموده بگا ... در عین زمان ... یکی ... نموده ... بکمال ... لقب ... نمودند ... اعلیحضرت غازی ... از حضور اعلیحضرت ... او ... نشان درجه اول ... سرفراز شدند (این او لین نشان ... که در عصر امانیه باقا عبدالعزیز خان اولاده شده ...)

اعلیحضرت معظم ... نوازش پادشاهانه ... این خادم ... اعلیحضرت غازی ... که باید ... روز ... ما ... مشغولیت ... دارد ... که ... امرین ... باخلاص ... مستدعی ... او ... خطاب ... معظم غازی ... سرزمین شرافت قرین افغانستان ... رجال ... تبریک و تهنیت می گوئیم.

(یادداشت: در این روز ... آنجناب ... علاوه بر ... در ... آقا عبدالعزیز ... حربیه ... منظور ... عالی)

شده اند ... نشان ... پنجهزار روپیه ... امیر محمد ... نشان شجاعت و دو هزار روپیه ... نوازشات ... وقت ... اعلیحضرت ... سلطان محمد ... نموده ... خواستیم ... درین نظر داریم ... الله ... مسلم ...

تهنیت آقای محمد ... بجانشینی معین ...

اعلیحضرت معظم غازی ... اندازه ... نوازش ... مرتبه ... خیر ... اعلیحضرت ... مطرح ... آقا محمد ... معین حضور ... درین نزد ... سرفراز ... لسنه ... و ... هزار روپیه نقدی ... اشکال ... سرافراز فرمودند.

حقیقت: بدین ... اعلیحضرت معظم غازی آقا محمد ... بر ... مبارکباد گفته ... از ... اعلیحضرت ...

وفات ... محمد ... خان ...

... آقا ... عزیز ... محمد ... خان ... دولت ... اعلیحضرت ... ما ... و ... بسیار ...

[illegible]

شرف الانسان بالعلم والادب لا بالمال والنسب

زبان من امان هست دور استقلال
وظیفه کز تو دارد ای دور مقدس آن
چو دور ما من امان هست در امانت کوش
تحت حفظ خود صادق و راستی را کن
مباش در پی آثار هر چه خواهی کن
برای منفعت ملت و وطن کوشش
چو خواهی اینکه نگردی به هیچ دم محتاج
با کتاب هنر جهد تا بیاید کرد
ز علم صاحب جاه و جلال آدم شد
بکشور که طلوع کرده شمس دانش و علم
تمام خطه ز فیضش شده زر افشانی
ز لطف تا بجهد توانی تو علم و فن آموز
برای نوع بشر شوسه گشته است هوا
ز نتیجه سرعت تلغراف ممنون باش
چنین که بحر [illegible] الک الرتابی تو
ز نیرو فن ز ریل است بر همه معلوم
کنون که در کف تو برچه است توپ و تفنگ
چنین که در نظرت جلوه میدهد ماشین
همه ز فیض کمالات و سعی جد و عمل
سر آمد همه عالم ز علم یورپ شد
خدای را نماید همت ای ملت
بیا که بیرون گشته از کف اسلام
مقام هر شرفی که بخاک گشته عدیل
ببین که تا بچه حد حال سکنت داریم
بهر طرف که نظر میکنی شر و شور است
نه بخت هست که زخم بسر ای فگار
نه در سر [illegible] و نی کنند تحصیل
نفاق و غدر و خیانت همه بی علمی است
برای که دست بدامان علم و فن بزنند
بیفگنند همه مملکت شعاع و ضیا
برای ملت ما خیر علم و فن چه ضرور
بحال معارف نماند ه تکلیفی
امین ملت والدین شهی که در عصرش
گرفته کف خود گوهر [illegible] سرور

منم که وقت تو گردد ز عز و من اجلال
که این طریق ثواب است و باعث اجلال
بگیر نقد دیانت بکف تو در هر حال
که این سلوک بود مقتدای رجال
که این بلا شده سرمایه [illegible] زوال
اگر وزیر و مدیر و دیگری عمال
بعلم کوش عزیزم بجهد احوال
که در ترقی آن نیست هیچ نقص و زوال
بمال نیست شرافت صرف [illegible] اعمال
دریده پرده ابرو جهالت و جهال
منزه هست ز آلام و غم بری ز ملال
که نقش چون [illegible] هست نقش [illegible]
بهانه های چو طیاره میپرند بهوا
کنید خبرت را ز شرق تا بشمال
بروی آب چو ماهی همیرود [illegible]
که نیست در [illegible] تارش غبار [illegible]
چنین که چوب ترا خوش کند [illegible]
ز ریخ در صحت بسیار گشتی [illegible]
بگوش در هنر آنچه ترا [illegible]
دماغ شان همه عالی بجهد [illegible]
برای صید چنین آهوی رمنده خصال
فرنگ آنهمه د علوم باشغال
بادرج جاه و جلالت رقیب [illegible]
چنین که حالا همه گشته [illegible]
بهر دولت اسلام [illegible]
که زنگ دیگر [illegible] بیرون [illegible]
علوم راکه وی هست داغ [illegible]
تو صرف هست [illegible]
بعقد خویش در آورد عروس [illegible]
ز فیض علم که دارد [illegible]
نه اقبال [illegible] دیگر شود [illegible]
بده ز هر ده غازی [illegible] شهی [illegible]
که فتح قلعه افغان بکف مطالع [illegible]
گذار بر سر خود تاج عزت و اقبال

ق

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت بروپیه ۶ ماهه	سالیانه
دار السلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۳

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل هر روزه نشر میشود و دیگر مقالات در بین منظور رسانیدن امور تحریریه بنگارند حقیقت رسائل و مقالات داخل در اداره نموده جریده درج و اصلاح و عدم درج اختیار اداره است اشتراک توسط خوانین و دولتی و دفتر و نقدی از هر جا قبول دریافت میشود.

برهان الدین کشککی

سال اول کابل شنبه ۱۱ دلو ۱۳۰۳ ش ۶ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق اشاعه نمبر (۷۳)

ولیمهٔ حفلهٔ ظفریه در وزارت حربیهٔ افغانیه

روز شنبه ۶ دلو عموم وزرا و مشاهیر و اراکین ملکی از صنف کشوری و لشکری ترتیب کرده گشترانی کرده بودند وزارت جلیله حربیه بتقریب فتح عالی سمت جنوبی و ذیر مهمانان عده از سرداران رسالهٔ شاهی و نو نهالان بمعیت قوماندانی رفیق و بنگ و دو دیگر خورد ضابطان و سرکردگان بغاوت پیشه که تحت قیادت مسیح خان داوود و مرگ شده بودند یک حفله مسرت نامتناهی را انعقاد داده بودند.

مقارن بساعت ۲ تا آمدند مدعوین محترم در عمارت وزارت عظمی حربیه آغاز شد سر تا سر وزارت محترمه آرایش کرده و بهمه وجه کی آراسته و انواع تزئینات و لوازم آن پیراسته شد عموم عصا مصاحب موصوف با یک عالم بشاشت و شادمانی مانند ... بسیار نیز بر این خبر مقدم مدعوین محترم شده می نمودند و در باب انتظام و تشکیل سر دستهٔ اعلام مکوتیده علاوه بر وسته آنجا متعدد سازهای وطنی بمواقع خیر واهار کوتی معروف خوانان و محظوظ داشتن نیز مشغول بودند دسته های متعدد موزیقه عسکری نیز بخارج عمارت وزارت در ترنم و نغمه سرائی بوده خود حضرت عالی وکیل صاحب حربیه نیز چند دقیقه بر سر میز و بر حلقه رفته با هر کدام محترم احوال پرسی نموده کلمات مسرت آمیز شادمانی را می فرمودند.

عساکر فاتح رسالهٔ شاهی و نو نهالان معارف نیز مانند عموم مدعوین بدون تفریق و امتیاز بیک وضعیت احترام کارانه بر اختراز بر این جو کی باده در غیرهای شیرینی انداز موقع نموده بودند.

تا اینکه مقارن بساعت ۳ ½ عموم مدعوین مجتمع شده جایهای اندرون دو سه تا سر عمارت بر یک گشوده

وزارت حربیه نمانده بود آقای محترم عبدالعزیز خان
وکیل حربیه در وسط عمارت بزرگ وزارت حربیه
بپا ایستاده در صدد ایراد نمودن نطقی شدند بهمین
تقریب تمام موزیقه و سازهای وطنی سکوت ورزید حاضرین
توجه و ملتفت بودن شانرا با علاوه وزارت بیانی بکف
زدن های ممتد و شادمانی که یک غلغله بسیار بزرگ و ولوله
عالی را افگنده بود نشان دادند.

پس از فرونشستن آوازه ها تصفیق حضرت معظم له
نطقی را ایراد فرمودند که ماحصل آن حسب ذیل است:-

نطق وکیل صاحب حربیه

حضار محترم همه شما خوش آمدید و داد وی
از شما اظهار سرور و تشکران بعمل نماید!

برادران یکجان برابرم عساکر مظفر سالار شاهی
و نونهالان معارف! امروز وزارت جلیله حربیه حکومت
متبوعه شان برین فتوحات و کامیابی تان که در شاهراه
ابراز خدمات ملت و مملکت و شخص محبوب القلوب علیحضرت معظم
غازی خویش در محاربات [illegible] بمواقع جنگ سمت جنوبی
اظهار نموده داد صداقت و سلامیت و افغانیت را
داده اید، اظهار مسرت و شادمانی میکند!

حقیقتاً که شما بشرف مردان افغانی و سربازان محبوب
اسلام درین خاطر خوب شجاعت و داد حماسیت را داده و علاوه
بر رضامندی خداوند و رسول خوشنودی عموم وزراء و ملت و شاه معظم
و مسرت کافه رعایای صادقه و اعلیحضرت معظم غازی خویش
[illegible] را ادا نموده اید برخود حلال و حقوق دین و مملکت خود را
ایفا نموده اید. حضار محترم! بدرگاه حق تعالی شکر بسیار
شکر گذاریم که از [illegible] ایزد پاک روحانیت [illegible]
[illegible] که برضد ترقی و تعالی مملکت خود برخاسته تا چندی
سوق الجیش [illegible] وزارت جلیله حربیه ما را تولید نموده بود
براه ملیت و اسلامیت شناخته طوق اطاعت حکومت
حقه اسلامیه خود را دوباره زیب گردن خود نمودند.
و آن بدبختان مطعون و شقاوت پیشگان ضلالت

مقرون که موجب این هنگامه و آتش افروزی [illegible]
منافع مملکت اسلامیه خود بود با غند و تبلیغات نمودن
نادان و اقوام ساده لوح ما را که از خود حرکت [illegible]
و مرا با گوش با استماع الفاظ شیطنت [illegible]
بودند، بدوی حکومت متبوع شان [illegible]
مجالت کار از و داد و همت و شجاعت عسکر [illegible]
ارباب غلطی خود [illegible] حسن کرده اند که در شما
و تعالی افغانستان [illegible] رفتار و طرز عمل موجوده افغان
فارغ ختم شان [illegible] ابداً دیده نداشتند که افغانستان به
مدارج عالیه ترقی و مراتب بزرگ تعالی بگذرند از [illegible]
پست فطرتی و خباثت ذاتی خویش اشتعال این [illegible]
و [illegible] بپشتیبانی عدة جاهل و ملا نما های شوم [illegible]
بمی نمایند. معاذالله حمیت جنونی اگرچه از حسن کاروائی
و فعالیت عساکر غیور افغانی بسیار زود ممکن بود که [illegible]
فاجره که موجب طوالت مسلمه و [illegible] گردید
گندم نمائی و جو فروشی سرکرده گان غات حمیت جنوبی
تا با شفقت رافت شاهانه اعلیحضرت معظم غازی [illegible]
افغانستان بود که [illegible] حتی الامکان [illegible]
فرزندان بدبخت خیره سر داند. هنگام تعلیم هدایت
و مهربانی شان فرمودند و دیدند که هیچ یک مرحمت [illegible]
خاطر کبری انتقام یافت.

در خاتمه از خداوند بر تر سائلیم امروز همیشه [illegible]
ترقی و تعالی و برتری افغانستان را خواهان [illegible]
و درین و شما عساکر مظفره سائر [illegible]
و کامیابی نیکنامی سرفرازی ببرده جهان بزیر سایه حمایت
ذات شاهانه خواستاریم.

برادرانم عسکر غیور آفرین نوازش و مراسم
که با شما ذات ملوکانه بیگانه فرموده اند [illegible]
وحدت و اتحاد شما و امثال شما کافی است [illegible]
بدعا میکنم که ایزد پاک سایه مراحم شاهانه را [illegible]
کند (عمر و دولت پادشاه) (غلغله عموم)

در اثر قطع غوایل حضرت وکیل صاحب معظم آقا فیض محمد
خانکه بر سر رساله شاهی مؤسس اند در وقت انصراف آن حضرت ذیل افزوده شد:

فیض محمدخان کاکر

بنده احیاناً از طرف خود
و گاهاً از طرف دیگر

در اسم رساله شاهی بحضور حضرات محترم وکیل صاحب
خصوص معلوم! اگر این قدر ما چیزی این کار را شاهی
را قائم که در رساله شاهی خدمت جنوبی نموده ام حقیقتاً
رسیده است و نکته افغانی با افتخار شده و بار چندیکه از زیر
تأمین حال معنی تشویق و ترغیب بدیها با نوازشات
عطوفت کارانه و مراحم دستعاریا یه گردی آن اعلیحضرت غازی
حاکمانه خود امیدوار یم که در سایه اعلیحضرت رعیت
پرور خود بعلاقه مقاصد دارم کامیاب گردد. اعتزاز
افغانستان غربو عموم افغانستان. پس از ختم کلام آقای کبیر
موفقانه کشف فیض یکه عکس اسلامی بجهد رساند
افغانستان گردید از شرح آن بود در مقابل حضرت
وکیل نخست حصول آن چنین بیان کرد :—

شاه و مکتب

با افغانان اعلیحضرت غازی خود خیلی خوشبخت
و سعادتمندیم که امروز با دیگر
افغانان و لشکری خویش که بدون هیچ کوشش و کوشش نه حظ ملی
در اولاد افغانان مند اعلیحضرت ملی حاصل ما نا خوشنود
دیده اعلیحضرت خود را غازی گردید نسبت بحقوق افغانی
ملت ما بجو یم. شفقت و رافت خود را اعلیحضرت غازی
افغانستان بملت خویش کرام حقیقتاً زبان بیان که از او
نمی توان آید بجز اینکه حقوق خود را بر آن مبنی که ملت
افغانیه خود را بر نام بر حسن حال خویش شد ایل کرده ایم
در برابر حضرت وکیل صاحب معظم نسبت تحمید این
وقایع بصدا رسیده فرموده جمیع لشکر و مسرت و خوشی خود را از حضور
غازی حضرت صاحب تقدیم فرمود کلام خویش را بدعای ترقی افغانستان
و اعلیحضرت غازی افغان نمودند. بعد از اختتام نطق حضرت
وزارت نظامی آقا عبدالعزیز خان صاحب افتخام آقا فیض محمد خان
وزیر معارف جواب افغان و وزارت حربیه بیک الفاظ مبین دیگر با

تبریک با ایراد فرمودند که حاصل نطق محترم حسب ذیل است:—

فیض محمدخان وزیر معارف

حضار محترم! حضرت وکیل
صاحب معظم! عسکر غیور
و دلیر افغان! این مسرت و امتنان و تشکرات از طرف ذات جلیله حضرت
محترم وکیل صاحب نسبت بمقام فاضل دانی وزارت معارف ظاهر
گردیده بنده عرض میکنم. وزارت معارف در این دو سال
بر دو یا قدم حتی سرعت عظیم در بین سال که گذشته است
خدمتگذاری بقدر یکه قابل تحمید باشد ظاهر نموده اند لکن این
ارتش وزارت عظمی حضرت استعداد نواد را تشویق وزارت معارف
معرفی مینماید. حقیقتاً در یک مملکت که وطن عزیز از او وارد
شمرده میشود. اگر کسی بخواهد که با چنین یاد نمایی را از وجود
خود خرج گرداند پس بدون فرزندان خود را در مکاتب معارف
داخل نموده خود را و اولاد و احفاد خود را از این درد بی دوا
جهالت وارهند. باز بر آنست ترتیب عرفایی که این معنی حاصل
و یک همه پرست قابل بکار آنان در تنظیم و تنسیق امورات معارف
آن ابرار جد و جهد نماید امروز خدا را شکر گذاریم که در وطن
عزیز ما اعلیحضرت غازی یک حقیقی با وجود عطاء در حضور یه
کرتو جها عالیانه شاه در هر گوشه و کنار مملکت عزیز ما برای تعلیم
اعزه اولاد وطن با دادن تعلیم می آموزند. اگر عموم افراد
در یک ملت از علوم و فنون بهره در گردند تنها کار ها عزم رقی
ازو ملت فراهم گردد. محسوب شد که در چنین واقعه اما امروز خود را
یکمرتبه مکتوم حد و حد خاص ما حفظ ناموس شریف ملک و ملت خویش
سر خود را دریغ نموده بادیگر اولاد و افغان با جوش میگردند.
زنده باد اعلیحضرت غازی معارف پرور. مترقی باد دولت جلیله
افغانی. مظفر و کامیاب باد عسکر شجاع و دلیر اسلام! ختم
نطق آقا در بر حضار معارف کف زده شادمانی نمودند و شادمانی
و نطق دعا گوئی اعلیحضرت غازی اختتام یافت. در بعض هنگام
مارش امیری آغاز نموده سازها آغاز گردید و داخل نمودند
بود در هر سر آغاز شروع نمودند. شوم مدعوین آن حضار
بطرف شیرینی ها شتافتند و در نزد بر کدام با دوست و آشنایان خود
گرم مصاحبه و مکالمه مشفقانه بودند تا آنکه یک ساعت

۲ ½ یک قطعه عسکری با موزیک اطراف جنوبی کوچه ووکارت خروج آتش ملی کرده عموم شرکا و مجلس تماشای آن بر آمده این آتش تا نیم ساعت دوام ورزیده پس از اختتام آن قاعده لوی سلامی پادشاهی ازجانب عساکر ادا گردیده هر کدام اطراف الکه و جاهای خویش عودت نمودند ❖

کلاه نخوت از سر دور کن ای مرد با غیرت

از طبع آقای میر اکبر خان از وزارت عدلیه

دلا گر نیستی بیگانه با یار آشنا باش
بسان ذره غیر از مهر او دائم جدا باش

کدورت را از دل خود دور کن گر معرفت خواهی
بهر کس روبرو آیینه وش از اهل صفا باش

شجاعت پیشه کن در عرصهٔ مردانگی آخر
میارا خویش را چون زن بدلق کهتری [illegible] باش

جهانی را بچون دوستدار آتشنه می بینم
بفرق دشمنان بی دین بهر تیغ از ما باش

بود کم کو بهر جان گر نثار ملک و دین سازی
پی ناموس ننگ [illegible] دین با قضا باش

چه حاجت احتیاج دولت ...... دابر دن
تو هم در سینه برق عشق او دارد رسا باش

معارف نیست الا رهبر منزل مقصد
چو خواهی آب حیوان در پی خضر وفا باش

بباید بود چون خورشید او آستان عشق
پی تحصیل علم و فن و دانش چون گدا باش

کلاه نخوت از سر دور کن ای مرد با غیرت
برای حاصل مطلب بهر کس آشنا باش

بجای ننگ در لشکر نباید پشت سر دیدن
اگر خواهی شوی ممتاز در غیرت لوا باش

مکن از ترس روی تلخ کام عاجز و بیکس
پی تیمار بیمار چون دار الشفا باش

شو فاضل عروج سیر و جاه خویش را بنگر
چو کمهنا شهیدی وا عنق کالوا بلی باش

تکامل چند در رتبلی از پشه ور نا که
بگلگشت کسب هنر با و صبا میباش

بملک سرزنش هم گاه گاه کن ای [illegible]
در پشه ستیغ ظالمان زور آزما باش

عزیزان را بعزت خدمت لائق بجا آور
بپای خاکساران محبت نقش پا باش

شکر آمیز نطق خویش کن طوطی دوران شو
بصد لطف و ادا با خلق یار دلربا باش

خموشی مجو روخوش دل شیدائیان صابر
چو بلبل در چمن خود گاه گاهی در نوا باش

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه کابلی شش ماهه	سالیانه
دوائر السلطنت کابل	۵	۹
دوائر افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۳۰

[illegible] از سادات و علما و طلبه [illegible] نا داران [illegible]

حقیقت

۱۳۰۲

نگارنده

برهان الدین کشککی

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز در هفته نشر میشود [illegible] مقالات [illegible] امور تحریریه [illegible] حقیقت [illegible] واصلاح و عدم انتشار [illegible] آزاد است. [illegible] از همه جا [illegible] یافت میشود.

جلد اول | کابل دوشنبه ۱۳ دلو ۱۳۰۲ ش ۸ رجب المرجب ۱۳۴۲ ق | شماره (۷۴)

(بگذر ز مکافات که عالم هیچ است)

هر چند که عقل ما فراوان هیچ است — نکشود معما که زبس پر پیچ است

با هر چه ترا پیش آید سـاز — بگذر ز مکافات که عالم هیچ است

(از دوست گرت رنج رسد شکوه مکن)

دانم که فلک مدام ظلم آئین است — با کاهکشان ناصیه اش پرچین است

از دوست گرت رنج رسد شکوه مکن — آئین وفا و رسم الفت این است

(درین گلشن خزان من بهار است)

دل از داغ تمنا لاله زار است — ز جوش اشک چشمم آبشار است

ز نکهت شد مشام جان معطر — نسیم صبحگاهی مشکبار است

دهد از شاخ گل عنادل — نشاط انگیز فصل نوبهار است

ز فیضش شد شگفته غنچهٔ دل — چه جان پرور هوای مرغزار است

بهر سامان که بینم بهجت است — نمی دانم چرا دل بیقرار است

اگر یار است در آغوش بجفا — درین گلشن خزان من بهار است

حالت داخلی البانیا

خبر یافتهٔ با وثوق مظهر است که در البانیا [illegible]

صدر اعظم البانیا با ارکان سابق خویش و چندی از فرقهٔ فوجی بمقام (برندیسی) فرار کرده به ایطالیا وارد شده‌اند احمد بیگ زاغون که قاید اعظم انقلابیون است داخل تیرانا گردیده حکومت جدید را ترتیب خواهد داد

بلگراد (۲۱) دسمبر – احمد بیگ زاغون [illegible] سابق البانیا بعد از بر هم دادن حکومت [illegible] حکومت یوگوسلاویه را مطلع نموده که در البانیا یک حکومت قانونی قیام می‌یابد [illegible] حکومت البانیا دست خود [illegible] در انقلاب سقوط [illegible] یوگوسلاویه [illegible] جمیع [illegible] خارج [illegible] (۵۰۰۰) نفر [illegible] مانده است

حادثهٔ ناگهانی

برلین [illegible] یک صندوق از جملهٔ صندوق دینامیت

کارخانهٔ [illegible] یکباره از طرف چند نفر از دست افتاده و انفجار [illegible] آن صندوق [illegible] بسیار از [illegible] کشته گردیده [illegible] نفر [illegible] (۳۰۰) نفر مجروح [illegible] یک نایرهٔ آتش گردیده [illegible] غرق آب گردیده و در قرب جوار [illegible] عمارات زیاد را شکسته و نقصانات ساخته است.

نجد و حجاز

جریدهٔ القدس [illegible] که در معرکهٔ [illegible] جده ما بین امیر علی و ابن سعود

بعد از شش ساعت جنگ [illegible] از طرف امیر علی [illegible] نفر مقتول شده‌اند [illegible] که ابن سعود امیر نجد [illegible] امیر علی [illegible] اطلاع [illegible] که ما بین [illegible] و امیر علی [illegible] دشمن خود [illegible] اطلاعات مظهر است که شریف حسین توسط [illegible] از معتبرین مصر [illegible] حکومت مصر [illegible] منظور [illegible] از طرف حکومت [illegible] جریدهٔ [illegible]

نام جدید پایتخت سویدن

کوپنهاگ (۱۳) دسمبر – [illegible] اطلاع داده است که نام پایتخت سویدن [illegible] از اول جنوری سنه ۱۹۲۵ [illegible] خواهد [illegible]

انتخابات مصر و سعد زغلول

[illegible] زمانه انتخابات [illegible] سعد زغلول [illegible] طلبا مدارس [illegible] حزب العمال [illegible] یازده نفر [illegible] انتخاب [illegible] احمد ماهر وزیر معارف سابق [illegible] گذشته گرفتار شده بودند [illegible]

قاهره (۲۹) جنوری – وزیر معارف مصر [illegible] که چند نفر طلبا [illegible] اخراج طلبا [illegible] دروس خود را ترک داده [illegible] مدارس خارج [illegible] تعلیم [illegible] نشوند و نیز ظاهر نموده که هرگاه حکومت مصر [illegible] منظور نماید البته در مستقبل [illegible] طلبا [illegible] گردیده [illegible]

ورود آقای سردار سپه به طهران

آقای سردار سپه رئیس الوزرای ایران [illegible] از طرف [illegible] ورود [illegible] طهران [illegible]

فرانس و شرق وسطی

فرانس در یک بیانیهٔ خویش ظاهر نموده [illegible] نسبت بشرق وسطی و اقصی [illegible] طریق عملی فرانس [illegible] که نسبت [illegible] طریق عملیات برطانیه [illegible]

در هنگام ساختن کشتی جهاز بحری روسی مسترد کرده شد.

ریاست‌های آزاد روس

(۱) اهالی یوکرین بتاریخ ۲۰ - نومبر ۱۹۱۷ از حکومت روس جدا شده اعلان حکومت جمهوری نموده، و در کانفرنس «بریست لیتوفسک» دول اهلی و حکومت موجوده روس جمهوری شانرا بحیث مستقل شناختند.

(۲) فنلند بتاریخ ۵ دسمبر سنه ۱۹۱۷ اعلان استقلالیت جمهوری نموده و حکومت روس ازان بعد شان را تسلیم کردند.

(۳) جمهوری نیای روس بتاریخ ۸ جنوری ۱۹۱۸ حکومت خودمختاری بسیج دیار ساخته و برای حکومت مذکوره در استانبول دیاپے تحت ... یک کانفرنس نمایندگان ... نیز انعقاد یافته بود.

(۴) دان کاسک از حکومت جمهوری جداگانه خودشان در اوایل جنوری سنه ۱۹۱۸ - اعلان کرده بود و دستور داد السلطنه خود قرار داده اند.

(۵) اهالی کورلیند بحیثیت یک حکومت خودمختار خود آزادی خویش کرده و تاج ریاست را تقدیم ... نموده و شرف منظوری یافت.

(۶) علاوه بر جاهای فوق الذکر اهالی قفقاز ترکستان سائبریا و مسلمانان تاتار ... آزاد گردیده حکومت ها ... خود را قایم نموده اند.

منگولیا مسلک بالشویکی اختیار نموده

نامه نگار تایمز مقیم ریگا از قطرات حسب ... کرده منگولیا بر مسلک بالشویکی اعلان جمهوری کرده شد، اعلای حکومت از رجال بزرگ بالشویکی مسلک ...

احرار ریف و هسپانیا

از لیبره ۲ جنوری - از طنجه رسما اعلان کرده اند که حالت علاقه هسپانیه در مراکش بدین نمط نیست.

(ساری) جنرال هسپانیا باد ۳ هزار قشون خویش داخل علاقه بین الاقوامی گردیده بر ... این کشتن کرکے مقام سرحدی جهت توقف نموده انتظار قوت ... ما در علاقه «الجوره» ... را ضبط خود آورده. بعض افواج هسپانیا قصد داشتند که بسوی محاذ خود رو رجعت نمایند در مصادمات یکم و دوم جنوری از افواج هسپانیا ۲۰ نفر مقتول و (۷۰) نفر مجروح آمده و احرار ریف مقام «بکوی» که قریب بین الاقوامی واقع است، محاصره نمودند. و هسپانیا بذریعه طیاره‌های هوائی در دیهات و قریه جات احرار بم‌ها زیاد کنانده. و بذریعه کشتی جهاز بحری بر سواحل شان بتاریخ ۲ جنوری گوله باری نموده افسر بزرگ قشون هسپانیا اراده دارد که سرحد علاقه بین الاقوامی را بقیام احکام تا نماند محفوظ ...

حکمران کلان سمت شمالی

اطلاعات اخیره مظهر ذرع ... عبدالرحیم خان نواسه میر ... معاون ... بحکومت کلان سمت شمالی نامزد و سرافراز گردیده اند مغزی الیه مدتی در خدمات جهد مملکت مصدر عملیات شده اند اول بحضور اعلیحضرت شهید سعید منصب ... (غندمشر) اجراآت می نمودند پس ازان قوماندان افواج هرات شده و در اواخر قوماندان افواج سمت مشرقی بوده در موقع انقلاب نیز جاهائیکه بمکان معلوم خدمات کرده اند پس ازان قوماندان افواج مزار شریف مقرر شده بعد از واقعه مشهوره اتو لاچندری علیل و مدتی بخانه و بعد ازان معاون سوم شورا مقرر شدند اکنون بحکمرانی کلان سمت شمالی موزون دیده شده از حضور موکانه مقرر شده اند. «حقیقت» از قلب جلیلهٔ شما ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 412 of 524

کور د وران اشو نفاق

از ... میرزا محمد ...

خدای دی پاره اتفاق وکړی اتفاق — رب د پاره لجتناب کړی د...
هغه بخت ده دی لچه وطن کی باد کی — ای یارانو! اتفاق دی اتفا...
سرمایه د ترقی وا و ریخ خوانانو — په رښتیا سره یاد یکی اتفا...
بل ساتونکی د شرف او د ناموس دی — هم باعث د عزت جاری ...
دیر قومونه بیگانه سره یو ځای شوه — چه واصل شول په رسی د اتفا...
هغه ځلای چه اتفاق د ځا میلمه کړه — لخط الله نی بری نکدی اتفا...
چه مصلحت دی د کار رونوحسنه — بل به لوی بیا پیاشان د اتفا...
دیر وصفونه ئی ساپکښی موجود دی — خدای دی هر چاته نصیب کړی اتفا...
آخر دا او ره سبب د برتری — د یو ملک او ملت کړنی اتفا...
څه منحوسه کلمه دی د نفاق — چه قلم ترینه نفر نکړی د...
کله نری چه په کم ملک کښی ځر کند کی — ای یارانو! نتیجه دی د نفا...
زوی د پلار نه کړی ... پلار ئی زویه — ورور د ورور وریه ... قتل کړی...
نه ماموخیل د امر خبره اوری — نه نوکر خیل د بادار یه ...
رعیت او حکومت هم سره وران کا — چه مکتب کښی ئی ... ظل ...
ای نفاق خانه خراب اسو کور دی وران — چه عالم دی کم کړی ورته ...
د نفاق مذمتونه که بیان کړم — له اوصافو د دی ... ...
نکړ دو هره وصیت کومه وا اوری — ای خوانانو کړیزاشی د...
د لاور نصیحت کاندی ... نفاق — چه دی نکاندی پښته ...

قواعد وضع الطبع

این اخبار بعد از ایام تعطیل در کابل گرد
نشر میشود و دیگر مقالات و هر رقم مطالب
دیگر در امور تحریریه بنگارند حقیقت
ارسال و مقالات و اعلانات اداره مانند جریده
درانداراج و اصلاح و عدم انتشار
آزاد است اشتراک بتوسط خزاین دولتی
و بصورت نقدی از همه جا قبلاً

حقیقت

۱۳۰۳

مدیر مسئول برهان الدین کشککی

کابل	۵	۹
[illegible]		۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

جلد اول کابل چهارشنبه ۱۵ دلو ۱۳۰۲ ش ۱۰ رجب المرجب ۱۳۴۲ ق | شماره (۷۵)

کوس نادانی زدیم انجواجه تا دانا شدیم

خموشی برگزیدیم، از جهان گویا شدیم | چشم تا زین مردمان بستیم بینا شدیم
احباب خویش بادنیا دون کردیم پاک | زوجد اگشتیم و فارغ بال زین سودا شدیم
جز خذف ناید بدست از بحر هستی بارها | ما ز دریا سر زدیم و باز در دریا شدیم
از دل بستیم جوید آنچه زاهد در حرم | از پی دریوزگی تا بر در دلها شدیم
اشد اندر گوشه گیری بست اگر نام بلند | بهره ور گشتیم از آن تا پیرو عنقا شدیم
[illegible] بآتش یا بآب افگن که ما | کوس نادانی زدیم انجواجه تا دانا شدیم
همت از خواهی کمالی همت والا طلب | محتشم چون ما ز من همت والا شدیم

شکرانهٔ عرفانپروری اعلیحضرت همایونی غازی

بجواب نطق ذات شاهانه

(اعلیحضرت [illegible] بجواب [illegible] معظم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible])

شما نونهالان معارف که فرزندان معنوی من بوده‌اند
مگر خویش شما را پرورش داده‌ام، و درین واقعه سمت تجلی
که حقیقت مقابل علم و جهل بود، تعلیماتی را که از معارف حاصل
نموده بودید کما ینبغی ادا نموده‌اید.
امروز بخدای خود شکر میگویم که آن آرزوئی که مرا است
بشما فرزندان معنوی خود در تعلیم یک اصول خوبی ادا کرده
چنانچه پس با غرض عسکری و در بر [illegible]
با دیگر برادران عسکری خود شانه بشانه و دوش بدوش [illegible]
همگنان گوی سبقت ربوده‌اید.
از خداوند نیاز میجویم تا شما را مانند درخت طوبی
در مقاصد عالیه تان بهره‌ور و بهره‌ور گردانیده [illegible]
امروز که هر عضو افغانیان بواسطهٔ شما بدست آمده،
ندوه رسول و ملت و مملکت از شما رضامند و خوشنودیم.

نطق [illegible] حربیه [illegible] وزارت

عبدالغفور خادم [illegible] از طرف خود و کل [illegible]
برادران [illegible] هم مکتب خود عرض میرساند
چنان بر هر فرد از افراد ملت فرصت درین دوره
بعضی مراتبی فرض عین است که حاجات [illegible] خود
صرف ترقیات وطن مألوف خویش نموده حسب الامر
اولی الامر مشتبی خدمات صادقانه اسلامیانه و اقدامات
فاتحانه غیورانه بوده باشد. که تمام صحیح [illegible] جهاد زمین دینی
ببین بدولت جلیله استقلال و خاک پاک وطن مقدس ما
پامال اجانب گردد.

اندرین آوان که باقدام [illegible] مملکت و [illegible]
رشید [illegible] از ترقیات ملت خود از حضور پدر تاجدار
بموقع شناسی [illegible] و مراحمات [illegible]
دیدار خدمت [illegible] سرافراز گردیدیم
شکریات فراخیرانیم که بهیچ زبان و بیان ادا کرده
از عدم ایفاء خدمات واجبه حسب المرام خود باینباب
متأسف و ازین شفاقت و عطاف پدر تاجدار خود
بحیثی متفخر و متشکر بوده بدرگاه قادر بی‌نیاز نیاز
حضرت خلاق توانا این پادشاه حقایق آگاه [illegible]
مسعود که باعث حیات عالم اسلام خصوصاً [illegible]
است تا سالهای سال سرافراز حیات [illegible]
وکافهٔ ملت ناجیه را زیر سایهٔ معرفت [illegible]
اقبال افغان — توفیق انتی ارزانی فرماید [illegible]
شاد رضای حضرت محبوب القلوب که [illegible]
قادر علی الاطلاق بیعت نموده از زمرهٔ [illegible]
محسوب شویم.

[illegible]
[illegible]
[illegible]
مستقبل ما [illegible]

فعالیت حاکم ضلع فراه

امان افغان معلوم میشود که آقا محمد سرور خان حکمران
یک علاقه‌مندی خصوصی به ترقی وطن عزیز و عمران
مملکت عزیز خویش دارند چنانچه تقریباً [illegible]
مجلسی که در آن اعزه و معتبرین و صاحبان [illegible]
فراه شامل بوده‌اند منعقد نموده فوائد شفاخانه [illegible]
اعلان نمودند. و حضار سعی نمودند که قرار [illegible] تعمیر [illegible]
بر شفاخانه یک باب مکتب حفاظ و اصول [illegible]
دار مکتبی فراه آغاز نمایم تا اطفال [illegible]
علوم و فنون شوند.

کوتحفۀ تازۀ مجلس ولطف آقای ناکو صاحب در این افغان کالا تحریر بست شایقین بدان رجوع نمایند.

حقیقت — امیدواریم که جناب معاصر محترم خود ایشان برای جناب مشارالیه وسائر مامورین دولتی توفیق خدمت دولت وملت را بانجام امور نافعه خیریه که باعث اعتلای وطن وافتخار دولت است نیاز بکنیم.

خبرهای مصر

قاهره — شیخ شاویش که از علمای معروف سیاسی ودینی مطبوعات ورئیس عمومی مدیریات ابتدائی مصر مقرر گردیده اند. از اخبارهای شدن تحصیلات ابتدائیه معلوم میشود که علامه فاضل بزرگ مجوی شیخ شاویش بریاست آن وادخ میشود که حکومت بتعلیم ابتدائی اولاد وطن خویش اهتمام فوق العاده دارد.

رسول پاشا — نماینده (رویتر) اظهار داشته که اقدام او وحرکت در انتخابات تازه برای مجلس قانون اساسی مخالف است. وزارت موجوده بر خلاف قانون اساسی رفتار دارد.

هیئت وزرای مصر برای افزودنی در عساکر پیاده وسواره مصر بدست آوردن قرضه منظور نموده بوزیر حربیه دستور داده شده که شعبه دوره ترتیب فنون والات هوائی را ترتیب داده بمجلس تقدیم نماید.

خبرهای ایطالیا

از چندی وقت باینطرف مخصوصاً پس از کشته شدن (متوقی) در ایطالیا بر علیه حکومت فاشیستی حمله مخالفین موسیو موسولینی رئیس الوزرای ایطالیا حرکات وتظاهرات شدیدی در جریان است. میگویند که مخالفین حکومت قتل موسیو موسولینی را تصمیم گرفته اند. موسولینی هم سخت گیری وتضییق را نمایان داده، بسیار قهوه خانها، مجالس را بند کرده وخانه ها را تفتیش نموده وعده را حبس کرده ووزرای معارف ووزیر خارجه عمومی استعفا داده بجای ایشان اشخاص دیگر مقرر شده اند. روزنامه تیمس لندن عقیده دارد که بقای حکومت حاضره ایطالی غالباً غیر ممکن است وموسولینی باین اجرآت جابرانه وتضییقات وسخت گیری با موفق نخواهد شد.

جدول وقوعات ۱۳۰۳ بلدۀ کابل

مابعد از شماره ۵۹ — ۸ جدی

تاریخ	وقوعات موسمی	مدت
۸ جدی	باران	۱۳ — ساعت
۱۷ جدی	برف	۱۹ — ″
۱۹ ″	″	۹ — ″
۲۶ ″	″	۲۰ — ″
۴ دلو	″	۱۲ — ″
۶ ″	باد	۴۹ — ″
۱۳ ″	برف	۱۰ — ″

یادداشت باد که بتاریخ ۷ دلو وزیده یک طوفان نهایت مدهش هولناکی بود که از فضل ایزد پاک برای اهالی تلفات جانی از وقوع آن بهم نرسید. البته تقاضای طبیعی آنکه اندازه قابل تعجب وحیرت است که علاوه بر عطانیدن عمارات مخصوصه ودیوارهای خامه کی، با عمارات پرشکوه سقف وقصور دو لته ازان خانه کشیده مخصوصاً تن پوشها مقامات متعدده را پرانده است
(نعوذ بالله من غضب الجبار)

نازله مرض در سرحدات ایران

مرض مجهول تازه شیوع در ضلع باخرز دوام دارد که
تقریباً (۲۰۲) نفر از مرض مذکور رهسپار عالم بقا و دانی
گشته اند، با وجودیکه از مشهد دکتر ها برای تشخیص
آن مرض و معالجه اطراف مرض خیز نو اعزام شده اند.
باز هم تا حال تشخیص مرض مذکور نشده است، علامات
این مرض قرار ذیل است:—
در سر درد شدید، در سینه درد، تمام جسم انسان
ازین مرض زردی پیدا میکند. اگر مریض این مرض
استفراغ خون کند صحت میشود، و الا از چشم، و گوش
و بینی، و نوک انگشتهای مریض خون سر کرده در مدت
(۲۴) ساعت فوت میشود.

غرقابی

خبرهای مشهد مقدس مظهر است که نصف شهر
بیرجند مرکز قائنات تحت آب گشته و دریا خیلی طوفانی
شده است که از آبادی و عمارات اثری دیده نمیشود.

خبرهای روسیه

از تحریر تمس اطلاع میدهد که اوضاع داخلی روسیه
کسب نزاکت کرده باعث آن تولد اختلاف میان
روساء و بزرگان حکومت روسیه است حتی گمان تولید
جنگ داخلی هم میرود. برای جلوگیری ازین اضطرابات
حکومت روسیه فرمانی راجع به دقت در قانون اساسی
روسیه و تطبیق آن با خواهشات مزدوریها و دهاقین در
سیاسیات صادر نموده یک کمیسیونی مرکب از (۶۵)
نفر برای این کار مقرر گردیده است.
خبر ما بعد از برلن حاکی است که ایم ترودسکی دستگیر شده
در ماسکو در بندیخانه کرملن محبوس است. گفته میشود که
سبب دستگیری و حبس نمودن او انکار و سرکشی نمودن
از احکام مجلس ترالحکومت است.
این را روزنامه تمس نیز تحریر ... تصدیق کرده ...

وزرا امور تجارتی اتحاد جماهیر شوروی البته روسیه ...
اظهارات رسمی با شناسانده که حکومت برطانیه ...
ممالک بنیاد خدیت (؟) حکومت سوویت را ...
نموده و در افغانستان مناسبات ... و ترکیه با ...
سوویت با مشکلات کوشش دارد.
مخبر سنترل نیوز (از برلن خبر میدهد ...
فرانس مجلس آنچه ... لکن این خبر ...
خبر کنندگان دستگیر شده اند.
از ریگا مخبر تمس تحریر میدارد. قرار ...
جماهیر روسیه از خانقاه (کیف) (۷) سیر ...
(۱۰) سیر نقره و علاوه بران مقداری نقره ...
ظروف نقره و جواهر گران بها بدست حکام ...
افتاده. گفته میشود که نقود و جواهر فوق الذکر ...
از ترس غارت نمودن بالشویکها در خانقاه ...

خبرهای ترکی

کمیسیون موصل از انقره وارد قونیه گردید ...
حکومت ترکیه به فابریکهای مختلف اروپا ...
زیاد مهمات و آلات جنگ از قسم طیاره ...
زره پوش فرمایش داده برای خرید ...
جدید (۳۰) لک پوند منظور نموده. شیخ ...
سخت مریض است خیال دارد با یک نفر ...
با مصر میرود.
بوزارت معارف ترکیه (۲۵) هزار لیره ...
برای تشویق و ترغیب نمودن مؤلفین، ارباب ...
مطابع. اعتبار داده شده است وزارت ...
به خانم (ضیا گوک آلپ) ادیب معروف ترکی ...
پیشتر وفات کرده (۵) هزار لیره نقد ...
لیرا ماهانه وظیفه مقرر نموده و برای هر یک ...
دو هم سی ... لیره وظیفه ماهواره تخصیص نموده ...
تعلیم ... دولت ... متکفل گردیده است (۱۱) ...

رهنمای عمومی و خواطی

این اخبار هفته وار است (؟) در کابل طبع و نشر میشود و به هر مقاله در هر باب منتشر
ارسال میگردد امور تحریریه نگارنده حقیقت
رسائل و مقالات واصله اداره مختار است
در اندراج یا عدم اندراج مختار است و روا نمودن آن
ارسال به توسط ... و بصور نقدی
از همه جا قبول و دریافت میشود.

حقیقت

نگارنده
برهان الدین کشککی

جلد اول کابل پنجشنبه ۲۰ دلو ۱۳۰۳ ش ۱۴ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره ۷۶

دی عمومی وینه

هر دولت و هیئت چه مقتدر
ملکی او آسوده حالی د ملت
او مملکت غواړی ... باشی
خو ... حاکمیت او صلاحیت غواړی
ثابت وسوی، بلکه ... د
حکومت او ... ولسی په
زړونه د خلکو او اهالی د مملکت
شکل وکړی او افکار او احساسات
عامه ... ته اساس ونیکي
مقرر دی.

بر هر ... او ... ته
جه ... او حقوق د ... ملت
... لاس کښی اخلی.
هله حق د حاکمیت او صلاحیت
او مداخلي کول په امور د ...

او سیاسیه ... لری ... اسباب
د ... او آسوده حالی د جمعیت
... جمع کړی او ... دا او
شریعت ... او مطابق ... رضا
... خدای او ... خوشحالی
... الامر ... او ... خلق
په اصلاحات او تامینه ... کوله
... دولت ... ملت
... وکوی ... کار ...
په امتحان د نیکی سیاست او فکر
... خیل ... خان او
مملکت خیل لیکی دا به د حوادث
او واقعات ... محفوظ او ... طرفه
وکی ... او ... اعتراض
د خواصو او طفیان د ... او
باز ... د خدا و ... او ...
د پادشاهی ...
... د نیکی سیاست ...

صاحب بو دا و نکه مقناطیسی شی.
جریده د وفد او خواهشات د ریت
او حکومت به مثل د خاکی د
وسپنی خاشات ته راکاږی.
په خلاف د دوی خپله سیاست
چه بواسطه د ټکل د قدرت
او آلاتو لوټ او خراب کړی وه
ترابلډی د تاثیرات د واقعات
چه هره ورځ واقع کیږی او به
مناسبت د ټکل د محیط ما ترکیزی
قادر به سائل د نظام اجتماعیه
او اداریه او سیاسیه "خیلو ټکو"
لامحاله به مشکلاتو نزیاتو دچار
او به نزد د خاوندان د بینائی
شرمسار گرځی.
لدی سببه لازم دی چه
د سیاست روښانه او قصدی قطعی
سرلیک د مملکت به قرار د خوښی
او آرزو د ملت لطرفه د کار
دارانو د ټولو ولایات او حکومتی
کانونو به ډیره اجازت او
مرعی وگرځی. (امضا محمد دلاور)

گرفتاری وزیر داخلهٔ ایران

از طهران بتاریخ اخیرهٔ جنوری خبر رسیده است وزیر
داخلهٔ ایران را آقای صمصام بجرم اینکه نظامات
و قوانین حکومت ایرانی را تقدیر نمیکنند حرکاتی را که
از ان تحقیر نظامات مستنبط میشود نشان میداد، نظربند
نموده است.
. پادریر اخبار مشهور الاتحاد و قمر از دست گرفتار

ذریعهٔ مزبور از نقطهٔ جواهر از این نظر تجرید ...

وصول وفد ترکیه را ...

از بغداد در وسط جنوری بیان میشود
شهرت یافت که وفد ترکیه برای مذاکرات بمو ...
سرحدات آن در این ایام نیز بموتر وارد
بغداد داخل شده اند. میگویند در میان ایشان
یک جنرال مشهور و معروف ترکیه (جواد پاشا)
... میشود که وفد مزبور بعد از اقامت
در بغداد باطراف و نواحی موصل حرکت خواهد ...

صدای عجیب و تاریکی شدید ...

از مطالعهٔ جراید تازه هندی معلوم میشود
جنوری یکصدائی از حد شدید و عجیبی ...
که از اثر آن تمام عمارات و قصور لرزیده ...
و اکثری از باشندگان آن فریاد ها ...
از بنیاد کاشانه شان برآورده و هیچ نتوانستند
این صدا که مثل از کجا برآمده و علت آن
البته گفته میشود که در ابتدای سنه ۱۹۱۳ ...
عجیب نیز در آن سرزمین دیده شده بود
و هم مشهور است که علاوه بر عادت ...
نزدیکها تقریباً ماه و هفته چند ازین یک غبار ...
و اطراف و حوالی لندن را فرا گرفته بود ...
بسیار روشن برقی ... نیز ...
آفتاب بیشتر از یک انگشتر دران تاریکی ...
در اثر این ظلمت حیرت [illegible] ...
و ترام وریل و کالسکه باد در تمام شهر ...
نیز تخته شده است. حتی میگویند که از اثرات
تاریک و تار اطراف و نواحی ... [illegible]

چپاول پشاور

پاینیر منویسد که درین سال نزنگی اقوام
آفریدی آغاز معاملات و امتیازات مستمری
خود را در پشاور رشدہ اند فقط استاسخانه برجندی
از دکاکین شهر دست انطاول و تاراج و یغماگری
تاخته و در ازگرده امتعه و بعضی اموال آنها بغور کرده
یغارت برده اند.

اخبار سیاست رقمطراز است که در اثر این
واقعهٔ چندے بازار چوک شهر پشاور کاملاً تخته بند
و مسدود بوده است. تا اینکه انتظام تحفظ آنها
بذریعهٔ نفری پولیس مسلح بعمل آمده الآن کماکان
دکاکین بازار را واد و ستد را کشوده اند.

اخبارات منویسند که بالفعل انتظام پولیس
تمام شهر پشاور قابل تعریف گفته میشود.

ترقی تجارت ایران

تجارت شمالی ایران بسیار خوب و اخیراً اهمیت
فوق العادهٔ را حائز گردیده است زیرا هر روز کشتی
روس به بنادر ایران وارد و خروج مینمود مخصوصاً
وارد تجارت بهتر از قند و شکر، آهن آلات وغیره
و صادرات اغلباً برنج و گندم. تخم مرغ. میوه جات
پنبه، پیلهٔ ابریشم وغیره میباشد. چند لیست قیمت
برنج بواسطه کثرت حمل بروسیه ترقی کرده و قند کم
کمیاب شده است. کمپنی همه کرجندی قبل برائے
جلوگیری از حمل غله بروسیه تشکیل گردیده بازادی
آن از نقطهٔ توسعه و ترقی تجارتی رای داده و دولت
مشغول اجرای آن میباشد. و بموجب تصمیم متحده کمپنی
دولت حق تصیح کوند ملا فقره را موفق غله زارت و تجارت ادا...

طیارات ایران

بموجب تلگرافیکه از انزلی واصل گردیده
دو فروند طیاره متعلق بکمپانی دیونکرس از
انزلی بلانجائیکه برائے پست ایران اختصاص
داده از بادکوبه بانزلی فرود آمده.

فتوت و حیدت بزرگی

نظر بر آنکه بود جنید واسته آقائے
رئیس الوزرای دولت شهنشاهی ایران
از حقوق شش ماهه خود که بالغ بر ۴۵۰۰۰
هزار روپیه است صرف نظر فرموده اند.

تاسیس زایشگاه

نظر بر آنکه بعضی از نسوان فقرای ایران در موقع
وضع حمل بواسطهٔ دست تنگی دچار مضیقه بوده
ادارهٔ بلدیهٔ طهران محلی را موسوم به زایشگاه تاسیس
نموده که در موقع ضرورت بدان محل مراجعه نمایند
و پس از دریافت تصدیق از قابله خارج قوانین
بشوند. قابله ها و اطبائے مخصوصی برائے انجام این تعلیمات
برحسب مراسلت

تغیر لغات

وزیر اعظم ایران
حکومت تشکیل یافته که لغات اروپائی را
که در نظام معمول و مصطلح بوده بزبان فارسی ترجمه
نمایند. که بجای لغات اجنبی استعمال گردد.

ماشین خرمن کوبی مهند

میرزا اسلم بیگ
معاون التحریر

یک ماشین خرمن کوبی ایجاد نموده که گندم را جدا نموده

[illegible]

[illegible]

خواب و بیداری ایام جهان کوتاه است

در توحید و تقوی

جز بتقوی نتوان راه خدا پیمودن — بنمازی نتوانیم خدا جو بودن

گر خدا می طلبی ترک هوا باید کرد — با هوا که نتوان راه خدا پیمودن

رشته تو بجز اگر هوا خورده گره — جز بتقوی نتوانیش گره بگشودن

نه سعادت بود ار باشدت انبار زر و سیم — یا ز اسباب تجمل همه گاه افزودن

گر خدا می طلبی زائینه قلب هوا — ذره باشد باید که بجان ز[دودن]

خواهی آزاد شوی ور قیامت ز جحیم — باید آزادی بر خلق خدا بخشودن

بوی بدکاری ما آید ازین خم تن — سر این خم نتوانیم بگل اندودن

گیرمت خلق ستوده به رخ زیبائی — خویش را پیش خلق می نتوان بستودن

ور به خلق توانیم نمودن نیکو — کی توانی بخدا خویش نکو بنمودن

با هوا چونکه نگنجد بدلی قلب خدا — از هوا باید یکبار ز دل [illegible]

خواب و بیداری ایام جهان کوتاه است — سالها باید در قبر بسی غنودن

پاک ز آلایش اگر سوی خدا باید رفت
جان نباید بهوا و هوس آلودن

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 421 of 524

قواعد کهنه [illegible]

این اخبار [illegible] مقابل [illegible] نشر شوده [illegible] بیگر دو امور [illegible] حقیقت ارسال وسائط [illegible] جریده [illegible] و اصلاح [illegible] اشتراک [illegible] خزانه [illegible] از همه جا قبول و درج میشود.

نگارنده [illegible]

حقیقت

۱۳۴۲

[illegible]	۱	[illegible]
[illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

بلد اول کابل روز دوشنبه ۲ دلو ۱۳۰۲ ش ۱۵ رجب المرجب ۱۳۴۲ ق شماره (۷۷)

شروط نظامنامه مطبوعات

(۱) [illegible] (۱) نظامنامه [illegible] تصریح شده [illegible] نشر [illegible] شد [illegible] است.

(۲) هر روزنامه و یا رساله یومیه موقوته [illegible] مسئول [illegible] صاحب روزنامه و یا رساله مدیر مسئول [illegible] صاحب روزنامه و یا رساله مدیریت مسئول را قبول کند [illegible] ضرورت است که مدیر مسئول مقرر شود.

(۳) [illegible] صاحب روزنامه و یا رساله و مدیر مسئول [illegible] تبعه [illegible] بوده و مدیر مسئول بیست یکسال عمر خود را اکمال کرده [illegible] از حقوق مدنیه [illegible] ذات [illegible] اعلیحضرت [illegible] کاری [illegible] سوء استعمال [illegible] اخلاق دلالت میکند محکوم [illegible] روزنامه و یا رساله نشر شود [illegible] داشته باشد.

(۴) نشر روزنامه و رسائل یومیه موقوته اجازه [illegible] است [illegible] روزنامه و رساله یومیه [illegible] مرکز وزارت جلیله داخلیه و اطراف [illegible]

و یا حکام اعلی یک درخواست نامه تقدیم کرده درین درخواست نامه تفصیلات ذیل را نشان بدهد:-

(۱) عنوان روزنامه و یا رساله (۲) در کدام محل و در کدام مطبع طبع میشود (۳) مواد که بحث میکند (۴) اوقات نشر (۵) اسم و شهرت و محل اقامت و تابعیت مستدعی (۶) اسم و شهرت و محل اقامت و تابعیت مدیر مسئول (۷) بکدام زبان نشر میشود. — [illegible] درخواست نامه که حضور [illegible] وزارت داخلیه فرستاده شده [illegible] درخواست نامه از طرف وزارت داخلیه بعد از تحقیقات [illegible] لازمه برای مستدعی یک اجازه نامه داده میشود.

(۵) هر نسخه روزنامه و یا رساله یومیه موقوته [illegible] امضای [illegible] باید تحت مدیر مسئول را داشته باشد.

(۶) در صورتیکه صاحب یا مدیر مسئول روزنامه و رسائل یومیه موقوته عوض شود اول باول در مرکز بوزارت داخلیه و در [illegible] حکومت یا حکام اعلی رجوع کرده کیفیت تجدد رخصت نشان کرده شود و همچنین در حالیکه [illegible] اعتبار و یا مطبعه روزنامه و رساله تبدیل و تغییر گردد قبل از [illegible] دوایر مطلوبه اطلاع کردن ضرور است.

(۷) [illegible] درج کردن تبلیغات رسمیه که در مرکز از [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 422 of 524

و در اطراف از طرف حکومات محلیه فرستاده خواهد شد، در نسخهٔ اول بلا اجرت
ضروریست مجبان جوابی که شخص مأمور خواه غیر مأمور در مقابل
نشریاتی که بر خلاف شخص خودش واقع شده است نشر میکند از دو
برابر مقالهٔ اصلی زیاده نشود در نسخهٔ اول بعد روزنامه و یا رسا[له]
در همان ستون نشر کردنش بدون اجرت مجبوریست .

(۸) رسائل موقوتهٔ که بسیاسیات تعلق نداشته باشند و محض ادبی
و فنی باشند به این نظامنامه تابع نیستند .

(۹) روزنامه و یا رسائل یومیهٔ موقوته که در آن حال منتشر میباشند
بر طبق احکام این نظامنامه در ظرف سه ماه اجازه خواهند گرفت .

(۱۰) هیچ کتابی بدون تصویب اجازهٔ وزارت معارف
در مطبعه‌های افغانستان طبع شده نمیتواند .

احکام جزائیه

(۱۱) مجازات قانونیه که از درج مندرجات روزنامه‌ها و رسائل
یومیه موقوته می‌آید بمدیر مسئول و یا صاحب روزنامه و رسائل که
مدیر مسئول باشد در صورتیکه در زیر یک مقاله دستخط
کسی باشد مسئولیت این مقاله شخصاً بصاحب مقاله و مدیر مسئول راجع میباشد .

(۱۲) روزنامه و یا رسائل یومیه موقوته که بلا رخصت نشر شده
باشند و یا مدیر مسئول شان بموجب مادهٔ (۶) معاملهٔ قید در رخصت نامه
نکرده باشند فوراً تعطیل میشوند .

(۱۳) کسانیکه بلا رخصت روزنامه و یا رسائل یومیه نشر میکنند
و یا در حال تبدیل صاحب مدیر مسئول روزنامه و رساله بدون
نشان کردن کیفیت در رخصت نامه به نشر روزنامه و رسا[له]
دوام مینمایند علاوه بر جزای تعطیل تعزیر میشوند .

(۱۴) روزنامه و رسائل یومیهٔ موقوته که نشریات ذیل را
میکنند بموجب مادهٔ (۱۰) در محاکم عدلیه بعد المحاکمه بزیر تعزیر
می‌آیند . (الف) نشر عبارات تزئیف و تحقیر درباره دین
مبین اسلام و مذاهب اسلامیه و طوائف ملیه (ب) نشریات
با حرکتی از جرائمیکه در ماده اسے (۳۳) الی (۴۵) و
(۲۰۳) نظامنامهٔ جزای عمومی مصرح است متضمن تحریک باشند
(ج) نشریاتیکه منافی آداب عمومیه مخل اخلاق میباشند ،
اجرای نشریاتیکه متضمن ذم و قدح باشند (۱) در حق تحکمداران

دیا روساے حکومت دولتیکه با دولت افغانستان دوستی ...
(۲) در حق خاندان سلطنت . (۳) در حق دوائر ...
و هیئت رسمیه و قشون (۴) در حق مأمورین سیاسی ...
اجنبیه متحابه و قونسلهاے مقیم افغانستان (۵) در حق ...
و افراد اهالی . (هـ) بتهدید افتاد و یا باسناد ...
اخلال ناموس یا کسر اعتبار یک شخص را موجب ...
کرده باشند . (و) کواغذ بی اصل و اساس ...
و یا محرف و یا بدون اصل و اساس یکی باسناد ...
نشر و نقل کرده باشند .

(۱۵) از جرائم فوق مطبوعات جرائمیکه در فقره ...
الف ، ب ، ج ، د (۱ ، ۳) بیان ...
براه راست از طرف حکومت در پیش محاکم ...
محاکمه جرمهاے ذم و قدح که درباره تحکمداران و روساے ...
سیاسیهٔ اجنبیه واقع میشود و در فقره د (۲ و ۵) مراجعه ...
مراجعت سفارتها یا شان بوزارت خارجیه محاکمه جرمهاے ...
که در حق محاکم و دوائر و هیئت رسمیه و قشون واقع ...
د (۴) نوشته شده است بنابر مراجعت روساے ...
بنابر طلب قوماندانهاے ادوار از طرف حکومت بمحاکم ...
جرمهاے ذم و قدح دیگر بدون طلب و استدعا ...
عدلیه محاکمه شده نمیتوانند .

(۱۶) در حالیکه درباره مأمورین ... لت و یا مدیران ...
شرکت هائیکه با سهام تشکیل نموده با تعیین ... ذم ...
ذم یا افعالیکه داخل مأموریت وظیفه شان است ...
هرگاه عند المحاکمه افعال مذکور ثابت شود ...
مجازات مرتب نمیشود .

(۱۷) وقتیکه از طرف دولت لازم دیده ...
در رسائل در باره مضرکات تحریکیه ... انتشار ...
(۱۸) ادخال روزنامه‌ها و رسائل یومیه ...
اجنبیه منتشره با قرار هیئت وزرا منع ... میتوان ...
داخلیه بنابر طلب تکلیف داره مطبوعات ...
امر داده میتوانند که ادخالش منع شود . نظامنامه ...
غیر رسمی طالب بوده روزنامه‌هاے رسمی ...

ادخال این نظامنامه را در زمره نظامات
دولت تعمیم و تعمیل احکام مواد ش را
اراده میفرمایند. مورخه (۱۰) جدی سنه ۱۳۰۲ [مهر همایونی]

حقیقت — ازین نظامنامه سراپا افاده دوره مبارکه
برخود می بالد. و از ملاحظه آن بیش از پیش انصاف و
حریت نوازی حکومت متبوعه خود را تقدیر و تحسین نموده
عموم اهل جرائد و صاحب قلمان مملکت افغانیه را از انتشار
و اجرای این قواعد و قوانین تبریک و تهنیت فرستاده برای
خود و برای عموم اهل قلم افغانیه جنبان توفیق امتثال آن خواهانیم
تا ازین آزادی و قدردانی استفاده بواصل کرده بر خلاف
سابق عیوبات را که در دوره یه حقیقت باطراف مملکت
ازمنه ماضیه دولت مشاهده نمایند حقانه در بیداری
و هوشیاری شان اقلام سحار ارقام خود را بجنبانند و
خیانت متجاسرین و غافلین را بالیقین بی پرده با نیات
رتق و فتق حکومت خود ابراز فرمایند. و هم اثر کلیاتی
باز بیاد دشمنان داخلی و خارجی را حقانه اظهار و بیانه گوشزد
حکومت عادله خود نموده تجاوزات خائنین مملکت را
با عبارات آتشین حقیقت آگین برای حیثیت دولت و ملت
و منفعت مملکت خویش گوشزد نمایند. نکته که عموماً
در هر جا و بهمه مقام جدا مراعات آن برای ارباب قلم مخصوصاً اهل جراید
لازم بلکه الزم است بما تاکید داشتن عفت قلمی و
شرافت ادبی است. و ملاحظه نمودن این
امر است که اختلافات ادبی و یا تجاوزات و
ترکات قلمی موجب اختلافات شخصی و عناد شخصی
نگردد و هم حتی الامکان از مدعی بیجا و کلمات خارج
از مبحث صرف نظر داشته همواره بمقابل دولت جز
در طرفداری مملکت اغراض، و در بیدار کردن ملت
و رسانیدن آواز ناله کلم اوشان بگوشها مامورین
با اقتدار دولت و در تحقیر و تکدیر نمودن جابرین و ظلام همت
بر گمارند. و ما علینا الا البلاغ.

بودجه سنه ۱۳۰۴ — بر بروز حسب عادت
معمول که همواره بتقریب اختتام سنوات شمسی مجلس
عالی وزرا برای ملاحظه و ترتیب بودجه دولتی
منعقد میشد یک جلسه عالی از رجال ذوات کرام تحت
صدارت اعلیحضرت غازی معظم انعقاد یافته در ملاحظه
و باز دید ترتیب بودجه سال آینده صرف مساعی موفور نمودند
حتی المقدور با انکه مدت دایم درین سال نخراند بارسال
حکومت علیه را ترقی نظام اقتصادی را بجای هر گونه مملکت غیر از تبعیت
نقطه نظر خود قرار داده اند امیدواری میرود که امسال از مزید قدردانی
شهریار ستوده خصال و وزرای فعال با معارف و ...

[illegible]

امروز مقصد ز همه چیز فنون است

این اشعار را مقدار طبع آقای زین العابدین خان متخلص بعاجز [illegible] سروده اند

ای آنکه به تحقیق ترا حب وطن هست | غمخواری افغانت اگر سر و علن هست
بار بجز از مهر تو بر وجه حسن هست | بشنو اگرت از دل و جان گوش سخن هست

این چند وصایا و تو بازیچه مپندار

امروز مقصد ز همه چیز فنون است | توصیف وی از حیز تحریر برون است
از البوی مجد و شرف راهنمون است | انکار هر آنکس کند الحق ز جنون است

زیرا شود ملک از آن مرد هنر دار

لکن چه فنونیکه بود بر دل و جنگی | در جنگ گرو برده زهر شیر پلنگی
در وحشت هر سر بی و بد باجو نهنگی | نی کم دل و بیچاره و چهره شده رنگی

از دوش قناعت بکی تنبل و بیکار

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 424 of 524

آخر ... بی نور دل ... مرسوم ... واجب   رسوم ... واجب بود ...
... وقت بس بود از ... واجب   تکلیف دور از افغان شده ...

زین رسم ... شش ... بود از ...

دنیا چه هر بی نسبی را نام و لقب داد   هر ... را ... فزود و لقب
بر کار کرده ... کار رنج و تعب داد   هر ... خوب ... سبب

بخشید بار ... فزود با ... ار

این حال با افغان ... تأثیر نجوم است   نی از اثر بخت بد و طالع شوم است
ننگ است که این کار ز فقدان علوم است   آبادی ما بسته به تعلیم عموم است

باید شود این نخل مزید از ... اثمار

بر مقتضی وقت تو باشی اگر عارف   همواره کنی سعی تو در نشر معارف
افسرده نخواهی شده از حرف زخارف   ... زر و گنج درین راه مصارف

آخر شجر علم ... بر ... اثمار

گر زانکه نمایی تو وطن مدرسه تأسیس   ابنای وطن را بکنی امر به تدریس
این طرز و روش هست ... لایق ...   نی آنکه کنی سیم و زر ...

صرف از پی کاری که بود موجب اضرار

بگذر تو کنون مقتضی دور زمان را   علم و هنر آموز و کمالات زنان را
تا قطع شود دست جمع راهزنان را   ... امن و امان

در تربیت زن ... فایده بسیار

... تو در تربیت زن بکن ابراز   در علم و حقوق ...
دانی ... تحقیق که ملت شود آباد   زان رو که ...

خواهان وطن گردد از جمله احرار

همواره توجه تو به قانون مساوات   بگذر تو ازین کهنه پرستی و خرافات
... گر ... عقل شود بات   خواهیم که از گریه ...

مشرق شود آباد و بود فاعل مختار

گر تو وطن دوست شوی بیا سخن   بشناس تو در داد ...
نی خویش چنین سخره و انگشت نما کن   هر کار بموقع کن و هر امر بجا ...

تا دشمن بدخواه تو ننماید ... انکار

بس جای تاسف که بشرق همه خوابند   در خواب ز خود بیخبر و مست ...
... ز غفلت ... ز تأثیر شراب اند   ... ویران ...

سرگشته و حیران همه ... چو پرگار

خاموش فرح طول سخن این همه ...   ... فریاد و فغان ...
آن کو که وطن خواه بود از دل و جان است   در بیت ...

اشخاص وطن دوست بگفتا ... کرد ...

شرح اشتراک		
تفصیلات	قیمت اشتراک ۶ ماه	سال
داخل سلطنت کابل	۵	۹
ممالک هندوستان	۷	۱۲
ممالک خارجیه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

قواعد مخصوصه اداره

[illegible] اخبار بغیر از [illegible] و [illegible] تحریر شوده [illegible] مقالات [illegible] [illegible] [illegible] تحریر [illegible] حقیقت [illegible] مقالات [illegible] [illegible] اصلاح و عدم [illegible] از او [illegible] اشتراک توسط [illegible] و [illegible] بصورت نقدی [illegible] شود

مدیر مسئول
برهان الدین کشککی

حقیقت
۱۳۰۳

[illegible]

جلد اول کابل چهارشنبه ۲۲ دلو ۱۳۰۳ ش ۱۷ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره ۷۹

ادبیات ملی

عجب عصر عجب دور د امان دی — هر طرف چه نظر کړی [illegible] د شکران دی
هری مالک ته خپله آزادی ده — استقلال د [illegible] روښان دی
مساوات دی [illegible] خه غرض [illegible] — گویا [illegible] سلطان دی
[illegible] کور کی خبردار [illegible] جهان ته — اخبارونه دی جاری [illegible] دی
[illegible] چه د دولت یا د ملت دی — [illegible] نه دی هر یو فرد ته عیان دی
[illegible] د شاه غازی دی له احسانه — چه ملت [illegible] بینا [illegible] نادان دی
[illegible] د دولت په احوال پوه شی — با خبر شی چه په [illegible] جهان دی
[illegible] او د نور و بوره والی — ور معلوم شی غیرت و کاندی افغان دی
[illegible] مقال [illegible] ادب وا خلی — مهذب شی تا [illegible] وحشیان دی
[illegible] انصاف و کرم یار نو — د اخبار هر یو مضمون [illegible] حیوان دی
[illegible] جام جهان بین دی د جمشید — آیینه جهان نما [illegible] روښان دی
[illegible] استاد دی عالم کامل — خه نصاب د اهلیت د هر انسان دی
[illegible] ته دیری بیفکری — چه همیش په [illegible] کفران دی
[illegible] اخبار ته مونږه نگرو — که [illegible] پادشاه دی

مامورین والی اخبار به مونګه ته کړو
ترڅو یې ... وقیقه ... هـ ... ـیدا
خوله چه نوی خوشرنګ ... ده دلو ...
خدای دی پاره چه همدرد او غمخور یی شي
با خبر شي با خبره چه غفلت ...

هیچ وصول ... فشته دی ...
... طوماره دی ...
... جیران ... چه ده ... افغان
دغه ... دا ... او ده ...
وصیت دا ده فقیر ... افغان

احترام و نوازش ذات شریف شاهانه با اقوام هزاره

اظهار مسرت و وعده اعطای نشان

تقرر یک هیئت تنظیمیه برای بازدید امورات ملکیه هزاره

چندی قبل برای عرض ... وزارت جلیله حربیه توسط حضرت
محترم آقای عبدالعزیز خان وکیل حربیه از خوانین ... و ...
اقوام حقیقت التیام هزاره که در موقع بروز خائله سمت جنوبی ...
احساسات خیرخواهانه و غیرت اسلامیانه خود را ... فوق العاده داده ...
حضور مرحمت ظهور شهریار معارف ... شده بالطریق ... در سرکوبی
و راهنمائی اقوام و طوائف یاغی سمت ... شمولیت خود شان
بمحاذ جنگ ... ذات ... حضور لامع النور
پادشاهی گردیدند [این کوائف بالتفصیل لازمه در شماره موقعه
در صفحات حقیقت منعکس مرقوم گشت]

اعلیحضرت همایونی از تمام خوانین و زعماء ملکی او شان که در آنجا
اظهار عقیده و خلوص و محبت با دولت متبوعه شان نموده برای اعتلایات
و ترقیات ملت خود یک حماست و شطارت قابل امتیاز
جوانان شجاع سرباز ... اقدام نموده بودند اظهار مسرت و
خورسندی مزید فرموده علاوه بر نوازش و اکرام و انعامیکه قرار ...
ح.ع.ش آقای محمد نسیم خان نائب سالار ... تصدیق وزارت
علی حسب ... ابراز کرام او شان فرموده وعده مزید در کثرت
مال و وسعت تجارت و زراعت و انجاح امورات مشروعه
دینی و دنیوی شان نیز امداد نمودند.

وهم با او شان وعده فرمودند که نظر بعرض
و خیرخواهی و احساسات مخلصانه که از تمام اقوام ...
درین خائله تقابل مسلم و جمل ...
سمت جنوبی ... تنظیمیه و ...
عمومی که در موضوع انعقاد شده فیصله ...
که در وزارت حربیه موجود است برای امتیاز و اعزاز
درین امثال و اقران یک یک قطعه نشان نیز اعطا گردد
وهم او شان را تسلیت و اطمینان داده ...
لازمه ملکی هزاره ... از شکایات و ...
و موجبات آسوده حالی شان حکومت عادله شان ...
یک هیئت تنظیمیه ... دیگر روسای تنظیمیه ...
شده اند برای اجرای این مقاصد مملکت شان ...
مزید بر مزید وسائل آرامی و خرمی شان را ...
آورده اذیت و شکایتی اگر داشته باشند ...
مدفوع و مرفوع گرداند.

در اثر این وعده مرحمت شاهانه و اظهار عقیده ...
از تمام خوانین و زعماء ملکی هزاره بعمل آمده در یک عالم ...
شادمانی از حضور ... مرخص شدند.

انتظامات قابل تعریف روضهٔ مبارک

معاصر ما اتحاد از قطغن نوشته که سالهای پیش با وجود مصارف زیدیکه از طرف حکومت و از اوقاف مزار شریف در انتظامات روضهٔ شریفه بعمل می آمد - اما در واقع انتظامات چندان قابل تعریف نبود اما از یک سال حسب هدایت حضرت محترم آقا عبدالکریم خان نایب الحکومه ترکستان از خدمات اسلامیه و احساسات عقیدت مندانه ذات اقدس شاهانه تشبثات از حد خوب و ترتیبات از اندازه مرغوب برای آن مقام مقدس بعمل آمده است و یک باب کتب خانه در خود این روضه مبارکه تاسیس گردیده و باز دید خارج و مصارف و تنظیمات آن یک منور منورین آقای میر محمود خان مقرر شده اند.

نرخنامه مزار فیض آثار

اجناس	وزن مزار شریف	قیمت پیسه	قیمت روپیه
گندم للمی	فی من	۰	۴
" آبی	"	۳۰	۳
برنج	"	۰	۱۴
روغن زرد	فی سیر	۰	۱۲
گوشت گوسفند	"	۱۲	۳
پنبه	فی من	۰	۱۲
زغیر	"	۰	۷
پسته	فی سیر	۳۰	۹
بادام	"	۰	۴
کشمش	"	۰	۱
قند	"	۳۰	۱۶

میدان طیارهٔ دره سنگ

یکمیدان وسیع جهت فرود طیارات افغانی در مقام علاقه داری ایبک که یک موضع خوش آب و هوا است از طرف حکومت در تحت تسطیح و تعمیر است تا جهت هبوط و صعود طیارات افغانی و سلسلهٔ حرکت آنها ...

تغییر در رژیم هسپانی

آشنایان تاریخ میدانند از زمانیکه هسپانیها دفعتاً غیر عادلانه نسبت بمسلمانان نموده و آنها را از خاک اروپا با آن همه خدمات اخراج کردند هسپانی روی فلاح ندیده و اگر در ان دورهٔ مختصری هم ترقی کرد چراغ سحری بود گفته اند - [الملک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم] هر قدر هسپانی بر مظالم افزود از عظمت و اقتدار کاسته آمد شکست بزرگ که ... هسپانی را مجبور به تبدیل رژیم حکومت نموده و تنها تبدیل رژیم فایده نداده کار بحکومت هسپانی تبدیل سلک ظالمانه خود را ندیده بالجمله تلفات و ... هسپانی را از شکست رفیقی سررشته از هم گسیخته که یک فرقه مجبور آمده است سلطنت را تبدیل بجمهوریت دهند و میخواهند در دورهٔ اول بادشاه الفنسو را ... تبعهٔ خود دانسته ... از رژیم امریکا بگیرند جمعی مخالف این اصول اند چه عقیده شان است که رئیس جمهور امریکا را اختیارات زیاد است که آنان اختیاراتی را که الفنسو داشت ... هسپانی باقی گذاشته اند ... بتحریک ... تبدیل رژیم ...

اسلام در انگلستان

ناظرین کرام مسبوق باشند که ... هم یکی از قبول اسلام (۱۰) نفر اعیان خواتین انگلیسی نژاد را مسرور داشته بود ... از اثر تبلیغات اسلامیهٔ وفد مسلم در لندن ...

احرار ریف و هسپانیا

ترجمه: «لین» نماینده احرار ریف در ممالک [illegible] حکومت هسپانیا که برای مصالحت بین اهالی ریف و هسپانیا مشغول [illegible] می‌باشد [illegible] سواری (۱۰) هزار تفنگ (۲۰۰) هزار دانه کارتوس [illegible] (۲۰۰۰۰) [illegible]

شیخ سنوسی سلطان نجد

شیخ سنوسی اراده داشت که از راه نجد حاضر حجاز شود ولی سفیر [illegible] از مقام ابن سعود امیر نجد اطلاع داده که شیخ سنوسی تا [illegible] برای اهالی نجد خبر جدید [illegible] تیاری [illegible]

سازش ارمنی‌ها برخلاف ترکیه

قسطنطنیه جریده [illegible] ترک اطلاع ذیل را از [illegible] مقامات خود بحروف درشت اشاعه داده می‌نویسد: [illegible] از ذرایع موثوقه اطلاع موصول شد که ارمنیان برای اخذ انتقام خود ها از ترکیه یک جماعت [illegible] تشکیل [illegible] مقصد [illegible] این جماعت [illegible] از رجال [illegible] گرفته شود. (الافغان)

خس کهنه پاک

جنرال هسپانیا اعلان کرده که در ظرف (۲۱) روز جمیع افواج هسپانیا از علاقه ریف خارج خواهند شد.

انجمن اتحاد مصر

انجمن جدید اتحاد [illegible] ترقی روز افزون [illegible] انجمن مذکور جدید تاسیس شده [illegible] سعد زغلول [illegible] شمولیت [illegible] رجال [illegible]

سیاست برطانیا در شرق

ترکیه می‌نویسد که سیاست برطانیه [illegible] در اقوام شرقی یک چنین اضطراب و جوش تولید [illegible] اقوام اروپائی برای [illegible] اشکالات [illegible] گذشته [illegible] عملی [illegible] شورش سیاسی است.

امداد با امیر علی پسران

جوانان ترکیه می‌نویسد که از طرف انگلستان امیر علی پسر شریف [illegible] با امداد سامان جنگ [illegible] داده که کوشش میکنند [illegible] قبضه نماید.

ترکیه و ایران

قسطنطنیه [illegible] ترکیه [illegible] معاهده [illegible]

آرای جراید فرانسه

جراید [illegible] در مصر [illegible] جریده [illegible] برطانیه [illegible] مصر [illegible] حکومت [illegible]

[illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل یکروز در میان نشر میشود و دیگر مقالات در پست منظما ارسال میگردد، امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال ... مقالات وارده در اداره ... باصلاح و عدم انتشارش آزاد است ... اشتراک ... دولتی ... وجه قیمت ... دریافت

نرخ اشتراک

تفصیل مقامات	ششماهه	سالانه
برای کابل	۵	۹
برای ولایات	۷	۱۱
برای خارج افغانستان	۸	۱۵
ادارات و سفراء	۱۱	۲۰

قیمت بروپیه کابلی

حقیقت

۱۳۰۳

منشی و نگارنده: برهان الدین کشککی

... شرکت ... و علما و طلبه ... اعلانات ...

جلد اول کابل شنبه ۲۵ دلو ۱۳۰۳ ش ۲۰ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره (۷۹)

تجارت! ثروت!! زراعت!!! کار.

فکر آزاد

اما کیستیم؟ و تماما به چه شغل و کار مشغولیم؟ و در عصر و دوره ای که دنیا یک سرعت برق و تعجیل متزاید انجام مسیر خود دارد، ما و شما کدام موقعی را اشغال و چه مقامی را احراز داشته ایم؟ بکدام عنوان به چه باید امیدوار شویم؟ اگر خود پسندی را یکطرف بگذاریم و درین باب تجاهل عارفانه را بکار نبریم، و بطور حقیقت و اسلوب منصفانه این سوال را جواب بگوئیم تنها جواب همین است و بس: - یک دسته ذلیل! یک جمعیت حقیر!! یک جمعیت مفلس!!! - بلی! بلی! ما افغانها! ابنای آن پدران غیرتمند و آن آباء نیرومند و آن اجداد آزاد از سر تا پا ... از حد زیاد ... از حیثیت امورات اقتصادی و منابع تجارتی و صنعات (پولتیکل اکانامی) مفلس ... مرحوم و بیکار بالآخره دایم بدبخت ...

در خور ماتم و اضمحلال ابجا؟ برای اینکه محتاجیم احتیاج اینکه اهم ترین شرایط مدنیت و سعادت یعنی ثروت قومی و غنای ملی گم کرده ایم! برای اینکه از جمیع هنرها و از تمام ... و فنون بی بهره و بی نصیبیم! برای اینکه در جزئیات و کلیات لوازم زندگانی و اجتماعی و انسانی ... گدائی دنیا را از اطراف بیگانگان ... بجز اینکه اکثری از ملت عزیز ما از اثر و نتیجه سوء تربیت افراد نالایق، و اشخاص تنبل، و جمعی ... بیکاره بار آورده دارای اخلاق فاسده و اتکال شده اند! ... جمعیت ... و ... گردیده که از صبا تا بیگاه زحمت ... و بالآخر هر روز ما ... اجوره، ما حصل زحمت خود ... بجز وسائل ... و لوازم ... سرمایه دار ...

ودروسی وامریکائی وانگلیزی وترابوزی …
سرمایه دارانیکه در برابر امتعه و اقمشه خود … بجز
ازطلا و نقره نمی پذیرند و قبول نمیکنند.

امروز مملکت ما مقتدر حیثیت کرکت …
درسرتاسر افغانستان بخشانده یا خط آهن در کجه مملکت
دبسته باشند و یا دادا آنکه لوازم و لواحق مدنیه ما است - چیزها
برای اینکه پول نداریم برای اینکه دیگر طلا و نقره
ریخته شده و سکه زده علنا در مملکت ما یافته نمیشود - معاً
دکانهائیکه داریم آنرا حکومت دفع الوقت از انجمی
و نادانی ما مقتدر حیثیت که کشید منابع اقتصادی
ازکار با تجارتی ما که دست طبیعت درین سرزمین
بطرف گذارده از تنبلی ما ملت تا … ره گم کرده ایم !
کلمانیکه از قلم ما تراوش میکند مبالغه نیست و نخواهد
گفته نمیشود از چاپلوسی و تملق نویسی بکروه ما راه دوراست
و درواقع بجز حقیقت و بیان واقع نیست.

ارکین ملت و زعمای مملکت ازین چیز که بالفعل
از … حیثیت بگمان ما بالیستی بسرعت تمام در …
علاج برآمده اول باول بتشخیص درد همت برگمارند
متعاقباً دوائی را که مزیل این امراض باشد ترکیب دهند
و دقیقه از دقایق چاره جوئی و عاقبت اندیشی را فرو گذار نشود !

از همه پیشتر برای انجاح این مامول مقدس و مستحسن
این منول باشرف وجود شخصی است که صاحب عزم
ثابت و شجاعت قوی و رای صائب باشد و همت
محسوس و ضروریات مملکت را مقدم تر از هر چیز دانسته بکار …
گمان نکنید که مقصد ما از کار اجراآت امور داخلی است
که از زمانهای باستانی الی الآن بر یک نسبت الحکومه و حاکم و علاقه
دار و ملکی ارباب … و خوانین و اخوه یاران …
و … بلکه مقصد ما ازین عملیات افغانی است که علاوه
بران اجرا باشد که شمه از آن در ذیل بسر دازیم !

باید تجارت انحصار ما مرفوع گردد وابواب …
دست و معاملات با تمام دنیا بتقاضای آزادی و استقلال
که آنرا بفضل ایزد تعالی الکیم ازدادانه باز گردد —

مجهزهاسب متعددی در مقامات لازمه …
و ولایات دیگر همچنین علاقه داریها قرار شود تعلقات
تعینات حصر گردد - معادن فولاد و دیگر کانها …
صاحب استعداد مملکت ما بهر ذریعه ممکنه که باشد
انداخته شود - اسباب و وسائلی که جهت یک مملکت
مستقل مانند این مملکت ما که دانه دار سیلان …
طلا صرف ثبات وجود دارد فراهم آورده شود …
و سرکها شوسه بین امصا و ده ها ساخته شود …
مزید منافع گرفتن از مال مواشی افغانستان مانند …
غربی بعمل آید …

مسلم است که حریف ما تا آنگاه … ما این
تجارت و فراهم آوردن اسباب مدنیت …
بدست آوردن ثروت ما راضی نخواهند بود …
با مجال انگونه خیالات را مد نظر …
بکار ببرند - افغانستان سمت جنوبی مملکت …
همین مقصد است طغیان …
غزنین، آشوب لوگر، بولولزرمت …
و دیگر حصص مهتم بالشان سمت جنوبی …
برای مشغول داشتن ملت و حکومت …
شده اند تا ازین گرفتاری ها داخلیه و …
خارجیه و اساس مدنیت خود نپیقیم !

لکن … این تشبثات واهی …
و … که اعلیحضرت امیر امان الله خان …
دار است … گفته میشود - بلی ! ما بعد از …
سلسله مراتب این عزم قوی واراده آهنین …
مطلوب است از دیگر عناصر …
غیر مقصد ما دیگر چیز بود و قول …
ورزید - امروز تمام افکار متوجه … تجارات …
بیکاری و دیگر مقاصد لازمه … مملکت …
اگر از بیرون ساخورده …
و برای این مرض اجتماعی سراغ دارید …
بلی ! ما هم عقیده داریم که ثروت …

... و مزدوری سرمایه داران بیگانه ملت
... منابع ثروت خود را خود بکار انداخته
... دست طبیعت در خلقت خود
... کند معادن خود را استخراج کنند
... بنا سیس ... راه های شوسه بسیار
خطوط آهن و تلگراف بکشند صنایع و اختراعات
... باشند — هر وقت یک ملت توانست
وسائل مزبوره را خود ش ایجاد و خواهش را
... نماید آن ملت را میتوان ثروت مند
امید.

لازمه این ثروتمندی توسعه و بسط تجارت است
... اوفق احتیاجات خود در بازارها ی دنیا
... رسانیده با مواد دیگر ... و بخارج ...
... مبادله کنند —

لقمان

مذاکرات خطیره حضرت عالی محمود بیک طرزی

وزیر خارجه که ملت و دولت در
... شیر ... مبیجر کرنل ... ب ... در
... درشتید روابط دولتین و ... دو
... دولت ... نیز از ... در زیده،
... دولتین ... یک ...
... گردیده چنانچه از طرف دولت معظم
... آن افغانستان ... دولت ... و از جانب دولت
... [گران کرد ... دو لاکورد ن] ...

فرستاده شده است.

حقیقت:— بدین اعزاز و امتیاز عنوان وزیر
درایت ... ممتاز مملکت خود عرض تبریک تهانی میکنیم

احتراق

بعد از مجهودات بسیار مکتب صنایع
نفیسه جریان یافته ... فرصت قلیل

شعبه ... ترقی ... ان افغان ...
... داده و اخر ... در آن حریق واقع شده
در عین زمان با طفائیه آن پرداخته شده و در بین روز ...
بار دیگر در آن آتش افتاده و ... با طفائیه آن ...
بود اطلاع رسیده خسارات ... عمارت ... اطلاعات ...
گویا این حریق ... کدام خائن ... بوده است.

اعدام قادیانی

ملا عبد الحلیم چهار آسیابی و
ملا نور علی ... فروش کراد

گروه ... قادیانی و ... عقاید او را تبلیغ و تلقین
... مردم ...
دعوائی را ... محاکم عدلیه تصدیق
... اعلام شده
... امان الله خان ... است.

رحلة الشتاء

عزیمت آب علیا حضرت صاحبه
برای گذرانیدن ایام ... بقیه ...

قبل بر ین ... جلال آباد گردید — حقیقت ... امان الله خان ... و ...
و قت ... کابل ...

در همه آفاق دل شاد کو

قند مکرر

ما که همه زاده یک آدمیم — ما که همه ... از یک ...
ما که همه قطره از یک یمیم — ما که همه ... مریمیم
با همه ... بیک عالمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

خود پسر یک پدر و مادر استیم ما | بار و بر یک شجر استیم ما
یکسره جنس بشر استیم ما | بر شجر تربیت ثمر استیم ما

بهر چه از هم همه اندر رمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

ساقی این جام مروق یکیست | قطره این بحر معمق یکیست
درهمه جا هستی مطلق یکیست | نوع یکی جنس یکی حق یکیست

ما که بهم مرتبط و منضمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

گر که همه عاقل و فرزانه ایم | ورنه همه بی هش و دیوانه ایم
گر که همه طالب افسانه ایم | ورنه ز هم ما همه بیگانه ایم

بهر چه با هم همه نامحرمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

راه یک پایه همه بوده ایم | جمله بیک سایه همه کرده ایم
شیر ز یک دایه همه خورده ایم | ما همه پرورده یک مادریم

ما نه ز یک بیخ و نژاد همیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

عهد همه وفا سیم تلفون است | صوت و صفا کارگر ان فون است
علم و عمل بال بالون است | از چه زمین لاروش انسون است

آه چرا باهمه در ماتمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

من نه اگر مظهر رحمان شوم | ورنه خواهم که چو تو انسان شوم
لا اقلا با دم حیوان شوم | با همه نوع خودم از جان شوم

ورنه ز حیوان بجدا کمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

ای حکما فضلا چه شد داد کو | ای امرا کشور آباد کو
ای علما فکر جدا داد کو | در همه آفاق دل شاد کو

بهر چه انگونه بغم مدغمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

رشته هر کار زهم پاره شد | بسته ز هر سوی ره چاره است
پاره دل خاره ز غم پاره شد | بهر چه خون دل آواره است

ما که ز زخم دل بهم مرهمیم
از چه پی جنگ و جدل باهمیم

بقواعد و ضوابط ...

این اخبار هفته ای یکبار ... [illegible]
... [illegible] مقالات ... مدیر ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

دکاننده
برهان الدین کشککی

[illegible]	قیمت بروپیه	
	۶ ماهه	سالانه
[illegible]	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۳۰

... [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل دوشنبه ۲۷ دلو ۱۳۰۳ ش ۲۲ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره (۸۰)

عوام و عوام فریب

هرگاه بخواهیم بیچاره ترین مخلوق خدا را انتخاب [illegible]
... [illegible] و ترحم طرف عوام بیچاره ...
این مخلوق بیچاره در عین اینکه ... [illegible]
... [illegible] انقلاب ... و مظالم ... بدست
این جماعت بدبخت ... و در صورتیکه خود ...
... [illegible] خود هیچ وقت
... نمی برد.

بروشن است که این بیچارگان این جامعه
دارای هر قسم قوه و استعداد ترقی و تربیت میباشند
در هر جامعه وجود دارند ... اکثریت ...
... رواج معارف و میزان ...
... از موضوع این مقاله خارج
امروز اکثریت مملکت را توده عوام تشکیل داده
... که بگوییم ملت حقیقی دارای اکثریت
است و آن وقت این اکثریت افتخار کرده و ...

بخرج میدهند که چون اکثریت با ملت حقیقی ست
دیگر عنقریب دست تسلط سودپرستان کوتاه شده
و ملت حقیقی با آسایش زندگانی خواهد کرد.

اما چه اشتباه بزرگی ست که ما این اکثریت
بخود نوید داده و امید استفاده از این اکثریت
داشته باشیم.

این توده عوام و این جماعت نادان که بجز
طول استبداد نظر خود محیط دیگری را ندیده و حتی
از تصور آن هم عاجزند و این گروه جنبندگان مفلوک و
بیچاره که ما هم آنها را اکثریت گفته ایم تازه جنبند
که آلات و ادوات ... هر کس ... میل بخواهد تمام
آنها را یک دست زیر ... کرده و بوسیله آنها مقاصد
خود را تکمیل نماید.

شاتوبریاند فرانسوی در مقدمه کتاب خود می نویسد:
«تمام افکار و قوای معنوی مردمان جاهل ... بقدر
فکر یک نیمه عالمی قدرت و ارزش ندارد»
تمام با احساسات سطحی و غیر عقلانی ...
جنبند با احساسات ظاهری ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 434 of 524

وازانجی که بطور شاخوش ظاهر نماید نفت جیمانید. بیجرف حسبی
کون بخوانند وار چشم اشک آلودی رقت بخرچ میدهند.
این جماعت عوام خود خصوصا عالم اجتماع چندنفر
نمیرسانند ولی اینها میکروبهائی تولید میکنند که آتش بکرها
بوسیلهٔ این عوام جامعه را آتش میزنند و بیداد ها میکنند.
اینها همان عوام فریبانند که جمعیت عوام را
زائیده و پرورش داده که جان خود و دیگران را در آتش سر میدهند.
عوام فریب یکساعت در طور بر آ عوام گریه میکند عوام
یکسال در طور بر آتش سنگ بسینه زده پشیمان او میشود اما
غافل است که آن جمیل شیاد روز بابشت سر بر گردانیده
ولب خند میزند. عوام فریب هر ساعت بپا ایستاده بیان میکند
عوام دوست بیجابت او برخاسته و شیون میکنند بالآخر
عوام جان باکنده و پوست ها می اندازد عوام فریب بپا
کار برسند نشسته و بوسیلهٔ این ادوات بیحس بر کار آتیه
تابین میشاید. چقدر بیچاره است این مخلوق زبان بسته
که نمیخواهد ببیند که جهان [illegible] بیاد تر و دیر نمیخواهد باید بگیرند
مگر بجا کلمات عوام فریبانه که در لفافهٔ صداقت وحق بیجا
پیچیده شده و در مواقع کار نقل مجلس بیچاره زحمت کشی
گفته و مانند ورد و افسون ماهر تر بر افسون گران در این کار
هامی روز از حقایق کار گرچشود د بیچاره خلاق بخاک و کلند
چنین بر انگیخته‌اند فلان بنای فلک زده که [illegible]
نمیدانند نگویند میتواند خیالات پرپیچ و تاب عوام فریبان
تیره و بماق تیره مقاصد آنان پی برد.
این است خلاصه از بدبختیهای او و این است نمونهٔ از
علل پریشانی که تا این حد بیعلم عوام بیرو [illegible]
یکنفر جمیل را بکار و بکرسته شیاد عوام فریب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
این است چند شعر از قصیدهٔ معروف [illegible] الشعرا

بیاورد مضرات عوام کردین و دنیا بحیث [illegible]

ازعوام بهت بران بدکه رود در سلام
داد از دست عوام

کار اسلام زغوغای عوام بهت تمام
داد از دست

دل من خون شده در آرزوی فهم درست
ای [illegible]

جان بلب آمد و نشنید کسم جان کلام
داد از دست

در ثبوت نگرفتند ره نوح نجی
داد ازین [illegible]

در خدایی بنمودند بگوساله سلام
داد از دست

بهوای نفسی جمله نمایند قعود
آه ازین قوم

بطنین سی جمله نمایند قیام
داد از دست

غافل از مسئله خوانند بهوایش [illegible]
بچو غولان

غول اگر قصه کند گرد و شوند از در دام
داد از دست

نه برین قوم نماید نفس عیسی کار
نه مقالات

نه نسیم سحری بگذرد از سنگ رخام
داد از دست

انگلستان | از لندن یک کمپنی سری [illegible]
از [illegible] انگلیس بوساطت تحریر [illegible]
میگوید اتفاقا این کمپنی سری [illegible]
پولیس بعض شخص [illegible] اتهام شرکت یک
مجلس نموده است.
از چند صال است که در انگلستان [illegible]

[illegible] دیده و مردم را دوچار پریشانی اقتصادی ساخته بود [illegible]

[illegible] یک معدن بسیار عمدهٔ زغال سنگ علاوه [illegible]

[illegible] می‌گویند که زغال این معدن بهترین زغالها است

[illegible] (۰۰۰۰۰۰ ۴۰،۲۵) چهل ملیارد و دو صد و پنجاه

[illegible] خروار تخمین نموده اند. و این مقدار برای ضرورت

[illegible] سالی آیندهٔ انگلستان کفایت میکند. گفته میشود

[illegible] استخراج زغال آن تحت بحر محیط است زیرو سطح بحر

[illegible] کار مشکلی نیست.

ازمسکو موافق اطلاع مطبوعات انگلیس او برای

[illegible] جهازات جنگی انگلیس که در آبهای چینی منتشر اند

[illegible] برای یک کانفرنس [illegible]

[illegible] رئیس حزب احرار انگلستان [illegible]

[illegible] دعوت او را [illegible] هم قبول نموده. در [illegible]

[illegible] بنام (ادارن آف اکستوری) یاد خواهد شد.

[illegible] روز بر عدهٔ بیکاران انگلستان افزوده میشود (۵)

[illegible] عدهٔ شان به (۰۰،۷۰۰ ، ۳) رسیده است.

[illegible] سال گذشته (۲۰) هزار نفر زیاد شده است

[illegible] انگلستان ساعی است که هر قسم ممکن شود کاری برای

بیکاران پیدا نماید، چه مسئلهٔ بیکاری در انگلستان موجب

[illegible] کابینه تاوان گردید.

[illegible] (۳۰) هزار نفر عملجات معادن زغال سنگ

[illegible] از دیاد مواجب شان حاضر شده اند [illegible]

[illegible] و اعلان هم به مالکین معدن داده اند [illegible]

[illegible] معادن زغال در انگلستان خیلی اهمیت دارد. چه

انگلستان مرکز صناعت و هر گونه کارخانه جات [illegible] زغال است.

روسیه لندن. مسیو [illegible] درین روزها در قرب [illegible]

در یک عمارتی که میان یک جنگل است و اطراف جنگل [illegible]

محافظت نظر بند میباشد یک دستهٔ بزرگ [illegible]

[illegible] او موجود است طرفداران او یا تبعید شده [illegible]

[illegible] مراقبت هستند. اخیراً [illegible] حکومت [illegible]

نموده. نامه نگاران جرائد لندن مینویسند که مسیو [illegible]

یا یک طرفی خواهد گرفت و یا بجنگ اقدام خواهد نمود.

پیرس ـ قرار قاعدهٔ روزنامهٔ (تان) فرانسه

در معاهدهٔ روس و جاپان بعضی مواد بسیار مهم موجود است

مخصوصاً این ماده که هر یک از طرفین اقدام بحرکت خواهد

نمود که تکلیف دیگر را باعث گردد. نظر باین اگر موقع

جنگ برای حکومت سوویت در اروپا پیش آید جاپان

بیطرف خواهد ماند.

ماسکو. جرائد روسیه معاهدهٔ روس و جاپان را با

خوشنودی تمام تلقی نموده اند. و اظهار میکنند از این معاهده

موقعیت بین المللی جاپان قوی تر میشود. و امریکه سیاست

خود را با حکومت روسیه حتماً یک نظر ثانی خواهد کرد.

لندن ـ از ماسکو خبر رسیده است که نمایندگان

بحریهٔ فرانسه و سوویت روسیه معاهده عقد شده که بحیثیت

انتظامیه معادن تیل روسیه (۰۰،۵۰۰ ،۱۳۲) خروار تیل را

بحکومت فرانسه میفرستد. جرائد روسیه عقیده دارند که

معاهدهٔ یک اهمیت نمایانی دارد. چونکه این معاهده

مقدمهٔ روابط روس و فرانسه است.

فرانسه چندی پیش از وضاع [illegible] معلوم

[illegible] گمان میبردند که معاهدهٔ تجارتی بین لندن و [illegible]

گرفت. کنون از [illegible] جاریه چنان استنباط میشود که خطرهٔ

شکست مذاکرات تجارتی دولتین از بین رفته [illegible]

میگذارد که جواب [illegible] بغداد و لائحهٔ فرانسه که درین زمینه

با انگلستان فرستاده بود از برلن رسید. اگرچه هنوز معلوم نیست

که آلمان در جوابیهٔ خویش چه نوشته است ولی از لهجه و اثر [illegible]

چنان معلوم میشود که خیلی خوب است. و مذاکرات [illegible]

لندن ـ مخبر [illegible] از پاریس مینویسد که مسیو [illegible]

به مسیو [illegible] سفیر فرانسه در ماسکو نوشته است که مذاکرات

معاهدهٔ تجارتی مابین فرانسه و روسیه موقتاً شروع میشود

روسیه [illegible]

روسیه این تکلیف نمود. [illegible] سفیر فرانسه اجازه داده

که داخل مذاکرات تجارتی شود. اگر روسیه این شرط [illegible]

[illegible]

احتفال وزارت معارف

در وقتیکه غائله سمت جنوبی گسترش گرفت
عملهٔ معارف و شاگردان بزرگ مکاتب
بایفاے وظائفیکه معارف ایجاب میکند
یعنی فداکارے در راه اسلامیت و
ترقی وطن از هر حیث بطریق که باشد قیام نموده
حسب مقتضیاے موقع در طلب فداکاری
در میادین جنگ خائنین وطن و تنکیل آنان
گردیدند و لباس نظامی را پوشیده داخل رشتهٔ
نظام شدند و زمان درازی شب و روز بنگاه
امر شاهانه را انتظار کشیدند که اجازه میدهند در
سمت جنوبی و شرکت با برادران عسکری در تنبیه مفسدین
بهمان بود که ایام تعطیل مکاتب تمام شده
اعلیحضرت غازی فرمودند که شاگردان مکاتب
پس بکتب های خود رفته به تحصیلات
خویش مشغول شوند مگر چونکه آنها بسیار آرزوی
شرکت به جنگ داشتند عدهٔ از آنها
بسمت جنوبی فرستاده شده درینجا حضرت
عالی وزیر صاحب به ازاحساسات
عرفان پرورانهٔ خصوصی که دارند باحوال این
بنفس خود توجه و اهتمام داشته در اطاقهای
حوالی خویش برای شان جاه داده بودند:
در هیو قع که ملا عبدالله و ملا عبدالرشید
باقطعهٔ رسالت شاهی بکابل فرستاده میشدند
محصلین مذکور نیز با زمرهٔ محافظین و شمنان
دین و عرفان عازم کابل گردیدند!
در هیواقل دلو محصلین موصوف
مع الخیر والسلامت وارد کابل شدند،
وزارت جلیلهٔ معارف بافتخار آوردن تقدم

جان نثار پے وفداکاری ان
مجلس سروری را در وزارت
انعقاد داد که عموم وزراء و اعیان
بزرگان معروف در احتفال حض
داشتند!
در موقعیکه مجلس نظم طبیعی را
نمود حضرت عالی آقاے فیض مح
وزیر معارف بر خاسته نطقی را راج
اهمیت و ضرورت معارف و
کلیهٔ معارف و حساسات فداکا
دباب معارف در راه مصالح
خدمات و حساسات محصلان
درین غائله ابراز و به ارتباط سیف و قلم
نمودند.
بعد از ان حضرت عالی آقاے عبد
وزیر تجارت و زراعت بر خاس
نهایت طبعی در علاقه دارے قلوب
و خدمات ارباب قلم و فداکار
آنان شانه بشانه با اهل سیف و
در موضوع اصول و نشر معارف
وطن و نواقص حاضرهٔ عرفانے
ان بموفقیت بر رفع نواقص در
توجهات عرفان پرورانهٔ اعلیحضرت
غازی بے بیان فرمودند.
حضرات مدعوین لب
طعام و چاے بعضی مرخص
رفتند و بعضی به تماشاے
که حسب الاعتبار بے دعوت
بعضے نمائش،
تشریف بردند.

قواعد و ضوابط

از نجائیکه اینهم تشکیل در کابل گردیده تقدیم میشود. دیگر مقالات در هر لیست منتظم ارسال نگردد. امور تحریریه جریده حقیقت ارسال و مقالات واراده در اداره اتخاذ جریده و در اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد است. اشتراک بتوسط حواله پوسته اجور نقدی از مرجا قبلاً داده میشود. نگارنده: غلام محی الدین

اجرت اشتراک		
قیمت بروپیه	ششماهه	سالانه
داخل افغانستان	۵	۹
خارج افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

...از اساتذه و علما و طلبه ... جریده ... با ... مسلمانان ... محمود ... خوش ...

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل چهارشنبه ۲۹ دلو ۱۳۰۳ ش مطابق ۲ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره (۸۱)

اعزام یکدسته از طلبای افغانیه بروسیه

برای تعلیم هواپیمائی و طیاره رانی

بتوسط یکی از گرم فرمایان محترم خود شنیده شد که امروز در دارالسلطنه بحضور اعلیحضرت معظم غازی یک جمعی از طلبای افغانی که از تعلیمات ابتدائیه خود فارغ شده اند برای تحصیل در ممالک ... روسیه ... اخلاق ... افغانی ... وزارت جلیله حربیه برای افزودن تعلیم طیاره رانی و هواپیمائی اعزام ... گردیده اند. این طلبا در تحت نگرانی ... وزارت ... خارج سفر ... از طرف نظارت یک اصول ... در ... احوال ... در ممالک اجنبیه ... و ... میروند.

امید است این طلبای افغانیه بیک فرصت مختصر در تعلیمات لازمه و عملیات مخصوصه هواپیمائی و طیاره رانی کامیاب گردیده از ثمرات تعلیم خویش برای ملت و مملکت و حربیه خویش خدمات شایانی بجا نمایند. علاوه بران گفته میشود که یک مکتب طیاره رانی در خود مرکز افغانیه تحت مراقبت وزارت حربیه تشکیل شده است که یکعده از طلبای مقامی در این مکتب تعلیمات عملی و تجربیات نظری خود شانرا تحصیل خواهند کرد.

حقیقت: این مساعی جمیله اعلیحضرت معظم غازی خود را در راه ترقی مملکت مخصوصاً در این شعبه مشرف و منظور و کامیاب عرض کرده و از اولیای امور وزارت حربیه ... عزم ... حضرت آقا عبدالعزیز خان وکیل جریده ... افغانی ... تکمیل جمیع مقاصد ... آرزومندیم که ... از این افتخار در فنون طیاره رانی ... نمایند.

گر تمدن این بود لعنت براو

بیقانونی در امریکه چند روز پیشتر در امریکه یک سیاه [illegible]
که از باشندگان اصلی امریکه میباشد بحکم قانون یکدسته از مردمان
سفید چهره امریکائی باتهام اینکه بریک دختر سفید چهره تعرض
یافته انجام دست درازی نموده است اگر یافتش گرفته
کشان کشان تا نزدیک درخت آورده ریسمان بگردنش
انداخته بشاخ درخت آویختند بعد از هلاک نمودن [illegible]
نموده بعد از آنکه وجودش از تیرها آبیار مانند غربال
افتاد آنگاه از ریسمان بند نعش سیاه بزمین افتاد سپس
ریسمانی بپایش انداخته بعقب موترش بسته بصورت
تشهیر کوچه‌ها و بازارهای شهر را گشتانیدند. در عین زمان
از طرف مردم که فوق العاده انگیخته بودند بعضاً بر نعش
نعش تیرباران میشد بالآخر این همه وحشت و مظالم
اکتفا نورزیده آتشی افروخته و نعش آن مظلوم را سوختند
غربیها که دعوت با ما مردم شرقی را دیوانه
و مجازات ما را با اینکه قانونی و برحسب اقتصادی
روحیات و طبایع مردم میباشد وحشت میخوانند اما
چون دست خود شان میرسد و دل شان میخواهد
در جهان تمدن نیز اینچنین کارها میکنند ــ
گر تمدن این بود لعنت بروی (امان افغان)

ژاپون در ژاپون ــ تازه بیماری خواب شیوع یافته
و نتیجهٔ تحقیقات دهلاک آن در ده (۱۰) معلوم شود [illegible]
صدی (۶۰) نفر از این مرض هلاک شده اند و میگویند
ممکن است این مرض بکلیه شرق سرایت نماید. و آنچه
به تجربه رسیده شخصا یکه عمر شان از (۵۰) تجاوز نموده
باین مرض مبتلا گردند مرض خواب در اروپا نیز دیده میشود
ولی با این فرق دارد.

تیل در غاسکه در جزیرهٔ [illegible]
تیل کشف شده از طرف دولت غربیه کار استخراج آن
یک اصول منظم در جریان آمده است.

مهمانخانه عالی یک جورهٔ بزرگ مهمانخانه [illegible]
در لندن ساخته میشود که دارای (۲۰۰۰) اطاق [illegible]
نام آن مهمانخانه شاه [illegible] خواهد بود.

کانال سویز درازی یا عمق کانال سویز [illegible]
امسال عمق از (۳۳) فیت خواهند ساخت
در سال آینده (۳۶) فیت خواهند ساخت
جهازات بزرگ [illegible] کانال السویس [illegible]

طیارات مهیب میگویند فرانسه [illegible]
طیارات جنگی را قسمی تعمیر نمایند که بحرکت [illegible]
و این قسم طیاره‌ها در جنگهای آینده خیلی خطرناک خواهد [illegible]
چه تخریب بر سر دشمن توانند انداخت.

ایجاد تازه لندن ــ یک مهندس جوان
بعد از تجربه های پی در پی موفق شده است
که ذریعهٔ آن توسط آن اطلاعاتیکه با تلگراف
داده میشود طبع میشود

شورش در روسیه

مخبر اخبار تیمس از لندن خبر میدهد که [illegible]
حصص روسیه بر علیه حکومت جنگ شروع [illegible]
قشون سوویت ترکستان امر شده است که شورش
خاموش کنند.

معاهدهٔ روس و جاپان

پکین ــ در معاهدهٔ روس و جاپان [illegible]
شده که جمیع معاهدات سابقه دوباره [illegible]
شوند. یک مقاولهٔ تجارتی هم شامل آن [illegible]
طرفین را در ممالک یکدیگر آزادی تام [illegible]
و قوام ملکیت حاصل است و [illegible]
[illegible]

سفر گرچند روزی فرحت آوری

(اشعار گهربار یست که در اشتیاق رونق افزائی اعلیحضرت غازی به آن فرخ سمت مشرقی برادر ریحان برابرم
سید محمد صادق ادام ... خطیب جامع مسجد سلطانپور علیا سروده است)

بیا غازی که گل گشت بهار است   گل و نسرین و سنبل انتظار است
ز هجرانت بمشرق غم دچار است   دلم چون لاله از غم داغدار است
برای دیدن شاه بیقرار است

نسیم باغ مشرق خوش سفر کن   ز مهجوران سوی کابل گذر کن
گل گلخانه را از اشک تر کن   امان ملت و دین را خبر کن
که شاه نازنین تاج دار است

که ای سرو قدت شمشاد دوران   فدای خاک پایت تاج شاهان
وجود نازنینت فخر افغان   جهان از پرتو عدلت چراغان
خزان عالم از یادت بهار است

به یغمان گر سهیلت هست مامن   چو ارگ و دل کشایت ارم مسکن
بهر جا همیکه باشی است گلشن   جلال آباد ما هم است روشن
که وی شاه شهیدان را مزار است

بیادت هر طرف قمری و بلبل | بشاخ سرو و گل افگند
بگلشن ناله دارد لاله و گل | که صد چون ما فدای خاک
که عطر آمیز بوی شهریار است

تکلف برطرف ای سرو آزاد | بحمد الله که هستی از غ
سرت گردم خدارا باد دل شاد | جلال آباد ما را سا
بمشرق نیر خورشید بکار است

شده عمری که گرم کارباری | برای خدمت دین
سزد گر چند روزی فرحت آری | چو مامورین ملک
که در نمله چه خوش وقت شکار است

گلاب و نرگس و نسرین و سوسن | بیادت گشته اندر پژمر
چنان دارد شبو گلها بدامن | که گلف و کوکب شاهی
سراج قصرها چون لعل یار است

عزیزان وطن احباب دوران | فضولی گر ز صادق
که جوید ذره سان خورشید تابان | بلی دعوت کند مهجوری
بخورشید عالمی امیدوار است

شرایط و ضوابط

این اخبار بادارهٔ ... در کابل ...
نشر شده و دیگر مقالات ...
... امور تحریریه بکار ... حقیقت
رسائل و مقالات ... در اداره ...
جریده در اندراج و اصلاح و عدم
... آزاد است.

حقیقت

۱۳۰۳

	۶ ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
...	۷	۱۱
...	۸	۱۵
...	۱۱	۳۰

سال اول کابل شنبه ۲ حوت ۱۳۰۳ ش ۲۷ رجب المرجب ۱۳۴۳ ق شماره (۸۲)

قرار جدید متمردین وقت صدا کیشی نظمیهٔ مشرقی

بر همگان معلوم است که معاملات سیاسیهٔ ...
... بعد ازین بر روحانیت حضرت رسالت
... اطلاع اعلیحضرت غازی و حسن مساعی
... سپه‌سالاران غیور نظامی و قشون ظفر نمون ...
... اختتام گذارده است، ولی الی الآن ...
... قشون ما بر تمام آن آمال و
... مقاصد و نظریات عالیشان ...
... و آسوده حالی مستمری سمت جنوبی
... نبودن فرصت امن و امان و قائم بودن
... فرصت تو امان برای ...
... طوریکه شاید و باید کامیاب و ...
چنانچه برخی از مفسدین و شرارت پیشگان
... قرین سمت جنوبی که در جنبهٔ رسوخ
... و قومیت و شرارت بلند تر از ...

در رفیق دینگ آن بد بخت عشیره‌ند با انگریز دوست
بیعت را منافقانه بحکومت اداره و خود ها را
شیطنت کاران مطیع و رعیت افغانستان قلمداد
داده بودند. لکن تا هنوز در اعطای برغمل
و تکمیل بعضی مطالبات مشروعه و خواهشات
حمایت کاران حکومت افغانیه با نواع لطائف الحیل
و اقسام لیت و لعل پهلو تهی کرده امروز
و فردا گفته ضمناً اوضاع و حرکات او شان
مشتبه بنظر می‌آمد.

در جملهٔ این رجال سراپا وبال و نامردان بد
عهد وان ناهیهای بدنام ستنک و دیلی ...
خودها را بنام سرگروه باغیان و سرغنهٔ شرارت پیشگان تنها
در سرحدات جنوبی بلکه در اطراف لوگر و غزنی مشهور و معروف
نموده بودند. مخصوصاً از قلم باتراوش میکند.

چون وزارت حربیه از اطلاعات خصوصی و راپورتهای رسمی قرار کار ای بی نظامی خود از خرابات و سلسله جنایتهای مزید بغاوت آنها یکه بواسطه جهالت [illegible] و خیانت باطنی که در ضمیر آنها مخمر و در ضمیر آنها مستتر بود کسب اطلاعات نموده علی العجله به رئیس تنظیمیه سمت مشرقی آقای علی احمد خان امر داد تا در تکمیل مطالبات حکومت و تحصیل جمیع حقوق دولت که از آنها میباید بطور دیگر لازم است گرفته شود اگر لطف و خوشی و مدارات مزید کار نمیشد قوه قاهره والا بیک حمله غیرتمندانه و یک هجوم شکرانه فریاد از نهاد آن طبقه بغات سراپا عناد برکشند و یک لوحه عبرت یک تازیانه نصیحت را از گوشمالی و تادیب این جماعت از ابتدا الی الآن در بغاوت باختیاری خود باز نشان بدهند تا دیگر یادگار بگذارند

حضرت ریاست پناه هرچند که با آنها سلسله جنبانی لطف نوازش و مراعات میشدند بهمان اندازه آتش شوره پشتی خیره سرانه بی اعتدالی ها و تجاوزات و خیانات و جنایاتیکه مرتکب آن شده بودند غالب و [illegible] بوده بران تعقیبات پدرانه و بدایات شفقت کارانه حکومت گوش نداده در طار خود را برای نام طبیعی گفته و در حقیقت از جان اوضاع جاهلانه خود منفعل نظر با مده حرکات و عملیات شان بیشتر [illegible] موجب سوء ظن و تحمل اشتباه می آمد

لهذا قوای عسکری جاجی و جگلی و میدان خود و باقی مفرزات عسکری ما که در آن اطراف بودند دفعةً برای تنبیه بختان سیاه روزگار بتاریخ (۱۰) دلو حمله آور شده بر روزه مقامات مهم آنها را متصرف شدند علاوه بر [illegible] جماعات بسیاری از آنها را کشته و [illegible] تاریخ الی الآن عساکر ظفر [illegible] در آن شعبه جبال دوره های دشوار گذار که مسکن [illegible] و ذلیل و طرفداران آنها بوده است [illegible]

با وجود موانعات طبیعی جنگلهای کثیف شدت و برف باری مصروف پیشرفت [illegible] نقاد جاهلی [illegible] نظامی بوده بالاخر [illegible] بغاوت پیشگان شرارت پیشه را مجموع [illegible] و از مقامات آنها را اخیراً عسکری ما تشکیل داده [illegible]

[مجمل وقایع این محاربات از اطلاعات [illegible]

اطلاعات اخیره را مشعر بدین تمام [illegible] عسکر ما در این محاربات اخیره کرده اند [illegible] بغاوت عقیده دارم بیشتر از پنجاه شهید و چند مجروح [illegible] که آنها هم بواسطه سرما و شدت برف [illegible] اجل را لبیک گفته اند (انا لله و انا الیه راجعون) و تلفات بغات در یک میدان محاربه [illegible] کشته [illegible]

[illegible] تکفیر عنقریب در مرکز خواهند شد

از این اقدامات غیورانه و کار روایهای [illegible] آقای علی احمد خان رئیس تنظیمیه مشرقی و باقی صاحب منصبان افغانی کار عسکری خوش [illegible] در این مقابله [illegible] نموده اند [illegible] قیمت [illegible] عسکری [illegible] سربازان افغانی مزید بر مزید توفیق [illegible] و فداکاری [illegible] مملکت خویش [illegible]

مسئله اقوام و قبایل سمت جنوبی

بدین تقریب [illegible] اقوام [illegible] در رمست [illegible] جاجی [illegible] جگلی [illegible] [illegible]

[illegible] از زمان ایلی الآن قبلاً و فعلاً و قوةً و فعلاً از [illegible]
حکومت دفع ناپذیر دولت متبوعهٔ خود گردیده [illegible]
از این طرز عمل صادقانه و رفتار سلامت این اقوام [illegible]
[illegible] گوش به آواز دشمنان [illegible] دست به دست دشمنان
[illegible] شده بودند و جاهلانه بر علیه حکومت [illegible]
[illegible] حقایق [illegible] خود را [illegible]
[illegible] حکومت خویش [illegible]
[illegible] نظر آن حکومت [illegible]
[illegible] بود و الآن [illegible]
[illegible] و معنوی او شان فرو گذار نمیشود!

[illegible] اگر بعضی ازین اقوام [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] و الطاف حکومت متبوعهٔ خود شان [illegible]
[illegible] نادان جهالت [illegible] بغاوت [illegible]
[illegible] و اوضاع [illegible]
حکومت [illegible] احوال [illegible]
[illegible] در خاتمه از تمام اقوام و قبائل [illegible]
[illegible] جنگل [illegible] خود [illegible]
[illegible] اشتغال بغاوت [illegible]
[illegible] کرده [illegible] توفیق صداقت [illegible]
[illegible] خواستار بوده [illegible] زیاده [illegible]
[illegible] دولت [illegible] خود [illegible]
[illegible] بغاوت [illegible]

[illegible] مجلس [illegible]

۱۳۰۳ [illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible]

[illegible] مقام [illegible]
[illegible]
[illegible] ۲۶ [illegible]
[illegible] ۲۵ [illegible]
[illegible] ۲۸ [illegible]

[illegible] مال مواشی و ظروف
جنسی و ملبوسات و مفروشات و اثاث البیت وغیره
اموال [illegible] در [illegible] بغاوت [illegible]
[illegible] کرده [illegible] بود [illegible]
مجهول الاحوال [illegible]
چون راه [illegible]
و [illegible]
[illegible]
[illegible]

قوهٔ تعرضیه

از ملاحظات جرائد تازه معلوم میشود که در اطراف و نواحی مراکش مزید برین مواد اتشین محاربه میرود و تمام شیرمردان شجاعت قرین آن سرزمین برای یک جنگ جدال جریت اشتغال بکر حاضری خود را نشان همی گزیند. مخصوصا قبائل لا ریجی داوطلبانه در فراهم آوردن اسباب جهاد سرگرم و همت نظر می آیند و هم سران و سرکردگان مقامات اجالا محض بر چشم اعلی کلمة الله و جهاد از مناقشات خانگی و منازعات در میانی شان صرف نظر و شته با مجاهدین ریف اتحاد و سلسلهٔ وداد را قائم داشته از ذخایر و اسلحه و دیگر خواهان حمیمی حکومت مراکو نشان میروند. با وجود نیرو تا نمرو و سائر جرائد گفته میشود که جوش و خروش اهالی ریف وجیش خیمه و مقدمات ایجیتکرام یک محاربهٔ دیگر عقیده دارند.

انگلستان و روسیه

صورت مناسبات تازهٔ انگلیه با روسیه از خیلی بنظر نمی آید جرائد طرفین مخالفت بجا بگر عام و سانیها بر ذلت ها والزام ها را عائد میکنند حتی درین ایام جرائد روسیه ادعا دارند که انگلستان مواد مخالفت را در میان مرکز و طراف در مناسبات اتحاد روسیه تولید میکنند و هم ذریعهٔ نکته گو نشان میدهند که اتحاد از طلا روسیه مشتعل کنند و تحقیقین در معاهده با ملک و مقاصد تو از انگلیز شناکی است.

شهزادهٔ ابهرکنادا و دورهٔ سرحد

ناظرین محترم از صفحات حقیقت

خبر ورود شهزادهٔ ابهرکنادا از انگلستان بهندوستان و از خصوصیت مسافرت او بقوت نا خوانده اند اکنون نامبرده در غرهٔ فروری همراه چیف کمشنر پشاور در معیت از مصاحبین دیگر مخصوص خود جهت ملاحظه سرحد افغانی از پشاور در جمرود و شادی بکار رود و خیبر و سمکا تا لنډی کوتل ملاحظه کنان ناجد قرارم

که سرحد افغانی است وارد شده است. با دیدن وسیله که رسم استقبال [illegible] بیست توپ مقیم سرحد شده بعمل می آمد لکن بر سفر لاگر شنیل کمانډنت لوچ کپتان کروس همراه برائے شهزاده مزبور بمعیت عساکر خویش گردش و هم جنگاره که از قبر کوت تا لنډی کوتل با موتر رفته درانجا توسط میجر بریت در محل آنجا ملک ارچ سردار و زنده گاو داغته و ساحت شهواری افریدی با دی طلاقات مخصوص

اعتراض مجال انگلیز

انگلیز از جهان

و خصوصا ترکیه کلیسا گردن جواد پاشا بر اقتصفیه سازی آمده اند چنان تنقید و جرأت میکنند که او و از اطوار و حساسات آنها با انگلیزها خیلی معانده معلوم میشد که طرز عمل آتیهٔ آنها نیز تحت زیرا که چون نزد جنگی بر خلاف حکومت عراق ساحه ها کا فیه گرفته اند. در جرائد

محکمهٔ احتساب در قسطنطنیه

اقتضا به مقرر شده که کار دانیاش طلوکیری چیاسند که تفتیق و تجویز استقلال داشته باشند و پولیس مذکور شرط لازمی آنست که هر سیاسی و زیاده از چهل سال عمر خود را برداشت. جریدهٔ "وطن" ترکیه مشروحیت قسطنطنیه جمیع رقاصان و رقاصات از فعل شنیع رقص منع فرموده و بنا این حکم از جمه منبر ها بے حکومت ترکیه تهنیت و مبارکباد بے برامی ایشان و مطالبه میکنند که در دیگر شهر ها حکم ممانعت رقص فرموده شود.

"طلوع افغان"

قواعد و ضوابط:

این اخبار بعد از ایام تعطیل در کابل یکبار نشر میشود و بدیگر مقامات بعد از فرصت منظور ارسال میگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت راجع، مقالات واصله در اداره مانده جریده در اندراج و اصلاح و عدم [illegible] اشتراک بتوسط خزانه دولتی و قیمت نقدی از همه جا قبول دریافت میشود.

نگارنده: برهان الدین کشککی

قیمت اشتراک

مقامات	شش ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل دوشنبه ۵ حوت ۱۳۰۳ ش ۲۹ رجب ۱۳۴۳ ق شماره (۸۳)

صفحهٔ اول پاک نما از غبار

گر ز بی جنگ بدامان کار
بنگرے سوی اروپا [illegible]
سعی و عمل پیشه نامرد شو
اهل اروپا همه از بین علم
بین که چه سان زنده سرفراز
گاه چو مرغند فراز هوا
مطلب خود بامدد تلگراف
آن همه هستند بشر مثل ما
فرق درین بین ببین از چه هست
ما چو خراطین همه در پیچ و تاب
هر کسی از جهل برای دو نان
خسته و بیکار بهر گوشه
دسته اندر پی رمل است و جفر
گوشه شده شعر بقدر لزوم
گر شما مرغوب و شاعران
شعر اگر موعظه و حکمت است

دار سپے از [illegible]
تا شوے آگه [illegible]
تنبلی و جهل [illegible] سر [illegible] دار
برده ببین گشته چنین [illegible] نگار
صاحب ثروت و [illegible] اقتدار
گاه چو ماهے بنشیب بحار
نشر نمایند با [illegible] دیار
از چه نمایند با افتخار
فکر نما بلکه شوے هوشیار
در [illegible] ولا [illegible]
هر [illegible] شتر
رو [illegible] انبوه هزاران هزار
قوم ز گر شعر نموده شعار
عمر مکن صرف درین رهگذار
می کشد مرد [illegible] ز [illegible] شمار
در پے آن همت خود بر گمار

در مذمت [illegible] که باید شت [illegible]
نیست کنون موقع این ترهات
گاه سرائی که پسرا طره‌ات
گاه بگوئی صنما چهره‌ات
گاه کنی ناله مثال جرس
قدح ز ممدوح کنی از هوس
گاه دم از عشق دروغی زنی
پای درین چه ضلالت منه
فایده در گفتن اغراق چیست
دختر ازین گفتهٔ باطل چه شوی
میل چه داری سر احمق منه
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شعر [illegible] است به از نظم [illegible]
خواهی اگر شعر سرائی بگو
[illegible] بخوان
در رهٔ بیداری ملت بکوش
یا پی ترویج معارف سرا
یا پی ایجاد بدایع که هست
ساده سرا [illegible] بگو
موقع ابهام و کنایات [illegible]
چشم خود باز نما ان [illegible]
دم ز حقیقت زن و گو [illegible]
[illegible] معنی و صورت [illegible]
من زنده قادر [illegible]
خواهی اگر آشتی و [illegible]

[illegible] بوده بود زینت
زین سبب افسانه بجا میار
روز مرا کرده چو شبهای تار
برده ز دل صبر ز دستم قرار
گاه زنی نعره بسان حمار
[illegible] ز مقدوح کنی اضطرار
غصه و اندوه کنی آشکار
دست مبر جانب [illegible]
[illegible]
دست ازین شیوه [illegible]
[illegible]
[illegible]
نثر چه بین فایده دارد بسیار
از چه کنی صعب [illegible]
نیست درین [illegible]
لیک بطرز خوش [illegible]
از ره عرفان [illegible]
از پی اصلاح وطن [illegible]
آنچه [illegible] علم [illegible]
از اثر قدرت پروردگار
منطق و [illegible] خوش [illegible]
صنعت الفاظ چه آید بکار
قد ذهب [illegible]
قدر بدان [illegible]
[illegible]

سود عمومی چو درین طرز نیست
نثر نویسیم چه جا خوش [illegible]

شاید خود [illegible] کلماتیکه یافت
از سر [illegible] اختیار

مزید توجه اولیای دولت [illegible]

معاصر نامدار ما روزنامهٔ [illegible]
آن مقاله [illegible] در شماره (۲۰۰) خود تحت عنوان [illegible]
و علاقه‌داران افغانیه تقدیر و احترام قوانین [illegible]
نوشته بود به [illegible]
ازانجا که [illegible] مایان [illegible]
در اثر رواج اتفاق قانون مشاهد بوده [illegible]
[illegible] یک سال است که [illegible]
توجهات جناب [illegible] و نشان [illegible]
[illegible] بوده [illegible] ترکستان [illegible]
آقای مدیر حقیقت [illegible] تقدیس [illegible]
مکرر خاطر [illegible] عموم [illegible] ترقی دولت [illegible]
محبوب خود نموده [illegible] بعضی [illegible]
دادن قانون [illegible] صاحب [illegible]
خود [illegible] مسبوق [illegible]
باید [illegible] موضوعات [illegible]
دیده [illegible] دولت و قوای [illegible]
حکومت قانون یک مملکت است [illegible]
اساسا درین [illegible] قانون [illegible]
نیست [illegible] از حیث تجربه [illegible]
اولیای دولت را معطوف [illegible]
قوانین نموده [illegible] و صاف [illegible]
[illegible]
دور از وصافی است و آنچه لازم [illegible]
[illegible] شده در عمل [illegible]
از فحوای نگارش آقای مدیر [illegible]
مبرهن است که [illegible]
[illegible] ملت حکام [illegible] و علاقه‌داران [illegible]
[illegible] در حالت حاضره [illegible]

اصلاح و توسیع تر قدم دیگر هم برداریم
[illegible] احتیاجات این جمع نفوس متعدد [illegible]
[illegible] بداریم یعنی بعد از وضع قوانین بسیار دیده
[illegible] احکام چهارگانه موصوفه لازم است تنظیر
[illegible] نواقص جریان آن نیز انداخته شود.
مجلس شورای دولت که ملت افغانستان
[illegible] احساس نموده این ذات ملت خواه
[illegible] خارجی الی الابد بر آمده بتوانند وضع
[illegible] میکنند و مجلس عالی وزرا تصویب با مضا
[illegible] جاوید توشیح گردیده مسئله برای اجرا
[illegible] علاقه دار، بوشیند هیئت که با تمام مسائل
[illegible] دولت رعیت که فقط نظر وطن خواه حقیقی
[illegible] این حقیقت واضح است [illegible]
[illegible] قوانین قانون با علاقه داران است [illegible]
[illegible] احکام سه گانه نیز بدیهی است [illegible]
[illegible] بیان از با طرفین حکومت و رعیت
[illegible] مخصوص است بر حقیقت مذکوره اولیای
[illegible] دولت واجب است که
[illegible] علاقه داران را آشنای وظیفه شان
[illegible] تا مواد مطلوبه قوانین را بالای رعیت
[illegible] دارند بجان رعیت را معرض به تکلیف
[illegible] نمایند که حقوق هر طبقه تابان بوده ثمره
عدالت سرتاسر مملکت را احاطه نماید برای
[illegible] این نیت واجب مقصد احواله [illegible]
[illegible] معارف [illegible] خواهیم [illegible]
[illegible] نظر [illegible] ذکر از قدم [illegible] توسیع [illegible]
[illegible] است اولیای امور دولت از کثرت [illegible]
[illegible] قوانین خواه [illegible] مخصوصه [illegible] آن باشد
[illegible] از تاسیس [illegible] مختص قوانین [illegible]
[illegible] خاک وطن عزیز را که از توسط [illegible]
معارف باشد این اراده نورانی را انجام [illegible]

اگر این دو پیش نهاد جریده با در حالت حاضر بعضی
[illegible] پیش رو داشته باشد صورت سود [illegible]
الخصوص از دولت متبوعه خود تمنا میکنیم که چنانچه
[illegible] مکاتب فروش قوانین در دار السلطنه کابل
موجود است باید بر طبق آن همه شهرهای افغانستان
دو دکان فروش قوانین نامه با همه وقت
مفتوح باشد که شایقین خریداری نمایند
وضاحت دیگر اینکه اگرچه تا الحال قوانین
موضوعه مقارن (۴) سال است که با
لوحه جریان مانده است باز هم ابتدائی گفته
میشود بدیهی است که قوه تنظیمات قوانین
تنظیم اجرا کرده با مضای شاهانه [illegible]
رسانیده به دست اهل اجرا که امرای [illegible]
و حکام اهلی باشند داده میشود او شان [illegible]
اجرا مینمایند مگر بعض چیزها که در محل اجرا و علاقه
و اطراف معلوم میشود که از قانون مانده باشد
که موجب عرض امرای ولایات بوزارت
و از انجا بشورای دولت تعرض ترتیب
لایحه تقدیم میشود پس باید که امرای ولایات
مرکز در وضاحت و توسیع این مواد جریان
قانونی نیز بیشتر مزید عطف توجه فرمایند که از عدم
هدایت قانون آن امورات دست بند
نمانده یا اینکه مظنونین و مجرمین که نزد
قانون در ولایات مستوجب محاکمه
شوند تا زمان براءت شان از مراجع ولایات
در وزارات عالی برای او شان شرف بار و صلاحیت
کار داده شود تا قوانین محترم اکمال شایستگی دولت
از شریعت خود نماید:-
حقیقت: [illegible]
[illegible] در اوایل زمستان [illegible]
[illegible]

[illegible]

مکتب مستعجلهٔ حربیه و بلدیه

ناظرین از اعلانیهٔ وزارت حربیهٔ جلیله
دائر شدن یک مکتب مستعجلهٔ حربیه برای تحریک و تهیهٔ
ضابطین قطعات عسکریه نموده است قبلاً مستحضر
خواهند بود که در آن طلبه را که صاحب سواد و فارغ
از تحصیل دورهٔ ابتدائیه بوده و عمر از ۱۸ - ۲۴
باشند برای تکمیل تعلیمات نظامی دعوت
داده در زمان تحصیل که یکسال و شش ماه است
برای شان از طرف مکتب البسه و طعام نیز اعطا
بعد از انتشار این اعلان، اولین ذات بزرگواری که
یکعده از طلبهٔ نوجوان رشید را برطبق شرائط
بوزارت حربیه از تشویقات و ترغیبات
خود فرستاده است آقای محترم محمد یونس خان
رئیس بلدیهٔ کابل است که وزارت حربیه از این
حسن معاونت شان اظهار امتنان و تشکر و
وامثال شان دعای توفیق خداوند متعال را همی نماید

معاهدهٔ تجارتی اطالیا و جرمنی

بطور تار خبر با بین حکومت اطالیا و جرمنی
یک معاهده طی شده که تا تکمیل عهدنامه با بین هر دو
حکومت که از (۱۱) جنوری سنه تجارت طرفین
آغاز یافت جاری خواهد بود.

پروپاگند انگلیس در کردستان

جرائد قسطنطنیه "مینلیت" حسب تلغراف شعبهٔ خود
از حلب خبر میدهد که بعض [illegible] بیکاره [illegible]
که بعضاً از [illegible] در دورهٔ سلطنت سابق
عثمانیه رتبهٔ افسری داشتند و اکنون خارج
از قلمرو ترکیهٔ موجوده سکونت دارند با انگلیسها خصومت
ورزیده، از مجلس اقوام درخواست کرده اند که در

کردستان یک حکومت جدیده برای ترکها
باید [illegible] مجمع اقوام تاحال جواب نداده
و انگلیس میخواهد که شیخ محمود سلیمانیه را نیز
شامل بنماید. لیکن تاهنوز کامیاب نشده است

ترقی عسکری در ایران

اخبار "المقطم" حاکیست که بسعی [illegible]
حضرت اجل آقای محمد آقای سردار سپاه برای
ملت ایران این نتیجه بخشیده که حکومت [illegible]
اکنون دارای (۸۰۰) هزار سپاه [illegible]
و مسلح با آلات و اسباب جدیده است
و نیز سردار [illegible] دشمن آذربایجان و خراسان

قابل توجه و تشکر مدیر دانشمند [illegible]

[illegible]

اتحاد مشرقی جلال آباد در نمبر (۹۹) نشر [illegible]
خوش تحت عنوان آرزوی یکجوان [illegible]
ادبی [illegible] قانونی [illegible]
[illegible]
[illegible] مخصوصاً [illegible]
[illegible] تنقیدات [illegible] قلمی [illegible]
[illegible] خامه فرسائی شود [illegible]
خدمت آقای محمد بشیر خان با داد و تشویق [illegible]
تحریر مقالات [illegible] دوست [illegible]
قدردانی [illegible] از اندراج مقالات [illegible]

بشیر [illegible] تحریر اخبار خود [illegible]
یعنی [illegible] کردستان [illegible]
[illegible] عروسی [illegible]
در آب [illegible] آتشی [illegible] کرد [illegible]
کسی را [illegible] که لفظ [illegible]
سخن [illegible] که موزون [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 449 of 524

باقی عده ضوابط

این اخبار بعد از این با اراده طلبه و مکاتب کرونه نشر خواهد شد و بدیگر مقالات و هر بحث سطالب میگردد. امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال و مقالات و اعلان در اداره مانده جواب داده نمیشود و اعلان و عدم انتشار آن راجع به اداره است. اشتراک توسط خزائن دولتی و یا نقدی از همه جا قبول میشود

شرح اشتراک

سالانه	شش ماهه	محل و مقامات
٩	٥	دارالسلطنه کابل
١١	٧	داخله افغانستان
١٥	٨	ممالک خارجه
٣٠	١١	وزرا و سفرا

حقیقت

١٣٠٣

نگارنده برهان الدین کشککی

جلد اول کابل چهارشنبه ٧ حوت ١٣٠٣ ش غره شعبان ١٣٤٣ ق شماره (٨٤)

تا این اساس عالم زیر و زبر نگردد — آسوده خلق دنیا از شور و شر نگردد

سلامت بنگارد که بر این عالم انسانیت میخندد

تمام این شورشها و انقلابات چیست ؟

عالم را چه آمال و آرزوی به طرف شورش سوق نهضت میکند؟ حق و عدالت، ظلم و تعدی دست کدام یک باعث ایجاد این انقلابات گردیده شده که عالم را بطرف نهضت میبرد.

انقلابات و نهضت، شورش همیشه همدوش زندگی بشر است. هیچ مورخ و نگارنده نتوانسته بدون اساس شورش و این انقلابات برنا تعیین کرده موجب دلیل آنها ظاهر سازند، ازین جهت آماده انسان، این بشر همیشه و همه وقت در کشمکش و تنازع حیاتی و بقائی بوده و خواهد بود. یک آرزو و مرام آرام نمیگذارد و همه وقت طرف انقلابات و شورشها سوق داده و میدهد. تاریخ دنیای گذشته، خرابهای دنیا، تبدیل ملوک سلاطین، اضمحلال ملتی و برومندی ملت دیگر با نشان میدهند و تحول یاد آوری میکند که این دنیا هیچ وقت از انقلاب شورش آسوده نبوده و هیچگاه روی آسایش را ندیده است!

اگر حسب اتفاق بالضروره یک قطعه عالم هنگامی بتصور خویش در مهد آسایش وقت خود را باید گذرانیده، آن آسایش موقتی و آن سکون آنی یک شورش و انقلاب عمومی عالم را در پرده داشته و چنین انکار حالی یک آتش انقلاب پنهانی بوده است بلکه همان آسایش موقتی و همان راحت آنی و همان سکون عالم نمایش تأسیس و ایجاد یک هنگامه بزرگ یک شورش یا مهیب بوده موجبات

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 450 of 524

و اسباب آزادی ان موقع مهیا و فراهم میکند.
اروپا بر حسب صورت قبل از جنگ عمومی
آرامش و آسایش نمایش داده و افکار ساده و عقلا
سطحی صلح عموم را در دیگهای هوس پخته انتظار
بهبودی یک روز مقدس داشتند لکن افکار باز و دیده
دوربین این جنگ خانمان سوز گداز را با شکل بس
مهیب و صورتی بس عجیب پیش بینی کرده و منتظر
وقوع آن بوده بلکه افراد در کمال سرعت نتایج
حتمی آمال و آرزوهای یقینی و آمال حقیقی تصور میشود
ملی واقع شده لهذا با بریان دو دیده را گریان
کرده کرورها پدر بی پسر و پسر بی پدر و مادر گشته
خانه ها خراب شده شهرها بغارت و نهب رفت
معابد و مساجد ها و کلیسا ها طعمه آتش گردید!
آیا بشر پس از این همه فجایع جانسوز و آن قدر (؟)
رقت آور دست از انقلاب و شورش برداشته
بطرف صلح و آسایش خواهد رفت؟
آیا دیگر این انسان به برادری و مهر گرویده
از کینه و عداوت بیزار گردیده جنگ و جدال را خاتمه خواهد داد
تصور نباید کرد بلکه این جنگ دنیا را بطرف
یک بدبختی بزرگتر و یک شورش از بس هولناک تر
سوق داده گرگ انقلاب با شکلی بس مهیب و
با چنگالهای تند و سخت این بشر را دنبال کرده
بطرف هلاکت این رمه را خواهد کشید!
آری گرگ آرزو و آمال ثروت، تفوق
و سروری و حاکمیت بر دیگران با پنجه های
آهنین در دنبال این بشر با یک جدیت بس شدت
و بس مهیب بوده هیچ وقت او را آسوده نخواهد گذاشت
عفریت خونخوار ملک داری و ابر قوی (؟)
هرگز نخواهد گذاشت این بشر روی آسایش ببیند
و مگر از چنگال آن عفریت کلمه حق و عدالت خدا (؟)
مروت از متخیلات مظلومانه و از افکار بیچارگان

در خارج صورت نه بسته جز یک فکر موهومی بشمار
علل چاره و مظلوم شرقی مجبور است که این حقایق
مقدس و این معانی عالی خواهند رسید
شورش و انقلاب بسبب میشوند لکن بسرعت قوی
و توانا اهل مغرب بین آنها را بطرف مرگ کشیده
نخواهد گذاشت این آمال و آرزو
حقایق را درک کنند چرا که مظلوم
مشرق زمین این مرام مقدس را آرزو میکند
و توانگر آدم آرزو ثروت و اقتدار را
شدت داشته دست از معشوق خود بر نخواهد
شورشهای یا بی دنیا انقلابات گرو
ثمره جان دو تکالف و نتیجه جان دو آرزو
متضاد قومی ثروت نخواهند عشق
او با هر گونه ... باز داشته از هیچ نخواهد
شرم نکرده معشوق خود را با همه عایقه
این بشر و این انسان آیا
همه شورشها و پس از این بدبختیها روزی
سعادت و آزادی را خواهد دید؟ یعنی
خیلی و میلها و آرزوها تعدیل شود تا
در سایه عدالت و حقانیت یک روزی زندگی
این حقیقت روشن را درک کند
بقدری غامض و باندازه مشکل است که
(قسمت یا منفی) کتابها لازم دارد تا
و ابدا این ورق پاره، قابل و لایق
معا و این مسئله مشکل نیست لکن بقدر امکان
این ورق پاره این مقصد مهم را تکافه
این معنا مشکل را ... تا با افکار باز
بقدر حس ... را درک
همه ... مسائل
و ... آتش ... اقوی
و توانا ... افزوده

۳

دوربا ملتی برملت دیگر تفوق و ثمر علم است
جاهل مقهور است نادان بار کش است
مورد حمله دوری و بیگانه است جاهل
میان دو جاهل محکوم است هر ملتی
به رتبه سعادت و علم شود الیت
به گره و افتخار خاطر آسوده شده روی
نیل را خواب دیده هر وقت عالم
بیدار شود هر روز که نور علم سراسر جهان را
در عفریت جهل که ملازم با ظلم است
بست و او خواب شد الی دنیای فنا
از جهل کناره نگردی مستی سرمایه دارد
نا قدم خود را از دست نخواهند

داد بیداری و اتحاد نتیجه علم است
با چو گرفتار یک مشت اروپا
بیست کرور ملت اسلام برای چه
گرفتار دست یک عده معدود
هستند برای آنکه جاهل اند و جاهل
ناتوان است. ای عالم تو بیدار باش دست
انتقام بیار. تگذار ناحق تو پامال شود
تا کی خوابی؟ تا کی در جهالتی بس است از این
انقلاب و شور شهای بیابانی دنیا ترا بحقوق
خود آگاه نکرده آیا درس عبرت نمیگیری
جای نفاق نیست. روز خلاف و اختلاف
نمانده ما هم از جهل تو بسته ست چه بگوید و چه

هلا دا بی شو ولی
دیسی اسی علمه هنری لی

اشعار است که از مدرسه رفیع الاسلام پهانه ماری پشاور تحویل شده محترم محمد جان رئیس ارکان حریه عمومیه افغانستان وصول گشت

افغان ملگری وه است

مسلمانه د اسلامه مرور شوی ولی — سره د عقله لیونی په غرونو سو شوی ولی

د الله رسول وستی کوم خه نقصان ولیدلو — دا ته په ملسه د ابلیس لعین کافر شوی ولی

پخوانکند کوم یاری رسول وای امت امتی — دا سی بی پته کده دا سی پیغمبر شوی ولی

مرو نبی سره به غم وی په قیامت کوم جان — ستاد خان غم به محمد خوری مضطر شوی ولی

بلاکان چه را نه و نیار کره نبی ستا و پاره — داسی ستو مانه په فرمان د کافر شوی ولی

مخه بوستان چه به سو سبزوه د نبی و بنو — دا ته بیغمبر بانه په لاس د هر شجر شوی ولی

(۱) [illegible]
(۲) [illegible]
(۳) دیوانه
(۴) [illegible]
(۵) قریب
(۶) [illegible]
(۷) [illegible]

(۱۰) خود سید انسی — هرومبی عزت به د اسلام تا خپل عزت کنړ لو — اس سودا کړه د اسلام د مال وسری شوی ولی

(۱۱) مهار — ته په دنیا کښ د اسلام کری د سرو پ قطار — اس د په پوزه کښ نکیل د کا اشتر شوی ولی

(۱۲) تاریکی سیاه — توره تیاره د جهالت په تا اسلام کړه زبر — داسی د نوکښ ته بد بخته کور کر شوی ولی

(۱۳) روشن
(۱۴) سرکوب گرگی — هیش په ته وی مهاوت د بل دست چپاسه — اس لعنتی لکه هاتی خاوکری په سر شوی ولی

(۱۵) خیل خاک — ستا به نور چا بیتی مدام د ل خپل او کود پاسه — اس د بل بیتی په شاگردی د اکاو خ شوی ولی

(۱۶) بشتکی
(۱۷) بالاخانه — محکاو بیکاه د بل غلا په نیمکیده کر زی — د سر د شمن لکه بسلک د خپل تبر شوی ولی

(۱۸) بر شت
(۱۹) نرم شکم — تا د دنیا امر و مرتول سره پخلا کړه پردی — دا ته بد خواه د اسی د قوم و براد رشوی ولی

(۲۰) برگشته
(۲۱) اصلاح کننده دیگران به زخم — تا به د انوسر و په پوهره مرهم مدام لگول ؛ — دا ئی د و ستو و عزیز درگ و تر قنو

(۲۲) بی نیادی — ستا به دشمن وه هغه کسچه د اسلام وه دشمن — دا ته دشمن خپل د اسلام د برادر شوی ولی

(۲۳) گرفته
(۲۴) براه تنها — هغه اقوام چه وو رسول په دشمنی نیولی — ئی د هغو سره اشنا اشیر و شکر شوی ولی

(۲۵) شیر — هرومبی هر کړوی چه میدان خوره د شیع نه وو — اس کیده په شا هم زیا گوره او ز شوی ولی

(۲۶) روبه
(۲۷) بدتر — تا د دنیا ملکونه نواړه و په تدبیر تر لی ؛ — داسی بی هنده د خپل مال و د دفتر شوی ولی

(۲۸) ثلث
(۲۹) بی بهره — تا د پلار ټیکه میراث علم و هنر و هر لو لول — داسی جاهل داسی بی علم بی هنر شوی ولی

(۳۰) گذشتن
(۳۱) گمان — هرومبی بی کاره کړه نه ید ته تا لوی عیب کنړ لو — اس بی کاره بی د خپل کاره لاس سر شوی

پیدا شدنی
(۳۲) گناهی — تا نو خپلسته چری په مال که کافرو نکړ ه ؛ — اس د خپل و مور عزیز به مال ته محتاج شوی ولی

(۳۳) زلاور
(۳۴) خانه — هرومبی تا داغ په بد ابتدا لوی عیب کنړ لو — اس د هر عیب هوره شا فا عیب صفت

(۳۵) کفا شتی
(۳۶) شکسته — هرومبی طاعون ارلید و پتخفتله په کوتره ؛ — ته مسلمان په طاعون نیز و ز بر شوی ولی

(۳۷) سید یوم — تا چه قرآن مسلم په خوالله بر بنو دی شت — تا چه قرآن پیغی ندی بر کسکر شوی ولی

(۳۸) بر باد بر
(۳۹) برابر گیگاه دل — هرومبی مرته ترو تازه به هوملا ملید لی — دا ته خادم داسی غوغ دز ته په

(۴۰) بی ترس — د ا جنگ چارم مسلمان جان نه کورمه نه ؛ — هرومبی ا لستا وی خیوانه

هویت و شرایط

[illegible] جریده [illegible] تحقیق [illegible]
بعد از [illegible] مقالات [illegible]
[illegible] ارسال میگردد.
امور تحریریه بنگارنده حقیقت
ارسال مقالات واصله با اداره مانده
جریده در اندراج و اصلاح و عدم
[illegible] آزاد است [illegible]
بوسطهٔ خزائن دولتی صورت
نقدی از بهای قبلا دریافت
نگارنده
(برهان الدین کشککی)

شرح اشتراک

اشتراکات	قیمت به کابل	
	ماهیه	سالیانه
داخلهٔ کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

[illegible] حرکت از سادات
[illegible] طلبه [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلامی و ترقی
قیمت یک شماره [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول کابل شنبه (۱۰) حوت ۳ ۱۳۰۳ش ۴ شعبان ۱۳۴۳ ق شماره (۸۵)

تبریک سال هفتمین جلوس شهریاری

حقیقت، با دلی مملو از صداقت، از طرف خویش و کافهٔ ناظرین ارادت کیش خویش این جشن جلوس حسنیت مانوس اعلیحضرت محبوب القلوب خود را تهنیت گویان، ترقیات وافره و تعالیات متکاثره را برای ملت و مملکت و دولت افغانستان بسلامتی وجود مسعود اعلیحضرت امیر امان الله خان عزنصره خواستار بوده دعا میکند.

تا بود پروانهٔ خورشید و مه فرش محبت
شمع اقبالت چراغ افروز خرگاه باد!
بر سر میدان هستی از بلندیها بجنگ
دست ه و ان زرکاب دو لا کونها باد.
در بهارستان عشرت خانهٔ تو غانیرا
رو بخورشید بجنگو شبت دلخواه باد.
رو بهر جانب که آری در میان زم بزم
صد هزاران بلبل فرح خا القب باد.

آرزوی یک جوان وزیری است

چه لازم است وزیری که بچشم خود دیده

(از مقالات وارده اداره)

۹

چون آرزوی یک جوان را در اتحاد مشرقی خواندم
تصور کردم که تقریباً همین مضمون را در همین جریده کیمیا
و یکی از جرائد محترم ایرانی خوانده ام خواستم
بسنجم پس وا نمایم لکن این فکر را نعم شد که چون عموم
اهل جرائد در پی اصلاح ملت و مملکت اند ممکن است
که افکار همگنان درین زمینه متوحد بوده حسب الاتفاق
یک مضمون بالفاظ متغائر در جرائد مکرر بر آید ـــ
دیروز که تنقید حقیقت برین مضمون شایع شد
برهم زدن این خیال لازم گردیده دست بتفحص یازیدم که
جریده طلوع آنرا فراهم آورده بودم کشادم بدون تفتیش
زیاد نظرم بر شماره (۳) آفتاب مشرق مشهد اقدس
منتشره (۲۴) عقرب (۱۳۰۳) افتاد که در اول صفحه اش
عیناً همین مضمون صفحه (۱) ۹۴ اتحاد مشرقی مرقوم بوده
در آن بر خلاف اراکین دولت و زعمای ملت چنانچه عادت
جرائد ایرانی است کلمات شدید مرقوم آمده بود
بعد اتحاد مشرقی را خواندم و دیدم که دیگر بقول حقیقت
آن مضمون را که از روی عبارت و نزاکت الفاظ
یک مضمون از بس شیرین بود و بیک معنا بعضی و معانی
و معانی را سراپا افراد و تحویل و تحریف داده بود لهذا نظر
قلمی و ظرافت ادبی مدیر اتحاد مشرقی با هم یاد آور و متوقع است که
حتی الامکان بر مقالات جرائد خود را از قلم خویش نگاشته مضامین
دیگران را بشکل خویش نماید و اگر بخواهد از دیگری چیزی نویسد
حتماً بایستی ازان تصرفات بیجا نموده حوالهٔ ادوایه بدهند
و باز اگر لابد خواسته باشد که تصرفی دران بنماید لااقل که

تصرفات شان موجب تحسین محرر و آفرین [illegible]
مانند آزادی که مخترع [illegible] چیستان و بیچاره باخته حقیقت [illegible]
مدیر صاحب محمد بشیرخان ختم است و بس ـ
این کار از تو آید و مردان چنین کنند ـ اگر [illegible]
امتنانست که عطف توجه ان [illegible]
نمایید بجای [illegible]
از ابرام نمودن تحریر و تصرفات اعلام شود [illegible]

اخراج بطریق یونان از قلمرو [illegible]

بطبق معاهدهٔ لوزان که دران مبادلهٔ آبادی [illegible]
جمعه ترک و یونانیه مرقوم است درین ایام ترک [illegible]
که در سال ۱۹۱۹ عیسوی بقسطنطنیه [illegible]
بوده بتاریخ ۳۰ جنوری بتوسط دست [illegible]
حکومتی انگلیس معززان کشیده [illegible]
ازین قضیه مخبر [illegible] یونان یک [illegible]
بی بابا [illegible] برخلاف [illegible]
واین طرز عمل ترک را مخالف معاهدهٔ لوزان [illegible]
[illegible] صدا [illegible] داد و خواهان [illegible]
ترک [illegible] دست داده و از انقطاع [illegible]
سفارش ترکان را تر سانیده است ـ ترک [illegible]
خود [illegible] تعیین معاهدهٔ لوزان [illegible]
[illegible] درین وقت [illegible]
بر حکومت در اجراآت داخل مملکت خویش [illegible]
[illegible] وارد ـ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

هنگامه بخارا

جرائد [illegible]
[illegible]

بخارا درین وقت خواهان [illegible]
[illegible] کار آمده [illegible]
[illegible]

نجد و حجاز

می‌گویند بر ضد قشون جده افواج ابن سعود حمله نموده متقرب به [illegible]

[illegible] امیر علی امیر شریف [illegible] فقط جانب خطوط شهر که با خار دار تحدید نموده بود [illegible] را که در [illegible] داشته از آن یک [illegible] جنگی [illegible] از انگلیز خریداری نموده [illegible] سوار [illegible] گشت و [illegible] دارد. امیر علی [illegible] جهاز [illegible] بود انگنده در آن مرقوم [illegible] امیر علی برای [illegible] خود [illegible] چه تدبیر را اختیار کند [illegible] نموده‌ام از قوه حربی [illegible] لشکر ابن سعود [illegible] از کشتی [illegible] اگر [illegible] تمام کند؟

قانون بنگال

آن قوانین غیر منصفانه که حکومت بنگال بنام قانون جدید تسوید نموده بود [illegible]

پیام وفد هندی از جده

[illegible] در [illegible] نسبت [illegible] نموده [illegible] حکومت [illegible] شخص [illegible] امیر علی [illegible] حکومت [illegible] نفرت [illegible] ابن سعود [illegible] امیر علی [illegible] قبول نکنند [illegible] انتظار [illegible]

محمره سرحد ایران

بفضل تعالی خاک محمره خوزستان از توجهات و الطاف حضرت اشرف رئیس الوزرای ایران آقای [illegible] از طرف حکومت ایران حکمران محمره [illegible] گردید [illegible]

قونسلگری افغانی در مرو

[illegible] که در ترکستان یک موضع [illegible] است و مقرر بود که قونسلگری افغانی در آنجا باشد چندی قبل آقای غلام جیلانی خان که [illegible] کابل تحصیل کرده [illegible] می‌باشند و از چند سالی [illegible] خارجه گذرانیده‌اند به قونسلی افغانستان در مرو مقرر گردیدند. [illegible] پس از تهیه قونسل خانه [illegible] افغانی در مرو [illegible] در احتفال روز برافراشتن لوا به قونسلگری حضور داشت گزارشات آن روز را چنین می‌نویسد: روز دوشنبه (۹) قوس، او گرگوم، اسپانگوم، حکمران [illegible] ناحیه، با سایر مامورین و اعزه مرو که بالغ به (۵۰) نفر [illegible] بود در احتفال [illegible] دولت علیه ایران و [illegible] به ساعت (۳) [illegible] روز [illegible] به قونسلگری افغانی [illegible] برافراشتن لوای افغانی از طرف آقای غلام جیلانی خان قونسل [illegible] حاضرین محفل [illegible] چون کلیه حضرات جمع آمدند آقای قونسل با عده از حاضرین بالای بام رفته و لوای افغانی را برافراشته [illegible] رئیس، اسپلکوم [illegible] اوگرگوم [illegible] سرود [illegible] آغاز کرده [illegible] خوشوقتی برادران افغانی [illegible] بعد از آن عموم حاضرین روی کرسی‌ها [illegible] صحبت گردیدند. پس از طرف شام رئیس اوگرگوم [illegible] راجع به تشکر از پذیرائی [illegible] قونسلگری [illegible] این روز مسعود [illegible] نموده و حاضرین مرخص گردیدند.

([illegible])

د جهالت په سبب غرق قوم تواج ولیدا

[illegible]

ما چې نظر کړ په غلط دوران ولیدا — چه زوی م پلار سره په جنګ شیخ کبیر ولیدا

د غم تاثیر د جهلي را معلومیږي داسي — خکه شفیق م د دنیا په سود و زیان ولیدا

بېړۍ د دریا ګوڅلوی د لاهو چل نه ورځي — د جهالت په سبب غرق م تو جهان ولیدا

ظاهر مو سوری د قرآن چه احکام او ګڼه غوږ — پکښې پابند م د رواج تمام افغان ولیدا

دلیل مو دی په خلیل نه د آبا شش کاوو — داسي م دین په د امت کښې قلاش ولیدا

قاسدون په حرف خودانی دي چه مال دی ما کښلی — اس م کو یا په د دنیا سره غنیان ولیدا

شاقي د کار اعراض ودی وا ورځو ننګ عقیده — راسخ ما په عقیده کښې د کفران ولیدا

خدای لا کښې یو بیسه ګول عار شي وته — په نفساني خواهش م اول مبدان ولیدا

په قوت زړکه به د بل سر شي غوځي کجان — د دین په کار کښی م بی ننګ مسلمان ولیدا

عجب ملک عجب انصاف عجب مخلوق شو باقي — په خلی صادق په نظر کښی تکرم هر انسان ولیدا

ظاهر خود بین خو ظالم ګوري و رلندی فقرونه کا — په فریبي لباس عظیم د شیطان ولیدا

نعت وصفت نبي د رسول په غوږ د بد ګوري — ظاهر امیل م د تسبو په لاس شیخان ولیدا

زه چه ملا فضل واحد فکر کوم چو مړه

په داسي حال کښي م ایمان تیر ول کران ولیده

[illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بعد از ایام تعطیل در کابل گرفته نشر میشود و بدیگر نقاط در مرتبت ... در سال یکبار ... امور تحریریه نگارند حقیقت ... ارشاد و مقالات واصله در اداره آن تجریده ... در اندراج و احصاد و عدم ... اشتراک بتوسط خزانه دولتی ...

شرح اشتراک

تفصیل مقامات	قیمت به روپیه ۶ ماهه	سالانه
داخل کابل	۵	۱
داخله افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

... از سادات و علما و طلبه ... مستفید ... نادر ... اسلامی ...

(نگارنده)

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۲

جلد اول کابل دوشنبه ۱۲ حوت ۱۳۰۳ ش ۶ شعبان ۱۳۴۳ ق شماره (۸۶)

سیر موزیم

موزیم که قبلا از افتتاح آن اطلاع داده شده بود این روزها برای سیر و مطالعه آن با ذوق شوق گشاده گشته است باین قرار ذیل اعلان شده است.

بر خاطر خوانندگان محترم بخوبی مبرهن است که موزیم وسیله ای است که علاوه از بقای مدنیت، اخلاق، و خصائص یک ملت مجموع آن ملت بیاد هم باعث حفظ شعائر مذهبی و ملی نیز ... و آثار رفتگان آن قوم بوده و ... تاریخ ... آثار سلف را برای اخلاف آن ظاهر کرده آئینه اعمال و اولاد و اسلاف خود شده میتواند.

چنانچه امروز خدا نکرده از تاریخ عالم ... گردیده ... تمام مفاد که از دیگر مباحث و مضامین ... ظاهر شده و ... از این رو مبدا و منبع تواریخ ... در دو جزء قرار داده اند اول روایات دوم آثار که ... اقوام ... آثار باقیه اقوام تمام روایات تاریخی را ... ساخته و ... از این باعث گفته میتوانیم که آثار باقیه یک قوم ... یک ملت با تمام عالم نسبت ... مبدا ... تاریخ است.

چنانکه تمام اقوام مترقی عالم این مسئله تسلیم شده ... آثار تاریخیه را تکمیل داده ... موزیم ... ساخته اند ... از توجهات جهانبانانه ... روی ... بار دیگر ... در مملکت مقدس افغانستان ... دولت ... حکومت ... عالم آرا ... توجه و مساعی ... علاوه از دیگر ... موزیم تشکیل و افتتاح گردید. ... حسب اعلان ... نسبت ... مشاهده و مطالعه آثار تاریخیه مملکت شوق و ذوق ... بروز ... موزیم ... سازند موزیم ... داخل ... است ... بدون ... بروز ... تشریف آورده میتوانند.

شرائط

روز مستورات — روز اناث

پنجشنبه — از ساعت (۱) الی ... — ...

پنجشنبه — ...

جمعه — ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 458 of 524

امتحان مکتب قضات

مکتوبی از مدیریت دارالمعلمین قضات
باداره ما موصول شده مشعر است که: چندماه
قبل ازین عده از متعلمین قضاة بتوسط جناب
ع.ص. معین صاحب وزارت جلیله عدلیه علاوه
شده والا برای شهادت نامه گردیده تخبیبات(?)
دولت مقرر گردیدند. چون درین (۶ برج دلو)
امتحان صنف دوم دارالقضاة از پروگرام جدید
مجوزه انجمن وزارت معارف گرفته شده ده نفر
طلبه فارغ التحصیل گردیدند که شهادت نامه های
شان داده شده. لهذا خلاصه کیفیت امتحان
مذکور تحریر شد تا موجب تشویق و ترغیب سائر
طلبه معارف گردد: چند قبل برین بقرار حکمنامه
وزارت معارف از ریاست محترم مجلس عالی شورای
دولت صداقت نشان ف مولوی محمد ابراهیم
کاموی مولف فتاوی امانیه قاضی محکمه تمیز ماموریت
شورای دولت که یکی از علمای منتخبه مجلس عالی
بودند جرگه جیا شده برای امتحان متعلمین قضاة
درخواست شدند :- همان بود که معزی الیه
حسب اجازه ع.ج. رئیس صاحب شورای دولت
تشریف فرمای دارالمعلمین گردیده یک صفت
مناسب که از صفات خاصه ممتحن حقا مذکور شمرده
میشد بجماعه طلبه ملاقات فرموده بعد از(?) هر کدام
مصافحه و خوش کلامی و حسن اخلاق ظاهر کرده تقریر
مختصر آتی را بیان فرمودند!

بنده حسب انتخاب انجمن وزارت معارف
برای معلومات و ظهور نتیجه تحصیل شمایان بصفت
ممتحن سرافراز شده در مکتب شما حاضر گردیده تقسیم
خدمت گذاری خدمت امتحان را ایفا خواهم نمود
لازم که شما در ادای امتحان هیچ خوف و رعب را
بخود راه ندهید بلکه جسارت و دلاوری در
جواب سوالات امتحان ابراز و اظهار نمائید
تا در نمبر های خود کامیاب شوید نیکنامی دنیا
و آخرت را برخود حاصل کنید و شهادت
نامه های فارغ التحصیلی خود را گرفته بقیه عمر خود را در
خدمات قضاة و تدریس و تالیف و تبلیغی که فرائض
و لازمه هر فرد اسلامی میباشد باشتغال بدارید و
روز بروز در حصول ترقیات و تعالیات دین
و دولت خود کوشان باشید. و در حق پادشاه
اسلام دعا کنید که الله تبارک و تعالی وجود مسعود
چنین پادشاه ترقی خواه را که برای تحصیل اولاد
معنوی خود اینچنین انتظامات کافیه و لوازمات
شافیه و بدایات وافیه مقرر و منظور فرموده اند …
بعد از اختتام نطق مذکور افتتاح امتحان
نموده کتاب داخل و خارج و تقسیم اوقات و
نصاب تعلیم و حاضری طلبه و تعداد را سنجیده
بلاحظه آن با امتحان مضمون خواندگی شعر …
معلم همان مضمون را آغاز فرمودند. حسب …
طالب در نظر ملاحظه قوه علمی او نمبرها و عدد
علیحده قید و ثبت کرده تا چهار روز مصروف
خدمت مذکور بودند الحمد که طلبه صنف …
که ۹ نفر بودند کلا کامیاب گردیدند.

ترقی زبان انگلیسی

درحالت موجوده (۱۷) کرور نفوس …
انگریزی سخن میگویند و بالفاظ دیگر ۱/۴ حصه …
النا … واقف زبان مذکور هست …
هر قدر جرائد و رسائلیکه شایع میشود نصف …
بزبان انگریزی نشر میابد. و نیز تقریبا …
حصه خطوط و پارسل ها و کتابت زبان انگلیسی
استعمال کرده میشود
تقریبا بعد از پنجاه سال محنت و …
جابرانه و تحقیقات و تدقیقات واسعه …

… (آکسفورد انگلش دکشنری) بپایهٔ تکمیل
… رسیده بود. مهتمم اعلی طبعه دار العلوم آکسفورد
… گردیده بود. که جمعیة اللسان در سنه ۱۸۵۷
… مواد همه ریک لغت انگریزی که
… ترین و بسیط ترین لغات باشد
… نموده تا سنه ۱۸۷۹ کار آن سرد مانده بود
… کلارندن پریس. انتظام و اهتمام
… اشاعت لغت مذکور را بر ذمه خود
… در سنه ۱۸۸۴ سری - اے - ایچ - مری
… معاونین همکار خویش بطور مستقل مصروف
… تمام آن شده برای تشریح و توزیع
… مثال های متعدد گذشته …
… آن هر را جلد تصنیفات و تالیفات
… گردانی نموده و تا سنه ۱۹۱۶ (۲۹۶۳۳) کالم
… تسوید یافته بود. که هر کدام یکی بعد

دیگری گذشته شود طول آن تقریباً (۶۱) میل
و سطرهای آن باندازه طول و عرض چاپ
تایپ (۴۴۴۳۲۰۲) سطر است که اگر سطر
های مذکور مترادف و متصل قیاس شود
یکنوشته بطول (۱۰۰) میل ازان ساخته شود و
تعداد حروف آن تا سنه مذکور بعد از استثنای زور
واو و قاف (۱۹۰۴۸۳۲۹۲) بوده.

انتظار بکوبیف جشن جلوس

(طلوع افغان)

تبریکیات حقیقت ز لنبت بود و دستور جشن
مانوس اعلیحضرت معظم غازی ما، ناظرین عالیشان اخلاق خوانده
لکن بنا بر بعض وجوه تا هنوز منعقد نشده ایم که نطق اراده
کود دیپلوماتک و جوابیه ذات جهانبانی را
بجز این سفرا چند عرضیه صدا فریضه ملت است و وجوه
ملاطفت قرینه قاشا را با ملت. در اخبار خویش اندراج

شکایت از جفای برد زمستان و انتظار بقدوم بهار

از طبع ادیب امجد آقای محمد زبیر احمد خان

کجائی ای بهار روح افزا | ز خواب ناز چشم خویش بکشا
ببین کز دست سرمای زمستان | چه جور است و ستم بر حال مایان
سپه سالار برد زمهریری | علم افراخته در ملک گیری
سپاه برف و یخ از چار اطراف | کشیده صف پی تسخیر اکناف
رسیده لشکر بادش ز دنبال | که عالم را کند یکباره پامال
عنان کرده بمیدان تیز آهنگ | که با من کیست کاید در صف جنگ
بفر بالش چپاو انداخته برف | که طاقت که پیش او زند حرف
بسی از جلوتان جهان گرد | گذر بر برف شد جانهاشان سرد
ز دیگر سو ببین افواج یخ را | گرفته چار جانب کوه و شخ را
بروی خلق کرده بند شش راه | ز حال یکدگر کس نیست آگاه
حصاری کرده مردم را یکبار | زبان نطق اندر خط پرگار
معاذ الله ازین طغیان سرد | که کس را نیست با او تاب نبرد
زنیم این همه افواج با تنها | بجز نیم شرارت خا جور ره

۴

شکست فاحش از وی خورده مردم / شده راه گریز اکثری گم
نشسته شاه سرما بر سر تخت / زگلشن کرده گرما بار برون رخت
بچارم آسمان خورشید تابان / از و گشته به برج جدی پنهان
وز آنجا سوی دلو او را گریز است / جنون وشش آنطرف جولان تیز است
زخوف قهرمان برده سرها / که یارب باد گم از روی دنیا
بگویم حال اهل دهر چون است / بگلها از جفا کاریش خون است
درون خانه از بیمش جهانی / بسان مرغ کرده آشیانی
برون نبود کسی را تاب رفتن / شده گلزار مرده جز کنج گلخن
کسی در تابه خانه جا گرفته / کسی در صندلی لحاف گرفته
کسی برده پناه خود به آتش / کس از بی هیزمی مانده مشوش
یکی را پوستین انداخته بر دوش / یکی کرک کهنه جرک دارد در آغوش
کسی در بستر و بالین صبور است / کسی را خوابگه کنج تنور است
کسی چون من غریبی زار و بیکس / بلطف حق نموده تکیه و بس
زخوف کز ظلم سرمای جهانسوز / بتاراجی رسیده دهر امروز
[illegible] در تحکم [illegible] / محال است ار جفا گیرد زندگانی
بهارا جان مشتاقان فدایت / زمستان اوفتد در خاک پایت
تو آگاهی ازین مدهوش خوابی / چرا غافل زحال شیخ و شابی
دمی بیدار شو بخرام از ناز / بروی اورای [illegible] گلشن باز
بیا و خاک خود را از زمستان / بزور تیغ خود باز ستان
زمستان کیست تا گردد جهانگیر / بیا و انتقام ما از وگیر
جهانگیری ترا زیبد که شاهی / چو من بیکس [illegible] ترا پناهی
بیاد کن تماشای وطن را / ببین گلزار و بستان و چمن را
چنان فسرده گردستش زمستان / که تا آیی نیابی در گلستان
ببین سرسبزی اشجار تو کو / عروسان تو در گلزار تو کو
گلشن نیست از بلبل نشانه / گرفته بوم در وی آشیانه
زمستان و هزاران محنت و رنج / تویی و صد جهان عشرت و گنج
زمستانرا است شکل نحس معیوب / تویی چون شاه با اقبال مرغوب
زمستان ملک را افسرده سازد / زمین و کوه را چون مرده سازد
زتو هر چیز یابد زندگانی / زتو با رحمت عیش و کامرانی
بگیتی چونکه نام تو بهار است / جهان را بهره از تو بیشمار است
شجر رحمت از تو دارد و زرع و دهقان / تویی سرمایهٔ انواع اشجار
تویی آب حیات جمله مردم / مبادا بر تو آزار جهان گم
نوشت این نامه شیر احمد به حسرت / که جانش خسته اند آرزو هست

نرخ اشتراک ...

مقامات	قیمت برای کابل	
مفصل مقامات	ماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
داخله افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

[illegible] از سادات و علما و طلبه
[illegible] برای نگارنده و مجانا عالی
[illegible] از احرار اسلام و شرح
قیمت نگار [illegible] گرفته میشود

[illegible]

این اخبار بغیر از ایام تعطیل کابل یکروز بعد نشر میشود و بدیگر مطالب درب تحت ...
میکرود امور تحریر بنگارنده حقیقت
ارسال و مقالات و اعلانات درداره مانند [illegible]
در اندراج و اعلانات و عدم [illegible]
اشتراک توسط [illegible] دولتی و [illegible]
نقدی از [illegible]
میشود.

[illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

جلد اول | کابل چهارشنبه ۱۴ حوت ۱۳۰۳ ش ۸ شعبان ۱۳۴۳ ق | شماره [illegible]

قند دزد و چه [illegible] شیرین
یک سرقت نو برآمد

قوای نفسانی آدم چیزهای خوب دوست دارد و در حصول آن شی، سعی و عمل را میدان میدهد. و این خدمتی است هم بخود هم بجامعه این هوس و آرزو منشاء تمدن است در اکثر مساعی و اعمال. بس خوب است و نافع. این طرز استعمال قوای نفسیه معتدل است مروج و پرورش دهنده روح اخلاقی که فریضه ذمت آدمیت است.

تمام پراگندگی امور اجتماعیه ناشی است از عدم حسن اداره قوه نفسانی و فقدان اعتدال آن. زیرا آدم نفسانی و قتیکه قوت اعتدال را مفقود کرده، چیزهای خوب را طبعاً میخواهد ولی نه از راه سعی و عمل بلکه از طریق تجاوز بر حدود دیگران، این خود سرقت است و باعث تنبلی و نکبت.

باستثنای جمهور نظامات ... از ... برای جلوگیری و دفع زدن از ... شهوانیه که اقتصاد هم میکنند بحقوق دیگر و دفع منابد مجاهدت و ... گردیده و نازل شده است.

با اینکه برای خوب نگذاشتن این گونه رویداد ... نظامات روحانی ... حتی مجازات هم تهدیدات ... توسط ... ملحوظ کرده، فی الحقیقت این نزد یک ترمست بمقصد. زیرا می بینیم آن ارتکاباتی که ما را از هیچ طرفی مرتکبین آن تخویف نمیشود، عدد ... بیشتر و هم عملیات جسورانه تر است.

گمان میکنیم مجازات یک ارتکاب مقدار عظمت آن نخواهد بود. در سرقت قیمت شی زیر نظر اعتبار گرفته خواهد شد؛ اگر اینطور است سرقت ادب و ادبیات سنگین و عظیم است، چونکه ادبیات خارقه

بروحیات و مادیات جامعه دارد.

چرا عجب بکنیم که بعضی از این مسئولیت بزرگ سرپیچی نمیند، و سرقت ادبی را طور حرفت ارثی استعمال مینمایند. مگر این زمینه را عدم مجلا آباد میکند؟

تطبیق و اجرای مجازات ادبی اینها و عهده جرائد حقیقت گوی هست، ورنه کثرت این حرف از یکطرف – چون محیط و ساز این اجابت میکند – سبب حمله نهادها فراهم واز دیگر طرف موجبات بدنامی محررین و جرائد ملی را تهیه مینماید.

سال ماضی در جریدهٔ خوشنفوس سرخ ایرانی در زیر عنوان «اوراق پراگنده» بعد از شماره (۷۲) یک سلسله نگارش ادبی میبایدیم، که هم عالی و مطبوع و هم نفیس و مقبول، مشاهدات ظاهری و احساسات داخلی را بانداز کرین طرزی زیر تحریر کشیده بود.

این روزها در شماره (۳۸) جریدهٔ گرامی نامهٔ عالیشان امان افغان یک صحیفهٔ بنام نامهٔ – روزگار بجریدت پدرش بسوزد! – دیده شد که نصف قسمت آخرین آن عیناً از همان سلسله که در بالا گفتیم نقل شده و درین میفهماند که قسمت دیگرش نیز عیناً از امثال آن سلسله نقل گردیده است.

بجرم افزونی گرفت و مختکی با حروف خشن در خاتمهٔ مقاله دیدم مقصد و دیگری رقم گردیده است. درین چه شک که هیچ یک مدیر دانشور ابداً نخواهند و مقتدر نیست که جاحظه خوشنین را مستقبل تمام عالم ادبیات یک لسانی قرار دهد که ملیون ها ملیون انسان بآن تکلم میکنند و مینویسند. مضمون خوبی چه دیگر بود حق هم دارد. تنها اینقدر لازم می‌آید که بعد از کسب اطلاع مکتوبی مضمون، ترویداً آن شایعه را نمایند. تذکرهای شعرای سرزمین متعدد وطن ما چنان نمونه

قابل افتخارے از منطقه‌های کابل و غزنین و بلخ و هرات، بانشان میدهد که عالم ادبیات پارسی بآن نازمیکند.

شعرای عدیم المثال عصرے ما، باستثنای مستغنی، قاری، بسمل، محمود، پریشان، هر دو اشتراک آنها، که نظیر شان در کثرت از گوشه این سرزمین دوردرا بزرگ دارا چنان آثار گرانبها تقدیم نموده که نقشه جهان ادبیات فارسی در شرقستان پیشتر جلوه بخشید. ودر این ما است که از آنها استفاده و در عالم ادبیات ایجاد افتخاری اندازه نماید.

ونیز امید میکنیم که آینده بعض آقایون سرقت حرفت و ترجمه را انتقاله قرار ندهند تا ادبیات بآن صدمه نخورد. والسلام علی من اتبع الهدی

قدردانی خادم نواز شهریار غازی

بدین تازگیها مطلع شده ایم که اعلیحضرت غازی خادم نواز ما بریکی از خدام قدیمی و اخلاص کیش صمیمی حکومت افغانی الطاف و نوازش مزید فرمود تنخواه او نظر لیاقت و صداقت و شخوخیت او اضعافاً مضاعفه فرموده است.

این مرد صادق واین خادم لایق که ما تحقیق او شان هیچ معرفی نداریم و از زبان همگان اشتهار صداقت و خلوصیت او را مکرر شنیده ایم آقا میرزا غلام محمد خان مدیر اوراق وزارت خارجه است که بهنگام جوانی خویش یعنی در عصر امارت اعلیحضرت ضیاء الملة والدین نویسنده امورات خانگی اعلیحضرت شهید بودند سپس از آن منشی تحریرات امورات اعلیحضرت شهید بوده در عصر امانیه و در وزارت خارجه منظور خدمات پسندیده گردیده اند.

بالاخره این قدردانی خادم نواز اعلیحضرت غازی بعضا ترقی ملت و مملکت شان بر ذمهٔ اعلیحضرت مدیر ...

۲

ورود

جناب محترم آقا میرزا محمد خان که از رجال موصوف به ذکاوت و درایت ... کار دانا و افراد صالح وطن میباشند و از اداره ... مدنی در اداره پاره کارهای سیاسی گذرانیده ... وزارت مختاری افغانستان در ماسکو ... از حضرت آقا غلام نبی خان معین گردیده ... بوظیفه مذکور مقرر گردیده اند. آقای میرزا محمد ... حضرت عالی آقا محمد ولیخان بکابل آمدند ...

... مدت قلیلی برای خریداری بعضی ... ادوات مهمه و فروش بعضی محصولات مخصوص افغانستان ... امریکا مجدداً بولایت مذکوره رفتند. سال گذشته ... بعضی وزارت تجارت ... شدند ... سیاحت ... الخیر والعافیت وارد ... ورود ... خدا وند شان اظهار مسرت نموده ... شان عرض خیر روشنی و تهنیت میکنیم.

جنرال قونسل هند

صداقت مآب میرزا یار محمد خان مدیر شعبه هند وارد ... وزارت خارجه قونسل در بمبئی و جناب حاجی محمد اکبر خان قونسل بمبئی به قونسل جنرالی دهلی مقرر گردیده و جناب میرزا یار محمد خان بصوب موریت خود شان رفتند. آقا عبدالحسین خان قونسل جنرال که از جوانان ممتاز به مزایای صوری و معنوی و محاسن وجدانی و کاردانی و صمیمیت و جدیت میباشند. برای کدام کار مهم دیگر تحت نظر گرفته شده از کار خواسته شده اند.

امریکه

نیویارک ـ پولیس ساحلی امریکا دو مستید ... نام جهاز انگلیسی که ده هزار ... بوتل شراب با خود حمل نموده میخواست مخفیانه وارد امریکا نماید توقیف نموده به بندرگاه آورده اند و عمله جهاز را گرفتار کرده اند. جهاز مذکور به مسافه یکساعت راه دور تر از ساحل گرفته شده است. یک انگلیس جهاز را توقیف گرفتار نموده است ...

(امان افغان) ...

ای ملت افغانیه تاج خسرو شهید

امروز که ایام بهار وطن ماست
پرخنده چو گل ... شادی همین ماست
ای هموطنان مژده که جانان ... آمد
... تو بلبل محفل ... انجمن ماست
سرو چمن و لاله ... چمن ماست

پژمرده گلستان وطن بود از این پیش
... خدا ... فزون ...
بود مدتها لیش ... خصه جگر ریش
تا بندم ز سحاب کرم شاه خرد کیش
سرسبز و ... از گل ... چمن ماست

پژمرده ... این باغ ز ... خزان بود
محتاج به بحر کرم شاه جهان بود
بی تربیت تشنه ... ان بود
وین تازگیش ... که بی ... دانه گمان بود
کاکنون شده از همت شاه زمن ماست

صد شکر که امروز ترقی و تزاید
آسایش ملت شده و ... فواید
در دولت ... شاه ...
با دولت ما جمله ... گشت ...
کیفیت آفاق همه ... ماست

از حال جهان تا که شویم خبردار / ماندیم ز تحصیل هنر معطل و بیکار
اکنون چو عطا کرد خدا خسرو غمخوار / از خواب تغافل وطن باشد بیدار

تجدید پذیرفته خیال و کهن ماست

انصاف گر داده شود کهنه خیالات / بی ضابطه بودند و معرا ز افادات
ما راست ضرورت هنر و علم و کمالات / در فن جدید است چنان کشف حجابات

کان جمله نشاط آور بیت الحزن ماست

چون شکل جدید به لذید شد منسوب / الحق که نو از کهنه بود بهتر و مرغوب
آید بکف از فن نوت دامن مطلوب / امروز همین شیوه بعالم شد محبوب

زین شیوه همین روح دمنده بتن ماست

یک فرقهٔ بدخواه که در سنه ایام / پختند بدیگ هوس خود طمع خام
ماندند قدم جانب این شیوه سلام / رفتند خجالت زده گفتند باصنام

ای وای که افغان بجذاب لگن ماست

دانیم که بود آن ظفر از یاری الله / ور هست تیغ پیروز رستم ولی شاه
زیرا که ازین فن نوی قوم وطن خواه / با او تو نبودیم درین مرحله آگاه

این فن نو اکنون شده فرض و سنن ماست

بر ما چو جهاد است بحق فرض شریف رو / کز چار طرف خصم نمود است رخ امروز
در مشق غزا تا که نباشیم نو آموز / بر خصم نخواهیم شدن فاتح و فیروز

هر چند شجاعت همه جا پیرهن ماست

خورشید کمالات و هنر جلوه طرازی / گر هست چو در عهد همایون خسرو غازی
از علم و هنر بیگمان است چه بازی / باید بهمین شغل شود دست دراز

کاین علم و هنر زندگی و هم کفن ماست

ای ملت افغانیه تا چند خموشید / پیراهن غیرت همه یکبار بپوشید
در پیروی شاه خود از صدق بکوشید / از میکدهٔ علم و هنر جرعه بنوشید

کاین علم و هنر فرض سر مرد و زن ماست

محروم ازین دولت اگر ما و شمائیم / از طعنهٔ بدخواه بباید که برآئیم
تاکید بتعلیم پسرها بنمائیم / تا زو تلافی گذشته بنمائیم

واجب بهمین سعی و تکاپوی تن ماست

دریای معارف زده در کشور ما جوش / از غیرت این شاه عطا پاش خطاپوش
در افغنه هر دست برآرید ز آغوش / بر گفتهٔ شیدا احمد اگر کس بنهد گوش

این شاید چون در عدن در سخن ماست

از طبع مورطن تحریر یکم ماه ... میرزا شیر احمد سراج ...

ادارهٔ ... شرایط ...

این اخبار ... از ... تعطیل ... کابل ... نشر میشود و بدیگر مقالات ... ارشاد ... و امور تحریریه ... حقیقت ... ارشاد و مقالات و اصلاحات ... اشتراک توسط ... قیمت ... میشود.

(نگارنده) ...

تفصیل مقابل	ششماهه	سالانه
داخل کابل	۵	۹
داخل افغانستان	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزرا و سفراء	۱۱	۲۰

مالکو ارشاد و علما و طلبه ...

حقیقت

جلد اول کابل شنبه ۱۷ حوت ۱۳۰۳ ... قیمت ... شماره (۹)

ترانه به زبان فارسی و افغانی مقابل علم و جهل

دولت علم زعرفان بجهان هست — دوران ... است
جهل است کاز غم ... شد و ... — دوران ... است
جهل است که شد خانه خراب ... — از وحشت او
علم است ... سر ... است — دوران ... است
جهل ... شد ... اخوان ... — برگشته فاجر
علم است که ... لطف ... — دوران ... است
جهل است ... سرخار — ...
علم است که شد حافظ ... است — دوران ... است
... سرکشی ... — این زمره طاغی
... روا است — دوران ... است
جهل است ... خانه اخوان — از ظلم نمایان
علم است ... خود ... است — دوران ... است
جهل است ... شد دور — در نشست ...
علم است ... — دوران ... است
جهل است که شد ... خجالت — اسباب کسالت
علم ... فتوحات نجات است — دوران ... است

[illegible]
[illegible]
... — ... مخلص
... — ...
[illegible]
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — ...
... — توبه ...
د علم ... — ...

دوار چرخ علیمی که کماندار بی لشکر	خود کرده سرور
وقت آرمش ختم بنام دگران است	دوران اوست
از این چه جهالت که کنند قول سلمان	بر گفت شیطان
گوینده که این امر خدای دو جهان است	دوران اوست
از ابجد ... که تحصیل زر و مال	... بکمال
عمر شکار ... که بجا کنان است	دوران اوست
جز جهل ندامت بکش در همه این کار	از ماده ...
علم است که آدم ... کنان است	دوران اوست
در خالق گویم که فدایت ز علیمی	حکم ...
فتح و ظفرت بنده فرمان و است	دوران اوست

داخنگه دانش دی چه نجیله کا نسجار ...
چه وقت دکم ... دل وصف ...
اف ... جهادی چه ... مسلمان
یاد ... چه به دانشا ... دی
اف ... گمراهی دی چه مقصد لری
بلچادی مانع که دوزخ روادی
بی جهله ... ملامت به دنیا
دعلمنه بابا ... گوینده خوان دی
آخر ... العلم ... چا
میدان ... یقین ... دشمن ... دی

از طبع روان دوست محمد ... آغا ... میرزا میر غلام خان ... سمت جنوبی سروده شد

مدیر معارف سمت مشرقی

بشنویم که عرفان مآب آغای مولوی عبدالرزاق خان مفتش وزارت جلیله معارف که در دوره حکمرانی آغای اجل محمد هاشم خان وزیر مختار افغانیه بروسیه مدیر معارف سمت مشرقی بوده در زمان مدیریت شان یک روح تازه و امید ترقیات بی اندازه عرفانی سمت مشرقی مشهود و محسوس شده و تقریباً یازده باب مکاتب ابتدائیه در نقاط مهم آن خطه افغانیه از عزم قریزی خویش بمساعیات آغای محمد هاشم خان نائب سالار افتتاح و تاسیس نموده بود و طلبه آن مکاتب نیز در تمام امتحانات اکثریه کامیاب و صاحب انعام و در موقع ورود و ذات ملوکانه ... تنها از طرف وزارت معارف بلکه از حضور ذات همایونی نیز اجراآت و عملیات عرفانی آن اطراف محل تحسین و آفرین ... بمدیریت معارف آن ولا ... ما ازین حسن انتخاب وزارت ... مشکوریم و بدان مدیر فعالیت ... نیز مانند از منه ماضیه برای ... کافیه را در خدمات عرفانیه ...

مسرت بر معاهده جاپان و ...

در توکیو پایه تخت جاپان ... و باشانی بمناسبت عقد ... و روس بر پا شد درین ... حکومت و نمایندگان روس ... طوائف شمولیت و حضور ... در محفل دعوت بالغ بر هزار ... در حین اجتماع و انعقاد این مجلس ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 467 of 524

برلین. از ماسکو به تهنیت اتحاد و دوستی بین جاپان و روسیه از طرف ملت و قوم مستخدمین حکومت روسیه فرستاده بود، رسید. حاضرین مجلس از بیان تلگرام مذکور کف زده نهایت شاد مانی و مسرت و آوازهای هورا کشیدند. رئیس حاضرین بر سر منبر دعوت رفته ناطقین بیاناتی از اتحاد و یگانگی روسیه جمهوریه و متحد شدن دولت جاپان با ساویت روسیه ایراد نمودند تجارت حکومت جاپان از نفوذ انگلیس تقدیر و تصدیق کردند و ترجمان نمودند که با هیچ یک از دول هم جوار اتحاد و دوستی مانند یگانگی روسیه و جاپان نشده و تمامی حاضرین که این جشن حضور داشتند متوجه شده قرار و تصمیم نمودند که حکومت جاپان خبری لازم داشته باشد بزودی و خوبی تصدیق کرده اجرا نمایند. معاهده و قرارداد سویت روسیه و جاپان این چنین امضا گردید و تلگراف تبریک و سلام از عموم حاضرین به جشن توکیو فرستاده

روسیه و امریکه

نامه نگار رئیس ... از ریگا خبر میدهد که جرائد روسیه مینویسند که رئیس جمهور امریکه مستر کولیج اراده دارد حکومت سویت روسیه را رسماً شناخته لهذا یک مجلس ترتیب داده که درین موضوع غور و دقت کرده شرائط لازمه را تعیین نماید مذاکرات رسمی در ماه مارچ که مصادف است با (۱۱) حوت شروع خواهد شد. میگویند که تصمیم رئیس جمهور امریکا برای شریک نمودن حکومت روسیه و جرمنی است در کنفرانس.

(تخفیف اسلحه) امریکا خیال دارد که این کنفرانس نهایتاً بزودی عقد بدهد.

ایضاً اخبارات جنبش ترکیگی و شورش در ترکستان بر علیه بلشویکها امثال آن حقیقت نداشته از طرف مخالفین روسیه انتشار یافته است.

ایضاً روسیه به یک جوال آرد (کنیتال) خواسته است و قیمت آنرا نقد تادیه نموده است.

هندوستان

مدراس ـ وزیر معارف (مدراس) مشغول این است که در دهات اصلاح و ترویج مکاتب ثانوی چطور شود؟ برای اصلاحات پروگرامی ترتیب داده، بعد از نشر لایحه کمیسون دار الفنون کلکته وزیر معارف به تعقیب تحقیق این سند و دهات دوره و لایحه حکومت را تحت دقت گرفته است. در چهار سال گذشته عده مکاتب عالیه فزون و برای تعلیم ثانوی میدان توسیع شده است از اصلاحات ادبی و تعلیمی برای محصلین دروس عملی هم داده میشود تا در موقع اصلاح اوضاع عمرانی و اقتصادی مملکت دارای کفایت باشند. معلوم است که در علاقه جات دهاتی سنده هم اصلاح زراعت و کارهای دستی است بنا بر علیه تجویز شده است که امور مذکور جزو پروگرام قرار داده شود برای تعلیم ابتدائی پنج سال مقرر شده است. و تعلیم ثانوی به دو دوره تقسیم یافته دوره متوسط و دوره عالی. بعد از تحصیل ابتدائی به تعلیم فن و کارهای دستی خیر اهتمام داده شده و در دوره عالی تحصیلات فوق حتمی تعیین شده است. بایضور اکثر مردم از تحصیل در دار الفنون مستغنی میشوند و تکلیف دار الفنون از حیثیت کثرت طلبه کمتر میشود و در دار الفنون فقط همان اشخاص داخل خواهند شد که اراده تحصیل را صرف از نقطه علمی داشته باشند (۱۱) افغا

ریاست مجلس ابتدائیه شورای دولت

ناظرین محترم قبلاً از تقرر آقای محترم محمد عبدالرحیم خان رئیس مجلس ابتدائیه شورای دولت بحکومت سمت شمالی از صفحات حقیقت کسب اطلاع نموده اند اما از اینکه عوض محمدی در ریاست مجلس ابتدائیه شورای معاون سوم رئیس صاحب عمومی شورای دولت کدام ذات جلیل القدری تقرر شده اند اطلاع نخواهند بود. اینک مرقوم میداریم که بریاست موصوف آقای حافظ عبدالغفار خان که در عصر اعلیحضرت شهید ... شاهانه شان بود و در عصر امانیه تا یک زمانی در مهام قضاوت ... کفایت خوش گرفته متعاقباً از اعضای مهم شورای دولت بشمار برفت مقرر شده اند. ما این تقرر را مسرت کنان بعد از جناب ایشان توفیقات خدمت برای وی خواستاریم.

ترکیه لندن — مسئلهٔ اخراج بطریق از قسطنطنیه که باعث کشیدگی میان دولت ترکیه و یونان شده بود تخفیف گذارده و چنانچه از یک اطلاع یونان ظاهر میشود که احوال رو باصلاح است!

عراق اجتماع عساکر نجد در سرحدات عراق، حکومت عراقی را دچار اضطراب ساخته است! امیر فیصل یک هیئت مشغول تنظیم سرحدات ... است.

حجاز یک هیئت مرکب از دو (۳) نفر عضو از ... معروف ... هندوستان ... سابقه و حاضره حجاز و اصلاح حالت کنونی که از اثر ... ابن سعود و امیر علی ... اسلامیه ... رفته بود، هیئت هندی چون وارد جده شد، امیر علی آنها را اول نگذاشت به حجاز روند بعد یک نوع اجازه هم داد. لیکن هیئت معلوم نمود که اصلاح حال حاضره ...

به مذاکره و مکملیت امکان ندارد، زور و قوت را تصفیه خواهد نمود. بعد هیئت مصر رفت و با ... از ... ملاقات نمود، و راجع بعقد کنفرانس اسلامی ... خلافت باهم تبادل افکار نمودند، موافقت ... حاصل شده میگویند حملات ابن سعود ... روزنامه فتی العرب مینویسد قرار اطلاعیکه ... وزیر حربیه امیر علی تلگراف نموده امیر علی ... لشکر ابن سعود و امیر علی جنگی واقع و دو ... از طرف ابن سعود کشته شده. عدد مجروحین ... است. ... ابن سعود ... چند نفر کشته شده ... ابن سعود ... شکست ... امیر علی خبر میدهد که خبر ... تصدیق مینماید ...

روسیه ... انگلستان ... برطانیه ... اخبار ... یک ... ترکانه ... برطانیه ... لکن انگلستان ... خود ... مردم ... اعلام ... حیات ... حکومت ... آزادیست!

... وزیر حربیه ... بر ... رشته اتحاد و استحکام ... اجتمعی ... حکومت ... خطرات ... احمد ... که از این خطرات ...

تفصیل مقامات	۶ماهه	یکساله
در مستقر کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
امراء و سفراء	۱۱	۲۰

بیست و یک مقرری.... ارسال وجه پیشکی
برای مقرری - ارساله و مقالات
حقیقت - برای نامه نگاران
باموشی تبادله با جرائد
.... شرقی و ... غربی
.... یکشاهی

حقیقت
۱۳۰۳

اتمی عدد و روابط
این اخبار بغیر از ایام تعطیل کابل
بیک روز بعد نشر شده و بیگر رفقا و ....
منتظر ارسال مکتوب و امور تحریریه ....
حقیقت ارسال مقالات و اصل
در اداره مانده و جریده را ملاحظه و
اصلاح و عدم انتشارش آزاد است
خبر را که بتوسط مکتوب ...
و مضمون زندگی ... جا قبلا
دریافت نشود.
نگارنده
(برهان الدین کشککی)

جلد اول | کابل دوشنبه ۱۹ حوت ۱۳۰۳ مطابق ۱۳ شعبان ۱۳۴۳ ق | شماره ۸۹

مراسم جشن جلوس میامن مانوس مستقل سال هفتمین اعلیحضرت غازی

یادگار تاریخیه - ترتیب سلامخانه - احساسات ملت - ورود اعلیحضرت
رسم تعظیم ... - عریضه ملت افغانی - بیانیه سفراء خارجیه - جوابیه ... زبان ترکیه
... ترقیات افغانستان - تعلیق نشان - مجلس دعا - تزئینات دلکشا - تفریح و ساعت تیری
... سرکشی وشانی - صرف چای و شیرینی - آتش بازی و ... - سینما، نمایش، نطق - خاتمه

امروز ... روز ... دنیا را یک جلوه ... رنگ تازه آبرو ... صفحات حقیقت
افغانستان برداشت ... روز مقدسی است که ملت
... اعلیحضرت امیر امان الله خان ... جلوه فرود ... سلطنت گردیدند
... روز ... انقطاع ... انعدام ...
... فیروز ... سعادت ... آفتاب ... مسرت ... انانیه
... دنیا ... بعد افغانستان سرزده
... شرق ... و ... نموده است

روز یکه یک روح تازه در قالب ملت نجیبه
در ... آثار تاریخی و صفات حقیقی و شهامت
ذاتی و حریت فطری ما که سرزمین افغانی را
علاوه بر همسایگان بین دیار خویش بر نام دل
معظم بنابر ... جهان و جهانیان
آشکارا و مملکت مقدس ... تمام
قطعات دنیا آشکار گردید همین روز جلوس
میمنت مانوس اعلیحضرت امان الله خان ... است

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 470 of 524

روز تحویل را یک عید خوابیدن معتقد و تقریباً یک هفته جشن بود
دعوت داده ... اکثر آن ... غم واندوه ... باحوال خود ...
رسانید. همین روز مزبور بود دیلی اکثر ... ...
استقلال افغان و حریت افغانستان بجهان و جهانیان شروع
بشعشعه پاشی نموده است. همین روز مسرت اندوز هم ...
... بوده است. که تمام افغانیان بیادگار آن روز
مقدس ... جشن ... افغانستان ... مجلل ...
و باحشمت در مرکز ممالک الخلافه ... بر پا میشود

ترتیبات سلام خاص

در سال روان ... مقرر
در روز ... آن روز مقدس

تمام اعزه و اعیان مملکت افغانستان بموجب کتبیات ... مطلا
جری که از ... محمد یعقوب خان شاغاسی حضور اعلیحضرت ... معظم
بر تمام منصبان و ارباب ... تقسیم نموده بود بمواقع ... مجلل
ساعت (۹) جمعه (۹) حوت ۱۳۰۳ جلیس عیاش ... زیبی
در سلام خانه حضور اجتماع نموده مانند نرگس چشم انتظار شان
بورود شوکت ... دراست تخت عالیحضرت
شاهانه بر ... سرای ... اجنبیه ... قیام مخصوص بود از طرف
چند دقیقه پیشتر از ورود ... از اطاق انتظار بیرون شده
در ... منتظر ... و از طرف چپ ... محترم دولت علیه
اثبات وجود داشتند. در مقابل تخت ... جاها منصبان
... ورد عقب وزراء و بزرگان ملکی صف ... لزوم بود.

احساسات ملت

قبل از تشریف آوری اعلیحضرت
غازی حضرت ... شوری

دولت آن ... که ... ملت ... ریاست ...
دولت اثبات وجود ... شوری ... جشن ...
... ترتیب نموده بودند ... محترم ... خواننده
کرد ... بتقریب ... فرصت مسرت تاریخی از طرف
... ملت ... اعلیحضرت ترتیب و ...
... ... مقتضی ...
... اصلاح شود ... بجون ... شده در ...
... ... اندازه ... ... فوق العاده اظهار
...

... بر گزیده و ذوات شاهانه که اعلیحضرت ...
و مملکت افغانی درین عرصهٔ شش سال ...
... شاهانه خویش ... یک ... خوار ابراز نموده
... از حد مخصوص الکارم. ... ازدیاد ...
... صفات و مزایا و خدمات شاهانه ... ...
... افغانیه را نیز محض جهت مزید ...
این اولی الامر محبوب القلوب خویش ...
... جانب ... دولت ... زیادت ...
... وقت ... ... طوالت ...
... طبیعت ذات ... ... عموم ...
... آمیز ... تسلیت داد!

دستر تعظیم با علیحضرت ورود در دوم بجمیع احضر

باعلیحضرت ...
در ورود ...

... اجنبیه ... انتظار ... سلام خانه ...
شاغاسی حضور و آقا ... مدیر ...
شان در محل خود ... نموده بودند ...
بساعت (۹) ... تشریف فرمای سلام خانه گردیده ...
عالیحضرت ... خان ... گذار شوکت و اجلال ...
... سلام کی ... نظام ... تعظیم ...
موزیک ... نواختن ... خود ...
... خود ... رسانید ...
... موزیک حضرت عالی آقای ... احمد ...
صاحب ... دولت ... پر جوش ...
... بحضور پادشاهی قرائت نموده ...
... و دعائیه ... اظهار ...
خود شانرا ... لطافت ...

عواطف ملت

(... جشن ... استقلال ...
... ملت ... المجاهد ...
... ملکه و سلطانه)
اعلیحضرتا: — قبل ... سال ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 471 of 524

[illegible] اینکه جلوس اعلیحضرت شما در آفاق با
بال اعلان میکرد دران زمان در سما تاریک افغانستان
طلوع خورشید استقلال را نیز اخبار نموده و در ان روز
[illegible] پادشاه جوان و غیور را که بتوفیقات
ایزدی [illegible] تعظیم و تجلیل که افغانستان از اعماق قلوب
[illegible] اند اینک امروز که روز فیروز [illegible]
[illegible] چون موجودیت یک ملت با استقلال [illegible]
[illegible] این روز مبارک، در تاریخ ملی احراز یک
موقع [illegible] بالاترین و ناشی از موفقیت است
[illegible] این یوم [illegible] سنه [illegible] جلوس استقلال
همایونی مصادف میباشد بارگاه حضرت الهی حمد و ثنا
[illegible] ملت افغانیه عرض امتنان و تبریک [illegible]
[illegible] تقدیم میکنیم! ذات اعلیحضرت همایونی
[illegible] استحصال استقلال [illegible] محبت را از طرف
ملت خود که از عصرها با معاملات خود [illegible] و آن
[illegible] زندگانی خود هم بالکل [illegible] توجه کرده حقوق
[illegible] ملت را اعاده و برای اینکه در آینده این
حقوق بالکل تجاوز نشود حقوق و وظائف متقابله دولت
و ملت را تعیین، قواعد و نظامات که درین خصوص لازم
بودند [illegible]، و برای اجرای حکومت تشکیلات عصریه
[illegible] دولتی را وضع و تقرر نموده علاوه بر [illegible]
[illegible] (وشاورهم فی الامر) ما را از تنها اصول
(شورا) [illegible] تعلیم و تلقین فرمودند، و راه های
[illegible] بیک اشاره ابروی [illegible]، و ملت را
الی الابد بجهان خود مدرک، و تاریخ [illegible]
[illegible] فرمودند که در دنیا نظیر هم ندارد!
تدبیر [illegible] شما [illegible] که در اطفای نیران جنگ
[illegible] و احیای علم و [illegible]، واقعا اراده عالی
[illegible] روز [illegible] در نظر تمام دنیا اثبات فرموده اند
[illegible] شخص همایونی را با اراده آهنین شان
برای سعادت ملت [illegible]!
جای تردید [illegible] که [illegible] ازین [illegible] خدا

پس ازانکه ترقی مملکت و رفاهیت و سعادت ملت
معطوف بود اعلیحضرت یک اثر عظیم است که تاریخ ملت
کهن سال و سلطنت قدیم با اجلال افغانیه شرف [illegible]
داده است، ما ملت بوجود این فرد اول [illegible]
خود افتخار میکنیم، افتخار میکنیم، افتخار میکنیم، ما امیدواری
داریم که تخم ترقی و سعادتی را که اعلیحضرت در مملکت خود
افشانده اند و بخون جگر آبیاری و بعشق وطن گرمی
داده اند ضرور نتیجه میدهد با این قانون لا تتغیر فطرت
البته مدت طبیعیه که میخواهد انتظار باید کشید ما بهمان
وثوق از دربار الهی امید داریم سالهای محبت
ختم شده و اعلیحضرت بین [illegible] ثمره آرزو [illegible]
که سرسبزی ملت است نائل خواهند شد، ولی درین
زمان اگر [illegible] رنج [illegible] باز ملت برای پاس حقوق
اعلیحضرت که از همه چیز حتی از راحت و آرام خود صرف نظر
کرده اند و شعله محبت وطن که [illegible]
تا [illegible] جهان خود در دل افروخته اند و [illegible] اعلای
کلمه اند که مقصد حیات و [illegible]
قطره آخرین خود را با شادی روح [illegible]
ذات نامی شما نثار خواهند کرد و شجره ثابت الاصلی
که اعلیحضرت نشانده اند بخون هم باشد آب خواهند داد!
اعلیحضرتا — موفقیت شما در ساحه [illegible]
ترقیات آینده مملکت که در خیال مبارک دارید
ورد زبان و روح [illegible] فرد فرد ملت است [illegible]
شما [illegible] توفیقات رحمانی با کمال تضرع و نیاز [illegible]
از احد تبارک و تعالی مسئلت مینمائیم. دوباره تبریک
سال [illegible] جلوس استقلال مانوس همایونی را [illegible]
دل ادا میکنیم که زنده باد پادشاه ما و [illegible]
پاینده باد قوت و شوکت و مظفریت [illegible] افغانستان!

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نطق کورتسیو ماتا

اعلیحضرتا، [illegible]

مسعود تمنا دارم [illegible]

واحساسات خالصانهٔ خود را اگر بزبان [illegible] بحضور مبارک اعلیحضرت همایونی [illegible] عرض برسانم، برای من یک کامیابی خیلی بزرگ حاصل گردیده ولی افسوس که زبان من هنوز آن شان نشده که بتوانم بیانات خود را بشنواد ادا نمایم! اکنون که ناچارم [illegible] خود مکتوب شاهانه بزبان فارسی تقدیم مقصود میکنم، تا تاثیراتیکه ازین محرومیت پیدا شده است تعدیل شود.

اعلیحضرتا! چون جناب شیخ السفراء مامور دربار آن اعلیحضرت، مادونا درین موقع از کابل غیبت کرده اند ازینکه دوستدار فرصت عرض تبریکات سال میمنت جلوس خجسته را بنام خود اصالتاً و بنام [illegible] وکالتاً بذات شوکت مآب همایونی یافته ام خوش میشوم و این تبریکات را در حضور مبارک شاهانه [illegible] افغانستان نیز تقدیم میدارم. چونکه ما نمایندگان سیاسی مشاهده میکنیم که همت و مساعی مجدانه اعلیحضرت در پیشرفت ترقی و تعالی مملکت افغانستان برای همین ملت است. و تمام مساعی جمیلهٔ شان در هر شعبهٔ ادارات افغانستان برای یک اثر نیکو [illegible] وسعادت همین ملت صرف و وقف شده است [illegible] او علاوه که افغانستان در یک گذشتهٔ کلیتاً [illegible] غیر از همسایه های خود فقط با یک موجودیت جغرافیائی معلوم بود چیزیکه اورا بعالم با اوصاف ممتازهٔ امروزه معرفی نموده و در نزد ملل معظم یک مقام مخصوصی داده همان سیاست و علو عزم و ارادهٔ ذات همایونی میباشد با وجود آن که طی مراحل ترقی و مدنیت با وضعیت جغرافیائیهٔ آن مشکل بنظر می آمد لکن در تسهیل موانع موجوده از طرف ذات همایونی باندازهٔ قابل [illegible] [illegible] در طبیعت نفوذ و تأثیر نموده است.

باینکه [illegible] ذات فوق العادهٔ اعلیحضرت این مملکت را [illegible] ترقی خواهند ساخت.

در خلال سال گذشته [illegible]
که ظهور آمد تحقیقات [illegible] عزم [illegible]
آن دیگر قدم [illegible]
اعلیحضرت در آینده بسیار زود یک بوصول رفاه [illegible]
که لایق مملکت و ملت [illegible] شان باطمینان [illegible]
قوی تر ساخت!

اعلیحضرتا! امید دارم سال [illegible]
که ازین روز مسعود [illegible] مزید [illegible]
ترقیات جدیده [illegible] و برای اعلیحضرت [illegible]
وکامیابی و بهجت ملت نجیب و صادق افغان [illegible]
وسلامتی بیشمار را تمنا میکنم!

[illegible]

جوابیهٔ کورتسیو ماتا

سفیر حضرتلری! [illegible]
کوردوم [illegible] ذات عالیکز [illegible]
حقنده [illegible]
واعلامیه [illegible]
[illegible]
جناب [illegible] افغانستان [illegible]
باشاسو [illegible] متوجه [illegible]
مناسبات [illegible]
ذات عالیکز [illegible]
[illegible]
ذات عالیکز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
افادهٔ مرام ایدرم.

ترجمه مضمون نطق فوق

حضرت سفیر صاحب من امروز خود را خوشبختیار میدانم زیرا ذات عالی و همه طالبان تاج افغانستان را شناخته دوره اعلان دوره محترم سنه استقلال را بمن و ملتم تبریک میگوئید تشکر میکنم از حضرت بادشاه غازی تمنی میکنم که افغانستان ابدیا مستقلانه زندگانی کند هم او دول محبوبه تان ابدی و شیرین یک [illegible] گذرانند ذات عالی تان برای اینکه عاجزانه خدمتی انجام قدیر کرده اید گویا آتش عشق ملتم را دوچند میکنید ذات عالی تان از سببیکه افغانی حرف زده نمیتوانید اظهار تأسف میکنید. از سبب میلان قلبیه که به ملت و وطن ما هست، با وجود اظهار مسرت جواب تقدیر [illegible] بزبان ترکی که محبوب ما هست افاده مرام کردیم.

[illegible]

نطق اعلیحضرت غازی بجواب ملت افغانی

ملت عزیز من!

ازین تبریکات و الطافیکه بمن عاجز فرمودید خیلی ممنونیت خود هم را عرض میکنم، خدا هم بهتر میداند که من هیچ حیات و بهبود و زندگانی خود را بکار ندارم فقط حیات باشرف و آزادی و استقلال و رفاه عمومی شما ملت را آرزومندم و بس!

استقلال و ترقیات را که خداوند تعالی از لطف و مرحمت خود بشمشیر عسکر دلیر و همت شما و هم شما عموما با فغانستان عطا کرده است و شما [illegible] بمن عاجز نسبت میدهید ازین قدر دانی [illegible] ملت عزیز هم تشکر و ممنون هستم حقا [illegible] که با همه وقت ما را بلطف خداوند امیدوار میدارد و همه کار ما را پروردگار ما انجام میدهد و دیگران بعالم اسباب یکواسطه هستند، استقلالیکه ما و شما به آن نایل شده ایم تماما از مرحمت لطف خدا میدانم که هست

وگرنه من همان خاکم که هستم

باز الحمد لله که ما مستقل هستیم. و این دوره شش ساله خود را باستقلال و حیات باشرف گذرانیدیم. و از خدای خود میخواهم که ملت افغان تا سالهای سال مستقل و باشرف معزز و سرافراز باشد!

چیزیکه استقلال و شرف دائمی شما نگهبانی میکند عرض میکنم که چند چیز است!

اول خدمت باشرف عسکری که هر فرد مسلمان یک امر ضروری است باید که زیاده بر زیاده عسکر خود را قدر بکنید و ضابطان خود را بیک نظر عزت و احترام ببینید و خدمت عسکری را یک خدمت بزرگ اسلامی بشمارید!

دیگر ترقیات علمی و عرفانی است. زیرا ملتیکه عالم نباشد ابدا حقوق خود را محافظه کرده نمیتواند. و ضرور دیگران دست تعرض خود را بر حقوق مشروعه او دراز میکنند

ترا علم در دین و دنیا تمام * که کار تو از علم گیرد نظام

اگر شما عالم و دانا باشید گاهی بر حقوق شما احدی تجاوز کرده نمیتواند. تنها توصیه من عاجز برای شما در همه وقت مزید شوق و محبت شما ملت است بخدمات عسکری و معارف!

حقیقتا تا شما در معارف کوشش نکنید و تمام اهالی نادان خود را بیک درجه عرفان نرسانید آزادی و استقلال خود را محافظه کرده نمیتوانید!

همچنین زراعت، و تجارت نیز محافظ استقلال میباشد، باید تجارت شما خوب باشد و زراعت گران تان بسیار جدی کار نمایند:

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 474 of 524

تا از عرق جبین آنها برای ملت و مملکت وارد آتی بعمل آمده از این عاملات عسکر و معارف شما ترقی کند!

اگر شما خیال کنید که با استقلال مالک شده ایم پس باید آسایش ورزیم و آرام کنیم غلط است، اگرچه شما را کابل نمی بینیم و سستی و تنبلی را قید الحمد در شما ملت عزیز هم مشاهده نموده ام باز هم تاکید میکنیم که باید شما بسیار جد و جهد و کوشش نموده عسکر و معارف و زراعت و تجارت و دیگر امور مدنی خود را ترقی بدهید که در واقع همین چیز با استقلال شما را محافظه میکند. باقی از خدای خود آرزو دارم که ملت افغان را بهترین ملت های روی جهان گرداند و خداوند ما قادر است که ما را بدین مقاصد ما کامیاب کند زیرا که ما بجز دربار کبریائی او بدیگر جای امید نداریم ؎

تو کریم مطلق و من گدا چه کنی جز اینکه نخوانیم
در دیگری بنما بمن، بکجا روم که برانیم

تبریکی که شما و وکلای شورای دولت باین خادم ملت فرمودید از آن تشکر میکنم، قدردانی و حوصله افزائی آنها آتش عشق و علم و آرزوی ترقیات شما را بدل من دو چند میسازد و شب و روز بجز از رفاه و آسوده حالی تان بدیگر چیزی کوشش ندارم، از الطاف خداوند خود ترقیات بسیاری آرزو دارم و خداوند هیچ وقت دوستان خود را از دربار خود نا امید نمیسازد.

درین شش سال صاحب منصبان و افراد رسالهٔ شاهی علاوه بر وظائف عسکری خود با خدمهٔ شایسته بر آنکه من ایجاد داده اند و در هیچ وقت و فرصت از من جدا نشده اند با یک قلبی مملو از وفا ابراز صداقت کرده اند من از رسالهٔ شاهی اظهار رضامندی میکنم و به تقدیر خدمات آنها که نسبت بشخص خود من است برای آنها نشان وفا منظور کرده ام و اینک برای آنها در همین شب که یکشب مبارک و خوش است نشانهای شانرا بدست خود تقدیم میکنم و نشان در آتیه داده میشود (کف زدن های ...)

تعلیق نشانها

بعد از اختتام این کلمات فرحت فرجام همایونی حضرت ...

آقای عبدالعزیز خان وکیل وزارت حربیه آن نشانها را که در طبوس روی میز برای این اشخاص قبولی ... وتیار بوده یکان یکان روی دست گرفته به ذات همایونی آنرا بدست حق پرست خود ... سینه های صداقت دفینهٔ هر یکی از آن سپاهیان رسالهٔ شاهی که بوضعیت عسکری از سنقا نشان ... حضور ملوکانه حاضر شده بود نصب کنان ... شانرا در بغل چسپانیده بوسه داده از طرف عساکر نیز بمقابل محبت نواز شات سرداران عسکر نواز شان ادا آت تشکرات و اوضاع ادب احترام کارانه بعمل می آمد بعد ازین حرکات و نصب نشانها لطف معمول (ف) مولوی کاموی تبانه حضرت رفیق صاحب شوری دولت دعائیه را قرار آتی بحضور ملوکانه بیان نمود.

حمد و ثنا

هزاران حمد و ثنا و ... سزد که خالق مخلوق ... و هزاران صلوة و سلام مر احمدی را رسد که ... جا شد. از جمله نعمتهای عظمی حضرت لایزال پادشاه جوان بخت جوان سال اعلیحضرت غازی اقبال ترقی خیال بسند کمال فی الحال ... که تمام عمر قیمتی را لیل و نهار خود در اصلاحات ملت عزیز مقدس افغانستان (صانها الله عن الحدثان) صرف کرده و میکنند و خواهند (انشاالله تعالی) بنده از طرف خود اعلان باقی حضرات علما اشخصه مجلس عالی لویه جرگه و کافه ...

... افغانستان تباکا مبارکباد جشن نوروز ... دوره سال ... تبریک

... مکتوم که الله تبارک تعالی وجود پادشاه محبوب القلوب دائم الوجود و پاینده باشد و در مقاصد عالیه که برای خیر و بهبود ملت خود آرزو دارد کامیاب و برخوردار گرداند آمین ثم آمین یا رب العلمین۔

زینت دلکشا

بعد از آن شهنشاه ذی اقتدار بشرو شده و عموم به متابعت شاهانه شان از سلام خانه خارج شده بطرف دلکشا که وقت افزا روان گردید. لمعات الکتریکی نور [illegible] اطراف و جوانب این شب فرح فزا از سر [illegible] بهجت آمود سر از یک گریبان بر کشیده بر رونق انبساط مدعوین می افزودند دلکشا لطف برای امکان از تزئین و آرایش از صور انعقاد این محفل [illegible] مشاکل در نفس خویش بتوسیع نشاط آزادانه برخود [illegible]

تفریح و مهمان نوازی

بر کرسیها جا گرفتند از اقسام سرود و [illegible] ساعت تیری و انواع سازها و دلکشی [illegible] خوشحالی نموده از بر اطلاق و محل این قصر فرحت [illegible] عیش و عشرت بر [illegible] فرحت اسما فرحی مدعوین خسروی می افزود جابجا لطفات و مزاحات نوازش و دلجویی های اعلیحضرت جهانبانی بود که درین لیله مسعوده تمام تکلفات از بر طرف و مراسم تکریم و تعظیم شاهانه از بر طرف نموده وقتاً فوقتاً و لحظه بعد لحظه [illegible] بصحبت و بمعیت نفس نفیس خویش آمده در سرو[ر] [illegible]

جای شیرینی اتن ملی سینما کاخ بالا

در حاله فوق [illegible]

که بکمال تزئین آراسته و یک جهان آرایش [illegible] شده بود میوه ها و شیرینی انتظار [illegible] مهمانان خسروی را داشت بعد از صرف میوه و چای و شیرینی [illegible] گوشه [illegible] سرگرم نشاط اندوزی می بودند.

درین اثنا که دسته از رساله شاهی برای اتن ملی کسب جمعیت نموده چندان در حظ و خوشی ناظرین حضرت قرین افزودند که حد آنکه [illegible] تجدید و تقدیر و آوازهای پیچ پیچ قصر دلکشا [illegible] بود سوزنگی باوازهای دلربای خویش [illegible] های سربازی و مقدسیت خشونت بر [illegible] و قوه سامعه را از نواهای زیر و بم خود مدرک حساس می نمود عقب آن بعد از ساعت تفریح و ساعت تیری سینمای لطف پیرا پرده ها از تراکت ادای خویش جلوه گر و تا ساعت ۲ دوام ورزید هرچند که صحنه تمثیل و دیگر تماشات باهمه شوق و ذوق در مجلس انبساط جلوس شرکت ورزیده بود اما از تنگی وقت تکلیفی بانها عمل نیامد بالجمله در موقع اختتام این جشن فرحت مشاکل در [illegible] قصر موصوف تمام وزرا و اراکین و شرفای حضور اشرف ملوکانه جهت وداع و ایفای مراسم اختتام مجلس جمع گشته درین بین در موقعیکه ذات جهانبانی بمقابل تشریف داشتند باز حضرت عالی آقای شیر احمد خان وکالتاً از طرف حضار بر مقدسیت این شب و حظ [illegible] ازین بزم شادمانی و طرب حضور ملوکانه کلماتی را عرض رسانیده بالآخر ختم مجلس بتشکرات مزیدات شاهانه از طرف حضار [illegible] یاران هم بزم از جا بر [illegible] متفرق.

حقیقت [illegible] این جشن [illegible] العزت عرض و [illegible] است. درینجا از مناسبت اندراج [illegible] این یوم مقدس تاریخی مکرراً از دربار خالق کردگار برای اذهان و افغانستان تحت ظل عاطفت شهریار [illegible] صفات غازی [illegible] جشن [illegible] فرحت و [illegible]

فیصله کلی غائله سمت جنوبی

از اطلاعات اخیره که از مفرزات عسکریه و ما بقیه نقاط مهمه سمت جنوبی و از اخبارات موثقی که از منابع معتبره قشونی و راپور هائیکه از وزارت جلیله حربیه باداره حقیقت موصول آمده چنانچه مستنبط و مفهوم میگردد که بفضله تعالی تمام معاملات سمت جنوبی اختتام پذیرفته و عساکر نصرت مآثر بامطالب خویش کامیاب و تمام اسباب و وسائل بغاوت مرفوع و کافه سر غنه ها و میکروبهای بغاوت آن موضع محبوس و مدفوع گردیده است بلی این کمه ما در یکی از شماره ها اسبق خویش تحت عنوان اعتراف از خدمات رئیس تنظیمیه مشرقی تهدید و گوشمالی قوم موسی خیل منگل را خاتمه بغاوت آن اطراف گفته بودیم در واقع بهچنان بجیان رسید که در اثر این گوشمالی بجا و این گوشمالی زیاد در سرتاسر سمت جنوبی فرشته امن و امان حکمفرما بوده و اثر و خبری از باغیان شقاوت بنیان در هیچ محلی از و شان مسموع و مشهود و محسوس نیست (الحمد لله علی ذالک والشکر له)

تشریف آوری جناب حضرت رئیس صاحب تنظیمیه مشرقی و وزیر صاحب حربیه و وزیر صاحب داخله

(دار السلطنه کابل)

نظر باطلاعات و خوش فوق چنانچه توقع

میرود که عنقریب حضرت عالی وزیر صاحب [illegible] و جناب علی احمد خان رئیس صاحب [illegible] مشرقی و باقی منصبداران معظم عسکر [illegible] و قوای مزید قشونی ما نیز از سمت جنوبی فاتحانه و کامیابانه وارد مرکز خواهند فقط هان یک قوه لازمه عسکریه که وزارت حربیه تصویب میکند بصورت دائمی الآن کما کان در سمت [illegible] خواهد ماند و بس،

آقای غلام نبی خان نائب سالار [illegible]

نظر بر شهادت و حقایقی که از [illegible] محترم آقای غلام نبی خان در [illegible] استقلال در اطراف سمت [illegible] مشهود شده و هم در فرصت [illegible] مختاری خویش به روسیه [illegible] مهمه سیاسیه را از قوه بفعل [illegible] حتی در انقطاعی التهابی غائله [illegible] در فرصتیکه تا او گرد شاه هزاره و نور ابد [illegible] و اغنجان شعله ور شده بود [illegible] معظم شاه ولی خان بذل مساعی [illegible] ور زیده و از هر حیث صاحب [illegible] و لیاقت و کیاست و سیاست [illegible] بحکومت اعلی و ریاست عمومی قوای [illegible] سمت جنوبی مفخم و مقابلی شدند [illegible] انتهائیت جناب غلام نبی خان [illegible] [illegible] مزید خانه المرامی موفقیت [illegible]

نرخ اشتراک	قیمت	
محصول و ملاقات	ششماهه	سالانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
ولایات افغانستان		
ممالک خارجه	۸	۱۵
...	۱۱	۳۰

فواید اعلام و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل ... نشر میشود و در دیگر مقامات در ... ارسال ... و امور تحریریه بکاره حقیقت ... و مقالات واصله در اداره ماند ... و درج ... و علاوه اشتراک ... اشتراک بتوسط ... و بصورت نقدی از جمله ... قبلاً دریافت میشود.

مدیر و ... محمد ... کشککی

حقیقت

۱۳۰۲

جلد اول کابل چهارشنبه ۲۱ حوت ۱۳۰۲ ش ۱۲ شعبان ۱۳۴۲ ق شماره (۹۰)

تعلیق نشان و مخابره سینه‌ها صداقت دفینه رساله شاهی

چندی قبل برین قرار اطلاع وزارت حربیه سرداران رساله شاهی وارد قصر دلکشا گردیده ملاحظه و فرحت آسود حضرت ظل اللهی را دریافتند. بعد از اینکه شهریار مظفر غازی رونق افزای دلکشا شدند مراسم تعظیم را بطور شاهی بطوریکه مقرر است بجا آوردند بعد از طرف حضرت اعلی مدوات جهانبانی ... تفصیل ... نسبت بخدمات و ... سرداران رساله شاهی که علاوه بر خدمت محوله عسکری ... تخصیص ... ابراز نموده ... از و شان ... درجه ... اظهار ...

... از طرف شاه

... آرزومندیم ... کوشش ... بعمل

... در ... شاه ... برای ...

اشخاصی هست که ... این ... و مملکت افغانستان خدمت شایسته را انجام و مقدره داده میشود تقدیم نمایم لکن چون تعلیق ... را نمیرسد تمام آن ... بسیار وقت را صرف میکرد لهذا ... برای چند نفر از ... انتخاب شده بود در آن ... عموم آنان فی الحال ... بایکمال مسرت ممنونیت ... از شما برای آنان اعطا میکنم و علیحده بوزارت حربیه احکام اصدار نموده ام تا برای هر کدام شما مکافات نقدی ... که باعتبار مراتب ...

ما حصل شما عرض و کیل ...

کلمات جواب ... شاه ...

وکیل حربیه یک عریضهٔ طولانی را از طرف عموم
رسالات شاهی بحضور خسروی معروض داشته
وطی آن مضامین آتی را نیز بکمال خلوص بیاد
اعلیحضرت عسکرنواز از رسالهٔ شاهی بجا گ[illegible]
پای جواب اینکه بعرض میرسانند با اینکه خداوند با
پادشاه چه خدمتی را که در خور مقدور حسین وقت
وابی ذات جهانبانی باشد تا هنوز از قوه بفعل
یاورده ایم و غیر از عشیر و قلیلی از کثیر آن خلوصیت
صمیمیت وجان نثاری را که در دلهای
عقیدت منزل خویش نسبت بخدمات
آستان رفیع الشان ملوکانه تان داریم، جانب
علیحضرت شاهانه ابراز داشته ایم، با وجود امتثال این الطاف
دلنوازنس و خادم نوازی و دریادلی اعلیحضرت
محبوب القلوب غازی خویش که از وهم و خیال
و گمان ما بسیار افزون و فراوان است و نسبت
بشان ما جزان عقیدت کیش آناً فآناً فوقاً
فوقاً فراهم میدارد بر خود مباهی و فخر میکنیم و زبانی
بذیم [illegible] شکر آن چنانچه شاید و باید بسر دانیم بجز اینکه
آخرین قطرات خون خود را فدای مقاصد عالیه
و مآرب مقدسه ملوکانه تان که برای رفاه و ترقی
و سعادت ما دارید فدا و نثار کنیم.
اعلیحضرتا این نوازش و مراحم شما را از ما مردم
رسالهٔ شاهی بر خود [illegible] بلکه در اوان شهزادگی
وفرصت [illegible] همواره الطاف
بیکران و عواطف بی پایان را از جانب
رسالهٔ شاهی با وجود [illegible] خیر واحده بر خود
می نگریستند حتی ذات محبوب القلوب شاهی
دران فرصت اکثر به آن ایوان و [illegible]
ما که بواسطهٔ معذوریت و یا محجوب بودن
از سلک نظام [illegible] دوش خدمت
از تنخواه شخصی خویش معاونت [illegible] در

فراهم آوردن اسباب خاطرجمعی او بذل
مساعی میفرمودید باز مکرراً از عمیق قلوب
خویش بعرض میرسانیم که خداوند قطرات
خون ما را نثار رکاب مجد توی یک پادشاه
عسکرنواز شما [illegible] داداد

تعلیق نشان

بعد از ختام منطوقات
فوق اعلیحضرت غازی
نشانهای مزبور را که روی میزها در
پطنوسهای خالی گذارده شده بود
گرفته علی حسب الترتیب بسینه های
عقیدت دفینهٔ عسکر شاهی تعلیق فرموده
از سر و روی شان بوسه های شفقت
میگرفتند و از طرف عسکر نیز بالمقابل
احساسات عقیدتمندانه و اوضاع [illegible]
کارانه و دست بوسی و قدمبوسی
اعلیحضرت غازی بعمل می آمد. تا اینکه
عموم شان به نشان و فائز [illegible] ذات
جهانبانی فرمودند که برای آن فرزندان
که از میان شما بالفعل بخدمات رفته اند
و حاضر نمیباشند نشانهای شان را نگاه
میدارم تا حین الملاقات علی حاله
برای شان تقدیم شود باقی همه شما
نجدا میسپارم.
درینجا وکیل صاحب قوماندهٔ بوی
سلامی پادشاهی را داده عسکر یک
جوش و خروش قابل دید [illegible]
گرفته [illegible] عسکری تیر سلامی گرفت
در وقت [illegible] زنده باد شهریار غازی [illegible]

مکافات شما

از معلومات عسکر [illegible]
آورده برای [illegible]
رسالهٔ شاهی که تا [illegible] میباشند نشان [illegible]

...بعد جریده بین دو یا صفحه مرتبان
...شان در جریده دوم و یا ... مکافات
...آخر خانجان آنها بکار ...
...سوم با مکافات جدیت
...سایر نفری رساله شاهی مکافات
...و ... جلالتمآب ... شاغاسی

... خدمات

معاصر عالیجناب ...
خدمت ... جنرل جهت ...
...کل جریده ... افغانستان ...
استقلال ... تحریر ... و تائید ...
... خویش عبارات آتی را مرقوم ...
... ازین قدیر و نواز ...
... این خادم صادق و فدائی ...
... سکه ... اتحاد ...
... ملت و دولت و مملکت خود
... و مصروفیت واره توقعات مزید
... بوده اولی الامر ... اعظم ...
... افغانی خویش را ...
... بهمی گوئیم و تصدیق ...
... خواستند در رفع ...
... کنند. و لی احساسات ...
... موانع را قبل ...
... فاتحه داد ، پس بوجود ...
... دولت علیه خود ...
... آقای میرزا عبدالعلیخان ...
... صاحب ... و یک شخص
... علاوه بر خدمات ...
... وکالت آقای عبدالعزیز خان ،
... جریده متیاد ... خدمات
... بمکافات ... حضرت ... و ...
... تبریک میگوئیم

احتفال زنانه بحضور شاه خانم صاحبه

شب یکشنبه ۱۱ حوت یک احتفال ... بحضور شاه خانم صاحبه ... سرور ... جشن جلوس ... عموم نسوان ... و اعیان و باقی ... احتفال ... شده بود ...

حضرت ... یک ... مستقل ... تشویق ... نسوان ... و ... خانواده ... با شوهران ... برادران ... حاضره و غیره ... نسوان ... آنجا ... جناب جلالتمآب صدر اعظم صاحب ... آتی را ... حضرت ملکه معظمه !

این روز مبارک و فیروز یک روز بااهمیت تاریخی است که از ... و همت عالی اعلیحضرت غیور غازی پادشاه ... حاصل گردیده که به ... استقلال و آرزوی دولت ... افغانستان را اعلان ... و توفیق ... و ... شاهانه شان باستقلال ... کامیاب شده اند .

باین روز مسعود افتخار ... حضرت ... تقدیم ... عالیه ... افغان ... اسلام ... این یوم مسعود جشن سال ... جلوس با استقلال شاهانه ... تعالی ... سپاس ... حضور ملکه معظمه از طرف ... و دیگر ... ملت افغانیه ... تبریک تقدیم میدارم .

اعلیحضرت غازی ... ملت افغان بعد از تحصیل استقلال درین دوره شش سال سلطنت خود اجراآت که در ترقی مملکت و رفاه ... ملت خود نموده ... مشهود خاطر ... افغان است ... خدا ... این حامی ملت افغانستان در صفحات تاریخ ... امید قوی داریم که ... افغانستان ... توجهات حسنه ... سعادت علم و کمال ... دولت ... انجام دهیم . در خاتمه ... خداوند ... این پادشاه ... ترقی و تعالی افغانستان ... گردانیده ... حضرت ملکه معظمه ... و ... گرداند

... استقلال ... ملت افغان

د ختیځ پښتنه خان و باټي

از شمس ... کاتب دائره سوانح نگاري

هې افسوس چه عمل نشته په بیان
په ظاهر کښ کړي دعوه د تمدن
تمدن که عبارت وي له فیشنه
یا کالر وي چه تړي په خپله غاړه
یا آزار چه ورکوي وارده عالمته
یا تسبیح او یا مسواک وي دي لپاره
که باطن کښ مونږه هر څه وکړو چانه
هې تو به مړ دوي د غه تمدن نه
تمدن په حقیقت کښ خان ایسته دی
هغه کښ تمدن چه خان ته واخلي
شپه او ورځ کوشش خوي پیدا کړه
حقیقت کښ وا مه وروي دي په فیشن
مونږه کمړو غم خوړي د ملت وکړه
مونږه کمړو احتیاج نه خان بهر کړه
هې افسوس په خوږ ول دستني نه شو
همه ورځ چه خدمت کړو ښکه د بلا دی
لړ افسوس د خوي په خپل واړه زحمت
په لکونه عالم مونږ ته انتظار دی
مناسب چه في اساس کار نه پریږدو
مې باید چه فکر وکړه واي یارانو
هم نن ورځي فرصت مونږ وته پیدا دی
دلاور ذره د سوزه دا بیان کا

لاوهم یم په خپل ویلو پښیمـ...
په باطن تري بیګانه دي نمایا...
یا بوډر وي چه وهي په مخ د...
یا وي کفلو یا وي نور سا...
یا رشوت او یا زحمت بي ...
چه عالم کښ شوه شهور موږ په صور...
په ظاهر به یو په ... صفت عا...
هم تو به کړمه لاړ تنګه انسا...
له احتیاج د بل چا او ورځي پا ...
دي په که خیر کښ محتاج د علمیا...
مستحق د دعوي کړو خپل جا...
هم شایکي چه سینګار وکا د خا...
مونږ ته کاله پردي باب کښ شه...
چه نن ورځ د تمدن وهو شوران
مقتدر په رشتیا کړمه دا بیان
که روښنه کړو د خیر د واړه چشا...
لړ ټ شکسته کړي سرونه په کر...
چه به څه بېږدي وموږ ته بابا...
آباد ی کښ د وطن خپل شو کوښا...
لا بڼځوا تردي چه کړنه وپښیمان
چه تو لوا که موترقي کښ دي کوشان
پروا نکا که په قار هي وطنیان

قواعد و ضوابط

این اخبار غیر از ایام تعطیل در کابل [illegible]
نشر میشود، هر گونه مقاله که [illegible] بست انتظار
نگردد، امور تحریریه بنگارنده حقیقت است
مقالات و اعلانات وارده [illegible]
درباره اندراج و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد
اشتراک بوجه غرائض دولتی و العموم
نقد است از جمعه قیمت
دریافت میشود . نگارنده

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

نرخ اشتراک

مدت	قیمت
[illegible]	۵ — ۹
[illegible]	۷ — ۱۱
[illegible]	۸ — ۱۵
[illegible]	۱۱ — ۳۰

کابل شنبه ۲۴ حوت ۱۳۰۲ ش مطابق ۱۷ شعبان ۱۳۴۲ ق | شماره (۹۱)

کیا نچه مجازات آتش بازی شب برات

کلوا واشربوا ولا تسرفوا

جلی است ما مسلم که مسلمانان تا هنوز نتوانسته اند یک طرز عمل صحیح و طریق وصول در سبیل ترقیات مادی و معنوی شان اتخاذ کنند. بلی! اگر نظر دقیق و یک نگاه عمیق بسوی رفتار و کردار عالم جهان اسلام نگریسته شود، علی العموم تمام شان حیران زده مشوش که راه مواصلت بمقصود را از دست خود مفقود شده تماماً مائلند که از تقلید عمرو و بکر و متابعت بکر و طرز رفتار دیگران رخ دوده را براه مدنیت و تمدن خاتمه المرام سازند. لکن بنظر این نگارنده مکرراً برین موضوع [illegible] رسانی نموده ام و باز مکرراً یاد دهانی می نمایم [illegible] ماضیه خود را بخدمت [illegible] عزم [illegible]

که برای عالم اسلام مرجع یک وسیله و ذریعه قویا مادی و معنوی شان بجز از اتخاذ طرز عمل عالی پیشوایان مذهبی و عمل بمآخذ مقررات علمی اصلاحی مفید و کارگر شده نمیتواند.

اسلام ما، مذهب ما، کیش ما، آئین ما ما را و شما را به اتخاذ اسباب مدنیت و وسائل ارتقاء امروزی مانع نشده است بلکه کرة بعد الاولی، و مرة بعد الاخری بجمع عالم اسلام تاکید اکید بتعلم علوم و فنون، و ماهر بودن شانرا در تمام صنایع و حرف، و فائق بودن شانرا در امورات حرب و ضرب، و اقتدار استملاک در اسباب و وسائل تفوق مدافعه دشمنان مرحمت [illegible]

عزت‌شان توصیه کرده است. و از عملیات فضول
و کار روائی لغو یعنی جوال و از ارتکاب ملاهی و مناهی
دیگر خرافات و واهیات جداً ما را امتناع نموده است. جمله
را که ما مجملاً در وقت قلمبند داشتیم از قبیل مسلمات هست که ابداً
هیچ یک مرد اسلامی (از هر فرقه و طبقه که باشد) از قبولیت
و صحت گزینی آن انکار ندارد. از این رو در اثبات و اقامهٔ دلائل
بران احتیاج نداریم. آیا چیست که علمای اعلام یا خانچه
چنانچه شاید و بطوری که چه باید تلقین این اوامر و نواهی را بعامهٔ
پیروان اسلام تا هنوز ننموده اند و نه با تفصیل بے نمایند.
فضلا و مشایخ اسلام تنها با استخلاص وجود خودشان مشغول
بوده مسئولیت این ترقی دینی ممالک اسلامی را از خود
نه انکار مفر باقی صاحبان فکر و کار نیز اساساً تحمل این
رنج و عناے تنویر افکار ملت را بر خود گوارا ننموده از شاخ تا شاخه
و از طبقهٔ عالی تا ادنی بزعم خود تنها خود را از این بار گران سبکدوش
انگاشته در محل مذاکرات و گفت و شنید تنها خود را به کلی
دامن چه آدم بیچاره تسلیت میدهند امثال این اعمال اکثر
است که ملت اسلام را روز بروز نیز دولت و دشمن ذلیل
و ضعیف مستغرق نموده است. و از همین طرز عمل و عدم کوشش
افکار عامه و ترقیات علمی و عرفانی و جاسکه ما را خوار و زبون
نموده است. و اگر دیده از ختم و از عقل و شعور و هشیاری کار
نگیریم در هنگام خود همین رفته رفته این اعمال نکوهیده ما را ابد تنگ
جهل و ادبار انداخته بخاک و خاشاک برابر خواهد ساخت!
بدین تقریب نامناسب نخواهد بود که ما از علمای اعلام و فضلا
کرام و مشایخ و کافهٔ بزرگان ملی و دولتی خویش استفسار کنیم
در شب برات این قدر پول و قیمت را که ملت بیچارهٔ ما از
کد یمین و عرق جبین خود استحصال نموده اند چرا اطفال
شهر کابل بنذر آتش نموده چه فائده میدهند؟
آیا ما از کمال و کمر فروریست خود فارغ شده ایم که با حاصل
روزگار خود را طعمهٔ آتش کنیم؟
آیا ما توانسته ایم که خود را از احتیاج و جانب بکشیم که پول
و هستی خود را کمال دریا دلی لقمهٔ آتش میکنیم؟

آیا مقصد رشد و ایم که طرف مشروع و در یک اصول
مختصر تاسیس و تعمیر کنیم تا در اثر آن با آتش بازی
آیا شما ملت توانسته اند که خاک رنزی خانهٔ
و لا شے کوچهاے شما را منع کنید که اطفال شان
شما را به آتش کجا زر قربان میکنند؟
آیا رجال ما توانسته اند که از رضا و سواد فضول
و هتاب چنانچه سائرین تنقید شده مستفاد
که نقود شان سالیانه فضولانه صرف آتش کاغذ
مهتابی ها نشود؟
آیا متمولین و صاحبان ثروت ما توانسته اند
که فی هزار یک نفر را که دارای همه گونه لوازم
حفظ الصحه باشد تعمیر نموده در آن زندگانی شان را که خالی
از خلل و خش باشد بگذرانند که اطفال آنها همه ساله
چندین کوت پیسهٔ شما را بنام کوتی نذر آتش فنا میکنند
آیا شما با همه شوق و ذوق خویش که دارید در تکمیل
عرصه خود تان چنانچه که شاید و باید موفق و کامیاب آمده
اید که با آتش بیباقی بازے شوخ در رود
آیا ما این جلوهٔ عادتی و اسراف که دشمن ترقی و تعالی وطن
[illegible]
آیا ملی را که بدان تمسیحا مان فکر و دولت
هنو کدام یک وطن خواه از جیب قوت و کیسهٔ همت خود
نذر و تحفه راه عرفان نموده است که الآن همه آنها را
در خرید نوات آتش بجاے وجه دقیقه
باد فنا میرود. بالآخر تمام ما از فروش ظروف
و اثاث البیت خود مستغنی شده اند که اطفال او
بنام آتش بازی فرنگی بهوش بلند میکنند؟
[illegible]
[illegible]
نموده اند که تنها ترویج
نیز میخندد؟ این افسوس
[illegible]
[illegible]

معین صاحبان تجارت و نظارت تجارت خارجه

تحت عنوان روز [illegible] آقا محترم [illegible] محمد [illegible] آمده بود
در این اطلاع یافته ایم که [illegible] عبد [illegible]
غلام نبی خان [illegible] ریاست عمومی [illegible] و امور [illegible]
سمت جنوبی [illegible] بمقام معینی وزارت [illegible]
سرافرازی و امتیاز یافته اند عوض [illegible] ایشان [illegible] وزارت
محترم تجارت [illegible] اعز اجل آقا محمد حیدر خان جنرال [illegible]
سابق افغانیه [illegible]
این تقرر و انتخاب [illegible]
عالی [illegible] تبریکات [illegible]
و حکومت [illegible] و خواستاریم

عزم وزیر مختار افغانستان

که در ابتدای [illegible] ۱۳۰۳ [illegible] وزیر مختاری دولت [illegible]
افغانیه [illegible] انتخاب شده بود [illegible]

[illegible] در جمعیت [illegible] افغانستان تا هنوز مقصد [illegible]
[illegible] صاحب ثروت [illegible]
[illegible] رسانیده ایم —
[illegible] اطفال و ایتام و مساکین خود امداد و
[illegible] لازم [illegible] — [illegible] کرد [illegible]
[illegible] برآئیم
در خاتمه با کمال میل آرزو و از تمام ارکان دولتی
[illegible] امیدواریم و چشم انتظار داریم که سال
[illegible] آتش بازی را موقوف [illegible]
[illegible] آتش بازی [illegible]
[illegible] این لیله مبارکه در تاسیس خیریه
[illegible] للداری مساکین [illegible]
[illegible] تطبیق شوارع و تنویر طرق و دیگر
[illegible] مهمه شرعیه و ملیه
[illegible] در بدل این آتش پرستی
[illegible] صرف مساعی نمایند.

ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا

[illegible] دانش از عطاهای خداست — ملک و ملت [illegible] دولت [illegible]
[illegible] عرفان [illegible] قلبها چون [illegible] — گرد راه معرفت [illegible] هر کس توتیاست
هر که دارد علم و حکمت صاحب عز و علاست
[illegible] از علم و دانش شد مشرف ملک — علم و دانش [illegible]
[illegible] علم و دانش چون [illegible] — بی هنر [illegible]
علم از هر [illegible] بهتر از [illegible] طلاست
[illegible] از علم و دانش آدم و انسان شود — آدمی از علم و دانش صاحب [illegible] شود
[illegible] از علم و دانش معدن عرفان شود — [illegible] علم و دانش [illegible] سلطان شود
علم و دانش آدمی را [illegible] سرست

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 484 of 524

بهره دارد ز دانش هر که او نیک اختر است میکند تحصیل دانش هر که او دانا تر است
ملت بی علم و دانش خوار و زار و ابتر است شاه افغان زان بحکمت دائم معارف پرور است
مملکت از علم و دانش زاده و اصل بقاست

مملکت را دانش و علم و هنر باشد ضرور از هنر طیاره طیران مینماید چون طیور
تلگراف و تیلفون آرد سخن از راه دور کرده تأسیس معارف زان بحکمت شاه غیور
باد حرفی شاه افغان تا که امکان بقاست

مملکت از علم و دانش گر نباشد بهره یاب بوده باشد در همه اسباب محتاج دگر
زین جهت دارد ترحم شاه افغان چون پدر بر معارف با لطف و احسان بیشمر
در معارف لطف و احسان شهنشا بیریاست

این همه از لطف و احسان شه افغان شده از معارف آفتاب صنعت تابان شده
دیگ عبرت هر دو بستان او عجب شان شده بوستان فن و شعور ... امروز هر جولان
دیده و دل را ده روشن تا که ایام توست

از غبار خاک دانش دیده بینا میشود خاک دانش دیده و دل را ...
کودن و نادان عالم مرد دانا میشود هر که را از فیض جام او تمنی میشود
بس بود هر که از فیض معارف منتهیست

هر که را در وزن بخت اقبال شد با بخت یار روز و شب دارد کتاب علم و دانش در کنار
در علوم دین کوشش مینماید بیشمار خدمت اهل معارف میکند لیل و نهار
خدمت اهل معارف علت اقبال و دولت است

علم دینی ازرق همه ست خاصهٔ اسلامیان علم دین را برده اند میراث از پیغمبران
میکند اکنون کوشش ملت افغانیان تا که یابند از معارف حکمت یونانیان
این همه از بخت و اقبال چنین شاه ماست

میکند محمد رفیق از صدق دل صبح و مسا آن شهنشاه معارف پرور خود را دعا
در پناهت از همه آفات میدارش نگاه یا الهی دشمنانش را ز سر کن ...
روسیه شرمنده باد هر که بدخواه شماست

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 485 of 524

فواید و ضبط روابط

این اخبار ... تنظیم ... در ... سلسلهٔ ... حقیقت ... مقالات و ... اصلاح و عدم انتشار ... اشتراک ...

تصدیق از بعد ما قبلا

در ماهی جشور (...)

{ ... برهان الدین کشککی ... }

نرخ اشتراک

قیمت ...	تعیین مقامات
...	...
۵	... السلطنه
۷	...
۸ ۱۵	... خارجیه
۱۱	...

حقیقت

۱۳۰۳

... اول کابل دوشنبه ۲۶ حوت ۱۳۰۲ ش مطابق ۲۰ شعبان ۱۳۴۳ شماره (۹۲)

لوحهٔ تاریخ سنهٔ ۱۳۰۳ هجری شمسی

غرهٔ شهور	مطابق به
رمضان	۷ حمل
شوال	۵ ثور
ذیقعده	۳ جوزا
ذیحجه	۲ سرطان
محرم	۳۲ ...
صفر	۲۹ اسد
ربیع (۱)	۲۸ سنبله
ربیع (۲)	۲۷ میزان
جمادی (۱)	۲۶ عقرب
جمادی (۲)	۲۵ قوس
رجب	۲۵ جدی
شعبان	۲۴ دلو
اپریل	۱۱ حمل
می	۱۰ ثور
جون	۱۰ جوزا
جولائی	۹ سرطان
آگست	۹ اسد
سپتمبر	۸ سنبله
اکتوبر	۷ میزان
نومبر	۸ عقرب
دسمبر	۸ قوس
جنوری	۹ جدی
فبروری	۱۱ دلو
مارچ	۱۰ حوت

ماه	جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه‌شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
حمل ۱۳۰۳	۴	۳	۲	۱	.	.	.
	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹
	.	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶
ثور ۱۳۰۳	۱	.	.	.	.	.	.
	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶
	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳
	.	.	.	.	.	۳۱	۳۰
جوزا ۱۳۰۳	۵	۴	۳	۲	۱	.	.
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
	.	.	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷
سرطان ۱۳۰۳	۲	۱	.	.	.	.	.
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
	.	.	.	.	.	.	۳۱
اسد ۱۳۰۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	.
	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
	.	.	.	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸
سنبله ۱۳۰۳	۲	۱	.	.	.	.	.
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
	.	.	.	.	.	.	۳۱
میزان ۱۳۰۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	.
	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
	.	.	.	.	۳۰	۲۹	۲۸
عقرب ۱۳۰۳	۴	۳	۲	۱	.	.	.
	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹
	.	.	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶
قوس ۱۳۰۳	۲	۱	.	.	.	.	.
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
جدی ۱۳۰۳	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
	.	.	.	.	.	.	۲۹
دلو ۱۳۰۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	.
	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
	.	.	.	.	۳۰	۲۹	۲۸
حوت ۱۳۰۳	۵	۴	۳	۲	۱	.	.
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
	.	.	.	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷

شکریه وزارت مالیه از شورای دولت

بحضور [illegible] محترم

ع ج آغا شیر احمد خان رئیس صاحب محترم شورای دولت علیه خود شان و همه اعضای محترم مجلس مقدس از طرف خود اعلان و از طرف همه مأمورین وزارت مالیه و کافه در موضوع نظامنامه که اینجانب در وطن عزیز مقدس که وزارت مالیه تنظیم و در مجلس مبارک تقدیم شده بود عرض مینمایم که مواد تنظیمه وزارت مالیه که در مجلس مبارک تعدیل و تبدیل و تصحیح شده بمواد موافق قاعده حسابیه مملکت اکثر نکات که وزارت مالیه خود حل نشده در مجلس حل و فصل شده بیک [illegible] اعلی احصائیه برای محاسبین از مجلس مبارک باز کرده حسابات [illegible] بجا [illegible] نکات آسان تر [illegible] تحریر نموده اند [illegible]

اظهار تشکر دولت افغان در مقابل مجلس عالی شورای خود نموده از کرده [illegible] و حضور جناب [illegible] شورای دولت نموده [illegible] اعضای مجلس محترم اظهار تشکر عرض [illegible] در مقابل تعلیقی مینمایم که [illegible] مالیه [illegible] میدانند که وزارت مالیه تابع [illegible] شورای دولت و مجلس محترم را [illegible] خود میدانند اجرائیه و تحت اوامر قانون موضوعه شورای دولت با این حسن اتفاق و اتحاد که قوه قانونیه دولت علیحضرت پادشاه محبوب القلوب با این نهاد دولت که قوه اجرائیه باشم معنا بتواند مسائل مشکله را منظور حل نموده بدایت در [illegible] داریم که در تاریخ افغانستان نام نامی مجلس [illegible] نموده وزارت مالیه [illegible] عرض [illegible]

جدول ساعات نماز ظهر و عشا بمذهب حنفی

برج	ظهر عشره اولی ساعت	ظهر عشره اولی دقیقه	ظهر عشره وسطی ساعت	ظهر عشره وسطی دقیقه	ظهر عشره اخری ساعت	ظهر عشره اخری دقیقه	عشا عشره اولی ساعت	عشا عشره اولی دقیقه	عشا عشره وسطی ساعت	عشا عشره وسطی دقیقه	عشا عشره اخری ساعت
حمل	۳	۲۷	۳	۳۶	۳	۴۱	۱	۳۹	۱	۳۷	۱
ثور	۳	۴۹	۳	۵۵	۴	۱	۱	۲۹	۱	۳۰	۱
جوزا	۴	۸	۴	۱۴	۴	۱۷	۱	۳۲	۱	۳۳	۱
سرطان	۴	۲۰	۴	۱۷	۴	۱۴	۱	۳۴	۱	۳۴	۱
اسد	۴	۸	۴	۱	۳	۵۵	۱	۳۲	۱	۳۱	۱
سنبله	۳	۴۹	۳	۴۷	۳	۳۶	۱	۲۹	۱	۲۸	۱
میزان	۳	۲۷	۳	۱۸	۳	۱۳	۱	۲۶	۱	۲۵	۱
عقرب	۳	۶	۳	۱	۲	۵۶	۱	۲۳	۱	۲۲	۱
قوس	۲	۴۲	۲	۴۱	۲	۳۹	۱	۲۰	۱	۲۰	۱
جدی	۲	۳۷	۲	۳۹	۲	۴۰	۱	۲۰	۱	۲۰	۱
دلو	۲	۴۲	۲	۵۶	۳	۱	۱	۲۳	۱	۲۳	۱
حوت	۳	۶	۳	۱۳	۳	۱۸	۱	۲۵	۱	۲۶	۱

ایام تعطیل رخصتی. رخصتی عمومی بتقریب عید سعید فطر بتاریخ ۵ و ۶ ثور. رخصتی عمومی بتقریب عید سعید اضحی بتاریخ ۱۲ و ۱۳ سرطان. رخصتی عمومی بتقریب محرم بتاریخ ۹ اسد. رخصتی عمومی بتقریب مولود شریف ۸ [illegible] رخصتی عمومی بتقریب جشن استقلال [illegible] ۱ اسد [illegible] رخصتی عموم بتقریب جشن جلوس اعلیحضرت [illegible]

عزم نایب السلطنه هند بانگلستان

اوه ماه است که در سراسر هندوستان افواه
است لارد ریدنگ ایسری هند بانگلستان دفتری
... که در مقام نایب السلطنتی هندوستان
افتخار یافته است. از اینجا که تردیدات این اطلاعات تا هنوز
... گمان میرود که این افواه صحت خواهد داشت
یک پیام تازه مخابره ... مشعر است که لارد
ریدنگ در ماه اپریل ... رخصتی عازم لندن خواهد
... بالا ... هند ... هند در بعضی امور مهمه
هندوستان گفت و شنید مزید و مذاکرات بالمشافه
... در زمان غیابت وی قایمقامی او
... حکمرانی ... خواهد

اگرچه ... هندوستان ... مهم ...
... گفت و شنید ...
... ریدنگ ... نموده ... از ...
... رسیده است ...
... ریدنگ ...
... نایب السلطنه هند خواهد ماند
... بحث و مذاکره ... که ... هر دو ...
... تغیر و تبدیل ...
... اگر در حالت
... هندوستان ...
... وقت ...
... هندوستان
...

تشکر از مدیر جریده حبل المتین

... حبل المتین در شماره (۱۷) سال (۱۱)
روزنامه مقدس حبل المتین ... از فضلای افغانی یک مقاله
... بافغانستان مرقوم شده بود که
... آن ... افغانستان ...

در تجدیدگی نسبت بدان جریده محترم بوجود
بود لهذا حقیقت مجلاً تردیدات آن تا جائیکه ...
داشت پرداخت ... در نمره (۶۶)
سال (۳۳) آن نامه مقدس یک تردید مفصل
همان هرزه سرائی فاضل افغانی از قلم آقای
محترم (دماغ قندهاری) در شش صحیفه
طولانی مرقوم آمده تمام حقائق را در آن
افغانی و زیاده سرائیها ... آن محترم
افغانی بالطبع ... انهام نموده است
ازین حقیقت گوئی آقای دماغ قندهاری حقائق نگاری ...
...

... جوانمرد افغان ... شریف

... آقای محمد شیر خان از شرافت ذاتی و نجابت
فطری خویش بر خلاف این نگارنده کلمات تهذیب سوز،
و الفاظ غضب افروزی را مرقوم میدارد، در اوائل بدان
تشکر افشانی های وی التفاتی نکردیم، و نه اینکه بدان صرف
اوقات میشود. مگر بعد از ملاحظه شماره ۳ جلد ۶ اتحاد مشرقی
تصور کردیم که شاید آن محترم فاضل ... این تکرارها را
خواهش انتظار جوابی را که علاوه بر سکوت باشد، از ما متوقع است
ازین رو مرقوم میشود که عیوب و نقائص و نادانی شخص را
اندازه شود باندازه که خود میدانیم نه دانسته اند.
در موضوع هر قدر شرح و بسطی که بنویسند، در حسرت حسن و صفت
خود می افزایند
عیب پوشش ... خود ...
قارئین ... که جمله تحریرات حقیقت ... ملت
و مملکت و حکومت ... عام بوده است وبس.
آینده ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... محمد شیر خان ...
[illegible]

صورت شرفیابی وزیر مختار ایطالیا بحضور شاهانه

سال گذشته (کماندو میارکی کاتانو پاترنو دی مانفی دی بلیسی) وزیر مختار و نمایندهٔ فوق العادهٔ دولت بهیهٔ ایطالیا به دربار کابل به ایطالیا مراجعت نموده قرار تصویب دولت متبوعهٔ خویش بمأموریت دیگری مقرر گردیده و عوض او یکنفر دیگر بوزارت مختاری دولت پادشاهی ایطالیا به دولت علیهٔ افغانیه تقرر یافته ولی از تصادفات قضائی مشارالیه درین یک زمان فوت و عوض او یکنفر دیگر تعین گردید برای اینکه او هم بلحاظ عارضهٔ پیش آمدهٔ خود التفات وارد کابل نبود. درین اواخر (کماندانور اتونیو کاو گیوزنی) که قریب (۳۰) سال عمر دارد و مدت دراز در مستعمرات افریقای ایطالیا گذرانیده و چند ماه قبل به خدمت (قونسل جنرالی) دولت خویش به ملکه مقرر شده بود و در شئون اقتصاد و تجارت مهارت دارد. بوزیر مختاری و نمایندگی فوق العادهٔ دولت بهیهٔ ایطالیا بدربار پادشاهی کابل مقرر گردیده بتاریخ ۶ اسد وارد کابل گشته و به روز پنجشنبه ۲۲ دلو حسب اصول مقرره تقریظ اعتمادنامه بحضور شاهانه مشرف گردیدند، پس از ایفای مراسم احترام نطقی ایراد نمودند که ترجمه اش قرار ذیل است.

نطق وزیر مختار ایطالیا

اعلیحضرتا! با جنابت احترام از حضور همایونی جسارت [illegible] بعلیحضرتا [illegible] اکتفا

اعلیحضرت متوفی مأموریت (کاموندو ماریکی کاتانو پاترنو دی مانفی دی بلیسی) وزیر مختار و نمایندهٔ فوق العاده دربار شاهی خاتمه بخشیده و از مرحمت جهانبانی نسبت نامبرده [illegible] درین مملکت تشکر نموده تقدیم [illegible] دیگری از نقطه [illegible] جدید [illegible] راجع [illegible] است فارسی ایطالیا [illegible] رئیس الوزرا و وزیر خارجه [illegible] نموده و درین اظهار خوشنودی از [illegible]

و ممتاز باده دل خارجی بمناسبات قلبی موجوده بین ایطالیا و افغانستان اشاره کردند. برای [illegible] فوق العاده مفتخر و مشعوفم که درین وقت نمایندهٔ مملکت درین دربار شاهی انتخاب شده ام. من با کمال [illegible] شنیده ام که روح بشاش و خصائل کریمانهٔ افغان با روح و صفات ایطالیا مشابهت تمام دارد [illegible] که این خصوصیات طبیعی برای ترقی مساعی مأموریت من درین مملکت مفید [illegible] من دارد تسهیل خواهد نمود و امید واثق دارم که [illegible] اعلیحضرت نائل گردیده و با یک روح پاک [illegible] مطمئن میگردانم که تمام فعالیت من در ادامهٔ [illegible] قلبی و دوستی خالصانهٔ موجوده بین ایطالیا و افغانستان [illegible] خواهد یافت و امید دارم که [illegible] حکومت [illegible] کرده ام همین مقصد [illegible] منظور [illegible] من [illegible] مملکت معاون باشد. با ارادهٔ اعلیحضرت [illegible] سعادت و صحت آن اعلیحضرت و خانواده [illegible] و همچنین عظمت سلطنت آن اعلیحضرت و ترقی ملت افغان مسئلت مینمایم. با این [illegible] افتخار دارم که نامه [illegible] از [illegible] اعلیحضرت معظم تقدیم دارم. پس از ختم نطق [illegible] کلمات ذیل را بجواب او ارشاد فرمودند.

جواب شاهانه

جناب سفیر!

از مأموریت شما بسمت سفارت و نمایندگی افغانستان [illegible] هستم [illegible] نامه [illegible] اظهار [illegible] امید قوی است که [illegible] خالصانهٔ دولت افغانستان و دولت ایطالیا [illegible] باشد. من از اشارهٔ [illegible] جناب رئیس الوزرا [illegible] ایطالیا [illegible] [illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بغرض [illegible] کابل گردیده و بعد
شود و بدیگر مقالات [illegible] خطوط ارسال
بگردد، امور تحریر بنگارنده حقیقت ارسال
مقالات و اصلاح و اداره مانند جریده در اندراج
و اصلاح و عدم انتشار آن از او است
اشتراک بتوسط خزاین دولتی و بصورت
نقدی از همه جا قبلا دریافت
میشود. (نگارنده)

برهان الدین کشککی

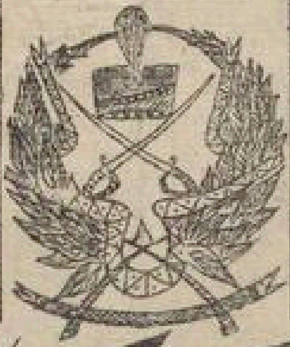

شرح اشتراک

مقامات	قیمت بروپیه کابلی ۶ ماهه	سالانه
[illegible] کابل	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
[illegible] و سفرا	۱۱	۲۰

[illegible] علماء و طلبه [illegible] مجانا میباشد [illegible]

حقیقت

۱۳۰۳

سال اول کابل چهارشنبه ۲۰ حوت ۱۳۰۳ش مطابق ۲۲ شعبان ۱۳۴۳ق | شماره (۹۳)

لایحه اداره مساکین

(۱) برای انفاق و اعانه اشخاصیکه تدارک معیشت خود را بنابر گرفتاری علل و اسقام و یا شیخوخیت نتوانند کنون در شهر کابل و دیگر مرکزهاے ولایات حکومتیها و حکومتیهاے اعلی و کلان مشغول [illegible] هستند بر وفق مواد آتی تدابیر تأمین معیشت [illegible] کرده میشود تا از تکلیف گدائی رهائی یابند.

(۲) کسانیکه گدائی را پیشه خود کرده اند یا اشخاصیکه بنابر علل که در ماده اول توضیح یافته لابد بسوال اختیار کرده اند یا نفری بی گروه قبل میباشند که از روے کهالت بدیگر کار اقدام نکرده گدائی را پیشه و کسب پنداشته از آن مر تأمین معیشت و زندگانی خود را مینمایند مأمورین ضابطه همه اشخاص گدائی گر را خواه ذکور یا اناث باشند اسم و شهرت و محل اقامت و احوال معیشت شانرا تحقیق کرده سیاهه مینمایند. [illegible] تفریق اشخاص صحیح و قابل کار و نفری علیل و معیوب ناتوان ذکور آنها را قوماندانهاے کوتوالی و ازاناثیه شان را عیال و یا یکے از اقرباے قوماندانها و اگر عایله و اقرباے شان نباشد کمیشنی که قوماندان تعین کند درباره شان بروجه ذیل رفتار میشود.

(۳) اشخاصیکه باوجود نداشتن علل و سقامتیکه تدارک معیشت شان شود گدائی را پیشه گرفته باشند هرگاه بیک نوع را اتخاذ نه کرده و بیکار هستند باشند از طرف مأمورین ضابطه تحویل آنها تنبیه و از آنها خط گرفته میشود که بیک کسب شروع اقدام کنند و اگر صغیر باشند باولیاے شان سپرده و از آنها خط گرفته میشود که ایشانرا بمکتب و یا بدیگر کار شروع اشتغال دارند و هرگاه والی نداشته باشند از طرف حکومت بقرار قانون ایتام [illegible] باشند بلکه اداره آنها کرده میشود.

(٤) اشخاص سالم صحیح الاعضا اگر بدون قید اکرام
از گدائی منع و بدیگر کسب مشروع امر اشتغال میشوند بگو
بکابل تا اول حمل بنام انجمن گدایان حکومت اعلی و کلای
تا اول ثور باز گدائی اقدام کنند بجزای تعزیری از طرف
قوماندانهای کوتوالی مجازات می یابند بعد از
مرد ها بکارهای معابر و امثال آن مقرر و معاش
آن کار باو شان داده میشود و زنها انتظار خانه
و اکثار زنانه و اولاد بکارهای مخصوص شان [illegible]
مقرر شوند تا بموجب [illegible] از طرف قوماندانی
و از قوماندانی درخواست کنند مقرر و با اجرت آن
امرار حیات نمایند (٥) نفر یکه قرار ماده چهارم
از طرف حکومت بکار منتقل میشوند اگر باز [illegible]
یک کسب بهتر پیدا کرده بتوانند با اجازه همان [illegible]
که بآنجا مقرر هستند میتوانند که بآن کار شاغل گردیده
کسب معیشت خود را نمایند.

(٦) کسانیکه باین درجه معیوب و معلول باشند که خود
شان تدارک معیشت خود را قادر نباشند اگر اقارب که
کفیل آنها شده بتوانند داشته باشند [illegible] شان [illegible]
اهل محله و یا قریه او سپرده [illegible] آنها بموجب [illegible]
خط گرفته میشود که اسباب معیشت ایشانرا [illegible]
نگذارند و هر گاه یک قریه و محله خورد [illegible]
[illegible] برسد و بر اهل قریه و محله مذکور [illegible]
تکالیف باشد آن قریه یا محله قریب [illegible] مذکور تقسیم میشوند.

(٧) اقارب یکه شرعاً باتفاق مکلف اند. (الف)
زوج بر زوجه بدون اشتراک. (ب) پدر بر اولاد
صغار بدون اشتراک. (ج) پسر بر پدر و مادر و [illegible]
ولادت (د) پسر و دختر برادر و پدر. (هـ)
ذو محرم [illegible] محرم خود [illegible]
[illegible] نفقه میراث مثل خواهر برادر [illegible]
[illegible] برادرزاده، خواهرزاده [illegible]
کرده [illegible] (٨) تدارک معیشت [illegible] فقیر [illegible]
[illegible] اقارب [illegible]

[illegible] جاده ها و موافق [illegible] بهر دست [illegible]
[illegible] وضع اهل جهان [illegible]
[illegible] در سال [illegible] مجالس [illegible]
[illegible] (٩) اهل قریه [illegible]
این فقرا [illegible] امام [illegible]
[illegible] مرکز [illegible]
[illegible] معرفی کنند تا [illegible]
[illegible] شوند [illegible]
[illegible] اهل قریه [illegible]
[illegible] مذکور شناخته شوند [illegible]
مذکور [illegible] قوماندانی [illegible]
معرفی نمایند (١٠) اشخاص معیوب [illegible]
[illegible] باشند [illegible] معلوم شود [illegible]
کوتوالی [illegible] آنها [illegible]
[illegible] کرده [illegible] سالکین [illegible]
از طرف دولت [illegible] آنها [illegible]
اشخاص [illegible] خانه [illegible]
[illegible] از قوماندانی کوتوالی [illegible]
[illegible] داده میشود (١١) در شهر [illegible]
[illegible] آن [illegible]
[illegible] موافقت [illegible]
[illegible] شده [illegible]
هر سال [illegible] کابل و دیگر شهرهای [illegible]
حکومتهای اعلی و کلانی [illegible]
(١٢) [illegible] شریف [illegible]
مذکور [illegible] گردیده [illegible]
[illegible] مذکور [illegible] خان [illegible]
[illegible] از طرف دولت [illegible]
(١٣) [illegible]
مردها [illegible]
آنها [illegible] (١٤) [illegible]
[illegible]

[illegible] ساکنین خانه ترکستانی را مورد حسن نظر قرار داده شود و اداره واقعات [illegible] کار خواهد کرد بدست این امور مقرر به کارکنان [illegible] که از رسوم کامات [illegible] خواهند بود

(۱۶) خوراک این نفر از طرف روز نان شام و نان و ازطرف شب [illegible] شود و یک پیاله دار طرف صبح بطعام نان و چای داده میشود.

(۱۷) برای مرضا بستری تا زمان صحت به شفاخانه حربیه داخل کرده میشود (۱۸) پوشاک آنها در سال دو دست رخت کرباسی و یک کرتی بهاری و یک کرتی دو دانه زمستانی دو جوره پاپوش و دو کلاه داده شود [illegible] رواله آنها سپرده خواهد شد (۱۹) [illegible] در دو سال یک لحاف و یک توشک [illegible] داده میشود. جمله پوشاک آنها از پیداوار وطن خواهد بود

(۲۰) هر زمانیکه موعد عقد تجدید لباس [illegible] شده باشد [illegible] اعاده [illegible]

(۲۱) حسابات واردات و مصارفات این اداره مرتبات دائره ساخته باداره محاسبه مستوفیت ترکستان سپارد (۲۲) اگر از این ساکنین کسانیکه مخل در ترکستان اعزام میشوند تا به اقارب آنها پیدا شود و یا اهل قریه و محله کفالت بعضی کرده بموجب دستور خود تعقیبا کاشته و اداره خانه به آنها تسلیم گردد

(۲۳) نائب الحکومه ترکستان در سال دو دفعه [illegible] احوال این نفری را شخصا دیده علاوه تا باوقات مختلف تا چهار دفعه دیگر هم تفتیش کرده میتواند.

(۲۴) نفریکه حسب مواد فوق لازم اغراقیت ساکین خانه ترکستان جمع نمایند نائب الحکومه و حکام اعلی و کلان حکام شخصا از اغراقیت شان تعداد نفری را برای نائب الحکومه ترکستان اطلاع میدهد [illegible] وجود آنها تا [illegible] آنها اداره [illegible]

(۲۵) برای کسانیکه از ترکستان اعزام میشوند از طرف [illegible] [illegible]

کمک بهاری یک کلاه و یک پیراهن و یک تنبان کهنه داده [illegible] معین شده فی نفر داده میشود پوشاک اینها بروفق ماده مذکور در ترکستان از طرف اداره مساکین تهیه خواهد شد.

(۲۶) برای بارگیر و سواری نفری مذکور فی نفر یکراس اسپ کرایی و برای خوراک عوض راه خان فی نفر منزل یکروپیه از قومانده محلی پرداخته میشود.

(۲۷) در حین اعزام نفری مذکور از قومانده محلی از دوایر چهار نفر سوار از [illegible] کوتوالی همراه آنها مقرر و یک مکتوب حواله که اسامی ساکین با محل اقامت و شهرت شان مندرج باشد بنام نائب الحکومه ترکستان بدرقه سواران مذکور مرسل میشود تا مامور مساکین خانه حسب مکتوب نفری مساکین را داخل مساکین خانه نموده مطابقت و تعداد یک خط که عوض راه نفری مذکور بر عهده سواران کوتوالی است.

(۲۸) بعد از نشر این لائحه در شهر کابل و دیگر شهرهای مرکز نائب الحکومگی و حکومتهای اعلی و کلان گدائی موقوف است هر شخص که گدائی کند از طرف مامورین ضابطه گرفتار کرده حسب مواد فوق درباره اش تعمیل میشود.

(۲۹) در اجرا و تطبیق مواد لائحه هذا وزارت داخله مسئول است ۲۸ دلو ۱۳۰۲ [illegible]

توشیح محمد علیحضرت غازی

حقیقت :- این لائحه سراسر از خیال اصلاحات مفید و شاهکاریهای وحید عصر فرخنده حضرت ذات گرامی لطف تاریخیه از قرون باقیه نظر ولیعهد اینها بخاطر نداریم و نام نامی و اسم گرامی علیحضرت معظم و بامیر امان الله خان را [illegible]

[illegible]

فرمان همایونی به تقرری نیابت آقا غلام محمد خان

[نومره ۱۱۳ تاریخ ۲۱ حوت ۱۳۰۳ هجری شمسی مقام حضرت اعلیحضرت ...]

عموم منصبداران و ماموران و کلانان و ... رعایا

سمت جنوبی! برای اجرات امورات اداره
جنوبیه ملکی و عسکری سمت جنوبی (... بخش)
غلام نبی خان را که تا این وقت بمملکت افغانستان
جز از خدمات شایان و خیالات بهبود خواهی
خود شوق و جز از حیثیت کاررواني و خدمات
لایق نقدیر پدر مرحوم او غلام حیدر خان سپه سالار
که در زمان سلطنت جد امجد حضرت ضیاء الملة والدین
مرحوم بدولت متبوعه خود ابراز داده طرف اعتماد
و اعتبار سلطنتی واقع گردیده از خصوص منصب
نائب سالاری معتمد و برتبه قوماندانی عسکری و حاکم اعلای
سمت جنوبی مقرر نموده با اختیارات کافی و
هدایات وافی فرستادم که عامه اجرآت امورات
حکومتی و اصلاحات احوالات رعیتی آن ولایت را
بطور خیر خواهانه اصلاح کارانه تصفیه و حل بارده
بر شما عموم رعایای سمت جنوبی امر و
ارشاد میدارم که معزی الیه را بعد ازین نائب
سالار و قوماندان و حاکم اعلای سمت جنوبی
دانسته حسب و امر و ارشادات او رفتار و تعمیل
و آنچه راجع بامورات دولت و ملت و احوال ... است
مشار الیه خیر و بهبود ملاحظه نموده بحضور عرض نماید.

[رطبق مضمون رشادت مشحون که فرمان ... ... خود جناب
... غلام نبی خان نائب سالار و حاکم اعلی سمت جنوبی
و دیگر ... ... معزی الیه
شرف اصدار یافته است ... ...]

در وزارت خارجه

آقا سلطان احمد خان ... ...
شغل منصبداری ... ...

بامورات ... ... خدمت ... ...

سعادت ... ...
... ...

نطق شاهانه

[از نطقیست که حضرت شاه خانم صاحبه ... شاه خانم ... ...]

جلوس اعلیحضرت غازی در ... ...

خانمهای محترمه! با دا ... ...

این مجلس سعادت که بوجود شما زیب ...
جشن سال (۷) استقلال دولت متبوعه ...
که اعلیحضرت غازی پادشاه محبوب القلوب افغانستان
از بدو جلوس میمنت مانوس خویش تحصیل ...
و استقلال افغانستان و ملت نجیب افغان ...
از لطف معاونت خداوند توانا بنعمت عظمی
و مقدس عالی آزادی مالک ملت خود ...
شده اند و بمناسبت این یوم مسعود که ...
و شان است همه ما و شما این جشن عالی ...
عزیزه تان ... باد. گمان نکنید که خدمت
وطن تنها بر مردها واجب است و بس! ...
باید بوطن و مملکت خود حتی الوسع خدمت ...
چنانچه با وائل اسلام زنها ... و ... ...
معاونت ها نموده اند و خدمات شایسته ...
نشده آمده زیب صفحات تاریخ اسلام است. ...
تعیش و تن آسانی خلق نشده اند و شما باید ...
با خدمت و معاونت بوطن و ملت خود ...
نشود الا بعلم و کمال. عزیزه ها من ...
علم و کمال نمائید. ... ... اسلامی ...

حالا بالطاف خداوند تعالی و ...
ملوکانه پادشاه غازی خود ما مالک استقلال ...
مقدس خود شده ایم همه ما از صمیم دل ...
سلامتی وجود مسعود این حامی ملت افغان ...
کشاده میگوئیم «زنده باد حامی ملت افغان ...
امان الله خان» — پاینده باد استقلال ...
افغان و افغانستان — باقی از درگاه ...
حکیم کریم عاطفت پادشاه معظم خود ...

مواد اعلان و ضوابط نشر

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در کابل هر هفته نشر شوده بدیگر مقامات و در بلاد خارجه... مقالات و امور تحریریه بنگارنده حقیقت ارسال مقالات داخل در اداره مانند جریده و اصلاح و عدم انتشار حق اداره است اشتراک بتوسط خزائن دولتی و بصورت نقدی باز همه جا قبلا دریافت میشود

(نگارنده)

برهان الدین کشککی

نرخ اشتراک

مقامات	۶ ماهه	سالانه
کابل	۵	۹
ولایات	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
...	۱۱	۳۰

برای مدارس و اداره علماء و طلبه...

حقیقت

۱۳۰۴

سال اول | کابل شنبه اول حمل ۱۳۰۴ ش ۲۹ شعبان ۱۳۴۳ ق | شماره (۹۴)

جشن جلوس همایونی در سمت جنوبی

در (۹) حوت ... کوهی قریب ... بریکطرف مرحوم ... با بیرقهای سرخ و سفید و زرد ... (کمپ) بانظم و سامان ... و ترتیب اصول خوب ... (یعنی خود ...) انتظام اجتماع موقع انتظار گرفته ... (یونی ...) بجایه ... بابیرقهای ... وضع دلنواز ... شان و شوکت ... مردان سمت جنوبی بطرز ... از طرف ... در جناب ... شان ... در سمت ... طائفه ... گرده ... شان ... مخصوص خود ... از طرف خود ... ترتیبات و ... عسکری ... موضع ... عسکری ساخته ... بموضع مخصوص خود جا گرفته اند!! در وسط این موضع ... شکل ... رنگ ... منظم آرایش ... مخصوص ... خود بمقابل ... سلیقگی ... تماشائیان از خورد ... از هر طرف چون سیلاب از هر طرف ... هر فرد افغان با کمال مسرت ... نمایان بیکطرف

... بهدف مضمون ... برادریم ... این کوه موضوع ... کانه تقسیم یافته و گروه گروه کارآزمایش مفتشین عسکری با ... حاضر ... از این یک منظره نمایش ... از طرف افغان و سپاهیان معلوم دارد است. بدیگر سمت ... جوق ... جوش ملی ... در جا ... تماشا مینماید. بدیگر جهت سواران با اسپهای ... گوه ... بدست با وضعیت مردانه و صولت شجاعانه ... میدان ... گرم و استعمال نیزه ... در ... تماشا مینمایند. بدیگر طرف یک جمعیت سواران بر اسپ ... سپاهی ... نیزه ... وضعیت ... از ... میدان ... ترکستان ... (بز کاشی) برسم و رواج اهل ترکستان ... مهارت و شطارت ... فوق العاده شان ... بز ... از ... نزدیک گرده بدست ... بزرگ ... بقاعده ... در ... از هر طرف سواران ... چنگال ... گوساله ... سوار ... یک عالم ... فوق العاده ... حقیقت این ... سواران

ملکی و حبار و در سوار کار میخواهد باید موضع موزیقه های
عسکری توانند شادباد استقلال که فی الحقیقت روح افزا است
مترنم و از هر طرف صدای آخواندن تا بلی بلند بست.
لطف که هر گاه این میدان بیست بعد از مروز را قبلی جناب
نبی در برقصاحبه بیست شان گر صاحب منصبان شجیع فغان
از هر کدام نسبت. خدا کاره تا یکم بذات بادشاه خود نموده و نظر
عموم ملت را از طرف خود جلب کرده اند چو کنها ترتیب یافته را تماشا
میکنند و در بین تماشاچیان زمزمه ملت بعضی از خوش و صحبی درمیخ
از نیک اخلاق دیگر و بی از جمع مردان و الطوار تحمیل این شاهزاده گرنخن
باعث (۱۰) اقوام بنگی جداجا گر برای عملیات کاری را بادها قوت العطف
خود شاه نشانه را مصار که دولت خیال مقابله را بادشمنان افغانستان
ملت عزم و اراده کرده اند در المره حاضر بلند و در شهداء اشتا
جوش و خروش شور و ابتهاج بر آمدند تصدای ملی خود بنوا مینی
با هزار آوازه و نغمه بر اظهار شاد باد استقلال کرده و در دل شان بحسه
آهنگ آتش گرفت این جوانان نقارنا کنند چیره ها گلگون
با لباسهای موزون کابل با دور از براق بیک جوش بی اختلال سرا
کرده آتش نمودند حاضرین و تماشاچیان بی از این حرکات شیرین
قوم خود حظ برداشتند...... بعضی از آنها که آن شان مرده
منتظر از طرف وزیر صاحب حربیه بحکم امیر داده شده افسران بدون
آماج شروع کردند و مسافه ۵۰ متره در بدر رانده بوضعیت
برو آمدها میشد و هر کدام با انعام مقرره خود از حضور وزیر صاحب
نائل میشدند. نظربه بروگرام خصوصی وزیر صاحب حربیه که ترتیب
بود درین اندازه نشتر جنگی، نیزه زدن، نیزه بازی، شمشیر
سواران شاهی سوم آن اقوام مختلف اقوام منگل، جدران، حتون
زی خیل جدران، کیا خیل لندنا، ملک من خیل جدران، شهاو الدین خیل
جدران که هر کدام از قوم مذکور برنگی و نوعی آن کرده مظهر تحسین
و آفرین حاضرین میگردیدند. تقریباً ۶ و ۷ هزار عسکری و ملکی در این
محفل سرور حاضر و شامل بودند... آیا این سرور و شادی
بر آنچه دو دسیله از دحام جمعیت بی بی القوم اجتماعیت امروز
مقدس ترین روز ملت نجیب افغانیت امروز روز جلال استقلال است
امروز آغاز سال ... بزرگ بیرای اعلیحضرت امیر امان الله خان
ملت افغانست. امروز یادگار رهبان راه حقیقت که رحمت ...

دیدهٔ افغان را بیست شعرت و شهنا بادشاه غیور غازی خود برای آزادی ...
این ملت نجیب نزد درخشش تو لیک نیزه با بیران عالمگیر خود حاصل کرده
سایه آن شجیع علم و پرچم افغانیت را تحت توجهات ملوکانه و با ...
تنها نموده اند امروز یادگار یکه تاریخی افغانستان بیست. امروز
یک کرسی شجیع افغان بزور بازوی خدادادی با همه تحت العقول مکری قرار بست
خاندان آن گروه خائنین و مجرمین را کاملاً آ ناسخ کرده اند. امروز روز ...
پیشه بر قلاده حکومت خود گونه گون ... ملت نجیب خانه ...
خاک افغانستان و اندگره حقیقت بی سر نظر شاه نمودار و جلوه بی شاه را ...
نمایند و خدمت شان را از انظر حجم الفطی اعلیحضرت غازی منظور ...
جا بای خود اکسته اند این شجاعو جست کسی نظر به اخلاف ...
و امروز در محفل سرور و صبا جشن و جلوس بی شاه محبته القوم ...
و افغانستان گر. و از نه دل و جان بادشاه ملت پرست خود دعا ...
گرده و ادا مینماید بحث بیشمانی میکند. حقیقتاً امروز بسیار ...
که محاربات شاه غیور ما اعلیحضرت محمد و دو سال ده (۷) سال کی
انقلاب مهم ملت را اسمون که فیصله ساخت مجبور اگر جهانیان تا ...
عساکر یار دعا ایشان گرده میکنند - تا امسال (۴) ساله استقلال و شادباد ...
به تا مانند بیرون عکس مستقل عساکر نظام و وسیع خطا ...
بعداً ما تعلیم قطعنامه نطق که مولانا را ابراز فرمودند که نمود و ...
اولاد ما مجبور اعلیحضرت و برادران عسکری ...

نطق

سالی خجسته جلوس استقلال را به شما مبارکباد ...
امروز یک روز مبارک و شادی ما است که تحت ... و شهامت بست. امروز
در صفحات تاریخ افغانستان عزت و شوکت آن ملت جشن استقلال است ...
امیر امان الله خان غازی روحی فداه بکاره جوش و جانفشانی ...
نشان عساکر ... ما یادگار دارند بر نشست ... امروز یادگار جاوید ...
علم ... افغانستان و یگانه حامی دین مبین اسلام اعلیحضرت ...
استقلال افغانستان را که مستقل ساخته ... از حس سانه کرده عزت خود ...
افتخارات گردانید. امروز روز که محبت و شجاعت آن حامی ...
محترم عمل میکنند. امروز روز که عساکر ... ما ...
که امروز گذشته که آن افتخارات با محمود و لاقدرانه ...
گرچه شما عساکر خود ... جست و فدا گذار خود بعد از ایار ...
با شجیع ... کاروبار ساده و اعتقاد و حس عزت ...
بیگانه ... و انتخاب کنید. با آن ... جمعیت ملی ... ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 495 of 524

[illegible] شاه و سینه ما پر سرور و بهجت انجا ایستاده اید.

[illegible] حرکت اگر ما [illegible] در مملکت نابوده و از عمارت جبل [illegible] مردم و [illegible] دفع با عتبار حال تحمل مشقت [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible] در شب روز آرام و راحت نکرده [illegible] ما از کارهای خود باخبر بوده و برای امر [illegible] شما ایستاده [illegible] خود [illegible] آسایش و سعادت [illegible] ملازم برای شما اوامر صادر کرده [illegible] بعضی از [illegible] دور [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible] از مملکت عزیز [illegible] شما [illegible] اعلیحضرت غازی [illegible] خود [illegible] احوال شما باخبر بوده [illegible] احترام شما [illegible] عزیز خود [illegible] اعلیحضرت [illegible] ملت عزیز شاد [illegible] سمت جنوبی [illegible] اهالی سمت جنوبی را اعلیحضرت غازی مثل فرزند خود دوست [illegible] مصیبت [illegible] وارد آمد از دست خود [illegible] پادشاه متبوع [illegible] اعلیحضرت [illegible] فرزند [illegible] پدر خود بوده [illegible] ونشان گشاده است.

حقا پادشاه ما اعلیحضرت متبوع مقدس غازی ما [illegible] اسلام و ترقی خواه اسلام و پیرو شریعت محمدی صلی الله [illegible] وقت گرانبهای خود را [illegible] کلمة الله صرف مینمایند [illegible] زنده باد اعلیحضرت غازی، پاینده باد [illegible]

(از ان افغان)

رونق افزائی اعلیحضرت غازی بسمت مشرقی

بسفر رفتنت مبارک باد
بسلامت روی و باز آئی

رفتن شاهانه بسفر مشرقی با امتنان و اطمینان دل و خرسندی پیروزی علی الصباح روز پنجشنبه ۲۹ حوت ۱۳۰۳ ذات ملوکانه بسواری موترهای سرعت رفتار رهسپار جلال آباد گردیدند.

حسب معلومات موثقی که نگارنده را درین موضوع بدست آمد اعلیحضرت غازی در سمت مشرقی محض جهت تفریح صرف اوقات نمیفرمایند بلکه علاوه بر بازدید کارهای حصه مشرقی که متعلق بملاحظه ذات جهانبانی است با آن قوای قومی و نوجوانان سمت مشرقی را که بیک تعداد کافی بمعیت آقای علی احمد خان رئیس تنظیمیه مشرقی از راه حاجی و جکی در استیصال غائله سمت جنوبی بذل مقدرت و داد مردانگی را داده اند نیز شرف ملاقات میبخشند. و بهر نوعیکه لازم انگارند در ترویج احوال شان ترغیب میفرمایند.

درینجا کارهای عادی مرکزی را حسب معمول هیئت عالی وزرای افغانی برطبق نظامات دولتی تا هنگام تشریف آوری موکب خسروی در کابل قرار است، اجرا داشته، مسائل مهمه را نیز بمجلس وزراء اجرا میفرمایند که تحت صدارت حضرت عالی آقای عبدالعزیز خان وزیر وکیل وزارت حربیه شرف انعقاد خواهد یافت.

حقیقت: - با این فراق موقتی شهریار غازی [illegible] بر خود [illegible] دوست [illegible] این سفر خیریت اثر صحت مزاج [illegible] وجود مسعود [illegible] شان [illegible] العافیة [illegible] مراجعت فرموده [illegible] کابل [illegible] وجود مبارک [illegible] جانثار [illegible] عقیده [illegible]

خوش باش ای وطن که بامید خود رسی

[illegible]

یاد از دمی که حضرت خورشید مرتبت — دانا دل ستوده سیر شیر روزگار

این جاهلان فتنه صفت را بلطف خویش — خواهش نداشت آنکه شوند بچه خوار و زار

بالعکس از شرارت خود باشدند علم — چون عنکبوت دام حیل کرده استوار

تا آنکه تیغ یافت ز شاه حکم اقتلوا — سرهای شان گرفته مقامی بنوک دار

یک تن نماند باغی و طاغی برای نام — الا که دو تابع و منقاد شهریار

افسوس و حسرت است برین قوم بدسرشت — افسوس بر جهالت این قوم غم دچار

مینا شکست باده عشرت چرا شدند؟ — کافتاد در جمعیت شان فقر و انکسار

خوشباش ای وطن که بامید خود رسی — از جد جهد خسرو غیور کامگار

گلهای علم و فن دمد از خاکت آنقدر — کز بوی وی شمیمه عنبر شود حصار

خار جهالت از کف پایت شود بدر — شیرین شود دهان و رخت سرخ چون انار

طیاره بهر دیدن هوای تو پر دهد — برق از تو یافت روشنی و عز و اعتبار

موتر اگر بخاک تو دل را نداده است — از چیست گردشش بره‌های خوشگوار

شد تلغراف گوش تو ناطق ای وطن — شد سیم تیلفون تو افشا بهر دیار

فرزندهای ارشد تو بهر علم و فن — در ملکها نموده بجود مسکن اختیار

اکنون که مرد صاحب عزه و شرف توئی — آزاده باش در طلب نفع کار و بار

اندر تجارت تو ترقی نو رسد — هم از زراعت تو منافع بی شمار

تا حاصلش مخارج جیش ظفر شود — عسکر نژاد ملت ما شیر شرزه وار

سرور ترا چه حد که زبان میکنی دراز — بگذار این معامله با شاه تاجدار

ختم مقال تو بدعای امیر خود — بر تاج حشمتش دمی لعل و گهر ببار

شاها ز حادثات زمان حق ترا حفیظ — بادا معین شوکت تو رب کردگار

اعوان دوستان تو دل شاد باد و خوش — اعدا و دشمنت بغم و درد و اضطرار

فرمان تو چو جان روانست در بدن — خورد و کلان بقای ترا هست خواستار

عشق تو در سراچه دلهای قوم ما — چون جان بتن رسیده و بنیاد آب و خار

([illegible])

قیمت اشتراک

مقامات	شش ماه	سالانه
کابل	۵	۹
ولایات افغانستان	۷	۹
خارجه	۸	۱۵
...	۱۱	۲۰

حقیقت

برهان الدین کشککی

سال اول کابل ۴ شنبه ۵ حمل ۱۳۰۷ ش مطابق ۲ شعبان ۱۳۴۲ ق شماره (۵۹)

این جریده ... ایام ... کابل ... نشر میشود ... مقالات ... حقیقت ...
و مقالات ... و عدم ... آزاد است ... توسط ... و بصورت
نقدی ... قبول ...
میشود. [نگارنده]

مرجوع قوای نظامی از لوگر

چندی قبل ... لوگر تحت
قومانداری آقای شجاعت نشان جرنیل محمد عمر خان
... بعد از فتح کوتل تیره و ورود آقای
... بکابل ... آقای محمد غوث خان
... در شاه مزار ... اقامت داشتند
... کابل گردیدند روز پنجشنبه ۱۹ حوت حضرت
... آقای محترم عبدالعزیز خان وکیل حربیه
... جلادت ... که در اول بروز این ...
... مظفریات جلادت و جسارات
... خویش برای خدمات ملت و مملکت
... آن اهل بغاوت از کوهستان وغیره مناطق
... شده ... او اخیر ... بیعت ...
... مجبور ... وزارت خویش، بعد از
... رسم تعظیم مفرزه حضرت ... آقای عبدالعزیز خان
... نطق ... و تمجید ... در شرف ...
... سعادت و نیک ... آن ...

مقابل علم ... داد جلادت و افغانیت را داده
در خدمات ملت و مملکت و دولت خود فائز ...
گردیده اند ... آقای ... معظم غازی نشان حاصل نموده
ایراد نموده مطابق آن ... ذات جهانبانی در موضوع رخصت
دادن قوای ... اقوام سمت شمالی و هزاره ...
آن اعلان که در این مورد ... از وزارت حربیه صادر شده
بود بیانات ... افراد عسکری که
مرخص میشوند ... استماع ... ابراز داشته
نطق شان بکف زدنها ... اختتام یافت.
در اثر آن آقای محترم احمد عثمان خان قومندان
قول اردو ... نطق ... حضور وکیل صاحب ... موضوع
خدمات عسکری ... از طرف عسکر ...
رسانید که ... صداقت و اخلاص با دولت و ذات ...
داریم ... آرزومندیم که قطرات
خون خود را ... راه خدا و رسول و دین و وطن ...
... حضرت وزارت ...
... و خود ... همواره ... گوشه

[illegible] گوش [illegible] بخواهد [illegible] برای این [illegible]
و اختیار [illegible] غلامی [illegible]
به قلم [illegible] دولت [illegible] و مملکت خود [illegible]
تا حیات این خدمت با شرف را تودیع میکنم

وکیل صاحب: عمر دیگر شه پادشاه

منایت عموم: —

وکیل صاحب: — (فی امان الله) شما را بخدا

میسپارم — عموم: [illegible]

نماز —

گرفتاری یک ساخته‌کار

(بمکتوب [illegible] اتفاق)

غلام حیدر [illegible] از وجه نقدی [illegible] انجمن ابتیاع
خود [illegible] وزارت مالیه [illegible] از چند [illegible] با طرف
مظنون تلف وجه دولت گردیده از طرف وزارت
جلیلهٔ مالیه محاکمه‌اش اراده رفته بود و مقتضای
نظامات دولت بصورت تحقیقات ابتدائی [illegible]
تدقیق بریاست ابتدائیه محاکمات مامورین [illegible]
راجع گشت. [illegible] محکمه موصوف محاکمه‌اش [illegible]
تدقیق بعمل [illegible] شد. غلام حیدر مذکور [illegible]
قبل خود [illegible] یک قطعه تصدیق [illegible]
[illegible] از بعضی منصبداران نظامی و
[illegible] بدست آورده بود [illegible]
[illegible] دولت [illegible] و [illegible]
[illegible] علیه بعضی [illegible]
[illegible] مراحل تدقیق [illegible]
از طرف محکمه حکم [illegible] صادر گردید [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
عمومی [illegible] در تجلیس عمومی [illegible]
[illegible] دولت برای [illegible]
[illegible] گرفتار شود [illegible] باشد.

خدمتی با داره محترم [illegible] معروض میدارم [illegible]
یکی از شماره‌های اخبار خود لازم جنید [illegible]
[illegible] بعضی ذوات محترم [illegible]
در مقابل آرزو و التماس بعضی [illegible] خود [illegible]
[illegible] و [illegible] اگرچه [illegible]
[illegible] کرده و [illegible] اهمیت [illegible]
[illegible] خطره‌های عظیمی برای [illegible]
[illegible] بصورت تصحیح او [illegible]
کار [illegible] خاطرنشان گردیده [illegible]
[illegible] خود [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible]
[illegible] خود [illegible]

قتل [illegible] استعماری کابل

ساعت [illegible] بجه شب [illegible]
(دهلی) المانی مهندس [illegible]
مهندس طیاره [illegible] قتل [illegible]
[illegible] المانی [illegible]
[illegible] طیاره [illegible]
[illegible]
دوستانه معاشرت داشت [illegible]
[illegible] (دهلی) مهندس [illegible]
[illegible] بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بود [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] سفارت ایران [illegible]
[illegible] دولت [illegible]

... گور ... نماید دکتور ... سفت جدا و لتر موقع
... بیرون ... ساختمان گردید که یکی ... دیگری
... حاجت ... فوری ... شود
اکنون دکتور ... در تحت ... و ... ما
... محبوس ... تفتیش و تحقیق شود که آیا ... واقعی
... جهت دفاع از خود ... مشغول شود
... طور دیگر ... البته ... مراحل
... مقامات ... مطابق قوانین موضوعه
... در باب دکتور ... (امان افغان)

فرمان همایونی بعنوان رئیس تنظیمیه مشرقی

(محرره (۲۹) دلو ۱۳۰۳ موشح بامضاء اعلیحضرت)

... آقای علی احمد خان رئیس تنظیمیه مشرقی
... کار روائی مدبرانه و ... و
فتوحات مجاهدانه شما که در آغاز ... بمنصه شهود رسانیده دشمنان
وطن ... اشرار ... ملک را بیاری
خداوند تعالی و حسن کفایت شعاری ...
... از ضرب ... قشون ...
... مرعوب و مخذول نموده
... را از التهاب آتش
... مغروق و مغلوب ساختند
... متواتره ... ازین اقدامات
... فتوحات ... شما ...
... [illegible]
... و سرفراز ...
... مظفریت و کامیابی
... خواستگارم ... خداوند
... تحریر ۲۹ دلو ۱۳۰۳
(موشح و مختوم ...)

شفقت ملکانه [illegible] معظمه افغانستان

[اوراق] پیامیست که از حضور حضرت علیا ملکه معظمه افغانیه شاه خانم صاحبه در اواخر ماه دلو ۱۳۰۳ بنام صاحب منصبان و افراد عسکری مقیم ... فرستاده شده (نمبر ۱۹۵)

از استماع شهامت و استقامتیکه نظر با صلاح و تنبیه اقوام فضول و طوائف جهول سمت جنوبی ... الآن در معرض امتحان آورده اید قلبم را محبت و حواسم را اشفاق شما احاطه نموده حاضرم که شما فرزندان را بالتبع عنوانم پیام و بجویی و تحسین بنویسم.

ای اولادان دلیر افغان من خوش باشید که این فداکاریها و جانبازیهای شما خاطر حضرت اولی الامر متبوع تان را بانهایت مسرت ممنون گردانیده شجاعت و سرفروشی های شما را تقدیر و مظفریت دلیرانه تان را از خداوند مسئلت و تمنا مینماید. باری من هم غالبیت شما را بر اعداء اشقیا و سالمیت شما را از خداوند دعا و خواهش میکنم ای پسران ... ای افغان من

تحریر ۲۹ دلو ۱۳۰۳

(محل امضاء شاه خانم صاحبه)

نوازش شاهانه صاحبه بعسکر افغانی جدران

[فرمان نمبر ۱۹ مورخه ۲۹ حوت [illegible] به عنوان صاحبمنصبان معظم جدران [illegible]]

فرمان دستخطی ملکه به عنوان صاحبمنصبان و افراد عسکری جدران!

ابراز صداقت و امتحان شجاعتیکه شما درین وقت بمقابل بغاوت شقاوت شعار سمت جنوبی نموده اید برادران و اولاد صادقه تا ایام مسرت [illegible] ایصال و سلام مشفقانه ام را ارسال و اظهار میکنم که ازین مجاهدت و جانفشانی که در محافظت ناموس وطن تان نموده اید رضای خداوند تعالی و خوشنودی حضرت اولی الامر خود را حاصل داشته اید ازین موقع با هر یک از اولاد ملت نجیب احوالپرسی نموده فرزندی و عالیت شما عسکر شیرصولت افغان را از خداوند [illegible] التماس

ملکه ام ای فرزندان غیورمن

ایضاً به افواج گردیز

[فرمان نمبر [illegible] دستخطی ملکه صاحبه به عنوان صاحبمنصبان و افراد عسکر گردیز] از خدمات فداکارانه شما عسکر فاتح و منصور افغان در خاتمه سمت جنوبی که بغاوت [illegible] شده رسانیده عظمت مملکت را با شما جانان [illegible] همت و سربازی و فداکاری کرده اید خیلی از شما اظهار امتنان مینمایم باید بدانید که این خدمات قیمتدار شما سبب رضامندی الهی و خوشنودی حضرت اولی الامر شما گردیده [illegible] منم در اثر این رضامندیکه از شما حاصل کرده ام سلام دعاهای خود را به شما ایصال کرده از خداوند شما اولادهای منصورم را فتح و کامیابی میخواهم

عریضه قوم [illegible] به حضور شاهانه صاحبه

ای ملکه معظمه! ای مادر کریم گستر شفقت پرور عسکر! فرمان مهر لمعان [illegible] و نوازش احوال مادرانه بر فخر و مباهات ما افزوده بهان و شوکت عسکری ما را درخشان نمود عسکرهای جانباز که بمیدان محاربات [illegible] مرام

وار [illegible] داشتیم تحفات [illegible] خود و احترام معظم [illegible] مراحم خود را در عرصه ظهور رسانیدیم خوشنود [illegible] که [illegible] پرورش های ذات [illegible] مروق با مهربانی [illegible] رضای اولیا [illegible] دست این باغیان [illegible] را از ضرب مجاهدان خراسانش و نوک نیزه های خود قطع نمائیم.

ما بدان [illegible] خیانت [illegible] ایم و آن امید های را که اعلیحضرت غازی [illegible] ملت [illegible] ایم تنها به تجربه [illegible] عسکری خود [illegible] های این خیانت [illegible] این همت را [illegible] خداوند [illegible] خاتمه دادیم. با وجود این [illegible] بار از نهاد این قوم بد اندیش [illegible] گذاشتیم، اما عرق رحمت و شفقت [illegible] مهربان [illegible] بدعا های شان [illegible] کرده و امر آن تاجدار اعظم مانع تعرضات های ما گردید.

پس از خدای خویش مسئلت [illegible] که [illegible] دشمنان دین و وطن خود [illegible] اعلیحضرت تاجدار [illegible] جانهای خود را [illegible] و خیالات عالی تاجدار اعظم خود را [illegible] برسانیم!!

با عالمیکه از رحمت و شفقت های [illegible] متسلسل ملکه معظمه مادر محبوب [illegible] هدیه [illegible] آستان مبارک مادر مهربان [illegible] زنده باد پادشاه [illegible] ملکه صاحبه! پاینده باد [illegible] غازی! تا بوده [illegible] باد دشمنان!

امضا

محمد ولی وزیر صاحب [illegible]

محمد [illegible]

خواص نگارش و ضوابط

این جریده مستقل ... مقالات و مکاتیب ... درج ... منشور و بطرز مقالات ... شروط ... تحریریه نگارند حقیقت ... مقالات و اصلاح ... اداره ... و اصلاح و عدم استرداد ... استراک ... نقدی ... منشود. [نگارنده]

برهان الدین کشککی

حقیقت

قیمت اشتراک

	شش ماهه	سالانه
	۵	۹
	۷	۱۱
	۸	۱۵
	۱۱	۳۰

سال اول ... دوشنبه ۱ حمل ۱۳۰۴ مطابق ۵ رمضان المبارک ۱۳۴۳ قمری شماره (۹۷)

طرز پرورش احساسات وطن پرستانه

ابلاغیه شماره (۹۶) حقیقت

بطوریکه گفته شد وطن پرستی شامل یک حس بی غرضی و علاقه به وطن و مستلزم یک عقیده راسخ ... یعنی عقیده به لزوم اشتراک ملی ... احساسات نظامی است.

برای ایجاد آن در ضمیر ... باید بواسطه ... مختصره ... و ... تعالی را برای ابناء ... باید ... تمام ... اساس ... صحیح و مسالمت ... مطالع ... اصول ... وطن ... خانواده ... این طبقه جوانان ... باید ...

نظرات خود را بر حسب ... و اختلاف میزان ... انها ... تقسیم نموده و بهر یک ... ذوق ... آنها صحبت نماید.

بلغات جوان با ... بی سواد بهمان ... بازبان بیان ساده ... بهمان زبان مخصوص خود ... کوشش ... برای فهمانیدن مطلب اسناد و حکایات اخلاقی ... حکایات ... تشبیهات و مقایسات بکار برده ... حتی المقدور از ... انتخاب نماید ... طرف ... است مثلاً ... زندگانی ... ترتیبات کار ... و خرافات ... فقط باید بوسیله ... احساسات ... یعنی از طریق قلب آنها افکار و مطالب را در ضمیر ... تزریق نمود. ... افکار و روش ... خود ... باید ... افکار ... احساسات ...

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 502 of 524

برای نیل بمقصود باید با یک حرارت و اخلاص مؤثری صحبت کند که در اعماق و بطون مستمعین نفوذ نماید حتی الامکان بطور قصه و بالاخره صحبت کرده و جزا صحیح باشد با کمال دقت در آن شرح کارکند که بتواند مقصود را بطور واضح و روشن بیان نماید

ولی لازم است این نکته مهم را در نظر داشت که در موجود تنها ادای خوش آواز کلام و اثر سکته که برای خود تنها بیان کرده و کلمات معنی آن ساحرانه خود را بخشیده اعماق انسان متاثر ساخته یا دارد بیشترین ضمیر حالت و مولت داشته باشد مثلاً کلمه انکار و تعبیر که شخص دامن را در فراگرفته و در تمام دوره وجود حسرات و شفقت آل و آلام خود را بوسیله آنها ابراز داشته تا در کجا با تمام احساس قلب و آمیزش اتصال پیدا کرده و با ین واسطه فقط با چه کلمه که از روح حرارت و زبان ساده خود را شخص صحبت شود بهتر میتوان او را تهییج نمود تا با عبارات پیچیده با این ترتیب بدیهی است که این قبیل تعلیمات و تجلیات باید بیشتر خود حماسه ها آموخته شود و اطلاعات و عبارات آنها سرقدر بیشتر باید داده باشند تا جمعیت بتواند انجام این کار را بکار ازعهده برآید حتی بعضی از آنان باید خود را قبلاً برای این کار مخصوص تهیه آماده نموده باشند تا بتواند بهیچ وجه خارج نرود در این وظیفه مهم و ظریف برای خویش معاون و کاملا معاون خوبی نماید که در مواقع استثنائی مشروط بر اینکه در بین عده آنان ج دارائی موجود باشد که دارا قدرت و نفوذ کلام بوده و اقتدار وقت داشته باشد که بتواند در سپاهی خود را تحریک تهییج نماید محول نمودن این عمل تعلیمات تشجیعیه بکلا، و مرحوم ها در مواقع جنگ لازم علاوه و مفیدی است که از طرف حکما نسبت بعساکر ملی و وظایف این امر از رونگر دد. گرچه بوسیله تعلیمات روحی و اخلاقی ..... بعنوان مثال در جریده ..... عنوان در جمیع دستان رسوخ و حسن رابطه و نفوذ را در شعور در قلب داد و دولی باید دانست که این مسائل تنها نبوده باشند تا شخص با قدرت قوت تمامیه که در میدان جنگ برحسب محافظه شخص موقع آید از برای تکمیل تأثیرات آنها کار ایضاً این وسائل بکار گرفته بسیار است . —

سمعی از ..... وسائل خواندن سرود نظامی و سرود آن ..... است که آلات موسیقی سرود نیز باندازه مؤثر و مهیج است که محفوظ و دراوایل ایجاد اثرات جنگی و تحریک و ازدیاد ازدحام افراد زده و در موقع حرکت بطرف دشمن تمام آن را جنگی و آزمایش مفاخر ملی و لزوم حفظ عظمت استقلال و وطن و ملت را بیاد جانگدازی بگوش آن ..... برای اجتماع ..... آن را اعادت کار کرده و اینها بار حماسه نماید چنانچه عطف نظر به تاریخ حیات ملل نمائیم اروپائیان را کلیه ملل بزرگ عالم از قبیل (روم) و (یونانیها) و داراییهای مرزو، بوده اند. رجز خوانی قهرمانان ایرانی در میدان جنگ برای تهییج و تشجیع قشون در مواجهه دشمن بیشتر از تحریک قشون نمودن و روحی آن بوده است تا جائیکه بعضی از کتب منظومه در بیان دلاوری ضمن حیات و عظمت و قدرت عاید و نفوذ ملی حماسه ها خواست تا در جنگ ها جمع دلاوری یک از دلیران نامی ایران در ذکر مفاخر ملی و قدرت ..... قشون شجاعت برومندی خود در مقابل دشمن بیان نموده حکیم فردوسی علیه الرحمه با اقتدار و طبع سرشار خویش بقسمی مجمل و مجسم نموده است که بی اندازه در تحریک احساس در موقع سماع آن آهنگ شهامت آمیز آن تهییج و تشجیع جنگ و حماسه شجاعان و دلاوران عرب بیش از هر فرد بوده و مخصوصاً عبارات و کلمات شجاعانه اولین سردار نامی اسلام یعنی حضرت علی ابن ابوطالب (کرم الله وجهه) معروف و مشهور است قوت حکایات و روایات تهییج ملی با زبان فصیح و عبارات شهامت آمیز و مجمعین حکایات جنگی و افلاق که اکثر از فنون کشیدند و فتوحات قدیم و دوره های درخشان تاریخ ملی باشند در تهییج و احیا روح عظمتی قشون بی نهایت مفید است تا نقاشی قدیم که تصویر قهرمانان ملی و سید نهایت جنگی و سرداران بزرگ ماده باشند در اطاقهای سربازخانه و ..... اسلام و همراه احترامات ..... نسبت بتربیت ملی و حس ..... حکمت بزرگ آمیز روحی خیلی مؤثری است که عنوان ..... در تمام عموم بیجان ..... احساسات شدیدی تولید نماید .... و ..... این قبیل احساسات غیور را نه ملی در مملکت ..... خواهد شد که نظام اجباری هر روز مزید معمول گردد عموم ملت بوسیله خدمت در ..... در حفظ استقلال و مدافعه وطن شرکت ..... (ادامه) غلام محی .....

[illegible] وکلای افغانستان بنسبت جشن ... سال

... و جوابیهٔ اعلیحضرت امیر امان الله خان

... حضور انور ... سنه ... بنا بر ترتیب سال نو ... بود جشن عمومی ...

... در این ... دولت علیه ... که از روز ... دولت مستقل ...

... دولت علیهٔ ... و توحید ... مجلس ...

... تحصیل ... و ... بیگانگان ... قرن ...

... افغانستان ... از ... حکمران ... و افغانان ... از ... تحصیل ...

... مساعیات عالیه اعلیحضرت غازی ... ترقی خواه ...

... مملکت ... باشد ... بخلاف دیگر دول دنیا بدون استقراض ...

... مملکت کافی و وافی بود همه اسباب ترقیات و تعلیمات ...

... تلغراف و تعمیم معارف و توسیع زراعت و صنایع ...

... عسکریه ... کشیدن ... انهار ... و غیرها تأمین و استحصال میکنند ...

... حکمران است که ... از ... (علم و عمل) ...

... دولت ... رسانیده است ... اخلاص شعار ملت ...

... ذات ... صفات اعلیحضرت همایونی را که همه ...

... وجود مسعود خود را به ترقی و تعالی مملکت وقف فرموده ...

... رفاهیت و آرامی و بهبودی ملت ...

... از حضور حضرت خالق ... آرزو ... و ... عرض ...

... تصدیع خاطر انور همایونی ... معذرت خواسته ... میداریم ...

... ملاحظه شد ... عمومی ... برادر ...

... آن ... اصلاحات همایونی ... معاش ... منظوری ...

... شاهانه ... مملکت ... افغانستان ... تأخیری معاش ...

... بانیکه ذات اشرف ملوکانه وجود مبارکه شاهانه ...

... همایونی ... خالصاً لله تعالی بخدمت ملت و دولت ...

... مملکت ... افغانستان نیز ... یا ... برای تسمیع ...

... مسکن ... تنها ... اشرف ...

... التماس میکنیم که در ... عمومی ... ذات شاهانه ...

... معاش منظور ... شود ...

... التماس ... تصدیق ... عمومی ...

... مسعود ...

... ابا ... در ... افغانیه پاینده و مستدام ...

در ... عموم ملت توفیق استحصال رضای خاطر انور عنایت فرمایند.

تحریر ۲۹ حوت سنه ۱۳۰۲؛ [در عریضهٔ صداقت عریضه بالا بعد

از امضای وکلای تمام ولایات و حکومتی های اعلی افغانستان حضرت عالی رئیس

صاحب شورای آقای شیر احمد خان الفاظ ذیل را تحریر فرموده است]

عریضهٔ ... و ... افغانستان که ...

... بحضور انور ملوکانه معروض داشته اند بحضور مبارک تقدیم ...

جوابیه ع، ج، رس، ع، شیر احمد خان رئیس شورای

دولت ... ملت عزیزم! عریضه که ...

ملت عزیزم ... واردات و مصارفات بودجه سنه ۱۳۰۲

دولت ... با وجود مصارف ... جهان ...

... ملاحظه کردم ... مملکت بودجه ...

دخل و خرج ... باشند ... ترقیات ...

... منظور ...

... مصارفات ... اگرچه ...

در هر سال یک مبلغ ...

...

...

درین دو سه سال که ترتیب بودجه ... (...) ... خود را ...

... مصارف خود ... عسکری ...

... ترقیات زراعت و معادن و عمران ملت ...

... دولت ...

... [illegible] ...

... معاش ...

... دولت ...

...

...

...

...

... ملت ...

...

...

... افغانستان ...

...

... عاطفت ...

... افغانستان ...

ز خود بنال! نه از بخت بد، نه از تقدیر

برنج و صدمه توان صبر در جوانی کرد — که عمر از پس آن عیش و شادمانی کر
خورند مردم دانا غم عواقب کار — نبرد سود کس از فکر نفع آنی کر
بفکر خویش هر آنکس که او فتاد ز پیش — برای آینه تامین زندگانی کر
هر آنکه دل بمشقت نهاد اول عمر — علاج فقر به پیری و ناتوانی کر
بعلم کوش هنر ای پسر نمیدانی — چه دشمنی که به نسل بشر نادانی کر
مکن به جهل و بطالت تو دشمنی با خویش — سپس مگوی که تقدیر آسمانی کر
بفکر مردم بیچاره باش ز آنکه خدای — کلیم خویش کند هر که راشبانی کر
کند خدای بخود مهربان هر دو جهان — به بندگان خدا هر که مهربانی کر
دراز تر ز گلیمت مکن تو پا که گلیم — نمود خویش سزاوار [illegible]
هر آنچه نیست میسر مخواه کانسان را — هلاک عاقبت این خواهش [illegible]
معائب دگران را نیاور د بزبان — اگر بخویش کسی یک نظر نهانی کر
ز خود بنال! نه از بخت بد، نه از تقدیر — که دشمنی تو و این سستی [illegible]
چو سر بسر همه اخلاقی است شعر طبیب — چو حرز جان همه گه از برت توانی کر

از طبع زرنگار حضرت [illegible] ایرانی

شرح اشتراک

قیمت یک کاپی		تفصیل مقامات
یکساله	۶ ماهه	
۱۱	۵	داخل کابل
۱۱	۷	داخله ولایات
۱۵	۸	[illegible]
۲۰	۱۱	[illegible]

[illegible] اساتذه و علما و طلبه [illegible] نگاران [illegible]

قواعد و ضوابط

این اخبار بعد از ایام تعطیل کابل روز [illegible] نشر شود و دیگر مقالات [illegible] ارسال میگردد امور تحریریه بنگارنده حقیقت و مقالات و اوراق واصله در اداره جریده در درج و اصلاح و عدم [illegible] آزاد است اشتراک بوسط [illegible] وقتی حضور نقدی از هر جا قبلاً دریافت میشود [illegible]

حقیقت

برهان الدین کشککی

۱۳۰۳

جلد اول کابل شنبه ۱۵ حمل ۱۳۰۴ مطابق [illegible] رمضان المبارک ۱۳۴۳ | شماره (۹۹)

تقوی و دین هم خصائص اسلام [illegible]

[illegible] اسلام از [illegible] اسلامی [illegible] بسیاری از وجوهات [illegible] و اسباب ذلت و انکسار خود را تقریر و تحریر [illegible] نامسعف و تحریر [illegible] [illegible] از آن اسباب [illegible] کوشیدیم و مردانه وار مثل اسلاف [illegible] ترقی و تعالی دین مبین [illegible] [illegible] خصلت بیکاره ماه

لهذا زیاده تر برا مسلمانان لازم است [illegible] که در [illegible] ظلمت [illegible] عالم اسلام طاری است - از خزائن اخلاق [illegible] و افعال [illegible] اسلامی صرف آن [illegible] و جواهرات [illegible] تلاش و جستجو کنیم که از ان [illegible] [illegible] و ستعاف گردد ـ

[illegible] تیره گشت آب زندگانی
[illegible] جزا بے آن استاد

مسلمانان [illegible] بگشایند [illegible] عبرت دور [illegible] عالم [illegible] بصیرت [illegible] چشم [illegible] در جمیع بلاد اسلامی و در تمام [illegible] که تا [illegible] حضرت [illegible] بود اکنون در آن محلات جمیع مسلمانان [illegible] از نتائج اعمال بدو بال [illegible] موجود و از هر سرزمین اسلامیه [illegible] و بربادی [illegible] برروی [illegible] و روی زمین [illegible] از هر طرف [illegible] لامت سخت و نفرین [illegible] اما افسوس که باوجود این حالات [illegible] خود [illegible] و [illegible] خود [illegible] و [illegible] رسوائی [illegible] خود [illegible] ـ

آخر ای خفته وقت بیدار است | آخر ای مست وقت هشیار است
خبر کرد [illegible] | [illegible] است
عمر [illegible] | [illegible] وقت [illegible] است
[illegible] | [illegible] وقت [illegible] است

[illegible] بیکار [illegible]
[illegible] نیکو [illegible]

ای مسلمانان! اگر شما دوا و صحیح این امراض صحیح بکار دارید پس بعنوان طبیب مطلق و شفابخش حقیقی اطبا رجوع کنید که دوا و سبب اکسیر و علاج و مداوا اش درو بی تقصیر است. در فرقان مجید قرآن حمید بار بار ما را مخاطب بها یا حضرات:

اَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ ، اَفَلَا تَعْقِلُونَ ، اَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

از خواب غفلت بیدار و از مستی سرا الکحول هشیار کرده است. اگر مسلمانان از علت و سبب و علاج اسلامیه که کی آن دیگر است و درست مسلمانان زنده شده آگاه و دانا باشند که خالق دو جهان در قرآن پاک روا ابعاد (؟) [illegible]

[illegible]

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
[illegible]

و بجای دیگر موضع مفسر باید:

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ
(ما بعد از سلطنت اقوام دیگر شما مسلمانان را حکمران و خلیفه گردانیدیم تا که نظر کنیم که شما چه کار روا میکنید.)

و هم خالق برتر بر رسول و حبیب محترم خود ارشاد نموده اند که اگر شما مسلمانان از فرائض منصبی و نیکو کاری اندک تخلف ورزیده غیر را

لیکن در دو جا شما اقوام دیگر را جلیل و حکمران مقرر خواهد کرد و موکد در محل دیگر بندگان خود را چنین مژده میدهد که :

لَا يَرِثُهَا إِلَّا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . خداوند کریم میراث و حکمرانی جهان را فقط از بندگان صالح خود بدیگری نمیدهد

و بجای دیگر خالق برتر مکرراً هدایت فرموده که

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

اللهپاک زمین را خود هر کسی که بخواهد وارث میگرداند مگر آخر کار حق و وراثت زمین کس رد سوای پرهیزگاران نیست.

الغرض که از آیات شریفه مذکوره الصدر سوای این امر دیگر نتیجه بحصول نمی آید که قیام حکومت در میان مسلمانان بدین شرط منوط و مربوط است که صالح و نکوکار و پرهیزگار

باشند و الا عوض شان دیگران بر اریکه سلطنت جاگزین خواهند بود

جان تخت اورنگ دین دادند | نازنینی بار لیست کاین
در عملی کوشش کرد باید بود | کوشش ناپاک طلاکی
گر دولت ارزنی عزت وجود | عزت و حرمت کجی برکن
گر بر یاضت صفت الله تر است | رخش برتر و تاز کی

بعد ازین مقدمه حالا قدری جلب توجه خوانندگان کرام را بطرف حقیقت روزه مینمایم. خداوند کریم روزه رمضان را بر بندگان خود فرض گردانیده و آن ذات حکیم مطلق است برا مرمن از نقص ها که مبرا و از حاجت مبرا است. پس هیچ خلق قول و امر وارد سوای آنکه بر خیر عباد و فلاح و بهبود بندگان معطوف و مرادی نیست خلوص حسن نیت را بکر خیری ازان ... لهذا ... برکات و حسنات و فوائد روزه ... دینی

و منافع که در روزه ماه رمضان برای روزه داران شریعت غرای محمدیه و دلایل طبی و حکمی و عقلی ... است برای مذکره و احاطه ای با فرصت ... یک کتاب جسیم است. مگر از جمله مقاصد بزرگ ... سنگ روزه یک مقصد اعظم تقوی و پرهیزگاری است چنانچه از فحوای این آیه مبارکه که فرضیت روزه ... همین تقوی در علت اصلی و اشتق روزه مبین است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) پس ازین آیه واضح شد که غرض و عبادت فقط تقوی است و پرهیزگاری؛ و قبلاً مرقوم آمد که تکبر پرهیزگاری و ترس خدا باعث قیام حکومت دوام ... اسلامیان است پس دو وراثت زمین برای کل اسلام مشروط است پس! علاج صحیح دوا و درست این بیماری موجوده عالم اسلام و تنزل مقام غفلت و جهل و آلام در تقوی و ترس خدا است ای مسلمانان ... اوامر پروردگار را تعمیل و ترس خوف او را در ... و سعید و از نوازش جرم مرام نشاه ... بوده از عقوبت دار ... و از افعال و اقوال خلاف ... و گردان و از اعمال ...

ای آمدنت باعث خوشنودی ما

ورود مسعود موکب اعلیحضرت معظم غازی از سمت مشرقی بکابل

شکر خدا که موکب غازی ز مشرقی ٭ چون شمس نورپاش بکابل رسید باز

الان ازین قدوم همایون زمین و آسمان ٭ فرحت رسید نعمت دولت رسید باز

بروز فیروز چهارشنبه (۱۲) برج حمل
موکب اعلیحضرت معظم غازی با مع الخیر و الفتح
وارد دار السلطنت افغانی گردید بجهتیکه
در موقع حرکت ذات جهانبانی این نگارنده
مرقوم داشته بود که اعلیحضرت ظل اللهی در ایام
اقامت موکب شاهانهٔ شان در سمت مشرقی
تنها جهت تفریح و ساعت تیری صرف اوقات
نفرمایند بلکه علاوه بر اراده امورات مهمه مشرقی و
[illegible] اعاده [illegible] سپاهیان باز
[illegible] یکتعداد کافی از اطراف و اکناف
مشرقی برای نظامی [illegible] سمت
[illegible] بنا بر مقررات دینی اسلام و احباب [illegible]
[illegible] شان بجمعیت نظامی [illegible]
[illegible] و صداقت و خلوص شان زیاد [illegible]
[illegible] فرموده در نوازش و پرورش آنها بر طوریکه
خیال عالی العالی شاهانه شان خواسته باشند

فروگذاشت نفرمایند — واقعاً اعلیحضرت همایونی در تمام
تماماً با امورات [illegible] بوده علاوه بر آنکه [illegible] همه مرکز
نیز که وقتاً فوقتاً بذریعه موترهای تیز رفتار بحضور [illegible] شتافته
[illegible] اجراء و اوامر [illegible] علی الفور [illegible] ارسال [illegible]
و در اعطای بعضی [illegible] لازمه برای کابینه افغانیه [illegible]
[illegible] نیز فروگذاشت نموده اند — تا اینکه بتاریخ فوق
وارد مرکز دار السلطنت کابل گردیدند و الان کما کان
با امورات سلطنتی بذل مساعی میفرمایند.
حقیقت نظر بدین نعمت [illegible] عرق [illegible]
این شهریار معظم خویش که از مرکز بنام سیر و تفریح رو
افزای سمت مشرقی تشریف [illegible] و در انجا یک لحظه و
یک لمحه از خدمات مهمه مملکت و دولت فارغ نبوده
[illegible] شب و روز در سمت مشرقی بمهمات دار السلطنه
افغانی اجراآت عالی را مصدر گردیده اند میگوید
سعادت آورد [illegible] شب [illegible] خدا عزوجل ناصر و معین باد
گل ریاض جلالت [illegible] شگفته با نسیم [illegible] آرام و [illegible] آباد

در عهد امانیه وطن گشت منور

هر دل که بود واقف اسرار معارف / پیوسته بجان است خریدار معارف
گلهای عجب تازه و خوش رنگ و معطر / موجود و مهیاست بگلزار معارف
نخلیست برومند که از دست خداوند / از غرس درختی برویا ر معارف
علم است که ما ذات همین بار و بر او / خوش آنکه خورد میوهٔ اشجار معارف
بر دل خود عجب نهان وانگه بلند است / از اوج فلک رتبه و مقدار معارف
بر معرفت حق نشود هیچ کس آگاه / تا راه نیابد بچمن زار معارف
آثار تمدن چو جلی است هویدا / اوضاع ترقیست ز رفتار معارف
افسوس به احوال جهان جاهل نادان / سر گرم روی نیست خریدار معارف
بد بخت بود آنکه نصیب دگر قسم / یک اندکی از نعمت بسیار معارف
فرخنده بود طالع آنکس که ز دانا / باشند زره صدق طلبگار معارف
هست ابد آنست که در دهر رسیده / یک جرعه از آن ساغر سرشار معارف
ای [illegible] / چون نقطه در آ در خط پرکار معارف
از بهر حصول هنر و علم لازمست / شایسته سر و مال خود ایثار معارف
زنهار که تا جان بود در بدن ای دل / از دست مده دامن دلدار معارف
مجبور است برای زکه بروای هنر آموز / آور بکف از روی دُر شهوار معارف
[illegible] / بی رونقی بود بسا بازار معارف
لیکن ز عنایات خداوند کنون است / در گلشن ما غلغل و تذکار معارف
خوش بختی ما بین که بعهد شه غازی / ترویج نکو یافته اطوار معارف
در عهد امانیه وطن گشته منور / از پرتو خورشید پر انوار معارف
زود است که این خانهٔ عرفان شود آباد / بر حسب دل از همت معمار معارف
صد شکر که از لطف خدا شاه جهان است / در دولت خود حامی و غمخوار معارف
در هر محل و شهر مکاتب و مدارس / آماده شده بهر طلبگار معارف
یارب بکرم مزرعهٔ دولت ما را / سرسبز بکن از ابر گهربار معارف
ای اهل وطن دست مناجات برآید / از بهر شه داد گر یار معارف
کو راز خدا باد عطا دولت جاوید / هر روز فزون گردد از و کار معارف

شیر احمد ازین نغمه سرا بی خود ابجان / در خیر وطن میکند اظهار معارف

شرایط اشتراک	قیمت [illegible]	
[illegible]	۶ ماهه	سالیانه
[illegible] کابل	۵	۱۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

قبول نگارش و ضوابط

[illegible]

برهان الدین کشککی

حقیقت

۱۳۰۳

[illegible] کابل روز شنبه ۱۷ حمل ۱۳۰۲ مطابق ۱۲ رمضان المبارک ۱۳۴۳ قمری | شماره (۱۰)

ورود ظفر امور

[illegible] افغان [illegible] و [illegible] امیر [illegible]

از سمت جنوبی کابل

[illegible] پشکوتگی و نظامی [illegible] مسرت عمومی نسبت [illegible]

[illegible] سرغنه های [illegible] سمت جنوبی [illegible] و ارسال [illegible]

[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 510 of 524

تقریب این یوم مسعود عموماً اهالی
دارالسلطنهٔ کابل و اطراف و نواحی
آن که علاوه بر قطعات مظفرهٔ افواج
نصرت امواج دارالسلطنهٔ کابل بودند،
اطراف و جوانب سرک را از هر دو،
طرف از حد ده مزنگ (که برای اقامت
موقتی سرغنه های لغات سمت جنوبی
از طرف وزارت حربیه معین شده
است) الی منتهای جنوبی حصار
که تقریباً (۷) میل راه میشود احاطه
کنان با چهره های بشاش و لب های
خندان که از بشاشت و وضعیت بر هر فرد
ملت علائم مسرت و آثار انتقام جوئی
و نفرین گوئی مشهود و محسوس بود
مشغول نظاره بوده ضمناً انتظار
ورود صاحب منصبان غیور افغانی
را داشتند، درین ضمن کشیدن مرقع
ازدحام انام و کثرت خاص و عامی را که باطراف
و اکناف چمن حضوری و جامع عیدگاه
و مقامات قریبهٔ آن موجود بود، از قوهٔ
قلم ما خارج است ۱

تقریباً از ساعت (۸) آمد آمد
احمال و اثقال و مال و مواشی
و دیگر اثاث البیت سرغنه های
لغات بیک صورت منتظم آغاز گشته
مقارن بساعت ده بود که جمعیت
های لغات هر قوم و هر قبیله و هر
عشیره در حالیکه باطبل و بالعدو بیرقهای
و بسیار اکنها محافظین عسکری موجود میبود
و بدست اولین نفر این لغات لوحهٔ
می بود که بخط جلی بر آن اسم و صفت و مرتبهٔ

شرارت آن جمعیت لغات مرقوم شده
بود، وارد شدند.

بهمین ترتیب چندین جمعیت
لغات عبور کنان بمقاماتیکه از طرف
وزارت حربیه برای هر واحد شان
تخصیص شده بود میرفتند.

در اخیر همه سواره گادیها بمعیت
پیرمردان عمر خورده خود شان طبعاً ناشی
آن جمعیت باغیه با لوازم ستر و پرده و محافظ
سواران عسکری در حرکت بودند.

از طرف عموم اوضاع گوناگون
و حرکات بوقلمون این جمعیت، با قطع نظر
اشخاص دلبسته و دور اندیش از دیدن این
حال بزبان حال برین حالت فلاکت اشتمال
شان که خودها را از دست خود و به تحریک
دشمنان ترقی و تعالی خود بدین حال [illegible]
و از انواع موجبات پریشانی ملت
و سوق الجیش دولت را باعث شدند و
بالآخر بکیفر کردار خود گرفتار آمدند، اظهار
افسوس و حسرت مزید بر بی جهالت و نادانی
شان همی نمودند.

عوام الناس و اشخاص بی احساس بمجرد
دیدن آن مجسمه های جهل و غباوت و
هیولای شرارت و شقاوت بانواع
دشنام و داد و دشنام زیر لب [illegible]
میگفتند — عده از مردمان مبهوت و متحیر
و ساکت بوده هنگامی از بدست آمدن
سرغنه باغیان این رهنمایان مفسدان و
اندفاع آتش فائله شرع آور، خود سرانه [illegible]
و [illegible] نموده بدعای بقای
سلطنت قوی شوکت افغانیه که از مساعیات جمیله

http://hdl.handle.net/2333.1/h9w0vvcz Image 511 of 524

[illegible] این مقصد مهم کامیاب آمده اند نتیجه
[illegible]که در اصل مسئله دقیق متنبه شدند و از لفظ
[illegible]قانیت و سلامیت و مجموعیت
[illegible]الات را می نگریستند بی باکانه ،
[illegible]ستند و میگفتند که خداوند زود تر این بر
[illegible] غباوت و دو مزعیف جهالت را از ملت
[illegible]ک ما از عو قریز بهای این شهر ار دور
[illegible]ن کتب ما که نقطهٔ نظر شان تعلیم علوم
[illegible] معارف و سرسبزی ملت و آبیاری
[illegible]ت ست ، دور فرما ، تا مزید این جهالت
[illegible] باشند این خیر و سران بی وجدان
[illegible] جنوبی تشنهٔ ریختن خود شده از ترقیات
[illegible]ات خود خود را عقب نبندارم !

بالجمله مقارن ساعت (۱۱) بجه گران شهر مردان
[illegible] و صاحب منصبان افغانی بعد
[illegible]ری ترتیب نظام و ورود جمیع حقوق شهر
[illegible] رسم تعظیم شان قرار مقررات عسکری
[illegible]ون قشون نظر نمون مرکز بجا آمده با دادن
[illegible]انی و خرمی و نیخ نیخ مسرت و
[illegible] و کف دنیای تحسین عسکر وارد
[illegible]ت جنوبی از طرف عساکر مرکز و جموع خیر مقدم
[illegible] شدند و از طرف صاحب منصبان عسکری
[illegible] هیچی درین موقع بعمل آمده است
[illegible] نمودند درین ضمن نطق نائب سالار [illegible]
[illegible] صاحب احمد علیخان جداً قابل تعریف است
[illegible] عساکر انتظار ورود حضرت وزیر
[illegible] داشتند تا آنکه حضرت ممدوح وارد
[illegible] مراسم تعظیم شان از طرف عموم قوای
[illegible] و اهالی بعمل آمده متصلاً فیرهای توپ
[illegible] این ورود ظفر مسعود شان را تهنیت گفت
[illegible]ن زبان با آن لایحهٔ مختصره که از قلم معظم

افغانستان حضرت عالیه شاه خانم صاحبه بتقریب این
ورود مظفرانه فرزندان غیور و دلیر جانبش
بصورت خیر مقدم ، و مانده نباشید ، قبلاً تحریر
و امضا نموده ارسال نموده بودند که درین موقع
قرائت گردد خوانده شد و جوابیه آن یک جوش
و خروش فوق العاده از طرف عسکر معروض
آمده ختم این نمایش (بعد از لوی سلامی باز رسان
و معاینهٔ عسکر در سمت جنوبی) بعمل آمد.

در اثر آن حضرت وزیر صاحب همراه
معیت خویش وارد قصر عالی وزارت حربیه
گردیدند که در آنجا نیز عموم وزرا و اراکین ملکی
و مامورین حکومتی از اعلی رتبه بمراتب که برای
خیر مقدم گفتن و پذیرائی حاضر شده بودند
اجتماع داشته انتظار ملاقات وزارت پناهی
داشتند ، بمجرد رسیدن وزیر صاحب جمیع
حضار در میدان مقابل وزارت برآمده
حضرت وزیر و باقی صاحب منصبان غیور را
پذیرائی نموده با هم مراسم مصافحه و معانقه را
ایفا کنان داخل قصر شدند در آنجا حضرت عالی
آقای عبد العزیز خان وکیل حربیه یک نطق مختصری
در خدمات عسکر افغانی در سمت جنوبیه و خیر مقدم
این صاحب منصبان ایراد فرموده در اثر آن
[illegible] شیخ محمود سامی پاشا یک لایحهٔ طولانی
که بصورت خیر مقدم در صفحات دیگر [illegible]
حضرت وزارت پناهی و دیگر صاحب منصبان
افغانی و ترجمهٔ عسکر در سمت جنوبی بود قرائت
نمود این نطق ها در موقع قرائت و اختتام بکف
زدنهای بلند و مسرت تلقی شده ، بالاخره این
محفل مسرت اختتام یافت حضرت وزیر و باقی
صاحب منصبان تشریف بپای ذات جهانبانی از
شاهی شتافتند [illegible]

بکف سپار پیچیده عنان علم و هنر

زهی سعادت جویندگان علم و هنر | که می‌کنند حلاوت ز خوان علم و هنر
خدا نموده از آن فرض علم را بر ما | نیست حرف بجز میان علم و هنر
باهل علم عطا کرده رتبهٔ عالی | که بس رفیع و شریف است شان علم و هنر
ره حقیقت و عرفان کسی دریافت | که رفت بر اثر رهروان علم و هنر
بقول مصطفوی از پی طلب تا چین | برو چو مرغ سوی آشیان علم و هنر
کلید گنج معانی مسلمش باشد | زبان هر که بود ترجمان علم و هنر
جواهر دو جهانی اگر ترا است بکار | قدم بزن بره بحر و کان علم و هنر
بود بلند نشین بساط عزت و جاه | سری که خم شده در آستان علم و هنر
توای پدر که شدی بی‌نصیب ازین لیکن | بکف سپار ز پیچیده را عنان علم و هنر
کتاب و لوح و قلم را بنه در آغوشش | که تا نهد اکنونش کامران علم و هنر

بسوی علم رشید احمد است پند بخلق
اگرچه نیست خود از ماهران علم و هنر

	ماهیانه	سالیانه
دارالسلطنه کابل	۵	۹
[illegible]	۷	۱۱
[illegible]	۸	۱۵
[illegible]	۱۱	۲۰

حقیقت

۱۳۰۳

مدیر: برهان الدین کشککی

جلد اول ... ۹ حمل ۱۳۰۲ ش ... ۱۴ ... ۱۳۴۳ ق ... شماره (۱۲)

هست آتش نفاق چو جان سوز آفتی

هر کس که رو نهاد بمیدان اتفاق — بهره‌مند گشته ز فیضان اتفاق

از اجتماع دانه شود خرمنی پدید — سیلاب بحر راست مایه ز بارش اتفاق

یاران گرفته‌اند حلاوت بکام لب — هر جا نشسته‌اند چو بر خوان اتفاق

یک قصر سلطنت نشود قایم الاساس — تا نبودش مصالح و سامان اتفاق

هست آتش نفاق چو جان سوز آفتی — وین آفت از کجاست ز [illegible] اتفاق

ای مومنان بغیرت اسلام خود شوید — در جسم یکدگر همه چون جان اتفاق

کفار چار جانب ما را گرفته‌اند — جستند جمله سلسله جنبان اتفاق

از بهر حفظ دولت و ناموس خویش ما — باید زنیم دست بدامان اتفاق

[illegible]

رسم گذشت عساکر فاتح افغان بحضور اعلیحضرت غازی

روز پنجشنبه (۱۸) حمل از ساعت (۹) الی (۱۲)

در جبین حضور اعلیحضرت معظم غازی آن عسکر مظفر و فاتح افغانی را که در مقابله تعرض و جهل داد صداقت و اسلامیت را در اطفای غائله سمت جنوبی داده بودند بحضور پادشاهی خویش باریاب فرموده و در رسم تعظیم لوکانه و معاینه عسکرات شاهانه یک نطق فصیح و بلیغ طولانی از خدمات عسکری ایراد کنان اظهار دعا از وشان نمودند در جواب لوکا نظر رضا و تهنیت معروضه عرضه خیر خواهی را بعرض رسانند پس از آن که تمام عسکر با ترتیب از مقابل حضرت شاهانه گذشته هر کدام آوازهای خرم بکف زدنهای شادمانی تماشاچیان که حوالی جوانب چمن را صفوف متعلق بوده گرفته بودند تحسین و تقدیر شدند این نمایش با شکوه عسکری اختتام یافت. [در آتیه بعد از آنکه سواد نطق ذات پادشاهی و عریضه حضرت وزارت با ما موصول دست افشان نشد کوائف دیروزه را مفصل خواهیم نگاشت. ف. د]

(کشفیات جدید حیرت انگیز)

(در کوه‌های شمال تهران)

(اعزام مفتشین حکومت ایران)

در ربیع نا آقایان شیبانی و موسیو گیران از جانب وزارت ... و آقای حکمت و یحیی دیگر از طرف وزارت معارف برای تحقیق حضرات امین آلاده دوساره ایران قبلاً

مذاکره آن شده بود مامور شده بودند ... این ها بعضی نقطه چند و غیره و سرداب را معاینه کرده چندین عکس برداشته در راپورت مفصل از تحقیقات خود بوزارت جلیله معارف خود داده

مطابق اطلاع جدیدی که مخبرین داده اند نقطه که بیشتر از همه جالب توجه است تپه کم ارتفاعی است در هزار ذرعی کوه ... که در دامنه آن یک سرداب عریض و طول و گود در تو با سقف آجری بنا شده ، از چندین قسمت دو خمره و اطاق مرکب است.

آجرهایی که بکار رفته بازکرده اند از آجرهای معمولی حالیه و تیغ هم طول از یک نوع مخصوصی است.

گذشته از این در داخل ...

داده است که تپه و فتق را ... زیرپای خالی بودن آن امید بدانند انکه دو خمره دیگری موجود باشد ما از بعضی علمای متخصص ... سند تحریرات و تاریخ قدیم ایران مستند تحقیقاتی ... اعلمی براین است که با نظر کرده ... موسیا جیسا خیلی قدیمی و متعلق به دوره قبل از ... و بعضی بگویند زیر جاده شاهزاده عبدالعظیم ... بعضی اسناد تاریخی بازار ... واقع ... باری چیزی که از کشفیات مزبوره ... عبارت است از چندین قبر که بیاد ... قدیم ... کنده شده ... حکمت ... قبل از ابتدای تاریخ ... در این محل موجود باشد.

از عجایب این قبور ... که اعضا و جوارح ... هیچ وجه عیب نکرده و سالم ... گذشته ... مومیا شده و ... سفید و شفاف ... و اعضا و بالا از ... و این اجساد ... زعفران سفید ... بعضی حیوانات ...

یک کشف جدید

[illegible] مقام [illegible] در انگلستان [illegible]
[illegible] معلومات [illegible]
[illegible] انتشار کرده [illegible]
[illegible] که در کشف [illegible]
[illegible] دنیا [illegible] آورده
[illegible] نظامیان [illegible]
[illegible] اندازه [illegible] ذکر [illegible]
[illegible] طول [illegible]
[illegible] فارق [illegible]
[illegible] از [illegible]

[illegible] دور بگیرد

دیده [illegible]
[illegible] دو [illegible]
[illegible] بیاید [illegible]
[illegible] هواپیما [illegible]
[illegible] نقشه [illegible]
[illegible] دو [illegible] شمه [illegible]
[illegible] فقط [illegible]
[illegible] معلوم [illegible]
[illegible] مثل [illegible] بوده [illegible]
[illegible] نظامی [illegible] حکومت
[illegible] داده و از انجا [illegible]
[illegible] در آنجا هم قرار اول نظامی [illegible]
[illegible]
[illegible] تحقیق این کشفیات عجیب [illegible]
[illegible] عمال [illegible]
[illegible] خصوص [illegible]
[illegible] کشف [illegible] در سایه تحقیقات آنها [illegible]
[illegible] از دنیا [illegible] تاریخ [illegible]

وعظمت مملکت ایران را کاملاً مفتوح بسازد و
[illegible]
[illegible] نخواهد داشت.

اتحاد شرق در مقابل غرب

کار فردا را از دی آماده باش
اعلموا الامس غدا را [illegible]

از سالها بسیار که روز افزون [illegible]
اتحاد دول [illegible] عظیم الشان شرق است [illegible]
اگرچه این موضوع فعلاً در حال ابتدائی است [illegible]
[illegible] اتحاد [illegible]
[illegible] اتحاد [illegible]
[illegible] تمام [illegible]
[illegible] آخر [illegible]
[illegible]
[illegible] خواهد [illegible]
[illegible]
[illegible] شرقستان [illegible] خواند [illegible]
این [illegible]
[illegible]
اتحاد [illegible]
[illegible] هم [illegible] واقع خواهد گردید
[illegible] تردید [illegible]
[illegible] تکذیب میکند [illegible]
[illegible] نمایان خواهد است.

باجملاً اتحاد مذکور عبارت است از عقد شدن
که در جنوبی ... چهار دولت (جاپان، روس، فرانسه و انگلیس)
شده و این معاهده را از بین قرار ده گرفته‌اند رد
و کلاهیر گرد، المان خبر یافته که درماه گذشته یعنی
در شهر ... بین روس و جاپان و چین عقد اتحاد
بسته آمده و چند مواد از آن هم اشاعه داده یکی از آن
مواد این است که اگر انگلیس و فرانس یا امریک منفرداً
یا متفقاً برخلاف چین یا سرحدات آن اقدام جنگ
و ستیز در آیند دولت روس مقتدر است به دولت چین
(۲۰۰۰۰۰) لشکر امداد نماید و ژاپون ... دیده
که هر قدر دولت چین را دران جنگ ... لازم شود
تهیه نماید دوم دولت روس در صدد (۵۰)
حصهٔ راه آهن شرق چین ... گذار کرده
سوم دولت روس کلیهٔ جزیرهٔ سخالین به دولت ژاپون
واگذار میکند و در مقابل دولت ژاپون در مدت
(۵) سال به دولت روس خواهد سپرد چهار کروزر
و یک جهاز جنگی و (۳۰) کشتی ... و (۷) جهاز
چهارم اینکه بندر ولادیوستاک یک مرکز بحری
مشترک قرار خواهند داد و مصارف ساختن این بندر
در حصهٔ (۶۰) ژاپون خواهد پرداخت. پنجم دولت
چین تکمیل (۸۰۰۰۰) قشون در تحت مشاقان
روسی و ژاپونی مرتب خواهد نمود ششم دولت
چین آنچه اسلحه لازم داشته باشد ملتزم است که از روس
و ژاپان خریداری نماید - مدت این معاهده را (۳۰)
سال قرار داده‌اند.
سفیر کبیر ژاپون طرابلسی اطلاع ازین عهد نامه آن تمهید ...
نمود ... صحت و سقم این عهد نامه بحث نمائیم ولی
اتحاد انگلیس و امریک در ... و ساختن ... انگلیس ...
مرکز بحری و نیز ترتیب قانون انسداد مهاجرین
امریک برخلاف ژاپون شده ژاپونیان ... خوش
نیستند ... است برای آتیه خود در کوشش و تدبیر شد

باز روس و عقد معاهدهٔ تجارتی بین این دولت ...
در قاب ... است لحاظ نماید که ...
انداختن ژاپون ... ایجاد ... حفظ ...
و روس سیاسیون اروپا را ... ملت و سلطنت ...
و غرب ... عنقریب ... خصوصاً ... جنگ ...
انتظامات قومی اروپا را ... اندازیم ... باشند ...
و نو چنین اتحادی تاکنون ... شده باشد ...
... نگاشته ایم که پیش از آن ... آمد را ... تمام ...
سیاسیون ... ملت ... اتفاق ...
... قبل از وقت ... هم در اتحاد آمده ...
جغرافیای ایران و افغان و ترک موقع ...
از آن جهات موقع خود را شناسند در آن ...
حفظ منافع خیر خواهی ... خود و ... خود ...
... خویش ... خود ... دست ... و ...
المحروج ... روس ... ملت ... که ...
استقبال خود را حفظ نماید که قبل از وقوع ...
با آمادگی تمام در جلوگیری ... سیاسی ... گردد ...
حقوق حقه خویش ... آیند ورنه در موقع ...
دست و پا خورد الم نموده ... خود در ... خواهد
چنانچه اگر ایران قبل از جنگ ... الملل ...
شده بود امروز مقامی ... از ...
ولی ... سیاسیون عاقبت ... در موقع ...
سیاسی خود را ... و ... طرق ...
یک زمینه دیگر جنگی واقع گردیده و ...
جنگ ... نبود و در موقع صلح ... واقع گردید
بواسطه اینکه قبل از وقت ... نداشتیم
(علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد) حالا هم ...
اتحاد شرق و غرب بمقابله ... که ... وقوع ...
نه شده ... سال ... (۱۰۱) سال ... از ...
آید اگر از حالا ما هم متحد شویم و آماده گردیم ...
... از زمان اتحاد واقع گردیده ...
خویش ... گردیم و ... گران شده جمیع منافع قومی ...

قواعد و ضوابط

این اخبار بغیر از ایام تعطیل در سال ۴۸ نمره نشر
میشود و دیگر مقالات بترتیب منظم ارسال
میگردد امور تحریریه بنگارنده حقیقت
و مقالات واصله در اداره ناشر جریده در اعلان
و اصلاح و عدم انتشار آن آزاد است.
اشتراک توسط خزائن دولتی و لیوه
قیمت از رسیده جا قبلاً دریافت
میشود. (نگارنده)

برهان الدین کشککی

شرح اشتراک

	قیمت هر نمبر	
اهالی مقامات	شش ماهه	سالانه
...	۵	۹
افغانستان	۷	۱۱
ممالک خارجیه	۸	۱۵
وزراء و سفراء	۱۱	۲۰

مقالات از سادات و علما و طلبه.
... ...
... ... شرقی
... ...

حقیقت

۱۳۰۴

بلده اول کابل شنبه ۲۲ حمل ۱۳۰۴ش مطابق ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۴۳ق شماره (۱۰۲)

ذکر موصل و نفت موصل

قضیهٔ موصل و نفط ها ... آنجا یکی از مسائل
معضل آسیای وسطی و مشکل ... بدکرده انگلیس
در ... و ... تا ... مشغول ... و انجمن اتفاق
اتفاق ... برای حل این مسئله جمعیت اقتصادی و
جزافی اعزام گردیده است.

از جواب ترکیه و انگلیس مطابقه و ... معلوم
باسانی معلوم خواهد شد که هر دو دولت جدا
مشغول زمینه سازی هستند که رای مجمع را برله
شان تمام کرده و در صورت عدم موفقیت حکمیت
مجمع را قبول ننمایند.

دولت ترک با ... عضویت خود را در مجمع
اهمیت زیاده است که تو انند به آسانی حکم صادره
را بطرف خود ... نماید. اخیراً عموماً جراید سیاسی
انگلیس ... برای خود را ... قضیهٔ موصل نموده
و اعلان ... میگویند که اگر موصل به ترکیه واگذار
شود نه تنها عراق بلکه عموم شرق وسطی گرفتار سخالت
خواهد شد و ... یک انقلاب عمومی را ... خواهد
دولت ایران ... بقضیهٔ موصل بی علاقه ...
باز از جهت اشتراک که بالطبع در این تغیرات جدید در
نزدیک ترین سرحدات او بوقوع خواهد پیوست
خارج نخواهد بود قضیهٔ موصل در سیاست داخلی
و خارجی ایران فوق العاده مؤثر بوده بیداری ...
نموده ... امروز در آتیه نزدیک نتایج خود ...
خواهد بخشید.

اینست برای تنویر افکار سطور ذیل.

(مورنینگ پست) را ترجمه میکنیم:

ما در عراق از طرف مجمع اقوام به یک ... ماموریت
تحت الحمایه گی تصاحب کرده ایم در ۲۳ ۱۹ ...
عدم توافق ترک و انگلیس در تعیین حدود عراق
نه برای منافع خود مان بلکه برای حفظ منافع
عراق حکمیت مجمع را تقاضا کردیم. در ماه ...
در ساعات آخر سر ... کا ... عصمت پاشا ...
نتیجه قطعی نرسیدند ... به مجمع ... ...

و جمع برای حل قضیه تحدید حدود یک کمیسیونی انتخاب کرده است که مقررات آن برای طرفین مطاع خواهد بود.

تحدید حدود این جهت مقدرات اراضی واقع را که در جوار این حدود هستند تعیین خواهد کرد و لا موصل که از حیثیت وسعت خاک مساوی با مملکت انگلستان است [illegible] است که [illegible] شمار کرد (موندروس) در ید تصرف انگلیس است.

بموجب [illegible] معاهده مذکور [illegible] علی [illegible] بنا انگلیسها نموده است (مسرو [illegible]) تصرف [illegible] کرده است. [illegible] مقدرات [illegible] انگلیسها [illegible] و یهودی [illegible] نموده در این [illegible] کرده [illegible] در شرق و کوه [illegible] تعیین خواهد شد. [illegible] علاوه [illegible] مسائل [illegible] درخصوص [illegible] حدود [illegible] داشته است.

ترکیا [illegible] یک [illegible] نموده [illegible] از حدود [illegible] تجاوز کرده مملکت افغانستان [illegible] عراق تبعید کردند

علاوه برین انگلیسها اهالی این ولایت یکبار اول در سنه ۱۹۱۹ و مرتبه دیگر بسال ۱۹۲۱ برای جدا شدن از عراق و برای تبعیت ملک فیصل اظهار [illegible] کرده بودند

کلیه نفوس عراق امروز بالغ به دو ملیون [illegible] نفوس [illegible] و [illegible] از ۱۹۲۱ [illegible] ولایت موصل [illegible] ششصد هزار بالغ میشود [illegible] ۳۰۰ هزار کرد، ۱۸۵ هزار عربها و ۷۷ هزار [illegible] و ۶۶ هزار ترکها و ۳۰ هزار [illegible] و ۱۷ هزار یهودیها تشکیل میدهند.

کردها [illegible] اکثریت را تشکیل میدهند [illegible] خودشان را کرده و بطور آزاد [illegible] اموال خود شان را [illegible] چون [illegible] در [illegible] حال [illegible]

[illegible] نداشتند [illegible] کرده [illegible] عراق بوده [illegible] دیگر [illegible] ترکها [illegible] آرزو داشتند جزء عراق بوده و مملکت خودشان را [illegible] سوق بدهند!

[illegible] مقدار [illegible] کم است [illegible] ۱۹۱۸ [illegible] حکومت انگلیس [illegible] و [illegible] و [illegible] حقوق [illegible] قدیم بصره و بغداد [illegible] رضایت انگلیسها را جلب نموده است!!!

[illegible] مطابق [illegible] فوق [illegible] آن وقت در عراق [illegible] رخ داده [illegible] نموده [illegible]

[illegible] کابل

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اقدام معارف پرور جریده صاحب او ظاهر ...
[illegible] یک جماعت و درایت عسکریه جلب نموده ...
[illegible] خدمات شایانه شما ... خود فن حربیه ذکر ...
[illegible] حق تعالی این ستاره درخشان عسکری ...
[illegible] معلومات اردوی مقتدر افغانی بدزیر سایه
[illegible] امیر غازی ... در سال ...
[illegible] فرقه مشر ... ارکان حرب ...
[illegible] ضابطان قوارگاه ... دیگر قوماندان ...
[illegible] خصوصیات اجل برادر ... عبدالوکیل خان ...
[illegible] محمد عمر خان فرقه مشر ... محمد ... خان ...
[illegible] محمد صدیق خان فرقه مشر ... فضل احمد خان ...
[illegible] خدمات جانسپارانه که ابراز نموده در تاریخ حرب
[illegible] ... حق تعالی ...
[illegible] برای افواج ظفرمنهاج افغانی ...
[illegible] شجاعت بدارد

اسباب فتوحات حربیه اگرچه بار فرض کنیم ...
[illegible] معنویات ست: قوت تفنگ و غیره. شجاعت
[illegible] ... نظر به حوادث حربیه که ... بند
[illegible] معنویات فوج ... بوده ...
[illegible] اظهار عجز میکنند. چنانچه ضابطان ...
[illegible] شهادت را احراز نموده در حالت نزع ...
[illegible] ... ترک حیات کردند ...
[illegible] ... مرا فدایت باد! ...
[illegible] ... تشنگی ...
[illegible] عسکریه که لازم ... حرب اند
[illegible] ... خصائل محمود ...
[illegible] جریده اردو ... حقیقت اند.
[illegible] خصائل محمود مذکوره ...
[illegible] عسکریه ... الهام کرده ...
[illegible] ضابطان ماست. پس حق تعالی ...
[illegible] ضابطان وقطعات ... در هر میدان منصور
[illegible] شهر ... مظفر و سرخرو بدارد. آن فوج که

باشی خود ما از افسر امیر غازی با شد ... شقاق ومرام
حربیه. انشاء الله ... اظهار و اراده نکند و صدها
خود را در راه خدمت ... بکند. بگروزه با ...
راه از جانب سرکار: قافله ارزاق عسکر با وجود ... راه
دراز را اختیار نموده و بنا علیه ارزاق مذکوره برای جمعیت
فوج بود به سر رسید. این خبر به شهریاری که رسید هم
فرمودند که تا ارزاق به فوج باو لاده به نرسد طعام
برای من حرام است. دو شب و دو روز بعد خبر رسید
ارزاق رسید و در مدت مذکوره ذات شاهانه و ... که
کار از شدت گرسنگی دل شان ضعف میکرد. و ...
مقربین شان برای ... شاهانه اندکی طعام فرمایند
بر قدر که عدد و ... میکردند ذات شهریار قبول
نمیفرمودند. زهی سعادت چنین فوج!

دخیره ... شاگردان مکتب فنون حربیه ...
... محظوظ شاید وعلاوه آن شهادتنا
... صحاف خواندن و خصوصاً با مضامین
جلالتمآبی آن ... بوده ... کرده
شارح حال صداقت اشتمال شان است؛ ...
عرض میکنیم که در کتب؛ اکثراً ...
حوادث میکردیم. به عوض مانده نباشی ... چنین
میگفتم: از زبان من؛ مانده نباشی را آنوقت
خواهید گفت که میدان جمعیت را زده کامیاب ...
باشید. اینک امروز وقت مذکور رسید لهذا ...
مسرور دیده بوسی برای شما رسانیده مانده نباشید
میگویم. و این موفقیات شما را تبریک میگویم.

وزارت بابا! بعضی ... مذکور ...
قدر از ... و تعلیم معارف ... زیاده حالانکه
دقیقانه فکر کنیم ... معارف ...
اولا مقصد حرب ... حاصل نشد. تا بابا اردوی محترم ...
... استخراج کرده
دهنده معارف که ... سیاست لشکر کرده
یک بر ... آن کلاه خواهند فرمود ... خونریزی ...

عائدات المان

از بابت گمرک و مالیات در او اخر ۱۹۲۴ع تا (۹۲ ۷۲ ۳۰ ۳ ۲۹ ۵) مارک طلا بوده است

تجارت ترک و روس

در ترکیه جمعیتی تشکیل شده سرمایهٔ آن (۳۰۰) هزار منات طلاست و نیز (۴۰۰) حصه منقسم است قسمت مهم این حصص از طرف ترک آخریداری شده از طرف روسیه معاونت های مهمی برای ادخال و اخراج اموال التجاره بعمل آمده و این معاملات باصول تجارت کلی اقوام اروپا و حتی با امریکه مختلف است.

قانون تکثیر نفوس ترکیه

این قانون قرار آتی تشکیل شده است: (۱) ترتیب اولاد جزء خدمات وطنیه محسوب میشود (۲) کسانیکه ۴ اولاد دارند فقط خدمات نظامیه در پشت سر عسکر انجام خواهد داد (۳) پدریکه صاحب (۶) بچه باشد از خدمات نظام معفو است این چنین مادر از طرف مجلس ملیه بطور تقدیر نامهٔ رسمی داده میشود.

ازدواج شاه بلغاریه

از لندن اطلاع میدهند که پادشاه بلغاریه خیال دارد (زیر دانا) شهزاده بیگم ۱۷ ساله ایطالوی را بحبالهٔ نکاح خود در آورد.

طیران بافریقه

یک هیئت اعزامیهٔ فرانسوی چندی قبل بریون از پاریس تا دریاچهٔ «چیاس» که در مرکز افریقه است این مسافت را بلاتوقف پرواز نمودند.

عزای لینین

اطلاعات روسیه مشعر اند که روز مرگ لینین برای همیشه روز عزای ملی محسوب خواهد شد.

قشون مصری

از اطلاعات قاهره مفهوم میشود که دولت مصر در نتیجهٔ اعلان استقلال خود از این بعد ملکی بر قوای خود باشد لهذا یک شورای عسکری را تشکیل داده و افرادی قشون مذکور را براصول جدید ترتیب نمایند.

خط آهن ترک

دولت ترکیه در بودجه امسال خود تمام نمودینی برای کلیه خالصجات دولتی در عهد سابق و اسلامبول بفروش رسیده و واجب در خطوط آهن ترکیه توسعات و ترمیمات عمل...

شریف مکه

برحسب اطلاعات جرائد شام و مصر برای انتخابات (شریف علی بیک) عوض پدرش که خلافت مسلمین در کنگره که در مکه منعقد شد ایجاد گردیده است و ابن سعود هم با این نهضت موفق است.

بودجه المان

میزان واردات سال گذشته المان بمبلغ ۹ ملیارد ۱۶ ۳ ملیون ۳۱ ۸ هزار و میزان صادرات او بمبلغ ۶ ملیارد ۵۶۶ ملیون ۸۵۴ هزار مارک بالغ میشود.

(اقتباس از ...)

تصحیح - در شماره (۱۰۰) [illegible]

حقیقت

۱۳۰۲

قیمت اشتراک		
	ششماهه	سالانه
کابل	۵	۹
ولایات	۷	۱۱
خارجه	۸	۱۵
وزیر و امراء	۱۱	۲۰

این اخبار بغیر از ایام تعطیل ... در هفته ... و دیگر مقالات ... بکارکنان حقیقت ... و مقالات ... در اداره ... و عدم ...

نگارنده بهاءالدین کشککی

سال اول کابل دوشنبه ۲ حمل ۱۳۰۲ ش مطابق ۱۹ رمضان المبارک ۱۳۴۳ ... نمبر ۱

الصدق ینجی و الکذب یهلک

کسی که هست بآفاق در سخن صادق | چو صبح گشته مسمی بهر دهن صادق
صداقت است چنان گوهر خجسته که نیست | در آب و تاب چو او گوهر عدن صادق
ازین که طفل گواه کلام یوسف شد | چو بود در سخن چاک پیرهن صادق
ز صدق بنده شود کامکار هر دو جهان | که هست نام خداوند ذوالمنن صادق
رسول گفته که راه نجات هست صدق | خلاص بوده ز هر کلفت و محن صادق
دروغگوی بهر کشور است خوار و خجل | بود عزیز و گرامی بهر وطن صادق
طریق عشق ز پروانه یاد گیر و بسوز | چو او تو نیستی ای بلبل چمن صادق

مقام صدق به شیر احمد الحد الختامی
که باد شهره در افواه مرد و زن صادق

منافع و مضرّات وهم و خیال

و اهمیت خلاقیت آن

خیال با آدم چه میکند

انسان هر خیالی را در مغز خود تخیل نماید آن را می بیند. بلکه بعضی اوقات خیال و وهم آدم را هلاک مینماید چنانچه یکی از اطبای بزرگ فرانسه داکتر (رو) خواست از وهم و قدرت خیال در وجود انسان بداند لهذا تجربه را در حق یک مقصر که محکوم باعدام شده بود [illegible] رفت. نمود آن مقصر را اول گفت امر شده است چشمهایت را بسته نموده و بعد نشتر بگردنت بزنم تا خون از تو برود و تو بمیری و امر داد با دستمال سخت دیده هایش را بستند و بعد هم گردنش را با آلات آهنی خام بدون آنکه مجروح شود با زخم نشتر براو زدند و دلوچه را گرفت در جوی یکی او نهادند و بعد آبی که در حرارت مثل خون تازه بود از آن دلو باو [illegible] بر جسم او [illegible] که او تصور نماید این خون است که از فصد گردنش جاری شده در صورتیکه گردن او را فصد کرده بودند و نه هم خون از گردنش جاری بود بعض از پنج دقیقه ازین عمل نگذشت که مجرم مذکور از وهم قالب تهی کرد.

من جمله در فرانسه یکی از نسوان که از قورباغه میترسید و از دیدن او هول میکرد تا چه برسد بمس نمودن قورباغه با بدن او. روزی که چند نفر از دوستان این زن بیچاره [illegible] را که خشک شده بود بروی انداختند [illegible] گفتند قورباغه است ضعیفه بدبخت

هول مرده [illegible] و هم چنانچه بعضی گفته اند [illegible] هم بهمین وهم از امراض مهلکه نجات داده [illegible] چنانچه مرد یکه مبتلا بضیق النفس بود [illegible] در موقع خواب تنفس براو دشوار رسید [illegible] از رخت خواب برخیزد و در هوای سرد [illegible] بازکند و بخوابد [illegible] که خوابیده بود [illegible] خاموش کرده بود و نیمه شب از ضیق النفس [illegible] خواهش برخاست که دریچه را باز کند [illegible] دریچه باز نشود از شدت تب شکست [illegible] نمودن [illegible] رفت خوابید و راحت [illegible] صبح که برخاست [illegible] شکست دریچه [illegible] است بلکه [illegible] شیشه [illegible] را که [illegible] گمان شیشه دریچه شکسته است [illegible] دریچه [illegible] است فهمید [illegible] دریچه [illegible] است [illegible] در صورتیکه بوده راحت شده [illegible]

تبریک سال [illegible]

امروز تحت ملاحظه شماره اول [illegible] مجله عالیه امان افغان [illegible] شیرین و عبارات رنگین [illegible] از ملاحظه نمرات اخیره سال [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] اخبار داده [illegible] از [illegible] توفیقات [illegible] دولت [illegible] و [illegible] موصوف [illegible] خویش [illegible] الدوام گردد.

میلهٔ غلبه کشتی

امسال میلهٔ غلبه کشتی که در اول هر سال در حمل [illegible] روز دوشنبه (۳) حمل (۱۳۰۴) در باغ [illegible] اجرا شد. مامورین ولایت کابل و بعض وزراء و جمهور مردم حضور داشتند. [illegible] از طرف [illegible] نواخته شده [illegible] زمین حیواناتی را که بکار زراعت خدمت میکنند و محصولات زراعتی را برای نمایش حاضر آورده بودند. ساعت (۱۱) حضرت عالی جناب [illegible] خان والی [illegible] [illegible] راجع به اهمیت زراعت و [illegible] در میلیکه تحت [illegible] بالا است رسم غلبه را اجرا نمودند. بعد از ساعتی پهلوانها حاضر شده کشتی گرفتند [illegible] تا [illegible] مشغول کسب سرور بودند.

دعوت در سفارتخانهٔ ایران

[illegible] (۱) حمل [illegible] از طرف سفارت خانهٔ دولت [illegible] حضرات [illegible] که روز [illegible] (۲) [illegible] آقای رفیع الملک شارژدافر دولت علیه ایران دعوت شده بودند بوقت معین [illegible] حضرت عالی آقای محترم سردار [illegible] و حضرت عالی جناب غلام محمد خان وزیر داخله و آقای فیض محمد خان وزیر معارف و آقای [illegible] خان وزیر تجارت و جناب نائب سالار محمود سامی پاشا و آقای میرزا محمد خان معین وزارت امور خارجه و آقای [illegible] خان معین وزارت تجارت و بعض ارباب [illegible] در این ضیافت حضور داشتند.

انواع شیرینی با میوه‌های خشک و تازه و شربت [illegible] چای و قهوه و غیره صرف کردن [illegible] با نهایت [illegible] تا ساعت [illegible] دوام داشته بود [illegible] بنای رخصت [illegible] کرده رفتند.

آقای حبیب الله خان

آقای حبیب الله خان که در سفارت پاریس

[illegible] حضرت [illegible] شعبه (هندو انگلستان و غیره) وزارت امور خارجه مقرر گردیده برای آقای موصوف [illegible] برای شان خواستاریم.

فوت لارد کرزن

لارد کرزن که از رجال معروف و سیاسیون بزرگ انگلستان بود و در سیاست استعماری شرق ید طولا داشت و عموم شرقیها او را خوب می‌شناختند بدرود زندگانی نمود. جرائد لندن در تعریف او مقالات مبسوطی نوشتند.

در پارلمان احزاب بزرگ او اظهار همدردی نمودند و تمام وزراء لباس ماتمی پوشیدند. تلگرامات تعزیت از هر طرف به لندن رسید. جرائد فرانسه نسبت به او اظهار داشتند که یک مدبر بزرگی بود [illegible] نسبت به فرانسه [illegible] تخلفی اتخاذ نموده. جرائد المان نوشتند که مشارالیه مدبر جلیلی بود و بعد از جنگ عمومی المان را از فشار فرانسه نگهداری نمود.

فوت داکتر سن یاتسن

داکتر سن یات سن از رجال معروف و قائدین مشهور چین بود که بر ضد خاندان مانچو قیام نموده پس از بذل مساعی و تحمل مشاق اساس جمهوریه چین را گذارد. مشارالیه در اواخر [illegible] وفات کرد.

فوت لارد رالنسن

لارد رالنسن سپه سالار و قوماندان کل هند [illegible] چند [illegible] وفات نمود.

یک بشارت مهم

یا کشف چشمه‌های تیل

چشمه‌های تیل که تیل پترول و قیر و وازلین و تیل سوخت وغیره از آن متولد میشود بهترین منبع ثروت دنیا و بزرگترین ما یحتاج عموم عالم است. و دولتیکه چشمه‌های تیل در مملکت شان موجود است واجد بزرگترین ثروت را مالک‌اند. افغانستان که سینهٔ خاک آن از همه انواع معادن مملو است از روی حدس و علامات قابل اعتبار در چند جا دارای چشمه‌ها و منابع تیل است. از چندی است که می شنیدیم در نواحی ولایات چند جا چشمه‌های تیل در زیر زمین موجود است الحمد لله که خبر فوق محقق گردیده که چشمه‌های تیل بسیار مهمی که بعضی مهندسین و متخصصین این فن از مردم خارجه آنرا تصدیق نموده‌اند واقعا موجود است و نمونه‌های آن چندبار تجربه و امتحان شده است.

تیل را هر کس دوست دارد. انسان اگر خود کند می بیند که قسمت عمدهٔ جنگهای دنیا در عصر حاضر باعث عمده بر سر تیل بوده است. انگلیس که موصل را سخت در بغل گرفته است برای اینست که چشمه‌های تیل دارد. قرار یکه شنیده‌ایم بعضی شرکتها برای بدست آوردن امتیاز آن حاضر شده‌اند.

بهر تقدیر این یک مژدهٔ خیلی مهمی است که هر دوست آن خوشوقتی میکند.

جلسات بلدیه

قبل از رسیدن نوروز (ع.ص) جناب محمد یونس خان رئیس بلدیهٔ کابل اعلان نموده بود که در روزهای اخیر ماه حوت جلسات متعددی در ریاست بلدیه راجع به طرح‌های مفیده ...

نسبت به بلدیه انتقاد می‌نماید از ارباب فکر و ... هر کس طرحی و فکری راجع به مسائل مربوطهٔ بلدیه داشته باشند به ریاست بلدیه اظهار نماید. چنانچه بود که از قبل (۲۵) حوت جلسات بلدیه ... عمومی. هر شب علی الاتصال انعقاد می‌یابد و واقعا و معارف و صاحب فکران ... داشتن در هر جلسه حیثیت مهم ... را داشت چنانچه در چند شب اعلیحضرت غازی هم ... کرده تشبثات بلدیه حق اظهار رای دارد ... اذهان افغان تحقیق شده است که در آتیه نتیجه ... بلدیه را انتشار خواهد داد. (ح.ه.ل)

مجلس ملاحظهٔ گمرک

روز شنبه گذشته روز سال ۱۳۰۳ ... سال گذشته (ع.ع) حضرت ... آقای ... یاوران حضور شاهانه از این حیث که در ... کابل را هم الفا فرمانیدند (ع.ص) جناب آقا میرزا محمد مجتبی خان مستوفی ولایت کابل آقای سعدالدین خان قومندان کوتوالی کابل آقای محمد یونس خان رئیس بلدیه و دیگر مامورین ولایت کابل در روز شنبه تجاریان و تجار ... مجمع عظیمی تشکیل میدادند. ... ملاحظه نمودند. چنانچه نسبت به سال گذشته واردات گمرک بیشتر شده بود.

درین مجمع اول حضرت ... صاحب ... موقعی کابل و بعد جناب مستوفی صاحب نتایج مساعی ذات شاهانه و تقدیر خدمات گمرک را بیان و نطقها نموده نطقهای شان ... خاتمه یافت. بعد از آن از جمله تجار ... قرار نظامات مقرره گمرک از حیث کثرت واردات بگمرک مستحق نشان و انعام بودند انعام ...

[illegible]